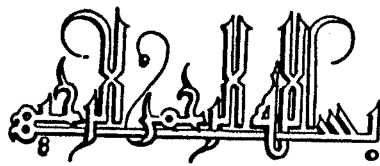


فرهنگنامهٔ قرآنی

فرهنگ برابرهای فارسی قرآن براساس ۱۴۲ نسخهٔ خطی کهن

محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی

فرهنگنامهٔ قرآنی

فرهنگ برابرهای فارسی قرآن براساس ۱۴۲ نسخهٔ خطی کهن محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی

جلد ۲

ت - ش

تهیه و تنظیم

گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهشهای اسلامی

سید محمود خسروانی شریعتی، حسین ادیالباف مقدم

سید حسن مدرّسی، عباس هوتکانی، اصغر ارشاد سرابی و دیگران

بانظارت

دکتر محمدجعفر یاحقی



فرهنگنامهٔ قرآنی

فرهنگ برابرهای فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخهٔ خطی کهن محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی

جلد دوم (ت ـ ش)

تهیه و تنظیم
گروه فرهنگ و ادب
بنیاد پژوهشهای اسلامی

با نظارت
دکتر محمد جعفر یاحقی

حروفچینی متن و صفحه آرایی: بهروز- تهران

چاپ اول: ۱۳۷۲

سه هزار نسخه -وزیری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: موسسهٔ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

حق چاپ محفوظ است

مشهد بلوار شهید منتظری -صندوق پستی ۳۶۶-۹۱۷۳۵؛ تلفن ۵-۸۲۱۰۳۳

كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ

سورهٔ ص آیه ۲۹

کتابی که فرو فرستادیم آن را بر تو با برکت، تا اندیشه کنند

آیات او را و یاد آورند خداوندان عقلها

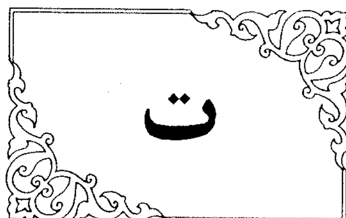
تَدَبَّرُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَاعْتَبِرُوا

فَإِنَّهُ أَبْلَغُ الْعِبَرِ

غرر الحکم

در آیات قرآن اندیشه کنید و از آن پند گیرید، که قرآن رساترین پندهاست

فهرست مندرجات



ت

ت: قَالُوا۟ تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُم (۱۲:۷۳)
سوگند ۱، به ۲۹

~: وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَٰمَكُم (۲۱:۵۷)
سوگند به ۸٦

★ تَاللّه: قَالُوا۟ تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُم (۱۲:۷۳)
بخدا ۲، بخدای ۳

~: قَالُوا۟ تَاللَّهِ تَفْتَؤُا۟ (۱۲:۸۵)
سوگند خدای ٦۱

~: قَالُوا۟ تَاللَّهِ لَقَدْ ءَاثَرَكَ ٱللَّهُ (۱۲:۹۱)
به خدا ۱۱٤

~: تَاللَّهِ لَتُسْـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ (۱٦:۵٦)
بخدا سوگند ۱۱٤

~: تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَآ إِلَىٰٓ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ (۱٦:٦۳)
سوگند بخدای ۵۹

~: وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَٰمَكُم (۲۱:۵۷)
بُخدای ۲، بخدای ٦۱، سوگند بخدا ۹۸

~: قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرْدِينِ (۳۷:۵٦)
بخدای ٦۱

تائبات: مُسْلِمَٰتٍ مُّؤْمِنَٰتٍ قَٰنِتَٰتٍ تَٰٓئِبَٰتٍ (٦٦:۵)
واز آمداران ۱، بازگشتگان از گناه ۱۱۱، بازگردیدگان ۱۱۹، بازگشتگان ۱۲۰، بازگردندگان ۱۲۳

التائبون: ٱلتَّٰٓئِبُونَ ٱلْعَٰبِدُونَ (۹:۱۱۲)
بازگردندگان ۳۹، بخدا بازگردندگان ۵۵، بازگردانده گان ۱۰۹، توبه کاران ۱۱۳

تاب: فَتَلَقَّىٰٓ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَٰتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ (۲:۳۷)
پذیرفت ۱۰٤

~: ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ (۲:۵٤)
بپذیرد ۲٤، به پذیرد ۱۲۱

~: فَتَابَ عَلَيْكُمْ (۲:۱۸۷)
فروگذاشت ۲۹

~: ثُمَّ تَابَ مِنۢ بَعْدِهِۦ وَأَصْلَحَ (٦:۵٤)
بازگردد ٤۲

~: لَّقَد تَّابَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلنَّبِىِّ (۹:۱۱۷)
درگذارد ۲٤، درگذشت ۳٦، بازداد ۱۲۷

~: فَٱسْتَقِمْ كَمَآ أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ (۱۱: ۱۱۲)
بگردد ۷ مکرّر، با از آمد[1] ۵۷، بگروید ۵۸، باز آید ۶۳، باز گشته ۱۱۱

~: إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا (۱۹: ۶۰)
باز گشت از گناه ۸۶

~: وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ (۲۰: ۸۲)
باز گردد از گناه ۵۶، بر گردد ۱۲۹

~: مَن تَابَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا (۲۵: ۷۱)
وا گردد ۲۰

~: فَأَمَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ (۲۸: ۶۷)
باز گردد ۲، بر گشت ۱۲۱

~: فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُواْ وَتَابَ ٱللَّهُ عَلَيْكُمْ (۵۸: ۱۳)
باز گشت ۳۰

~: عَلِمَ أَن لَّن تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ (۷۳: ۲۰)
در گذاشت ۶، باز گردانید ۸۰

تَابَا: فَإِن تَابَا وَأَصْلَحَا (۴: ۱۶)
باز آیند ۵۳، باز گردند ۹۷، باز گشتند ۱۰۴

بِتَابِعٍ: وَمَآ أَنتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ (۲: ۱۴۵)
بَدُم رَو[2] ۲، پس رونده ۳، پس رو ۳۶، پس روی کننده ۴۳، بدم رونده ۵۲، پَس رَونده ۵۵، روی برپی ۸۲، بدُم روند[3] ۸٤، بس روی کننده ۹۵، پی رو ۱۰۱، پیروی کننده ۱۰۲، پی روی کننده ۱۰۳، پی رونده ۱۱۲، پیرو ۱۲۲، پی گیر ۱۲۹

ٱلتَّٰبِعِينَ: أَوِ ٱلتَّٰبِعِينَ غَيْرِ أُوْلِي ٱلْإِرْبَةِ (۲٤: ۳۱)
پس روان ۱، مردی که بخانه اندر باشد ۲، چاکران و مزدوران ۲٤، پی روان ٤۱، پیوستگان ٤۲ و ۹۶، کسانی که اندَر سرای باشند ۵۶، مردی که بخانه اندر بود ۶۱، پس روی کنند گان ۷۲، چاکران ۸۰، خدمتکاران ۸۶، پس روند گان ۹۹، پیروی کنند گان ۱۱۱، پیروان ۱۱۶، پیروند گان ۱۲۳، پیوسته گان ۱۳۶

تَابُوا: إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ وَأَصْلَحُواْ وَبَيَّنُواْ (۲: ۱۶۰)
باز گشتند ۳، بَاز گَشتَنْد از گناه ۵۵، باز آیند ۶۳

~: إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُواْ (۳: ۸۹)
باز گسلند از گناه ۲۸، باز گشته اند از گناه ۹۱

~: ثُمَّ تَابُواْ مِنۢ بَعْدِهَا وَءَامَنُوٓاْ (۷: ۱۵۳)
باز آمدند ۶۳، باز گشت کردند ۱۲۹

~: فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ (۹: ۵)
باز گردند ۳، بازدارند ۱۱۱

~: فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ (۹: ۱۱)
باز گردید[4] ۱۲۷

~: فَٱغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُواْ وَٱتَّبَعُواْ سَبِيلَكَ (٤۰: ۷)
باز گشت نمودند ۱۳۲

ٱلتَّابُوتُ: أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلتَّابُوتُ (۲: ۲٤۸)
تخته ۶۹

تَارَةً: أَمْ أَمِنتُمْ أَن يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ (۱۷: ۶۹)
بَار ۲، بار ۳، باره ۲٤، یکبار ۲۹

---

۱. کذا در متن اصلی؛ با از آمد / باز آمد.
۲. بَدُم رَو / به دم رونده.
۳. بدُم روند / به دم رونده.
٤. اگر خطای کاتب اصلی نسخه نباشد، باید فرض کرد که با توجّه به ضمیر «کم» که در جمله آمده است، مترجم فعل مغایب را مخاطب ترجمه کرده است.

~: وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ (۲۰:۵۵)
راه ۱، بار ۲، یک بار ۲٤، باری ۵۳

تَارِكٌ: فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ (۱۱:۱۲)
هشتارهی[1] ۱، مانندہ[2] ۳، بمگیار[3] ۷ مکرّر، دست بازدارنده ۲۷، بگذارنده ۲۹، رها کننده ۵۱، مَانَنده ۵۵، گزارنده[4] ۵۹، درگذارنده ٦۵، یله کننده ٦۷، مانده ۹۱، دست بازد آشتن ۹٤، گذارنده، دست بدارنده ۱۰۹، واگذارنده ۱۲۲

★ لَعَلَّكَ تَارِكٌ: فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ (۱۱:۱۲)
مگر تو دَست بَداری ۲، بگذاری ٤۱ دست بازداری ٤۲، مگر دست بازداری ۹٦، دست خواهی بازداشت ۱۲۷

لَتَارِكُوا: أَئِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ (۳۷:۳٦)
هشتاران[1] ۱، مانند گان ۳، دست بداریم ۲۲، بجای مانیم ۳۰، دست بازدارند گان ۳۳، گذارند گان ۳۹، دَست بَازْدَاریم ۵۳، بگذاریم ٦۱، دست بدارنده ۷۹، رها کُنیم ۱۰۵، دست بدارگان ۱۰۹، رها کنند گان ۱۱٤، واگذارنده ۱۳۲

بِتَارِكِي: وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا (۱۱:۵۳)
هشتاران[5] ۱، مانند گان ۳، دست بازدارند گان ۲۷ و ۹۰، مانید گان[6] ۳۰، گذارنده ۳٤، دست بدارنده ۳۸، گذارند گان ۳۹، دست بازدارنده ۵٦، بگذارند گان ۵۷، گذارنده ٦۲، بجای گذارند گان ۹٤، دست بدارند گان ۱۱۳، بجای بگذارند گان ۱۲۷

★ [ما] بِتَارِكِي: وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا (۱۱:۵۳)
دست بنداریم ۷ مکرّر، ما دست بنداریم ۲٤

فَالتَّالِيَات: فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا (۳۷:۳)
خوانداران[7] ۱، خُوانند گان ۲، خوانند گان ۳، می خوانند ۳٤

★ لَا تُؤَاخِذْنَا: رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا (۲:۲۸٦)
مگیرا ۱، مگیرْ ۲، مگیر ۳، مَگیر ۱۰، بمگیر ۲۵، مَگیر ۵۵، نه گیران ٦۱، بمه گیر ٦۲، نگیرد ٦۹، نه گیر ۹۰، مَگیر ۹٤، فرامگیر ۹۵، مه گیری ۱۳۸

★ لَا تُؤَاخِذْنِي: لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ (۱۸:۷۳)
مگیر ۲، مه گیر ۲٤، نه گیرانی تو ٦۱، مگیر تو ۹٦

تَأْبَىٰ: يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ (۹:۸)
ناخواهست ۱۱، نافرمانی می کند ۲۷، وامی باشند ۲۹، نمی خواهد ۳۰، سرباز می زند ٤۱، بازنخواهد ٤۲، سرباز زد ۵٦، بازایستند ٦۱، نخواهند ٦۳، بسرباز می زند ۷۹، باز زند و نخواهد ۸۳، سر باز زند ۸۸، سرباز زدند ۹۲، باز زنند ۹٤، ۱۲۷، دور است ۱۰٤، ناخواه است ۱۰۷، سرباز میزنند ۱۱۱، نمیخواهد ۱۲۹، نخواهد ۱۳٦

وَلْتَأْت: وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ (٤:۱۰۲)
گوآی[8] ۱، بیایند ۲، بیایندا[9] ۳، بَیَایَندا ۵۵، باید که آیند ٦۳، بآید که آیند ۱۰۰، آیندا[9] ۱۱٤

---

۱. هشتارهی: گذارنده ای؛ هشتار ساخت خاص صفت فاعلی است از مصدر «هشتن».
۲. مانَنده: گذارنده، ترک کننده، (از مصدر ماندن به معنی متعدّی آن).
۳. بمگیار / بمگذار، رها مکن.
٤. گزارنده / گذارنده.
۵. هشتاران: گذارندگان.
٦. مانیدگان / مانندگان: گذارندگان.
۷. خونداران: خوانندگان.
۸. گوآی: بیا؛ «گو» قید یا علامتی است که جلو فعل امر می آمده است.
۹. گونه ای از فعل امر است، با الف زائدی در آخر.

★ لَمْ تَأْتِ: وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِم بِآيَةٍ (۷:۲۰۳)
نیاری ۱، نیاوری ۹۳

~: أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةُ (۲۰:۱۳۳)
نیامد ۱، نه آمد ٤١، نیآمد ۱۰۰

تَأْتِنَا: وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ (۷:۱۳۲)
آری ۱، بیاری ۵۸، بیاری تو ٦٤، آوردی ۱۰٦

لَتَأْتُنَّنِي: حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ (۱۲:٦٦)
آرید ۱، بیارید ۳۹، نزدیک بازآرید ٦٤، بازآرید ۹٦، آورید ۱۰۰، بیاورید ۱۱۱

تَأْتُوا: وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَن تَأْتُوا الْبُيُوتَ (۲:۱۸۹)
درآید ٢٤، اندرآید ۲۹، دَرشوید ٤٠، بیایید ٥٢، آیید ٥٧، درآئید ٧٥، بیاید ٨٢

★ لَا تُؤْتُوا: وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ (٤:٥)
مدهید ۱، مَدهید ۲، مه دهیت ۳، مدهَید ۱۰، وامدهی[1] ٢٤، مدهیت ٤١، ندهید ٥٣، نَمی دهَید ٥٥، نه دهید ٦١، فرامدهید ٦٢

تَأْتُونَ: أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا (۷:۸۰)
می کنید ۱، آیید ٢٤، شما می کنید ۲۷، همی آئید ٤٥، می آرید ٥٢، می آورید ٥٧، همی کنید ٦٢، می آید ـ میکنید ٦٧، می آئید شما ۹٦، میکنید شما ۱۰۲، شما همی آیید ۱۰۷، فرازآیید می بیارید ۱۲٤، همی بیارید ۱۲۷، بجا آورید ۱۳٦

~: إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً (۷:۸۱)
می آیید ۱، همی فراز روید ۲، همی فراز رویت ۱۰ مکرّر، می کُنید ۲۷، فراز روید ٤٢، بیائید ۹۲، همی فرآزآیید ۹٤، فراز بروید ۱۰٥، شما می آئید ۱۲۳، همی بازآیید ۱۲۷، همی آیید ۱۳٦

~: أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ (۲۱:۳)
میکنید ۲۹، می آریت ٤١، اُوردِید ٤٢، می آیید شما ٥٦، همی روید ۱۰۸، آرید ۱۱٤، میپذیرید ۱۳۲

~: أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ (۲٦:۱٦٥)
همی فرازآیید ۲، نزدیکی می کنید ٢٤، می آئید ۳۹، همی آرید ٤٢، همی آیید ٥٣، فراهم می آئید ٦٤، اُمی اُیید[2] ۱۱۹، می بگذارید ۱۳۹

~: أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ (۲۷:٥٤)
همی کنید ٢٤، شما همی کنید ٤٦، می آرید و می کنید ٥٦، همی بیارید ٦١، می بیائید ٦٤، همی فراز روید ۱۰۸

~: أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً (۲۷:٥٥)
فرازآیید ۳۰، همی فراز شوید ٤٦

~: إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ (۲۹:۲۸)
می آییت ۳، همی فراز رویت ۳۰، بیارید ۱۳۹

~: أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ (۲۹:۲۹)
همی فراز روید و همی بکنید ۲، فراز همی آیید ٤٦، برآئید ٤٨، می آیید ٥٨، فراهم می آیید ٦٤، می آرید ۹٦

~: يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (۷۸:۱۸)
بیاییت ۳، بیایید ۳۸، همی آیید ۳۹، شما بیایید ٦۱، آئید ۱۰۰

تُؤْتُونِ: حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ (۱۲:٦٦)
بدهید ۲، دهید ۲۹، بدهید ٦۱، آورید ٦۳

★ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا: حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ (۱۲:٦٦)
بخوری سوگند ٢٤

---

۱. وامدهی / باز مدهید. حذف «دال» از پایان فعل جمع مخاطب معمول بوده است.
۲. کذا در متن اصلی با همین اعراب.

تَأْتُونَنَا: قَالُوٓاْ إِنَّكُمْ كُنتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ ٱلْيَمِينِ (۳۷:۲۸)
می آمدید ۱، همی آمدید ۲، همی بیامدید ۲۲، بیامدید ۳۳، آئید ۹۶، آمدید ۱۰۰، درمی آمدید ۱۰۳

★ اِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا: إِنَّكُمْ كُنتُمْ تَأْتُونَنَا (۳۷:۲۸)
نه شما بودید همی آمدید ۸۱

تُؤْتُونَهُنَّ: ٱلَّٰتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ (۴:۱۲۷)
دادیت ۳، داده آید ۴۵، می دهید ۷۵

★ لَا تُؤْتُونَهُنَّ: ٱلَّٰتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ (۴:۱۲۷)
ندادید ۱، ندهید ۲، نمی دهید ۱۰ و ۵۶، واندادیدی ۲۴ نه داده آید ۴۵، ندهید ۶۰، نه دهید ۶۱، نداده باشید ۱۰۰، نمیدهید ۱۲۳

★ لَمْ تَأْتُونِي: فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِۦ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ (۱۲:۶۰)
نیارید ۱، نه آریت ۳، نیاورید ۱۰۰، نیاری[1] ۱۱۱

★ لَمْ تُؤْتَوْهُ: وَإِن لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَٱحْذَرُواْ (۵:۴۱)
داده نشید ۱، ندهندتان ۲، نه داده شویتش[2] ۳، نیارند بشما ۲۷، ندهدتان ۴۲، ندهند شما را ۵۳، نه داده شدید ۵۶، بندهند شما را ۶۳، داده نشوید ۱۱۱

تُؤْتُوهَا: وَإِن تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا ٱلْفُقَرَآءَ (۲:۲۷۱)
دهید ۱، بدهیت ۳، بدهید ۲۴، دهی ۲۵، بسپارید ۳۰، برسانیت ۴۱، برسانید ۶۲، برسید ۶۳

تَأْتِي: يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَٰدِلُ عَن (۱۶:۱۱۱)
آید ۱، آید ۵۵

~: فَٱرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي ٱلسَّمَآءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ (۴۴:۱۰)
بیارد ۳، بیارذ ۳۲

تُؤْتِي: تُؤْتِي ٱلْمُلْكَ مَن تَشَآءُ (۳:۲۶)
بدهی ۲، می دهی ۳، تو دهی ۲۵، دهی ۴۰، میدهی ۱۱۱

~: تُؤْتِيٓ أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا (۱۴:۲۵)
می دهد ۱، بدهید ۲، دهد ۵۷، آورد ۱۰۰، میدهد ۱۰۲

★ لَا تَأْتِيكُمْ: لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً (۷:۱۸۷)
نیاید ۱

★ لَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ: أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ (۴۰:۵۰)
نیامدند ۹۲، نمی آمد ۱۲۱

تَأْتِينَا: لَوْلَا يُكَلِّمُنَا ٱللَّهُ أَوْ تَأْتِينَآ ءَايَةٌ (۲:۱۱۸)
بیاید ۲، می آید ۳، یابد ۴۰، آوردی ۶۱

~: قَالُوٓاْ أُوذِينَا مِن قَبْلِ أَن تَأْتِيَنَا (۷:۱۲۹)
آمدی ۱

~: لَّوْ مَا تَأْتِينَا بِٱلْمَلَٰٓئِكَةِ (۱۵:۷)
بیاوردی ۲، اری ۵۳

★ لَا تَأْتِينَا: ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَأْتِينَا ٱلسَّاعَةُ (۳۴:۳)
نمی آید ۱، نخواهد آمد ۲۴

★ مَا تَأْتِينَا: لَّوْ مَا تَأْتِينَا بِٱلْمَلَٰٓئِكَةِ (۱۵:۷)
نمی آری ۱، نیاوری ۲۹، نیاوردی ۴۱، نمی آوری ۶۳، نه آری ۹۲، فرو نیاوری ۹۳، همی نیاری ۹۴، نیاوری ۱۰۰، نیاری ۱۱۲، نمی آری تو ۱۱۳، می نیاری ۱۲۴، همی نیاوری ۱۲۸

لَتَأْتِيَنَّكُمْ: لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ (۳۴:۳)
بیاید ۱۸، آید ۴۷، بیارد ۵۸، بخواهد آمد ۶۴، آورد ۱۰۰

تَأْتِيَهُمْ: وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ (۶:۴)
آمد ۴۵

---

۱. نیاری / نیارید.

۲. نه داده شویتش: او را به شما ندهند.

~: أَوْ سُلَّمًا فِي ٱلسَّمَآءِ فَتَأْتِيَهُم بِـَٔايَةٍ (۳۵:۶)
بیاری ۲٤، بیاوری ٦۲، آوری ٦۳

~: هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأْتِيَهُمُ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ (۱۵۸:۶)
بیاید ۱۱٤

~: إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ (۱٦۳:۷)
بیامدی ۲٤، بیامد ٥٦، آمدند ٦۱، همی آمد ۹۳

~: بَلْ تَأْتِيهِم بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ (٤۰:۲۱)
بیاید ۸۷

~: كَانَت تَّأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَـٰتِ (۲۲:٤۰)
می آورد ۳، بیاوردند ٥٦، می آمدند ۱۱٤، آمدند ۱۳۸

~: أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً (٦٦:٤۳)
آید ۱۱٤

~: كَانَت تَّأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَـٰتِ (٦:٦٤)
بیامدند ٥٦، می آمد ۱۱٤

~: حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ ٱلْبَيِّنَةُ (۱:۹۸)
بیامد ٦٤

★ لَا تَأْتِيهِمْ: لَا يَسْبِتُونَ ۙ لَا تَأْتِيهِمْ (۱٦۳:۷)
نمی آمدند ۱، نیامدی ٥۷، نیامدندی ۹۲

★ مَا تَأْتِيهِمْ: وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ (٤:٦)
نیامد ۱، نیاید ۲، نمی آید ۲۹

~: وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ (٤٦:۳٦)
نیامد ۳۲

تُؤْثِرُونَ: بَلْ تُؤْثِرُونَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا (۱٦:۸۷)
می گزینند ۱، بگزینیت ۳۰، برمی گزینند ۳٦، برمی گزینیت ۸۰، همی بگزینند ۸۸، برگزیدند ۹۹، برمیگزینید ۱۰۰، بگزیدند ۱۰٥، بگزینید ۱۲٤، می گزینید ۱۲٦، برمی گزینید ۱۳۸

تَأْثِيمًا: لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا (۲٥:٥٦)
گفتار بزه ۲، دشنام ۲٤، بزه کاری کردن ۳۹، بزه مند کردن ۸۷، بزه مند کننده ۱۰۹، بزنده‌ن[1] ۱۱۳، سخن گناه ۱۲۰

تَأْثِيمٌ: لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ (۲۳:٥۲)
بزه ۱، بزه کاری ۲، بدمستی ۳۰، بزه مندی ۳٤، سخنان زشت ۳٥، بزه مند ۳٦ بزه کردن ۳۹، بَزَه کار ٥۳، بزه کار ٦٤، بزمندی ۷۹، بزهکاری ۹۰، گناه ۹٦، گناه کردن ۱۰۲، سخن با بزه کاری ۱۰۸، بزه افکندن ۱۰۹، گناه کارگردانیدن ۱۱٦، بزهمند ۱۲۰، بزه انداختن ۱۲٦

تَأْجُرَنِي: أَن تَأْجُرَنِي ثَمَـٰنِيَ حِجَجٍ (۲۷:۲۸)
مزدوری کنی ۱، مزدوری کُني ۲، مزدور باشی ۳، مزدوی کنی ۳۰، مزدور کنی ٦۱، مزد دهی ۷٤، مزدوری باشی ۱۳۲، مزدور گیری ۱۳۹

★ لَا تَأْخُذْ: لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِيٓ (۹٤:۲۰)
مگیر ۱، مگیر ۲، مَگیر ٥۳، تو مگیر ۹٦، فرامگیر ۱۰۰

تَأْخُذْكُمْ: وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ ٱللَّهِ (۲:۲٤)
گیرد ۱۱٤

★ لَا تَأْخُذْكُمْ: وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ ٱللَّهِ (۲:۲٤)
گو مگیر ۱، مگیردا ۲، مه گیراد ۲٤، مگیردا ۳۹، مباد بگیرد ٥۱، مُگیراذ ٥۳، فرا مگیرا ٥٤، مگیراد ٥٦، مگیرید ٦۱، فرا مگیراد ٦۲، گو مگیراد ۷۷، باید که نگیرد ۸٦، فرامگیرید ۹٦، نباید که فراگیرید ۱۰۰، باید که فرانگیرد ۱۱۱، باید نگیرد ۱۳۲

---

۱. کذا در متن اصلی (؟).

تَأْخُذُهُ: لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ (۲:۲۵۵)
گیرد ۳

★ لَا تَأْخُذُهُ: لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ (۲:۲۵۵)
بنگیرد ۱، نگیرد ۲، نه گیرد ۲٤، نگیرد هرگز ۲۵، نگیرد ۲۹، فرانگیرد ۳۸ و ۱۳٦، نبَرد ٤۲، نبرد ۱۰۵، فرانمیگیرد ۱۱۱

تَأْخُذُهُمْ: إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ (۳٦:٤۹)
بگیرد ۱، فروگیرد ۲٤، فراگیرد ۸٦

تَأْخُذُوا: أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ (۲:۲۲۹)
بستانید ۱، بسْتانید ۲، واستانَید ۱۰، واگیری[1] ۲٤، بازگیرید ۲۷، گیریت ۳۰، بهاگیرید ۳۸، بستانید ٤۲، بسْتانید ۵۳، بگیری ٦۰، فراگیرید ٦۲، واستانید ٦۳

★ لَا تَأْخُذُوا: فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا (٤:۲۰)
مستانید ۱، مَسْتانید ۲، وامستانید ۱۰، بمه ستانید ۲۳، وامستانی هیچ ۲٤، مستانید ٤۲، بازمستانید ٤۳، مه ستانید ۵۳، مگیرید ۵۷، بازمستانی ٦۰، نه گیرید ٦۱، فرامگیرید ٦۲، مستانید مگیرید ۹۲، مه ستانید ۹٤، مگیریت ۹۷، بازمگیرید ۱۰٤

تَأْخُذُونَهُ: أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا (٤:۲۰)
می ستانید ۱، می بسْتانید ۲، واخُواهید ۱۰، خواهید ستد ٤۰، بستانید ٤۲، بازستانید ۵۳، بستانی ٦۰، میگیرید ٦۱، فراستانید ٦۵، می بگیرید ۸۸، خود شما می ستانید ۹٦، فرامیگیرید ۱۰۰، بستانید ۱۲٤

~: وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى (٤:۲۱)
واخواهید ۱۰، گیرید ۲٤، ستانید ۲۷، هاگیرید ۲۹، می گیریت ٤۱، فراگیرید شما ۹٦

تَأْخُذُونَهَا: مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا (٤۸:۲۰)
فاگیرید ٦

لِتَأْخُذُوهَا: إِلَى مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا (٤۸:۱۵)
بگیرید ۱، فروگیرید ٦

تَأَخَّرَ: وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ (۲:۲۰۳)
بازایستد ۲، بازپس شود ۳، وَافگند ۱۰، واافکند ٤۰، واپس اندازد ٤۱، بازپَس استَد ٤۲، بازپس استاد ٤۹، بازپس استد ۵۲، بازپَس شَوَد ۵۵، بازپس ایستد ۵۷، بازافتد ٦۰، پس افکند ۷٤، بازپس افتد ۸۸، بازپس رود ۹۱، پس ایستد ۱۰۹، بازایستاد ۱۱۲، بازپس شد ۱۲۷، واپس ماند ۱۳۵

~: لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ (٤۸:۲)
پس شد ۱، سپس آید ۲، پس ماند ۳، مانده است ٦، بماند ۱۷، بود پس ۲٤، واپس افتاد ۲۹، از پس آید ۳۰، با پس افتاد ۵۱، از پس کردی ۵۲، پس آید ۵۳، پس می بود ٦۱، پس بود ۹۲، پس رفته است ۹٦، خواهد آمد ۱۰۰، بازپس است ۱۰٦، سپس اند ۱۰۸، پس بود ۱۰۹، واپس داشتی ۱۱۳، پس مانده ۱۲٦، پس است ۱۳۸

تُؤَدُّوا: أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا (٤:۵۸)
سپاریت ۳، وَااُسپارَید ۱۰، وادهی ۲٤، بگزارید ۲۷، ٤۲، بازدهید ٤۸، بدهید ٦۱، بازگزارید ٦۳، بگذارید ۷٤، بگزاریت ۸۳، بگذآرید ۱۰۰، گذارید ۱۱۹

تَأَذَّنَ: وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ (۷:۱٦۷)
آگه کرد ۱، بیاگاهید ۳، آگاهی داد ۲۹، بیاگاهانید ۳۰، آگه کرد ۱۰، بیاگاهانید ۵۵، آگاهی کرد ۵۷، فرمان داد ۹٤، آگاهی دآد ۱۰۰، بفرمود ۱۰۵

~: وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ (۱٤:۷)
آگاه کرد ۲، پیغام دادست ۷ مکرّر، فرمود ۳۰، دستوری داد ٦۱، فرمود و سوگند یاد کرد ۹۱،

---

۱. واگیری/ بازگیرید.

آگاه گردانید ۱۱۱، آگاهی داد ۱۲٤

تُؤْذُوا: أَن تُؤْذُواْ رَسُولَ ٱللَّهِ (۳۳: ۵۳)
دشخواری نمایید ۱، برنجانید ۷، رنجه نمایند[1] ۱۸، بیازارید ۲٤، بیازاریت ۳۰، رنجه دارند[2] ۳۸، برنجانیت ٤۱، رنج نمای ۵۳، رنجه دارید ۵٦، رنج نمایید ۵۸، رنجانید ۸٦، رنج دهید ۱۱۹

تُؤْذُونَنِي: يَٰقَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي (٦۱: ۵)
می دشخواری نمایید ۱، می آزاریت ۳، می آزارید ۲٤، می رنجانی ۲۹، آزاریت ۳۰، می رنجانید ۳٦، رنجه می دارید ۳۹، می رنجانیت ٤۱، رنجه می داری ۵۲، می بیازارید ٦۱، میرنجانید ۱۰۰، رنجه میدارید ۱۰۲، همی آزارید ۱۰۸، آزار میکنید ۱۳٦

تَؤُزُّهُمْ: تَؤُزُّهُمْ أَزًّا (۱۹: ۸۳)
می جنبانیم ۱، برمی انگیزد ۳، از جای برمیکنند ۲۹، جنبانید ۳۰، می آغالند ۳٦، برمی انگیزند ۳۹، می جنبانند ٤۲، بغالانند ٤٤، برانند ۵۲، همی جنماند[3] ۵۳، برانگیزند ۵٦، می سگالند[4] ۵۸، همی جنبانند ٦۱، بجنبانند ٦۹، می شگالند[4] ۷۲، اغرا کنند ۷۸، درمی جنبانند ۷۹، برانگیزانید ۹۲، درجنباند ۱۱۷، می انگیزد ۱۱۹، از راه بردن ۱۲۲، از راه برند ۱۳۲، میجنباند ۱۳۸

★ **لَا تَأْسَ: فَلَا تَأْسَ عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْفَٰسِقِينَ** (۵: ۲٦)
انده مبر ۱، أندُه مخُور ۲، اندوه مخور ۳، مبراندوه ۲٤، اندوهمند مباش ۲۹، نه غم خوری ۳۱، اندوهمند مباشید ۳٤، اندوهناک مشو ۳٦، تیمار مبر ۳۷، تو اندوه مخور ۳۹، مَهْ باک دارند ۵۳، آندُوه مخَور ۵۵، اندوه مَبَر ٦۰، مباش اندوهمند ٦۲، اندوه ناک مباش ۷۰، مه اندوه خور ۸۰، باک مدار ۸٤، تو اندوهناک مباش ۹٦، اندوهناک مباش ۱۰۳، اندوهگین مباش ۱۱٦، تو اندوهناک مشو ۱۲۳، باک مدار- اندوه مخور ۱۲٦، اندوه مخورید ۱۳۸

~: فَلَا تَأْسَ عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ (۵: ٦۸)
آندُه مخُور ۲، مدار اندوه ۲٤، اندوه مدار ۳۰، اندوهگین مشو ۳٦، اندوهگن مشو ۳۸، مخور اندوه ٤۱، نه تیمارخوری ٤۵، نه اندوه خور ٦۱، مباش اندوهگن ٦۲، اندوهگن مباش ۷۰، مباش نومید ۷۲، انده مخور ۸۲، نه درنگر باش ۸۸، اندوهناک مکناد ۹٦، اندوه مبر ۱۰۲، اندوه ناک مشو ۱۱۸، اندهناک مشوید ۱۳۰

تَأْسِرُونَ: وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا (۳۳: ۲٦)
دربند می کنیت ۳، برده کردید ۳٦، برده می کنید ۷٤، بند می کنیت ۸۰، دست می گیرید ۸٦، برده میگیرید ۱۰۳، دستگیر و بند می کنید ۱۰۹، بند می کردید ۱۱٤، بند میکنید ۱۲۱، دستگیر میکردید ۱۳۲

تَأْسَوْا: لِّكَيْلَا تَأْسَوْاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ (۵۷: ۲۳)
اندوه برید ۳۸، اندوه گین شویت ۹۱، اندوهگین شوید ۹٤، اندوهگن شوید ۱۲٤

★ **لِكَيْلَا تَأْسَوْا: لِّكَيْلَا تَأْسَوْاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ** (۵۷: ۲۳)
تا انده نبرید ۱، اندُه نخُورید ۲، دل تنگ نشوی ۲۹، اندوه نخوریت ۳۰، اندوهگین نشوید ۳٦، شما اندوه نخورید ۳۹، تا آندُوه مخورید ٤۲، اندوه نخورید ٤۳، نگردید غمناک ٤۹، دلتنگ نشوید ۵۱، نه اندوه گین شویت ۸۰، اندوه نبرید ۸۱، تا اندوه مخورید ۹٦، اندوه گین نشوید ۱۱۳،

---

۱. ترجمهٔ کلمه به صیغهٔ مغایب ناشی از اختلاف قراءت اصل نسخه است.
۲. در اصل قرآن همین گونه ترجمه شده، که از نظر صیغه با فعل اصلی سازگاری ندارد.
۳. همی جنماند / همی جنباند.
٤. کذا در اصل قرآن، رک: ترجمه از (۱۹: ۸۳).

اند وهگن نشوند ۱۱۴، نخورید اندوه ۱۲۹، تا اندوه نخورید ۱۳۲

تَأْفِكَنَا: قَالُوٓا۟ أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا (۲۲:۴۶)
بگردانی ۱، برگردانی ۲، بگردانی ۲۲، ورگردانی ۲۹، برگردانی ۳۴، دروغ بندی ۸۱، دروغ گویی ۹۲، بازگردانی ۹۶، بگردانی تو ۱۱۳، برگردانی تو ۱۳۸

تُؤْفَكُونَ: ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ (۶:۹۵)
می گردانسته شید ۱، همی سپس بازگردانند ۲، گردانیده می شویت ۳، دروغ زن شدید ۹، دروغ می گویند ۲۴، بازگردانند ۲۷، گردانیده می شوید ۳۶، همی بازپس گردانند ۴۲، بازمی گردانند ۴۴، بازپس گردانند ۵۲، می گردانند ۵۳، گردانیده می شویت ۵۵، دروغ گویند ۵۸، دروغ گردانیده شوید ۶۱، می دروغ گویند ۷۵، همی سپس بازگردانند ۸۳، سپس بازگردانند ۸۸، همی گردانیده شوید ۹۴، بدروغ داشته می شوید ۱۰۰، برمیگردید ۱۰۲، گردیده میشوید ۱۱۴، روگردانیده میشوید ۱۲۲، گردانیده شوید ۱۲۴، برگردانیده میشوید ۱۳۸

~: ٱللَّهُ يَبْدَؤُا۟ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ (۱۰:۳۴)
همی نگوسار گردانده ۲، برگردانیده می شویت ۳، نگوسار گردانند ۱۳، می گویی دروغ ۲۴، می بگردانند ۲۷، برگردانیده شویت ۵۵، همی گردانند ۵۶، بازمی گردانند ۵۷، دروغ گفته شوید شما ۶۱، برگردانند ۶۲، برگردانیده می شوید ۶۳، گمراه می شوید ۶۴، برانگیزانیده می شویت ۸۷، بازگردانیده همی شوید ۹۴، نگوسار گرداند ۹۶، گردانیده میشوید ۱۱۱، میگردانند ۱۱۲، برگردانیده میشوید از راه راست ۱۲۲، دروغ می گویید ۱۳۶

~: لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ (۳۵:۳)
گردانیده شوید ۷، می دروغ گویید ۲۲، ورمیگردانند ۲۹، دروغ کنید ۳۰، برگردانند ۳۴، دروغ برمی بافیت ۴۱، همی برگردانند ۵۳، بازگردانید شما ـ فرابافید دروغ ۵۶، بازگردانیده شوید ۶۹، دروغ گویید ۱۰۵، دروغ میگویند ۱۱۰، گردانیده می شوید ۱۱۱، دروغ برمیبافید ۱۲۲

~: لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ (۴۰:۶۲)
همی بازگردانند ۲، می برگردانند ۱۵، می برگردانند شما را ۲۲، ورمیگردانند شما را ۲۹، همی بازگردانند ۳۰، همی برگردانند شما را ۳۹، دروغ می بافیت ۴۱، دروغ می گوئید ۴۳، بازمی گردانید ۵۶، برگردانیده می شوید ۱۰۳، گردانیده میشوید ۱۱۴

تَأْكُلْ: فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِىٓ أَرْضِ ٱللَّهِ (۷:۷۳)
خورد ۳، چرا کند ۳۶، همی خورد ۶۲، بخورد ۱۲۴

~: فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِىٓ أَرْضِ ٱللَّهِ (۱۱:۶۴)
بخورد ۱، همی خورد ۲، می چرد ۶۶، می خورید ۷۵، بخورد و بچرد ۱۱۱، بچرد ۱۳۶

~: تَأْكُلُ ٱلطَّيْرُ مِنْهُ (۱۲:۳۶)
می خوردند ۱، میخورند ۳۶، همی خوردند ۵۳، همی خوردی ۸۸، همی خوردند ۹۳، همی خورند ۹۶، میخوردند ۱۰۰

~: فَتَأْكُلُ ٱلطَّيْرُ مِن رَّأْسِهِۦ (۱۲:۴۱)
خورند ۵۵

~: تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَٰمُهُمْ وَأَنفُسُهُمْ (۳۲:۲۷)
می خورند ۱، همی خورد ۲۴

~: تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُۥ (۳۴:۱۴)
میخورد ۶۱

~: وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ ٱلْأَنْعَٰمُ (۴۷:۱۲)
خورند ۶، بخورند ۳۰

تَأْكُلُهُ: حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ ٱلنَّارُ (۳:۱۸۳)

می خورد ۱، بخُورد ۲، بخُورَد ۱۰

★ أَلَّا تَأْكُلُوا: وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا (٦:١١٩)

کنمی خورید ۱، نه خُورید ۲، که نه خوریت ۳، می نخوری ۲٤، نخورید ۲۷، می نخورید ۲۹، نمی خورید ٦٤، نه خوریت ۸۸، که نخورید ۹٤، شما نمی خورید ۹٦، که مخورید ۱۰۳، که نمیخورید ۱۱۱ نمیخورید ۱۳۸

★لِتَأْكُلُوا: لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ (٢:١٨٨)

خوریت ۳۰، تا بخورید ۵۷، بخورند ۷۵

★لَا تَأْكُلُوا: وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ (٢:١٨٨)

مخُورید ۲، مه خوریت ۳، نگر نخورَید ۱۰، بمه خورید ۲٤، نگر نخورید ٤٠، بخورَید ۵۵

~: لَا تَأْكُلُوا الرِّبَوٰا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً (٣:١٣٠)

مخورید ۱، مَه خُورید ۲، مَخُورید ۵۷، مَخورِید ۹٤

~: وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ (٤:٢)

مخُورَید ۱۰، مه خوری[1] ۲٤، بمخورید ۲۹، مَه خورید ۵۳، مخورید شما ۵۸

~: لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ (٤:٢٩)

نگرَید نخُورَید ۱۰، نه خورید ٦۱، بمه خورید ٦۲

~ : وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ (٦:١٢١)

نگرَید نخورَید ۱۰، مخوریت ۱۰ مکرّر، مخوری ٦۰، نه خورید تان ٦۱، شما مخورید ۹٦

تَأْكُلُونَ: وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ (٣:٤٩)

بخُورید ۲، می خوریت ۳، خُورَید ۱۰، می خوری ۲٤، خورده باشید ۲۹

~: إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ (١٢:٤٧)

می خورید ۱، میخورید تان ٦۱

~: وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (١٦:٥)

همی خُورید ۲، شما میخورید ۲۹

~: لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (٢٣:١٩)

میخورند[2] ۱۱۱، همی خورید ۱۲۹

~: وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (٢٣:٢١)

میخورید شما ۸٦

~: يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ (٢٣:٣٣)

بخُورید شما ۲، شما می خورید ۲٤، بخوریت ۳۰، می خورید شما ۳۹، شما خورید ۵۲

~: وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (٤٠:٧٩)

همی خورید ۱۵، میخورید ۵۸، می خورند ۸۱

~: لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ (٤٣:٧٣)

خوریت ۳۲، همی خورند ۱۰۸، میخورید ۱۲٤، خواهید خورد ۱۳۲

★ لَا تَأْكُلُونَ: فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (٣٧:٩١)

نمی خورید ۱، کنه خورید ۲۲، همی نخورید ۵٦، نمیخورید ٦۱

~: قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (٥١:٢٧)

همی نخورند ٤۷

★ لَا تَأْكُلُوهَا: وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا (٤:٦)

مه خورید ۲۳، نگر نه خورید ٤٠، مَه خَورید ۹٤

تَأْلَمُونَ: إِن تَكُونُوا تَأْلَمُونَ (٤:١٠٤)

می دردمند شید ۱، شما درْد همی یابید ۲، شما همی درد یابید ۲، دردمند می شویت ۳، درد یابید ۲۷، درد همی رسد ، درد می رسد ۲۹، خسته شد ید ۳٦، دردمند می باشید ۳۹، دَرد یابید و دَردمند شَوید ٤۲، دردمند می شوید ۵۲، دَرْدمَند

---

۱. مه خوری / مخورید با حذف دال.

۲. عدم مطابقت معنی با فعل، ناشی از تفاوت قرائتی است که این قرآن از آن تبعیت کرده است.

شَوَند ۵۳، شما درد می یابید ۵۷، دردمندید و دردمند ۵۸، می رنجید ٦۳، دردمند می شدید ۷۲، می دَرد یاوید ۸۲، شما همی درد یابیت ۸۳، دردناک شوید ۸٤، شما می رنجید ۸۵، دردمند شدید و دردمند شوید ۹۲، درد همی یابید ۹٤، شما برنجیدی ۹۵، دردمند شده ۱۰۰، درد رسیدگان، درد رسیده می شوید شما ۱۰٤، شما درد یابید، درد می شوید ۱۰۵، دردمند شده اید ـ شما دردمندید ۱۱۱، دردمند میشوید ۱۱٤، دردناک باشید ۱۲۱، شما دردمند شوید ۱۲٤، دردناک می شوید ۱۲۵، آزار میکشید ۱۳۵

تُؤْمَرُ: فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ (۹٤:۱۵)

می فرموده شی ۱، فرموده می شوی ۳، فرموده شدی ۳۰، ترا فرموده اند ۵۳، ترا همی فرمایند ٦۲، می فرماید ترا ٦۳، فرموده شده ی ٦٤، فرمودندت ۱۱٤، می فرمایید ۱۸۸

~: قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ (۱۰۲:۳۷)

فرمایندت ۲، فرمایند ترا ۲۲، فرمودند ترا ۵٦، فرماید ترا ۵۷، فرموده شدی ۱۰۳، همی فرمایندت ۱۰۸، فرموده میشوی ۱۱۱

تَأْمُرُكَ: أَصَلَوٰتُكَ تَأْمُرُكَ (۸۷:۱۱)

می فرماید ۱، می فرمایدت ۳، دارد[1] ۷ مکرّر، همی فرمایَد ۵۳، می فَرمایَدتْ ۵۵، میفرماید ٦۱، همیفرماید ۹۳، فرماید ۹٦، فرمایدت ۱۱٤

تَأْمُرُنَا: قَالُوا وَمَا الرَّحْمَٰنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا (۲۵:٦۰)

می فرمایی ۱، می فرمائی ٤۳، فرمایی ٤۷، میفرمایی ۸٦، می فرمایی تو ۱۱۳

تَأْمُرُهُمْ: أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُم بِهَٰذَا (۳۲:۵۲)

بفرماید ۵٦، میفرماید ۱۱٤

تَأْمُرُونَ: أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ (٤٤:۲)

همی فرمایید ۲، می فرماییت ۳، مَی فَرمایَید ۱۰، می فرمائید شما ۲۹، می فرمائید ۳٦، می فرمائی ٦۰، همی فرمایید ٦۲، می فرمائیت ۸۰، میفرمائید ۸٤، میفرمائید شما ۹۹، فرمایید ۱۲٤، می فرمایید ۱۲۷

~: تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ (۱۱۰:۳)

می فرمایید ۱، مَی فرمایَید ۱۰، بفرمایید ۲۷، فرمائید ۳۹، بفرماییت ٤۱، می فرمایید ۵۷، فرمائید ٦۳، می فرمایند ۹٦، فرمایند ۱۰۱، میفرمایند ۱۰٤، بفرمائید ۱۲۹

~: يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (۱۱۰:۷)

فرمایی[2] شما ۲٤، فرمایید ۳٦، میفرمایید ٦۱، میفرمایید شما ۱۰٤، میفرماید ۱۲۲، می فرمایید ۱۲٤، فرمایید ۱٤۰

~: فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (۳۵:۲٦)

فرمایی[2] ۲۰، فرمایند شما ٤٦، فرمائید شما ٦٤

★ مَاذا تَأْمُرُونَ: فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (۳۵:۲٦)

چمی فرمایند ۱

تُؤْمَرُونَ: فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ (٦۸:۲)

همی فرمایدتان ۲، فرموده می شویت ۳، می فرمایندتان ٤، همی فرمایندتان ۳٤، فرمودند شما را ۳٦، فرموده شدید ۳۸، فرمایند شُما را ۵۲، فرمایند شما را ٦۲، می فرمایند شما، تان می فرمایند ٦۳، می فرمایند ۸۲، همی تان فرمایند ۸۳، فرمایند ۸٤، فرموده اند شما را ۹٦، شما را میفرماید ۱۰۱، میفرمایند شما را ۱۰۲، می فرماید شما را ۱۰٤، فرموده میشوید ۱۱۱، فرموده شده اید ۱۱۲، فرموده اند ۱۱۹، شما را این فرماید ۱۲۷

---

۱. دارد / وامیدارد.

۱. فرمایی / فرمایید.

~: وَٱمْضُواْ حَيْثُ تُؤْمَرُونَ (٦٥:١٥)
می فرموده شید ١، فرموده شویت ٣، می فرمایند ت ٢٤، میفرمایند تان ٢٩، فرموده می شوید ٣٦، فرمایند تان ٤٢، شما را می فرمایید ٥٣، فَرمُودَه شِوَیت ٥٥، می فرمایند شما را ٥٩، شما را همی فرمایند ٦٢، فرموده شوید ٦٤، فرموده شد یت ٧١، همی فرمایند شما را ٩٣، فرمودند شماَ را ١٠٠، می فرمایید ١٢٤

★ مَا تُؤْمَرُونَ: فَٱفْعَلُواْ مَا تُؤْمَرُونَ (٦٨:٢)
آنچه تان فرمایَند ١٠، می فرمایند شما را ٨٩، آنچه فرمایند شما را ١٠٥، فرموده شده اید ١٢٧، آنچه خدای شما را فرمود ١٣٦

تَأْمُرُونَنَا: إِذْ تَأْمُرُونَنَآ أَن نَّكْفُرَ بِٱللَّهِ (٣٣:٣٤)
می فرمودید ٧، میفرمودید ٢٩، فرمودند ٣٠، بفرمودیت ٤١، فرمودید ١٠٠، فرمودیمان ١١٤

تَأْمُرُونِّى: قُلْ أَفَغَيْرَ ٱللَّهِ تَأْمُرُوٓنِّىٓ أَعْبُدُ (٦٤:٣٩)
همی فَرمایید ٣٠، میفرمائید ١٣٢

تَأْمُرِينَ: وَٱلْأَمْرُ إِلَيْكِ فَٱنظُرِى مَاذَا تَأْمُرِينَ (٣٣:٢٧)
فرمایی ٢٤، می فرمایی ٢٩، فرمائي ٣٩، فرمائی ٤٣، خواهی فرمود ٦٤، میفرمائی ١٠٠، میفرمایی تو ١١٣، میفرمایی ١٣٢، می فرمائی ١٣٨

★ مَاذَا تَأْمُرِينَ: فَٱنظُرِى مَاذَا تَأْمُرِينَ (٣٣:٢٧)
تاچمی فرمایی[1] ١

تُؤْمِنْ: قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِن قَالَ بَلَىٰ (٢٦٠:٢)
گرویدهٔ تو ٢٧، بگرود ٥٣، بگرویدی ٩٦

★ لَمْ تُؤْمِنْ: قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِن قَالَ بَلَىٰ (٢٦٠:٢)
نه گرویدهٔ ٣، باور نداری ٢٤، نه بگرویدی ٤٢، استوار نمی داری ٤٣، نه بگرویدی ٥٢، استوار نداری ٥٦، نه استوار داری ٦١، نه همی استوار داری ٨٨، تو راست گوی دارنده نه ٩٢، نه بگرویدی تو ٩٦، بنگرویدهٔ ١٠٠، باور نمیداری ١٠٤، نه براست داری تو ١٠٦، نگرویده ١١١، نگرویدهٔ ١١٦

~: وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ (٤١:٥)
بنگرویست ١، استُوار نداشتْ ٢، نگرویده است ٢٩، اُستُوار نداشت ٤٢، نَه گرَود ٤٥، نگروید ٥٨، نه استوار دارند ٦١، بنگرویدند ٦٣، نه استوار داشت ٨٣، نمی گرود ٨٤، نه آرامیده است ٩٢، استوار نداشت ١٠٥، نگردد ١١٢، نگرویدست ١٢٤

★ لَا تَأْمَنَّا: قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَ۫نَّا (١١:١٢)
خستوار نمی گیری ١، استوار نداری ٢، استوار نمی داری ٣٦، بی بیم نمی باشی ٥٨، استوار همی نداری ٩٤، استوار نمیداری ١٠٤

لَتُؤْمِنُنَّ: لَتُؤْمِنُنَّ بِهِۦ وَلَتَنصُرُنَّهُۥ (٨١:٣)
بگروید ١، بگروید ٢، بگروی ٢٥، گرویت هرآینه هرآینه ٢٨، بگرویت ٤١، براست دارید ٨٩، گروید ١١٤

تَأْمَنْهُ: وَمِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ مَنْ إِن تَأْمَنْهُ بِقِنطَارٍ (٣: ٧٥)
خستوار گیری ١، استُوار داریش، استُوار داری ٢، زینهار نهی ٢٧، استوار داری ٣٩، استوار دَاری ٤٢، استوار داریش ٥٢، استوار کنی ٥٧، استوار دارد ٦٩، استوار دارید ٧٨، استوآر د آریش، استوار د آری ٩٤، استواری کنی ١٢٤

تُؤْمِنُوا: وَإِن تُؤْمِنُواْ وَتَتَّقُواْ فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ (٣: ١٧٩)
بگروید ١، برورید ه باشید ٤٠، گروید ٥٣

~: وَإِن يُشْرَكْ بِهِۦ تُؤْمِنُواْ (١٢:٤٠)
بگرویستید ١، بگرویدند ١٥

~: وَإِن تُؤْمِنُواْ وَتَتَّقُواْ يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ (٣٦:٤٧)

---

١. چمی فرمایی / چه می فرمایید.

ببروید ٦، بگروید ١٣٦

~: لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (٤٨:٩)
بگروید ٢

~: ذَٰلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (٥٨:٤)
گرویت ٣

★ لاتُؤْمِنُوا: وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمْ (٣:٧٣)
خستوار مگیرید ١، اسْتُوار مدارید ٢، راست گوی مداریت ٣، نگرید باوَر ندارَید ١٠، مداری باور ٢٤، مه گروید ٢٧، مه راست گوی داریت ٢٨، نگر تا باور ندارید ٤٠، نگرویت ٤١، استُوار مَدارید ٤٢، مه بروید و باور مدارید ٤٩، استوار مدارید ٥٢، مگروید و راست گوی مدارید ٥٨، براست مدارید ٦٣ و ٨٩، استوار ندارید ٨٤، نه استوار دارید ٩٠، باور مدارید ١٠٢، باور داشت مکنید ١١٢، مدارید استوار ١٢٧

~: قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا (١٧:١٠٧)
مگروید ١، مگروید ٢، مگروید ٥٢، نه نگروی ٥٧، نمی گروید ١٢٤

★ لَمْ تُؤْمِنُوا: وَإِن لَّمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَزِلُونِ (٤٤:٢١)
راست گر نگیرید ١، نه گروید ٢، باور ندارید ٢٩، استوار نداشتید ٣٩، نگروید ٦١، نه استوار داریت ٨١، بنگروید ٩٦، باور نمیدارید ١٠٠، نه استوار دارید ١١٤، استوار ندارید ١٢١

~: قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا (٤٩:١٤)
نگرویستید ١، بنه بروید ید ٦، نگروید یت ٤١، نه گروید ید ٥٦، نگروید ید ٦١، نه گرویت ٨٠، نگرویده اید ١١١

تُؤْمِنُونَ: أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ (٢:٨٥)
همی بگروید ٢، مَی بَبروَید ١٠، میگروید تان ٦١، برویده باشید ٦٣، میگروید ٦٤، همی بگروید ٦٧، می بگروید ٩٢، بمیگروید ١٠٠، میگروید شما ١٠٤، همی گروید ١١٨

~: وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (٣:١١٠)
بَرویده باشید ١٠، می گرویت ٣٠، بَرورید ه می باشید ٤٠

~: وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ (٣:١١٩)
می بگروید ١، شما همی بگروید ٢، شُما بَرویده ای ١٠، گرویده اید شما ٢٨، می گروید تان ٦١، شما می گروید ٦٩، شما بگروید ٩٤، شما همی گروید ٩٨، می گروید شما ١٢٤

~: إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ (٤:٥٩)
گروید گان ١١٠

~: إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ (٢٤:٢)
می بروید ٤٧، بگرویده اید ٨٧

~: وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (٥٧:٨)
گروید ٨٧

~: تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (٦١:١١)
بگرویت ٣٠، می گروید ٣٩

~: وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ (٦٩:٤١)
باوَر دارَند گان ٤٢، باور میکنید ١١١

★ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ: إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (٤:٥٩)
اگر هستید شما گروید گان ٢٧

★ لاتُؤْمِنُونَ: وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (٥٧:٨)
نمی گروید ١، می نگروید ٢٤، نگرویت ٣٠، نگروید ٥٦، نمی گروید ٦٤، همی نگروید ٨٧

تُؤْوِی: وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَن تَشَاءُ (٣٣:٥١)
جای کنی ١، نزدیک گردانی ٢، بهم کنی ٣، فراهم آری ٧، فراگیر ١٨، باز گیری ٢٤، باز آری ٢٩، نزدیک کنی ٣٠، جای دهی ٣٦، جاء کنی ٣٩، گیری ٤١، با خویشتن داری ٤٧، دست باز

دارد ۵۲، بخویشتنْ اری ۵۳، در آوری ۵۸، جای ده ۷۹، با خود داری ۸۸، پناه دهی و با خویشتن گیری ۱۰۹، جای میدهی ۱۱۱، آوری ۱۲۱، نزدیک کن ۱۲۹

تَأْوِیل: سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِع عَّلَيْهِ (۱۸:۷۸)
پایان[1] ۱۱٤

تَأْوِیلاً: ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (٤:۵۹)
سَرنجام ۲، پیدا کردن ۵۳

~: ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (۱۷:۳۵)
گزارش ۲، پایان کار[1] ۳، باز گشت ۲۹، سَرانجام ۵۳، پاسخ ۵۷، سرانجام ۱۲٤

تَأْوِیلَهُ: وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُۥٓ إِلَّا ٱللَّهُ (۳:۷)
سرانجام ۳، سَرأنجام ۵۵، بیان ٦۹، مغز سخن ۱۳۱

~: تَأْوِيلَهُۥ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُۥ (۷:۵۳)
سرنجام ۲، سَرانجام ٤۵، سَرانجام ۵۵، پیدا یی ۵٦، سرانجام ۱۲٤

~: نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِۦ (۱۲:۳۷)
اَنجام ۵۵، انجام ۸۰

تُؤْوِیهِ: وَفَصِيلَتِهِ ٱلَّتِي تُـْٔوِيهِ (۷۰:۱۳)
می جای کردند ۱، گرد آورند ۲، پناه دهد ۳، جای کردند ٦، فراز آمده‌اند ۱۹، باز گیرد ۲۹، جای دادی ٦۱، جای دهند ۷۲، جای دهد ۸۰، گرد آورید ۸۸، باز گیرد با خود ۹٦ و ۱۰۵، همی گرد آورد ۱۰۸، جای همی دهند ۱۰۹، جای دارنده ۱۱۳، جای داده‌اند ۱۲۰، گرد آورد ۱۲٤، جای دادندی ۱۲٦، جای داد ۱۳۲

تُبْ: وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَآ (۲:۱۲۸)
در گذار ۲٤، اندر گذار ۲۹، باز گردان ٤۸، باز گرد ۹۰، بگذار ۹۲، به پذیر ۹۹، ببخش ۱۰۰، در گذر ۱۲۹

تَبَّ: تَبَّتْ يَدَآ أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (۱۱۱:۱)
زیان کار بادا ۲، زیان کار باد ۲٤، زیان کارست ٤۰، نیست شد ۱۰۹، نابود گشت ۱۲۰

تَبَاب: وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ (٤۰:۳۷)
زیانّی ۱، زیان کاری ۲، زیانکاری ٦۷، تباهی و نیستی ۱۰۳، تباهی ۱۱۱، نابکاری ۱۳۲

تَبَاراً: وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (۷۱:۲۸)
نیست شدن ۳، زیان کاری ٦، نیستی ۱۰۲

تَبَارَكَ: تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ (۷:٥٤)
بزرگوار است ۱، بزرگوارا سَزاوارا بزرگوارست ۲٤، پاینده و با نیکی بسیار است ۳۰، پاکست ٤۱، بزرگوار... هست ۵۳، پاینده است ۵۵، پاکست و برتر ۵۸، بلند و بزرگوار ۱۱۳

~: فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ أَحْسَنُ ٱلْخَٰلِقِينَ (۲۳:۱٤)
بزرگوارسْت ۲، بزرگا ۲٤، بزرگست ۵٦

~: تَبَارَكَ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِۦ (۲۵:۱)
پاینده است ۳، بزرگوار و پاکست ٤۱، بزرگ است و پاینده است ۸۰، پاینده است همیشه ۱۰۹، همیشه بود ۱۱۹

~: تَبَارَكَ ٱلَّذِيٓ إِن شَآءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا (۲۵:۱۰)
با أفزونی است ۲، با افزونی است ۱۰۸

~: تَبَارَكَ ٱلَّذِي جَعَلَ فِي ٱلسَّمَآءِ بُرُوجًا (۲۵:٦۱)
تورک[2] است ٤٦، با نیکویی است ۱۰۸

~: فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ (٤۰:٦٤)

---

۱. این معنی تفسیری است.
۲. تورک / تبرک.

فُزونی است ۲، بزرگوار ۵۳، برترست ۵۸، با فزونی است ۱۰۸، بلند و بزرگوار است ۱۱۳

~: وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۴۳: ۸۵)
بزرگ است ۲۴، پاینده است ۳۲، همیشه بود ۳۶، بزرگوارا ۸۱، بزرگوآرست ۱۰۰، بزرگ و بزرگوار است ۱۲۶

~: تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۵۵: ۷۸)
با نیکی بسیار است ۳، با نیکی بسیار ۸۰، با نیکی بسیارست ۹۱، بزرگست و برترست ۹۲، بلندا ۱۰۹

~: تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۶۷: ۱)
نیکویی و فزونی است ۲، بزرگ وَ پاینده است ۳، بزرگواری ۶۱، بلند و بزرگوار و با برکت است ۷۹، خجسته ۹۰، با نیکویی و افزونی است ۱۰۸، بزرگ و بزرگتر است ۱۲۲

★ تَبَارَكَ اللَّهُ: فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۲۳: ۱۴)
پاکی و بزرگی خدای راست ۴۱

★ لَاتُبَاشِرُوهُنَّ: وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ (۲: ۱۸۷)
بَرهنه مَساوید ۲، نزدیکی مکنید ۲۹ و ۱۳۶، برهنه مساوید ۸۲، برهنه مساویت ۸۳، مه گردایید[1] ۸۸، نه ساوید ۹۴، برهنه مپساوید ۱۰۷، مبسایید ۱۰۹، گرد میایید ۱۲۱

تَبَايَعْتُمْ: وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ (۲: ۲۸۲)
خرید و فروخت کنید ۲، خرید فروخت کنیت ۳، وایک دیگر خرید و فروَخت وُستد و داد کنَید ۱۰، خرید و فروخت کنی ۲۵، خرید و فروخت کنیت ۲۸، فروخت کنید ۲۹، خرید و فروخت گَشت ۴۲، خرید و فروخت کنید شما ۴۳، خرید و فروخت گشت ۵۲، خرید فروخت کنید ۶۳، خرید و فروخت کردید ۷۴، خرید و فروخته کنید ۹۲، خرید و فروخت نمائید ۱۰۰، با یکدیگر خرید و فروش کنید ۱۲۲، با یکدیگر خرید و فروش نمائید ۱۲۷، خرید و فروش کنید ۱۳۶

تُبْتُ: قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ (۴: ۱۸)
از گناه بازگردیدیم ۹۵

~: تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ (۷: ۱۴۳)
واز آمدم ۱، بازگشتم ۲، باز آمدُم ۲۷، بازگشتم ۴۲، باز آمدم ۵۳، بازگشتم من ۱۲۴

~: إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۴۶: ۱۵)
باز گردیدم ۲۴

تَبَّتْ: تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (۱۱۱: ۱)
زیان کار باد ۲، تهی باد ۲۴، زیان کار بادا ۴۰، بریده بآد ۱۰۰، زیان کار شد ۱۰۵، نیست بادا ۱۰۹، بریده و نابود باد ۱۱۶، زیانکار باد ۱۲۰، بریده باد ۱۲۲

★ لَاتَبْتَئِسْ: فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۱۱: ۳۶)
اندهگن مشه ۱، اندهگن مشو ۲، مه اندوه خور ۳، مدار اندوه ۲۴، نومید مشو ۲۷، اندوهگین مباش ۳۶، مشو نومید ۳۸، اندوه گن مباش ۳۹، اندوه گن مشو ۴۹، اندوهگن مشو ۵۲، مَه نومید باش ۵۳، مَه اَندُوه خَور ۵۵، نومید مشو و اندوه مخور ۵۶، نومید وانده گن مباش ۵۹، نومید مشو تو ۶۱، مباش اندوهگن ۶۲، مباش اندوهگین ۶۹، نومید مباشید ۹۰، اندوه گین مشو ۹۶، اندوهگین مشو ۱۰۲، مباش در سختی ۱۱۸، اندوه مخور ۱۲۲، اندوهناک مباش ۱۳۰

~: فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲: ۶۹)
باکُ مداز ۲، اندوهناک مشو ۳۶، اندوه مبر ۳۹، اندوه مخور ۴۳، مه اندوهگن بَاش ۵۳، غم مَخور

---

۱. مه گردایید / گردمایید.

۵۵، نومید مباش ۵۷، نه اندوه خور ۶۱، اندوهگن مباش ۸۸، آنده مخور ۹۳، اندوه مخور ۱۱٤، اندوه گین مباش ۱۱۸، غم مخور ۱۱۹، مدار باک ۱۲۸

تَبْتَغُوا: أَن تَبْتَغُواْ فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ (۲:۱۹۸)
بَجویَید ۱۰، جویَید ۵۷، جویید ۷۵

~: أَن تَبْتَغُواْ بِأَمْوَٰلِكُم (٤:۲٤)
بجوییت ۳، بزنی کنید ٤۲، بجُوئید ۵۲، خواستگاری کنید ۱۳۵

~: وَلِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِۦ (۱٦:۱٤)
بجوید ۲، می جوید ۲٤، بَجُوید ۵۳، جُوییت ۵۵

~: لِّتَبْتَغُواْ فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ (۱۷:۱۲)
همی جوید ۵۳، بجوید ۱۰٦

~: لِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِۦ (۱۷:٦٦)
بجوید ۵۳

~: إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُواْ عَرَضَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۲٤:۳۳)
بجُوید ۲، بجوید ٤۲، همی جوید ٤۷، فرا گیرید ۱۱۱، جوئید ۱۱٤

~: وَلِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِۦ (۲۸:۷۳)
بجُوید ۲، می جوئید ۲۱، جوید ۳، ٤۳، بَجُوید ۵۳

~: وَلِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِۦ (۳۰:٤٦)
بجوئید ۱٤، می جوید ٤۷، بجویید شما ۵٦، بجوید ۱۳۹

~: وَتَرَى ٱلْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِۦ (۳۵:۱۲)
میجویند ۱۰٦

~: لِتَجْرِيَ ٱلْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِۦ وَلِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِۦ (٤۵:۱۲)
بجوید ۲، بجُوییت ۳۲

تَبْتَغُونَ: تَبْتَغُونَ عَرَضَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (٤:۹٤)
همی بجُویید ۲، می جوییت ۳، مَی جَویَید شما ۱۰، می بجویی ۲٤، می بجویید ۲۷، همی جویید ۲۹، می جُویید ٤۲، میجویید ٤۳، می جویید ۵۳، می جوئید ۵۷، بجوئید ۷۵، میجویید شما ۱۰٤، میجوئید ۱۰۵، همی بجویید ۱۲۷، میخواسته باشید ۱۳۵

تَبْتَغِي: أَن تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي ٱلْأَرْضِ (٦:۳۵)
جویی ۳، بجویی ۹، بجوای ۵۷، بجویی تو ٦۱، بر آری ۸۸، بجوئي ۸۹، بجوئی ۱۰۰

~: تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَٰجِكَ (٦٦:۱)
همی بجوئی ۲، همی جویی ۲٤، می جویی ۳٦، میجوئی ۱۰۰، میجویی ۱۰۲، همی بجویی ۱۰۸

تَبَتَّلْ: وَٱذْكُرِ ٱسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا (۷۳:۸)
بزار ۱، رو ۲، بریده شو ۳، وابر ٦، زاری ۱۹، گریز ۲۹، برو ۳۰، زاری کن ۳۸، برس ٤۳، گسسته شو ٦۷، ببر و یکتا شو ۷۲، باز بُر ۸۹، از همه ببر ۹۰، بگذار کن ۹۱، باز آی ۱۰۰، دل ببر ۱۰۲، باز بر ۱۰٦، روبپوشی ۱۰۸، بریده شود ۱۱۱، پناه ده ۱۱۹، ببر ۱۳۳، از همه ببر ۱۳۹

★ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ: وَٱذْكُرِ ٱسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا (۷۳:۸)
سوی خداوند رو ۲

تُبْتُمْ: وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَٰلِكُمْ (۲:۲۷۹)
بازایستیت ۳، بَازگردَیت ۵۵، آشکارا کنید ٦۱، بازگردید ٦٤، بازآیید ۱۳٤، بازآیید شما ۱۳۸

~: فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ (۹:۳)
بازگردیت ۳، بازایستید شما ۸۹، بازآئید شما ۱۰۰، بازگردید شما ۱۲٤، بازگردید ۱۲۷

تَبْتِيلًا: وَٱذْكُرِ ٱسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا (۷۳:۸)
رَفتَن یا پیوند پیوستن ۲، بریدن ۳، وابریدن ٦، زاری کردن ۱۹، رفتن ۳۰، رسیدن ٤۳، باز گسستن ٦۷، پیوستن ۸۸، باز بریدن ۸۹، بگذار کردن ۹۱، باز آمدن ۱۰۰، دل بریدن ۱۰۲، رفتن یا پیوند ۱۰۸،

بریده شدن ۱۱٤، پیوند بریدن ۱۲۱

★ لَا تَبْخَسُوا: لَا تَبْخَسُوا۟ ٱلنَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ (۷: ۸۵)
مکهید[1] ۱، مَه کاهید ۲، مه کم کنیت ۳، نگرید کَمُ کاست نسنجَید و نه پیمایید ۱۰، کم مکنید ۲۷، وامکاهانید ۲۹، کم نسنجید ۳۹، کم ندهیت ٤۱، مَکاهَانیدْ ۵۳، کَم مَکُنیتْ ۵۵، نه کم پیمایید ۶۱، باز مکاهانید ۶۳، باز مگیرید ٦٤، مکاهیت ۸۳، کم مسنجید ۹۲، کم نکنید ۹۹، مکاهید ـ کم مکنید ۱۰۹، کم مپیمایید ۱۲۱، کم مکشید ۱۳٦، مَگاهید ۱٤۰

~: وَلَا تَبْخَسُوا۟ ٱلنَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ (۱۱: ۸۵)
مَکاهید ۲، کم مه پیماییت ۳، مکاهانید ۲۹، کم مکنیت ۳۰، مکاهَانیْد ۵۳، کَم مَه پَیمایِیْت ۵۵، نکاهید ٦۹، کم مپیماییت ۸۰، مگاهید ۱۱۹، کم مکشید ۱۳٦

~: وَلَا تَبْخَسُوا۟ ٱلنَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ (۲٦: ۱۸۳)
مکاهید ۲، تباهی مکنیت ۳، مکاهی ۲۰، مه کاهید ۲٤، کم مدهید ۳۰، مه کاهانید ۳۸، زیان مکنید ٤۲، نه کاهید ٤٦، مبرید ٤۷، نه کم کنید ۸۷، کم مکشید ۱۳۲

تَبْخَلُوا: يَسْـَٔلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا۟ (٤۷: ۳۷)
تنگدستی کردی شما ٦، بازدارید ٦٤، زفتی کنیت ۸۰، سفلگی کنید شما ۸۱، سفلگی کنید ۹۵، زفتی کنید ۱۲۹

تُبْدَ: إِن تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ (۵: ۱۰۱)
اشکرا کرده شهد ۱، پیدا کرده شود ۳ و ٦٤، کردست ۲٤، پیدا کند ۲٦، پیدا شود ۳٦، پدید کند ۵۳، پدیده کرده و فرموده شود، پدید کرده شود ۵۸، آشکارا کرده شود ٦۱، آشکارا کنند ٦۳، پدید کرده شد ٦۷، پدیدار کند ۹۸، آشکارا کند، آشکارا گردد ۱۰۰، آشکارا شود ۱۱۸

تَبَدَّلَ: وَلَآ أَن تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَٰجٍ (۳۳: ۵۲)
یکی را بگذاری و دیگر خواهی ۵۸، دیگر کنی ۱۱٤

تُبَدَّلُ: يَوْمَ تُبَدَّلُ ٱلْأَرْضُ (۱٤: ٤۸)
بگردانند ٤۲، گردانیده شود ۹۲

تُبْدُوا: إِن تُبْدُوا۟ ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِىَ (۲: ۲۷۱)
اشکرا کنید ۱، آشکارا کُنیَدا وُفا دیدار آرَید ۱۰، بآشکارا بدهی ۲٤، آشکارا دهی ۲۵، آشکارا دهید ۲۷، آشکارا گزارید ۳۰، گشاده دهید ۳٦، پیدا کنیت و بدهیت ٤۱، آشکارا بدهید ۵۷، آشکار دهید ۹٤، آشکارآ دهید ۱۰۰، پیدا دهید ۱۰۱، آشکارا دهند ۱۰۵، آشکارا کنید آشکارا دهید ۱۲۷

~: وَإِن تُبْدُوا۟ مَا فِىٓ أَنفُسِكُمْ (۲: ۲۸٤)
پیدا کنیت ۳، آشکارا کنید اُوفا دیدار آرید ۱۰، دیداری بکنی ۲۵، آشکار کنید ۲۹، پیدا کنید ۳۰، اشکارا کنید ٦۹، اشکار کنید ۱۳۸

~: إِن تُبْدُوا۟ خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ (٤: ۱٤۹)
آشکرا کنید ۱، پدید کنید ۱۰، پدیدار کنی ۲٤، اُشکارا کنید ۵۳، پیدا واکنید ۷۰، پیدا کنید ۱۲۷

~: إِن تُبْدُوا۟ شَيْـًٔا أَوْ تُخْفُوهُ (۳۳: ۵٤)
آشکارا کنید ۱۸، پیدا بکنید ۲۹، پدید کنید ۵٦

تُبْدُونَ: وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ (۲: ۳۳)
همی پیدا کُنید ۲، آشکارا کنید ٤، آشکارا کُنیَد ۱۰، پیدا کُنی ۲٤، شما پیدا می کنید ۲۹، پیدا می کنید ۳٦، می نمایید ٤۰، پَیَدا مِی کُنیت ۵۵، آشکارا کنید شما ۹۹، شما آشکارا کنید آشکار میکنید ۱۲۷

---

۱. مکهید / مکاهید.

~: وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (۵:۹۹)
پیدا دارید ۲، پیدا می کنیت ۳، همی آشکارا کنید ۹، آشکارا کنی ۲٤، همی آشکاره کنید ۳۱، پیدا کُنید ٤۲، آشکاره کنید ٤۹، آشکارا میکنید ٦۱، همی پیدا کنید ٦۲، پیدا کردید ٦۹، پیدا کنیت ۸۸

~: وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (۲٤:۲۹)
پیدا کنید ۲، آشکارا می کنید ۳٦، آشکارا دارید ۳۹، آشکارا می کنید ۵۱، شما پیدا همی کنید ۵٤، پدید کنید ۵۸، پدید همی کنید ٦۲، شما آشکارا میکنید ۱۱۷

تُبْدُونَهَا: تَجْعَلُونَهُۥ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا (٦:۹۱)
همی آشکارا کردند ۸۲، همی آشکار کردیت ۹٤، می نمائید ۱۱٤، کنید آنرا آشکارا ۱۱۸، آشکارا کردید ۱۲٤، آشکارا میکنند ۱۳۸

تُبْدُوهُ: إِن تُخْفُوا۟ مَا فِى صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ (۳:۲۹)
آشکارا کُنید ۲، پیدا کنیت ۳، آشکارا بکُنید ۱۰، پدید کنی ۲٤، دیدار کنی ۲۵، پیدا کنید ۲۹، پیدا کنیت ۳۰، پَیدا کُنیت ۵۵، پیدا کنی ۵۷، اشکارا کنید ٦۹، آشکارا دارید ۷۵، آشکار دارید ۹٤، آشکارا کنید ۱۰٤، آشکار کنید ۱۳۵

لَتُبْدِى: إِن كَادَتْ لَتُبْدِى بِهِۦ (۲۸:۱۰)
اشکرا کند ۱، آشکارا کند ۳، پیدا کردی ۳۰، پیدا کند ٤۲، پدید کردی ٤٦، آشکارا بکنند ۵۲، آشکار کند ۵۳

تَبْدِيلَ: لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَـٰتِ ٱللَّهِ (۱۰:٦٤)
گردانیدن ۲، گردانده ۲٤، بگردان ۲۹، گردانیدن ۳٦، دگرگون کردن گردانیدن ۱۰۹

~: لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ ٱللَّهِ (۳۰:۳۰)
گردانیدن ۲، گَرْدانیدَنْ ۵۳

تَبْدِيلاً: وَمَا بَدَّلُوا۟ تَبْدِيلًا (۳۳:۲۳)
گردانیدن ۲، دیگر کردن ۳، گردیدن ۷٤، دیگرسان کردن ۸۰

~: وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبْدِيلًا (۳۳:٦۲)
گردانیدن ۲، بگردانیدن ۲٤، گَرْدانیدَنْ ۵۳، گشتن ٦۱

~: فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَبْدِيلًا (۳۵:٤۳)
بگردانیدن ۲٤، گردش ٤۱ گشت ٦۱

★ لَا تُبَذِّرْ: وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (۱۷:۲٦)
توهی[1] مکن ۱، مَپراکَنْ ۲، گزاف کاری مکن ۳۰، بزیان مبر ٤۱، گُزاف کاری مَکُن ۵۵، گزاف مکن ۵۹، مپراکن ۸۳، پراکنده مکن ۹٤، مپاش ۱۰٤، مپراکند ۱۰۵، مکن پراکنده ۱۲۸، مکن گذاف کاری ۱۲۹

تَبْذِيرًا: وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (۱۷:۲٦)
توهی[1] کردن ۱، ناشایست ۲، گزاف کردن ۳۰، گزاف کاری کردن ۳۸، زیان بردن ٤۱، گُزاف کاری کَردن ۵۵، گزاف کاری ٦۵، پراکندن بناشایست ۸۳، پراکنده کردن ۹٤، پراکندن ۹٦، پاشیدن ۱۰٤، پراکنده ساختن ۱۱۱، گذاف کاری کردن ۱۲۹

تُبْرِئُ: وَتُبْرِئُ ٱلْأَكْمَهَ وَٱلْأَبْرَصَ بِإِذْنِى (۵:۱۱۰)
می گوه کردی[2] ۱، بهتر کردی ۲، ببردی ۹، درست می کردی ۲۷، بینا می کردی ۳٦، به کنی ۳۹، بهتری کردی ۵۲، به گرْدانی ۵۳، به مَی گردی ۵۵، به کردی ۵۸، نیک می کردی ٦۰، درست کردی ٦۲، درست می گردانیدی ٦۳، به می کردی ٦٤، بهتر همی کردی ۸۲، بهتر کنی

---

۱. توهی / تباهی.
۲. می گوه کردی: به می کردی، به می نمودی.

۸۸، تو خوش کردی ۹۶، درست میگردانیدی ۱۰۰، درست میکردی ۱۰۲، نیکو میگردانیدی ۱۰٤، درست گردانیدی ۱۰٦، به میکردی ۱۱۱، به میساختی ۱۱٦، به مینمایی ۱۲۲، به مینمایی بهتر می کردی ۱۲۷، به می کنی ۱۳۳، درست میگردانید ۱۳۸

تَبَرَّأَ: إِذْ تَبَرَّأَ ٱلَّذِينَ ٱتُّبِعُوا۟ (۲: ۱٦٦)
بَیزاری ستانند ۱۰، بیزار شدند ۲٤، بیزاری کرده باشند ۲۹، بیزاری جویند ۳۰، بیزاری کرده باشد ۳٤، زاری ستانند ٤۰، بیزاری ستانند ٤۲، بیزار شوند ٤۳، بیزارست ۵۳، بیزَاری جُویَند ۵۵، بیزار کرده باشد ٦۲، بیزار کردند ۷٤، بیزاری کردند ۹۸، بیزاری کنند ۱۰۲، بیزاری جستند ۱۲۰، بیزار گردند ۱۲۱، بیزار میشدیم ۱۲۲، بیذار شدند ۱۲٤، بیزار شد ۱۲۷

~: فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥٓ أَنَّهُۥ عَدُوٌّ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ (۹: ۱۱٤)
وی[1] زاری کرد ۱، بیزَاری ستدْ ۲، بیزار شد ۱۳ و ۱۲۷، بیزاری جست ۳۰، بیزاری ستد ٤۹، بیَزاری جَسْت بَیزار شُد ۵۵، بیرون شد ۵۸، بیزار گشت ٦۷، بیزاری کرد ۸۸، بیزاری شد ۱۰۵، بیزاری نمود ۱۳۰

تَبَرَّأْنَا: أَغْوَيْنَٰهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَآ إِلَيْكَ (۲۸: ٦۳)
وی[1] زاری کردیم ۱، بیزاری ستدیم ۲، بیزاری کردیم ۲۱، بیزار گشتیم ما ۲٤، بیزاری ستاندیم ۳۰، بیزار گشتیم ۳٤، بیزار شدیم ۳٦، بیزار کردند ٤۲، بیزاریم ٤۷، بیزاری کردیم ما ۵۳، بیزار شدیم ما باز گشتیم ٦۱، بیزار گشته‌ایم ۸۸

تَبَرَّءُوا: فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا۟ مِنَّا (۲: ۱٦۷)
بیزَار گشتنْد ۲، ایشان بیزاری سَتدند ۱۰، بیزار شدند ۲٤، ایشان بیزاری کردند ۲۹، بیزاری جستند ۳۰، بیزار گشتند ۳۸، بیزار گشْتَنْد ۵۳، بیَزاری جُسْتَنْد ۵۵، بیزار گشتن ۸۲، بی زاری کردند ۸۸، بیزاز گردیدند ۹٤، بیزار شدند ایشان ۱۰۰، بیزاری کرده‌اند ۱۰۲، بیزاری کردند ۱۱٦، بیزار شده‌اند ۱۲۳، بیزاری کردن ۱۲۷

تَبَرُّجَ: لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ ٱلْأُولَىٰ (۳۳: ۳۳)
بیرون شدن ۱، آراستن ۲، خویشتن آراستن ۷، آرایش کردَن ۱۸، بیرون آمدن ۲۹، آراسته ٤۲، وغستگی[2] ٤۷، آرایش ۵٦، بیاراستن ٦۱، اراستن ٦۹، آراسته بیرون آمدن ۸۰، آر آستن ۹٤، آراسته بیرون رفتن ۱۰۰، آراسته بیرون شدن ۱۰٦، آرایش کردن ۱۲٤، خویشتن آراستی ۱۳۹

تَبَرَّجْنَ: لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ ٱلْأُولَىٰ (۳۳: ۳۳)
خویشتن بیارایید ۷، آراسته بیروآییت پیش مردمان بیگانه ۸۰، آرایش کنند ۱۲٤

★ لَا تَبَرَّجْنَ: وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ (۳۳: ۳۳)
بیرون مشید ۱، خویشتن میارایید ۲، مه آراسته بیرون آییت ۳، بیرون مه آیند آراسته ۷، میایید بیرون ۲٤، راست بیرون میایند ۲۹، خویشتن نیاراییت ۳۰، مه بیرون آیید ٤۱، بیرون میایید ٤۲، میارائید ٤۳، خویشتن از حد بیرون میارایید بوغستگی[2] ٤۷، مه ارایش کنید ۱۸، بیرون میایید آراسته ۵۲، مَهْ ارٰایش کنید ۵۳، میارایید خویشتن ٦۱، خود را میارایید ۷۲، آراسته بیرون میایید ۷۸، آراسته بیرون نروید ۹۰، میاراییت خود را ۹۱، آراسته بیرون مروید ۱۰۰، خویشتن را میارایید ۱۰۸، بیرون مآیید ۱۰۹، آراسته بیرون میائید ۱۱٤، آراسته بیرون مشوید ۱۲٦

تَبَّرنَا: وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا (۲۵: ۳۹)
نیست کردیم ۲۰، زیر و زبر کردیم ۱۰۰

---

۱. وی زاری / بیزاری.

۲. وغستگی (وغستن): ظاهر ساختن، آشکار کردن (فرهنگ معین).

تَبَرُّوا: أَن تَبَرُّواْ وَتَتَّقُواْ (۲:۲۲٤)
نیکی بکنیت ٤١، نیکویی کُنید ٤٢، نیکویی کنید ٥٢، نیکوئی کنید ٥٣، نیکی کنید ٥٧، نیکی کنی ٦٠، نیکو می کنید ٧٥، نیکویی کنیت ٨٠، نیکوی کنید ٨٢، نیکو کنید ١١١

★ أَنْ تَبَرُّوا: أَن تَبَرُّواْ وَتَتَّقُواْ (۲:۲۲٤)
که نیکی نکنید ١، نیکوکاری نباید کردن ٦٣

تَبَرُّوهُمْ: أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوٓاْ إِلَيْهِمْ (٦٠:٨)
نیکی کنید ١، نیکویی کنید ٢ و ١١٤، نیکوئی کنید ٣٩، نیکویی کنیت ٨٠، نیکوی کنید ٨٨، مهربانی کنید ١٣٩

★ لاَ تَبْسُطْهَا: وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ ٱلْبَسْطِ (١٧:٢٩)
فراخ مکن ١، مگستران ٢، مه گستران ٣، بمده ٢٤، فراخ وامگیر ٢٩، بمگستران ٣٤، گشاده مدار ٣٦، نه فراخ بکش ٣٩، مگشای ٤١، مَهْ فِراخ بکش ٥٣، مَه گُسْتَران ٥٥، مگستر ٥٧، نه فراخ کنی ٦١، بمه گستران ٦٢، دست مگشای ٦٤، مکن پهن ٦٩، فراخ بمگستر ٨٩، نه گستران ٩٠، نه گستران نمی ٩١، مکش ٩٢، مَگُسْتَران ٩٤، فراخ بمگستر آن ١٠٠، فراخ بمگستران ١٠٦، فراخ دستی مکن ١٢٦، مگشا ١٣٠

تُبْسَلَ: ذَكِّرْ بِهِۦٓ أَن تُبْسَلَ نَفْسٌۢ بِمَا كَسَبَتْ (٦:٧٠)
گُروه کرده می شود ٣٠، سپرده شود ٣٦، گَرو گردَه شود ٥٥، گذاشته شود ٥٦، در گروه کرده شود ١٠٠، گرو کنند ١٠٣، گرو کرده شود ١٠٦

★ أَنْ تُبْسَلَ: أَن تُبْسَلَ نَفْسٌۢ بِمَا كَسَبَتْ (٦:٧٠)
رها نهلند ٩، رها نهلَندا ١٠، رُسْوا نشود ٤٤، تا سرافکنده نشود ٦٧، در گرو کرده نشود ٨٩، تا باز داشته نشود ٩٢، خوار گذارده نشود ١٢٧

تَبَسَّمَ: فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا (۲۷:۱۹)
دندان سپید کرد ١، دندان برهنه کرد ٣، بخندید ٢٩، نرم بخندید ٤٢، بگمارید ٤٧، لب از هم وا شد ٤٨، دندان پیدا کرد ٥٦، بخندید نرم ٥٨، پوز ورید ٦١، خندید ٧٤، بوزو دید ١٠٨، بگمارید ـ لب باز کرد ١٠٩، لب خنده نمود ١٢٢، دندان سفید کرد ١٢٤

لِتُبَشِّرَ: لِتُبَشِّرَ بِهِ ٱلْمُتَّقِينَ (۱۹:۹۷)
مُژده دهی ٢، مژدگان دهی ٢٤، مژده دهی ٤٢، مژده نهی ٤٤، مژد دَه ٥٣، مژده دهیْ ٦١، مژده رسانی ١٠٣

تُبَشِّرُونَ: فَبِمَ تُبَشِّرُونَ (١٥:٥٤)
می[1] میزدک برید ١، مژده دهید ٢، مژده می دهید ٢٩، مژده می دهیت ٤١، مژده هَمی دَهید ٥٣، مُژدَه می دَهیتْ ٥٥، همی مژده دهید ٩٤

تُبْصِرُ: فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ (٦٨:٥)
بگینی[2] ١، بینی ٣، ببینی ٦، تو بینی ٣٩، سرانجام بینی تو ٦٤، بینی تو ١٠٠، به بینی ١١٣

★ سَتُبْصِرُ: فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ (٦٨:٥)
زود باشد که به بینی ١٢٠

تَبْصِرَةً: تَبْصِرَةً وَذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ (٥٠:٨)
دیدَور کردن ١، پیدایی ٢، بینا کردن ٣، دیدار ١٧، بینایی ٣٨، نیک کردن و بینایی ٣٩، باز نمودن ٤٢، بینش ٤٣، بینا گردانیدن ٥٢، دیدن ٥٦، زیرکی کردن ٦١، زیرک کردن و بینایی ٧٢، پیدایی ١٠٨، نمودار ١٠٩، بینا ١١٣، راهنما ١٢٤، دید ١٣٨

تُبْصِرُونَ: أَفَتَأْتُونَ ٱلسِّحْرَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ (٢١:٣)

---

١. می میزدک برید: مژده می دهید.
٢. بگینی: بینی.

می گینید[1] ۱، همی بینید ۲، همی بینید ۱۲، می بینید ۲٤، همی بینند ۳۸، می نگریت ٤۱، می بی نیت ۹۱

~: أَتَأْتُونَ ٱلْفَٰحِشَةَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ (۲۷:٥٤)
می بینیت ۳، شما می بینید و می دانید ٤۷، می کنید و می دانید ٥۸، شما می بینید ۹٦، می بینید یکدیگر را ۱۱٦، می بینید ۱۲٤

~: يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (۲۸:۷۲)
بینیت ۳، همی بینید ٥۳

~: وَهَٰذِهِ ٱلْأَنْهَٰرُ تَجْرِي مِن تَحْتِيٓ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (٤۳:٥۱)
بینید ٥٦، بی نیت ۹۱

~: وَفِيٓ أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (٥۱:۲۱)
درنگرید ۱۱۱

★ لَا تُبْصِرُونَ: أَفَلَا تُبْصِرُونَ (۲۸:۷۲)
نمی گینید[2] ۱، همی نبینید ۲، نه بینیت ۳، همی نه بینید ۲٤، نمی بینید ۲۹، می نبینید ٤۷، هیچ نمی بینید ٦٤

~: وَهَٰذِهِ ٱلْأَنْهَٰرُ تَجْرِي مِن تَحْتِيٓ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (٤۳:٥۱)
نهمی بینید ۲٤، نبینیت ۸۰

~: وَفِيٓ أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (٥۱:۲۱)
نمی نگرید ٥۱، هیچ ننگرید ٦٤، همی نمی بینید ۸۱، در نمی نگرید ۱۰۳

~: أَفَسِحْرٌ هَٰذَآ أَمْ أَنتُمْ لَا تُبْصِرُونَ (٥۲:۱٥)
نمی بینی ۸۱، فرانمی بینید ۱۰۹

~: وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنكُمْ وَلَٰكِن لَّا تُبْصِرُونَ (٥٦:۸٥)
شما نمی بینید ٥۱، شما نمی بینی ۸۱، نمی بینید شما ۱۰۰

~: فَلَآ أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ (٦۹:۳۹)
نمی بینیت ٤۱، همی نبینید ٥٤، نمی بینید ٦۱

★ لَا تُبْطِلُوا: لَا تُبْطِلُواْ صَدَقَٰتِكُم بِٱلْمَنِّ (۲:۲٦٤)
توه[3] مکنید ۱، تباه مکنید ۲، ناچیز مکنی ۲٥، تباه مکنید ٤۲، تباه مکنید ٥۲، مه تباه کنید ٥۷، نه ناچیز کنید ٦۱، تباه مکنیت ۸۳، ناچیز نکنید ۹۰، ناچیز مگردانید ۱۰٤

~: وَلَا تُبْطِلُوٓاْ أَعْمَٰلَكُمْ (٤۷:۳۳)
نیست مکنید ٦، ناچیز مکنید ٤۷، ناچیز نکنید شما ۹۹

تَبِعَ: فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ (۲:۳۸)
بدم رود ۲، رود ۳، فرمان برد ۱۰، فرمان بردار بود ٤۰، بدم رود ٤۲، پس روی کند ٥٥، پی رود ۸۲، پی گیرد ۹٦، پی روی کند ۱۲۷، پی روی کنند ۱۳۰

~: وَلَا تُؤْمِنُوٓاْ إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمْ (۳:۷۳)
پس روی کرد ۱، بدم رود ۲۸، بدم رود ٥٥، پیروی کند ٦۱، بدم رود ۹٤، پیروی کرد ۱۰۰، بدم رود ۱۲۷

تَبَعًا: إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا (۱٤:۲۱)
پس روان ۱، سپس روان ۲، پس رو ٥، پی روان ٤۱، پس رو و فرمان بردار ٥۸، پیروی کنان ٦۱، پیروان ۹٦، پس رونده ۱۱۹

~: إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا (٤۰:٤۷)
سپس روندگان ۲، پس روان ٦۱، پی رو ٦٥، چاگران ۸۱، پی روان ۱۲٤

---

۱. می گینید: می بینید.
۲. نمی گینید / نمی بینید.
۳. توه / تباه.

لَتُبْعَثُنَّ: قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ (٦٤:٧)
انگیخته شید ۱، برانگیخته شویت هرآینه هرآینه ۳، برانگیزند شما را ۲۹، زنده کرده شوید ۳۹، برانگیزد شما را ٦١، برانگیخته خواهید شد ٦٤، برانگیخته شوید ۸۹، زنده کند شما را ۹٦، برانگیزانند شما را ۱۰٤، برنگیخته شوید ۱۱٦، برانگیزند شمانرا ۱۳۹

تُبْعَثُونَ: ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ (۲۳:۱٦)
انگیخته شید ۱، زنده گردانند ۲٤، زنده کنند شما را ۲۹، برانگیزند ٤۳، برانگیخته شوید ٥٦، انگیخته شوید ۷۷، برانگیخته شویت ۸۰، برانگیخته میشوید ۹۲، برانگیزندتان ۹٤، برانگیخته خواهید شد ۱۰۲، برانگیزانند شما را ۱۰٤، برانکیخته شد گانید ۱۱۱، برنگیخته شوید و زنده گردید ۱۱٦

تَبِعَكَ: لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ (۷:۱۸)
پس روی کند ۱، فرمان کند ۳٦، بدم رود ۱۲٤ و ۱۲۷

~: فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ (۱۷:٦۳)
بر پی رود ۸، بدم رود ٥۲، پس روی کند ٥۷، پی روی کند ۷۹، پی رود ۹٦

~: وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ (۳۸:۸٥)
پیروی کند ۱۱٤

تَبِعَنِي: فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي (۱٤:۳٦)
بدم آید ٤۲، بدم من آید ٥۲، از پس آید ۹٤ و ۱۲۸، پیرو باشد ۹٦

تَبِعُوا: مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ (۲:۱٤٥)
پس روی کنند ۳، کنند نماز ٤۰، پیروی کردندی ٦۱، پیروی ۱۲۳

★ مَا تَبِعُوا: مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ (۲:۱٤٥)
بدُم نروند ۲، بدم نروند ۳۸، نه کنند نماز ٤۰، بدَم نروند ٤۲، پس روی نکردید ٥۷، پس روی نکنند ٦۰، پیروی نکنند ۱۰۰، پی روی نکند ۱۰۳، بُدم نروند ۱۰۷، پیروی نکنند ایشان ۱۱۱، پیروی نخواهند کرد ۱۲۷، نکنند پی روی ۱۳۰

★ لا تَبْغِ: وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ (۲۸:۷۷)
مجُوی ۲، مه جوی ۳، مجو ۳٤، مجوی ۱۱۱

★ لا تَبْغُوا: فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا (٤:۳٤)
مجُوید ۲، مَجوید ۱۰، مجوید ۲٤، مجوئید ۲۹، مه جوید ٤۰، مجوییت ٤۱، مجُوید ٤۲، نه جوید ٦۱، نجوئید ۹۰، نجورید ۹۲، مه جوئید ۹٤

تَبْغُونَهَا: تَبْغُونَهَا عِوَجًا (۳:۹۹)
همی جُویید ۲، می جوییتش ۳، می جوَیند ۱۰، همی بجویید ۲۷، می جویید ۲۹، می جوییت ٤۱، می جوئید ٥٦، می جوئید ٥۷، همی جویید ٦۲، میجوئید ۱۰۰، میجویند ۱۰٤

~: وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا (۷:۸٦)
می جوید ۱۰، می بجویید ۲٤، همی جویند ٤٥، می جُوییت ٥٥، میجویید ٦۱، بجوئید ٦٤، بجویید ۱۱۳، جویید ۱۱٤، می جویید ۱۲٤، همی جویید ۱۲۷

تَبْغِي: فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ (٤۹:۹)
گذشتاری کند[1] ۱، ستم کند ۲، ستم کرد ۳، ستم کرده بود ٦، افزونی جوید ۱۷، بیدادی کند ٦۱، گردن آوری کند ٦٦، ستم می کند ۹۲، افزونی همی جوید ۹٤، ستم کرد ۱۰۰، ستم میکند ۱۰٤، ستم کردند ۱۳۹

تُبْقِي: وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ (۷٤:۲۸)
بماند ۱۹، بازدارد ۹۱، بدارد ۱۰۹، بگذارد ۱۳۸

---

۱. گذشتاری کند: ستم کند، افزونی جوید.

★ لاتُبقي: وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا سَقَرُ لَا تُبْقِى وَلَا تَذَرُ (۲۸:۷۴)
بجا نماند ۲، بنماناد ۶، نه بماند ۱۹ بجای نماند ۳۰، نگذارد ۳۸، ناپاینده دارد ۹۹، آزرم نداراد ۱۰۶

تَبکونَ: وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ (۶۰:۵۳)
گریید ۳۹، می گریید ۴۳، می گرییت ۸۰، میگرئید ۱۱۴

★ لاتَبکونَ: وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ (۶۰:۵۳)
نمی گریید ۲، همی نگریید ۲۴، نمی گرییت ۳۰، نمی گرست ۴۱، مگریید ۶۱، نمیگریید ۱۰۲

★ لَنْ تَبْلُغَ: وَلَن تَبْلُغَ ٱلْجِبَالَ طُولًا (۳۷:۱۷)
نرسی ۱، نتوانی رسیدن ۲، نه رسی ۳، نه برسی ۳۹، بنرسی ۵۷، هرگز نرسی ۵۸، هرگز نه رسی تو ۶۱، بنتوانی رسیدن ۶۳، برنتوانی رسیدن ۸۹، نتوانی رسید ۹۳، هرگز نتوانی رسیدن ۱۰۴، نرسد ۱۱۸

لِتَبْلُغوا: ثُمَّ لِتَبْلُغُوٓا أَشُدَّكُمْ (۵:۲۲)
بَرَسَنْد ۵۳، برسید شما ۵۶

~: ثُمَّ لِتَبْلُغُوٓا أَشُدَّكُمْ (۶۷:۴۰)
رسید ۱، برسید ۳۹، برسیت ۴۱، باشید ۸۱، برسانید ۸۷، برساند ۱۳۶

~: وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِى صُدُورِكُمْ (۸۰:۴۰)
رسیت ۸۰، برسید ۹۲، بیابی ۹۴

تَبْلوا: هُنَالِكَ تَبْلُوا كُلُّ نَفْسٍ مَّآ أَسْلَفَتْ (۳۰:۱۰)
بیازماید ۱، ۴۲، آزماید و بخشد ۳، بَرخُواند و از پس آن رود ۱۰، بیازمایند ۱۳، پدید آید ۲۴، بیارامد ۳۸، بَیازمایدْ ۵۳، آزمَایَد ۵۵، آزماید ۵۸، براند ۵۹، آزموده گرداند ۶۱، آزماید و بچشد ۷۹، بیازماید ۱۲۴

لَتُبْلَوُنَّ: لَتُبْلَوُنَّ فِىٓ أَمْوَٰلِكُمْ (۱۸۶:۳)
می آزموده شند ۱، آزموده کرده شویت ۳، بیازمایندتان ۱۰، آزموده کرده شویت هرآینه هرآینه ۳۰، آزموده شوند ۳۶، آزموده شوید ۳۹، بیازمایند شما را ۵۳، آزمُودَه گردَه شَوِیْت ۵۵، آز[مو]ده کرده می شوید ۵۸، می آزمایند شما را ۶۳، هرآینه آزموده گردید ۶۴، آزموده کرده شوید هرآینه هرآینه ۸۰، آزموده کرده شدید ۹۰، آزموده کرده شود ۹۲، آزموده شوید شما ۱۰۲، آزمایش نماید شما را ۱۰۴، هرآینه می آزمایند شما را ۱۰۶، آزموده میشوید ۱۱۱، بیازمایند شما را ۱۲۷

تُبْلی: يَوْمَ تُبْلَى ٱلسَّرَآئِرُ (۹:۸۶)
آشکارا شود ۲، آشکارا کرده شود ۴۱، آشکارا کند ۶۱، آزموده کرده شود ۸۰، پدید کرده شود ۹۹، آشکارا کنند ۱۰۶، آشکار شود ۱۰۸، پیدا کرده شود ۱۳۹

أَتَبْنونَ: أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةً تَعْبَثُونَ (۱۲۸:۲۶)
برمی آریت ۳، برمی آرید ۳۶، همی برآرید ۶۱، می برآریت ۹۱، برآرید ۱۲۴، برمی آرند ۱۲۹، بنا می کنید ۱۳۸

تَبْهَتُهُمْ: بَلْ تَأْتِيهِم بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ (۴۰:۲۱)
هکوی کند[1] ۱، فُرو گیرد ۲، سرگردان کنند ۳، ناگهان بکرد ۱۲، بگیرد ۲۴، فرو گیرد ۳۰، ناگاه رسد ۳۹، خیره کند ۴۲، چیره کند ۵۲، بی هوش کند ۵۳، سرگشته کند ۷۹، سرگردان کند ۹۱، چیره کنند ۱۰۵، حیران کنند ۱۰۶، فرود گیرد ۱۰۸، درمانده کند ۱۰۹، بیهوش کند ۱۲۴

تَبوأ: إِنِّىٓ أُرِيدُ أَن تَبُوٓأَ بِإِثْمِى وَإِثْمِكَ (۲۹:۵)
ورداری ۱، برداری ۲، بازگردی ۳، واگردی تو

۱. هکوی کند: متحیّر و سرگشته کند.

۱٤، واگــردی ۲۷، واز گــردی ۳۷، بــرداری ٤۲، باز آیی ٥٦، بازبگردی ٦۳، بر گیری ٦٤، بیارایی ۷٥، باز گردی تو ۹۰، برداری تو ۹۲، در گردن گیری ۹٦، یاری کردی ۱۲۱، تو باز گردی ۱۲۳

★ أَنْ تَبُوأَ: إِنِّيٓ أُرِيدُ أَن تَبُوٓأَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ (٥:٢٩)
که باز نگردی تو ۱۰۰، باز نیستی ۱۳۸

تُبَوِّئُ: تُبَوِّئُ ٱلْمُؤْمِنِينَ مَقَٰعِدَ لِلْقِتَالِ (۳:۱۲۱)
می جای کردی ۱، جای همی ساختی ۲، ساخته می کردی ۳، همه بساختی ۱۰، می ساختی ۲۳، راست کردی ۲٤، همی ساختی ۳٤، جای می خواستی ۳۸، می برساختی ٤۰، می سازی جای ٤۱، جای همی ساختی ٤۲، ساخته می گردی ٥٥، جای می کردی ٥۷، راست می ایستانید می ٥۸، جای سازی ٦۱، همی جاء کردی ٦٥، جایگاه می ساخت٦۹، راست میایستانیدی ۷٤، جای همی ساختن ۸۲، ساخته بینی ۸۸، ساخته می کردی ۹۱، جای می ساختی ۱۰۳، فرو می آوردی ۱۰٤، ساخته میکنی ۱۰۹، جای میدادی ۱۱۲، ساخته کردی ۱۱٤، فرود میاوردی ۱۲۰، جای ساختی ۱۲۱، جای همی ساختند ۱۲۷، بیرون آوردی ۱۳۰

تَبَوَّءَا: أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا (۱۰:۸۷)
جای کنید ۱، جای سازید ۲، جای گیریت ۳، راست کنید ۱۳، واگیری ۲٤، جای سازید ۲۷، بر آرید ۳٦، بسازید ۳۸، جای گیرند ٥٦، جای سازی ٥۷، جای کنید هر دو ٥۸، جاء دهید ٥۹، جای دهید ٦۱، بسازید ـ بگیرید ٦۷، بساوید ۷۸، جای سازیت ۸۳، جای سازید ۱۰۰، جای بازگشتن سازید ۱۰٤، سازید شما هر دو ۱۰۹، جای گیرید ۱۱٤، فراگیرید ۱۱٦، جای ساختند ۱۲٤

تَبَوَّءُو: وَٱلَّذِينَ تَبَوَّءُو ٱلدَّارَ وَٱلْإِيمَٰنَ مِن قَبْلِهِمْ (٥۹:۹)
جای کردند ۱، جای ساختند ۳۰و ۱۲٤، جای ساخته‌اند ۳٦، بساختند ٤۱، جای گرفتند ٥٦، ساختند ۸۱، جاء ساختند ۹۰، جای سازند ۹۲، فرود آمدند ۹٤، جای ساختن ۱۰۸، جای دادند ۱۳٤، بنشستند ۱۳٦

تَبُورَ: يَرْجُونَ تِجَٰرَةً لَّن تَبُورَ (۳٥:۲۹)
زیانْ کند ٥۳

★ لَنْ تَبُورَ: يَرْجُونَ تِجَٰرَةً لَّن تَبُورَ (۳٥:۲۹)
هرگز نه پاره کنید ٤۱، نه ناچیز شود ٤۷، زیان نکنید ٦۹، هرگز کاسته نشود ۸۰، هرگز تباه نشود ۱۰۲، کاسد نبود ۱۱٦، زیان نرسد ۱۳۳

تِبْيَانًا: وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ تِبْيَٰنًا (۱٦:۸۹)
دیدور کردن ۱، روشنی ۲۹، پدید کردن ۳۰، پیدا کننده ٤۳، پدید گردنْ ٥٥، پیدا کردن ٥٦، پیدااِی ٥۷، پیدایی ٥۸، بر آوردن ٦۱، هویدا کردن ٦۳، پیدا ۹٤، پیدای ۹٦، روشن کننده ۱۱۱، روشن ۱۱٥، روشن ساختن ۱۲۰

تَبِيدَ: قَالَ مَآ أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَٰذِهِۦٓ أَبَدًا (۱۸:۳٥)
کرانه شهد ۱، برافتد ۳٦، نیست شود ٤۱، برسَدْ ٥۳، ویران شود ٦٤، سست شود ۷۸، برسد ۹۰، نابود گردد ۱۱۱، سپری شود ۱۲۸

★ أَنْ تَبِيدَ: قَالَ مَآ أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَٰذِهِۦٓ أَبَدًا (۱۸:۳٥)
نرسد ٦۳

تَبْيَضُّ: يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ (۳:۱۰٦)
سپید شهد ۱، سپید شود ۲، سپید بود ۳، سپیَد بُوَد ۱۰، سپید گردد ۲۳، سپید انگیزد ۲۷، سپید شَوَد ٤۲، سفید داشتند ٤۳، سپید بُوَد ٥٥، سپید شوند ٥٦، سپید باشد ٦٤، سفید شود ۹٤، روشن شود ۹٦، سفید باشند ۱۰۰، سپید باشند ۱۰۳، سفید شوند ۱۰٦، سفید گردند ۱۲۳، نورانی شود ۱۲۷، سفید گردد ۱۲۹، سفید باشد ۱۳٥

تَبِيعًا: ثُمَّ لَا تَجِدُوا۟ لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِۦ تَبِيعًا (۱۷:٦۹)
از دم برنده ٥۲، پس رَو ٥٥، از پی درآمده ٥۹، پس روی ٦۳، کینه کش ٦۷، از پی درآینده ۷۹،

دم بریده ۹۶، رهاننده ۱۰۲، از پی درآینده و یاری دهنده ۱۱۳، جوینده ۱۲۶، خونخواه ۱۲۷، رونده ۱۲۸، از پی آینده ۱۳۵

تَبَيَّنَ: مِّنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلْحَقُّ (۲:۱۰۹)
پدید آمد ۲، پیدا شد ۳، پدید آید ۱۰، پیدا گشت ۴۱، پدید آمد ۴۲، پدید آید ۵۳، پدید آمد ۵۵، پیدا شده بود ۶٤، روشن گشته ۱۲۲، پیدا شده ۱۲۳

~: لَآ إِكْرَاهَ فِى ٱلدِّينِ قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشْدُ مِنَ ٱلْغَىِّ (۲:۲۵۶)
دیدور شد ۱، دیداری شد ۲۵، پدید شد ۲۷، پیدا شد ۶۲، پیدا گشتست ۷۵، پیدا شدن ۱۰٤، هویدا شد ۱۱٤، پدید کرده ۱۲۱، پیداست ۱۲٤، پدید آمد ۱۲۷، پدید کرد ۱۳۶

~: فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥ قَالَ أَعْلَمُ (۲:۲۵۹)
پدید آمد ۲

~: وَمَن يُشَاقِقِ ٱلرَّسُولَ مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ (٤:۱۱۵)
پدیدار آمده بود ۱۰، پدید آمد ٤۲، پدید آید ٤۵، پدیدار آمد ۵۳، پیدا شده باشد ۶۲، پیدا آمده باشد ۶٤، آمد ۱۲٤

~: يُجَٰدِلُونَكَ فِى ٱلْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ (۸:۶)
پدید آمدست ۱۰، روشن شد ۳۵، پدید امد ۵۳، پدیدار آمد ۶۲، روشن کردی ۱۰۰، پدید آید ۱۲٤، پدید آمد ۱۲۷

~: مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ (۹:۱۱۳)
پدید آینده باشد ۲۷، روشن گشت ۳۹، پدید آمده باشد ۹٤، آشکارا شد ۱۰۲ پدیدار آمده باشد ۱۲٤

~: فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥٓ أَنَّهُۥ عَدُوٌّ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ (۹:۱۱٤)
پیدا آمد ۲، پدید آمده بد ۲٤، پدید گشت ۶۷، روشن شود ۱۰۰، پدید آمد ۱۲۷

~: وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ (۱٤:٤۵)
پدید آمده بود ۲، پدید آمد ۵۳، پیدا آید ۵۸، پیدا کرد ۶۱، پدید آمد ۶۲، پدیدار گردد ۱۳۶

~: وَقَد تَّبَيَّنَ لَكُم مِّن مَّسَٰكِنِهِمْ (۲۹:۳۸)
دیدور کرد ۱، پدید کردند ۳٤، پدید آمده است ۶۲، روشن شده است ۱۰۳

~: مِّنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلْهُدَى (٤۷:۲۵)
پدید آمده بود ۶، پیدا آمد ۲۲، روشن شده بود ۶٤، پیدا آمده بود ۸۷، پدید آید ۱۲٤

~: مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلْهُدَىٰ (٤۷:۳۲)
پدیدار آمده بود ۶، پیدا آمد ۲۲، روشن گردانید ۱۲٤

لِتُبَيِّنَ: لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ (۱۶:٤٤)
دیدور کنی ۱، پدید کنی ۲، پیدا کنی ۳، هویدا کنی ۵۹، روشن کنی تو ۹۳، روشن گردانی ۱۱۶

تَبَيَّنَتِ: فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ ٱلْجِنُّ (۳٤:۱٤)
دانستند ۱، بدانستند ۱۸، روشن شد ۳۸ و ۳۹، پیدا شد ٤۱، پدیدار آمدند ۵۳، پیدا شد و بجای آوردند ۵۸، پدید آمد ۱۲٤

لَتُبَيِّنُنَّهُۥ: لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ (۳:۱۸۷)
پدید کنید ۲، پدید کنید ۱۰، پیدا کنید ۲۳، پیدا و روشن کنند ٤۱، پیدا کنید ۵۳، پیدا کنند ۵۸، پدید آید ۸۸، پیدا کند ۹۰، پدید کنند ۹۲، روشن کنید ۱۰۰، هویدا گردانید ۱۰٤، پدید کند ۱۰۵، بیاگاهاند ۱۲٤، روشن باز کند ۱۳۸

★ لَتُبَيِّنُنَّهُۥ: لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ (۳:۱۸۷)
هرآینه پیدا کنیتش هرآینه هرآینه ۳

تَبَيَّنُوا: فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوٓا۟ (٤:۹٤)
نگرست کنید ۱، آهستگی کنید ۲، آهستگی کنیت ۳، نیک بدانید و بنگرید ۱۰، فروایستی ۲٤، نیک بدانید و بنگرید ۲۷، استواری کنید، درستی کنید ۲۹، درست کاری کنید ٤۲، پیدا کنید ٤۳،

درست کاری کنید ۵۲، نگرش کنید ۵۳، آهستگی کُنیت ۵۵، جُست کنید، پَیدا کنید بر خود ۵۶، باز جوئید ۵۷، نیک بپرسید و آهستگی کنید، خیرگی مکنید ۵۸، نیکو بنگریت ۸۰، درستی کنیت ۸۳، آهسته شدند، آهستگی بروید ۹۰، نیکو نگریت و آهستگی کنیت ۹۱، استوار کنید ۹۴، روشن کنید، بازجوئید ۱۰۰، آهسته باشید ۱۰۲، نیک بدانید و اندیشه کنید، نیک اندیشه کنید ۱۰۳، درنگ کنید و بدانید، بدانید ۱۰٤، روشن دانید ۱۰۹، دوستی کنید ۱۲۷

~: إِن جَآءَكُمْ فَاسِقٌۢ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوٓا (٤٩:٦)

دُرست کاری کنید ۲، فروایستید ٦، دوسید کاری کنید ۳۰، نگرش کنید ۳۸، نگاه کنید ۵۲، بازجویید ۵۳، نِگرش کنید ۸۱، آشکارا کنید ۹٦، نگاه کنید ۱۰۵، روشن باز کنید ۱۰٦، بدانید ۱۱۳، روشن کنید ۱۱۹

تَتَبَدَّلُوا: وَلَا تَتَبَدَّلُوا ٱلْخَبِيثَ بِٱلطَّيِّبِ (٤:٢)

نگرید بنه بخرّید ۱۰، نگر بنه بخرید ٤۰، درمیامیزید ۵۸

تَتَّبِعَ: حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (٢:١٢٠)

بَدُم روی ۲، پس روی کنی ۳، گیری ٤۰، پی روی کنی ۵۲، بدم روی ۵۳، پَسْ رَوِی کُنِی ۵۵، روی کنی ۵۹، پیروی کنی تو ٦۱، تو پس روی کنی ٦۳، پس روی بکنی ٦٤، برپی بروی ۸۲، پس روی کنی تو ۸۹، پیروی کنی ۱۰۰، روی کنی تو ۱۰٦، پی روی نمایی ۱۳۰

~: وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ ٱلْمُفْسِدِينَ (٧:١٤٢)

پس روی کن ۳٦، پیروی کن ۱۳٦

★ لَا تَتَّبِعْ: وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَهُمْ (٥:٤٨)

پس روی مکن ۱، مه پس روی کن ۳، کار مکن ۲٤، مرو از پس ۲۷، مکن پی روی ٤۱، نه پیروی کنی تو ٦۱، مرو و مگیر ٦۷، پی روی مکن ۷۰، برپی مرو ۸۲، بَدُمْ مَرو ۹٤، تو پی مگیر ۹٦، پی مرو ۱۰۹، مکن فریفت ۱۱۲، مرو از پی ۱۳۰

~: وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَهُمْ (٥:٤٩)

بدُم مَرَو ۵۵، مکن پی روی ۷۰، پس روی نکن ۸۰، مکن پس روی ۹۱، پی مرو ۱۲۵، مرو بدم ۱۲۷، پس روی مکنید ۱۳٤

~: وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا (٦:١٥٠)

بَدُم مروْ ۲، مه پس رو ۳، بدم مرو ۲۷، پس مرو ٤٤، نه بدم رو تو ٦۱، نه کن پس روی ۹۰، بَدمْ مَرَوْ ۹٤، پیروی مکن ۱۱۰، از پس مرو ۱۲۵

~: وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ ٱلْمُفْسِدِينَ (٧:١٤٢)

بَرْ پَی مرو ۲، نگر نروی ۱۰، مکن پیروی ٤۱، نه پیروی کن ٦۱، بَدُمْ مرو ۹٤، پیروی مکن ۹٦، پس مرو ۱۲۹

~: فَٱحْكُم بَيْنَ ٱلنَّاسِ بِٱلْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ ٱلْهَوَىٰ (٣٨:٢٦)

بَدُم مَرَو ۲، سپس مرو ۳۰، پی گیری مکُن ٤۲، پی گیری مکن ۵۲، پس روی نکند ۸۱، پیرو مباش ۱۳۲

~: وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَهُمْ (٤٢:١٥)

پَیْ مرو ۲، بَرْ پَی مرو ۳۹، پی مگیر ۹٦، پیروی مکن ۱۳۲

~: وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (٤٥:١٨)

مکن پس روی ۸۷، پیروی مکن ۱۳۲

تَتَّبِعَانِّ: لَا تَتَّبِعَآنِّ سَبِيلَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (١٠:٨٩)

پس رَوی کنیت هر آینه هر آینه ۳، بدم روید تان ٦۱، راست باشید ۱۲٤

★ لَا تَتَّبِعَانِّ: وَلَا تَتَّبِعَآنِّ سَبِيلَ ٱلَّذِينَ (١٠:٨٩)

پس روی مَکنید ۱، هر آینه پس مروید ۲۷، پی روی مکنیت ٤۱، از پس مروید ٤۲، مه پس روی کنید ۵٦، مشوید از پس ۵۷، پی مروید ۹۲، بَدُمْ مَرَوِید

۹٤، بدم مروید ۹٦، پیروی مکنید ۱۰۰، پی گیری مکنید ۱۰۳، پی روی مکنید ۱۰٦، پیروی نکنید ۱۲۳

تَتَّبِعَنِ: أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي (۲۰:۹۳)
سپس من بیامدی ۳۰

★ أَلَّا تَتَّبِعَنِ: أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي (۲۰:۹۳)
که پَس نیامدی ۲، پی گیر نبودی ٤۲، نه پَسْ آمَدی ۵۳، پس نیامدی ۵۸، که بدنبال نیامدی ۷٦، پس روی نکردی ۸۷، که بدم نیامدی ۹٤، پیروی نکردندی ۱۰۰، که روی بمن نیاوردی ۱۰۳، از پی نیامدی ۱۱۳

تَتْبَعُهَا: تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ (۷۹:۷)
بدُم آید ۲، از پس اندر آید ۲٤، پس آید ٦۱، پس درآید ۹۰، از پس درآید ۹۱، از پس او آید ۹٦، پیروی کند ۱۰۰، از پی درآید ۱۰۲، ازپی درآمد ۱۰۳، از پیاپی درآینده ۱۱۳، درپی درآید ۱۱٤، پس روی کند ۱۳۹

★ لَا تَتَّبِعُوا: وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ (۲:۱٦۸)
بَدُم مروید ۲، نه پس روی کنیت ۳۰ و ۹۱، نگر گام گام نروید ، بفرمان نروید ٤۰ ، بدم مَروید ٤۲، نه پیروی کنید ٦۱، مکنید پس روی ٦٤، بَدُم مروید ۸٤، بَدُمْ مروید ۹٤، پی مروید ۹٦، پیروی مکنید ۱۰۰، درپی مروید ۱۱۲، پی مگیرید ۱۲۹

~: وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ (۲:۲۰۸)
مه پس روی کنیت ۳، نِگَرید نگردَید گِرد ۱۰، مکنی کار ۲٤، پس رو مباشید ٤۹، نگر نگردید گِرد ٦۳، نه پس روی کنید ٦٤، پس روی نه کنید ۹۰، مه بَدُم روید ۹٤، در دنبال مباش ۹۵، نه پی روی کنید ۱۱۹، نه گیرید ۱۲٤، نکنید پس روی ۱۳۸

~: فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا (٤:۱۳۵)
پس روی مکنید ۱، برپَی مروید ۲، بدم مرویت ۳، مرَوید از پس ۱۰، مروید ازپس ۲۷، بدم مروید ۲۹،

پی روی مکنید ۳٤، بدم مشوید ۸٤، پی مگیرید ۹٦، بدُم مرویت ۹۷، به پی مروید ۱۰۵

~: وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِن قَبْلُ (۵:۷۷)
پس مرویت ۳، مه جویید ۲٤، پس روی مکنید ۲۷، پَس روی مکنید ۳۷، شما پی مگیرید ۹٦، بدم مروید ۱۲٤، مکنید پیروی ۱۳۰

~: وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ (٦:۱٤۲)
برپی مروید ۲، نگَرید گرد آن نگردَید ۱۰، مکنیت پی روی ٤۱، پس مروید ٤٤، بَدُم مَرَویت ۵۵ ، به دم مرویت ۸۰ ، مروید ۹۲، پس روی مکنید ۹۸، مشوید درپی ۱۱۲، مروید به پی ۱۲۷، مکنید پی روی ۱۳۰

~: وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ (٦:۱۵۳)
بدُم مروید ۲، نه روید ٦۱، از پی مروید ۱۲۳

~: وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ (۷:۳)
بَه پَی مَروید ۱٤۰

~: لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ (۲٤:۲۱)
پی روی مکنیت ٤۱، پی گیری مکنید ٤۲، پسروی مکنید ٤۷، پَی رَوی مَکُنِیْد ۵۱، پَس رَوی مکنید ۱۱۹، پیروی منمائید ۱۳۲

تَتَّبِعُونَ: إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ (٦:۱٤۸)
پیروی کنید تان ٦۱، پس روی کنید ۹۲

~: إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا (۱۷:٤۷)
پس روی می کنیت ۳۰، پیروی کنید ٦۱

~: إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا (۲۵:۸)
پس روی می کنید ٤۳، پی روی می کنند ٤۷، بدم روند ٦۱

★ إِنْ تَتَّبِعُونَ: إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ (٦:۱٤۸)
بَرپَی همی نَروند ۲، بدم نرِویت ۲۷، بدم نمی روید ٤۲، گرد هَیچیز مَی نگردَید ۵۵، بس

همی نرویت ۸۳، پس روی نمیکنید ۸۹، پیروی نمیکنید ۱۰۰، پی روی نمیکنید ۱۰۳، پیروی نمیکنند ۱۳۰

~: إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا (۱۷:۴۷)
نَمی پَس رَوی کُنیت ۵۵، پَس روی نمی کنید ۵۷، پس روی نمی کنی ۵۹، پی روی نمیکنند ۱۰۶، پیروی نکنند ۱۱٤

~: إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا (۲۵:۸)
پس روی نمی کنید ۱، بدُم همی نروید ۲، پس روی نکنید ۵٦، پس روی نمی کنید شما ۷٦، پَس رَوِی نَمِی کنید ۱۱۹، پس روی نمی کنند ۱۳۹

★ لَنْ تَتَبِعُونَا: قُل لَّن تَتَّبِعُونَا (٤۸:۱۵)
پس روی نکنید ۱، شما هر گز واما بنیایید ٦، بدم نیایید ۳۰، ازپی میایید ٤۲، هر گز پس روی نکنید ٦۱، هر گز پیروی مکنید ۱۰۰

تَتْبِيب: وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ (۱۱:۱۰۱)
زیانٌ ۱، زیان رسانیدن ۳٦، زیان کاری ۳۸، زیان کردن ٤۱، زیان کرده ٦۹، رمیدن ۱۰۰، در زیان افکندن ۱۰٤، زیانکاری ۱۲۰، زیان افکندن ۱۲٦

تَتْبِيرًا: وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا (۱۷:۷)
ویران کردن ٢٤، تباهی کردن ۳۸، تباه کردن ۵۹، سرکشی کردن ۱۳۳

~: وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا (۲۵:۳۹)
نیست کردن ۲۰، نیست گردانیدن ۱۲۰

تَتَجَافَى: تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ (۳۲:۱٦)
می دور شهد ۱، دور شود ۲، دور باشد ۱٤، برآید ۲٤، واباشند ۲۹، دور می شود ۳٦، برخیزد ٤۲، بهم آید ٤۳، دور بَاشَدْ ۵۳، آرام نیابد ٦٤، دو شود ٦۹، دور می باشد ۷۸، دوری می گزینند ۸٦، همی برخیزد ۸۸، دور کند ۹۰، دور می شوید ۹۲، دور میشود ۱۱۳، برداشته شوند ۱۳۸

تَتَّخِذُ: أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً (٦:٧٤)
می گیری ۱، همی بگیری ۲، مَی گِیری ۱۰، همی بگیری ۲٦، بُگیری ۲۷، می گیری و می پرستی ۵۸، می گیری تو ٦۱، میگیری ٦۷، فرامیگیری تو ۱۰۰

~: وَإِمَّا أَن تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا (۱۸:۸٦)
کنی ۱، بگیری ۵٦، خواهی ۱۲۸

تَتَّخِذُنَا: قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا (۲:٦۷)
گیری ۳، فراگیری ٤، می گیری ۱۰، فرامی گیری ٤۹، مِي گِيرِی ۵۵، می گیری ۵۷، همی گیری ٦۲، فرا می گیری تو ٦۳، گیری تو ۹۹، فرا میگیری ۱۰۰، فرا مگیری ۱۰٦، میکنی ۱۳٦

تَتَّخِذُوا: أَن تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا (۳:۸۰)
گیرید ۱، بگیریت ۳، گِیرَید ۱۰، گیرید شما ٢٤، بگیریت ٤۱، بگیرید ۵٦، فرا گیرید ۱۰۰

★ أَلَّا تَتَّخِذُوا: أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلًا (۱۷:۲)
که نگیرند ۱، مه گیری ۲٤، که فرانگیرند ۷٦

★ لَا تَتَّخِذُوا: وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا (۲:۲۳۱)
مگیرید ۲، مه گیریت ۳، نگرَید نِگیرَید ۱۰، مگرید ۳۰، مَگیرید ٤۲، نه گیرید ٦۱، نگیرید ٦٤، مگیرید ۸۲، مه گیرید ۸۸، فرامگیرید ۱۲۲

~: لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ (۳:۱۱۸)
مگیرید ۱، نگرَید نه گیرَید ۱۰، نگرید و نگرید ٤۰

~: وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (٤:۸۹)
مِگیرَید ۱۰، وامگیرید ۲٤، مَه گیرید ٤۵، مَگیرید ۵۳، مَگیرید ۹٤، فرانگیرید ۹٦، فرامگیرند ۱۳۸

~: لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ (٤:۱٤٤)
مگیری ۵۷

~: لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ (۵:۵۱)
مگیریت ۳، مگیرید ۳۷، فرامگیرید ۱۲۲

~: لَاتَتَّخِذُوٓاْ ءَابَآءَكُمْ وَإِخْوَٰنَكُمْ أَوْلِيَآءَ (٩:٢٣)
مه گیرید ١١، مگیرید شما ٢٤، فرامگیرید ٢٩

~: لَا تَتَّخِذُوٓاْ إِلَـٰهَيْنِ ٱثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَـٰهٌ وَٰحِدٌ (١٦:٥١)
نه گیرید شما ٦١

~: وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ أَيْمَـٰنَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ (١٦:٩٤)
مکنید ٥٨، فَرا مگیرید ٦٢، نسازید ٦٤

~: لَا تَتَّخِذُواْ عَدُوِّى وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَآءَ (٦٠:١)
مَگیرید ٢، نمی گیرید ١١٤

تَتَّخِذُونَ: تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورًا (٧:٧٤)
می گیرید ١، می سازیت ٣، فرامی گرفتید ٢٩، بگیرید ٥٨، بکنید ٩٤، میگیرید ١٠٣، فرا گیرید و می سازید ١٠٤، می گیرند ١١٩، بکنید ١٢٤

~: تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا (١٦:٦٧)
می کنید ١، همی بکنید ٢، می گیرند ٥٦، می گیرید و می سازید ٥٨، می گیریدتان ٦١، فرامی گیرید ٧٩، فرامیگیرید شما ١٠٠، همی سازید ١٠٩

~: تَتَّخِذُونَ أَيْمَـٰنَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ (١٦:٩٢)
همی بگیرید ٢، می کنیت و می گیریت ٤١، همی کنید ٥٣، می گیرید شما ٦٤، همی بگیریت ٨٣، فرامیگیرید ٩٣، همی گیرید ـ همی کنید ٩٤

~: وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ (٢٦:١٢٩)
همی گیرید ٢، می کنند ٢٤، می سازید ٦٤، برگیرید ١٢١، میسازید ١٣٢، فرامیگیرید ١٣٨

أَفَتَتَّخِذُونَهُ: أَفَتَتَّخِذُونَهُۥ وَذُرِّيَّتَهُۥٓ أَوْلِيَآءَ (١٨:٥٠)
همی بگیرید ٢، می گیری ٢٤، باز همی گیرید ٥٢، بگرفتید ٥٨، بگیرید شما ٦١همی بگیرید ١٠٨، گیرید ١١٤، می بگیرید ١٣٩

تَتَذَكَّرُونَ: أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (٦:٨٠)
پند گیریت ٣، پند پذیریت ١٠ مکرّر، پند گیرید ٢٧، پند پذیرید شما ٤٤، اندیشه کنید ٦١

~: أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (٣٢:٤)
پند گیرید ٦١

~: قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ (٤٠:٥٨)
می پند پذیرید ١، پند می گیرند ٤١، پند پذیرند ٨١، پند می پذیرید ١٠٣، پند میگیرید ١١١

★ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ: أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (٦:٨٠)
نگیری شما پند ٢٤، همی پند نپذیرید ٢٦، نپذیرید شما پند ٢٩، پند نمی گیرید شما ٣٩، یاد نمی آوریت و پند نمی گیریت ٤١، پند نمی پذیرید ٤٢، پند نگیرید ٥٦، پند همی نگیرید ٨٢، ١٢٧، چرا همی پند نه پذیریت ٨٣، پند همی نپذیرید، چرا همی نه پند نه پذیریت ٨٨، پند نمیگیرید ١٠٠، اندیشه نمیکنید ١١٨

~: أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (٣٢:٤)
پند نپذیرید ١، نه پند پذیرید ١٤، همی نگیری پند ٢٤، پند نگیریت ٣٠، پند نگیرید همی ٤٦، در نه اندیشید و پند نگیرید ٤٧، شما همی پند نگیرید ٥٦، شما یاد نمی کنید ٩٦، پندپذیر نمی شوید ١٠٣، پند نمی گیرید ١٣٨

تَتْرَا: ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَا (٢٣:٤٤)
یک پس دیگر ١، دَمادَم پیوسته ٢، دمادم یکدیگر ٣، ازپس یک دیگر ٢٤، پیاپی ٢٩، ١٢٤، پیوسته ٣٠، پراکنده ٣٩، پس یکدیگر ٤٣، پس یک دگر ٥٦، پیوسته دمادم ٦١، پس یک دیگر ٦٩، یک پس دیگر ٧٧، ازپی یکدیگر ١٠٠، پی درپی ١٠٣، دمادم پیوسته ١٠٨، دمادم ١٢٩

تَتْرُكْهُ: أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَث (٧:١٧٦)
بهیلی ١، دَشْت بَازدَاریش ٢، دست واداری ١٠، بگذاری ٣٥، رهایش کنی ٤٢، بُمَانی ٥٥، بگذری ٥٧، بگذاری تو ٦٣، بجای مانیش ٩٤، دست

بازداری ۹۶، بگذ آری ۱۰۰، گذاریش ۱۱۴، باز نکنی ۱۲۱، واگذاری ۱۲۲

تُتْرَكُوا: أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا (۹:۱۶)
درسید در کهیشت[1] ۱، مانده شویت ۳، هَمَیدُون شما را یلَه کُنَند ۱۰، شما را بگذارند ۲۴، بگذارند شما را ۲۹، گذاشته شوید ۳۶، بمانند شما را ۳۸، فرو گذارند شما را ۳۹، شما را واگذارند ۴۸، مَانندَه شَویت ـ شُما را با شُما مَانَند ۵۵، گذاشته شوید ۵۶، ۷۴، بگذارند شما ۵۷، بگذارندتان ۹۲، بگذارند شماآرا ۹۴، باز گذارند ۱۱۱، بگذارید ۱۱۲، گذارندتان ۱۱۴، بگزارند شما را ۱۲۴، بگذارید شما واگذاشته خواهید شد ۱۲۷، واگذاشته شدند ۱۳۵

أَ تُتْرَكُونَ: أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ (۲۶:۱۴۶)
می هیشته شید ۱، همی بمانند شما را ۲، گذاشته شویت ۳، دست بخواهید داشتن ۲۴، دست باز دارند شما را ۳۰، ۶۱، بگذاردتان ۳۹، می گذارند ۴۱، دست بخواهند شما را ۴۷، دست بازدارید ۵۲، دست بازدارندتان ۵۶، دست بداشته شوید ۷۹، گدشته شویت ۸۰، هرگز باز دارند شما را ۹۴، دست باز دارید شما ۱۰۸، گذاشته خواهید شد ۱۱۱، باز گذاشته شوید ۱۱۶، بمی گذارید ۱۱۷، بُگذأرند شما را ۱۱۹، گذاشته میشوید ۱۲۱، واگذاشته خواهید شد ۱۳۲

★ لا تَتَفَرَّقُوا: وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ (۴۲:۱۳)
مپراکنید ۱، جُدا جُدا مَشوید وَ مپَراکنید ۲، پراکنده مشویت ۳، جدا مکنید ۱۶، پراکنده مشوید ۲۹، پراکنده مَشویت ۳۲، ۹۴، مه پراکنید ۳۸، نه پراکنید ۵۶، مه پراکنده شویت ۸۰، جدا مباشید ۹۶، جدایی مکنید ۱۱۴

تَتَفَكَّرُوا: ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ (۳۴:۴۶)
بحنایند[2] ۱، اندیشه کنید ۲، بیندیشید ۷، دراندیشید ۴۲

تَتَفَكَّرُونَ: لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (۲:۲۱۹)
حایشت[3] کنید ۱، اندیشه کُنید ۲، اندیشه کنیت ۳، اندیشه کَنید ۱۰، بیندیشید ۳۶، بیَندیشیدْ ۴۲، دریابید ۵۳

~ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (۲:۲۶۶)
حایشت[3] کنید ۱، بیندیشید ۲، دراندیشی ۲۴، اندیشه کنی ۲۵، بیندیشید ۴۲، بازاندیشید ۹۰، اندیشه کنید ۱۲۷، بفهمید ۱۳۸

~: هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ (۶:۵۰)
همی اندیشیت ۱۰ مکرّر، همی اندیشید ۲۶، می اندیشید ۳۶، می اندیشیت ۴۱، اندیشَهْ کنید ۵۳، اندیشه میکنیدتان ۶۱، اندیشید ۹۴، اندیشه میکنید ۱۲۶

★ لا تَتَفَكَّرُونَ: أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ (۶:۵۰)
حایشت[3] نکنید ۱، همی نَیَندیشیدْ ۲، نکند اندیشه ۹، نمی اندیشید ۴۳، هیچ نمی اندیشید ۵۲، نیندیشید ۵۸، اندیشه نکنی ۶۰، اندیشه همی نکنید ۶۲، همی ناندیشیت ۸۳، اندیشه نمیکنید شما ۸۹، اندیشه نمیکنید ۹۹، اندیشه نمی کنید ۱۰۳، درنیندیشید ۱۰۹، همی نه اندیشید ۱۲۷

تَتَقَلَّبُ: تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (۲۴:۳۷)
بگردد ۱، گردد ۳، همی گردد ۲۴، برگردد ۳۴، می گردد ۳۹، بَرگَرْدَند ۵۱، بگردند ۵۶، گردان گردد ۶۱، گردان شود ۹۴، میگردد ۱۰۲

---

۱. اصل عربی این کلمه و ترجمهٔ آن در متن قرآن، قدری مخدوش و ناروشن است. آیا می توان درسید را تحریف یا ادغامی از «در رسید» و کهیشت / گهیشت را صورتی از هشتن (رها کردن) دانست که در ترجمهٔ صیغه های دیگر این قرآن زیاد به کار رفته است؟

۲. بحنایند: بیندیشید.

۳. کذا در اصل، بدون نقطه «حنا» (؟). حنایشت: اندیشه، فکر.

تَتَّقُوا: وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ (۲: ۲۲۴)
بنپرهیزید ۱، پرهیز نباید کردن ۴۰، پرهیزکاری کنید ۵۷، پرهیز پیشه نمایید ۱۲۲، بپرهیزند ۱۲۴، پرهیز پیشه نمائید پرهیزگاری کنید ۱۲۷

~: فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً (۳: ۲۸)
رهایی جویی ۱۰، بپرخیزی ۲۴، پرهیزیت ۲۸، رهایی جویند ۴۰، بپرهیزیت ۹۷

~: وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ (۳: ۱۲۰)
بپرهیزید ۲

~: بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ (۳: ۱۲۵)
پرهیز کنید ۲

~: وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۳: ۱۷۹)
پرهیزگار باشید ۴۰، بپرهیزیت ۴۱

~: وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا (۴: ۱۲۸)
بترسید ۴۵، بپرخیزی ۶۰، بپرهیزی ۶۲، پارسایی کنید ۹۲، پرهیزند ۱۱۱

~: لِيُنْذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا (۷: ۶۳)
بپرخیزید ۱، پرهیزکاران باشید ۱۰، بترسید شما ۵۸، پرهیز کنید ۱۲۴، پرهیزگاری کنید ۱۲۷

~: إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا (۸: ۲۹)
بترسید ۵۳، بترسید ۱۲۴

~: وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ (۴۷: ۳۶)
بپرهیزید ۱۷، پرهیزکاری نمایید ۸۶

تَتَّقُونَ: لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲: ۲۱)
پرهیز کُنید اُو بترسید ۱۰، برهانید خُود را ۴۲، بترسِتْ ۵۵، برهانید خویشتن را ۶۱، پرهیزید ۶۴، پرهیز کنیت ۹۱، ترسان باشید ۱۱۸، به پرهیزید ۱۲۳، بپرهیزید ۱۲۷، برهید ۱۳۶

~: وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲: ۶۳)
بترسیت ۳، بترسید ۱۰، بپرخیزید ۲۴، بترسیت ۵۵، تن خویش برهانید ۸۲، پرهیزکار شویت ۹۱، پرهیزگار شوی ۹۵، پرهیزگاران باشید ۱۰۴

~: لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲: ۱۷۹)
برهانید خُویشتن را ۲، برهانید خود را ۴۲، برهانید ۵۲، برهانید خود را ۹۶، بپرهیزید ۱۲۴، به پرهیزید ۱۲۷

~: لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲: ۱۸۳)
خُویشتن نگاه دارید ۲، پرهیز کنید ۱۰، پرهیز کنید ۴۰، نگاه دارید ۵۲، نگه دارید ۵۳، پرهیزگاری کنید و بترسید ۶۱، خویشتن نگاه دارید ۱۰۵

~: ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۶: ۱۵۳)
بپرخیزید ۱، برهانید خود را ۲، برهانیت خویشتن را ۱۰ مکرّر، پرهیز کُنیت و برهانیت ۲۷، بترسید و بپرهیزید ۲۹، خویشتن برهانید ۴۲، بپرهیزید و بترسید ۴۴، پرهیزکار باشید ۵۷، پرهیز کنید ۱۲۴

~: مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۷: ۶۵)
ترسید ۲۷، می پرهیزید ۳۶

~: وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۷: ۱۷۱)
پرهیزگار شوید ۴۲، پرهیزگار گردید ۹۳، خویشتن را برهانید ۹۴

~: أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ (۱۶: ۵۲)
می بپرخیزید ۱، همی ترسید ۲، همی ترسید ۵۳، می ترسید ۶۴، بمی ترسید ۱۰۰، میترسید ۱۰۳

~: فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا (۷۳: ۱۷)
رهانید خویشتن را ۲، پرخیزی ۲۹، نگاه توانید داشت ۶۴، پرهیز می کنیت ۸۰، رهانیدن خویشتن را ۱۰۸

★ لاَ تَتَّقُونَ: مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۷: ۶۵)

۱. ظاهراً معنی به هر دو صورت مثبت و منفی در مورد این کلمه صحیح است.

نرهانیت خویشتن را ۱۰ مکرّر، به ترسید ـ بنترسید ۲٤، نترسید ۳۹، نرهانید ۵۲، بنمی پرهیزید ٦۳، نه ترسید ۱۲٤

~: فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۳۱:۱۰)
نپرخیزید ۱، بنپرخیزی ۲٤، نمی پرهیزید ٦٤، نرهانید خویشتن را ۹٦، خواهی رنجانید خویشتن را ۱۲۷

~: مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۲۳:۲۳)
بنپرخیزید ۱، خُویشتنْ نرهانید ۲، خویشتن نرهانید ٦۱، بنمی پرهیزید شما ۸۹، خویشتن را نرهانید ۱۰۸، نمیترسید ۱۱۱

~: مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۳۲:۲۳)
خویش نرهانید ٦۱، همی نترسید ٦۲، همی نپرهیزید ۹٦

~: سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۸۷:۲۳)
نرهانید خویشتن را ۲، بنه پرهیزید ٤۷، نرهانند ٦۱

~: إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۰٦:۲٦)
نپرهیزید ۵٦

~: إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۲٤:۲٦)
خویشتن اندر پرده نکنید ۱۰۸

~: إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱٤۲:۲٦)
نه ترسیت ۳، نمی ترسیت ٤۱، چرا همی نترسید ۱۱۹

~: إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱٦۱:۲٦)
نترسید از خدا ٤۷

~: إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۲٤:۳۷)
نمی ترسید ٦۱، بنمی تَرسید ۸۱

تَتَكَبَّرَ: فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ (۱۳:۷)
بزرگ منشی کنی ۱، برتَری جوئی ۲، گردن کشی کنی ۳، خُویشتنِت را بزرگ آید ۱۰، بزرگی کنید ٤۵، بزرگواری کنی ۵۷، بزرگی کنی تو ٦۱، بزرگی کنی ۷۲، برتری جویی ۸۳، گردنکشی کنی ۸۹، هستی کنی ۹٦، بزرگی نمایی ۱۰٤، بزرگترین جویی ۱۲٤، بزرگ ترین جویی ۱۲۷، گردنکشی کنی تو ۱۳٤، بَرتری جُویی ۱٤۰

تَلَقَّاهُمْ: وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ (۱۰۳:۲۱)
پدیره آیند[1] ۱، پیش آیند ۲، پیش باز آیند شان ۲٤، پیش آمد ۳۰، پدید آیند ۳۹، پیش همی ایند ۵۳، پیش می آید ۵٦، دربر می آیند گان ۵۸، پیش همی آید ٦۹، پیش می آیند ۹۲، فراز[آ]یند شان ۹٤، پیش آیند شان ۱۰۳، باز آیند ۱۱۳، پیشواز کنند ۱۲۲، پیش واز آیند ۱۲۸، پیش ایشان بازروند ۱۳۸

تَتْلُوا: وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ (۱۰۲:۲)
بنبشتند ۲، خُوانده وُ ساخته و نبشته بدند ۱۰، خواندند ۲٤، همی خواندندی ۲۹، می خواندند ۳٦، نبشتند ۳۸، بخواندند ٦۱، میخوانند ٦٤، می خوانند ۸۸، بخوانند ۹۰، برخوآنند ۹٤، میخواندند ۱۰۳، برخوانند ۱۰۵، میخواند ۱۰۹، خوانند ۱۱۹، میخوندن ۱۳۰

~: وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِن قُرْآنٍ (٦۱:۱۰)
خُوانی ۲، خوانی ۱۳، خوانی تو ٦۱

~: قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَا عَلَيْهِمُ (۳۰:۱۳)
بخوانی ۱، برخوانی ۲، ورخوانی ۲٤، بخوانی تو ٦۱

~: تَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا (٤۵:۲۸)
می خواندی ۱، می خواند ۲٤، میخواندی ٤۳، همی برخوانی ٤۷، خواندی تو ۵۳، بخواندیی ۵۸، بخواندهیی ٦۱

۱. پدیره آیند: پیش باز آیند، ملاقات کنند.

~: وَمَا كُنتَ تَتْلُوا۟ مِن قَبْلِهِۦ مِن كِتَٰبٍ (۲۹:۴۸)
تو همی بخُوانديی ۲، همی برخواندی ۱۴، بخواندی ۴۶، برخواندی ۴۷

★ مَا تَتْلُوا: وَمَا تَتْلُوا۟ مِنْهُ مِن قُرْءَانٍ (۱۰:۶۱)
نخوانی ۱، تو نخوانی ۲۹، برنخوانی ۶۲، نخوانی تو ۱۰۴، نميخوانی ۱۱۱

★ وَمَا كُنْتَ تَتْلُوا: وَمَا كُنتَ تَتْلُوا۟ مِن قَبْلِهِۦ (۲۹:۴۸)
نخواندی تو ۱۳۸

تَتْلُونَ: وَأَنتُمْ تَتْلُونَ ٱلْكِتَٰبَ (۲:۴۴)
همی برخُوانيد ۲، می خوانيت ۳، می خوانيد ۲۴، مِی خوانيتْ ۵۵، می خوانی ۶۰، همی خوانيد ۶۲، خوانيد ۹۶، ميخوانيد ۹۹

تُتْلَى: وَأَنتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ (۳:۱۰۱)
می خوانده شهد ۱، همی برخوانندْ ۲، خوانده می شود ۳ و ۳۰، مَی خُوانند ۱۰، می خوانند ۲۷، برمی خوانند ۴۱، خوانده ميشود ۶۹، ميخوانيد ۸۸، همی خوآنند ۹۴، ميخوانند ۱۰۰، می خوانيد ۱۲۴، برخوانند ۱۲۷، خونده شده ۱۳۰

~: وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا (۸:۳۱)
برخوانند ۲۹، خواندَه شَوَدْ ۵۵، خوانده آيد ۵۷، خوانده شود ۱۲۴

~: وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَٰتٍ (۱۰:۱۵)
خوانده شهد ۱، برخوانده شود ۲، خوانده شود ۳، برخوانده شد ۱۳، ورخوانند ۲۴

~: إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُ ٱلرَّحْمَٰنِ (۱۹:۵۸)
خوانده شدی ۲، خوانده شدند ۶۱، خوانده ميشد ۱۱۱

~: وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ (۱۹:۷۳)
برخوانده يا برخوانند ۱۰۸، خوانده شود ۱۲۴

~: وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ (۲۲:۷۲)
خوانده شد ۲، بخوانده شود ۱۳۹

~: قَدْ كَانَتْ ءَايَٰتِى تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ (۲۳:۶۶)
می خوانده شد ۱، خوانده همی شود ۲، خوانند ۲۴، ميخوانند ۱۰۰، خوانده شده ۱۱۴، می خوانند ۱۱۹، خوانده ميسند ند ۱۳۲

~: أَلَمْ تَكُنْ ءَايَٰتِى تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ (۲۳:۱۰۵)
همی خوانند ۲، خوانده می شد ۵۶، خواندن ۶۱

~: وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَٰتُنَا (۳۱:۷)
خوانی ۸۸

~: وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ (۳۴:۴۳)
برخواندی ۲۲، بخواندندی ۶۱

~: يَسْمَعُ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ (۴۵:۸)
همی خوانند ۱۶

~: وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ (۴۵:۲۵)
برخوانی ۲

~: أَفَلَمْ تَكُنْ ءَايَٰتِى تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ (۴۵:۳۱)
برخواندند ۱۶، برراندند ۲۲

~: وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ (۴۶:۷)
برخوانند ۸۱

~: إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَٰتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ (۸۳:۱۳)
خوانده شود ۱۳۰

تَتَمارَی: فَبِأَىِّ ءَالَآءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ (۵۳:۵۵)
می گمامندشی[1] ۱، بگمان شوی ۲، بگمان می شوی ۳، بگمان شويت ۳۰، بد گمان شوی ۳۹،

---

۱. می گمامندشی: گمان مند می شوی، شک می کنی.

بگمان باشی ٥٣، بگمان شوید ٦١، بی گمان می شوی ٩١، بگمانند ٩٢، بگمان میشوی ١٢١

تَتَمَنَّوْا: لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ (٤: ٣٢)
آرزو برید ٥٦، آرزو می برید ١١٩

★ لَا تَتَمَنَّوْا: وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ (٤: ٣٢)
آرزوا مکنید ١، آرزوُ مکُنید ٢، آرزو مبریت ٣، بآرزو مخواهید ١٠، آرزو مکنید ٢٧، آرزومه بریت ٣٠، آرزومندی مکنید ٣٩، بآرزوی مخواهید ٤٠، آرزو نکنید ٤٢، مه آرزو کنید ٥٣، آرزو نبرید ٦٤، نه برید آرزو ٩٠، مخواهید ٩٦، آرزوی نبرید ١٠٣، آرزو مبرید ١٠٤، آرزو مخواهید ١٢٦

★ لَا تَتَنَاجَوْا: فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (٥٨: ٩)
رازان مکنید ١، راز مگُویید ٢، مه راز گوییت ٣، راز مگوییت ٣٠، نه راز گوئید ٣٩، مگوییت راز ٤١، راز مگوئید ٤٣، با یکدیگر راز مگویید ٧٩، مکنید راز ٨١، راز مگویید ٨٨، رآز مگوئید ١٠٠، راز مگویید با هم ١٣٢

تَتَنَزَّلُ: تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ (٤١: ٣٠)
فرود آیند ١، فرو فرستند ١٥، فرو فرسْتند ٢٢، فرود آمد ٣٠، فرود آید ٤٣، فرو همی آید ٩٦، فروآیند ١٠٦، فروزآیند ١١٧، فرود می آیند ١٣٠

تَتُوبَا: إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا (٦٦: ٤)
بازگردیت ٣، بازگردید ٩٢، بازگشت کنید ١٣٢، بازآیید ١٣٨

تَتَوَفَّاهُمُ: الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ (١٦: ٢٨)
می میرانند ١، بمیرانند ٢، جان برداشتند شان ٣، جان ور گیرند ، جانشان ور گیرند ٢٤، جان بستانند ٢٩، جان بر گیرند ٣٠، بمیرانند ٤٢، بمیرانَند ٥٣ ، جَان بر گیرَند ، جَان بَر گیرَند شَان ٥٥، بمیرَاند ٥٧، بمیرانید ند ٥٨، بستانند جانها ٦٤، بمیرانید ٩٢، جان ستانند ١١٣، جان بر گیرند شان ١١٤، فرا میگیرند ١٢٠، بستانند ١٢٨

~: الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ (١٦: ٣٢)
جان بردارند ٢، جان بردارند شان ٣، جان بَردارد ٥٧، جان ستانند ٥٩، جان بردارد ٨٨، میراند شان ١١٤

تَتَوَلَّوْا: وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ (٤٧: ٣٨)
واز گردید ١، روی درگردانید ٦، روی بگردانید ٩٨، برگردید شما ١٠٠

~: وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ (٤٨: ١٦)
برگردیت ٣، برگردید ٣٩، برگردیْد ٦١

★ لَا تَتَوَلَّوْا: وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ (١١: ٥٢)
واز مگردید ١، برمگردید ٢، روی مگردانیت ٣، وامگردی ٧ مکرّر، ورمگردید ٢٩، برمگردید ٣٤، مَه بگردید ٥٣، روی مگردانید ٥٦، نه روی گردانید ٦١، برمگردیت ٨٣، نه گردید ٩٠، نگردید ١١٢، باز مگردید ١١٤، پشت برمگردانید ١١٨

~: لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ (٦٠: ١٣)
دوستی مداریت ٣، دوستی مکنید ٣٤، دوستی مدارید ٣٩، دوستی مگیرید ٤٣، دوستی ندارید ٦٤، دستوری مگرید ١٢٤، دوستی منمایید ١٣٢

تَثْبِيتًا: وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ (٢: ٢٦٥)
استانیدن ١، اِستُواری ٢، استوار داشتن ٣، بی گمانی ٢٧، اُستُواری ٤٢، استواری ٤٣، اُستُوار دَاشْتن ٥٥، برجای داشْتن ٥٧، درست کردن ٦٣، راستی ٧٥، استوار ساختن ٩١، برجای بداشتن ١٠٠، برجا داشتن ١٠٢

~: لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا (٤: ٦٦)
استانیدن ١، استُوارکاری ٢، ورپای دارتر ١٠، استادن ٣١، استوار کردن ٤١، استوارکاری ٤٢،

ایستادن ۵۳، برجاء داشتن ۵۷، استوار ٦۱، نگاه داشتن ۷۵، استوآری ۱۰۰، استادند ۱۲۷

تَثْرِیبَ: قَالَ لَا تَثْرِیبَ عَلَیْکُمُ ٱلْیَوْمَ (۱۲:۹۲)
سرزنشت ۱، سَرزنش ۲، سرزنش ۳، سرزنش و بیغاره ٤۹، سَرزَنش ۵۵، سرزنش کردن ۷۹، نکوهش ۱۲۲

★ لَا تَثْرِیبَ: قَالَ لَا تَثْرِیبَ عَلَیْکُمُ ٱلْیَوْمَ (۱۲:۹۲)
نیست سرزنشی ۲۹، نیست سرزنش ٤۱، سرزنش نیست ۵۲، سرزنشی نیست ۱۱۱، نیست هیچ سرزنش ۱۲۰

تَثْقَفَنَّهُمْ: فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِی ٱلْحَرْبِ (۸:۵۷)
گندی[1] ۱، بگیری ۱۰، بیابی ۱۱، بیاوید ۲٤، بیابی هر آینه هر آینه ۳۰، دریابی ۳٦، بگیری تو ۳۹، دریابیت ٤۱، بر گیری ٤۲، بیابی هَرَاینه هَرَاینه ۵۵، بیابی تو ٦۱، یابید ۷٦، دریابی تو ۷۹، یابی تو ۸۹، دست یابی ۹۳، یابی ۱۰۲، به بینی ۱۲۱، بگیرید ۱۲٤، بکوی[2] ۱۲۷

تُثِیرُ: إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِیرُ ٱلْأَرْضَ (۲:۷۱)
برانگیزد ـ بشکافدْ ۲، شوراند ۳، بشورد ٤، شَورد ۱۰، شکافتن ۲٤، سپرده باشد ۲۹، بشکافد ٤۲، شیار کند ٤۹، بشکافد ۵۲، کار فرمودن ۵۳، سُورانَد ۵۵، کنَد ۵۷، پاره بکرده باشد ٦۱، شورد ٦۳، شیار کننده ٦٤، برانگیزد و بشکافد ۸۳، بکاود ۹۰، بکارد ۱۰٤، شکافد ۱۱۸، شخم کند ۱۲۲، شیار کند ۱۲٤، شخم کند برکند ۱۲۷، کشت کند ۱۲۹

~: ٱللَّهُ ٱلَّذِی یُرْسِلُ ٱلرِّیَٰحَ فَتُثِیرُ سَحَابًا (۳۰:٤۸)
بپراکند ۱، انگیزد ۳، برانگیزد ۱٤، برگیرد ۲٤، برانگیزند ۲۹، می پراکند ٤۱، براند ٤۳، بینگیزد ٤۷، بیارد ۵۳، بشوراند ۵٦، می انگیزد ۷٤، برنگیزد ۸۰، می برانگیزد ۸٦، برمی انگیزاند ۱۰۰، بر نگیزاند ۱۱٦، می انگیزاند ۱۲۱

~: وَٱللَّهُ ٱلَّذِیٓ أَرْسَلَ ٱلرِّیَٰحَ فَتُثِیرُ سَحَابًا (۳۵:۹)
برانگیزد ۲، برانگیزاند ۳، برانگیزد و بردارد ۷، بر می انگیزند ۲۹، به پراکند ٤۱، می برانگیزاند ۸٦، پراکند ۸۷، برمی انگیزد ۹۹، بپرانند ۱۱۷، برانگیختند ۱۲۳، بیاراید ۱۲٤، برانگیخت ۱۳۱، برانگیزانند ۱۳٦

تُجَادِلُ: یَوْمَ تَأْتِی کُلُّ نَفْسٍ تُجَٰدِلُ عَن نَّفْسِهَا (۱٦:۱۱۱)
پیکار همی کند ۲، پیکار می کند ۳، پیکار کند ۲۹، پَیکار می کُنَد ۵۵، داوری میکند ۵۹، داوری کند ٦٤

★ لَا تُجَادِلْ: وَلَا تُجَٰدِلْ عَنِ ٱلَّذِینَ یَخْتَانُونَ (٤:۱۰۷)
پیکار مکن ۱، پیکار مکُن ۲، مکن پیکار ۲۷، پیکار مکش ٤۲، نه پیکار کن ٦۱، نه سخن گوی ۹۰

تُجَادِلُكَ: تُجَٰدِلُكَ فِی زَوْجِهَا (۵۸:۱)
می پیکار کند ۱، پیکار کرد ۲، سخن گفت ۲٤، گفت و شنود می کند ۳۹، داوری کرد ٦۷، گفت و گوی کرد ۱۱۱

★ لَا تُجَادِلُوا: وَلَا تُجَٰدِلُوٓا۟ أَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ (۲۹:٤٦)
پیکار مکنید ۱، پَیکار مکُنید ۲، مه پیکار کنیت ۳، گفت و گوی مکنیت ٤۱، کارزار مکنید ۱۱٤

أَتُجَادِلُونَنِی: أَتُجَٰدِلُونَنِی فِیٓ أَسْمَآءٍ (۷:۷۱)
می پیکار کنید ۱، پیکار می کنیت ۳، همی پیکار کنیت ۱۰ مکرّر، پیکار کنید ۵۲، همی پیکار کنی ۵۷، پیکار میکنید ٦۱، پیکار کنند ۹٤، شما پیکار می کنید ۹٦، کارزار میکنید ۱۲۱، پیکار کنی ۱۲٤، پیگار همی کنیدْ ۱٤۰

تِجَارَةٌ: إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً حَاضِرَةً (۲:۲۸۲)
بازرگانی ۱، بازرگانی ۲، بازارگانی ۱۰، خرید و

---

[1]. گندی: بیابی، دریابی.

[2]. کذا، بکوی / بکاوی (؟).

فروخت ۳۶، بازرگان ٤۱، ستد و داد ٦۳، سودا ۱۳۵

~: إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَـٰرَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ (٤:٢٩)
ستَدُ داد و خَرید فروخت و دَهِش ۱۰، خرید و فروخت ـ ستد و داد ٤۰، بازرگانی ٥۷ و ۱۲٤

~: وَتِجَـٰرَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا (٩:٢٤)
بازرگانی ۱۲٤، بازارگانی ۱۲۷

~: رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَـٰرَةٌ (٢٤:٣٧)
خریدن ۷٦، بازرگانی و سوداگری ۱۱٦، خرید ۱۳۲

~: يَرْجُونَ تِجَـٰرَةً لَّن تَبُورَ (٣٥:٢٩)
بازرگانی ۱۲٤

~: هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَـٰرَةٍ تُنجِيكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (٦١:١٠)
بازرگانی ۱۲٤

تِجارَتُهُمْ: فَمَا رَبِحَت تِّجَـٰرَتُهُمْ (٢:١٦)
بازرگانی ٥٥، سوداگری ۱۱۱، بازرگانی ۱۲٤، بازارگانی ۱۲۷

تَجْأَرُوا: لَا تَجْـَٔرُوا ٱلْيَوْمَ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ (٢٣:٦٥)
زنهار خواهیدْ ٥۳، زاری کنندگان ۱۲۱

★ لاتَجْأَرُوا: لَا تَجْـَٔرُوا ٱلْيَوْمَ (٢٣:٦٥)
زاری مکنید ۱، زاری مکُنید ۲، مکنید زاری ۲٤، زینهار مخواهید ۳۰، فریاد مخواهید ۳٤، منالید ۳۹، زاری نکنید ٤۳، بانگی و دادی مکنید ٤۷، زارمی مکنید ٥۲، فریاد مخوانند ٥٤، مخروشید ٥۸، منالید ٦٤، یاری کرده نشویت ۸۰، فریاد مکنید ۱۰۳

تَجْأَرُونَ: ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْـَٔرُونَ (١٦:٥٣)
زارید ۱، زاری کنید ۲، زاری می کنیت ۳، کنی زاری ۲٤، زاری میکنید ۳٥، پناه می بریت ٤۱، زاری کُنید ٥۳ زاری می کُنیت ٥٥، خروشید ٥۸، می خروشید ۷۲، همی زاری کنید ۷۸، زاری کنیت ۸۰، باز گردید ۹۰، زآری کنید ۱۰۰، زاری همی کنید ۱۰۹، مینالید ۱۱۱، می نالید ۱۱٥، مینالید و میزارید ۱۱٦، گریزند ۱۱۸

تُجاهِدُونَ: وَتُجَـٰهِدُونَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمْوَٰلِكُمْ وَ (٦١:١١)
کارزار کنید ۲، کوشش می کنید ۸۱، کارزار کنیت ۹۱، کوشش کنید ۱۰۹

تَجْتَنِبُوا: إِن تَجْتَنِبُوا۟ كَبَآئِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ (٤:٣١)
دوربید ۱، کناره کُنید ۲، دور باشیت ۳، پرهَیز کُنید اُودَست باز دارَید ۱۰، بپرخیزید ۲٤، بپرهیزید ۲۷، دور باشید ۳٦، بپرهیز کنید و دست وادارید ٤۰، دوری کنید ٥۲، بپرخیزی ٦۰، کناره کنید ۷۸، کرانه کنید ۸۲، کرانه کنید ۹٤، پرهیز کنید شما ۹٦، دور شوید ۱۰۰، بیکسو شوید و بپرهیزید ۱۰۲، دوری گزینید ۱۰٤، بیکسو شوید ۱۰۹، به پرهیزید ۱۱۸، بیک سو شوید ۱۲۳، دور شوید ۱۲٤، بیزار شوید ۱۳۳، پرهیزید ۱۳٥

تَجِدُ: يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ (٣:٣٠)
بیاوَد ۱۰، یاود ۲٤، بیابد ۲۷، یابد ۲۸، بیابد ٤۰، بیاود ٦۲، یآبد ۱۰۰، می یابد ۱۳۰

~: وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلًا (٤:١٤٣)
یابی تو ٥۷

~: ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا (١٧:٧٥)
بیابی تو ٦۱

~: ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِۦ عَلَيْنَا وَكِيلًا (١٧:٨٦)
یابی ۳۰

★ لاتَجِدُ: وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَـٰكِرِينَ (٧:١٧)
نیابی ۲، نیاوی ۱۰، تو نیابی ۲۹، نیابی تو ٦۲، نخواهی یافت ۱۲۷

~: ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا (١٧:٧٥)

نگنند ۱، نیافتی ۵۲، نیافتی تو ۱۰۰، بازنیافتنی ۱۰۵، نمیافتی ۱۳۷

~: وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا (۷۷:۱۷)
بازنیافتی ۹٤

★ لَنْ تَجِدَ: وَمَن يَلْعَنِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ نَصِيرًا (٤:٥٢)
نگندی ۱، نه یابی ۳، نیابی ۲۹، نیابی تو ٦۳

~: وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلًا (٤:۸۸)
نیابی ۲، نیابی تُو ٤۲، نَه یابی ٤٥

~: وَلَن تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا (٤:١٤٥)
هرگز نه یابی ۳، هرگز نباشد ۲۹، نیابی هرگز ۸٤، تو نمی یابی ۹٦

~: فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِهِۦ (۹۷:۱۷)
هرگز نیابی ۳۰، هَرگز نیابی تو ٦۱، هرگز نمییابی ۱۳۰

~: وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ وَلِيًّا مُّرْشِدًا (۱۸:۱۷)
هرگز نیابی ۱۳۲

~: وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبْدِيلًا (۳۳:٦۲)
هرگز نیابی تو ٦۱، هرگز نیابی ۱۳۲

~: وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبْدِيلًا (٤۸:۲۳)
نیاوی ٦، نه یابی ۸۰

لَتَجِدَنَّ: لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ ٱلنَّاسِ عَدَٰوَةً (٥:۸۲)
گندی[1] ۱، بیابی ۲، یابی ۲۷، بیابی ۲۹، یافتدی ۳۷، بیابی تو ٥٦، خودیاوی[2] یاوی[2] ٦۲، هرآینه بیابی تو ٦٤، یابی تو ۸۹، تو یابی ۹٦، هرآینه یابی و هرآینه می یابی ۱۱۱، می یابی ۱۲۹

لَتَجِدَنَّهُمْ: لَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ ٱلنَّاسِ عَلَىٰ حَيَوٰةٍ (۲:۹٦)
بیابی ۲، یابی ۳، یَاوی ۱۰، یاوی ۲٤، خودیابی ۲۹، یاوی تو ٤۰، بیَابی ٥٥، هرآینه یابی تو ٦۳، هرآینه یابی هرآینه هرآینه ۹۱، یابی تو ۱۰۰، تو بیابی ۱۱۸، می یابی ۱۲۱، بخود یابید ۱۲۷

سَتَجِدُنِي: قَالَ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ صَابِرًا (۱۸:٦۹)
گندی[3] ۱، باشد که بیابی ۲، زود بیابی ٤۳، زود یابی تو ٥۷، زود باشد که بیابی ٥۸، سرانجام بیابی تو ٦۱، باشد که یابی ۹٤، باشد بیابی ۹۸، هرآینه بیابی ۱۰۳، یاپی ۱۲۳، خواهی یافت ۱۳٥

~: سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ (۲۸:۲۷)
یابی تو ٥۳، زود باشد که یابی ۱۰۳

~: سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰبِرِينَ (۳۷:۱۰۲)
یابی ۲۲، زود یابی ۲٤، بود که بیابی ۳۳، تو می یابی ۹٦، بیابی ۱۲٤

★ لَا تَجِدُوا: ثُمَّ لَا تَجِدُوا۟ لَكُمْ وَكِيلًا (۱۷:٦۸)
نگندید[4] ۱، نیاوید ۸، نیاوی ۲٤، بازنیابید ٤۲، نیابید ٥۲، نیابید شما ٥٦

~: ثُمَّ لَا تَجِدُوا۟ لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِۦ تَبِيعًا (۱۷:٦۹)
نگندادید[5] ۱، نَیابیت ٥٥، نه بیابید ٦۱

★ لَمْ تَجِدُوا: وَلَمْ تَجِدُوا۟ كَاتِبًا (۲:۲۸۳)
نگندید[4] ۱، نیابید ۲، نه یابیت ۳، نه یاوَی ۱۰، نیابی ۲٥، نیابیت ٤۱، نه یابید ٤۳، نیاود ٦۳، شما نیاوید ۹٥

~: فَلَمْ تَجِدُوا۟ مَآءً فَتَيَمَّمُوا۟ صَعِيدًا طَيِّبًا (٤:٤۳)
نَیاوَی ۱۰، نه یاوید ٤۰، نه یابید ٦۱

---

۱. گندی: می یابی.
۲. یاوی / یابی.
۳. گندمی: یابی.
٤. نگندید: نیابی.
٥. نگندادید: نیابید.

~: فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا (٦:٥)
نگندید[1] ۱، نیابید ۲، نیافته باشید ۱۰، نه یابیت ۱۰ مکرّر

~: فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا (٢٨:٢٤)
نیاوند ٤٧، نیابید شما ٥٤، نیابند ۱۳۸

~: فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (١٢:٥٨)
نیافتید ۳۹

سَتَجِدُونَ: سَتَجِدُونَ ءَاخَرِينَ يُرِيدُونَ (٩١:٤)
گندید[2] ۱، زود بیابید ۲، خواهید یافتن ۱۰، زود یاوی ۲٤، زود بود که بیابید ۲۷، زود بیابیت ٤١، یابند ٤٥، زود یابید ٥٢، زود باشد که بیابید ٥٨، زود باشد بیابید ٦٤، یابیت ۹۷، زود باشد که یابند ۱۲۳

تَجِدُوهُ: وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ (١١٠:٢)
یابیت ۳، بیاوید ٤، واياوَيد ۱۰، یاوی ۲٤، یابید ۲۹، بیابید ۳٦، وایابید ٤٠، بیابیت ٤١، بیابیت ٥٥، بازیابید ٦٤

~: وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ (٢٠:٧٣)
می یابید ۱۲۰

تُجْرِمُونَ: وَأَنَا بَرِيٓءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ (٣٥:١١)
می گنه کنید ۱، گناه می کنیت ۳، شما گناه میکنید ۲۹، گناه می کنید ۳٦، گناه می کُنید ٤٢، شما گناه همی کنید، گناه می کُنیت ٥٥، شما گناه می کنید ٥٦، شما بزه می کنید ٥٨، گناه کنید ٦١، گناه میکنید ۹۳، شما همی گناه کنید ۹٤، شما گناه کنید ۹٦، بزه میکنید ۱۱۹

تَجْرِي: تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (٢٥:٢)
می رَوَد ٥٥، روان است ۱۱٤، میرود ۱۲٤

~: وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ (١٦٤:٢)
همی برود ۲، مَی رود ۱۰، همی برود ۱۰۷، می رود ۱۲٤، روان می شود ۱۲۷

~: تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (٢٦٦:٢)
همی رود ۲، روان باشد ۱۰۱، می رود ۱۲٤

~: تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (١٥:٣)
میرود ۳

~: تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (١٣٦:٣)
می رود ۱، میروند ۱۰٦

~: تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (٨٥:٥)
می رود ۲، می روند ۲٦

~: لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (١١٩:٥)
روانست ۱۲۷

~: وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمْ (٦:٦)
می رفت ۱، همی رود ۸۸، همی رود ۱۲۷، پیوسته میرفت ۱۳۰، می رافتند ۱۳۸

~: تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ (٤٣:٧)
در روند ۹۲، میرود ۱۲٤، همی رود ۱۲۷

~: تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (٧٢:٩)
هَمی رَوَد ٦٢، می رود ۱۲٤

~: تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (٨٩:٩)
روانست ۱۱۳

~: تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ (٩:١٠)
می رَوَدْ ٥٥

~: وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ (٤٢:١١)
همی شود ٥٣، همی بردی ۹۳، می برد ۱۰٥،

---

۱. نگندید: نیابید.
۲. گندید: یابید.

برمی برد ۱۰۶، میبرد ۱۱۱، روان میشد ۱۲۲، می رود ۱۲٤، برد ۱۲۷

~: تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ (۳۵:۱۳)
می رود ۱۲٤

~: لِتَجْرِيَ فِي ٱلْبَحْرِ بِأَمْرِهِۦ (۳۲:۱٤)
روان میشود ۱۱۱، روانه شود ۱۱۳

~: تَجْرِي بِأَمْرِهِۦٓ إِلَى ٱلْأَرْضِ (۸۱:۲۱)
همی رفت ۳۸، جهنده ۱۱۹

~: جَنَّٰتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ (۱۰:۲۵)
روَد ۸٦، همیرود ۱۰۸

~: وَلِتَجْرِيَ ٱلْفُلْكُ بِأَمْرِهِۦ (٤٦:۳۰)
هم رود ۱٤، براند ۱۰۵، روان گردند ۱۱۱

~: فَسَخَّرْنَا لَهُ ٱلرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِۦ رُخَآءً (۳٦:۳۸)
می رفتی ٦٤

~: وَهَٰذِهِ ٱلْأَنْهَٰرُ تَجْرِي مِن تَحْتِيٓ (۵۱:٤۳)
همی رَودْ ۲۲، می روَدْ ۳۲

~: لِتَجْرِيَ ٱلْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِۦ (۱۲:٤۵)
برود ۲، روَد ۳۲، روان شود ۱۱٤

~: تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ (۵:٤۸)
رود ٦

~: وَحَمَلْنَٰهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلْوَٰحٍ وَدُسُرٍ تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا (۱٤:۵٤)
میرفت ۳، برفتی ۳۹، برفتی آب همی ۱۳۹

تَجْرِيَانِ: فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ (۵۰:۵۵)
می روند ۱، می رود ۳، همی روند ۳۰، برجوشنده ۳۹، روان ۸۱، روانند ۹٦، روان شوند ۱۳۲

تُجْزَوْنَ: ٱلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ ٱلْهُونِ (۹۳:٦)
پاداش داده شید ۱، پاداشن دهَدْتان ۲، پاداش داده شویت ۳، پاداشت دهندتان ۱۰، پاداشن دهند ۱۰ مکرّر، پاداش دهندتان ۲۷ و ۱۲٤، پاداش دهندتان ٤۲، پاداش کرده آید شما را ۵۷، پاداشت دهند شما را ٦۳، پآداشت داده شوید ۱۰۰، پاداش داده خواهید شد ۱۲۰، پاداش کند ۱۲۷، مزد داده شوید ۱۳٦، پاداشت دهند شما ۱۳۸

~: هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ (۵۲:۱۰)
پاداش کند شما را ۱۳، پاداش کرده شوید ۳۹، می دهندتان پاداش ٤۱، پاداش می کنند شما را ۵۳، پاداش داشته شوید ۱۲۱

~: هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۰:۲۷)
پاداش داده شند ۱، پاداش داده بشوند ٦۱، پاداش داده شوند ۱۱٤

~: وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۵٤:۳٦)
پاداش دهند ۳۳

~: وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۹:۳۷)
دهنْد پاداشن شما را ۲، دهندتان پاداش ۳۳، پاداشن کنندتان ۳۸

~: ٱلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۸:٤۵)
پاداش کنند ۱٦، پاداش داده شویت ۳۲، پاداش داده شوید ۵٦، پاداش داده شوید شما ٦٤

~: فَٱلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ ٱلْهُونِ (۲۰:٤٦)
پاداشت داده شوید ۷۹، سزا داده شوید ۱۳۲

~: إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱٦:۵۲)
پاداش دهند شما را ۳۰، پاداش داده میشوید ۸٦، پاداش داده می شوید ۱۰۳، پاداشت داده شود ۱۰۹

~: إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۷:٦٦)
پاداش دهد شما را ۲، پاداشت داده میشوید ۱۰۲، پاداشت دهند ۱۳٤

★ لَا تُجْزَوْنَ: لَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۵٤:۳٦)
نی پاداش داده شید ۱، نه پاداش کنند ۲۲، پاداش داده نشوید ۵٦، پاداش کرده نشوید ٦۱

★ مَا تُجْزَوْنَ: وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (٣٧: ٣٩)
پاداش داده نشید ١، نه پاداش کنند شما را ٢٢، پاداش نکنند تان ٣٩، ندهند شان پاداش ٤١، پاداش ندهند ٥٥، پاداشت داده نشوید ١٠٠، پاداش داده نخواهید شد ١٠٣، پاداش ندهند شما را ١٠٦، سزا داده نگردید ١٣٢، پاداش نکنند تان ١٣٩

تَجْزِی: وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا (٢: ٤٨)
بازدارد ٣، پاداش دهند ٨٠

~: وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا (٢: ١٢٣)
پاداش دهد ٣، پاداشت دهد ٨٨

★ لَا تَجْزِی: لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا (٢: ٤٨)
نه گزارد ٤، بسند گی نه کند ١٠، سود نکند ٣٦، نگذارد ٤٢، ندهند ٥٣، باز نتواند داشت ٦٤، نگذارند ٨٢، بنگزیراند ٨٩، نه پاداش دهد و نه دور کند ٩١، بنگریزاند ١٠٦، باز نتواند داشت ١٢١

~: وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا (٢: ١٢٣)
بسند گی نه کند ١٠، سود نمی دارند و باز ندارد ٤١، نگزارد ٤٢، نگزارد ٥٢، نگذارد ٥٣، باز ندارد ٦٤، سود ندارد ٦٧، پاداش نکند ٩٠، بی نیازی نکند ١٠٢، بی نیاز نکند ١٠٩، بسند نکند ١٣١، سزا ندهد ١٣٦

تُجْزَی: لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ (٢٠: ١٥)
پاداش داده شهد ١، پاداش دهد ٢، پاداش داده شود ٣، پاداش یابد ٢٤، پاداش کرده می شود ٥٨، پاداش کرده آید ٩٤، پا[دا]ش دهد ١٠٨، پاداشت دهد ١٠٩، پاداش شوی ١٣٩

~: الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ (٤٠: ١٧)
پاداش دهند ١٢٤، پاداش داده میشوید ١٣٠، پاداش کنند ١٣٩

~: وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ (٤٥: ٢٢)
پاداشن کند ٢، پاداش کند ١٦، پاداش کنند ٢٢، پاداش داده شوَد ٣٢، پاداش کرده شود ٣٩، پاداشت داده شود ٨٩، پاداشت دهند ١٣٨

~: وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَىٰ (٩٢: ١٩)
پاداش کند آنرا ٤٢

★ لَا تَجَسَّسُوا: وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب (٤٩: ١٢)
وازجست مکنید ١، جُستْ جُوی مکنید ٢، جست و جوی مکنیت ٣، مجویید ٢٤، مجوییت ٣٠، کار پوشیده باز مجوئید ٣٩، جست و جوی مکنید ٤٢، بازجست مکنید ٤٣، مه بازجویید ٤٧، بازمجویید ٦١، نه جست و جو کنیت ٨٠، جستجو مکنید ١٠٥، جست و جوی نکنید ١٢١، جستجوی مکنید ١٢٩

تَجْعَلُ: قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا (٢: ٣٠)
خواهی کردن ٢، مَی بُخواهی آفریدن ١٠، می بیافرینی ٢٤، می آفرینی ٣٦، می کُنِي ٥٥، می کنی ٨٠، بخواهی کردن ٨٢، همی کرد خواهی ٨٣، بیافرینی ٨٨، بسازی ٩٠، همی کنی ٩٤، پدید میکنی ١٠٠، خواهی آفرید ١٠١، میگردانی ١٠٢، بمیکنی ١٠٦، میکنی ١١٢، آفرینی ١٢٧

~: عَلَىٰ أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا (١٨: ٩٤)
کنی ١، بکنی ٢، بکنی تو ١٠٠، پدید آری ١٠٤، پدید آوری ١٣٢

★ لَا تَجْعَلْ: لَّا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ (١٧: ٢٢)
مکن ـ مگیر ٢، مه گوی ٣٠، مگردان و مگیر ٤٢، نه گردان تو ٦١، مکن تو ـ مگیر ٩٦، فرامگیر ١١٦

~: وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ (١٧: ٢٩)
مکُنْ ٢، مه گیر ٢٤، فرو مدار ٣٤، مه کن ٨٠، مساز ١١٦

~: وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ (١٧: ٣٩)
مکُن ـ مگیر ٢، تو مکن ٣٨، مگیر ٥٢، تو مگیر ٩٦

~: وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ (۱۰:۵۹)
مکُن ۲، مَگَرْدان ۴۲، مه کن ۸۰، مگردان تو ۹۹، منه ۱۱۱

★ لَا تَجْعَلْنَا: رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّـٰلِمِينَ (۴۷:۷)
مکن ۱، مگردان ۳، مَکن ۲۷، نه گردان ۶۱، درنیار ۹۲، مگرد آن ۱۰۰

~: رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ ٱلظَّـٰلِمِينَ (۸۵:۱۰)
مه کن ۲۴، مگرْدان ۶۲

★ لَا تَجْعَلْنِي: وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّـٰلِمِينَ (۱۵۰:۷)
مه گردان ۳، نه گردان ۶۱، تو مگردان ۹۶، مگردان ۱۲۱

~: رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي ٱلْقَوْمِ ٱلظَّـٰلِمِينَ (۹۴:۲۳)
مکن ۴۷

تَجْعَلُوا: أَتُرِيدُونَ أَن تَجْعَلُوا۟ لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَـٰنًا (۱۴۴:۴)
کنید ۱، بکنید ۲، بکنی ۶۰، بکنیت ۸۸، میکنید ۹۲، گردانید ۱۰۳

★ لَا تَجْعَلُوا: فَلَا تَجْعَلُوا۟ لِلَّهِ أَندَادًا (۲۲:۲)
مه کنید ۲، نگَرَید نَه گویَید ۱۰، مه گویید ۲۴، مگیرید ۴۸، مَکُنیت ۵۵، نگر نگویید ۶۳، قرار ندهید ۶۴، مه کنیت ۸۰، پدید مکنید ۸۴، نه کنیت ۹۱، نکنید ۹۹، فرامگیرید ۱۱۶، مکنید ۱۲۱، برمسازید ۱۲۲

~: وَلَا تَجْعَلُوا۟ ٱللَّهَ عُرْضَةً لِّأَيْمَـٰنِكُمْ (۲۲۴:۲)
مکنید ۱، مکُنید ۲، مه سازیت ۳، مَکُنید ۱۰، مساری ۲۴، مسازید و مَکْنید ۲۷، مسازید ۳۴، مکنیت ۴۱، نه کنید ۶۱، نسازید ۶۴، مگردانید ۸۴، مگرد آنید ۱۰۰، مگردان ۱۰۴، نگردانید ۱۲۱

~: لَّا تَجْعَلُوا۟ دُعَآءَ ٱلرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَآءِ (۶۳:۲۴)
مَکُنید ۵۱، مدارید ۱۲۳، نکردانید ۱۳۲

~: وَلَا تَجْعَلُوا۟ مَعَ ٱللَّهِ إِلَـٰهًا ءَاخَرَ (۵۱:۵۱)
مه کُنیدْ ۲، مکنید ۵۶، نگردانید ۱۱۶، پدید مکنید ۱۲۲

تَجْعَلُونَ: وَتَجْعَلُونَ لَهُۥٓ أَندَادًا (۹:۴۱)
شما می کنید ۵۶، شما همی کنید ۸۱، پدید میکنید ۱۰۰، می سازید ۱۰۳

~: وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ (۸۲:۵۶)
می کنیت ۳، همی کنید ۸۱

تَجْعَلُونَهُ: تَجْعَلُونَهُۥ قَرَاطِيسَ (۹۱:۶)
می کنید ۱، می کنیت ۳، همی بکنیت ۱۰ مکرّر، کردی شما ۲۴، همی بکنید ۲۶، می گردانید ۶۱، میگرد آنید ۱۰۰، میگردانید ۱۰۳، میکنید ۱۱۴، میگردانید ید ۱۲۲، همی گردید ۱۲۴

تَجَلَّى: فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُۥ لِلْجَبَلِ (۱۴۳:۷)
اشکرا شد ۱، بپدا شد ۲، پدید آمد ۳، روشن شد ۳۵، پیدا آمد ۴۵، پَدید آمَد ۵۵، بنمود ۵۸، بنمود روشنایی ۶۱، نمود ۷۴، بدرفشاند ۹۰، تابان نمود ۱۲۲، پَدید آمد ۱۴۰

~: وَٱلَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ وَٱلنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ (۲:۹۲)
اشکرا شهد ۱، پدید آرد و روشن گرداند ۲، روشن گردد ۳۴، روشن شد ۳۶، باز گشاید ۹۸، پدید آمده و روشن گرداند ۱۰۸، آشکارا گردد روشنی ۱۱۶، روشن کند ۱۱۷، روشن شود ۱۲۱، آشکار شود ۱۳۲

تَجْمَعُوا: وَأَن تَجْمَعُوا۟ بَيْنَ ٱلْأُخْتَيْنِ (۲۳:۴)
بهم کنید ۱، گرد آرید ۲، گرد کنیت ۳، گرد کنید ۱۰، بهم آرید ۲۳، گرد آیید ۴۲، فراهم کنید ۵۳، فراهم آرید ۵۷، فراهم ارید ۶۹، گِرد آیید ۱۰۵

تَجْهَرْ: وَإِن تَجْهَرْ بِٱلْقَوْلِ فَإِنَّهُۥ يَعْلَمُ ٱلسِّرَّ وَأَخْفَى (۷:۲۰)
اشکرا کنی ۱، آواز برداری ۲، آشکارا دادی ۲۴، بلند گویی ۲۹، آشکارا کنی ۴۱، بلند کنی ۴۳،

بلندی برداری ٥٣، آواز بلند کنی ٥٦، بلند کنی آواز ٦٤، اواز بلند برداری ٦٩، آشکار کنی ٧٤، آشکارا گردانی ٨٦، برداری ٩٠، تو آشکارا کنی ٩٦، آشکارا کنی ١٠٠، بلند گوئی ١٠٩، آشکارا کنی تو ١١٣، بلند خوانی ١١٧، آشکار گردانی ١٢٢، آشکار سازی ١٣٠، بیند گویی ١٣٨

★ **لاتَجْهَرْ: وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ** (١١٠:١٧)
اشکرا مکن ١، آواز برمدار ٣، بلند مکن ٨، بآواز سخت مخوانی ٢٤، بلند مخوان ٢٩، بانگ برمدار ٣٤، نه آواز بلند بردار ٣٩، مکن آشکارا ٤١، مَهْ بلند تَرْدار ٥٣، آواز بُلند مکن ٥٧، نه آشکارا کن تو ٦١، بلند مخوانید ٦٤، بلند برمدار ٩٢، آواز برمکش ١٠٠، بلند مگو ١٠٣، آواز بلند مکن ١٠٤، آشکارا مکن ١١١، آواز برمدار ١٢١، نه بلند تردار بانگ ١٢٤، آواز مدار ١٢٥

★ **لاتَجْهَرُوا: وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ** (٢:٤٩)
اشکرا مکنید ١، بلند مگویید ٢، مه آواز برداریت ٣، بلند بمخوانید ٦، مگویید بلند ٢٤، بلند مگوئید ٢٩، بلند مگوییت ٣٠، بانگ مکنید ٣٤، بانگ مزنید ٣٩، آشکار مکنیت ٤١، بلند مکنید ٤٧، آواز برمدارید ٤٨، آشکارا مکنید ٥٢، بلند سخن مگویید ٦٤، مه آواز برداریت ٨٠، بُلَند مکنید ٨١، بلند مگوئید ٨٩، نه بلند گویید ٩٠، بلند مگردانید ١٠٤، باواز بلند مخوانید ١١١، آشکارا مسازید ١١٦، آواز بلند برمدارید ١٢١، آشکارا مشوید ١٢٦، مکنید آشکارا ١٢٩، مخوانید ١٣٨

تَجْهَلُونَ: قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (١٣٨:٧)
می نادانی کنید ١، نمی دانید ٣، نادانی ٢٤، نادانی می کُنید ٤٢، نمی دَانیت یَا نَادَانی میکُنیت ٥٥، نادانید و نادانی می کنید ٥٨، همی ندانید ٦٢، نمی دانند ٦٧، نادانی میکنند ١٠٥، نادانانید ١١٤، نادانید ١٢١، نادانی همی کنید ١٢٧

~: **وَلَٰكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ** (٢٩:١١)
نمی دانیت ٣، نادانان و نمی دانیت ٤١، نادانی میکنید ٤٣، هَمِی نَدانَند ٦٢، نادان ١١٤، نادانان ١٢٤، نادانی همی کنید ١٢٧

~: **بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ** (٥٥:٢٧)
نادانید ٢٤، نادانی همی کنید ٥٣، نادانی کردیْد ٦١، نمیدانید ٨٦

~: **وَلَٰكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ** (٢٣:٤٦)
نادانی کنید ٢، نادانان ٣، نادانان ٢٢، نادانی می کنید ٢٤، ندانید ٣٩، نادانی کنند ٤١

★ **أَرَاكُمْ تَجْهَلُونَ: أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ** (٢٣:٤٦)
بینم تان نادانان ٦١

تَجُوعَ: إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ (١١٨:٢٠)
گرسنه شوی ٣، گرسنه مانی ٤٣، گرسنه شود ٨٧، گشنه شوی ١١٤، گشنه باشی ١٢١، گرسنه گردی ١٢٩، گرسنه باشی ١٣٠

★ **أَلَّا تَجُوعَ: إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا** (١١٨:٢٠)
که گرسنه نشی ١، که گرسنه نگردی ٢، که نه گرسنه مانی ٣٩، که گرسنه نشوی ٤٢، که گرسنه نمانی ٦٤، اگر گرسنه نگردی ١٠٨، آنکه گرسنه نمیشوی ١١١، اینکه گرسنه نشوی ١٣٢

★ **لاتَجُوعَ: إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ** (١١٨:٢٠)
گُرسْنه نگردی ٢، گرسنه نشوی ٢٤، نگردی گرسنه ٣٠، گرسنه نگردی ٣٤

تُحَاجُّونَ: لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ (٦٥:٣)
همی پیکار کُنید ٢ و ١٢٧، پیکار می کنید ٣٩، می آویزید ٤٠، پیکار همی کُنید ٤٢، پیکار همی کنید ٥٢، پیکار میکنید ٦١، پیکار کنید ٨٤، داوری کنید ٩٠، همی کنید پیکار ١٢٥

~: **فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ** (٦٦:٣)
پیکار کُنیدْ ٢، همال می کشی ٢٥

أَتُحَاجُّونَنَا: قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي ٱللَّهِ (۲: ۱۳۹)
همی پیکار کنید ۲۹، داوری میکنید ٦٤

أَتُحَاجُّونِّي: قَالَ أَتُحَاجُّوٓنِّي فِي ٱللَّهِ وَقَدْ هَدَىٰنِ (٦: ۸۰)
می پیکار کنید ۱، پیکار کنید ۱۲٤، همی پیکار کنید ۱۲۷

تَحَاضُّونَ: تَحَٰٓضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ (۸۹: ۱۸)
برمی أنگیزند ۲، برانگیزیت ۸۰، انگیزید ۹۰، برانگیزیدیت ۹۱، برانگیزانید ۱۲٤، برانگیزید ۱۲٦

★ لَا تَحَاضُّونَ: وَلَا تَحَٰٓضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ (۸۹: ۱۸)
برنمی انگیزید ۸۸، نمی انگیزید خود را ۱۰٦، برنمی انگیزند ۱۰۸، برنمی انگیزید خود را ۱۱۷

تَحَاوُرَكُمَا: وَٱللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَآ (۵۸: ۱)
پیکار ۱، سخن گفتن ۲، سخن گفتار ۳۸، گفت و شنود ۳۹، پاسخ دادن پس یکدیگر ٦۷، سخن گفتن با یکدیگر ۷۹، گفتار ۸۸، سخن ۹۰، سخن گفت ۹۲ ، گفتن ، گفتن با یکدیگر ۱۰٦ ، گفت و گوی ۱۱۱، گفتگو ۱۲۲

تُحْبَرُونَ: أَنتُمْ وَأَزْوَٰجُكُمْ تُحْبَرُونَ (٤۳: ۷۰)
می رامشتی شید ۱، شادی کنان ۲، شاده کرده شویت ۳، شادی کنان ۲۲، شاد کنندتان ۲۹، شاد باشید ۳۰، شاد کرده شویت ۳۲، اندر شادی باشید ۳٤، شادمانگی دادگان ۳۹، شادمانان ٤۳، شادمان کرده شوید ٥٦، شاد کرده شوید ٦۱، شاد می باشید ٦٤، شادمانه کردشدگان ٦۹، شادان ۸۱، شادمانندگان ۹۰، شادان باشید ۱۰٦، شاد کرده میشوید و نواخته ۱۰۹، شاد گردانیده شده ۱۱۱، گرامی کردگان باشید ۱۱۳، شاد گردانیده شوید ۱۱٥، مسرور گردانیده شده باشید ۱۱٦، گرامی کردگان ۱۲٦، شاد کنند شما را ۱۳۸، شادمانه ۱۳۹

تَحْبِسُونَهُمَا: تَحْبِسُونَهُمَا مِنۢ بَعْدِ ٱلصَّلَوٰةِ (۵: ۱۰٦)
می واز گیرید ۱، بازدارید ۲، بازمی داریت ۳، واداری ۲٤، فرود آرید ۲۹، بازدارید ٤۲، باز می داریت ٥٥، می بازدارید ٥۷، بازداری ٦۰، فرود آرید ٦۲، باز گیرید ٦۹، بازداریت ۸۸، بازدارید ۱۰٤، نگاهدارید ۱۲۲، نگاه دارید ۱۳۰، باز آرید ۱۳۸

تَحْبَطَ: أَن تَحْبَطَ أَعْمَٰلُكُمْ (٤۹: ۲)
توه شهد[1] ۱، تباه شود ۲، ناچیز شود ۳، نیست کند ٦، تبابی[2] شود ۱۷، ناچیز کند ٤۱، بباد شود ٤۳، بباد شود و نیست گردد ٤۹، نابود گردد ٦٤، نیست شود ۷۲

★ أَنْ تَحْبَطَ: أَن تَحْبَطَ أَعْمَٰلُكُمْ (٤۹: ۲)
تا بباد شود ۸۷

تُحِبُّوا: وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّوا۟ شَيْـًٔا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ (۲: ۲۱٦)
دوست دارید ۲، دوست داریت ۳، شما دوست دارید ۱۰، دوست داری ٥۷، دوست دارید ۱۲٤

تُحِبُّونَ: قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِى (۳: ۳۱)
شما دوست دارید ۱۰، شما دوست می داری ۲٥، دوس دارندگان ٤۱، شما دوست می دارید ٥٦، دوست همی داریدتان ٦۱، دوست همی دارید ٦۲، دوست دآرید ۹٤، دوستدارید ۹۹، دوست میدارید ۱۲٤، دوست میدارند ۱۳٤

~: لَن تَنَالُوا۟ ٱلْبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُوا۟ مِمَّا تُحِبُّونَ (۳: ۹۲)
شما دوست دارید ۱۰، دوست دارید ۲۳، دوست تر دارید ۲٤، دوستتر داری ٦۲، دوست دارند ۱۳۸

~: مَآ أَرَىٰكُم مَّا تُحِبُّونَ (۳: ۱٥۲)

---

۱. توه شهد: تباه شود.

۲. تبایی / تباهی.

می دوست دارید ١، دوست داشتید ٢، دوست می داشتیت ٣، شما دَوست داشتَی ١٠، خواسته بودید ٢٧، خواستید ٤٠، همی خواستید ٦٢، دوست می دارند ٦٩، می خواستید ٧٥

~: وَلَٰكِن لَّا تُحِبُّونَ ٱلنَّٰصِحِينَ (٧٩:٧)
دوست دارید تان ٦١

~: أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَكُمْ (٢٢:٢٤)
دوُسْت دارید ٥٣، خواهید دوست ١٣٩

~: كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ ٱلْعَاجِلَةَ (٢٠:٧٥)
دوُست دارید ٢، دوست می داریت ٣، می دوست داری ٦، دوست میدارند ١١١

~: وَتُحِبُّونَ ٱلْمَالَ حُبًّا جَمًّا (٢٠:٨٩)
دوست داری ٢، دوست دارند ١٣٦

★ كُنتُمْ تُحِبُّونَ: قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِى (٣١:٣)
شما هستید دوست داران ٢٧، هستید شما دوست دار ٢٩

★ لَا تُحِبُّونَ: وَلَٰكِن لَّا تُحِبُّونَ ٱلنَّٰصِحِينَ (٧٩:٧)
دوست نمی دارید ١، شما دوست ندارَید ١٠، دوست نداریت ١٠ مکرّر، دوست نداری ٢٤، دوست ندارید ٢٧، دوست نمی دارند ٢٩، شما دوست ندارید ٦٢، دوست نمیداشتید ١١١، دوست نمی دارید شما ١١٣، دوست نمیدارید ١٢٣، دوست نداشتید ١٣٦، دوُست ندارید ١٤٠

~: أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَكُمْ (٢٢:٢٤)
دُوسْت ندارید ٢، دوست ندارند ٤٧، دوست ندارید شما ٥٦، دوست نمیدارید ٨٦

تُحِبُّونَهُمْ: تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ (١١٩:٣)
می دوست دارید ١، دُوسْت دارید ٢، دوست می داریتشان ٣، می دوست دارید ٢٤، دوستی می کنید ٤٠، دوُست دارید ٤٢، دوستی کنید ١٣٦

تَحْتَ: وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِم (٦٦:٥)
پایین ١٣٠

~: وَمَا تَحْتَ ٱلثَّرَىٰ (٦:٢٠)
فرود ٣٩

~: كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَٰلِحَيْنِ (١٠:٦٦)
زیردست ١٠٨

★ تَحْتَ ٱلثَّرَىٰ: وَمَا تَحْتَ ٱلثَّرَىٰ (٦:٢٠)
زیر زمین هفت ٦١

تَحْتَكِ: قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا (٢٤:١٩)
فروتر ١٣٢

تَحْتَهُ: وَكَانَ تَحْتَهُ كَنزٌ لَّهُمَا (٨٢:١٨)
زیر ٥٣، زیر ٥٥

تَحْتِهَا: تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ (٢٥:٢)
شیب ٩٦

~: تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ (٢٦٦:٢)
زیر ٢

~: تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ (١٣٦:٣)
زیر ١

تَحْتِهِمُ: تَجْرِى مِن تَحْتِهِمُ ٱلْأَنْهَٰرُ (٤٣:٧)
زیر ١١٤

تُحَدِّثُ: يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (٤:٩٩)
بگوید ٢، باز گوید ٣٦، پدید کند ٣٨، بسخن باز گوید ٧٩، گوید ١٠٠، سخن گوید ١٠٢

أَتُحَدِّثُونَهُمْ: أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ ٱللَّهُ عَلَيْكُمْ (٧٦:٢)
مَی بُگویَید ١٠، سخن گوید ٥٧، چرا می بگوید ٦٣، آگاهی میدهید ٦٤، آگاهی دهید ٨٢، سخن کنیت ٩١، آگاهی دهند ٩٦، سخن میگویید ١٠٦، برمی گوید ١٠٩، سخن می گوئید ١٣٨

تَحْذَرُونَ: إِنَّ ٱللَّهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ (٦٤:٩)

می ترسید ۱، می ترسیت ۳، می ترسید و مَی شگهید ۱۰، همی پنهان دارد ۱۱، می گریزید ۲۴، شما همی ترسید ۲۷، می پرهیزید ۲۹، می ترسیت ۳۰، می پرهیزیت ۴۱، می تَرسید ۴۲، همی ترسید ۵۳، بترسید ۶۷، می ترسید شما ۹۳، پرهیز میکنید ۱۱۳، میترسید ۱۱۶، پرهیز کنید ۱۲۴

تَحْرُثُونَ: أَفَرَءَيْتُم مَّا تَحْرُثُونَ (۶۳:۵۶)
می کارید ۱، ورز کنید ۲، می کنیت ۳، پرا کنید ۲۴، می کاری ۲۹، می کاریت ۴۱، کِشت می کنید ۴۲، مِی کارند ۵۱، کارید ۵۲، کارید همی ۵۶، شما می کارید ۶۴، کشت کنید ۶۷، کاوند همی ۷۸، کشت و برز کنید ۸۱، میکارید ۸۷، کِشتید ۹۰، کشت می کنیت ۹۱، تخم می افکنید ۹۲، کشت میکنید ۱۰۴، همی بکارید ۱۰۸، کشت می کنید ۱۱۶، تخم بر زمین میپاشید ۱۲۲، می کشتید ۱۲۹

تَحْرِصْ: إِن تَحْرِصْ عَلَىٰ هُدَىٰهُمْ (۳۷:۱۶)
آزنمایی ۳۰، آزنمایی ۵۵، آزوری کنی ۱۰۹، سخت کوشی ۱۳۳

تُحَرِّكْ: لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ (۱۶:۷۵)
جُنْبان ۲، جنبان ۳

★ لَا تُحَرِّكْ: لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ (۱۶:۷۵)
مجنبان ۱، نجنباند ۳۹، مجنبان تو ۹۱، مجنبانی ۹۲، مجنبانید ۱۰۶

★ لَا تُحَرِّمُوا: لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ (۵:۸۷)
مگردانید ۱۱۱

تَحَرَّوْا: فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (۱۴:۷۲)
جُستند ۲، جستند ۳، جسته باشند ۶، بجستند ۳۰، بر گرفتند ۳۸، آزاد شدند ۶۱، بگرفتند ۹۴، جُستند ۱۰۰، بجستند و یافتند ۱۰۲، برجستند ۱۰۸، جسته اند ۱۳۲، آهنگ کردند

★ تَحَرَّوْا رَشَدًا: فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (۱۴:۷۲)
بر راه راستند ۳۹

تَحْرِيرُ: فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ (۹۲:۴)
آزاد کردن ۱، آزاد کِردن ۱۰، آزاد کند ۲۴، آزاد باید کردَن ۴۲، آزاد کرده باید ۴۳، آزاد گردَن ۵۵، ازاد کردن ۹۷، آزادی ۹۹، آزاد باید کرد ۱۲۷

~: أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ (۸۹:۵)
آزاد کنی ۲۴، آزاد کردَن ۴۲، آزاد کرْدَن ۵۳، آزاد گردَن ۵۵، آزاد کنید ۵۸

~: ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ (۵۸:۳)
آزاد کنند ۳۰، آزاد کردن بنده ۴۱، آزاد باید کردن ۵۶

تَحْزَنَ: كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ (۲۰:۴۰)
اندوهگن گردد ۹۴

★ لَا تَحْزَنْ: لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا (۹:۴۰)
انده مبر ۱، اَندُه مدارْ ۲، اندوه مخور ۳، هیچ اندوه مدار ۱۰، اندوه مدار ۱۱، مدار اندوه ۲۴، اندوهگن مشو ۲۷، اندوهگن مباش ۳۴، اندوهگین مشو ۳۶، مدار تیمار ۳۸، مباش اندوهگین ۴۱، اندوهگن مَباشْ ۵۳، اَندُوه مَخور ۵۵، مترس ۶۰، نه اندوه کن تو ۶۱، اُندوهگن مباش ۶۲، اندوه ندار ۹۰، اندوه مکن ۱۱۶

~: وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ (۱۵:۸۸)
اندُه مَخوُر ۲، مه اندوه خور ۳، انده مخور ۳۰، اندوهگین مباش ۳۶، نه تیمار دار ۳۹ مَهْ تیمار دارْ ۵۳، نه اندوه خور تو ۶۱، آندوهگن مبَاش ۶۲، اندوه گین مشو ۱۱۳

~: وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ (۱۶:۱۲۷)
اندوهناک مباش ۵۶، اندوه و تیمار مدار ۵۸، اندوه گن مباش ۵۹، نه اندوه خور ۶۱، اندوه ناک

مباش ٩٦،اندوه گین مباش ١١٨

~: فَرَجَعْنَٰكَ إِلَىٰٓ أُمِّكَ كَىْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ (٢٠:٤٠)

انده نبرد ١،نخورد اندوه ٢٤،اندوه نخورد ٢٩، اندوهگن نباشد ٣٤،نَهْ تیمارْ دارَدْ ٥٣،اندوه ندارد ٥٨،اندوهگین نشود ١٠٩،اندوگین نشود ١١١،اندوه گین نشود ١١٣

~: وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ (٢٧:٧٠)

اندوه مبر ٢١،مخور اندوه ٢٤،مَه تیمار بر ٥٣، اندوهناک مشو ٧٢،اندهگن مباش ٨٦، اندوهگین مباش ١٣٢

~: كَىْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ (٢٨:١٣)

اندوه گن نباشد ٢١،اندوه ندارد ٣٤،نشود اندوهناک ٤٢،اندوهگن نشود ٤٦،اندوهگن نبود ٤٧،نه تیمار برد ٥٣،اندوهناک نباشد ٩٢، اندوهناک نشود ١٠٣

~: وَقَالُوا۟ لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ (٢٩:٣٣)

تیمار مدار ٣٤،مه اندوهگن شو ٥٦،مه اندوه دار ٩٤،اندوهمند مشو ١٠٩،اندوه مخور ١٢٢،اندوه مبر ١٣٦،اندوه گن مشو ١٣٨

تَحْزَنوا: لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا۟ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ (٣:١٥٣)

تیمار برید ٥٣،اندوه کشید ٥٧،اندوه بخورید ٦٩

★ لاتَحْزَنوا: وَلَا تَهِنُوا۟ وَلَا تَحْزَنُوا۟ (٣:١٣٩)

انده مبرید ١،اَندُه گن مشوید ٢،اندوه مخوریت ٣،اندَوه مدارَید ١٠،اندوه مدارید ٢٣،مداری اندوه ٢٤،اندوهگین مگردید ٢٩،اندوهگن مگردید ٣٤،اندوهناگ مشوید ٣٦،غم مخورید ٣٨،تیمار مدارید ٣٩،اندوه نه دارید ٤٠، اندهگین مشویت ٤١، اندُوهگن مشوید ٤٢،اندوه مخورید ٤٣،مه اندوه دارید ٥٣،اندوهگن مشوید ٥٦،تیمار مبرید ٥٨،اندوه مداری ٦٠،نه تان اندوه خورید ٦١،غم مخوریت ٦٣،نه اندوه خورند ٦٩،نه دارید اندوه ٧٢،غمگین نشوید ٨٤،مه تیمار د آرید ٩٤، اندوه گین مباشید ٩٦،اندوهگین مشوید ٩٨، اندوه گین مشوید ١٠١،اندوهگین مباشید ١٠٢، اندوهگین نشوید ١١٥،سست مشوید ١٢٠،نه اندوه دارید ١٢٤،مباشید اندوهگین ١٣٥

~: لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا۟ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ (٣:١٥٣)

انده نبرید ١،أنُدُه نخُورِید ٢،نه اندوه خوریت ٣، اندَوه نَه خُورَی ١٠،تیمار نه دارید ٢٣،اندوه نداری ٢٤،اندوه نخورید ٢٧،اندوهگین نباشید ٢٩،دژم نشوید ٣٨،اندوه نبرید ٤٠،اندوه نَخُورید ٤٢،تیمار و اندوه نبرید ٥٨،نه اندوه خورید ٦١،اندوه نه خوریت ٩٧، اندوه ناک نشوید ١٠١،اندوهگین نشوید ١٠٣، اندوهگین مشوید ١٠٤

~: أَلَّا تَخَافُوا۟ وَلَا تَحْزَنُوا۟ (٤١:٣٠)

اندوه مدارید ٣٤،مه اندوه خورید ٣٨،نه تیمار دارید ٣٩،اَندُوهْ مَدارید ٥٣،مه تیمار دارید ٩٤، اندوه مبرید ١٠٣،اندوهناک مشوید ١١١

تَحْزَنونَ: وَلَآ أَنتُمْ تَحْزَنُونَ (٧:٤٩)

انده برید ١،اندَوهگن شَید ١٠،اندوه باید خوردن ١٠ مکرّر،اندوهگن شوید ٢٧،تیمار دارید ٤٥، اندوه میخورید ٦١،اندوه خورید ١٢٤،اندوهناگ میشوید ١٣٥

~: وَلَآ أَنتُمْ تَحْزَنُونَ (٤٣:٦٨)

تیمار دارید ٢،تیمار دارید ٢٢،اندوهگن باشید ٢٤،اندوهگین شویت ٣٢،اندوهمند باشید ٣٤، اندوه برید ٣٨،اندوهگین باشیت ٤١،اندوه خورید ٦١،اندوهناک شوید ٦٥،اندوه گین شویت ٨٠،اندوهگن شوید ٨١،اندوهگین شوید ٨٧،اندوه گِن شوید شما ١٠٤،انده باید خوردن ١٠٨

★ لاأَنْتُم تَحزَنونَ: وَلَآ أَنتُمْ تَحْزَنُونَ (٧:٤٩)

نباید اندوه خوردن ١٢٧

★ لَاتَحْزَنِي: فَنَادَىٰهَا مِن تَحْتِهَآ أَلَّا تَحْزَنِي (۲۴:۱۹)
انـده مـبـر ۱، آنـدُه مَـدار ۲، انـدوه مـدار ۳۰، اندوه ناک مباش ۳۶، اندوهگن مشو ۵۶، اندوه مَدار ۶۲، اندوهگین مباش ۶۷، اندوهگن مباش ۸۶، تیمار مدار ۸۸، انده مخور ۹۴، تو اندوه مدار ۹۶، انده مدار ۱۰۸، اندوهگین نشوی ۱۰۹، برو مکن و مشو ۱۱۳

~: وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِيٓ (۷:۲۸)
اندوُه مدارْ ۲، اندوه مبر ۲۱، مبر اندوه ۲۴، اندوه مخور ۳۰، مترس ۴۲، مه تیمار دار ۵۳، مه اندوهگن شو ۵۶، اندوهناک مشو ۱۲۶

تُحِسُّ: هَلْ تُحِسُّ مِنْهُم مِّنْ أَحَدٍ (۹۸:۱۹)
گینی[1] ۱، تو می یابی ۲۹، همی بینی ۳۰، می دانی ۳۶، بینی ۳۹، دانی ۴۳، می بینی تو ۵۸، می بینی ۶۱، می یابی ۷۹، می جنبد ۸۸، تو دریابی ۹۶، دریابی ۱۱۴، می یابی و می بینی ۱۱۶، می یاپی ۱۲۳

تَحْسَبُ: أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ (۴۴:۲۵)
می پیـنداری ۱، پـنداری ۲، مـی پـنداری ۲۹، تو پنداری ۳۰، همی پنداری ۵۳، گمان می بری ۱۰۳

★ لَاتَحْسَبَنَّ: وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا (۱۶۹:۳)
مپینداریـد ۱، مپندَارْ ۲، مه پندار هر آینه هر آینه ۳، نِگرَ نه پنداری ۱۰، مه پندار ۲۳، مه پنداری ۲۴، مپنداریـد ۲۹، نگر نه پندار ۴۰، مه پنداریت ۴۱، نه پندار تو ۵۸، مپنداری ۶۰، نه پنداری تو ۶۱، مپنداری تو ۶۷، نه پندارند ۸۸، مه پنداریت هر آینه هر آینه ۹۱، مَه پندار ۹۴، تو گمان مبر ۹۶، نپنداری ۹۸، مپند آر ۱۰۰، گمان مکنید ۱۳۶

~: لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَآ أَتَوا (۱۸۸:۳)
مپیندار ۱، مه پِندار ۱۰، مپندارند ۳۴، نه پندار یا ۴۰، مپنداریا ۴۱، مپَندار ۴۲، پنداری تو ۶۱، نپندارند ۸۸، مه پندارد ۱۲۴، گمان مکنید ۱۳۶، نباید که پندارند ۱۳۸

~: وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَٰفِلًا (۴۲:۱۴)
مپِنْدار ۲، مَپَنْدار ۵۳، مپندار تو ۸۹، مپندار هر آینه ۹۴، نباید که پنداری ۱۱۳، گمان مبر ۱۲۲

~: فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِۦ رُسُلَهُۥٓ (۴۷:۱۴)
مپیندار ۱، مَه پندارْ ۲، تو مپندار ۲۹، مَه پندار هَر آینه هَر آینه ۳۰، پنداری ۵۸، گمان مبر ۱۳۶

~: لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي (۵۷:۲۴)
مَپندار ۲، مه پنداراد ۶۲، مَپندَارید ۱۱۹، گمان مکنید ۱۳۶، مپندارد ۱۳۸

تَحْسَبُهَا: وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً (۸۸:۲۷)
پینداری[2] ۱، پنداری تو ۵۳، پنداری ۱۱۴

تَحْسَبُهُمْ: وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا (۱۸:۱۸)
پنداری ۲، پِنداشْتِی ۵۵، پنداشتی تو ۵۸، بپنداری ۵۹، پنداریشان ۱۱۴

~: تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ (۱۴:۵۹)
تو گمان بری ۹۶، می پنداری تو ۱۱۴

تَحْسَبُونَهُ: وَتَحْسَبُونَهُۥ هَيِّنًا (۱۵:۲۴)
پنداشتید ۲، می پنداریت ۴۱، مِی پندَارِنْد ۵۱، پنداشتید ۵۶، می پندارید ۵۸، همی پندارید ۶۲، می پنداشتید ۶۴، پندارید ۱۱۴، میپندارید ۱۳۲

تَحْسَبُوهُ: لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَٰبِ (۷۸:۳)
پیندارند ۱، پنداریتش ۳، پندارَید ۱۰، پنداری شما ۲۴، پنداری ۲۵، پندارید ۲۷، می پندارند ۴۱، پندارید ۴۲، پندارید شما ۵۶، پند دارید ۶۷،

---

۱. گینی: بینی، می یابی.
۲. پینداری / پنداری.

پند آرید ۱۰۰، گمان برید ۱۰۱

★ لاتَحْسَبُوهُ: لَاتَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم (۲٤:۱۱)
مپندارید ۱، مپندارید ۲، مه پندارید ۲٤، مپنداریت ۳۰، مپندارید ٤۷، مَپِنْدارِید ۵۱، مپندارید گان ٦۱، گمان مبرید ۱۰۳

تَحْسُدُونَنَا: فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا (٤۸:۱۵)
بدخواهیت ۸۰، بد همی خواهید ۱۰۹، بد خواهید ۱۲۱

فَتَحَسَّسُوا: يَـٰبَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا (۱۲:۸۷)
وازجست کنید ۱، بجُوپید ۲، آگاهی جوییت ۳، بجویید ۲٤، واجویید ۲۹، بجوئید ۳۸، بجوییت ٤۱، بپرسید ٤۲، بازجست کنید ٤۳، واجوئید ٤۸، آگاهی جَوَییت ۵۵، جُست و جوی کنید ۵٦، جستن جوی کنید ۵۷، جست و جوی کنید ۵۸، جویید ٦۳، جستجو کنید ۷٤، بجوئید ۸۵، بر رسید ۹۰، آگاهی بجوئید ۹۲، پرسید ۹۹

تُحْسِنُوا: وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا (٤:۱۲۸)
نیکوی کنید ۱، نیکویی کنیت ۳، نیکوا کاری کنید ۱۰، راست کنی ۲٤، نیکوکاری کنید ۲۷، نیکوئی کنید ۳۱، نیکی کنیت ٤۱، نیکویی کُنِید ٤۲، نیکوی کُنید ٤۵، نیکوی کنی ٦۰، نیکویی کنی ٦۲، نیکی کنید ۷۵، نیکوئی کنید ۱۰۰، نیکی ورزید ۱۲۳، نیکویی ورزید ۱۳۰

تَحُسُّونَهُم: إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ (۳:۱۵۲)
می کشتید ۱، بکشتید ۲، می کشتیت ۳، برهم همی کشتی ۱۰، گرفتید ۲۳، بکشید ۲٤، دست گیرشان کردید و برانداختیدشان بکُشتن ۲۷، همی کشتید ۲۹، می گشتیت ۳۰، می کشید ۳۸، میکشتید ۳۹، برهم می کشتید ٤۰، بکشید ٤۲، می گرفتید ۵۳، می کُشتیتْ ۵۵، بکشتید شما ۵٦، کشته و دستگیر می شدند ۵۸، کارزار کردی ٦۰، شما همی کشتید ٦۲، می جستید ۷۲، همی بکُشتیت ۸۳، کشتیت ۹۱، کشتید ۹٦، بکشتند ۹۸

تُحْشَرُونَ: وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲:۲۰۳)
گرد کرده شویت ۳، برانگیخته شوید ۳٦، گرد کرده شوید ۳۹، برند ٤۰، گرد کُنند ٤۱، گرد آرند ٤۲، گَرْد گردَه شَویت ۵۵، گرد آورده شوید ٦۱، گردانند ٦۳، گرد آورند ۸۲، برانگیزانند ۱۲٤، برانگیزند ۱۲۷، گردند گانید ۱۳۸

~: وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ (۳:۱۲)
گرد آرند شما را ۲، همه راتان برند ۱۰، رانده شوی ۲۵، رانده شویت ۲۸، همه راتان بتازند ٤۰، گرد آرَند شُما رَا ٤۲، گرد آورده شوند ٤۳، رَانَده شَویت ۵۵، گرد آرندتان ۵۷، برانگیزندشان ۷۲، گرد کنند ۷۵، برانگیزد ۸۸، گرد کرده شویت ۹۷، رانده شوید ۱۱٤، گرد آورند شما را ۱۲۷

~: وَلَئِن مُّتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ (۳:۱۵۸)
برانگیزند شما را ۲۳، برانگیزندتان ۲۷، تان برند ٤۰، بهم گرد کرده شوید ۵۸، گرد شوید ٦۱، گرد آورده شویت ۹۱، گرد کرده شویت ۹۷، شما را برانگیزند ۱۰۱، برنگیخته شوند ۱۰۲، باز گردیده شوید ۱۱٤، باز گردید ۱۲۱، برانگیخته گردید ۱۲۲، شما را برانگیزانند ۱۲٤، گردانند شما ۱۲۷

~: وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۵:۹٦)
گرد آرند شما را ۲، گرد کرده می شید ۳۷، گرد کنند شما را ٤۳، برانگیزاند شما را ۵۳، باز گردانیده شوید ۵۸، برانگیخته خواهید شد ٦۵، گردانند ۸۸، گرد خواهند آورد ۱۰٤، گرد آورده شوید ۱۰۹، گرد آورد شوید ۱۲۷، گردیده میشوید ۱۳۰

~: وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (٦:۷۲)
وانزدیک وی تان برند ۱۰، برانگیزند ۵۳، گرد کرده شوند ٦۹

~: وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۸:۲٤)

گرد کُنَند ۲۷، گرد آورند ۲۹، گرد آرند ۴۱، گِرْد گَردَه شَوِیْت ۵۵، گرد آورده آیید ۵۷، انگیزند ۱۱۲، حشر کرده شوید ۱۱۳

~: وَهُوَ ٱلَّذِی ذَرَأَكُمْ فِی ٱلْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۳: ۷۹)
گرد کنند ۲۴، باز گردانند ۴۱، انگیزند ۴۷، باز شوید ۵۲، گرد آورده خواهید شد ۱۳۰

~: وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِیٓ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۵۸: ۹)
گرد آرند ۲، بازمی آرند ۴۱، گِرد کرده شوید ۵۶، شما را گرد آرند ۹۶، باز گردانند ۱۰۴، برانگیخته شود ۱۰۸، برانگیخته میشوید ۱۳۲

~: هُوَ ٱلَّذِی ذَرَأَكُمْ فِی ٱلْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۶۷: ۲۴)
باز می گرد کنید ۴۱، انگیخت شوید ۶۹، زنده می شوید ۱۳۶

تَحَصُّنًا: إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا (۲۴: ۳۳)
پاکی کردن ۱، پَاکی ۲، پارسایی ۳، پاک دامنی ۲۴، پاکیزه داشتن ۳۰، پارسا بودن ۳۶، پاکی ۴۲، پارسایی کردن ۴۳، خویشتن داری و نهفتگی ۴۷، خویشتن پاک داشتن ۵۳، خویشتن کاری ۵۸، خوش کاری ۷۷، خویشتن داری ۸۷، خویش داری ۹۰، پاکدامنی ۹۵، نهفتگی خویشتن نگاه داشتن ۱۰۹، بازایستادن و پرهیزکاری کردن ۱۱۱، پرهیزکاری ۱۱۶، بازایستادن ۱۲۰، پارسای کردن ۱۲۶، بازاستادن ۱۳۰

لِتُحْصِنَكُمْ: لِتُحْصِنَكُم مِّنۢ بَأْسِكُمْ (۲۱: ۸۰)
نگه دارد ۱، نگاه دارد ۲، بازدارد ۲۴، نگاه بدارد ۲۹، نگه بدارد ۸۹، نگاهدارد ۱۲۳، نگاه میدارد ۱۳۶، نگاهدار ۱۳۷

تُحْصِنُونَ: إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُحْصِنُونَ (۱۲: ۴۸)
می درستاد کنید[1] ۱، پنهان کنید ۲، درجای استوار می نهیت ۳، شما نگه بدارید ۲۹، نگاه دارید ۳۶، می نگاه دارید ۳۹، نگاه می داریت ۴۱، استوار کنید بانبار اندر ۴۹، پنهان کنید ۵۲، انبار نهاده باشید ۵۳، دَر جَائی اُسْتُوار می نهیت ۵۵، نگاه می دارید ۵۶، در انبار کنید ۵۷، نگه بدارید ۶۳، نگاه داشتند ۶۹، پنهان کنیت ۸۳، شما نگاه میدارید ۹۹، نگاه داشته باشید ۱۰۳، نگاه کرده باشید ۱۰۴، نگه دارید ۱۰۶، استوار می دارید ۱۰۹، استوار دارید ۱۲۱، نگاه میدارید ۱۲۲، نگاهدارید ۱۲۳، در انبارها نهاده باشید ۱۲۴، انبار کرده اید ۱۳۶

تُحْصُوهُ: عَلِمَ أَن لَّن تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ (۷۳: ۲۰)
توانید شمرد ۶۱

★ لَنْ تُحْصُوهُ: عَلِمَ أَن لَّن تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ (۷۳: ۲۰)
نتوانید نگاه داشتن ۲، نه توانیت ۳، نه می شمارند ۱۹، نتوانست نگاه داشتن ۳۰، نتوانید شمردن ۵۲، نگاه نتوانید داشت ۷۲، هرگز نشمرید ۹۲، شما نتوانید شمردن ۹۶، برنتوانید شمرد ۱۰۰، به نتوانید ۱۰۲، نتوانید نگاه داشتن شما را ۱۰۸، نه توانید نگاه داشتن ۱۲۴

تُحْصُوهَا: وَإِن تَعُدُّوا۟ نِعْمَةَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآ (۱۴: ۳۴)
شمرید ۲۴، توانید شمار کردن ۶۱

~: وَإِن تَعُدُّوا۟ نِعْمَةَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآ (۱۶: ۱۸)
توانید شمردن ۶۱

★ لَا تُحْصُوهَا: تَعُدُّوا۟ نِعْمَتَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآ (۱۴: ۳۴)
نتوانید شمردن ۲، بنتوانید شمرد ۵، برنتوان شمردن ۳۸، نتوانید شُمُردَن ۵۳، نَه تُوَانِیْت ۵۵، برنتوانید شمرد ۵۷، نتوانید شمرد ۵۹، نه شمارید ۸۸، برنتوانید شمردن ۸۹، شماره نتوانید کرد ۱۱۱، نتوانید بشمرید ۱۱۲، شمار نتوانید کرد ۱۱۶، نمیتوانید شمرد ۱۲۲ و ۱۲۷

[1] می درستاد کنید: در جای استوار بنهید، انبار کنید.

~: وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآ (١٦: ١٨)
نتوانی شمردن ٢٤، نتوانیت شمردن ٤١، نَتوانیدْ شمردن ٥٣، نَه تُوانِیتش ٥٥، نشمارید ٥٧، نتوانید شمرد ٥٨، برنتّوانید شمارَد ٦٢ برنتوانید شمردن ٨٩

★ لَمْ تُحِطْ: وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِۦ (١٨: ٦٨)
فرانگرفتی ١، نه بَرْ رسیدَه باشدْ ٢، نه گرد درگرفتی ٣، آگاه نشدی ٢٩، درنگرفتی ٤٣، نرسیده باشد ٥٢، ندانستی ٥٦، نگرفتی ٥٨، نه در گرفتی ٦١، نرسی ٧٩، نه در گرد درگرفتی ٨٠، نه دانی ٩٠، نه در گرد گرفتی ٩١، نرسیده باشی ٩٣، دانا نشدی ١٠٤، بر نرسیده باشی ١٠٨، نرسیده ١١١، گرد در نگرفت ١١٤، نه در گرفت ١٢٤، فرانگرفته ١٣٢

~: أَحَطتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِۦ (٢٧: ٢٢)
درنگرفتی ١، نیافتی تو ٢، نه دانستی ٣، تو ندانستی ٢٩، نرسیدی ٤٢، ندیدی ٤٣، برنرسیدی ٤٦، نه اندریافتی ٥٣، نه دانستی تو ٥٦، درنگرفتی تو ٥٨، برنرسیدی تو ٦١، تو ندانی ٦٢، نرسیدی و ندانستی ٧٩، ندانی تو ٨٨، نرسیدی تو ٨٩، نه رسیدی ٩٠، نه دریافتی ١٢٤، تو نرسیدی ١٠٥، تو وانرسیده ١١١، دانا نشده ١٢٠، دانانهٔ تو ١٣٢

تَحْكُمَ: لِتَحْكُمَ بَيْنَ ٱلنَّاسِ بِمَآ أَرَىٰكَ ٱللَّهُ (٤: ١٠٥)
داوری کنی ١٠، داوَر باشی ٤٢، داوری کنید ٤٥، داور باشی ٥٢، یادآوری کنی ١٠٧

~: أَنتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ (٣٩: ٤٦)
دَاوَری کنی ٢٢، داوری کنی ٣٨

تَحْكُمُوا: حَكَمْتُم بَيْنَ ٱلنَّاسِ أَن تَحْكُمُوا بِٱلْعَدْلِ (٤: ٥٨)
داوری کنیت ٣، داوری کنید ١٠

تَحْكُمُونَ: فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (١٠: ٣٥)
همی دَاورْ باشید ٢، داوری می کنیت ٣، همی داور باشید ١٣، داور بَاشید ٤٢، دَاوَری مِی کُنیت ٥٥، داوری همی کنید ٩٤، داور باشید ٩٦

~: مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (٣٧: ١٥٤)
داوری میکنید ١٢١

تَحُلُّ: أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ (١٣: ٣١)
فرود آید ١، فُرود آد ٢، فروز آید ٥، فروآید ٤١، فروآیَد ٥٣، فُرود آیَد ٥٥، فرود آیی ٦٢، فرود می آید ٦٤، فروداید ٦٩، فرود آمد ٩٢، فروآری ٩٦

★ لَا تَحِلُّ: فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُۥ مِنۢ بَعْدُ (٢: ٢٣٠)
نشاید ٣

تَحِلَّةَ: قَدْ فَرَضَ ٱللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَـٰنِكُمْ (٦٦: ٢)
گُشادن ٢، راست کردن ٣، گشادن ٣٠، گشادَن ٤٢، گشودن ١١١، فروگشادن ١٢٣

★ لَا تَحْلِقُوا: لَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ ٱلْهَدْىُ (٢: ١٩٦)
مسْتُرید ٢، نگرید بنه ستَرید ١٠، وامکنی موی ٢٤، بمسترید ٢٩، مه ستریت ٣٠، مسترید ٣٦، نیسترید ٤٠، متراشیت ٤١، مَستُرید ٤٢، مه استرید ٤٩، متراشید ٥٧، نه سترید ٦١، نگرنبسترید ٦٣، بازمکنید موی ٦٤، بازنکنید موی ٦٧، باز مکنید ٧٨، مستریت ٨٣، مِستُرِید ٩٤، نتراشید ٩٩، مَسْترید ١٠٤، نه بسترید ١٣٨

تَحْمِلْ: إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ (٧: ١٧٦)
برانی ٢٤، ورنهی ٢٩، برداری تو ٦١، بَرانی ٦٢، نیرو کنی ٨٣، نیرو کنم ١٠٥، برانی و رنج نهی ١٠٩، بار کنی ١٢١

~: ٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنثَىٰ (١٣: ٨)
وردارد ١، بارْ بر گیرد ٢، برمی دارد ٣، بار گیرد ٢٤، بَارْ بَرْدارَدْ ٥٣، بَار میِ دَارَد ٥٥، بردارد ٦١، بار گیرد ٦٧، بار می دارد ٩١، بار برمید آرد ١٠٠، بارمیدارد ١١٤، باردار گرداند ١٣٦

~: تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَـٰلِغِيهِ (١٦: ٧)

می ورداریم ، بردارد ۲، بردارند ۳، ورگیرد ۲٤، برگیرند ۵۳، بَرمِی دَارد ۵۵، بَردارد ۵۷، برمی گیرند ٦۰، برمیدارد ۹۳، برمیدارند ۱۰۰

~: وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِۦ (۱۱:۳۵)

گیرد بارْ ۲، بار بر گیرد ۱۸، بر گیرد ۲۲، بار گیرَد ٤۲، بار می بردارد ۸۰، بار بردارد ۱۱٤

★ إِنْ تَحْمِلْ: إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ (۱۷٦:۷)

برنهی بار برندارد ٤۱

★ لَا تَحْمِلْ: رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَآ إِصْرًا (۲۸٦:۲)

بَرمنه ۲، مَه نِه ۳، بَرمَنِه ۱۰، ورمنه ۲٤، برننهی ۲۵، مه نه ۲۸، برمنه ۲۹، بار مکن ۳۰، منه ۳۸، مَنه ٤۱، منه بار ۵٦، برمگیر ٦۲، مَنْه بار ٦۹، منه بار گران ۹۰، تو منه ۹٦، بار منه ۹۹، منه برما ۱۰٦، مَنِهْ ۱۳۸

~: وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا (٦۰:۲۹)

ورندارد ۱، برندارد ۲، برنگیرد ٤۲، نه بر گیرد ٤۷، نه برتوانند داشتن ۵۳، نتوانند الفنجید ٦٤، همی برندارند ٦۵، برنمیدارد ۱۰۳، برنمی دارد ۱۱۳، برنگیرد ۱۲۵

★ مَا تَحْمِلُ: وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ (۱۱:۳۵)

بارور ندارد ۱، بار برنمی دارد ۳، برندارد ۷، نگیرد بار ۲٤، بار برنگیرد ۳۰، آبستن نشود ۵۸، بار برندارد ٦۵ و ۱۳۲، بار نگیرد ۱۱۱

~: وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِۦ (٤٧:٤۱)

بار برنگیرد ۲۹، برنگیرد ۸۱، بآرننهد ۱۰۰، بار نگیرد ۱۰۳، برنمیدارد ۱۳۱

★ لَا تُحَمِّلْنَا: رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦ (۲۸٦:۲)

ورمنه ۱، بار مَنه ۲، بار مکن ۳، برمَنه ۱۰، برما منه ۲۵، منه ۲۷، مه نه ۳۰، منه بر ما ۳٤، بار منه ۵۲، بَارَ مکُن ۵۵، منه بار ۵٦، نه بار برنهی ٦۱، برمنه ٦۲، نه نه ٦٤، نه بار نه ۹۰، مَنِهْ ۹٤، بار منه بر مایان ۹۹

تَحْمِلُهُ: وَءَالُ هَـٰرُونَ تَحْمِلُهُ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ (۲٤۸:۲)

مـی وردارنـد ۱، مَـی رانـد ۱۰، مـی رانـدنـد ۲٤، برمی دارند ٤۱، بَرداشَته ٤۲، برداشته می آورند ۵۲، برگیرند ٦۰، برگرفته باشند ٦۲، آرند ٦۳، برداشتند ٦۹، برداشته می آرند ۹٦، بردارند ۱۱٦، برداشت ۱۲٤، بگیرند ۱۲۷، برداشته بودند ۱۳۸

~: فَأَتَتْ بِهِۦ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُۥ (۲۷:۱۹)

می ورداشتند ۱، برداشته همی برد ۲، بر گرفت ٤۲، همـی برداشت ۵۳، برداشتـه ۵۸، برداشت ۹۲، برداشت و ببرد ۹٤، برداشتش ۱۰۵، برداشته همی بردش ۱۰۸، برمی داشتش ۱۱٤، برداشته بود ۱۳۲

لِتَحْمِلَهُمْ: إِذَا مَآ أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ (۹۲:۹)

ورداری ۱، بر گیری ۱۱، برنشانی ۳۹، برداری ٤۱، بَرنشَانِی ۵۵، تا برنشانی تو ۹۳، سوآر کنی ۱۰۰، سوار کنی ۱۱۱، بر ستور نشانی ۱۱۲، برداریم ۱۱٦

تُحْمَلُونَ: وَعَلَيْهَا وَعَلَى ٱلْفُلْكِ تُحْمَلُونَ (۲۲:۲۳)

می ورداشته شید ۱، بردارنْد و ببرند تان ۲، نشانده می شویت ۳، همی روید ۲٤، می نشاند شما را ۲۹، برنشانده میشوید ۳٦، برنشانده می شوید ۳۹، برداشتـه مـی شویـت ٤۱، برداشتـه شویـد ٤۳، برنشینید ۵۲، شما را بردَارَندْ ۵۳، بردارند تان ۵٦، برداشته میشوید ۷۷ و ۱۱٦، برمی نشینید ۱۰۰، سوار می شوید ۱۰۲، بردارند و ببرند ۱۰۸، برداشته میشوند ۱۱۱، برداشته می شوید ۱۱۳، نشانده میشوید ۱۲۱، سوار کرده میشوید ۱۳۲، می نشانند ۱۳٤، می نشانند شما را ۱۳۸

~: وَعَلَيْهَا وَعَلَى ٱلْفُلْكِ تُحْمَلُونَ (۸۰:٤۰)

می ورداشته شید ۱، بَرنِشانند تان ۲۲، برنهند شما را ۲۹، همی بردارید ٤۹، برداشته می شوید ۵٦، بردارد تان ۷۲، برنشانده می شویت ۸۰، بردارند شما را ۱۰۸، برداشته همی شوید ۱۰۹، می نشینید ۱۱٤، بار کرده می شوید ۱۲۱، برنشانده شوید ۱۲۹، سوار شوید ۱۳٦

★ لَا تَحْنَثْ: فَٱضْرِب بِّهِۦ وَلَا تَحْنَثْ (٤٤:۳۸)

سوگند مشکن ١، مکُن سوگند دروغ ٢، مه شکن سوگند ٣، مکن دروغ سوگند را ٢٤، سوگند دروغ مکن ٢٩، مشکن ٤١، بزه کار مشو ٤٢، سوگند مخور ٥٦، بزه مکن ٥٨، سوگند دروغ مگوی ٦١، مشکن سوگند ٨٠، نه کن سوگند دروغ ٩٠، نشکن سوگند را ٩١، ترا بزه نباشد ٩٤، بزه کار مشو ٩٦، بزه‌مند مشو ١٠٠، بزه‌مند مشو در سوگند ١٠٤، سوگند بدروغ مکن ١٠٦، گناه کار مشو ١١١، بزمند مشو ١١٣، دروغ مکن سوگند خود را ١٢٠، مکن سوگند دروغ ١٢٤

تَحْوِیلاً: کَشْفَ الضُّرِّ عَنکُمْ وَلَا تَحْوِیلًا (١٧:٥٦)
ورگردانستن[1] ١، نتوانید گردانیدن ٢٤، بگردانیدن ٢٩، گردَانیدنْ ٥٣، گردَانیدن ٥٥، گردَانیدن ٥٧، باز گردانیدن ٥٨، بگردیدن ١٠٠، باز گشتن ١٣٣

~: وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِیلًا (١٧:٧٧)
گردانستن[1] ١، گردانیدن ٢، گردانش ٣٩ و ١٢٤، گردش ٤١، برگردانیدن ٦٠، گردایش ١٠٧

~: وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِیلًا (٣٥:٤٣)
گردانستن ١، گردانیدن ٢، از جاء بردن ٣٩، بازگشتن ٦١، گشتن ٩٠، گردیدن ١٠٠

★ لاتَحْوِیلاً: کَشْفَ الضُّرِّ عَنکُمْ وَلَا تَحْوِیلًا (١٧:٥٦)
نتوانند گردانیدن ٢٤

تَحِیَّةً: وَإِذَا حُیِّیتُم بِتَحِیَّةٍ فَحَیُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا (٤:٨٦)
درودٌ ١، دُرود دادن ٢، دورود ٣٠، پرسش ٤١، درود دَادن ٤٢، درود دادن ٥٢، بدرود دادن ١٢٥

~: فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِندِ اللَّهِ (٢٤:٦١)
آفرین ٤٧

~: وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا (٢٥:٧٥)
نواخت ٦١، نواختن ٩٤

تَحِیَّتُهُمْ: وَتَحِیَّتُهُمْ فِیهَا سَلَامٌ (١٠:١٠)
دُرودْ ٥٥، پرسیدن ٩٤، درود و آفرین ١٠٩، درود ١١٤

~: تَحِیَّتُهُمْ فِیهَا سَلَامٌ (١٤:٢٣)
زندگانی خُواستن ٢، دُرُود ٥٥، درود گفتن ٦١، زندگانی خواستن ٨٣، زندگانی دراز خواستن ٩٤، پرسش ١٠٥، درود، آفرین ١٠٩

تَحِیدُ: ذَٰلِكَ مَا كُنتَ مِنْهُ تَحِیدُ (٥٠:١٩)
گریختی ١، می گریختی ٣، می بگشتی ٦، همی گردند ١٧، بودی گریخته ٢٤، بیکسو همی شدی ٣٠، می گریخت ٣٦، گریزان ٣٨، تو می تافتی ٣٩، می گروختید[2] ٤٣، پرهیز کننده ٤٩، بگردیده ٥٢، می تاختی ٦١، درافکنده ٦٥، بگریختی ٧٢، میگریختی ٨٧، می گریزی ٩٦، همی بیکسو شدی ١٠٨، همی گریختی و می رمیدی ١٠٩، پیش گریختی ١١٤، گریزنده ١٢٦، گردیدن ١٣٦، برمی گردیدی ١٣٨

★ لَمْ تُحِیطُوا: وَلَمْ تُحِیطُوا بِهَا عِلْمًا (٢٧:٨٤)
نه درگرفتید ٥٦، برنرسیدید ١٠٨، فرا نرسیدید ١٣٢'

تَحْیَوْنَ: قَالَ فِیهَا تَحْیَوْنَ وَفِیهَا تَمُوتُونَ (٧:٢٥)
می زیید ١، زیید ٢، شما را بواید زیستن ١٠، زندگانی کنی ٢٤، زنده شوید ٢٩، زنده شویت ٣٠، زندگانی کنید ٣٦، بزئید ٣٩، می زیبت ٤١، بزیید ٤٢، زندَه می شَویت ٥٥، بزی اید ٥٧، بزییدتان ٦١، اندر زمین باشد زندگانی شما ٦٢، زیید ٦٣، زیبت ٨٣، شما می زیید ٩٦، زنده باشید ٩٩، زئید ١٠٠، زنده میشوید ١١٤، میزئید ١١٦، زنده میباشید ١٢٢، می زئید ١٢٣، میزیید ١٣٠

١. ورگردانستن: بازگردانیدن، گردانیدن.
٢. می گروختید: می گریختی.

تُحیِی: رَبِّ أَرِنِی کَیْفَ تُحْیِ الْمَوْتَىٰ (۲:۲۶۰)
می زنده کنی ۱، زنده کُنِی ۱۰، زنده می کنی ۳۶، زنده کُنَد ۴۲، زنده کند ۵۲، زنده گردانی ۶۱، زنده میکنی ۱۰۰، زنده می گردانی ۱۰۴، زنده میگردانی ۱۳۰

تَخاصُمُ: إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ (۳۸:۶۴)
پیکار کردن ۱، پَیکار کردن ۲، با یکدیگر پیکار کردن ۱۰۹

★ لاتُخاطِبْنی: لَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا (۱۱:۳۷)
سخن مگه ۱، مه خوان ۳، نه سخن واگر[1] ۷ مکرّر، مگو سخن ۲۴، سخون مگوی ۲۷، با من سخن مگوی ۳۸، مَه خَوان ۵۵، سخن مگوا ۵۷، نه سخن گوی ۹۰، مگو ۱۰۶، مخواه ۱۱۲، گفتگو مکن ۱۱۵، درخواست مکن ۱۲۰ و ۱۲۲، سخن مگوی ۱۲۵

~: وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا (۲۳:۲۷)
سخن مگوی ۲۴، مگوی ۲۹، مکن سخن ۵۶، سخن مگو ۶۱، مه خوان ۸۰، مه سخن گوی ۹۴، سخن نگو ۱۱۷، مخوان ۱۲۱، درخواست مکن ۱۳۲

تَخافُ: لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ (۲۰:۷۷)
ترسی ۲

لاتَخافُ: لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ (۲۰:۷۷)
نترسی ۱، مترس ۴۲، مَتَرسْ ۵۳، نترسد ۵۶، مترسی ۶۲

★ لاتَخافا: قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا (۲۰:۴۶)
مترسید ۱، مترسید ۲، مه ترسید ۲۴، نترسید ۳۶، مَتَرْسید ۶۲

★ لاتُخافِتْ: لَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا (۱۷:۱۱۰)
پنهام مکن[2] ۱، پنهان مدار ۲، پست مکن ۳، مخوانی پنهان ۲۴، نرم مخوان ۲۹، مه پست کن ۳۰، پست مخوان ۳۶، نه پنهان کن ۳۹، پنهان مکن ۴۱، پوشیده مدار ۴۲، پنهان مدار ۵۲، مَه پنهان کن ۵۳، پَسْت مَکُن ۵۵، پنهان نیز مکن بآهسته ۵۸، آهسته مخوان ۵۹، نَرْم و بی آواز مخوان ۶۲، پنهان مخوان ۶۳، پست و نرم مخوان ۶۷، پشت مکن ۸۰، پنهآن مخوآن ۱۰۰، آهسته مگوی ۱۰۴، نه نرم بخوان ۱۰۸، مترس ۱۱۱، بسیار آهسته مکن ۱۲۲، فرو مدار ۱۲۳، نه پست کن ۱۲۹، پوشیده مکن ۱۳۰، آهسته مکن ۱۳۲

تَخافَنَّ: وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً (۸:۵۸)
دانی ۱، ترسی هر آینه هر آینه ۳، دانسته ت آید ۱۰، همی بترسی ۱۱، بترسید ۲۴، بترسی و بیابی ۲۷، بترسی ۴۲، می بترسی ۵۸، بترسی تو ۶۱، ترسی ۸۸، ترسی - دریابی ۱۱۱

★ لاتَخافوا: أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا (۴۱:۳۰)
مترسید ۱

تَخافونَ: وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ (۴:۳۴)
می ترسید ۱، بترسید شما ۲، می ترسیت ۳، دانید ۱۰، دانی ۲۴، ترسید ۲۹، بترسید شما ۵۶، می تَرسید ۵۷، بترسند ۷۵، میترسند ۱۱۱، می ترسند ۱۲۴

~: وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ (۶:۸۱)
می ترسید شما ۱، همی ترسیت ۱۰ مکرّر، ترسی ۲۴، ترسید شما ۵۳، تان می ترسید ۶۱

~: تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ (۸:۲۶)
ترسید ۱، می ترسیدی ۱۰، می ترسیدند ۲۹، همی ترسید ۵۳، می تَرسیدیت ۵۵، می ترسیدی ۵۷، می ترسید ۵۸، همی ترسیدیت ۸۳،

---

۱. واگر: واگیر.
۲. پنهام مکن / پنهان مکن.

میترسید ١١١، میترسید ید ١٣٦

★ لاَ تَخَافونَ: وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم (٦:٨١)
نمی ترسید ١، شما نمی ترسید ٢، شما همی نترسید ٢٦، نترسید شما ٢٩، شما نترسید ٨٨، شما نمی ترسید ٩٦، نمی ترسید شما ١٠٣، نه ترسید ید شما ١١٨

~: مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ (٤٨:٢٧)
نترسید ٦، نترسند ٣٠، مترسید ٤٧، مترسید ٥٣

تَخَافونَهُمْ: تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنفُسَكُمْ (٣٠:٢٨)
همی ترسید ١٤، بترسید ٣٠، همی ترسند ٥٣، می ترسید شما ٥٦، می ترسند ٦١، می ترسید ١١٤، ترسیدن ١٣٠

★ لاَ تَخَافوهُمْ: فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ (٣:١٧٥)
مترسید ١، مه ترسیت ٣، نگرید نترسید ١٠، مه ترسی ٢٤، نگر نه ترسید ٤٠، نترسید ٥٣، مترسی ٦٠، نه ترسید ٦١، نه بترسید شما ٩٠، مه ترسید ٩٤، مترسیت ٩٧

لاَ تَخَافِي: وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي (٢٨:٧)
مترس ١، مترس ٢، مه ترس ٢٤، مترس ٥٣، نه ترس ٨٧

تُخَالِطُوهُمْ: وَإِن تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ (٢:٢٢٠)
آمیزشت کنید ١، آمیختن دارید ٢، بیامیزیت ٣، اندر آمیزید ١٠، درآمیزی ٢٤، اندر آمیزید ٢٧، بیامیزید ٣٦، آمیخته کنید ٣٨، درآمیزید ٤١، امیختن دارید ٥٣، بیامیزیت ٥٥، اندرآمیزی ٦٣، آمیختن داریت ٨٣، بر آمیزید ٨٥، بیامیزی ٩٤، آمیزکاری کنی ٩٥، آمیزش دارید ٩٨، انبازی کنید ١٠١، آمیزش نمایند ١٠٤، بیامیزید بایشان ١١٤، آمیختگی کنید ١٢١، بیاموزد ١٢٤، آمیزش نمایید ١٢٦، آمیزش کنید ١٢٧، امیزش کنید ١٣٨

فَتُخْبِتَ: فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ (٢٢:٥٤)
نرم شهد ١، نرم شود ٣، فرمان برد ١٢، آرام گیرد ٣٤، گردن نهد ٤٣، نرم گردد ٥٣، خاشع گردند ـ پاکیزه گردند ٦٧، بگشاید ٨٧، فروتنی کند ٨٨، نرم میشود ١٠٠، نرم شود و آرام گیرد ١٠٣، نرم شوند ١٠٦، نرم شود ١١٤

تَخْتَانُونَ: أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ (٢:١٨٧)
ناراستی می کردیت ٣، ستمکاران ٤١، ناراستی می کردیت ٥٥، زینهار خوردید ٦٧، میکاهید ١٠٩، ناراستی میکردید ١١٤

★ لاَ تَخْتَصِموا: لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ (٥٠:٢٨)
پیکار مکنید ١، پیکار مکنید ٢، مه پیکار کنیت ٣، داوری مکنید ٣٩، مه داور[ر]ای کنیت ٨٠، نه داوری کنیت ٩١

تَخْتَصِمُونَ: عِندَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ (٣٩:٣١)
می پیکار کنید ١، پیکار کنیت ٣، پیکار کنید ٣٠، دو گروهی کنند ٦٥، همی پیکار کنید ٩٨، پی کار میکنید ١٠٩، پیکار می کنید ١٣٩

تَخْتَلِفُونَ: فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (٣:٥٥)
ناهموار گشتید ٢، برافرود می شدیت ٢٨، شما دو گروهی می کردید ٣٩، دو گروهی کرده باشی ٤٠، بودید شما ناهموار ٤٢، برافرود می بودیت ٥٥، دو گروهی می کردید ٥٨، برافرود می شویت ٨٠، همی ناهموار گشتید ٨٤، بودید شما ناهموار ١٠٥، نمی ساختید ١٠٩

~: فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (٥:٤٨)
ناهموار بودید ٢، ناهموار ٢٩، دو گروهی می کنید ٤٣، دو گروهان ٥٨، ناهمواری میکردید ٦١، بودیت ناهموار ٨٨، ناهمواری می کردید ١٠٩

~: فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (٦:١٦٤)
دو گروهی کردید یک دیگر را ١٠، ناهمواری کردیت ١٠ مکرر، برافرودی همی کردیت ٢٧، همی ناهموار بودید ٨٨

~: لَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (١٦: ٩٢)
گونه گونه کردند کار ٤١، برافُروذ شُدیْت ٥٥، دو گروهی میکردید ٥٨، همی ناهمواری کردیت ٨٣، همی ناهموار گشتند ٩٦

~: فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (٢٢: ٦٩)
ناهمواری کردید ٦١، برافرود شدیت ٩١، همی ناهمواری کردید ١٠٨

~: وَلِأُبَيِّنَ لَكُم بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ (٤٣: ٦٣)
برافرود می شویت ٣٢، همی ناهموار شوید ١٠٨، برفرود می شوید ١١٤

تَخِرُّ: وَتَنشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا (١٩: ٩٠)
بیفتند ١، بیفتد ٣، بیوفتد ٢٤، بجنبیدی ٣٠، درغلطند ٣٦، درافتد ٤١، بر روی افتند ٤٤، اندرافتد ٥٣، بیفتادندی ٥٦، بروی افتد ٥٨، بروی اندرآید ٦٢، بیفتادی ٦٥، بروی درآید ٧٩، بیفتادی ٩٠، بیفتدی ١٠٨، برو افتد ١٢٢، درافتادی ١٢٤، برو افتند ١٣٢، بریزد ١٣٥، برو درافتد ١٣٦

تَخْرُجُ: كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ (١٨: ٥)
می بیرون آید ١، بیرُون آید ٢، بیرون می آید ١١٨

~: تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ (٢٠: ٢٢)
بیرون آید ١، بیرُون آید ٢، برون می آید ١١٣

~: تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ (٢٧: ١٢)
بیران آید ٩٥

~: تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ (٢٨: ٣٢)
بیرون اید ٥٣

~: إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ (٣٧: ٦٤)
بیرون آید ٨١، بیرون می آید و می روید ٨٦، بدر می آرد ٩٦

~: وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا (٤٩: ٥)
بیرون آمدی ١، بیرون آیی تو ٦٤، بیرون آیی ٨٠، بیرون آئی ٨٧، برون آمدی ١٠٨

★ مَا تَخْرُجُ: مَا تَخْرُجُ مِن ثَمَرَاتٍ مِّنْ أَكْمَامِهَا (٤١: ٤٧)
بیرون نیاید ٦١

تُخْرِجُ: وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ (٣: ٢٧)
بیرُون آری ٢، بیرون آری ١٠، بیرون می آوری ٢٥، بیرون آوری ٢٩، بیاری ٤٠، بیرون آرد ٤٣، بیرون آری تو ٦١، برون آری ٩٠، بیرون کنی تو ٩٩، بیرون میآوری ١٢١، بیرون میکنی ١٢٣

~: وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي (٥: ١١٠)
می بیرون آوردی ١، بیرون آوردی زنده کردی ٩، بیرون آوردهٔ ٢٦، همی بیرون آوردی ٢٩، بیرون می آوردی ٣٦، بیرون آوردی ٥٨

~: لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (١٤: ١)
بیرون آری ١، بیرون آری ٢، بُرون آری ٥٥

لِتُخْرِجَنَا: أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا (٢٠: ٥٧)
بیرُون کنی ٢، بیرون کنی ٤٢، بدر کنی ٩٦، بیرون بری ١٠٣

★ لَن تَخْرُجُوا: فَقُل لَّن تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا (٩: ٨٣)
بیرون مَه آید ٩٤، بیرون میایید ١٣٦

لِتُخْرِجُوا: لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا (٧: ١٢٣)
بیرون کنید ١، بیرون برید ٢٤، بیرون آورید ٨٩

تَخْرُجُونَ: إِذَا أَنتُمْ تَخْرُجُونَ (٣٠: ٢٥)
می بیرون آیید ١، بیرون آیید ١٤، بیرون می آیید ٤٧، بیرون آیند ٦١، بیرون آئید ١٠٠، بیرون أیید ١٣٨

تُخْرَجُونَ: وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ (٧: ٢٥)
می بیرون آورده شید ١، بیرُون آرند ٢، برانگیزانند ٢٤، بیرون آورده شوید ٢٩، بیرون می آییت ٤١، بیرون آورند ٥٢، بیرون آوردهائید ٥٧، شما را بدر می آرند ٩٦،

بیرون کرده شوید ۱۰۰، بیرون آورده میشوید ۱۱٤، بر آورده میشوید ۱۲۳، بیرون آورده می‌شوید ۱۳۵

~: وَيُحْيِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ (۳۰: ۱۹)
بیرون می آرند ٤۱، شما بیرون آورده شوید ۵۸، بیرون آرند ٦۱، بیرون آرد ۹٤، بیرون آورده خواهید شد ۱۳۲

~: فَأَنشَرْنَا بِهِۦ بَلْدَةً مَّيْتًا ۚ كَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ (٤۳: ۱۱)
برون آورده شویت ۳، بیرون ارند ۱٦، بیرُون آرنْدِتان ۲۲، بیرون آرند ۳۰، بیرون آورده شویت ۸۰، بیرون آییی ۸۱، بیرون آوریم ۹٦، بیرون آورده خواهید شد ۱۰۳، بیرون آورند ۱۳٤، بیرون آوردند ۱۳۸، بیرون آرد ۱۳۹

تُخْرِجُونَ: تُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنكُم مِّن دِيَٰرِهِمْ (۲: ۸۵)
آواره مینمائید ۱۲۷

★ لَا تُخْرِجُونَ: وَلَا تُخْرِجُونَ أَنفُسَكُم مِّن (۲: ۸٤)
بیرون نه کنید ٦۳، بیرون نکنید ٦٤، بیرون میارید ۹۰، بیرون مکنید ۱۱۱، نه بیرون آرید ۱۱٤، آواره مسازید ۱۲۲ و ۱۲۷

فَتُخْرِجُوهُ: عِندَكُم مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَآ (٦: ۱٤۸)
بیرون آریتش ۲۷، بیرُون آرید ۵۳، بیرون آوردید ۵۷، پیدا آرید ٦٤، بیرون آرید ۹٤، بیرون آورید ۱۱۱

★ لَا تُخْرِجُوهُنَّ: لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنۢ بُيُوتِهِنَّ (٦۵: ۱)
بیرون مکنید ۱، بیرون مهلید ۲٤، بیرون نیاریت ۳۰، بیرون مرانید ۳۹، بیرون مکنیت ٤۱، مه بیرون آریت ۸۰، بدر مکنید ۹٦، بیرون میارید ۱۱٤

تَخْرُصُونَ: وَإِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ (٦: ۱٤۸)
می دروغ گوهید[1] ۱، دروغ می گوییت ۳، دروغ گویان گزاف گویان ۲۷، دروغ می گویید ۵۳، گمان می برید ۵٦، دروغ زنان ۵۸، دروغ میگویید ٦۱، دروغی که همی گویند ٦۲، همی گزاف و دروغ گوییت ۸۳، دروغ گویان ۹۰، دروغ برمی بافید ۱۰۰، دروغ گوی ۱۰۵، گزاف میگویید ۱۰۹، دروغ گویندگان ۱۱۰، دروغ میگوئید ۱۲۳، دروغ می گویند ۱۲٦

★ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ: إِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ (٦: ۱٤۸)
نیستی شما مگر گزاف گویان ۲

تَخْرِقَ: إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ ٱلْأَرْضَ (۱۷: ۳۷)
درانی ۳۰، سوراخ کنی ۳٦

★ لَنْ تَخْرِقَ: إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ ٱلْأَرْضَ (۱۷: ۳۷)
سوراخ نکنی ۱، نه درانی ۳، نتوانی درید ۸، نتوانی دریدن ۲٤، بندری ۲۹، نشکافی ۳۹، نتوانی شکافتن ٤۱، بَنَدَری ٤۲، نتوانی بریدن ٤۳، نتوانی که بدری ۵۲، هرگز نَدَرانی ۵۵، نگذری و نُبَری ۵٦، نُبَری ۵۷، هرگز ندرانی ۵۸، بازنتوانی کرد ۵۹، هرگز نشکافی تو ٦۱، بنَه بری ٦۲، بنتوانی درانیدن ٦۳، هرگز ندری ٦۷، نتوانی درانیدن ۸۳، بنتوانی دریدن ۸۹، هرگز نه بری ۹۹، نتوانی شکافت ۱۰۰، هرگز پاره نخواهی کرد ۱۰۲، هرگز نتوانی پاره کردن ۱۰٤، نتوانی که بدُری ۱۰۵، هرگز نه درّی ۱۰۹، ندری ۱۱٤، شکافته نشود ۱۱۸، نه توانی دریدن ۱۲٤، پاره نتوانی کرد ۱۲۷، رخنه نتوانی کرد ۱۳۵

★ لَا تُخْزِنَا: وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (۳: ۱۹٤)
خوار مکن ۱، رسْوا مگردان ۲، خوار مگردان ۳٦، مگردان زیان زده و نومید ٤۱، مکن رسوا ۵۳، نه رسُوا کن ٦۱، مکن خوا[ر] ٦۲، رسوا مکن ٦۹، نه رسوا کن ۹۱، شرمسار مگردان ۱۰٤، رسوا مساز ۱۲۲، مگردان رسوا ۱۲۷، مگردان خوار ۱۳۰

---

۱. می دروغ گوهید / دروغ می گویید.

★ لاتُخْزِنِي: وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ (۲۶:۸۷)
رسوا مکن ۲، شرمساری مکن ۲۹، ننگی مگردان ۳۰، مَهْ رسُوْا کن ۵۳، مه رسوا کن ۸۰، مکن رسوا ۸۷، نکن رسوا ۹۰، تو رسوا مکن ۹۶، اندوهگین مکن ۱۰۲، مگردان تنگ ۱۲۸، خوار مگردان ۱۳۲

★ لاتُخْزُونِ: وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي (۱۱:۷۸)
رسوا مکنیت ۳۰، خوار مکنید ۳۶، رسوا مسازید ۱۱۶، رسوا مکنید ۱۳۶

~: وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ (۱۵:۶۹)
مکنید خوار ۵۸، شرمسار مکنیت ۷۱، شرمنده مکنید ۹۶، شرمگین مکنید ۹۸، رسوا مکنید ۱۰۰، شرمسار مکنید ۱۰۵

★ لاتُخْسِرُوا: وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (۵۵:۹)
مکهید[1] ۱، مه کاهید ۲، بمه کاهید ۲۴، کم مسنجید ۲۹، مکاهید ۳۰، کم مکنید ۳۹، کم مکنیت ۴۱، زیان مَکُنید ۴۲، بمکاهانید ۴۸، مه کاهانیت ۸۰، مکاهانید ۸۱، نه کم سنجند ۹۰، کم نکنید ۹۲، مه کاهانید ۹۴، گم مکنید ۹۶، بازمکاهانید ۱۰۰، کم مپیمائید ۱۱۱، باز کم مکنید ۱۳۱، کم مکشید ۱۳۶

تَخْسِير: فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ (۱۱:۶۳)
زیانْ ۱، زیان کاری ۲، زیان کردن ۳۶، کاست کاری ۵۹، زیانکاری ۶۷، زیآنکاری ۱۰۰، زیان کاری دادن ۱۳۵

تَخْشَاهُ: وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ (۳۳:۳۷)
بترسی ۱، همی ترسیدی ۱۸، میترسیدی ۲۹، همی بترس ۳۰، باک میداری شکوه داری ۴۷، همی ترسد ۵۳، همی ترسی ۵۶، بترس و شرم داری ۵۸، می ترسم تو ۶۱، می ترسیدی ۱۰۰، ترسند ۱۱۴

تَخْشَعَ: تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ (۵۷:۱۶)
نرم شهد ۱، بترسد ۲، نرم گردد ۲۴، نرم شود ۲۹، نژندی نماید ۳۶، فروتنی کند ۴۳، فرمان بردار گردد ۴۹، بترسد و نرم شود ۶۷، فروتن شود ۸۰، نیک و نرم شو ۱۱۳

★ لاتَخْشَوُا: فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ (۵:۴۴)
مترسید ۲، نگَرید نترسَید ۱۰، مترسیت ۱۰ مکرّر، مترس ۴۱، مَترسید ۴۵، مَترسْید ۵۳، مَه ترسید ۹۴، مه ترسید ۱۱۴

تَخْشَوْنَ: وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا (۹:۲۴)
می ترسید ۱، بترسید ۲، می بشکُهَید و مَی بترسَید ۱۰، بترسید ۱۱، ترسی ۲۴، ترسْیت ۵۵

أَتَخْشَوْنَهُمْ: أَتَخْشَوْنَهُمْ (۹:۱۳)
می بترسید ۱، مَی بشکهَید و می بترسَید ۱۰، همی بترسید ۵۳، می ترسید ۶۱، میترسید ۱۱۱

تَخْشَوْهُ: فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۹:۱۳)
بترسید ۲۹، به ترسید ۱۲۷

★ لاتَخْشَوْهُمْ: فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي (۲:۱۵۰)
مَترسید ۲، مترسیت ۳، مترسَید ۱۰، مه ترسی ۲۴، مه ترسیت ۳۰، مترسید ۴۰، مترسِید ۵۲، مَهْ ترسید ۵۳، نه ترسید ۶۱

~: فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ (۵:۳)
مترسید ۱، نگَرید نترسید ۱۰، مترسی ۲۴، نترسید ۲۷، مشکوهید ۶۴، بروا مکنید ۱۲۲

تَخْشَى: لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى (۲۰:۷۷)
ترسی ۲۴، بیم نمایی ۱۳۲

~: وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ (۳۳:۳۷)

---

۱. مکهید / مکاهید.

می ترسی ١

~: وَأَهْدِيَكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ (١٩:٧٩)

بترسی تو ٨٩، تو بترسی ٩٦، ترسی ١١٤

★ لاتَخْشيَ: لَّا تَخَٰفُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ (٢٠:٧٧)

نَترسي ٢، نه بیم داری ٣٨، اندوهگن نباشی ٤١، مترس ٤٢، نَهْ ترس ٥٣، نترسی ٦١، مشکوه ٦٤، نهراسی ١٢١، بیم ننمایی ١٢٢، بیم نداری ١٢٨

تَخْضَعْنَ: فَلَا تَخْضَعْنَ بِٱلْقَوْلِ (٣٢:٣٣)

نرمی می کنید ٩٢، فروتنی میکنید ١١٤، گرم گوید ١٢٤

★ لاتَخْضَعْنَ: فَلَا تَخْضَعْنَ بِٱلْقَوْلِ (٣٢:٣٣)

نرمی مکنید ١، نرم سخُنی مکُنید ٢، مه فروتنی کنیت ٣، فروتنی مکنید و نرمی مکنید ٧، مه گوييد سخن چرب ٢٤، فرو مكنيد ٢٩، نرم... نكنيد ٣٠، نكنيد نرم ٤١، نرمي و فروتني مكنيد ٤٧، فروتني مكنيد ٤٩، مَه نَرْم گوييد ٥٣، فروتني مكنيد و نرم مگوييد ٥٦، مكنيد نرمي ٧٢، نكنيد فروتني ٨٧، مه شكنيت ٩١، فروتني نكنيد ٩٩، نرمي و فروتني نكنيد ١٠٢، نرم... مكنيد ١٠٨، فروتني و نرمي نكنيد ١١١، نازک نکنید ١٢٢، باید نازک نکنید ١٣٢، نرم مشوید ١٣٨

فَتَخْطَفُهُ: فَتَخْطَفُهُ ٱلطَّيْرُ (٣١:٢٢)

بربایند ١، ربایند ٣، درربودند ٢٩، بربایندی ٣٠، ربودند ٣٦، دریابند ٣٩، دریابد ٤١، در ربود ٤٢، بربودند ٤٣، بَرُبَايَد ٥٣، برباید ٥٤، می ربایند ٥٨، می ربایندی ٦٤، می رباید ٧٤، درربایند ٧٩، رباید ٨٦، بربود ٩٦، درربايد ١٠٩، درمی ربایند ١١١، دربربایند ١١٣، رُبایند ١١٤، ربایید ١١٩، ربود ١٢١

تَخُطُّهُ: وَلَا تَخُطُّهُۥ بِيَمِينِكَ (٤٨:٢٩)

می نبشی ٣، نوشته ء ٢٤، نبشتی تو ٣٤، نوشتی ٣٩، نبشتی ٤٦، نبیسی ٥٣، بتوانستی نبشتن ٦٤، همی نوشتی ٩٤، می نویسی ١٠٩، مینوشتی ١١٤، نویسی ١٢٢

★ لاتَخُطُّهُ: وَلَا تَخُطُّهُۥ بِيَمِينِكَ (٤٨:٢٩)

نمی نویشتی ١، همی ننبشتی ٢، نمی نوشتی ٢٩، همی نه نبشتی ٣٠، نمی نویسی ٤١، نه نبشتی ٤٢ نمی نبشتی ٤٣، ننبشتی ٤٧، ننویسی ٤٨، ننوشتی ٦٢، ننوشتی تو ٨٩، نمینویسی ١١٦، نبودی که بنویسی ١٢٠، نه نویسی ١٣٢

★ لاتَخَفْ: قَالُوا۟ لَا تَخَفْ (٧٠:١١)

مترس ١، مترسْ ٢، مَتَرسْ ٥٣، نه ترس ٦١

~: قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ (٢١:٢٠)

مه ترس ٣، مَترس ٦٢، تو مترس ٩٦

~: يَٰمُوسَىٰ لَا تَخَفْ (١٠:٢٧)

مترس ٥٦

~: وَقَصَّ عَلَيْهِ ٱلْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ (٢٥:٢٨)

نه ترسی ٩٢

~: فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا۟ لَا تَخَفْ (٢٢:٣٨)

مَتْرس ٢٢، مَتَرسَ ٥٣، مترس تو ٦١، مترسید ٨٧

تُخْفُوا: إِن تُخْفُوا۟ مَا فِى صُدُورِكُمْ (٢٩:٣)

پنْهان دارید ٢، پنهان دارید ١٠، پنهان کنید ٢٤، پوشیده داریت ٢٨، پوشیده دارید ٥٨، بپوشید ٧٢، می پوشیده داریت ٩١، پنهان کنید ١٠٠، نهان دارید ١٠٤

تُخْفُونَ: مِّمَّا كُنتُمْ تُخْفُونَ (١٥:٥)

همی پنهان داشتیت ١٠ مکرّر، پنهان می دارید ٣٠، پنهان کنید ٣١، می پنهان کنید ٤٥، پنهان کنند گان ٥٨، می پوشانید ٦٤

~: تَجْعَلُونَهُۥ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا (٩١:٦)

می پنهام کنید[1] ١، پنهان همی کنید ٢،

---

١. می پنهام کنید / می پنهان کنید.

پنهان می کنیت ۳، پوشیده همی کنیت ۱۰ مکرّر، بپوشانیدی ۲۴، همی پوشانید ۲۶، پنهان می کنید ۲۷، نهان میدارید ۶۱، پَنهان همی کنید ۶۲، پنهان میکنید ۶۷، شما پنهان کردید ۹۶، پنهان کردید ۱۲۴

~: وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (۲۷:۲۵)
پوشیده کنید ۴۳، می پوشند ۴۷، پنهان دارید ۴۸، نهان دارید ۶۱، پنهان دارند ۱۰۸، پنهان میکنند ۱۱۱، می پوشید ۱۱۴، نهان میکنید ۱۳۲

★ كُنْتُمْ تُخْفُونَ: مِمَّا كُنتُمْ تُخْفُونَ (۵:۱۵)
می پنهام کردید[۱] ۱، پنهان داشتید ۲، پنهان می داشتیت ۳، می پنهان داشتید ۱۰، پنهان بکردی ۲۴، پنهان می داشتید ۲۹، نهان می داشتید ۳۶، بودید شما کمی پنهان کردید ۳۷، پوشیده کردید ۴۲، می پوشانیدی ۵۷، نهان میداشتید ۶۱، پنهان کردید ۶۳، پوشیده اید ۶۷، می پوشانیدید ۹۰، بپوشیده اید ۹۲، پنهان همی داشتید ۹۴، شما می[پو]شیدید ۹۶، پنهان میکردید ۱۰۰، بودید شما که می پوشیدید ۱۰۲

تُخْفُوهُ: تُبْدُوا مَا فِي أَنفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ (۲:۲۸۴)
پوشیده کنیتش ۳، پنهان وابکنَید ۱۰، پنهان بکنی ۲۴، پوشیده کنیت ۲۸، پوشیده کنیَتْش ۵۵، نهان دارید ۶۱، پنهان کند ۶۹، پوشیده دارید ۱۲۱

~: إِن تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَن سُوءٍ (۴:۱۴۹)
پنهان کنی ۲۴، پنهان کُنید ۲۷، بپوشید ۲۹، پوشیده کنید ۵۷، بپوشی ۶۰، پنهانید ۱۱۱

~: إِن تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ (۳۳:۵۴)
پنهان کنیت ۳، پنهان کنید ۷، بپوشانید ۲۹، پنهان داریتش ۳۰، نهان کنید ۳۸، پنهان دارید ۳۹، پنهام[۱] دارید ۶۱

تُخْفُوهَا: وَإِن تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ (۲:۲۷۱)
پنهام[۱] کنید ۱، پنهان داریدْ ۲، پنهان کنیت ۳، پنهان دهَید ۱۰، پنهان داری ۲۴، پنهان کنی ۲۵، پنهان کنید ۲۷، پنهان دهید ۲۹، دهید پنهان ۳۰، پنهان دارید ۳۶، پنهان دهیت ۴۱، پنهان دأرید ۴۲، بپوشید ۶۲، نهان دهید ۷۴، پوشیده دارید ۹۰، پوشیده دهید ۹۲، پنهآن دهید ۱۰۰، بپوشانید ۱۰۱، نهان دارید شما ۱۰۴، پنهان سازید ۱۲۰

تَخْفَى: يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنكُمْ خَافِيَةٌ (۶۹:۱۸)
بود پوشیده ۲۴

★ لا تَخْفَى: يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنكُمْ (۶۹:۱۸)
پنهام نشهد[۲] ۱، پوُشیده نگردد ۲، پوشیده نشود ۳، پوشیده نماند ۲۹، پنهان نگردد ۳۴، نباشد پوشیده ۳۹، پوشیدَه نشود ۴۲، پنهان نشود ۵۴، نیست پوشیده ۹۲، نهان نماند ۱۰۴، پنهان نمی ماند ۱۱۱، نرسنده نباشد ۱۱۳، پنهان نماند ۱۲۰

تُخْفِي: وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ (۳:۱۱۸)
پنهام کند ۱، پنهان دارد ۲، پوشیده می دارد ۳، پوشیده اند ۲۴، پُوشیده دارد ۲۷، پوشیده میدارد ۲۹، نهان می دارد ۳۶، پنهان میکنند ۳۸، پنهان می دارند ۳۹، می پنهان دارد ۴۰، پنهان دارید ۵۳، پنهان می دارد ۵۶، پوشیده است ۶۰، نهان دارند ۶۱، پنهان می کند ۶۳، پنهان میکند ۹۲، پوشد ۹۶، پوشیده میدارند ۱۰۰، بپوشانند ۱۰۱، نهان میدارند ۱۰۴، پنهان میدارد ۱۱۱، نهان دارید ۱۲۱

~: وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ (۳۳:۳۷)
می پنهام کنی[۳] ۱، پَنهان همی کنی ۲، پوشیده می داری ۷، همی پنهان داشتن ۱۸، پوشیده داشتی

---

۱. پنهام / پنهان.
۲. پنهام نشهد / پنهان نشود.
۳. می پنهام کنی / پنهان می کنی.

۲٤، پنهان می داشتی ۲۹، پنهان همی کنی ۳۰، نهان می کردی ۳۸، می پوشی ۳۹، نهان می کنی ٤۱، بازپوش ٤۲، پنهان میداشتی ٤۷، هَمی پنهان داری ۵۳، پنهان می کنی ۵۸، پوشیده داری ٦۱، پنهان میکنی ۹۲، پنهان کنی ۹٤، پنهان داشتی ۱۰۰، نهان میکردی ۱۱۳، نهان میداری ۱۲۱، نهان میداشتی ۱۲۲، پنهان دار ۱۲٤، پنهان میکن ۱۲٦

~: يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ (۱۹:٤۰)

پنهان کنند ۱۵، نهان کند ۳۸، بپوشد ۵٦، پنهان دارند ٦۱، بپوشند ۸۱، پنهان کند ۹٦، نهان میدارد ۱۰٤، پنهان دارد ۱۲٤

تَخْفِيفٌ: ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ (۱۷۸:۲)

سُبُک گردانیدن ۲، سبک گردانیدن ۳، سبک بکردن ۱۰، آسان کردن ۲٤، سَبُک گردانیدن ۲٤، سبکی ٤۳، سبک کردن ٤۹، سُبُک گردانیدن ۵۲، سَبُک گَردانیدَن ۵۵، سبک کرد ۹۲، آسان ۹۹، سبکباری ۱۰۲، آسان گردانیدن ۱۰٤، سبک گردانید ۱۰۵، سبک بودن ۱۰٦، سبکبارتر ۱۱۱، آسانی ۱۲۱، سبکساری ۱۲۳، سبک ۱۳۸

تَخَلَّتْ: وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (٤:۸٤)

تهی شد ۱، تهی شود ۲، تهی ماند ۷۹، تهی گردد ۱۰۹

تَخْلُدُونَ: لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ (۱۲۹:۲٦)

جاودانه شید ۱، جاودان گردید ۲، جاوید باشیت ۳، جاوید شوید ۲۰، جاودان مانید ۳٦، جاودان بزئید ۳۹، جاودان مانیت ٤۱، جاودانه شوید ٤٦، جاویدان خواهند کرد ٤۷، جاودانه خوائید بودن ۵۳، جاودان بمانید ۵٦، جاوید باشید ٦۱، جاویدان بمانید ٦۲، جاوید مانید ٦٤، جاودان باشید ۸۸، همیشه خواهید بود ۱۰۰، جاوید خواهید بود ۱۱۱، جاویدانید ۱۱٤، جَاویدَان باشید ۱۱۹، جاوید میمانید ۱۳۲، جاوید خواهی بودن ۱۳۸، جاوید بزید ۱۳۹

★ لَا تُخْلِفُ: إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۱۹٤:۳)

دروغ نکنی ۵۸، دیگرگون نکنی ۱۰۹

تَخْلُقُ: وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ (۱۱۰:۵)

می درساختی ۱، همی اندازه کردی ۲، اندازه کردی ۳، بیافریدی ۹، اندازه همی کردی ۱۰ مکرّر، نگاشتی ۲۷، می آفریدی ۳٦، می ساختی ۳۷، می کردی ٤۱، می افریدی ۵۳، آفریدی تو ٦۱، پدید کردی ۷۹، بکردی ۸۸، می ساختی تو ۸۹، می ساختی ۱۰۰، می نگاریدی ۱۰۲، اندازه میگرفتی ۱۰٤، می انگاریدی ۱۰۹، می ساختیم ۱۱۱، اندر راه می کردی ۱۲٤، میساختی تو ۱۳۸

تَخْلُقُونَ: أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا (۱۷:۲۹)

می درحینید[1] ۱، همی اندازه کنید ۲، برمی بافیت ۳، بیافرینید ۲۱، فرامی سازید ۲۹، همی فرانهید ۳٤، فراهم نهید ۳۸، اندازه می کنید ٤٦، می فرابافید ٤۷، می بافی ۵۲، می بافتید ٦۱، برمی بافید ٦٤، از خویشتن برمی سازید ۷۹، می تراشید ۹۸، برمی بافتند ۱۰٦، می سازید ۱۲٦

تَخْلُقُونَهُ: أَأَنتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ (۵۹:۵٦)

می آفرینید ۳۹، بیافریدید ٦۱، آفرینیت ۸۰، آفرینید ۹٤

تَخَوُّفٍ: أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَىٰ تَخَوُّفٍ (٤۷:۱٦)

کهستن[2] ۱، ترسیدن ۲، بکاستن ۲۹، بیم ۳۹، کم کردن ٤۲، کمین گاه ٤۳، بیم و ترس ۵۳، کمین ۵۸، ترسکاری ٦۱، بازکم کردن ٦۳، اندک اندک ٦٤، ترس ۸۸، یکان یکان ۱۰۳، کم و

---

۱. می درحینید: می بافید.

۲. کهستن: کم، نقصان، کاستی.

کاست ۱۰۹

لاَ تَخُونُوا: لاَ تَخُونُوا ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ (۸:۲۷)
ناراستي مكُنيد ۲، ناراستی مکنیت ۳، نَاراستِي مَكُنيت ۵۵، ناراستی مکنید ۹٦، مکنید ناراستی ۱۱٤

تَخْوِيفًا: وَمَا نُرْسِلُ بِٱلْأَيَٰتِ إِلَّا تَخْوِيفًا (۱۷:۵۹)
ترسانیدن ۱، بیم کردن ۲، بیم کردن ۳، بیم بودن ۸، بیم کرْدَن ۵۳، ترسانِیدَن ۵۵، بیم نمودن ٦٤، ترسیدن ۸۰، ترس نمودن ۸۸، بیم دادن ۱۳۵

تَخَيَّرُونَ: إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ (٦٨:۳۸)
می گزینید ۱، بُگزْینید ۲، به گزین می کنیت ۳، برگزینید ۱۹، شما را آرزو کنند ۲٤، بگزینیت ۳۰، بگزینید ٤۳، برگزینند ٥٤، برمی گزینید ٥٦، بگزینید و بخواهید ۷۲، برگزین می کنیت ۸۰، همی گزینید ۹٤، برگزیدید ۱۱٤، برخواهید گزینید ۱۲۰، گزین می کنید ۱۲۹، آرزوی میکنید ۱۳۹

تَدَارَكَهُ: لَوْلَا أَن تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ لَنُبِذَ بِٱلْعَرَآءِ (٦٨: ٤۹)
در رسید ۱، دریافت ۳، اندریافت ۳۰، دریافتی ٤۲، اندر رسید ٥٤، دریافته ۱۳۲، دریافته بود ۱۳٦

★ **أَنْ تَدَارَكَهُ:** لَوْلَا أَن تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ (٦٨: ٤۹)
درنیافتی ۲۹

تَدَايَنْتُمْ: إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيْنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى (۲: ۲۸۲)
یک و دیگر را وام دهید ۱، وام دهید یک دگر را ۲، وام دهید ۱۰، هادهی ۲٤، وام دهی ها یک دیگر ۲٥، وام دهید یکدیگر را ۲۹، فرا یکدیگر وام دهید ۳٤، بستانی وامی ۳۸، اوام دهیت ٤۱، یَکدیگر را وام دَهید ٤۲، یک دیگر وام دهید ٥٦، فرا یک دیگر دهید فام ٦۲، وام کنید ٦۹، آرام دهید ۸۲، یک دیگر را اوام دهیت ۸۳، فام دهید ۸٤، اوآم دهید یکدیگر را ۹٤، خرید و فروخت کنید ۱۰۹، یکدیگر را وام دهید ۱۲٥، فراسپرید ۱۳٤، بدهید ۱۳٦، فرایکدیگر دهید شما ۱۳۸

تَدَّخِرُونَ: وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ (۳: ٤۹)
بنهید ـ پنهان کنید ۲، وانهَید ۱۰، بنهی شما ۲٤ می بنهی ۲٥، پس نهید ۲۷، یخنی[1] می نهیت ۲۸، بازنهاده باشد ۲۹، یخنی[1] می کنیت ۳۰، نهاده باشید ۳٤، وانهید ٤۰، نگاه می داریت ٤۱، بخیرِ کُنید ٤۲، فَردا رَا می نهیت ٥٥، می اندوزید ٥۷، بنهید فردا را ٥۸، بنهید ٦۷، واپس نهید ۷۲، نهید ۷٤، پنهان کنید ۸۲، یخنی[1] کنید ـ پنهان کنید ۸٤، بمانید ۹٤، یخنی[1] نهید ۱۰۹، ذخیره می کنید ۱۱٦، بمانید و بنهید ۱۳۸

تُدْخِلِ: رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ ٱلنَّارَ (۳: ۱۹۲)
درکنی ۱، درآری ۳، اندرگردی ۱۰، اندرآری ۲۹، درآوردی ٥٦، اندرآری تو ٥۷، درآری تو ٦۱، درآوری تو ٦۳، دربری ۹٦، درآوری ۱۰۰، اندر بری ۱۱۸

لَتَدْخُلُنَّ: لَتَدْخُلُنَّ ٱلْمَسْجِدَ ٱلْحَرَامَ (٤۸: ۲۷)
درشند ۱، درشوید ٦، اندر شوند ۱۷، اندرآرد ۳۰، درآیی ٦۱، در روید ۱۰۰، درآیید ۱۳۲

تَدْخُلُوا: وَقَالَ يَٰبَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنۢ بَابٍ وَٰحِدٍ (۱۲: ٦۷)
در روید ۱۲٤

★ **أَنْ تَدْخُلُوا:** أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا ٱلْجَنَّةَ (۲: ۲۱٤)
درشید ۱، اندر شَوید ۲، درشوی ۲٤، درآییت ۳۰، در روید ۳٦، اندر شوید ٥۳، شوید ٦۲، میروید ۱۲۲، بروید ۱۲٤، درآیند ۱۳۳

~: أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا ٱلْجَنَّةَ (۳: ۱٤۲)

---

۱. یخنی: پس انداز، ذخیره.

أندر شوید ۲، درآییت ۳، شما اندر شَید ۱۰، اندرآیید ۲۷، درشوید ۳٤، اندرشید ٤۰، اندر روید ٥٦، درآئید ۹۲

~: أَن تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ مَسۡكُونَةٍ (۲۹:۲٤)
اندر شوید ۲، درشوید ٥۱، درآیید ۸٦

★ لاتَدْخُلوا: لَا تَدۡخُلُواْ مِنۢ بَابٖ وَٰحِدٖ (٦۷:۱۲)
درمشید ۱، أندر مشوید ۲، مه درآییت ۳، نگر در نشوید ۷ مکرّر، مه شوی ۲٤، اندر مشوید ۳٤، درمیایید ۳٦، مَدَرایِیْت ٥٥، نه در روید ٦۱، مروید ۹۳، مه اندر شوید ۹٤، ندر آیید شما ۹۹، درنشوید ۱۳٦

~: لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ بُيُوتِكُمۡ (۲۷:۲٤)
مه شوید ۲٤، درمروید ۳۹، درمشویت ٤۱، مشوید ٤۷، دَر مَشوِید ٥۱، درمیائید ۱۳۲

~: لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتَ ٱلنَّبِيِّ (٥۳:۳۳)
درمشوید ۷، درنروید ۸۷، ندرآئید شما ۹۹

★ لاتَدْخُلوها: فَلَا تَدۡخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤۡذَنَ لَكُمۡ (۲۸:۲٤)
درمشوید ۲، اندر مه شوید ۲٤، اندر مشویت ۳۰، درمیائید ۳۹، دَر مَشوِید ٥۱

تَدْرُسُونَ: وَبِمَا كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ (۷۹:۳)
برخوانید ۱۰، خوانید ٤۰، برمی خوانیت ٤۱، می خُوانِید ٤۲، میخوانید ٦۷، می خوانند ٦۹، خوانیت ۹۱، همی بخوانید ۱۰۸، پیوسته خوانید ۱۱۱، پیوسته بخوانید ۱۱٦، برمی خوانید ۱۲۱، پیوسته میخوانید ۱۲۲، هستید خواننده ۱۲٤

~: أَمۡ لَكُمۡ كِتَٰبٞ فِيهِ تَدۡرُسُونَ (۳۷:٦۸)
می خوانید ۱، بخُوانید ۲، می خوانیت ۳، همی خوانید ۲٤، بخوانید ۳۰، می گوییت ٤۱، میخوانید و میگوئید ۹۲، همیخوانید ۹٤، برمیخوانید ۱۰۲

★ كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ: وَبِمَا كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ (۷۹:۳)
می خواندید ۱، همی برخواندید ۲، خواندی ۲٥، می خواندیت ۲۸، مِی خَوَاندِیْت ٥٥، بودید می خواندید ٥٦، میخواندید ٦۱، همی خواندید ۸۲

تُدْرِكَ: لَا ٱلشَّمۡسُ يَنۢبَغِي لَهَآ أَن تُدۡرِكَ ٱلۡقَمَرَ (٤۰:۳٦)
در رسد ۱، اندر رسدْ ۲۲، اندر یابد ۲٤، برسد ٥۹، روا باشد ۱۱۱، دریابد ۱۲٤

تُدْرِكُهُ: لَّا تُدۡرِكُهُ ٱلۡأَبۡصَٰرُ (۱۰۳:٦)
دریابند ۳، بیند ۹۲، دریابد ۹٤

★ لاتُدْرِكُهُ: لَّا تُدۡرِكُهُ ٱلۡأَبۡصَٰرُ (۱۰۳:٦)
در نرسد ۱، درنیابد ۲، اندر نیابد ۹، اندر نه رسد و اندر نه یاود ۱۰، درنیاود ۲٤، اندر نیاود ٤٤، نه رَسَدْ و اَندر نیٰابَدْ ٥۳، نبینند نرسند ٥۷، درنیابد و درنرسد ٥۸، نبیند ٦۰، درنیابند ٦۳، درنمی رسد ۹٦، درنمی یابد ۱۱۱

تَدْرُونَ: لَا تَدۡرُونَ أَيُّهُمۡ أَقۡرَبُ لَكُمۡ نَفۡعٗا (۱۱:٤)
دانیت ۳، دریابید شما ٦۱، دانید ۹۰

★ لاتَدْرُونَ: لَا تَدۡرُونَ أَيُّهُمۡ أَقۡرَبُ لَكُمۡ نَفۡعٗا (۱۱:٤)
ندانید ۱، شما ندانید ۱۰، ندانی شما ۲٤، ندانند ۲۹، ندانیت ٤۱، ندانِید ٤۲، نه دانید ٥۳، ندانید شما ٥۷، ندانستید ٦۳، ند آنید ۹٤، شما نمی دانید ۹٦، نمیدانید شما ۱۰٤

تَدْرِي: وَمَا تَدۡرِي نَفۡسُۢ بِأَيِّ أَرۡضٖ تَمُوتُ (۳٤:۳۱)
داند ۳

~: مَا كُنتَ تَدۡرِي مَا ٱلۡكِتَٰبُ وَلَا ٱلۡإِيمَٰنُ (٥۲:٤۲)
دانستی ۱، دانستی تو ۲٤، بدانستی ٥٦، می دانستی ٦۱، د آنی ۱۰۰، بدانی تو ۱۰۳، بدانی ۱۱٤

~: لَا تَدۡرِي لَعَلَّ ٱللَّهَ يُحۡدِثُ بَعۡدَ ذَٰلِكَ أَمۡرٗا (۱:٦٥)
دانی ۳، د آنی تو ۱۰۰

★ لاتَدْرِي: لَا تَدۡرِي لَعَلَّ ٱللَّهَ يُحۡدِثُ (۱:٦٥)
ندانی ۱، ندانی تو ۲، می ندانی تو ۲٤، نه دانی

۸۰، تو ندانی ۹۶، نمی دانی تو ۱۰۳، نمی دانی ۱۱٦، نمیدانی ۱۳٦

★مَا تَدْرِی: وَمَا تَدْرِی نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا (۳۱:۳٤)
نداند ۱، نه داند ٤۷، تدانَد ۵۳، نداند هیچ ٦٤، نمی داند ۸۰، نمیداند ۸٦

★ مَا كُنْتَ تَدْرِی: مَا كُنتَ تَدْرِی مَا ٱلْكِتَٰبُ (٤۲:۵۲)
نمی دانستی ۳، ندانستی ۳۰، ندانسته بودی ۳۹، ندانستی تو ۱۰۵

تَدْعُ: وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا (۳۵:۱۸)
بخواند ۱، بخواندیتی ۳۰، خوانی ٤۱، خواهد ۵۸، خواند ۸٦

★ لَا تَدْعُ: وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ ٱللَّهِ (۱۰:۱۰٦)
مخوان ۱، مه خوان ۳، مَخوانْ ۵۵، میرست و مخوان ۵۸، میرست ٦۰، نخوان تو ٦۱، نه خوان ۹۰، مخوآن ۱۰۰، نخوانید ۱۱۸

~: فَلَا تَدْعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ (۲٦:۲۱۳)
مخوان ۲، نخوان ۲۰، مگوی مکن و مخوان ٤۷، مخوان و میرست ۵۸

~: وَلَا تَدْعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ (۲۸:۸۸)
مخوان ٤۳

تَدْعُهُمْ: وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى ٱلْهُدَىٰ (۱۸:۵۷)
بخوانی ۱، واخوانی ۲٤، بخوانی تو ٦۱، بخوآنی ۱۰۰، خوانیشان ۱۱٤

★ إِنْ تَدْعُهُمْ: وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى ٱلْهُدَىٰ (۱۸:۵۷)
نخوانی ۱۰۳

تَدْعُوا: أَيًّا مَّا تَدْعُوا فَلَهُ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ (۱۷:۱۱۰)
یاد کنید ۷۹، خواهید ۱۰٦

~: فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوٓا إِلَى ٱلسَّلْمِ (٤۷:۳۵)
خوانید ۹۲، بخوانید ۹۸

~: تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ (۷۰:۱۷)
می خواند ۱، می واخواند ٦، همی خواند ۳۸، بخواند ٦۱، برخواند ۱۰۰

★ لَا تَدْعُوا: لَّا تَدْعُوا ٱلْيَوْمَ ثُبُورًا (۲۵:۱٤)
مخوانید ۱، مُخوانید ۲، بانگ مکنید ۳۹، مَخوانید ۵۱

~: فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوٓا إِلَى ٱلسَّلْمِ (٤۷:۳۵)
وامخوانید ٦، نخوانید ۸۱

تَدْعُونَ: أَغَيْرَ ٱللَّهِ تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (٦:٤۰)
می خوانید ۱، خُوانید ۲، خوانیت ۳، همی بخوانید ٦۲، خواهید خواند ۱۲۲

~: بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ (٦:٤۱)
خوانید ۱، همی خُوانید ۲، خوانی ۲٤، میخوانید ۲۹، همی خوانید ۹۸، برخوانید ۱۰۰

~: أَنْ أَعْبُدَ ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (٦:۵٦)
می خوانی شما ۲٤، شما همی خوانید ۲۹، شما میخوانید ۹۹

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (۷:۱۹٤)
شما مَی پَرستَید ۱۰، می خوانیدتان ٦۱، میخوانید شما ۹۳، خوانی ۱۰٦

~: وَٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ (۷:۱۹۷)
می خوانیت ۳، واخُوانی ۱۰، می خوانید و می پرستید ۲۷، می پرستی ٦۰

~: ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلَّآ إِيَّاهُ (۱۷:٦۷)
همی خُوانید ۲، هَمی خواندید ۵۳، می پرستید ۵۸

~: وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (۱۹:٤۸)
می خوانی ۱

~: قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ (۲٦:۷۲)
بخوانید ٤۷، بخوانید شما ۵۸

~: وَٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ (١٣:٣٥)
میخوانند ٦١

~: أَرَءَيْتُمْ شُرَكَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (٣٥:٤٠)
خواند ید ٩٦

~: أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ ٱلْخَٰلِقِينَ (٣٧:١٢٥)
همی خواهید ٥٧، همی خواهید ٨١

~: أَفَرَءَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (٣٩:٣٨)
همی خوانید ١٥، همی پرستید ٨١

~: أَنْ أَعْبُدَ ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (٤٠:٦٦)
می خوانید شما ٦١، میخوانند ١٣٦

★ كُنْتُمْ تَدْعُونَ: أَيْنَ مَا كُنتُمْ تَدْعُونَ (٧:٣٧)
می خوانید ید ١، می خواندیت ٣، خُوانْدَید و پَرستیدَی ١٠، همی خواندیت ١٠ مکرّر، می پرستیدی ٢٤، همی خواندند ٤٥، می خواندی ٥٧، پرستید ید ٥٨، خواندید ٦٣، میخواندید ١٠٠، همی خواندید ١٠٧، می پرستید ید ١١٢، میخواندند ١٣٥

تُدْعَوْنَ: إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى ٱلْإِيمَٰنِ (٤٠:١٠)
می خوانده شید ١، خوانند شما را ٩٢، خوانده شدید ١٠٠، می خواندند ١٢٤، بخوانند ١٣٦

~: هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ تُدْعَوْنَ (٤٧:٣٨)
می خوانند شما را ٦، همی خوانند شما را ١٧، می خواندند تان ٣٩، خوانده می شدید ٥٦، خوانده می شویت ٨٠، خوانده شده اید ١٠٣، خوانده می شوید ١١١

~: سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُوْلِى بَأْسٍ شَدِيدٍ (٤٨:١٦)
شما را واخوانند ٦، خوانده شویت ٨٠، خوانده میشوید ٩٩، خوانده شوید ١٠٣

★ سَتُدْعَوْنَ: سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُوْلِى بَأْسٍ شَدِيدٍ (٤٨:١٦)
زود خواهند خواند ٩٨، زود بود که خوانند شما را ١١٤

تَدَّعُونَ: وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ (٤١:٣١)
می درخواهید ١، آرزو می بریت ٣، بخوانید ٢٢، خواهید ٣٠، می بخوانید ٥٢، می خوانید ٦١، شما خواهید ٦٤، بخوانید بخواهید ٩٢، میخوانید ١١٣

★ كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ: كُنتُم بِهِۦ تَدَّعُونَ (٦٧:٢٧)
می درخواستید ١، می خواستید ٥٦، آرزو می کردیت ٩١، آرزو می بردید ١٢١، بشتاب میخواستید ١٣٢

تَدْعُونَا: وَإِنَّنَا لَفِى شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَآ إِلَيْهِ مُرِيبٍ (١١:٦٢)
می خوانی ١، وازخوانی ٢٤، تو میخوانی ٢٩، همی خوانی ٥٣، میخوانی ٥٩، خوانی ١٠٥، همی خواهی ١٢٧

~: قُلُوبُنَا فِىٓ أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَآ إِلَيْهِ (٤١:٥)
میخوانید ٦١، میخوانی تو ٨١

تَدْعُونَنَا: لَفِى شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَآ إِلَيْهِ مُرِيبٍ (١٤:٩)
همی بخوانید ٢، می خوانی ٢٤، شما می خوانید ٢٩، خوانید ٣٩، می خوانید ٥٨، میخوانید ٩٣، همی خوانید ٩٤، بخوانید ٩٦، میخوانید شما ١١٨

تَدْعُونَنِي: وَتَدْعُونَنِىٓ إِلَى ٱلنَّارِ (٤٠:٤١)
شما می خوانید ٦٤، خوانید ٩٠، شما میخوانید ١١١، می خوانید ١٢٤

تَدْعُونَهُ: تَدْعُونَهُۥ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً (٦:٦٣)
می خوانید ٢٩، درخواهید ١٠٦، میخوانید ١١٤، بخوانید ١٢٤

تَدْعُوهُمْ: وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى ٱلْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ (٧:١٩٣)
بخوانی ١، خُوانی ١٠، بخوانید ٥٦، بخوانی تو ٦١، خوانید ١١٤

~: وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى ٱلْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا۟ (٧:١٩٨)
واخوانی ٢٤

~: وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۲۳: ۷۳)
همی خُوانی ۲، بازخوانی ۴۷، هَمی خوانی ۵۳، همی خوانی ٥٤، می خوانی ۵۸، همی خواهی ٦١، خوانی ۹٦، میخوانی ۱۰۳

~: إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَآءَكُمْ (۳۵: ۱٤)
برخوانید ۳۸، خوانید ۱۳۸

~: كَبُرَ عَلَى ٱلْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ (٤٢: ۱۳)
می خوانی ۳۲، میخوانی ۳۹، میخوانی تو ۱۲۳

تُدْعَی: كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰٓ إِلَىٰ كِتَٰبِهَا (٤٥: ۲۸)
می خوانده شهد ۱، خوانده شود ۳، همی خُوانند ۲۲، خوانند ۱۰۵، می خوانند ۱۰۸

تُدْلُوا: وَتُدْلُوا بِهَآ إِلَى ٱلْحُكَّامِ (۲: ۱۸۸)
ببرید ۲، بیوگَنید[1] ۱۰، اوکنید[2] ٤۰، درآویزید ۵۷، راه نمایید ٦١، همی بیفکنید ٦۲، میکشید ۷٤، بازگردانید ۱۰۰، درآورید ۱۲٤، بیندازید ۱۳۵

* [لَا] تُدْلُوا: وَتُدْلُوا بِهَآ إِلَى ٱلْحُكَّامِ (۲: ۱۸۸)
نیفکنید ٦۷، فرود مهلید ۷۵، فرو مهلید ۹۰، فرومیارید ۱۰۲، میندازید ۱۰٤، مدهید ۱۲۲

تَدَلَّی: ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ (۵۳: ۸)
نزدیک شد ۱، راه نمود ۲، سخت نزدیک شد ۳، نزدیک درآمد ٢٤، فرود آمد ۳۰، فروهشت ٤۳، فرود اورد گذاشت و باز کرد ۵۱، سخت نزدیک آمد ۵۲، فرودآمَدْ ۵۳، فروآمد ۷۹، نزدیک آمد ۸۷، آویخت ۱۰۹، درست در زد ١١٤، آویزان شد و سر فرود آورد ١١٦، گام نهاد ۱۱۹، سر فرود آورد ۱۲۰، راه یافت ۱۳٦، درآویخت ۱۳۹

تُدَمِّرُ: تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍۭ بِأَمْرِ رَبِّهَا (٤٦: ۲۵)
نیست می کند ٤٩، از بیخ برمیکند ۱۰۰، نابود میساخت ۱۱۱

تَدْمِيرًا: فَدَمَّرْنَٰهَا تَدْمِيرًا (۱۷: ۱٦)
ویران کردن ٦٢

~: فَدَمَّرْنَٰهُمْ تَدْمِيرًا (۲۵: ۳٦)
نیست کردن ۲۰، نیست گردانیدن ۱۲۰

تُدْهِنُ: وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ (٦٨: ۹)
درسازی ۱، می‌أنداای ۲، نرمی کنی ۱۹، بسازی تو ۳۹، گذاری ٤١، چرب سخنی کنی ۸۸، درسازی تو ۸۹، بسازی ۱۰۲، تو نرمی کنی ۱۱۱، مشاهله کنی ۱۱۳، تو محابا کنی ۱۳۹

تَدُورُ: يَنظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ (۳۳: ۱۹)
می گردد ۱، همی گردد ۲، بگردد ۲۹، هَمی گَردد ۵۳، می گردانند ٦١، میگردد ۸٦، گردد ۱۰۰، گرد شد ۱۰٦، می نگرند ۱۲۵

تُدِيرُونَهَا: تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ (۲: ۲۸۲)
می گردانید ۱، همی گردانید ۲، بگردانیت ۳، دستادست ٢٤، دست بدست که می گردانی ۲۵، همی گردانید ۲۹، بگردانید ۳٦، بِگَردانیت ۵۵، دست گردان دارید ٦١، خرید و فروخت می کنید دست بدست ٦۳، دست بدست گردان می دارید ٦٤، میگردانید ٦۷، دست بدست میگرتید ۷٤، می گردانند ۸۸، دست گردان می دارید ۹۰، بگردانديت ۹۱، گردانید ۱۲۱

تَذْبَحُوا: إِنَّ ٱللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تَذْبَحُوا بَقَرَةً (۲: ٦۷)
بکشید ۲، بَکشید ۱۰، کشیت ۳۰، بکشید ۵۲، گُلوبُریت ۵۵، بکشی ٦۰، گلو بریت ۸۰، گلو برید ۱۰۹، گلو ببرید ۱۲۷، سرببرید ۱۲۹

تَذَرُ: أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُۥ (۷: ۱۲۷)

---

۱. بیوگَنید / بیفکنید.
۲. او کنید / افکنید.

می بهیلی[1] ۱، دسْت مـی بَـاز داری ۲، دَسـت واخُواهی دَاشت ۱۰، دست بـازمـی داری ۲۷، تـو بگذاری ۲۹، می مانی ۳۰، همی بگذاری ۳۵، می گذاری ۳۶، مِی مَانِی ۵۵، همی دست بازداری ۵۷، مـی گـذاری تـو ۶۱، بـمـی گـذاری تـو ۶۳، میگذاری ویله میکنی ۶۷، بگذاری ۷۴، همی فـرو گـذاری ۸۸، بـگـذ آری ۹۴، مـیـگـذاری ۹۶، بمیگذاری ۱۰۰، فرامیگذاری ۱۰۲، رها میکنی ۱۰۳، همی دست بدارید ۱۰۷، بگذارید ۱۲۴

~: مَاتَذَرُمِن شَیْءٍ أَتَتْ عَلَیْهِ (۴۲:۵۱)
می ماند ۱۱۴، گذاردی ۱۲۴

~: وَمَآأَدْرَیٰكَ مَاسَقَرُ لَاتُبْقِی وَلَاتَذَرُ (۲۸:۷۴)
هلد[2] ۳۸، دست بازدارد ۳۹، بگذارد ۹۲، ماند ۹۴

★ لاتَذَرْ: لَاتَذَرْعَلَی ٱلْأَرْضِ مِنَ ٱلْكَٰفِرِینَ دَیَّارًا (۲۶:۷۱)
مَـگـذار ۲، مـه مـان ۳، دست بـمـدار ۱۹، دست بازمدار ۳۹، بمگذار ۴۲، نگذار ۹۲، مگذ آر ۱۰۰

~: وَمَآأَدْرَیٰكَ مَاسَقَرُ لَاتُبْقِی وَلَاتَذَرُ (۲۸:۷۴)
بنهیلد[3] ۱، بنگذارد ۶، نه بهلند ۱۹، رها نکند ۵۱، رها نـدهد ۱۰۰، وانگذارد ۱۱۱، نه دست بـازدارد ۱۲۰، دست ندارد ۱۲۶، نه وامیگذارد ۱۲۹، نگذارد ۱۳۶

★ مَا تَذَرُ: مَاتَذَرُمِن شَیْءٍ أَتَتْ عَلَیْهِ (۴۲:۵۱)
نـمـی هیشت ۱، نگذاشت ۲، بـنـمی گذاشت ۲۹، نگذارد ۳۸، دست باز ندارد ۳۹، دست بازنداشت ۵۲، نمیگذاشت ۸۶، رها نکرد ۸۷، بنگذاشت ۱۱۳

تَذَرُنَّ: وَقَالُوا۟ لَاتَذَرُنَّ ءَالِهَتَكُمْ (۲۳:۷۱)
دست بدارید ۳۸

★ لاتَذَرُنَّ: وَلَاتَذَرُنَّ وَدًّا وَلَاسُوَاعًا (۲۳:۷۱)
مهیلید ۱، مه مانیت ۳، بمگذارید ۶، مه دست بدارید ۱۹، رها مکن ۲۹، دست بازمدارید ۳۰، دست بـداریـد ۳۸، نـه بـازداریـد دسـت ۳۹، بـنـگـذاریـت ، مـگـذاریـت ۴۱، رهـا مـکـنـیـد ۴۳، بمه گذارید ۴۹، دست مدارید ۶۱، ممانیت هر آینه هـر آیـنـه ۸۰، نـگـذاریـد ۹۲، مـگـذاریـد ۹۶، بمگذ آرید ۱۰۰، رها نکنی ۱۰۵، دست بازندارید ۱۰۸، دست بـازمـگـذاریـد ۱۱۱، مـمـانـیـد ۱۱۴، وامگذارید ۱۱۶، مگذارید البته ۱۲۰

تَذَرْنِی: رَبِّ لَاتَذَرْنِی فَرْدًا (۸۹:۲۱)
بگذار ۴۳

★ لاتَذَرْنِی: رَبِّ لَاتَذَرْنِی فَرْدًا (۸۹:۲۱)
مهیل ۱، مگذار ۲، رها مکن ۴۲، مه دست بازدارْ ۵۳، ممان ۶۱، وامگذار ۱۳۲

تَذَرْهُمْ: إِنَّكَ إِن تَذَرْهُمْ یُضِلُّوا۟ عِبَادَكَ (۲۷:۷۱)
بهیلی ۱، بگذاری ۶، بمانی ۳۰، دست بازداری ۳۹، دست بداری ۵۴، بگذاری تو ۱۱۳

تَذَرُونَ: وَتَذَرُونَ مَاخَلَقَ لَكُمْ (۱۶۶:۲۶)
می هیلید ۱، همی دست بدارید ۲، می مانیت ۳، می گذارید ۲۰، می بگذارید ۳۴، رها می کنید ۴۳، می فرا گذارید ۴۷، همی بگذارید ۶۲، میگذارید ۸۶، بمی گذ آرید ۱۰۰، همی بمانید ۱۰۸

~: وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ ٱلْخَٰلِقِینَ (۱۲۵:۳۷)
همی بهلید ۲۲، دست بدارید ۲۴، بمی گذارید ۲۹، همی دست بازداریت ۳۰، همی هلید ۳۸، دسـت بـازدآریـد ۴۲، مـی گـذآریـد ۶۱، فرو گذاشته اید ۶۴، می گذارید ۷۴، وامیگذارید ۱۱۶، بـازمـیـگـذاریـد ۱۳۲، واگـذاریـد ۱۳۶، می گزارید ۱۳۸

---

۱. می بهیلی: دست بازداری.
۲. هلد: واگذارد.
۳. بنهیلد: وانگذارد.

~: وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ (٢١:٧٥)

مـی بـگـذاری ٦، دست بـازداریـت ٣٠، دسـت می دارید ٩٠، بمیگذ آرید ١٠٠، فرومیگذارید ١٠٢، دست بازمیدارید ١١٦، میگذرانید ١٢٠، دست میدارید ١٣٧، می بگذارید ١٣٩

تَذَرُوهُ: فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ (١٨:٤٥)

می روبند ١، می برد ٣، ببرد ٢٤، می پاشند ٢٩، همی برد ٥٣، می بَرَد ٥٥، بردارد ٥٦، بپراکند ٥٨، همی پراکند ٦٢، می برند ٦٣، پراکنده کند ٧٩، براندازد ٨٨، پراکند ٩٣، پراکنده می کند ٩٤، برباد دهند ١٠٦، همی برد ١٠٨، پراکنده گرداند ١١١، سپرد ١١٤، پراکنده میکند ١٢٣، برد ١٢٥، پراکنده کرد ١٣٢

فَتَذَرُوهَا: فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ (٤:١٢٩)

بهیلید ١، دست بازدارید ٢، مانیت ٣، دست وادارید ١٠، مگذاری ٢٤، بگذارید ٣٦، رها کنید ٣٨، بگذاریت ٤١، بُمانید ٤٥، دَسْت بازدَارِیْد ٥٣، مَانیت ٥٥، بجای مانید ٨٢، بله کنید ٩٤، شما بگذارید ٩٦، درست دارید ١١٤، دست بدارید ١٢٤

تَذْكُرُ: تَاللَّهِ تَفْتَؤُا تَذْكُرُ يُوسُفَ (١٢:٨٥)

می ایاد کنی ١، یاد کُنی ٢، یاد می کنی ٣، تو می بگویی ٧ مکرّر، یاد همی کنی ٥٣، یَاد مِی کُنِی ٥٥، یاد کنی تو ٦١، یاد کنی ٩٣، یاد کنی ١٠٠، یاد می خواهی کرد ١٠٢، یاد میکند ١١٨، یاد کن ١٢٩

تَذَكَّرَ: مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ (٣٥:٣٧)

پند پذیرفت ١، پند خواستی گرفتن ٢، پند گرفت ٣، پند گیرد ٣٠، یاد کرد ٩٦

تُذَكِّرَ: فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى (٢:٢٨٢)

ایاد کند ١، یاد دهد ٢، وایاد دهد ١٠، وایا دهید ٢٤، یاد آر ٢٥، فرایاد دهَد ٢٧، یاد آرد و یاد دهد ٣٠، یاد دَهَد ٤٢، با یاد دهد ٤٩، یاد دهَد ٥٢، یاد دهید ٦٩، بیاد دهد ٧٥، با یاد آرد ٨٨، با یاد آورد ١٠٠، بیاد آورد ١٢٧، یاد کند ١٣٨

تَذْكِرَةً: إِلَّا تَذْكِرَةً لِمَنْ يَخْشَى (٢٠:٣)

پند و یاد کرد ٢، پند دادن ٣، یاد کردن ٢٩، پند و یاد کرد ٦١، پَنْد ٦٢، پند ده ٩٠

~: نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ (٥٦:٧٣)

پند ١، یادگار ٣، یادبود ١١٦

~: لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ (٦٩:١٢)

یاد کردی ٦٧

~: وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ (٦٩:٤٨)

پند و یادگار ١٠٩

~: إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ (٧٣:١٩)

یاردگار ١٩، یادگاری ٣٩

~: فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ (٧٤:٤٩)

یاد کرد ٢٩، پند پذیرفتن ٧٩، پند گرفتن ٩٢

~: إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ (٧٦:٢٩)

یادداشت ١٣٦

~: كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (٨٠:١١)

پنده گی ١١٣

تَذْكُرُوا: ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ (٤٣:١٣)

یاد کنید ١، یاد کنیت ٣، یاد کُنیت ٣٢

تَذَكَّرُوا: طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا (٧:٢٠١)

پند پذیرند ١، یاد کنند ٢٧، اندیشه کنَنْد ٥٣، یاد کنند ایشان ٦١، یاد کنید ٦٣، اندیشه کنید ٨٨، با یادآوردندی ٩٣، پند گیرند ١٠٠، یاد آرند ١٠٥، اندیشیدندی ١٢٢

تَذْكُرُونَ: فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ (٤٠:٤٤)

ایاد کنید ١، یاد آید شما را ١٥، یاد آوریت ٤١، یاد خواهید کرد ٦٤، با یاد آورید ١٠٠، یاد گیرید ١٢٤،

یاد کند ١٣٦

تَذَكَّرُونَ: وَصَّـٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (٦: ١٥٢)
پَند پذیریدْ ٢، پند گیرید ١٠

~: وَلَا تَتَّبِعُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (٧: ٣)
می پند پذیرید ١، پند می گیریت ٣، یاد می کنید ٢٩، همی پذیرند کذا ٤٥، پند می گیرید ٥٦، می پذیرید پند را ٥٧، پند می گیرید تان ٦١، پند میگیرید ١٠٠، همی پند پذیرید ١٠٧، اندیشه همی کنید پند می پذیرید ١٠٩، پند میگیرند ١٢٣، پند پذیرند ١٢٤

~: كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ ٱلْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (٧: ٥٧)
پند پذیرید ١، پند گیرید ١٠، پند پَذیرید ٦٢، دریابید ١٢٠

~: فَٱعْبُدُوهُ ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (١٠: ٣)
پند گیرید تان ٦١

~: هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (١١: ٢٤)
پند گیریت ٣، دراندیشید یاد دارید ١٠٩

~: يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (١٦: ٩٠)
پَند گیرید ٢

~: سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ۚ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (٢٣: ٨٥)
پند پذیریدْ ٥٣، پَند پذیرید شما ١١٩

~: وَأَنزَلْنَا فِيهَآ ءَايَـٰتٍۭ بَيِّنَـٰتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (٢٤: ١)
اندیشه کنیدْ ٥١، پند گیرند ١٣٨

~: ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (٢٤: ٢٧)
اندْیشه کنیدْ ٥١

~: أَءِلَـٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِ ۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (٢٧: ٦٢)
می پند گیرند ٢١، شما می پند گیرید ٤٧، یادمی آرید ٨٦، پند می پذیرید ١٠٣، یاد آوری مینمایید ١٢٢، یاد آوری مینمائید ١٣٢

~: فَمَن يَهْدِيهِ مِنۢ بَعْدِ ٱللَّهِ ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (٤٥: ٢٣)
پند می گیریت ٣٢

~: كُلِّ شَىْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (٥١: ٤٩)
اندیشه کُنیدْ ٥١، پند بپذیرید ٥٦، یاد آورید ٩٦

~: وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ ٱلنَّشْأَةَ ٱلْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ (٥٦: ٦٢)
یاد کنید ٩٠

~: وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ ۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (٦٩: ٤٢)
یاد میکنی و اندیشه میکنی ٢٩، پند می گیرند ٤١

★ **لَا تَذَكَّرُونَ:** فَٱعْبُدُوهُ ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (١٠: ٣)
پند نپذیرید ١، همی نه پند پذیرند ٧٥، پند نمیگیرند ٩٣، پند همی نگیرید ٩٦، پند نمی پذیرید ١٢٢

~: هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (١١: ٢٤)
پند نپذیرید ١، نپذیری پندی ٢٤، نَه یادداریت. پَند نَه گیریت ٥٥، درنیندیشند ٥٩، پند نمی گیرید شما ٨٩، شما پند نمیگیرید ٩٣

~: إِن طَرَدتُّهُمْ ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (١١: ٣٠)
پند نپذیرند ١، پند نمی گیریت ٤١، نَه اندیشید ٦٢، پند نمیگیرید ٩٣

~: أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُ ۗ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (١٦: ١٧)
هیچ پند نگیرید ٢، ورنگیری پند ٢٤، هیچ پند نمی گیرید ٥٢، همی پند نپَذیری ٥٧، پند نگیرید ٥٨، پند نمیگیرید ١١١

~: سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ۚ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (٢٣: ٨٥)
پند نگیرید ٢، همی نگیرید پند ٢٤، در نه اندیشید ٤٧، همی پند نپذیرید ٦٢، با یادنمی آرید ٨٦، یاد نکنید ٩٦، پند نمیگیرید شما ١٠٠، پند نمی پذیرید ١١٣

~: مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (٣٧: ١٥٥)
پند نگرید ٥٦، پند نمی گیرید ٦١، پند

نمی پذیرید ۸۱، اندیشه نمیکنید ۱۰۳، نیندیشیدند ۱۳۸

~: فَمَن يَهْدِيهِ مِنۢ بَعْدِ ٱللَّهِ ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۴۵:۲۳)

پند نپذیرید ۱

~: وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ ٱلنَّشْأَةَ ٱلْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ (۵۶:۶۲)

یاد نکنید ۵۱، چرا پند نگیرید ۶۱، چرا یاد نکنید ۹۶، یاد نمی کنید ۱۱۶

تَذْكُرُونَهُنَّ: عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ (۲:۲۳۵)

یاد دهیت ۴۱، یاد کنید ۶۴، با یاد آورید ۱۰۰، یاد خواهید نمود ۱۲۲، بگویید ۱۳۰، یاد خواهید کرد ۱۳۵

★ سَتَذْكُرُونَهُنَّ: عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ (۲:۲۳۵)

انوز[1] ایاد کنید ۱، زود یاد کنید ۲، زود بود که یاد کنیت ۳، زود یاد کنی ۲۴، زود باشد که یاد کنید ۲۷

تَذْكِيرِي: وَتَذْكِيرِي بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ (۱۰:۷۱)

پند دادن ۱، پَند دادن ۲، بیم کردن ۱۰، یاد کردن ۱۳، وایاد دادن ۲۴، یاد دادن ۳۰، پَند دَادَن ۵۵، پند داد ۶۱، پند دآدن ۱۰۰، پند ۱۱۴

تُذِلُّ: وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَآءُ (۳:۲۶)

خُوار کُنی ۲، خوار کنی ۳، خُوار کنی ۱۰، خُوار کُنی ۴۲، خَوار گردَانی ۵۵، خوار گردانی ۶۲، خوار کند ۶۹، خار می گردانی ۱۰۴، گمراه میگردانی ۱۱۱، خوار میگردانی ۱۱۶، خوار میکنی ۱۲۱، خار کنی ۱۲۴

تَذْلِيلًا: وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَٰلُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا (۷۶:۱۴)

نرم کردن ۱، رام کردن ۳، سرفرود آوردن ۱۹، فروهشتن ۲۴، گردانیدن ۲۹، خواری ۳۴، سرفرو آوردن ۳۸، فرمان برداری ۳۹، آسان گردانیدن ۷۹، فرمان بردار کردن ۸۸، نزدیک کردن ۹۱، فرمان بر کردن ۱۰۸، رام کرده شدن ۱۰۹، رام گردانیدن ۱۱۱، آسان کردن ۱۲۲، فرمان برداری کردن ۱۲۶

تَذْهَبَ: وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ ۖ وَٱصْبِرُوٓا۟ (۸:۴۶)

بشهد ۱، بشَود ۱۰، برود ۲۹، بَشَوذ ۵۳، رَوَد ۹۱، ببرد ۱۱۲

★ لَا تَذْهَبْ: فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ (۳۵:۸)

کومشه[2] ۱، مَشَودا ۲، مه بردا ۳، مشو ۷، مشودا ۳۰، بمبر ۴۲، نه بریا ۴۷، مبراد ۸۹، مَه شَواد ۹۴، نشود ۹۶، مشواد ۱۱۴

تَذْهَبُوا: لِتَذْهَبُوا۟ بِبَعْضِ مَآ ءَاتَيْتُمُوهُنَّ (۴:۱۹)

ببرید ۱، واستانَید ۱۰، ببری ۲۴، واستانید ۴۰، ببرند ۸۸، بُبرید ۹۰، ببرید شما ۹۶، ببریت ۹۷، به برید ۱۰۴

~: قَالَ إِنِّى لَيَحْزُنُنِىٓ أَن تَذْهَبُوا۟ بِهِۦ (۱۲:۱۳)

بریت ۳، ببری شما ۲۴، بَبریذ ۵۳، بَریت ۵۵، بروید ۸۸، بردن ۹۳، برید ۱۱۴، ببرید ۱۲۱، بردن شما ۱۲۸

تَذْهَبُونَ: فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ (۸۱:۲۶)

می شید ۱، همی روید ۲، می شوی ۲۹، رویت ۳۰، روید ۳۹، می روید ۶۱، خواهی شدن ۹۴، میروید ۹۹، شوید ۱۱۳

تَذْهَلُ: تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ (۲۲:۲)

دور شود ۴۱، ناپروا شود ۱۰۹، فراموش کند ۱۳۱

تَذُودَانِ: مِن دُونِهِمُ ٱمْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ (۲۸:۲۳)

می وازراندند ۱، گوسپند همی داشتند ۲، همی

---

۱. انوز: زود بود که، باشد که.

۲. کومشه: نباید که برود.

بازداشتند ٢٤، وامی راندند ٢٩، بازداشتند ٣٠، گوسفند همی راندند ٣٨، می راندند ٣٩، باز می داشتند ٤٦، بازمی داشتند گوسفندان خویش را از آب ٤٧، می راندند گوسفند ٥٢، بازمی راندند ٥٣، باز می زدند ٥٨، بازداشتند گوسبندانرا ٦٧، بازمیزدند ٧٤، دور می کردند ٧٩، گوسپندان می راندند ٨٧، گوسپندان را می داشتند ٩٠، گوسپند همی بازداشتند ٩٤، میراندند ٩٦، گوسفند میچرانیدند ١٠٠، بازمیداشتند ١٠٢، میرانند گوسفندان را ١٠٣، بازپس میراندند ١٠٦، دور میکردند ١١٣، بازمیدارند ١١٦، بازمیراندند ١١٧، می راندند گوسفندان ١٢٤، همی راندن گوسفندان ١٣٩

تَذوقُوا: وَتَذُوقُواْ ٱلسُّوٓءَ بِمَا صَدَدتُّمۡ (١٦:٩٤)
بچشید ١، بچشیت ٣٠، بَچشید ٥٣، بچشید تان ٦١، درچشید ١٠٠

★ **لَمْ تَرَ:** أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ خَرَجُواْ (٢:٢٤٣)
نگاه نکردی ٢، ندانی ٢٩، نگاه نگردی ٤٢، نه دیدی تو ٦١، آگه نکردندرا ٦٣، نه نگریستی ٨٠، نه نگرستی ٩١، خود نمی بینی ـ نمی دانی ١٠١

~: أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلۡمَلَإِ مِنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ (٢:٢٤٦)
نه بگریستی ٣، همی ننگری ٥٧، ننگرستی ٦٣، نه بینی تو ٦٩، نمی بینی تو ١٢٤

~: أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِي حَآجَّ إِبۡرَٰهِـۧمَ فِي رَبِّهِۦٓ (٢:٢٥٨)
نگاه نکنی ٢، هرگز دیدی ١٠، ننگریستی ٢٧، آگاه کرده نشدی ٣٩، نگه نکنی ٤٢، بنگرستی ٨٥، نگریستی ١٠٤

~: أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا (٣:٢٣)
ننگری ١، نگاه نکنی ٢، نمی نگری ٢٥، نه نگرستی ٢٨، نبینی ٦٢، ننگری تو ٦٧، نمینگری ١١٢

~: أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا (٤:٤٤)
نگاه نکنی ٢، نه بینی ٢٤، نمینگری ١١١

~: أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُم (٤:٤٩)
همی ننگری ٢٩، نگاه نکنی تو ٦٧

~: أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا (٤:٥١)
ندیدی ٣٦، نبینی ٦٠

~: أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يَزۡعُمُونَ (٤:٦٠)
نمی نگری ٥٧، ننگرستی تو ١٠٤

~: أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ قِيلَ لَهُمۡ كُفُّوٓاْ أَيۡدِيَكُمۡ (٤:٧٧)
همی نه بینی ٤٥

~: أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَ (١٤:١٩)
همی نگاه نکنی ٢، تو نمی دانی ٢٩، نه دیدی ٣٠، همی بینی ٥٧، نمی بینی ٦٤

~: أَلَمۡ تَرَ كَيۡفَ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا (١٤:٢٤)
نگاه نکنی نبینی ٢، تو ندانی ٢٩

~: أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ بَدَّلُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ كُفۡرٗا (١٤:٢٨)
تو نمی بینی ٢٩، نه بینی ١١٤

~: أَلَمۡ تَرَ أَنَّآ أَرۡسَلۡنَا ٱلشَّيَٰطِينَ (١٩:٨٣)
ننگرند ١، نه بینی ٢، نه دیدی و ندانستی ٥٨

~: أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَسۡجُدُ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ (٢٢:١٨)
همی نبینی ٢٤، ندیدی و ندانستی ٦٤، ندانستی ٨٦

~: أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ (٢٢:٦٣)
همی نبینی ٢

~: أَلَمۡ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيۡفَ مَدَّ ٱلظِّلَّ (٢٥:٤٥)
نگه نکردی ٤٧، ندیدی تو ٦٤، نگرستی ١٣٢

~: أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ (٣١:٢٩)
نه نمی بینی ١٠٠، همی نَه بینی ١١٩

~: أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱلۡفُلۡكَ تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ (٣١:٣١)

نه می بینی ٦١

~: أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً (٣٩: ٢١)

تو ندیدی ٨١

~: أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِىٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ (٤٠: ٦٩)

نه دیدی و ننگریستی ١٠٩

~: أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ (٥٨: ٧)

نه دیدی ـ نگه نکردی ١٠٩

~: أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ نَافَقُوا۟ (٥٩: ١١)

نگاه نکردهٔ ١٠٣

~: أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَٰبِ ٱلْفِيلِ (١٠٥: ١)

نگه نکنی ٨٨

تَرَاءَا: فَلَمَّا تَرَٰٓءَا ٱلْجَمْعَانِ (٢٦: ٦١)

دیدند ١٠٠

* تَرَاءَ الْجَمْعَانِ: فَلَمَّا تَرَٰٓءَا ٱلْجَمْعَانِ (٢٦: ٦١)

یک و دیگر را بدیدند دو گروه ١، بدیدند یکدیگر را ٣٩، فراهم رسیدند و بدیدار یکدیگر افتادند ٤٧، یکدیگر را بدیدند ٦٢، چشم دارند یکدیگر را ٨٠، بچشم دیدار یکدیگر آمدند ٩١، فرا یکدیگر رسیدند ١٠٦، یکدیگر را دیدند ١٢١، دیدند یکدیگر را ١٣٢

ٱلتَّرَآئِبِ: يَخْرُجُ مِنۢ بَيْنِ ٱلصُّلْبِ وَٱلتَّرَآئِبِ (٨٦: ٧)

سینه مادر ٢، میان دو پستان ٢٤، استخوانهای سینه ٢٩، استخوان سینه ٣٠، سینه ٣٤، سرسینه ٣٩، استخوانهاء سینه ٤١، استخوانهای سینه زن ٧٩، استخوانهاء مادر میان دو پستان ٨٠، نزدیک تهیگاه ٨٧، سینه زن ٩٠، استخوانهاء سینه مادر میان دوپستان ٩١، استخوانهای سینه ٩٤، استخوانها ١٠٥، پشت استخوان سینه ١٠٦، استخوان سینها ١٢١، کمر ١٣٦

تَرَاءَت: فَلَمَّا تَرَآءَتِ ٱلْفِئَتَانِ (٨: ٤٨)

بدیدند ٥٦، دیدند ٦١، به بینند ١٠٠

* تَرَاءَت الْفِئَتَانِ: فَلَمَّا تَرَآءَتِ ٱلْفِئَتَانِ (٨: ٤٨)

یک و دیگر را بدیدند ١، بچشم دیدار گشتند ٢، دید از یکدیگر آمدند ٣، بچشم دیدار یک دیگر رسیدند ١٠، یکدیگر را بدیدند ٢٩، دیدند یکدیگر را ٣٦، بدیدند یکدیگر را ٣٩، بچشم دیدار یکدیگر آمدند ٥٥، دیدند یک دگر را ٥٧، فراهم رسیدند ٦٢، در برابر یکدیگر استادند ٦٣، یک دیگر را بدیدند ٨٣، یکدیگر بدیدند ٩٠، هم را بدیدند ١٠٢، برابر یکدیگر باستادند ١١٢، همدیگر دیدند ١١٤

تُرَابٌ: فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ (٢: ٢٦٤)

خاکی ١، خاک و گرد ٢٥، خاک پاشیده ٤١، گردخاک ٦٣، گرد ١٠٦، خاک خشک ١٣٠

~: خَلَقَهُۥ مِن تُرَابٍ (٣: ٥٩)

گل ٤٣، خاک نمگن ٥٧

تُرَابًا: أَءِذَا كُنَّا تُرَٰبًا أَءِنَّا لَفِى خَلْقٍ جَدِيدٍ (١٣: ٥)

خاک ٥٥

~: أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَٰلِكَ رَجْعٌۢ بَعِيدٌ (٥٠: ٣)

خاکه ١١٠

~: وَيَقُولُ ٱلْكَافِرُ يَٰلَيْتَنِى كُنتُ تُرَٰبًۢا (٧٨: ٤٠)

پاره خاک ١٣٩

ٱلتُّرَاثَ: وَتَأْكُلُونَ ٱلتُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا (٨٩: ١٩)

خواسته ٣٩، مرده مانده ١٠٩، سود ١٣٦

تَرَاضٍ: فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَن تَرَاضٍ مِّنْهُمَا (٢: ٢٣٣)

پسندکاری ١، خشنودی ٢، خشنودی یکدیگر ٣، خوش منشی ١٠، خُشنودیِ یکدیگر ٤٢، خُشنودی ٥٥، خوشنودی ١٢١، ازخشنودی یکدیگر ١٢٧

~: إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ (٤: ٢٩)

خشنودیِ ٢، خوش منشی ١ و خشنودی ١٠،

خوش منشی و خنسندی ۴۰، خشنودی هردو ۵۳، خُشنُودی ۵۵، خشنودی یک دگر ۵۷، بخشنودی یکدیگر ۶۷، پسند ۸۸، همداستان و خوشنودی ۱۰۲

تَراضَوْا: إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُم بِالْمَعْرُوفِ (۲:۲۳۲)
یک از دگر خشنود شوند ۲، خشنود شوند ۳، پسند کاری افتد ۲۷، پسند کاری افتند ۳۰، بپسندند ۳۶، خشنود باشند ۴۱، از یکدیگر خُشنُود گردند ۴۲، از یکدیگر خشنود گردند ۵۲، یک از دیگر خشنود ۵۳، بپسندند یک دیگر را ۵۷، ساخته باشند ۶۳، خشنود شدند با یکدیگر ۶۷، خشنودی افتد ۷۸، از یکدیگر خشنود شوند ۸۲، خوشنود شدند ۸۴، بپسندید ۸۸، یکدیگر خشنود شدند ۹۲، خشنود گردند ۱۰۵، پسند کنند یکدیگر را ۱۰۹

تَراضَيْتُمْ: لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُم بِهِ (۴:۲۴)
پسند کار شدید ۱، خشنود گردید از یک دگر ۲، بخشنُودی یک دیگر کم و بیش کُنید ۱۰، ببخشی ۲۴، خشنودید از یک دیگر ۲۷، خشنود گردید ۲۹، پسندید ۳۶، پسندید شما ۳۹، بخشنودی یک دیگر (کم بیش) کنید ۴۰، خشنود گردید از یکدیگر ۴۲، خشنود شوید شما ۴۳، پَسند کار شوید ۵۳، یکدیگر بپسندید ۵۶، بپسندید شما ۵۸، خشنود شدیدتان ۶۱، از یکدیگر خشنود گردید ۶۷، خشنود شوید ۶۹، بسنده کنید ۸۸، بپسندید ۹۲، خشنود شدید شما ۹۹، پسند کردید ۱۰۹، خوشنود شوید شما ۱۲۴، خوشنود کردید ۱۲۵، خشنود کردید ۱۲۷

اَلتَّراقِيَ: كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ (۷۵:۲۶)
چنبر گردن ۱، استخوانهاء سینه ۲، چنبرهای گردن ۶، گلوگاه ۱۹، استخوانهای سینه ۳۰، چنبرهای گرد ۴۱، چَنبر گردَن ۴۲، چنبر گرد ۷۹، استخوانهای گرداگرد سینه ۸۰، سینه ۹۴، استخوانهای سینه و گردن ۱۲۰، گرداگرد سینه ۱۲۱، چنبرهای گردنها ۱۲۲، استخوانها ۱۲۳، جان باستخوان ۱۲۴، بچنبره گردن ۱۳۶

تَرانِي: قَالَ لَن تَرَانِي (۷:۱۴۳)
بتوانی دید ۵۸، بینی ۱۰۵، به بینی ۱۱۲، بوبینی تو ۱۱۳

★ لَنْ تَرانِي: قَالَ لَن تَرَانِي (۷:۱۴۳)
هرگز نگینی[1] ۱، نه تُوانی دید ۱۰، هرگز نتوانی دید ۲۷، نبینی تو ۲۹، نبینی ۳۵، هرگز نتوانی دید ۳۶، نتوانی بینی ۳۹، هرگز نه بینی ۴۵، نبینَی ۵۳، هرگز نه بینی تو ۶۱، هرگز نبینی ۶۴، نتوانی بینی ۹۲، نه بینی ۱۲۴، نتوانی دید ۱۲۶

فَتَراهُ: ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا (۵۷:۲۰)
بینید ۳۰

تُراوِدُ: امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَن نَّفْسِهِ (۱۲:۳۰)
می خواهد ۱، همی خواهد ۲، می جوید ۳۰، می خواست ۴۲، مِی جُوید ۵۵، میخواهد ۶۱، همی بجوید ۶۲، درمی خواهد ۶۳، خواست ۶۹، خواهد ۹۰، درمیخواهد ۹۳، همی خواهد بخود می خواند ۱۰۹، میجوید ۱۱۴، آمد و رفت میکند ۱۲۷، خوانده است بخود ۱۳۶

تَرَبُّصُ: يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ (۲:۲۲۶)
چشم داشتن ۲، نزدیکی نکنند ۴۱، چَشم بُایَد داُشت ۴۲، چشم باید داشت ۵۲، چَشم دَاشْتن ۵۵، چشم داشت ۵۶، پاییدن ۵۷، ایستادن ۶۲، درنگ کردن ۶۷، چشم دارند ۷۵، بباید بود ۸۸، چشم می دارد ۱۱۹، چشم دارد ۱۳۸

تَرَبَّصْتُمْ: وَلَٰكِنَّكُمْ فَتَنتُمْ أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ (۵۷:۱۴)

---

۱. نگینی: نه بینی.

برمرگرفتید ۱، چَشم داشتید ۲، چشم داشتیت ۳۰، چشم می داشتید ۳۹، چشم داشتید شما ۱۱۳، چشم داشتید ۴۲، چشم داشتید ۵۲، چشم داشتید و راه نگاه داشتید ۸۱، درنگ کردید ۱۲۴

تَرَبَّصُوا: فَتَرَبَّصُوا حَتَّیٰ یَأْتِیَ اللّٰهُ بِأَمْرِهِ (۹:۲۴)
برمرگیرید ۱، چشم داریت ۳، چشم دارند ۱۱، چشم داری شما ۲۴، گوش دارید ۲۹، چَشم داریت ۵۵، چشم میدارید ۱۰۴، درنگ کنید ۱۲۴، چشم در راه باشید ۱۳۵

~: فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُم مُّتَرَبِّصُونَ (۹:۵۲)
چشم دارید ۲، چَشم دارید ۱۰

~: قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا (۲۰:۱۳۵)
چشم می دارید ۲۴، باز اِستید ۴۲، بازاستند ۵۲، چشم همی دارند ۵۳، بازاستید ۹۶، چشم داشتند ۱۱۴

~: فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّیٰ حِينٍ (۲۳:۲۵)
چشم دارید ۲، برسید ۵۲، چشم دارند ۶۱، چشم دارید ۱۱۴، نگهبان او گردید ۱۳۲

~: قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُتَرَبِّصِينَ (۵۲:۳۱)
چشم همی داریت ۳۰، گوش دارند ۵۳، شما چشم می دارید ۶۴، چشم دارید نگاه دارید ۸۱، راه پای کنید ۹۶، چشم دآرید ۱۰۰، چشم همی دارید ۱۰۸، چشم دارید ۱۲۴

تَرَبَّصُونَ: قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا (۹:۵۲)
چشم می داریت ۳، چشم مَی دارید ۱۰، چشم همی دارید ۱۱، بگوش می دارید ۲۹، چشم دارید ۳۸، درنگ کنید چشم دارید ۳۹، چشم می دارید ۴۲، چَشم مِی دَاریت ۵۵، همی چشم دارید ۵۷، چشم داری ۶۰، چشم داریدتان ۶۱، چشم بدارید ۶۲، گوش میدارید ۷۶، چشم همی دارند ۹۶، چشم میدارید شما ۹۹، چشم میدارید ۱۰۳، چشم میدارند ۱۲۰

★ هَلْ تَرَبَّصُونَ: قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا (۹:۵۲)
هیچ چیز چشم نمی دارید ۱۰، ای چشم میدارید ۱۳

تَرْتَابُوا: وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا (۲:۲۸۲)
گمامند شوید ۹۴

★ أَلاَّ تَرْتَابُوا: وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا (۲:۲۸۲)
که گمامند نشید ۱، که نباشید بگمان ۲۷، بگمان نیفتید ۶۹، گمان مند نگردید ۸۲، بگمان نشوید ۸۴، درگمان نیفتید ۱۰۹

★ لاَ تَرْتَدُّوا: وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ (۵:۲۱)
واز مگردید ۱، سپس بازمگردید ۲، مه برگردیت ۳، بازمگردیت ۱۰ مکرّر، واپس مشوی ۲۴، برمگردید ۲۷، مگردید ۲۹، بازمگیرید ۳۹، برمگردیت ۴۱، بازپس مگردید ۴۲، بازمگردید ۴۳، مَه برگردید ۴۵، مَهْ باز گَرْدِیدْ ۵۳، مَه گَرْدِیت ۵۵، بازنگردید ۵۸، بازمگردی ۶۰، نه باز گردید ۶۱، مه باز گردید ۸۴، سپس بازمگردیت ۸۸، شما مگردید ۹۶، برمگردید شما ۱۰۰، مگردید ۱۱۲، بازنگردید ۱۲۲، مگردید شما ۱۲۴، برنگردید ۱۲۹

تَرْتِيلاً: وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا (۲۵:۳۲)
یک پس دیگر کردن ۱، برخُواندن ۲، گشاده کردن ۳، هویدا کردن ۲۰، روشن برخواندن ۲۹، پیدا کردن ۳۹، فروخواندن پاره پاره ۴۱، پدید کردنی ۴۶، جدا گفتن ۴۷، آهسته ۴۹، فرستادن ۷۹، آهسته کردن ۹۰، گشاده کر[د]ن ۹۱، روشن کردن ۱۰۶، آهسته فروفرستادن ۱۰۸، شمرده شمرده خواندن ۱۲۲، آهسته فریستادن ۱۲۸، خوندن ۱۳۰، جدا کردن ۱۳۹

~: أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۷۳:۴)
آهسته خواندن ۱، آهستن ۲، برخواندن ۱۹، بآرام خواندن ۲۴، خواندن ۲۹، برخواندن آهسته ۳۹، نرم خواندن باندیشه ۴۱، آهسته ۴۲، پیدا خواندن

۵۶، خواندن بآهستگی ۶۴، هویدا خواندن ۷۹، پیدا کردن و گشاده کردن ۸۰، شمرده خواندن ۱۱۱، پیدا کردن ۱۱۴، گشاده بخوان ۱۲۶، روشن گردانیدن ۱۳۰، هویدا ۱۳۶

تُرْجَعُ: وَقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ (۲:۲۱۰)
بازگردانیده شود ۳، بازگردانده شود ۳۰، بازگردند ۶۱، بازگردنیده شود ۹۱، بازگشت ۱۲۴

~: وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ (۳:۱۰۹)
وازآید ۱، بازگردانند ۲، بازآید ۵۷، بازگرداند ۷۲، بازمیگردد ۱۲۱، بازگشت میکند ۱۲۷، برگردد ۱۳۶، گردانیده شوند ۱۳۸

~: وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ (۸:۴۴)
واگردد ۱۰، بَازگَردَانیده شَوَد ۵۵، بازگردَند ۶۱، میگردد ۹۳، بازگردیده شود ۱۱۴، بازگردانیده شوند ۱۱۵، بازگرده میشود ۱۱۶، بازگردانیده میشود ۱۲۰، بازگردانیده شود ۱۲۴، بازمیگردد ۱۲۷، برگردانیده می شود ۱۳۵، برمی گردد ۱۳۶

~: وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ (۲۲:۷۶)
بازگردانَند ۲، بازگشتن ۱۲، بازگردانیدن ۳۰، بازگردیده میشود ۱۳۲

~: وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ (۳۵:۴)
بازگردد ۷، گردانیده شود ۳۹، بازگردیده می شود ۱۱۱، گردند ۱۳۸

~: وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ (۵۷:۵)
بازگردیده شود ۱۰۳، برگردد و بازگشت کند ۱۳۶

تُرْجَعُونَ: ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ (۲:۲۸)
بازگرداند شما را ۲، بازگردانَند ۴، همه راتان واپیش وی برند ۱۰، بازگردیدن ۲۴، بَازگَردَانِیدَه شَویت ۵۵، بازگردیده شوید ۶۴، بازگرداندتان ۸۲، گردانیده شوید شما ۸۹، بازگردنده شویت ۹۱، بازمیگرداند شما را ۱۰۱، بازگردید شما ۱۰۲، بازگردانند شما را ۱۰۴، بازگردانده شوید ۱۰۹، بازمیگردید ۱۱۴، بازگشته میشوید ۱۲۱، بازگشت خواهید نمود ۱۲۲، بازگردانیده شوید ۱۲۳، برمیگردید ۱۳۶

~: وَٱللَّهُ يَقۡبِضُ وَيَبۡصُۜطُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ (۲:۲۴۵)
وازآورده شید ۱، بازگردانَند شما را ۲، بازگردانیده شویت ۳، بازگردند ۶۱، واتان برند ۶۳، بازگشت خواهید نمود ۱۲۷، بازگشت کنید ۱۳۶

~: وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا تُرۡجَعُونَ فِيهِ إِلَى ٱللَّهِ (۲:۲۸۱)
بازگردانَند شما را ۲، وابرندتان ۱۰، شوی ۲۴، بازآورند شما را ۲۵، شما را بازبرند ۲۹، بازبرده شوید ۳۹، بازگرداند شما را ۵۲، بازگردید ۵۶، بازبرندتان ۵۷، بازبرند شما را ۶۲، بازگردیده شوید ۱۱۴، بازگردانند ۱۲۴، بازمیگردید ۱۲۷، برگردانیده میشوید ۱۳۵

~: هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ (۱۰:۵۶)
بَازگردانَند شما را ۲، بازگشتن ۱۵، واگردانند شما را ۲۹، بازمی گردانندتان ۴۱، بازمیگردانند ۵۱ بازگَردانَند شما را ۵۳، بازآرد شما را ۵۷، بازگردانیده شوند ۵۸، بازگردانیده می شوید ۹۴، بازگردیده شوید ۱۲۳، بازگردیده میشوید ۱۲۷، برگردید ۱۳۶

~: هُوَ رَبُّكُمۡ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ (۱۱:۳۴)
بازگردانیده شوید ۲۷، گردانستند شما را ۵۷، بازگشته شوید ۵۸، گردیده شوید ۹۳، بازگردآنند شمآ را ۹۴، بازمی گردید ۱۲۴

~: وَإِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ (۲۱:۳۵)
وازآورده شند ۱، بازگردانَند شما را ۵۳، بازگردانیدگان ۱۳۹

~: وَأَنَّكُمۡ إِلَيۡنَا لَا تُرۡجَعُونَ (۲۳:۱۱۵)

بازگردانند ۵۳، بازخواهید گردید ۱۲۶

~: وَلَهُ ٱلْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۸:۷۰)
بازگردانند تان ۲، واگشتی ۲۱، بازآرند شان ۴۶، گردانند شما را ۵۳، بازگردیده خواهید شد ۱۰۳، بازگردیده میشوند ۱۱۴

~: لَهُ ٱلْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۸:۸۸)
بازگردانند شما را ۲، گردانند شما را ۴۷، بازگشته خواهید شد ۱۰۳، بازگردیده شوند ۱۱۴، بازگشته شوید ۱۲۱، بازگردیده میشوید ۱۲۲، بازگردانید شمانرا ۱۳۹

~: وَٱشْكُرُوا۟ لَهُۥٓ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۹:۱۷)
بازآرند شما را ۴۶

~: كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (۲۹:۵۷)
بازگردانیده شود ۶۱

~: ثُمَّ يُعِيدُهُۥ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۳۰:۱۱)
بازگردانیده میشوند ۱۲۰

~: ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (۳۲:۱۱)
بازآورده شوید ۵۸، بازگردیده می شوید ۱۱۱، بازگردیده شوید ۱۱۴، برگردیده شوید ۱۲۲

~: مَا لِىَ لَآ أَعْبُدُ ٱلَّذِى فَطَرَنِى وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۳۶:۲۲)
بازگردانیدتان ۳۸، بازگردانیده میشوید ۱۱۶

~: بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَىْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۳۶:۸۳)
بازگشتن ۲۲، بازگردانند [تان] ۳۳، شما را بازمی برند ۹۶، بازبرند ۱۰۵، گرداند شما را ۱۳۸

~: ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۳۹:۴۴)
بازگردانند شما را ۵۳، بازگردانیده خواهید شد ۱۰۳

~: وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۴۱:۲۱)
بازگردانند شما را ۲۲، بازگردیده گردید ۱۳۲

~: وَعِندَهُۥ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۴۳:۸۵)
بازگردانندشان ۲۲، بازگردانیده شوپت ۳۲، بازگردانیده شوید ۱۱۴

~: ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (۴۵:۱۵)
بازبگردانند شما را ۲۲، بازآرند یشما ۵۲، بازآرند شما ۵۶

★ لَا تُرْجَعُونَ: وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (۲۳:۱۱۵)
واز آورده نشید[1] ۱، بنخواهید گردید ۴۷، بازگردانیده نشوید ۵۶، بازآورده نشوید ۵۸، بازنخواهید گشت ۶۴، بازگردیده نشوید ۱۱۴

تَرْجِعُونَهَا: تَرْجِعُونَهَآ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (۵۶:۸۷)
می واز آرید ۱، بازگردانیدی ۵۶، برگردانیت ۸۰، بازگردانید ۱۱۴

★ لَا تَرْجِعُوهُنَّ: فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى ٱلْكُفَّارِ (۶۰:۱۰)
وازمهیلید[2] ۱، بازمدهی ۲۹، بازمگردانید ۳۰، بازنگردانید ۹۲، مه بازگردانید ۹۴، بازمدهید ۹۶، نگردانید ۱۲۱، برمگردانید ۱۳۶

تَرْجُفُ: يَوْمَ تَرْجُفُ ٱلْأَرْضُ وَٱلْجِبَالُ (۷۳:۱۴)
بَجُنبد ۲، بجنبد ۶، بلرزاند ۳۰، بجنبانید ۳۴، لرزانیده شود ۳۶، بلرزانید ۳۸، بَجُنبَد ۴۲، درجنبد ۸۹، بلرزد و بجنبد ۱۰۹، بلرزه درآید ۱۱۶، به لرزه آید ۱۲۳، میلرزد ۱۳۰، درجنبانند ۱۳۸

~: يَوْمَ تَرْجُفُ ٱلرَّاجِفَةُ (۷۹:۶)
بلرزد ۱، بجُنبد ۲، بجنباند ۲۹، بلرزد ۱۱۴، برانگیزد ۱۱۵، بدمد ـ بجنبد ۱۲۴

تَرْجُمُونِ: وَإِنِّى عُذْتُ بِرَبِّى وَرَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُونِ (۴۴:۲۰)

۱. واز آورده نشید / باز آورده نشوید.
۲. واز مهیلید: برمگردانید؛ بازمگذارید.

بسنگ بکشید ۱، سنگ بارید ۲، سنگ سار کنیت ۳، سنگ بارید ۲۲، سنگ سار کنید ۲۹، بسنگ می کشتیت ٤١، بکشید ٤٣، سنگ ویز کنید ٤٤، بسنگ کشید ٦٧، سنگ سار کنند ۹۸، سنگسار میکنید ۹۹، سنگسار کنید و دشنام دهید ۱۰۳، سنگسار کند ۱۱۱، سنگسار کنید ۱۱٤

★أَنْ تَرْجُمُونِ: وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُونِ (٤٤:٢٠)

که سنگسار نکنید ٥٦، سنگسار مکنید ٩٦

تَرْجُوا: وَمَا كُنتَ تَرْجُوا أَن يُلْقَىٰ (٢٨:٨٦)

می مید داشتی[1] ۱، امید داشتی ۲۱، اومید داشتی ۲۹، امید داری ۳٤، اومید داری ٤٢، امید می داشتی ٤٣، امید دارنده ٤٦، امیدی داشتی ٦١، امید میداشتی ٧٤

★ ماكُنْتَ تَرْجُوا: وَمَا كُنتَ تَرْجُوا أَن يُلْقَىٰ (٢٨:٨٦)

امید نداشتی تو ۱۳۸

تَرْجُونَ: وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ (٤:١٠٤)

می مید دارید[2] ۱، شما همی اومید دارید ۲، امید میداریت ۳، شما می امید دارید و می ترسید ۱۰، امید داری ۲٤، شما امید می دارید ۲۷، امید می دارید ۲۹، امید می داریت ۳۰، امید همی دارید ۳٤، شما امید می داریت ٤١، شما اومید دارید ٤٢، امید همی دارید ٤٥، امید دارید ٥٣، اومید می دارید شما ٥٦، اومید می دارید ٥٧، امد میدارند ٦١، شما امید همی دارید ٦٢، امید میدارند ٧٤، شما همیدارید امید ٧٨، اومید می داریت ٨٠، اومید دارید شما ٨٤، امید دارید شما ٩٠، امید همی دآرید ٩٤، امید دآرید ۱۰۰، امید میدارید شما ۱۰٤، شما امید دارید ۱۰٥

★ لَا تَرْجُونَ: مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا (٧١:١٣)

نمی ترسید ۱، همی نترسید ۲، نه اومید گیرید ۱۹، ندارید امید ۳۹، امید نمیدارید ۱۰۰، امید ندارید ۱۱۱، امید نمی دارید ۱۱۳، امید ندارند ۱۲۰، می نترسید ۱۲٤، امیدوار نباشید ۱۳٦

تَرْجُوهَا: ٱبْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا (١٧:٢٨)

می مید داری ۱، اُمید داری ۲، امید می داری ۳، تو امید داری ۳٤، امید همی داری ۳۹، اومید می داری ٤١، اومید همی داری ٥٣، اُمید داری ٥٥، اومید داری ٥٧، امید میداری ۹۰، امید دارید ۹۹، امید دآری ۱۰۰، امید داری ۱۰٦، امید می داری تو ۱۱۳، امیدواری ۱۲۸

تُرْجِي: تُرْجِي مَن تَشَاءُ مِنْهُنَّ (٣٣:٥١)

پس کنی ۱، دست بازداری ۲، بازپس افکنی ۳، بگذاری ۷، دست بدار ۱۸، دست بداری ۲٤، تو بازپس داری ۲۹، دست بازداری ۳۰، بارگیری ۳۸، دور کنی ۳۹، بگذاری و دور کنی ٤١، بازپس داری ٤٧، باپس دارد ٥٢، واپس داد ٦١، بران ٦٤، واپس دار ٧٩، بازمی افکنی ٨٠، برانی ۱۰٦، بازپس افکنی ۱۱٤، جای ندهی ۱۱٦، بازپس گذاری ۱۲٦، دست بازدار ۱۲۹، بازپس می اندازی ۱۳۰

تَرْحَمْنَا: وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (٧:٢٣)

ببخشای ۲۷، ببخشائی ٥٦، بخشی تو ۹۹، بخشاییمان ۱۱٤، بخشائی ۱۲۳، بخشایی ۱۲۷

★ [لَمْ] تَرْحَمْنَا: وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا (٧:٢٣)

نبخشایی ٥٧، نبخشایی تو ۹۲

تَرْحَمْنِي: وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي (١١:٤٧)

بخشایی ۳۸

★ [لا] تَرْحَمْنِي: وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي (١١:٤٧)

---

۱. می مید داشتی / امید می داشتی.

۲. می مید دارید / امید می دارید.

ببخشی ۱۱٤،نه بخشایی ۱۲۷

تَرْحَمُونَ: لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۳: ۱۳۲)
بخشوده شویت ۳، بخشوده شوویت ۳۰، بخشایش کند ٤۱، ببخشایند ٤۲، بخشوده شویت ۵۵، بخشوده گردید ۵۸، ببخشاید ٦۹، آمرزیده شوید ۱۲۱

~: وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (٦: ۱۵۵)
تا مگر شما را ببخشاید ۲، بوشخایند ۱۰، ببخشایند ۲۷، بخشایش کرده‌اند ۵۷، بخشوده شوید ۱۲٤

~: لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۷: ٦۳)
رحمت بایس کرده شوید ۱۱۳

~: فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۷: ۲۰٤)
بخشوده شویت ۵۵، خشنود شوید ۷۲، رحم برده شوید ۱۱۳

~: وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۲٤: ۵٦)
ببخشایند ۵۳، بخشیده شوید ۱۱٤، بیامرزند شما را ۱۱۹

~: لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۲۷: ٤٦)
ببخشاید ۲، بیامرزند ۲٤، بخشیده شوید ۵۸

~: وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (٤۹: ۱۰)
ببخشایند ۱۷، تا مگر شما را ببخشایند ۱۰۸

تُرَدَّ: أَوْ يَخَافُوا أَن تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ (۵: ۱۰۸)
بازگردانند ۹، باززنند ۲٦، باززده شود ۲۷، بازگردانیده ۳۱، وازگردانیده شود ۳۷، بازگردانند ۵۳، بازگردد ٦٤، بازکنند ۱۱۸، برگردانیده شود ۱۲۲، بازگردانیده شود ۱۲٤

تُرِدْنَ: إِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۳۳: ۲۸)
خواهند ۱، خواهید ۱٤، شما می خواهند ۲٤، میخواهید ۲۹، بخواهید ۳۰، می خواهید ٤۲

تُرَدُّونَ: ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ (۹: ۹٤)
بازگردانیده شویت ۳، بازبرند ۱۳، بازگردانند شما ۲٤، واگردانند شما را ۲۹، بازگردانیده شوید ۳۹، بازبَرند ۵۳، بازگشته شوید ۵٦، بازبَرند شما رَا ٦۲، بازگردید ٦٤، گردانند شما را ٦۷، بازگردیده شوید ۱۱٤، برگردیده خواهید شد ۱۲۲

~: وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ (۹: ۱۰۵)
بازگردانندتان ۲٤، ورگدانند شما را ۲۹، باز دَهَند شُما را ۵۳، بازگردانیدَه شَویت ۵۵، بازبرند شما ٦۰، باز دهند ایشانرا ۸۸، باز برده شوید ۹۰

~: ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ (٦۲: ۸)
بازگردانند شما را ۲، باز برند شما را ۲۹، گردانیده شوید ۳٦، بازرده شوید ٦۱، بازگردآنیده شوید ۱۰۰، بازگردیده شوید ۱۰۲، بازگردانیده میشوید ۱۲۳، بازگردیده میشوید ۱۳۲، بازگردانند ۱۳٤

★ سَتُرَدُّونَ: وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ (۹: ۱۰۵)
زود بازگردانند شما را ٤۱، زود بازگرداند ۵۷، زود بازگردانیده شوید ٦۱، زود باشد که بازگردانیده شوند ۹۱، سرانجام بازبرده شوند ۹۸، زود بازگردانند ۱۰۵

فَتَرْدَىٰ: وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ (۲۰: ۱٦)
گمره شد ۱۰۰

تَرَدَّىٰ: وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ (۹۲: ۱۱)
درافتاد ۲٤، بیفتد ۵٦، برگشت ۱۰۰، درافتد ۱۰۹، فروافند ۱۱٤، بمیرد ۱۳۰

لَتُرْدِينِ: قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرْدِينِ (۳۷: ۵٦)
هلاک کنی ۳۳، تباه کنی ٦۹، بیراه کنی ۱۱۷، برگردانی تو ۱۳۸

تَرْزُقُ: وَتَرْزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳: ۲۷)
روُزي دهی ۲، روزی می دهی ۳، رَوزی دهی ۱۰، روزی دهی ۲٤، روُزی دهی تو ٦۱، روزی دهد ۸۸،

روزی دهی تو ۹۹، روزی میدهی ۱۱۱، تو روزی دهی ۱۳۸

تُرْزَقَانِهِ: قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ (۱۲: ۳۷)
روزی دهد شما را ۲، روزی کرده باشند شما را ۲٤، روزی دهند شما را ۲۹، روزی داده شویت ۳۰، روزی کنند شما را ٤۱، شما را روزی کرده باشند ٤۲، روزی داده شوید ٥٦، روزی کرده شوید ۹۳، روزی داده شوید شما دو ۱۰۹، روزی داده شود ۱۱٤

تَرْضَاهُ: وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ (۲۷: ۱۹)
بپسندی ۱، پسندی ۳، به پسندی ۱۱۱

~: وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ (٤٦: ۱٥)
بپسندی ۲، بپسندی ۲۲، تو خشنود گَرْدی ٥۳، پسندی تو ٦۱، خشنودی تو ۹٦، تو پسندی ۱۱۱، پسندی ۱۱٤، خوشنود شوی ۱۲٤

تَرْضَاهَا: فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا (۲: ۱٤٤)
بپسندی ۲، بپسندی و خُوش آید ۱۰، تو بپسندی ۲٤، دوست داشتی ۲۹، می پسندی ۳٦، به پسندی ۳۸، کنوان را دوست داری ٤۰، خشنود باشی ٤۱، پسندی ٥٥، تو دوست داری ٦۲، بپسندی تو ٦۳، تو خشنود باشی و به پسندی ۱۰۲، تو میخواهی و می پسندی ۱۰۳، پسندیده دارد ۱۰٤، پسندی ۱۱٤، تو می پسندی ۱۲۳، بپسندی ۱۲۷، میخواهی ۱۲۹، تو خواهی ۱۳٥

فَسَتُرْضِعُ: وَإِن تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَىٰ (٦٥: ٦)
شیر دهد ۱، شیر دهند ۱۰۸

★ فَسَتُرْضِعُ: فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَىٰ (٦٥: ٦)
زود شیر دهد ۳، زود باشد که شیر دهد ۱۱٦

تَرْضَوْا: يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ (۹: ۹٦)
خشنود شید ۱، خشنود شوید ۲، خشنود گَرْدید ٥۳، خشنود گردید ۹۳

تَرْضَوْنَ: امْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ (۲: ۲۸۲)
بپسندید ۱، بپسندیت ۳، شما بپسندید ۱۰، بپسندی ۲٤، بپسندی شما ۲٥، بپسندید شما ۲۷، پسندیت ٤۱، پسندید ٤۲، شما بپسندید ٥۷، پسندیده آید ٦۹، به پسندند ۹۰، پسندیده دارند ۱۰٤، پسندیده باشند ۱۱۱، برپسندید ۱۲۱، به پسندید ۱۲۷

تَرْضَوْنَهَا: وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا (۹: ۲٤)
پسندیده اید ۱۰، بپسندند ۱۱، پسندید ۳۸، خوش تان آید ۳۹، پسندیده ایت ٤۱، پسندیدی ٥۷، دوست داری ٦۰، همی پسندید ۹۳، به پسندید ۱۰٦، می پسندید ۱۱۱، میپسندید ۱۱٦، پسندیت ۱۲٤

تَرْضَى: وَلَن تَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ (۲: ۱۲۰)
خشند باشند ٤۰، خشنود شوند ۸۰، خشنود باشد ۹٤

~: وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ (۲۰: ۸٤)
خشنود شوی ۲، خشنود گردی ۳۹، خشنود شوی ٥۳، خشنود شوی تو ٦٤، خوشنود شوی ۱۰۸

~: لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ (۲۰: ۱۳۰)
خشنودبی ۱، خشنُود گردی ۲، خُشنُود گردی ٥۳، خشنود گیری ٦۱، خشنود شوید ۱۲۱، پسندیده باشی ۱۳۲

~: وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ (۹۳: ٥)
تو خشنود شوی ۹٤

★ لَنْ تَرْضَى: وَلَن تَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ (۲: ۱۲۰)
خشنود نگردند ۲ و ٥۳، هرگز خشنود نشوند ۳، خشند نباشند ۱۰، هرگز خشنود نگردند ۲۹، خشند نه باشند ٤۰، نَه گردند خُشنُود ٤۲، هیچ گونه خشنود نشوند ٤۹، نه گردند خشنود ٥۲، خشنود نشوند ٥۷، هرگز خشنو نشوند ٥۹، نشود خشنودا ٦۰، هرگز خشنود نگردد ٦۲، نه گردند خشنود ۸۲، نه خشنود باشد

۸٤، نه خشنود گردند ۸۸، خشنود نشوی ۱۰۱، خشنود نشود ۱۲۱، هرگز خوشنود نگردند ۱۲٤، نشوند خشنود ۱۳۵

تَرْغَبُونَ: وَتَرْغَبُونَ أَن تَنكِحُوهُنَّ (٤:١٢٧)
بخواهید ۲، خواهانی می نمایید ۳، می بخواهید ۲۷، همی خواهید ٤۵، خواهان می شوید ۵۵، بازمی ایستید ۵۷، میخواهید ۷۵، خواهان می شوید ۸۰، خواهان می شوید ۹۱، میخواهید شما ۱۰۲، همی خواهید ۱۱۲، می خواهید ۱۲۱، خواهش دارید ۱۲۲، خواهش کنید ۱۳٦

★[لَا] تَرْغَبُونَ: وَتَرْغَبُونَ أَن تَنكِحُوهُنَّ (٤:١٢٧)
نخواهید ٤۲

تُرْفَعَ: فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ (٢٤:٣٦)
ورداشته شهد[1] ۱، افراشته شود ۳، برآرند آنرا ۲٤، بردارند ش ۵۱، بردارند ۵۳، بردارش ٦۱، برافروزند ٦٤، برداشته شود ۷۷، افروخته شود ۱۰۳، برافرازند ۱۰٦، برآورند ش ۱۰۸، بردارد ۱۳۹

★لَا تَرْفَعُوا: لَا تَرْفَعُوٓا أَصْوَٰتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ ٱلنَّبِيِّ (٤٩:٢)
ورمدارید ۱، برمدارید ۲، بلند مدارید ۳۹، برمدارید ٤۱، برمدارید ٤۲، مه بردارید ٤۹، برمدارید ۵۲، بلند برمدارید ۷۲، مه بلند کنید ۸۰، نه بردارید ۹۰، بلند برمدارید شما ۹۹، برمدآرید ۱۰۰، بلند مگردانید ۱۰٤، بلند نگردانید ۱۱٤، بلند مکنید ۱۲٤

★لَمْ تَرْقُبْ: وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي (٢٠:٩٤)
نگه نداشتی ۱، نگاه نداشتی ۲، نه نگاه داشتی ۳، نگه بنداشتی ۲۹، راست نداری ٤۲، نگاه نداری ٤۳، چشم نداشتی ٤۹، نه نگه داشتی ٦٤، نگاه نه داشتی ۷۲، نه داشتی چشم ۹۰، باور نداری ۱۱٤، کوشش نکردی ۱۳٦، چشم براه نماندی ۱۳۸

تَرْقَى: أَوْ تَرْقَىٰ فِي ٱلسَّمَآءِ (١٧:٩٣)
می ورشی ۱، برشوی ۲، برشوی ۳، ورشی ۲٤، ببالا برشوی ۲۹ و ۱۲۷، برایی ۳٦، برروی ٤۱، برشوی بربالا ٤۲، برشوی ۵۵، برشوی ۵٦، بر روی ۵۸، ببالا بر روی تو ٦۳، بروی ۷٤، ببالا بر روی ۷۹، بالا روی ۱۳۷

تَرَكَ: إِن تَرَكَ خَيْرًا ٱلْوَصِيَّةُ لِلْوَٰلِدَيْنِ (٢:١٨٠)
ماند ۳، واهشته بود ۱۰، بگذارد ۲٤، باز گذارد ۲۹، واهشته بود ٤۰، دست بازدارد ٤۲، ماند ۵۵، بازدارد ۷۵، بگذ آرد ۱۰۰، گذاشته باشد ۱۰۱، بگذرد ۱۰٦، واگذاشته باشد ۱۲۷

~: مِّمَّا تَرَكَ ءَالُ مُوسَىٰ وَءَالُ هَٰرُونَ (٢:٢٤٨)
بهیشتند[2] ۱، بگذاشت ۲، ماندند ۳، دست واداشت ۱۰، بازگذاشت ۲۵، یله کرد ۲۷، بجای ماند ۲۹ و ۱۲۷، دست بداشت ۳۰، فروگذاشته است ۳٤، واهشتند ٤۰، باز داشتند ٤۲، گذاشتند ٦۱ و ۱۱٤، فروگذاشته‌اند ٦۲، بگذشته ٦۳، گذاشت ٦۹، دست بداشتند ۸۸، رهاء کرد ۹۰، بجای ماند بگذاشت ۱۳۸

~: مِّمَّا تَرَكَ ٱلْوَٰلِدَانِ وَٱلْأَقْرَبُونَ (٤:٧)
بهیشتند ۱، دست باز داشتند ۲، واهلند[3] ۱۰، گذاشت ۲۳، بازماند ۲٤ و ۱۲٤، بگذاشتند ۲۷، بازگذارند ۲۹، واهلند[3] ٤۰، دست بازداشتند ٤۲، دست بازداشتند ۵۲، بگذارند ۵٦، بگذاشته باشند ۹٦، گذاشته باشند ۱۰۳، دست بازداشتن ۱۰۵، واگذاشته‌اند ۱۱۱، دست بازداشته‌اند ۱۲۷

~: فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ (٤:١١)
واهشته بود ۱۰، گذاشته بماند ۳۹، بگذاشت ٤۲،

---

۱. ورداشته شهد / برداشته شود.
۲. بهیشتند: بگذاشتند.
۳. واهلند: بگذارند، باز گذارند.

بگذ شت ۶۷، دست بازد آشت ۹۴، بگذاشته باشد ۹۶، بگذاشته بود ۱۰۰، بازداشت ۱۲۱، بجای ماند ۱۲۷

~: وَلَكُمْ نِصْفُ مَاتَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ (۴: ۱۲)
واهشته باشند ۱، رها کرد ۳۴، دست بازدارد ۵۳، گذاشته‌اند ۱۱۱، ماند ۱۲۴

~: مِمَّا تَرَكَ ٱلْوَٰلِدَانِ وَٱلْأَقْرَبُونَ (۴: ۳۳)
دَست وادارد ۱۰، بازگذاشته‌اند ۲۹، دست وادارند ۴۰، واگذاشتند ۱۱۱، بازماند ۱۲۴

~: فَلَهَا نِصْفُ مَاتَرَكَ (۴: ۱۷۶)
بگذاشت ۲، واهشتَه بَود ۱۰، واهشته بود، بگذارَد ۲۷، گذارد ۲۹، بَازْ مَانْد ۵۳، بگذاشته باشد ۷۰، مانده است ۸۲، دست بازدَاشت ۸۸، بماَند ۹۴، گذاشته است ۱۱۱، گذاشته باشد ، مانده باشد ۱۲۴، مانده است ، بماند ۱۲۷

~: مَاتَرَكَ عَلَيْهَا مِن دَآبَّةٍ (۱۶: ۶۱)
ماندی ۳۰، دَسْت بازدَارَدْ ۵۳، دست بازدارد ۱۲۴

~: مَاتَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا مِن دَآبَّةٍ (۳۵: ۴۵)
دست بداری ۱۸، دست بازداری ۳۰

★ مَا تَرَكَ: مَاتَرَكَ عَلَيْهَا مِن دَآبَّةٍ (۱۶: ۶۱)
نبهیشتی ۱، بنگذارد ۲۴، بنگذاشتی ۲۹، دست بازندارد ۴۱، نَه مَاندِی ۵۵، نگذاشتی ۶۱، بنگذاشتی ۶۲، نگذاشتستی ۶۴، نماند ۸۸، دست باز نداردی ۹۶، رها نکند ۱۱۸، نماندی ۱۲۸

~: مَاتَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا مِن دَآبَّةٍ (۳۵: ۴۵)
بنهیشتی ۱، دست بازنداردی ۲، بنه گذاشتی ۲۴، نگذارد ۳۹، رها نکردی ۴۲، نگذاری ۶۴، رها نکرد ۸۶، نگذاشت ۸۷، نگزارد ۱۱۴، بازنگذارد ۱۳۲

لَتَرْكَبُنَّ: لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ (۸۴: ۱۹)
برنشینی ۲۹، برنشست ۳۰، برنشستی شما ۴۲، برنشینید ۵۶، برنشیند ۶۱، برنشینیت هر آینه هر آینه ۸۰، برنشینید شما ۸۹، همی نشیند ۹۴، برنشستید شما ۹۶، برنشستی ۱۰۵، درنشینید ۱۱۷، سوار می شوند ۱۲۰، برمی نشینید ۱۲۶، برسد بشما ۱۳۸، برنشین ۱۳۹

لِتَرْكَبُوا: جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَنْعَٰمَ لِتَرْكَبُوا۟ مِنْهَا (۴۰: ۷۹)
ورنشینید ۱، برنشیند ۳۸، سوار می شوید ۱۰۳، برنشینید ۱۲۴، سوار گردید ۱۳۲

تَرْكَبُونَ: مِّنَ ٱلْفُلْكِ وَٱلْأَنْعَٰمِ مَا تَرْكَبُونَ (۴۳: ۱۲)
می ورنشینید ۱، برمی نشینیت ۳، برنشینند ۱۶، برنشِینید ۲۲، می برنشینیت ۳۲، شما برنشینی ۸۱، برمی نشینید شما ۸۹، سوار میشوید ۱۰۲، برمی نشینید ۱۰۴، برشید ۱۱۳، برمی نشینند ۱۳۸

لِتَرْكَبُوهَا: وَٱلْبِغَالَ وَٱلْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا (۱۶: ۸)
ورنشینید ۱، برنشینید ۲، برنشینیت ۳، ورمی نشینی شما ۲۴، برشینیت ۳۰، سوار شوید ۳۶، برنشینی ۶۰، نشینید ۷۴

تَرَكْتُ: إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ (۱۲: ۳۷)
بهیشتم[1] ۱، دسْت بازداشتم ۲، ماندم ۳، بگذاشتم ۲۴، رها کردم ۴۳، دست داشتم ۵۳، مَاندَم ۵۵، دست بداشتم ۸۳، واگذاشتم ۱۲۲، من بگذاشتم ۱۲۸

~: لَعَلِّيٓ أَعْمَلُ صَٰلِحًا فِيمَا تَرَكْتُ (۲۳: ۱۰۰)
دست بداشته‌ام ۲۴، بگذاشته‌ام ۳۴، گذاشتم ۳۹، بُگذاشتِیم ۵۱، دست بَاز دَاشْتَم ۵۳، گذاشته‌ام ۹۲، بازپس گذاشتم ۱۲۶، بجای گذاشتم ۱۲۹، بگذاشتیم ۱۳۸

تَرَكْتُمْ: وَلَهُنَّ ٱلرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ (۴: ۱۲)

---

۱. بهیشتم: به گذاشتم، رها کردم.

بهیشتید ۱، دسْت بازداشتید ۲، ماند یت ۳، واهِشته باشید ۱۰، گذارید شما ۲۳، بگذاشتید شما ۲۷، بگذارید شما، گذاشته باشید ۲۹، گذاشتید ۳۶، واهشته باشید ۴۰، دست بازدَاشتید ۴۲، مَاندیْت ۵۵، بگذارید ۵۶، بگذاشتیدتان ۶۱، گذشته باشید ۶۷، بجا گذاشتید شما ۸۸، باز گذاشتید ۱۰۲، گذاشته باشید ۱۰۳، گذاشته‌اید ۱۱۱، رها کرده باشید ۱۱۸، بازماند از شما ۱۲۴، شما ماندید ۱۲۵

~: وَتَرَكْتُم مَّا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَآءَ ظُهُورِكُمْ (۶: ۹۴)
بهیلید ۱، بگذاشْتید ۲، دست بازداشتیم ۹، دست واداشتید ویله کردید ۱۰، دست بداشتی ۲۴، بماندیم ۲۶، دست بازداشتید ۲۷، بگذاشتید ۳۶، گذاشتیم ۴۱، بماندید ۴۲، دست بازداشتیت ماندید ۸۸، شما گذاشتید ۹۶، رها کردید ۱۰۳، بگذاشتید شما ۱۲۴، واگذاشتید ۱۲۷، بجای گذاشتید ۱۲۹

تَرَكْتُمُوهَا: مَا قَطَعْتُم مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا (۵۹: ۵)
دست بداشتید ۲۴، رها کردی ۲۹، بگذاشتیت ۴۱، دست بدارید ۶۱، رها کنید ۶۵، دست بازداشتید شما ۶۹، شما بگذاشتید ۸۱، دست بازدارید ۱۰۵، بگذاشتید ۱۲۴، واگذاشتید ۱۳۲

★ لَاتَرْكُضُوا: لَا تَرْكُضُوا (۲۱: ۱۳)
مگریزید ۱ و ۱۳۲، مدوید ۲، مه گریزیت ۳، مه لگد زنید یعنی مجنبانید ۱۲، مدوید ۲۹، مدویت ۳۰، مشتابید ۳۴، لگد مزنید ۳۸، مَه برجَهیدْ ۵۳، مدوید و مجمید ۶۹، پای مجنبانید ۸۸، نه بازدوید ۹۰، مروید ۹۴، مه لگد زنید ۹۷، مشتابید اندر گریختن ۱۰۹، مروید و پای مجنبانید ۱۱۱، نگریزید ۱۲۲، مه دوید ۱۲۴ مَدوید ۱۳۸

تَرَكْنَ: فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ (۴: ۱۲)
بهیشتند ۱، بگذاشتندْ ۲، واهِشته باشند ۱۰، گذارند ۲۳، بگذاشتند ۲۷، ماندند ۳۰، بازمانده باشد ۴۰، دَست بازدَاشتَند ۴۲، بگذارند ۵۶، دست بازداشتند ۸۳، دست بازدآشتند ۹۴، گذاشته باشند ۹۶، گذاشتند ۱۰۴، گذاشته‌اند ۱۱۱، بازداشتند ۱۲۱، بازماند از ایشان ۱۲۴

تَرْكَنُ: لَقَدْ كِدتَّ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا (۱۷: ۷۴)
بگَردی ۱، بگْرایِ ۲، گرایی ۳، واچسبی ۲۹، گَرایی ۵۵، بیارامی ۵۶، بیارَامیدی ۵۷، تحشی ۸۸

تَرَكْنَا: وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِندَ مَتَاعِنَا (۱۲: ۱۷)
می بهیشتیم ۱، بَجا ماندیم ۲، ماندیم ۳، بگذاشتیم ۲۴، بگذاشتیم ما ۲۹، بگذاشتیم ۴۲، بجای ماندیم ۵۲، دَست بازداشْیم ۵۳، مَاندیم ۵۵، بگذاشته بودیم ۶۳، دست بداشتیم ۱۱۲، گذاشتیم ما ۱۲۴

~: وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ (۱۸: ۹۹)
بهیلیم[1] ۱، بگذاشتیم ۲، دست بداشتیم ۲۴، دَسْت بَداریمْ ۳۳، دست بازداریم ما ۵۶، دست بازداشتیم ما ۵۸، دست برآریم ۶۳، دست برداشتیم ما ۹۰، بگذاریم ما ۹۳، گذاریمشان ۱۰۳، دست بداریم ما ۱۲۴، واگذاریم ۱۳۲

~: وَلَقَد تَّرَكْنَا مِنْهَا آيَةً (۲۹: ۳۵)
بهیشتیم[2] ۱، دست بازداشتیم ۲، بازگذاشتیم ۴۷، گذاشتیم ما ۵۸، بگذاشته‌ایم ما ۶۴، گذاشتیم ۸۶، ما بگذاشتیم ۱۰۳

~: وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۳۷: ۷۸)
بهیشتیم[2] ۱، رها کردیم ۴۲، بماندیم ما ۵۶، بگذاشتیم ما ۱۲۴

~: وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۳۷: ۱۰۸)
بَماندیم ۲۲، دست داشتیم ما ۹۰

---

۱. بهیلیم: دست باز داریم.
۲. بهیشتیم: بگذاشتیم.

~: وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ (٣٧: ١١٩)
واگذاشتیم ٤٨، رهانیدیم ٥٦

~: وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً (٥١: ٣٧)
بهیشتیم[1] ١، بمانده‌ایم ٢، رَهَا کردیم ٥١، گذاشته‌ایم ما ٩٦، بگذاریم ١١١، واگذاشتیم ١٢٢

تَرَكْنَاهَا: وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ (٥٤: ١٥)
بمانْدیم ٢، دست داشتیم ٣٠، بازداشتیم ٣٩، بگذاشته‌ایم ٦٤، ماندیمش ٨٧

★ لَا تَرْكَنُوا: وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا (١١: ١١٣)
مگردید ١، مگرایید ٢، مه گرایید و مه آرامیت ٣، درنسپارید ٧ مکرّر، وامچسبید ٢٩، مه گراییت ٣٠، مه آرامید ٣٨، پناه مبریت ٤١، مگرایید ٤٢، آرام مگیرید ٥٣، نه آرامیت و مگرایت ٥٥، میارامید ٥٧، مچسبید ٥٩، نه گردان ٦٩، مگراییت ٩١، مگرائید ٩٤، آرام مگیری ٩٥، مگردانید ٩٦، مگرائیذ ١٠٥، به گردید ١٢٤

فَتَرَكَهُ: فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا (٢: ٢٦٤)
بهیشت[2] ١، دست وادارد ١٠، دست بدارد ٢٤، بگذارد ٢٥، دست بازدارد ٣٠، فروگذاشت ٣٩، پاکیزه فروشوید ٤٠، ماند ٤٢، گذارد ٦٣، بگذاشت ٧٥، بماند ٨٨، واگذارد ١١١، بگرداند ١٢٢، واگذاشته باشد ١٣٥

وَتَرَكَهُمْ: وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ (٢: ١٧)
بُگذاشت ٢، دست بداشت ٤، دست بداشتند ٢٤، رَها کُند ٤٢، بگذاشت ٤٨، گُذاشت ٥٥، بگذارد ٦٠، دست بازداشت ٦٢، ماند ٨٠، بماند ٩٤، گذاشت ٩٦، رها کند ١٠٠، بگذشت ١٠١، فروگذاشت ١٠٢، فروگذارد ١١٦، واگذارد ١٢٢، بگزارد ١٢٤، رها کرد ١٣٥

تَرَكُوا: لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا (٤: ٩)
بهیشتندی[3] ١، بگذارند ٢، ماندندی ٣، وَاْهلند ١٠، بازمانَند ٢٣، بازگذارند ٢٩، می واهلند ٤٠، دَست بازدارَند ٤٢، دست بازدارند ٥٢ و ١٢٧، بَازْ مَانید ٥٣، گذاشته شدندی ٦١، بجای مانند ٨٢، دست بدارند ٩٤، گذاشته باشند ٩٦، بگذ آرند ١٠٠، بگزارند ١١١، باز مانند ١٢٤

~: كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (٤٤: ٢٥)
بهیشتند ١، بگذاشتند ٢، ماندند ٣، دست بازداشتند ١٦، بجایگاه بگذاشتند ٢٤، بماندند ٣٠، مانَدند ٣٢، گذاشتند ٣٦، رها کردند ٤٤، گزاشتند ١٢٤

وَتَرَكُوكَ: وَتَرَكُوكَ قَائِمًا (٦٢: ١١)
بهیلند ١، مانند ٣، رها کنند ٢٩، گذارند ٣٨، رَها کنَند ٤٢، بگذارند ٦٤، بازگذاشتند ١٢٢، بگزارند ١٢٤

تَرْمِي: إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ (٧٧: ٣٢)
می اندازد ١، همی اندازد ٢٤، میِ اَندازَد ٥١، اندازد ١٠٠، می افکند ١٠٣، میاندازد ١٢٠، بیفکند ١٣٦، بیندازد ١٣٩

تَرْمِيهِمْ: تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (١٠٥: ٤)
می انداختند ٢٤، انداخت ٣٩، انداختند ٩٦، می افکندند ١٢٠، میانداخت ١٢١، میزدند ١٢٤

تَرَنِ: إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا (١٨: ٣٩)
گینی[4] ١، بینی ٢، به بینی تو ٦١، می بینی تو ٩٣، می بینی ١٠٠

---

١. بهیشتیم: بگذاشتیم.
٢. بهیشت: بگذاشت.
٣. بهیشتندی: بگذاشتندی.
٤. گینی: بینی.

تُرْهِبُونَ: تُرْهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ (۸: ۶۰)
می ترسانید ۱، بترسانید ۲، بترسانیت ۳، هَمَی ترسندی ۱۰، بترسانی ۲۴، بترسانیت ۵۵، همی ترسانید ۶۱، ترسانیت ۹۱، ترسانید ۱۰۴، میترسانید ۱۱۲، بترسید ۱۲۱، بترسانید ۱۲۴، بترسانند ۱۳۵

★ لَاتُرْهِقْنِي: وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا (۱۸: ۷۳)
ورمپوش ۱، أندر مخواه ۲، درمرسان ۳، برمنه ۲۹، درمه رسان ۳۰، اندرمیار ۳۴، تنگ مگیر ۴۴، منه بر من دشخواری ۵۲، درمَرَسان ۵۵، درمیار ۶۲، مه دررسان ۸۰، میار ۸۸، نه دررسان ۹۱، مرسان ۹۲، مخواه ۹۴، اندر مخواه ۱۲۸

تَرْهَقُهَا: تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ (۸۰: ۴۱)
برسَد ۲، دریافته بود ۲۴، خواری و بیچارگی برو آمده ۴۱، باز بوشد ۴۲، باز پوشد ۵۲، پوشیده باشد ۶۴، برسد ۶۵، واپوشاند ۷۹، بپوشاند ۸۷، دریابد ۹۰، می برسد ۹۲، فروپوشد ۹۴، بَرزَبَر بود ۱۰۴، بپوشد ۱۰۹، فروگیرد ۱۱۱، وابپوشاند ۱۱۳، فرومی پوشد ۱۲۱، فراگیرد ۱۲۲، بپوشد ۱۳۹

تَرْهَقُهُمْ: وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ (۱۰: ۲۷)
می وربوشد ۱، بپوشد ۱۰، برسند ۱۳، بپوشد ۲۴، رسد ۲۹، برَسَد ۵۵، دراید ۵۹، برشود ۷۵، برَسَدْ ۹۴، فروفتد ۱۲۲، برسد ۱۲۴، به پوشد ۱۳۰

~: خَٰشِعَةً أَبْصَٰرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ (۶۸: ۴۳)
بیاید ۲، فروپوشد ۳، برون آمده بود ۲۴، بازپوشد ۲۹، همی درآید ۳۴، می رسد ۳۹، فرومی گیرد ۴۱، دردمند ۵۴، دررسد ۹۰، برشود ۹۴، درمی آید ۱۰۲، فرامی رسد ۱۰۹، فروگیرد ۱۱۱، دهد ۱۱۳، فراگرفته ۱۲۲

~: خَٰشِعَةً أَبْصَٰرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ (۷۰: ۴۴)
برسد ۲، فروپوشد ـ برسد ۳، می درآید ۶، همی برشود ۱۹، بپوشند ۲۹، همی دارید ۳۴، فروگرفته ۴۱، دررسد ۵۴، بپوشد ۸۷، فروگرفته باشد ۱۱۱، بپوشد و فروگیرد ۱۱۶

★ لَمْ تَرَوْا: أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم (۳۱: ۲۰)
ننگرند ۱، همی نه بینید ۴۷، نمی بینید ۶۱، نمی بینی ۱۱۱، ندیدند ۱۳۸

~: أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ ٱللَّهُ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ طِبَاقًا (۷۱: ۱۵)
همی نمی بینید ۳۹، ندیدی ۱۳۸

تَرَوْنَ: إِنِّيٓ أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ (۸: ۴۸)
می بینید تان ۶۱، بینند ۱۱۴

~: أَلَا تَرَوْنَ أَنِّيٓ أُوفِي ٱلْكَيْلَ (۱۲: ۵۹)
بینیت ۳، همی بینید ۵۳

★ لَاتَرَوْنَ: إِنِّيٓ أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ (۸: ۴۸)
نمی گینید[1] ۱، شما می نه بینید ۱۰، نبینی شما ۲۴، می نبینید شما ۲۷، نمی بینید شما ۲۹، شما نمی بینید ۴۲، شما نه بینید ۱۲۷

~: أَلَا تَرَوْنَ أَنِّيٓ أُوفِي ٱلْكَيْلَ (۱۲: ۵۹)
همی نبینید ۲، نمی بینید ۵۸

لَتَرَوُنَّ: لَتَرَوُنَّ ٱلْجَحِيمَ (۱۰۲: ۶)
بخواهید دیدن ۲۴، بخواهید دید ۶۴، خواهید دید ۱۲۰، بینید ۱۲۴

تَرَوْنَهَا: رَفَعَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا (۱۳: ۲)
می گینید[2] ۱، همی بینی ۲، می بینید ۵، نگری ۷ مکرر، بینیت ۵۵، می بینیت ۶۳، می بینند ۹۳، می بینی تو ۱۱۸، می بینی ۱۲۱

~: يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ (۲۲: ۲)

---

۱. نمی گینید: نمی بینید.
۲. می گینید: می بینید.

بینند ۳٤، بینی ٤۳، به بینید ۵۸، ببینید ٦۲، بینید ۸٦، بیند ۱۳۸

~: خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا (۳۱:۱۰)
می گینید ۱، همی بینی ۱٤، بینیت ۹۱

لَتَرَوُنَّهَا: ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ ٱلْيَقِينِ (۱۰۲:۷)
می بینید ٦٤

تَرَوْنَهُمْ: مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ (۷:۲۷)
می بینی ۲٤، می بینید ۳٦، بینید ۵٦

* لَا تَرَوْنَهُمْ: مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ (۷:۲۷)
نمی گینید ۱، می نه بینی ۲٤، نبینید شما ۲۷، همی نبینید ۵۳، نبینی ٦۰، نمی بینید ٦۳، شما نمی بینید ۹٦، نبینید ۱۰۳، نه بینند ۱۲٤، نه می بینید ۱۲۹

* لَمْ تَرَوْهَا: وَأَنزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا (۹:۲٦)
ندیدید ۱، ندیدیت ۳، نه دیدی شما ۱۰، ندید ۱۱، شما ندیدید ۲۹، نه دیدند ۳۸، نَه دِیدِیت ۵۵، ندیدی شما ۵۷، نه دیدید ٦۱، نَدیدید ٦۲، ندیدید شما ۱۰٤، نمیدیدید ۱۱۲، ندیده اید ۱۲۷

~: وَأَيَّدَهُۥ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا (۹:٤۰)
ندیدیت ۳، شما ندیدی ۱۰، نَدیدایید ۵۳، نه دِیدِیت ۵۵، نمی دیدی ٦۰، ندیدی ۹۰، ندیده بودید ۹۳

~: فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا (۳۳:۹)
نه دیدیت ۳، ندیدند ۸٦، نمیدیدید ۱۱٤

تَرَى: فَتَرَى ٱلَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ (۵:۵۲)
بینی ۱، ببینی تو ٦٤، بِبینی ۹٤، تو می بینی ۹٦

~: تَرَىٰٓ أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمْعِ (۵:۸۳)
بَبینی ۲، به بینی ۲٦، فرومی برند ۱۳۵

~: وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ وُقِفُوا۟ عَلَى ٱلنَّارِ (٦:۲۷)
بینی توا ۱، بَبینَنْدِي ۲، دیدی ۳، به بینی تو ۲۹، دِیدَندِی ۵۵، بدیدی تو ۱۰۰

~: وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِى غَمَرَٰتِ ٱلْمَوْتِ (٦:۹۳)
تو ببینی ۱۰، بنگری ۳٦، بینی تو ۵۳

~: وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ يَتَوَفَّى ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ (۸:۵۰)
گینی توا[1] ۱، نُه بدیدی[2] ۱۰، دِیدَتِي[3] ۵۵، بدیدی ٦۱، میدیدی ۱۱۱، دیدی ۱۱٤

~: وَتَرَى ٱلْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ (۱٤:٤۹)
گینی[4] ۱، ببینی ۲، تو بینی ۲۹

~: وَتَرَى ٱلشَّمْسَ إِذَا طَلَعَت (۱۸:۱۷)
ببینی ۲، همی بینی ۹۰، میدیدی ۱۰۰

~: فَتَرَى ٱلْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَٰلِهِۦ (۲٤:٤۳)
گینی[4] ۱، مِبینی ۱۱۱

~: فَتَرَى ٱلْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَٰلِهِۦ (۳۰:٤۸)
تو به بینی ۱۳۹

~: أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى ٱلْعَذَابَ (۳۹:۵۸)
بینند ۵٦، دیدن ٦۱، بیند ۱۳۸

~: وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنَّكَ تَرَى ٱلْأَرْضَ خَٰشِعَةً (٤۱:۳۹)
می بینی تو ۱۳۸

~: تَرَى ٱلظَّٰلِمِينَ مُشْفِقِينَ (٤۲:۲۲)
بینی ۳۲، تُو بینی ۸۱

~: وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰٓ إِلَىٰ كِتَٰبِهَا (٤۵:۲۸)

---

۱. گینی توا/ بینی تو.
۲. نُه بدیدی / تو بدیدی.
۳. دِیدَتی / دیدی تو.
٤. گینی / بینی.

بوبینی[1] تو ١١٣

~: مَّا تَرَىٰ فِي خَلْقِ ٱلرَّحْمَٰنِ مِن تَفَٰوُتٍ (٣:٦٧)

می بینی ٣

~: فَتَرَى ٱلْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَىٰ (٧:٦٩)

تو میدیدی ١٠٣، دیدی تو ١٣٨

★ لاتَرَى: لَّا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَآ أَمْتًا (١٠٧:٢٠)

نبینی ٢، نبینی تو ٦٤

★ مَا تَرَى: مَّا تَرَىٰ فِي خَلْقِ ٱلرَّحْمَٰنِ مِن تَفَٰوُتٍ (٦٧: ٣)

نگینی[2] ١، نبینی ٩٦

★ هَلْ تَرَى: فَهَلْ تَرَىٰ لَهُم مِّنۢ بَاقِيَةٍ (٦٩:٨)

ای هیچ می بینی ١١٣

تُرِيحُونَ: وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ (٦:١٦)

اویارگه[3] وازآرید ١، بخانه آریت ٣، بچرا بری ٢٤، در شبانگاه آورید ٢٩، شبانگاه کنید ٣٩، می رانیت[4] از چراگاه ٤١، شبانگاه بازآیید ٤٢، شبانگاه بازآیند ٥٢، بخانه آریت ٥٥، در شام گاه آرید ٥٧، بشب در خانه می آرید ٥٩، با جایگاه آورند ٦٢، ازچراگاه بازآرید ٦٧، (بخانه) بازآیند ٧٤، بخانه آرید ٩٠، شبانگاه آیند ٩٢، شبانگاه بازآرید ٩٤، در شبانگاه می آوری ٩٥، شب بخانه می آرید ١٠٢، بچرا فرامیگذارید ١٠٦، میگردانید ١١١، شبانگاه که بخانه بازآئید ١١٣، بازمیگردانید از چرا ١١٦، شبانگاه بخانه بازآیند ١١٩، بازمیآرید (شبانگاه) ١٢٠، بازگردانیدشان از چراگاه ١٢٢، بازآیند از چرا ١٢٦، بازگردانید ١٢٧

تُرِيدُ: تُرِيدُ زِينَةَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (٢٨:١٨)

بخواهی ٢، میخواهد ٤٣، همی خواهی ٥٣، میخواهی تو ٦١، خواهی تو ٩٣، بخواهی ٩٦

~: أَتُرِيدُ أَن تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًۢا بِٱلْأَمْسِ (٢٨: ١٩)

می خواهی ١، میخواهی ٤٣، خواهی ٤٦، همی خواهی ٦٢، تو می خواهی ٦٤

★ إِنْ تُرِيدُ: إِن تُرِيدُ إِلَّآ أَن تَكُونَ جَبَّارًا (٢٨: ١٩)

نمی خواهی ١، نمی خواهي تو ٥٣، نخواهی ٩٦، نمیخواهی ١٠٣

★ مَا تُرِيدُ: وَمَا تُرِيدُ أَن تَكُونَ مِنَ ٱلْمُصْلِحِينَ (٢٨: ١٩)

نمیخواهی ٨٦، نمیخوآهی ١٠٠

تُرِيدُونَ: أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْـَٔلُوا۟ رَسُولَكُمْ (٢: ١٠٨)

همی بخواهید ٢، می خواهیت ٣، می خواهید ١٠، میخواهید ٣٦، همی بخواهید ٥٣

~: أَتُرِيدُونَ أَن تَهْدُوا۟ مَنْ أَضَلَّ ٱللَّهُ (٤: ٨٨)

می خواهید ١، همی خواهید ٢، می خواهی ٢٤، همی خواهید ٢٩، همی خواهید شما ٥٧

~: أَتُرِيدُونَ أَن تَجْعَلُوا۟ لِلَّهِ عَلَيْكُمْ (٤: ١٤٤)

همی خواهید ٢، همی خواهید ٤٢

~: تُرِيدُونَ عَرَضَ ٱلدُّنْيَا (٨: ٦٧)

می خواهید شما ١٠، شما می خواهید ٢٩، میخواهیدتان ٦١، شما همی خواهید ٦٢، می خواستید ٦٤، میخواهید شما ٦٧، می خواهند ١٠٧

~: تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا (١٤: ١٠)

شما همی خواهید ٦٢

---

[1]. بوبینی / بینی.

[2]. نگینی / نبینی.

[3]. او یارگه: شبانگاه.

[4]. می رانیت / می رانید.

~: وَمَآ ءَاتَیۡتُم مِّن زَكَوٰةٖ تُرِیدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِ (٣٠: ٣٩)
خواهید ٤٦

~: أَئِفۡكًا ءَالِهَةً دُونَ ٱللَّهِ تُرِیدُونَ (٣٧: ٨٦)
بخواهید ٢٢، همی خواهید خواست ٣٠، می خواهید ٤٢

تَرَیِنَّ: فَإِمَّا تَرَیِنَّ مِنَ ٱلۡبَشَرِ أَحَدًا (١٩: ٢٦)
گینی[1] ١، ببینی ٢، بینی ٣٠، به بینی ٣٦، ببینی ٥٦، بینی تو ١٠٠

تُرِیَنِّی: قُل رَّبِّ إِمَّا تُرِیَنِّی مَا یُوعَدُونَ (٢٣: ٩٣)
بنمایی ١، بنمایی ٢، بنمایتی ٤١، فرامن نمایی ٤٧، فرانمایی ٦٢، خواهی نمود ٦٤، بنمائی ٨٧، بنماید ٩٦، بازنمای ١٠٠، بازنمایی ١٠٦، نمایی ١١٣، بنمای ١١٩، بنمای ١٢٤، مینمایی ١٣٢

★ لاتَزَالُ: وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَآئِنَةٖ مِّنۡهُمۡ (٥: ١٣)
همیشه ٢، همواره ٢٩، همیشگی ٤٥، همارَه ٥٥، همیشه باشی ٦٣، همیشه ١٠٠، همواره تو ١٠٩، همیشه هستی تو ١٢٣، همیشه باشد ١٢٤، همیشه تویی ١٣٠

★ لاتَزَالُ تَطَّلِعُ: وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَآئِنَةٖ مِّنۡهُمۡ (٥: ١٣)
همیشه تو همی بررسی ٥٣

تَزَاوَرُ: إِذَا طَلَعَت تَّزَٰوَرُ عَن كَهۡفِهِمۡ (١٨: ١٧)
می گشتی ١، همی گراید ٢، می گراید ٣، بگردد ٢٤، می گرایست ٣٠، همی بگردد ٣٤، می گشت ٣٦، همی گردد ٣٩، دور شود ٤١، برمی گردید ی ٤٢، می تافت ٤٤، همی بگردد ٥٣، بازچفسد[2] ٥٧، می گردد ٥٨، همی بگردد ٦٢، برگردد ٨٨، می گرایت ٩١، میگردید ١٠٠، بگردید ی ١٠٦، همی گرد آید ١٠٨، یکسو شود ١٣٩

تَزِدِ: وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِینَ إِلَّا ضَلَٰلًا (٧١: ٢٤)
افزود ١١٤

★ لاتَزِدِ: وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِینَ إِلَّا ضَلَٰلًا (٧١: ٢٤)
میوزای[3] ١، افزون مکن ٣، مه افزای ١٩، میفزای ٢٤، نه فزاید ٣٩، بیش مکن ٤٩، نه افزای ٥٤، مه افزون کن ٨٠

~: وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِینَ إِلَّا تَبَارًا (٧١: ٢٨)
مَفْزای ٢، نیفزای ٣٨، افزونی مکن ٨٠، مفزای ٩٥، نه افزون کن ١٢٩، میفزا ١٣٢

تَزۡدَادُ: وَمَا تَغِیضُ ٱلۡأَرۡحَامُ وَمَا تَزۡدَادُ (١٣: ٨)
بیوزاید[4] ١، بیفزاید ٢، افزون شوند ٢٩، بَفزایَدْ ٥٣، فزُون می کُند ٥٥، افزاید ٦١، افزون کند ١١٤

تَزۡدَرِی: وَلَآ أَقُولُ لِلَّذِینَ تَزۡدَرِیٓ أَعۡیُنُكُمۡ (١١: ٣١)
خوار همی دارد ٢ و ١٢٧، خوار می دارد ٣، خوار می داری ٧ مکرر، می خوار می دارند ٣٠، خوار می بیند ٣٦، بخوار می گیرند ٣٩، بخواری نگرد ٤١، خوار همی ایند ٥٣، خوار دارند ٥٦، خوار دارد ٦٧، خوار می گیرد ٧٢، خوار میدارد ٧٤، خوار داری ٩٠، خوارمی دارند ٩١، درنیابند ٩٩، زشت می آید ١٠٠، بخواری مینگرد ١١١، بخواری می بیند ١٢٠، خواری کنند ١٢٤، خواری همیدارد ١٢٥، خوار همی دارند ١٢٩، بخواری می بینند ١٣٠

تَزِرُ: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰ (٦: ١٦٤)
بردارد ٣، بَردارَد ٥٥، بار بردارد ٦٢

~: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰ (٣٥: ١٨)
بر گیرد ١٨

---

١. گینی / بینی.
٢. چفسیدن: میل کردن، منحرف شدن.
٣. میوزای / میفزای.
٤. بیوزاید / بیفزاید.

★ لَاتَزِرُ: وَلَاتَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (۶:۱۶۴)
بزه ور ندارد[1] ۱، گُناه برنگیرد ۲، برنه دارد بخوش منشی ۱۰، ورنگیرد ۲۹، ننهند ۴۱، گناه برنگیرد ۴۲، برنَگیرد ۶۲، گناه برندارد ۶۷، برند آرد ۹۴، برنمی گیرد ۹۶، بزه مند نگردد ۱۲۰، نه بردارد ۱۲۹

~: وَلَاتَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (۱۷:۱۵)
برنگیرد ۲، برندارند بارگران ۱۱۱

~: وَلَاتَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (۳۵:۱۸)
نگیرد بگناه ۵۲

~: وَلَاتَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (۳۹:۷)
نه گیرد ۲۲، برندارد ۳۳، برنمیدارد ۱۳۲

~: أَلَّاتَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (۵۳:۳۸)
بار برنگیرد ۳۰، برندارد ۳۹، برنمیدارد ۵۰، نبردارد ۵۶، گناه نگیرد ۸۱، نگیرد ۹۶، برنمی دارد ۱۲۰

تَزْرَعُونَ: قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا (۱۲:۴۷)
می کارید ۱، باید کشتن شما را ۲، بکاری ۲۴، بکارید شما ۲۹، کاریت[2] ۳۰، بکارید ۳۴، کشت کنید ۳۸، کشت و زر کنید ۴۱، بباید کِشتن شما را ۵۲، کَارِیت[2] ۵۵، کشت می کنید ۵۶، کشت بکارید شما ۶۱، برزگری کنید ۶۴، بکارند ۷۴، بباید کِشْتَنْ شما را ۹۴، بباید کِشتَن شما را ۱۰۵، کشت و کار کنید ۱۰۶، همی کارید بکارید ۱۰۹

تَزْرَعُونَهُ: ءَأَنتُمْ تَزْرَعُونَهُۥ أَمْ نَحْنُ ٱلزَّٰرِعُونَ (۵۶:۶۴)
می رویانید ۱، همی ببرآرید ۲، رویانیت ۳، برویانید ۲۴، می کاری ۲۹، کشتید ۳۰، همی برویانید ۳۸، می کاریت ۴۱، رُویانید ۴۲، رویانید ۵۲، می رایانید ۵۶، می رویانیت ۸۰، همی رویانید ۸۸، به بَرزَانید[3] ۹۴، میکارید ۱۰۲، میرویانید ۱۱۴، برآرید ۱۲۴، می رویانید همی ۱۳۹

تَزْعُمُونَ: أَيْنَ شُرَكَآؤُكُمُ ٱلَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (۶:۲۲)
گمان برید ۶۱

★ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ: ٱلَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (۶:۲۲)
می گفتید ۱، مِی گفتیت بگمان ۳، می دروغ گفتید ۵۳، مِی گُفتیت بَگمان ۵۵، همواره همی گفتید ۶۲، گمان می بردید ۱۰۲، بودید که گمان می بردید ۱۱۶

~: وَضَلَّ عَنكُم مَّا كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (۶:۹۴)
می پنداشتیت ۳، می گفتید بدروغ و بنادانی ۲۹، گمان می بردیت ۴۱، مِی پنَداشْتِیت ۵۵، دروغ می گفتی ۵۷، گمان می بردند ۶۱، همی گفتید بَنادانی ۶۲، دروغ میگفتید ۶۷، گمان میبردید ۱۱۱، دروغ می گفتید ۱۲۱، گمان داشتید ۱۲۲، گمان می کردید ۱۳۶

~: أَيْنَ شُرَكَآءِىَ ٱلَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (۲۸:۶۲)
می گفتیت ۳، می پنداشتید ۳۶، دُرُوغ همی گفتند ۵۳

~: أَيْنَ شُرَكَآءِىَ ٱلَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (۲۸:۷۴)
می گفتید همتایان ۵۸، بگمان گفتید ۶۱، شما گمان می بردید ۶۴، میپنداشتید ۱۳۲

تُزِغْ: رَبَّنَا لَاتُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا (۳:۸)
نگاه دار ۲۵

★ لَاتُزِغْ: رَبَّنَا لَاتُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا (۳:۸)
مگردان ۱، بمگردان ۱۰، مه گردان ۲۷، برمگردان

---

۱. ورندارد / برندارد.
۲. کاریت / کارید.
۳. بَرْزَ: کشت. کاشت (بَرْزانیدن: کشت کردن)

۳۸، بمه گردان ٤٠، مگرا ٤٢، مجسبان ٤٨، مَگَردان ٥٥، مگردان تو ٦١، مگرایان ۸۳، مه گرایان ٨٤، نه گردان ۹۰، مگرد آن ۹٤، میپچان ۱۱۱ و ۱۲۲، کج مگردان ۱۱٥

★ لاتُزكّوا: فَلَاتُزَكُّوٓاْأَنفُسَكُمْ (٥۳:٣٢)

مستایید ۱، بپاکی یاد مکنید ٣٦، مستائید ۳۹، بمه ستایید ٤٩، پاک ندانید ٥٠، مه پاکیزه گوییت ۸۰، پاک نگردد ۸۱، مه پاکیزه گوئیت ۸۷، مپاکیزه گوییت ۹۱، مه ستایش کنید ٩٤، بپاکی مستایید ۱۰۲، ستایش مکنید ۱۰۳، پاک مکنید ـ مستایید ۱۰۹، پاکیزه مگوئید ١١٤، پاک نمیکنید ١٣٦

تَزَكّى: خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ جَزَآءُ مَن تَزَكَّىٰ (٢٠:٧٦)

پاکی کرد ۱، پاک باشد ۲، پاکیزه شد ۳، پاک شد ۲۹، پاک بود ٤٢، پاکيزَهْ باشَدْ ٥٣، پارسایی کرد ٥٨، پاک دارد ٦٤، پاکی جوید ۷۹، پاک بود از گناهان ٨٦، بنک[1] کرد ۸۸، پارسا بود ۹۰، پاک گرد آند ٩٤، پاکیزه باشد ٩٦، پاک گشت ۱۰۰

~: وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِۦ (٣٥:١٨)

پاکی کند ۱، پاکیزه شود ۳، پاکیزه کند ۱۸، خویشتن پاک دارد ۳۰، شاهستگی کند ٣٤، پاکیزگی کند ۳۸، خویشتن را پاک دارد ٦١، پاکی ورزد ٦٥، پاکست ٧٤، پاکیزه گشت ۸۷، پاکیزگی جوید ۹۱، پاک شود ۹۲، پاکی گزیند ۱۰۹

~: قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكَّىٰ (۸۷:١٤)

خوُیشتن پاک کرد ۲، پاک گردانید ۳۰، پاکیزگی کرد ۳۸، پند گیرد ٦١، پاکی جست ۸۰، پاکیزگی گرفت ۱۰۲، خویشتن پاک گردانید ۱۰۸، پاکی جُست ۱۰۹، پاک شده ۱۲۰، پاک کرد ١٣٤

تَزَكّى: فَقُلْ هَل لَّكَ إِلَىٰٓ أَن تَزَكَّىٰ (۷۹:١٨)

خویشتن پاک گردانی ۲، پاکیزه شوی ٤٢، پاک گردانی خود را ٥٦، پاک شوی ٦٤، پاکیزه باشی ٩٤، پاک شو ۱۱۳

تُزَكّيهِمْ: تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم (۹:١٠٣)

بستای ۱، فُزون گردانی ۲، پاکیزه کنی ۳، پاکیزگی خواستها ۱۳، نیک نام گردانی ۲۷، پاک کنی ۲۹، پَاکِیزَه کُنِی ٥٥، پاک کند ٦١، پاکیزه گردانی ٦٢، پاک گردان ٦٩، نیک نام گردانی ٩٤، پاک گرداند ۱۰۲، افزون گردانی ۱۰٥، پاک گردانی تو ۱۱۳، پاکیزه کند ١١٤، پاکیزه گردان ۱۲۱، پاکیزه میگردانی ۱۲۲، پاکیزه کن ١٢٤

فَتَزِلَّ: فَتَزِلَّ قَدَمٌۢ بَعْدَ ثُبُوتِهَا (١٦:٩٤)

برمزد[2] ۱: بلغزدْ ۲، تا که لغزد ۳، ازجای برود ۲۹، بلغزد ۳۰، بگردد ۳۹، بلغزَد ٤٢، بلغزد بشخشد[3] ٤٣، لَغزَد ٥٥، بلخشد[4] ٥٨، بلغزید ٦١، از جَای بشوَد ٦٢، به لغزد ۸۰، بشود از جای ۹۳

تَزْهَقَ: فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ (۹:٥٥)

بمیرد ۱، برآمد ۳، برآید ۱۰، پیاده شده است ۱۱، بیرون آید ٣٦، بیرون می آید ٤١، بیرون شود ٥٣، بمیرند ٥٦، ناچیز شدند ٦١، نیست گرد آند ۱۰۰، برود ۱۰۳، سست شود ۱۲۷، بکاهد ١٣٦

~: أَن يُعَذِّبَهُم بِهَا فِى ٱلدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ (۹:٨٥)

---

۱. بنک: خالص هر چیزی.
۲. برمزد: بلغزد، از جای برود.
۳. بشخشد: بلغزد.
٤. بلخشد: بلغزد.

بباد شد ١١، از هم بیرون آید ٤١، بستاند ٤٩، بَرآید ٥٥، تباه کند ٥٧، بیرون آرد ٦٧، بربود ٧٦، فراموش کند ٩٠، بیرون آورد ١٠٠، برود برآید ١٠٩، بیرون رود ١١١، بیرون میرود ١٢٠، ببرد ١٢١

تَزَوَّدُوا: وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ (٢:١٩٧)
تُوشه بَردارید ٢، توشه برداریت ٣، توشه بردارید ١٠، توشه گیرید ٣٦، تُوشه بَردارید ٤٢، توشه سازید ٤٣، توشه بردارید ٥٢، تُوشه بَرداریت ٥٥، زاد بردارید ٥٧، توشه برگیرید ٧٥، توشه داریت ٨٣، توشه برد آرید ٩٤، توشه دارید ١٢٧، توشه بردارد ١٣٨

لِتَزُولَ: لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ (١٤:٤٦)
بگشتی ١، بگردد ٥، گردد ٣٠، بگرداند ٥٣، گردَد ٥٥، می بگشت ٥٨، بروند ٦١، از جَای همی بَرْخاسْت ٦٢، از جای بشدی ٦٤، جا برگیرد ٧٤، از جای برخواستی ٩٣، برود ١٢١، بگردند ١٢٤

تَزُولاَ: يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا (٣٥:٤١)
بگردند ١٨، بروند از جای خود ٩٢

★ أَنْ تَزُولاَ: وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا (٣٥:٤١)
بنگردند ١، نگردند ٣٩، نیفتند ٤٣، اگر همی نگردند ٥٦، تا نگردند از جایگاه خود ١٣٩

تَزِيدُونَنِي: فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ (١١:٦٣)
افزایید ٢، افزون می کنیت ٣، افزودید ٦١، فزایت ٨٣، افزائید ٩٤، فزایند ١١٤، فزون گردانید ١٢٦

★ مَا تَزِيدُونَنِي: فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ (١١:٦٣)
نفزائید ٥٣، اَفزوُن نَمی کُنیت ٥٥، نمی افزایید شما ٥٨، بنیوزاید[1] ٥٩، نیفزایید ١٠٣، فزون نگردانید ١٠٤، نیفزاید ١٠٥، شما نمی افزائید ١٢٣

تَزَيَّلُوا: لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا (٤٨:٢٥)

بگردند ١، جدا شدندی ٢، پراکنده شدند ٣، جدا شوند ١٧، پراکنده شدندی ٨٠، جدا شدند ٨٦، برگردند ٩٢، جدا شوید ٩٤

تَسَاءَلُونَ: وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ (٤:١)
یک از دیگر می خواهید ١، بخواهید ٢، از یکدیگر می پرسیت ٣، می خوانیت از یکدیگر ٢٧، خواهید ٤٠، بپرسندتان ٤١، بخواهید از یکدیگر ٤٢، بپرسید شما ٥٣، می خواهید ٥٧، می پرسید ٦١، شما را بپرسند ٦٢، درمی خواهید ز دیگر ٦٣، بخواهید ٨٢، بخواهید یک از دیگر ٨٤، بپرسند ٨٨، بخواهید از یکدیگر ٩٠، می پرسیت از یکدیگر ٩٧، سوگند میخورید با یکدیگر ١٠٤، درمیخواهید ١٠٦، درمی خواهید یکدیگر ١٣٨

تُسَاقِطْ: تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا (١٩:٢٥)
بیفتد ١، افتد یا افکنی ٣، بیفکند ٢٩، بریزد ٤١، بیفشاند ٤٤، بیوفتد ٥٢، فرود افتد ٦٤، فروافتد ٨٨، فرو ریزد ١١١، فرواندازد ١١٣، افتد ١١٤، ریزد ١٢١، ببرد ١٣٩

تَسُؤْكُمْ: إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ (٥:١٠١)
اَندُه گَن گرداند ٢، بد آید ٩، اندوه گین [کند] ٢٦، اندوهگین گرداند ٢٩، اندوهگین کند ٣٠، اندوه آرد ٣٦، اندوهگن کند ٣٧، دل تنگ کند ٣٨، اندوهناک کند ٣٩، اَندُوهگین کُنَد ٥٥، اندُه گن کند ٦٢، برنجاند ٦٣، اندوه آرد ٧٩، برنجانند ٨٩، ناخوش آید ١٠٣، اندوه گن گرداند ١٠٤، بدی رساند ١١٨، اندوهگین گردانند ١٢٦

تُسْئَلُ: وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ (٢:١١٩)
پرسیده شوی تو ٣، پرسند ترا ١٠، پرسیده شوی ٣٠، پرسیدند ٦١، خواسته شوی ٩٠، پرسند ١٢٧

★ لاَتُسْئَلُ: وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ (٢:١١٩)

---

[1] بنیوزاید / بنیفزاید.

نه پُرسَند تُرا ۲، نه پُرسند تُرا ۱۰، مپُرس اُنه پرسند ٤۰، نپرسَند تُرا ٤۲، نپرسند ترا ۵۲، نه پرسند ترا ۵۳، نپرسندا ترا ۵۹، نپرسند از تو ٦۳، مپرس ۸۸، پرسیده نشوی ۱۰۹، پُرسیده نشوی ۱۲۱، پرسیده نخواهی شد ۱۳٦

★ لاَتَسْئَلنِ: فَلَاتَسْـَٔلۡنِ مَالَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌ (۱۱:٤٦)
مخواه ۱، مه خواه ۲٤، تو مخواه ۲۹، مَخواه ۵۳، درمخواه ٦٤، مپرس ۹۳، مخوآه ۹٤، مپرس تو ۹۹، درمخوآه ۱۰۰، نخواه ۱۱۸

لَتُسْئَلنَّ: لَتُسۡـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمۡ تَفۡتَرُونَ (۱٦:۵٦)
پرسیده شید ۱، پرسش شوید ۳٦، شما را بپرسند ۵۲، بَپُرسَنْد شما را ۵۳، بازپرسند از شما ٦۲، پرسیده خواهید شد ٦٤، درپرسیده شوید ۷۹، پرسیده شوند ۱۱٤، بپرسند شان ۱۲٤

~: وَلَتُسۡـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ (۱٦:۹۳)
پرسیده شید ۱، بپُرسند شما را ۲، بپرسد شما را ۲٤، پرسیده شویت هرآینه هرآینه ۳۰، بپرسند تان ٤۱، پرسند تان ۵٦، بازپرسند شما را ۵۷، پرسیده شوید ۵۸، بپرسند شما را ۵۹، بپرسند از شما ۹۳، پرسند شما را ۹٦، به پرسند شما را ۱۲۸

~: ثُمَّ لَتُسۡـَٔلُنَّ يَوۡمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ (۱۰۲:۸)
درپرسیده شود ۷۹، پرسیده شود ۱۱٤، هرآینه پرسیده شوید ۱۲۰

★ لاَتَسْئَلنی: فَلَا تَسۡـَٔلۡنِي عَن شَيۡءٍ (۱۸:۷۰)
مپرس ۱، درمپرس ۷۹

تَسْئَلُهُم: وَمَا تَسۡـَٔلُهُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍ (۱۲:۱۰٤)
می خواهی تو ۲٤، خواهی تو ٦۱

~: أَمۡ تَسۡـَٔلُهُمۡ خَرۡجٗا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيۡرٞ (۲۳:۷۲)
می خواهی ۱، خواهی ۲٤، میخواهی ۲۹، همی خواهی ۵۳، میخواهی تو ۸٦، میخوانی ۱۰۳، همی بخواهید ۱۰۸، پرسی ۱۱٤

~: أَمۡ تَسۡـَٔلُهُمۡ أَجۡرٗا فَهُم مِّن مَّغۡرَمٖ مُّثۡقَلُونَ (۵۲:٤۰)
خواهند ۸۱، میخواهی ۸٦، خواهی ۱۱٤

~: أَمۡ تَسۡـَٔلُهُمۡ أَجۡرٗا فَهُم مِّن مَّغۡرَمٖ مُّثۡقَلُونَ (٦۸:٤٦)
همی خُواهی ۲، بخواهی ۳۰، میخوآهی تو ۱۰۰، درمیخواهی ۱۱۳

★ مَا تَسئَلُهُم: وَمَا تَسۡـَٔلُهُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍ (۱۲:۱۰٤)
نمی خواهی ۱، نخُواهی ۲، نخواهی ٤۲، همی نخواهی ٦۲، نمی خواهی تو ٦٤، نه می خواهی ٦۹، نمیخواهی تو ۹۳، همی نه خواهی ۹٤، نمیخواهی ۱۰۳، درنمی خواهی ۱۱۳

تَسْئَلوا: أَمۡ تُرِيدُونَ أَن تَسۡـَٔلُواْ رَسُولَكُمۡ (۲:۱۰۸)
اندرخواهید ۲، پرسیت یا درخواهیت ۳، اندرخُواهید ۱۰، خواهید ۳٦، درخواهید ٤۰، بخواهیت ٤۱، دَرخُواهید ٤۲، دَرخَواهیت ۵۵، بپرسید ۹۰، پرسیت ۹۱، بپرسید شما ۹۹، درخواهید شما ۱۱۲، بپرسید ۱۲۱

~: لَا تَسۡـَٔلُواْ عَنۡ أَشۡيَآءَ إِن تُبۡدَ لَكُمۡ تَسُؤۡكُمۡ (۵:۱۰۱)
بپرسید ۱، بخواهید ۹، بپرسی ۲٤، بخُواهید ٤۵، بپُرسید ۵۳، پرسید ٦۳، به پرسید ۹۹

★ لاَتَسْئَلوا: لَا تَسۡـَٔلُواْ عَنۡ أَشۡيَآءَ (۵:۱۰۱)
مپرسید ۱، مَپُرسید ۲، مه پرسیت ۳، مه خواهید ۹، مپرسیت ۱۰ مکرّر، مه پرسید ۲٤، مه خُواهید ٤۵، مَه پُرسید ۵۳، نپرسید ٦۷، درمپرسید ۷۹، مخواهید ۱۰۷

تُسْئَلونَ: وَلَا تُسۡـَٔلُونَ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ (۲:۱۳٤)
پرسیده شویت ۳، پُرسند شما را ۱۰، پرسند ۲٤، پرسند شما را ٤۰

~: وَلَا تُسۡـَٔلُونَ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ (۲:۱٤۱)
پُرسَند ۲، پرسند تان ٤۰

~: لَعَلَّكُمۡ تُسۡـَٔلُونَ (۲۱:۱۳)

پرسیده شید ۱، بپُرسندْ ۲، بپرسند تان ۲٤، از شما پرسند ۲۹، پرسیده شوید ٥٦، بپرسند ٦١، درپرسیده شوید ۷۹، بپرسند از شما ۸٦، بازپرسند ۱۰٦، مگر شما را بپرسند ۱۰۸

~: لَا تُسْـَٔلُونَ عَمَّآ أَجْرَمْنَا (۳٤:۲٥)
پرسند تان ۳۸

~: وَإِنَّهُۥ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْـَٔلُونَ (٤۳:٤٤)
بپرسند تان ۲۲، پُرسیده شَویت ۳۲، بازپرسیده شوند ۸۱، بازپرسند از شما ۱۰۰، پرسنده شوند ۱۱۹، بپرسند شمارا ۱۳۹

★ لَا تُسْئَلُونَ: وَلَا تُسْـَٔلُونَ عَمَّا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ (۲:۱۳٤)
نپرسند ۲۹، نه پرسند شما را ٤۰، نپرسند شما را ٤۱، نه پرسند مرشما را ٥۳، نپرسند از شما ٦۷، نه پرسَند ۱۰٥، نه پرسند ۱۱۲، نه پرسیده شوید ۱۱٤، شما پرسیده نشوید ۱۲۳

~: وَلَا تُسْـَٔلُونَ عَمَّا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ (۲:۱٤۱)
پرسیده نشوید ۳٦، مپرسید ۸۸، نه شوید پرسیده ۱۳۰

~: قُل لَّا تُسْـَٔلُونَ عَمَّآ أَجْرَمْنَا (۳٤:۲٥)
پرسنده نشند ۱، نپرسند تان ۷، نپرسنْد شما را ۲۲، پرسیده نشوید شما ٥۸، پرسیده نخواهید شد شما ۱۰۳، نپرسند هر آینه شما را ۱۰٤، پرسیده نخواهید شد ۱۱۱، درپرسیده نشوید ۱۱۳

★ لَا تَسْئَمُوا: وَلَا تَسْـَٔمُوٓا۟ أَن تَكْتُبُوهُ (۲:۲۸۲)
گوسیر مشید ۱، بَسْتُوه مشوید ۲، نه ستوه میاییت ۳، سَیر برمه آیید ۱۰، سیرور مه‌اای ۲٤، مه بستوه آییت ۲۸، بستوه مشوید ۲۹، گوستوه مشوید ۳۹، بستوه مَشوید ٤۲، بَسْتوهُ مَآییت ٥٥، سیر مشوید ٥۷، اسیر مباشید ٦۳، استوه مشوید ٦٤، ستوه نکنید ٦۷، مکنید بستوه ٦۹، مشوید ستوه ۸۲، مَه بستوه شوید ۹٤، شرم مد آرید ۱۰۰، تنگ دل مشوید ۱۰۹، بستوده مشوید ۱۱۸، اندوهناک مشوید ۱۲۱، خسته نشوند ۱۳۸

تَسُؤْهُمْ: إِن تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ (۳:۱۲۰)
اندهگن کند ۱، اَندُه گن گرداند ۲، اندوهگین کند ۳، اندوهگن بکند ۱۰، اندوهگن کُند ۲۳، سخت بد آید ۲۷، انده آرد ۲۹، باندوه آورد ۳٤، اندهناک کند ۳۹، دشوار آید ٤۱، اندُوهِگن گرداند ٤۲، اندوه ناک کند ٤۳، اندوهگین کنید ٥۳، اَندُوهگِین کُند ٥٥، سخت بد آید ٥۸، اندوه آرد ٦۱، اندوه گین کند ۸۰، اندوه گن کند ۸۲، اندوهگن شوند ۸۸، اندوهگن کند ۹٤، بد آید ۱۰۲، غمگین شوند ۱۲۱، بدمی آید ۱۲۲، تنگدل کند ۱۲۳، اندوگن کند ۱۲۷

~: إِن تُصِبْكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ (۹:٥۰)
غمگین کند ۳، اندَوهگِن بَکُند ۱۰، انده گین گرداند ۱۱، دشخوار آید ۲٤، اندوهگن کند ۲۷، اندوهگن گرداند ٤۲، اندوه آید ۹۲، اندوه گن گرداند ۹٦، برنجاند ۱۰۰، غمگین گرداند ۱۰٤، اندوهگین میسازد ۱۲۰، اندوه گین گرداند ۱۲۷

تُسَبِّحُ: تُسَبِّحُ لَهُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ ٱلسَّبْعُ وَٱلْأَرْضُ (۱۷:٤٤)
بپاکی یاد می کند ۳، بپاکی یاد کند ٦۱

تُسَبِّحُونَ: قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ (٦۸:۲۸)
خدا را یاد کردیدی ۲، یاد کنید ۳۹، خدایرا یاد کردندی ۱۰۸، بپاکی یاد میکنید ۱۱٤

★ لَا تُسَبِّحُونَ: أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ (٦۸:۲۸)
بپاکی یاد نکنید ٥٦، بپاکی یاد نمی کنیت ۸۰، یاد نمیکنید خدایرا ببزرگی ۱۱۱، بپاکی نمی ستایید ۱۳۲

تُسَبِّحُوهُ: وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (٤۸:۹)
بپاکی یاد کنیت ۳، بپاکی یاد کنید ٦، به پاکی یاد کنید ۳۰، نماز کنید ٥۲، پاکی گویید ٥٦، نماز گزارید ٦۱، پاکی گویند ۸۱

تَسْبِقُ: مَاتَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا (٥:١٥)
پیش رود ٣٦، پیشی کند ٣٩، پیشی کُند ٥٣

★ مَا تَسْبِقُ: مَاتَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا (٥:١٥)
پیشی نکند ١، پیشی نگیرد ٢٩، پیش نمی رود ٣٠، نکند پیشی ٤١، پیش نَمی روَدَ ٥٥، پیش نرفت ٥٧، پیشی نتوانند کرد ٦٤، پیش نکند ٧٢، نه پیشی کنند ٨٨، پیشی نگرفتند ١٠٦، پیش نمیرود ١٢١، نگرفته‌اند پیشی ١٢٣، پیشی نگیرند ١٢٧

~: مَاتَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَـْخِرُونَ (٢٣:٤٣)
پیش نرود ٢، پیش دستی نمی کند ٣، فراپیش نشود ٢٩، پیش نشدند ٣٩، نکنند پیشی ٧٧، پیش نمیرفت ١٠٣، بیشی نتوانست گرفت ١١١، پیشی نمیگیرد ١١٤، پیشی نمیگیرند ١٢٠، پیش دستی نکرد ١٢١، پیشی نگرفتند ١٣٤

تَسُبُّوا: وَلَاتَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ (١٠٨:٦)
دشنام دهید ١١٩

★ لَاتَسُبُّوا: وَلَاتَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ (١٠٨:٦)
دژنام مدهید ١، دُشنام مَدهید ٢، دشنام مدهیت ٣ و ١٠ مکرّر، مگو بد ٩، نگرَید دُشنام ندهَید ١٠، ندهید دشنام ٢٦، دشنام مدهید ٢٧، نه دشنام دهیت ٣٠، نه دشنام دهید ٣٩، دَشنَام مَدهیْت ٥٥، بدمگویید و دشنام مدهید ٥٨، نه دشنام دهیدتان ٦١، مگویید دشنام ٦٩، شما دشنام مدهید ٩٦، دشنآم مدهید ١٠٠، ناسزا مگوئید ١٠٤، دشنام نزند ١١٠، دشنام ندهید ١٣٥

تَسْبِيحَهُمْ: وَلَٰكِن لَّاتَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ (٤٤:١٧)
بپاکی یاد کردن ٣، ستایش ٧٤

تَسْتَأْخِرُونَ: لَّكُم مِّيعَادُ يَوْمٍ لَّاتَسْتَـْخِرُونَ (٣٠:٣٤)
بازپس رویت ٣، بازپس شوند ١٨، واپس افتید ٤١، مانید بازپس ٦٥، پس شوید ١١٤، بازپس برید ١٢٤، پس روید ١٢٩

★ لَاتَسْتَأْخِرُونَ: مِيعَادُ يَوْمٍ لَّاتَسْتَـْخِرُونَ (٣٠:٣٤)
پس نشید ١، پَسْ نروید ٢، بستر نشوید ٧، نه بازپس شوید ٢٢، پس نه‌افتید ٣٩، نه بازپس شوند ٤٧، بازنشوید ٥٦، نشوید پستر ٥٨، پسته نشود ٦١، واپس نه استید ٧٩، بازبسته نشود ٩١، بازپس نروند ٩٤، سپس نروید ١٠٨، واپس نشوید ١٠٩، بازپس نیایید ١١١، واپس نه‌ایستید ١١٣، بازپس نروید ١١٦، بازپس نتوانید شد ١٢٦

تَسْتَأْنِسُوا: حَتَّىٰ تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا (٢٧:٢٤)
دستوری خواهید ١، بیاساییت ٤١، آرام گیْرِیْد ٥١، دستوری بخواهید ٦٢، دستوری خواهید آگاه خواهید ٦٧، انس گیرید ٦٩، دستوری خواهیت ٨٠، آرام گیرید ٨٩، دستوری جویید ١٢٢، دستوری جویید ١٣٢

تَسْتَبِينَ: وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ (٥٥:٦)
دیدور شهد ١، پدید آید ٢، پیدا شود ٩، پیدا گردد ٢٩، پیدا آید ٤٣، پَدید آیَدْ ٥٣، پَیدَا شَوَد ٥٥، روشن و پیدا شود ٥٧، پَیْدا گردد ٦٢، روشن شود ٦٣، پَدید آید ٨٨، پیدا کنی تو ٩٢، آشکار شود ٩٦، جدا و روشن شود ١٠٠، پدیدار آید ١٠٥، روشن گردد ١١٦

تَسْتَتِرُونَ: وَمَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ (٢٢:٤١)
می پینداشتید ١، پنهان گیرندگان ١٥، پنهان گیرَنْدگان ٢٢، پوشیده شوید ٣٤، بپوشید ٣٩، پنهان می کردیت ٤١، پوشِیدَه دَاشتِیْد ٥١، پنهان کردید ٥٢، پوشیده نماییت ٨٠، پنهان شونده ٨١، پنهان شوید ٩٠، پنهان داشتید ٩٦، پنهآن میکردید ١٠٠، بازمی پوشانید ١٠٦، پوشیده نمائید ١١٦، پوشیده بمانید ١٢١، پنهان می شوید ١٢٦، در پرده شوید ١٢٩، بازمیپوشانند ١٣١، می پوشید ١٣٦

★ مَاكُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ: وَمَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ (٢٢:٤١)
نتوانستید شما پُوشیده داشتن ٢، نه در پرده شویت یعنی پوشیده نماییت ٣، نتوانستند پوشیده داشتن

٣٠، نتوانستید شما پوشیده داشتن ١٠٨

تَسْتَجِيبُونَ: فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِۦ (٥٢:١٧)
پاسُخ کُنید ٢، پاسخ کنیت ٣٠، پَاسُخ کُنیتْ ٥٥، پاسخ کنید ٦١، پاسخ کنند ١٠٦

تَسْتَخْرِجُوا: تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا (١٤:١٦)
بیرون آرید ١، بیرون آریت ٣، بیرون آورید ٢٩، بیرُونْ آریدْ ٥٢، بِیرُون آریت ٥٥، بدرآوری ٦٠، بیرون می آورید ٩٣، بیرون میآورید ١٢٠

تَسْتَخْرِجُونَ: وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا (١٢:٣٥)
می بیرون آرید ١، بیرون همی آورید ٣٨، بیرون گیرید ٣٩، بیرون می آریت ٤١، بیرون همی آرید ٥٦، بیرون می آرند ٦١، بیرون می آرید ٦٤، بیرون آوردن میخواهید ٧٤، بیرون آرید ١١٤، بیرون می آورید ١٣٢

تَسْتَخِفُّونَهَا: تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ (٨٠:١٦)
می سبک سنجید ١، سُبُکْ دارید ٢، سبک می داریت ٣ و ٨٠، سبک می دارید ٢٩، می خواهیت سبکی را ٤١، سبک بردارید ٤٢، سُبک همی دارید ٥٣، سُبُک مِی دَاریْت ٥٥، سبک آید ٥٦، سَبُک می دَارید ٥٧، سبک برمی دارید ٥٩، نهان دارید ٦١، آسایشی باشد ٦٢، سبک دارید ٦٧، سبک بردارند ٧٤، سبک می یابید ٧٩، سبک داریت ٨٣، همی موزه کنند ٨٨، سبک برمیدارند ٩٣، سبک میشمارید ١٠٤، سبک یابید ١١٦، سبک میدارید ١٢٠

تَسْتَرْضِعُوا: وَإِنْ أَرَدتُّمْ أَن تَسْتَرْضِعُوٓا أَوْلَٰدَكُمْ (٢٣٣:٢)
شیر دهید ٢، دایه جوییت ٣، دایه گیرَید ١٠، شیر دهندهٔ گیرید ـ دایه ٢٧، شیر دهی گیرید ٣٠، دایه گیرید ٣٩، شیر دهیت ٤١، شِیر دَهید ٤٢، شیر دهند ٤٣، دَایَه جُوییت ٥٥، شیردهنده گیرید ٥٦، دایه گیرید از بهر شیر ٥٧، خواهید شیر دهید ٦١، جوید که شیر دهد ٦٢، شیردهنده جویید ٦٣، دایَه گیرید ٧٥، شیر دهید شما ١٠٠، طلب شیردادن کنید ١٠٤، شیر دادن کنید ١١١، دایه بگیرید زنی شیردهنده ١٢٢، دایه گیرید جهة شیر ١٢٣، بدایه بدهید ١٣٥، شیردهنده جوئید ١٣٨

★ لَمْ تَسْتَطِعْ: مَا لَمْ تَسْتَطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا (٧٨:١٨)
نتوانستی ١، نتوانی ٢، نَتْوانی ٥٣، نتوَانِسْتی ٥٥، نتوانستی تو ٦١، نمی توانستی ٦٤، نه توانستی تو ٩٢، توانائی نداشتی ٩٣، نتوآنستی ١٠٠، تو ندانستی[1] ١٠٥، نتوانی ١٢٨

تَسْتَطِيعَ: فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُۥ طَلَبًا (٤١:١٨)
توانی ١١٤

★ لَنْ تَسْتَطِيعَ: فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُۥ طَلَبًا (٤١:١٨)
نتوانی ١، نتوانی ٢، هرگز نتوانی ٥٨، توانایی نداشته باشی ٩٣

~: قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا (٦٧:١٨)
هرگز نتوانی کرد ٥٨، توانایی نداری ١٠٦

~: لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا (٧٥:١٨)
نَتْوانی ٢، هرگز نتوانی کردن ٥٨

تَسْتَطِيعُوا: وَلَن تَسْتَطِيعُوٓا أَن تَعْدِلُوا۟ (١٢٩:٤)
توانید ٣٦، تُوانند ٤٥

★ لَنْ تَسْتَطِيعُوا: لَن تَسْتَطِيعُوٓا أَن تَعْدِلُوا۟ (١٢٩:٤)
نتوانید ١، نتوانید ٢، هرگز نه توانیت ٣، نه توانید ٢٧، هرگز نتوانید ٢٩، نتوانیت ٤١، نَتُوانید ٤٢، نَه توانید ٥٣، خود نتوانید ٦٢، توانایی ندارید ٦٣، هرگز توانائی ندآرید ١٠٠، نمیتوانید ١٢٣، نمی توانید ١٣٠

---

١. یکی از معانی «دانستن» توانستن است، بنابراین این معنی خالی از اشکال به نظر می رسد.

★ مَاتَسْتَطِيعُونَ: فَمَاتَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا (١٩:٢٥)
نتوانند ٢، نتوانید ٤٧، نمی توانند ٨٦، توانایی ندارید ١١٣، توانایی ندارند ١٣٨

تَسْتَعْجِلْ: وَلَاتَسْتَعْجِل لَّهُمْ (٣٥:٤٦)
شتاب خواه ٣، شتاب کن ١١٩

★ لَاتَسْتَعْجِلْ: وَلَاتَسْتَعْجِل لَّهُمْ (٣٥:٤٦)
مشتاوان[1] ١، مه شتاب خواه ٣، شتاب مَکُنْ ٢٢، مشتابان ٣٠، شتاب مکن ٣٩، مکن شتاب ٤١، شتاب منمای ٨٦، شتآب منمای ١٠٠، بشتاب مخواه ١٠٢، شتاب زدگی مکن ١١٦، شتاب مبر ١١٧، به شتاب مخواه ١٣٨

تَسْتَعْجِلُونَ: مَاعِندِي مَاتَسْتَعْجِلُونَ (٥٧:٦)
می شتاو[2] کنید ١، شما همی شَتابْ زدگی کُنید ٢، شِتاب می خواهیت ٣، شما شتاب کنید ٩، همی شتاب زدگی کنید ٢٦، شتاب می کنید شما ٢٧، شتاب می خواهید ٣٦، بشتاب همی خواهید و شتاب می کنید ٤٤، همی بشتابید ٤٨، شتاب زدگی می کنند ٥٢، شِتَابْ گَردَن مِی خَواهیت ٥٥، می شتابید ٦١، شما همی شتابید ٦٢، با شتاب می خواهید ٦٤، بشتاب همی خواهید ٨٢، همی شتاب زدگی کنیت ٨٣، بشتاب می خواهید ٨٥، شتاب زدگی کنیت ٨٨، شما بشتاب خواهید ٩٤، شتآب میکنید ١٠٠، شما بشتاب میخواهید ١٠٢، شتاب می نمایید ١٠٤، بشتاب خواهید ١٢٤، بشتاب میخواهند ١٣٤

~: قُل لَّوْ أَنَّ عِندِي مَاتَسْتَعْجِلُونَ بِهِۦ (٥٨:٦)
همی شتاب کُنید ٢، شتاب میکنید ٢٩، شتاب می کنیت ٣٠، شتاب زدگی کنید ٤٢، شتاب می کنید ٥٣، بشتاب میخواهید ٦٣، همی شتاب کنیت ٨٨، بَشتاب همی خواهید ٩٤، شما شتاب می کنید ٩٦، بشتاب میخواستید ١٠٠، شما شتاب میگیرید ١٠٤، شتاب میکنید شما ١٢٣، شتاب می نمایید ١٣٠

~: لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِٱلسَّيِّئَةِ قَبْلَ ٱلْحَسَنَةِ (٤٦:٢٧)
می شتاب کُنید ٢، می شتابیت ٤١، شتاب همی کنید ٤٦، می شتاب زدگی کنید ٤٧، شتاب مینمایید ٨٦، بشتآب میخواهید ١٠٠، میشتابید ١٣٢

~: بَعْضُ ٱلَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ (٧٢:٢٧)
همی شتاب کنید ٢، بشتاب فرامی خواهید ٢١، شما همی شتاب کنید ٤٦، می شتاب درخواهید ٤٧، شتاب کردید ٦١، بشتاب درمی خواهید ٦٤، شتاب می خواهیت ٩١، می شتابند ١٢٦، می شتاب کند ١٣٩

★ كُنتُم بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ: كُنتُم بِهِۦ تَسْتَعْجِلُونَ (٥١:١٠)
می شتاو کردید ١، شتاب می کردیت ٣، مَی شتاب زدگیِ کِردَی از پیش این ١٠، شتاب می کردید ٢٩، می شتاب کنید ٣٨، همی شتاب داشتید ٤٢، بُودیت شِتافتن خَواهَنْد گان ٥٥، شتاب همی کردید ٦٥، بودیت شتافتن خواهند گان ٨٠، شما همی شتاب کردید ٩٦، شتاب میکردید ١٠٣، بشتاب بخواهید ١٠٦

~: هَٰذَا ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تَسْتَعْجِلُونَ (١٤:٥١)
همی شتاب کردید ٢، شتاب کردیت ٣٠، بشتاب می خواستید ٥٦، شتاب میخواستید ٦٦، شتاب می خواهید ٩٦، بشتآب میخواستید ١٠٠، شتاب مینمودید ١٢٢

تَسْتَعْجِلُونِ: فَلَاتَسْتَعْجِلُونِ (٣٧:٢١)
شتاب کنید ٤٣

★ لَاتَسْتَعْجِلُونِ: فَلَاتَسْتَعْجِلُونِ (٣٧:٢١)

---

١. مشتاوان / مشتابان.
٢. شتاو / شتاب.

شتاو[1] نکنید ۱، مه شتاب جوییت ۳، شتاب مکنید ۱۲، مکنید شتاب ۴۲، بشتاب مگیرید ۵۸، مشتابانید ۶۱، شتاب زدگی مکنید ۶۷، شتاب مخواهید ۸۷، بشتاب مخواهید ۸۹، شما شتاب مکنید ۹۶، مشتابید ۱۰۳

★ لاتَسْتَعْجِلوهُ: أَتَىٰ أَمْرُ ٱللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ (۱:۱۶)
شتاو[1] مکنید ۱، مشتابید ۲، شتاب مخواهیت ۳، شتاب مَخواهیت ۱۰، مشتابید ۲۹، شتاب مخواهیت ۳۰، شتاب مکنید ۳۴، مکن شتاب ۴۱، مشتابانید ۴۲، نه شتاب کنید ۵۳، شتاب مخواهیت ۵۵، شتاب مَکنید ۵۷، مشتابی ۶۰، نه شتابید ۶۱، مکنید شتاب ۶۲، بشتاب مخواهید ۶۳، مَه شتاب خواهیت ۷۱، شتاب نکنید ۹۹، بشتاب درمخواهید ۱۰۲، شتاب مخواهید ۱۰۶

تَسْتَغْفِرْ: ٱسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ (۸۰:۹)
آمرزشت خواهی ۱، آمرزش خواهی ۲۹، خواهی آمرزش ۴۱، طلب آمرزش کنی ۱۱۳

★ لاتَسْتَغْفِرْ: ٱسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ (۸۰:۹)
آمرزشت نخواهی ۱، مخواه آمرزش ۲، نه آمرزش خواهی ۹، آمرزش مخواه ۲۷، مخواه آمرزش ۳۹، نه آمرزش خواه ۶۱، مه آمرزش خواه ۹۱، آمرزش مخوآه ۱۰۰، آمرزش نخواه ۱۱۴

★ لَمْ تَسْتَغْفِرْ: أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ (۶:۶۳)
نخواهی آمرزش ۲، نیامرزی ۳۴، آمرزش نخواهی ۳۹، آمرزش نخواهید ۸۱، نه خواهی آمرزش ۱۰۸

تَسْتَغيثونَ: إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَٱسْتَجَابَ لَكُمْ (۹:۸)
می فریاد خهستید[2]، فریاد خواستند ۲، فریاد خواستیت ۳، مَی فریاد خُواستی ۱۰، فریاد میخواستید ۲۹، فریاد می خواستی ۳۵، فریاد همی خواستید ۳۸، زینهار همی خواستید ۵۳، فریاد خواستید ۵۷، فریاد می خواستید ۵۸، زینهار همی خواستید ۶۲، بفریاد می خواندیت ۷۹، فریاد خواستید شما ۸۵، زنهار همی خواستید ۸۸، زنهار خواستید ۹۳، فریاد خوآستید ۹۴، فریاد همی خواستند ۱۰۹، فریاد خواهند ۱۱۰، فریاد میخواستند ۱۱۱، بفریاد میخواندید ۱۱۳، فریادرسی خواستید ۱۲۲، فریاد میخواستید شما ۱۲۳، فریادرسی می خواستید ۱۲۶

★ لاتَسْتَفْتِ: وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِم مِّنْهُمْ (۲۲:۱۸)
مَپُرْسْ ۲، مه پرس ۳، مپرس ۳۶، نه پرسی ۳۹، مَه پُرس ۵۵، نه پرسی تو ۶۱، نه پرس ۹۰

تَسْتَفْتِحوا: إِن تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ ٱلْفَتْحُ (۱۹:۸)
یاری خواهید ۲، گشایش می خواهیت ۳، گشایش خواهی ۳۵، گشاد خواستید ۳۸، گشایش می خَواهیت ۵۵، گشایش خواهید ۵۶، همی گشاد خواهید ۶۵، گشایش می خواهید ۸۰، گشایش میخواهیت ۹۱، یاری خواهید ۹۴، گشاد خواستی ۱۰۷، طلب نصرت کنید ۱۱۳، خواهید ۱۳۶

تَسْتَفْتِيانِ: قُضِيَ ٱلْأَمْرُ ٱلَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ (۴۱:۱۲)
همی پاسُخ جوُیید ۲، پرسیدی ۲۴، پرسید ید ۳۶، می پرسید یت ۴۱، می پرسید ند ۴۳، همی پاسخ جوئید ۵۲، می پُرسیدِیت ۵۵، می پُرسید ۵۶، پاسخ جوییت ۸۳، می پرسیت ۹۱، پرسیدید شما ۹۳، پاسُخ همی جویید ۹۴، همی پاسخ جویید ۹۶، همی پاسخ جویند ۱۰۵، پاسخ همی خواهید و پرسش می کنید ۱۰۹، می پرسید ۱۱۴

تَسْتَقْدِمُونَ: لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ (۳۰:۳۴)
پیش روید ۲، پیش رویت ۳، پیشتر شوید ۷، پیش

---

۱. شتاو/ شتاب.
۲. می فریاد خهستید: فریاد می خواستید.

باز شوند ۱۸، پیش افتند ٤١، فراپیش شوند ٤٩، فراپیش برند ٥٢، پیش شوید ٥٦، فراپیش روید ٨٩، پیش بشوند ٩١، فراپیش توانید رفت ١٠٠، پیشتر روید ١٠٨، فراپیش شوید ١٠٩، پیشی گیرید ١١١

★لاَ تَسْتَقْدِمُونَ: لَّا تَسْتَـْٔخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ (٣٠:٣٤)

پیش نشید ١، نه پیش بازشوند ٤٧، پیش نشوید ٥٨، درپیش نروید ١١٣، نه پیشی گیرید ١١٦، فراپیش نتوانید شد ١٢٦، پیشی نتوانند جست ١٣٢، نه پیش افتید ١٣٦

تَسْتَقْسِمُوا: وَأَن تَسْتَقْسِمُواْ بِٱلْأَزْلَـٰمِ (٣:٥)

بخشست[1] کنید ١، بخشش کنید ٢، بخشش خواهیت ٣، وابشخَید ١٠، بازبخشید ٢٤، بخش کنید ٢٩، بَخش کُنید ٤٢، ببخشید ٥٣، بَخش خَواهِیْت ٥٥، بهرجوئید ٥٧، سوگند خورید ٦١، بخشش کنیت ٨٣، بَخْشِشْ کنید ٩٤، بخش خواهید ١١٤، بخشید ١٢٤

تَسْتَكْبِرُونَ: وَكُنتُمْ عَنْ ءَايَـٰتِهِۦ تَسْتَكْبِرُونَ (٦:٩٣)

می بزرگ منشتی کردید ١، گردن کشی می کردیت ٣، گردن کشان ٩، بزرگ منشی کردید ١٠، همی بزرگ منشی کردیت ١٠ مکرّر، گردن کشید گان ٢٤، بزرگ منشی می کردید ٣٦، بزرگ منشی می کنیت ٤١، بزرگ منشی گردِید ٤٢، گردن کشی کننده گان ٤٣، گردَن کشی می کردید ٥٣، گردن کشی می کردید ٥٦، بزرگواری می کردی ٥٧، بزرگی میکردید ٦١، بزرگ منش ٦٢، گردن کشی میکنید ٦٣، بزرگ منشی می کنید ٦٩، می بزرگ جستید و گردن کشیدید ٧٥، گردن کشی می کنید ٨٥، گردنکشی میکردید ١٠٠، گردن کشی میکردید ١٠٦

★ كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ: وَمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ (٧:٤٨)

گردن کشی کردیت ٣، بزرگی همی جستید ٤٥، بزرگ منشی همی کردید ٥٦، بزرگی کردید ٦١، گردن کشی کردید ٦٣، می کردید سرکشی ٦٤، گردنکشی کردید ١٠٠، شما بزرگی کردید ١٠٣، گردن کشی همی کردید و بزرگ منشی ١٠٩، سرکشی میکردید ١١١، گردن کشی میکردند ١٢٠، گردنگشی می کردید ١٢٦

~: بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ (٤٦:٢٠)

همی گردن کشی کنید ١٧، شما بزرگی می کردید ٣٩، سربزرگی می کردیت ٤١، بودید گردن کشی کنند گان ٦١، شما سرکشی می کردید ٦٤، سرکشی کردید ٧٨، می گردن کشی کردیت ٨٠، بودید بزرگ منشی کرد گان ١٢٤

تَسْتَكْثِرُ: وَلَا تَمْنُن تَسْتَكْثِرُ (٧٤:٦)

بازستانی بیشتر ٣، بیش می خواهی ٦، بیشتر بستانی ٤٢، بیشتر چشم داری ٧٢، بسیار پنداری ٩٢، بسیار کردن ٩٦، بسیار کردن خواهی ٩٩، بسیار گردد ١٠٨، زیادت واستانی ١١٣، بیشتر بازستانی ١١٤، بسیار بستانی ١١٧، بسیار شماری ١٣٥، بسیار شمری ١٣٦

تَسْتَمِعُونَ: قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُۥٓ أَلَا تَسْتَمِعُونَ (٢٦:٢٥)

می شنوید ٥٦، اشنوی ٩٤

★ لاَ تَسْتَمِعُونَ: قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُۥٓ أَلَا تَسْتَمِعُونَ (٢٦:٢٥)

بنیوشید ١، نمی شنوید ٢، بنشنوید ٢٠، نمی شنوید ٢٩، همی نشنوید ٣٠، نشنوید ٣٩

تَسْتَهْزِءُونَ: كُنتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ (٩:٦٥)

افسوس می کنید ٣٦، فسوس می کنید ٤٢، افسوس

---

١. بخشست کنید / بخش کنید.

میکنید ٦٧، افسوس می دارید ٧٩، فسوس میکنید ١٠٣

★ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ: كُنتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ (٩: ٦٥)
می اوسوس کردید ١، فسوس می کردیت ٣، شما افسوس کردید و کنید ١٠، افسوس کنان ١١، هستید شما افسوس کنند گان ٢٧، افسوس می داشتید ٢٩، افسو کنند گان ٤١، فسوس کردید ٤٩، افسوس می کردید ٥٦، فسوس میکردید ٦١، شما بازی همی گردید ٦٢، افسوس کردید ٩٦، هستید افسوس دارند گان ١١٤، افسوس کنند گان ١٢١، هستید شما فسوس کنند گان ١٢٤

لِتَسْتَوُوا: لِتَسْتَوُۥاْ عَلَىٰ ظُهُورِهِۦ (٤٣: ١٣)
راست شویت ٣، راست بیشتید ٢٢، برنشینید ٢٤، راست شوید ٢٩، راست باشید ٣٠، راست شویت ٣٢، راست بایستید ٣٨، راست باستید ٤٢، راشت بباشید ٥٣، راست بیستید ٦٩، راست بیستی ٨١، راست بایستد ١٠٨، راست باشد ١٢٤، راست نشینید ١٣٢

تَسْتَوِي: أَمْ هَلْ تَسْتَوِي ٱلظُّلُمَٰتُ وَٱلنُّورُ (١٣: ١٦)
برابر باشد ٢، برابر باشند ٥٥، راست بود ٦٠، هست برابر ٦١، برابر بود ٦٧، یکسانست ٩٣، یکسان بود ٩٤، یکسان باشند ١٠٠، یکسان باشد ١١٣، برابر میشود ١٢٠

★ لاَ تَسْتَوِي: لَا تَسْتَوِي ٱلْحَسَنَةُ وَلَا ٱلسَّيِّئَةُ (٤١: ٣٤)
گراگر[1] نیند ١، برابر نباشد ٢، برابر نه باشد ٣، نه برابر باشد ١٥، راست نباشد ٢٩، برابر نیاید ٣٤، نباشد برابر ٤١، یکسان نباشد ٤٣، یکسان نباشد ٥١، یک سان نباشد ٥٣، هرگز برابر نباشد ٦٤، نه باشد برابر ٦٩، برابر نیست ٩٢، برابر نباشد ١٠٢، برابر نیستند ١٢١

لِتَسْحَرَنَا: مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِۦ مِنْ ءَايَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا (٧: ١٣٢)
جادوی کنی ١، چشم ما وابندی ١٠، بفریبی ٢٩، جادوی کند ٣٥، جادوی کنی تو ٦١، برگردانی ٦٢، جادوئی کنی ٦٤، جادو کنی ٨٣، جادویی کنی ١٠٩، جادویی کنی تو ١١٣

تُسْحَرُونَ: سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّىٰ تُسْحَرُونَ (٢٣: ٨٩)
می جادوی کرده شید ١، فریفته می شویت ٣، همی گویند دروغ ٢٤، می فریبند شما را ٢٩، همی پوشیده کنند بر شما ٣٠، بازداشته شدند ٣٩، بجادویی می کند شما را ٤٧، گردانید شما را ٥٤، جادوی کنندتان ٥٦، فریفته می شوید ٧٧، گردانیده می شوید ٧٨، بدروغ داشته میشوید ١٠٠، فریبانیده می شوید ١٠٣، کوری کنید ١٠٥، فریب یافته میشوید ١٠٦، بازگردانیده می شوید ١٠٩، فریب داده می شوید ١١١، فریفته شوید ١١٤، می جادوی کنید ١١٩، فریب داده میشوید ١٢٢، برگردانیده میشوید ١٣٨

تَسْخَرُوا: قَالَ إِن تَسْخَرُواْ مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنكُمْ (١١: ٣٨)
اوسوس[2] کنی ١، فسوس می کنیت ٣، شما افسوس می دارید ٢٩، فسوس دارید ٤٢، افسوس کنید ٥٢، همی فسوس کنید ٩٤، شما افسوس میکنید ٩٩، افسوس میدارید ١٠٤، میخندید ١١٥، افسوس دارید شما ١١٨، ریشخند می کید ١٣٦

تَسْخَرُونَ: فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ (١١: ٣٨)
می اوسوس کنید ١، افسوس دارید ٢٩، افسوس کنیت ٤١، فسوس کنید ٥٣، افسوس میکنید ٥٨، فسوس کردید ٦٤، افسوس کنید شما ٩٩، افسوس کنند ١٠٥، استهزاء می کنید ١١٦، فسوس

---

١. گراگرنیند: برابر نیستند.

٢. اوسوس / افسوس.

می کنید ۱۲٤

تَسُرُّ: فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ ٱلنَّـٰظِرِينَ (۲:۶۹)
شادمانه گرداند ۲، شاد می کند ۳، شاد کُند ٤، شاد کند ۱۰، شادی آورد ۲۹، خوش کند ۳٦، شاکند ٤۰، شادمانه گرداند ۵۲، شاد گرداند ۵۳، شاد مي كُند ۵۵، شادمانه کند ۸۰، شادمان گرداند ۸۲، شاد گرداند ۸٤، شاد گرد آند ۹٤، شاد میگرداند ۱۰٤، شاد میکند ۱۱٤، شادمان کند ۱۲۱، خوش می آید ۱۲۲

تَسْرَحُونَ: حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ (۱۶:۶)
بچرا برید ۱، بچرانیت ۳، از چرا باز آری ۲٤، بچرا گذارید ۲۹، بخوابیت ۳۰، بچرا می گذارید ۳٦، رانیت بچراگاه ٤۱، شبانگاه کسی[1] کنید ٤۲، گسی[1] کند ۵۲، همی چَرانید ۵۳، بِچَرانیت ۵۵، دَر بام بچَرا گذارید ۵۷، بچرا می گذارید با مداد ۵۹، بچراگاه برند ٦۲، بچرا فروگذارید ٦۵، بچراگاه بیرون برید ٦۷، بیرون فرستید ۷۲، بچرا روند ۷٤، بچرا رها می کنید ۷۹، بامیداد گُسیل کنیت ۸۳، بچرا برید بامداد ۹۲، بچرا میگذارید ۹۳، با مداد فرستید ۹٤، بچرا می فرستی ۹۵، با مداد گسیل کنید ۹۸، رها میکنید ۱۰۰، با مداد بچرا می برید ۱۰۲، بچراگاه باز گذارید ۱۰۹، بیران میکنید ۱۱۱، بام داد که بچرا گذارید ۱۱۳، میچرانید ۱۱٤، بیرون می کنید بچراگاه ۱۱٦، با مداد بچرا روند ۱۱۹، میفرستید ۱۲۰، سردهید ۱۲۱، بیرون کنید شان بچراگاه ۱۲۲، با مداد بفرستید ۱۲٤، بیرون شوند بچرا ۱۲٦، بیرون کنید ۱۲۷، میفرستید بچراگاه ۱۳۰

تُسْرِفُوا: كُلُوا وَٱشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوٓا (۷:۳۱)
گزاف کاری کنیت ۸۰

★ لاتُسْرِفُوا: وَلَا تُسْرِفُوٓا (٦:۱٤۱)
توهی[2] مکنید ۱، گزاف کاری مکنیت ۳، مدَهید ۱۰، فسبت مکنید ۵۲، نیست مکنید ۱۲٤، گذاف کاری مکنید ۱۲۹

~: كُلُوا وَٱشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوٓا (۷:۳۱)
از اندازه مگذرید ۲، نه گزاف کاری کنیت ۳، گزافکاری مکنید ۲۱، گزاف کاری مکنید ۲۷، از اندازه مگذرید ٤۲، مه کنید تباه کاری ۱۰۷، درمگذرید از اندازه گزاف مکنید ۱۰۹، گزاف کاری نکنید ۱۱٤، نه گزاف کاری کنید ۱۱۹

تُسِرُّونَ: ٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (۱۶:۱۹)
می پنهام[3] کنید ۱، پنهان دارید ۲، پنهان می کنیت ۳، پنهان می کنید ۲۹، نهان می کنیت ۳۰، نهان می دارید ۳٦، نهان می کنید ٤۱، نهان دارید ٦۱، پَنهان می کُنید ٦۲، پنهان می دارید ٦٤، پنهان می کنید شما ۸۹، می پوشید ۱۱٤، نهان میدارید ۱۲۲، پنهان کنید ۱۲۸

~: تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِٱلْمَوَدَّةِ (٦۰:۱)
پنهان همی کُنید ۲، پنهان میکنی ۲۹، پنهان همی کنید ۳۰، پنهان کردید ۳۹، نهان می داریت ٤۱، پنهان کُنید ٤۲، راز می گویند ۵٦، پنهان میکنید ٦۱، راز همی گویند ۷۸، پنهان می داریت ۸۰، پنهان می روید ۹۲، نهان میکنید شما ۹۹، پنهان میدارید ۱۰۲، راز میگویید ۱۱۱، نهان میکنند ۱۱۳، پنهان میفرستید ۱۱٦، راز میگویند ۱۲۳، پنهان می اندارید ۱۳۸

~: وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (٦٤:٤)
پنهان کنید ۲، پنهان داری ۲۹، پوشیده دارید ۳۹،

---

۱. گسی / گسیل.
۲. توهی / تباهی.
۳. پنهام / پنهان.

شما پنهان می دارید ٦٤، نهان می کنیت ٨٠، نهان میداریم ١٢٢!، پنهان می کنند ١٣٨

تَسْرِيحٌ: أَوْتَسْرِيحٌ بِإِحْسَٰنٍ (٢:٢٢٩)
گسید[1] کردن ١، رها کردن ٣، گسی[2] کردن ١٠، دست بازدارد ٢٤، گذاشتن ٢٧، بگذاشتن ٣٤، بگسستن ٤١، رها گردن ٤٢، رها باید کردن ٥٢، گسیل باید کردن ٥٣، رها گردن ٥٥، گسی کردن ٦٣، دست بازداشتن ٨٢، دست باید داشتن ٨٣، گسیل کردن ٨٨، براه کردن ١٠١، سردادن یا گذاشتن ١٠٢، روان کردن ١٠٩، بازفروختن ١٢٤، گسیل باید کردن ١٢٧، رها دادن ١٣٠، لَبیک کند ١٣٨

★ لَمْ تَسْطِعْ: مَالَمْ تَسْطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا (١٨:٨٢)
نتوانستی ١، نتوانستی ٢، تو نتوانستی ٤٢، نَتْوانستی ٥٣، نمی توانستی ٥٨، نتوانی ٦٣، توانایی نداشتی ٩٣، نتو آنستی ١٠٠

تِسْعَ: وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ ءَايَٰتٍ بَيِّنَٰتٍ (١٧:١٠١)
نُه ٢

~: تَخْرُجْ بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوٓءٍ فِى تِسْعِ ءَايَٰتٍ (٢٧:١٢)
نه ١

★ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ: لَهُۥ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً (٣٨:٢٣)
نود و نه ٤٣

تِسْعًا: وَٱزْدَادُواْ تِسْعًا (١٨:٢٥)
نوه ٣، نُوه ٥٥

تِسْعَةُ: تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ (٢٧:٤٨)
نه ٢٩، نوه ٤١

★ تِسْعَةَ عَشَرَ: لَوَّاحَةٌ لِّلْبَشَرِ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ (٧٤:٣٠)
نوزده ١، نُوزْدَه ٣٠، نویزده ١٠٥، نانزده ١٠٦، نوانزده ١١٣

تِسْعُونَ: لَهُۥ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً (٣٨:٢٣)
نود ١

تَسْعَىٰ: لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا تَسْعَىٰ (٢٠:١٥)
کار کرد ١، کند ٢، می کوشد ٣، کرده باشد ٢٤، می کند ٣٩، کردست ٤٢، کرد ٤٣، بکند ٥٨، کرده باشند ٦٢، کوشش مینماید ٨٦، کار کند ٨٧، بشتافت ١٠٠، کوشش کند ١٠٢، همی دود ١٠٩، همی کند ١٢٨

~: فَأَلْقَىٰهَا فَإِذَا هِىَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ (٢٠:٢٠)
می رفت ١، همی دَوید ٢، همی رفت ٢٤، می دوید ٢٩، دوید ٣٠، بِرفت ٤٢، روان ٤٣، دوان ٥٦، می رفتی ٥٨، می شتافت ٧٩، میرفت ٩٠، رفت ٩٢، زنده و برفت ١٠٥، شتابان ١٢١، میشتافت ١٢٣

~: يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ (٢٠:٦٦)
همی دوَند ٢، می رود ٢٤، همی دوید ٣٤، همی رود ٥٣، می دود ٥٨، می دوند ٦٤، می شتابد ٧٩، میروند ٩٢، بروند ١٠٥، همی دوند ١٠٨، می روند ١٢١، میرود ١٢٨، می شتابند ١٣٢، میدود ١٣٦، همی برود ١٣٩

تَسْفِكُونَ: لَا تَسْفِكُونَ دِمَآءَكُمْ (٢:٨٤)
ریزید ٢، ریزیت ٣، رَیزَید ١٠، بریزید ٥٣، رِیزیتْ ٥٥، بریزید تان ٦١، می ریزید ١٠٩

★ لَا تَسْفِكُونَ: لَا تَسْفِكُونَ دِمَآءَكُمْ (٢:٨٤)
نه رَیزَیْد ١٠، نریزی ٢٤، نریزید ٢٩، مریزید ٤٢، بنه ریزید ٥٧، همی نکشی و نریزی ٦٠، بنریزید ٦٢، خون یک دیگر نه ریزید ٦٣

تَسْقُطُ: وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا (٦:٥٩)
اُفتد ٢، بیفکند ٩، افتد ٢٧، ریزد ٧١، می افتد ٨٠،

---

[1] گسید / گسیل.
[2] گسی / گسیل.

اُفتند، بیفتد ۸۸

★ما تَسْقُطُ: وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا (۶: ۵۹)
بنیفتد ۱، نه اُفتَد ۲، بنیوفتد ۲۴، نه افتد ۲۶، نیفتد ۲۹، نمی‌افتد ۳۰، فرو نیفتد ۴۳، هیچ نیفتد ۴۴، نَمی اَفْتَد ۵۵، بنه افتد ۵۷، نافتد ۸۳، نَیُفْتَدْ ۹۴، نه یفتد ۱۲۷، جدا نشود ۱۳۶

تُسْقِطَ: أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا (۱۷: ۹۲)
بیوکنی[1] ۱، بفکنی ۲، افکنی ۳، ورِاوکنی[2] ۲۴، بیفکنی ۲۹، فرواندازی ۴۱، فرود آری ۴۳، اَفگنی ۵۵، بیفتد ۵۹، افکنی تو ۶۱، فرود افکنی ۶۴، فروافکنی ۶۷، بیفکنی تو ۸۹، بیندازی ۱۰۰، فروفکنی ۱۲۹، فروداندازی ۱۳۴

تَسْقِي: وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ (۲: ۷۱)
آبْ دَهد ۲، آب گشَد ۱۰، آب داده بود ۲۴، کشد آب ۴۰، آب دهَد ۴۲، آب دهنده ۴۳، آب دَهَد ۵۵، آب کشیدهٔ باشد ۶۱، آب کشندهٔ باشد ۶۲، آب دهند ۶۳

★ لاتَسْقِي: وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ (۲: ۷۱)
آب نداد ۳۶، نه آب کشیده ۸۴، آب ندهد ۱۱۱

تُسْقَى: تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ (۸۸: ۵)
بخورد دهندش ۲، بخورانندش ۳۰، خورانیده شود ۶۱، باخورد داده شود ۷۹، آب داده شود ۸۷، آب داده شوند ۱۰۰، درخورد دهند ۱۰۶، درخورد دهند ایشانرا ۱۱۱، آشامانیده شوند ۱۲۰، آشامانید ۱۲۲، آشامیده شوند ۱۲۳، آب دهند ۱۲۶، درخور دادهٔ شود ۱۳۴

تُسْكَنْ: لَمْ تُسْكَن مِّن بَعْدِهِمْ (۲۸: ۵۸)
آرام گرفته شد ۱۰۹

★ لَمْ تُسْكَنْ: لَمْ تُسْكَن مِّن بَعْدِهِمْ (۲۸: ۵۸)
نباشیدندْ ۲، نه باشنده شد ۳، نیارامند ۲۴، نباشیدند ۳۰، آرام نگرفت ۴۷، آرامیده نشوند ۵۶، نه باشیده شدند ۸۰، نه آرام گرفت ۸۸، نه باشنده شد در آن جایها ۹۱، ننشستند ۱۰۳، آرام نگرفتند ۱۰۶، باشیده نشد ۱۱۴

لِتَسْكُنُوا: جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ (۱۰: ۶۷)
بیارامید ۱، بیارامید ۲، بیارامیت ۳، بَیارامَید ۱۰، بیارامید ۴۲، بِیارمیْت ۵۵، بیارامی ۶۰، بیارامید تان ۶۱، بیارانید ۱۳۵

~: جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ (۲۸: ۷۳)
می آرامند ۲۱، آرام گیرید ۳۴، آرام گیریت ۴۱، آرمیده شوید ۱۱۴

~: خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا (۳۰: ۲۱)
بیارامید شما ۵۸، آرامید ۷۴، آرام یابید ۱۳۲

~: جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ (۴۰: ۶۱)
تا بیارامید ۱۵، بیارَامید ۴۲، بیارامیدْ ۵۳، آرامیت ۸۰، آرم گیرید ۱۱۳

تَسْكُنُونَ: يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ (۲۸: ۷۲)
آرامگیریت ۴۱، بیآرامید ۴۳، آرام گرفتی ۴۷، بِیارمیْد ۵۳، بیارامید ید ۶۱، آرام گیرید ۱۰۰

لِتَسْلُكُوا: لِّتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا (۷۱: ۲۰)
بروید ۱، درآییت ۳، می روید ۶، همی روید ۲۴، بروی ۲۹، برویت ۳۰، بَروید ۴۲، درشوید ۴۳، بروید شما ۵۶، تا بروید ۷۹، دراییت ۸۰، سِپَرید ۱۰۴، بروند ۱۰۸، میروید ۱۱۱، درآرید ۱۱۴، بسپرید ۱۳۲

تُسَلِّمُوا: حَتَّىٰ تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا (۲۴: ۲۷)

---

۱. بیوکنی / بیفکنی.
۲. ور اوکنی / برافکنی.

درود دهیت ۳

نُسْلِمُونَ: لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ (۸۱:۱۶)
نرم شید ۱، گردن نهید ۲، گردن دهیت ۳، بگروی ۲٤، گردَن دهیْت ۵۵، گردن نهیت ۸۳

تَسْلِيمًا: وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (٦٥:٤)
نرم شدن ۱، گردَن نهادن ۲، سپردن ۳، پذیرفتن و گردن نهادن ۱۰، گردن نهادَن ٤۲، بَسُپُردَن ۵۵، گردن فرونهادن ۵۷، تن دادن ۱۰۹

~: وَمَازَادَهُمْ إِلَّآ إِيمَـٰنًا وَتَسْلِيمًا (۲۲:۳۳)
گردن نهادن ۲، تن دردادن ۲۹، تن درنهادن ٤۲، گَرْدَنْ نَهادَنْ ۵۳، گردن نهادن فرمان ٦٤، گردن دادن ۹۱

~: صَلُّوا۟ عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا (۵٦:۳۳)
آفرین کردن ٤۷

تَسْمَعُ: أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا (۹۸:۱۹)
اشنی[1] ۱، همی شنوی ۲، می شنوی ۲٤، همی اشنوی ۳٤، شنوی ٤۲، میشنوی ۱۳۲، میشنواد ۱۳۳

~: وَإِن يَقُولُوا۟ تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ (٤:٦۳)
بشنوی ۳۹، بشنود ۸۱، تو می شنوی ۹٦، گوش کنی ۱۰۳، گوش دهی ۱۳٦

~: لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَـٰغِيَةً (۱۱:۸۸)
شنود ۳۹

★ لاتَسْمَعُ: فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا (۱۰۸:۲۰)
نیشنی[2] ۱، نشنوی ۲، نشنود ۳۰، نَشْنَوی ۵۳، نشنوی تو ۵۸، نشنوی ٦۱

~: فِى جَنَّةٍ عَالِيَةٍ لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَـٰغِيَةً (۱۱:۸۸)
نَشنوی ۲، نشنودی ۳۰، نشنوند ٦٤

تُسْمِعُ: أَفَأَنتَ تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا۟ لَا يَعْقِلُونَ (٤۲:۱۰)
می اشنوانی ۱، شنوانی ۳، بشنوندی ۱۰، شنوانیدن ۱۳، می شنوانی ۲٤، بشنوانی ۲۷، شنوا می کنی ۲۹، توانی شنوانیدن ٤۸، شنَوانی ۵۳، شِنَوانِی ۵۵، بتوانی شنوانیدن ۵٦، شنوا توانی کرد ۵۸، اشنوای ۷۵، بتوانی شنیدن ۸۵، شِنَوانِی ۹٤، شنو آنید ۱۰۰، میشنوی ۱۱۱، شنوانید ۱۲۲، توان شنیدی ۱۲۷، میشنوانی ۱۳۰، توانی شنوا گردانی ۱۳٦

~: إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِـَٔايَـٰتِنَا (۸۱:۲۷)
بشنود ۸۷

~: إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِـَٔايَـٰتِنَا (۵۳:۳۰)
اشنوانی ١٤

~: أَفَأَنتَ تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ أَوْ تَهْدِى ٱلْعُمْىَ (٤۰:٤۳)
اشنوا کنِی ۲۲، شنوا توانی کردن ۲٤، شنوانی ۳۲، همی شنوید ۸۱، شنوا کنی ۸۸، بتوانی شنوانید ۱۰۰، توانی شنوانید ۱۰۳، توانی شنیدن ۱۰۸، شنوا توانی کرد ۱۳٦، شنوانید ۱۳۹

★ إِنْ تُسْمِعُ: إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِـَٔايَـٰتِنَا (۸۱:۲۷)
نیشنوانی ۱، نشنوانی ۲، نشنوانی و درنیاوانی ٤۷، تو نتوانی شنوانیدن ۵۳، نشنود ٦۱، نشنوانی تو ۱۰۳، نتوانی شنوانیدن ۱۰۸

~: إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِـَٔايَـٰتِنَا (۵۳:۳۰)
نه اشنوانی ١٤، نشنوند ٦۱، نتوانی شنوانید ۱۰۰، نمی شنوانی ۱۰۳

★ لاتُسْمِعُ: إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ ٱلْمَوْتَىٰ (۸۰:۲۷)
نیشنند[3] ۱، نتوانی شنوانیدن ۲، نه توانی شنوانی ۲۱، نه توانی شنیدن، نه توانی شنوانیدن ٤٦،

---

۱. اشنی / شنوی.
۲. نیشنی / نشنوی.
۳. نیشنند / نمی شنوند.

نشنواني - درنياواني ٤٧، نتواني كه بشنواني ٥٦، نتوانيد شنوانيد ٦١، بنه تواني شنوانيدن ٦٢، نتوانيد ی شنوانيد ٦٤، بنتواني شنوانيدن ٨٩، تو نشنواني ٩٦، سخن نمی تواني شنوانيد ١٠٣، تو نمی تواني شنونيد ١١١، نبتواني شنوانيدن ١١٧، نمی شنواني ١٢٢، نميشنواني ١٣٠، تو بنتواني شنوانيد ١٣٤

~: فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ (٣٠:٥٢)

نيشنواني ١، نتواني شنيدن ٥٢، نه شنواني ٨٠، نمی تواني شنوانيد ١٠٣، نشنواني - نتواني دريابانيد ١٠٩، نميتواني شنوانيد ١٣٦

وَلَتَسْمَعُنَّ: وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ (٣:١٨٦)

می اشنند ١، بشنويد ٢، بشنويت هر آينه ٣، بشنويد ١٠، شنويد شما ٢٤، شنويت هر آينه هر آينه ٣٠، بشنوند ٣٦، بشنويت ٤١، بشنويد ٤٢، می شنويد شما ٥٦، بشنوانند ٦٠، گوش داريد ٦١، شنويد ٦٣، هر آينه بشنويد ٦٤، شما بشنويد ٩٦، خواهيد شنيد ١٢٣، شنوند ١٢٩، می شنويد ١٣٨

★ لَا تَسْمَعُوا: لَا تَسْمَعُوا لِهَٰذَا الْقُرْآنِ (٤١:٢٦)

منيوشيد ١، مه شنويت ٣، مشنويد ١٥، مكنيد گوش ٢٤، مشنويت ٣٠، مشنوند ٣٨، گوش مداريت ٩١، نشنويد ٩٦، نه شنويد ١١٤، گوش نداريد ١٢١، مه شنويد ١٢٤

تَسْمَعُونَ: وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ (٨:٢٠)

می اشنيد[1] ١، می شنويد ١٠، می شنوی ٢٤، می شنويد ٢٩، می شنويت ٣٠، می اشنويد ٣٤، همی شنويد ٥٣، هميشنويد ٩٣، ميشنويد ١١١، می شَنَويد ١٢١

★ لَا تَسْمَعُونَ: أَفَلَا تَسْمَعُونَ (٢٨:٧١)

نمی اشنيد ١، نمی شنويد ٢١ و ٦٤، نمی شنويت ٤١، می درنياويد ٤٧، نشنويد ٥٣، نشنويد و فرمان نكنيد ٥٨، همی نشنويد ٦٢، نميشنويد ١٣٢

تُسَمَّىٰ: عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلْسَبِيلًا (٧٦:١٨)

نام كرده شهد[2] ١، نام كرده می شود ٣، آنرا برخوانند ٢٤، خوانند آنرا ١٠٥، نام نهاده شده ١١١، نام كرده شده ست ١١٣، ناميده ميشود ١٣٥، ناميده شود ١٣٦، نام نهاده باشند آنرا ١٣٨

تَسْمِيَةَ: لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنْثَىٰ (٥٣:٢٧)

نام كردن ١، نام نهادن ٢٩، نام دادن ٣٠، نام ٩٠، نام نهادن ١٠٠، نام نهاد ١١٣، ناميدن ١٢٢

تَسْنِيم: وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ (٨٣:٢٧)

شراب و نيكان خوش بوی ٤١، شراب بهتر بهشت ١٠٩، چشمه ١٢٠، چشمهٔ آب ١٢٤، كاسنی ١٣٦

تَسْوَدُّ: يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ (٣:١٠٦)

سيه شهد ١، سياه شود ٢، سياه بود ٣، سِيَه بُوَد ١٠، سياه گردد ٢٣، سيه انگيرد ٢٧، سياه باشد ٣٨، سياه باشند ٤٣، سياه بشود ٤٨، سِيَاه شَوَد ٥٥، سياه شوند ٥٦، سياه باشد ١٠٠، تيره گردد ١٢٢

تَسَوَّرُوا: إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ (٣٨:٢١)

درشدند ١، بَر شُدند ٢، برشدند ٣، بيرُون آمدند ٢٢، درآمدند ٢٤، ببالا شدند ٢٩، درشد ٣٣، بيرون آمدند ٣٨، درشدند و فرود آمدند ٣٩، بجستند ٤٢، بيرون آمَدند ٥٣، برفتند ٥٦، برآمدند بر ديوار ٧٩، می رفت ٨١، راست كردند ٨٧، از ديوار برآمدند ١٠٢، برآمدند بديوار ١٠٤، از بالا درآمدند ١٠٦، بالا رفتند ١١١، برآمدند ١١٣، برامدند، برشوند ١٣٣

تُسَوَّىٰ: لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ (٤:٤٢)

گراگرا كرده[3] شی ١، راست كنندی ٢، برابر

---

١. می اشنيد / می شنويد.

٢. نام كرده شهد / نام كرده شود.

٣. گراگر كرده شی: برابر كرده شود؛ هموار و راست كرده شود.

کرده شدی ۳، برابر بکُنند ۱۰، راست کنند ۲۴، هموار کرده شود ۲۷، راست بکنندی ۲۹، یکسان کرده شود ۳۶، همسان کرده شود ۳۹، برابر بکنند ۴۰، راست کُنند ۴۲، راست کنید ۵۳، بَرابَر کَرْده شُدِی ۵۵، راست کردندی ۵۷، هم‌سان کرده شود ۵۸، برابر شدی ۶۱، یکسان کردند ۶۳، برابر باشد ۷۵، راست کندی ۸۲، برابر کرده شوی ۹۷، یکسان کرده شدی ۱۰۰، هامون کرده شود ۱۰۹، راست کرده شود ۱۱۱، هموار کردندی ۱۱۲، هموار شده ۱۲۲، هموار کنند ۱۳۶، یکسان گردندی ۱۳۸

تَسیرُ: وَتَسِيرُ ٱلْجِبَالُ سَيْرًا (۱۰:۵۲)
بروند ۱، بَرود ۲، رود ۳، برود ۲۴، برخیزند ۴۱، بروَند ۵۱، روان شود ۶۴، روانه شود ۷۹، در روش آید ۸۱، روان شوند ۹۰، روند ۹۶، روان گردند ۱۰۰، رَوَد ۱۰۴، روان گردد ۱۳۴

تُسِیمُونَ: وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (۱۰:۱۶)
می چرانید ۱، می چرانیت ۳، چرا کنند ۲۴، همی چرانید ۳۸، بچرانید ۳۹، فربه می کنیت چهارپا ۴۱، چَرانیت ۵۵، چرانید ۵۷، می چرانی ۶۰، همی چرانند ۶۲، میچرانید ۹۳، بچرانند ۱۲۶

تَشَاءُ: مَٰلِكَ ٱلْمُلْكِ تُؤْتِى ٱلْمُلْكَ مَن تَشَآءُ (۲۶:۳)
خُواهی ۲، خواهد ۵۶، خِواهی ۵۸، بخواهی ۶۱، می خواهی ۹۷، میخواهی ۱۱۱

~: وَتَهْدِى مَن تَشَآءُ (۱۵۵:۷)
خواهی ۱، تو خواهی ۹۶، خوآهی ۱۰۰

~: وَتُـْٔوِىٓ إِلَيْكَ مَن تَشَآءُ (۵۱:۳۳)
خواهی تو ۶۱

تَشَاءُ ونَ: وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ (۲۹:۸۱)
خواهید ۳۰، خواهید شما ۱۳۸، خواهید شمان ۱۳۹

★ مَا تَشَاءُ ونَ: وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ (۳۰:۷۶)
نخواهید شما ۱۰۰، نمیخواهید ۱۳۰، نمی توانید خواست ۱۳۲

~: وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ (۲۹:۸۱)
نمی خواهید ۱، شما نخواهی ۲۹، نمیخواهید شما ۹۹، نخواهید ۱۰۰، شما نخواهید ۱۰۸

تَشَابَهَ: إِنَّ ٱلْبَقَرَ تَشَٰبَهَ عَلَيْنَا (۷۰:۲)
پوشیده شد ۳، مانِستَه شد ۴، پَوشیده گشت ۱۰، مانند یک دیگر ۴۹، پوشیده گشتند ۵۲، دشوار همی افتد ۵۳ و ۹۴، پُوشیِده شُد ۵۵، پوشید گشت ۵۷، مانند‌ه شده است ۱۰۰، مانند‌ه شده ۱۰۲، بهم مانند‌ه شد ۱۰۹، پوشیده شده ۱۲۱، پوشیده [است] ۱۲۴، شد پوشیده ۱۲۷

~: فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَٰبَهَ مِنْهُ (۷:۳)
مانسته شد ۱، ماننده یک دگرْست ۲، پوشیده ست ۳، مانَند یَکدیگرَست ۴۲، با یک دیگر مانسته شد ۴۹، پُوشیده شد ۵۵، ماننده شده است ۵۶، ماننده است ۸۲، مانند یکدیگر است ۸۴، ماننده دیگر است ۹۴، بهم ماننده است ۱۰۰، مانند یکدیگر ۱۰۵، مانند است یکدیگر را ۱۲۴

~: خَلَقُوا۟ كَخَلْقِهِۦ فَتَشَٰبَهَ ٱلْخَلْقُ عَلَيْهِمْ (۱۶:۱۳)
مانند شد ۵، ماننده شد ۲۹، پوشیده می شود ۳۶، پوشیده گشت ۴۲، مانند یک دیگر است ۵۳، پُوشِیدَه شُدْ ۵۵، پوشیده باشد ۹۱، ماننده شداست ۱۰۰، مانند شود ۱۰۲

تَشَابَهَتْ: تَشَٰبَهَتْ قُلُوبُهُمْ (۱۱۸:۲)
مَانَنْد آمد ۲، مانند یکدیگر شد ۳، واهم ماند ۱۰، ماننده بود ۲۴، مانند یکدیگر است ۲۹، ماننده یکدیگراست ۳۴، می مانست ۳۶، ماننده است ۴۱، مانَند گی دارَد ۴۲، با یک دیگر مانسته شد، ۴۹، مانند گی دارد ۵۲، مانَد أَمَدْ ۵۳، مانند یَکدِیگر شُد ۵۵، ماننده شد یک بدیگر ۵۷، مانند شدند ۶۱، مانند یک دیگر است ۶۲، بهم ماننده شد ۶۳،

یکسان شد ٦٧، مانند است ٧٤، مانند ه است بیکدیگر ٧٩، مانند آمد ٨٢، مانند شد ٨٤، بیکدیگر ماند ٨٨، مانند ه شد ٩٤، مانند ه شدند بیکدیگر ٩٥، مانند شدست ٩٨، بهم مانند ه است ١٠٠، بهم مانند شده اند ١٠٦، بهم مانند شد ١٠٩، بیکدیگر مانند ست ١١١، بهم مانند ١١٢، مانند یکدیگر آمده ست ١٢١، بهم میمانند ١٢٢، به یکدیگر مانند شد ١٢٩، مانند است بیکدیگر ١٣٠، مانند شده اند ١٣٨

تُشَاقُّونَ: ٱلَّذِينَ كُنتُمْ تُشَٰٓقُّونَ فِيهِمْ (١٦:٢٧)
ناهموار همی گشتید ٢، شما ناهموار گشتید ٤٢، پیکار می کردید ٥٦، ناهموار گشتید ٧٨، دشمنی میکردید ١٠٣

تَشاوُر: فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَن تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ (٢:٢٣٢)
سگالِش ١٠، سِگالش هر دو ٢٧، سگالش ٣٠، با یک دیگر سگالیدن ٦٣، کنکاج کردن ١٠٩

★ لاٰ تَشْتَرُوا: وَلَا تَشْتَرُوا بِـَٔايَٰتِى ثَمَنًا قَلِيلًا (٢:٤١)
مَه خَرید ٢، مه خرید ٤، نگَرید بَرنگُزینید ١٠، مگیرید ٢٩، مَه بَرگُزینیتْ ٥٥، مخری ٦٠، مستانید ٧٨، مخریت ٨٣، نخرید و نفروشید ١١٨، برمگزینید ١٢٤، مخرید و مفروشید ١٣٦

~: وَلَا تَشْتَرُوا بِـَٔايَٰتِى ثَمَنًا قَلِيلًا (٥:٤٤)
نخرید ١، مَخرید ٢، بمه خرید ٢٤، مخرید ـ برمگزینید ٢٧، مخریت و مفروشیت ٤١، مخرید و مفروشید ٤٣، مَخرید ٤٥، مخریْد ٥٣، مه گزینید و مخورید ٥٦، مخرید و مگزینید ٥٨، نه خرید ٦١، فرامگیرید ٦٣، مه خریت[1] ٨٣، مه فروشید ٨٨، نه فروشید و نخرید ٩٠، مَه[1] خَورید ٩٤، نه خرند ٩٨

~: وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ ٱللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا (١٦:٩٥)
مخرید ١، مه خرید ٢، بمه خری ٢٤، مفروشید ٥٦

تَشْتَکی: وَتَشْتَكِىٓ إِلَى ٱللَّهِ (٥٨:١)
می گله کند ١، همی نالید ٢، می نالد ٣ و ٩٠، می نالید ٣٦، بنالید ٣٨، می بنالد ٣٩، گله می کند ٤٩، می بنالید ٦٤، همی بنالد ٨٨، آشکارا کرد ١٠٠، گله میکند و می نالید ١٠٩، مینالد ١١٤، مینالید ١١٧

تَشْتَهِي: وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِىٓ أَنفُسُكُمْ (٤١:٣١)
می آرزوا کند ١، آرزو می برد ٣، آرزو کُنَدْ ٢٢، خواهند ٢٩، آرزو کنند ٣٩ و ١٣٨، ارزو کند ٥٣، آرزو کنید ٨١، میخواهد ١٢٢، خواهش کند ١٣٦

تَشْتَهِيه: وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ ٱلْأَنفُسُ (٤٣:٧١)
آرزو بردش ٣، آرزو کند ١٦، آرزو بردَش ٣٢، آرزو می برد ٤١، آرزو کنند ٩٤، خواهد ١١٣ ارزو بود ١٢٠، میخواهند ١٣٢

تَشْخَصُ: لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ ٱلْأَبْصَٰرُ (١٤:٤٢)
در بالای ایستد ١، بیرون اند ٢، خیره شود ٣، می بازماند ٥، بیرون نشیند ٢٤، خیره شوند ٢٩، بیرون خیزد ٣٨، خیره گردد ٣٩، بازماند ٤١ و ١١٢، بیرون آید ٤٢، بیرون خزد ٤٣، بیرُوْنْ ایَدْ ٥٣، خیرَه شَود ٥٥، بازنیاید ٥٧، پهن بازماند ٥٩، فروتنی کند ٦١، بیرون افتد ٦٢، بیرون خزیده باشد ٦٤، بیرون خزند ٦٧، برخیزد ٩٤، گشاده ماند ١٠٤، ازجای بیرون آید ١٠٩

تَشْرَبُونَ: وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ (٢٣:٣٣)
می شمید[2] ١، بیاشامید شما ٢، شما آشامید ٢٤، شما می آشامید ٢٩، بیاشامید ٣٠، آشامید ٤٢، می آشامید ٤٣، شما همی اشامیدْ ٥٣، می آشامید شما ٥٨، آشامید شما ١٠٠

---

١. مه خریت / مَه خُورید / مخرید.
٢. می شمید / می آشامید.

~: أَفَرَءَيْتُمُ ٱلْمَآءَ ٱلَّذِى تَشْرَبُونَ (٥٦: ٦٨)
همی آشامید ٢، می خوریت ٣، شما می خورید ٢٤، همی خوریت ٣٠، می خورید ٣٩، می آشامید ٤٢، می بخورید ٥٦، بخورید ٦١، می آشامیت ٨٠، آشامید ٨١، وامی خورید ٩٦، می آشامند ١١٦

تُشْرِكْ: لِتُشْرِكَ بِى مَا لَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ (٢٩: ٨)
انبازی آری ٤٣، انباز گیری تو ٥٦، انباز فراد آری ١٠٠، انباز فراداری ١٠٦

~: يَٰبُنَىَّ لَا تُشْرِكْ بِٱللَّهِ (٣١: ١٣)
هنباز گیری ١٤، انباز گیری ٣٩

★ لَا تُشْرِكْ: لَّا تُشْرِكْ بِى شَيْـًٔا (٢٢: ٢٦)
انباز مگیر ٢، نه هنباز گیریا ١٢، انباز مگیر ٣٤، همباز میار ٥٨، انباز مگردان ٨٦، انباز مکن ٩٢، انباز فرامدار ١٠٠

~: يَٰبُنَىَّ لَا تُشْرِكْ بِٱللَّهِ (٣١: ١٣)
مگیر هنباز ٢٤، هنباز مگیر ٣٤، انباز مگو ٣٦، انباز میار ٤٧، انباز مگیری ٦١، انباز مگوی ٩١، انباز فرامد آر ١٠٠، انباز فرمدار ١٣٤

★ أَلَّا تُشْرِكُوا: أَلَّا تُشْرِكُوا۟ بِهِۦ شَيْـًٔا (٦: ١٥١)
أنباز نگردانید ٢، هنباز نگیرید ١٠، انباز نگردانیت ١٠ مکرّر، هنباز نگیری ٢٤، انباز مگیریت ٢٧، انباز نگویید ٥٨، آنکه نه انباز گیرید ٦١، بر آنکه انباز فرامدارید ٦٣، آنکه انباز نگیرند ٧٦، باید که انباز نگیرید ٩٦، انباز فراندارید ١٠٠، که انباز فرامدارید ١١١

★ أَنْ تُشْرِكُوا: وَأَن تُشْرِكُوا۟ بِٱللَّهِ (٧: ٣٣)
انباز نگیرید ٥٧، انباز گویید ٥٨، انباز فرادارید ١٠٠، انباز آورید ١٣٦

★ لَا تُشْرِكُوا: وَلَا تُشْرِكُوا۟ بِهِۦ شَيْـًٔا (٤: ٣٦)
أنباز مگردانید ٢، مه انباز گوییت ٣، هنباز مگیرید ١٠، انباز نگردانیت ١٠ مکرّر، مه گیری هنباز ٢٤، انباز مگیرید ٢٧، هنباز مه گیرید ٤٠، مه انباز گیرید ٥٣، انباز مگویید ٥٨، هنباز مگیری ٦٠، نه انباز آرید ٦١، انباز فرامدارید ٦٣، انباز میارید ٦٧، انباز مگردانیت ٨٣، نه انباز کنید ٩٠، مه انباز گیرید ٩٤، انباز مه گوییت ٩٧، انباز مگردانید ٩٨، انباز نگیرید شما ٩٩، انباز فرامد آرید ١٠٠، انباز نکنید ١٢١، انباز مکنید ١٣٥

تُشْرِكُونَ: وَإِنَّنِى بَرِىٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (٦: ١٩)
انباز گیرید ٢، انباز گوییت ٣، می هنباز گیرید ٩، شما انباز گیرید ٢٦، انباز می گیرید ٢٧، انباز می گیرند ٣٨، شما انباز می گیریت ٤١، انباز می گویید ٥٨، انباز می آرید ٦١، انباز می نهید ٦٢، انباز میگوئید ٦٧، انباز فرامیدارید ٨٩، انباز میگیرید ٩٨

~: إِن شَآءَ وَتَنسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ (٦: ٤١)
انباز همی گیرید ٢، انباز می گوییت ٣، هنباز گیرند ٩، هنبازی گیری ٢٤، همی انباز گیرید ٢٦، انبازی کنید ٢٧، انباز می گیریت ٤١، انباز کنید ٥٣، هنباز می گیرید ٥٧، انباز آریدتان ٦١، همی انباز گیریت ٨٨، انباز فراداشته باشید ٨٩، انباز آورده باشید ٩٢

~: ثُمَّ أَنتُمْ تُشْرِكُونَ (٦: ٦٤)
همی أنباز گیرید ٢، هنباز گیرید ٩، انباز گیرید ٢٦، می انباز گیرید ٥٣، انباز فرامی دارید ٦٣، انباز میگویند ١١٤

~: يَٰقَوْمِ إِنِّى بَرِىٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (٦: ٧٨)
هنباز گیری ٢٤، انباز می گیرید شما ٢٧، انباز می گیریت شما ٤١، شما بانباز می گیرید ٥٧، شما انباز می گویید ٥٨، شما انباز همی گیریت ٨٨، شما انباز میگیرید ٩٤

~: وَلَآ أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِۦٓ (٦: ٨٠)
شما مَی هنباز گیرَی ١٠، انباز آورده اید ٩٢، انباز

گرفته اید ۱۲٤

~: أَنِّي بَرِيٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (۱۱: ٥٤)
می هنباز گیرید ۳۸، انباز می آریت ٤۱، هَمی انباز گیرید ٥۳، انبازی می آرید ٥۹، انباز آرید ٦۱، انباز آورید شما ۱۳٦

~: ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تُشْرِكُونَ (٤۰: ۷۳)
همی هنباز گرفتند ۱٥، همی هنباز گِرفتید ۲۲، می انباز گرفتید ۳۸، انباز همی گرفتید ۳۹، انباز می گرفتید ٥٦، انباز می آوردید ٥۸، انباز می کردید ٦٤، انباز می گرفتند ۸۱، انباز گفتید ۱۱٤، انباز می گفتید ۱۲۱، انباز فرامی داشتید ۱۳۸

★ لَا تُشْطِطْ: فَٱحْكُم بَيْنَنَا بِٱلْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ (۳۸: ۲۲)
ستم مکُن ۲، کوژی مکُن ۲۲، بیداد مکن ۲۹، مه گوری کن ۳۸، مکن ستم ٤۱، مَه کژی کن ٥۳، نه دروغ گوی ٦۱، از راستی دور مرو ٦٤، جور مکن ٦۹، دُور مگردان ۸۱، کژی مکن ۸۸، مکن جور ۹۸، جور و ستم مکن ۱۰۲، نه ستم کن ۱۲٤

تَشْعُرُونَ: بَلْ أَحْيَآءٌ وَلَٰكِن لَّا تَشْعُرُونَ (۲: ۱٥٤)
دانیت ۳، شما دانَید ۱۰، بدانید ۲۰، شما دانید ٤۰، می دانید ٤۳، میدانید ٦۱

~: إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ (۲٦: ۱۱۳)
دانید ۱، بدانیدی ۳۰، می دانیت ٤۱، بدانند ٤۳، شما بدانید ٤٦، همی دانید ٦۲، دانید شما ۹٦، بیابید ۱۳۲

~: أَن تَحْبَطَ أَعْمَٰلُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (٤۹: ۲)
دریابیت ۹۱

★ لَا تَشْعُرُونَ: بَلْ أَحْيَآءٌ وَلَٰكِن لَّا تَشْعُرُونَ (۲: ۱٥٤)
همی ندانید ۲، شما نه دانید ۱۰، نمی دانی شما ۲٤، نمی دانید ۳٦، شما نمی دانید ٥٦، نمی دانی ٦۰، شما همی ندانید ٦۲، نمیدانید ٦٤، شما نمیدانید ۱۰۰، نمیدانید شما ۱۰٤، درنمی یابید ۱۱٦

~: وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۳۹: ٥٥)
ندانید ۱، همی ندانید ٥٦، آگاه نباشید ۱۱۱

~: أَن تَحْبَطَ أَعْمَٰلُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (٤۹: ۲)
نمی دانیت ٤۱، همی ندانند ٥٦، آگاهی ندارید ۱۰۸، ندانید ۱۲۲، آگاه نشوید ۱۳٦

تَشَقَّقُ: وَيَوْمَ تَشَقَّقُ ٱلسَّمَآءُ بِٱلْغَمَٰمِ (۲٥: ۲٥)
بشکافد ۱، شکافته شود ۳، بازشکافد ٤۷، بشکافَد ٥۱، بطرقد[1] ۷۲، شکآفته شود ۱۰۰

~: يَوْمَ تَشَقَّقُ ٱلْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا (٥۰: ٤٤)
بشکاود ۱، می بشکافد ٤۹، بشکافَدْ ٥۳، بترقد ۹٦

تَشْقَىٰ: مَآ أَنزَلْنَا عَلَيْكَ ٱلْقُرْءَانَ لِتَشْقَىٰٓ (۲۰: ۲)
در رنج افتی ۱ و ٤۱، رنجه شوی ۳، برنجانی خویشتن را ۲٤، تو بدبخت شوی ۲۹، رنجه باشی ۳۰، رنج بر خود نهی ۳۹، برتن خویشتن سخت کنی ٤۲ و ٥۲، رنج بینی ٤۳، رنجه داری ٥۳، رنجور گردی ٦۲، تو رنج بینی ٦٤، برنجانی خود را برنج بسیار ٦۷، بر خود رنج نهی ۷٤، رنجی شوی ۸۷، برنجی ۸۸، رنجه گردی ۹٤، تو خویشتن را برنج آری ۹٦، تو رنجه شوی ۱۰۰، رنج نهی ۱۰۳، رنجور شوی ۱۲۱، خویشتن را رنجه داری ۱۲٤

~: فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ ٱلْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰٓ (۲۰: ۱۱۷)
تگدبخت شی[2] ۱، برنْج افتي ۲، برنج افتی ۲٤، سختی بینی ۳۹، در رنج و سختی افتی ٤۱، بدبخت شوی ٤۲، در رنج و سختی افتید ٤۸،

---

۱. بطرقد: بترکد (طرقیدن: ترکیدن).
۲. تگدبخت شی / که بدبخت شوی.

بدنج باشی ۱۱۰، در رنج آفتی ۱۱۱، رنج آیی ۱۲۲، تو در رنج افتی ۱۲۳، برنج آیی ۱۳۲

تَشْكُرُونَ: لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۲:۵۲)
سپاسْ داری کنید ۲، سپاس داریت ۳، آزادی کُنید ۱۰، سپاس داری کُنید ۴۲، سپاسْ داری کُنیتْ ۵۵، سپاس داری بکنید ۱۰۱

~: وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۲:۱۸۵)
سپاسْ داری کُنید ۲، سپاس داری کنید ۴۲، سپاسداری کنید ۹۹، سپاداری کنید ۱۰۱، سپاس بجای آرید ۱۲۱

~: فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۳:۱۲۳)
سپاس دارید ۲، سپاس دارید ۴۲

~: لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۵:۶)
سپاس داری کنیت ۲، سپاس داری کنید ۲۷

~: لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۵:۸۹)
آزادی کنید ۲۷، سپاس دارید ۴۲، سپاس د آرید ۹۴

~: وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (۷:۱۰)
سپاسْ دارید ۲، سپاس می داریت ۳، همی سپاس داریت ۱۰ مکرّر، آزادی می کنید ۲۷، سپاس داری میکنید ۲۹، سپاس داری می کنیت ۴۱، سپاس دارید شما ۶۱، سپاس داری می نمایید شما ۱۰۴، سپاس داری همی کنید ۱۰۹، همی سپاس دارید ۱۴۰

~: وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۸:۲۶)
سپاسْ داری کُنیتْ ۵۵، سپاس دار باشید ۱۲۷

~: وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۶:۱۴)
سپاسْ داری کُنید ۲

~: لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۶:۷۸)
سپاسْ دارید ۲

~: كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۲۲:۳۶)
سپاس داری کُنید ۲، سپاس داری نمایید ۸۶، سپاس گزاری کنید ۱۲۲، سپاسداری کنید ۱۲۳، سپاس گذاری کنید ۱۳۲

~: قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (۲۳:۷۸)
همی سپاسْ دارید ۲، سپاس همی دارید ۶۱، همی سپاس دارید ۱۰۸

~: وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۲۸:۷۳)
سپاس دارید ۲، سپاس گذارید ۱۳۲

~: وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۳۰:۴۶)
سپاس گزارید ۱۲۲

~: قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (۳۲:۹)
سپاسداری کند ۴۷، سپاس می گویید ۵۸، سپاس میگذارید ۱۲۲

~: لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۳۵:۱۲)
آزادی کنیت ۳

~: وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۴۵:۱۲)
سپاس داریت ۳۲، سپاس گویید ۶۱، سپاس کنید ۸۷

★ لاَ تَشْكُرُونَ: فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ (۵۶:۷۰)
مکنیت سپاس دارآن ۴۱، آزادی نکنید ۵۶، آزادی نکنند ۷۸، سپاس نکنید ۹۲ و ۱۱۴، سپاس نمیگذارید ۱۳۲

★ مَا تَشْكُرُونَ: فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (۷:۱۰)
سپاس مدارید ۱۱۴

تُشْمِتْ: فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ (۷:۱۵۰)
شاد کن ۳۶

★ لاَ تُشْمِتْ: فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ (۷:۱۵۰)
شاد کامه مکن ۱، مه شاد کن ۳ و ۳۰ و ۹۴، شاد

بمَکن ۱۰، بمکن شاد ۲٤، شاد کامه مَکُن ۲۷، شاد مکن ۲۹، شاد کام مکن ۳٤، دشمن کام مکن و برمخندان ٤۱، شادمانه مکن ٤۹، شاد کام بمکُنْ ۵۳، نه شاد کُنْ ۵۵، شادمانی مکن ۵٦ نه شاد گردان ٦۱، مکن شادمان ٦۲، شاد مگردان ۷۹، مکن شاد کام ۸۸، تو خوب مگردان ۹٦، شاد کام مگردان ۱۰٤، شادمان مگردان ۱۱٦، شادمان مکن ۱۲۷، مگردان شادمان ۱۳۰، شاد کام مَکن ۱٤۰

تَشْهَدْ: شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ (٦: ۱۵۰)
گواهی ده ۱۲٤

~: أَن تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَٰدَٰتٍ بِٱللَّهِ (۲٤: ۸)
سوگند خورد آن زن ۲٤، سوگند خورد ٤۷، سَوگند خَورَد ۵۱

~: يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُم (۲٤: ۲٤)
گوایی دهد ۱، گُوای دهد ۲، گواهی دهند ٤۳، گواهِیْ دَهَد ۵۱، گواهی بدهد ۱۱۳

~: وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُم بِمَا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ (۳٦: ٦۵)
گوای دهد ۱، گواهی دهد ۳، گواهی دَهَدْ ۲۲، گوآهی دهند ۱۰۰

★ لاتَشْهَدْ: فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ (٦: ۱۵۰)
گوایی مده ۱، گُوای مَده ۲، مه ده گواهی ۳، نُه گواهی مدَه ۱۰، مدهْ گواهی ، گواهی مده ۲٤، تو گواهی مده ۵٦، تو مده گواهی ۵۷، نه گواه شو ٦۱، گواهی مده تو ٦٤، گواهی مَدهْ ۹٤، گوآهی مده ۱۰۰، مده گوای ۱۰۷

تَشْهَدُونَ: ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ (۲: ۸٤)
گُوای دهید ۲، گواهی می دادیت ۳، گُوَای مَی دهَید ۱۰، گواهی دادید ۳٦، گوای دهید ٤۰، گُواهی مِی دَادیْت ۵۵، گواه می شوید ۵۷، دانی ٦۰، گواهی دَهید ٦۲، گواهی دادیت ۸۲، گواهانید ۹۰ و ۹۸، گواهی دهید ۹٦، گواهاید ۱۲۳، گواهی دهند گانید ۱۳۸

~: لِمَ تَكْفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ (۳: ۷۰)
می گوایی دهید ۱، همی گوای باید دادن ۲، گواهی می دهیت ۳، مَی دانید ۱۰، می دانید ۲٤، می دانی ۲۵، گواهی میدهیت ۲۸، گواهی می داریت ٤۱، گُواهِی مِی دَهید ٤۲، گوآهی میدهید ۱۰۰، همی گوای باید دادن ۱۰۷

~: أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ ٱللَّهِ ءَالِهَةً أُخْرَىٰ (٦: ۱۹)
همی گوای دهید ۲، گواهی دهی ۲٤، همی گواهی دهید ۲٦، گوایی می دهید ۲۷، گواهی می دهید ۳٦، گواهی میدهید ۵۸، گواهی همی دهید ٦۲، همی گوایی دهید ۸۸

تَشْهَدُونِ: مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ (۲۷: ۳۲)
شما نزدیک من باشید ٤٦

تَشيعَ: إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلْفَٰحِشَةُ (۲٤: ۱۹)
اشکرا شهد[1] ۱، بگسترد ۲، آشکارا شود ۳ و ۷۷ و ۱۰۳، آشکارا کنند ۲٤، گشاده شود ۳٦، پراکنده شود ۳۹، فاش کنند ٤۱، پدید آید و آشکار گرداند ٤۷، پی گیری کنند ۵۲، اشکارا شود ۵۳، پیدا گردد ۵٤، پیدا شود ۵٦، گسترده شود ۹٤، فاش شود ۱۰۰، آشکارا گردد ۱۰۹، فاش گردد ۱۱۱

★ لاتُصَاحِبْنی: فَلَا تُصَٰحِبْنِى (۱۸: ۷٦)
هم راهی مکَن ۲۹، یار مباش ۳۰، همراهی مکن ۳٦، مباش یار ۳۹، همکاری مکن ٤۲، یَار مَبَاشْ ۵۵، مکن همراهی ۱۲۹

فَتُصْبِحَ: فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا (۱۸: ٤۰)

---

۱. اشکرا شهد / آشکار شود.

شهد[1] ۱، بشود ۲، شود ۳، بامداد کند ۸، گردد ۲٤، بباشد ۲۹، بامدادی بینی ٤۱، در روز آید ٤۲، شَوَد ٥٥، دَر روز آید ٥۷، بامداد کنی تو ٦۱

~: فَتُصْبِحُ ٱلْأَرْضُ مُخْضَرَّةً (۲۲:٦۳)
بشد ۲، می شود ۳، گردید ۲٤، بگردد ٦٤، آغاز میکند ۸٦، بامداد کرد ۸۷، میگردد ۹٤، گشت ۱۰۰، آغاز می کند ۱۰٤، باز گردد ۱۱٤

فَتُصْبِحُوا: فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَٰدِمِينَ (٤۹:٦)
شید[2] ۱، بشوید ۲، شویت ۳، بامداد کردید ۱۷، گردید ۲٤، بشویت ۳۰، شوید ٥٦، بامداد خیزید ۷۲، باشید ۱۲۱

تُصْبِحُونَ: حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ (۳۰:۱۷)
بامداد کنید ۱، در بامداد شویت ۳، در بامداد شوید ۲۹، بامداد کنیت ٤۱، آنگاه که ببامداد رسید ٤۷، بامداد ٦۱، در بامداد آیید ۸۹، در بامداد آییت ۹۱، در بامداد آئید ۱۰۰، روز میکنید ۱۱۳، شبانگاه می ایید ۱۱۹، بامداد میکنید ۱۲۲، خیزید از خواب ۱۳۹

تَصْبِرُ: وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِۦ خُبْرًا (۱۸:٦۸)
شکیبایی کنی ۲، شکیبایی کنی ٥۲، شکیبائی کنی ٥۳، شکیبایی کردن ۱۰۸، شکیبایی ورزی ۱۳۲، شکیبایی ۱۳۹

تَصْبِرُوا: وَإِن تَصْبِرُوا۟ وَتَتَّقُوا۟ (۳:۱۲۰)
شکیوایی کنید ۱، شکیبایی کُنید ۲، شکیبائی کنید ۲۹، شکیبایی کنید ٤۲

~: بَلَىٰٓ إِن تَصْبِرُوا۟ وَتَتَّقُوا۟ وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ (۳:۱۲٥)
شکیوای کنید ۱، شکیبایی کنید ۲، شکیبایی کنیت ۳، شکیبایی کند ٦۹

~: وَإِن تَصْبِرُوا۟ وَتَتَّقُوا۟ (۳:۱۸٦)
شکیبای کنید ۲۷

~: وَأَن تَصْبِرُوا۟ خَيْرٌ لَّكُمْ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (٤:۲٥)
شکیبایی کُنید ۲

~: ٱصْلَوْهَا فَٱصْبِرُوٓا۟ أَوْ لَا تَصْبِرُوا۟ سَوَآءٌ عَلَيْكُمْ (٥۲:۱٦)
شکیبایی کنید ٥٦

★ لاتَصْبِرُوا: أَوْ لَا تَصْبِرُوا۟ سَوَآءٌ عَلَيْكُمْ (٥۲:۱٦)
شکیوایی مکنید ۱، شکیبایی مکنید ۲، شکیبائی مکنید ۳۹، مکنیت شکیبایی ٤۱، شکیبایی مکنیت ۸۰، شکیبایی نکنید ۹۲، بشکیب مباشید ۱۰۹، شکیبا مشوید ۱۱٤

أَتَصْبِرُونَ: لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ (۲٥:۲۰)
شکیبایی توانید کردن ۲، همی شکیبایی کنید ۳۰، شکیبای همی کنند ٥۳، شکیبایی می کنیت ۸۰، شکیبایی می کنیت ـ شکیبیت ۹۱، شکیبایی میکنید ۱۱٤

تُصِبْكَ: إِن تُصِبْكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ (۹:٥۰)
رسد ۳، برسد ۱۱، فرا رَسَدْ ٥۳، رَسَد ٥٥، فرا رسد ۸۸

تُصِبْكُمْ: وَإِن تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا۟ بِهَا (۳:۱۲۰)
برسد ۳، فارسد ۱۰، رسد ۲٤، برسد تان ۳۹

تُصِبْهُمْ: وَإِن تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا۟ هَٰذِهِۦ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ (٤:۷۸)
رسد ۱، برسَد ٤٥، بَرَسَدْ ٥۳، فرا رسد ۸۸

~: وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا۟ بِمُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ (۷:۱۳۱)
فارسیدَی ۱۰، هارسد ۳٥، برسدی ٤٥، رسَد ٥۷، برسد ٥۸، فرا رسیدی ٦۲، برسیدی ٦۳

۱. شهد / شود.
۲. شید / شوید: بگردید.

~: وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (۳۰:۳٦)
برسد ۳٤

~: وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (٤۲:٤۸)
برسَدْ ۳۲، رسد ۱۱٤

تَصَدَّقَ: فَمَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ (٥:٤٥)
ببخشد ۲، راست دارد ۷٥

تَصَدَّقْ: فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا (۱۲:۸۸)
ببخش ۲، به بخش ۱۲۸

تَصَدَّقُوا: وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ (۲:۲۸۰)
بخشند ٦۳، ببخشید ۸۲، ببخشیت ۸۳، دادنی دهید ۱۰۹

تُصَدِّقُونَ: نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ (٥٦:٥٧)
بَراست دارید ۲، براست می دارید ٤۹، راست گوی دارید ٦۱، براست دارید ۹٤، باور دارید ۱۲٤

★ لاَ تُصَدِّقُونَ: نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ (٥٦:٥٧)
راست گر نمی گیرید ۱، ندارید راست گوی ۲٤، استوار نداریت ۳۰، نمی داریت باور ٤۱، راست گوی ندارید ٤۳، باور ندارید ٥۱، استوار ندارید ٥۲، براست نمی داشتید ۸۸، باور نمیدارید ۱۰۳، باور نمی دارند ۱۱٦، باور نمیکنید ۱۲۰

★ لَوْ لاَ تُصَدِّقُونَ: فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ (٥٦:٥٧)
چرا استوار ندارید ۳۹، چرا رَاست نمی دارید ٤۲، چرا برآست نمیدارید ۱۰۰، چرا باور نمی دارید ۱۱۳، چرا باور ندارید ۱۳۲

تَصُدُّونَ: لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ (۳:۹۹)
واز زنید ۱، باز گردانید ۲، برمی گردانیت ۳، مَی واگردانید اُو مَی وادارید ۱۰، می بازدارید ۲۳، واداری ۲٤، بازمی دارید ۲۷، می گردانید ۳٦، وادارید و واگردانید ٤۰، می گردانیت ٤۱، باز می گردانید ٤۲، باز می گردانید ٥۲، می بگردانید ٥٦، روی میگردانید ٦۱، برمی گردید ٦۳، بازمی دارید ٦۹، باز زند ۷٤، همی بازگردانیت ۸۳، بازمیدارید ۹۰، برمیگردانید ۱۰۰، بازمیگردانید ۱۰٥، باز گردانیدنْد ۱۲۷

~: تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ (۷:۸٦)
می واز زنید ۱، برمی گردانید ۳، مَی وادارید ۱۰، بازداری ۲٤، روی می گردانید ۲۷، بمی گردانید ۲۹، باز گردانید ٤۲، همی بازدارید ٤٥، روی میگردانیدتان ٦۱، میگردانید ٦۷، بازد آرید ۹٤، بگردانید ۱۱۲، بر گردید ۱۱٤، بازدارید ۱۲۳، باز گردانید ۱٤۰

تَصُدُّونَا: تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا (۱٤:۱۰)
بر گردانیت ۳، بگردانید ٥، از راه ببرید ۷ مکرّر، بازدارید ۲٤، بگردانیت ٤۱، باز زنید و باز دارید ٥۸، روی گردانید ٦۱، بر گردانید ۹٤، بازدهید ۹٦، بر گرد آنید ۱۰۰، باز گردانیدمان ۱۱٤

تَصَدَّى: أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَى فَأَنتَ لَهُ تَصَدَّى (۸۰:٦)
می پذیره شی ۱، روی آری ۲، روی کردی ۳۸، پیش آیی ٦۱، رو فرامی کنی ۷۹، پیش می آیی ۸۰، گردن افرازی ۹۰، روی باو می کنی ۹٤، فراپیش میروی ۱۰٦، روی می آری ۱۱۱، روی فرامیکنی ۱۱۳، روی میآوری ۱۲۰، پشت کردی ۱۲٤، رومی آری ۱۳۲، فراپیش می روی ۱۳۸

تَصْدِيَةً: إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً (۸:۳٥)
دست وردست زدن ۱، دَسْت بر هَم زدن ۲، دست زدن ۳، دست برزدن ۱۰، دست بر هم زدن ۲۷، دست بر دست زدن ۳٦، پای کوفتن ۳۸، بازداشن مردم ٤۱، دست بدست زدن ٤۹، دست زن ٥۳، دَست زَدن ٥٥، پاء کوفتن ٦٥، دست بستن ۷۸، پای گوفتن ۸٤، دست بهم زدن و بانگ ۱۰۹، دست زدن بر دست ۱۱۱، سنگ زدن ۱۱٥، دست بر دست کوفتن ۱۱٦، دست بر همزدن ۱۲۲، دستک زدن ۱۳۱

تَصْدِيقَ: وَلَٰكِن تَصْدِيقَ ٱلَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ (۱۰:۳۷)
راست کر گرفتن[1] ۱، راست گوی داشتن ۳، درست و راست ۱۰، براست داشتن ۲۹، راست داشتن ۳۹، راست دارنده ۴۱، رَاسْت گوی دَاشتَن ۵۵، راست داشت ۵۶، براست داشت ۵۷، راست گوی دارنده ۵۸، استوار داشت ۹۴، راست کردن ۹۶، باور داشت راست گرداننده ۱۰۹، باور داشت راست ۱۱۲، باور می دارد ۱۱۳، راست گو داشتن ۱۲۱، باور داشت ۱۲۶

~: وَلَٰكِن تَصْدِيقَ ٱلَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ (۱۲:۱۱۱)
راست گردانیدن ۲ و ۵، باور داشتن ۴۲، راست دَاشْتَنْ ۵۳، راست گوی ۷۲، راست گوی داشتن ۸۰، استوار داشتن ۹۴، راست گوی کردن ۱۰۰، باور دارنده ۱۱۱، باور می آرد ۱۱۳

تَصْرِفْ: وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّى كَيْدَهُنَّ (۱۲:۳۳)
گردانی ۳، گَرْدَانِی ۵۵، بگردانی ۱۲۴

★ لَا تَصْرِفْ: وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّى كَيْدَهُنَّ (۱۲:۳۳)
وانداری ۲۴، بنگردانی ۶۲، بنگردانی تو ۶۳، بازنداری ۸۸، نگردانی ۹۳، بازنگردانی ۹۶، نگردانی تو ۹۹، بنگرد آنی ۱۰۰

★ إِلَّا تَصْرِفْ: وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّى كَيْدَهُنَّ (۱۲:۳۳)
اگر بازنگردانی ۲، اگرنه گردانی تو ۶۱، اگر نَگردانِی ۷۶، اگر نگردانی ۱۱۱، مگر نگردانی ۱۱۳

تُصْرَفُونَ: فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ (۱۰:۳۲)
می گر دانسته شید[2] ۱، گردانیده می شویت ۳، همی بازگردانند ۱۳، بازمی گردانند تان ۲۷، ورگردانند شما را ۲۹، گردانیده می شوید ۳۶، می گردانند تان ۴۱، بگردانیده اند شما را ۴۸، برگَرْدَانَنْد شما را ۵۳، گردانیدَه مِی شَویت ۵۵، همی گردانند شما را ۵۶، گردانیده شوید ۵۸، میگردانند شما را ۵۹، گردانیده شوید ۶۱، بازگردَانَند شما را ۶۲، گردانیدید ۶۹، بگردانند تان راه ۷۲، بگردانیده می شوید شما ۸۹، برگردانیده میشود ۱۰۶، گردانیده میشود ۱۱۲، گردیده میشوید ۱۱۴، برگردیده میشوید ۱۲۶، برگردانیده میشوید ۱۲۷

~: لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ (۳۹:۶)
برگردانیده می شویت ۳، همی بازگردانند شما را ۲۲، بگردانند شما را ۲۴، بازگردانند تان ۳۸، برگردانیده شوید ۳۹، می گردانند شما را ۴۲، هَمی برگَرْدانَدْ شما را ۵۳، بازگردانید شما را ۶۹، گردانده می شوید ۷۴، بازگردید ۸۱، می بازگردانند ۸۸، برگردانیده می شوید ۸۹، گرد آنیده می شوید ۱۰۰، برگردیده می شوید ۱۰۶، روگردانیده میشوید ۱۳۲، برگردانیده میشوند ۱۳۸

★ أَنّى تُصْرَفُونَ: فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ (۱۰:۳۲)
اَز کُجاتان همی بازگردانندْ ۲، از کجاتان همی بازگردانند ۹۴، از کجاتان بازگردانند ۱۲۷

تَصْرِيفِ: وَتَصْرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ وَٱلسَّحَابِ ٱلْمُسَخَّرِ (۲:۱۶٤)
گردانیدن ۲، راه گردیدن ۲۹، اندر گردانیدن ۴۰، گَرْدانیدَن ۴۲، گردَانیدَن ۵۵، درگرداندن ۶۳، گردیدن ۸۲، گرد آنیدن ۹۴، گردانید ۱۰٤، دَگردانیدن ۱۲۳

~: وَتَصْرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ ءَايَٰتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۴۵:۵)
گردانستن ۱، گردانیدن ۲، گشتن ۳۰، گردانیدن ۳۲، گردش ۳۸، درگردانیدن ۱۰۰

---

۱. راست گرفتن: راست گوی داشتن.
۲. می گردانسته شید / می گردانیده شوید: می گردانندتان.

تَصْطَلون: لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (۷:۲۷)
گرم شید[1] ۱، گرم گردید ۲، گرم شویت ۳، گرم شوند ۲۰ و ۱۳۹، گرم بباشید ۲۴، گرم باشید ۳۰، گرم گردید ۳۸، گرم واباشید ۴۸، بتسپید و گرم شوید ۵۲،، گرم شوید ۵۶

~: أَوْجَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (۲۸:۲۹)
گرم شوید ۲، گرم سازید ۱۰۳، گرم گردانید ۱۱۱

تُصْعِدُونَ: إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ (۳:۱۵۳)
بشتاو می رفتید ۱، همی بررفتید ۲، دور در می رفتیت ۳، بسایه دشت می دویدی ۱۰، برشوید ۲۳، بررفتید ۲۹، بسایه دشت می دویدید ۴۰، برروند ۴۱، بَکُوه رَفتید ۴۲، بکوه رفتید ۵۲، برشدید ۵۳، دُور دَرمِی رُفتیت ۵۵، شما برشدید ۵۶، بربالای می شدی ۵۷، برمی شدید ۵۸، بررفتی ۶۰، روی بگریختن نهادید ۶۲، دورتر می رفتیت ۸۰، دررفتید ۸۲، همی بررفتیت ۸۳، همی بکوه بررفتید ۸۴، برمی شدید شما ۸۵، بروند بر کوه ۸۸، روی براه نهادید ۹۰، برمیشدید ۱۰۲، دور میرفتید ۱۰۴، بالا برمی شدید ۱۰۹، دورشدندی ۱۱۲، دورتر می رفتید ۱۱۹، بالا رفتید ۱۲۱، میگریختید و دور میشدید ۱۲۲، بکوه برفتید ۱۲۹، درمیرفتند ۱۳۳، بلند شدید ۱۳۶

★ لَا تُصَعِّرْ: وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ (۳۱:۱۸)
مگردان تای ۱، مگردان ۲، بیک سو مبر ۶، مه فرا کنی ۱۴، بمه گردان ۲۴، کژمکن ۲۹، بمگردان ۴۷، برمگردان ۴۸، کژمکن و درشت و ترش مکن ۵۸، ترش مدار ۶۴، مگردان و مخراش ۸۹، نه گردان ۹۰، کج مکن ـ مگردان ۱۰۹، بیکسو مبر ۱۱۱، یکسو مبر ۱۱۵، کج مکن ۱۲۵، ترش مکن ۱۲۶، نه گردانی ۱۲۹، متاب ۱۳۱، ترش مساز ۱۳۷

لِتَصْغَى: وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ (۶:۱۱۳)
بگردد ۱، بگراید ۲، بگرداند ۳، بگرایَد ۵۵، بازچفسد[2] ۵۷، بگرایدا ۸۰، بگرایند ۸۸، تابگرایدا ۹۱، نامید کند ۹۴، بخمید ۹۶، بچسبد ۱۰۹، گوش دارد ۱۱۴

تَصِفُ: وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ (۱۶:۶۲)
همی گوید ۵۸، میگوید ۵۹، بگویند ۶۱، گویند ۷۴، همیگوید ۹۳، نشان دهد ۱۰۹، نشان میدهد ۱۰۲

~: لَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ (۱۶:۱۱۶)
پدید می کند ۵۸، پدید میکند ۷۴، پدید کرده‌اند ۹۲

تَصْفَحُوا: وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا (۶۴:۱۴)
درگذارید ۱، روی بگردانید ۲، روی گردانیت ۳، درگذاری ۲۹، اندرگذارید ۳۸، درگذرید ۳۹، درگذرانیت ۴۱، دست بدارید ۸۸، بپوشید ۹۲، درگذرانید ۱۱۱، روی گردانید ۱۱۴، بپوشانید ۱۲۲، چشم فروگذارید ۱۳۴، فروگذارید ۱۳۸

تَصِفُونَ: وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ (۱۲:۱۸)
نشان می دهیت ۳ و ۸۰، شما می گویی ۲۴، نِشَانْ مِی دِهیتْ ۵۵، میگویید شما ۵۸، می گویی ۶۰، نشان میدهید ۱۱۴، شما نشان میدهید ۱۳۶

~: وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ (۱۲:۷۷)
گفتند ۷ مکرّر، نشَان می دِهیْت ۵۵، پدید می کنید ۵۶، می کنید ۵۸، میکنید ۹۴، می سرایید ۱۲۲

~: وَرَبُّنَا الرَّحْمَٰنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ (۲۱:۱۱۲)
می گویید ۲۴، شما همی گویید ۶۲، میگویید ۱۲۲

---

۱. گرم شید / گرم شوید.
۲. چفسیدن / چسبیدن: میل کردن.

تَصِلُ: لَاتَصِلُ إِلَیْهِ نَکِرَهُمْ (١١:٧٠)
رسد ٣٠، می رسند ٩٢، پیوندد ٩٩، میرسید ١٢٦

★ لاتَصِلُ: لَاتَصِلُ إِلَیْهِ نَکِرَهُمْ (١١:٧٠)
نمی رسید ١، نرسد ٣، همی دست نیازند ٧ مکرّر، نرسید ٢٤، نمی رسیدند ٢٩، نه پیوست ٣٨، نمی رسد ٤٢، وانپیوست ٧٩، همی نرسید ٩٣، نمیرسید ١٠٠، نمیرسد ١١١ و ١١٤، وانمی پیوست ١١٣، در ازنمی شود ١٣٦

★ لاتُصَلِّ: وَلَاتُصَلِّ عَلَىٰٓ أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا (٩: ٨٤)
نماز مکن ١، مکن نماز ١١، مکن بنماز ٤١، نَمَاز مَکُنْ ٥٥، مَکُن نماز ٥٦، نه نمام گزار تو ٦١، نماز مگذار ٩٠، نماز مگزار ١١٣، نماز نگزارد ١١٤، مگذار نماز ١١٦

تُصْلِحوا: وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَیْنَ ٱلنَّاسِ (٢: ٢٢٤)
آشتی افکنید ٢، آشتی افکنیت ٣، آشتی فکنید ٤٢، آشتی فکنید ٥٢، آشتی بُکنُیتْ ٥٥، راستی افکنیت ٨٠، بسامان آرید ٨٤، راستی کنید ٨٨، بسازید ٩٠، بسامان آورید ١٠٤

~: وَإِن تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا (٤: ١٢٩)
نیکی کنید ١، خوبی کنید ٢، آشتی کُنید ١٠، نیکویی کنید ٣٦، خُوبی کُنید ٤٢، نیکی کُنید ٤٥، راست کنید ٥٨

تَصْلَىٰ: عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ تَصْلَىٰ نَارًا حَامِیَةً (٨٨: ٤)
می درشهد[1] ١، انـدرْ آرنـدش ٢، در شـود ٦١، درروند ١١١، درآورده شوند ١١٤، درروند ١٣٨

تَصْلِیَةٌ: فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِیمٍ وَتَصْلِیَةُ جَحِیمٍ (٥٦: ٩٤)
درشدن ١، سوختن ٢، درآوردن ٣، شدن ٢٤، اندرآمدن ٣٠، درآمدن ٣٩، دَرشدَن ٤٢، آوردن ٦٧، دررفتن ٨٩، اندرآوردن ٩٤، سوزانیدن ١٣١، اندرآوردن بآتش ١٣٩

لِتُصْنَعَ: وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَیْنِیٓ (٢٠: ٣٩)
پرورده شی ١، نیکو دارند ترا ٢، پرورده شوی ٣، بپرورند ترا ٢٩، بپرورد ٣٩، پرورند ١٠٦، پرورده شدی ١١٤، بیرون[2] ترا ١٣٨

تَصْنَعُونَ: وَٱللَّهُ یَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (٢٩: ٤٥)
می کنید ١ و ٨٦، همی کُنید ٢، می کنیت ٣، شما می کنید ٢٤، همی کنید ٣٨، شما کنید ٤٧، کنید ٥٣، شما همی کنید ٥٦، می کنید شما ٦١، میکنید ٨٦، می سازید شما ٨٩، می سازید ومیکنید ١٠٠، میسازد ١٠٦، می کنند ١٢١

تَصُوموا: وَأَن تَصُومُوا خَیْرٌ لَّکُمْ (٢: ١٨٤)
روزه دارید ٢، روزداریت ٣، روزه داری ٢٤، رُوزَه دَارید ٤٢، رُوزَه دَاریت ٥٥، روزده بدارید ٦٤، روزه دارند ٩٠، روزه دآرید ١٠٠

فَتُصیبَکُمْ: فَتُصِیبَکُم مِّنْهُم مَّعَرَّةٌ بِغَیْرِ عِلْمٍ (٤٨: ٢٥)
رسیدی ١، برسیدی ٢، بدمیدی ١٧، فرا رسد ١٠٩

تُصیبَنَّ: تُصِیبَنَّ ٱلَّذِینَ ظَلَمُوا مِنکُمْ خَاصَّةً (٨: ٢٥)
رَسَد هَرَاینه ٥٥، برسد ٣٦

★ لاتُصیبَنَّ: لَّاتُصِیبَنَّ ٱلَّذِینَ ظَلَمُوا (٨: ٢٥)
نرسد هرآینه هرآینه ٣، فانه رسد ١٠، نرسد ٢٤، فراز نرسد ٢٧، نباید که هارسد ٢٩، نَرسد ٥٣، هانرسَد ٥٧، نرسد هرآینه ٩٤، نه نهد ١١٣، نرساند ١٢١

تُصیبَنا: یَقُولُونَ نَخْشَىٰٓ أَن تُصِیبَنَا دَآئِرَةٌ (٥: ٥٢)
رسد ١، برَسد ٢، برسد ٢٩، بَرسَدْ ٥٣، برسد بما ٦٠

تُصیبُهُمْ: تُصِیبُهُم بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ (١٣: ٣١)
برسد ٢، می رسد ٥، برسَانَدْ ٥٣، همی رسد ٦٢

---

١. می درشهد / می درشود.

٢. بیرون / بپرورند (؟).

~: يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ (۲۴:۶۳)
رسد ۸۶، میرسد ۹۶، هارَسَد ۱۱۹

~: أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (۲۸:۴۷)
رسید ۱، برسید ۴۳، رسیدی ۴۶، برسیدی ۶۱، برسد ۱۱۴

تُصِيبُوا: فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ (۴۹:۶)
یابیت ۳، برسانند ۱۷، برسانید ۳۰، برسید ۱۰۰، یابید ۱۱۴

★ أَنْ (لاَ) تُصِيبُوا: أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ (۴۹:۶)
نرسید ۱، تا بدی نکنید ۶، درنیابید ۶۱، نرسانید ۱۱۳

تَصِيرُ: أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ (۴۲:۵۳)
شهد[1] ۱، بازگردد ۳، بازگشت ۱۶، گردد ۲۴، بازگردند ۲۹، باز شود ۳۹، باز می گردد ۴۱، بازگشت ـ بازگردد ۵۶، باز میگردد ۶۱، گردانیدن ۱۳۴، گردند ۱۳۸

تُضَارَّ: لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَّهُ (۲:۲۳۳)
گزند رساند ۳، گزند رسانیده شود ۶۱

★ لاَ تُضَارَّ: لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا (۲:۲۳۳)
گودشخواری نموده مشه[2] ۱، گزند نکُندا ۲، ستیزه نواید کردن[3] ۱۰، ستیزه مکناد ۲۷، ستیزه نکندا ۳۰، ستیزه نه شاید کرد ۴۰، نیست زیانی ۴۱، زیان نبایَد کَردن ۴۲، نرنجانند ۴۳، زیان نباید کردن ۵۲، زیان نباید کرد ۵۳، ستیزه مکناد و گزند مکناد ۵۶، زیان نکناد ۵۷، بنه رنجانند ۶۲، نباید که گزند رسانند ۶۳، رنج نرسانیده شود ۶۴، گزند مرساناد ۸۰، نباید گزند رسانید ۸۵، رنجانیده نشود ۹۰، زیان نرساند ۹۲، نباید که گزند رساند ۱۰۰، زیان زده نکند ۱۰۱، گزند نرساند ۱۰۴، گزند نرسانند ۱۰۶، گزند رسانیده نشود ۱۰۹، زیان نکند ۱۲۱، رنج نرساند ۱۲۳، زیان کرده نشود ۱۳۶، نکند زیان ۱۳۸

★ لاَ تُضَارُّوهُنَّ: وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ (۶۵:۶)
دشخواری منمایید ۱، زیان مکنید ۲، گزند مه رسانیت ۳، مدارید رنجه ۲۴، مکنیت زیان ۳۰، نه زیان کاری کنید ۳۹، گزند مَرسانید ۴۲، رنجه مدارید ۴۳، ننمایید دشواری ۵۶، گزند مرسانید ۷۹، زیان نکنند ۸۱، گزند مکنید ۸۸، رنج مرسانید ۱۰۳، رنج مدهی ۱۰۵، رنج نرسانید ۱۱۶

تَضْحَكُونَ: وَكُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ (۲۳:۱۱۰)
می خندیدید ۱، می خندیدیت ۳، شما خندیدیت ۳۰، می خَنْدیدید ۵۱، همی خندیدید ۵۳، میخندیدید ۱۰۰، می خندیدند ۱۰۶، می خندند ۱۳۹

~: تَعْجَبُونَ وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ (۵۳:۶۰)
می خندید ۱، می خندیت ۳، بخندید ۲۴، همی خندیت ۳۰، همی خندید ۳۸، بخندید همی ۳۹، می خَندید ۵۶، می بخندید ۶۴، همی بخندید ۸۸، میخندید ۱۰۲

تَضْحَى: وَأَنَّكَ لَا تَظْمَؤُا فِيهَا وَلَا تَضْحَى (۲۰:۱۱۹)
برون آیی بآفتاب ۳، ترا گرم بود ۲۴، گرم یابی ۳۹، گرما زده آفتاب ۴۱، گرمایاوی[4] ۴۲، آفتاب بیند ۴۳، بآفتاب نشینی ۵۶، بآفتاب بیرون آیی ۸۰، آفتاب بیرون آیی ۹۱، گرم شوی بآفتاب ۱۰۱، گرم شوی ۱۰۲، بیرون آیی ۱۱۴، در آفتاب باشی

---

۱. شهد: شود.
۲. گودشخواری نموده مشه: گزند نباید کرد، زیان نباید کرد.
۳. ستیزه نواید کردن / ستیزه نباید کردن.
۴. گرما یاوی / گرما یابی.

۱۱۶، گرمایابی ۱۱۷، به آفتاب باشی ۱۲۹، گرمای آفتاب بینی ۱۳۲

★ لاتَضْحَی: لَاتَظۡمَؤُاْ فِيهَا وَلَا تَضۡحَىٰ (۲۰:۱۱۹)
در آفتاب نشی[1] ۱، بآفتاب نباشی ۲، بآفتاب نشوی و خوی نگیری ۲۹، به آفتاب نباشی ۳۰، نه گرما یابی ۳۸، در آفتاب نشوی ۵۸، رنجه نشوی از گرماء آفتاب ۶۲، در آفتاب نباشی ۶۴، تبش آفتاب نیابی ۷۹، گرما نخوری ۱۰۰، نمانی بآفتاب ۱۰۳، در آفتاب نمی باشی ۱۲۰، بآفتاب نمای نرم‌تر ۱۲۸

★ لاتَضْرِبُوا: فَلَا تَضۡرِبُواْ لِلَّهِ ٱلۡأَمۡثَالَ (۱۶:۷۴)
مه زنید ۲، مه زنیت ۳، مزنید ۲۹، مَه زَنیت ۵۵، مه زنید ۵۶، مکنید ۵۸، مزنی ۶۰، نه بزنید ۶۱، پدید مکنید ۷۸، مگویید ۱۰۲، مسازید ۱۱۱

تَضَرُّعًا: تَدۡعُونَهُۥ تَضَرُّعٗا وَخُفۡيَةٗ (۶:۶۳)
زاریدن ۱، زاری کردن ۲، زاری ۳، زاری ۵۵، آشکارا ۹۲، زآری ۱۰۰

~: ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ تَضَرُّعٗا وَخُفۡيَةً (۷:۵۵)
زاری کردن آشکارا ۱۰، بیچارگی ۳۶، بگزند ۶۱، زاری کنده ۱۲۱

~: وَٱذۡكُر رَّبَّكَ فِي نَفۡسِكَ تَضَرُّعٗا وَخِيفَةٗ (۷:۲۰۵)
زاری ۶۲، بزاری ۹۳، از سر زاری ۱۰۶، از روی زاری ۱۱۶

تَضَرَّعُوا: فَلَوۡلَآ إِذۡ جَآءَهُم بَأۡسُنَا تَضَرَّعُواْ (۶:۴۳)
زاری کردند ۲، زاری کردندی ۹، زاری می کنیت ۴۱

★ (لا) تَضَرَّعُوا: فَلَوۡلَآ إِذۡ جَآءَهُم بَأۡسُنَا تَضَرَّعُواْ (۶:۴۳)
زاری نکردند ۱

★ (لَوْلا) تَضَرَّعُوا: فَلَوۡلَآ إِذۡ جَآءَهُم بَأۡسُنَا تَضَرَّعُواْ (۶:۴۳)
چرا زاری نکردند ۵۸

تَضُرُّونَهُ: وَلَا تَضُرُّونَهُۥ شَيۡـًٔا (۱۱:۵۷)
زیان داریت ۳، زَیان دَاریت ۵۵، گزند رسانید ۶۱، گزنده رسانید ۹۲، توانید زیان کنید ۱۳۶

★ لاتَضُرُّونَهُ: وَلَا تَضُرُّونَهُۥ شَيۡـًٔا (۱۱:۵۷)
زیان نکنید ۲۷، زیان ندارد ۳۴، گزند نتواند کردن ۵۲، نه زیان کنند ۵۳، زیان نتوانید کرد ۵۶، زیانی نتوانی کرد ۵۷، گزند و زیان نکنید ۵۸، گزند مکنید ۵۹، نه کنید شما هیچ زیان ۶۲، گزند نتوانیت کردن ۸۳، نتوانید گزند کردن ۹۴، گزند نتوانید کرد ۹۶، زیان نتوانید رسانید ۱۰۰، گزند نتوانید رسانیدن ۱۰۴، زیان نتوانید رسانید ۱۱۱، گزند نرسانند ۱۱۳، گزند نرسانید ۱۱۴، زیان مکنید ۱۲۱، نتوانید زیان رسانید ۱۲۳

لاتَضُرُّوهُ: وَلَا تَضُرُّوهُ شَيۡـًٔا (۹:۳۹)
زیان نکنید ۱، هیچ بزند[2] نکنید ۱۰، شما زیان نکنید ۲۹، نه زیان دارند ۳۸، زیان نرسانید ۳۹، زیان نکنیت ۴۱، زیانْ نکنیدْ ۵۳، نه زیَان کُنَدش ۵۵، نگزاید ۵۸، نه گزند رسانید ۶۱، نتوانید رسانید هیچ زیانی ۶۴، نتوانید رسانیدن زیان ۶۷، زیانی نتوانید کرد ۹۳، گزند نتوانید کردن ۹۴، زیان مکنید ۱۰۳، زیان نکنید و گزند ۱۰۹، گزند نرساند ۱۱۲، گزند نرسانید ۱۱۳، نه زیان کنید ۱۱۴

تَضَعُ: وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمۡلٍ حَمۡلَهَا (۲۲:۲)
بنهد ۱ و ۱۰۵، نهد ۳، بنهد ـ افکانه[3] کند ۶۷، بیفکند ۱۰۳، بنهد بار بیفکند ۱۰۹، بر زمین گذارد ۱۲۲، مینهد ۱۳۰، گذارد ۱۳۲، باز نهد ۱۳۹

~: وَمَا تَحۡمِلُ مِنۡ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلۡمِهِۦ (۳۵:۱۱)

---

۱. در آفتاب نشی / در آفتاب نشوی.

۲. بزند / گزند.

۳. افکانه / افگانه: بچه نارسیده که از شکم مادر سقط شود.

بار بنهد ۳۸

~: وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ (۴۱:۴۷)
می نهد ۳، نَهد ۳۲، بار نهد ۶۱، نهد بار ۱۲۳

~: فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا (۴۷:۴)
بنهند ۱، فرونهد ۵۱، ببستند ۵۲ و ۱۰۵، بنَهند ۸۱، بنهد ۱۲۰

★ لَا تَضَعُ: وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ (۳۵:۱۱)
نبنهد ۱، نَنهد ۲، نه نهد ۳، ننهد ۲۴، بننهد ۲۹، نمی نهد ۴۱، بنه نهد ۴۲ و ۵۲، نه بنهد ۴۷، نراند ۵۸، بار برننهند ۶۱، ننهند ۸۷، نه بار بنهد ۸۸، فرانگذارد ۱۲۲ و ۱۳۲، بر زمین ننهد ۱۳۶

~: وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ (۴۱:۴۷)
بار بننهد ۲۹، ننهد بار ۵۶، بنه نهند ۸۱، بار ننهد ۱۰۸، بار نمی نهد ۱۱۶، برنمی نهد ۱۲۱، نگذارد ۱۳۲، بننهند ۱۳۸

تَضَعُوا: أَن تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ (۴:۱۰۲)
بنهید ۱، بنهیت ۳، از دست فرو نهَید ۱۰، نگیرید ۲۹، فرو نهید ۳۴، دور کنید ۳۶، بنِهیْد ۴۲، بنِهیْت ۵۵، بنهی ۶۰، بنهند ۹۶، بنهید شما ۹۹، به نهید ۱۲۷، بگذارید ۱۳۵

تَضَعُونَ: وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ الظَّهِيرَةِ (۲۴:۵۸)
می نهیت ـ برون می کنیت ۳ و ۸۰، بیرون کنند ۲۴، بنهید ۲۹، دور می کنید ۳۶، بدر کنیت ۴۱، فرو مِی نِهید ۵۱، بنَهَنْد ۵۳، می نهید ۸۶، بمی نهید ۸۹، مینهید ۱۱۱، نهید ۱۲۲

تَضِلَّ: أَن تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ (۲:۲۸۲)
فرموش[1] کند ۱، گم کند ۳، فراموش کند ۲۵ و ۳۸، فراموش شود ۲۷، فَرامُوش کُنَد ۴۲، گم راهی کند ۵۷، گم شود ۶۱، فرامشت کرد ۸۴، از یاد برود ۱۰۰، فرامشت کند ۱۰۷، فراموش آمد ۱۱۱، فراموش کنند ۱۲۱، پوشیده گردد ۱۲۴، پوشید گردد ۱۳۸

تُضِلُّ: إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ (۷:۱۵۵)
وی ره کنی[2] ۱، گم کنی ۲۴، بی راه کنی ۳۱، گم راه کنی ۳۵، گم بوده کنی ۳۹، گم گردانی ۴۲، تو گم گردانی ۵۲، گمراه کنی ۵۸، گمراه میکردی تو ۶۱، تو بیراه کنی ۶۲، گم راه گردانی ۸۳، تو بی راه کنی ۸۸، بوده کنی[3] ۹۲، تو گمراه می کنی ۹۶، گمرآه کنی ۱۰۰، گمراه می گردانی ۱۰۴، گمراه گردانی ۱۲۴، گمراه میگردانی ۱۲۶

تَضِلُّوا: وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ (۴:۴۴)
وی ره شید ۱، گم کنیت ۳، گم شَید ۱۰، گم راه کنند ۲۴، شما گم کنید ۲۷، گم کنید شما ۲۹، گم کنند ۳۸، بی راه و گم شید ۴۰، گم کنید ۴۲، بی راه گردید ۵۷، گم کنید و بی راه شوید ۵۸، گمراه شوید ۶۱، گُم کنیت ۹۷، گم کُنبد ۱۰۰، گم شوید ۱۰۹

~: يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَن تَضِلُّوا (۴:۱۷۶)
پی گم بشوید ۵۸، بی راه شوید ۸۶، گم راه شوید ۱۱۲

★ أَنْ [لَا] تَضِلُّوا: يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَن تَضِلُّوا (۴:۱۷۶)
وی ره نشید ۱، تا گمراه نشوید ۲۷، نشویت گمراه ۴۱ که گمراه نشوید ۶۳، گم راه نشوید ۷۶، گم نشوید ۹۲، شما بیراه نشوید ۹۶، تا گمره نشوید ۱۰۰

۱. فرموش / فراموش.
۲. وی ره کنی / بیراه کنی: گم راه کنی.
۳. اگر کلمهٔ «گم» از آغاز این واژه نیفتاده باشد، بازهم باید به همان معنی «گم بوده کنی» تصوّرش کرد.

تَضْلِيل: أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (١٠٥:٢)
گم بودگی ٢، گم راهی ٢٤، بیهوده ٢٩، گمراهی کردن ٨٧، نیستی ١٠٩، بی راهها ١١٠، تباهی ١١٦، گمراه کردن ١٢٤، گمراهی ١٣٦

لِتُضَيِّقُوا: وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ (٦٥:٦)
تنگی کنید ١، تنگ گردانید ٣٠، سخت گیریت ٤١، تنگ گردانید ٤٢، تنگ گردانند ٨١، تنگ باز گیرید ٨٩، تنگ گیرید ١٠٠، تنگ گیری کنید ١١٦، تنگ باز گیرید ١١٧، تنگ کرده باشید ١٣٦

فَتَطَاوَلَ: فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ (٢٨:٤٥)
دراز شد ١، دراز گشت ٣٠، دراز آمد ٤٣، دراز بکشد ٤٧، دَراز گشت ٥٣، دراز کشید ٥٨

تَطَؤُهَا: وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَؤُهَا (٣٣:٢٧)
سپردیت ٨٠

★ لَمْ تَطَؤُهَا: وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَؤُهَا (٣٣:٢٧)
بنسپردند ١، نه سپردیت ٣، پای برش ننهادید ٢٩، نه سپردند ٣٠، بپای نه سپردید ٣٤، نسپردید ٤١، بپای نسپردند ٤٢، نرفته‌اند ٤٧، بپانسپردند ٥٢، نسپریده بودند ٥٦، زیر پای نسپرده‌اید ٧٨، بپای نسپردید ٧٩، نه سپردیتش ٩١، بی نسپردید ١٠٠، نسپردند ١٠٢، نه سپردید ١١٤، گام ننهاده‌اید ١١٦، نرفته بودند ١٢٠، هنوز پا نگذاشته‌اید ١٣٢

تَطَؤُهُمْ: لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَؤُهُمْ (٤٨:٢٥)
بسپردیدی ٢، بسپریت ٣، سپردید ٦، بنگیری شما ١٧، درپای گیرید ٢٩، سپری ٣٠، کوفتنی رسیدی ٣٤، بسپرید ٣٩ و ٥٢، در لگد گیرید ٤٢، زیر آرید ٥٦، سپردی ٨١، بزیر پای آرید ٨٦، پای برنهی ٩٤، بی سپرید ١٠٠، زیرپای آورید ١٠٢، بپا بسپرید ١٠٥، بسپردی ١٠٨، بزیر پای آوردیدی فرو کوفتیدی ١٠٩، در زیر پای آرید ١١٣، پامال میکردید ١٣٢، بپای بسپردید ١٣٨

تَطْرُد: وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ (٦:٥٢)
بـَراني ٢، همی براني ٢٩، بران ٤٣، براني و دور كني ٤٤، براند ١٣٠

★ لاَ تَطْرُد: لَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ (٦:٥٢)
مران ١، بمه ران ٩، بمران ٢٤، دور مكن ٢٩، مران و دور مكن ٤٤، مَه رَان ٥٥، نه راني ٦٩، مَران و دُور مكُن ٨٨، نه بران ٩٠، مه رآن ٩٤، تو مران ٩٦، مران تو ٩٩، مر آن ١٠٠، مران ـ دور مكن ١٢٦، مران از نزد خود ١٢٧، مَران ١٣٨

فَتَطْرُدَهُمْ: فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ (٦:٥٢)
براني ١ و ٩٤، اگر بَراني ٢، نراني[1] ٣، براني تو ٥٨، دور كني ٦٢

تُطِعْ: وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ (٦:١١٦)
فرمان بردار باشي ١٠، فرمان كني ٤٢، فرمان بري ٥٣، فرمان بري تو ٦١، تو فرمان بري ٩٦، فرمان برداري ٩٨، فرمان برداري كني تو ٩٩، فرمان كن ٦٣

★ لاَ تُطِعْ: وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا (١٨:٢٨)
فرمان برداري مكن ١، مه فرمان بر ٣، نه فرمان بر ٣٩، مه فرمان كن ٥٣، فرمَان مَبَر ٥٥، فرمان مدار ٥٩، نه فرمان بري تو ٦١، فرمان بردار نباش ٦٧، مَبْر فرمان ٩٤، فرمان برداري منماي ١٠٤، نافرماني كن ١٢٤

~: فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ (٢٥:٥٢)
فرمان مگير ٤٦، فرمان مبري ٤٧، فرمان مكن ٦١، فرمان مَبر ١١٩، پيروي مكن ١٣٦

~: اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ (٣٣:١)

---

[1] معنی با تقدیر گرفتن در «فتطردهم».

فرمان مبر ٦١

~: وَلَاتُطِعِ ٱلْكَٰفِرِينَ وَٱلْمُنَٰفِقِينَ (۳۳: ٤٨)
مبر فرمان ۷، مکن فرمان ۳۹، پس روی مکن ٥٦، فرمان بردار مباش ٦٤، فرمان مَبَر ۱۱۹

~: فَلَاتُطِعِ ٱلْمُكَذِّبِينَ وَدُّوا لَوْتُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ (٦٨: ٨)
مکن فرمان برداری ٤٩

~: فَٱصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَاتُطِعْ مِنْهُمْ ءَاثِمًا أَوْكَفُورًا (٧٦: ٢٤)
فرمان مکن ۳۰، فرمان مبر تو ۹۹

تُطْعِمُونَ: مِنْ أَوْسَطِ مَاتُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ (٥: ٨٩)
بخُورانید ۲، می خورانیت ۳، همی خورید ۹، خوری ٢٤، بخورانید ٢٦، می بخورانید ۲۷، می خوریت ٤١، بخورَانِید شما ٤٢، نان دهید ٤٣، همی خُورید ٤٥، بخورید و می دهید ٥٧، خوری و دهی ٦٠، بخورید ۷٥، بخورانیت ۸۸، میخورید ۹۹، میخورانید ١٠٤، بخورانید شما ١٠٥، خود میخورانید ۱۲۲، می خورید ١٢٤

⋆ لاَتُطِعْهُ: كَلَّا لَاتُطِعْهُ وَٱسْجُدْ وَٱقْتَرِب (٩٦: ١٩)
فرمان مبر ١٤

⋆ لاَتُطِعْهُمَا: لَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ فَلَاتُطِعْهُمَآ (٢٩: ٨)
مَهْ فَرْمَان بَرْ ٥٣، فرمان برداری مکن تو ٦١، فرمان ایشان مبر ۱۰۳، پیروی مکن ۱۳۰

~: مَالَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ فَلَاتُطِعْهُمَا (٣١: ١٥)
فرمان مبر ۳، مَهْ فرمان بر ٥٣، مکن فرمانبرداری ٥٦، فرمان برداری مکن ٦١، مه فرمان بر ۸۰

⋆ لاَتَطْغَوْا: وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَاتَطْغَوْا (١١: ١١٢)
وی[1] رهی مکنید ۱، گردن مَکشید ۲، بی فرمانی مکنیت ۳، نافرمانی مکنید ۲۹، اندر مگذریت ۳۰، نافرمان مشو ۳۸، نکند بی فرمانی ٤١، گردن مبرید ٤٢، از ... فرمان اندر مگذر ٥٣، بی فَرْمانِی مَکُنیت ٥٥، مگذرید از فرمان ٥٦، از راه مگردید ٥٨، نه بی فرمان باشید ٦١، بی فرمانی مکنید ٦٧، گردن مبریت ۸۳، نه بی راه شوید ۹۰، از حد فرمان درمگذرید ۹۳، مه بی فرمانی کنید ٩٤، از رآه مگردید ۱۰۰، بیراه مشوید ۱۱۲، بیرون مروید ۱۲۰، نافرمان مباش ۱۲۱، مکنید بیفرمانی ۱۳۳

~: وَلَاتَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي (٢٠: ٨١)
نافرمان مشوید ۳۸، بی فرمان مشوید ۳۹، بی فرمانی نکنیت ٤١، بیراهی مکنید ٤٩، نافرمانی مَکنید ٥٣، بی راه مشوید ٥٦، مشوید بی راه ۷۲، بی راهی مکنید ۸۷

~: وَوَضَعَ ٱلْمِيزَانَ أَلَّاتَطْغَوْا فِي ٱلْمِيزَانِ (٥٥: ٨)
مه نافرمان شوید ۲، مکنید کژی ٢٤، افزونی مکنید ۳۰، درمگذرید از راستی ۳۹، مکنیت بی فرمانی ٤١، دَرمَگذَرید ٤٢، درمگذرید ٤٨، بیداد مکنید ۸۱، کم مکنید ۸۷، مروید و درمگذرید ١٠٥، بانگ از حد درنگذارند ۱۱۳

تَطْلُعُ: تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَل لَّهُم (١٨: ٩٠)
ورآمد ۱، برمی آمد ۳، برآید ٢٤، ورمی آمد ۲۹، برمی آمَد ٤٢، می برآمد ٤٤، بَرمی آمَد ٥٥، برآمد ٦٣، برمی آید ٦٧، همی برآید ٩٤

تَطَّلِعُ: وَلَاتَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَآئِنَةٍ مِّنْهُمْ (٥: ١٣)
می وررسی ۱، بَرْرسی ۲، دیده ور شوی ۳، تو می بَررَسِی ١٠، بررسی ۲۹، دیده ور می شوی ٣٦، بران می باشند ٤١، همی بُرسی ٤٥، تو همی بررسی ٥٣، دِیدَه وَر شَوی ٥٥، دیده ور باشی ٥٦، می نگری ٥٧، برمی رسی و می بینی ٥٨، دیده ور گردی ٦١، دیده رو میشوی ٦٧، درمی رسد ٧٥، بر

[1] وی رهی مکنید/ بیراهی مکنید.

دیدار باشید ۷۸ و ۹۸، برسی ۸۲

~: نَارُ ٱللَّهِ ٱلْمُوقَدَةُ ٱلَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى ٱلْأَفْـِٔدَةِ (۱۰۴: ۷)
بر آید فرُوغ ۲، بر آید ٦٤، بیفروزد ٦۷، بر آید و بر شود ۸۸، فرا رسد ۱۰۲، دیده ور شود ۱۱٤، برمی آید ۱۲۰، برسد ۱۳۸

تَطْمَئِنَّ: وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِۦ (۳: ۱۲٦)
بیارامد ۱، بیارامد ٦۱، آرام گیرند ٦۳، پایدار امد ٦۹، بیارآمد ۷۹، آرام گیرد ۱۰۰

~: قَالُوا۟ نُرِيدُ أَن نَّأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا (۵: ۱۱۳)
بیارامید ۹، بیارامد ۲۷، بیارامند ٤۵، آرام گردد ۹٤

~: وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِۦ قُلُوبُكُمْ (۸: ۱۰)
آرام گیرند ۲۹، آرام گیرد ۹۳ و ۱۱٦، آرمیده شود ۱۲٦

~: أَلَا بِذِكْرِ ٱللَّهِ تَطْمَئِنُّ ٱلْقُلُوبُ (۱۳: ۲۸)
می آرامد ۳، آرام یاوند ۷ مکرّر، آرامگیرد ٤۱، آرامد ۵۲، آرام می گیرد ۵۵، آرام گرفتند ٦۳، آرام یابد ٦٤، آرام یافت ۷۹، می آرامد ۸۰، آرام گرفت ۹۳ و ۱۰۰، بیارآمیدند ۹٤، آرمیده شود ۱۰٤، آرام می یابد ۱۱۱، بیاد آمد ۱۱۳، آرام می گیرد ۱۱٦، آرامش یافت ۱۲۱، آرام میگیرد ۱۲۲

أَفَتَطْمَعُونَ: أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا۟ لَكُمْ (۲: ۷۵)
امید می داریت ۳، امید دارید ۱۰، می امید دارید ۲٤، امید می دارید ۲۹، امید دارید ۳۸، همی اوُمید دارید ٤۲، امید دارند ٤۳، اومید می دارید ۵۲، اُمید می داریت ۵۵، امید همی دارند ٦۲، امید میدارید ٦٤، اومید داریت ۸۳، همی امید دارید ۹٦، بیوسید[1] ۱۰۹

تَطَهَّرْنَ: فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ (۲: ۲۲۲)
خود را بشویند ۱، پاکی کُنندْ ۲، پاک شوند ۳ و ۱۰۰، سر و تن بَشویَند ۱۰، سر و تن بشویند ۲٤ و ۸۵، پاکیزه شوند ۲۷، پاک شوید ٤۱، پاک شَوند ٤۲، پَاک شُدَند ۵۵، پاک شدند ۵٦ و ۹۲، پاک باشند ٦۷، پاک شدید ۷٤، خود را پاک کنند ۱۰۱، سر و تن شویند ۱۰٦، پاک و پاکیزه شدند ۱۲۲ و ۱۲۷

تُطَهِّرُهُمْ: خُذْ مِنْ أَمْوَٰلِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ (۹: ۱۰۳)
پاک کنی ۱، پاک کند ۳، تو پاک گردانی ۲۹، پاک بکنی ۵۳، پَاک کنَد ۵۵، پاکیزه کند ٦۱، پاک گردانی ٦۳ و ۱۰٤ و ۱۰۹، پاکیزه کنی تو ٦۷، پاکیزه کند ۹۰، پاکیز کنی ۹۲، پاک میکنی تو ۹۳، پاکیزه شود ۱۰۷، پاک گردانی تو ۱۱۳، پاک میگردانی ۱۲۲، پاکیزه گردانی ۱۲٦

تَطْهِيراً: وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۳۳: ۳۳)
پاک کردن ۱، پاک گردانیدن ۳۰ و ۱۰۰، پاک بکردن ۳٤، پاک داشتن ٤۷، پاکیزه کردن ٦۱، پاکیزه گردانیدن ۸۸

تَطَوَّعَ: وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ (۲: ۱۵۸)
افزونی کند ۲، خوش منشی کند ۳۰

~: فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُۥ (۲: ۱۸٤)
بکند ۲، خوش دلی ۱۱۹

تَطَيَّرْنَا: قَالُوٓا۟ إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ (۳٦: ۱۸)
مرو گرفتیم ۱، فال بد گرفته ۷، همی شوم داریم ۳۰، فال بد گرفتیم ٦۹ و ۱۱۵، شوم گرفتیم ۹۲، بدزدیم ۱۱۳، مرغان گرفتیم ۱۲٤

تُطِيعُوا: تُطِيعُوا۟ فَرِيقًا مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ (۳: ۱۰۰)
فرمان برداری کنید ۱، فرمان بریت ۳، فرمان برید ۱۰، فرمان بری ٦۰، فرمان برداری می کنید

---

[1] بیوسیدن: طمع داشتن، انتظار داشتن.

٦٤، پیروی کنید ١٣٦

~: إِن تُطِيعُواْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَرُدُّوكُمْ (٣: ١٤٩)
فرمان بَرید ١٠، فرمان کنید ٢٧، فرمان بریت ٣٠

~: وَإِن تُطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَٰلِكُمْ (٤٩: ١٤)
فرمان برداری کنیت ٣، بفرمان کنید ٦، فرمان برید ٣٠، فرمان برید شما ٥٦، فرمان برداریت ٨٠

★ لاتُطِيعُوا: وَلَا تُطِيعُوٓاْ أَمْرَ ٱلْمُسْرِفِينَ (٢٦: ١٥١)
فرمان برداری مکنید ١، مبرید فرمان ٢٤، فرمان مبریت ٣٠، فرمان مبرید ٤٧، فرمان مکنید ٦١، بکار مبرید ١٣٢

تُطِيعُوهُ: وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُواْ وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ (٢٤: ٥٤)
فرمان کنید ٦١، فرمان بردار باشید ٦٤، فرمان بریدش ١١٤

تَظَاهَرَا: قَالُواْ سِحْرَانِ تَظَٰهَرَا (٢٨: ٤٨)
هم پشت شدند ٣، پدید آمدید ٢٤، پشت واهم دادند ٢٩، با یکدیگر یار گشتند ٣٠، پشت با یکدیگر داده ٣٤ و ٨٨، یاری می کنند ٤٣، یاری کردند یک دیگر را ٤٦، هم پشت بوده ٤٧، پشت با پشت دارند ٥٣، یاری کردند یک دگر را ٥٦، یکدیگر را یاری کردند ٥٨، هم پشتی کردند ٦٤، یکدیگر را یاری می دهند ٧٩، هم پشت گشته ٩٤، هم پشت‌اند ٩٦، هم پشت شده‌اند ١٠٠، هم پشت بودند ١٠٢، با یکدیگر گشته ـ هم پشت گشته ١٠٨، هم پشت [اند] ١١٤، همپشت شدند ١٢٥، هم پشت شده ١٣٨، پشت با پشت ١٣٩

تَظَاهَرَا: وَإِن تَظَٰهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ مَوْلَىٰهُ (٦٦: ٤)
پشتی کنید ٢، هم پشت شویت ٣، یاری کنید یک دیگر را ٢٤، هم پشتی کنید ٣٠، هم نشستی کنید ٣٨، یار شوید هر دو ٣٩، هَم پشت شوید ٤٢، یاری دهید یکدیگر ٦٧، آشکارا کنید ٩٢، هر دو بهم یاری کنند ٩٦، یکدیگر را یاری دهید ١٠٩ و ١١٣، هم پشت شوند ١٢٠، پیدا کنید ١٢٥

تَظَاهَرُونَ: تَظَٰهَرُونَ عَلَيْهِم بِٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ (٢: ٨٥)
یاری همی کُنید یَکْ دگر را ٢، هم پشت می‌شویت ٣، هام پُشتی می کُنید ٤، یار یک دیگر مَی باشید ١٠، یاری کردی یک دیگر را ٢٤، یاری میکنید ٢٩، هم پشتی همی کنید ٣٤، هم پشتی کنید ٣٨، یار یک دیگر باشید ٤٠، یاری دادند ٤٣، هم پشت می شوید ٤٩، همْ پُشت مِی شَویت ٥٥، می پشتی کنید ٥٧، یاری یکدیگر میکنید ٦١، یاری همی کنید ٦٢، همه یار یک دیگر باشید ٦٣، یاری میدهید ٦٤، یاری دارید ٦٧، بیرون آمدید ٩٠، یاری کنید ٩٢، یاری کنید یکدیگر را ١٠١، یاری می‌دهید شما ١٠٤، هم پشت میشوید ١٠٦، هم پشت شدند ١٢٣، یاری می خواهید از یکدیگر ١٢٤، یاری می خواهید ١٢٧، هم پشت شدید ١٢٩، هم پشت شوید ١٣٠، همپُشت می شوید ١٣٦

★ لَمْ تَظْلِمْ: وَلَمْ تَظْلِم مِّنْهُ شَيْـًٔا (١٨: ٣٣)
نکهیست[1] ١، نکاسْتي ٢، نه کم کرد ٣٠، کم نکند ٤٣، کم نکرد ٥٢، نه کاهَنْد ٥٣، نه کاستی ٥٦، نکاست ٥٧، نه کاست ٥٩، نه ستم کرد ٦١، بنکاست ٦٢، کم نمی کرد ٧٩، نه کاهید ٩٠، ستم نکرد ٩٢، باز کم نکرد ٩٣، نکاستی ٩٤، باز کم نمیکردند ١٠٦

★ لاتُظْلَمُ: فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْـًٔا (٢١: ٤٧)
ستم کرده نشهد ١، ستم نکنند ٢، نه ستم کنند ١٢، بنکاهند ٢٤، نکنند ستم ٣٣، ستم کرده نشود ٣٩، نه کَاهَدْ ٥٣، بیداد کرده نشود ٥٨، ستم نرود ١٠٣، ستم رسیده نشود ١١١، ستم بریش کرده نشود ١١٣، ستم دیده نشود ١١٦، ستمرسیده نشود

١. نکهیست: نکاست، ستم نکرد.

★ لَا تَظْلِمُوا: فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ (۹: ۳۶)
ستم مکنید ۱، مه ستم کنید ۳، نگرید ستم نکنید و بی دادی مَکنَید ۱۰، مکنید ستم ۱۱، مکنی ستم ۲۴، بیداد مکنید ۵۷، نه بیداد کنید ۶۱، ستم نکنید ۶۳

تَظْلِمُونَ: لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (۲: ۲۷۹)
ستم کنیت ۲۸، کاهید ۵۲ و ۱۲۷، بیداد کنید ۶۱، ستم کنید ۶۴، کاهید شما ۹۴

★ لَا تَظْلِمُونَ: لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (۲: ۲۷۹)
نکهید ۱، ستم مکنید ۲۷، نکاهید ۲۹، نه شما بیش واستانید ۴۰، ستم مکنیت ۴۱، بیداد نکنید شما ۵۷، ستم نکنید ۶۳، نه کاهید ۱۰۵

تُظْلَمُونَ: وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (۲: ۲۷۲)
ستم کنند بر شما ۴۱، ستم کنند ۱۲۴، ستم دیده میشوید ۱۲۹

~: لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (۲: ۲۷۹)
بیداد کُنید ۲، ستم کرده شوید ۲۸، کاهند شما را ۵۲، بیداد کنندتان ۶۱، کاهد شما را ۱۲۷

★ لَا تُظْلَمُونَ: وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (۲: ۲۷۲)
ستم کرده نشویت ۳، ستم تکُنَید ۱۰، شما را هیچ کمتر نکنند ۲۵، بر شما نه کنند ستم ۲۷، بر شما ستم نکنند ۲۹، بیداد نکنند ۵۲، کم کردَه نَشَویت ۵۵، ستم نکنند ۶۲، بر شما ستم نه کنند ۶۳، شماَ را ستم نکنند ۱۰۰، شما را کم نکنند ۱۰۴، ستم دیده نشوید ۱۱۶، ستم رسیده نخواهید بود ۱۲۲، ستمدیده نمیشوید ۱۳۵

~: لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (۲: ۲۷۹)
کهسته[1] نشید ۱، ستم نکنند با شما ۲۷، ستم نکنید ۳۸، نه کم وادهند واشما ۴۰، نه کنند ستم بر شما ۴۱، نه بر شما بیداد کنند ۵۷، ستم نکنند بر شما ۶۲، نکاهند شما را ۹۶، شماَ را ستم نکنند ۱۰۰، نه کاهند شما را ۱۰۵، ستمرسیده نمیشوید ۱۲۷، ستم نشوید ۱۳۶، نکاهد شما را ۱۳۸

~: وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا (۴: ۷۷)
ستم کرده نشند ۱، ستم کرده نه شویت ۹۷، ستم کرده نشوند ۱۰۰، ستم نکنند بر ایشان ۱۰۷، ستمرسیده نشوید ۱۱۱، نه ستم کنند شما را ۱۲۴

~: وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (۸: ۶۰)
ستم کرده نشید ۱، ستم کرده نشوید ۳۹، ستم کرده نشوید شما ۵۸، ستم رسیده نشوید ۱۱۱، ستم بایش کرده نشود ۱۱۳، ستم دیده نخواهید شد ۱۱۶، ستمرسیده نخواهید بود ۱۲۷

تَظْمَؤُا: وَأَنَّكَ لَا تَظْمَؤُا فِيهَا وَلَا تَضْحَىٰ (۲۰: ۱۱۹)
جشنه[2] شوی ۳، شوی تشنه ۲۴، تشنه شوی ۴۳، تشنه گردی ۱۲۲

★ لَا تَظْمَؤُا: وَأَنَّكَ لَا تَظْمَؤُا فِيهَا (۲۰: ۱۱۹)
تشنه نشی[3] ۱، تَشْنَه نگردی ۲، تشنه نشوی ۲۹، تشنه نگردی ۳۰، تشنگی نرسد ۶۲، تشنه نمانی ۶۴، نه تشنه شوی ۸۸، تو تشنه نشوی ۹۶، نشوی تشنهٔ آب ۱۰۳، تشنه نمیشوی ۱۱۱، تشنه نباشی ۱۲۱، نه تشنه گردی ۱۲۹، تو تشنه بنشوی ۱۳۰

تَظُنُّ: وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ تَظُنُّ أَن يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ (۷۵: ۲۵)
بی گمان داند ۲، پنداری ۱۹، می داند ۲۹، بی گمان دانند ۳۰، اندیشه کنند ۳۹، پندارد ۵۶، پندارند ۱۰۰، می دانند ۱۰۵، گمان می برند ۱۱۴، گمان می برد ۱۲۶، گمان بری ۱۳۶، گمان بری

---

۱. کهسته نشید: ستم نپذیرید.
۲. جشنه شوی / تشنه شوی.
۳. نشی / نشوی.

تو ١٣٧

تَظُنُّونَ: وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا (١٧:٥٢)
می بپندارید ۱، گمان بَرید ۲، گمان بریت ۳، پندارند ۸، می پنداری ٢٤، گمان برید ٢٩، پندارید ٣٤، گمان می بریت ٤١، می پندارید ٤٣، پَندارنْد ٥٣، گمان بَریت ٥٥، گمان برید ٥٧، می اندیشید ٥٩، گمان می برید ٦١، پندارید ٦٢، گمان کنید ١٢٧، گمان می کنید ١٣٦،

~: وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا (٣٣:١٠)
گمان می بردیت ۳، گمان بردیت ۳۰، همی اندیشه کنید ٣٤، اندیشه می کردید ٤٧، اندیشه کردید ٥٦، گمان می برید شما ٥٨، پنداشتید ٦١، گمان می بردید ١٠٣، گمان بردید ١٢١، گمان میبردید ١٣٢، گمان بردند ١٣٨

تُظْهِرُونَ: وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ (٣٠:١٨)
نیم روزان کنید ۱، نیم روز باشد نماز پیشین ۲، در نماز پیشین آییت ۳، نماز پیشین کنید ١٤، نیم روز باشند ٣٠، نیم روزان ٣٤، پیشین ٤١، در نیمروز شوید ٤٧، نیم روز کنید ٥٣، در نیم روز باشید ٥٦، نماز پیشین ٦١، گرم گاهان شوید ٦٧، نماز پیشین بود ١٠٥، نیم روز میاید ١٠٦، در پیشین درآئید ١١٤، در پیشین آیید ١١٧، در نماز پیشن درآیند ١٢١، پیشین میکنید ١٢٢، در نیمروز درآیید ١٢٦، نماز پیشین آیید ١٣٨

لِتَعَارَفُوا: وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا (٤٩:١٣)
یک دیگر را بیشناسید ۱، بشناسیت ۳، واشناسید یک دیگر ٦، یکدیگر را بشناسید ١٧، بشناسید ٢٤، شناسند یکدیگر را ٣٠، بشناسیت یکدیگر را ٨٠، یکدیگر را بشناسند ٨١، یکدیگر بشناسید ٩٤، بازشناسید ١٠٩، شناسید ١١٤، بشناسید یکدیگر را ١٣٦

تَعَاسَرْتُمْ: وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ وَإِن تَعَاسَرْتُمْ (٦٥:٦)
سختی کنید ۱، دشخوار کاری کنید با یک دگر ۲، دشوار گیریت ۳، دست تنگ باشید شما ٢٤، سختی کنی ٢٩، دشواری کنید ٣٠، دشوار آید شما را ٣٦، تنگ و دشوار کنید ٣٩، سختی کردیت ٤١، دشوار کنید شما ٤٣، دشوار شوید ٥٢، دشوار کنید ٦١، دشوار نمایید ٦٥، تنگ دست شوید شما ٦٩، با یکدیگر دشخواری کنید ٨١، سخت بازگیرید شما ٨٩، دشواری شود شما را ٩٢، دشوار گیرید شما ١٠٠، دشخوار کنید کار با یکدیگر ١٠٨، دشوار گیرید ١١١، سختی نمائید شما با یکدیگر ١١٣، سخت گیری کنید ١١٦، دشواری بازگیرید شما ١١٧، دشواری کنید با یکدیگر ١٢٤، دشوار دارید ١٢٦، سختی نمایید ١٣٠، تنگ گیرید بر یکدیگر ١٣٢، دشوار بازگیرید شما ١٣٤، دشوار باشد شما را ١٣٦

فَتَعَاطَى: فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ (٥٤:٢٩)
بگرفت ۱، گرفت ۳، شمشیر برگرفت ٢٤، فراگرفت ٢٩، دست دراز کرد ٣٠، دست پیش کرد ٣٩، دریافت ٤١، فراگرفتند ٥٢، با یکدیگر راست گرفتند ٦٤، قرار گرفت ٧٨، فراداد ٨١، بدادند ٩٤، فرا دست کرد ١٠٦، برگرفت ١٠٩، فراگرفتن ١١٣، بگرفتند ١٢٣، بدادند بیکدیگر ١٢٤، فرادست گرفت ١٣٨

تَعَالَوْا: فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ (٣:٦١)
هَلا بیایَید ١٠

~: تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ (٣:٦٤)
بیایید ۲، بیایَید ١٠، پیش آئید ٦٤

~: وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ (٣:١٦٧)
بیایید ۱، بیاییت ۳، بیایی ٢٤، بیاید ٥٧، بروید ٧٥

~: وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ (٤:٦١)
بیا ای ٦٠، فراز آیید ٦٧

~: وَإِذَاقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ (۵:۱۰۴)
پیش آیید ٦٤

~: تَعَالَوْاْ أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ (٦:۱۵۱)
بیائید ۲۹، بیائید ۳۰، بیارید ۱۰٤، بیایند ۱۱۳

تَعالَی: سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَصِفُونَ (٦:۱۰۰)
دور است ۱، برتر اَستْ ۲، بلندست ۳، بزرگ ۹، بزرگوار ۲٤، بزرگ ترست ۲۷، بزرگا و بلند فرمانا ٤٤، بزرگا خدایا ٦۲، افراشته [است] ٦۳، بلند است ۷۲، برداشته ۹٦

~: فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۷:۱۹۰)
بلند ۳، پاکا و بزرگوارا ۱۰، بزرگوارست ۲٤، بزرگا ۲۹، برترست و دور ۵۸، افرشته است ٦۳، بلندترست ۱۲۱

~: سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱۰:۱۸)
وردور است ۱، برتر است ۱۳، بلندا ۲۹، دورترست ٦۱، برتر و بالا و دور ۱۰۹، برتر و بزرگوار ۱۱۲، بلند و بزرگورست ۱۱۳، بلندتر ۱۳٦

~: سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱٦:۱)
ورد وراست ۱، برست ۳۰، بَرسْت ۵۵، بزرگست و برتر ۵۸، بزرگ است ۱۲۱

~: تَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱٦:۳)
بَلَنْد اسْت ۵۵

~: سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا (۱۷:٤۳)
وردورست ۱، بَلَندَ سْت ۵۵، بَرداشته ۵۷

~: فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلْمَلِكُ ٱلْحَقُّ (۲۰:۱۱٤)
برترست ۲٤، بَرْدُورَسْت ۵۳، بزرگست ۵٦، پاکست ۱۰۳، افراشته است ۱۰٦، بزرگ وارست ۱۱۳

~: فَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۲۳:۹۲)
بَرتَرست ۲، دورست و برتر ۳۰، برداشته است ۳٤، بزرگوار است ۵٤، برتر و بزرگوارترست ٦٤، افراشته است ۱۰۰، بلند شد و برتر ۱۰۹، بزرگتر و برتر ۱۱۱

~: فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلْمَلِكُ ٱلْحَقُّ (۲۳:۱۱٦)
برتر شد ۸۷، برترست و بزرگتر ۹۲

~: تَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۲۷:٦۳)
بزرگوارترست ٦٤

~: سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۲۸:٦۸)
افرشته ۵۳

~: سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۳۰:٤۰)
بردورست ۱٤

~: وَأَنَّهُۥ تَعَٰلَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا ٱتَّخَذَ صَٰحِبَةً وَلَا وَلَدًا (۷۲:۳)
ورترست[1] ٦، برتر ۱۹، بزرگ شد ٤۳، بلند و برتر ۱۱٦

فَتَعالَيْنَ: فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ (۳۳:۲۸)
بیایند ۱، بیاییت ۳، بیایید ۲٤، بیآئید ٤۳، بیائید ۵۳، بیائید ۸۷

تَعاوَنوا: وَتَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلْبِرِّ وَٱلتَّقْوَىٰ (۵:۲)
یار باشید یَکْ دیگر را ۲، یاری دهیت یکدیگر را ۳، یکْ دیگر را یاری کنید ۱۰، یاری کنید ۲۷، یاری کنید یکدیگر را ۲۹، یاری کنید یکدیگر ۳۰، یکدیگر را دوستی و یاری کنید ۳۷، یار باشید یکدیگر را ٤۲، یار باشید ۵۲، یَاری دِهیْت یَکدِیگر را ۵۵، یاری دهید یک دیگر را ۵۷، یاری مند باشید ۵۸، یاری کنی ٦۰، یاری همد گر کنید ٦۱، هم پشت شوید ٦۳، یاری دهید یکدیگر را ٦۷، یاری دهید ۷۲، یاری خواهید ۷۵، یار

---

۱. ورترست / برترست.

باشیت یک دیگر را، یاری کنند ۸۸، هم پُشت شوید ۸۹، یکدیگر را یاری کنید ۹۲، یاری کنید مریکدیگر را ۹٤، یکدیگر را یاری دهید ۹۹، یاری نمایید ۱۰٤، یار باشید یکدگر را ۱۲۵، یاوری کنید یکدیگر را ۱۲٦

★ لاتَعاوَنوا: وَلَاتَعَاوَنُوا۟عَلَى ٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ (۵:۲)
یار مباشید یکْ دگر را ۲، نگرَید یاری نه کنید یک دیگر را ۱۰، یار مباشیت ۱۰ مکرّر، مکنی یاری یک دیگر را ۲٤، یاری مکنید ۲۷، یاری مکنید یکدیگر را ۲۹، مکنید یکدیگر را یاری ۳۰، مه کنید یاری یکدگر را ۳۱، یکدیگر را یاری مکنید ۳۷، مکنیت یاری ٤۱، مَه کنید یاری ٤۵، یار مباشید ۵۲، مَهْ یاری کنید ۵۳، یاری مدهید یک دگر را ۵۷، یاری مکنید یک دیگر را ٦۲، هم پشت مشوید ٦۳، یاری ندهید ٦٤، یاری نکنید یکدیگر را ٦۷، یَار مَباشیت یک دیگر را ۸۸، یاری مدهید ۹۲، یار مباشید یک دیگر را ۹۸، مکنید یاری یکدیگر ۱۱۱، یاری ندهید یکدیگر را ۱۲۷

تَعْبَثُونَ: أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةً تَعْبَثُونَ (۲٦:۱۲۸)
می بازی کنید ۱، بازی همی کنید ۲، بازی می کنیت ۳، بازی میکنید ۲۹، بازی کنید ۳۰، بازی می کنید ۳٦، بازی همی کنید ۵۳، بازی می کنید و افسوس و ستم ۵۸

تَعْبُدُ: إِذْقَالَ لِأَبِيهِ يَٰٓأَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ (۱۹:٤۲)
می برستون کنی ۱، همی پرسْتي ۲، پرستی ۲٤، می پرستی ۳٦، همی پَرَسْتي ۵۳، میپرستی ۱۳۸

~: يَٰٓأَبَتِ لَا تَعْبُدِ ٱلشَّيْطَٰنَ (۱۹:٤٤)
همی پرستی ۱۰۸

~: وَصَدَّهَا مَا كَانَت تَّعْبُدُ مِن دُونِ ٱللَّهِ (۲۷:٤۳)
می برستون کرد[1] ۱، بود پرستنده ۲٤، هَمی پرستید ۵۳، می پرستید ۵۸، می پرستد ۹۲

★ لاتَعْبُد: يَٰٓأَبَتِ لَا تَعْبُدِ ٱلشَّيْطَٰنَ (۱۹:٤٤)
برستون[2] منکن ۱، مَپرِسْت ۲، مَپَرَسْت ۵۳، مپرست ۵٦، تو فرمان مبر ۹٦، نپرست ۱۰۸

★ لِمَ تَعْبُدُ: يَٰٓأَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ (۱۹:٤۲)
چرا همی پرستی ۱۰۸

★ ألاّ تَعْبُدُوا: أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّا ٱللَّهَ (۱۱:۲)
که نپرستید ۱۰۳

~: إِنِ ٱلْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّآ إِيَّاهُ (۱۲:٤۰)
که مپرستید ۲، آنکه نه پرستید تان ٦۱

~: أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّا ٱللَّهَ (٤۱:۱٤)
که مپرستید ٦۱

★ لاتَعْبُدوا: أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّا ٱللَّهَ (۱۱:۲)
نه پرستیت ۳، مپرستید ۷ مکرّر، مه پرستی ۲٤، مپرستید بیگانگی ۲۷

~: أَن لَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّا ٱللَّهَ (۱۱:۲٦)
برستون[3] مکنید ۱

~: إِنِ ٱلْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّآ إِيَّاهُ (۱۲:٤۰)
برستون[1] مکنید ۱، مپرستید ۲، نپرستید ۳٦، نه پرستید ۵۳، نه پرستید تان ٦۱

~: وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّآ إِيَّاهُ (۱۷:۲۳)
مَه پرسْتید ۲

~: أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّا ٱللَّهَ (٤۱:۱٤)

---

۱. می برستون کرد: پرستش می کرد.
۲. برستون منکن: مپرست.
۳. برستون مکنید: مپرستید.

نپرستیت ۴۱

~: أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ (۲۱:۴۶)

مَپرستید ۲۲، مپرستیت ۸۰

تَعْبُدُونَ: لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ (۲:۸۳)

پرستند ۲۴ و ۶۳

~: إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي (۲:۱۳۳)

پَرسْتید ۲، می پرستیت ۳، خُواهید پرستیدن ۱۰، پرستیت ۳۰، خواهید پرستید ۴۰، پرستید تان ۶۱، خواهید پرستیدن ۶۳، پرستیدن ۱۳۸

~: وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (۲:۱۷۲)

همی پرسْتید ۲، میپرستید ۶۷، پرستنده گار ۷۵، پرستنده ۱۰۴

~: قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (۵:۷۶)

می برستون کنید[1] ۱، می پرستید شما ۲۴، می پرستید ۲۷، می پرستید تان ۶۱، همی پرستیت ۸۸، بپرستید ۹۲

~: وَقَالَ شُرَكَاؤُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ (۱۰:۲۸)

می برستون کردید[2] ۱، برستندگان ۱۳، می پرستید ید ۵۸، پرستیده باشید ۱۱۲، پرستید ید ۱۱۴

~: فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (۱۰:۱۰۴)

همی پرستید ۷ مکرّر، می پرستی شما ۲۴، همی پرستید شما ۵۶، می پرستید شما ۵۸

~: إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (۱۶:۱۱۴)

می پَرسْتید ۲، شما پرستندگانی ۲۴، همی پَرسْتیدْ ۵۳

~: قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (۲۱:۶۶)

می همی پرستید ۶۴

~: إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (۲۱:۹۸)

پرستید ۲، شما می پرستید ۳۴، همی پَرستیدْ ۵۳

~: إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ (۲۶:۷۰)

می پرستی ۲۰، پرستید شما ۴۶

~: قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (۲۶:۷۵)

برستون کردید ۱

~: وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (۲۶:۹۲)

میپرستید ید ۱۳۲

~: إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا (۲۹:۱۷)

همی پَرستید ۲، می پرستید ۲۱، پرستش میکنید ۱۰۳

~: إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ (۳۷:۸۵)

بندگی همی کُنید ۸۱

~: إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ (۴۳:۲۶)

شما همی پرستید ۲۲، می پرستیت ۳۲

★ كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ: إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (۲:۱۷۲)

هستید پرستندگان ۶۱

~: وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (۲۶:۹۲)

میخواند ید ۱۰۵

★ لَا تَعْبُدُونَ: لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ (۲:۸۳)

نه پرستیت ۳، مه پرستید ۴، نپرستند ۲۹، مپرستید ۳۸، نه پرستند ۴۰، مپَرستید ۴۲، نترسید ۶۳، نپرستید ۶۷، مَپَرستید ۹۴، مپرستید شما ۱۰۴، نه پرستید ۱۰۵

★ مَا تَعْبُدُونَ: مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي (۲:۱۳۳)

---

۱. می برستون کنید: می پرستید.

۲. می برستون کردید: می پرستیدید.

چ پرستید ۱۱۹

~: مَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِهِ إِلَّآ أَسْمَآءً سَمَّيْتُمُوهَآ (۱۲: ٤٠)
برستون نمی کنید ۱، نمی پرستید شما ۵۸، نمی پرستی ۶۰، نمی پرستید ۸۹

تَعْبُرُونَ: إِن كُنتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ (۱۲: ٤۳)
بگزارید ۲، میگزارید ۲۹، می گزارید ۳۹، می گذارید ۵۲، پاسخ می کُنید ۵۷، همی بگذارید ۹۶ و ۱۲۸، میگذارید ۱۰۵

★ كُنتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ: كُنتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ (۱۲: ٤۳)
شما هستید مر خواب را گزارندگان ۵۶

★ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ: إِن كُنتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ (۱۲: ٤۳)
مر خواب را همی بگزارید ۹٤

تَعْتَدُوا: وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا (۲: ۲۳۱)
گدشتاری[1] کنید ۱، ستم کنید ۲، بی فرمانی کنند ٤۱، ستم کُنید ٤۲، بیداد کنید ۱۳۶

~: أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا (۵: ۲)
ستم کُنید ۱۰، ویدادی کنی ۲٤، درگذرید ۲۷، شما ستم کنید ۹۲، بیدادی کنید ۹۹

★ أَنْ تَعْتَدُوا: أَن تَعْتَدُوا (۵: ۲)
از حدّ در نگذرید ۱۳۸

★ لَا تَعْتَدُوا: الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا (۲: ۱۹۰)
بیداد مکنید ۳۸، نگر بزر نجویید ٤۰، پیش دستی نکنید ۶۷، از اندازه درمگذرانید ۱۰۲، از اندازه درمگذرید ۱۰۹، مگذارید ۱۳۰

~: لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَآ أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا (۵: ۸۷)
گدشتاری مکنید ۱، کذشتاری مکنید ۳۷، ابتدا نکنید و بزر نجویید ٤۰، بی فرمانی مکنیت ٤۱، مَهْ اندر گذارید ۵۳، درمگذرنید ۱۱۹، از حدّ درمگزرید ۱۳۸

تَعْتَدُّونَهَا: فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَا (۳۳: ٤۹)
بیامارید[2] ۱، شمریت ۳، بشمرید ۷، بشمارید ۲۹، شمار کنید ۳۸، گزارد ۵۲، برشمرید ۵۶، می شمرید ۶۱، درشمار آرید ۸۶ و ۱۳۲، بشمرند ۹۲، شمرید ۹٤، شمارند ۱۱۱

★ لَا تَعْتَدُوهَا: تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا (۲: ۲۲۹)
مگذرید ۱، اندر مگذرید ۲، درمگذری ۲٤، اندر مگذرید ۲۷، از اندازه مگذرید ۳۰، مکنیت بی فرمانی ٤۱، دَر مگذرید ٤۲، درمگذرید ۵۲، اندر مگذارید ۵۳، نه درگذریت ۵۵، اندر مگزارید ۶۳، درنگذرید ۶۷، بمگذرید ۸۸، برنگردید ۱۲۱، نه اندر گذرید ۱۲٤، نگذرید ۱۳۸

★ لَا تَعْتَذِرُوا: لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ (۹: ۶۶)
بهانه مسازیت ۳، هیچ بهانه مآرید ۱۰، بهانه مَسازیت ۵۵، بوزش مخواهید ۱۰۹، بهانه میارید ۱۱٤، بهانه میاورید ۱۲۱

~: قُل لَّا تَعْتَذِرُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكُمْ (۹: ۹٤)
بهانه مکنیت ۳، بَهانه مَیاریت ۵۵، مه بهانه سازیت ۸۰، بهانه مسازید ۹٤

★ لَا تَعْثَوْا: وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۲: ۶۰)
تباهی مکنیت ۳، مه دوید ٤، مکنید ۲٤، برمه ایستید ۲۹، تَباهی مَکُنیتْ ۵۵، مکنی و مَروی ۶۰، نروید ۶۷، نه باشید ۹۰، درمگذرید ۱۱٤، دست مکشید ۱۲۹، نافرمانی مکنید ۱۳۶

~: وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۷: ۷٤)
مروید ۱، مَشوید ۲، نگرید نه رَوید ۱۰، تباهی مکنید ۲۹، نه کنید ـ مروید ۳۹، مرویت ٤۱،

---

۱. گدشتاری کنید: از حد درگذرید.

۲. آماریدن / آماردن: شمردن، به حساب آوردن.

مشوید ۴۲، مروید بتباهی ۵۸، مکنید تباهی ۶۹، مشویت ۸۳، نه شوید ۹۰، مَه شوید ۹۴، شما سرکشی مکنید ۹۶، مشتآبید ۱۰۰، تباهی مجویید ۱۲۰، فساد مکنید ۱۳۶، مشَوید ۱۴۰

~: وَلَا تَعْثَوْا فِي ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۱۱: ۸۵)
مه کنی ۲۴، مباشیت ۴۱، تَباهِی مَکُنِیتْ ۵۵، سخت مباشید ۶۲، مشتابید ۶۳، تباهی نکنید ۶۷، نباشید ۱۲۷، برنه انگیزید ۱۳۶

~: وَلَا تَعْثَوْا فِي ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۲۶: ۱۸۳)
مه روید ۲ و ۲۰، مه تباهی کنیت ۳، مباشید ۳۰، میستید ۳۴، مباشیت و مرویت ۴۱، تباه کاری مکنید ۶۴، نه روید ۹۰، تباهی مکنید و مکوشید ۱۰۹، مکنید تباه کاری ۱۲۹، تباهی مجوئید ۱۳۳

~: وَلَا تَعْثَوْا فِي ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۲۹: ۳۶)
مَباشید ۲، مه کنید تباهی ۴۶، مه استید ۸۸، تباهی مکنید و مشوید ۱۰۹

تَعْجَبْ: وَإِن تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ (۱۳: ۵)
شگفت شی ۱، شگفت داری ۳، شگفت کنی ۵، شگفت بمانی ۷ مکرّر، شِگَفْت دارِی ۵۵، شگفت آری تو ۶۱، شگفت می داری تو ۷۹، شگفت آید ترا ۹۶، شگفت آری ۱۰۴، بشگفت میداری ۱۱۳، شگفت می دارید ۱۲۴، شگفت آید ۱۲۷، شگفت آیدت ۱۲۹

تُعْجِبْكَ: فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَٰلُهُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُهُمْ (۹: ۵۵)
شگفت اند ۱۱

~: وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ (۶۳: ۴)
شگفت کند ۱، خُوش آید ۲، بشگفت آرد ۳، نیکو آید ۲۴، بشگفت آورد ۳۴، بشگفت ارد ۳۹، خوش آید ۵۶، شگفت آرَد ۶۱، شگفت آرد ۹۰، بشگفت بر آرد ۱۰۳، بشگفت آرد ۱۱۱، بشگفت دارد ۱۱۳، بشگفت آردت ۱۱۴، بشگفت می آرد ۱۱۶، خوش می آید ۱۲۲

★ لَا تُعْجِبْكَ: فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَٰلُهُمْ (۹: ۵۵)
نگر شگفت نکند ۱، خُوش میایدا ۲، مه خوش آیدا ۳، خوش نیایدا ۱۰، مدارید شگفت ۲۴، نباید که بشگفت آورد ۲۹، نه شگفت کند ۳۸، خوش میاید ۴۲، شگفت ماردا ۴۳، شگفت میاراد ۴۸، خوش میاد ۴۹، مَه خَوشْ آیدا ۵۵، شگفت مداراد ۵۶، بشگفت میارا ۵۷، درشگفت میاراد ۵۸، نه شگفت آرد ۶۱، بَشگفت میاوَردا ۶۲، باید که برشگفت ندارد ۷۹، نه خوش آید ۸۳، بشگفت میاوردا ۸۸، شگفت مبادا ۹۰، نه خوش آیدا ۹۱، خوش نیاید ۹۲، خوش میایدا ۹۴، شگفت میارد ۹۸، بشگفت میاورآد ۱۰۰، بشگفت میارگو ۱۰۲، بشگفت نه آرد ۱۱۳، بشگفت نیارَدَت ۱۱۴، باید که بشگفت نیارد ۱۲۳، نیاورد بشگفت ترا ۱۳۰، بشگفت نیاورد ۱۳۶

~: وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَٰلُهُمْ وَأَوْلَٰدُهُمْ (۹: ۸۵)
نگراندهگن نکند ۱، مه خوش آید ۳، مبادا شگفت ۱۱ و ۳۸، بشگفتی میاردا ۲۷، نه بشگفت آراد ۳۹، شگفت مارد ۴۳، نباید که ترا نیکو آید ۵۷، شگفت مباد ۵۸، بشگفت مه آردا ۶۲، بشگفت میاوراد ۶۳، شگفت نیارد ۶۴، نیارد بشگفت ۶۷، بشگفت میاورد ۸۵، ندارد درشگفت ۹۰، خوش میاید تو را ۹۴، بشگفت نیارد ۱۰۲، نباید که بشگفت بیاورد ۱۰۴، بشگفت مآردا ۱۰۹، نبادا بشگفت آرد ۱۱۲، بشگفت نیاردت ۱۱۴، بشگفت نیاورد ۱۲۰، بشگفت نیارود ۱۲۶

تَعْجَبُونَ: أَفَمِنْ هَٰذَا ٱلْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ (۵۳: ۵۹)
می شگفتی کنید ۱، شما می شگفت کنید ۲، بشگفت می شویت ۳، همی دارید شگفت ۲۴، شگفت داریت ۳۰، می شگفت کنید ۳۸، شگفت دارید همی ۳۹، شگفتی می کردید ۵۳، شگفت می دارید ۵۶، شگفتی می کنید ۸۹، شگفت میدارید ۱۰۳، شگفتی میکنید ۱۰۶، همی شگفت دارید ۱۰۸، بشگفت می آیید ۱۰۹، شگفت دارید

۱۱٤، بشگفت میشوید ۱۲۱

أَتَعْجَبِينَ: قَالُوٓاْ أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ ٱللَّهِ (۱۱:۷۳)
شگفتی کنید ۱، شگفت داری ۲، شگفت می داری ۳، همی شگفت کارید ۳۸، شگفت می آری ۳۹، شگفت داری ۵۲، شِگِفتْ می دَارِی ۵۵، شگفت می دارید ۵۷، شگفت می آری تو ٦۱، شگفتی میکنی ۹۲، همی شگفت د آری ۹٤، شگفت دارید ۹٦، شگفت می نمایی تو ۱۰۹، شگفت میداری ۱۲۳

★ لاَتَعْجَلْ: فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ (۱۹:۸٤)
شتاو مکن ۱، مَه شتابْ ۲، مه شتاب ۳، مکن شتاب ۲٤، تو مشتاب ۲۹، شتاب مکن ۳۰، نه شتاب کن ۳۹، شتاب منمای ۸٦، تو شتاب مکن ۹٦، شتآب مکن ۱۰۰

~: وَلَا تَعْجَلْ بِٱلْقُرْءَانِ مِن قَبْلِ (۲۰:۱۱٤)
شتاو مکن ۱، مشتابْ ۲، مشتاب ۳۰، مَهْ شِتابْ زَدَگی کُنْ ۵۳، نه شتاب ۹۰، شتاب مبر ۱۰٦، مکن شتاب ۱۲۵، بشتاب مخوان ۱۳٤

★ لِتَعْجَلَ: لَا تُحَرِّكْ بِهِۦ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِۦٓ (۷۵:۱٦)
شتاو کنی[1] ۱، بشتابی ۲، شتاب کنی ۳، شتاب کند ٦، اشتاب کنی ۵۲، شتاب نمائی ۱۰۰، شتابی ۱۱٤

تَعَجَّلَ: فَمَن تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ (۲:۲۰۳)
شتاب کند ۳، بشتاود[2] ۱۰، شتاب کنند ۲۹، بشتابد ۳٦، بَشتابَد ٤۲، بشتاب کنند ۵۳، شتابد ۷٤، دردود ۹۰، بشتآبد ۱۰۰، پیشین کند ۱۲٤، پیشین ۱۲۷، شتاب کرد ۱۳۵

تَعْدُ: لَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ ٱلْحَيَوٰةِ (۱۸:۲۸)
بگردند ۲۹، درگذارد ۹۲

★ لاَتَعْدُ: وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ (۱۸:۲۸)
کومگرد ۱، مگردان ۲، درمگذردا ۳، درمگذران ۸، مه درگذردا ۳۰، اندرمگذار ۳٤، نه گردان ۳۹، برمگردان ٤۱، نباید برگردد ٤۲، مگذران ٤۳، برمدار ۵۲، مَگَرْدَانْ ۵۳، درمگُذرَا ۵۵، درمگذار ۵٦، درمگذر ٦٤، مکش ۸۸، مگرد آن ۹٤، درمگذرآد ۱۰۰، درمگذراد ۱۰٦، اندرمگذردا ۱۰۸، درنگذرد ۱۱۱، باید درنگذرد ۱۳۷

أَتَعِدَانِنِي: أُفٍّ لَّكُمَآ أَتَعِدَانِنِيٓ أَنْ أُخْرَجَ (٤٦:۱۷)
نوید می دهیت ۳، نوید می دهیت هردو ۸۰، نوید دهید ۱۱٤

تَعْدِلْ: وَإِن تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَّا يُؤْخَذْ مِنْهَآ (٦:۷۰)
برابر کند ۲، داد کنی ۳۹، برابری کنی تو ٦۱، برابر کنند ترا ۱۰۵

تَعْدِلُوا: أَلَّا تَعْدِلُواْ فَوَٰحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ (٤:۳)
داد کنیت ۳

~: وَلَن تَسْتَطِيعُوٓاْ أَن تَعْدِلُواْ بَيْنَ ٱلنِّسَآءِ (٤:۱۲۹)
راستی کنید ۱، داد کنید ۲، برابر باشد ۳٦، داد کنید ٤۲، داد کُنید ٤۵، دَاد کنید ۵۳، راست دارید ۵۸، برابری کنید ٦۱، راستی نگاه دارید ٦٤

~: فَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلْهَوَىٰٓ أَن تَعْدِلُواْ (٤:۱۳۵)
بگروید ۱۰٤، بگردید ۱۰۹

★ أَلاَّتَعْدِلُوا: فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُواْ فَوَٰحِدَةً (٤:۳)
که راستی نکنید ۱، که نتوانید داد کردن ۲، که داد نکنید ۲۰، که داد نتوانید کرد و راستی ۲۷، که نتوانید داد کردَن ٤۲، که داد ندهید ۷٦، که داد نتوانید داد ۱۰٦

~: لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَـَٔانُ قَوْمٍ عَلَىٰٓ أَلَّا تَعْدِلُواْ (۵:۸)

---

۱. شتاو کنی / شتاب کنی.
۲. بشتاود / بشتابد.

که راستی نکنید ۱، آنکه داد نکُنید ۲، نه داد کنیت ۱۰ مکرّر، بَر آنکِ داد نَکُنید ۴۲، آنکه داد نکنید ۵۲، داد نکنید شما ۵٦، داد نکنید ۵۸، آنکه نه داد کنیت ۹۷

★ أَنْ تَعْدِلُوا: فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا (۴: ۱۳۵)
که راستی نکنید ۱، که نه داد کنیت ۹۷

★ لَا تَعْدِلُوا: فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً (۴: ۳)
راستی نکنید ۱، نتوانید داد کردن ۲، داد نتوانید کردن ۱۰، نه داد کنید ۵۳، داد نتوانید کرد ۵٦، راست نکنید ۵۸، نه برابری کنید ٦۱، داد نکنیت ۹۱، راستی نتوانید کرد ۹٦

تَعِدُنَا: فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا (۷: ۷۰)
می بترسانی ۲۴، بیم می کنی ۹۱، بیم کنی ۱۲۹

~: وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا (۷: ۷۷)
می ترسانی ۳، میترسانی ٦۷، بیم کردی ۱۱۴

~: فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا (۱۱: ۳۲)
بیم می کنی ۳، بیم می کنی بَا مَا ۵۵، نوید می دهی ۸۰

★ لَا تَعْدُوا: وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ (۴: ۱۵۴)
گد شتاری مکنید[1] ۱، مگذرید ۲۹، درمگذرید ۳۰، ستم مکنید ۳۴، از اندازه مبرید ۳۸، مکنیت بی فرمانی ۴۱، بیداد مکنید ۵۸، بی داد مکنید ۹۲، ستم مکنیت ۹۷، از حد درمگذرید ۱۳۸

تَعُدُّوا: وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا (۱۴: ۳۴)
شمریت ۳، برشمارید ۵، ورشمرید ۲۹، بشمارید ۳۸، بَشمارَند ۵۳، شُمُریت ۵۵، برشمرید ٦۳، شمرید ۸۹، خواهید که برشمرید ۹۳، شماره کنید ۱۱۱، شمارید ۱۱۴

~: وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا (۱٦: ۱۸)
بشمرید ۱، بشمرید ۲، بشمری ۲۴، شما ورشمرید ۲۹، می شماریت ۴۱، شُمار کُنید ۵۳، شُمُریت ۵۵، بشماری ٦۰، شمار کنید ۱۲۴

تَعُدُّونَ: كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ (۲۲: ۴۷)
می شمرند ۱، همی شمرید ۲، می شمریت ۳، می شمرید شما ۲۴، همی شمرند ۳۰، میشمرید ۴۳، شمار همی کنید ۵۳، شما همی شمارید ٦۲، شما همی شمرید ٦۹، می شمارند ۹۲، شما می شمارید ۱۰۲، شمارید شما ۱۰۴، همی شمارید ۱۰۹، شمرید شما ۱۲۵ میشمارید ۱۳۲

~: كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ (۳۲: ۵)
می شمرید ۱، همی شمرید ۲، می شماریت ۳، شمری ۲۴، همی شمرید ۳۴، شمار می کنید ۴۲، شما می شمرید ۴٦، شُمارْ کنید ۵۳، شما شمردید ٦۴، می شمارید ۹۰، میشمارید ۱۰۲، شما شماره میکنید ۱۰۳، برشمرید ۱۰٦، شماره میکنید ۱۱۱، شمارید ۱۲۹

تُعَذِّبْهُمْ: إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ (۵: ۱۱۸)
شکنجه کنی ۱۱۴

★ لَا تُعَذِّبْهُمْ: فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ (۲۰: ۴۷)
مرنجان ۴۳، رنجه مدار ٦۴، مه شکنجه کن ۸۰، شکنجه مکن ۱۱۴

تَعْرُجُ: تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ (۷۰: ۴)
می ورشند[2] ۱، برشوند ۲، می ورشوند ٦، برشود ۳۰، برروند ۳۹، برمی روند ۴۱، ببالا برروند ۷۹، بر آیند و برشوند ۸۰، برمی آید ۱۰۹، بالا میروند ۱۱۱، ببالا روند ۱۱۳، بر آیند ۱۱۴، بالا می رود ۱۲۰، برمیآیند ۱۲۱، ببالا بروند ۱۳۸

---

۱. گدشتاری مکنید: از اندازه مگذرید.

۲. می ورشند / برمی شوند.

تُعْرِضْ: وَإِن تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَن يَضُرُّوكَ شَيْـًٔا (۵: ۴۲)
روی بگردانی ۲، روی گردانی ۳، روی برگردانی ۵۳، بگردی ۶۰، روی برگردانی تو ۶۱، برگردی تو ۶۳، برگردی ۷۵

تُعْرِضَنَّ: وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ٱبْتِغَآءَ رَحْمَةٍ (۱۷: ۲۸)
روی گردانی ۱، روی بگردانی ۲، تو هاگردی ۲۹، روی گردانی هرآینه هرآینه ۳۰، بگردان روی ۴۱، برگردی ۴۲، برگردانی روی ۵۳، روی گردانی هراینه هراینه ۵۵، روی برگردانی ۶۱، روی بگردانی ۷۴، برگردی تو ۶۳، رهی بگردانی ۱۰۷

تُعْرِضُوا: وَإِن تَلْوُۥٓاْ أَوْ تُعْرِضُواْ (۴: ۱۳۵)
روی گردانید ۱، روی بگردانید ۲، روی بگردانید ۱۰، روی بگردانیت ۴۱، برگردید ۵۷، روی برگردانید ۶۱، بازگردید ۹۶، روی برگردانیت ۹۷، روی برگردانید ۱۱۹، بگردانید روی ۱۲۴

~: لِتُعْرِضُواْ عَنْهُمْ (۹: ۹۵)
روی گردانیت ۳، ورگردی ۲۴، درگذرید ۲۹، روی برگردانیت ۵۵، بگردید ۷۶، روبگردانید ۹۶، روی بگردانید ۱۰۷

تُعْرَضُونَ: يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنكُمْ (۶۹: ۱۸)
نموده شوید ۱۰۹

تَعْرِفُ: تَعْرِفُ فِى وُجُوهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ (۲۲: ۷۲)
اشناسی ۱، بشناسی ۲، همی شناسی ۱۲، تو بشناسی ۲۹، بشناسی تو ۵۶، شناسی تو ۵۸، بدانی ۶۲، شناسد ۹۶، بینی ۱۰۲، شناسی ۱۱۷، می یابی ۱۲۲، شناخته میشود ۱۳۰

~: تَعْرِفُ فِى وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ ٱلنَّعِيمِ (۸۳: ۲۴)
بشناسی ۲، می شناسی ۳۹، میشناسی ۱۰۲، بشناسید ۱۱۳، شناسند ۱۳۴

وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ: وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِى لَحْنِ ٱلْقَوْلِ (۴۷: ۳۰)
اشناسی ۱، بشناسی ۶، می شناسی ۲۲، همی شناسی ۲۴، بشناسی تُو ۸۱ و ۱۱۳، شناسی هرآینه هرآینه ۹۱، می شناختی ۱۰۰، بدانی ۱۰۵، بشناسند ۱۲۴

تَعْرِفُهُمْ: تَعْرِفُهُم بِسِيمَٰهُمْ (۲: ۲۷۳)
بشناسی ۲، شناسی ۳، بشناسی ۲۴، می اشناسی ۲۵، می شناسیت ۴۱، تو بشناسی ۶۲، بشناسند ۱۲۴، می شناسی ۱۳۵

فَتَعْرِفُونَهَا: سَيُرِيكُمْ ءَايَٰتِهِۦ فَتَعْرِفُونَهَا (۲۷: ۹۳)
بشناسید ۱، شناسید ۵۳، بدانید ۶۲، شناسید ۱۱۴

تَعْرَىٰ: إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ (۲۰: ۱۱۸)
برهنه شوی ۲، برهنه گردی ۳۰، برهنه مانی ۴۳، برهنه [شوی] ۴۸، برهنه کنی ۱۱۴

★ لَا تَعْرَىٰ: إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ (۲۰: ۱۱۸)
برهنه نشی[1] ۱، نشوی برهنه ۲۴، برهنه نگردی ۳۴، برهنه نشوی ۳۶، برهنه نباشی ۶۴، نه برهنه شوی ۸۸، نمانی برهنه ۱۰۳، برهنه نمیگردی ۱۱۱، برهنه نمانی ۱۲۲، نه برهنه گردی ۱۳۷

تُعِزُّ: وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَآءُ (۳: ۲۶)
ارجمند کنی ۵۸، ارجمند میسازی ۱۱۱، ارجمند میگردانی ۱۱۶، ارجمند میکنی ۱۲۳، ارجمندی دهی ۱۳۶

تُعَزِّرُوهُ: لِّتُؤْمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُعَزِّرُوهُ (۴۸: ۹)
یاری دهید ۲، بزرگ داریت ۳، یاری دهند ۶، یاری کنید ۱۷، بزرگ دارید ۲۹، بزرگ دارند ۵۱، ارجمند دآرید ۱۰۰، بشکوه دارید ۱۱۷، یاری کنند ۱۳۶

★ لَا تَعْزِمُوا: لَا تَعْزِمُواْ عُقْدَةَ ٱلنِّكَاحِ (۲: ۲۳۵)

---

۱. برهنه نشی / برهنه نشوی.

منشی مکنید [1] ۱، آهنگ مکُنید ۲، مه استوار کنیت ۳، نگرَید دَروُستُ و راسْت بنَکنَید ۱۰، آهنگ مکنید ۲۹، دل برمنهید ۳٤، آهَنگ مَکُنید ٤۲، دل منهید ٤۹، مَه اسْتُور ۵۵، درست و راسْت مکنید ٦۳، دل ننهید ٦٤، مکنید اهنگ ٦۹، نه استوار کنیت ۸۰، مکنید آهنگ ۸۲، آهنگ مکنیت ۸۳، مکنید ۸۸، نه دل نهید ۹۰، نه استوار کنیت ۹۱، آهنگ نکنید ۹۹، نه استوار کنید ۱۱٤

فَتَعْسًا : وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (٤۷: ۸)
در سر آمدن باد ۱، نگوساری باد ۲، نگوساری ۳، اندر سرآمدن باد ۱۷، سرْآمدن ۲۲، بسر درآمدن ۳۸، در سر آمدن و افتادن ۳۹، درسر آمد پای ایشان ٤۳، دوری و دشخواری باد ٤۹، مَرگ باذْ ۵۳ ، مرگ ، مرگ بادا ۵٦ ، نگون شدن ٦۹، در سر آمد و افتادن باد ۷۲، نومیدی ۷۸، نگوسار باد ۸۱، دوری ۹۲، نگونساری باد ۹٤، خواری و نگونساری ۱۰۳، نگونساری ۱۲۱، نگون ساری ۱۲٤

★ لاتَعْضُلوهُنَّ: فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنكِحْنَ (۲: ۲۳۲)
بازمَدارید ۲، مه بازداریت ۳، وامدارَید [2] ۱۰، وامداری [2] ۲٤، باز مه دارید ۲۷، مدارید باز ۳۹، بازمگیریت ٤۱، بازمگیرید ٤۳، بازمدارید ۵۲، نَه بازدَاریْت ۵۵، بازندارید ٦۲، بازمداریت ۸۰، گزند مرسانید ۱۰۰، نیست که باز دارید ۱۲٤

~: وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا (٤: ۱۹)
مبشرید [3] ۱، وامدارید [4] ۱۰، بازمدارید ۲۳، بازمدارید شان از شوی کردن ۲۷، نه بازدارید ۳۹، وامه دارید [4] ٤۰، مرنجانیت ٤۱، بازمَدارید ٤۲، مَهْ بازدَاریْد ۵۳، بَازمدَاریت از شوهر کردن ۵۵، نه رنجانید ٦۱، از شوی کَردن بازمدارید ٦۳، گزند مرسانید ۸۹، مدارید ایشانرا از شوی کردن ۹٤، شما بازمدارید ۹٦، بازمداریت شان از شوی کردن ۹۷، مرنجانید ۱۰۲، زندگانی بد مکنید ۱۰٤، بازمدارید از شوی کردن ۱۲۵، تنگ مگیرید ۱۲۷، گزند نرسانید ۱۳۸

تَعِظُونَ: لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ (۷: ۱٦٤)
می پند دهید ۱، همی پَند دهید ۲، پند می دهیت ۳، مَی پند دَهَید ۱۰، می پند دهی ۲٤، پند می دهید ۲۷، پند میدهید ۲۹، همی پند دهید ۳۸، پند می دَهید ٤۲، پَنْد مِی دَهیْت ۵۵، پند می دهی ۵۷، پند همی دَهید ٦۲، همی پند دهیت ۸۳، پند همی دهید ۹۳

اَلتَّعَفُّف: الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ (۲: ۲۷۳)
پاکی کردن ۱، خُویشتن داری و نهفتگی ۲، نیاز پَوشیدن ۱۰، پارسایی ۲۵، نهفت نیازی ۲۷، نهفت ساری و پوشیدگی ۳۰، خویش کاری ۳۹، نَهُفت خویشتَن ٤۲، خویشتن داری ٤۸، نهفت خویشتن ۵۲، نُهفتگی ۵۵، دوری جستن ۵۷، پاکیزگی ٦۹، ناخواستن ۷۵، نهفتگی و خویشتن داری ۸۳، پرهیزکاری ۸۸، ترسیدگی ۹۸، نگاه داشتن خود را ۱۰٤، نهفت خویش ۱۰۵، بازایستادن ۱۱۱، نگاه داشتن ۱۲٦، نهفت خویش داری پاکیزه ۱۲۷، بازداشتن ۱۲۹، نهفت نیازی نمودن ۱۳۸

تَعْفُوا: وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ (۲: ۲۳۷)
اندر گُذارید ۲، ببخشی ۲٤، دَرگُذارید ٤۲، درگذرانید ٦۳، بگذارید ٦٤، دست بدارید ۸۸، دست بازدارید ۱۲٤، درگذرد ۱۳۸

~: إِن تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَن سُوءٍ (٤: ۱٤۹)

---

۱. منشی مکنید: دل ننهید، آهنگ مکنید.
۲. وامدارَید، وامداری / وازمدارید، بازمدارید.
۳. مبشرید: بازمدارید، منع نکنید.
٤. وامدارید، وامه دارید / وازمدارید، بازمدارید.

در گذاری ٢٤، در گذارید ٢٧، دَرگُذارید ٤٢، اندر گُذارند ٥٣، در گذرید ٥٧، در گذاریت ٨٠، درگذ آرید ٩٤، گذارید ١١٤

~: وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا (٦٤:١٤)
اندر گذارند ٢، درگذاریت ٣، اندرگذاریت ٣٠، گذرید ١١٤، درگزارید ١٢٤

تَعْقِلُونَ: وَأَنتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (٢:٤٤)
دریابیت بخرد ٣، دَریَابیت بِخَرَد ٥٥، اندریاوید ٨٢، میدانید ١١٤

~: وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (٢:٧٣)
أندرْیابید ٢، بدانید ١٠، بی افتید ٤٣، خردمند شوید ٤٩، دریابید ٥٢، دَرْیَابیت بِخَرَد ٥٥، خرد بدانید ٥٧، بچشم خرد درنگرید ٦٣، دانید بخرد ١٠٩، دریابید به خِرَد ١١٤، بفهمید ١٢٧، بخرد کار کنید ١٢٩

~: لِيُحَاجُّوكُم بِهِ عِندَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (٢:٧٦)
هوش داریت ٣، هُوشْدَارِیت ٥٥، خردمندی کنی ٦٠، هوش دارید ١١٤

~: يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (٢:٢٤٢)
خرد را کار فرمایید ١، بَرافُتید درْیابید ٢، بُدانید ١٠، دریاوید ٢٤، بدانید بخرد ٢٧، خردمندی کنید ٣٠، دریَابِید ٤٢، بخرد دانید ٦١، نیک بدانید ٦٣

~: أَفَلَا تَعْقِلُونَ (٣:٦٥)
می دانید ١٠، می دریابید ٥٦، خردمندی بکنید ٧٤، هش داریت ٨٠

~: قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ (٣:١١٨)
خرد را می کار فرمایید ١، بدانید ١٠، می بدانید بخرَدْ ٢٧، بدانید و اندریابید ٤٠، دَریابید ٤٢، خِرَد دَاریت یعنی هُشْ داریت ٥٥، خرد کنید ٧٥، خرد داریت ٩١

~: ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (٦:١٥١)
اندرْیابید ٢، دریاوی[1] ٢٤، اندریابیت ٢٧

~: وَالدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (٧:١٦٩)
خردمندی می کنید ٧٢

~: فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (١٠:١٦)
هُش داریت ٣، خِرَد داریدْ ٥٣، هُش دَاریت ٥٥

~: إِنَّا أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (١٢:٢)
خرد را کارفرمایید ١، خرد را کار فرمائید ٣٩، آندَرْیابیدْ ٥٣، خرد گیرید ٥٩، بخرد دریابید ٦١، شما اندر یابید ١٢٨

~: لَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (٢١:١٠)
می اندر یابید ٥٣

~: أَفَلَا تَعْقِلُونَ (٢١:٦٧)
همی اندریابید ٥٣

~: لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (٢٤:٦١)
اندریابید ٢، شما خرد را کار بندید ٤٧، بخرد خواهید ٥٤، بشناسید ٦٢، دریابید بخرد ١٠٩

~: إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ (٢٦:٢٨)
می دریاوید[2] ٢٠، دانان ٤٦، دانایان ١١٤، دریابند ١٣٩

~: أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ (٣٦:٦٢)
خرد را می کار فرمودید ١، خرد دارید ٣٢، دریآبید ١٠٠، هوش میداشتید ١٠٩

~: لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِم مُّصْبِحِينَ وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (٣٧:١٣٨)

١. دریاوی/ دریابی.
٢. می دریاوید/ می دریابید.

بخرد می اوفتید ۳۳

~: إِنَّا جَعَلْنَٰهُ قُرْءَٰنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۳:۴۳)

خرد گیرید ۲، خِرد گیرید ۲۲، دریابیت ۳۲

~: قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ ٱلْءَايَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۷:۵۷)

خِردمَند شوید ۴۲، بخرد درآیید ۶۴، بخرد بازگردید ۱۰۸، شما دریابید بخرد ۱۰۹

★ أَفَلَا تَعْقِلُونَ: وَأَنتُمْ تَتْلُونَ ٱلْكِتَٰبَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۴۴:۲)

یا هیچ خردتان نیست ۲، او پس نه دریابیت بخرد ۳، خردتان نیست هیچ خرد را کار نَفرمایَید ۱۰، می درنیاوید ۲۴، چرا نمی اندیشید ۳۶، نه دَریابیتْ بِخَرَد ۵۵، خردمندی نکنی ۶۰، نمی دانیت بخرد ۸۰، نه دانید ۹۰، نمیدانید ۹۹، نیست خرد شما را ۱۰۵، درنمی یابید ۱۲۲، نه خردمندانید ۱۲۴، نمیدانید خود را ۱۳۱، خرد نمی دارید ۱۳۶

~: لِيُحَآجُّوكُم بِهِۦ عِندَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۷۶:۲)

خرد نیشت شما را ۲، نه مَی دانید ۱۰، می ندانند ۲۴، خود ندانید ۲۹، هیچ خَرد نیست شما را ۴۲، خرد نداری ۶۰، هوش و خرد ندارند ۹۸، همی ندانید شما ۱۰۵، درنیندیشید ۱۲۴، درنمی یابید ۱۳۶

~: إِلَّا مِنۢ بَعْدِهِۦٓ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۵:۳)

هیچ خرد ندارید ۲، نه دانی ۲۵، هُش نداریت ۲۸، هوش نمی داریت ۳۰، خردمندی نکنید ۳۹، خرد نَدارید شُمَا ۴۲، هیچ خردمندی نکنید ۹۲، درنمی یابید شما ۱۰۴، هیچ خرد ندارید شما ۱۰۵، هیچ خرد ندارید ۱۰۷، هیچ نمی فهمید ۱۲۷

~: خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۳۲:۶)

خرد را کارنفرمایید ۱، هیچ اندر نیابید ۲۶، اندرنیاوند ۸۱، اندرنیابند ۸۸، درنمی یآبند ۱۰۰، همی درنیابید ۱۲۴

~: خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۶۹:۷)

درنیابند ۱۲۴

~: لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِۦٓ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۶:۱۰)

ای خرد را کار نفرمایید ۱، خردتان نیست ۱۳، می درنیاوی ۲۴، خردمند نمی شوید ۲۹، نه خرد دارند ۳۸، نمی دانیت ۴۱، هیچ خردتان نیست ۵۲، درنمی یابید ۵۸، درنمییابید ۱۰۴

~: إِلَّا عَلَى ٱلَّذِى فَطَرَنِىٓ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۵۱:۱۱)

نیست شما را خرد ۲۴، خرد را کار نفرمااید ۳۹، خرد نَدارید و نَدانید ۶۲، نمی یابید ۱۳۶

~: خَيْرٌ لِّلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۰۹:۱۲)

هیچ خردتان نیستْ ۲، نه هُش دَاریتْ ۵۵

~: فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۰:۲۱)

هیچ خرد نیشْتتان ۲، همی نه خرد دارید ۱۲، همی ندانید ۲۴، شما همی ندانید ۵۶، هیچ خرد ندارید ۶۴، خرد ندارید شما ۹۶، هیچ خردنیستتان ۱۰۸

~: لِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۷:۲۱)

هیچ خرد نیشْت شما را ۲، اوپس نه هش داریت ۳، خرد ندارید ۳۴، شما نمی دانید بخرد ۵۶، شما خرد و هوش ندارید ۵۸، هیچ خرد نیست شما را ۶۱

~: لَهُ ٱخْتِلَٰفُ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۸۰:۲۳)

همی اندر نیابید ۲، همی ندانید ۲۴، دانا نمی باشیت ۴۱، خرد ندارید تا بدانید ۴۷، خرد ندارید شما و ندانید ۵۴، همی ندانید بخرد ۵۶، خرد را کار نمی فرمایید ۶۲، چرا خرد ندارید ۹۴

~: وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰٓ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۰:۲۸)

خود خرد ندارید ۴۲، خرد نه دارید ۴۶، همی اندر نیابید ۹۴، درنمی یآبید ۱۰۰

~: وَبِٱلَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۳۸:۳۷)

نمی دانید همی ۳۹، ندانید ٥٦، نمی دانید ٦١، درنیابید ١١٤

★ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ: إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ (۳: ۱۱۸)
خرد را می کار فرمایید ۱، خرد داریت ۳، شما بدانید ۱۰، بودید شما خردمندان ٥٨

~: إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ (۲٦: ۲۸)
هستید شما خردمند ٦٢، هستید بیگمانان ۱۰۸

★ لَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ: أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ (۳٦: ٦٢)
هوش نمی داشتیت ۳، نه شما می دانستید بخرد ۳۹

تَعْلَمُ: وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ (٤: ۱۱۳)
دانستی ۱، بدانی ٦٤، درآموزی ۱۲۱

~: تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَآ أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ (٥: ۱۱٦)
دانی ۱، همی دانی ۲، تو دانی ۲٤، میدانی ۳٦، میدانی تو ٦١

~: وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ (۹: ٤۳)
بدانستیت ٦۰، بدانستی تو ٦۳

~: وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ (۱۱: ۷۹)
دانی ٥۳

~: رَبَّنَآ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ (۱٤: ۳۸)
همی دانی ۲، می دانی ۲۹

~: هَلْ تَعْلَمُ لَهُۥ سَمِيًّا (۱۹: ٦٥)
دانی تو ٥۸، بدانی تو ۹۲

~: وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ (۲۸: ۱۳)
داند ۱، بداند ٥۳، بدانید ۱۳۹

★ أَلَمْ تَعْلَمْ: أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲: ۱۰٦)
همی ندانی ۲، نمی دانی ۱۰، نه دانسته ای ٤۰، نه دانی ٥۲، نه دانستی ٦۱، ندانستی ٦٤، نه دانی تو ٦۷، ندانستی تو ۸۹، نه دانی با خود ۹۲

~: أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُۥ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ (۲: ۱۰۷)
نه همی دانی ۲، می ندانستی ۲۹، نه می دانی ۳٦، ندانی تو ٦۳، نمیدانی ۱۲۷

~: أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُۥ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ (٥: ٤۰)
ندانی ۱، نه همی دانی ۲، نه دانی ۲٤، نه بینی ۲۷، نمی دانی ۳٦، ندانستی ۳۷، همی نه دانی ٤٥، نه دانی ٥۳، همی ندانی ٥٦، نداند ٥۸، نه دانستی تو ٦۱، نه همی دانی ٦۳، نمی دانی تو ٦۷، نمیدانی ۱۰۳

~: أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَآءِ (۲۲: ۷۰)
نه همی دانی ۲، همی ندانی ۲٤

★ لاَ تَعْلَمُ: فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّآ أُخْفِيَ لَهُم (۳۲: ۱۷)
نداند ۱، نمیداند ۱۱٦

★ لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ: وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ (٤: ۱۱۳)
همی ندانستی ۲، نه هرگز ندانستی ۱۰، نمی دانستی تو ٥۸، نه دانستی تو ٦۱، ندانستی تو ٦۳، نیاموخته بودی ٦٤، نه بودی آموخته ۹۰، تو نمی دانستی ۱۰۳، ندانستی ۱۰٥، نمی دانستی ۱۲٤، همی ندانستی ۱۲۷

لَتَعْلَمُنَّ: وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَآ أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ (۲۰: ۷۱)
بدانید ۱، بدانید ۲، بدانید ٤۲، دانید ۸٦

~: وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُۥ بَعْدَ حِينٍ (۳۸: ۸۸)
شما بدانید ۲۹، بدانید شما ۳۳

تُعَلِّمَنِ: هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰٓ أَن تُعَلِّمَنِ (۱۸: ٦٦)
بیاموزی ۱، آموزانی ۳۰، آموزانی ٥٥، بیاموزانی تو ٦۱، بیاموزانی ۹٦، درآموزانی ۱۰۰، درآموزی ۱۰۸

تَعْلَمُهَا: مَا كُنتَ تَعْلَمُهَآ أَنتَ (۱۱: ٤۹)
می دانستی ٥۸، دآنی ۱۰۰، دانسته ۱۲٤

★ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا: مَا كُنتَ تَعْلَمُهَآ أَنتَ (۱۱: ٤۹)
نمی دانستی ۳، ندانستی ٥۹، نه دانستی تو ٦۱،

نه میدانستی ۹۲، نمی دانستی تو ۱۱۳

★ لاتَعْلَمُهُمْ: مَرَدُوا عَلَى ٱلنِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ (۹:۱۰۱)

ندانی ۱، ندانی تو ۵۶، تو ندانی ۹۶، نمیدانی تو ۱۰۰، نمی دانی تو ۱۱۸

تَعْلَمُوا: حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ (۴:۴۳)

دانی ۲۴

~: أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ (۵:۹۷)

دانیت ۳، بدانید ۴۲، بدانی ۶۰، بد آنید ۱۰۰

★ أَلَمْ تَعْلَمُوا: أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُم (۱۲:۸۰)
أَفَلَا تَعْقِلُونَ

ای ندانید ۹۳

★ لِتَعْلَمُوا: وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ ٱلسِّنِينَ (۱۷:۱۲)

بدانند ۷۶

★ لَمْ تَعْلَمُوا: وَعُلِّمْتُم مَّا لَمْ تَعْلَمُوا (۶:۹۱)

ندانستید ۱، نه شما دانستی ۱۰، نه دانستیت ۱۰ مکرر و ۳۰، نمی دانستید ۳۶، نه دانستید ۶۱، نیاموخته بودید ۶۴، همی ندانستید ۹۴

~: أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُم (۱۲:۸۰)

ندانید ۱، همی ندانید ۲، نمی دانید ۵، شما نمی دانید ۷۶، همی ند آنید ۹۴، نمیدانید ۱۰۳، نمیدانید شما ۱۱۸

~: فَإِن لَّمْ تَعْلَمُوٓا ءَابَآءَهُمْ (۳۳:۵)

ندانید ۷۶، نه دانید ۹۲

~: فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِن دُونِ ذَٰلِكَ (۴۸:۲۷)

ندانستید شما ۲، ندانستید ۳۰

تَعْلَمُونَ: فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲:۲۲)

همی دانید ۲، می دانید ۱۰، می دانیت ۵۵، می دانی ۵۷، می دانیت ۸۰، همی د آنید ۹۴

~: قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۲:۳۰)

می دانید شما ۹۰

~: وَتَكْتُمُوا ٱلْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲:۴۲)

همی دانید ۲، دانید ۱۰، می دانیت ۵۵

~: أَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲:۱۸۴)

بدانید ۲، شما بدانید ۱۰

~: وَٱللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۲:۲۱۶)

دانید ۱۰

~: وَٱللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۲:۲۳۲)

میدانید ۶۱

~: إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲:۲۸۰)

می دانید ۱، شما دانی ۲۵، بدانش میکنید ۱۰۴

~: لِّكُلِّ نَبَإٍ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۶:۶۷)

بدانید ۲، دانیت ۳، وابینید و بدانید و بشنوید ۱۰، شما بدانید ۹۹

~: فَأَيُّ ٱلْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِٱلْأَمْنِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۶:۸۱)

همی بدانید ۲

~: فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن تَكُونُ لَهُ (۶:۱۳۵)

بدانید ۱، بدانیت ۲۷، بدانیدتان ۶۱

~: وَأَعْلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۷:۶۲)

دانید شما ۴۵

~: أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَٰلِحًا مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ (۷:۷۵)

شما می دانید ۲۹

~: لِتُخْرِجُوا مِنْهَآ أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۷:۱۲۳)

بدانید و آگه باشید ۱۰، بدانید شما ۶۱

~: ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۹:۴۱)

همی دانید ۱۱، شما هستی دانده ۲۴، دانید و بینید ۵۸

~: وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۳:۸۸)

دانندگان ۷۶

~: ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۹:۱٦)
همی بدانید ۲، می دانیت ۳

~: وَإِنَّهُۥ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ (۵٦:۷٦)
بَدانید ۲، بدانیدی ۱۰۸

~: ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (٦۱:۱۱)
دانا آن ٤۸

~: ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (٦۲:۹)
کنند گان ۱۳٤

~: ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۱۰۲:٤)
دانستن ۱۳٤

★ تَكُونوا تَعْلَمُونَ: مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (۲:۱۵۱)
می بدانستید ٦٤

~: مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (۲:۲۳۹)
دانستید ۱، می دانستی ۵۷

★ سَوْفَ تَعْلَمُونَ: فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۱۱:۳۹)
خواهید دانست ۱۳٦

★ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ: إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲:۱۸٤)
هستید شما دانند گان ۱۲۳

~: إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲:۲۸۰)
هستید دانا آن ۵٦، هستید شما دانا ۱۲٤

~: فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (٦:۸۱)
چنانستی که همی دانید ٦۵

~: لَّوْ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۳:۱۱٤)
می دانستید ۱، بدانستیي ۲، بودی دانند ه ۲٤، بدانستید ٤۷، بدانستی ٦۱، همی دانستید ۹٦

~: ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۹:۱٦)
هستید دانایان ٦۱

~: ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (٦۲:۹)
دانسته اید ۳۹

~: إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۷۱:٤)
بدانستیت ۳

★ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۳۰:۵٦)
نمی دانستید ۱، نه دانستید ٤۷

★ لَا تَعْلَمُونَ: قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۲:۳۰)
شما ندانید ۲، نَدانیت شُمَا ۵۵، شما نمیدانید ۱۰۲، بدانید ۱۱۱

~: أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۲:۸۰)
همی ندانید ۲، نَمی دانَید ۱۰، ندانید ۲٤، نمی دانند ٤۳، می ندانید ۹۲

~: وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۲:۱٦۹)
نَدانید ۲

~: وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۲:۲۱٦)
نه دانید ۲٤، همی ندانید ۲۷

~: وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۲:۲۳۲)
ندانید ۲، نمی دانیت ٤۱، نمی دانید ۷٦

~: وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۳:٦٦)
ندانید ۲، همی نمی دانی ۲۵

~: أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۷:۲۸)
نمی دانَید ۱۰، همی ندانید شما ۲۷، ندانی ٦۰، ندآنید ۱۰۰

~: وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۷:۳۳)
نمیدانید ۳۰

~: قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَٰكِن لَّا تَعْلَمُونَ (۷:۳۸)
شما نمی دانید ۱۰، ندانیت ۲۷، نمی دانید شما ۲۹، نمیدانید شما ۱۰۳

~: أَنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۷:٦۲)
نمی دانید ۱، شما می ندانید ۱۰

~: وَأَعْلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۸۶:۱۲)
شما ندانید ۲، ندانید ۵۳

~: إِنِّيٓ أَعْلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۹۶:۱۲)
ندانید شما ۵

~: وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۸:۱۶)
ندانی شما ۲٤

~: فَسْـَٔلُوٓاْ أَهْلَ ٱلذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (٤۳:۱۶)
نمی دانید ۲، ندانند گان ۷۶

~: لَا تَعْلَمُونَ شَيْـًٔا (۷۸:۱۶)
ندانید ۵۳، ندانستی ۵۷، نمیدانستید ٦٤، ندانستید ۱۱۸

~: فَسْـَٔلُوٓاْ أَهْلَ ٱلذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۷:۲۱)
شما همی ندانید ۱۰۸

~: وَلَٰكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۵۶:۳۰)
نادانان ٦۱

★ لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ: مَّا لَمْ تَكُونُواْ تَعْلَمُونَ (۱۵۱:۲)
نمی دانستیت ۳، شما ندانستید ۱۰، نه دانستید ٤۰، ندانستید ٤۲، ندانستید ۵۲، نه دانسته اید ٦۲، ندانید ٦۳، نه بودید دانسته ۹۰، باشید نمی دانستید ۹۲

~: مَّا لَمْ تَكُونُواْ تَعْلَمُونَ (۲۳۹:۲)
همی ندانستید ۲، شما ندانستید ٦۲، شما نمی دانید ۹٦، ندانستید شما ۱۰۰

فَسَتَعْلَمُونَ: فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَٰبُ ٱلصِّرَٰطِ (۱۳۵:۲۰)
زود بدانید ۲، زود بود که بدانید ٤۳، بوک بدانید ۵۲، سرانجام بدانید ٦٤، زود که بدانید ۸۷، زود بدانید ۱۰۸، بزودی خواهید دانست ۱۳۵، زود باشد بدانید ۱۳۹

~: فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (۲۹:٦۷)
زود باشد که بدانید ۱۲۰

تُعَلِّمُونَ: بِمَا كُنتُمْ تُعَلِّمُونَ ٱلْكِتَٰبَ (۷۹:۳)
می آمختید[1]، آموزید ۱۰، آموزید ۳۹، می آموزانید ٤۲، همی آموزید ٦۲، درمی آموزید ٦۳، می خوانید ۷۵، شما می آموزید ۷٦، درمی آموزانید ۸۹، همی بیاموزانید ۹۸، هستید آموزنده ۱۲٤

~: قُلْ أَتُعَلِّمُونَ ٱللَّهَ بِدِينِكُمْ (۱٦:٤۹)
می آموزید ۱، می بیاموزنید ۲، می بیاموزید ۵٦، آموزید ٦۱، بیاموزید شما ۱۰۵، می آموزاند ۱۲٤

★ كُنتُمْ تُعَلِّمُونَ: بِمَا كُنتُمْ تُعَلِّمُونَ ٱلْكِتَٰبَ (۷۹:۳)
هستید دانده ۲٤، می آموختی ۲۵، آموزانید یت ۲۸، بودید شما آموزند گان ۵۸، آموزانیده شدید ٦۱، درآموختید ۱۰۰، بیاموزانیدید ۱۲۱، می آموختید ۱۳۸

★ لَا تَعْلَمُونَهُمْ: وَءَاخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ (٦۰:۸)
ندانید تان ٦۱، بندانید شما ٦۲، ندانید ۱۱٤

تُعَلِّمُونَهُنَّ: تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ ٱللَّهُ (٤:۵)
بیاموزنید ۲، می آموزانیت ۳، می آموزید و می فرهنجید ۱۰، بیاموزیت ۱۰ مکرر، درآموزید ۲۷، می آموزید ۳۷، بیاموزید ۵۳، آموخته باشی ٦۰، نیک درآموزانید ٦۳، بیاموزنیت ۸۸، بیاموزید ۹۰، درآموزانیده باشید ۱۰۰، اندر آموزید ۱۱۲، درمی آموزانید ۱۳۸

★ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ: لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ (۲۵:٤۸)
شما ندانستید ٦، ندانستیدی ۳۰، ندانستید شما ۵٦، نمی دانستید ٦٤، ندانستندی ۸۱، نمیدانستید شما ۸٦، نمیدانستید ۱۰۰، ندانسته اید ۱۰۳، آگاه نکردندی ۱۰۵، نه دانستید شما ۱۳۸

---

[1] می آمختید / می آموختید.

لَتَعْلُنَّ: وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا (۱۷:٤)
ورشید [۱] ۱، برتری کنید ۲، بزرگی نمایید ٤١، بلند شوید ٤٢، برتری جویند ٥٢، گردن کشی کُنیت ٥٥، برشوید ٥٦، بُلند شوی ٥٧، برتری جویید ٥٩، برترید ٦١، بزرگی کنید ٦٢، افرشته شوید ٦٣، گردن کشی کنیت هرآینه هرآینه ٨٠، برتری کنیت ٨٣، برشوند ٩٠، گردنکشی کنید ٩٣، برتری جوئید ٩٦، افرشتگی جستید ١٠٠، افراشتگی جستید ١٠٦، بلند خواهند شد ١١١، بلند شود ١١٨، هرآینه افرشتگی کنید ١٣٤

تُعْلِنُونَ: وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (١٦:١٩)
می اشکرا کنید [۲] ۱، آشکارا کُنید ۲، آشکارا می کنیت ۳، آشکارا میکنید ۲۹، آشکار می کنیت ۳۰، نهان نمی کنید ٤١، آشکار کنید ٥٢، آشکاراهمی کنید ٦٢، آشکار می کنید ٨٩

~: وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (٢٧:٢٥)
آشکارا می کنید ٢٠، آشکارا می کنند ٤٧، آشکارا دارید ٤٨، آشکارا کنند ١٠٨، آشکارا میگردانید ١٣٢

~: وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (٦٤:٤)
آشکارا کنید ۲، آشکارا داری ۲۹، آشکارا همی کنید ٨١، آشکار میکنید ١٢٢

★ لاَتَعْلُوا: أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (٢٧:٣١)
زورفرازی مگیر ۱، مه برتری کنید ۲، بلندی مجویید ٣٦، بزرگی مکنیت ٤١، برترین مکنید ٤٦، گردن کشی و برتری نکنید ٤٧، گردن کشی مکنید ٥٦، گردن کشی نکنید ٥٨، مکنید بزرگی ٦٢، افرشتگی مجویید ٨٩، گردن مکشید ٩٦، افرشتگی مجوئید ١٠٠، برتری مجوئید ١٠٨، افراشتگی مجویید ١١٧، بلندی مجویید ١١٩، گردنکشی مکنید ١٢٦، برترین مجویید ١٢٨

~: وَأَن لَّا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (٤٤:١٩)
برتری مکنید ۲، برتری مکنید ۲۲، مکشید گردن ٢٤، برتری مجوییت ٣٠، گردن کشی مکنیت ٣٢، بزرگواری نکنید ٣٤، بزرگ منشی مکنید ٣٦، مکنیت بزرکی ٤١، بزرگی مکنید ٤٢، مگیرید بلندی ٤٤، گردن آوری مکنید ٦٤، مه گردن کشی کنیت ٨٠، سرکشی نکنید ١٠٣، برتری مجویید ١٠٨، سرکشی مکنید ١١١، افراشتگی مجوئید ١٣١، افرشته مشوید ١٣٨

★ أَلاَّ تَعْلُوا: أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (٢٧:٣١)
که مه گردن کشی کنیت ٣، که برتری نجوئید ٣٩، که گردن مکشید ٤٢، مَهْ گردَن کشید ٥٣، که بزرگی مجوئید ٦٤، باید که بزرگی نکنید ١١١

تَعَمَّدَتْ: وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ (٣٣:٥)
آهنگ کند ٣٠، آهنگ کرد ٤٣

تَعْمَلْ: وَتَعْمَلْ صَالِحًا (٣٣:٣١)
کند ۱، بکند ٥٦، کار کند ٦١

★ كَانَتْ تَعْمَلُ: الَّتِي كَانَت تَّعْمَلُ الْخَبَائِثَ (٢١:٧٤)
کردند ۲، ایشان می کردند ٢٤، می کردند ٤٣، همی کرد ٩٢، میکردند ١٠٠

تَعْمَلُونَ: وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (٢:٧٤)
شما همی کُنید ۲، می کنیت ۳، شما مَی کُنَید ١٠، کنید ٢٤، کردند ٦١، همی کنید شما ١٠٥

~: إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (٢:١١٠)
شما کنَید ١٠

~: وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (٢:١٤٠)
شما کنی ٢٤، می گفتید [۳] ٥٩، شما میکنید ٩٢

---

۱. ورشید: برتری کنید.
۲. می اشکرا کنید / می آشکارا کنید.
۳. ترجمه تفسیری است.

~: وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (٢:١٤٩)
شما همي كُنيدْ ٢

~: وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (٢:٢٣٣)
شما كنيد ١٠

~: وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (٢:٢٣٤)
هَمِی كُنيد ٤٢

~: وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (٢:٢٦٥)
همي كُنيد ٢

~: وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (٢:٢٧١)
می كنی ٢٥

~: وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (٢:٢٨٣)
می كنيد ١

~: وَٱللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ (٣:٩٨)
همی كُنيد ٢

~: وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (٣:٩٩)
شما كُنيد ٢

~: وَٱللَّهُ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ (٣:١٥٣)
كار می كنيد ٧٥، می كرديت ٩٧

~: إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (٤:٩٤)
همی كُنيد ٢، شما همی كنيد ٢٩

~: إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ (٥:٨)
ميكنيد تان ٦١

~: فَيَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (٧:١٢٩)
مي كنيد شما ٢٧، همی كنند كار ٤٥، فرمان برداری كنيد ٥٨، كار كنيد ٦٢، همی كار كنيد ١٠٧، كار همی كنيد ١٠٩

~: وَٱللَّهُ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ (٩:١٦)
همی كنند ١١

~: وَأَنَا۠ بَرِىٓءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ (١٠:٤١)
ميكنيد تان ٦١

~: وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا (١٠:٦١)
كُنيت ٥٥، كار كنيد تان ٦١

~: إِنَّ رَبِّى بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (١١:٩٢)
ميكنيد شما ٩٣

~: وَلَا تَطْغَوْا۟ إِنَّهُۥ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (١١:١١٢)
شُما می كُنيد ٧٦

~: وَإِن جَٰدَلُوكَ فَقُلِ ٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (٢٢:٦٨)
شما همي كنيد ٢

~: قَالَ رَبِّىٓ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (٢٦:١٨٨)
می كنيد و می گوييد ٥٨

~: وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (٢٧:٩٣)
ميكنيد ٥٣

~: وَلَا نُسْـَٔلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ (٣٤:٢٥)
كنيد شما ٥٨

~: أَنَّ ٱللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ (٤١:٢٢)
شما همی كُنيد ٢٢

~: ٱلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (٤٥:٢٨)
همی كنيد ٢

~: بَلْ كَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (٤٨:١١)
همي كنيد ٢، شما می كنيد ٦

~: وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ (٥٩:١٨)
همی كنيت ٤١، همی كُنيد ٨١

★ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ: فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (٥:١٠٥)
همی كرديد ٢، شما می كرديد ٥٨، كار ميكرديد ٦١، ميكرديد ٦٤، شما كرده باشيد ١٠٠

~: ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (٦:٦٠)

شما همی کردید ۲، شما کرده بودید ۲۷، می کردی ۵۷، کرده باشید ۶۲، شما کردید ۶٤، میکردید ۱۰۰

~: أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۷:۴۳)
همی کردیت ۲۷، همی کردید ۴۵

~: فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۹:۹٤)
شما کرده باشی ۲٤

~: فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۹:۱۰۵)
شما همی کردید ۹۳

~: فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۳:۱۰)
هستید شما کنندگان ۲۷، بودید که کردید ۱۳۶

~: بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۸:۱۶)
شما همی کردید ۴۲

~: ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۲:۱۶)
بودید کارکنان ۵۷

~: وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۳:۱۶)
همی کردید ۲

~: وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّاذَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۸٤:۲۷)
می کردید ۱، کردید ۵۳

~: هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۰:۲۷)
می کردند ۱، همی کردید ۲٤، شما کرده‌اید ۶٤

~: وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۵۵:۲۹)
همی کردید ۱٤، کار می کردید ۶۱

~: وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۹:۳۷)
همی کردید ۲۲، می کردیت ۳۳

~: الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۷۲:۴۳)
بودید شما کارکنندگان ۶۱

~: الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۸:۴۵)
شما کردیت ۳۰، کردیت ۳۲، کرده باشید ۱۳۸

~: إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۹:۴۵)
کردیت ۳۲، شما می کردید ۹۶

~: إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۶:۵۲)
شما کردید همی ۳۹

~: فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۸:۶۲)
شما کرده باشید ۱۳۸

~: لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۶۶:۷)
شما کرده‌اید ۳۹، کردید ۶۱

~: كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۴۳:۷۷)
کرده بودید ۵۱

★ لَا تَعْمَلُونَ: وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ (۶۱:۱۰)
نکنی ۱، نکنید ۴۲، نکنید هیچ ۷۶، مکنید ۱۰۳، نکنید شما ۱۰۶، کار نکنید ۱۲۷

★ مَا ذَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ: أَمَّاذَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۷:۸٤)
خود چه می کرده‌اید ۴۷، در چه کار بودید شما ۷۶

تَعْمَى: فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ (۲۲:۴۶)
نابینا گردد ۲، کور شود ۳، کوری کند ۱۲، کوری است ۲٤، نابینا شود ۳۹، کور شده است ۷۶، نابیناست کورست ۹۲، کور گردد ۹٤، کور کند ۹۶، کورند ۱۰۰، نابینا می شود ۱۰۳، کور میشود ۱۲۳، کور است ۱۳۲

★ لَا تَعْمَى: فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ (۲۲:۴۶)
کور نشهد ۱، کور نشدند ۲۹، نابینا نگردد ۳۰، کور نشود ۳۶، بینا شد ۴۳، نابینا نشود ۵۶، کور نشوند ۷۶، نه کوری کند ۸۸، کور نگردد ۹٤، کور نیستند ۱۰۰، نابینا نمی شود ۱۰۳، بینااند ۱۰۵، نابینا نگردند ۱۰۸، نابینا نیست ۱۱۳، نابینا نمیشود ۱۲۳، کور نیست ۱۳۲

لَتَعُودُنَّ: أَوْلَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا (۷:۸۸)
واز آیید ۱، باز آیید ۲، باز گردیت هر آینه هر آینه ۳، وَاگردَید ۱۰، تو باز آیی ۲۹، باز گردیت ۳۰، باز گردید شما ۳۹، باز گردانید ۵٦، باز آیی ٦۳، باز آئید ٦٤، باز گردانیدیت هر آینه هر آینه ۹۱، بشوید و درآیید ۹٦، برگردید شما ۱۲۲

~: أَوْلَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا (۱٤:۱۳)
بازگردید ۵، درآیی شما ۲٤، بازآیند ۲۹، بَازگرْدیْد ۵۳، درآئید شما ۱۰۰، بازگردانیده شوید ۱۱۱، برگردید ۱۳۵

تَعُودُوا: وَإِن تَعُودُوا نَعُدْ وَلَن تُغْنِيَ عَنكُمْ (۸:۱۹)
بازگردید ۲، واگرید ۱۰، وازگردید ۲۷، بازایید ۲۹، بازآیید ۳۵، بازگرْدِیت ۵۵، با سپس شوی ٦۰، بازگردانید ۱۲۷، بازگشت کنید ۱۳۵، برگردید ۱۳٦

~: يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَن تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا (۲٤:۱۷)
بَازگردید ۲، بَازشویْد ۵۱

★ أَنْ تَعُودُوا: يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَن تَعُودُوا (۲٤:۱۷)
که واز نیایید ۱، بازنگردید ۵۲، تا بازنگردید ۱۲۸، برنگردید ۱۳۲

تَعُودُونَ: كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ (۷:۲۹)
واز آیید ۱، باز آیید ۲، باز گردیت ۳، واپیش خُدای آیند ۱۰، بازگردید ۲۷، باز آیید ۲۹، بازمی گردیت ٤۱، بازمی گردانید ٤۳، باز گردانند ۵٦، باز گرَدید ٦۱، باز آیید ۷٦، شما باز آئید ۹٦، بازشوید ۱۰۳، دوم بار باز آیید ۱۰٤، دیگرباره کندتان ۱۰۷، باز آفرینند ۱۱۱، بازمیگردید ۱۱٤، بازخواهید گشت ۱۱٦، برخواهید گشت ۱۳۰

تَعُولُوا: ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا (٤:۳)
درویش گردید ۷۲

★ لَا تَعُولُوا: ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا (٤:۳)
جور نکنید ۱، آنکه درویش نشوید ۲، درویش نشوی ۷٦، نکنید ۸۸، درویش نشوید ۹۰، ستم نکنید ۹۲، درویش نگردید ۹٤، جور و ستم نکنید ۹۸، نچسبید ۱۰۹، که درویش نگردید ۱۲۷

تَعِيَهَا: لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ (٦۹:۱۲)
نگه دارد ۱، یاد گیرد ۲، یاد دارد ۳، بنیوشد ۲٤، نگاه دارد ۲۹، همی نگاه داشت ۳۹، نگه دارَد ٤۲، نگاه دارند ۵۲، گوش دارد ۵٤، نگاهدارد ٦۷، یاد آرد ۸۰، یاد دار ۹٤، دریابد ۱۰۰، نگاه میدارد ۱۲۰، نگاهدار ۱۳۲، نگه میداشت ۱۳٤

اَلتَّغَابُنِ: ذَٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ (٦٤:۹)
زیان کاری ۲٤، زیان مندی ٤۱، فریبنده ٤۳، فروشدن ۵٦، فریفته شدن ۹۰، زیان ۹٦، زیان شدن ۱۰۲، فریفتن زیان زده شدن ۱۰۹، زیان آوردن ۱۱٤، زیانکاری ۱۲۰، زیان کردن ۱۳۹

تَغْتَسِلُوا: لَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا (٤:٤۳)
خود را بشویید ۱، بشویید ۲، سروتن بَشوَید ۱۰، سر بشوری ۲٤، خویشتن بشویید ۲۷، بشوئید ۳۹، سرو تن بشویید ٤۰، بشویید سر وتن ٤۳، سر بشوئید ٤۸، بُشوُیِیْت ۵۵، سر وتن بشوئید ۵۷، خویشتن را بشویید ۵۸، سر وتن شویت ۸۰، تن بشویت ۸۳، سر شوید ۹۰، خویشتن بشوئید ۹۲، تن بشوئید ۹٤، سر و تن بزه شورد ۱۰۷، سر و تن شوید ۱۰۹، همی بشویید ۱۲۷، تن شوید ۱۲۹

★ حَتَّى تَغْتَسِلُوا: حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا (٤:٤۳)
تا سر وتن نشوییت ۳

تَغْرُبُ: وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ (۱۸:۸٦)
می فرودشد ۱، همی فرو رفت ۲، فرو می رفت ۳، فروشد ۲٤، فرو می شد ۳٦، فُرو میِ رَفْت ۵۵، فرو می شود ٦٤، همی فروشد ۸۸، فرو میرفت ۹۲، فرود می آید ۹۹، فرو میرود ۱۰٤، فرو میرفتند ۱۰٦، فرو می رود ۱۱۹

لِتُغْرِقَ: قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا (١٨: ٧١)
بآب فرو بری ٣

★ لَا تَغُرَّنَّكُمْ: فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا (٣١: ٣٣)
نگر بنفریبود ١، نه فریباندا ٢، مفریباد ٢٤، نباید بفریبد ٢٩، مفریبدا ٣٩، فریفته مکناد ٤٧، مفریباند ٥٣، نباید که بفریباند ٧٩، باید که نفریبد ٨٦، بمفریباناد ١٠٠، فریب ندهد ١٠٣، نه فریباند ١١٤، بَمفریباد ١١٩

~: فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا (٣٥: ٥)
نگربنفریبود ١، مفریباندا ٢، نه فریبد ٢٢، مکناد فریفته ٢٤، مفریباناد ٣٠، نفریبد ٣٨، مفریبد ٤٢، نفریبند ٤٧، مه فریباد ٤٩، مَهْ فریبُاد ٥٣، نه فریباند ٩٠، فریفته نکند ١٠٢، بازی ندهد ١٠٣، فریفته مکناد ١١٤، نفریباند ١٢٩، باید فریب ندهد ١٣٢

تَغَشَّاهَا: فَلَمَّا تَغَشَّـٰهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا (٧: ١٨٩)
نزدیکی کرد ١، فراز آمد ٣، گرد آمد ٢٧، رسید ٢٩، درپوشید ٣٥، فراز رفت ٥٢، فراز رسید ٥٥، از گردوی درآمد ٥٧، پوشانید ٦١، ببُود ٦٢، دیدار کرد ٧٤، نزدیک کرد ٩٠، بپوشید ٩٩، رسید - فراز آمد ١٠٩، فروپوشید ١١١، فرارسید ١١٤، فرو گرفت ١٢٠

تَغْشَى: وَتَغْشَىٰ وُجُوهَهُمُ النَّارُ (١٤: ٥٠)
می وربوشد ١، بپُوشَد ٢، بمی پوشد ٥، پوشیده بود ٢٤، هارسد ٢٩، فروپوشد ٣٠، بپوشد ٣٦، پوشیده شود ٥٧، بپوشاند ٦١، همی آید ٦٢، بپوشند ٧٦، واپوشاند ٧٩، برآید ٩٤، فرو می پوشد ١٠٣، رسد ١٠٤، فروپوشند ١١١، پوشاند ١١٤، فروگیرد ١١٦

تَغْفِرْ: وَإِن تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٥: ١١٨)
بیامرزی ١، بیامُرْزی ٥٣، بیامرزی تو ٦١، درگذاری ٩٢، می آمرزی ١٠٤

~: وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَـٰسِرِينَ (٧: ٢٣)
آمرزی ١٠

★ إِلَّا تَغْفِرْ: وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي (١١: ٤٧)
نیامرزی ٢٤، نَه اُمْرْزی ٥٣، اگر نه آمُرزی ٥٥، اگر نیامرزی تو ٦٤، اگر نیامرزی ٧٦، بنیامرزی ١٠٠

★ لَمْ تَغْفِرْ: وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ (٧: ٢٣)
بنیامرزی ١، بنه آموزی ١٠، نیامرزی تو ٢٤، نیامرزی ٢٧، نه آمرزی ١١٤، نیامرز ١٣٥

تَغْفِرُوا: وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا (٦٤: ١٤)
بیامرزید ١، بپوشانید ٢، درگذاریت ٣، بپوشید ٣٩، ببخشیت ٤١، واپوشانید ٧٩، درگذرید ٨٧، پوشانید ٨٨، آمرزید ٩٦، آمرزش خواهید ٩٨، بیامرزد، ١١٠، درگذارید ١٣٩

تَغْفُلُونَ: لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ (٤: ١٠٢)
بارخوارشید[1] ١، بی آگاهی شویت ٣، بی آگاهی شویتی ٩٧

تَغْلِبُونَ: لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ (٤١: ٢٦)
چیره شویت ٣، چیره شوید ١١٤، چیره گردید ١٢٩

سَتُغْلَبُونَ: قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ (٣: ١٢)
بوکه هزیمت شوی و کشته گردی ٢٥، دست یافته شوید ١٠٩

تَغْلُوا: لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ (٥: ٧٧)
دور درگردید ٥٩

★ لَا تَغْلُوا: لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ (٤: ١٧١)
اوزون فرومشید ١، دُورْ درمشوید ٢، پس دور اندر مشید ١٠، دور اندر مشوید ٢٩، دور درمشوید ٣٠، از اندازه میفکنید ٣٨، مَه جرف[2] اندر شوید ٤٥،

---

١. بارخوار شید: غافل شوید.
٢. جرف / ژرف.

ژرف اندر مشوید ۴۹، سختی مکنی ۶۰، از اندازه مگذرید ۷۶، دُور اندر مشویت ۸۳، دور اندر مشویت ۸۸، دور درمروید ۹۵، مگذرید از اندازه ۱۱۸، نه دور درشوید ۱۲۴، مگذارید اندازه ۱۳۵، دور دور مشوید ۱۳۸

~: لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ (۵:۷۷)
اوزون فرونشید ۱، مفزایید ۲۴، جرف مه اندر شوید[1] ۳۱، دور مشوید ۵۲، سخت ژرف نروید ۶۷، اندر مشوید ۸۲، نه اندر شوید ۱۱۲

تُغْمِضُوا: إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ (۲:۲۶۷)
چشم فرو گیرید ۱، چشم خوابنید ۲، چشم خوابانیت ۳، چشم فا کنید ۱۰، چشم کنی ۲۴، چشم برهم نهید ۲۵، چشم فرود گیرید ۲۷، چشم بهم نهید ۲۹، چشم فرو افکنید ۳۰، چشم فرا خوابانید ۳۴، پیش گیرید چشم ۳۹، بی خود شویت ۴۱، چشم فرو خوابانید ۵۲، چشم فرو خوَابَانیتْ ۵۵، بناخوشی خشم پیش گیرید ۵۶، چشم بَرهم نهی ۶۰، خشم فرو خورید ۶۱، چشم فرا کنید ۶۲، چشمی فا کنید ۶۳، فرو گیرید ۶۴، چشم بخسبانید ۶۷، چشم فرا گیرید ۷۴، چشم فرو خوابانیت ۸۰، چشم بخوابانید ۸۲، خشم فرو گیرید ۹۰، چشم خوابانید ۹۲، چشم کنید ۹۴، چشم برهم نهی ۱۰۰، آسان فرا گیرید ۱۰۲، چشم خوابانیده ۱۰۴، برهم نهید ۱۰۶، چشم پوشید ۱۲۰، چشم بپوشید ۱۲۲، چشم فراز کنید ۱۲۴، چشم برهم می نهید ۱۳۸

★ لَمْ تَغْنَ: كَأَنْ لَمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ (۱۰:۲۴)
نبود ۱، نبُودستي ۲، هرگز آن نبودست ۱۰، نبودست هرگز ۲۴، نبودستی ۲۷، نه بود ۳۸، خود نبود ۴۱، نبودست ۵۸، نبودَه آست ۶۲، نبوده است ۷۶، هیچ نبوده ۱۱۱ نرو‌ییده[2] ۱۲۲، نبودند ۱۲۷

تُغْنِ: فَلَمْ تُغْنِ عَنكُمْ شَيْئًا (۹:۲۵)
بی نیاز کرد ۵۷

~: لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا (۳۶:۲۳)
سود دارد ۳

~: حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ (۵۴:۵)
سود می دارد ۳، سود داشت ۵۶، سود کند ۸۱، بگزیرانید ند ۱۰۰، سود میدارد ۱۱۴

★ لَا تُغْنِ: لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا (۳۶:۲۳)
واز نکند ۱، سود ندارد ۲، نه سود کند ۲۲، ندارد سود ۲۴، بازندارد ۳۰، سود نکند ۳۹، نه سود کند ی ۴۷، نکند سود ۸۷، بنگزیراند ۱۳۸

★ لَمْ تُغْنِ: فَلَمْ تُغْنِ عَنكُمْ شَيْئًا (۹:۲۵)
واز نکرد ۱، باز نداشت ۲، نه دور کرد ۳، هیچ سود نکرد ۱۰، نه بازداشت ۱۱، نداشت سود ۲۴، بازنداشت ۲۷، نه سود داشت ۳۸، سود نداشت ۴۳، نه دُور گرد ۵۵، سود نکرد ۵۶، نکرد سود ۶۰، نه سود کرد ۶۱، بنگزیرانید ۸۹، بی نیاز نکرد ۱۰۲، بازنداشتند ۱۰۵، بی نیاز نکند ۱۳۶

★ مَا تُغْنِ: حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ (۵۴:۵)
سود همی ندارد ۳۰، سودندارد ۶۱، نه سود می داشت ۸۰، سود نکند ۹۲، فریاد نرسد ۱۰۵، بی نیاز نمی کند ۱۰۹، بازنداشتند ۱۱۳، بنگزیرانید ۱۱۷، سود نمی دارد ۱۲۴

تُغْنِيَ: لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُم (۳:۱۰)
سود کند ۵۶

~: لَن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُم (۳:۱۱۶)
سود کند ۵۳

~: وَلَن تُغْنِيَ عَنكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ (۸:۱۹)

---

۱. جرف مه اندر شوید / ژرف اندر مشوید.
۲. اگر تحریفی در کلمه صورت نگرفته باشد، می توان آن را به عنوان یک معنی تفسیری و در ارتباط با مفهوم کلی آیه پذیرفت.

بازدارد ۱۱٤

~: مَا تُغْنِي ٱلْآيَٰتُ وَٱلنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ (۱۰:۱۰۱)
کند سود ۱۳، سود دارد ۳۰، سود می دارد ۳٦، بازدارد ۳۹، بی نیاز کند ۵٦، سود دارند ٦۲، بگریزاند ۸۵، بگزیرانید ند ۱۰۰

★ لاتُغْنِي: لَا تُغْنِي شَفَٰعَتُهُمْ شَيْـًٔا (۲٦:۵۳)
سود نکند ۳۰، بی نیاز نگرداند ۱۰۸

★ لَنْ تُغْنِيَ: لَن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَٰلُهُمْ (۳:۱۰)
هر گز سود ندارد ۳، ندارد سود ۲٤، سودی نکند ۲۵، هر گز بازندارد ۲۷، سود ندارد و دور نکند ۲۸، هر گز دور نه کند ۳۰، هر گز رنجی بازندارد ٤۱، سود نکرد ٤۳، هَرِ گز سُودْ نَدَارَد ۵۵، بنگریزاند ٦۳، نکند سود ۷۲، هر گز نه سود دارد و دور کند ۹۱، هر گز سود نکنند ۹۲، هر گز بی نیاز نکند ۱۳٦

~: لَن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَٰلُهُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُهُم (۳:۱۱٦)
بازندارد ۲، نه سود کند ۳، هیچ سود ندارد ۱۰، بْازَنَدْارَد ٤۲، هر گز نه سود کند ٦۱، بنگزیراند ٦۳، هر گز بی نیاز نکند ٦۹، هر گز بنگزیراند ۱۰۰، بی نیازی نکند ۱۰۲، سود ندهد ۱۲٤

~: وَلَن تُغْنِيَ عَنكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْـًٔا (۸:۱۹)
هر گز دور نکند و سُودندارد ۳، هیچ سود نکند ۲۷، بسنده نکند ۲۹، بی نیاز نکرد ۳۵، بی نیاز نکند ۳۹، هر گز سُود ندَارَد ۵۵، نگزیرانید ند ٦۰، بنگزیرانید ٦۳، هر گز بی نیاز نکند ۹۲، هر گز بازند آرد ۱۰۰، هیچ بی نیازی نکند ۱۱۲، بازندادە ۱۱۳، نه باز دارد ۱۱٤، بازندارد ۱۳٦

~: لَّن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَٰلُهُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُهُم (۵۸:۱۷)
بی نیاز نشوند ۳۰، دور نکند ۳۹، فریاد نرسد ۵۲، هر گز سود نکند ۵٦، بازندارد و سود نکند ۸۱، سود نمی کند ۹٦

★ مَاتُغْنِي: وَمَا تُغْنِي ٱلْآيَٰتُ وَٱلنُّذُرُ (۱۰:۱۰۱)
سود ندارد ۲، ندارد سود ۲٤، سود نداشت ٦٤، سود ندهد ۷٦، بی نیاز نگرداند ـ بی نیاز نکرده‌اند ۱۳٦

تَغِيضُ: وَمَا تَغِيضُ ٱلْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ (۱۳:۸)
بکهد[1] ۱، بکاهد ۲، کم می کند ۳، کم گرداند ۵، بکاهند ۲۹، فروبرد ۳۸، کم کند ۳۹، نگاه می دارد بزیان مرد ٤۱، بَکاهَدْ ۵۳، کَم مِی کُند ۵۵، فروخورد ٦۱، باز کم کنند ٦۳، بکاهَد ۷٦، باز کم می کند ۸۵، میکاهد ۱۰۲، کاهاند ۱۰۳، کم میکنند ۱۰٤، باز کم میکند ۱۰٦، می کاهد ۱۰۹، نگاه میدارد ۱۱۱، کم میکند ۱۱۳، کم می کنند ۱۳۵

تَغَيُّظًا: سَمِعُوا۟ لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا (۲۵:۱۲)
درخشم شدن ۱، خشم آوردن ۲، برجوشیدن از خشم ۳، خشم گرفتن ۲٤، خشم فروخوردن[2] ۳۰، بخشم آمدن ۳۹، جوشیدن خشمگین ٤۱، خِشم ٤۲، خشم ٤۳، جوش ۵٤، خشم آواز خشم ۵٦، خشم برآمده ۵۸، جوشش ٦۲، بانگ با خِشم ۷٦، بانگ با خشم ۷۸، بدخو شدن از خشم ۸۰، جوشیدن ۸٦، بخشم آوردن ۱۰٦، خشم برجوشیده ۱۰۷، جوشیدن از خشم ۱۱۱، برجوشیدن ۱۱٤، خشم کردن ۱۱۷، نالِیدَن بِخَشم ۱۱۹، جوش خشم ۱۳۵

تَفَاخُرٌ: لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌۢ بَيْنَكُمْ (۵۷:۲۰)
با یکدیگر نازیدن ۳، نازش ۳۰، نازیدن ۳۹، نام و نورد کردن ٤۹، نازش کردن ۵۱، بزرگی ۱۳۳

تُفَادُوهُمْ: وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسَٰرَىٰ تُفَٰدُوهُمْ (۲:۸۵)
بازهمی خرید ۲، واخرید ٤، واخَرِید ۱۰، باز

---

۱. بکهد / بکاهد.

۲. این معنی بیشتر با «کظم غیظ» سازگار است تا با مفهوم کلمهٔ «تغیّظ».

می خرید ۳٦، بَازهمی خرید ٤٢، همی خرید ۵۲، بَاز خَرِید ۵۵، داد دهید ٦۱، واخرّید ٦۳، همی بازخرند ۸۲، باز میفروشید ۹۹، بازمیخرید ۱۰۰، می فروشید ۱۰۱، بازمیخرند ۱۰۲، بازخرید ۱۱٤

تَفَاوُت: مَّا تَرَىٰ فِى خَلْقِ ٱلرَّحْمَٰنِ مِن تَفَٰوُتٍ (٦۷: ۳)
کماگویشی[۱] ۱، برافرود ۳، کمابیش ۱۹، کژی ۲٤، کم وبیش ۳۰، ناهمواری ۳٦، کمابیشی ۳۸، کم بیش ۳۹، افزونی ۱۱٤، کم وبیشی ۱۳٦

تَفْتَؤُا: قَالُوا۟ تَٱللَّهِ تَفْتَؤُا۟ تَذْكُرُ يُوسُفَ (۱۲: ۸۵)
همیشه ۱، همواره ۲، تو همیشه ۲٤، تو همیشه باشی ۲۹، پیوسته ٤۱، هَمِیشه ۵۵، تو سست نگردی ٦۲، همیشه تو ٦۳، همیشه باشی ۷۹

★ تَفْتَؤُا تَذْكُرُ: تَفْتَؤُا۟ تَذْكُرُ يُوسُفَ (۱۲: ۸۵)
همیشه تا که یاد کنی ۱۰٤

تُفَتَّحُ: لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَٰبُ ٱلسَّمَآءِ (۷: ٤۰)
گشاده شود ۳

★ لَا تُفَتَّحُ: لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَٰبُ ٱلسَّمَآءِ (۷: ٤۰)
گشاده نشهد[۲] ۱، نگشَایند ۲، وانگشادَند ۱۰، وانگشایند ٢٤، گشاده نشود ۲۷، گشاده نیاید ۵۸، نگشایند ۷٦، گشاده نشوند ۸۵، گشوده نشوند ۸۹، گشاده کرده نشود ۹۹، گشوده نشود ۱۰۰، گشود نشود ۱۱٦، گشوده نخواهد شد ۱۲۷، نشود گشاده ۱۲۹

تَفْتَرُوا: لِّتَفْتَرُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ (۱٦: ۱۱٦)
درحینند[۳] ۱، برباقیت ۳۰، فراباقید ٤۲، بباقید ۵۲، همی گُوِیْد ۵۳، بسازید ۵٦، دروغ سازید ۵۷، برباقید ۵۸، ببرید دروغ ۷۲، دروغ برباِفند ۹۸، فراسازید ۱۰۹، از خویشتن برسازید ۱۱۳

★ لَا تَفْتَرُوا: وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا (۲۰: ٦۱)
درمحینید[٤] ۱، مسازید ۲، مه برباقیت ۳، فرامباقید ۲۹، مسازیت ۳۰، مباقید ۳٦، مباقیت ٤۱، مگویید ۵۲، مَه باقید ۵۳، فرامسازید ٦۲، برمباقید ٦٤، مسگالید ۷٦، از خویشتن برمسازید ۷۹، از خود پدید مکنید ۸٦، برمبندید ۹۲، دروغ مگویید ۹٤، مبندید ۹٦، دروغ مسازید ۱۰۳، مگوئید ۱۰۵، از خویشتن برنسازید ۱۱۳

تَفْتَرُونَ: أَمْ عَلَى ٱللَّهِ تَفْتَرُونَ (۱۰: ۵۹)
می دروغ درحینند ۱، همی باقتند دروغ ۱۳، دروغ گویند ۲٤، دروغ می گویید ۲۷، دروغ می باقید ۲۹، دروغ برمی باقید ۳٦، دروغ برمی باقیت ٤۱، همی دروغ باقید ٤۲، بَرمیِ باقیْت ۵۵، فرامی باقید ۵٦، دروغ میگویید ۵۸، دروغ می باقید ٦۱، دروغ همی گُوِید ٦۲، برمی باقید ٦۳، دروغ می سازید ۷۲، همی دروغ باقیت ۸۳، دروغ می سازیت ۹۱، دروغ باقتید ۹٦، برمی باقتید ۱۰٦، فرامی باقید می سازید ۱۰۹، از خویشتن برمی سازید ۱۱۳، درمی باقید ۱۲٤، دروغ پدید میکنید ۱۲٦، دروغ می بندید ۱۳٦

~: تَٱللَّهِ لَتُسْـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ (۱٦: ۵٦)
شما فرا می باقید ۵۹، همی نَهادید دروغ ٦۲، دروغها می گوئید ٦٤، برمیباقید ۱۲۷

★ كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ: عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ (۱٦: ۵٦)
می دروغ[۵] درحیدید ۱، همی درُوغ بَاقتید ۲،

---

۱. کما گویشی / کمابیشی.
۲. گشاده نشهد / گشاده نشود.
۳. درحینند / فراباقد، دروغ سازند.
٤. درمحینید / مسازید، فرامباقید.
۵. می دروغ درحیدید: دروغ می باقتید.

دروغ می گفتید ۲۹، می بربافتیت ۳۰، همی بربافتیت ٤١، همی دروغ بافتید ٤٢، دروغ بافتید ۵۲، دروغ می ساختید ٥٦، بدروغ می ساختی ۵۷، دروغ برمی بافتید ٦١، دروغ گفتید ۷٦، همی بافتید ۹٦، شما بربافته باشید ۱۰۰، فرامی بافتید ۱۰۹، از خویشتن برمی ساختید ۱۱۳، دروغ می بستید ۱۲۱، شما از خویشتن بافتید ۱۲۸

تَفْتَرِیَ: لِتَفْتَرِیَ عَلَیْنَا غَیْرَهُ (۷۳:۱۷)
درحینی[1] ۱، بَبافی ۲، بربافی ۳، دروغ گویی ٢٤، فراسازی بدروغ ۲۹، فراهم نهی ۳۸، فرابافی ٤٢، ببافی ۵۲، دروغ گفتی ۵۳، بدروغ سازی ۵۷، بدروغ بربافی ۵۸، بربافی تو ٦١، فرانهی ٦٢، برمی بافی ٦٤، بتابی دروغ ۹٤، دروغ سازی ۱۰۳، از خویشتن برسازی ۱۱۳، بربندی ۱۲۳

تُفْتَنُونَ: بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ (٤٧:٢٧)
آزموده شید ۱، آزموده کرده شدیت ۳، بیازامایندتان ٢٤، آزموده می شوید ۳٦، آشوب زده ٤١، آزموده شده گان ٤٦، آزمون می کنید ٤٧، آزموده کرده می شوید ۵۸، آزموده کرده شوند ٧٤، شما را خواهند آزمود ۷٦، آزموده کرده شویت ۹۱، آزموده میشوید ۱۱۱، می آزمایدتان ١١٤، آزموده شده اید ۱۲۳، می آزمایید ۱۲٦، می آزمایند ١٣٤

★ لَا تَفْتِنِّي: مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي (٤٩:٩)
میاشُوبان ۲، مفکن دربزه ٢٤، میفکن ۲۷، درآشوب مه انداز ٤١، میاشوبان ٤٢، آزموده مکن ۵۸، نه آشوب کن ٦١، میفکن در بزه ٦٢، مسوز آن ٩٤، دربزه میفکن ١٠٤، دربزه میندازِ ١١٤

تَفَثَهُمْ: ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ (۲۹:۲۲)
خاز[2] ۱، کارها ۳، خویشتن پاک کردن ۱۲، موی و ناخن بازکردن ۳٤، ٦٢، شوخناکی ۳٦، موی ۵۳، ستردن سرها ٥٦، خویشتن باب کردن ۸۸، ستردن سر ۹۰، موی ستردن و ناخن بازکردن ۱۰۹، چرک ۱۲۰، موی و شاخ و ناخن ١٢٤

تَفْجُرَ: حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا (۹۰:۱۷)
برانی ۱، روان کنی ۳، بیرون آری ٢٤، درآوری ۲۹، برویانی ٤١، رَوان کُنی ٥٥، بگشایی ۵۸، بشارانی[3] ۵۹، روان گردانی تو ٦١، توبرگشایی ٦٢، روان کنی تو ٦٣، بشکافانی ٦٧، برآری ٧٦، روانه گردانی ۷۹، روآن کنی ۱۰۰، روان گردانی ١٠٤، بشکافی ۱۰۸، برهانی ١٢٤، روان سازی ۱۳۷، بازگشایی ۱۳۹

تُفَجِّرَ: فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا (۹۱:۱۷)
برانی ۱، بیرُون شکافی ۲، روان کنی ۳، بیرون آری ٢٤، بیرون آوری ۲۹، برویانی ٤١، بگشایی ٤٣، بَرانی ۵۳، رَوان کُنی ٥٥، می گشایی ۵۸، بشارد[4] ۵۹، روان گردانی ٦١، روان کنی تو ۹۳، بیرون شکافی ٩٤، بیرون بشکافی ۹٦، روآن کنی ۱۰۰، بشکافی ۱۰۸، روانه گردانی ۱۱۳، روان ساز ۱۳۵

تَفْجِيرًا: فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا (۹۱:۱۷)
راندن ۱، بیرون آوردن بیرُون شکافتن ۲، روان کردن ۳، بیرون آوردن ٢٤، فشاریدن ۵۹، روان کرَدن ٦١، برگشادن ٦٢، روانه گردانیدن ۷۹، بیرون راندن ۸۸، شکافتن ۱۰۸، روان شدن ۱۳٦

~: عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (٦:٧٦)

---

۱. درحینی: فراسازی و بافی.
۲. خاز: چرک و پلیدی.
۳. بشارانی / شار: فروریختن آب.
٤. بشارد / شاریدن: سرازیر شدن و ریختن آب.

گشادن ۲، راندگی ۱۹، بیرون انداختن ۳۹، جوشیدن ٤١، بیرون گشادن ٦١، پید آوردن آسان ٦٧، روان گردانیدن ١٠٤

★ لاتَفْرَحْ: إِذْقَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ (۷٦:۲۸)
هنبارده[1] مکن ۱، شادمباش ۲، شادمان مشو ۳، مکن شادی ٢٤، شادمشو ٢٩، شادی مکن ٣٤، خورم[2] مباش ٤٢، این همه شادی ودَنه[3] مکن ٤٧، خرم مباش ٥٢، مَه شادی کُن ٥٣، انباردگی[4] مکن ٦١، شاد و انبارده مشو ٦٤، شاد مکن ٨٧، نه کن شادی ٩٠، خرّم مباش ٩٦، شآدمباش ١٠٠، مباش شاد ١٢٩، خوشحالی مکن ١٣٠

★ لاتَفْرَحُوا: لَاتَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ (۲۳:۵۷)
رامشتی نشید ۱، شادی نکنید ۲، نه شاد شویت ۳، نکنند شادی ٢٤، شاد نشوی ٢٩، شادی مکنیت ٣٠، شادی مکنید ٣٤، شاد نشوید ٣٩، شاد مشوید ٤٣، نه شاد شوید ٥٦، شاد نگردید ٦٤، شاد مشوید شما ٩٩، شآد نشوید ١٠٠، شادمان نگردید ١٠٣، شادمان مگردید ١١١، نه شادی کنید ١٢٤، شادمان نشوید ١٢٦

تَفْرَحُونَ: بَلْ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ (۳٦:۲۷)
می رامشتی[5] شید ۱، شادی می کنید ٢٤، شاد می شوید ٢٩، شادی کنید ٣٤، شادان می شوید ٣٦، شاد باشید ٤٢، شادمانی میکنید ٤٣، شادما گردید ٤٦، شاد شوید ٥٣، شاد همی کنید ٦١، شادمان باشید ٦٤، شادی میکردید ٧٤، خرّم می باشید ٧٦، شاد می شویت ٨٠، شادی همی کنید ٩٤، شآدانید ١٠٠، شادی میکنید شادی میکنند ١٠٦، شاد و خرم میشوید ١١١، شاد میشوید ١٢٦، شاد میگردید ١٣٢

~: ذَٰلِكُم بِمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ (۷۵:٤٠)
می رامشتی شدید ۱، شادی همی کردید ۲، شاد شدیت ۳، همی شادی کردید ۲۲، شما شادی کردید ٢٤، شاد می شدید ٢٩، شادی می کردید ٤٩، شاد می بودید ٥٦، شادان ٦١، همی شادی کردید ٨٨، شادکام ٩٨، شآدی نمودید ١٠٠، شادمان بودید ١١١، بودید شما شادمان ١٢٤، بودید شما شادی میکردید ١٣٦

تَفْرِضُوا: أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً (۲۳٦:۲)
بریده بکردیت ۳، پدید کرده باشید ۲۷، نام‌زد کرده باشید ٣٩، بَیدَا بِگردیت ٥٥، بریده کنید ٥٦، باندازه کنید ٥٧، بریده کردید ٦١، پدید کرده ٦٣، کابین دهید ٦٩، ببریده باشید ٨٢، بازبریده باشید ١٠٠، بریده باشید ١٠٦، بریدید ١٠٩، پدید کنید ١٢٤

★ لَمْ تَفْرِضُوا: مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا (۲۳٦:۲)
نام‌زد نکَردید ۱، پدید نِکرده باشِید ۱۰، نام نبرده باشی ٢٤، نَبریدَه باشِید ٤٢، نبرّیده باشید ٧٦، نبریده باشید ٩٦، نبروده باشید ١٢٧، بازنبریده باشید ١٣٨

تَفَرَّقَ: وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ (٤:٩٨)
پراکندند ٣٩، گشتند پراکنده ٥٦، پراکند ٧٦، پراکنده گشتند ١٠٨، پراکنده شود ١١٤، جدا شد ١٢٦

★ مَا تَفَرَّقَ: وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ (٤:٩٨)

---

۱. هنبارده مکن: سرمست مباش.
۲. خورم / خرّم.
۳. دنه: خوشحالی و شادی.
٤. انباردگی: شادی.
۵. می رامشتی شید: شاد می شوید.

پراکنده نگشتند ۲، نشدند پراکنده ۲٤، پراکنده نشد ٦٤، پراکنده نشدند ٦۵، جدا نکند ۱۳٦، جدا نگشتند ۱۳۹

تَفَرَّقَ: فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ (٦:۱۵۳)
بپراکند ۱، پراکنده گرداند ۲، بگرداند ۳، جدا بکند ۱۰، پراکنی شما ۲٤، پراکنده بکند ۲۹، پراکنده کند ۳۹، پراکندهٔ کنَد ۵۳، جدا کند ۵٦، جدا افکند ٦٤، پراکنده کرد ۹٤، پراکنده شود ۱۰۰، پراکند ۱۰۲، جدا کرد ۱۱٤، جدا سازد ۱۲۰، پراکنده ۱۲۳، پراکنده سازد ۱۳۰

تَفَرَّقُوا: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (۱۰۳:۳)
شوید پراکنده ۲۳، پراکندند ۵۸

~: وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا (۱۰۵:۳)
بپراکندند ۱، پراکنده گشتند ۲، جدا شدند از یکدیگر ۳، از هم بپراگندند ۱۰، پراکندند ۲۳، پراکنده شدند ۳٦، جدا شدند ۳۹، از هم بپراکنند ٤۰، پراکندَه گشتَند ٤۲، پَراکنده شُدَند ۵۵، پراکنده شوند ۷٦، پراکنند ۸۸، درپراکندند ۹۲، جدای کردند ۹٦، جدایی کردند ۹۹، جدا می نمودند ۱۰٤، پراکنده شدید ۱۱۹

~: وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ (۱٤:٤۲)
پَراکَنْدَند ۲۲، پراکندند ۳۰، شدند جدا ۹۰، پراکنده شدند ۱۰٦، پراکنند ۱۰۸

* لَا تَفَرَّقُوا: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (۱۰۳:۳)
مپراکنید ۱، پَراکنده مشوید ۲، مه جدا شویت ۳، نگرَیید از هم بنه پراکنید ۱۰، بمه پراکنی ۲٤، نگر تا نپراکنید ۲۷، پراکنده مگردید ۲۹، نه گروه گروه شوید ۳۹، نگراز هم بنه پراکنید ٤۰، پراکنده مشویت ٤۱، پراکنده مشَوید ٤۲، مشوید پراکنده ٤۳، پراکنده مشوید ٤۹، مَه جُدا شَویت ۵۵، پراکنده مشوی ٦۰، نه جدا باشید ٦۱، مه پراکنید ۸۸، نه پراکنده شوند ۹۰، نه پراکنید ۹۲

* مَا تَفَرَّقُوا: وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ (۱٤:٤۲)
نپیراکندند ۱، نشدند پراکنده ۲٤، پراکنده نشدند ۲۹، پراکنده نشُدند ۸۱، از هم جدا نشدند ۱۰۹، جدا نشدند ۱۱٤، پراکنده نشوند ۱۲۳، مه پراکنید ۱۲٤، جدا نکردند ۱۳٦

تَفِرُّونَ: قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ (۸:٦۲)
می گریزید ۱، همی بگریزید ۲، می گریزیت ۳، گریزید ۲٤، شما می گریزی ۲۹، بگریزیت ۳۰، می گریختید ۳٦، همی گریزید ۳۸، می گُریزید ٤۲، شما می گریزید ٦۱، میگریزید ٦۷، می گریزند ۹۰، می گریزید شما ۹٦، بگریزید ۱۰۸، همی گریزید شما ۱۰۹، گریزانید ۱۲۱

تَفْرِيقًا: كُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ (۹:۱۰۷)
جدا کردن ۱، پراکندن ۲، پراکندگی ۲٤، جدایی افکندن ۲۹، پراکنده کردن ۳۹، جدایی کردن ٤۱، جدایی کردَن ٤۲، جدای ٤۹، پراگندهٔ ۵۳، جُدَا گردنْ ۵۵، جدا افکندن ۵٦، جدایی ٦۰، جدایی انداختن ۷۹، پراکندگی افکندن ۱۰۹، جدائی افکندن ۱۱٤، پراکندگی ۱۱۸، جدا کردند ۱۲۷

تَفَسَّحُوا: تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا (۱۱:۵۸)
فراخ نشینید ۱، فراخ نشینید ۲، فراخ نشینیت ۳، فراخ تر فرونشینید فراخ فرو نشینید ۳٤، جای فراخ گذارید ۳٦، فراخ بنشینید ۳۸، جاء فراخ دارید ۳۹، فراخی کنید ٤۳، جای فراخ کنید ٤۹، گشاده نشینید ۷۹، فراخ کنید ۹۰، جای فراخ گذارند ۱۰۸، فراخ بازنشنید ۱۳۸

لَتُفْسِدُنَّ: لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ (٤:۱۷)
تباهی کنیت هرآینه هرآینه ۳۰، بد کاری کنیت ٤۱، تباه کاری کنید ۵۲، تباهی کُنیت هَرَاینه هَرَاینَه ۵۵، می تباهی کُنید ۵۷، تباهی کنید ۵۸، تباه کنید ٦۱، شما تباه کاری خواهید کرد ٦٤

تُفْسِدُوا: إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ (۲۲:٤۷)

توهی کنید ۱، کارهای بد کنیت ۴۱، تباهی کُنید ۵۱، تباهی کنید ۵۶، تباه کنید ۶۱، تباه کاری کنید ۸۱، تباهی کنند ۱۳۸

★ لاتُفْسِدُوا: لَاتُفْسِدُواْ فِي ٱلْأَرْضِ (۲:۱۱)
تباه کاری مکُنید ۲، مکنید فساد ٤، تباهی مکنید ۲۹، تباهی مَکُنیت ۵۵، تباکاری مکنید ٦۲، تباهی نکنید ۹۰، زیان کاری مکنید ۹٦، فرساد مکنید ۱۱۱، تباهکاری مکنید ۱۲۰

~: وَلَاتُفْسِدُواْ فِي ٱلْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَٰحِهَا (۷:۵٦)
توهی[1] مکنید ۱، مَه تباهی کنیت ۳، تباه کاری مکنیت ۱۰ مکرّر، تباهی مکنید و راه مزنید ۲۷، تباهی مکنیت ۳۰، مه کنید فساد ۳۱، مکنیت تباهی ٤۱، نه تباهی کنید ۵۸، نه تباه کنیدتان ٦۱، تباهی مجوبید ۹۸، تباهی مکنید ۱۰۰، تباه کاری نکنید ۱۲۷، تباهی مکنید ۱۳٦، تَباه کارِی مَکنیدْ ۱٤۰

~: وَلَاتُفْسِدُواْ فِي ٱلْأَرْضِ (۷:۸۵)
مه تباهی کنیت ۳، بَی سامانی مَکُنَید ۱۰، تباه کاری مکنید ٤۲، تباه مکنید ۵۷، نه تباه کنید ٦۱، تباهی نورزید ۱۲۳، مکنید تباه کاری ۱۲۷، تباه کاری مَکنید ۱٤۰

تَفْسُقُونَ: وَبِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ (٤٦:۲۰)
می تباه کاری کنید ۱۷، همی تباه کاری کُنید ۲۲

★ كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ: وَبِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ (٤٦:۲۰)
بی فرمانی کردید ۲، می بیرون آمدیت ۳، تباه کاری می کردید ٤۳، تباهی می کردید ٦۱، بیرون می گذشتید از فرمان ۷۹، بیرون آمدید از فرمان ۸۰، نافرمانی می کردی ۸۱، نافرمانی کردید ۱۰٦، بیرون میگذشتید از فرمان ۱۱۳، بیفرمانی کردید ۱۱٤، برون آمدید از فرمان ۱۲۱، بودید تباه کاران ۱۲٤، بیرون میرفتید از فرمان خدا ۱۳۲، بودید که نافرمانی می کردید ۱۳٦

تَفْسِيرًا: إِلَّا جِئْنَٰكَ بِٱلْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا (۲۵:۳۳)
پیدا کردن ۳، هویدا کردن ۲۰، پدید کردن ٤٦، بیان کردن ٦۹، روشن کردن ۱۰۹

تَفْشَلَا: إِذْ هَمَّت طَّآئِفَتَانِ مِنكُمْ أَن تَفْشَلَا (۳:۱۲۲)
بددل شند ۱، بددلی کنند ۳، بددل شوند ۲۳، بددله کنند ۲٤، گفتار کردند از بددلی ۲۷، سست شوند ۲۹، بددل کنند ٤۱، بَدِدل شَوند ٤۲، بازگردند از بددلی ٤۸، بَددِلیِ کُنَند ۵۵، بددل شوید ۵٦، بددل و سست کردند ۵۷، بددل شوند و باز گردند ۵۸، بزدلی کنند ۹۱، سُستی کنند، بازگردند ۱۰۱، بددلی نمایند ۱۰٤، بددلی کردند ۱۱٤، بددلی کنند وبازگردند ۱۱٦، بددلی کنند و بگریزند ۱۱۹، بددل کردند ۱۲٤، از بیدلی برگردند ۱۲۷، بددل کردید ـ سست شوید ۱۲۹

تَفْشَلُوا: وَلَاتَنَٰزَعُواْ فَتَفْشَلُواْ (۸:٤٦)
بد دل شید ۱، بد دل شوید ۲، بد دل شویت ۳، بددل گردَید ۱۰، بددل گردید ۲٤، بددلی کنید ٤۳، بَددِلْ شَویت ۵۵، بددل شوی ۵۷، بَدْدل شوید ٦۲، بزدل شوید ۹۸، بدبدل شوید ۱۰۲

★ فَتَفْشَلُوا: وَلَاتَنَٰزَعُواْ فَتَفْشَلُواْ (۸:٤٦)
بددل مشوید ٤۹، بددلی مکنید ۱۲۰

تَفْصِيلَ: وَتَفْصِيلَ ٱلْكِتَٰبِ لَارَيْبَ فِيهِ (۱۰:۳۷)
پَیْدا کردن ۳، پدیدار کردن ۱۰، پدید کرد ۱۳، پدید کرْدَن ۲۷، پدید کردَن ٤۲، پَیدَا گَردَن ۵۵، هویدا کردن ٦۳

~: وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ (۱۲:۱۱۱)
پدید کردن ۲، جدا کردن ۵، جدا واکردن ۲۹، پَیدَا کرْدن ۵۵، جُدایی ۷٦

---

۱. توهی مکنید / تباهی مکنید.

تَفْصِیلاً: عَلَى ٱلَّذِیٓ أَحْسَنَ وَتَفْصِیلًا (۶:۱۵۴)
دیدور کردن ۱، پدید کرد ۲، پیدا کردن ۳، هُوَیدا کِردن او پیدا کِردن ۱۰، روشن کردن ۴۱

~: مَوْعِظَةً وَتَفْصِیلًا لِّكُلِّ شَیْءٍ (۷:۱۴۵)
پدید کردن ۱۰، پدید کردن و جدا کردن ۵۸، هویدا ۱۰۶، پَدید کردَن ۱۴۰

~: فَصَّلْنَٰهُ تَفْصِیلًا (۱۷:۱۲)
دیدار کردن ۲۴، پَیدا کَردَن ۵۵، جُدا کردَن ۵۷، بیان کردن ۱۲۰

تَفْضَحُونِ: قَالَ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ ضَیْفِی فَلَا تَفْضَحُونِ (۱۵:۶۸)
رُسوای کنید ۵۳، رسوا کنیت ۸۰، رسوا می کنید ۱۱۳، رسوا کنید ۱۲۹

★ لا تَفْضَحُونِ: هَٰٓؤُلَآءِ ضَیْفِی فَلَا تَفْضَحُونِ (۱۵:۶۸)
رسوا مکنید ۱، مه کُنید رَسوا ۲، رسوا مکنیت ۳، نه رسوا کنید ۳۹، رسوَا مکنید ۵۷، مه رسوا کنیت ۷۱، شرمنده مکنید ۱۰۳، رسوا مسازید ۱۱۶

تَفْضِیلاً: أَكْبَرُ دَرَجَٰتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِیلًا (۱۷:۲۱)
اُفزُون گردانیدن ۲، افزون گردانیدن ۳۶، افزونی ۳۸، فُزُونی دَادَنْ ۵۵، افزودن ۹۰، بافزونی گردانیدن ۹۴، افزونی گردانیدن ۹۸، فزون گردانیدن ۱۲۵

~: مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِیلًا (۱۷:۷۰)
اُفزون گردانیدن ۲، فزونی دادن ۳، گردانیدن ۵۲، بر گزیدن ۵۶، افزونی نهادن ۶۱، افزونی دادن ۱۱۱

★ لَمْ تَفْعَلْ: وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُۥ (۵:۶۷)
نکنی ۱، نَه کنی ۴۵، نه کنی ۵۳، نکنی و نرسانی ۵۸، نرسانی و نکنی ۶۰، نه بکنی تو ۶۱، نرسانی ۱۲۱، نکنی تو ۱۳۸

تَفْعَلوا: فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا۟ وَلَن تَفْعَلُوا۟ (۲:۲۴)
کردن ۱۲۳

~: وَمَا تَفْعَلُوا۟ مِنْ خَیْرٍ یَعْلَمْهُ ٱللَّهُ (۲:۱۹۷)
بکُنید ۲، می کنی ۲۴، کنیت ۳۰، همی کنید ۵۳، کنید ۵۷، شما کنید ۶۳

~: وَمَا تَفْعَلُوا۟ مِنْ خَیْرٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِیمٌ (۲:۲۱۵)
کنید ۱، شما بَکُنی ۱۰، می کنید ۲۷، کنید شما ۵۷، شما را کرده آید ۶۳، بکنید ۶۴، میکنید ۱۱۱

~: وَإِن تَفْعَلُوا۟ فَإِنَّهُۥ فُسُوقٌۢ بِكُمْ (۲:۲۸۲)
بکنید ۲۷

★ لَمْ تَفْعَلوا: فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا۟ وَلَن تَفْعَلُوا۟ (۲:۲۴)
نه کُنید ۲، نه کِردَید ۱۰، نتوانی که بیارید ۲۴، نه کنید ۳۶، نه توانستند آورْدن ۴۰، نَکُنیت ۵۵، نکنید ۷۶، نکنید شما ۹۹، نمی کنید ۱۰۱، نکردید و نیاورید ۱۰۲، نه می کنید ۱۱۴، نگروید ۱۲۲

~: فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا۟ فَأْذَنُوا۟ بِحَرْبٍ مِّنَ ٱللَّهِ (۲:۲۷۹)
نکردید ۱، نکُنید ۲، نکنیت ۳، نَه کنَید ۱۰، نکنید و دست باز ندارید ۲۷، نه کنیت ۲۸، نکنید ۵۲، دست وانه دارید ۶۳، نگذارید ۶۷

~: فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا۟ وَتَابَ ٱللَّهُ عَلَیْكُمْ (۵۸:۱۳)
نه کردیت ۳، نکردید ۱۰۳

★ لَنْ تَفْعَلوا: فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا۟ وَلَن تَفْعَلُوا۟ (۲:۲۴)
خُود نکُنید ۲، هرگز نکنید ۳۶، نه هرگز توانند آورْدن ۴۰، هرگز نَکُنیت ۵۵، خود نه کنید ۶۲، هرگز نتوانید کردن ۸۴، هرگز نتوانید آورد ۹۶، هرگزنتوانید کرد ۹۹، هرگز خود نتوانید آورد ۱۰۲، هرگز نه کنید ۱۰۹، هرگز نتوانید که بکنید ۱۱۲، هرگز نخواهید گروید ۱۲۲، نمیتوانید کرد ۱۲۹، خود نکنید ۱۳۵

تَفْعَلونَ: إِنَّ ٱللَّهَ یَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ (۱۶:۹۱)
می کنید ۱، شما کُنید ۲، هَمی کُنیدْ ۵۳، می کنید شما ۵۸، میکنید ۶۱، شما همی کنید ۶۲، همی کنید ۹۴

~: إِنَّهُۥ خَبِيرٌۢ بِمَا تَفْعَلُونَ (۲۷:۸۸)
میکنند ۵۳، می کنند ۱۳۹

~: وَيَعْفُوا۟ عَنِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ (۴۲:۲۵)
می کُنَد ۳۲، همی کُنِد ۸۱، شما میکنید ۱۰۰

~: يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ (۸۲:۱۲)
شما میکنی ۲۹، کنید ۶۱

★ لَا تَفْعَلُونَ: لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۶۱:۲)
نمی کنید ۱، نکنید ۳۰، نمیکنید ۱۰۰

~: أَن تَقُولُوا۟ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۶۱:۳)
نخواهید کرد ۱۰۳، نمیکنید ۱۳۶

تَفْعَلُوهُ: إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِى ٱلْأَرْضِ (۸:۷۳)
بدانید و دریابید ۱۰۱

★ لَا تَفْعَلُوهُ: إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ (۸:۷۳)
نکنید ۵۸، نه کنیت ۹۱

تَفَقَّدَ: وَتَفَقَّدَ ٱلطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِىَ (۲۷:۲۰)
وازجست ۱، همی باز جُسْت ۲، جست ۳، واجست ۲۰، بازجست ۲۴، بجست ۳۰، بجُسْت ۳۹، جُستْ ۴۳، گُم یافت ۴۷، می جست ۹۰، کم یافت ۱۰۲، بازجُست ۱۳۸، گم بجست ۱۳۹

تَفْقِدُونَ: وَأَقْبَلُوا۟ عَلَيْهِم مَّاذَا تَفْقِدُونَ (۱۲:۷۱)
همی جُویید ۲، می جوییت ۳، کم می یاوید ۲۹، میجوئید ۳۹، می جویید ۴۲، می جُوییت ۵۵، می جوئید شما ۵۶، گم کَرَدید شما ۶۱، می جوئید ۶۴، میجویید ۶۷، می جُویید ۷۶، گم کردهاید ۹۳، همی جویید ۹۴، همی جوئید ۹۶، گم کرده اید ۱۰۰، گم کرده میجویید ۱۰۲، میجویید شما ۱۰۴، می جویند ۱۰۵، میجویند ۱۱۱، باز می جویید ۱۲۴

★ مَاذَا تَفْقِدُونَ: مَّاذَا تَفْقِدُونَ (۱۲:۷۱)
چمی جویید ۱، چه می جُوییت ۵۵، چه گم کردهاید ۱۲۰

تَفْقَهُونَ: وَلَٰكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ (۱۷:۴۴)
درمی یابید ۳۶، دانید ۳۹، درمی یابْید شما ۶۱

★ لَا تَفْقَهُونَ: وَلَٰكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ (۱۷:۴۴)
درنمی یاوند ۱، ندانید ۲، درنمی یابیت ۳، نمی دانید شما ۲۹، نمی دانید ۴۲، درنیابند ۵۲، شما درنیابید ۵۶، ندانید ۵۷، درنیاوید ۵۹، ندانید شما ۶۲، درنمی یابید ۸۹، پی نیفتید ۹۸، درنمی یابند ۱۰۶، شما نمیدانید ۱۱۸

تَفَكَّهُونَ: فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ (۵۶:۶۵)
می پشیمانی برید ۱، شگفتی نمایند گان و پشیمانان ۳، شگفت دارند گان ۴۳، پشیمان باشند ۵۱، پشیمانی خورند گان ۵۶، پشیمان می مانید ۶۷، پشیمانی خورید ۷۹، شگفت همی باشی ۸۱، پشیمان ۹۰، شگفت همی کنید ۹۴، شگفت همی دارید ۱۰۸، پشیمانی همی خوردیدی ۱۰۹، شگفت مینمودید ۱۲۰، خورند گان ۱۳۹

تُفْلِحُوا: وَلَن تُفْلِحُوٓا۟ إِذًا أَبَدًا (۱۸:۲۰)
نیک بخت باشید ۵۳

★ لَنْ تُفْلِحُوا: وَلَن تُفْلِحُوٓا۟ إِذًا أَبَدًا (۱۸:۲۰)
نیک بخت نشند ۱، رستگار نشوید ۲۹، نرهیت ۳۰، هرگز نیابیت رستگاری ۴۱، هرگز نرهید ۴۳، نیک بخت نگردید ۴۴، نرهید شما ۵۶، نبرهیزید ۵۷، هرَگز برهید ۶۱، هرگز نرهیت ۹۱، رستگاری نیابید ۹۳، نرهید ۹۴، رستگآری نیابید ۱۰۰، رستگار نیابید هرگز ۱۱۱، هرگز رستگار نشوید ۱۱۴، نیابید رستگاری ۱۲۳، رستگار نمی شوند ۱۳۵، هرگز رستگار نباشید ۱۳۶

تُفْلِحُونَ: ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۲:۱۸۹)
برهید ۲، برهیت ۳، برهَید ۱۰، رستگار باشی ۲۴، رستگاری یاوید ۸۲، رسته گار شوی ۹۵، رسته گاری یابید ۱۱۸

~: وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳:۱۳۰)
نیک بخت شید ۱، رستگاری یابید ۲، رستگاری یابیت ۳، بَرهَید ۱۰، پیروزی یابید ۲۳، رسته باشید ۵۳، بِرَهیت ۵۵، رسته گار شوید ۱۱۸

~: وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳:۲۰۰)
نیک بخت گردید ۲، رستگاران ۵۳، رِشْتگاری یابیت ۵۵، رسته شوید ۹۰، رستگاری یابید ۱۰۰، رهید و رسید ۱۰۹

~: وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۵:۳۵)
رستگاری یابید ۲، رستگاری بود ۲۷، نیکبخت شید ۳۷، نیک بخت شوید ٤۵، بَرَهیْد ۵۳، رستگار شوی ٦۰، باز رهید ٦۵، رست گاران باشیت ۹۱، فیروزی یابید ۹٦، نیکبخت شوید ۱۱۲

~: فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۵:۹۰)
بَرهید ٤۲، رهید ۱۰۹

~: لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۵:۱۰۰)
رِشتگاری یابید ۲، رستگاری یابید ۲٦، رستگاری خواهیت ٤۱

~: فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۷:٦۹)
سعادت و بقای ابد یابندگان ۱۱۳، رستگاری یابید ۱٤۰

~: وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۸:٤۵)
بَرهید ۲، رستگار باشید ٢٤، بَرهیْت ۵۵

~: وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۲۲:۷۷)
رهایی یابید ۲، رستگار شوید ۵۲، رَستگاری یابید ۵۳، رهایی یابید ٦۱، رستگار گردید ۱۲۹، برهند ۱۳۹

~: وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ (۲٤:۳۱)
پَای دار باشید ۲، نیک بخت شَویْد ۵۳، رستگار شوید ۷٦، نیک بخت گردید ۷۷

~: وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (٦۲:۱۰)
برهید ۲، رست گاری یابید ۸۰

تُفَنِّدُونِ: لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ (۱۲:۹٤)
نادان گوئید ۵، آلوفج خوانید خرف داری ۷، ٢٤ مکرر، خرف دارند ۳۸، سرزنش کنید ٤۱، سَرزنش کنید ۵۷، شما فرتوت بخوانید ۷۸، شما خرف و نادان شمرید ۱۰۲، فرتوت دارید ۱۱٤، سرزنش کنید ۱۲۱

★ أَنْ تُفَنِّدُونِ: لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ (۱۲:۹٤)
شما فرتوت نخوانید ۹٦، فرتوت نخوانید ۱۰۵

★ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ: لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ (۱۲:۹٤)
اگر نه شما فرتوت نخوانید ۲، اگر شما مرا فرتوت نخوانید ۵۲، اگر بَدُروُغ ندارید ۷٦، اگر شما فرتوت نخوانیت ۸۳

تَفُورُ: إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ (٦۷:۷)
می جوشد ۱، همی جوشد ۲، همی برجوشد ۳۰، می دمد ۳۹، برمی جوشد ٤۱، برخود می جوشد ۵٦، جوشد ٦٤، میجوشد ٦۷، برجوشد ۱۰۲، گردد ۱۱۷، بجوشد ۱۲۲، جوشان ۱۲۹

تَفِيءَ: فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ (٤۹:۹)
واز آید[1] ۱، باز گردد ۲، وا گردد ٦، باز آیند ٢٤، باز آید ۲۹، بر گردد ۳۹، بازایند ٦۹، بیاید ۱۱٤، بر گردند ۱۲۲، باز گردند ۱۲٤

تَفِيضُ: تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ (۵:۸۳)
می ریزد ۱، می رود ۳، همی ریزد ۹، همی فرو

---

۱. واز آید / باز آید.

چکد ۱۰ و ۲۶ مکرّر، می دود ۲۷، آب می دود ۳۹، می بارد ۴۱، پر می شود و می ریزد ۴۸، می رَوَد ۵۵، همی روند ۶۱، بسر در می افتد ۶۳، می ریزد اشک ۷۸، همی فرو چَلد ۸۳، همی رود ۸۸، ریزند ۸۹، ریزد ۹۶، فرو چکد ۱۰۹، همیریزد ۱۱۲، میریزند ۱۲۲، فرو میریزند ۱۳۵، همیرود ۱۳۶

~: تَوَلَّوا وَّأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمْعِ حَزَنًا (۹:۹۲)

روان می شود ۳، همی ریخت ۱۱، می ریخت ۲۴، بریزد ۲۷، می ریزند ۲۹، می دوید ۳۶، می بارید ۴۱، همی بارد ۵۲، رَوان می شَوَد ۵۵، میرود ۶۱، ریزان می شود ۷۹، درمی افتد ۸۵، آب میرود ۸۸، پر بود ۹۲، آب همیریزد ۹۳، می فرو بارد ۹۴، میدوید ۱۰۰، آب میریزد ۱۰۲، میریزد ۱۰۳، می ریخت ۱۰۷، فرو می ریزد ۱۰۹، روان می شد ۱۱۱، روان میشد ۱۲۰، روان بود ۱۲۲، فرو بارد ۱۲۹، روان میشود ۱۳۰، میرفت ۱۳۶

تُفِيضُونَ: إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ (۶۱:۱۰)

می درروید ۱، أندرْ شوید ۲، درشدیت ۳، می درشوی ۷ مکرّر، شما اندر خُواندن و کِردن و گُفتن و اندَیشه و سگالشها باشَی ۱۰، شما را اندیشها و سگالشها باشد ۱۳، درایستید ۲۷، درمی رفتید ۲۹، درمی آید ۳۶، درشوید ۳۸، می داریت ۴۱، اندر می شوید ۵۳، دَر شُدیْت ۵۵، درشدید ۵۶، درمی شدی ۵۷، درنگریستید بگفت وگوی ۵۸، درشوی ۶۰، درروید ۶۴، درمی شدید ۷۹، اندر شویت ۸۳، فرا گیرید ۱۰۲، همی درروید ۱۰۹، ورمی شدید ۱۱۳، درمیروید ۱۱۶، درمی آیند ۱۲۲

~: هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ (۸:۴۶)

همی اندر شوید ۲، درمی شویت ۳، می اندر شوید ۱۷، همی اندر شویت ۳۰، درمی آیید ۳۶، اندر شوید ۳۸، شما در می شوید ۳۹، می بپچیت ۴۱، درمی شوید ۴۳، شما باز می گردید ۵۶، شما می گویند ۷۸، درمی روید ۷۹، درشوند ۱۰۵، گفت و گوی میکنید ۱۰۹، دور می شود ۱۱۴، می کنید ۱۲۴، فرو روید ۱۳۶

تَقِ: وَمَن تَقِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ يَوْمَئِذٍ (۹:۴۰)

نگه داری ۱، نگاه داری ۲، برهانی ۱۵، نگاه دارد ۳۰، برهانیدی ۳۸، بترسد ۴۲، نگاه داری تو ۶۱، نگه بد آری تو ۱۰۰، بازداری ۱۰۳، نگاهداری ۱۱۴، نگاه داشتی ۱۲۶، نگه بداری ۱۳۴، نگه بداری تو ۱۳۸

تُقَاةً: إِلَّآ أَن تَتَّقُوا۟ مِنْهُمْ تُقَىٰةً (۲۸:۳)

پرهیزیدن ۲، پرهیز کردن ۳، رَهایی جُستن بزوان وَی دل ۱۰، پرخیزیدن ۲۴، رهایی جستن ۴۰، پَرهیزیدَن ۴۲، پَرهیز کَردَن ۵۵، پرهیزندن ۶۹، پرهیزنده ۱۲۴

تُقاتِلُ: فِئَةٌ تُقَٰتِلُ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ (۱۳:۳)

می کازار کند[1]، کارزار همی کردند ۲، کارزار می کنند ۱۰، جنگ کردند ۲۵، کارزار می کردند ۲۷، کارزار کرد ۴۰، کارزار می کنید ۴۱، کارزار کند ۶۱، کارزار کنند ۶۵، کارزار کنند ایشان ۶۷، کارزار کردند ۹۰، می کارزار کردند ۹۲، کارزار میکردند ۱۰۰، می کارزار کند ۱۳۸

تُقاتِلوا: أَلَّا تُقَٰتِلُوا۟ (۲۴۶:۲)

کارزار کنید ۶۳، کارزار کنیم ۱۲۴

★ لاتُقاتِلوا: أَلَّا تُقَٰتِلُوا۟ (۲۴۶:۲)

نه کُنید کارزار ۲، کارزار نکُنَید ۱۰، کارزار نکنید ۲۷، مکُنیت کارزار ۴۱، نه کارزار کنید ۶۱، نکنید کارزار ۸۲، نکنید کارزآر ۹۴، کارزآر نکنید ۱۰۰، کارزار نکنند ۱۱۱، نکنیم کارزار ۱۲۴، نکنیم ما

---

۱. می کازار کند / کارزار می کند.

کارزار ۱۳۰

★ لَنْ تُقَاتِلُوا: وَلَن تُقَٰتِلُواْ مَعِیَ عَدُوًّا (۹: ۸۳)
مه کشید ۱۱، هرگز کارزار کنید ۲۷، نه کشید ۳۸، هرگز کارزار مکنید ۳۹، هرگز کارزار نکنیت ۴۱، هرگز نه کارزار کنید ۶۱، کارزار مکنید ۹۳، مکشید ۱۰۷، کارزار نکنید ۱۱۱، هرگز کارزار نکنید ۱۱۴، هرگز نکنید کارزار ۱۲۷

تُقَاتِلُونَ: وَمَا لَكُمْ لَا تُقَٰتِلُونَ فِی سَبِیلِ ٱللَّهِ (۴: ۷۵)
کارزار کنید ۵۳

~: أَلَا تُقَٰتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوٓاْ أَیْمَٰنَهُمْ (۹: ۱۳)
کارزار کنیت ۳، کارزار کنید ۱۰۳

★ لَا تُقَاتِلُونَ: وَمَا لَكُمْ لَا تُقَٰتِلُونَ فِی سَبِیلِ ٱللَّهِ (۴: ۷۵)
کارزار نمی کنید ۱، کارزار نکنید ۲، کارزار نکنید ۱۰، نمی کنید کارزار ۳۹، کارزار مکنید ۶۷، کارزار نمیکنید ۱۰۰، جنگ نکنید ۱۱۴، مکنید کارزار ۱۲۴، نمیکنید کارزار ۱۳۰

~: أَلَا تُقَٰتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوٓاْ أَیْمَٰنَهُمْ (۹: ۱۳)
نخواهید کارزار ۱۰، کارزار نکنید ۱۱، کارزار مکنید ۵۸، جنگ نکنید شما ۶۲، کارزار نمیکنند ۱۱۱

تُقَاتِلُونَهُمْ: أُوْلِی بَأْسٍ شَدِیدٍ تُقَٰتِلُونَهُمْ (۴۸: ۱۶)
کازاد کنید ۱، جنگ کنید ۶، کارزار کنید ۳۰، کارزار می کنید ۳۹، می کنید کارزا ۴۱، کارزار کنیت ۸۰، کاریزار کنید ۸۱، کارزا کنید ۱۳۸

تُقَاتِلُوهُمْ: وَلَا تُقَٰتِلُوهُمْ عِندَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ (۲: ۱۹۱)
کارزار کنید ۹۰

★ لَا تُقَاتِلُوهُمْ: لَا تُقَٰتِلُوهُمْ عِندَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ (۲: ۱۹۱)
مکشید ۲۹، کارزار مه کنیت ۳۰، کارزار مکنید ۵۲، نکشید ۵۳، کارزار مکنیت ۵۵، مه کارزار کنید ۵۶، نه کارزار کنید ۶۱، کارزار مکنیت ۹۱، مه کارزآر کنید ۹۴، مکنید کارزا ۱۳۰

تُقَاتِهِ: یَٰٓأَیُّهَا ٱلَّذِینَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ (۳: ۱۰۲)
پرخیزیدن[1] ۱، ترسیدن ۲ ترس، ترسیدن و فرمان بُردن ۱۰، ترسیدن و فرمان بردن ۴۰، ترسیدن ۴۲، ترس ۵۵، ترس ۵۶، ترسیدن ۷۶، ترسش ۱۰۹، پرهیز ۱۲۲

تَقَاسَمُوا: قَالُواْ تَقَاسَمُواْ بِٱللَّهِ (۲۷: ۴۹)
سوگند خوردند ۱، سوگند خورند ۴۶، سوگندان خورید ۴۷، سوگند خورید ۴۸، سوگند خورند ۵۳، سوگند خوردید ۵۶، با یکدیگر سوگند خوردند ۷۴، با یکدیگر سوگند خورید ۸۶، با یک دیگر سوگند خوردند ۱۱۳، با هم سوگند خوردند ۱۳۲، با یکدیگر سوگند ۱۳۵

تُقْبَلَ: ثُمَّ ٱزْدَادُواْ كُفْرًا لَّن تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ (۳: ۹۰)
پذیرفته شود ۳۶

~: وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَٰتُهُمْ (۹: ۵۴)
پذیرفته شدی ۱، پذیرفته شود ۳، پذیرفته‌ای ۱۱، بپذیرند ۲۹، پذیرفته بشود ۵۸، پذیرند ۶۱، پذیرفته آمدی ۱۰۷، پذیرفته‌اند ۱۲۴

★ لَنْ تُقْبَلَ: لَّن تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ (۳: ۹۰)
پذیرفته نشهد[2] ۱، هرگز نپذیرند ۲۴، پذیرفته نشود ۲۵، هرگز پذیرفته نشود ۲۷، پذرفته نشود ۴۲، پذرفته نشود ۵۲، هرگز نه پذیرد ۶۱، نه پذیرفته شود ۱۲۷

تَقَبَّلْ: رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّآ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِیعُ ٱلْعَلِیمُ (۲: ۱۲۷)
بپذیر ۲، پذیر ۳، بپذیر ۱۰، بپذیر ۲۹، بپذیر ۵۵، ها پذیر ۵۷، فراپذیر ۵۹، پذیرا ۹۱، بپذیر ۹۴،

---

۱. پرخیزیدن / پرهیزیدن.

۲. پذیرفته نشهد / پذیرفته نشود.

بپزیر ۹۶، به پزیر ۱۲۹

~: إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي (۳: ۳۵)
واپذیر ۲٤، بپذیری ۲۵، بپذیرفت ۲۹، فرا پذیرفت ۳٤، بَپذیر ٤۲، بپذیر تو ٦۱، تو بپذیر ٦۵، به پذیر ۹۹

~: رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ (۱٤: ٤۰)
بپذیر ۱، بشنو ۵، پَذیر ۵۵، بپذیر تو ٦۱

تُقُبِّلَ: فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا (۵: ۲۷)
پذیرفته شد ۱، پذیرفته شود ۲، بپذیرفت ۲۹، بپذیرفتند ٤۱، بپذیرفته آمد ٤۵، پَذیرُفته شُد ۵۵، فرا پذیرفتند ٦۲، پذیرفته آمد ۸٤، پذیرفته شو ۸۸

~: مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ (۵: ۳٦)
پذیرندی ۲، بپذیرد ۳۰، پذیرند ٤۵، پذیرفته آمد ۵۷، پذیرفته شد ٦۱، پذیرندی ۸۳

★ مَا تُقُبِّلَ: مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ (۵: ۳٦)
پذیرفته نشی ۱، نپذیرند ۲٤، پذیرفته نشهد ۳۷، نپذیَرد ٤۲، پذیرفته نشود ۵۸، نه پذیردی ۸۸، پذیرفته نشدی ۱۰۷، پذیرفته نخواهد شد ۱۲۳، نه پذیرند ۱۲٤، نه پذیرندی ۱۲۷

فَتَقَبَّلَهَا: فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ (۳: ۳۷)
بپذیرفت ۲، پذیرفتش ۳، بَپذیرفت ۱۰، ها پذیرفت ۲٤، فرا پذیرفت ٦۲، بپذرفت ٦٤، پسندید و بپذیرفت ٦۷، به پذیرفت ۹۰، پزیرفت ۹٦، به پذیر ۱۰۵

★ لَا تَقْبَلُوا: وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا (۲٤: ٤)
میپذیرید ۱، مه پذیریت ۳، مه پذیرید ۲٤، مپذیریت ۳۰، نپذیرید ۵٤، نه گیرید ۸۷

تَقْتُلَنِي: لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي (۵: ۲۸)
بکشی ۱، مرابکشی ۲۹، بُکشی ٤۵، بکشی تو ٦۳، کشی ٦۷، بِکُشی ۹٤، بکشی مرا ۱۰۵

★ لَا تَقْتُلُوا: وَلَا تَقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ (٤: ۲۹)
مکشید ۲، مه کشیت ۳، نگرید نکشید ۱۰، مکشید شما ۵۸، نه کشید ٦۱، مه کُشیت ۹۷

~: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنتُمْ حُرُمٌ (۵: ۹۵)
بمه کشید ۲٤، مَه کشید ٤۵، مکشید و مگیرید ۵۸، مَکُشید ۹٤، نکشید ۹۹

~: وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ (٦: ۱۵۱)
نگرَید نکشَید ۱۰، مه کشید ۲٤، بمه کُشی ۲٤، مکشیت ۲۷، مَکشُید ۵۳، نه کشید تان ٦۱، نکشید ۱۰۰

~: قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ (۱۲: ۱۰)
مکُشید ۲، بمکشید ۷ مکرر، مه کشی ۲٤، مَکشُید ۵۳، مکشید تان ٦۱، مَکُشِید ۷٦

~: وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ (۱۷: ۳۱)
مکشید ۸، مه کشی شما ۲٤

تَقْتُلُونَ: ثُمَّ أَنتُمْ هَٰؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ (۲: ۸۵)
همی بَکُشید ۲، می کشیت ۳، مَی کُشید ۱۰، می کشید ۳٦، میکشید ٦۱، یک دیگر را می کشید ٦۳، بکشند ۹۰

~: فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ (۲: ۸۷)
بکُشتید ۲، بوایست کشتن ۱۰، بوایست کشت ٤۰، می کُشیت ٤۱، می کشتید ۵۷، بکشتید ٦۱، کشتید ۱۲۳

~: قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنبِيَاءَ اللَّهِ مِن قَبْلُ (۲: ۹۱)
همی کُشتید ۲، مَی کُشتَی ۱۰، بکشید ۲٤، می بکشتیت ٤۱، کارزار مکنید ٤۲، می بکشید ۵۷، کشتید ۹۰، میکشتید ۱۰۰، میکشید ۱۲۷

~: فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا (۳۳: ۲٦)
همی کشند ۱٤، همی کشتید ۳۸، کشید ۱۳۹

~: أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ (٤۰: ۲۸)

همی کشید ٣٨، همی بکشید ٣٩، می بکُشید ٥٦، بمی کشید ١٣٨

★ لَا تَقْتُلُوهُ: لَاتَقْتُلُوهُ عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ (٢٨: ٩)

مکشش ٢، مکشید ٢٤، نکشید ٥٣

★ لَمْ تَقْتُلُوهُمْ: فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ (٨: ١٧)

شما نکشتید ١٠، نه شما کشتید ٢٧، نکشتید شما ٢٩، نه کشتیت ٣٠، نه کشتید ٣٥، نکشید ٣٦، نه کشید شما ٥٧، نه کُشتید ٩٤، نکشتید ١١١، نکشتند ١١٢

تَقْتِيلًا: وَقُتِّلُوا۟ تَقْتِيلًا (٣٣: ٦١)

بسیار کشتن ٣، کشتنی ٧، کشتن ٤٧، برهم کُشتن ٥٦، کشته شدن ٦١، کشتن بسیار ٨٦، کارزار کردن ٩٩، کشته شدن ١٠٩، کُشتن ١٢٦، کشته شدن بخواری ١٣٠

تَقْدِرُوا: أَن تَقْدِرُوا۟ عَلَيْهِمْ (٥: ٣٤)

توانا شید ١، توانا گردید ٢، توانا شویت ٣، فراز رسَد ٢٧، مرگ فرستادند ٤٥، توانید ٥٧، دست یابید ٦٣، اندازه کردند ٧٥، توانا باشید ٧٦، توانائی دآرید ١٠٠، دست یابند ١٠٦، توانا گردیده ١٢٧

★ لَمْ تَقْدِرُوا: وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا۟ عَلَيْهَا (٤٨: ٢١)

توانایی ندارید ١، توانا نبودند ٢، نه توانا شدیت ٣، نه دست داریت ٤١، نتوانستید ٤٣، نه توانا می دارند ٤٧، توانا نشدید ٥٦، دست نیافتید شما ١١٣، توانا نه بودید ١٢٤، توانا نباشید ١٣٦

تَقَدَّمَ: مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنۢبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ (٤٨: ٢)

پیش شد ١، پیش رفتست ٢، پیش رفت ٣، پیش شده است ٦، فراگذاشت ١٧، گذشتست ٢٤، درپیش افتاد ٢٩، پیش رفته است ٣٠، در پیش گذشت ٥١، پیش فرستاد ٦١، فراپیش بود ٨٨، پیش بود ٩٢، گذشته است ٩٤، از پیش گذشت ١٠٠، فراپیش است ١٠٦، در پیش داشتی ١١٣، از پیش رفت ١١٤، پیش تر است ١٢٤، پیش رفته ١٢٦

تُقَدِّمُوا: وَمَا تُقَدِّمُوا۟ لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ (٢: ١١٠)

پیش فرستید ٢، پیش فرستیت ٣، شما از پیش بفرستی ١٠، پیش بفرستی ٢٤، پیش فرستادند ٣٨، از پیش بفرستید ٤٠، پیش فرستید ٤٢، پیش فرستاد ٥٣، پیش کردی ٦٠، پیش فرستاده شوید ٦١، فراپیش دادید ٦٣، پیش می فرستید ٦٧، پیش بفرستید ٧٦، در پیش دادید ٧٩، در پیش افکنید ١٠١، فرستادید ١٠٤، پیش فرا دارید ١٠٦، از پیش میفرستید ١١١، پیشی فرستید ١١٩، پیش میفرستید ١٢٧، پیش دارید ١٣٥، فراپیش داشتند ١٣٨

~: لَا تُقَدِّمُوا۟ بَيْنَ يَدَىِ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ (٤٩: ١)

پیشی کنید ٣٨

~: ءَأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا۟ بَيْنَ يَدَىْ نَجْوَىٰكُمْ صَدَقَٰتٍ (٥٨: ١٣)

پیش کنید ١، بیش دارید ٣٩، پیش فرستید ٦١، پیش روید ٩٢، پیش برید ١٠٠، در پیش دارید ١١٣، به پیشی بدهید فرا پیش دارید ١٣٢

~: وَمَا تُقَدِّمُوا۟ لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِ (٧٣: ٢٠)

پیش فرستید ٦، پیشی کنید ١٩، پیش فرستادیت ٣٠، پیش داشتید ٣٨، پیش می فرستیت ٤١، پیش فرستادید ٩٦، فراپیش دآرید ١٠٠، پیش بفرستید ١٢٦

★ لَا تُقَدِّمُوا: لَا تُقَدِّمُوا۟ بَيْنَ يَدَىِ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ (٤٩: ١)

پیش دستی مکنید ١، پیش مروید ٢، پیشی مکنیت ٣، پیش مشوید ٦، پیشی مکنید ٣٩، فراپیش مروید ٤٢، پیشی مگیرید ٤٩، نه پیش کنید ٩٠، در پیش ندارید ٩٦، پیشین مگیرید ١٠٢، پیش مدارید ١١١، به پیشی مگیرید ١١٣، پیش مبرید ١١٤، مکنید پیش دستی ١٢٤، فراپیش مبرید ١٣١

تَقْدِيرُ: ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ ٱلْعَزِيزِ ٱلْعَلِيمِ (٦: ٩٦)

اندازه کردن ٢، براندازه بساختن ١٠، اندازه ٥٣، آندازه گردن ٥٥، باندازه کردن ٥٧، راست

باندازه ٥٨، اندازه پدید کردن ٧٩، ساخت ٩٢، اندازه نهادن ١٠٢، اندازه دادن ١٢٢

~: ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ ٱلْعَزِيزِ ٱلْعَلِيمِ (٣٦:٣٨)
اندازه کرد ٣٣، اندازه گرفتن ٣٩، اندازه کرده ٨٠، کار باندازه کردن ٨٦، اندازه کَردن ٩٦

~: ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ ٱلْعَزِيزِ ٱلْعَلِيمِ (٤١:١٢)
انداخت ٢٩، کارپردازی ١٢١

تَقْديرًا: وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُۥ تَقْدِيرًا (٢٥:٢)
ساختن ١، اندازه کردن ٢، اندازکردن ٣، اندازهْ کردن ٥٣

~: قَوَارِيرَاْ مِن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا (٧٦:١٦)
باندازه بیافریدن ٢٤، انداختن ٢٩

تَقَرَّ: فَرَجَعْنَٰكَ إِلَىٰٓ أُمِّكَ كَىْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ (٢٠:٤٠)
روشن شهد ١، روشن گردد ٢، روشن ٢٤، روشن شود ٣٤، رُوشَنْ گردد ٥٣، روشن شد ٦٤، باشد روشن ١٢٣

~: فَرَدَدْنَٰهُ إِلَىٰٓ أُمِّهِۦ كَىْ تَقَرَّ عَيْنُهَا (٢٨:١٣)
شود روشن ٢٤، روشن شود ٧٦، روشن شد ١٣٠

~: ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَن تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَّ (٣٣:٥١)
روشن شود ٢، روشن شوند ٢٩، روشن گردد ٣٤، روشن کنی ٤٢، روشن بود ٤٧، رُوشَنْ شَوَدْ ٥٣، روشن کند ٦١

لِتَقْرَأَهُۥ: وَقُرْءَانًا فَرَقْنَٰهُ لِتَقْرَأَهُۥ عَلَى ٱلنَّاسِ (١٧:١٠٦)
بخوانی ١، برخوانی ٢، برخوانی ٣، خوانی ٢٤، برخوانیش ٣٠، برخواند ٤١، بخوانی تو ٩٢، خوانی تو ٩٣

★ لاتَقْرَبا: وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ (٢:٣٥)
فراز مشوید ٢، نزدیک مشویت ٣، نزدیک مشوید ٤، پَیَرامُون بَنگردَید ١٠، نزدیک مگردید ٢٩، مشوید نزدیک ٣٤، نزدیکی مَکُنید ٤٢، نه نزدیک شویت ٥٥، نگر که نگردید پیرامن ٦٣، فراز نزدیک نروید ٨٥، گِرد مگردید ٩٠، نه نزدیک شویت ٩١، مَکُنِید نزدیکی ٩٤، نزدیک نشوید ٩٨، نزدیک میائید ٩٩، فرا نزدیک مشوید ١٠٦، نزدیک نروید ١٢١، نزدیک مروید ١٢٢

~: فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ (٧:١٩)
نزدیک مشید ١، مه نزدیک شویت ٣، نگرَید پیرامون نگردَید ١٠، فراز شمویت ١٠ مکرّر، نزدیک مشوید هر دو ٢٧، مه نزدیک شوید ٣٠، مشویت نزدیک ٤١، مکنید نزدیکی ٤٥، نزدیکی مکنید ٥٣، نزدِیک مشوید شما هر دو ٥٧، نه زدیک مشوی ٦٠، نه نزدیک شوید ٦١، مشوید نزدیک ٦٢، فرا نزدیک مروید ٦٣، مگردید نزدیک ٦٧، مگردیت ٧٦، نیایید نزدیک ٩٢، نزدیک مروید ١٠٦، نزدیکی مجواید ١١٣، نزدیک مشوید ١٢٢، فرا مشوید ١٢٧

تُقَرِّبُكُمْ: وَلَآ أَوْلَٰدُكُم بِٱلَّتِى تُقَرِّبُكُمْ (٣٤:٣٧)
نزدیک کند ٣، نزدیک گرداند ٣٠، نزدیک گردانید تان ٦١، نزدیک بگرداند ٦٤، نزدیک گردانند ١٢٢

تَقْرَبُوا: لَا تَقْرَبُوا۟ ٱلْفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا (٦:١٥١)
نزدیکی کنید ٥٣

★ لاتَقْرَبُوا: لَا تَقْرَبُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنتُمْ سُكَٰرَىٰ (٤:٤٣)
نزدیک مشید ١، فراز مروید ٢، نزدیک مشویت ٣، مگردید پیرامون ١٠، مگردی پیرامون ٢٤، نزدیک مشوید ٢٧، مه نزدیک شویت ٣٠، نزدیک میایید ٣٦، نگرپیرامون نه گردید ٤٠، نزدیکی مَکُنید ٤٢، نه نزدیک شوید ٦١، نزدیک مگردید ٦٢، مشوید نزدیک ٧٢، مه فراز رویت ٨٣، پیرامون مگردید ٨٤، نزدیکی مکنید ٨٨، نه شوید نزدیک ٩٠، فرا نزدیک مشوید ١٠٠، نزدیک مروید ١٢٧، مگردید پیرامان ١٣٥

~: وَلَاتَقْرَبُواْ ٱلْفَوَٰحِشَ مَاظَهَرَ مِنْهَا (۶:۱۵۱)
فَرا مشوید ۲، نگرَید پیرامون بنگردید ۱۰، فراز مشوید ۱۰ مکرّر، فراز مروید ۲۷، نزدیک میائید ۳۹، فراز مشوید ۴۲، نزدیک مگردیت ۴۴، فرا مَروید ۸۲، فرا نزدیک مروید ۱۰۶، مکنید نزدیکی ۱۰۷، نزدیکی مجوئید ۱۱۲، نزدیکی نکنید ۱۲۷

~: لَاتَقْرَبُواْ مَالَ ٱلْيَتِيمِ إِلَّابِٱلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (۶:۱۵۲)
نزدیک مشید ۱، فراز مشوید ۲، مه گردی پیرامون ۲۴، فراز مروید ۲۹، نزدیک مَشوید ۶۲، مگردید نزدیک ۶۷

~: وَلَاتَقْرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةً (۱۷:۳۲)
نزدیک مشید ۱، فرامشوید ۲، گردمگردید ۴۲، مَه نزدیک شوید ۵۳، مه گردید پیرامن ۵۹، گرد مگردید ۶۲، فراز مشویت ۸۳، فرا نزدیک مروید ۱۰۰، نزدیکی مجویید ۱۱۳، نزدیک نروید ۱۱۵، مکنید نزدیک ۱۲۸

~: وَلَاتَقْرَبُواْ مَالَ ٱلْيَتِيمِ إِلَّابِٱلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (۱۷:۳۴)
مَه نزدیک شوید ۵۶

تَقْرَبُونِ: فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِندِي وَلَاتَقْرَبُونِ (۱۲:۶۰)
نزدیک شویت بمن ۳، نزدیک ایید ۵۳، نزدیک درآیید ۶۷، نرد من بیایید ۹۶

* لاتَقْرَبُونِ: وَلَاتَقْرَبُونِ (۱۲:۶۰)
نزدیک میایید ۱، نزدیک میایید ۲، میایی بنزدیک من ۲۴، مگردید پیرامن من ۴۲، نه نَزدیک شِوَیت ۵۵، فرا نزدیک نیایید ۶۳، نزدیک من نیایید ۶۴، فرا نزدیک نیائید ۸۵، نزدیک میائید ۹۳، نزد من میایید ۹۴، نزد من میارید ۱۰۵، نزدیک مجوئید ۱۱۳، نزدیک من میائید ۱۱۶، نزدیک تر نباشید ۱۱۸، نزدیک مشوید ۱۲۶

* لاتَقْرَبُوها: تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَاتَقْرَبُوهَا (۲:۱۸۷)
مه نزدیک شویت ۳، مگردی نزدیک ۲۴، نزدیکی مکنید ۲۹، نزدیک مشویت ۳۰، نزدیک مگردید ۳۶، پیرامن آن مگردید ۳۸، نگر پیرامن نه گردید ۴۰، نزدیک مشَوید ۴۲، نزدیک مشوید ۵۲، نزدیک مشوید آن را ۵۶، نزدیک مشوی ۶۰، فرا بنزدیک مروید ۶۳، فراز نشوید ۶۷، فراز مشوید ۸۴، فرا نزدیک مروید ۸۵، نه نزدیکی کنید ۸۸، گرد مگردید ۹۰، مه نزدیکی کنید ۹۴، مشوید نزدیک ۱۳۵

* لاتَقْرَبُوهُنَّ: لَاتَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ (۲:۲۲۲)
نزدیک مشید ۱، نزدیکی مکنیت ۳، نگرَید پیرامون نگردید ۱۰، مه کنید نزدیکی ۲۷، مکنیت نزدیکی ۴۱، نَزدیکی مَکنُید ۴۲، نزدیک مشوید ۴۳، نزدیکی مکنید ۵۲، نَزدیکی مَکُنیِت ۵۵، نه نزدیک کنید ۶۱، مکنید ۶۲، فرا نزدیک مروید ۶۳، نزدیکی نکنید ۶۴، نزدیک مکنید ۶۷، نزدیک نشوید ۹۰، مه نزدیکی کنید ۹۴، نه نزدیکی کنید ۱۲۴، مشوید نزدیک ۱۳۰

تَقْرِضُهُمْ: إِذَا غَرَبَت تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ ٱلشِّمَالِ (۱۸:۱۷)
می گشتی ۱، همی بَرد ۲، می گردد از ایشان ۳، بگردد ۲۴، می گشت ۳۰، بگرداند ۴۱، می بگذشتی ۴۲، همی برد ۵۲، ببرد ۵۳، برد ۵۷، باز گذارد ۵۹، بگذرَدْ ۶۲، بگذارد ۷۹، می گسست ۸۰، بگذاری ۹۲، گردیدی ۱۰۰، ببرَد ۱۰۹، بگدارد ۱۱۳، می کشت ۱۱۴، بگذرد ۱۱۸، میگشت ۱۲۹، می برد ۱۳۷، بگزارد ۱۳۹

تُقْرِضُوا: إِن تُقْرِضُواْ ٱللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا (۶۴:۱۷)
اوام دهید ۱، وام دهید ۲۴، اوام دهیت ۴۱، فام دهیت ۸۰، فام دهید ۸۸، وام دهید ۹۹

تُقْسِطُوا: وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُواْ فِي ٱلْيَتَٰمَىٰ (۴:۳)
داد کنیت ۳

~: أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوٓاْ إِلَيْهِمْ (۶۰:۸)

راستی کنید ۱، داد کنید ۲، نصیب دهید ۱۱۳

★ أَلَّا تُقْسِطُوا: إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ (۴:۳)
که نتوانید داد کردنْ ۲، که راستی نتوانید کرد ۲۰، که داد نتوانید کرد ۲۷، که نتوانید داد کردَن ۴۲، که داد نه کنیت ۹۷، که راستی نکنید ۱۰۳، که نه بتوانید داد کردند ۱۰۴، نه توانید که راستی کنید ۱۲۴

★ لَا تُقْسِطُوا: وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ (۴:۳)
راستی نکنید ۱، نتوانید داد کردن ۲، داد و (عدل) تان کرده نیاید ۴۰، نتوانیت راستی ۴۱، داد نتوانید کردن ۴۳، دَاد مَکنیت ۵۵، داد نتوانید کرد ۵۶، داد نکنی ۶۰، نه برابری کنید ۶۱، نتوانید راستی کردن ۸۸

★ لَا تُقْسِمُوا: قُل لَّا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ (۲۴:۵۳)
سوگند مخورید ۱، سوگند مخُورید ۲، مه خورید سوگند ۲۴، سوگند مخوریت ۳۰، سَوگَند مَخَورید ۵۱، مُهْ سوگَنْدْ خَوریْد ۵۳، مخورید سوگند ۸۷

تَقْشَعِرُّ: مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ (۳۹:۲۳)
می لرزد ۱، همی لرزد ۲۲، بلرزد ۲۴، برخیزد موی از تن ۳۳، برفراشد ۳۴ و ۴۹، موی تن برمیخیزد ۳۶، خویشتن درکشد ۳۹، برخیزد موی بر اندام ۴۱، هَمی لَرْزَدْ ۵۳، برخیزد ۶۴، درکشد ۷۲، بگدزد ۷۴، کوتاه است بربای خرد ۷۸، فراهم آید ۸۰، برخیزد موی تن ۸۷، همی گردد ۸۸، برمی فراشد ۱۰۲، برجهد ۱۰۶، میلرزد ۱۱۱، لرزد ۱۳۰، برهم می جهند ۱۳۸، درخزد ۱۳۹

تَقْصُرُوا: أَن تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ (۴:۱۰۱)
کم کنید ۱، کوتاه کنیت ۳، کم کُنَید ۱۰، کَم کنید ۲۷، کوتاه کنید ۲۹، دوگانی کنیت ۴۱، بکاهید ۴۲، بکاهید ۵۲، بکَاهَد ۵۳، کُوتاه کُنیتْ ۵۵، کُوته کنید ۵۶، بکاهانی ۶۰، باز کم کنید ۶۳، بکاهیت ۸۳، کوتاه سازید ۱۲۰، کوتاه گردانید ۱۳۵

★ لَا تَقْصُصْ: لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ (۱۲:۵)
پیدا مکُن ۲، مه برگوی ۳، پدید نکنی ۷ مکرر، برمگوی ۳۰، برمخوان ۳۴، بازمگو ۳۶، پیدا مکن ۵۲، نه برگوی ۵۳، بَرمَگوی ۵۵، بَرمخوان ۶۲، بازمگوی ۶۳، بازمگوء ۶۴، مگوی ۶۷، برمخوان ۸۸، مخوان ۹۳، بازمران ۹۶، برمگوی و مخوان ۱۰۹، مگو ۱۲۱، مَخوان ۱۲۲، پیدا نکن ۱۲۸، مگوی ۱۳۶

تَقْضِي: إِنَّمَا تَقْضِي هَٰذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۲۰:۷۲)
کنی ۱، برانی ۳۰، بَگُزاری ۵۳، سپری کنی ۵۸، بگزاری تو ۷۹، تو کنی ۹۴، واگیری ۹۶، بخواهد گذشت ۱۰۲، می گذاری و مَیکنی ۱۰۹، بگذاری تو ۱۱۳

تَقَطَّعَ: إِلَّا أَن تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ (۹:۱۱۰)
پاره شهد ۱، پاره پاره شود ۳، ببرد ۱۳، پراکنده شوند ۲۹، پاره شود ۳۰، بشکافد ۳۴ و ۸۸، پاره پاره کرده شود ۳۶، پاره پاره شَود ۴۲، پَارَه پَاره کرَدَه شَوَد ۵۵، پاره پاره کنند ۵۷، بریده شود ۵۸، ببرند ۶۱، بُریدَه گردد ۶۲، گسسته شود ۶۴، بریده گردد ۸۳، بوریده شود ۸۵، پاره شوند ۱۰۶، ببرّی ۱۰۷، پاره کرده شود ۱۰۹، پاره پاره گردد ۱۱۱، باز شود ۱۲۴، پاره گردد ۱۲۹

تَقَطَّعَ: لَقَد تَّقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنكُم (۶:۹۴)
ببرید ۱، بُریده گی اُفتاد ۲، بریده شُد ۳، بریده گشت ۱۰، بریده اند ۲۴، برید گی افتاد ۲۶، بریده شود پیوستگی ۶۴، خود بریده گشت ۶۷، برند گی افتاد ۸۸، گسیخته است ۹۶، پاره پاره شد ۹۹، گُسِست ۱۰۹، برید گی افتاد ۱۲۷

تُقَطَّعَ: أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ (۵:۳۳)
بریده شهد ۱، ببرند ۲، بریده شود ۳۹، بَبُرّند ۵۳، ببرّند ۵۷، ببری ۶۰، بریده شوند ۶۱، ببرد ۷۶، پاره

پاره کنند ۱۰۰، به برند ۱۲۷

تَقَطَّعَتْ: وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ ٱلْأَسْبَابُ (۲:۱٦٦)
بریده شود ۳، بریده گردد ۱۰، بریده شد ۲۹، بُریدَه گردَد ۴۲، بریده کرد ۵۲، بریده گَردَدْ ۵۳، بُریدَه شَوَد ۵۵، بریده شُد ۵۷، بریده شدند ٦۱، بریده شود ٦۳، ببرد ۷۵، پاره پاره شدند ۹۲

تَقَطَّعُوا: وَتَقَطَّعُوٓاْ أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ (۲۱:۹۳)
بپراکندند ۱، ببُریدنْد ۲، پاره پاره کردند ۳، پراکنده شدند ۲٤، ببریدند ۳۰، ببرّیدند ٤۲، بُبرِیْدَهْ شُدَنْد ۵۳، ببریدند ۷٦، بپراکنید ۸۷، جدا کردند ۹٦، ببرید ۱۰۸، پاره کردند ۱۲۹، پراکنده شوید ۱۳٤، ایشان پاره پاره کردند ۱۳۹

~: فَتَقَطَّعُوٓاْ أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ زُبُرًا (۲۳:۵۳)
پراکنده کردند ۳، پراکنده و بریده و پاره پاره کردند ٤۱، ببردیدند ٤۳، پراکنده بکردند ۵٤، پاره پاره شدند ٦۹، بریدند ۸۷، بریده کردند ۹٤، گروه گروه شدند ۱۳۹

تُقَطِّعُوا: وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرْحَامَكُمْ (٤۷:۲۲)
ببرید ۱، ببرّید ۲۲، ببرید شما ۲٤، ببریت ٤۱، بُبرّید ۵۱

تَقْطَعُونَ: وَتَقْطَعُونَ ٱلسَّبِيلَ (۲۹:۲۹)
می برید ۱، همی بُبرید ۲، می برّیت ۳، ببریت ۳۰، می بُرید ۳۹، می ببرید ٤۷، می بُرِّید ۵٦، ببرید ٦٤، می زنید ٦۵، می بریت ۸۰، برید ۸۷، همی زنید ۸۸، می بُرید ۸۹، می برّید ۱۰۹، میبرید ۱۱٦، همی برید ۱۳٦

تَقَعَ: وَيُمْسِكُ ٱلسَّمَآءَ أَن تَقَعَ عَلَى ٱلْأَرْضِ (۲۲:٦۵)
بیفکند ۱۲، بیفتد ۲۹، درافتد ٤۱، بیوفتد ۵۲، افتد ۸۰، فروافتد ۱۰٤

★ أَنْ تَقَعَ: أَن تَقَعَ عَلَى ٱلْأَرْضِ (۲۲:٦۵)
که بنیفتد ۱، تا نیفتد ۲، تا فرو نیوفتد ۲٤، که تا نیفتد ۵٦، نیفتد ۹٤

تَقْعُدَ: فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا (۱۷:۲۲)
بنشینی ۱، نشینی ۳، نشِینیْ ۵۵، فرونشینی ۵۷، بمانی ۵۸، و ٦۲، بنشینی تو ٦۱، می نشینی ۹٦، بنشین ۹۸

~: فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (۱۷:۲۹)
بنشینی ۲، ننشینی ۹٤

★ لَا تَقْعُدْ: فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ ٱلذِّكْرَىٰ (٦:٦۸)
منشین ۱، مَه نشینْ ۲، مه نشین ۳، بمه نشین ۲٤، مِنشین ٤۲، مَه نشین ۵۳، مَنِشینْ ۵۵، منشین تو ٦۱، بِمنشین ٦۲، تو منشین ٦۷، مَنْشِین ۹٤، مشین ۱۰٦

★ لَا تَقْعُدُوا: يُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ (٤:۱٤۰)
منشینید ۱، مَه نشینید ۲، مه نشنیت ۳، منشیَنید ۱۰، مه نشینی ۲٤، مه نشینید ۲۷، ننشینید ۳۰، منشینیت ٤۱، مَنشینِید ٤۲، مَه نشینید ٤۵، می نَشینیدْ ۵۳، مَنِشینیتْ ۵۵، منشینی ٦۰، نه نشینید ٦۱، خود منشینید ٦۲، منشید ۸٤، مه نشینید ۸۸، مَنْشِینید ۹٤

~: وَلَا تَقْعُدُواْ بِكُلِّ صِرَٰطٍ تُوعِدُونَ (۷:۸٦)
مَنشینِدْ ۲، بمنشینَید ۱۰، بمه نشینی ۲٤، مه نشینیت ۳۰، مشینید ۳٦، نه شینید ٦۱، منشنید ۹۲، مَنْشِینِید ۹٤، بنشینید ۱۳۵، مَه نِشینید ۱٤۰

★ لَا تَقْفُ: وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ (۱۷:۳٦)
پس روی مکن ۱، از پس مرو ۲، بدُم مرو ۳، پس روی مگن ۲۹، مه بدم رو ۳۰، پس روی مکنید ۳٦، پی روی مکن ٤۲، مایست ٤۳، پی گیری مکن ۵۲، مَرَوْ ۵۳، بدُم مَرْو ۵۵، پی مگیر ۵۷، مگوی ۵۸، از پی مرو ۵۹، نه ایست ٦۱، در پی میست ٦۳، پس پشت مکن ٦٤، بدم مرو ۸۰، گزاف مگوی ۸۳، مه ایست ۸۸، نه پس روی کن ۹۰، زشت مگوی ۹٤، در پی مباش ۹۵، باز مائیست ۱۰۰، از پی در مرو ۱۰۲، درماست ۱۰٦، مرو به پس ۱۱٤، پیروی مکن ۱۱٦، مگیر آرام ۱۱۸، از پس فراز مشو

۱۲۶، در پی مرو ۱۳٤، پیروی مجوید ۱۳۵

★ لاتَقُلْ: فَلَاتَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا (۱۷:۲۳)
مگه ۱، مگوی ۲، مه گوی ۳، مه گو ۲٤، مگوی ۲۹، مگو ۳٦، تو مگوی ۳۸، نه گوی ۳۹، مَه گوی ۵۳، مَگُوی ۵۵، نگو تو ٦۱

تَقَلُّبَ: قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي ٱلسَّمَآءِ (۲:۱٤٤)
گشتن ۲، بر گشتن ۳، نگرستن ۱۰، گردانیدن ۲٤، نگرستن ٤۰، گَشتَنِ ٤۲، بَرگَشتَنِ ۵۵، گَشتَنْ ۹٤

~: لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي ٱلْبِلَٰدِ (۳:۱۹٦)
گشتن ۱، گشَتن ۲، گردندَن، ۲۳، آمد و شد ۲٤، آمد شد ۳٦، آمد و شد کردن ٦۷، گَشتَنْ ۹٤، رفتن ۱۰٤، آمد و رفت ۱۲۲

تُقَلَّبُ: يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي ٱلنَّارِ (۳۳:٦٦)
گردانسته[1] شهد ۱، نگوسار گردانند ۲، گردانیده شود ۳، همی گردانند ۳۸، بگردانند ٤۱، برگَردَانَنْد ۵۳، می گردانند ٦٤، نگوسار کنند ۹٤، بازگردانیده شود ۱۱۱، گردانیده شوند ۱۱۳، برگردد ۱۳٦

تَقَلُّبَكَ: وَتَقَلُّبَكَ فِي ٱلسَّٰجِدِينَ (۲٦:۲۱۹)
گردیدن ۲ و ۳٤، بگردانیدن ٤۲، گَردیدَن ۵۳، بگرداند ۷٦

تَقَلُّبِهِمْ: أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ (۱٦:٤٦)
شدن و آمدن ۲٤، گردیدَن ۵۵، گشتن ۷٦، گردیدنشان ۱۱٤، گرویدن ۱۳۵

~: فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي ٱلْبِلَٰدِ (٤۰:٤)
گردش ۳۸، گَردِیدَن ۵۳، فاوا گشتن ۱۰۹

تُقْلَبُونَ: وَيَرْحَمُ مَن يَشَآءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ (۲۹:۲۱)
وازگردانسته[2] شید ۱، بازگرداند ۲، بازگردانیده شویت ۳، بازگردانند شما را ۲٤، گردانند شما را ۲۹، بازگردانند ۳۲، بازگردانیده شوید ۳٦، باز آورده شوید ۳۹، بازگردانندتان ٦۱، بازگشت خواهید شد ٦٤، گردانیده شویت ۸۰، بازگردانیده شوید شما ۸۹، بازگردیده شوید ۱۰۲، بازگردانیده خواهید شد ۱۰۳، بازگردید ۱۰۵، بازگردانیده میشوید ۱۱٦، بازگردیده میشوید ۱۳۲، بازگردانید شمانرا ۱۳۹

★ لِتَقُمْ: فَلْتَقُمْ طَآئِفَةٌ مِّنْهُم مَّعَكَ (٤:۱۰۲)
گوبایست ۱، بیستیدا ۲، برپای ایستندا ۳، بَوَاید[3] ایستاد ۱۰، گو بایستندا ۲۷، بابستدا ۲۹، گو بایستند ۳٦، گو برخیزیت ٤۱، گوبیستند ٤۳، بیستند ٤۵، بایستند ۵۲، برخیزد ۵۳، باید بایستند ۵۷، بیستد ٦۱، برخیزا ٦۲، باید که بازایستند ٦۳، بگو تا برخیزند ۷٦، بایستندا ۹۷، باید که بایستند ۱۰۰، بیستدا ۱۰۷، خیزدا ۱۰۹، باید که بایستد ۱۱۱، باستند ۱۲۷

★ لاتَقُمْ: وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِۦٓ (۹:۸٤)
مایست ۱، مَیِسْت ۲، مه ایست ۳، ور مخیز ۲٤، وا مایست ۲۹، نه ایست ۳٦، میست ٤۹، بَمه ایست ۵۳، مَه ایِسْت ۵۵، نه ایست تو ٦۱، بمَایست ٦۲، باز میست ٦۳، مَایست ٦٤، باز مَیست ۸۵، ایستاده مشو ۹۰، باز بمایست ۹۳، مَه ایست ۹٤، مَیست ۹٦، میست ۱۰۵، برمخیز ۱۰٦، مه برمخیز ۱۰۷، باز مَیست ۱۳٤

~: لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا (۹:۱۰۸)
مه شو ۲٤، ماست ۲۷، مه یست ۳۰، مَاست ٤۲،

---

۱. گردانسته شهد: برگردانده شود.
۲. وازگردانسته شید / بازگردانیده شوید.
۳. بَوَاید / بباید.

مَایِسْت ٤٣، برمَخیز ٥٣، نه بپای ایست تو ٦١، مَائیست ٦٢، مأیست ١٠٠، مَایِست ١١٢، مایست ١٢٢، مه ایست ١٢٤

★ لاَتَقْنَطُوا: لَاتَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ ٱللَّهِ (٣٩: ٥٣)
نومید مشید ١، نُومید مگردید ٢، مه نومید شویت ٣، مه نومید شوید ١٥، مَه نومید شوید ٢٢، مباشید نومید ٢٤، نومید مشوید ٢٩، نومید مگردیت ٣٠، نومید نباشید ٣٩، نومید مشویت ٤١، نومید مباشید ٤٣، مه نومید باشید ٤٩، مَهْ نومیْد باشید ٥٣، مه نومید باشیت ٨٠، نه نومید شوید ٩٠، نومید مگردید ١٠٨، نا امید نشوید ١٢٣، نا امید مگردید ١٢٤، نا امید مباشید ١٢٦، نا امید مشوید ١٢٩

★ لاَتَقْهَرْ: فَأَمَّا ٱلْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (٩٣: ٩)
فرو مشکن ٢، مکن ستم ٢٤، ستم مکن ٤٢، خوار مدار ٤٦، باز مزن ٨٧، مه خوار کن ٩١، ستم مگیر ١٢٦

تَقْوَاهَا: فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (٩١: ٨)
نیکی ٥٦، پرهیز کاری و نیکو کاری و فرمان برداری ١١٦

تَقْوَاهُمْ: وَٱلَّذِينَ ٱهْتَدَوْا۟ زَادَهُمْ هُدًى وَءَاتَىٰهُمْ تَقْوَىٰهُمْ (٤٧: ١٧)
پرخیز گاری ١

تَقُولُ: إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَن يَكْفِيَكُمْ (٣: ١٢٤)
می گفتی ١، گُفتید ٢، نُه می گفتی ١٠

~: غَيْرَ ٱلَّذِى تَقُولُ (٤: ٨١)
تو گویی ٢، گفته باشی ٢٧، تو گفته باشی ٢٩، بگویی تو ٦١، می گویی تو ٩٢، تو همی گویی ٩٤، تو گوی ١٠٧

~: قَالُوا۟ يَٰشُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ (١١: ٩١)
می گوهی[1] ١، تو می گویی ٢٤، می گویی ٣٦، همی گوئی ٥٣، تو میگویی ٥٨، تو می گوئی ٦٤، همی تو گویی ٨٣، میگویی تو ٩٣، همی گویی ٩٦، میگویی ١٠٣

~: إِذْ تَمْشِىٓ أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ (٢٠: ٤٠)
می گفت ١، گویی تو ٣٤، همی گفت ٦١، میگفت ٩٢، همی گفت ١٠٨

~: أَن تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ (٢٠: ٩٤)
گوهی[2] ١، تو گویی ٢، گوئی ٦٤، گویی ٧٦، بگویی ٩٢، تو گوئی ١٠٠

~: وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِىٓ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَيْهِ (٣٣: ٣٧)
گفتی تو ٣٩، گویی ٤١، گفتی ٤٣، تو گفتی ٦٤

~: أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَٰحَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ (٣٩: ٥٦)
گهد[3] ١، بگوید ٣٠

~: وَتَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ (٥٠: ٣٠)
گوید ٦

★ لَنْ تَقُولَ: لَّن تَقُولَ ٱلْإِنسُ وَٱلْجِنُّ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا (٧٢: ٥)
نگوهند[4] ١، نگویند ٢، هرگز نگوید ٥٦، نگوید ٦١، هرگز سخن نگویند ٩٢

تَقَوَّلَ: وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ ٱلْأَقَاوِيلِ (٦٩: ٤٤)
بربافت ٣، فرو بافد ٢٩، بسازد ٣٠، برگوید ٣٨، بگردانی ٣٩، دروغ بافد ٤١، دُروغ گوید ٤٢، بگفتی ٤٣، فرابافد ٥٢، برگویی ٥٤، بربافد ٦١، بربافتی ٦٧، بگفتار دروغ ساختی ٧٢، از خویشتن برساختی ٧٩، گوید ٩٢، به بند ند ١٣٦

---

١. می گوهی / می گویی.
٢. گوهی / گویی.
٣. گهد / گوید.
٤. نگوهند / نگویند.

تَقُولَنَّ: وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْیْءٍ إِنِّی فَاعِلٌ (۲۳:۱۸)
بگویی تو ٦١

★ لَا تَقُولَنَّ: وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْیْءٍ إِنِّی فَاعِلٌ (۲۳:۱۸)
مگه[۱] ۱، مگو ۲، نگویی هرگز ٤١، مگوی ٤٣، هرگز مگوی ٥٦، نگویی ٥٨، نگوی ٦٤، مگویید ٩٤، مگوئید ١٠٠

تَقَوَّلَهُ: أَمْ یَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَل لَّا یُؤْمِنُونَ (۳۳:۵۲)
دروغ درحیند[۲] ۱، از خویشتن گفت ۲، بر بافتست ۳، از خویشتن می گوید ٢٤، بدروغ گفت ٢٩، ازخود ساخته ٣٦، از خود نرمی بافد ٤١، فرا بافت ٤٢، فرا بافته ٤٣، فرایافت ٥١، دُروغ سَاخْتَهْ است ٥٣، از خویشتن ساخته است ٥٦، از خود ساخت ٦١، فرا بافته است ٦٥، از خویشتن بر ساخته است ٧٩، از خویشتن همی گوید ٨٨، از خود دروغ گفته ٩٢، از خود میگوید ١٠٠، از خود گفت ١٠٤، از خویشتن همی گویند ١٠٨، بر ساخت ١٢٤، بربافته ١٣٢، بربافته است ١٣٨

تَقُولُوا: وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۲:۱۶۹)
گفتن ٦٢، بگوئید ٨٢، گویید ١١٩

~: إِلَّا أَن تَقُولُوا قَوْلًا مَّعْرُوفًا (۲:۲۳۵)
گوهید[۳] ۱، گویید ٢٧

~: أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ ءَابَاؤُنَا مِن قَبْلُ (۷:۱۷۳)
بگویید ٥٨

~: وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا (۴۳:۱۳)
گویند ١٦، گوییت ٣٢

★ لَا تَقُولُوا: لَا تَقُولُوا رَاعِنَا (۲:۱۰۴)
مگُویید ٢، مه گوئیت ٣، مَگویَید ١٠، مه گویید ٢٤، نگوئید، مگوئید ٣٦، مگویید ٤٠، مگویی ٦٠، نگویید ٦١، نه گوئید ٩٠

~: لَا تَقُولُوا لِمَن یُقْتَلُ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ (۲:۱۵۴)
مه گُویید ٢، نگرید نه گویَید ١٠، نگر نگویید ٤٠، نگر نه گویید ٧٢، مَه گویید ٩٤، مگویید ١٢٣، مگویید شما ١٢٤

~: وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَىٰ إِلَیْكُمُ السَّلَامَ (۴:۹۴)
مگوهید ١، مه گوییت ٤١

~: فَـَٔامِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ (۴:۱۷۱)
مه گُویید ٢، مه گوئید ٣١، مَه گوئید ٤٥، مگوییت ٨٨

★ أَنْ تَقُولُوا: أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِیرٍ (۵:۱۹)
تا نه گوییت ٢٤، تا نگوئید ٦٤

~: أَن تَقُولُوا إِنَّمَا أُنزِلَ الْكِتَابُ (۶:۱۵۶)
که نگوهید ١، نگوییت ٤٤، نگوئید ١٠٠

~: أَن تَقُولُوا یَوْمَ الْقِیَامَةِ إِنَّا كُنَّا (۷:۱۷۲)
تا نگویید ٢٤، که نگوئید ١٠٠

تَقُولُونَ: أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۲:۸۰)
همی بگویید ٢، مَی گویَید ١٠، همی گوئید ٢٩، میگوئید تان ٦١، می گُویَنْد ٦٣، میگوئید ٦٧، میگوئید شما ٩٩، می گویید شما ١٠٤

~: أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِیمَ وَإِسْمَاعِیلَ (۲:۱۴۰)
می گوییت ٣٠، می گُویید ٤٠

~: حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ (۴:۴۳)
مِی گوهید ١، می گُوید ٢، می خوانید ٢٩، می گویید و می خوانید ٥٨

~: بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَیْرَ الْحَقِّ (۶:۹۳)

---

۱. مگه / مگو.
۲. دروغ درحیند: دروغ بافت.
۳. گوهید / گویید.

می گفتید ١، همی گفتید ٥٧، میگفتید ٦١، شما گفته بودید ١٠٣

~: أَتَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (٢٨:٧)

می گویید ٢٤، شما می گوئید ٢٩، همی گویید ٤٥، می گوئید ٥٧

~: أَتَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (٦٨:١٠)

میگویید تان ٦١، شما همی گویید ٩٦

~: إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا (٤٠:١٧)

همی گوید ٢، می گویند ٨، بگویند ٥٦، میگویید ٦١

~: لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (٢:٦١)

بگوئیت ٣٠، گوئید ٣٩

تَقُومُ: أَن تَقُومَ فِيهِ (١٠٨:٩)

بایستی ١، بیستی تو ٢٤، تو بایستی ٢٩، باشی ٤٢، بپای شوی تو ٦١، باز ایستی تو ٦٣، باستید ٧٦، باستی ٩٦

~: ٱلَّذِي يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ (٢١٨:٢٦)

ورخیزی ١، برخیزی ٢، تو برخیزی ٢٩، برخیزی ٣٤، بیستی ٣٩، برمی خیزی ٤١، ایستی ٦٤، برمیخیزی ١٠٠، برپای می ایستی ١٢٩، بپا می ایستی ١٣٢، بیستی بنماز ١٣٩

~: قَبْلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ (٣٩:٢٧)

کور خیزی ١، تو برخیزی ٧٦، برخیزو ٨٦، خیزی ١٢٨

~: وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُبْلِسُ ٱلْمُجْرِمُونَ (١٢:٣٠)

بپای شهد ١، برانگیزد ١٤، بپاء گردد ٣٩، بپای شود ٤٣، برخیزدْ ٥٣، پدید آید ٥٦، بخیزد ٥٨، برخیزد ٧٦، برپای خیزد ١٣٢

~: وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ (١٤:٣٠)

بپای خیزد ٣٠، بپا ایستد ١٣٢

~: وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن تَقُومَ ٱلسَّمَآءُ وَٱلْأَرْضُ بِأَمْرِهِۦ (٣٠: ٢٥)

بایستد ١، بیستد ٣، بیستاده است ١٤، بایستاد ٢٤، بایستاده است ٤١، ایستاده می دارد در هوا ٤٧، بیستَدْ ٥٣، بیستند ٥٦، می ایستد ٥٨، بپای ایستادست ٦١، برجای می باشد ٧٦، ایستاده است ١٠٠، باستد ١٠٨، همی استد ١٠٩، برپای میایستد ١٢٠، استاده است ١٣٨

~: وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُقْسِمُ ٱلْمُجْرِمُونَ (٣٠: ٥٥)

بپای شهد ١، برانگیزَندْ ٥٣

~: وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدْخِلُوٓا۟ ءَالَ فِرْعَوْنَ (٤٠: ٤٦)

خیزد ٣٩، خاستن ٩٢، بپای گردد ١٠٨، برخیزد ١٣٨

~: وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَخْسَرُ ٱلْمُبْطِلُونَ (٤٥: ٢٧)

برخیزد ٢، برْخیزد ٢٢، بَرخیزَد ٥١، بپا کند ١٣٦، بپاخیزد ١٣٩

~: وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (٤٨:٥٢)

برخیزی تو ٥٦

~: أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثَيِ ٱلَّيْلِ وَنِصْفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ (٧٣: ٢٠)

همی بَرخیزی ٢، برمی خیزی ٣، ور می خیزی ٦، می بایستی ٦٤، می خیزی ١١٣

تَقُومُوا: وَأَن تَقُومُوا۟ لِلْيَتَٰمَىٰ بِٱلْقِسْطِ (٤: ١٢٧)

بایستید ١، بیستَید ١٠، ورخیزی ٢٤، بپای خیزید ٣١، نگاه دارید ٣٦، بُاشید ٤٢، بپای خیزند ٤٥، بیستید ٥٣، بپای ایستید ٦١، ایستادگی کنید ٦٤، بازایستید ٨٩، ایستادگی کنیت ٩١، ایستادگی نمائید ١٠٠، ایستادگی کنید ١١٩

~: أَن تَقُومُوا۟ لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَٰدَىٰ (٣٤: ٤٦)

بپای کنید ٧، بیسْتید ٢٢، باشید ٣٠، بئستید ٣٨، برخیزید ٣٩، برخیزیت ٤١، بپستِید ٥٣، بایستد ٦١، باشید راست ١٠٨، بازایستند ١٣٨

اَلتَّقْوَىٰ: تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ (۲: ۱۹۷)
پَرْهِیزگاری ۲

~: وَأَن تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ (۲: ۲۳۷)
پرحیزگاری ۱، پرهیزگاری ۲، پرهیزکار ۵۷

~: وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ (۵: ۲)
پرهیزگاری ۲، پرهیزگاری اُو دست واداشتن گناه ۱۰، پرهیز کردن ۲٤، پَرْهیزگاریْ ۸۸، پرهیزگاری کردن ۹۲

~: اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ (۵: ۸)
پرهیزگاری ۲، مر پرهیزگاری را ٦۳

~: وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ (۷: ٢٦)
پرهیز ۲، پرهیز ۳، پرهیزیدن ۳٤

~: أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ (۹: ۱۰۹)
پرخیزکاری ۱، رستگاری ۱۳، ترسکاری ۲۹، ترسیدن ۳٦، پَرهیزـ ترس ۵۵، پهرهیزکاری ۵۷، پرهیزگاری و ترس ۵۸، پرهیزگاری ٦۲

~: نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ (۲۰: ۱۳۲)
پرهیزکاران ۳، پارسایان ۵۸، پرهیزگاران ۱۱۵

~: فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ (۲۲: ۳۲)
پاکی ۲٤، ترس کاری ۳۰، پارسایی و پرهیزگاری ۵۸، پرهیزگاری ۷٦، پارسائی ۸۷، بیم ۹۲، پرهیزکاری و ترسکاری ۱۱۱

~: وَلَٰكِن يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنكُمْ (۲۲: ۳۷)
ترسکاری ۲، پارسایی ۵۸

~: وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ (۵۸: ۹)
پرهیزکاری ۳۰

~: هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ (۷٤: ۵٦)
پرخیزیدن ۱

تَقْوِيم: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۹۵: ٤)
راستی ۲۹، راست کردن ۳٤، راست ٤۲، آفریدن و نگاریدن ۱۰۲، راست کرد ۱۰۹، راست ترین قامت ۱۱۳، نگاشتن ۱۲۳، نگاهداشتن ۱۳۱

تَقِيًّا: وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا (۱۹: ۱۳)
پرخیزکار ۱، ترسْ کار ۲، پرخیزکار و نیکوکار ۲٤، پیرهیزکار و ترسان ٤٤، ترسکار ٤۸، پارسا و پرهیزگار ٦۷، ترسنده ۹٦، پرهیزگار ۱۰۰، ترس کار ۱۰۸، پرهیزکار فرمان بردار ۱۰۹، فرمان بردار ۱۲۳

~: قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا (۱۹: ۱۸)
ترسْ کار پرهیزکار ۲، پرهیزکار ۳، پرهیزگار ۳۰، پارسا ۳۹، ترسنده و پرهیزکار ٤٤، خدای ترس ۷۸، فرمان بردار ۸۷، ترسان ۹٦، ترس کار یا پرهیزگار ۱۰۸، پرهیزکار و ترسنده و نیکوکار ٤٤، پرهیزگاران ۱۳۹

تَقِيكُمْ: جَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ (۱٦: ۸۱)
می نگه دارد، نگاه دارد ۳، بازدارد ۲٤، بپاید ۲۹، نگاه دارَدْ ۵۳، نگاه دارَد ۵۵، بازپاید ۵۷، نگه دارد ٦۱، نگه میدارد ٦۳، دور دارد ٦۳، نگاهدارد ۹۲، نگاه بدارد ۱۰۰، نگهدارد ۱۱٤، بازمیدارد ۱۱٦، نگاه میدارد ۱۲۰

تُقِيمُوا: حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ (۵: ٦۸)
بپای کنید ۱، بپای داریت ۳، بپای دارید ۲۷، نگاه داریت ٤۱، کار بندید و پدید کنید ۵۸، بپای دآرید ۱۰۰

★ حَتَّىٰ تُقِيمُوا: حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ (۵: ٦۸)
تا آنگاه بپای نداری ۲٤، بپای نه داریت ۸۸

تَكُ: وَإِن تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا (٤: ٤۰)
بهد[1] ۱، باشد ۲، بوده باشد ۱۱۱

---

۱. بهد / باشد.

~: یَٰبُنَیَّ إِنَّهَآ إِن تَکُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ (٣١:١٦)
باشد ٦١

★ لاتَکُ: فَلَا تَکُ فِی مِرْیَةٍ مِّنْهُ (١١:١٧)
مباش ١، مَباش ٢، مَه بَاش ٥٥، نباشی تو ٦١، مَبَاش ٦٢، مباش تو ٦٤، نباش ١٢٧

~: فَلَا تَکُ فِی مِرْیَةٍ مِّمَّا یَعْبُدُ هَٰٓؤُلَآءِ (١١:١٠٩)
باید که نباشی ١١١، نباید که باشی ١١٣

~: وَلَا تَکُ فِی ضَیْقٍ مِّمَّا یَمْکُرُونَ (١٦:١٢٧)
مه باش ٢٤، مباش ٧٦

★ لَمْ تَکُ: وَلَمْ تَکُ شَیْـًٔا (١٩:٩)
نبودی ٢، نبودی تو ٥٨

~: أَوَلَمْ تَکُ تَأْتِیکُمْ رُسُلُکُم بِالْبَیِّنَٰتِ (٤٠:٥٠)
نه بود ٣٩، نه بودند ٥٦، نیستید شما ٦٤، نبودند ٨١، نبود ١٠٣

تَکَاثُرْ: وَتَفَاخُرٌ بَیْنَکُمْ وَتَکَاثُرٌ فِی الْأَمْوَٰلِ (٥٧:٢٠)
اوزونی خستن[1] ١، فراوانی ٢، نازیدن بسیاری ٣، بیشی جستن ٣٠، بسیار نمودن ٣٤، نبک و نبرد کردن ٣٥، فزونی ٣٩، بشْیاری ٥١، نبرد کردن ٥٢، افزونی ٦٤، بسیار شدن ٦٩، افزونی جستن ٨٨، نازیدن بسیار ٩٤، بیش جستن ٩٥، بسیاری کردن با یکدیگر ١٠١، بیش نمودن و بسیاری ١٠٩، نازیدن ١١٤، بیشتری جستن ١٢٩

~: أَلْهَىٰکُمُ التَّکَاثُرُ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (١٠٢:١)
بیشتری جُستن ٢، بسیاری ٢٤، بسیاری نمودن ١٢٦

تَکَادُ: تَکَادُ السَّمَٰوَٰتُ یَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ (١٩:٩٠)
می کامند[2] ١، خُواسْت ٢، می خواهد ٣، خواست ٢٤، میخواهند ٢٩، خواستی ٥٦، نزدیک آمد ٥٨، نزدیک شدی ٩٢، نزدیک است ٩٦، نزدیک بود ١٠٠، می خواهند ١١٤، نزدیکند ١٢٢

~: تَکَادُ السَّمَٰوَٰتُ یَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ (٤٢:٥)
نزدیک باشد ٢٩، همی خواستند ٣٠، خواستند ٦١، نزد باشد ٨١، همی خواهد ١٠٩، نزدیک شد ١١١، میخواهد ١١٤

~: تَکَادُ تَمَیَّزُ مِنَ الْغَیْظِ (٦٧:٨)
می کامد[3]، خواهد ٢، بخواهد ٩٢، نزدیکست ٩٦

لِتُکَبِّرُوا: لِتُکَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰکُمْ (٢:١٨٥)
بُزرگ دَارید ٢، به بزرگی یاد کنیت ٣، ببزرگی یاد کُنید ١٠، بزرگ داری ٢٤، ببزرگی یاد کنید ٢٩، ببزرگی یاد کنیت ٤١، ببزرگ دَارید ٤٢، بَا بُزرگی یَاد کُنیت ٥٥، بزرگ دارید ٧٦، بزرگ دانید شما ١٠٤، به بزرگ دارید ١٠٥، به بزرگی یاد کنید ١٢٩، بزرگی یاد کنید ١٣٨

~: لِتُکَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰکُمْ (٢٢:٣٧)
بزرگ دارید ١، بزرگ شمرید ٣٩، بزرگ دارید ٦١، بزرگ گرداند ١٣٩

تَکْبِیراً: وَلَمْ یَکُن لَّهُۥ وَلِیٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا (١٧:١١١)
بزرگ داشتن ١، ببزرگی یاد کردن ٣، بَبُزرگی یَاذ کردن ٥٥، بزرگ داشتن و یاد کردن ٥٨، بزرگ دانستن ٦١، بزرگ منشی داشتن ٩٢، بزرگ یاد کردن ٩٣، بزرگ ١٠٨، بزرگ بخواندن ١١٩، به بزرگی یاد کردن ١٢٦، بزرگ کردن ١٣٢، بزرگ شمردن ١٣٦

---

١. اوزونی خستن / افزونی خواستن.
٢. می کامند: می خواهند.
٣. می کامد: می خواهد.

سَنُکْتَبُ: سَتُکْتَبُ شَهَٰدَتُهُمْ وَيُسْـَٔلُونَ (۴۳:۱۹)
نویشته شهد[1]، همی نبیسند ۲، نوشته شود ۳، می نبیسند ۲۲، نوشته شد ۳۰، زود بود که نبشته شود ۳۲، زود باشد که نبشته شود ۵۶، سرانجام نبشته شود ٦٤، زود نبشته شود ۹۸، هر آینه زود نبشته شود ۱۰۸، زود نوشته شود ١١٤، باز نویسند ۱۳۸

تَكْتُبُوهُ: وَلَا تَسْـَٔمُوٓاْ أَن تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا (۲:۲۸۲)
بنویسید ۱، نبیسیت ۲۸، نُبیسید ٤٢، بنویسند ٦٠، نبشتن ٦٣، نبیسید ٧٦، نویسید ۹٦، بازنویسید ۱۰۰، بنبیسید ۱۰۷

★ أَلَّا تَكْتُبُوهَا: أَلَّا تَكْتُبُوهَا (۲:۲۸۲)
که ننویسید ۱۱۸

★ لَا تَكْتُبُوهَا: أَلَّا تَكْتُبُوهَا (۲:۲۸۲)
نه نبیسید ۱۰، نبه نویسند ٦٢، بنه نبیسی ٦٣، ننویسید ٦٧

تَكْتُمُوا: وَتَكْتُمُواْ ٱلْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲:۴۲)
همی پنهان کُنید ۲، پنهان کُنید ۱۰، پوشانیت ٥٥، بوشید ۱۰۹

★ (لَا) تَكْتُمُوا: وَتَكْتُمُواْ ٱلْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲:۴۲)
میوشید ٧٦، باز میوشانید ۸۹، میوشانید ۱۰۲، نهان مدارید ۱۰٤، مشورانید ۱۱۲

★ لَا تَكْتُمُوا: وَلَا تَكْتُمُواْ ٱلشَّهَٰدَةَ (۲:۲۸۳)
پنهام مکنید[2] ۱، پنهان مکُنید ۲، مه پوشانیت ۳، مکنی پنهان ٢٤، پنهان مکنی ٢٥، مه دارید پنهان ۲۷، پنهان مکنید ۲۹، پنهان مدارید ۳٦، میوشانیت ٤١، میوشید ٥٦، باز میوشی ٥٧، پنهان مَکنی ٦٠، نه نهان دارید ٦١، پنهان نکنید ٦٤، نه پنهان دارید ۹۰، وامپوشانید ۹۸، بازمپوشآنید ۱۰٥، نه پنهان کنید ۱۲٤

تَكْتُمُونَ: وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ (۲:۳۳)
همی پنهان کنید، همی پوشیده کُنید ۲، پوشیت ۳، پنهان کنید ٤، شما پنهان دارید ۱۰، نهان می دارید ٣٦، پنهان داشتید ٤٠، می پُوشِیت ٥٥، همی پوشیده کنید ٦٢، پوشیده داریت ۸۰، بپوشانید ۸۲، پوشیده میکنید ۹۹، نهان میکنید ۱۰٤، میپوشانید ۱۲۲

~: وَٱللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ (۲:۷۲)
بپوشی ٦٠، شما بازمی پوشانید ٦٣، پوشیده کنید ٦٤، پنهان کردید ٧٦، باز پوشانید ۱۰٦

~: لِمَ تَلْبِسُونَ ٱلْحَقَّ بِٱلْبَٰطِلِ وَتَكْتُمُونَ ٱلْحَقَّ (۳:۷۱)
پنهان همی کُنید ۲، می پوشانیت ۳، می پنهان دارید ۱۰، پنهان کنی ٢٤، پنهان می دارید ۲۷، پنهان دارید ٤٠، همی پُوشید ٤٢، می پوشید ٤٣، همی بوشید ٥٢، می بوشانید ٥٨، پنهان میدارید ٦١، وامی پوشانید ٧٩، بازمی پوشانید ۸۹، شما می پوشید ۹٦، می پوشند ۹۸، بازمی پوشآنید ۱۰۰

~: وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (۵:۹۹)
می پنهام کنید[3] ۱، پنهان دارید ۲، پنهان می داریت ۳، پنهان می دارید ۲۹، پوشیده می کنید ٤٣، بازپوشی ٦٠، نهان میدارید ٦١، پنهان کنید ٧٦، می پوشانید ٧٩، پنهان داریت ۸۸، شما باز می پوشانید ۸۹، پنهان میکنید ۱۳٥

~: وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ (۲۱:۱۱۰)
همی پُوشید ۲، پوشیده می داریت ۳، وامی پوشانید ۲۹، پنهان بکنند ٣٤، نهان می کنید ٣٦، پنهان همی کنید ۳۸، پَنهان کنید ٥٣، پنهان

۱. نویشته شهد / نوشته شود.
۲. پنهام مکنید / پنهان مکنید.
۳. می پنهام کنید / پنهان کنید.

می کنید ٥٦، پنهان گویید و کنید ٥٨، پنهان دارید شما ٦٤، پنهان می دارید ٧٦، بپوشید ٩٢

~: وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا تَكۡتُمُونَ (٢٤: ٢٩)
می پنهام کنید[1] ١، پنهان کُنید ٢، بپوشید ٣٩، پنهان میکنید ٤٣، پوشیده دارید ٤٨، نهان همی کنید ٥٤، پنهان دارید ٦٤، ندانید ٧٦، پنهان می کنیت ٨٠، پوشیده میدارید ٨٦، شما پوشید ٩٦، میپوشید ١١٦

★ كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ: وَمَا كُنتُمۡ تَكۡتُمُونَ (٢: ٣٣)
پنهان می داشتی ٥٧، پنهان داشتید ٦٣، پوشید ید ٩٦، شما پنهان داشتید ١٠١، می پوشید ید ١٠٢، پوشیده داشتید ١٢١

~: وَٱللَّهُ مُخۡرِجٞ مَّا كُنتُمۡ تَكۡتُمُونَ (٢: ٧٢)
می پوشیدی ٤، شما مَی پنهان داشتید ١٠، پنهان کردید ٢٤، شما پنهان می کردید ٢٩، شما پنهان کردید ٣٤، شما پنهان گردِید ٤٢، می پوشانیدِیت ٥٥، پنهان می کردید ٥٧، پنهان میداشتید ٦١، می پنهان داشتید ٦٣، می پوشید یت ٨٠، می پوشید ید ٩٠، شما بودید پوشند گان ٩٨، پنهان کرده بودید ١١٢، می پوشانید ید ١٢٢، میپوشانید ید ١٢٧، پنهان میکردید ١٣٠، بودید که پنهان داشتید ١٣٦

تَكْتُمُونَهُ: لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ وَلَا تَكۡتُمُونَهُۥ (٣: ١٨٧)
پنهان داریت ٣، پوشاند ٥٢، نهان دارید ٦١، پنهان دارند ٩٧

★ لا تَكْتُمُونَهُ: لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ وَلَا تَكۡتُمُونَهُۥ (٣: ١٨٧)
پنهام نکنید[2] ١، نپُوشَانید ٢، پنهان مکنید ٢٣، نکنند پنهان ٤١، مپوشید ٥٦، نه کنید پنهان ٥٧، بازنپوشانید ٦٣، پوشیده ندارید ٦٤، نپوشند ٦٧، پنهان نکنند ٩٢، مَه پوشانید ٩٤، نپوشانید ٩٨، بازمپوشآنید ١٠٠، نهان مکنید ١٠٤، مپوشانید ١٠٦، نپوشانند ١١١، مکنید پنهان ١٣٥

تُكَذِّبَانِ: فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٥: ١٣)
می دروزن گیرید[3] ١، بدروغ داریت ٣٠، دروغ زن کنید ٣٩، دروغ زن می داریت ٤١، دروغ زن می کنید ٥٦، دروغ می داریت ٨٠، دروغ گوی می داریت ٩١، بدروغ میدارید ١٠٠، بدروغ دارید ١٠٨

~: فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٥: ١٦)
می بدروغ دارید ٢، ناخستون[4] می شوید ٦٤، دروغ گوی داریت ٨٠، همی دروغ دارید ٩٤، دروغگوی میدارید ١١٤

~: فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٥: ٢١)
دروغ زن می باشیت ٤١، شما بدروغ زن می دارید ٨١

~: فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٥: ٢٣)
می دروزن گیرید[3] ١

~: فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٥: ٢٥)
دروغ دارید ٨٧

~: فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٥: ٢٨)
دروغ میدارید ٨٧

~: فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٥: ٣٠)
دروغگوی می داریت ٣، دروغ زن دارید ٦١، دروغ میزنند ١٣٦

---

١. می پنهام کنید / پنهان کنید.
٢. پنهام / پنهان.
٣. می دروزن گیرید / دروغ زن می گیرید.
٤. خستون: اعتراف کردن. ناخستون: مقابل خستون.

~: فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٥: ٣٢)
دروغ زن می دارید ٩٢

~: فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٥: ٣٦)
دروغ زن می بافیت ٤١، بدروغ می دارید ٨٢

~: فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٥: ٧١)
شما دروغ دارید ٩٦

~: فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٥: ٧٥)
دروغ میدارید ٤٩

تُكَذِّبُوا: وَإِن تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ (٢٩: ١٨)
دروزَن گیرند[1] ١، بدروغ داشتید ٣٠، بدروغ دارید ٤٧، دروغ زن کنید ٥٦

تَكْذِبُونَ: إِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (٣٦: ١٥)
می دروغ گوهید[2] ١، دروغ میگویید ٨٦، دروغ میگوئید ١٠٠، دروغ می گوئید ١٣٩

تُكَذِّبُونَ: فَكُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ (٢٣: ١٠٥)
بدروغ دارنده ٧٦، دروغ دارند گان ١٢٩

~: ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ (٣٢: ٢٠)
دروغ زن دارند گان ٥٦، بدروغ می داشتید ٧٦، دروغ زن کنند گان ٩٨

~: ٱلَّتِى كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ (٣٤: ٤٢)
دروغ زن دارنـد گـان ٧، دروغ داران ٤١، دروغ دارند گان ٦١

~: وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ (٥٦: ٨٢)
باوَر نمی دَارِید ٥١، دروغ زن همی کنید ٥٦، دروغ زن کنید ٦١، دروغ زن می دارید ٦٤

~: كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِٱلدِّينِ (٨٢: ٩)
همـی دروغ داریـت ٣٠، بـدروغ داریـد ١١٣، دروغگوی دارید ١١٤

~: ثُمَّ يُقَالُ هَٰذَا ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ (٨٣: ١٧)
دروغ می دارید ٦١

★ كُنْتُمْ تُكَذِّبُونَ: فَكُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ (٢٣: ١٠٥)
می دروزن گرفتید[3] ١، درُوغ داشتید ٢، شما بدروغ داشتید ٢٤، دروغ می گرفتید ٥٨، دروغ داشتید ٦١، دروغ گرفتید ٧٧، بدروغ میداشتید ١٠٠

~: ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ (٣٢: ٢٠)
دروغگوی می داشتیت ٣، دروغ زن می داشتید ٤٦، دروغ می گفتید ٥٨، دروغ گوی داشتیت ٩١

~: ٱلَّتِى كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ (٣٤: ٤٢)
دروغگوی داشتیت ٣، دروغ می داشتید ٥٦، دروغ می گفتید ٥٨ دروغ زن بودید ٦٤

~: هَٰذَا يَوْمُ ٱلْفَصْلِ ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ (٣٧: ٢١)
بدروغ همی داشتید ٢٢، دروغ زن می کردید ٣٣، بودید شما دروغ دارند گان ٦١، شما بدان ناخستون[4] بودید ٦٤، دروغ داشتید ١١٤، بدروغ می داشتید ١٣٨

~: هَٰذِهِ ٱلنَّارُ ٱلَّتِى كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ (٥٢: ١٤)
دروغ زن می داشتید ٥٦، دروغ زن می دارید ٦١، بدروغ زن می داشتی ٨١، بدروغ میداشتید ١١٣

~: ٱنطَلِقُوٓا۟ إِلَىٰ مَا كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ (٧٧: ٢٩)
دروغ داشتید ٤١، دروغ می شمردید ٦٤

---

١. دروزن گیرند / دروغ زن گیرند.
٢. می دروغ گوهید / دروغ می گویید.
٣. می دروزن گرفتید / دروغ زن می گرفتید.
٤. خستون: معترف، مقرّ (مقابل: ناخستون)

~: ثُمَّ يُقَالُ هَٰذَا الَّذِي كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ (۱۷:۸۳)
دروغ بسته میکردید ۱۱٤

تَکْذِیب: بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ (۱۹:۸۵)
دروزن گرفتن[1] ۱، دُروغ داشتن ۲، دروغ ۳۰، دروغ زن داشتن ٤۱، دروغ داشتن ٤۲، دروغ گوی داشتن ۸۰، باور نداشتن ۱۰٤، ناباور داشتن ۱۳۲

تُکْرِمُونَ: كَلَّا بَل لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (۱۷:۸۹)
گرامی کنید ۳۸، گرامی بدارید ٦٤، گرامی می کنیت ۸۰، بزرگ دارید ۹۰، گرامی کنیت ۹۱، گرامی دارید ۱۲٤

★ لاتُکْرِمُونَ: كَلَّا بَل لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (۱۷:۸۹)
گرامی نکنید ۲، ندارند گرامی ۲٤، گرامی نداشتید شما ۹۹، گرامی نمیدارید ۱۱۱، گرامی ندارید ۱۱٤، گرامی نمیدارند ۱۲۰، گرامی نمی دارید ۱۳۸

تُکْرِهُ: أَفَأَنتَ تُكْرِهُ النَّاسَ (۹۹:۱۰)
بَستم آری ۲، بستم فرمایی ۳، دشخواری کنی ۳۸، بدشواری می آری ٤۱، همی ستم بدان آری ٤۲، همی بناخواستی فرمائی ۵۳، بِسَتَم دَاری ۵۵، ستم می کنی ۵٦، دشواری می داری ۵۸، بدزواری بردارند[2] ۵۹، دشوارداری ٦۱، دشوار میداری ۷٤، دشوار کنی ۷۵، بستم همی بر آن داری ۸۳، دشواری میدادی ۹۲، بَسْتَمْ داری ۹٤، ستم داری ۹٦، همی ستم بدان آری ۱۰۵، ناپسند داری ۱۱٤، بزور میفرمایی ۱۳۳، ناخوش داری ۱۳٦

تَکْرَهُوا: وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا (۲:۲۱٦)
شما دشمن دارَی ۱۰، دشوار دارید ۲۷، ناپسند داریت ۳۰، دشمن دارید ۳۹، دشوار داریت ٤۱، دشوار دارَند ٤۲، ناپسند دَاریت ۵۵، دوست نداری ٦۰، داری دشمن ٦۳، ناپسند باشید ٦٤، شما دشمن دارید ٦۷، دشخوار دارند ۸۸، نخواهید ۱۰۱، دشوار آید شما را ۱۲۱، دشوار آید ۱۲٤

~: فَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا (۱۹:٤)
دشخوار دارید ۱، شما را نَواید[3] ۱۰، ناخواه باشید ۳۹، تان نباید ٤۰، ناخواهَا باشید ٤۲، دشوار دارید شما ۵۸، نخواهی ٦۰، ناخواهان باشید ۷۸، شما ناخوش باشید ۹٦، ناخوش دارید ۱۰۹، ناپسند دارید ۱۱٤، دشمن دارید شما ۱۲٤

★ لاتُکْرِهُوا: وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ (۲٤:۳۳)
به ستم مداریت ۳، مدارید بستم ۲٤، برناخواست مگیرید ۲۹، نه بدشواری بردارید ۳۰، ستم مکنید ۳٦، بناخواهانی مدارید ۳۹، بستم مدارید ٤۳، بستم برمدارید ٤۷، مدارید بدشواری ۵٦، بناکام مفرمایید ٦۱، بستم مداریت ۸۰، دشوار مدارید ۹۸، ستم مدارید ۱۰۲، بناکام میفرمایید ۱۰۸، بستم مرسانید ۱۳۱، بزور بازمدارید ۱۳۵

تَکْسِبُ: وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا (٦:۱٦٤)
أندوزد ۲، خوزد ۱۰ مکرّر، خورند[4] ۲۷، اندوزد ۳٤

~: يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ (۱۳:٤۲)
می کند ۳، کرد ۵، می اندوزد ۲۹، می ورزیت ٤۱، سَاخْتَهْ بَاشَدْ ۵۳، آنچه مِی کُند ۵۵، کارکند ٦۱، می کنند ۷٦

---

۱. دروزن گرفتن / دروغ زن گرفتن.
۲. بدژواری بردارند / بدشواری بردارند.
۳. شما را نَواید / شما را نباید.
٤. «خورند» تصحیفی از «خوزند» است.

~: وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا (۳۱:۳٤)
ورزد[1] ۳، خواهد کردن ۲٤، بکند ٤۳، برزد[1] و کند ٤٦، خواهد کرد ٤۷، کند ۵۸، خواهد الفنجید ٦٤، چه خواهد کرد ۹۲، می ورزد ۱۱٤، کار خواهد کرد ۱۳۲

★ لَا تَكْسِبُ: لَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا (٦:١٦٤)
نکند کار ۲٤، نیندوزد ۲۹، نورزد ٤۱، نخورد ٤۲، نه الفنجد ٤٤، نه سازد ۵۳، نه اَنْدُوزَد ٦۲، مه اندوزد ۷٦، نکند و نَخُورد ۸۳، نه اندوزد ۸۸، نسازد ۹٤، اندوزش نمی کند ۹٦

تَكْسِبُونَ: يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ (٦:٣)
شما همی خُورید ۲، می ورزیت ۳، همی سازند ۹، می کنید شما ۲٤، شما می کنید ۲٦، می کنید ۲۷، همی کنید ۲۹، همی سازید ٤۵، کار میکنید ٦۱، می اندوزید ٦۳، همی خُورید ۸۸، شما می اندوزید ۸۹، الفنجید ۹۰، میکنید ۹۲، میاندوزید ۱۰٦، اندوزید ۱۰۹، می ورزند ۱۱۹، شما همی کنید ۱۲۵

~: فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ (۷:۳۹)
همی خوزیت ۲۷

★ كُنتُمْ تَكْسِبُونَ: بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ (۷:۳۹)
همی کردید ۲، بودی شما کنندگان ۲٤، می اندوختند ۲۹، همی ساختنید ۳۸، می اندوختی ۵۷، کار میکردید ٦۱، شما اندوختید ٦۳، می الفنجید ید ٦٤، ورزیدیت ۸۰، اندوختید ۸۹، ساختید ۹٤، شما همی کردید ٦۹، شما میکردید ۱۰٤، می ورزیدید ۱۱٤

~: هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ (۱۰:۵۲)
کردستید و گفتستید و سگالش کردستید ۱۰، همی بکردید ۱۳، کار کردید ٦۱، همی اندوختند ٦۲، اندوخته باشید ٦۳، شما اندوخته باشید ۸۵، می اندوختید ۱۰۰

~: وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ (۳۹:۲٤)
همی ساختید ۲۲، می کردید ۳۳، میکردید ۸۷، می ساختید ۱۲٤، میکردند ۱۳۹

★ لَا تَكْفُرْ: إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ (۲:۱۰۲)
بدمه آموز و کار مبند ٤۰، مگرو ۹۰

تَكْفُرُوا: إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ (۳۹:۷)
ناسپاس داری کنید ۳۰، ناسپاسی کنید ۳۳، نگروید ۵٦، ناخستون شوید ٦٤

تَكْفُرُونَ: كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ (۲:۲۸)
نمیگروید ۱۰٤، نمی گروید ۱۰۷، نه گروید ۱۰۹

~: وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ (۲:۸۵)
نمی گرویت ۳، ناگرونده می شوید ٤، نگَرَید ناسپاسی نکنَید ۱۰، ناخستون می شوید ٦٤، روا دارند ۸۲، نه می گروید ۹۰

~: يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ (۳:۷۰)
می نگروی ۲۵

~: وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ (۳:۱۰۱)
می پوشید ۷۵

~: وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً (٤:۸۹)
نگروید شما ۲، نگروید شما ۲۹

~: قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (٦:۳۰)
نمی گروید ۱۲٤

~: فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (۸:۳۵)
ناگرویدگان ۵۸

---

۱. ورزد / برزد: بکند.

~: إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى ٱلْإِيمَٰنِ فَتَكْفُرُونَ (١٠:٤٠)
همی نگروید ٢، نه گروید یت ٣، نگروید ند ٥٦، ناسپاسی کردید ٦١، می نگروید ١٢٤

~: قُلْ أَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِٱلَّذِى خَلَقَ ٱلْأَرْضَ (٩:٤١)
همی نگروید ٨١

★ كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ: بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (١٠٦:٣)
نمی گروید ید ١١١

~: قَالَ فَذُوقُوا۟ ٱلْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (٣٠:٦)
شما نگروید ید ٢، شما نمی گروید ید ٢٧، میگروید ید ١١١، بودید که نمیگروید ید ١١٦

~: ٱصْلَوْهَا ٱلْيَوْمَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (٦٤:٣٦)
می پوشید ید ١١١

★ لَا تَكْفُرُونِ: وَٱشْكُرُوا۟ لِى وَلَا تَكْفُرُونِ (٢: ١٥٢)
نه نُسپاسی کنیت ٣، نگرَید ناسپاسی نکنَید ١٠، نسپاسی مکنی ٢٤، نه سپاس کنیت ٣٠، ناسپاسی مکنید ٣٤، ناسپاسی و گله مه کنید ٤٠، ناسِپَاس دَارِی مَکُنِید ٤٢، نَه ناسِپَاسی کُنِیت ٥٥، ناسپاسی مکنی ٥٧، ناخستون مشوید ٦٤، ناسپاس داری مکنید ٧٦، ناسپاس داری مکنیت ٨٠، ناسپاسی نکنید ٩٠، ناسپاسی مشوید ٩٢، ناسپاسی مکنید مرا ١٠٣

تُكَلَّفُ: لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا (٢:٢٣٣)
خواهند ٥٦، فرموده شود ٦١، اندر خواهند ٦٣، شگفت فرموده شود ٩١

~: فَقَٰتِلْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ (٨٤:٤)
ببشکفت فرموده شوی ٣، خواهند از تو ٤٥، نهند برتو ٥٣، فرمایند ٦١، سکفت[1] فرموده ٩٧، نهند ١٠٧، برنج داشته شود ١١٤

★ لَا تُكَلَّفُ: لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا (٢:٢٣٣)
ورنهاده نشد ١، أندَر نخُواهد ٢، نه بیشگفت فرموده شود ٣، اندَر نخَواهَند ١٠، اندر نخواهند برنج ٢٧، اندر نخواهید ٢٩، اندر نخواهد ٣٠، برننهد ٤١، در نخواهَند ٤٢، ستم نکند ٤٣، در نخواهد ٥٢، نه بسکفت فرموده شود ٥٥، برننهند ٥٧، نفرمایند ٦٠، اندر نه خواهند ٦٣، ستم کرده نشود ٩٠، اندرنخوآهند ٩٤، در نخواهند ١٠٥، رنجانیده نشود ١٠٩، ننهند ١٢٤، رنج یافته نشود ١٣١، نکند ستم ١٣٨

~: فَقَٰتِلْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ (٨٤:٤)
ورنهاده نشی ١، أندرْ نخُواهندْ أز تو ٢، اندر نه مَی خواهند از تُه ١٠، نفرمودستند ٢٤، در نمی خواهند ٢٧، اندر نخواهند از تو ٢٩، ببسکفت فرموده نشوی ٣٠، برنهاده نشوی ٣٩، ننهند بار ٤١، در نخواهَند از تُو ٤٢، در نخواهند از تو ٥٢، بِشکفت فَرمُوده نَشُدِی ٥٥، کسی را فرموده نمی آید ٦٧، نه نهند ٨٤، نخواهند ١١٢، نه نهد بار بر تو ١٢٤

تَكَلَّمُ: يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِۦ (١٠٥:١١)
سَخُن گُویَد ٥٥، سخون کند ٦١

★ لَا تَكَلَّمُ: لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِۦ (١٠٥:١١)
سخن نگهد[2] ١، سخن نگوید ٧ مکرر، نکند سخن ٢٤، سخن نیارد گفت ٤٢، سخن مگوید ٥٩، سخن نَگویَد ٦٢، سخن نتواند گفت ٦٤، نگوید سخن ٩٠، سخن نیارید گفت ١٠٣، سخن نکند ١٠٩

تُكَلِّمُ: أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا (٤١:٣)
گویی سخن ٦٢، سخن میکردی ١١١

~: تُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِى ٱلْمَهْدِ وَكَهْلًا (١١٠:٥)

---

١. سکفت / بیشکفت.
٢. سخن نگهد / سخن نگوید.

می سخن گفتی ۱، سَخُن گویی ۲، سخن می گفتی ۳، سخن گفتی تو ۲۴، سخن گویی ۲۶، سخن همی گوی ۲۹، سخن گفتی ۴۵، سخن میگفتی ۵۸، سخون کنی تو ۶۱، سخن همی گویی ۹۴، تو سخن گفتی ۹۶

~: أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (۱۹: ۱۰)
سخن گوی ۵۳

★ أَلَّا تُكَلِّمَ: أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ (۳: ۴۱)
که سخُن نگویی ۲، که نه سخن گویی ۳، که سخن نگوی ۲۷، که سخن نتوانی کرد ۱۱۱، آنکه سخن نگویی ۱۱۴، که سخن نگویی ۱۱۸

~: أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (۱۹: ۱۰)
که سخن نگوهی[۱] ۱، که سخن نگوئی ۶۴، که نتوانی سخن گفتن ۱۰۳، آنستکه سخن نکنی ۱۱۴

★ لاتُكَلِّمُ: أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ (۳: ۴۱)
سخُن نگویی ۲، سخن نگویی ۱۰، سخن نتوانی گفتن ۲۴، تو سخن نتوانی گفتن ۲۵، سخن نه گویی ۴۰، سخن نکنی ۴۳، سخن نگوی ۵۷، نه سخن گوی ۸۸، نگویی سخن ۹۰، سخن نگوئی ۱۲۱

~: أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (۱۹: ۱۰)
سخن نگویی ۲، نتوانی سخن گفتن ۴۴، نگویی سخون ۵۹، نتوانی سخون کردن ۶۱، سخن نتوانی گفت ۸۶، سخن نگوئی ۱۰۰

تُكَلِّمُنَا: نَخْتِمُ عَلَىٰٓ أَفْوَٰهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَآ أَيْدِيهِمْ (۳۶: ۶۵)
سخن گوید ۳۳، سخن گویند ۴۳، بسخن آید ۱۰۲، سخن می گوید ۱۲۴

تُكَلِّمُهُمْ: أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَآبَّةً مِّنَ ٱلْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ (۲۷: ۸۲)
سخن گهد[۲] ۱، سخن گوید ۲، بگوید سخن ۲۴، سخن میگوید ۵۳، سخن کند ۹۶

تُكَلِّمُونِ: قَالَ ٱخْسَـُٔواْ فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ (۲۳: ۱۰۸)
سخن گوئید ۴۳

★ لاتُكَلِّمُونِ: قَالَ ٱخْسَـُٔواْ فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ (۲۳: ۱۰۸)
سخن مگوهید ۱، سخن مگُوییـد ۲، سخن مگویید ۳۴، سخن مگوئید ۳۸، با منْ سَخن مگوئید ۵۱، سخن نگویید ۵۴، سخن مکنید ۶۱، نگویند سخن ۸۷، نه سخن گوئید ۱۱۴، سخن نگوئید ۱۲۳، مگویید سخن ۱۲۶، سخن نگویید با من ۱۳۲

تَكْلِيماً: وَكَلَّمَ ٱللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا (۴: ۱۶۴)
سخن گفتن ۲، سخُن گفتن ۱۰، سَخن گفتن ۴۵، سخون کردن ۶۱

تَكُنْ: مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ (۴: ۱۱۳)
بودی تو ۲۷

~: فَتَكُن فِى صَخْرَةٍ أَوْ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ (۳۱: ۱۶)
بهد[۳] ۱، باشد ۱۴

★ لِتَكُنْ: وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى ٱلْخَيْرِ (۳: ۱۰۴)
گوباش ۱، بباشد ۲، باشدا ۳، بادا ۲۳، همیشه بادا ۲۷، بیاید بُودن ۴۲، بباید بودن ۵۲، بباشد ۵۷، گو بباش ۵۸، باشد ۶۱، باید باشد ۹۶، بآید که باشند ۱۰۰، باید که باشد ۱۰۱، باید که باشند ۱۰۳

★ لاتَكُنْ: ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلْمُمْتَرِينَ (۳: ۶۰)
مَباش ۲، نگر نباشی ۱۰، مباش نو ۲۴، نباشی ۲۹، نه باش تو ۶۱، نگر تا نباشیا ۶۲، نه بباشی ۹۲

---

۱. که سخن نگوهی / که سخن نگویی.
۱. سخن گهد / سخن گوید.
۱. بهد / باشد.

~: وَلَا تَكُن لِّلْخَآئِنِينَ خَصِيمًا (٤:١٠٥)
مباش ١، مَباش ٢، مَه باش ٩٤

~: وَلَا تَكُن مِّنَ ٱلْغَٰفِلِينَ (٧:٢٠٥)
مَبادا ١٠

~: يَٰبُنَيَّ ٱرْكَب مَّعَنَا وَلَا تَكُن مَّعَ ٱلْكَٰفِرِينَ (١١:٤٢)
تو هيچ منشين ٧ مكرّر

~: فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلْقَٰنِطِينَ (١٥:٥٥)
مباش ٢، نبايد كه باشى ١١٣

~: فَلَا تَكُن فِى مِرْيَةٍ مِّن لِّقَآئِهِۦ (٣٢:٢٣)
نباش ٩٢

~: وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ ٱلْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ (٦٨:٤٨)
مه باش ٢، نه باش ٣٩

★ لَمْ تَكُنْ: كَأَن لَّمْ تَكُنۢ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُۥ مَوَدَّةٌ (٤:٧٣)
نبود ١، نبودستى ٢٧، هرگز نبود ١١١

~: قَالُوٓا۟ أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةً فَتُهَاجِرُوا۟ فِيهَا (٤:٩٧)
نه بُود ٢، همى نَه بُود ٤٥، نَه بُود ٥٥، همى نبود ١٠٧

~: وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ (٤:١١٣)
نبودى ٢٤، نبودى تو ٥٦

~: ثُمَّ لَمْ تَكُن فِتْنَتُهُمْ (٦:٢٣)
نبهد[1] ١، نباشد ٣٦، نبُود ٨٨

~: أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُۥ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُۥ صَٰحِبَةٌ (٦:١٠١)
نه بود ٩، نبوده است ٢٧، نبودست ٢٩، نيست ٣٦، نبودست و نباشد ٥٨، نبود و نباشد ١٠٠

~: لَا يَنفَعُ نَفْسًا إِيمَٰنُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِن قَبْلُ (٦:١٥٨)
نبوده باشد ٤٢

~: وَلَمْ تَكُن لَّهُۥ فِئَةٌ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ (١٨:٤٣)
نبودند ٥٦

~: أَمْ لَمْ تَكُن مِّنَ ٱلْوَٰعِظِينَ (٢٦:١٣٦)
نبى[2] ١، نه باشى ٤٣، نباشى تو ٥٨، نباشى ١٠٠، نَباشى ١١٩

~: أَفَلَمْ تَكُنْ ءَايَٰتِى تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَٱسْتَكْبَرْتُمْ (٤٥:٣١)
همى نبُود ٢

تُكِنُّ: وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ (٢٧:٧٤)
مى پنهام كند[3] ١، پَنهان دارد ٢، پوشيده است ٢٤، پنهان مى دارند ٢٩، پنهان دارد ٣٠، پنهان همى داريد ٣٤، پنهان ميكند ٤٣، پنهان كنند ٤٦، مى بپوشد ٤٧، پنهان ميكنيد ٥٣، پنهان همى دارد ٦٢، نهان ميكند ٧٩، پنهان ميدارد ٨٨، نهان ميكنند ١١٣، ميپوشد ١١٦، پوشيده ميدارد ١٢١، پنهان دارند ١٢٤، پنهان ١٣٩

~: صُدُورُهُمْ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ (٢٨:٦٩)
پنهام[4] كند، پنهان مى دارد ٣، پنهان كند ٤٢، پنهان ميكند ٤٣، مى پوشد ٤٧، پنهان مى كنند ٥٣، بپوشد ٦٢، پنهان دار د ٧٦، نهان ميدارد ٨٦، پنهان بود ٩٤، پنهان ميكنند ١٠٠، پوشيده كند ١١٤

★ كُنتُمْ تَكْنِزُونَ: فَذُوقُوا۟ مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ (٩:٣٥)
مى گنج نهاديد ١، همى گنج نهاديد ٢، مى گنج نهاديت ٣، اَندر گنج و نهل كردَيد ١٠، گنج

---

١. نبهد: نباشد.
٢. نبى: نباشى.
٣. مى پنهام كند: پنهان مى كند.
٤. پنهام / پنهان.

نهادید ۱۱، گرد کردی ۲٤، بودید شما گنج نهند گان ۲۷، گنج می نهادید ۲۹، همی گنج نهادیت ٤۱، گنج همی کردید ۵۳، گنج می نهادیت ۵۵، گنج می نهادی ۵۷، گنج همی کردید ٦۲، گنج نهاده بودید ٦٤، همی گنجی نهادید ۷۲، گنج همیکردید ۹۳، گنج نهاده اید ۱۰۳، گنج مینهادید ۱۲۲، بودید گنج نهند گان ۱۲٤، گنج کرده بودید ۱۳٦

تَكُونُ: إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً حَاضِرَةً (۲:۲۸۲)

بهد ۱

~: إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ (٤:۲۹)

بباشد ۲، بود ٤۰

~: فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَٰبِ ٱلنَّارِ (۵:۲۹)

بباشی ۲، شوی ۳٦، گردی تو ۹۲، به باشی ۱۲٤

~: وَحَسِبُوٓا۟ أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا۟ وَصَمُّوا۟ (۵:۷۱)

بُباشد ٤۵

~: فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًۢا بِإِذْنِى (۵:۱۱۰)

شد ۳، گردید ۲٤، بُود ۲٦، ببودی ۲۹، گشت ٦۷، ببود ۸۸، می بود ۱۰۰

~: فَتَكُونَ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ (٦:۵۲)

بی[1] ۱

~: وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ ٱلشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ (۸:۷)

بهود[2] ۱

~: وَمَا تَكُونُ فِى شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا۟ مِنْهُ مِن قُرْءَانٍ (۱۰:٦۱)

باشی تو ۲٤

~: لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ ءَايَةً (۱۰:۹۲)

باشند ۵۹، بوده باشی ۱۳٦

~: فَتَكُونَ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ (۱۰:۹۵)

تبی[3] ۱، خواهید بود ۱۳٦

~: حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا (۱۲:۸۵)

بباشی ۲، گردی و باشی ۵۸

~: أَن تَكُونَ أُمَّةٌ هِىَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ (۱٦:۹۲)

بباشید ۲

~: أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ (۱۷:۹۱)

باشد ۲

~: أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا (۲۵:٤۳)

هی ۱، هستی ٤٦، می باشی ۵۸، می باشد ۹۲

~: فَتَكُونَ مِنَ ٱلْمُعَذَّبِينَ (۲٦:۲۱۳)

باشی ۲

~: وَتَكُونُ ٱلْجِبَالُ كَٱلْعِهْنِ (۷۰:۹)

شود ٦٤

~: وَتَكُونُ ٱلْجِبَالُ كَٱلْعِهْنِ ٱلْمَنفُوشِ (۱۰۱:۵)

شوند ۱۱٤

★ أَلَّا تَكُونَ: وَحَسِبُوٓا۟ أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ (۵:۷۱)

که نباشد ٦۳

~: قَالَ يَٰٓإِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ (۱۵:۳۲)

کنبودی ۱، که نبودی ۲، که نباشی ۱۱۸

★ أَنْ تَكُونَ: أَن تَكُونَ مِنَ ٱلْجَٰهِلِينَ (۱۱:٤٦)

تا نباشی ۱۰۰

---

۱. بی / باشی.
۲. بهود / باشد، بود.
۳. تبی: تا باشی.

★ لَاتَكُونَ: وَقَٰتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَاتَكُونَ فِتْنَةٌ (۲:۱۹۳)
نباشد ۲، نه باشد ۲۴، نماند ۳۶، نیست شود ۴۰، نباشَد ۴۲

~: وَحَسِبُوٓاْ أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُواْ وَصَمُّواْ (۵:۷۱)
نبهد ۱، نباشد هرگز ۱۰۰

~: قَالَ يَٰٓإِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ (۱۵:۳۲)
نبودی و نمی باشی ۵۸

★ مَاتَكُونُ: وَمَا تَكُونُ فِى شَأْنٍ (۱۰:۶۱)
نیی[1] ۱، نباشی ۲، نَمی بَاشی ۵۵، نبودی تو ۶۱، نباشی تو ۶۴

تَكُونَا: لَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ (۲:۳۵)
بباشید ۲، باشیت ۳، باشی ۲۴، شوید ۳۶، بَاشیت ۵۵، باشید شما ۱۱۲، بازگردید ۱۱۴

~: وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ (۷:۱۹)
بی[2] ۱، باشید ۲۴، باشید هردو ۲۷، گردید ۳۹، باشید تان ۶۱، بباشیت ۸۸، شوید هردو ۹۶، بباشیم ما ۱۲۴

~: أَوْ تَكُونَا مِنَ ٱلْخَٰلِدِينَ (۷:۲۰)
بید ۱، بُباشید ۱۰

تَكُونَنَّ: وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ (۶:۱۴)
باشی تو ۶۱

~: وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ (۱۰:۱۰۵)
باش ۳۶

~: لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمَرْجُومِينَ (۲۶:۱۱۶)
بی ۱، باشی ۴۳، تو باشی ۹۶، باشید ۱۰۰

~: لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُخْرَجِينَ (۲۶:۱۶۷)
خواهی بود ۱۳۲

~: وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ (۳۹:۶۵)
بباشی ۲۲، باشی هرآینه ۱۱۴، بوده باشی ۱۳۶

★ لَاتَكُونَنَّ: فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُمْتَرِينَ (۲:۱۴۷)
مَباش ۲، مه باش هرآینه ۳، نگر نباشیا ۱۰، نگر نباشی ۴۰، مباش تو ۵۷، مباشی ۶۰، نباشی تو ۶۱

~: وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ (۶:۱۴)
مباش ۱، مه باش ۲۴، مباش هرآینه ۲۷، نه باشی ۹۸، نباش ۱۲۷

~: فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْجَٰهِلِينَ (۶:۳۵)
مَه باش ۲، تو مباش ۲۹، نباشیا ۴۴

~: فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُمْتَرِينَ (۶:۱۱۴)
مباشیا ۴۴، مباشید ۵۶، مباش هرآینه ۹۱

~: فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُمْتَرِينَ (۱۰:۹۴)
مباد که باشی ۵۸، مباشید ۵۹

~: وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ (۱۰:۹۵)
هرآینه مباش ۲۷، نباشی ۵۸

~: وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ (۲۸:۸۷)
مباشید ۸۷

تَكُونُوا: لِّتَكُونُواْ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِ (۲:۱۴۳)
بباشید ۲، باشیت ۳، شما باشید ۱۰، باشید ۲۴

~: أَيْنَمَا تَكُونُواْ يُدْرِككُّمُ ٱلْمَوْتُ (۴:۷۸)
بید[3] ۱

~: إِن تَكُونُواْ تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ (۴:۱۰۴)

---

۱. نیی / نباشی.
۲. بی / باشید.
۳. بید / باشید.

هید[۱] ۱، هستید ۱۱۱

~: وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ (۱۲:۹)

بشوید ۱۳۵

~: وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ (۲۲:۷۸)

بباشید ۶۱

~: ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا (۴۰:۶۷)

باشید و شوید ۵۸

★ لاتَكُونوا: وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ (۲:۴۱)

مباشید ۲، مه باشیت ۳، مه باشید ۴، نگرنه شما باشی ۱۰، نه شما باشید ۴۰، مَباشیت ۵۵، نگر نه شما باشید ۶۳، مباشید شما ۱۱۲

~: وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا (۳:۱۰۵)

مبید[۲] ۱، مَباشید ۲، نگَرید نباشَید ۱۰، مه بَاشید ۲۳، نه باشید ۹۰، شما مباشید ۹۶

~: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا (۳:۱۵۶)

نگر نَباشید ۱۰، نباشید ۴۰، مباشی ۵۷، مباشید ۱۲۲

~: وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا (۸:۲۱)

مباشید ۱۰، مه باشید شما ۲۴، مَه باشید ۹۴

~: لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى (۳۳:۶۹)

مباشیت ۴۱، مَباشید ۸۱

★ لَمْ تَكُونوا: وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (۲:۱۵۱)

نبودید ۱۰۴، از شما نمی آید ۱۲۱

~: كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (۲:۲۳۹)

نبودید ۱، نبودید شما ۲۷، نمی باشیت ۴۱، نبودی شما ۵۷، نه بودید ۶۴

~: فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ (۴:۲۳)

نه چنان باشید ۴۰، نبوده باشید ۶۲

~: أَوَلَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِنْ قَبْلُ (۱۴:۴۴)

نه شما آنید ۲، شما نه انید ۴۲

~: لَمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ (۱۶:۷)

نبید[۳] ۱، نه باشید ۳۹، نیستید شما ۵۸، نتوانید رسیدن ۶۳، نه بودیت ۷۱

~: أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ (۳۶:۶۲)

نبودید شما ۶۱، نیستید ۱۰۰

~: قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۳۷:۲۹)

نبودید ۲، شما نبودید ۶۱

تَكُونُونَ: فَتَكُونُونَ سَوَاءً (۴:۸۹)

همه بشید ۲۹، شویت ۳۰، شوید ۳۶، باشید شما ۵۶، بباشید تان ۶۱

فَتُكْوَى: فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ (۹:۳۵)

داغ کرده شهد[۴] ۱، داغ کنند ۲، داغ کرده شود ۳، دَاغ کُنند ۱۰، داغ همی برنهند ۵۳، دَاغ گردَه شَود ۵۵، بداغ کنند ۵۷، داغ کرده شوند ۶۱، داغ برنهند ۸۸، داغ نهاده شود ۹۴، دآغ کنند ۱۰۰

اَلتَّلَاقِ: لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ (۴۰:۱۵)

پدیره آمدن[۵] ۱، گرد آمدن ۲، فراهم آمدن ۱۵ و

---

۱. هید / هستید.

۲. مبید / مباشید.

۳. نبید / نباشید.

۴. داغ کرده شهد / داغ کرده شود

۵. روز پدیره آمدن: روز بهم رسیدن، روز قیامت.

۳۸، گرد آمدن ۳۰، رستخیز ۴۲، فراز هم آمدن ۴۹، دیدن یکدیگر را ٦٦، بهم رسیدن ۷۹، فراهم رسیدن ۸۹، دیدار ۹۲، یکدیگر را دیدن ۱۰۳، دیدن ۱۱۵، باهم رسیدن ۱۱۷، رسیدن ۱۲۰، بهمرسیدن ۱۳۲

تَلاَهَا: وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا (۹۱:۲)

پس روی کند ۱، از پس رود ۲، بر آید ۲٤، ازپی می‌رود ۲۹، پس رود ٦۱، ازپی در آید ۷۹، برپی رود ۹۱، از پی رود ۹٦، ازپی میرود ۱۰۵، بدم رود ۱۰۸، برمی رود ۱۱٤، ازپی رو آورد ۱۲۰، ازپس در آید ۱۲٦، درپی رود ۱۲۹، روشنی ۱۳٦

تِلاَوَتِهِ: يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ (۲:۱۲۱)

خُواندن ۲، خواندن ۳، برخواندنش ٤۰، خَواندن ۵۵، خوندن ۱۳۰

تَلَبَّثُوا: وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا (۳۳:۱٤)

درنگ کردند ۳

★ مَا تَلَبَّثُوا: وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا (۳۳:۱٤)

درنگ نکردندی ۱، درنگ نکنند ۲، نمانند ۳۹، نه باشد ٤۷، باز نه ایستند ۸۸، درنگ نکردند ۱۱٤

★ لاَ تَلْبِسُوا: وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ (۲:٤۲)

مَیامیزید ۲، مه آمیزیت ۳، مه پوشید ٤، نگرَید بنه پَوشید ۱۰، بمه آمیزی ۲٤، مپوشید ۳٦، میامیزید ٤۲، نَه بُپُشانیْت ۵۵، مپوشی ٦۰، مپوشانید ٦٤، میامیزیت ۸۰، برمیامیزید ۸۵، مَپوشید ۸۸، نه پوشید ۹۰، میامیزید ۱۰۰، آمیخته مسازید ۱۱۱، آمیخته مکنید ۱۱٦، بهم برمیامی زید ۱۱۹، نپوشید ۱۲۳

تَلْبِسُونَ: لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ (۳:۷۱)

می آمیزید ۱، همی بپُوشید ۲، می شورانیت ۳، مَی بَپوشید ۱۰، بیامیزی ۲٤، بهم می بر کنی ـ آمیخته می کُنی ۲۵، پوشیده می کنید ۲۷، می آمیزیت ۲۸، پوشید ید ۳٦، می بپوشید ٤۰، می پوشند ٤۳، مِی آمِیزیت ۵۵، می پوشید ۵٦، می پوشی ٦۰، همی پوشید ٦۲، برمی آمیزید ٦۳، می بپوشانید ٦٤، می پوشانید ۷۵، بازمی پوشید ۷٦، همی بیامیزید ۷۸، آمیزید ۷۹، همی آمیزید ۸۲، همی بپوشید ۹٤، می پوشآنید ۱۰۰، می شورانید ۱۰۲، میپوشانید ۱۲۷، میپوشید ۱۳۵

تَلْبَسُونَهَا: تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا (۱٦:۱٤)

می پوشید ۱، بپُوشید ۲، پوشیت ۳، درپوشید ۲۹، همی پُوشنْد ۵۳، پوشِیت ۵۵، بپوشانید ٦۱، هَمی پوشید ٦۲، در می پوشید ٦۳، پیرایه سازید ۱۰۳، میپوشید ۱۱٦، بپوشید ۱۱۹، به پوشید ۱۲۱

~: وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا (۳۵:۱۲)

پوشید ۱، می پوشیت ۳، بپوشید ۷، همی پوشید ۲٤، درپوشید ٤۲، می پوشد ۵٦، پوشد ٦۱

تَلَذُّ: وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ (٤۳:۷۱)

خوش شند ۱، مَزه یابد ۲، مزه یابد ۳، مژده یابد ۱٦، مُزَه یابد ۲۲، مژه یابد ۲٤، خوش شوند ۲۹، خوش آید ٤۲، روشن شود ۵۳، مزه گیرد ٦۱، خوش شمرد ۷۹، مژه گیرد ۹۹، مزها یابد ۱۱٤، خوش کنند ۱۳۳

تَلَظَّى: فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى (۹۲:۱٤)

زبانه زند ۱، زبانه زنان ۲، می بشخد[1] ۲۹، افروخته شد ۳٦، فرو می افروزد ٤۱، می پشخد[1] ۵۱، می بشخید[1] ۵۲، زبانه می زند ٦٤، زفانه می زند ٦۵، می بسنجند ۹٦، زبانه زننده ۱۰۰، زبانه میزند

---

۱. می بشخد، می پشخد، می بشخید (شخیدن: زبانه زدن، شعله کشیدن).

۱۰۲، سوزان ۱۲٤، می بسجند ۱۲۵، زبانه کشد ۱۳۰، زبانه کشیده ۱۳۲، برافروخته ۱۳٦، زبانه آرنده ۱۳۹

لِتَلْفِتَنَا: لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَا (۱۰:۷۸)
بگردانی ۱، بازگردانی ۲، بازداری ۱۳، ورگردانی ۲٤، برگردانی ۳۸، دورکنی ۳۹، بازگردانی ٤۲، بگردانی ۵۵، بگردانید ٦۹، تا بگردانی ۷۹، بازگردانید ۹٦، بگردانیمان ۱۱٤

تَلْفَحُ: تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَٰلِحُونَ (۲۳:۱۰٤)
می وراوروزد[1] ۱، بَدمد ۲، سوزد ۳، همی سوزاند ۲٤، اندر افتند ۳۰، بسوزد ۳٦، می سوزاند ٤۷، بِسُوزد ۵۱، اندرافتد ۵۳، همی سوزد ۵٤، می سوزد ۵٦، میسوزد ۷۷، سیاه و سوخته گرداند ۷۹، بسوزاند ۸۹، سوزند ۹۱، سیاه گرداند ۱۰٤، بدمد ۱۰۸، سوخته و سیاه گرداند ۱۱۳

تِلْقَاءَ: وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَٰرُهُمْ تِلْقَآءَ أَصْحَٰبِ ٱلنَّارِ (۷:٤۷)
سوی ۱، سُوی ۲، راستان و برابر ۳، واسُوی ۱۰، وابرابره ۲٤، برابر ۲۷، راستا و برابر ۳۰، بَرابَر ٤۵، برابری ٦۲، برای ۷٦، راستا ۸۰، فراسوی ۱۰٤

~: مِن تِلْقَآيِ نَفْسِيٓ (۱۰:۱۵)
نزدیک ۲، بر ۲۹، پیش ٤۱، خودی ۷٤، نزد ۷۹، دیدار ۹۲، پیش ۱۳۰

~: وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَآءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّيٓ (۲۸:۲۲)
سو ۲

تَلْقَفْ: فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۷:۱۱۷)
می نگشت[2] ۱، می خورد ۳، فرود اوارید ۱۰، فرود آورید ۲٤، فرود می برد ۲۹، فرود برد ۳٦، فرو خورْدْ ٤۵، مِی خَورَد ۵۵، بخورد ۵۸، بگلو فرو می برد، بگلو فرو بردی ۷۹، میخورد ۹۱، فرو میخورد ۹۹

~: وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوٓا۟ (۲۰:٦۹)
بنگسد[3] ۱، فُروخُورد ۲، خورد ۳، فرو خورد ۲٤، بنمارند ۵۲، فرُو بَرَد ۵۳، فرو برد ۷٦، بگلو فرو برد ۷۹، بگلو فرو برند ۱۲۲، فرو خرد ۱۲۸، فرود خورد ۱۳۹

~: فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۲٦:٤۵)
فروُ خورد ۲، فرو برد ۲۰، فرو برد بگلو ۲٤، همی فرو خورد ۳۰، فرو می خورد ۳۹، همی فرو برد ٤۷، در می کشید و فرو می خورد ۵۸، فرو میبرد ۱۱۱، فُروُ مِی بُرد ۱۱۹

★ لَا تُلْقُوا: وَلَا تُلْقُوا۟ بِأَيْدِيكُمْ إِلَى ٱلتَّهْلُكَةِ (۲:۱۹۵)
أندر مفکنید خویشتن را ۲، مه افکنیت ۳، نگرید خُویشتن را اندر نیو کنَید ۱۰، فرو مگیری ۲٤، اندر میفکنید ۲۹، نیفکنید ۳٦، درمیفکنید ۳۹، مِیَفکَنید خُویشتَن رَا ٤۲، میفکنید ٤۳، مَه اَفکِنَیتْ ۵۵، مه افکنید ۵٦، نه افکنید ٦۱، میفکنید و بار ندارید ٦۷، میندازید ۸٤، اندر مکنید ۹۲

تُلْقُونَ: تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِٱلْمَوَدَّةِ (٦۰:۱)
می اوکنید[4] ۱، همی أفکنید ۲، می افکنیت ۳، همی افکنیت ۳۰، همی افکُنید ۳۸، بیفکنید ٦۱، می افکنید ٦۹، می فرستید ۸۷، همی افکنند ـ پدید همی کنند ۱۰۸، همی رسانید ۱۰۹، میفرستید ۱۱۱، در می افکنید ۱۱۳، افکنید ۱۳۲،

---

۱. می وراوروزد / برمی افروزد.
۲. می نگشت: می خورد، فرو می برد.
۳. بنگسد: فرو برد، فرو خورد.
٤. می او کنید / می افکنید.

میفکنید ۱۳۶، می اندازند ۱۳۸

تَلَقَّوْنَهُ: إِذْ تَلَقَّوْنَهُۥ بِأَلْسِنَتِكُمْ (۲٤:۱۵)
می گداره دادید [۱] ۱، گرفتیت ۳، فرا می گرفتید ۲۹، بیفکندید ۵۲، فرا گیرید از یکدیگر ۵٤، می گرفتندی ٦٤، فرا گرفتند ٦۵، می گردانیدید ۷٦، می گفتنید ۷۷، فرا گرفتنید ۷۹، فرا رسیدند ۹٤، از یکدیگر فرا گیرید ۹٦، فرا میگرفتید ۱۰۰، پیش رفتند ۱۰۸، فرا همی گیرید از یکدیگر ۱۰۹، گرفتید ۱۲۱، پیش رفتید ۱۲۸

تَلْقَوْهُ: مِن قَبْلِ أَن تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ (۳:۱٤۳)
دیدید ۱، بدیدی ۱۰، برابر شدید ۲۷، ببینید ۲۹، بدیدی ٤۰، بدیدید ۵۳، رسید ٦۱، ببینید ٦۷، بیفکند ۷۵، بدیدیت ۸۳، برابر آئید ۹۲، برسید ۱۰۰، به بینید ۱۰٤

فَتُلْقَى: فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا (۱۷:۳۹)
اوکنده شی ۱، افکنندتِ ۲، در اوکنند ۸، در اوکنند ترا ۲٤، در افکنندت ۲۹، افکنده شوی ۳۰، افکند ترا ۳۹، در اندازند ترا ٤۲، درافکنند ۵۲، درافکنند تُرا ۵۳، افکنده شوی ۵۵، درفکنند تُرا ۵۷، افکنده شود ۵۸، درافتی ۵۹، افکنده شوی تو ٦۱، اندازند ترا ٦۳، انداخته شوی ٦٤، دارید ۷٦، اندر افکنندت ۸۳، در افکند ترا ۹٤، افکنندت ۹٦، اندر افکند ترا ۱۲۸

تُلْقِيَ: قَالُوا۟ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلْقِيَ (۷:۱۱۵)
بیو کنی [۲] ۱، افکنی ۲، بیفکنی ۲۹، افکنی ۳۰، تو بیفکنی ۳۵، بفکنی ۳۸، بی اندازی ٤۱، تو افکنی ۵۸، افکنی تو ٦۱، می اندازی ٦۳، تو می افکنی ۹٦، تو می اندازی ۱۱۱، می افکنی ۱۲۹

~: إِمَّآ أَن تُلْقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ (۲۰:٦۵)
تو بیوکنی ۲٤، برافکنی ۵۳، بیفکنی تو ۵۸، فکنی ۱۰۸، بیندازی ۱۱۳

فَتَلَقَّى: فَتَلَقَّىٰٓ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَٰتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ (۲:۳۷)
پیش رفتْ فراز گرفتْ ۲، فرا گرفت ٤، گرفت ۲٤، فرا گرفت ٤۲، گرفت ۵۵، بگرفت ٦٤، فراز گرفت ۸۲، بیامد ۸۸، بدید ۹۰، باز گرفت ۱۰۱، رسید ۱۰٤، درپذیرفت ۱۲٤

لَتُلَقَّى: إِنَّكَ لَتُلَقَّى ٱلْقُرْءَانَ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (۲۷:٦)
پدیره آورده شی [۳] ۱، همی افکنند بتو ۲، داده می شوی ۳، فرا گیری ۳۰، داده شوی ٤۳، ارند بتو ۵۳، آرند ۵٦، بر تو می خوانند ۵۸، فراز می گیری ٦۱، می انداخته می شود ۱۰۰، همی فراز گیری ۱۰۸، فرا یاد داده میشوی ۱۰۹، داده میشوی ۱۱٤، فراز گیری ۱۲۸

تِلْكَ: تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا۟ بُرْهَٰنَكُمْ (۲:۱۱۱)
این ۲، آنت ۳، این ۱۰، انْتْ ۵۵

~: تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ (۲:۱۳٤)
ایشان ٤۰

~: تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ (۲:۱۸۷)
انت ۳۰

~: تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا (۲:۲۲۹)
آنست ۲۷

~: تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۲:۲۳۰)
اینست ۲۷، این ۷٦

~: تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِٱلْحَقِّ (۲:۲۵۲)

---

۱. می گداره دادید: فرا می گرفتید.
۲. بیو کنی / بیفکنی.
۳. پدیره آورده شی: فراباد می دهند ترا.

آن ١

~: تِلْكَ ٱلرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ (٢:٢٥٣)
اینان ٢٥

~: تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِٱلْحَقِّ (٣:١٠٨)
اینکه ١٢٣

~: تِلْكَ ٱلْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنۢبَآئِهَا (٧:١٠١)
آن همین ٩٤

~: الٓرۚ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْحَكِيمِ (١٠:١)
اینت ١٠٩

~: الٓرۚ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ (١٢:١)
آنت ٥٥

~: تِلْكَ عُقْبَى ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوا۟ (١٣:٣٥)
هم چنین ٧٦

~: فَمَا زَالَت تِّلْكَ دَعْوَىٰهُمْ (٢١:١٥)
او ١٠٨

~: فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةًۢ بِمَا ظَلَمُوٓا۟ (٢٧:٥٢)
اینک ٢٤، آن ٧٦

~: تِلْكَ ٱلدَّارُ ٱلْءَاخِرَةُ (٢٨:٨٣)
آنکه ٢

~: تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْحَكِيمِ (٣١:٢)
این است ١٤

~: قَالُوا۟ تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ (٧٩:١٢)
آن ١٢٠

تِلْكُمْ: وَنُودُوٓا۟ أَن تِلْكُمُ ٱلْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا (٧:٤٣)
آن ١، این تان ٢٧، اینک شما ٤٥، آنکتا ٥٥، اینتان ٥٧، این ٥٨، انتان ٦٣، آنتان ٨٠

تِلْكُمَا: أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَن تِلْكُمَا ٱلشَّجَرَةِ (٧:٢٢)
آن ١، این ٢٤، ازین ١٠٠، آنتان ١١٤

★ لَا تَلْمِزُوا: وَلَا تَلْمِزُوٓا۟ أَنفُسَكُمْ (٤٩:١١)
مجنبانید ٢، باز منجنبانید ٣٠، نه بد گوئید ٩٠، مخبانید ١٠٨

وَتَلَّهُ: فَلَمَّآ أَسْلَمَا وَتَلَّهُۥ لِلْجَبِينِ (٣٧:١٠٣)
بیو کند ١، بفکند ٢، افکند ٣، بیفکند ٢٢، برافکند ٢٤، بر روی افکند ٣٦، بروی افکند ٤٢، بفکند ٤٩، بیفکنند ٥٦، افتدا ٨٧، بکشید ٩٦، فکند ١٠٤، خوابانید ١٠٦، انداخت ١٢٠

★ لَا تُلْهِكُمْ: لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَٰلُكُمْ (٦٣:٩)
ناپروا مکندا شما را ١٠٩، باید که بازندارد ١١١، بازندارد ١١٦

تَلَهَّى: وَهُوَ يَخْشَىٰ فَأَنتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ (٨٠:١٠)
روی می گردانی ٣٦، روی بگردانی ٣٩، ناپروا شوی ١٠٩، دست بازمیداری ١١١، دور میشوی ١١٥

★ لَا تُلْهِيهِمْ: رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَٰرَةٌ وَلَا بَيْعٌ (٢٤:٣٧)
ناپروا نکند ١٠٩، بازنمیدارد ١٢٠

تَلَوْتُهُ: قُل لَّوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا تَلَوْتُهُۥ عَلَيْكُمْ (١٠:١٦)
خواندمی ٢، خواندم ٣٦، خواندمی ٥٥، بخواندمی ٦١، بخوآندمی ٩٤، بخوانم ١١٨، خوندم من ١٣٠

★ مَا تَلَوْتُهُ: مَا تَلَوْتُهُۥ عَلَيْكُمْ (١٠:١٦)
نخواندی ١، نخواندمی ٢٧، نخوانم ٣٩، برنخواندمی ٦٢، نخواندم ٧٦

★ لَا تَلُومُونِي: فَلَا تَلُومُونِى (١٤:٢٢)
سرزنش مکنید ٤٢، سرزنش نکنید ١٠٢، خواری مکنید ١١٤

تَلْوُوا: وَإِن تَلْوُۥٓا۟ أَوْ تُعْرِضُوا۟ (٤:١٣٥)
بگردید ١، بپیچید ٢، گردن برتابیت ٣، بگردی ٢٤، سر برگردانیت ٤١، بگردانید بزفان، گوای پنهان کنید ٤٥، گردن برتابیت ٥٥، زبان بدهان بگردانید ٥٦، بگردانید ٥٨، نرمی کنید ٦١، بگردانید در زبان ٦٢، پیچانید ٦٣، بپیچانید ٧٢،

برپیچید ۷٦، به پیچد بداد کردن ۷۸، بر گردیت ۸۳، به پیچید ۸٤، به پیچانید ۹۲، امروز فردا کنی ۹۵، زبان پیچانید ۱۰۲، پیچید ۱۰٤، گردن تابید ۱۱٤، بگیرید ۱۲٤، بپیچاند ۱۳۵

تَلْوُونَ: وَلَا تَلْوُۥنَ عَلَىٰٓ أَحَدٍ (۳:۱۵۳)

بازایستید ۳۹، بازگردید ٤۱، نرم شدید ٦۱، بازنگریسئید ٦۵، روی سپس همی کردید ۸٤

★ لَا تَلْوُونَ: وَلَا تَلْوُۥنَ عَلَىٰٓ أَحَدٍ (۳:۱۵۳)

واز نمی استادید ۱، روی ز پس همی نکردید ۲، بنه پاییدَی ۱۰، نگرستید ۲۳، روی بازپس نکردید ۲۹، فرو نه استیدی ۳٤، باز نایستادی ۳۸، بنه پایید ٤۰، رؤی باپَس نمی گردید ٤۲، روی باپس نمی کردید ۵۲، نه نگرستند ۵۳، باز نمی ایستادید ۵۸، نه ایستادی ٦۰، فرو نایستادید ٦۲، باز ننگریستید ٦٤، درنگ نکنید ٦۹، نباستادید ۷٦، روی از پس همی نکردید ۸۲، روی سپس نمی کردیت ۸۳، روی باپس نمیکردید ۱۰۵، نمی نگرستید ۱۰۹، بازپس نگردید ۱۲۱، نمی استادید ۱۲۳، روی پاپس نمیکردید ۱۲۵، باز نه ایستادید ۱۳۵، نه باز می ایستادید ۱۳۸

تُلِيَتْ: وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُهُۥ زَادَتْهُمْ إِيمَٰنًا (۸:۲)

خوانده شهد[1] ۱، برخوانند ۲، بَرخُوانند ۱۰، ورخوانند ۲٤، خوانده شود ۳۰، خَوانَده شَود ۵۵، برخوانده شود ۵۸، بخوانند ۱۰۳، خوانند برایشان ۱۰٦، برخوانی ۱۰۷، خوانند ۱۱٤، خونده شود ۱۳۰

تَلِينُ: ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ (۳۹:۲۳)

نرم شهد[2] ۱، نرم شود ۲، نرم گردد ۲٤، نرم شوند ۲۹، نرم می شود ۳٦، نَرم گردد ۵۳، بیارامد ٦٤، نرم میشود ۱۱٦، نرم میگردد ۱۲۲، نرم گردند ۱۳۸

تَمَّ: فَتَمَّ مِيقَٰتُ رَبِّهِۦٓ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً (۷:۱٤۲)

سپری گشت ۱۰۹

ٱلتَّمَاثِيلُ: إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ مَا هَٰذِهِ ٱلتَّمَاثِيلُ (۲۱:۵۲)

تندیسها ۱، نگاشتها ۲، پیکرها ۳، مانندها ٤۲، نمونه ها و بتان ٦٤، نمونها ۸۷، تندیس ۱۰٦، نگاشتیها ۱۰۸

~: مَا يَشَآءُ مِن مَّحَٰرِيبَ وَتَمَٰثِيلَ وَجِفَانٍ (۳٤:۱۳)

تندیسیها ۱۲۵، تن دیسها ۱۳۸

★ فَلَا تُمَارِ: فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَآءً ظَٰهِرًا (۱۸:۲۲)

پیکار مکن ۱، پَیکار مکن ۲، مه ستیه[3] ۳، شک مکن ٤۳، مسته[3] ٤٤، مستیه[3] ٤۹، مَه سِتِه[3] ۵۵، مه سته ۸۰، مکن پیکار ۸۸، مستِه ۱۱٤، مستیز ۱۲۱

تَمَارَوْا: لَقَدْ أَنذَرَهُم بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا۟ بِٱلنُّذُرِ (۵٤:۳٦)

گمامند شدند ۱، بگمان افتیدند ۲، بگمان شدند ۳۰، بستیهیدند ۳٤، بگمان افتیدند ۳۸، بگُمان افتادند ٤۲، بگمان افتادند ۵۲، بگمان افتیْدند ۹٤، گمان بردند ۹۹، به گمان شدند ۱۱٤

تُمَارُونَهُ: أَفَتُمَٰرُونَهُۥ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ (۵۳:۱۲)

می پیکار کنید ۱، همی سبک دارید ۲، می ستهیت ۳، بگمان همی داریت ۳۰، سخره می کنید ۵۲، پیکار می کنید ۵٦، می بستیهید همی ٦۱، دروغ دارید ٦۹، بستهید ۷۸، بگمان همی دارید ۸۸، پیکار می کنید ۹٦، می ستیهید ۱۰۲، بگمان بدارید ۱۰۸

---

۱. خوانده شهد / خوانده شود.

۲. نرم شهد / نرم شود.

۳. مه ستیه، مسته، مستیه، مَه سِتِه / مستیز.

تَمَامًا: ثُمَّ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ تَمَامًا (۶:۱۵٤)
ناکاسته ۲۷، بی کم و کاست ۱۰۹

★ لَمْ تَمُتْ: وَٱلَّتِى لَمْ تَمُتْ فِى مَنَامِهَا (۳۹:٤۲)
بنمرد ۱، نه مرد ۳، نمرد ۲۹، نمیرد ۳۰، بنمیرد ٤۲، نمیرند ٦۱، نمیراند نمرده است ۱۰۳

تَمَّتْ: وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ (۱۱:۱۱۹)
سپری شد ۵۹

تَمْتَرُنَّ: فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَٱتَّبِعُونِ (٤۳:٦۱)
بگمان شویت ۸۰

★ لَا تَمْتَرُنَّ: فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَٱتَّبِعُونِ (٤۳:٦۱)
گمان مند مشوا ۱، گُمان مکنید ۲، مه بگمان شویت ۳، گُمان مَکُنیدا ۲۲، بگمان مشویْت ۳۲، گمان مکنید ۳۸، بگمان مباشید ۳۹، ستیزه مکن ۵۲، ستیز مکن ۱۰۵، به گمان مشوید ۱۱٤، بگمان مشوید ۱۲۱

تَمْتَرُونَ: ثُمَّ أَنتُمْ تَمْتَرُونَ (٦:۲)
می گمامند شید ۱، بگمان می شویت ۳، می بگمان شوید ۹، می بَگمان شَوید ٤۵، بَگمان می شَویْت ۵۵، گمان می برید ۵۷، بگمان می افتید ۵۸، بگمان باشید ۷۲، بگمان شویت ۸۰، بی[1] گمان شویت ۹۱، بگمان افتید ۱۰۲، بی گمان[1] شوید ۱۰۷، بگمان افتاد گانید ۱۲۱، بگمان میشوید ۱۲۹

~: إِنَّ هَٰذَا مَا كُنتُم بِهِۦ تَمْتَرُونَ (٤٤:۵۰)
می بگمان شوید ۲، گمان مندان ٤۱، ستیهنده ٤٤، بگمان شوند گان ۸۰

★ كُنتُمْ تَمْتَرُونَ: إِنَّ هَٰذَا مَا كُنتُم بِهِۦ تَمْتَرُونَ (٤٤:۵۰)
می گمامند شدید ۱، بودیت بگمان شوند گان ۳ و۳۲، بگمان بودید ۳۸، شما گمامند بودید ۳۹، بودید گمان نومندان ٦۱، به گمان میشدید ۱۱٤

تَمَتَّعَ: فَإِذَآ أَمِنتُمْ فَمَن تَمَتَّعَ بِٱلْعُمْرَةِ إِلَى ٱلْحَجِّ (۲:۱۹٦)
بَرخورداری گیرد ۲، برخورداری گیرد ۳، برخورداری بُرَد ۱۰، بَرخُورداری گیرَد ٤۲، برخورداری بردارد ۵٦، برخورداری کند ۵۷، برخورد ٦۱، برخورداری گیرید ۸۲، آسایش یابد ۸۵، برخورداری کرد ۹۰، برخوردار شود ۱۱۱، بدم رود ۱۲٤، بهره مند شود ۱۲۷

تَمَتَّعْ: قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا (۳۹:۸)
برخورداری گیر ۱، برخورداری کنْ، برخورداری دهد ۳۳، برخوردار کرد ٤۱، برخَورداری کن ۵۳، برخورداری یاب ۷۹، برخوردار باش ۱۰۳، برخور ۱۲٤، برخورداری گیرند ۱۳۸

تَمَتَّعُوا: فَقَالَ تَمَتَّعُوا۟ فِى دَارِكُمْ (۱۱:٦۵)
برخورید ۲، برخوردار شوید ۲۹، برخوریت ٤۱، برخورداری یابید ۷۹، برخوریت ۸۳، بزئید ۸۸، برخورد آری گیرید ۱۰۰

~: قُلْ تَمَتَّعُوا۟ فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى ٱلنَّارِ (۱٤:۳۰)
برخُورید ۲، برخورداری گیریت ۳، برخوردید ۵، برخورید ٤۲، برخَورداری کنید ۵۳، بَرخوردَاری گیرئت ۵۵، بهرخورداری کنید ۵۷، برخورداری گیرید ۷٦

~: فَتَمَتَّعُوا۟ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۱٦:۵۵)
برخورداری گیرند ۱، برخوردار شوید ۷٦، بهره‌ور شوید ۱۲۷

~: فَتَمَتَّعُوا۟ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳۰:۳٤)
آسایش گرفتند ٤۱، برخورداری اند ک می کنید ٤۷، بَرخَورْدَاری کُنیدْ ۵۳، بربخورید ٦۲، برخوداری گیرید ۷٦، زند گانی کنند ۱۰۵

---

۱. «بی» می تواند تلفظی کهن از «بـ» باشد و بنابراین «بی‌گمان» برابر باشد با «بگمان».

~: وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ (۵۱:٤۳)

برخورداری گیرید ۱، برخورداری کنید ۲، بزیید ۵۲، زند گانی کنید ۱۳٦

~: كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ (۷۷:٤٦)

برخرداری کنید ۱۹، برخوردار باشید ۱۰۸، برخوردار نمایید ۱۳۰، بهره یابید ۱۳۲

تُمَتَّعُونَ: وَإِذًا لَا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۳۳:۱٦)

برخورداری داده شویت ۳، برخورداری دهند ۱٤، برخورداری دَهَنْد شما را ۵۳

★ لَا تُمَتَّعُونَ: وَإِذًا لَا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۳۳:۱٦)

برخورداری داده نشدندی ۱، برخورداری ندهند ۲، نیابید برخورداری ۲٤، زیانیده نشوید[1] ۳۹ برخورداری ندهند شما را ۵٦، روزی داده نشوید ٦۱، برخوردار نکنند تان ۹۳، برخورد آری نگیرید ۱۰۰، برخوردار نخواهید شد ۱۱۱، برخورداری ندهند تان ۱۱٤، برخورداری داده نشوید ۱۲۱ برخورداری نیابید ۱۲۲، برخورده نخواهید شد ۱۳۱، برخورداری ندهند ۱۳۸

تَمَثَّلَ: فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (۱۹:۱۷)

مانسته شد[2] ۱، پیش بایستاد ۲، خویشتن نمود ۳، نمود خویشتن را ۲٤، باستاد ۳۰، مانند ه کرد ٤۱، مانند ه شد ۵۹، بیستاد ٦۲، مانند شد ۷۸، نمود ۸۰، نمونه شد ۸۷، مانند کرد ۸۸، خویشتن بنمود ۹٤، نموده شد ۱۲٤

تَمُدَّنَّ: لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ (۱۵:۸۸)

دراز گردان تو ٦۱

★ لَا تَمُدَّنَّ: لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ (۱۵:۸۸)

مکش ۱، مگش ۲، بازمکش هرآینه هرآینه ۳، تو مکش ۲۹، بازمکن هرآینه هرآینه ۳۳، نه کش ۳۹، مکن باز ٤۱، بَاز مگیرْ ۵۵، بازمکش ۵۸، درمگذرا ناد ٦۳، در مگذران ۸۹، درمگذرآد ۱۰۰، مگستران ۱۰۲، منگراد ۱۲٦، وامکش ۱۳٦

~: وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ (۲۰:۱۳۱)

دراز مکُن ۲، بمکش ۲۹، دراز مکن ۳۰، بازمکن ٤۸، مَکَشْ ۵۳، ننگریا و نگرنیاری ۵٦، منگر ٦۲، مگشای ٦٤، مه بازکن هرآینه ۸۰، مَه بازکن هرآینه ۹٤، درمگذراد ۱۰٦، مکش ۱۲۲، بازمکش ۱۳۳، مکشا بخواهش ۱۳۵، وامکن ۱۳٦

أَتُمِدُّونَنِ: فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ (۲۷:۳٦)

می اوزایید ۱، همی بفریبید ۲٤، همی فزون کنید ۳۰، می بیفزایید مرا ٤٦، می کنید بغرس[3] ۵۸، همی افزونی کنید ٦۱، افزون بکنید ۱۲۸

تَمُرُّ: وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ (۲۷:۸۸)

می رود ۱، می گذرد ۳، همی رود ۲٤، می روند ٤٦، می گذرند ۵۳، همی گذرد ٦۲، می گذرد ۸۰، میگذرد ۸٦، میرود ۹۲، گذرد ۱۰۰، میگذرند ۱۳۲

تَمْرَحُونَ: وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ (٤۰:۷۵)

شادمانید ۳۹، سخت شادمانان ٤۱

★ كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ: وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ (٤۰:۷۵)

می هنبارده کردید[4] ۱، می نابکاری کردند ۱۵،

---

۱. اگر تحریفی در کلمه صورت نگرفته باشد، درخور توجّه و تأمّل است.

۲. مانسته شد: مانده شد.

۳. کذا به همین صورت بدون نقطه (؟)

٤. می هنبارده کردید: می خرامیدید.

شادی همی کردید ۲۲، انبارد گی می کردید ۳۶، می خرامید ید ۴۳، نشاط می کردند ۶۹، شادی همی کردید ۸۸، شادی میکردید ۱۰۰، سخت شادی همی کردید ۱۰۹، میخرامیدید ۱۱۱، می نازید ید ۱۲۳، بودید شما شادی کنان ۱۲٤، خودستایی می کردید ۱۳٦، شادی میکردند ۱۳۹

تَمُرُّونَ: وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِم مُّصْبِحِينَ (۳۷:۱۳۷)
می روید ۱، می گذریت ۳، می گذرید ۲٤، همی گذریت ۳۰، همی گذرید ۳۳، همی روید ۳۸، همی رَوید ۵۳، می گذریت ۸۰، شما همی روید ۹٤، می گزرید ۹٦، میگذشتید ۱۰۰، میگذرید ۱۰۲، می گریزید ۱۲٦

تَمْسَسْكُمْ: إِن تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ (۳:۱۲۰)
رسد ۱، بَرسد ۲، بساود ۳، فارسد ۱۰، برسد ۲۷، بساودتان ۹۱، برَسَد ۹٤، ببساید ۱۰٤

تَمْسَسْهُ: وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ (۲٤:۳۵)
ساید ۵٦

★ لَمْ تَمْسَسْهُ: وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ (۲٤:۳۵)
نرسد ۱، نرسَد ۲، نه رسد ۳۰، نرسیده باشد ٤۲، نرسیده بود ٤۷، نَرَسیدَه بَاشد ۵۱، فرا نرسد ۵٤، نه بسوده ۱۱٤، نسود ۱۲۹

فَتَمَسَّكُمُ: فَتَمَسَّكُمُ ٱلنَّارُ (۱۱:۱۱۳)
رسد ۱، بَبْساود ۲، برسد ٤۱، نساود ٤۲، فرا... رَسَدْ ۵۳، برسید ۵۹، بساید ۹۲، فرا رسد ۹۳، ببساود ۹٦، بپساود ۱۲٤، بساود ۱۲۸

★ لاَ تُمْسِكُوا: وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ ٱلْكَوَافِرِ (٦۰:۱۰)
استوار مباشید ۲، چنگ مه در زنیت ۳، دست اندر مزنید ۳٤، چنگ اندر مزنید ۳۸، چنگ مزنید ۳۹، استُوار مَدارید ٤۲، دست در مزنید ٤۹، نگاه مدارید ۵٦، باز مدارید ٦۱، چنگ در مزنیت ۸۰، چنگ در مزنید ۸۱، نگه مدارید ایشانرا ۸۹، ندارید نگاه ۹۲، مه چنگ اندر زنید ۹٤، نگاه مد آرید ۱۰۰، مجسبید ۱۳۲، دست در میاویزند ۱۳۸

★ لاَ تُمْسِكُوهُنَّ: لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا (۲:۲۳۱)
واز مگیرید ۱، مه نگاه داریت ۳، نگرَید ندارَید ۱۰، مدارید ۲٤، باز مدارید ۲۷، مگیریت ٤۱، مَدارید ٤۲، نگاه مدارید ٤۳، مَدارید ۵۳، نه نگَه دَاریت ۵۵، اندر بند مدارید ۵۷، نه نگاه دارید ٦۱، فرو مگذارید ٦۲، مداریدشان ٦۳، بازمگیرید ٦۷، مه نگاه داریت ۸۰، نگه مداریدشان ۸۸، باز مدارید ایشانرا ۱۰۳، مدارید نگاه ۱۳۰

تَمَسَّنَا: وَقَالُوا لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ (۲:۸۰)
بساوَد ۳، رَسَد ۱۰، سوزد ٦۳، بساود ۸۰، بساید ۹٤

~: قَالُوا لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامًا مَّعْدُودَٰتٍ (۳:۲٤)
بِساوَد ۹٤، رَسَد ۱۳۸

★ لَنْ تَمَسَّنَا: وَقَالُوا لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ (۲:۸۰)
نَبساود ۲، بنه سوزد ۲٤، هرگز نرسد ۳٦، هرگز نبساود ٤۳، بنساود ۵۲، نرسید ۵۳، هَرگِزْ نَبِسَاوَدْ ۵۵، هانرسد ۵۷، نرسد هرگز، نرسد فراماهرگز ٦۲، نبساید ٦۳، هرگز نساید ٦۷، نبساود ۹٦، بنپساوَد ۱۱٤، نخواهد رسید هرگز ۱۲۲، نسوزد ما یاران ۱۲۳، هرگز بنساود ۱۲٤، نخواهد رسید ما را هرگز ۱۲۷، هرگز نمیرسد ۱۳٦

~: قَالُوا لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامًا مَّعْدُودَٰتٍ (۳:۲٤)
نرسد ۱، نه بساود ۳، نخواهد رسید ٤، هرگز نرسد ۲۷، هرگز نه بساود ۲۸، نه رسد ٤۰، نه بساید ٤۹، نساید ۵۲، هَرگِزْ نَبِسَاوَد ۵۵، هرگز نبساید ۵٦، نه رسَد ۵۷، هرگز نسود ۵۸، هرگز نه ساید ٦۱، هرگز بنساید ٦٤، نبساود ۸٤، هرآینه بنساود ۱۱٤، بنساید ۱۱۸، نمی ساید ۱۲۹

تُمْسُونَ: فَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ (۳۰:۱۷)
او یار گه کنید[1] ۱، در شبانگاه آییت ۳، شبانگاه

۱. اویارگه کنید: شبانگاه کنید.

کنید نماز دیگر و شام ۱۸، در شبانگاه شوید ۲۹، شبنگاه کنید ۳٤، شبانگاه کنید ۳٦، شبانگاه کنیت ٤۱، نماز خفتن کنید ٤۳، بشبانگاه رسید ٤۷، شبانگاه ٦۱، شب کنید ٦٤، شام کنید ٦۹، شما شبانگاه کنید ۷۲، شبانگاه میکنید ۸٦، نماز دیگر کنید ۸۷، شب انگاه کنید ۹۰، شبآنگاه شود ۱۰۰، شبانگاه بود ۱۰۵، در شبانگاه آئید ۱۱٤، در شام آیید ۱۱۷، شبانگاه می ایید ۱۱۹، بشامگاه درآیند ۱۳۰، شام و خفتن ۱۳٤

★ لَاتَمَسُّوهَا: وَلَاتَمَسُّوهَابِسُوٓءٍ (۷:۷۳)

مرسانید ۱، مَبْساوید ۲، مه بساویت ۳، نگزَید نیازارَید ۱۰، نه بسائید ۳۹، مرسانیت ٤۱، مبساوید ۵۲، مَه بِسَاویت ۵۵، نه دست زنید ٦۱، دست میازید ۷٦، نه سائید ۹۰، نبسائید ۹۲، مه بساوید ۹٤، نه بساوید ۹۹، دست میارید ۱۰۳

~: وَلَاتَمَسُّوهَابِسُوٓءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ (۱۱:٦٤)

مه بَساوید ۲، رنج مدارید ۷ مکرر، مسائید ٥٦، مه ساویت ۸۳، مه بساویت ۹۱، نه بستائید ۹۲، مه بساوید ۹٤، مسای ۱۰۵، مبسایید ۱۰۹، مساوید ۱۱٤، مرهانید ۱۱۸

~: وَلَاتَمَسُّوهَابِسُوٓءٍ (۲٦:۱٥٦)

مبساوید ۲، مه ساوید ۲٤، مبسائید ۳۹، مرنجانیت ٤۱، دست مکنید ٤۲، نه رسانید ٤٦، دست بدو مکنید ۵۲، مسایید ٥٦، نه سایید و نرسانید ۵۸، نپساوید ٦۱، بمه سایید ٦۲، نه بسایید ۷٤، فرا مرسید ۸۸، مساوید ۹٤، فرا مرسید ۹٦، مرسانید ۱۰۰، نه ساوید ۱۰۸، مَرسانید ۱۱۹، نبساوید ۱۳۹

تَمَسُّوهُنَّ: إِن طَلَّقْتُمُ ٱلنِّسَآءَ مَالَمْ تَمَسُّوهُنَّ (۲:۲۳٦)

رسیده باشید بدیشان ۲۷، بسوده باشد ۵۳، رسیده باشید ٥٦، بسوده باشید ایشانرا ٦٤

~: وَإِن طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ (۲:۲۳۷)

رسید ۱، بَبْساوید ۲، رسیده باشی ۲٤، بساوید مرایشان ۳۸، برسیت ٤۱، بستایید ٤۲، بسایید ۵۲، بسَاویت ۵۵، دست بدیشان زنید ۵۷، وا ایشان باشید ٦۳، بساویت ۸۰، بسائید ۹۲، نزدیکی کرده باشید ۱۰۳، سودن ۱۱۹، رسیده باشید ۱۳۸

~: ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ (۳۳:٤۹)

رسید ۱، بساویت ۳، ببساوید ۷، برسد ۱۸، نزدیکی کنید ۲۹، بساوید ۳۰، دست فرا کنید ٤۲، گِردآیید ۵۳، رسیدید ۵۸، برسید ۱۰۰، هارسید ۱۱۹، بسوده باشید ۱۲٤، برسیده باشید ۱۳۸

★ لَمْ تَمَسُّوهُنَّ: مَالَمْ تَمَسُّوهُنَّ (۲:۲۳٦)

نرسیدید ۱، نبسُوده باشید ۲، نه بسودیت ۳، نرسیده باشید ۲۹، نبسوده باشید ۳۹، نبسودَه بَاشید ٤۲، نه بسوده باشد ۵۳، نَه بُسُودیت ۵۵، نه سودید ٦۱، فرا نرسیده باشید ٦۲، نابوده ٦۳، نبسوده باشند ۷۲، نه بسوده باشیت ۸۳، نسوده باشید ۹۸، نرسیده باشد ۱۰۰، نزدیکی نکرده باشید ۱۰۳، نه بسوده باشید ۱۰۷، نه بسودند ۱۰۹، نه بسودید ۱۱٤

★ لَاتَمْشِ: وَلَاتَمْشِ فِى ٱلْأَرْضِ مَرَحًا (۱۷:۳۷)

مرو ۱، مه رو ۳، مروی ۲٤، نه رو ۳۹، مَرَو ۵۳، مَه رَو ۵۵، نه رو ٦۱، مَروْ ٦۲، تو مرو ۹٦، مرود ۱۱۱، بمرو ۱۱٦

~: وَلَاتُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَاتَمْشِ فِى ٱلْأَرْضِ (۳۱:۱۸)

مشو ۲۹، مرو ۷٦، راه مرو ۱۳۲

تَمْشُونَ: وَيَجْعَل لَّكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِۦ (۵۷:۲۸)

می روید ۱، همی رَوید ۲، بروی ۲۹، همی رویت ۳۰، بروید ۳٤، روید ۳۸، گذرید ۱۰٤، همی روید ۱۰۸، میروید ۱۱٤، گذر کنید ۱۲۲

تَمْشِي: إِذْ تَمْشِىٓ أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ (۲۰:٤۰)

همی رفتْ ۲، رفت ۲٤، میرفت ۲۹، می رفت ۳٤، می رود ٥٦، می رفتی ٦٤، برفت ۱۰۵، رود ۱۲۱

~: فَجَآءَتْهُ إِحْدَىٰهُمَا تَمْشِى عَلَى ٱسْتِحْيَآءٍ (۲۸:۲۵)
همی رفت ۳۰، می رود ۷٦، می آمد ۱۰۰

تَمْكُرُونَ: إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ (۱۰:۲۱)
شما همی سازید ۲، می سگالیت ۳، شما همی سگالید ۲۷، شما دستان میکنید ۲۹، می سگالند ۳۸، همی سازید ٤۲، می سگالید شما ۵۸، می سازید ٦۳، شما سگالید ٦۹، شما می سازید ۸۹، بد می سگالید شما ۱۰۰، همی سگالید ۱۰۹، میکنید ۱۱۲، می سگالید ۱۱٤، همی بد سازید ۱۲۷

تَمْلِكُ: فَلَن تَمْلِكَ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا (۵:٤۱)
پادشا داد ۷۵، پادشاهی بود ۹۰، پادشا باشی ۱۰۷

★ لَا تَمْلِكُ: يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْـًٔا (۸۲:۱۹)
پادشایی ندارد ۲، سود ندارد ٦٤، پادشاهی ندارد ۱۰۲، نتواند ۱۱٤

★ لَنْ تَمْلِكَ: فَلَن تَمْلِكَ لَهُۥ (۵:٤۱)
پادشای نداری ۱، هرگز نه توانی ۳، نتوانی تو ۲٤، نه پادشاه باشی ٤۵، نه پادشای داری تو ۵۳، هرگز نه توانی ۵۵، هرگز نتوانی ۵۸، تو نتوانی ٦۲، نه پادشا باشی ۸٤، پادشاهی نباشد ۹٤، نباشی تو ۱۰۵

تَمْلِكُهُمْ: إِنِّى وَجَدتُّ ٱمْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ (۲۷:۲۳)
می پادشاشد ۱، پادشاهی می کند ۳، پادشاه ایشانست ۲٤، پادشاهی میکند ۲۹، پادشاهی می کرد ۵۸، پادشا گشتست ٦۱، پادشاهی می دارد ٦٤، پادشاهی میکرد ۱۰۰، پادشاه گشته است ۱۲۸

تَمْلِكُونَ: قُل لَّوْ أَنتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَآئِنَ رَحْمَةِ (۱۷:۱۰۰)
پادشای دارید ۱، پادشاه گردید ۲، دارید ۲٤، پادشاهی دارید ۳۹، پادشاه باشید ۸۸، پادشاه گردید ۹٤، پادشاهی داریدی ۱۰۸، پادشاه باشند ۱۳۹

~: قُلْ إِنِ ٱفْتَرَيْتُهُۥ فَلَا تَمْلِكُونَ لِى مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا (٤٦:۸)
توانیت ۳

★ لَا تَمْلِكُونَ: فَلَا تَمْلِكُونَ لِى مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا (٤٦:۸)
پادشای ندارید ۱، پادشای ندارید ۲، نه دارید پادشاهی ۲۲، نتوانید ۳۹، نه پادشاهی دادند ٤۷، نه توانیت ۸۰، نتوانند ۱۰۵، پادشاهی ندارید ۱۰۸

تُمْلَى: فَهِىَ تُمْلَىٰ عَلَيْهِ بُكْرَةً (۲۵:۵)
می خوانند ۲٤، ها میگویند ۲۹، بر داده اید ٤۱، خوانده می شود ۵۸، بر گفته شود ۹۱، خوانده میشود ۹۲، برافکنند ۱۱۹، خوانده شود ۱۲۱

تَمْنَعُهُمْ: أَمْ لَهُمْ ءَالِهَةٌ تَمْنَعُهُم مِّن دُونِنَا (۲۱:٤۳)
می نگه دارند ۱، بازدارند ۲، نگاه دارد ۳، باز دارد ۲٤، نگه بدارند ۲۹، باز می دارد ٤۱، باز می دارند ۵٦

★ لَا تَمْنُنْ: وَلَا تَمْنُن تَسْتَكْثِرُ (۷٤:٦)
مده چیزی که چشم داری ۵٦، مبخش ۱۰۹

تَمُنُّهَا: وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَىَّ (۲٦:۲۲)
سپاس نهی ۳۰، نهادی ٤٦، همی سپاس نهی ٦۱

فَتَمَنَّوُا: فَتَمَنَّوُا ٱلْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَـٰدِقِينَ (۲:۹٤)
آرزو کنید ۲، آرزو بریت ۳، بآرز وفا خواهید ۱۰، آرزو خواهی ۲٤، آرزو کنید ٤۲، ارزو کنید ۵۳، آرزو بریت ۵۵، آرزو کنید ۷٦، اندیشه کنید ۸۸

~: فَتَمَنَّوُا ٱلْمَوْتَ (٦۲:٦)
آرزوا کنید ۱، آرزو کنید ۲، آرزو خواهید ۲٤، آرزو برید ۳٦، بآرزو خواهید ٤۲

تَمَنَّوْا: ٱلَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُۥ بِٱلْأَمْسِ (۲۸:۸۲)
آرزوا کردند ۱، آرزو کردند ۲، آرزو بردند ۳، آرزو کنند ۳۰، آرزو خواستند ٤۲، خواستند ٤٦، آرزو کردند ۵۳، بآرزو خواستند ۷٦، آرزو می بردند ۸٦، آرزو کرده بودند ۱۲٦، آرزو میکردند ۱۳۲

★ لاتَتَمَنَّوا: قُل لَّاتَمُنُّواْعَلَىَّ إِسْلَٰمَكُم (۴۹:۱۷)
سپاس منهیت ۳۰، سپاس منهید ۳۹، سپاسه منهید ۷۲، منهید سپاس ۸۸، بهانه نه نهید ۹۹

تُمْنُونَ: أَفَرَءَيْتُم مَّا تُمْنُونَ (۵۶:۵۸)
همی آرزو کنید[1] ۲، می اندازی ۲۹، آرزو می کنید[1] ۳۰، می ریزید ۴۳، پدید کردید ۵۲، فرود آوردید ۷۸، آرزو کنید[1] ۸۱، شما می افکنید ۱۰۲، آبی که از شما همی بیرون آید ۱۰۸، آبی که میریزید ۱۱۱، میریزید ۱۱۳، فرو می آرید ۱۱۴

تَمَنَّوْنَ: وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ ٱلْمَوْتَ (۳:۱۴۳)
آرزو می برید ۳۶، آرزو برید ۷۵، آرزو میبرید ۱۰۴

★ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ: وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ ٱلْمَوْتَ (۳:۱۴۳)
می آرزوا کردید ۱، آرزو کردید ۲، آرزو می بریت ۳، شما می بآر زوا خواستی ۱۰، آرزو می کردید ۲۳، می خواستید ۲۹، شما می بآرزو فاخواستید ۴۰، آرزو می کردیت ۴۱، بودید شما آرزومند ۴۳، آرزو می کردند ۵۲، ارزو می کردید ۵۳، می بُردِیتْ ۵۵، آرزو می کردی ۵۷، همی خواستید بآرزو ۶۲، آرزو کردید شما ۶۳، ارزو می کردند ۶۹، خواستید ۷۶، همی آرزو کردیت ۸۳، آرزو کردند ۸۴، بآرزو بودید ۸۸، آرزو می بردند ۹۰، همی آرزو کردید ۹۴، آرزو میکردید ۱۰۰، آرزو می بردید ۱۰۲، شما آرزو می بردید ۱۰۳، بودید شما آرزومند ۱۲۴، آرزوی کردید ۱۲۵

تُمْنَىٰ: مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ (۵۳:۴۶)
ریخته شود ۳، بیرون آید از پشت مردان ۲۴، بیرون آید از شما ۳۰، ریخته می شود ۳۶، بریزد ۴۳، بیرون آورده شود منی ۶۹، ریخته شد ۸۰، گشته شود ۸۱، بیرون آید ۹۶، ریخته گردد ۱۲۰، بریزند ۱۳۶

تَمَنَّىٰ: إِلَّآ إِذَا تَمَنَّىٰٓ (۲۲:۵۲)
بخواندی ۱، برخواندی ۲، خواند ۳، برخواند ۱۲، اندیشه کرد ۵۳، بدل اندیشیدند ۵۸، بخواستی ۹۲، آرزو نمود ۱۰۰، خواندی ۱۳۸

~: أَمْ لِلْإِنسَٰنِ مَا تَمَنَّىٰ فَلِلَّهِ ٱلْءَاخِرَةُ وَٱلْأُولَىٰ (۵۳:۲۴)
می آرزوا کند ۱، آرزو کند ۲، آرزو برد ۳، آرزو کنند ۲۴، آرزو کرد ۲۹، آرزو می برد ۳۶، آرزو می برند ۴۱، ارزُو کُنَدْ ۵۳، ارزو کند ۶۹، آرزو کُند ۸۱، خواست ۸۶، آرزو خواهد ۹۲، خواهد ۹۶، آرزو کنید ۱۰۸

تَمْهِيدًا: وَمَهَّدتُّ لَهُۥ تَمْهِيدًا (۷۴:۱۴)
گستردن ۱، خواسته ۲، گسترانیدن ۳، ساختن ۶، زمان دادن ۱۹، جاء دادن ۳۹، فراخ کردن ۴۱، گسترانیدن ۵۶، گستردنی ۶۹، ساخته کردن ۱۰۲، ستده ۱۱۰

تَمُوتَ: وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ (۳:۱۴۵)
میرد ۱، بمردی ۲، میرَد ۱۰، بمرد ۴۰

~: وَمَا تَدْرِى نَفْسٌۢ بِأَىِّ أَرْضٍ تَمُوتُ (۳۱:۳۴)
بمیرد ۱۴، خواهد مرد ۶۴، میمیرد ۱۱۶، بمیرَد ۱۱۹

تَمُوتُنَّ: فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ (۲:۱۳۲)
میرید ۲، میریدتان ۶۱

~: وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ (۳:۱۰۲)
میریت ۳۰، بمیری ۶۰، می میرید شما ۱۲۴

★ لَاتَمُوتُنَّ: فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ (۲:۱۳۲)
مه میریت هر آینه هر آینه ۳، نگَرَید نَمیرَید ۱۰، نگر نمیرید ۲۴، ممیرید ۲۹، نگرتان مگر نگیردا ۴۰، نمیریت شما ۴۱، مه میرید ۴۲، نه میرید ۵۳، مَه

---

۱. این ترجمه هرچند با موقع و مقام آیه مناسب نیست، چون در سه قرآن تکرار شده، حذفش را روا ندانستیم.

میرِیت هَرایَنه هَرایَنه ٥٥، نمیرند ٥٧، ممیری ٦٠، ممیرید شما ٨٢، نه میریدا ٩٤

~: وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ (٣:١٠٢)
نمیرید ١، مَه میرید ٢، مه میریت ٣، نگرید تان مرگ نه یاودا ١٠، نگر بنمیری ٢٤، بممیرید ٢٩، نگرتان مرگ نیاودا ٤٠، مَمیرِید ٤٢، نباید که بمیری ٦٠، مه میریدا ٦٢، نمیرید شما ٦٧، نه میرید ٦٩، ممیریت ٨٣، مَه میرید ١٣٨

تَموتونَ: قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ (٧:٢٥)
می میرید ١، میرید ٢، میریت ٣، بُواید تان مردن ١٠، بمیرید ٢٤، می میریت ٤١، بمیرید شما ٦١، میرید ٦٤، شما می میرید ٩٦، همی میرید ١٠٩، برمرید ١١٣، میمیرید ١٢٢

تَمورُ: يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا (٥٢:٩)
بگردد ١، همی گردد ٢، بر گردد ٢٤، برود ٤٢، می گردانند ٤٩، گَردَدْ ٥٣، روان شود ١٠٠

~: أَن يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ (٦٧:١٦)
گردد ١، همی بر گردد ١٩، می آید ٢٩، بجنبد ٣٠، می گردد ٣٩، می جُنبد ٥٦، می گردد و می جنبد ٦٤، می جنبد و فرو می برد ٧٩، گردان شود ٨٧، میگردد ١٠٠، فرو برد ١٠٢، می جنبد ١٠٩، میگرداند ١٣٠

تَمیدَ: أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا (١٦:١٥)
بجفسد ٣٩، بجنباند ٤٢، بجنبانَد ٥٢، بچسبد ٥٧، آرامیده باشد ٦٤، بگردد ٧٤، جنباند ١١٣، بجنبید ١١٨

~: وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِهِمْ (٢١:٣١)
بگراياند ٢، بجنبد ٢٩، بكشد ٣٠، نگران باشد ٦١، بيارامد ٦٤، بگرداند ٨٠، باز گردد ٨٨، بجمباند ١١٣، كشيده می شود ١٣٦، بجنبانيد ١٣٩

~: وَأَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ (٣١:١٠)
بگردند ١٤، بگردَدْ ٥٣، بجنبانند ٦٤، از جای ببرد ٧٦، گراید ١٢٩

★ أَنْ تَميدَ: أَن تَمِيدَ بِكُمْ (١٦:١٥)
بنگردد ١، تا نجنباند ٢، كه نجنبند ٢٤، نگردد ٣٠، نگرداند ٤١، تَا كه نگردَاند ٥٥، در نگرداند ٥٩، نجنباند ٨٩

~: وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِهِمْ (٢١:٣١)
كه بنگردد ١، تا كه نه گرداند ٣، تا نه گردد ١٢، كه بنگرداند ٢٤، تا نگرداند ٣٤، تا نگردد ٣٩، نجنبانند ٥٦، تا بنه گرداند ٧٦، كه بنه لرزد ٩٤، بجنبد و بنگرداند ١١١، كه نگردانند ١١٤

~: وَأَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ (٣١:١٠)
كه بنگردد ١، تا نگراياند ٢، تا بنه چپسد ٢٤، بنچسباند ٤٧، كه تا نجنباند ٥٦، تا بنگردد ٥٨، نه گردد ٧٢، نگرداند ١١٤

تَمَيَّزُ: تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ (٦٧:٨)
جدا شهد ١، گشاده شود ٢، از هم جدا شود ٣، پاره پاره شود ١٩، از يک ديگر بشود ٢٤، بدرد ٢٩، نشان كند ٣٠، پاره پاره گردد ٣٩، جدَا گرداَند ٤٢، بشكافد ٤٣، جدا شود ٦١، از هم بشود ٦٩، از يكديگر جدا شود ٩٦، از هم بيفتد ١٣٨

تَميلُوا: أَن تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا (٤:٢٧)
بگرديد ١، بجفسيد ٢، گراييت ٣، بچسبَيد ١٠، بچسبيد ٤٠، بگردند ٤١، گراييت ٥٥، شما برگرديد ٥٧، بگرديد شما ٥٨، بچشيد ٨٤، گراهيت ٩١، بخفسيد ١٢٧، بچشيد شما ١٣٥

★ لاتَميلُوا: فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ (٤:١٢٩)
مگرديد ٣٦، مچسبيد ٧٦، مه گراييت ٩١، مه چسبيد ١٠٧

★ لاتَنابَزُوا: وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ (٤٩:١١)

یک و دیگر را مخوانید ۱، مخُوانید ۲، مه خوانیت یکدیگر را ۳ و۹۱، مخوانید یک دیگر را ۲٤، مخوانید ۳۰، باز مخوانید یکدیگر را ۳۸، مه خوانید یک دیگر را ٤۷، مخوانید همدیگر را ۵۱، مه خوانید یکی دگر را ۵٦، مخوانید پس یکدیگر ٦۱، یاد مکنید ۷۸، مخوانید یکدیگر را ۷۹، مخوانیت یکدیگر را ۸۰، نه سخن کنید ۹۰، بر یکدیگر منهید ۱۰۰، همدیگر را مخوانید ۱۰۲، به بدی نخوانید ۱۱٦، نخوانید یکدیگر را ۱۲۳، نه نام زده کنید ۱۲٤

تَناجَوْا: وَتَنَاجَوْاْ بِٱلْبِرِّ وَٱلتَّقْوَىٰ (۵۸: ۹)
رازان کنید ۱، راز گوییت ۳، راز گوی ۲۹، راز گوئید ۳۹، با یکدیگر راز گویید ٦۷، راز گویید ۸۸، با یکدیگر راز گویند ۹۰، راز گوید ۱۰۸، راز کنید ۱۳۹

تَناجَیْتُمْ: إِذَا تَنَٰجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَٰجَوْاْ بِٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ (۵۸: ۹)
رازان کنید ۱، راز گوییت با یکدیگر ۳، راز گویید با یک دیگر ۲٤، راز گویی ۲۹، با یکدیگر راز گوییت ۳۰، راز گوییت ٤۱، با یکدیگر راز گویید ۵۲، راز گویید یکدیگر ٦۱، رازی خواهید گفت با یکدیگر ٦٤، باز کنید با یکدیگر ۸۱، راز گوئید ۸۷، راز گوئید شما ۱۰۰، راز گویید با یکدیگر ۱۰۳، راز گویید شما ۱۰٤، باهَمْ راز گوئید ۱۱٤، راز گویید بیکدیگر ۱۲۹، راز می گوئید ۱۳۸

ٱلتَّنَادِ: وَيَٰقَوْمِ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ ٱلتَّنَادِ (٤۰: ۳۲)
یک دیگر را خواندن ۱، گریختن ۲٤، خواندن ۳۰، خواندن یکدیگر را ٦٦، رستخیز ٦۹، فریاد کردن یکدیگر ۹۲، خواندن یکدگر ۹٦، سرباز بزدن ۹۸، آواز دادن ۱۰۲، خواندن یکدیگر ۱۰۸، یکدیگر را خواندن ۱۲٦، خوندن یکدیگر ۱۳۰، خوانده شوند ۱۳۲

فَتَنادَوْا: فَتَنَادَوْاْ مُصْبِحِينَ (٦۸: ۲۱)
یک و دیگر را بخواندند ۱، آواز دادند ۲، یکدیگر را بانگ کردند ۳، آواز دادند یک دگر را ۲٤، بانگ بیکدیگر کردند ۲۹، یکدیگر آواز دادند ۳۸، بخواندند یکدیگر را ۳۹، آواز می دادند ٤۹، بانگ با یکدیگر کردند ۵۲، خواندند ۵٤، یکدیگر را آواز می دادند ٦٤، یکدیگر را آواز دادند ٦۷، یکدیگر را بخواندند ۷۹، خواندند یکدیگر را ۸۷، بانگ کردند یکدیگر را ۸۸، آواز دادند یکدیگر را ۱۰۲، بخواندند یک دیگر را ۱۱۳، آواز کردند ۱۱٤، برخواندند یکدیگر را ۱۱۷

تَنازَعْتُمْ: إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَٰزَعْتُمْ فِي ٱلْأَمْرِ (۳: ۱۵۲)
پیکار کردید ۱، دو گروهی کردید ٤۰، پیکار کردی شما ۵۷، رو گرد می کردید ۷۵، بد دل گشتید ۸٤

~: فَإِن تَنَٰزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ (٤: ۵۹)
ناهموار شوید ۲، ناهموار شوید ٤۲، پیکار کنید با یک دیگر ۵۷، پیکار کنید ۵۸، نافرمان شوید ۸۲، ناهموار شویت ۸۳

~: لَّفَشِلْتُمْ وَلَتَنَٰزَعْتُمْ فِي ٱلْأَمْرِ (۸: ٤۳)
جَنگ و پرخاش کِردَندَی ۱۰، جنگ و پرخاش کردیدی ۲۷، در گفت و گوی افتادیتی ٤۱، پیکار کردتانی ۵۷، دو گروهی کردید ۷٤، ناهموار گشتیدی ۹٤

تَنازَعُوا: فَتَنَٰزَعُوٓاْ أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ (۲۰: ٦۲)
پیکار کردند ۱، ناهموار گشتند ۲، با یکدیگر وا گفتند ۲۹، کشیدند ٤۳، واکشیدند ۱۰۹، ناهموار کردند ۱۲۹

★ لاتَنازَعُوا: وَلَا تَنَٰزَعُواْ فَتَفْشَلُواْ (۸: ٤٦)
پیکار مکنید ۱، ناهَمْواری مکُنید ۲، نگرَید دو گروهی و جنگ و پرخاش و پیکار نکنَید ۱۰، دو گروهی و جنگ مکنید ۲۷، واهم مکوشید ۲۹، ناهموار مکنید ٤۲، ناهمواری مکنید ۵۲، دو

گروهی مکنید ٥٨، ناهمواری مکنیت ٨٣، ناهموار نگردید ٩٤، ناهموار مگردید ١٢٤

تَنَاصَرُونَ: مَالَكُمْ لَاتَنَاصَرُونَ (٣٧: ٢٥)
یاری کنیت یکدیگر را ٣، یکدیگر را یاری می کنید ٣٦، یکدیگر را یاری کنید ٣٨، یاری می کنید یک دیگر را ٤٩، یاری می کنید ٥٦

★ لَاتَنَاصَرُونَ: مَالَكُمْ لَاتَنَاصَرُونَ (٣٧: ٢٥)
یک دگر را یاری نمی کُنید ٢، نه یکدیگرْ را یاری کنید ٢٢، باز ندارند شما را ٢٤، یاری نمی کنید یکدیگر را ٢٩، یکدیگر را یاری ندهید ٣٠، یک دیگر را نیرو نمی کنید ٣٣، خویشتن نگاه نمی دارید ٣٩، یاری نمی کنیت یکدیگر را٤١، یاوری نمی کنید ٥٢، یاری یکدگر نمی کنید ٨٦، یاری نکنید ٩٢، یآری یکدیگر نمیکنید ١٠٠، یاری نمیدهید ١٠٣، یاوری نمیکنید ١٠٥، یاری یکدیگر نمیکنید ١٠٦، یاری یکدیگر نمیدهید ١١١، یکدیگر را یاری نمی دهید ١١٣، یاری نمی دهید یکدیگر را ١٢٣

تَنَالُهُ: تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ (٥: ٩٤)
رسد ١، بَرسید ٢، یابد ٣، برسد ٩، فارسد ١٠، بیابد ٢٩، می رسد ٣٦، دریابد ٤٣، برَسَنْد ٥٣، برسند ٦١، بیابند ٦٣، بگیرند ٩٢، بیاوند ٩٥، دریافته باشند ١٠٠، میرسد ١١١، بیایند ١٣٨

تَنَالُوا: لَن تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ (٣: ٩٢)
رسَید ١٠، بیابند ١٣٨

★ لَنْ تَنَالُوا: لَن تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُوا (٣: ٩٢)
نرسید ١، هرگز نیابیت ٣، نیایید ٢٣، در نرسید ٢٧، هرگز نیابی ٢٩، هرگز در نیاید ٣٩، نه رسید و نه یاوید ٤٠، نَیابید ٤٢، هرگز نیابید ٤٣، هَرگز نیابیت ٥٥، نیابید ٥٦، هانرسید ٥٧، هرگز نیابیَدتان ٦١، هرگز نیاوند ٦٢، هرگز نرسید ٩٢، شما نمی رسید ٩٦، هرگز نیابد ١٠٤، هرگز درنیابید ١١٨

اَلتَّنَاوُشُ: أَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (٣٤: ٥٢)
گرفتن ١، بازگشتن ٢، بازگشت ٧، فراگرفتن ١٨، بازهشتن ٢٤، فراز گرفتن ٣٦، خواندن ٤١، بزرگی ٤٢، فراگرفته ٨٨، بازگردانیدن ٩٠، دربافتن ٩٨، رستگاری ١٠٠، فراگرفتن چیزی ١٠٤، واگرفتن ١١٣، فراگرفتن توبه ١٣٨

لَتُنَبَّؤُنَّ: قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ (٦٤: ٧)
آگه کرده شید ١، آگاهی دهند شما را ٢، آگاه کرده شویت ٣، آگاه کنندتان ٤١، آگاهی داده خواهید شد ٦٤، آگاهانیده شوید ٧٩، آگاه کرده شویت هرآینه هرآینه ٨٠، آگاه کند شما را ٨١، بیاگاهانیده شوید شما ٨٩، آگاه کرده شویت هرآینه هرآینه ٩١، آگاهی دهد شما را ١٠٨، بیاگاهاننده شوید ١١٣، آگاه کرده شوید ١١٤، آگاه گردانیده شوید ١١٦، آگاهانیده گردید ١٣٢، بیاگاهاند ١٣٤

لَتُنَبِّئَنَّهُمْ: لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمْرِهِمْ هَٰذَا (١٢: ١٥)
آگه کنی ١، تو وا درگویی ٧ مکرر، آگاه کنی ٥٣، بیاگاهانی تو ٦١، بیاگاهانی ٦٣، تو آگاهی دهی ٦٤، آگاهی ٩٤، آگاهی دهی ٩٦، آگاه گردانی ١١١، آگاهی کنی ١١٤، آگاه کنیم ١٢٤، آگاهی دهیم ١٢٨

تُنَبِّئُهُمْ: تُنَبِّئُهُم بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ (٩: ٦٤)
آگه کند ١، خبر کنی ١١، پدید کند ٢٤، بیاگاهاند ٦١، بیاگاهانی تو ٦٣، آگاهی دهد ٦٤، آگاهاند ١٠٤، بگاهاند ١٠٦، آگاه گرداند ١٢٠، بیاگاهد ١٢١، آگاه کند ١٢٤

أَتُنَبِّؤُنَ: قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ (١٠: ١٨)
می آگه کنید ١، آگاهی همی دهید ٢، آگاه می کنیت ٣، می آگاه کنید ٢٧، می آگاهانید ٣٩، آگاهی می دهید ٤٢، آگاهی دهید ٥٢، اگاه

کنید ٥٣، آگاه مِی کُنیت ٥٥، همی آگاه کنید ٥٦، بمی آگاهانید ٦٣، همی آگاه کنند ٦٥، همی آگاهی دهید ٩٤، آگاهی همی دهید ٩٦، آگاهی میدهید ١٠٥، آگاه میکنید ١١٤، آگاه میسازید ١١٦، آگاه می کنید ١٣٦

تُنَبِّئُونَهُ: أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ (١٣:٣٣)
آگه کنید ١، همی آگاهی دهید ٢، آگاهی دَهِیدْ ٥٣، آگاهِی مِی کُنِیتَشْ ٥٥، آگاهی می دهید ٥٨، آگاهانید ٦١، می آگاهانید ٧٩، بیا گاهانید ١١٢، می گاهانید ١١٣، آگاهی دهید ١٢٨

تَنْبُتُ: تَنْبُتُ بِالدُّهْنِ (٢٣:٢٠)
ورآرد ١، می روید ٣، می رویاند ٢٩، برویاند ٣٠، برویانَد ٤٢، بیرُوْن اردْ ٥٣، بروید ٥٨، میرویاند ١٠٦، میروید ١١١، برمی روید ١١٣

تُنْبِتُ: يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا (٢:٦١)
می رویاند ٣، بَرویَنَدَد ١٠، برویاند ٢٤، می برویاند ٢٩، رُویانَد ٥٥، برویاند - بیرون آرد ٦٧، بروید ٨٤، بُروید ٩٠، بِرُویَدْ ٩٤، میرویاند ١٠٠، بریاند ١٢٧

~: خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ (٣٦:٣٦)
ورمی رویاند ٢٩، می بروید ٦١، رویانیده است ٦٤، برآورد ٧٤، رویاند ٩٦، برآورد ٩٩

تُنْبِتُوا: أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا (٢٧:٦٠)
ورآرید ١، برویانید ٢١، برویانیدی ٣٠، برویاند ٧٤، برویانیدن ٧٦، رویانید ٨٦، برویآنید ١٠٠

تَنْتَشِرُونَ: ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ (٣٠:٢٠)
می پراکنید ١، فراهم شوید ١٤، آمد و شد همی کنید ٢٤، پراکنده می شوید ٢٩، همی پراکنید ٣٠، پراکنده شوید ٣٩، می باشیت پراکنده ٤١، پراکنده شد گان ٦١، بپراکنید ید ٦٤، پراکنید ٧٤، پراکنیت ـ پراکنده شویت ٨٠، پراکنده میشوید ١٠٢، بپراکنده می شود ١٠٦، همی پراکندید ١٠٨، بپراکنند ١٣٩

تَنْتَصِرَانِ: فَلَا تَنْتَصِرَانِ (٥٥:٣٥)
دادستانیت ٣، دادستانید ٩١، توانید گریختن ١٠٨

★ لَا تَنْتَصِرَانِ: فَلَا تَنْتَصِرَانِ (٥٥:٣٥)
دادواز نیارید ١، نتوانید از خویشتن بازداشتن ٢٤، نتوانند از یکدیگر بازداشتن ٤١، بَیاری نیابید ٤٢، نگاه نتوانید داشت ٥٦، خویشتن نگاه نتوانید داشت ٦١، نتوانند گریختن ٨٨، یاری نیابید ٩٦، خود را نگا نتوانید داشت ١٠٢، بازداشته نشوید ١١١، داد نتوانید ستدن ١١٧، یاری نیابید از یکدیگر ١٢٠، نتوانید گریختن ١٢٤

تَنْتَهِ: لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ (١٩:٤٦)
بازپس شوی ٩٢، بازایستی ١١٤

لَمْ تَنْتَهِ: لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ (١٩:٤٦)
وازنشی ١، باز نایسْتی ٢، تو وا نایستی ٢٩، باز نه ایستی ٣٠، نه بازْ باشی ٣٩، باز نه استی ٤٢، باز نباشی ٤٣، باز نَاستی ٥٢، نه باز شوی ٥٣، باز نه ایستی ٦٢، باز نباشی تو ٦٤، باناستی ٧٦، باز نایستی ٨٦، تو بازناستی ٩٦، باز ناستی ١٠٥، باز نیستی ١٣٨

~: لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ (٢٦:١١٦)
نه بازپس شوی ٢، نه بازایستی ٣، باز ناستی ٣٤، بازنگردی ٤١، بازنیستی ٧٦، نه ایستی ١٠٢، باز نیستی تو ١١٧

~: لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ (٢٦:١٦٧)
واز نه استی ٢٠، باز ناستی ٧٦، بس نکنی ١٢١، نه بازگذاشتی ١٢٨، باز نئیستی ١٣٨

تَنْتَهُوا: وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ (٨:١٩)
وازشید ١، بازایستیت ٣، وایستید ١٠، بازایستی ٢٤، واز ایستید ٢٧، باز استید ٣٥، بازشوید ٣٨، باز باشید ٣٩، باز ایستید ٥٣، بازدارید شما ٩٩، منزجر شوید ١١٣

★ لَمْ تَنْتَهُوا: لَئِن لَّمْ تَنتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ (٣٦:١٨)
واز نشید ١، نه باز ایستیت ٣، باز نشوید ٢٢، نه ایستید ٣٠، باز نگردید ٤٢، نه باز شوند ٤٧، باز نه ایستید ٥٦، باز نایستید ١٠٠، باز نایستد ١١١، باز نیستند ١٣٨

تُنْجِيكُمْ: هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنجِيكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (٦١:١٠)
برهاند ١، بَرهاند ٢، رهاند ٣، بَرهاند ٤٢، رهانتان ٩١، باز رهاند ١٠٣

تَنْحِتُونَ: وَتَنْحِتُونَ ٱلْجِبَالَ بُيُوتًا (٧:٧٤)
می کنید ١، همی تراشید ٢، می تراشیت ٣، مَی تراشَید و مَی بریَد ١٠، همی تراشیت ١٠ مکرّر، می کندی ٢٤، می تراشید ید ٢٩، می تراشی ٦٠، می تراشند ٦٩، همی تراشند ٨٤، می برند ١٠٢، میتراشید ید ١٢٢، میکنید سوراخ ١٢٣، می سازید ١٣٣، میکنید ١٣٦

~: وَتَنْحِتُونَ مِنَ ٱلْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ (٢٦:١٤٩)
همی تراشید ٢، همی کنند ٢٤، برمی کنیت ٤١، می برید ٤٧، می تراشید و می سازید ١٠٤، میتراشید ١١١، میتراشید ند ١٢٠

~: قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ (٣٧:٩٥)
می تراشید ١، همی تَراشید ٢، شما می تراشید ٤٢، تراشیده اید ٦٤، همی تَراشید ٨١، تراشید ٨٧

تُنْذِرُ: وَلِتُنذِرَ أُمَّ ٱلْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا (٦:٩٢)
بدس بری[1] ١، بیم کُند ٢، ترساند ٢٦، بترسانی ٢٩، بیم کنند ٥٣، بیم نمائی ٦٤، بترسانی تو ٦٧، بترساند ١٠٥، بیم کرده شود ١١٩

~: فَلَا يَكُن فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِۦ (٧:٢)
بدس برده شی[2] ١، بیم کنی ٢٧، تو آگاهی دهی ٢٩

~: وَتُنذِرَ بِهِۦ قَوْمًا لُّدًّا (١٩:٩٧)
بیم کنی ٢، بیم کنی و بترسانی ٤٤، بیم کن ١١٧

~: لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٍ (٢٨:٤٦)
بیم کنی تو ٥٣، بیم نمایی ٦٤

~: لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ (٣٢:٣)
بیم کنید ١٤، آگاه کنی و بترسانی ٥٨

~: إِنَّمَا تُنذِرُ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ (٣٥:١٨)
بیم می کنی ٤١، بیم میکنی ١١١، بیم مینمایی تو ١٣٢

~: لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أُنذِرَ ءَابَآؤُهُمْ فَهُمْ غَٰفِلُونَ (٣٦:٦)
بیم کند ٦١، بیم نمایی تو ٦٤، بیم فرمایی ١٣٦

~: إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلذِّكْرَ (٣٦:١١)
ترسانی ٩٠، بیاگاهانی ١٠٣، تو بیم کنی ١٢٣

~: لِّتُنذِرَ أُمَّ ٱلْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا (٤٢:٧)
بیم کُنی ٣٢، بیم کُنی ٨١

★ لِتُنْذِرَ: لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٍ (٣٢:٣)
تا آگاه کنی ٤٦

★ لَمْ تُنْذِرْهُمْ: أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (٢:٦)
بیم نکنی ٢، نه کنی بیم ٤، نکنی بیم ٢٤، نه بیمْ گرْدي ٥٥، بیم نکنی تو ٨٩، نترسانی ٩٦، بیم ننمایی ١٠٤

~: ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (٣٦:١٠)
بدس نبری[3] ١، بیم نکردی ٤٢، نه بیم کنی ٥٦، نه ترسانی ١٢٤

---

١. بدس بری: بترسانی، بیم کنی.
٢. بدس برده شی: بیم کنی، بیم دهی.
٣. بدس نبری: بیم نکنی.

تَنْزِعُ: وَتَنزِعُ ٱلْمُلْكَ مِمَّن تَشَآءُ (۳:۲٦)
بَسْتانی ۲، بیرون گیری ۳، براهنجی ۱۰، باز ستانی ۲٤، بـرون کـنـی ۲۵، بکشـی ۲۹، بـاز گـیـری ۳٤، بسـتـانـی ۳٦، واستـانـی ٤۰، بکشد ٤۳، بیرُون می گیری ۵۵، بکنی ۷۵، بگشتی ۷٦، بیرون می آری ۸۰، بیرون آری ۹۱، بستانی تو ۹۹، دور می گردانی ۱۰٤، میستانی ۱۱۱، بیرون کشی ۱۱٤، بیرون میکنی ۱۱۹، میگیری ۱۲۲، می گیری ۱۳۵، بگیری ۱۳٦، تو بازستانی ـبَر کنی ۱۳۸

~: تَنزِعُ ٱلنَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنقَعِرٍ (٥٤:۲۰)
می ورکند ۱، همی بر کند ۲، برمی کند ۳، برمیکند ۲۹، بیرون همی کشند ۳۰، بیفکند ۳۹، بَرمی کشید ٤۲، می بر کند ٤۹، بر کند ۵۳، بیرون می کشید ۵٦، برمی کشید ٦۹، جان بستاند ۸۱، می کشید ۹۲، بیرون کند ۱۰۲، میکند ۱۰٤، بر کنند ۱۰۵، همی بیرون کشند ۱۰۸، می افکند ۱۱۱، برمیکند و بر زمین می انداخت ۱۱٦، می انداخت ۱۲۰

تَنَزَّلُ: هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ ٱلشَّيَٰطِينُ (۲٦:۲۲۱)
فرود آیند ۱، فرو آیند ۷٦، فرو آمد ۹٦، فرو می آید ۱۱٤

~: تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (۲٦:۲۲۲)
فروایند ۲۰، فرو آید ٦۲

~: تَنَزَّلُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ (۹۷:٤)
فرو می آیند ۱۱٤، فرود می آید ۱۲۰، فرو فرستاده میشوند ۱۲۲، فرود آید ۱۲٦

تُنَزَّلَ: أَن تُنَزَّلَ ٱلتَّوْرَىٰةُ (۳:۹۳)
فرود کرده شد ۱، فرو فرستاده شد ۳، فرستادند ۱۰، فرستاده بود ۲٤، فرستاده شود ۵٦، فرو فرستاده آمد ۵۷، فرو فرستاده شود ٦۱، فرستاده شد ۷۵، فرو فرستادند ۱۰٤

~: يَحْذَرُ ٱلْمُنَٰفِقُونَ أَن تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ (۹:٦٤)
فرو کرده شهد ۱، فرو آید ۲٤، فُرو فرستاده شَوَد ۵۵، فرو فرستاده آید ۹٦، فرود آمده شود ۱۱۱، فرود آورده شود ۱۲۰

تُنَزِّلَ: أَن تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَٰبًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ (٤:۱۵۳)
فرود آری ۱، فرو آری ۱۰، بفرستی ۳٦، فرودآری ٤۲، فرو آوری ۵۷، فرو آوری تو ٦۳، فرو آری ۷٦، فرود آیی ۹۷، فرو آوردی ۱۱۱، فرو داری ۱۱۸

~: وَلَن نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا (۱۷:۹۳)
فروداری ۵۳، فرو فرستی تو ٦۱، فرو فرستی ٦٤، فرود آوری ۱۰۰، بیاری ۱۲۱

تَنَزَّلَتْ: وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ ٱلشَّيَٰطِينُ (۲٦:۲۱۰)
فرو آورد ٤۷، فرو آمدند ۵٦، فرو فرستاد ۸۷، فرود آمدند ۱۱۲

★ مَا تَنَزَّلَتْ: وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ ٱلشَّيَٰطِينُ (۲٦:۲۱۰)
فرود نیایند ۱، فرو نیاوردند ۲۰، نیامد فرود ۲٤، نیامد ۵۸، فرود نیاوردند ٦۱، فرو نیاوردست ۸۸، فرو نیاورده است ۹٦، فرو نیایند ۱۰۰، فرود نیامد ۱۰٦، فرود نیاورده ۱۳۲، فرو نیامدند ۱۳۸

تَنْزِيلُ: وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ (۲٦:۱۹۲)
فرو فرستاد ۲۰، سخن گفتن ٤۷، فرستاده ٦۱، فرو فرستاده شده ۱۱٦

~: تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ لَا رَيْبَ فِيهِ (۳۲:۲)
فرستاد ٦۱، فرو فرستاده است ٦٤، بفرستاد ۸۷، فرو فرستادن ۱۰۰

~: تَنزِيلَ ٱلْعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ (۳٦:۵)
فرستاده ۳، فرو فرستاده ۱۸

~: تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْعَلِيمِ (٤۰:۲)
فرستادگان ٦۱

~: تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ (٤۵:۲)

فرستادن ۲

~: تَنزِيلٌ مِن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ (۵٦:۸۰)
فرستاده ۵۱

تَنْزِيلًا: وَنَزَّلْنَٰهُ تَنزِيلًا (۱۷:۱۰٦)
فرود کردن ۱، فُرو فرستادن ۳، فرو فرستیدن ۳٤، فرستادن ۷٦

~: تَنزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ ٱلْأَرْضَ وَٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلْعُلَى (۲۰:٤)
فرو فرستادن ۲، فرود آوردن ٤۳، فرو فرسْتادن ۵۳، فرو آمدن ۷۲، فرود فرستادن ۸٦

~: وَنُزِّلَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ تَنزِيلًا (۲۵:۲۵)
فرود آمدن ۲٤، فرو فرستادنی ٤٦، فرو آوردن ٤۷، فرستاده شدن ۱۲۲

~: إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ ٱلْقُرْءَانَ تَنزِيلًا (۷٦:۲۳)
فرو فرستن ۱۳۰

★ لاَ تَنْسَ: لَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ ٱلدُّنْيَا (۲۸:۷۷)
فرموش مکن ۱، فرامُشت مکن ۲، مه فراموش کن ۳، مکن فراموش ۲٤، فراموش مکن ۳۰، مَهْ فراموش کن ۵۳، فرامش مکن ۱۰۸، نه فراموش کن ۱۲٤

★ لاَ تَنْسَوُا: وَلَا تَنسَوُا ٱلْفَضْلَ بَيْنَكُمْ (۲:۲۳۷)
فرموش مکنید ۱، فرامُشت مکُنید ۲، فراموش مکنیت ۳، نگرَید دست و اندازِید ۱۰، بمداری دست ۲٤، مکنید فراموش ۲۷، فراموش مکنید ۲۹، فرامُوش مَکُنید ٤۲، مَه فرامُوشْ کُنیت ۵۵، مَکنید فراموش ۵٦، مگذاری ٦۰، نه فراموش کنید ٦۱، دست وامدارید ٦۳، فراموش نکنید ٦٤، نکنند فراموش ٦۹، مکن فراموش ۷۲، فرامشت مکنید ۸٤، فرآموش مکنید ۹٤، نه فراموش کند ۱۱۰

تَنْسَوْنَ: أَتَأْمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ (۲:٤٤)
فَرامُوش کُنید ۲، فراموش می کنیت ۳، فرموش می کنید ٤، مَی فرامُوش کُنَید ۱۰، فراموش کنی ۲٤، فراموش میکنید ۲۹، فراموش می کنید ۳٦، فَرامُوش مِی کُنیتْ ۵۵، فراموش می کنی ٦۰، همی فراموش کنید ٦۲، رها می کنیت ۸۳

~: وَتَنسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ (٦:٤۱)
فَرامشت کُنید ۲، فراموش کند ۳، فراموش کنید ۹، فرامشت کنید ۲٦، فراموش کنیت ۳۰، رها کنی ٦۰، فراموش کنیدتان ٦۱، فراموش کنند ۷۹، فرامشت کنیت ۸۸، بگذارید ۹۲، فراموش میکنید شما ۹۹، فراموش میکنند ۱۳۸

تَنْسَی: سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسَىٰٓ (۸۷:٦)
فراموش کنی ۱۲٦

★ لاَ تَنْسَی: سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسَىٰٓ (۸۷:٦)
فرموش نکنی ۱، فرامشت نکُنی ۲، نکنی فراموش ۲٤، فراموش نکنی ۳۰، فراموش مکن ٦٤، فراموش نکنی تو ۹۹، فرامش نکنی ۱۰۸، فراموش نکن ۱۳٦

تُنْسَی: وَكَذَٰلِكَ ٱلْيَوْمَ تُنسَىٰ (۲۰:۱۲٦)
فرموش کرده شی ۱، بَجا ماندندْ ترا ۲، دست بدارند ترا ۲٤، فراموش کنند ترا ۲۹، بجای مانند ترا ۳۰، فراموش کردند ترا ٤۲، دست ازتو باز دارند ۵۳، فراموش کرده شوی ۵۸، فرو گذاشته شوی ٦٤، ترا رها کرد ۷٦، فرامش کرده شوی ۸۰، بهلد ترا فراموش شده ۸۸، گذاشته شوی ۱۰۳، فراموش شوی ۱۰۹، شوی فراموش گذاشته ۱۱۳، فراموش شدی ۱۱٤، واگذاشته شوی ۱۲۲، ترک کنیم ۱۳۸

تَنْشَقُّ: وَتَنشَقُّ ٱلْأَرْضُ (۱۹:۹۰)
بشکافدی و بدردی ۲، شکافته شود ۳، بشکافد ۲٤، بشکافدی ۳۰، بشکافد و می کفد و ببرّد ٤٤، بشکافتی ۵۳، بشکافندی ۵٦، دو نیم شود ۵۸، بچَگد ٦۲، بترقیدمی ٦۹، بشکافند ۸۷، بترقیدی ۹۰، پاره پاره شدی و بدریدی ۹٤، بطرقد ۹٦،

شکافته گردد ۱۰۰، پاره کردند ۱۰۳، باز شکافد ۱۱٦، بدریدی ۱۲٤

لَتَنْصُرُنَّهُ: لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنصُرُنَّهُ (۳:۸۱)
یاری دهید ۲، یاری کنید ۱۰، یاری دهی ۲۵، یاری دهیت هر آینه هر آینه ۲۸، یاری کنیت ٤۱، یاری کنید ۳۹، یاری دَهید ٤۲، باید یاری کنید ۵۸، یاری کنیت هر آینه هر آینه ۹۱

تَنْصُرُوا: إِن تَنصُرُوا ٱللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (٤۷:۷)
یاری کنید ۱۷، یاری دهید ٦۱، نیرو کنید ٦۵، یاری دهند ۸۱، یاری خواهید ۸٦

تُنْصَرُونَ: ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۱۱:۱۱۳)
یاری کرده شویت ۳، یاری کرده شوید ٦۱

~: أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۳۹:٥٤)
یاری کنند تان ۳۸، یاری کنند شما را ۳۹

★ لَا تُنْصَرُونَ: ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۱۱:۱۱۳)
دل سوزی را نیاوید ۷ مکرر، یاری ندهند شما را ۲۹، نکنند تان یاری ٤۱، شما را یاری نکنند ٤۲، یَاری دَاده نَشَوَیت ۵۵، یاری کرده نشوید ۵٦، یاری نکنند شما را ٦۳، یاری نکُنَند شما را ۷٦، یاری تان ندهند ۹۵، یآری کرده نشوید ۱۰۰، یاری کرده نگردید ۱۲۲، یاری نکنند ۱۲٤

~: لَا تَجْـَٔرُوا ٱلْيَوْمَ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ (۲۳:٦۵)
یاری داده نشوید ۳۹، یاری نیابید ٤۲، یاری ندهند ٦۱، یاری کرده نخواهید شد ۱۱۱، یاری نکنند شمَا را ۱۱۹، یاری مند نشوید ۱۲٤، یاری داده نمی شوید ۱۳۲

~: أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۳۹:٥٤)
نه یاری کنند گان ۱۵، نه یاری کنند تانِ ۲۲، نکنند یاری ۸۷، یاری کرده شده نگردید ۱۳۲، یاری نشوید ۱۳٦

تَنْصُرُوهُ: إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ ٱللَّهُ (۹:٤۰)
یاری دهیت ۳، یاری کنید شما ٦۳، یاری کنید ۱۱٤، یاری کند ۱۲٤

★ إِلَّا تَنْصُرُوهُ: إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ ٱللَّهُ (۹:٤۰)
اگر شما یاری نکنید ۳۹، اگر یاری نکنید ٤۲، اگر یاری ندهید ۱۱۳، مگر یاری نکنید ۱۳٦

★ لَا تَنْصُرُوهُ: إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ ٱللَّهُ (۹:٤۰)
یاری نکنید ۵٦، یاری ندهید ۵۸

تَنْطِقُونَ: مَا لَكُمْ لَا تَنطِقُونَ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (۳۷:۹۲)
سخن گوییت ۳، سخن می گوئید ۳۸، سخن گوئید ۵٦

~: إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ (۵۱:۲۳)
سخن گوهید ۱، همی سخن گُویید ۲، سخن می گوییت ۳، می گویید ۲٤، سخن گویید ۲۷، سخن میگویند ۲۹، می گوئید ۳۹، سخن می گویید ۵٦، سخن همی گوید ۱۰۸ همی سخن گویید - سخن میگوئید ۱۱٤

★ لَا تَنْطِقُونَ: مَا لَكُمْ لَا تَنطِقُونَ (۳۷:۹۲)
سخن نمی گوهید ۱، سخن همی نگویید ۲، نمی سخُن گویید ۲۲، نگویند سخن ۲٤، سخون می نگویید ۳۳، سخون نمی گوئید ۳۹، سخن نمی گویید ٤۲، سخن نمی گوئید ٤۳، نه سخن همی گویید ۵۳، سخن نگویید ٦۱، سخن نگوییت ۹۱، سخن نمی کنید ۹٦، سخن نمیگوئید ۱۰۰، سخن نمیگویید ۱۰۸، سخن نگوئید ۱۱٤

★ لِتَنْظُرْ: وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ (۵۹:۱۸)
گو بنگر ۱، بنگردا ۲، نگردا ۳، بنگر ۳۹، گو چشم دار ٤۱، بنگراد ۵٦، گو بنگردا ٦۱، باید که بنگرد ۸۱، باید که بنگرید ۱۱۳، باید بنگرد ۱۳۲، نگاه کند ۱۳٦

تَنْظُرُونَ: وَأَغْرَقْنَا ءَالَ فِرْعَوْنَ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ (۲:۵۰)
همی نگرید ید ۲، می نگریستیت ۳، می نگرید ٤،

مَی دِیدَی ۱۰، می نگریستی ۲٤، همی نگرستید ۲۹، می دیدید ۳٦، همی نگرید ٤۲، همی نگریدیْد ۵۳، مِی نِگرَسْتِیت ۵۵، همی نگریستید ٦۲، نگرستید ۷٦، می دیدیت ۸۰، همی نگریستیت ۸۳، بنگرید ۹۰، همی نِگرِستِید ۹٤، مشاهده میکردید ۱۳۰

~: فَأَخَذَتْكُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ (۲:۵۵)
مَی نَگرِستَید ۱۰، نگریدید ۵۳، مِی نگرِستِیْت ۵۵، می نگَریدی ۵۷، چشم میدارید ٦٤، می نگرستی ۹۵، نگران بودید ۱۰٤، میدیدید ۱۲۲، نگاه میکردید ۱۳۵

~: فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ (۳:۱٤۳)
می نگرستید ۱، همی نگریدیذْ ۲، مَی نگریستَید ۱۰، می نگرستِید ۲۳، نگریستید ۲۷، چشم می داریت ٤۱، می نگریستید ۵۸، مینگریستید ٦۳، مینگرستید ٦۷، نگریدیت ۸۳، مینگریستید بیکدیگر ۱۱۱

~: وَأَنتُمْ حِينَئِذٍ تَنظُرُونَ (۵٦:۸٤)
می نگرید ۱، می نِگَرید ۵۱، می نگریت ۸۰، مینگریت ۱۱٦

★ لَا تُنظِرُونِ: ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ (۷:۱۹۵)
مدهی زمان ۲٤، زمان مدهیت ٤۱، درنگ مدهید ٤۹، زمان ندهید ٦۳، منگرید ۹۹

~: ثُمَّ ٱقْضُوٓا۟ إِلَىَّ وَلَا تُنظِرُونِ (۱۰:۷۱)
هیچ زمانُم مدهَید ۱۰، میدهید زمان ۱۳، مدهی زمانم ۲٤، مه دهید زمان ۲۷، زَمان مدهید ۲۹، نه زمان دهید ٦۱، مپایید ۱۰۹، مهدهید ۱۱۳

~: فَكِيدُونِى جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ (۱۱:۵۵)
زمان مدهید ۱، مدهی زمان ۲٤، زمان میدهید ۵۹، زمآن مدهید ۱۰۰

تَنْفُخُ: فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًۢا بِإِذْنِى (۵:۱۱۰)
بدمیدی ۲، در دمیدی ۳، اندر دمیدی ۲۷، همی اندر دمیدی ۲۹، دا دمیدی ۳۰، می دمیدی ۳٦، در دمید ۳۸، بَدمیدی ٤۵، در دمی تو ٦۱، همی دمیدی ٦۲، در دمی ۷۹، در دمیدی تو ۸۹، دم دمید ۹٦، درمیدمیدی ۱۰۰، میدمیدی ۱۰۳، میدمی ۱۲۲، اندر دمید ۱۲٤، دمیدی تو ۱۳۸

تَنْفَدَ: لَنَفِدَ ٱلْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَٰتُ رَبِّى (۱۸:۱۰۹)
کرانه شهد ۱، سپری شود ۳، گسسته شوند ۲۹، سپری گردد ۳۹، سپری شدی ٤۹، سپری گشتی ۵۲، بَرسَدْ ۵۳، بسپری شود ۵٦، برسیدی ۵۸، سپری شوند ٦۱، برسد ٦۲، بپایان رسیدی ٦٤، سپری شد ۱۳۹

تَنْفُذُوا: إِنِ ٱسْتَطَعْتُمْ أَن تَنفُذُوا۟ مِنْ أَقْطَارِ (۵۵:۳۳)
گذریت ۳، بگذرید ۲٤، بیرون رویت ٤۱، بیرون روید ٦٤، نیست کنید ۸۱، در گذرید ۸۷، بیرون شوید ۹۲، گذر کنید ۱۱٤، کوچ کنید ۱۳٦

تَنْفُذُونَ: لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَٰنٍ (۵۵:۳۳)
گدریت ۸۰، بیرون توانید شد ۹۰

★ لَا تَنْفُذُونَ: لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَٰنٍ (۵۵:۳۳)
بیرون نشید ۱، بیرُون نشوِید ۲، مگذرید ۲۹، بیرون نشویت ۳۰، نتوانید گذشت ۵٦، در نگذرید ٦۹، بیرون نشوید ۷۹، نتوانید رفتن ۸۹، بیرون نتوانید شدن ۹۲، نتوانید گذشتن ۹٦، بیرون نتوانید رفت ۱۰۰، نگذرید ۱۱٤، بیرون نمی توانید شد ۱۱٦، بیرون نمیروید ۱۲۰

تَنْفِرُوا: إِلَّا تَنفِرُوا۟ يُعَذِّبْكُمْ (۹:۳۹)
بیرون رویت ۳، بیرون شوید ۱۱، بکار زار شوید ۲۹، بیرون بروید ٦۳

★ إِلَّا تَنْفِرُوا: إِلَّا تَنفِرُوا۟ يُعَذِّبْكُمْ (۹:۳۹)
اگر بیرون نشوید ۲۷، اگر بیرون نروید ٤۲، اگر بیرون نیاید ۵٦، اگر نه بیرون روید ٦۱

★ لاَتَنْفِرُوا: إِلَّا تَنفِرُواْ يُعَذِّبْكُمْ (۹:۳۹)
بیرُون نشوید ۲، نه بیرون شوید ۳۸، بیرون نرویت و گرد نیابیت ۴۱، نَهْ شوید ۵۳، نَه بُرُون رَویت ۵۵، بیرون نروید ۵۸، بیرون نروی ۶۰، نه بیرون روید ۶۱، نبشوید ۶۲، نروید ۱۰۴، بیرون نشوی ۱۲۴

~: وَقَالُواْ لَا تَنفِرُواْ فِي ٱلْحَرِّ (۹:۸۱)
بیرون مشید ۱، بیرُون مروید ۲، بیرون مشوی ۲۴، بکار زار مروید ۲۹، نه بیرون رویت ۳۰، بیرون مروید ۳۶، بیرون مرویت ۴۱، مروید ۴۲، نه بیرون روید تان ۶۱، بیرُون مَشَوید ۶۲، مه بیرون رویت ۹۱، بیرون نشوید ۹۰، مه بیرون شوید ۱۰۷، بیرون نشوند ۱۲۴

تَنَفَّسَ: وَٱلصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ إِنَّهُۥ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۸۱:۱۸)
ور دمد ۱، دم زند ۲۹، روشن شود- بدمد ۳۶، بدمد ۳۸، روشن شود ۵۶، دمیدن گیرد و روشن شود ۶۴، دم بزند ۸۹، بدمد نسیم ۱۰۴، دم زند- برآید ۱۲۴، زنده شود ۱۲۶، در دمد ۱۲۹

تَنْفَعُ: يَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ (۲۰:۱۰۹)
سُودْ کند ۵۳، سود می دارد ۱۰۲، سود میرساند ۱۰۳، سود همی دارد ۱۰۹، سود دهد ۱۱۴، سود میدهد ۱۳۲

★ لاَتَنْفَعُ: يَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ (۲۰:۱۰۹)
سُود ندارد ۲، نکند شود ۲۴، سود نکند ۴۲، سود ندارد ۷۶

~: وَلَا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ عِندَهُۥٓ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُۥ (۳۴:۲۳)
نه سود کند ۲۲، سودمند نیاید ۸۶، سودی نکند ۱۳۸

تَنْفَعَكُمْ: لَن تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُمْ (۶۰:۳)
سود آرد ۸۰، سود داردتان ۱۱۴

★ لَنْ تَنْفَعَكُمْ: لَن تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُمْ (۶۰:۳)
هرگز سود ندارد ۵۶، سود نکند ۸۱، هرگز سود نکند ۸۷، سود ندارد ۹۶، سود نکنند ۱۲۳

فَتَنْفَعَهُ: أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ ٱلذِّكْرَىٰٓ (۸۰:۴)
سود دارد ۳۴، سودمند شود ۴۱، سود کند ۱۱۴، سود دهد ۱۲۰

تَنْفَعُهَا: وَلَا تَنفَعُهَا شَفَٰعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۲:۱۲۳)
سود کند ۳، سود دارد ۱۰، سُودْ دارَد ۵۵

★ لاَتَنْفَعُهَا: وَلَا تَنفَعُهَا شَفَٰعَةٌ (۲:۱۲۳)
سُود نَدارد ۲، سود ندارد ۲۹، سُود نه دارد ۴۰، ندارَد سود ۴۱، سود ندهد ۱۱۸

تَنْفَعُهُمْ: فَمَا تَنفَعُهُمْ شَفَٰعَةُ ٱلشَّٰفِعِينَ (۷۴:۴۸)
سود کند ۱۱۴

★ مَا تَنْفَعُهُمْ: فَمَا تَنفَعُهُمْ شَفَٰعَةُ ٱلشَّٰفِعِينَ (۷۴:۴۸)
سود نداشت ۶، سود ندارد ۳۰، نداشت سود ۳۹، سودمند نبود ۱۰۰، سود نکند ۱۱۶

تُنْفِقُوا: مَا تُنفِقُواْ مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنفُسِكُمْ (۲:۲۷۲)
هُزینه کُنیْد ۲، هزینه می کنیت ۳، کنید هزینه ۱۲۷

~: وَمَا تُنفِقُواْ مِنْ خَيْرٍ (۲:۲۷۳)
بدهید ۲۷، هزینه کنید ۵۷

~: لَن تَنَالُواْ ٱلْبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ (۳:۹۲)
خزین کنید ۱، هُزینه کنید ۱۰، هزینه کُنید ۲۳، بدهید ۴۰

~: وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَيْءٍ (۸:۶۰)
خزین کردید ۱، گزینه کنید ۹۶

~: لِتُنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ (۴۷:۳۸)
خزین کنید ۱، هزینه کنند ۱۷، هُزینَه کُنید ۸۱

~: وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ (۵۷:۱۰)
هزینه کنیت ۸۰

★ لَاتُنْفِقُوا: وَمَالَكُمْ أَلَّاتُنفِقُوا فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ (۵۷: ۱۰)
هزینه نکنید ۳۰، نمیدهید ۱۳۶

~: لَاتُنفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ (۶۳: ۷)
خزین مکنید ۱، هزینه مکنید ۳۰، مکنیت هزینه ۴۱، مه هزینه کنیت ۸۰، مه هزینه کنید ۹۴

تُنْفِقُونَ: وَلَاتَيَمَّمُوا ٱلْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ (۲: ۲۶۷)
هزینه کنیت ۴۱، هزینه میکنید ۶۱

★ مَا تُنْفِقُونَ: وَمَاتُنفِقُونَ (۲: ۲۷۲)
شما را چیز نواید دادن ۱۰، نمی کنیت هزینه ۴۱، هَزینه نَکُنید ۴۲، هزینه نکنید ۵۲، نمی کنید هزینه ۵۷، نه هزینه کنید ۸۸

تُنْقِذُ: أَفَأَنتَ تُنقِذُ مَن فِي ٱلنَّارِ (۳۹: ۱۹)
برهانی ۱، تُوانی رَهانیدن ۲، بَرهانی ۲۲، توانی رهانیدن ۲۴، می رهانی ۴۱، برهانی ۴۳، بُرَهانی ۵۳، بیرون توانی آورد ۶۴، برهَانی ۸۱، بتوانی رهانید ۱۰۰، میرهانی ۱۰۲، می افکنی ۱۲۱، رهانیدن ۱۳۸

تَنْقُصُ: قَدْعَلِمْنَامَاتَنقُصُ ٱلْأَرْضُ مِنْهُمْ (۵۰: ۴)
بکهد ۱، بکاهد ۲، کم کند ۳، کم می کند ۶، بکاهاَند ۴۲، بَکاهَدْ ۵۳، کم می شود ۶۴، با کم میکند ۱۰۰، می کاهد ۱۰۲، باز کم میکند ۱۰۶، کم گرداند ۱۱۶، باز کم می کند ۱۳۸

★ مَا تَنْقُصُ: قَدْعَلِمْنَامَاتَنقُصُ ٱلْأَرْضُ مِنْهُمْ (۵۰: ۴)
کم نکند ۱۰۵

★ لَاتَنْقُصُوا: وَلَاتَنقُصُوا ٱلْمِكْيَالَ (۱۱: ۸۴)
مکهید ۱، مَکاهید ۲، کم مکنیت ۳، مسنجید کم ۷ مکرّر، وامکاهانید ۲۹، کم مکنید ۳۶، نه کاهید ۳۸، نکاهانید ۵۳، کَمْ مَکُنیْت ۵۵، مکاهانید ۵۷، نه شکنید ۶۱، مَکاهید ۶۲، بازمکاهانید ۶۳، کم نکنید ۶۴، مکنید کم ۶۹، مکاهید ۷۶، باز مکاهانید ۱۰۰، هیچ کم مکنید ۱۰۴، کم مپیمائید ۱۱۶، مکشید کم و مکنید کم ۱۳۶

تَنْقُضُوا: لَاتَنقُضُوا ٱلْأَيْمَٰنَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا (۱۶: ۹۱)
باز شکافید ۱۰۶

★ لَاتَنْقُضُوا: وَلَاتَنقُضُوا ٱلْأَيْمَٰنَ (۱۶: ۹۱)
مشکنید ۱، مشکنید ۲، مه شکنیت ۳، مشکافید ۲۹، مه شکنید ۳۰، مشکنیت ۴۱، مشگنید ۵۳، مَه شِکَنیْت ۵۵، مشکابید ۵۷، باز مشکافید ۶۳، نشکافید ۷۶، نه شکنید ۱۲۴

تَنْقَلِبُوا: فَتَنقَلِبُوا خَٰسِرِينَ (۳: ۱۴۹)
واز گردند ۱، باز گردید ۲، باز گردیت ۳، بر گردند ۱۰، بر گردید ۳۸، بر گردد ۶۹، شما باز گردید ۹۶، باز گردید شما ۱۰۴، برخواهید گشت ۱۲۲، گردید شما ۱۲۳، گردید ۱۲۴

~: وَلَاتَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنقَلِبُوا خَٰسِرِينَ (۵: ۲۱)
واز گردید ۱، بر گردیت ۳، بگردید ۷۰، شما گردید ۹۶

تَنْقِمُ: وَمَاتَنقِمُ مِنَّآ (۷: ۱۲۶)
کینه کشی ۴۵، کینه کشی تو ۶۱، کینَهْ دارَی تو ۵۳، کینه داری ۶۲

★ مَا تَنْقِمُ: وَمَاتَنقِمُ مِنَّآ (۷: ۱۲۶)
کینه همی نکشی ۲، ناپسند نمی داری ۳، هیچ کینه نداری ۱۰، نپسندی ۲۷، ناپسند نمی داری ۳۰، کین نکشی ۳۵، کینه نکشی ۴۲، ناپسندی نکنی ۴۳، نَاپِسَنْد نمی‌دَاری ۵۵، کینه نداری و چه کینه دارَی ۵۸، زشت نمی آید ۶۳، نخواهی کشید کینه ۶۴، ناپسندی نکند ۶۹، کینه همی نه کشی ۸۳، نمی آهنجی کینه ۹۴، تو کینه نکشی ۱۰۲، کینه مکش ۱۱۲، ناپسند نمیداری ۱۱۴، کینه نمی کشی ۱۲۴، نمی آهنجید کینه ۱۲۷

تَنْقِمُونَ: هَلْ تَنقِمُونَ مِنَّآ إِلَّآ أَنْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ (۵: ۵۹)
کینه همی کشید ۲، ناپسند می داریت ۳، کینه

دارید ۲۷، کینه می کشید ٤٢، کینه آرید ٤٥، ناپسند باشید ٥٦، همی کین کشید ٥٧، ناپسندی می کنید و کینه ٥٨، کینه می کشید تان ٦١، راست نمی آید شما را ٦٣، کینه می آهنجید ٦٤، کینه کشید ٦٧، کینه آهنجید ٨٢، کینه همی کشیت ٨٣، الفنجید کینه ٩٠، کشید ٩٨، کینه میکشید ١٠٥، خوش میدارید ١٣٥، زشت نمی دارید ١٣٨

تَنْكِحَ: حَتَّىٰ تَنكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُۥ (٢٣٠:٢)
به شوی کند ١، بزنی بباشد ٢، شوی کند آن زن ٢٧، شوهر بکند ٢٩، شوی کند ٣٠، بخواهد زن ٤١، بزنی باَشد ٤٢، بزنی باشد ٥٢، بزنی کند ٦١، شوهری کند ٦٣، شوهر کند ١٢٤

تَنْكِحُوا: وَلَآ أَن تَنكِحُوٓا۟ أَزْوَٰجَهُۥ (٥٣:٣٣)
بزنی خواهید ٨٦، بَزَن کنید ١١٩، بزنی بخواهید ١٣٢

★ لَاتَنْكِحُوا: وَلَا تَنكِحُوا۟ ٱلْمُشْرِكَٰتِ (٢٢١:٢)
به زنی مکنید ١، مه کُنید بَزنی ٢، نگرَید بَزنی نَکُنَید ١٠، مه کنید بِزَنی ٢٧، بزنی مکنیت ٣٠، زن مدهید ٣٤، بزنی مخواهید ٣٦، بزَنیِ مکُنید ٤٢، بزنی مَدهیدْ ٥٣، بزَنی مَکُنِیت ٥٥، زن مخواهید ٥٧، نه بزنی کنید ٦١، مخواهید ٦٢، نگر بزنی نه کنید ٦٣، نخواهید بزنی ٦٤، بزن مکنید ٧٦، بزنی نکنید ٩٠، بزن مکنی ٩٥، بزنیِ مکنید ٩٦، بزنی مکنید شما ٩٩، مخواهید شما ١٠٤، زن مکنید ١٠٦، بزنی نخواهید ١١٥، مدهید بزن ١٣٠، بزنی مگیرید ١٣٦

~: وَلَا تَنكِحُوا۟ مَا نَكَحَ ءَابَآؤُكُم (٢٢:٤)
بزنی مکُنید ٢، مه خواهیت ٣، نگرید بزنی نکنید ١٠، مکنی بزنی ٢٤، نگر بزنی نکنید ٤٠، مه بزنی کنید ٥٣، مکنید بزنی ٥٧، بَزَنی مَکُنید ٩٤، زن نکنید ١٢٦

★ لَاتُنْكِحُوا: وَلَا تُنكِحُوا۟ ٱلْمُشْرِكِينَ (٢٢١:٢)
بزنی مدهید ٢، مه بزنی دهیت ٣، نگرَید زن ندهَید ١٠، زن مدهید ٢٩، مدهیت بزنی و مکنیت ٤١، مکنید زنان ٥٣، نه بزنی دهید ٦١، بزنی مدهید ٦٧، مه بزنی دهید ٨٨، بزنی مکنید ٩٢، بزنی مَدِهید ٩٦، بزنی ندهید ١٠٥، زن مکنید ١٢٤

تَنْكِحُوهُنَّ: وَتَرْغَبُونَ أَن تَنكِحُوهُنَّ (١٢٧:٤)
بزنی کنید ١، بزنی کُنَید ١٠، بزنی کردن ٢٤، بزنی گَردن ٦١

~: أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَآ ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ (١٠:٦٠)
بزنی کنید ١، بزنی کنیت ٣، بزنی خواهید ١٢٢، زن کنید ١٣٦

تُنْكِرُونَ: فَأَىَّ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُنكِرُونَ (٨١:٤٠)
ناخستون می شوید ٦٤، انکار می کنید ١٣٦

تَنْكِصُونَ: فَكُنتُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَٰبِكُمْ تَنكِصُونَ (٦٦:٢٣)
می واز خزیدید ١، همی گشتید ٢، واپس می شدید ٢٩، همی بازگشتند ٣٠، همی بازگشتید ٣٤، بازگردید ٣٩، باپس شد گان ٤٢، بازگردند گان ٤٣، همی بازگردیدید ٤٧، می بازایندْ ٥٣، نمی پذیرفتید و بازمی گشتید ٥٨، بازمی گسشتید ٦٤، بازپس می خزید ٦٩، بازپس می خزیدند ٧٢، بازگردنده ٧٦، می بازگشتید ٧٧، بازمی گردیدید ٧٩، بازگردند گان - با سپس می رفتید ٨٠، بازمی گشتند ٨٧، می دویدید ٨٩، برمی گشتید ١٠٠، پس میرفتید ١٠٣، می پوئید ١٠٦، برمی گشتیدی و پس می خزیدیدی ١٠٩، بازبسر می شدی ١١٩، می رفتید ١٢١، بازمیگردید ١٢٣، بازگردید گان ١٣٠، برمیگشتید ١٣٢، می گردیدند ١٣٨

تَنْكِيلاً: وَٱللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنكِيلًا (٨٤:٤)
بند کردن ٣، بَبَنْد کردن ٣٠، زشتکاری ٣١، بیم کردن ٣٩، بُه بَنْد گَرْدن ٥٥، رسوا کردن ١٠٢، شکنجه کردن ١٠٩، زشت کاری ١١٢، به بند

کردن ۱۱۴

أَتَنْهَانَا[1]: أَتَنْهَـٰنَآ أَن نَّعْبُدَ مَا يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَا (۱۱:۶۲)
واز زنی ۱، همی باز داری ۲، باز می داری ۳، وامی داری ۲۹، همی باز داری ۳۸، باز می داشتی ۴۳، باز می داری ۵۵، بازداری ۵۶، بازمی داشتید ۵۷، باز می زنی تو ۶۱، باز زد میکنی ۷۴، باز میداری ۱۰۴، باز داریمان ۱۱۴، باز دارید ۱۱۸

★ لاتَنْهَرْ: وَأَمَّا ٱلسَّآئِلَ فَلَا تَنْهَرْ (۹۳:۱۰)
سرْد مکن ۲، بمران ۲۴، باز برمزن و درشت مگوی ۶۴، سرد مکن ۸۸، مران ۹۰، بانگ برمزن و از پیش مران ۱۰۲، بسر باز مزن ۱۱۳، بانگ برمزن و بازمزن ۱۱۹، بانگ برمزن ومران ۱۲۴، مزن بانگ ۱۲۹، دلتنگ مکن ۱۳۶

★ لاتَنْهَرْهُمَا: فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا (۱۷:۲۳)
بانگ مزن ۱، نه سَرْد کُن ۲، بانگ برمزنشان ۳، باز مزن ۸، سخن زشت مگو ۲۴، وامزن ۲۹، بانگ برمزن ۳۰، مَه بانگ زَنْ ۵۳، بانگ بَرمَزن ۵۵، وازمزن ۵۹، نه بانگ زن ۶۱، مزنید بانگ ۶۹، مران ۷۶، سرد مکن ۸۳، سرباز مزن ۸۸، سرمکن ۹۶، بانگ برایشان مزن ۱۰۵، بانگ مزن و بسر باز مزن ۱۱۳، بانگ سخت مزن ۱۲۳، نه بانگ کنی ۱۲۴

تَنْهَوْنَ: وَتَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (۳:۱۱۰)
می واز زنید ۱، باز مزنند ۲۳، باز می دارید ۳۶، باز می زنید ۳۹، باز داریت ۴۱، باز می دارید ۴۲، باز داری ۶۰، باز دارند ۸۸، باز میدارید ۱۰۳، بازمیدارند ۱۰۴، باز دارید ۱۲۹

تُنْهَوْنَ: إِن تَجْتَنِبُوا۟ كَبَآئِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ (۴:۳۱)
می واز زده شید ۱، بازدارند شما را ۲، بازداشته می شویت ۳، باز زده شدید ۲۷، باز زده می شوید ۳۹، بازدارند شما را ۴۲، بازداشته شدید ۴۳، باز زنند ۵۳، باز می دارند شما را ۵۷، باز داشته می شوید ۵۸، باز زده شوید ۶۱، بازداشته شده است ۶۵، بازداشته شود ۸۲، می باز زده شوید ۹۲، بازدارند ۱۰۵، بازداشته میشود ۱۱۹، بازداشته شده اید ۱۲۱، بازداشته شوید ۱۲۷

تَنْهَى: إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنْهَىٰ عَنِ ٱلْفَحْشَآءِ (۲۹:۴۵)
می واز زند ۱، بازدارد ۲، بازدار ۲۱، باز دارَد ۴۱، بازمیدارد ۴۲، باز زند ۴۶، بازمی دارد ۶۱، بازد آرد ۱۰۰، باز آرد ۱۰۶، باز می زند ۱۱۷

لَتَنُوأُ: مَآ إِنَّ مَفَاتِحَهُۥ لَتَنُوٓأُ بِٱلْعُصْبَةِ (۲۸:۷۶)
می گران کرد ۱، همی گران آمد ۲، گران می کرد ۳، گران آمدی ۲۴، گران بار گردی ۲۹، گران بکند ۳۴، گران بار برآمدندی ۳۹، گران بکردی ۴۲، گران باز کند ۴۳، فرو کشیدی ۴۶، بگرانی برداشتند ۴۷، گران بُود ۵۳، فرو کشیدی و گران بار کردی ۵۶، گران باری کردی ۶۱، سنگی آمدی ۷۶، گران بار می کرد ۷۹، گران بار کند ۸۷، همی گران آمد ۹۴، برنج می آورد ۱۰۰، گرانی میکرد ۱۰۳، گران بار می گرداند ۱۰۴، برنج آوردی ۱۰۶، گران میکرد ۱۱۴، گران بود ۱۲۴، گران آمد ۱۲۹، برنج آورد ۱۳۸، گران بودی ۱۳۹

ٱلتَّنُّورُ: حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَمْرُنَا وَفَارَ ٱلتَّنُّورُ (۱۱:۴۰)
تَنُورْ یا سپیده ۲، آتش دان ۱۰۹

~: فَإِذَا جَآءَ أَمْرُنَا وَفَارَ ٱلتَّنُّورُ (۲۳:۲۷)
سپیده ۲، تنور ۲۴، طنور[2] ۷۷، آب خور ۱۳۹

★ لاتَنِيَا: وَلَا تَنِيَا فِى ذِكْرِى (۲۰:۴۲)

---

۱. همزه در این کلمه استفهامی است و چون جزو اصل کلمه نیست، در ترجمه ها منظور نشده است.

۲. متن اصلی قرآن بدین صورت است: «قور» بدون الف مربوطه به «ط» که البته تصحیفی از «تنور» هم تواند بود.

سست مشید ۱، سُسْتی مکُنید ۲، سُستی مکنیت ۳، مکنی سستی ۲٤، سستی مکنید ۲۹، سست مشوید ۳۹، سستی مکن ٤۳، مه سُسْتی کنید ۵۳، سستی نکنید ٦٤، سستی مکنیت ۸۰، مکنید سستی ۸۷، شما هر دو سستی مکنید ۹٦

تَهْتَدُوا: كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَـٰرَىٰ تَهْتَدُوا (۲: ۱۳۵)

راه راست یابید ۲، بر راه راست باشید ۱۰، راه یاوید ۲٤، راه یافتیت ٤۱، راه راست باشید ٤۰، راه بیابید ٦۷، راه راست گرفتید ۹۰، رآه یابید ۹٤، راه یابید ۱۰۰، راه یافته باشید ۱۰٤، راه راست یابند ۱۰۵

~: لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَـٰتِ ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ (٦: ۹۷)

راه بریت ۳، راه برید ۲٦، راه راست برید ۲۷، راه می بابیت ٤۱، راه برید و راه یابید ۵۸، راه می برید ٦۳، راه بازدانید ٦۵، راه گیرند ۷۵، یابید ۱۱۱

~: وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا (۲٤: ۵٤)

راه یاوید و براه راست باشید ٤۷، راه راست یَابید ٦۱، راه یابید ۷٦

تَهْتَدُونَ: لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۲: ۵۳)

راه راست گیرید ، راه راسْت گیرید ۲، راه راست یاوَید ۱۰، راه یافتگان باشید ۲٤، راه یابید ۲۹، راه راست گیرید ٤۲، رَاه رَاسْت گیرِیْت ۵۵، راه یاوی ٦۰، راه راه راست گیرید ۷٦، رآه رآست یابید ۹٤، راه یابید شما ۹۹، راه دریابید ۱۱۵، شما راه یابید ۱۲۷، راه یافته شوید ۱۳۵، راه راست یابی ۱۳۸

~: وَلِأُتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۲: ۱۵۰)

راه راست گیرید ۳، راه یافتگان باشی ۲٤، براه راست بَاشید ٤۲، بدانید ٤۰، براه راست باشید ۵۲

~: كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَايَـٰتِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۳: ۱۰۳)

ره برید ۱، راه راسْت گیرید ۲، راه راست یاوید ۱۰، راه یابید و راه برید ۳۹، رَاه راستِ گیرید ٤۲، راه یابید ۷٦

~: وَٱتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۷: ۱۵۸)

راه راست یابیت ۳، راه راست یابی ۱۰، رَاهْ یاوید ۵۳، راه راست دریابید ٦٤، راه یافتگان ۱۱۰

~: لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱٦: ۱۵)

راه بَرید ۲، راه یَابیْد ۵۳، رَاه رَاسْت گِیرِیت ۵۵، راه یابَید ٦٤، راه دان شوی ۹۵

~: وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (٤۳: ۱۰)

راه می بریت ۳، راه یابند ۱٦، راه می بَریت ۳۲، راه یابیت ٤۱، بر راه راست روید ۳۹

تَهْتَدِي: أَتَهْتَدِيٓ أَمْ تَكُونُ مِنَ ٱلَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ (۲۷: ٤۱)

ره برد ۱، بازداند ۲٤، راه برد ٤۳، بداند ٤٦، راه یابد ۵۳، بشناسد ۵۸، راه داند ٦۱، خود بداند ۷٦، راه می یابد ۱۰۰، راه می بازد ۱۱۳، بازمیشناسد ۱۳۲، راه می برد ۱۳۸

تَهْتَزُّ: وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنٌّ (۲۷: ۱۰)

می جنبد ۱، می جُنبید ۲، می جنبید ۲٤، می جنبد و می پیچد ٤۸، می جُنبد ۷٦، میدوید ۱۰۲، بجنبید ۱۰۵، همی جنبد ۱۰۸

~: تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ (۲۸: ۳۱)

می جنبید ۱، همی جنبید ۲، جنبید ۲۱، میجنبید ٤۸، همی حمبد ۵۳، می جنبیدن ٦۱، میلرزید ۱۱٤

فَتَهَجَّدْ: وَمِنَ ٱلَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِۦ نَافِلَةً لَّكَ (۱۷: ۷۹)

بیدارباش ۱، بیدار باش ۲، ورخیز ز خواب ۲٤، بیدار شو ۲۹، برخیز ۳۸، برخیز از خواب ٤۸، بیدار کُنْ ۵۳، بیدَار بَاش ۵۵، بیدار باش بشب ۵٦، بیدار دار ۵۹، برخیز از خواب و نماز کن ٦۲، بی خواب باش ۷۹، برخیزید ۸۸، بیخواب باش ۱۰٤، بی خواب باش شب ۱۱۳، بگذار ۱۲۱، بیدار گر ۱۲۸

تَهْجُرُونَ: مُسْتَكْبِرِينَ بِهِۦ سَـٰمِرًا تَهْجُرُونَ (۲۳: ٦۷)

بیهوده همی گفتید ۲، بیهوده می گفتیت ۳، هرزه میگفتید ۲۹، گوینـد گان زشت ٤۲، بیهوده می گوئید ٥٦، بیهوده کنند گان ٥۸، سخنهای بیهوده ۷٦، می دشنام دادند ۷۷، ناسزا می گفتید ۷۹، دوری میگزینید ۱۰۰، یاوه می گفتید ۱۰۳، بیهوده می گویند ۱۰۹، بیهوده گفتید ۱۱٤، زشت می گفتید ۱۱۹، بیهوده میگفتند ۱۲۱، بیهوده می گوید ۱۲٤، افسانه گویان ۱۲٦، بیهوده میگفتید ۱۲۹، دوری گزینید ۱۳۲

تَهْدُوا: أَتُرِيدُونَ أَن تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ ٱللَّهُ (٤:۸۸)
راه نمایید ۳۰، راه نمایند ٥۳، راه نمایید ٥٦

تَهْدِي: تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَآءُ وَتَهْدِي مَن تَشَآءُ (۷:۱٥٥)
راه نمایی ۲٤، راه نمائی ٦٤، راه مینمایی ۱۲٦، راه بنمایی ۱۲۷

~: وَإِنَّكَ لَتَهْدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (٤۲:٥۲)
راه می نمایی ٦۱، راه یابد ۸۱، راه توانی نمودن ۱۳۸

★ لَا تَهْدِي: إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ (۲۸:٥٦)
نتوانی راه نمودن ٥٦، راه ننمایی ٦۱، راه نتوانی نمود ۱۲٦

★ لَا تَهِنُوا: وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا (۳:۱۳۹)
سست مشید ۱، سُسْت مشوید ۲، مه سستی کنیت ۳، سستی مکنید ۱۰، مکنید بد دله ۲٤، نگر تا سست کار نباشید ۲۷، نگر سستی نه کنید ٤۰، سُست مشوید ٤۲، سستی منمایید ٤۹، نه سستی کنید ٥۳، مَه سُسْتِی کُنِیتْ ٥٥، سست مشوی ٦۰، نه سست شوید ٦۱، سستی نکنید ٦٤، نه کنید سستی ۷۲، مَه گردید سست ۸۲، مه سست شوید ۹٤، سست مگردید ۱۲۷

~: وَلَا تَهِنُوا فِي ٱبْتِغَآءِ ٱلْقَوْمِ (٤:۱۰٤)
سُستی مکُنید ۲، سستی مکنیت ۳، نگرَید سستی و نومیدی نکُنَید ۱۰، مکنی سستی ۲٤، سُستی مکنید ٤۲، مَکنید سُستی ٤٥، نه سُست باشید ٥۳، سُستی مکنید ٥٦، سُستی مکن ٦۰، سست مکنید ۸٤، مشوید سست ۹۲، سُسْتی مکنیت ۹۷، نه سست باشید ۱۲٤

~: فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوٓا إِلَى ٱلسَّلْمِ وَأَنتُمُ ٱلْأَعْلَوْنَ (٤۷:۳٥)
سُست مشوید ۲، سست مشوید ٦، مکنید سستی ۲٤، سستی مکنید ٥۱، سست مباشید ٥۳

تَهْوَى: بِمَا لَا تَهْوَىٰٓ أَنفُسُكُمُ ٱسْتَكْبَرْتُمْ (۲:۸۷)
خواهد و دوست دارد ۳، خوش آمد ٤۰، آرزو بردند ٦۱، خواهد ۹۰

~: كُلَّمَا جَآءَهُمْ رَسُولٌۢ بِمَا لَا تَهْوَىٰٓ (٥:۷۰)
دوست دارد ۳، خواستی ۹۰

~: إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَمَا تَهْوَى ٱلْأَنفُسُ (٥۳:۲۳)
آرزوا کند ۱، آرزوُ کند ۲، می خواهد ۳، آرزو کند ۳۸، بخواهد ۳۹، خواست ٤۳، خَواهَدْ ٥۳، دوست میدارید ۸٦، آرزو کنید ۱۰۸، خواسته ست ۱۱۳، میخواهید ۱۱٤، خواهش میکند ۱۳٦، آرزو کنند ۱۳۸

★ لَا تَهْوَى: بِمَا لَا تَهْوَىٰٓ أَنفُسُكُمُ ٱسْتَكْبَرْتُمْ (۲:۸۷)
آرزو نکند ۲، ناخوش آمدَی ۱۰، آرزو نکنند ۳٤، نخواهد ۳٦، آرزو نکند ۳۸، ناخوش آمدی ٤۰، نخواست ٥۳، نـه خواهَدْ و دوسُت نَدارَد ٥٥، نگراید و نخواهد ٥۹، دوست نداشتند ٦۳، دوست نداشتی ٦٤، خوش نیامدی ۱۰۲، دوست نداشت ۱۲۱، دوست نیارد ۱۲۷، نمیخواهد ۱۳٥

~: بِمَا لَا تَهْوَىٰٓ أَنفُسُهُمْ (٥:۷۰)
آرزوا نکرد ۱، آرزو نکُنَدْ ۲، دوست ندارد ۳۷، آرزُو نکردَ ٤۲، نمی خُواست ٤٥، نه خواست ٥۳، نخواهند ٥٦، نخواستی ٦٤، دوست ندارند ۹٤، آرزو نکرد ۱۰٥، آرزو ندارد ۱۱۱، نمیخواست ۱۱۲، ندارد دوست ۱۲۷، نه دوست داشت ۱۲۹

★ مَا تَهْوَى: إِلَّا ٱلظَّنَّ وَمَا تَهْوَى ٱلْأَنفُسُ (٥۳:۲۳)

دوست ندارد ۸۱

تَهْوِی: فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ ٱلنَّاسِ تَهْوِیٓ إِلَيْهِمْ (۱۴: ۳۷)
می گردد ۱، بگرایند ۲، مهربانی کند ۵، فرود آید ۳۸، بگراید ۴۲، آرزو کند ۵۳، می خواهند ۵۸، بگروند ۹۴، شتابان بود ۱۰۴، همی گراید ۱۰۹، بشتابند ۱۱۱، گراینده ۱۱۴، خواهان ۱۱۹، آرزو کنید ۱۲۴، گراید ۱۲۸

~: أَوْ تَهْوِی بِهِ ٱلرِّيحُ فِی مَكَانٍ سَحِيقٍ (۲۲: ۳۱)
فرود برد ۱، بیفکندی ۲، فرو اندازد ۳، اندرخورد ۱۲، ببرد ۲۴، بیفکند ۲۹، بیفتاد ۴۳، بفکند ۵۳، بیفگندی ۵۶، فرود می برد ۵۸، فرو افکندستی ۶۴، بیوکندی ۶۹، بیندازد ۷۹، فرود آرد ۸۰، فرود جوید ۸۷، درخورد ۸۸، فرو افکند ۹۶، بفکندی ۱۰۸، بزیر افکند ۱۱۱، اندازند ۱۱۴، انداخت ۱۱۷، بزیر افکند ۱۳۰، بَبَرد ۱۳۸

تَوَّابُ: إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ (۲: ۱۲۸)
به پذیرنده ۶۷، دهنده ۱۱۲

~: وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ (۹: ۱۰۴)
توبه پذیرفتاری ۱، درگذارندست ۳۶

تَوَّابًا: لَوَجَدُوا۟ ٱللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا (۴: ۶۴)
درگذارنده ۲۴، درگذراننده ۶۰

ٱلتَّوَّابِینَ: إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ (۲: ۲۲۲)
بازگردندگان از گناه ۳، بازگردندگان گناه ۵۵، بازگردندگان ۸۰

تَوَارَتْ: حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِٱلْحِجَابِ (۳۸: ۳۲)
پنهام شد[1] ۱، پنهان گشت ـ فرو رفت ۲، پنهان شد ۳، ناپدید شد فروشد ۲۴، پوشیده شد ۲۹، پنهان گشت ۳۰، پنهان شد آفتاب ۴۳، ناپدید شُدْ ۵۳، پوشیده شدند ۶۱، شد و فرو رفت ۶۵، فرو شد آفتاب ۶۶، نهان شد ۷۴، پوشیده شد آفتاب ۷۹، بِپُوشَد ۸۱، فرو رفت ۱۰۰، پوشیده ۱۰۵، پوشیده شد و پنهان ۱۰۹، بی یکدیگر ۱۳۶، پنهان باشد ۱۳۹

تَوَاصَوْا: أَتَوَاصَوْا۟ بِهِۦ ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۵۱: ۵۳)
یکدیگر را اندرز کردند ۳، اندرز کنید ۳۰، اندرز می کردند ۴۱، اندرز همدْیگر می کنید ۵۱، اندرز کردید ۱۱۴

~: ثُمَّ كَانَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَتَوَاصَوْا۟ بِٱلصَّبْرِ (۹۰: ۱۷)
یک دگر را أندرز می کردند ۲، فرمودند یک دیگر را ۲۴، اندرز کنند ۲۹، اندرز کردند ۴۲، بیکدیگر اندرز کردند ۸۰، اندرز کردند یکدیگر را ۸۸، اندرز کردن ۱۰۵، یکدیگر را اندرز میکردند ۱۰۸

~: وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوْا۟ بِٱلْحَقِّ (۱۰۳: ۳)
اندرز کردند یک دگر را ۲، فرمودند ۲۴، اندرز کنند یکدیگر را ۲۹، فرموده باشند یکدگر را ۹۶، فرمودند یکدیگر را ۱۰۰

تَوَاعَدْتُمْ: وَلَوْ تَوَاعَدتُّمْ لَٱخْتَلَفْتُمْ (۸: ۴۲)
همه یک و دیگر را وعده کردید ۱، نوید دادیتی یکدگر را ۳، نوید دادیتی ۳۰، نوِیْد دَادِیتی یَکدِیگرْ را ۵۵

★ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ: وَلَٰكِن لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا (۲: ۲۳۵)
نوید مدهیت ۳، مدهیت اومیدواری ۴۱، نِوِید مَدِهِیت ۵۵، نه نوید دهیت ۹۱

تَوْبَةً: إِنَّمَا ٱلتَّوْبَةُ عَلَى ٱللَّهِ (۴: ۱۷)
در گذاشتن ۲۷، پذیرفتن ۶۴

~: مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ ٱللَّهِ (۴: ۹۲)

---

۱. پنهام شد/ پنهان شد.

بازگشت ۱۰۰

~: وَهُوَ ٱلَّذِي يَقْبَلُ ٱلتَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِۦ (۴۲: ۲۵)

بازگشتن از گناه ۳۲

~: تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا (۶۶: ۸)

بازگشتن ۳، بازآمدن ۳۹، بازگردیدن ۱۲۹

تُوبُوا: فَتُوبُوٓاْ إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَٱقْتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمْ (۲: ۵۴)

بازگردید ۲، بازگَردیْت ۵۵، بازگشت نمایید ۱۲۲، بازگشت نمائید ۱۲۷، بازایید ۱۳۴

~: وَأَنِ ٱسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيْهِ (۱۱: ۳)

بازگردیت ۳، بازگشت کنید ۱۲۲

~: يَـٰقَوْمِ ٱسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيْهِ (۱۱: ۵۲)

بازگردید ۲، بسروا گردی ۷ مکرر، بازگردیدتان ۶۱

~: فَٱسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيْهِ (۱۱: ۶۱)

بسر بازگردی ۷ مکرر، بازآیید ۵۶

~: وَٱسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيْهِ (۱۱: ۹۰)

واگردی ۷ مکرر، واگردید ۲۹، گردید ۵۳، بازگردید ۶۱

~: وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلْمُؤْمِنُونَ (۲۴: ۳۱)

بازایند ۱۳۸

~: تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا (۶۶: ۸)

بازآئید ۳۹

★ لَاتَوْجَلْ: لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَـٰمٍ عَلِيمٍ (۱۵: ۵۳)

مترس ۱، مه ترس ۳، بیم مدار ۳۶، نه ترس ۳۹، مَترس ۵۳، مَه ترسْ ۵۵، مَترسْ ۶۲

تَوَجَّهَ: وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَآءَ مَدْيَنَ (۲۸: ۲۲)

روی نهاد ۱، روُی نهاد ۲، روی بنهاد ۲۴، روی آورد آنْدَرامَدْ ۵۳، روها کرد ۷۶، رو برآورد ۸۸، رو آورد ۱۳۲، روی فراکرد ۱۳۸، روی اندر نهاد ۱۳۹

تَوَدُّ: تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُۥٓ أَمَدًۢا بَعِيدًا (۳: ۳۰)

دوُسْت دارد ۲، دوست می دارد ۳، دوست دارد ۱۰، خواهد ۲۴، آرزو بَرد ۲۸، خواهدی ۲۹، آرزو برد ۳۰، دوُست دارَد ۴۲، آرزو بَرَد ۵۵، خواهَد ۵۷، خواهد و گوید و دوست دارد ۵۸، بخواهد ۶۱، آرزو کند ۶۳، میخواهد ۶۷، دوست میدارد ۱۲۲، دوست دارَد ۱۳۸

تَوَدُّونَ: وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ ٱلشَّوْكَةِ (۸: ۷)

می دوست دارند ۱، دوست می داشتیت ۲، شما را مَی آن وایست ۱۰، می خواستی شما ۲۴، شما می خواستید ۲۹، دوست داشتی شما ۳۵، دوست داریت ۴۱، خواستید ۴۲، دوُسْت مِی داشَتِیْت ۵۵، دوست می دارید ۵۶، می خواهید ۵۷، دوست داشتی ۶۰، دوست دارید ۶۱، میخواهید و دوست میدارید ۶۷، خواستید شما ۶۹، آرزو کردید ۷۹، دوست داشتید ۹۳، دوست دآشتید ۹۴، دوست همی داشتید ۹۶، آرزو کردند ۱۰۰، دوست میداشتند ۱۰۴، دوست همیداشتید ۱۰۵، دوست همیدارید ۱۰۹، دوست میدارید ۱۲۰، دوست داشتند ۱۲۷، دوست دارید شما ۱۳۶

تُورُونَ: أَفَرَءَيْتُمُ ٱلنَّارَ ٱلَّتِي تُورُونَ (۵۶: ۷۱)

می وراوروزید[۱]، افروزیت ۳، برنید ۲۴، بیرون می آری ۲۹، چخماخ زنید ۳۰، افروزید ۳۴، بَر می فروزید ۴۲، زبانه می زند ۴۳، می افروزید ۴۸، بَرافروخته بودی ۵۲، بزنید از آتش زنه ۵۶، می جهانید ۶۴، می افروزیت ۸۰، همی افروزید ۸۱،

۱. می وراوروزید / می برافروزید.

چوبها می جهانید ۹۰، شما برافروزید ۹۶، بیرون می آرید از آتش زنه ۱۰۲، بیرون می آرید ۱۰۳، شما برافروخته بودی ۱۰۵، اند ک بیرون می آرند از چوب ۱۱۳، بیرون می آورید ۱۲۲، بزنید همی از آتش ۱۳۹

تُوَسْوِسُ: وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِۦ نَفْسُهُۥ (۵۰:۱۶)
اندیشه کند ۲، اندیشه می افکند ۳، اندیشد ٦، بیندیشید ۲٤، می گردد ٦٤، اندیشه می افکنند ۸۰، نهانی میگوید ۱۳۰، بجنباند ۱۳۹

تُوصُونَ: مِّنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَآ (٤:۱۲)
أندرز کُنید ۲، اندرز می کنیت ۳، اندرز کنیت ٤۱، اندرز کنید ۳۹، اندرز کنند ۵۳، اندرز کنید شما ۷٦، فرمایند ۱۳۸

تَوْصِيَةً: فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً (۳٦:۵۰)
اندرز کردن ۲، اندر کردن[1] ۵۹، اندرز ۹۰

تُوعَدُونَ: إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ (٦:۱۳٤)
بیم کرده می شویت ۳، بیم کردَه شَوَد ۵۵، بیم کرده شوید ۱۱٤

~: هَٰذَا يَوْمُكُمُ ٱلَّذِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ (۲۱:۱۰۳)
می ترسانیدند شما را ۲۹

~: إِنْ أَدْرِىٓ أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ (۲۱:۱۰۹)
می ترسانند شما را ۲۹، بیم می کنندتان ۳۹، بیم کرده می شویت ۹۱

~: هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ (۲۳:۳٦)
ترسانیده می شوید ۱۰۳

~: هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ (۳٦:٦۳)
نوید داده می شدیت ۲، شما را بیم می کردند ۳۹، بیم کرده شدید ۱۱٤، ترسانیده میشدید ۱۳۲، بیم کرده شدگان ۱۳۳

~: أَبْشِرُوا۟ بِٱلْجَنَّةِ ٱلَّتِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ (٤۱:۳۰)
می نوید داده شدیت ۸۰

~: هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ (۵۰:۳۲)
نوید داده شدید ۱۱٤

~: قُلْ إِنْ أَدْرِىٓ أَقَرِيبٌ مَّا تُوعَدُونَ (۷۲:۲۵)
شما را بدان بیم می نمایند ٦۷، نوید داده شوید ۱۱٤

~: إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَٰقِعٌ (۷۷:۷)
بیم کنند ۷٦، نوید داده می شویت شما ۸۰، نوید و بیم کرده همی شوید ۱۰۹، پند داده شده اید ۱۳٦

تُوعِدُونَ: بِكُلِّ صِرَٰطٍ تُوعِدُونَ (۷:۸٦)
بیم کُنیدْ ۲، بیم می کنیت ۳، بَرسِت مَی بَندَی اُو کالار مَی رَوَایَ ۱۰، بیم می کنید ۲۷، می ترسانید ۲۹، بیم کنید ٤۲، بیم می کنیت ۵۵، بترسانی ٦۰، ترسانید ٦۳، بترسانید ٦٤، همی ترسانید ۱۰۹، میترسانید ۱۱٦، میترسانند ۱۲٦

تُوعَظُونَ: ذَٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِۦ (۵۸:۳)
می پند داده شید ۱، پند داده می شویت ۳، همی فرمایندتان ۲٤، پند داده شوید ۳۹، پند دهندتان ٤۱، پند می دهید ۵۲، پند دهند شما را ۵٦، شما را پند میدهند ۹٦، پند داده می شوید ۱۰۳، همی پند دهند شما را ۱۰۸، پند داده میشوید ۱۱٤، پند می دهد ۱۲٤، پند داده میشوند ۱۳۰، پند کرده میشوید ۱۳۲

تَوَفَّاهُمُ: إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَفَّىٰهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ (٤:۹۷)
می میرانند ۱، جان بردارند ۳، می برداشتند جان ۱۰، جانشان ورگیرند ۲٤، برداشتند ۲۷، بستدند

[1] ۱. آیا «اندر کردن» صورت دیگری است از «اندرز کردن» یا سهوی بر قلم کاتب گذشته است؟

جانها ۲۹، جان بردارد ۴۵، جان بستاند ۵۲، بمیرانند ۵۳، جَان بَردَارَندْ ۵۵، بمیرانید ۵۶، جان برگرفتند ۶۲، جان می ستدند ۶۳، جان برداشتند ۷۶، بمیرانیدند ۹۲، جان ستانند ۹۶، جان بستانند ۱۰۰، فرا گیرند ۱۲۲، فرا گیرند جان ۱۲۷، جان میستانند ۱۳۰، میراند ۱۳۵

تَوَفَّتْهُ: تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ (۶۱:۶)
می میرانند ۱، جانْ بَردَارد ۲، جان بردارند ۳، بمیرانند ۲۷، بستاند جان ۴۴، بیمارانند ۵۳، بمیراند ۵۷، میرانند ۹۴، جان ستاند ۹۶، جان او بردارند ۱۰۳، میراند ۱۱۴

تَوَفَّتْهُمُ: فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ (۲۷:۴۷)
جان بردارند ۳، ورمی گیرند جانها ۶، جانِ برگیرنْد ۲۲، بردارند جانها ۲۴، جان بستانند ۳۹، بمیراند ۵۶، بستاند جانها ۶۴، جان بتابند ۷۲، جان ستانند ۷۹، جان برگیرند ۹۴، جان بستاند ۱۰۰، بمیرانید ۱۳۹

تَوَفَّنَا: وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ (۱۹۳:۳)
بمیران ۱، جان ما بردار ۱۰، در رسان ۳۸، جانها بستان ۴۰، بمیَران ۴۲، بمیر آن ۱۰۰، جان بردار ۱۱۲

~: رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (۱۲۶:۷)
جانهای ما بردار اوُ ما را وا پیش خویش بر ۱۰، جان بستان ۲۹، فرا گیر ۵۳، جان ستان ۷۹، بمیران ۱۱۲

تَوَفَّنِي: تَوَفَّنِي مُسْلِمًا (۱۰۱:۱۲)
میران ۱، جان برگیر ۵، جان برگیری ۷ مکرّر، بمیران تو ۶۱، بَمیران ۷۶، بستان جان ۱۲۴، بستان ۱۲۸

تُوَفَّوْنَ: وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ (۱۸۵:۳)
بونده داده شید[1] ۱، بدهند شما را ۴۱، داده شود ۳۹، همه بدهند شما را ۱۲۷، تمام برسد ۱۳۸

تُوَفَّى: ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ (۲۸۱:۲)
بدهند ۲۴، گزارده شود ۲۵، پاداش دهند ۴۱، پاداش داده شود ۵۶، داده شود ۹۲

~: وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ (۱۱۱:۱۶)
بونده داده شهد[2] ۱، سپری کنند ۵۹

تَوَفَّيْتَنِي: فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنتَ أَنتَ الرَّقِيبَ (۱۱۷:۵)
بمیرانیدی ۱، میرانیدی ۳، بستاندی جان ۱۰ مکرّر، برداشتی ۳۶، بستاندی ۴۲، روزی سپری کنی ۵۸، برگیری ۶۱، جان بستدی ۶۳، بستاندی جان ۸۸، جان بستدی تو ۸۹، بمیراندی ۹۰، بمیرانی ۹۶، بیرون بردی ۱۰۴، ستدی ۱۰۹، میرانی ۱۱۴، گرفتی ۱۲۲، برداشتی از میان ۱۲۴

تَوْفِيقًا: إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا (۶۲:۴)
شایسته کردن ۱، سازگاری ۲، سازواری جستن ۳، سازگاری ۴۲، راست کَرْدَن ۵۳، سَازوَارِی جُسْتَن ۵۵، شایستگی ۵۷، ایستانیدن ۶۱، شایسته ۷۵، یاری خواستن ۸۵، درخور کردن ۱۰۹، سزاواری ۱۱۴، راستی ۱۲۴، یار خواستن ۱۳۸

تَوْفِيقِي: وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ (۸۸:۱۱)
سازوار گردانیدن ۳۰، سَازوَار گردَانِیدَن ۵۵، آسان گردانیدن ۷۹، سازگاری کار ۸۳، یاری جستن ۱۰۶

تُوقِدُونَ: فَإِذَا أَنتُم مِّنْهُ تُوقِدُونَ (۸۰:۳۶)
می اوروزید[3] ۱، می افروزید ۲، می افروزانیت ۳،

---

۱. بونده داده شید: تمام بدهند شما را.

۲. بونده داده شهد: تمام داده شود.

۳. می اوروزید / می افروزید.

برمی افروزید ۲۲، آتش می کنید ۲٤، برمی افروزید ۲۹، همی فروزیت ۳۰، همی فروزید ۳۳، برمی فروزید ۳٦، آتش می افروزید ۳۹، می افروزیت ٤١، می افروزی ٥٢، همی افروختید ٥٩، آتش افروزید ٦١، اتش می افروزند ٦٩، آتش برمیکنید ٧٤، آتش می فروزید ٨٦، افروخته شوید ٨٧، برافروزید ٩٠، آتش همی فروزید ٩٥، افروزید ٩٦، می افروزید آتش را ۱۰۳، می افروزانید ۱۱٤، می برافروزید ۱۱۵، گرم شوید ۱۳٦

وَتُوَقِّرُوهُ: وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ (٤٨: ٩)
گرامی داریت ۳۰، بزرگ دانیت ٤١، بزرگ دارید ٥٦، بزرگ دارند ۸۱، بشکوه داریت ۹۱، گرامی دارید ۹٦، بشکوه دارید ۱۰۵، شکوه دارید ۱۰۹، باشکوه دارید ۱۲۱

تُوقِنُونَ: لَعَلَّكُم بِلِقَآءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ (١٣: ٢)
بی گما نباشی ۲٤، بی گمان اید ۳۹، بی گمانید ٤۳، بی گمان شَوِیت ٥٥، بی گمان باشید ٥٦، بی گمان شوید ٥٨، بی گمان شویت ٦٣، بی گمان باشیت ٨٣، بی گمان شویت ٩١، بی گمان گردید ٩٤، بیگمان شوید ٩٩، بیگمان باشید ١٠٤، بیگمانید ١١٤، بیگمان گردید ١٢٣

تَوَكَّلْ: فَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَوَكِّلِينَ (٣: ١٥٩)
وستام کن[1] ۱، بسپار کار خُویش ۲، پشت گذار ۲۷، کار خود بساز ۳۹، برسپار کار خویش رٱ ٤٢، برسپار ۱۰۵، کار بازگذار ۱۰۹، بساز ۱۲۷

~: وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا (٤: ٨١)
بسپار کار خُویش ۲، گذار کار خُویش ٤٢، بر خدای گزار کار خویش ٥٢، بسپار کار خود ٥٨، بسپار کار خویش ٧٨، کار بسپار ٩٤، بر خدای گذار ۱۰۵، کار بازگذار ۱۰۹، برخدای گذار کار خویش ۱۲۵

~: وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ (٨: ٦١)
بسپار کار ٩٤

~: وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱلْحَىِّ ٱلَّذِى لَا يَمُوتُ (٢٥: ٥٨)
بازگذار ٤٦، بسپار ٥٨، بسنده کن ٩٠

~: وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱلْعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ (٢٦: ٢١٧)
دل بنه ۳۰، دل نه ٦١، پشت باز گردان ۱۳۹

~: فَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ إِنَّكَ عَلَى ٱلْحَقِّ ٱلْمُبِينِ (٢٧: ٧٩)
بمان کارهای خویش ۳۰، بازگذار کار خود را ٤٦، کار خویش بر خدای مان ۱۰۰

~: وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا (٣٣: ٣)
بسپار کارهای خویش ۳۰، کار خود بدو سپار ٥٨، بگذار کار خود ٧٨، بگذار کار خود را ٩٨

~: وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا (٣٣: ٤٨)
دل بند ۳۹، کار خود سپار ٥٨، دل بربند ۱۲۹

تَوَكَّلْتُ: لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ (٩: ١٢٩)
سپردم ـ خودرا ۲، گذاشتم ۲۷، سپردم کار خویش ٥٢، سپردم کارهای ٩٤، کار بازگذاشتم ۱۰۹

~: فَعَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلْتُ (١٠: ٧١)
وستام کردم[2] ۱، بازگذاشتم ۲۷، دل بستم ۳۹

~: إِنِّى تَوَكَّلْتُ عَلَى ٱللَّهِ رَبِّى وَرَبِّكُم (١١: ٥٦)
پشت بداشت وانهادم ۷ مکرّر، استواری کردم ٥٨، ماندم کارهای خویش را ٩٤، گذاردم کار خود را ٩٦، کار خویش سپارم ٩٨، واگذاشتم کار خود ۱۰۵، بازگذاشته ام ۱۲۰، واگذاشتم کار خود

---

۱. وستام کن: توکل کن، اعتماد کن.
۲. وستام کردم: توکل کردم، اعتماد کردم.

۱۲۵، ماندم کار خویش را ۱۲۷

~: إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ (۱۲:۶۷)
سپاردم ۲، کار بسپردم ۹۲، سپردم ۹٤

~: قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ (۱۳:۳۰)
گذاشتم کارها ۱۲۸

~: عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (٤۲:۱۰)
ماندم کار خویش ۳۰، باز گذاشتم کار خویش ٦۹، بستم دل خویش ۱۰۸

تَوَكَّلْنَا: وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا (۷:۸۹)
کار خود باز گذاشتیم ۲۷، ماندیم کار خویش ٤۲، ماندیم کار خویشرا ۵۲، رها کردیم کار خویش را ۸۳، گذاریم کارهای خویش ۹٤، کار باز گذاشتیم ۱۰۹، گذاریم ما ۱۲٤، ماندیم کار خود را ۱٤۰

~: فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا (۱۰:۸۵)
باز گذاریم ما کار خود را ۲۷

~: رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (٦۰:٤)
وستام کردیم[1] ۱، سپردیم کارها خویش ۸۸، باز گشتیم ۱۰۲، سپردیم کارهای خویش ۱۲٤

~: قُلْ هُوَ الرَّحْمَٰنُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا (٦۷:۲۹)
باز گذاشتیم کار خود ۵٦

تَوَكَّلُوا: عَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۵:۲۳)
وستام کنید[2] ۱، سپارید کار خویش ۲، سپاریت کار خویش ۱۰ مکرّر، سپارید کار خویش ٤۲، سپاریت ۸۳، سپار کار خویش ۱۰۵، گذارید کارهای خویش ۱۲٤

~: إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا (۱۰:۸٤)
گذارید ۱۲۷

تَوْكِيدِهَا: بَعْدَ تَوْكِيدِهَا (۱٦:۹۱)
اِستُوار کردن ۲، سخت بکردن ۲۹، اُستُواز کردن ۵۵، استوار کردن ۵٦، اِستُوار کردن ۵۷، استواری ۵۹، استوار شدن ٦۳، سخت کردن ۷٤، استوار ساختن ۱۲۰، استواری کردن ۱۲۸

تَوَلَّ: فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ (۲۷:۲۸)
واز گرد ۱، بر گرد ۲، بر گردان ۲۰، باز گرد ٤٦، نهان شو ۱۰٤، بر گردد ۱۰۵

~: فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (۳۷:۱۷٤)
بر گرد ۲۲، روی گردان ٦۱

~: وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (۳۷:۱۷۸)
روی بگردان ۲، روی گردان ۳، بر گرد و روی بگردان ۱۱۳

~: فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ (۵۱:۵٤)
واز گشت ۱، بگردان ۳٤، روی بگرداند ٤۱، بر گشت ۵۸، بگردید ۸۷

~: فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ (۵٤:٦)
بر گرد ۲، روی گردانید ٤۱، گرد ۱۳۸

تَوَلَّاهُ: كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ (۲۲:٤)
دُوست گیرد یار گیرد ۲، دوستی دارد ۳، دوستی ۱۲، بس روی کند ۲۹، پناه برد ٤۱، دوست گیرد ۵۲، دوستی گیرد ۵۳، بدوستی گیرد ۵۸، دوستی کند ٦٤، فرمان افکند ۷۸، دوست دار د ۹٤، دوست گیرد و باز گیرد ۱۰۸، فرمان برداری کند ۱۱۳، دوستی نماید ۱۲۲

تُولِجُ: تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ (۳:۲۷)

---

[1] وستام کردیم: توکل کردیم، اعتماد کردیم.
[2] وستام کنید: توکل کنید، اعتماد کنید.

أندرْآری ۲، درآری ۳، اندر افزادی ۱۰، درآوری ۲۵، انـدر آری ۲۷، انـدرآوری ۲۹، د [ر] آری ۳۰، در فزایی ۴۰، درآرد ۴۳، دَرَ آرِی ۵۵، در بری ۶۰، درآری تـو ۶۱، درمـی آوری ۶۳، آنـدر آری ٦٤، درارد ۶۹، درآزی ۱۱۲، درمـی آری ۱۲۳، بسـیاری ۱۲٤، مْـی درآری ۱۲٦، مـی آری ۱۲۹، درآورد ۱۳٤، درمیآوری ۱۳۵، تو درمی آوري ۱۳۸

تَوَلَّوْا: وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ (۲:۱۳۷)
بر گردند ۲۹، بَرگَردَند ٤۲، بگردید ۷٦، بَرگَرْدَنْد ۹٤، پشت بر کنند ۹۵، روگردان شدند ۱۲۲

~: فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا (۲:۲٤٦)
برگَشتنْد ۲، ورگردیدند ۲٤، روی بگردانیدند ۳۰، بَرگَشتَند ٤۲، برگشتید ۵٦، روی برگردانند ٦۱، برگشتند ۷٦، بگردانیدند ۹۰، برفتند ـ روی بگردانیدند ۱۰۱، روُگردان شدند ۱۲۷، بگشتند ۱۳۸

~: وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ (۳:۲۰)
روُی بـگـردانـنـد بـر گـردنْـد ۲، ورگـردنـد ۲٤، بگردانید ۲۸، گَردَانیت ۵۵، روگردان شوند ۱۲۲

~: فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (۳:۳۲)
بـرگـردیـد ۲، روی گـردانـیـد ۳، انـدر گـزارد ٤۰، برگردید شما ۱۲٤، رو بگردانند ۱۲۷

~: فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۳:٦٤)
روی بگردانند ۲۵، روی برگردانند ٦۱، سر باز زنند ۹۰، برگردن ۱۰۵

~: إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ (۳:۱۵۵)
برگشتنْد ۲، روی گردانیدند ۳، بَرگردند ۱۰، برگَردیدند ۲۹، روی می آورده بودند ۱۱۱، پشت کردند ۱۲۲، پشت برکردند ۱۳۵

~: فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ (٤:۸۹)
برگردند ۲، روی گردانند ۳، بَرْگَردَنْد ۵۳

~: فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُم (۵:٤۹)
بـگـردنـد ۳۱، بَـگردَنـد ٤۵، بَـرْگـردَنـد ۵۳، روی بگرداند ۹۲، برگرداند ۱۱۱، پشت کنند ۱۲۲

~: وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوا وَّهُم مُّعْرِضُونَ (۸:۲۳)
وازگشتندی ۱، برگشتندی ۱۰، ورگشتندی ۲۷، بـرگـردیـدنـدی ٤۲، روی بـاز گـردانـیـدنـدی ۵۸، پشت برکردندی ۷٦، برمی گشتند ۱۲۰، گشتندی ۱۲٤، بازگشتندی ۱۲۷، برگردندی ۱۳٦

~: وَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ (۸:٤۰)
بازگردند ۱

~: وَتَوَلَّوا وَّهُم مُّعْرِضُونَ (۹:۷٦)
برگشتید ۱۲٤

~: عَلَيْهِ تَوَلَّوا وَّأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ (۹:۹۲)
بازگشتند ٦٤

~: فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ (۹:۱۲۹)
ورگردند ۲۹، روی بتابند ٤۳

~: فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱٦:۸۲)
وازگـردنـد ۱، ورگـردیـد ۲۹، بـرگَـرْدَنْـد ۵۳، بَرْگَرْدَند ٦۲

~: فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ (۲۱:۱۰۹)
روگردانند ۱۳۲

~: فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ (۳۷:۹۰)
برْگردیدنْد ۲۲، بگردیدند ۱۱۳، سربرگشتند ۱۳۸، ایشان برگشتند ۱۳۹

~: ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ (٤٤:۱٤)
بـرگـردیـدنـد ۲، روی گـردانـیـدیـد ۳، روی گردانیدَند ۳۲، برگشتَند ٤۲، روی گردانیدند ۱۳۲

~: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا (۵۸:۱٤)
دوستی داشتند ۳، دوستی کنند ۲٤، دوست دارند

۳۹، دوستی کردند ۸۱، دوست گرفتند ۸۷، دوستی نمودند ۱۰۴، دوستی میکنند ۱۱۳، دوستی گرفتند ۱۲۴، دوستی دارند ۱۳۹

~: فَقَالُوٓاْ أَبَشَرٞ يَهۡدُونَنَا فَكَفَرُواْ وَتَوَلَّواْ (۶:۶۴)
وازگذاشتند ۱، برگشتند ۲، بَرگشتند ۴۲، بازگردیدند ۹۶

تَوَلَّوْا: أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ (۸:۲۰)
برگشتَدی ۱۰

~: وَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٖ كَبِيرٍ (۱۱:۳)
ورگردند ۱، ورگردی ۲۴، بازگردید ۱۱۱

~: فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُم مَّآ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦٓ إِلَيۡكُمۡ (۱۱:۵۷)
برگردی ۷ مکرر، روی بگردانید ۴۱، گردند ۱۰۰

~: فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡهِ مَا حُمِّلَ (۲۴:۵۴)
بَرگردیْد ۵۱

★ لَا تَوَلَّوْا: أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ (۸:۲۰)
وازمگردید ۱، روی مگردانیت ۳، برمگردَید ۱۰، ور مه گردی ۲۴، برمگردید ۲۷، مگردانیت روی ۴۱، فرو مگردید ۴۲، روی مگردانید ۴۹، مگردید ۵۳، برمگردی ۶۰، نه روی گردانید ۶۱، مه برگردیت ۹۱، برمگردي ۹۸، نه برگردید شما ۹۹، مه برگردید ۱۰۷، نه برگردید ۱۱۴، رو مگردانید ۱۲۷

تُوَلُّوا: فَأَيۡنَمَا تُوَلُّواْ فَثَمَّ وَجۡهُ ٱللَّهِ (۲:۱۱۵)
روی آریت ۳، روی فاکنید ۱۰، روی کنی ۲۴، روی کنید ۲۹، روی آرید ۳۸، روی فاکنید ۴۰، روی کنیت ۴۱، رُوی آرید ۴۲، روی ها کنید ۵۷، برگردانید روی ۵۹، روی فراکنید ۶۳، روی گیرید ۸۴، شما رو هاکنی ۹۵، روآرید ۹۶، روی آرند ۱۰۱، روی آورید ۱۲۱، رو کنید ۱۲۲، فراز کنید ۱۳۵

~: لَّيۡسَ ٱلۡبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ قِبَلَ ٱلۡمَشۡرِقِ (۲:۱۷۷)
بگردانید ۱۰، ورگردید ۲۴، همی گردانید ۲۹، گردانیت ۳۰، بگردانید ۴۰، بِگردَانِیت ۵۵، روی آرید شما ۵۶، شما برگردانید ۵۷، بگردانی ۶۰، گردانید ۶۱، بگردانید ۸۲، گردانند ۸۸، فراکنید ۱۰۰، برگردانند ۱۱۴، فروکنید ۱۳۵

~: لَأَكِيدَنَّ أَصۡنَٰمَكُم بَعۡدَ أَن تُوَلُّواْ مُدۡبِرِينَ (۲۱:۵۷)
وازگردید ۱، برگردید ۱۲، روی بگردانید ۳۰، بَرگردیْد ۵۳، بازگردید ۵۶، بازگردید ۵۸، روی بازگردانید ۶۴، روی برگردانید ۸۷، بگردیدند ۹۶، رو بگردانید ۱۳۲

تُوَلُّونَ: يَوۡمَ تُوَلُّونَ مُدۡبِرِينَ (۴۰:۳۳)
بگریزیت ۴۱، برگردانیده شوید ۱۰۳، گردند ۱۰۸، برگردانیده شود ۱۱۱، برگردند ۱۳۸

تَوَلَّوْهُمْ: وَظَٰهَرُواْ عَلَىٰٓ إِخۡرَاجِكُمۡ أَن تَوَلَّوۡهُمۡ (۶۰:۹)
دوست دارید ۳۹، دوستی کنید ۶۱، دوستی دایت ۸۰، دوستی گیرید ۸۸، بدوست گیرید ۱۰۸

تُوَلُّوهُمْ: فَلَا تُوَلُّوهُمُ ٱلۡأَدۡبَارَ (۸:۱۵)
بگردانیت و بگریزیت ۹۱، بگردید ۱۱۲

★ لَا تُوَلُّوهُمْ: فَلَا تُوَلُّوهُمُ ٱلۡأَدۡبَارَ (۸:۱۵)
ورمگردانید ۱، مدهیتشان ۳، ورمگردانی ۲۴، روی برمگردانید ۲۷، مگردید ۲۹، برمگردانید ۳۵، مگردانیت ۴۱، مگردانید ۵۳، روی مگردانیت و مگریزیت ۵۵، برمگردی ۶۰، بازمگردانید ۹۴، برمگردید ۱۰۷، برمکنید ۱۱۳، مگردانید روی ۱۲۹

تَوَلَّی: وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ (۲:۲۰۵)
روی گرداند ۳، خِشم گیرد ۱۰، بَرگَردَد ۴۲، بگردد ۹۱

~: فَمَن تَوَلَّىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ (۳:۸۲)
وازگردد ۱، ورگردد ۱۰، بازگردد ۴۸، روی برگرداند ۵۸، پشت کند ۹۶

~: وَمَن تَوَلَّىٰ فَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظٗا (۴:۸۰)

برگردد ۲، برگردَد ۲۷، بَرگَرْدَدْ ۵۳، پشت برکند ۷۶، برگرداند روی ۱۲٤

~: نُوَلِّهِۦ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِۦ جَهَنَّمَ (٤:١١٥)
در گور گرفت[1] ۱، رُوی آورده اَسْت ۲، دوستی داشت ۳، بر دست گزیده بود ۲۷، بر دست گرفته باشد ۲۹، خود روی آوردَست ٤۲، خوگرفت ٤۵، دربرگرفت ۵۷، بر دست گرفته است ٦۲، کرده باشد ۷٦، روی آورده است ۹٤، کرد ۱۰۵، اندر گرفت ۱۰۷، بخود گرفت ۱۰۹

~: فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَٰقَوْمِ (۷:۷۹)
وازگشت ۱، برگشت ۲، بازگردید ۹٦، گردید ۱۱۳، بَرگردیْد ۱٤۰

~: فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَٰقَوْمِ (۷:۹۳)
رُوی بگردانید ۲، روی اَنْدَر گَردانید ۵۳، روی بگردانیدند ۱۲٤، گرداند ۱۳٦

~: وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَٰأَسَفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ (۱۲:۸٤)
روی گردانید ۳، برگشت ۷٦، روی بگرد آنید ۱۰۰

~: أَنَّ ٱلْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۲۰:٤۸)
روی بتابد ٤۳، روی بگردان ۷٤، روی میگردانید ۸۷، روی گردنید ۹۱، رو بازگرداند ۱۱۵

~: فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُۥ ثُمَّ أَتَىٰ (۲۰:٦۰)
برگشتْ ۲، برگَرْدید ۵۳، برگشت ۷٦، پشت کرد ۹٦، بگردید ۱۱٤

~: وَٱلَّذِى تَوَلَّىٰ كِبْرَهُۥ مِنْهُمْ لَهُۥ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۲٤:۱۱)
رُوی آورد ۲، بخود گرفت ۳، بپای استاد ۲٤، قزن گفت[2] ۲۸، فراپذیرفت ۲۹، روی آورد ۳۹، برپذیرفت ٤۷، فراگرفت ۵۳، با خود گرفت ۷٦، پی روی کرد ۱۲۱

~: فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰٓ إِلَى ٱلظِّلِّ (۲۸:۲٤)
روی آورد ٦۱، بازآمد ۷٦

~: فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِۦ وَقَالَ سَٰحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۵۱:۳۹)
برگردید ۲، گشت ۳

~: فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا (۵۳:۲۹)
برگشت ۳، روی بگرداند ۳۹، پشت برکرد ٤۲، روی برگردانیده ۱۱۱

~: تَدْعُوا۟ مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ (۷۰:۱۷)
روی بگردانید ۲، برگردید ۱۹، پس بگردانید ٤۹، روی برگردانید ۵٦، پشت کرده است ۱۱۱، رو گردانیده ۱۳۲

~: فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ وَلَٰكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۷۵:۳۲)
روی در گردانید ٦، بازگشت ۳۰

~: عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ أَن جَآءَهُ ٱلْأَعْمَىٰ (۸۰:۱)
بگردانید روی ۱۱٦

~: إِلَّا مَن تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ (۸۸:۲۳)
پشت برکند ۵۱

~: لَا يَصْلَىٰهَآ إِلَّا ٱلْأَشْقَى ٱلَّذِى كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۹۲:۱٦)
بگردانید ۸۷، روی کند ۱۳٦

تَوَلَّیْتُمْ: ثُمَّ تَوَلَّيْتُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ (۲:٦٤)
روی گردانیدیت ۳، برگشتید شما ٤، برگِشتَید ۱۰، برگردیدی ۲٤، برگشتید ۳٤، برگشتند ۳۸، روی بتافتید شما ٤۳، برگریدید شما ۵۳، بَرگَشْتیْت ۵۵، بگردیدید ٦۲، برگشتید ۷٦، بگردانید ۹۰، بگردیدید شما ۹٤، بازگردِید شما ۹۹، بازگشتید ۱۱٤، بگردید شما ۱۲۱، رو گردانید ید ۱۲۲، رو بگردانیدید ۱۲۳

---

۱. در گور گرفت: در دل گرفت.

۲. اگر تحریفی از «فراگرفت» نباشد، قابل تأمّل است (؟).

~: ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنكُمْ (۲:۸۳)
بَرْگشتید ۲، شما برگشتید ٤، ورگردیدی ۲٤، روی گردانیدید ۳٦، برگشتیت ۵۵، برگشتی ٦۰، بگشتید ٦۷، برگشتید ۷٦، پشت کردید ۱۰۱، روی بگردانیدید ۱۰۲، رو گردان شدید ۱۲۲، روی بگردانیدید شما ۱۲۳، روی برگردانید شما ۱۲٤

~: فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوٓا (۵:۹۲)
وازگردید ۱، بَرگردید ۲، روی گردانیت ۳، برگردَید ۱۰، ورگردی ۲٤، روی بتابید ٤۳، برگردید شما ۵۸، گردید شما ٦۳، روی گردانید شما ٦۷، پشت برکنید شما ۱۱۸

~: وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوٓا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي ٱللَّهِ (۹:۳)
روی گردانیدیت ٤۱، روی گردانید ٦۱، پشت کنید ۱۲۰، روگردان شوید ۱۲۷

~: فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ (۱۰:۷۲)
برگردیت ۳، ورگردی شما ۲٤، ورگردید ۲۹، روی بگردانیت ٤۱، بَرگردیت ۵۵، روی بگردانید شما ۵۸، روی گردانید ٦۱

~: فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ (٤۷:۲۲)
پادشاهای یابیت ۳، شما روی درگردانید ٦، دربرگیرید ۳۹، پشت برکنید ٤۲، پشت برکُنید ۵۱، خداوندگار شوید ۱۰۹، پادشاهی یابید ۱۲۱

~: وَإِن تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُم مِّن قَبْلُ (٤۸:۱٦)
وازگشتید ۱، برگشتیت ۳، روی درگردانیدید ٦، پشت کردید شما ۹٦، بازایستادید ۱۰۲، بازپس ماندید ۱۳۲

~: فَإِن تَوَلَّيْتُمْ (٦٤:۱۲)
برگردی ۲۹، گردیت ۳۰، برگردید ٦۱، برگردید شما ۷٦، برگردید ۸۱

★ لَا تَيْأَسُوا: وَلَا تَا۟يْـَٔسُوا مِن رَّوْحِ ٱللَّهِ (۱۲:۸۷)
نومید مشید ۱، نُومید مباشید ۲، نومید مباشیت ۳، نومید مشوید ۵، نومید مباشید ۷ مکرّر، مباشی نومید ۲٤، نومید مشویت ٤۱، نومِیْد مَباشِیت ۵۵، نشوید نومید ٦۹، نه نومید باشید ۹۲، ناامید مباشید ۹٦، ناامید مگردید ۱۲۲، مباشید ناامید ۱۲۹، ناامید مشوید ۱۳۵

تَيَسَّرَ: فَٱقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ ٱلْقُرْءَانِ (۷۳:۲۰)
سبک آید ۱، آسان تر است ۲، آسان آید ۳، آسان تر آید ۲٤، خوار گردد ۲۹، آسان ترست ۳۰، آسان باشد ۳۸، آسان است ۹۲، آسانترست ۱۰۰، دست دهد ۱۰٤، آسان بود ۱۲٦، آسانست ۱۳۸

تَيَمَّمُوا: وَلَا تَيَمَّمُوا ٱلْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ (۲:۲٦۷)
آهنگ کنیت ۸۳

~: فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا (٤:٤۳)
آهنگ کُنید ٤۲

~: فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا (۵:٦)
دَست بر زَنَید ۱۰، دست در زنید ۲۷، آهنگ کنید ٤۲

★ لَا تَيَمَّمُوا: وَلَا تَيَمَّمُوا ٱلْخَبِيثَ (۲:۲٦۷)
آهنگ مکنید ۲، آهَنگ مَکُنید ٤۲، آهنک مکنید ۵۷، مه آهنگ کنید ۸۸، نه آهنگ زدند ۹۰، نه آهنگ مکنید ۹٤، آهنگ نکنید ۹۹

ٱلتِّينِ: وَٱلتِّينِ وَٱلزَّيْتُونِ وَطُورِ سِينِينَ (۹۵:۱)
درخت انجیر ۲، انجیر ۲۹



ثابِتٌ: أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي ٱلسَّمَآءِ (۱٤:۲٤)
اِسْتُوار ۲، استوار ۳، ایستاده ۵، بیخ فرو برده ٤۸، اُسْتُوار ٥٥، برجای مانده ٥۷، فرو برده ۷۲، پایدار ۹۲

~: ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلْقَوْلِ ٱلثَّابِتِ (۱٤:۲۷)
استادار ۱، اِشْتُوار ۲، درست ٥، پاینده ٥۳، بجای بمانده ٥۷، درست و راست ٥۸، استاده ۸۸، پای برجای ۹٥

ثَاقِبٌ: فَأَتْبَعَهُۥ شِهَابٌ ثَاقِبٌ (۳۷:۱۰)
دروشیدار[1] ۱، روشن ۳، جهنده و درفشان ۲۲، روشن تابان ۲٤، درفشان ۳٦، می سوزد ٤۱، روشنی کننده ٤۲، تابان ٤۳، افروخته ٤۹، تابنده ۷٤، جهنده درفشان ۸٤، جهنده ۹٤، آتش سوزنده ۱۰۳، روشن کننده ۱۰٥، آتش افروخته ۱۰۸، سوزان ۱۱۱، روشن درخشان ۱۲۰، سوزنده ۱۳۱

~: وَٱلسَّمَآءِ وَٱلطَّارِقِ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلطَّارِقُ ٱلنَّجْمُ ٱلثَّاقِبُ (۸٦:۳)
رُخشان درفشان ۲، رخشان تابان ۳۰، رخشان و تابان ۳٤، درفشنده ۳٦، درخشان ۸۸، درخشنده ۱۰۰، رخشان ۱۰۸، رخشنده ۱۱۱، درخشنده فروزان ۱۱٦، روشن ۱۲۹

ثالِثُ: ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ ثَالِثُ ثَلَٰثَةٍ (٥:۷۳)
سِیم ۱، سدیگر ۲، سیوم ۳، سه‌ام ۲۷، سِه ٤٥، سِیُم ٥٥، سیومی ٦۱، سوم ٦۳، سوّم - سه ۷۰، سوّم ۷٥، سئوم ۸۹، سیمین ۹٦، سیُوم ۱۰۰، سیّم ۱۰٦

~: فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ (۳٦:۱٤)
سدیگر ۱۸، سه دیگر ۲۲، سئم ۲۹، سیّوم ٤۳، سیومین ۸۰، سه ۹٦، سیمی ۱۲۱

ٱلثَّالِثَةَ: وَمَنَوٰةَ ٱلثَّالِثَةَ ٱلْأُخْرَىٰٓ (٥۳:۲۰)
سیدگر ۱، سیم ۲٤، سه ۳۰، سدیگر ۳۹، سوم ٤۱، سِیُم ٥۱، سِئومی ٥٦، سه دبگر ٦۱، سِیُم ۸٦، سیوم ۹۱

ثَامِنُهُمْ: سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ (۱۸:۲۲)
هشتم ۱، هشت ٤۸

ثَانِيَ: ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ثَانِيَ ٱثْنَيْنِ (۹:٤۰)
دیگر دوا ۱، دؤم ۲، دوُیم ۱۰، دوم ۲۷، دُوُم ٥٥،

---

۱. دروشیدار: درخشنده، روشن.

دومی ۶۱، دوّم ۸۰، دویم ۱۰۹

~: ثَانِيَ عِطْفِهِۦ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ (۹:۲۲)
گردانـنـده ۳، پیچان ۳٤، پیچاننده ۳۹، روی گردان ٤۱، دوتا همی کند ۵۳، دو تا کننده است ۷۸، بگردانید ۱۰۵، دوتا کننده ۱۰۹، پیچنده ۱۱۱، دوتا ۱۲۸

★ ثانیَ عِطْفه: ثَانِيَ عِطْفِهِۦ لِيُضِلَّ (۹:۲۲)
دوتا کنار ۱، گردن کژ کرده روی بیک سو کرده ۲، یک سوی شده ۲٤، روی یک سو گردانیده ۳۰، روی گردانیده از راست و چپ ۵٦، روی یکسو کرده ٦۱، یکسوء کردن ٦۵، روی بگرداننده ٦۹، گرد آینده ۹۱، پیچیده - یکسون کردن ۹۲، بگردانند مر دودوش ۱۰۰، بیکسو کرده و گردن کژ کرده ۱۰۸، گردن و دوش ۱۱۳، پیچیده دامن خود ۱۳۱، شانه پیچ ۱۳۲

ثَاوِيًا: وَمَا كُنتَ ثَاوِيًا فِيٓ أَهۡلِ مَدۡيَنَ (۲۸:٤۵)
استادار[1] ۱، باشنده ۲، ایستاده ۵۳، جای داده ۸۷، جای کرده ۹۰، جای گرفته ۱۱٦

ثُبات: خُذُواْ حِذۡرَكُمۡ فَٱنفِرُواْ ثُبَاتٍ (٤:۷۱)
گرهها ۱ و۸۰، گروه گروه ۳، گَروه گَروه هم خند ۱۰، پراکنده ۲٤، گروه ٦۱، گروه گروه - پراکنده ٦۷، جوق ۷۲، گروها ۹۱، گروهان ۱۰٤، دسته دسته ۱۰٦، پراکنده کرده ۱۲۱، فوج فوج ۱۳۵

ثَبِّتْ: وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا (۲:۲۵۰)
در ایستای ۱، استُوارْدار ۲، بَدار ۱۰، استوار دار ۲۷، اسـتُوار دار استواو کن ٤۱، اُستُوار دار ٤۲، استاده دار ٤۹، اُستُوار دار ۵۵، بدار برجای ۵۷، نگه دار ٦۳، بد آر ۹٤، نگاهدار ۱۲۳، نگهدار ۱۳۳، استوار ۱۳۸

~: وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا (۳:۱٤۷)
باستان ۱، استوار گردان ۲، بدار ۱۰، نگاه دار ۲۳، برجای بدار ۲۹، بیستان ۳۹، استُوار گردان، اِستوار کن ٤۱، استَوار دَار ۵۵، بدار برجای ٦۰، استواردار ۹۷، بر جای دار ۱۰۲، پاینده دار ۱۳٦

ثَبَّتْناکَ: وَلَوۡلَآ أَن ثَبَّتۡنَٰكَ (۱۷:۷٤)
باستانید ند ۱، استوار گردانید یم ۲، نگاه داشتیم و استوار داشتیم ۳، نگاه داریم ۲٤، نگاه داشتیم ۳۰، برجای بداشتیم ٤۱، اُستُوار دَاشتیم ۵۵، برجای بَداشتیم ۵۷، بداشتیم ما ۵۸، استوار گردانیمی ما ٦۱، استوار کردیم ۹۰، استوار داشتیمی ۹۱، ما استوار داشتیم و نگاه داشتیمی ۹٤، بداشتمانی ۱۰٦، استوار داشتیمت ۱۱٤، ما استوار داشتیم ۱۳۹

فَثَبِّتوا: فَثَبِّتُواْ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ (۸:۱۲)
باستانید ۱، استوار داریت ۳، شما بدارید ۱۰، بدارید ۲۷، برجای بدارید ۲۹، سخت برجا بدارید ۳۸، برجای دارید ٤۱، برجا دارید ٤۸، استوار گرداند ۵۲، استوار دارید ۵٦، برجاء بدارید ۵۷، دل دهید ۵۸، استوار گردانید ٦۱، سخت بیستانید ۷۲، استوار گردانیت ۸۳، استوار د آرید ۹٤، استوار دارند ۹۸، بایستانید ۱۰۲، استوار گردانید - برجای بدارید ۱۰۹، پای دارید ۱۱۲، بپای دارید ۱۱۳، استوار سازید ۱۳۰

فَثَبَّطَهُمْ: وَلَٰكِن كَرِهَ ٱللَّهُ ٱنۢبِعَاثَهُمۡ فَثَبَّطَهُمۡ (۹:٤٦)
گران ۱، گران گردانید ۲، درنگی کرد ۳، واداشت ۱۰، گران گردانید ۱۱، بنشاند ۲٤، بازداشت ۲۷، درنگ گرْد ۵۵، باز گردانید ۵٦، گران شد ۷۲، دیر انگیز کرد ۷۹، درنگ کرد ۹۱، گران گرداند ۱۰۹، گران بار گردانید ۱۲۷

ثُبوتِها: فَتَزِلَّ قَدَمُۢ بَعۡدَ ثُبُوتِهَا (۱٦:۹٤)
ایستادن ۱، اِستواری ۲، استوار شدن ۳، بایستادن

---

[1] استادار: ایستاده، باشنده.

۱۹، استواری ۳٤، استوار ۳٦، استوار استادن ٤۹، ایسْتَادَنْ ۵۳، اُسْتُوار شُدَن ۵۵، برجای بایستادن ۵۷، استادن ۷۲، استادگی ۱۰۲، استواری نمودن ۱۱۹

ثُبورًا: دَعَوْاْهُنَالِكَ ثُبُورًا (۱۳:۲۵)
وای ۱، وَای وَای ۲، فریاد ۳۰، زاری ۵۳، وای وای ۵٦، واویلا ٦۵، وآی وآی زاری کردن ۹٤، زاری وای وای ۱۲٤

ثَجَّاجًا: وَأَنزَلْنَا مِنَ ٱلْمُعْصِرَٰتِ مَآءً ثَجَّاجًا (۱٤:۷۸)
فرود ریختار ۱، ریزنده ۲، روان بسیار ۳، ریزان ۳۸، ترنده ٤۲، ترّنده ۵۱، جهنده ٦۱، روان ٦۷، آب دونده ۹٤، بسیار وریزان ۱۰۲، فرو ریزان ۱۰۹، ریزان بسیار ۱۲۱، گوارا ۱۳٦، زیران[1] ۱۳۸، بسیار ۱۳۹

ٱلثَّرَى: وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ ٱلثَّرَىٰ (٦:۲۰)
هفتم زمین ۲، خاک ۳، زمین ۳۰، خاک نم‌دار ۳۹، خاک نمگین ٤۱، هفتم زمین ۵٦، خاک نمِگن ۸٦، خاک نمکین ۱۰٦

ثُعْبَانٌ: فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ (۷:۱۰۷)
مار ۱، مار بزرگ ۳، مار گِشته[2] ۱۰، اژدها ۲۷، اژدَها ۵۳، مَار بُزُرگ ۵۵، اژدهآء ٦۰، اژدهای ۸۸، اژدها ـ مار ۱۰۹، اژده‌ها ۱۱۳

~: فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ (۲٦:۳۲)
ماری نیگ بزرگ ۳، ماری بزرگ ۲۰، اژدرها ۲۹، مار نر ٤٦، مار - اژدها ۱۰۹، اژدر ۱۱۷

ٱلثِّقَالَ: وَيُنشِئُ ٱلسَّحَابَ ٱلثِّقَالَ (۱۲:۱۳)
گران ۳، گرَان بار ۵۷، گِران ۷٦، سنگین شده ۱۲۰، گرانبارها ۱۲۵، سنگین ۱۲٦

ثِقَالًا: حَتَّىٰٓ إِذَآ أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا (۵۷:۷)
گَران بار ۱، گران بارْ ۲، گران ٤۵، گران شده ۵۳، گرَان ۵۵، گِران بار ۹۰، گرآن بار ۹٤، سنگینان ۹٦، گران بار بباران ۹۸، گرانبار ۹۹، گَران شُدَه ۱٤۰

~: ٱنفِرُواْ خِفَافًا وَثِقَالًا (٤۱:۹)
گرانان ۱، گران باران ۲، پیران و گرانان و درویشان ۱۰، سنگین باران ۱۱، گران بار ٤۱، توانگران ٤۳، تونگر و جوان ٤۹، گرانی ۵۳، گرانَان ۵۵، توانگر ٦۲، پیاده ٦۷، پیران درویش ۷۹، سواران ۸۵، سنگی ۸۸، گِرانان ۹۰، درحال گرانی ۹۳، گرانباران ۱۲۲، پیران ۱۳٦

ثَقِفْتُمُوهُمْ: وَٱقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ (۱۹۱:۲)
بگیرید ۲، یابیت ۳، بیاوَید ۱۰، یاوید ۲٤، اندر یابید ۲۹، یابید ۳٦، دریابید ٤۳، دَرْیاوید ۵۳، بیابید ۱۰۰، یابید شما ۱۰۳، یافتید ۱۰۹

~: فَخُذُوهُمْ وَٱقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ (۹۱:٤)
گندید[3] ۱، یاوید ۱۰، یاوی ۲٤، بیابید ۲۹، بَیابِید، بیابیت ٤۱، بَیابید ٤۵، یَابیتْ ۵۵، دریاویشان ٦۰، بازیابید ۷٤

ثُقِفُوا: ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ ٱلذِّلَّةُ أَيْنَ مَا ثُقِفُوٓاْ (۱۱۲:۳)
گَنداده شدند[4] ۱، بیاوندشان اُو بگیرندشان ۱۰، یاوند ۲۳، بیاوندشان ۲٤، ایشان را یابند ۲۷، یاوید ۳٤، بگیرندشان ٤۰، یابندشان ٤۱، بگِیرندشان ٤۲،

---

۱. «زیران» تصحیفی از «ریزان» است.

۲. کذا، «گشتن» به معنی گزیدن در فرهنگها (از جمله: فرهنگ فارسی دکتر معین) ضبط شده و در کتاب **الابنیه عن حقایق الادویه** هم به همین معنی آمده است. آیا در این جا به همین معنی مراد است؟

۳. گندید: بیابید.

٤. گنداده شدند: یافته شدند.

یافتَه شوَند ۵۵، یاوند ایشانرا ۵۷، دست یابید ۶۱، یابید ایشانرا ۶۳، دریابند ۶۹، یابند ایشان ۷۶، یابند ایشانرا ۱۰۳، یافت شوند ۱۰۴، پیدا شوند ۱۲۱، یابیدشان ۱۲۴، بگیرند ایشان ۱۲۷، بگیریدشان ۱۳۶، یابید ۱۳۸

~: مَّلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوٓاْ (۶۱:۳۳)

گنداده شند[1] ۱، یافته شوند ۳، دریابندشان ۷، بیافرید ۱۸، یاوندشان ۲۹، دست برنهندشان ۳۰، بیاوند ۳۴، بیابیدشان ۳۸، بیابندشان ۴۱، دریابید ۴۳، بیابند و بدست آرند ۴۷، دست نهند ۶۵، بیابید ۱۰۵، دست برنهند ۱۰۸

★ أَيْنَمَا ثُقِفُوا: مَّلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوٓاْ (۶۱:۳۳)

هرکجاشان یاوند ۲

ٱلثَّقَلَانِ: سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ ٱلثَّقَلَانِ (۳۱:۵۵)

گرانان ۲، آدمیان و پریان ۶۶، پریان و آدمیان ۷۹، دیو و پری ۸۱، آدمی و پری ۱۰۹، دو گروه سنگین ۱۲۰، دیوان ۱۳۸

ثَقُلَتْ: فَمَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُۥ (۸:۷)

گران شهد ۱، گران آید ۱۰، گران شدند ۲۹، گران گردد ۳۱، گران کرد ۳۴، فزون آید ۳۶، گران شود ۴۱، گران شُدْ ۵۵، گرن بود ۶۰، سنگی آیند ۶۳، گران سنگ شود ۷۸، گران آیند ۸۹، سنگین باشد ۹۶، سنگی آید ۱۰۰، سنگین است ۱۳۶

~: ثَقُلَتْ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً (۱۸۷:۷)

پنهام شد[2] ۱، گران شد ۳، دشخوار و گران است ۱۰، دُشخوارست ۲۷، پوشیده شد ۲۹، گران شود ۳۵، گرانست ۳۶، گران آمده است ۳۹، سخران باشد ۵۲، گران شُد ۵۵، گران گشته است ۶۵، گران شد ـ گرانست ۹۱، گرآنست ۹۴، دشواراست ۱۰۴، گران است ۱۰۶، گران شده است ۱۲۰، پنهان است ۱۳۶

~: فَمَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُۥ (۱۰۲:۲۳)

گران شوند ۲۹، گران آمد ۴۱، گِران باشَد ۵۱، گران بار شود ۵۴، گران ۶۱

~: فَأَمَّا مَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُۥ (۶:۱۰۱)

گران شود ۲، گران باشد ۲۹، گران آید کردار ۴۱، گران سنگ آید ۶۴، گران بار باشند ۱۰۵، گران شده ۱۳۲

ثَقِيلًا: إِنَّا سَنُلْقِى عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۵:۷۳)

گران مایه ۶، گران ۴۱، بزرگ ۸۷، با فربهی ۹۱، گران بار ۹۹، گرآن ۱۰۰، گرانمایه ۱۳۶

~: وَيَذَرُونَ وَرَآءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا (۲۷:۷۶)

گران ۱، گِران ۲، سنگی ۲۴، گران دشوار ۶۴

ثَلَاثَ: ثَلَٰثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (۱۰:۱۹)

سه ۱، سِه ۴۱

~: وَٱلَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا۟ ٱلْحُلُمَ مِنكُمْ ثَلَٰثَ مَرَّٰتٍ (۵۸:۲۴)

سِه ۲، سه ۴۳

~: يَخْلُقُكُمْ فِى بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمْ خَلْقًا مِّنۢ بَعْدِ خَلْقٍ فِى ظُلُمَٰتٍ ثَلَٰثٍ (۶:۳۹)

سه گانه ۲۴

★ ثَلَاثَ مِائَةٍ: ثَلَٰثَ مِا۟ئَةٍ سِنِينَ (۲۵:۱۸)

سیصد ۱، سِیسد ۲، سیصید ۳۰

ثُلَاثَ: مَثْنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ (۳:۴)

سه گان ۱، سگان ۲، سه گان سه گان ۳، سه ۲۹، سه گانه ۳۴، سگان سگان ۳۶، سه سِه ۴۱، سه سه

---

[1] گنداده شند: یافته شوند.

[2] پنهام شد/ پنهان شد.

۴۹، سِه سِه ۸۲، سّه گانه ۱۲۳

~: أُوْلِيٓ أَجۡنِحَةٖ مَّثۡنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ (۱:۳۵)
سه گان سه گان ۷، سَه گان ۲۲، سه گان ۳۸، سِگان ۴۱، سَهْ گان ۵۳، سه وسه ۱۲۲

ثَلَٰثَةِ: فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٖ فِي ٱلۡحَجِّ (۲:۱۹۶)
سِه ۲، سّه ۳۶

~: كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ ثَالِثُ ثَلَٰثَةٖ (۵: ۷۳)
سه ۱، سگانه ۲۴

~: وَعَلَى ٱلثَّلَٰثَةِ ٱلَّذِينَ خُلِّفُواْ (۹:۱۱۸)
سه کس ۳۶، سه گانه ۴۱، سه تن ۵۶، سه تا ۱۳۶

~: وَكُنتُمۡ أَزۡوَٰجٗا ثَلَٰثَةٗ (۵۶:۷)
سه ـ سه گونه ۳، سه گونه ۴۳، سه سه ۸۱

★ ثلاثةِ آلافٍ: أَن يُمِدَّكُمۡ رَبُّكُم بِثَلَٰثَةِ ءَالَٰفٖ (۳: ۱۲۴)
سه هزار ۱

ثَلَاثُونَ: وَحَمۡلُهُۥ وَفِصَٰلُهُۥ ثَلَٰثُونَ شَهۡرًا (۴۶: ۱۵)
سِپی ۱، سی ۲۹

ثَلَاثِينَ: وَوَٰعَدۡنَا مُوسَىٰ ثَلَٰثِينَ لَيۡلَةٗ (۷: ۱۴۲)
سی ۱، سي ۴۵

ثُلَّةٌ: ثُلَّةٞ مِّنَ ٱلۡأَوَّلِينَ (۵۶:۱۳)
گره ۱

~: ثُلَّةٞ مِّنَ ٱلۡأَوَّلِينَ (۵۶:۳۹)
گروه ۲۴، گُروه ۴۱

~: وَثُلَّةٞ مِّنَ ٱلۡأٓخِرِينَ (۵۶:۴۰)
گروه ۲، گروه انبوه ۶۴

ٱلثُّلُثُ: وَوَرِثَهُۥٓ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ ٱلثُّلُثُ (۴:۱۱)
سیک ۱، سِیَکْ ۲، دو دانگ ۳، سیکی ۱۰، سِیک ۲۷، سه یَکی ۶۲، سه یکی ۶۷، سه یک ۹۰، سِیَکْ ۹۴، دو دانک ۹۷، دو سه ۱۲۴

ثُلُثَا: فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ (۴:۱۱)
دو برخ، دُو بهر ۲، دو سه یک - چهار دانگ ۳، دُو بَرج ۱۰، دو بَهره ۴۱، چهاردانگ دُو سِه یک ۵۵، دو بخش ۵۸، چهاردانگ ۶۳، سه ۷۶، سه یک ۸۸، دو بهره خوآسته ۹۴، از سه دو بخش ۹۶، دو سِیَک ۹۷، دو دآنگ ۱۰۰، دو بخش از سه بخش ۱۱۱، چهار دنگ ۱۱۴، دو بخش از سّه بخش ۱۲۳، دو بهره ۱۲۷

ٱلثُّلُثَانِ: فَلَهُمَا ٱلثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ (۴:۱۷۶)
دو برخ ۱، دو بهر ۲، دو سیک ۳، دُو بَرخ ۱۰، دو برْخ ۵۳، دو سه یک ۶۱، دو بهره ۸۲، از سه بخش دو ۹۶، چهارد آنگ ۱۰۰، چهار یک ۱۲۴

ثُلُثَهُ: أَنَّكَ تَقُومُ أَدۡنَىٰ مِن ثُلُثَيِ ٱلَّيۡلِ وَنِصۡفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ (۷۳: ۲۰)
سَیک ۲، سه یک ۳، دو برخ ۱۹، دو سه یک ۱۲۹

ثُلُثَي: أَنَّكَ تَقُومُ أَدۡنَىٰ مِن ثُلُثَيِ ٱلَّيۡلِ وَنِصۡفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ (۷۳: ۲۰)
دو برخ ۱، دو سه یک ۳، دو بهره ۶، چهار دانگ ۲۹، دو سیک ۳۶، دو بهر ۸۸، دو دانگ ۹۱

ثَمَّ: فَأَيۡنَمَا تُوَلُّواْ فَثَمَّ وَجۡهُ ٱللَّهِ (۲:۱۱۵)
آنجای ۶۲

~: وَأَزۡلَفۡنَا ثَمَّ ٱلۡأٓخَرِينَ (۲۶:۶۴)
بآنجا ۷۶، بدانجایگاه ۱۱۳

~: وَإِذَا رَأَيۡتَ ثَمَّ رَأَيۡتَ نَعِيمٗا (۷۶:۲۰)
آنجا ۱

~: مُّطَاعٖ ثَمَّ أَمِينٖ (۸۱:۲۱)
آنجایگاه ۷۹

ثُمَّ: ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يُحۡيِيكُمۡ (۲:۲۸)
آنگاه ۲۴

~: ثُمَّ عَرَضَهُمۡ عَلَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ (۲:۳۱)
پسْ ۲

~: ثُمَّ تَوَلَّيْتُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ (۲:٦٤)
پس، باز ۱۱۸

~: ثُمَّ أَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ (۲:۸۵)
اکنون ٦۳

~: ثُمَّ أَتِمُّوا۟ ٱلصِّيَامَ إِلَى ٱلَّيْلِ (۲:۱۸۷)
پس آنگاه ۲٤، تا آنگه ۲۹

~: فَقَالَ لَهُمُ ٱللَّهُ مُوتُوا۟ ثُمَّ أَحْيَٰهُمْ (۲:۲٤۳)
یا ۱۰۵، پس باز ۱۲۱

~: فَأَمَاتَهُ ٱللَّهُ مِا۟ئَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُۥ (۲:۲۵۹)
یازپس ۱۰۹

~: خَلَقَهُۥ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ (۳:۵۹)
پس آنگه ۲۹

~: ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ (۳:۱۵۲)
سپس ٦۷

~: ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ ٱلسَّيِّئَةِ ٱلْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوا۟ (۷:۹۵)
پستر ۱۲۳

~: ثُمَّ ٱجْتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ (۲۰:۱۲۲)
واز ۱

~: ثُمَّ أَنشَأْنَٰهُ خَلْقًا ءَاخَرَ (۲۳:۱٤)
دگر بار ٦۵

~: ثُمَّ كَفَرْتُم بِهِۦ (٤۱:۵۲)
باز ۳۲

~: ثُمَّ صُبُّوا۟ فَوْقَ رَأْسِهِۦ (٤٤:٤۸)
پس ۲، باز ۳۲

~: يَسْمَعُ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا (٤۵:۸)
باز ۲

~: ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ (۵۷:٤)
پس ۲

ثَمَانِيَ: عَلَىٰٓ أَن تَأْجُرَنِى ثَمَٰنِىَ حِجَجٍ (۲۸:۲۷)
هشت ۲۹

★ ثَمَانِيَ حِجَجٍ: أَن تَأْجُرَنِى ثَمَٰنِىَ حِجَجٍ (۲۸:۲۷)
هشت سال ۸۰

ثَمَانِيَةَ: ثَمَٰنِيَةَ أَزْوَٰجٍ مِّنَ ٱلضَّأْنِ ٱثْنَيْنِ (٦:۱٤۳)
هَشت ۱۰، هشت تا ۱۲۲

~: وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ ٱلْأَنْعَٰمِ ثَمَٰنِيَةَ أَزْوَٰجٍ (۳۹:٦)
هشت ۱

ثَمَانِينَ: فَٱجْلِدُوهُمْ ثَمَٰنِينَ جَلْدَةً (۲٤:٤)
هشتاد ۱

ثَمَرَات: فَأَخْرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ (۲:۲۲)
میوهاً ۲

~: وَٱرْزُقْ أَهْلَهُۥ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ (۲:۱۲٦)
مِیوهها ۳

~: لَهُۥ فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ (۲:۲٦٦)
میوه ۲

~: فَأَنزَلْنَا بِهِ ٱلْمَآءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِۦ مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ (۷:۵۷)
میوَها ٤۵، خوردنیها ٦۱، میوه گونه ۹۲

~: بِٱلسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ (۷:۱۳۰)
میوها ۱۰، میوَها ۵۳، درختان ۷٤

~: وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِىَ وَأَنْهَٰرًا وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ (۱۳:۳)
میوه ۲، میوهها ۵

~: فَأَخْرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ (۱٤:۳۲)
میوَها ۵۳

~: ٱلنَّخِيلَ وَٱلْأَعْنَٰبَ وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ (۱٦:۱۱)
میوَها ۵۳

~: وَمِن ثَمَرَٰتِ ٱلنَّخِيلِ وَٱلْأَعْنَٰبِ (۱٦:٦۷)
بَرها ۵۳، بارها ۵۸، میوهاء ۹۰

~: ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ (۱۶:۶۹)
میوَها ۵۵، بارهای درخت ۵۸، درختها ۹۳

~: يُجْبَىٰٓ إِلَيْهِ ثَمَرَٰتُ كُلِّ شَيْءٍ (۲۸:۵۷)
برها ۳۹، میوها ۱۰۰

~: فَأَخْرَجْنَا بِهِۦ ثَمَرَٰتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَٰنُهَا (۳۵:۲۷)
میوَها ۷، میوها و برها ۳۹

~: وَمَا تَخْرُجُ مِن ثَمَرَٰتٍ مِّنْ أَكْمَامِهَا (۴۱:۴۷)
برها و میوها ۳۹

~: وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ (۴۷:۱۵)
میوه ٦

ثَمَرَة: كُلَّمَا رُزِقُوا۟ مِنْهَا مِن ثَمَرَةٍ رِّزْقًا (۲:۲۵)
میوه ۲، میوها ۲۴، میوَه ۴۰، میوَه ۹۴

ثَمَرِه: ٱنظُرُوٓا۟ إِلَىٰ ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثْمَرَ وَيَنْعِهِۦٓ (۶:۹۹)
میوه ۱، میوه ۲، میوها ۱۰، میوَه ۸۸

~: كُلُوا۟ مِن ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثْمَرَ (۶:۱۴۱)
میوَها ۱۰، بار ۵۳، میوَها ۵۷

ٱلثُّمُنُ: فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ ٱلثُّمُنُ (۴:۱۲)
هشت یک ۱، هشْت یک ۲، هشتیک ۳، هَشْتیک ۵۵، سه تسو ۶۳، هشت یکی ۶۷، ستسو ۸۵، هشت ۱۰۴

ثَمَنًا: وَلَا تَشْتَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِى ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّٰىَ فَٱتَّقُونِ (۲:۴۱)
بهای ۲۴

~: وَيَشْتَرُونَ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا (۲:۱۷۴)
ببهای ۲۴، چیز خوردنی ۴۰

~: يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ ٱللَّهِ وَأَيْمَٰنِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا (۳:۷۷)
ببهاء ۲۴، بهآ ۵۷

~: وَٱشْتَرَوْا۟ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا (۳:۱۸۷)
بها ۱

~: لَا نَشْتَرِى بِهِۦ ثَمَنًا (۵:۱۰۶)
بَها ۲، بزه ۳۱، بَهاٰ ۵۳

~: ٱشْتَرَوْا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا (۹:۹)
مایها ۷۲

★ ثَمَنًا قَلِيلاً: وَلَا تَشْتَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِى ثَمَنًا قَلِيلًا (۲:۴۱)
اند ک مایه چیز این جهانی ۱۰

~: لِيَشْتَرُوا۟ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا (۲:۷۹)
چیز خوردنی ۶۳

~: وَيَشْتَرُونَ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا (۲:۱۷۴)
چیز این جهانی و خُوردَنی ۱۰

بِثَمَن: وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍۭ بَخْسٍ (۱۲:۲۰)
بَها ۵۵، بهان[1] ۹۲

ثَوابَ: وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ ٱلدُّنْيَا نُؤْتِهِۦ مِنْهَا (۳:۱۴۵)
بازیافت ۳۹، پَاداش ۵۵، پاداش نیکی ۱۰۴

~: فَـَٔاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ ثَوَابَ ٱلدُّنْيَا (۳:۱۴۸)
بازداد ۳۹، مزد و پاداشت ۴۰، پاداشت ۴۱، نیکی پاداش ۱۰۴

~: وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسْنُ ٱلثَّوَابِ (۳:۱۹۵)
بازدادن ۳۹، پای داشت ۵۷

~: مَّن كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ ٱلدُّنْيَا (۴:۱۳۴)
پاداشت ۲، زند گانی ۳۱، پاد آش ۹۴، نیکی ۱۲۱

~: مُّتَّكِـِٔينَ فِيهَا عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ ۚ نِعْمَ ٱلثَّوَابُ (۱۸:۳۱)
پاداشن ۲

~: وَيْلَكُمْ ثَوَابُ ٱللَّهِ خَيْرٌ (۲۸:۸۰)

---

۱. بهان / بها.

مزد ٣٩

ثَوابًا: ثَوَابًا مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ (٣:١٩٥)

پاداش ١

~: هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا (١٨:٤٤)

پاداش ٥٥، پای داشت ٥٧، پادشاه ٩٢

~: ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا (١٨:٤٦)

پاداش ٤٩

ثُوِّبَ: هَلْ ثُوِّبَ ٱلْكُفَّارُ مَا كَانُوا۟ يَفْعَلُونَ (٨٣:٣٦)

پاداش داده شد ١، پاداش دارند ٢، پاداش دهند ٢٤، پاداش کرده شدند ٥٦، پاداش کرده شوند ٦١، پاداش داده شوند ٦٥، پاداشت داده شدند ٧٩، پاداش داده شدند ٨٠، پاداش دادند ٨٨، پاداشت داده شود ١٠٦، پاداشت داده شد ١٠٩، پاداش شدند ١٢١، پاداشت دهند ١٣٨، پاداش داده شود ١٣٩

ثِيَابٌ: قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ (٢٢:١٩)

جامَهَا ٥١، جامَها ٥٣

~: عَٰلِيَهُمْ ثِيَابُ سُندُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ (٧٦:٢١)

جامهاً ١٠٥، پوشش جامها ١٢٤، جامها ١٢٥

ثِيَابًا: يَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ (١٨:٣١)

جامَهَا ٥٥، جامها ١٠٠

ثِيَابَكَ: وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ (٧٤:٤)

جامه ٣، دلحوشی ٨٨

ثِيَابَكُمْ: تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ ٱلظَّهِيرَةِ (٢٤:٥٨)

جامها ٢٤، جامَهَا ٥١، جامَهَا ٥٣، جامَها ١١٩

ثِيَابَهُمْ: أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ (١١:٥)

جامها ١، جامه ها ١٣، جامَهَا ٦٢

ثِيَابَهُنَّ: أَن يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ (٢٤:٦٠)

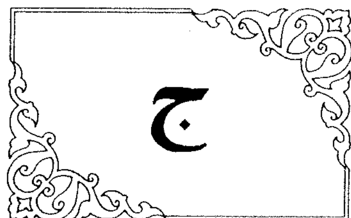
چادر و جامها ٦٤، چادرها ٨٧، جامَهَا ١١٩

ثَيِّبَات: ثَيِّبَٰتٍ عَٰبِدَٰتٍ سَٰٓئِحَٰتٍ ثَيِّبَٰتٍ وَأَبْكَارًا (٦٦:٥)

شویْ دیده گان ١، شُوی کردگان ٢، شوی دید گان ٣، شوهر کردگان ٢٤، نه دختر ٢٩، شوی کرده گان ٣٠، کالم[1] ٣٦، کالمان[1] ٣٩، شوهر دید گان ٤١، شوی کردگان ٤٢، شوی دیده ٤٨، شوی داشتگان ٤٩، بیوگان ٥٢، شوی کردگان ٥٦، شوی دادگان ٦٥، بشوی کردگان ٧٩، شوی دوست ٨١، کالان ٩٠، شوهر کرده ٩٤، شوی کردگان ١٠٠، شوی داران ١٠٢، بیوه گان ١٠٥، شوهر کرده گان ١١٩، شوهر دیده ١٢٦، شو کردگان ١٣٤، شوی داشته شده گان ١٣٦

---

١. کالم (جمع کالمان) زنی که شوهرش مرده یا طلاق گرفته باشد، بیوه.



جاءَ: أَوۡ جَآءَ أَحَدٞ مِّنكُم مِّنَ ٱلۡغَآئِطِ (٤٣:٤)
واز آمده بود ۱۰، همی آید ۲۹

~: قُلۡ مَنۡ أَنزَلَ ٱلۡكِتَٰبَ ٱلَّذِي جَآءَ بِهِۦ مُوسَىٰ (٩١:٦)
آورده است ۱۰۳، آمده ۱۲۳

~: وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا يُجۡزَىٰٓ إِلَّا مِثۡلَهَا (١٦٠:٦)
آرد ۱

~: فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ لَا يَسۡتَأۡخِرُونَ سَاعَةٗ (٣٤:٧)
برسد ۷٦

~: وَقَلَّبُواْ لَكَ ٱلۡأُمُورَ حَتَّىٰ جَآءَ ٱلۡحَقُّ (٤٨:٩)
آمد ۱

~: وَجَآءَ ٱلۡمُعَذِّرُونَ مِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ (٩٠:٩)
آمدند ۱

~: لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌۚ إِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ فَلَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ (٤٩:١٠)
آید ۱، بیامده بود ۱۰

~: لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ كَنزٌ أَوۡ جَآءَ مَعَهُۥ مَلَكٌ (١٢:١١)
نیامد[1] ۱

~: وَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا نَجَّيۡنَا هُودٗا (٥٨:١١)
پدید آمد ۷ مکرّر

~: فَمَا لَبِثَ أَن جَآءَ بِعِجۡلٍ حَنِيذٖ (٦٩:١١)
بیاورد ۵۸، آمد و آورد ۱۰۰

~: فَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا جَعَلۡنَا عَٰلِيَهَا سَافِلَهَا (٨٢:١١)
در رسید ۷ مکرّر

~: وَلِمَن جَآءَ بِهِۦ حِمۡلُ بَعِيرٖ وَأَنَا۠ بِهِۦ زَعِيمٞ (٧٢:١٢)
باز آورد ۷٦، بیارد ۹٤

~: وَجَآءَ بِكُم مِّنَ ٱلۡبَدۡوِ (١٠٠:١٢)
بیاورد ۵۳

~: وَجَآءَ أَهۡلُ ٱلۡمَدِينَةِ يَسۡتَبۡشِرُونَ (٦٧:١٥)
بیامدند ۲، آمدند ۱۰۵

~: كُلَّ مَا جَآءَ أُمَّةٗ رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ (٤٤:٢٣)
بیامدی ٦۱، می آمد ۱۰۳

~: مَن جَآءَ بِٱلۡحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيۡرٞ مِّنۡهَا (٨٩:٢٧)
بکند ٤۳

۱. با توجه به آیه معنی صحیح است.

~: وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِى ٱلنَّارِ (۲۷: ۹۰)
گذرد ۱۱۳

~: وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّىٓ أَعْلَمُ بِمَن جَآءَ بِٱلْهُدَىٰ (۲۸: ۳۷)
بیارد ۲، بیاورده است ٦٤

~: قُلْ جَآءَ ٱلْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ ٱلْبَٰطِلُ وَمَا يُعِيدُ (۳٤: ٤۹)
آمد ٦١

~: فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمْ (۳۵: ٤۵)
فراز رسد ٦٤

~: وَٱلَّذِى جَآءَ بِٱلصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ (۳۹: ۳۳)
آورد ۱، بیاوردند ٦١، بیارد ۹۲

~: أَوْ جَآءَ مَعَهُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ مُقْتَرِنِينَ (٤۳: ۵۳)
بیامدندی ۵٦

~: مَّنْ خَشِىَ ٱلرَّحْمَٰنَ بِٱلْغَيْبِ وَجَآءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ (۵۰: ۳۳)
آمده باشد ۹٦

~: فَرَاغَ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ فَجَآءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ (۵۱: ۲٦)
آمد بیاورد ٦، بیافرد[1] ۱۷

~: وَجَآءَ فِرْعَوْنُ وَمَن قَبْلَهُۥ وَٱلْمُؤْتَفِكَٰتُ بِٱلْخَاطِئَةِ (٦۹: ۹)
کرد ۲۹

~: إِذَا جَآءَ نَصْرُ ٱللَّهِ وَٱلْفَتْحُ (۱۱۰: ۱)
بیابد ۲٤

جَاءَتْ: إِذَا جَآءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ (٦: ۱۰۹)
آید ۱

~: قَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلْحَقِّ (۷: ۵۳)
آوردند ۱

~: وَلَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُنَآ إِبْرَٰهِيمَ بِٱلْبُشْرَىٰ (۱۱: ٦۹)
بیاوردند ۲

~: وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَآ إِبْرَٰهِيمَ بِٱلْبُشْرَىٰ (۲۹: ۳۱)
بیامدند ۲، آمدند و آوردند ٤۷

~: وَجَآءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَآئِقٌ وَشَهِيدٌ (۵۰: ۲۱)
می آید ۱۰۳

جَاءَتْكَ: بَلَىٰ قَدْ جَآءَتْكَ ءَايَٰتِى (۳۹: ۵۹)
آمد بتو ۵٦

جَاءَتْكُمْ: مَا جَآءَتْكُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ (۲: ۲۰۹)
بیاید ۲، آمد ۵۸

جَاءَتْهُ: وَمَن يُبَدِّلْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُ (۲: ۲۱۱)
آمده بود ۲٤، رسیده بود ٦۳، آمده باشد ۷٦

~: وَجَآءَتْهُ ٱلْبُشْرَىٰ يُجَٰدِلُنَا فِى قَوْمِ لُوطٍ (۱۱: ۷٤)
رسید ۵۳

جَاءَتْهُمْ: مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ (۲: ۲۱۳)
رسیده بُود ۱۰، نیامد ۵۲، رسیده بد ٦۳، آمد ۹۰

~: مِّنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ (۲: ۲۵۳)
بیامده بود ٦٤، آمد ۱۰۳

~: مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ فَعَفَوْنَا (٤: ۱۵۳)
آمد ۱

~: وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِٱلْبَيِّنَٰتِ (۵: ۳۲)
آمدند ٦۳

~: حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتْهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغْتَةً (٦: ۳۱)
بیامد ۲

~: لَئِن جَآءَتْهُمْ ءَايَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا (٦: ۱۰۹)
آید ۱۱٤

~: حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ (۷: ۳۷)
آیند ۱

---

۱. بیافرد / بیاورد.

~: وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ (۷:۱۰۱)
بیامدند ۵۸

~: جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ (۱۴:۹)
آورد ۵

~: فَلَمَّا جَآءَتْهُمْ ءَايَٰتُنَا مُبْصِرَةً (۲۷:۱۳)
بیاید ۸۷

~: جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَبِٱلزُّبُرِ (۳۵:۲۵)
بیاوردند ۵۶

~: إِذْ جَآءَتْهُمُ ٱلرُّسُلُ مِنۢ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ (۴۱:۱۴)
آمدند ۱

جائرٌ: وَعَلَى ٱللَّهِ قَصْدُ ٱلسَّبِيلِ وَمِنْهَا جَآئِرٌ (۱۶:۹)
کیل [۱]، راههای کژ ۲، کژ ۳، بگردنده ۲۹، گردنده ۴۱، راهها، کژ ۴۳، ناراست ۴۸، راه گشته ۵۳، گژ و گشته ۵۵، گردیده ۶۲، گذرنده ۷۲، بگردیده ۷۶، کج ۱۱۴، کجرو ۱۲۰، راه کژ ۱۲۴، راههای کژ ۱۲۸، راه کج ۱۳۳

جاءَكَ: بَعْدَ ٱلَّذِى جَآءَكَ مِنَ ٱلْعِلْمِ (۲:۱۲۰)
آمد ۴۰

~: بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلْعِلْمِ (۲:۱۴۵)
آمد ۳

~: فَمَنْ حَآجَّكَ فِيهِ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلْعِلْمِ (۳:۶۱)
بیامد ۱۳۸

~: وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَهُمْ عَمَّا جَآءَكَ مِنَ ٱلْحَقِّ (۵:۴۸)
رسیده است ۶۴

~: وَلَقَدْ جَآءَكَ مِن نَّبَإِى۟ ٱلْمُرْسَلِينَ (۶:۳۴)
آمدست ۲۹، آمدندی ۳۴

~: يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِىُّ إِذَا جَآءَكَ ٱلْمُؤْمِنَٰتُ يُبَايِعْنَكَ (۶۰:۱۲)
آیند ۱۱۳

~: إِذَا جَآءَكَ ٱلْمُنَٰفِقُونَ (۶۳:۱)
آید ۱۱۴

جاءَكُمْ: أَفَكُلَّمَا جَآءَكُمْ رَسُولٌۢ (۲:۸۷)
آوردی ۱۰، آوردی ۴۰

~: وَلَقَدْ جَآءَكُم مُّوسَىٰ بِٱلْبَيِّنَٰتِ (۲:۹۲)
آورد ۲، آورد ۱۰، آورده بود ۲۹، آورد ۴۰

~: قَدْ جَآءَكُمْ رَسُولُنَا (۵:۱۵)
بیامد ۲۹

~: يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ قَدْ جَآءَكُمْ رَسُولُنَا (۵:۱۹)
آمده ۳۷

~: فَقَدْ جَآءَكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ (۶:۱۵۷)
آمد ۵۸

~: إِن تَسْتَفْتِحُوا۟ فَقَدْ جَآءَكُمُ ٱلْفَتْحُ (۸:۱۹)
آمد ۱۱۲

~: وَقَدْ جَآءَكُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ (۴۰:۲۸)
آورد ۱۱۴

~: إِن جَآءَكُمْ فَاسِقٌۢ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوٓا۟ (۴۹:۶)
آید ۱۱۴

~: وَقَدْ كَفَرُوا۟ بِمَا جَآءَكُم مِّنَ ٱلْحَقِّ (۶۰:۱)
بیایند ۶۱، آمده است ۱۰۳

جاءَنا: وَمَا جَآءَنَا مِنَ ٱلْحَقِّ وَنَطْمَعُ (۵:۸۴)
آمد ۱۱۴

~: فَمَن يَنصُرُنَا مِنۢ بَأْسِ ٱللَّهِ إِن جَآءَنَا (۴۰:۲۹)
آید بمان ۱۱۴

★ ماجاءَنا: مَا جَآءَنَا مِنۢ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ (۵:۱۹)

---

۱. کیل: کژ، از راه گشته.

نیامدند ۱۲۳

جَاءَنی: إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ (۱۹:۴۳)
آمد ۸۶

جَاءَهُ: فَمَن جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ (۲:۲۷۵)
رسد ۱۰، رسید ۶۳، اید ۶۹

~: حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا (۲۴:۳۹)
باز آید ۴۷

~: وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ (۳۹:۳۲)
آمد ۱۱۴

~: عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ أَن جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ (۸۰:۲)
بیامد ۵۶

جَاءَهَا: فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا (۷:۴)
آمد ۱۱۴

جَاءَهُمْ: وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ (۲:۸۹)
آمد ۱۰

~: إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ (۳:۱۹)
رسیده بود ۶۴

~: أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ (۳:۸۶)
آمده بود ۲۵

~: مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ (۳:۱۰۵)
رسید ۱۰

~: وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ (۴:۸۳)
بیاید ۵۳، برسد ۶۴

~: فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا (۱۰:۷۶)
بیامد ۵۳

~: وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ (۱۶:۱۱۳)
بیامد ۵۳

~: مَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ (۱۸:۵۵)
بیامد ۲

~: أَمْ جَاءَهُم مَّا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ (۲۳:۶۸)
آورد ۵۶

~: ثُمَّ جَاءَهُم مَّا كَانُوا يُوعَدُونَ (۲۶:۲۰۶)
بیاید ۸۷

~: وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ (۲۹:۵۳)
بیامدی ۹، بیامد ۳۴، آمدی ۴۷

~: فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۳۵:۴۲)
بیامدی ۹۴

~: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ (۴۱:۴۱)
بیامد ۶۴

~: فَلَمَّا جَاءَهُم بِآيَاتِنَا إِذَا هُم مِّنْهَا يَضْحَكُونَ (۴۳:۴۷)
بیاورد ۵۶

~: وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ (۴۴:۱۷)
آمد ۳۲

~: فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۶۱:۶)
آوردید ۱۱۳

جَاءُو: وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ (۱۲:۱۶)
آوردند ۱

~: وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ (۷:۱۱۶)
آمدند ۱، بیامدند ۵۳

~: وَجَاءُوا عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ (۱۲:۱۸)
بیامدند و آوردند ۵۸، بیاوردند ۱۲۸، آوردند ۱۳۶

~: لَّوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ (۲۴:۱۳)
آوردندی ۱۱۴

★ لَوْلَا جَاءُو: لَّوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ (۲۴:۱۳)
چرا نیاوردند ۲، اگر نیاوردندی ۵۴، نیاوردند

۵۶، چرا نیاوردندی ۶۱، نیامدند ۸۹، چرا نیامدند ۱۰۰

جَاءُوكَ: ثُمَّ جَآءُوكَ يَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ (٤:٦٢)
بیایند ۲، آمده‌اند ۱۰

~: إِذ ظَّلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ (٤:٦٤)
آمدندی ۱، بیامدندی ۴۵، بیامدندی ۵۸

~: فَإِن جَآءُوكَ فَٱحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ (٥:٤٢)
آمدن[1] ۷۵، آیند ۷۶

~: حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوكَ يُجَٰدِلُونَكَ (٦:٢٥)
آیند ۱۱۴

جَاءُوكُمْ: أَوْ جَآءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ (٤:٩٠)
آمده باشند ۲۹

~: وَإِذَا جَآءُوكُمْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا (٥:٦١)
بیامد ۵۳

جَاءُوهَا: حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَٰبُهَا (٣٩:٧١)
آیند ۱، آید ۱۱۴

~: حَتَّىٰٓ إِذَا مَا جَآءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ (٤١:٢٠)
آیند ۸۰

فَجَاءُوهُمْ: فَجَآءُوهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ (١٠:٧٤)
آوردند ۵۶

~: فَجَآءُوهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ (٣٠:٤٧)
بیامدند ۱۴، بیاوردند ۶۱

جَابُوا: وَثَمُودَ ٱلَّذِينَ جَابُواْ ٱلصَّخْرَ بِٱلْوَادِ (٨٩:٩)
ببریدند ۱، بِبُریدَند ۲، می کندند ۲۴، می کاویدند ۳۶، می کنند ۳۹، ببرید ۶۱، می بریدند ۶۷، بریدند ۷۹، سوراخ کردند ۹۹، سوراخ میکردند ۱۰۰، میبریدند ۱۱۶، بریده بودند ۱۲۰، سوراخ کردند و بر کندند ۱۳۹

جَاثِمينَ: فَأَصْبَحُواْ فِى دَارِهِمْ جَٰثِمِينَ (٧:٧٨)
مُردگان اُفتادگان ۲، مردگان بَرجاخُشک ۱۰، بزانودرافتادگان ۲۷، برسینه خفته - مرده ۲۹، افتیده ۳۴، مردَگان ۴۵، فُروخُفتَگان ۵۵، مردگان بزانو افتادگان ۵۶، سوخته و مرده ۵۸، افتاده ۶۲، مردگان افتاده ۶۴، فرومردگان ۷۹، افتادگان ۸۸، بزانو افتادگان ۹۰، جامردگان ۹۲، افتادگان و مردگان ۹۴، مرده و برهم افتاده ۱۰۲، فرو افتادگان ۱۰۹، برجای فرومردگان ۱۱۱، مرده گان ۱۱۹، مردگان بررو افتاده ۱۲۲، خفتگان ۱۲۹، بر روی در افتادگان ۱۳۱، افتادگان بی جان ۱۳۵، افتادگان مُرده ۱۴۰

~: فَأَصْبَحُواْ فِى دَارِهِمْ جَٰثِمِينَ (٧:٩١)
مردگان ۱، برجا خشگ بمرده ۱۰، بزانو درافتادگان - مردگان ۲۷، فروخفته ۴۱، برو درافتاده و بمرده ۴۸، فُروُخُفتگان ۵۵، مردَه فتادَه ۶۲، افتاده و مرده ۸۸، بر روی افتادگان ۹۶، فروافتادگان - مردگان ۱۰۹، بروافتاده مردگان ۱۲۲، بروی افتادگان ۱۲۳، افتیدگان مردَه ۱۴۰

~: فَأَصْبَحُواْ فِى دِيَٰرِهِمْ جَٰثِمِينَ (١١:٦٧)
فروخفتگان ۳، فروخفته مرده ۲۹، استادگان ۴۲، اَوْکَنْدَه ۵۳، بزانو درآمدگان مردگان ۵۶، خشک مردگان ۵۸، مردگان بر سر هم دگر ۶۰، افکنده ۶۲، مردگان افتاده در روی ۶۴، استاده ۷۶، مردگان افتادگان ۸۳، زانو افتادگان ۹۰، فرومرده ۹۵، بزانو درآمدگان ۱۰۴، افتادگان مرده گان ۱۰۹، مردگان و بر زمین چسبیدگان ۱۱۱، فرو مردگان ۱۲۲، بر جای روندگان ۱۳۵

~: فَأَصْبَحُواْ فِى دِيَٰرِهِمْ جَٰثِمِينَ (١١:٩٤)
مرده ۲۹، فرو خفته و مرده ۴۱، خفته و مرده ۵۶،

---

[1] آمدن/ آمدند.

مرد گان و خشکان ۵۸، اَفتادَه ٦٢، برزانو افتاده ٦٧، مُردَه ٧٦، بر زانو افتاده گان ۱۰۹، مرده و برزمین افتاده ۱۱۱، بر زمین چسبند گان ۱۲۰، مرد گان بروی افتاده ۱۳۰

~: فَأَصۡبَحُواْ فِي دَارِهِمۡ جَٰثِمِينَ (۳۷:۲۹)
مُرد گان افتاد گان ۲، نیستان[1] ۲۱، مرد گان و افتاد گان ۳۰، همه مرده ۳۹، مرده و برجای مانده ٤٧، مرده و برو درافتاده ٤٨، بزانو افتاد گان مرده ٥٦، مرد گان خشک ۵۸، افتاده و نابود گشته ٦٤، فروخفته گان ۸۰، بزانو ایستاد گان ۸۷، بزانو در افتاده و مرده ۱۰۲، بزانو در آمد گان و مرد گان ۱۰۳، بزانو در آمده ۱۰۵، افتاده گان ـ فرومرده ۱۰۹، سر گان و بزمین چفسند گان ۱۱۱، بزانو در آمد گان ۱۲۰، برو افتاده مرد گان ۱۲۲

جَاثِيَةً: وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٖ جَاثِيَةٗۚ كُلُّ أُمَّةٖ تُدۡعَىٰٓ إِلَىٰ كِتَٰبِهَا (٤٥: ٢٨)
ور زانوا افتادار ۱، برزانو افتاده ۲، بزانو در آمد گان ۳، بزانو افتاده ١٦، بْرزانُو فتادَه ۲۲، در زانو افتاده ٢٤، بزانو درآمده ۲۹، فراز او نشسته ٣٤، زانو زده ٤١، افتاده بزانو ٤٣، بزانو درنشسته ٤٩، دَر زانو آمَده ٥١، بزانو افتیده گرد کرده ۵۳، بزانو نشسته ٦١، بر زانو نشسته ٦٥، زانو افتاده ۸۷، براه افتاده ۸۸، بزانو درآیند گان ۸۹، زانو نشسته ۹۰، بزانو افتاد گان ۹۸، فراهم آمده ۱۰۲، بزانو در آمده گان ۱۱۳، بزانو در آمده شد گان ۱۲۱، در زانو آمده ١٢٤، نو در آمده ۱۳٦، بزانو درایند گان ۱۳۸

جَادَلْتُمْ: هَٰٓأَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ جَٰدَلۡتُمۡ عَنۡهُمۡ (٤: ١٠٩)
پیکار کردید ۱، پیکار کردیت ۳، پیکار می کشیدا ۱۰، می کنید پیکار ۲۷، پْیکار کردید ٤٢، سخن گفتید ۹۰، پیکار کشید ید ۱۰۹

جادَلْتَنا: قَالُواْ يَٰنُوحُ قَدۡ جَٰدَلۡتَنَا (۱۱: ۳۲)
پیکار کردی ۱، پیکار اندر گرفتی ۲۷، پیکار گرفتی ٥٦

جادِلْهُمْ: وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ (١٦: ١٢٥)
پیکار کن ۱، پیکار داری کن ٩٦، کارزار کن ۱۲۱

جادَلُوا: جَٰدَلُواْ بِٱلۡبَٰطِلِ لِيُدۡحِضُواْ بِهِ ٱلۡحَقَّ (٤٠: ٥)
پیکار کردند ۱، کارزار کردند ٦٩

جادَلُوكَ: وَإِن جَٰدَلُوكَ (٢٢: ٦٨)
پیکار کنند ۱

جارٌ: وَٱلۡجَارِ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡجَارِ ٱلۡجُنُبِ (٤: ٣٦)
همسایه ۱، همسایگان ۵۳، هَمْسایَه ۵۵

~: وَإِنِّي جَارٞ لَّكُمۡ (٨: ٤٨)
زنهار دادار[2] ۱، یار و نگه دار و زینهارده ۱۰، همسایه و یار ۱۱، یار ٢٤، یار و نگاه دار ۲۷، نگاه دارنده ۳۹، زینهار دهنده ٤٣، یارمند ٤٩، همسایه و یاری دهنده ۵۸، واپناه گیرنده ۷۹، زنهار خواهنده ١٠٤، زینهار دهنده، نگه بان ۱۰۹، زنهار دهنده و فریاد رسنده ۱۱۱، فریاد رسنده ١١٦، یاری کننده ۱۲۰، فریادرس ۱۲۱، پناه دهنده ۱۳۵، زنهار دهنده ١٣٦

★ إِنّي جارٌ: وَإِنِّي جَارٞ لَّكُمۡ (٨: ٤٨)
مَنْ زینهار دهم ٦٢، زنهار دهم ۹۳

فَالْجارِيات: فَٱلۡجَٰرِيَٰتِ يُسۡرٗا فَٱلۡمُقَسِّمَٰتِ أَمۡرًا (٥١: ٣)
کشتیهای رفتار[3] ۱، روند گان ۳، کشتیها ۱۷، کشتیهای رونده ۳۰، شوند گان[4] ٤٢، رونده ٤٣،

۱. نیستان: نیست ها، جمع «نیست».
۲. زنهار دادار/ زنهار دهنده.
۳. رفتار: رونده.
٤. شوند گان: روند گان.

رَوَنْدِ گانْ ۵۳، کشتیها رونده ۶۷، کشتیهاء رونده ۶۹، کشتیها روان ۷۸، کشتیهای روانه ۷۹، کشتیها که می‌رود ۸۱، کشتیهای رونده برآب ۸۶، کشتیهای روان ۸۹، کشتیها روانه شونده ۱۱۳، کشتیهای روان کرده ۱۱۷، پس روند گان ۱۲۱، کشتیهاء روان ۱۳۸

جَارِيَةٌ: إِنَّا لَمَّا طَغَا ٱلْمَآءُ حَمَلْنَٰكُمْ فِي ٱلْجَارِيَةِ (۱۱:۶۹)
کشتیها ۱، کِشتی روان ۲، کشتی ۳، کشتی رونده برآب ۱۰۳، رونده ۱۱۶، کشتی رونده ۱۱۹

~: فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (۱۲:۸۸)
روان ۲، روآن ۱۰۰، روان کرده ۱۱۷، آب روان ۱۳۶

جَازٍ: وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِۦ شَيْـًٔا (۳۳:۳۱)
واز کنار[۱] ۱، بکذارد[۲] ۲، باز دارنده ۳، بسنده کننده ۲۹، بگذرد[۲] ۳۰، بی نیاز کننده ۳۹، سود کننده ۴۳، سود کند[۲] ۵۸، گذارنده ۶۷، بی نیاز کند[۲] ۶۹، گزارنده[۳] ۸۰، بگزیراننده ۸۹، گزارنده[۳] بود ۹۱، فریادرس ۹۲، بازدآرنده ۱۰۰، بازپس کننده ۱۲۶، پاداش دهنده[۴] ۱۳۶، بردارنده[۴] ۱۳۸

فَجَاسُوا: فَجَاسُوا۟ خِلَٰلَ ٱلدِّيَارِ (۵:۱۷)
ورشند ۱، اَندرْشُدند ۲، برگشتند ۳، بگردند ۲۹، بگردیدند ۳۴، در می آمدند ۳۶، درآمدند ۴۱، در شوَند ۴۲، در شدند ۵۲، گَشتَنْد ۵۵، بِگردیدَند ۶۲، بگشتند ۶۷، در شوند ۷۶، اندر شدند ۸۳، گشتند ۹۱، گردند ۹۳، درآئید[۵] ۱۱۱، درآیند ۱۲۰، می گشتند ۱۲۴

جَاعِلٌ: إِنِّي جَاعِلٌ فِي ٱلْأَرْضِ خَلِيفَةً (۲:۳۰)
کُنندَه، افرننده[۶] ۴، آفِرینَندَه ۵۵، پدید کننده ۸۴، پیدا کننده ۱۱۴

~: وَجَاعِلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوكَ (۳:۵۵)
کُننده ۲، کُنَنده ۵۵، گردانند‌ه ۶۱، کَنَنْده ۹۴، گرد آننده ۱۰۰

~: جَاعِلِ ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا (۳۵:۱)
کننده ۲، کرد گار[۷] ۷، فرستنده ۲۴، سازنده ۲۹، آفریننده ۳۹، آفرید گار ۶۷، گرداننده ۷۴

★ إِنّی جَاعِلٌ: إِنِّي جَاعِلٌ فِي ٱلْأَرْضِ خَلِيفَةً (۲:۳۰)
مَن بُخَواهُم آفرِید ۱۰، خواهم آفرید ۲۴، من بخواهم آفریدن ۲۹، بیافرینم ۳۶، خواهم کَرد ۴۲، بخواهم آفریدن ۶۳، که من خواهم کرد ۱۰۵، آفرینم ۱۲۷

~: إِنِّي ... وَجَاعِلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوكَ (۳:۵۵)
بخواهم کرد ۴۰، بخواهم گردانید ۹۰

جَاعِلُكَ: قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا (۲:۱۲۴)
کرذْ خُواهم[۸] ۲، گَردان ۳۶، خواهم کردن[۸] ۴۰، کَردم[۸] ۴۱، بخواهَم کَردَن[۸] ۴۲، بخواهم کردن[۸] ۵۲، گردانند ۱۰۴

لَجَاعِلُونَ: وَإِنَّا لَجَٰعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا (۱۸:۸)

---

۱. واز کنار: باز دارنده.
۲. در پیوند جملهٔ فارسی است که اسم فاعل عربی به صورت فعل ترجمه شده است.
۳. گزارنده / گذارنده: درگذرنده.
۴. این معنی از ظاهر کلمهٔ عربی قدری دور است.
۵. مترجم ظاهراً اصل کلمه را امر پنداشته و بدین صورت معنی کرده است.
۶. افرنده / آفریننده.
۷. کردگار: کننده.
۸. با توجّه به ضمیر ماقبل به صورت فعل ترجمه شده است.

بخواهیم کردن[1] ۲، کننده ۳، کنند گان ۸، کُنند گان ۵۷، بگردانیم[1] ۵۸، کنیم[1] ۷٦، گردانید گان ۹۲، خواهیم[1] کردن ۱۰۵، گرداند گان ۱۱٤، سازند گان ۱۲۳

وَجَاعِلُوهُ: وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۷:۲۸)

کناران[2] ۱، بکنیم ۳۰، نبشتیم و گردانیم[1] ۷٦، کننده ۹۱، گرداننده ۱۰۰

جَامِدَةً: وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً (۸۸:۲۷)

استاده ۱، فسرده ۲، ایستاده ۳، استیده ۳٤، یخ بسته ۳۷، بسته ۳۹، فَسُرْده ۵۳، برهم بسته و افسرده ٦۵، برهم بسته ٦۹، بهم بسته و آرامیده ۷۲، افسرده ۸۹، یخ ۹۰، بیفسرده ۱۰۸، برجای ایستاده ۱۱۱، برجای خود ایستاده ۱۱٦، برجای مانده ۱۲۱، برجای استاده ۱۲۳، برجای ستاده ۱۳۱، مرده ۱۳۹

جَامِعُ: رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ (۳:۹)

بهم کنار[3] ۱، گِرِدْ آرنده ۲، گرد آرنده ۳، بهم کننده ۳۹، گردارنده ٤۲، گِرد آرَنده ۵۵، گرد آورندَه ۵۷، برانگیزنده ٦۷، فراهم کننده ۷٤، گرد آورنده ۱۰٤، گِرد آرنده ۱۰۵، فراهم آورده ۱۱۱، یکجا کننده ۱۱۵

~: إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ (٤:۱٤۰)

گِرد آرنده ۲، گرد کننده ۳، واهم خُواهَد آوردَن ۱۰، فراهم آرنده ٤۳، فراهم دادْ ۵۳، گرد کنند ۵۸، فراهم آورنده ۸٤، گِردْ کننده ۹٤، گرد آرند ۹٦، فراهم ۱۰۷، بهم آرنده ۱۲٤، فرا آورنده ۱۲۷

~: وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ (۲٤:٦۲)

بهم ۱، بهم شده ۳۰، بهم آمده ۳۸، گرد آمده ٤۲ و ۷٦، فراهم دارنده ٤۷، گِرد کننده ۵٦، گرد آینده ٦۱، فراهم آمده ٦٤، فراهم امده ٦۹، گرد کرده ۸۸، گرد آمده ۹٤، فراهَم آمده ۱۱۹، فراهم آوردنده ۱۳۰

★ إِنَّكَ جَامِعُ: رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ (۳:۹)

که َتو گرد کنی ۲٤

جَانٌّ: وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ (۲۷:۱۵)

پریان ۲، پدر پریان ۳، پریانْ ۵۳، پدَر پرَیان ۵۵، پدربیران ۱۱۱

~: فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ (۱۰:۲۷)

مار ۱، مار بزرگ ۲، مار سپید ۵٦، مارجهنده ٦۱، مار سبک و تیز ٦۲، مار خورد[4] ٦۹، مار تیزدو ۷٦، ماریست سبک و تیز ۱۰۹، مار باریک ۱۲۳، مار خرد ۱۳۲

~: فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ (۳۱:۲۸)

مارسبک ۳۹، ماری بزرگ ٤٦، سبک مار ٤۷، اژدها ۵۸، مار جمنده[5] ۷٦، تیر مار ۱۳۰، ماری کوچک ۱۳۲

~: وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ (۱۵:۵۵)

پری ۲، پدَر پرَیان ٤۲، پدر پریآن ۱۰۰، پرنیان ۱۳۸

~: لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (۷٤:۵۵)

دیو ۲٤

جَانِبَ: أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ (۱۷:٦۸)

کرانها ۱، کرانَه ۲، سوی ۲۹، کرَانه ۵۵، پاره ٦۲

---

۱. باتوجّه به ضمیر ماقبل به صورت فعل ترجمه شده است.

۲. کناران / کنندگان.

۳. بهم کنار: فراهم آورنده.

٤. خورد / خرد.

۵. جمنده / جهنده، جنبنده.

~: وَنَٰدَيۡنَٰهُ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ ٱلۡأَيۡمَنِ وَقَرَّبۡنَٰهُ نَجِيّٗا (١٩:٥٢)
کرانه ١، کناره ٢

~: وَوَٰعَدۡنَٰكُمۡ جَانِبَ ٱلطُّورِ ٱلۡأَيۡمَنَ (٢٠:٨٠)
کنار ٤٢، کراه ٦١

~: جَانِبِ ٱلطُّورِ ٱلۡأَيۡمَنَ (٢٨:٤٦)
پهلوی ٢٤، گوشه ـ پهلو ٥٦

~: وَيُقۡذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٖ دُحُورٗا (٣٧:٨)
گوشه ٢، گوش ٢٢

بِجَانِبِهِ: أَعۡرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ (١٧:٨٣)
پهلو ١، پهلوُ ٢

~: وَإِذَآ أَنۡعَمۡنَا عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ أَعۡرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ (٤١:٥١)
پهلو ١، خویشتن ٣٠، یک سوی ٥٦

جَاهَدَ: وَجَٰهَدَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ (٩:١٩)
کار زار کرد ٣، کارزار کرده بود ١٠، کارزار کند ١١، کوشش کرد ٥٨، کوشیده باشد ٩٤، کوشید ١١٤

~: وَمَن جَٰهَدَ فَإِنَّمَا يُجَٰهِدُ لِنَفۡسِهِۦٓ (٢٩:٦)
بکوشد ٤٦، بکوشید ٥٦، می کوشد ٦٤، کوشش کند ٧٦، کوشش نماید ١٣٢

جاهد: جَٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ (٩:٧٣)
کارزار کُن ٥٥، کارزار کُن ١١٤

~: يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ (٦٦:٩)
کارزار کن ٢، کوشش کن ٨٨

جَاهَدَاكَ: وَإِن جَٰهَدَاكَ لِتُشۡرِكَ بِي (٢٩:٨)
بکوشند هردو ٢٤، بکوشند ٣٠، سخت گیرند ٣٩، باز کوشند ٤٧، کوشش کنند ٧٦، کارزار کنند ١١٤

~: وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ (٣١:١٥)
کارزار کنند ١٤، بکوشند ٣٠، بکوشد ٤٦، بفرمایند ٦١، کوشند ١٢١، کوشش نمایند ١٣٢

جاهِدْهُمْ: وَجَٰهِدۡهُم بِهِۦ جِهَادٗا كَبِيرٗا (٢٥:٥٢)
وا کوش ٢٠، بکوش ٢٩، باز کوش ٤٧، کوشش نمای ٨٦، کارزار کن ١١٤

جاهَدُوا: وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ (٢:٢١٨)
بکوشیدندْ ٢، کارزار کردند ٣، سخت بگوشیدند ١٠، کوشش نمودند ٨٤، کوشیدند ١٠٩

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ (٨:٧٢)
کارزار کردندْ ٢، کارزارْ کردند ـ کوشش کردند ٥٥

~: وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنۢ بَعۡدُ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ (٨:٧٥)
کارزار کرده‌اند ١٢٠

~: ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ (٩:٢٠)
کارزار کردند و کوشیدند ٥٥

~: ثُمَّ جَٰهَدُواْ وَصَبَرُوٓاْ (١٦:١١٠)
بکوشیدند ٢

~: وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ فِينَا لَنَهۡدِيَنَّهُمۡ سُبُلَنَا (٢٩:٦٩)
بکوشیدند ٢٤، بکوشند ٥٦، کوشش کنند ٧٦، کوشش نمایند ١٠٣

~: ثُمَّ لَمۡ يَرۡتَابُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ (٤٩:١٥)
کوشش کردند ٣٩

جاهِدُوا: وَٱبۡتَغُوٓاْ إِلَيۡهِ ٱلۡوَسِيلَةَ وَجَٰهِدُواْ (٥:٣٥)
کارزار کنیت[1] ٣، بکوشیت ١٠ مکرّر، بکوشید ٢٧، بکوشید ٤٢، کوشش کنید ٤٨، جنگ کنید ١٠٤

~: وَجَٰهِدُواْ بِأَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡ (٩:٤١)

---

١. کارزار کنیت / کارزار کنید.

کارزار کنید ١٠

~: وَجَٰهِدُواْ مَعَ رَسُولِهِ (٩:٨٦)
بکوشیت[1] ٤١

~: وَجَٰهِدُواْ فِي ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦ (٢٢:٧٨)
بکُوشید ٢، کوشش نمایید ٨٦، کارزار کنید ١٣٩

ٱلْجَاهِلُ: يَحْسَبُهُمُ ٱلْجَاهِلُ أَغْنِيَآءَ (٢:٢٧٣)
نادان ١، آنکه نداند ٢٥، نادانان ٥٢، ناد آن ٩٤، نادان ١٠٠، کسی که نمیداند ١٢٢

جَاهِلُونَ: إِذْ أَنتُمْ جَٰهِلُونَ (١٢:٨٩)
نادان ٧٦، نادانآن ١٠٠

~: وَإِذَا خَاطَبَهُمُ ٱلْجَٰهِلُونَ قَالُواْ سَلَٰمًا (٢٥:٦٣)
نادانان ١، نادانان ٥٣، بی خردان ٦٤

ٱلْجَاهِلِيَّةِ: ظَنَّ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ (٣:١٥٤)
نادانی ٢٣، نادان پیشین ٤١، نادانی ٤٢، نادان ٧٥، روزگار کافری ٩٧، نادانی ١٠٥

~: أَفَحُكْمَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ يَبْغُونَ (٥:٥٠)
روزگار نادانی ٤١، نادانی و گُزاف ٤٥، نادانی پیشین ٥٥، نادانی و گزاف ٨٤

~: وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ (٣٣:٣٣)
نادانان ٤٧

~: فِي قُلُوبِهِمُ ٱلْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ (٤٨:٢٦)
نادانی ٢

ٱلْجَاهِلِينَ: أَعُوذُ بِٱللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْجَٰهِلِينَ (٢:٦٧)
افسُوس کنان ١٠، نادانان افسوسیان ٤٠، ناد آنان ٩٤

~: فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْجَٰهِلِينَ (٦:٣٥)
نادان ٢٦، نادانآن ٩٤

~: وَأَعْرِضْ عَنِ ٱلْجَٰهِلِينَ (٧:١٩٩)
نادانان و بی خردان ٦٧

~: إِنِّيٓ أَعِظُكَ أَن تَكُونَ مِنَ ٱلْجَٰهِلِينَ (١١:٤٦)
بزه کاران ٦٧، نافرمانان ١١٢

~: أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ ٱلْجَٰهِلِينَ (١٢:٣٣)
نادانان ٥٣، نادانان و زیان کاران ٥٨

~: سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي ٱلْجَٰهِلِينَ (٢٨:٥٥)
نادانان ١، نادانان ١٠٠

جَاوَزَا: فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَىٰهُ (١٨:٦٢)
گداره شدند[2] ١، بگذشتند ٢، گذشتند ٣، درگذشتند ٨، بگذشتند ٢٤، بُگذشتند ٥٥، بگذشتند هردو ٥٦، بگشتند ١٠٥، بگذاشتند ١٠٨، بگذاشتند هردو ١٣٩

★ لَمَّا جَاوَزَا: فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَىٰهُ (١٨:٦٢)
چون نگشتند ٥٢

جَاوَزْنَا: وَجَٰوَزْنَا بِبَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱلْبَحْرَ (٧:١٣٨)
گذرانیدیم ٣، واگذارندیدیم[3] ١٠، بگذرانیدیم ٢٤، بگذاشتیم ٣٤، گذرانیدیم ٥٥، گذرانیدیم ما ٥٨، گذاراکردیم ما ٦١، بُگذاشتیم ٦٢، درگزرانیدیم ما ٦٣، در گذشتیم ما ٧٦، در گذاشتیم ٨٨، در گذرانیدم ٩٨، بگذرانیم ما ١٠٤، در گذررانیدیم ١٠٦، گذراندیم ١٢٢، بگذاشتیم ما ١٢٤

~: وَجَٰوَزْنَا بِبَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱلْبَحْرَ (١٠:٩٠)

---

١. بکوشیت / بکوشید.
٢. گداره شدند: بگذشتند.
٣. واگذارندیدیم: گذر دادیم.

گذاره کردیم ۱، بگذاشتیم ۲، گیاره[1] کردیم ۷ مکرر، ما بگذاشتیم ۱۳، گذران کردیم ۲۴، بگذرانیدیم ما ۲۹، گُذرانیدیم ۵۵، بگذرانیمی ۵۷، درگذرانیدیم ما ۶۱، بگذرانیدیم ۶۲، بگذرآنیدیم ما ۱۰۰، بگذرانیم ۱۲۱، گذارده کردیم ۱۳۶

جَاوَزَهُ: فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ (۲:۲۴۹)
گذاره شد[2] ۱، بُگذشت ۲، درگذشت ۳، اندرگذشت ۱۰، بگذشت ۲۴، بگذشتند ۳۶، بُگذشت ۴۲، درگذشت ۵۵، درگذشتند ۵۷، بگذاشت ۶۲، درگذاشت[3] ۸۰، گذشت ۱۲۲

جِئْتَ: قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ (۲:۷۱)
بیاوُردی ۱۰، آوَردی ۵۵، بگفتی ۶۳

~: قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ (۷:۱۰۶)
آوردی ۱، تو آمدستی ۱۰، تو آمدستی ۲۴، آوردَه ۵۳، بیامدی و آوردی ۵۸، همی بیاری تو ۶۱، بیاورده‌ای ۸۸، آوردهٔ[4] ۱۰۰، آورده‌ای ۱۱۴

~: لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا (۱۸:۷۱)
کردی ۶۲، آوردی تو ۷۶، آوری ۱۰۸

~: لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا (۱۸:۷۴)
آوردی ۲، بکردی تو ۲۹

~: قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا (۱۹:۲۷)
کردی ۲۴، آوردی ۷۶، تو آوردی ۱۲۳

~: ثُمَّ جِئْتَ عَلَى قَدَرٍ يَا مُوسَى (۲۰:۴۰)
بیامدی ۲، تو بیامدی ۹۶

جِئْتُكَ: قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُبِينٍ (۲۶:۳۰)
آرم ۴۷، بیامدم ۵۸

~: وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ (۲۷:۲۲)
بیاوردم ۴۳، بیامَدَمْ ۵۳، آوردم ۷۶

جِئْتُكُمْ: أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ (۳:۴۹)
آوردم ۳، آوردستُم ۱۰، آمدم ۲۴، خود آوردم ۵۸، بیاورده‌ام ۶۴، آمدم من ۱۲۳

~: وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ (۳:۵۰)
آوُرده‌اُم ۱۰، آورده‌ام ۴۰

~: قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ (۷:۱۰۵)
بیاوردم ۹۴، آمده‌ام ۹۶

~: قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكُمْ بِأَهْدَى (۴۳:۲۴)
آوردم ۱، بیارم ۵۶، آورم ۱۰۰، آوردم من ۱۲۴

~: قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ (۴۳:۶۳)
بیاوردم ۲۲، آمدم ۶۱، آمد ۱۲۲

جِئْتُمْ: قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ (۱۰:۸۱)
آوَردیش ۲، آوردتیش ۳، بیاوردید ۵۳، آوردی ۸۰، آورده‌اید ۱۱۱

~: لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا (۱۹:۸۹)
آوردید ۱، بکردید ۲۹، آمدید شما ۸۶، آمده‌اید ۱۳۲

جِئْتُمُونَا: وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى (۶:۹۴)
بیامدیِ[5] ۲، آمدیت ۳، سوی ما آمدید ۹، واپیش

---

۱. گیاره / گذاره، با تبدیل «ذ» به «ی».
۲. گذاره شد / گذارده شد؛ بگذشت.
۳. درگذاشت / درگذشت: عبور کرد، بگذشت.
۴. آوردهٔ / آورده‌ای.
۵. بیامدیِ / بیامدید.

ما آمدی[1] ۱۰، آمدیت سوی ما ۱۰ مکرّر، پیش آیید ۲۷، بیامدیت ٤١، بیایید ٥٨، آمدیدتان ٦١، آمدید ٧٦، شما آمدید ٩٦، آئید ١٠٠

~: لَّقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَٰكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ (١٨:٤٨)
آمدید ١، آمدید ٢، آوردیدتان ٦١، آمدید ٦٢، بیامدید ١٠٨

جِئْتَنَا: قَالُوٓا۟ أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ ٱللَّهَ وَحْدَهُۥ (٧:٧٠)
آمدی[1] ٥٨، همی آمدی ١٠٧، آمدهٔ[2] ١٢٣

~: أَن تَأْتِيَنَا وَمِنۢ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا (٧:١٢٩)
تو آمدی ٧٦، بیامدی تو ٩٢

~: قَالُوٓا۟ أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَا (١٠:٧٨)
بیامدی ٢، آمدی ٣، آمدستی ٢٤

~: قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا (٢٠:٥٧)
آمدی تو ٥٦، تو آمدهٔ[2] ٦٤، بیامدی ١٠٨

~: قَالُوٓا۟ أَجِئْتَنَا بِٱلْحَقِّ أَمْ أَنتَ مِنَ ٱللَّٰعِبِينَ (٢١:٥٥)
بیاوردهٔ[3] ٦٤

~: قَالُوٓا۟ أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا (٤٦:٢٢)
آمدی ١

★ مَا جِئْتَنَا: قَالُوا۟ يَٰهُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ (١١:٥٣)
نیاوردی ١، نه آوردي بما ٥٥، نیآمدی ١٠٠، ناآوردی بما ١٢٤

جِئْتَهُمْ: إِذْ جِئْتَهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ (٥:١١٠)
بیاوردی ٢، آوردی ٣، بیامدی و بیاوردی ٩، بیاوردی ٥٣، تو آمدی ٩٦

~: وَلَئِن جِئْتَهُم بِـَٔايَةٍ (٣٠:٥٨)
آری ١، بیاری ١٤، بیاری تو ٥٨

جِئْنَا: فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍۭ بِشَهِيدٍ (٤:٤١)
بیاریم ما ٢٧، آوریم ما ٦٣، آریم ما ٩٦، آوریم ١٣٨

~: لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِى ٱلْأَرْضِ (١٢:٧٣)
آمدیم ما ٥٥

~: وَجِئْنَا بِبِضَٰعَةٍ مُّزْجَىٰةٍ (١٢:٨٨)
آوردیم ١، آمدیم ٢٩، آوردیم ما ٧٦

~: وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ (١٦:٨٩)
بیاریم ٢، بیاوریم ٩٣

~: فَإِذَا جَآءَ وَعْدُ ٱلْءَاخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا (١٧:١٠٤)
بیاریم ٢، بیاوریم ١٣٢

~: وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِۦ مَدَدًا (١٨:١٠٩)
آرند ١، بیاوردیمی ٢، آریم ٧٦، آوردمانیم ما ٨٩، آوردیمی ١٠٠، بیاوریم ما ١٣٢

★ مَا جِئْنَا: قَالُوا۟ تَٱللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا (١٢:٧٣)
نیامدیم ١، نیامدهایم ٢، ما نیامدیم ٢٤، نیامدیم ما ٥٣، نیامدیم ما ٦٣، نیامدهایم ما ٦٤، مانیامدهایم ٧٦، ما نیآمدیم ٩٤، ما نیامدهایم ٩٦

جِئْنَاكَ: قَالُوا۟ بَلْ جِئْنَٰكَ (١٥:٦٣)
آمدستیم ٢٤، آمدیم ما ٢٩، آوردیم ٧٦، آمدهایم ما ٩٣، آوردهایم ١٠٣

~: قَدْ جِئْنَٰكَ بِـَٔايَةٍ مِّن رَّبِّكَ (٢٠:٤٧)
آوردیم ٢، ما آوردیم ٣٤، آوردیم ما ٥٨، بیاوردیمت ٨٧، آوردیم ١٠٨

---

۱. آمدی / آمدید: ضمیر «نا» به گونه‌ای ترجمه شده که قابل تفکیک نیست.
۲. آمدهٔ / آمده‌ای.
۳. بیاوردهٔ / بیاورده‌ای.

~: وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ (٢٥:٣٣)
آریم ٤٧، بیاییم ٦١، آوریم ٧٦، بیاریم ١١٤

جِئْنَاكُمْ: لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ (٤٣:٧٨)
آوردیم ٣، بیاوردیم ١٦، آوردیم ٣٢

جِئْنَاهُمْ: وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ (٧:٥٢)
آوردیم ٣، بیاوردیم ٢٧، ما بفرستادیم ٥٨، دادیم ١٢١، بیاوردیم ما ١٢٤

الْجُبّ: وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ (١٢:١٠)
چَه ١، چاه ٥٥، چاه ١٠٠

~: وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ (١٢:١٥)
چاه ١

جَبَّار: وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (١١:٥٩)
بزرگ منشت ١، گردن کش ٢، ستمکار ٣، گردن ٧ مکرّر، کامران ٢٩، ستنمکار ٥٥، خشم گزار ٥٩، کامکار ٦١، جزه کش ١٠٨، ستیزه گر ١٢٢

~: كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (١٤:١٥)
گردن کش ٢، کشنده پرخشم ٤٩، گردَن کش ٥٥، بارنام کننده ٥٧، گردن کشان ٧٦

~: عَلَىٰ كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ (٤٠:٣٥)
ستم کار ١، گرَدن کش ٢، بزرگ منشی کننده ٣، بزرگی کننده ١٥، کشی کننده ٣٠، ستنبه ٣٩، بزرگ کننده ٨٨، گردن نانهنده ١٠٤، کشنده ١١٤، خود کار ١٢٣، جفا کننده ١٢٩، خود کام ١٣٠

~: نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ (٥٠:٤٥)
ورگماشته ١، برگماشته و نیک کشنده ٣، بزرگ ١٧، گماشته ٣٠، برگماشته ٣٦، پادشا ٥٣، برگماشتَه ٨١، زور کننده ٩٦

~: الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ (٥٩:٢٣)
بزرگوار ١، کامگار ٣٩، شکننده ١٢٠

جَبَّارًا: وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا (١٩:١٤)
گردن فراز ٤٤، سخت دل ٥٣، پرخشم ٥٨، بزرگ منش گردن کش ٥٩، گردن کش و بی فرمان ٦٤، زنندهٔ خشم ٧٢، با خشم ٩٢

~: وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا (١٩:٣٢)
گردن کش بزرگ منش ٢، بزرگ منش ٣٠، سرکش ٤١، بخشم ٧٢

~: إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ (٢٨:١٩)
خیرَه کُش ٢، گردن کشی کننده ٣، خشم ران ٤٧، گردنکش ٤٨، ستمکار گردن کش ٦٤، مردم کشنده ٦٥، گردن کش ٧٦، گردن کشی کننده[1] ٩١، گردن کش ستمکار ٩٢، گردنکشنده ١٠٠، خیره کش ١٢٩، ستمگر ١٣٢

جَبَّارِينَ: قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ (٥:٢٢)
بزرگ منشتی کناران ١، گردن کشان و بُزرگ منشان ٢، بزرگ منشان ٢٧، ستم کاران ٣١، گردن کشند گان ٣٩، درست کننده شکستگان ٤١، گردن کشید گان ٤٢، شکننده کامها ٤٣، بزرگان و گردنان ٥٨، گردن کش ٦٤، درازان ٦٧، گردن کشان ٧٦، گردن کشند گان و بزرگ منشان ٨٨، گردنکشان ٨٩، سرکشان ١١١، ستمکاران ١٢٢

~: وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ (٢٦:١٣٠)
گردن کشان ٢٤، گردن کشی کننده ٢٩، بزرگان ٤٢، کشند گان ٨٠، ستم کنند گان ٨٧، کشند گان - ستمکاری کنند گان ٩١، سرکشند گان ١١٥، گردَن کشان ١١٩، ستمگران ١٣٢

---

١. کذا، گردند/ گردن.

جِبالٌ: وَتَنْحِتُونَ ٱلْجِبَالَ بُيُوتًا (۷:۷٤)
کهها[1] ۱، کوهها ۱۰، کوهها‌ء ۹۰، کوهها ۱۰۰

~: وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَٱلْجِبَالِ (۱۱:٤۲)
کُهها[1] ۱، کوه ۲٤، کوه‌ها ۵۹، کُوهها ۶۲

~: وَلَوْ أَنَّ قُرْءَانًا سُيِّرَتْ بِهِ ٱلْجِبَالُ (۱۳:۳۱)
کُوهها ۵۵

~: وَكَانُوا۟ يَنْحِتُونَ مِنَ ٱلْجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ (۱۵:۸۲)
کوهها ۲

~: أَنِ ٱتَّخِذِي مِنَ ٱلْجِبَالِ بُيُوتًا (۱۶:۶۸)
کوهسارها ۶۵

~: وَيَوْمَ نُسَيِّرُ ٱلْجِبَالَ (۱۸:٤۷)
کُوهها ۲، کوها ٤۸

~: يَوْمَ تَمُورُ ٱلسَّمَآءُ مَوْرًا وَتَسِيرُ ٱلْجِبَالُ سَيْرًا (۵۲:۱۰)
کوهها ۲

جِباهُهُمْ: فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ (۹:۳۵)
پیشانیها ۱، پیشانیها ۲، پیشانی ها ۲۷، پیشانی ۲۹، پیشینیان ۳۶، پیشینیها ٤۹، پیشانیها ۵۵، پیشانیها ۶۲، پیشانیهاء ۶٤، پیشانها ۱۰۵، روها ۱۲۲

ٱلْجِبْتِ: يُؤْمِنُونَ بِٱلْجِبْتِ وَٱلطَّٰغُوتِ (٤:۵۱)
کندای[2] ۱، بتان ۳، دیو ۲۷، جز خدای ۳۶، بُتان ۵۵، بَتان ۵۷، بت ۶۱، جادوی ۶٤، آنچه او را پرستید ۷۶، آنچه او را پرستند جز خدای تعالی ۱۰٤

جَبَلٍ: ثُمَّ ٱجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا (۲:۲۶۰)
که ۱، کُوه ۲، کوه ۳، کُوه ۹۸

~: وَلَٰكِنِ ٱنظُرْ إِلَى ٱلْجَبَلِ (۷:۱٤۳)
کُه ۱، کُوه ۱۰۰

* اِلَى الْجَبَلِ: وَلَٰكِنِ ٱنظُرْ إِلَى ٱلْجَبَلِ (۷:۱٤۳)
بکوه ۶۳

جِبِلًّا: وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا (۳۶:۶۲)
گروهان ۲۲، گروه ۲٤، گروهها ۶۱، مردمان ۹۰، آفریدگان ۱۲۲

ٱلْجِبِلَّةَ: ٱلَّذِي خَلَقَكُمْ وَٱلْجِبِلَّةَ ٱلْأَوَّلِينَ (۲۶:۱۸٤)
آفریدگان ۲۰، گروه ۲۹، گروهان ۳۰، گروهها ٤۲، پیشینیان ۶۹، گروهه ۷۹

لِلْجَبِينِ: فَلَمَّآ أَسْلَمَا وَتَلَّهُۥ لِلْجَبِينِ (۳۷:۱۰۳)
پیشانی ۱، روی ۳۳، یک سوی پیشانی ۷۹، یکسوی پیشانی ۱۰۶، سو ۱۳۸

جِثِيًّا: ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا (۱۹:۶۸)
بزانو افتادگان ۲، بزانو درآمده ۲٤، ورزانو خفته ۲۹، بزانو افتادن ۳۰، بزانوها درافتیده ۳٤، بزانو درافتاده ۳۶، بزانو درنشسته ۳۸، بزانو اندرآمده ۳۹، افتاده بزانو ٤۳، بر زنانو افتاده ۵۳، بزانوها درافتاده ۶۲، بزانو افتاده ۶۵، افتاده برزانو ۶۹، بزانو درافتادگان ۷٤، بزانو در آیندگان ۸۹، بزانو درخفته ۹۵، بزانو درآمدگان ۱۱۳، بزانو نشستگان ۱۲۶، بزانو درآیندگان ۱۲۹، بزانو درآیند ۱۳۵، بزانو درایندگان ۱۳۸، بر زانو آوردگان ۱۳۹

~: وَّنَذَرُ ٱلظَّٰلِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا (۱۹:۷۲)
ورزانوا افتاداران[3] ۱، بزانو درفتاده ۲، بزانو درآمدگان ۳، در زانو افتاده ۲۹، بزانو افتاده ۳۸،

---

۱. کهها/ کوه‌ها.

۲. کندای: دیو.

۳. ورزانوا افتاداران/ بر زانو افتدگان.

بروی درافتاده و بزانو در آمده ۴۱، بدوزانو افتاده ۴۴، بزانو گشتگان ۴۹، برزانو افتاده ۵۳، در روی افتادگان ۵۸، گروه گروه بزانو درافتاده ۶۲، زانو افتادگان ۷۲، بر زانو نشستگان ۸۷، بزانو اندرافتاده ۱۰۸، بزانو درآینده ۱۲۱، برو افتادگان ۱۲۲

جَحَدُوا: وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ (۵۹:۱۱)
نارای شدند[1] ۱

~: وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ (۱۴:۲۷)
سنگ شدند ۴۶، انکار کردند ۱۰۵، بستاده[2] گشتند ۱۰۸، باور نکردند ۱۰۹

جَحِيم: لَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ (۱۱۹:۲)
آتش بُزُرگ ۵۵، دوزخ ۷۶

~: أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۸۶:۵)
دُوزخ ۲، دوزخ[3] ۱۰ مکرّر و ۲۷، آتش فروزان ۸۰

~: أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۵۱:۲۲)
آتش بزرگ ۳

~: قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ (۹۷:۳۷)
آتش ۳۳

~: وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۵۶:۴۴)
دُوزخ ۳۲

~: وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۱۸:۵۲)
دوزخ سوزان ۸۶

~: فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ (۹۴:۵۶)
دُوزخ تافته ۵۱

جَحِيمًا: إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا (۱۲:۷۳)
آتش افروخته ۲۹، آتش سوزان ۳۰، آتش دوزخ ۳۴، آتش بزرگ افروخته ۱۰۹

جَدُّ: أَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (۷۲:۳)
بزرگواری ۱، بزرگی ۶، بزرگ ۶۱، برتر ۱۳۱

الْجِدَارُ: وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ (۸۲:۱۸)
دیوال ۱، دیوار ۲

جِدَارًا: فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا (۷۷:۱۸)
دِیوال ۱، دِیوار ۵۵، دیوار ۷۶

جِدَالَ: وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ (۱۹۷:۲)
پیکار کردن ۱۰، جنگ ۲۹، پیکار ۴۲، پیگار ۵۵، کارزار ۶۱، جنگ، پیکار ۶۳، ستیزه ۶۷، پیکار ۷۶

جِدَالَنَا: قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا (۳۲:۱۱)
پیکار ۱، پَیکار ۲، جنگ ۷۶، کوشش ۱۲۱

جُدَدٌ: وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ (۲۷:۳۵)
رهها ۱، راهها ۲، کشها ۲۲، نشانها ۳۸، راههان ۶۱، گشتنیها ۸۸، راه‌ها ۱۳۰

جُدُر: إِلَّا فِي قُرًى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ (۱۴:۵۹)
دیوالّها ۱، دیوارها ۲، دیوار ۸۷، دیوارهاء ۹۰

جَدَلًا: مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا (۵۸:۴۳)
پیکار ۱، پَیکار ۲، پیگار ۲۲، داوری کردن و ستهیدن ۴۴، پیکار کننده ۵۶، پیکار کردن ۱۳۹

جَدِيدٍ: أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ (۵:۱۳)
تازه ۲۴، نَوْ ۵۳، نو ۵۵، دوباره ۱۱۸

~: وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۹:۱۴)

---

۱. نارای شدند: انکار کردند.
۲. بستاده: منکر.
۳. کذا، در متن اصلی با سه نقطه.

نوا[۱] ۱

~: أَءِنَّا لَفِی خَلْقٍ جَدِیدٍ (۱۰:۳۲)
نو ۷۶

~: بَلْ هُمْ فِی لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِیدٍ (۱۵:۵۰)
نو ـ دوم بار ۸۰

★ لَفِی خَلْقٍ جَدِیدٍ : أَءِنَّا لَفِی خَلْقٍ جَدِیدٍ (۵:۱۳)
دیگر باره بیافرینند نو ۷۶

جَدِیدًا: أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِیدًا (۴۹:۱۷)
نو آفریده ۹۴، نو و تازه ۱۱۶

~: أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِیدًا (۹۸:۱۷)
نو پیدا ۱۱۵

جُذَاذًا: فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا (۵۸:۲۱)
پارها ۱، پاره پاره ۲، ریزه ریزه و پاره پاره ۳، پاره پاره ۱۲، لخت لخت ۶۹، پاره پاره ۹۵، پاره پاره ـ لخت لخت ۱۰۸، ریزه ریزه ۱۲۱

جِذْع: فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ (۲۳:۱۹)
تنه ۳، چوب ۵۳، پاره ۸۸، درخت ۹۲، کونستهٔ ۹۵، بنه ۱۱۴، شاخ ۱۲۱

~: وَهُزِّی إِلَیْکِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ (۲۵:۱۹)
تاپال[۲] ۱، بن ۲۴، بار ۳۹، دار[۳] ۵۲، بُنه ۶۲، پایان ۸۸، بُن ۹۴، کونسته ۹۵، برد ۱۰۸، شاخه ۱۳۶

★ جِذْعِ النَّخْلَةِ: إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ (۲۳:۱۹)
خرما بن خشک ۹۴، خرمابن ۱۲۸

~: فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ (۲۵:۱۹)
خرما کونا ۹۶

جَذْوَة: أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ (۲۹:۲۸)
اوروخته[۴] ۱، پاره ۳، درواورهتهٔ[۵] ۲۱، نیم سوخته ۳۰، سرسوخته ۳۸، پارهٔ آتش ۴۱، آییذه ۴۷، پاره ۵۳، پارهٔ ۶۴، پاره ۱۰۹، شعله ۱۱۳، نیم سوخت ۱۲۹

جُذُوع: وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِی جُذُوعِ النَّخْلِ (۷۱:۲۰)
تاپالها[۶] ۱، تنها ۳، بنها ۲۴، چوبها ۳۰، شاخها ۳۸، تاپال ۳۹، دارها ۴۲، جُویها ۵۳، تنه ها ۵۶، درختها ۶۲، تنهای درخت ۷۴، تنهاء ۹۰، سرتنه ۹۲، تنهٔ درخت ۱۰۰، دارها ۱۰۵

★ جُذُوعِ النَّخْلِ: فِی جُذُوعِ النَّخْلِ (۷۱:۲۰)
تنهاء خرمابنان ۳، خرماداران ۹۶

جَرَادُ: فَأَرْسَلْنَا عَلَیْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ (۱۳۳:۷)
ملخ ۱، ملخ پرّان، ملخ پران ۲۷، ملخ سواره ۳۷، مَلَخ ۵۵، ملخ پرنده ۱۱۱، ملخ پردار ۱۳۰، ملخ بزرگ ۱۳۶

~: كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ (۷:۵۴)
ملخان ۱، مَلخ ۵۱، مَلَخان ۵۶، ملخها ۹۲، ملخ ۱۱۱

جَرَحْتُمْ: وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ (۶۰:۶)
بکُنید ـ بَتوزید ۲، کنید ۹، بخوزیدیت[۷] ۱۰ مکرّر و ۸۸، بکنید ۲۶، الفخته باشید ۲۷، کسب کنی ۲۹، کسب کردیت ۳۰، می کنید ۳۶، کردید ۳۹، می کنیت ۴۱، الفنج کردیت ۴۴، بکردید ۵۶،

---

۱. نوا/ نو: جدید.
۲. تاپال: تنه، ساق.
۳. دار: درخت.
۴. اوروخته/ افروخته.
۵. کذا در اصل متن، که می تواند صورت دیگری باشد از «درافروخته یا ورافروخته» و به همان معنی.
۶. تاپالها/ تنه ها، ساق ها.
۷. خوزیدن: طلبیدن.

کردید و کنید شما ۵۸، اندوزید ۶۳، کار کنید ۶۷، بکنیت ۸۳، شما کنید ۹۰، کرده باشید ۹۴، می‌اندوزید شما ۱۰۰، شما کرده باشید ۱۰۲، اندوخته‌اید ۱۰۶، اندوزید شما ۱۳۸

اَلْجُرُز: نَسُوقُ ٱلْمَآءَ إِلَى ٱلْأَرْضِ ٱلْجُرُزِ (۳۲:۲۷)
خشک بی گیا ۲، خشک بی گیاه ۳، ویران خشک ۴۲، خُشک ۴۶، ویران ۵۲، گیاه نباشد ۷۶، بی گیاه ۸۰ و ۱۱۵، خشک شده ۸۷، ویران و خشک ۱۰۵، خشک بی آب ۱۰۹، خالی از گیاه ۱۱۶، باران ندیده ۱۳۲

جُرُزًا: وَإِنَّا لَجَٰعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا (۱۸:۸)
خشک ۱، نغز سُوده ۲، خاکی شده ۸، خشک پرورده ۴۳، بی نبات و گیاه و بی آب ۴۴، نغز ۵۲، خُشک ۵۵، خورده و خشک ۵۸، هیچ چیز برنیارد ۶۲، درشت خشک ۶۳، نرم کرده ۶۵، سوده و نغز ۹۴، زمین شوره ۹۵، هموار ۹۶، نسو ۱۰۰، بی گیا ۱۱۰، هموار خشک بی گیاه ۱۱۴، هامون بی گیاه ۱۳۱، ساده ۱۳۲، بی گیاه ۱۳۷، بی کشت و دروده ۱۳۹

جُرُف: عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ (۹:۱۰۹)
کریشک[1] ۱، رُود ۲، آبکند ۳، گو ۱۳ و ۶۳ و ۱۰۷، رود ۲۷، آب کند ۳۰، آب برین ۳۶، لوره[2] ۳۹، کنده ۴۱، کال رود ۴۳، آب کنده ۵۵، چاه ۵۷، رود زَبرخوردَه ۶۲، فروریزنده ۶۷، ژرف ۶۹، بریده ۷۶، رودخانه نزدیک بسقوط ۷۹، فیروز ۹۲، آب در رفته ۹۵، پارگین[3] ۹۹ و ۱۱۰، آب افتاده ۱۰۲، رودخانه ۱۱۳، آب رُفته ۱۱۴، گذرگه سیل ۱۳۵

جَرَم: لَا جَرَمَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ (۱۶:۲۳)
بیندوخت[4] ۲۹، چاره ۶۱

~: لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِيٓ إِلَيْهِ (۴۰:۴۳)
چنین است ۲۴، هر آینه ۳۰

★ **لا جَرَم:** لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي ٱلْآخِرَةِ هُمُ (۱۱:۲۲)
چاره نیست ۲۷، ناچار ۳۴، بدرستی ۱۰۴

~: لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ ٱلنَّارَ وَأَنَّهُم مُّفْرَطُونَ (۱۶:۶۲)
چنان نیست ۵۸، ناچار و ناکام است ۱۰۲

اَلْجُرُوح: ٱلسِّنَّ بِٱلسِّنِّ وَٱلْجُرُوحَ قِصَاصٌ (۵:۴۵)
خستگیها ۳، کشتن ۳۱، زخمها ۳۶، خَسْتِگِهَا ۵۵، خستگی ۵۶، اندامها ۷۲، خستگی ها ۹۱، ریشها ۱۱۴، ریشها و خستگیها ۱۲۷

جَرَیْنَ: وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ (۱۰:۲۲)
بروند ۱، راند ۳، ببرد ۱۳، برفت ۲۴، می برند و می رانند ۲۷، برود ۳۴، می برند ۳۶، همی برد ۳۸، می برد ۳۹، همی راند ۵۶، روان شوند ۶۱، روند ۸۰، برد ۸۵، می راند ۹۸، میرفت ۱۱۲، براند ۱۲۱، روان شدند ۱۲۴، برند ۱۲۷، میروند ۱۳۰

جَزاءٌ: فَمَا جَزَآءُ مَن يَفْعَلُ ذَٰلِكَ (۲:۸۵)
سزا ۳۴، پاداش ۵۵

~: فَإِن قَٰتَلُوكُمْ فَٱقْتُلُوهُمْ كَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلْكَٰفِرِينَ (۲:۱۹۱)
پاداش ۲، پاداست ۱۰، پاداشت ۴۲، سزا ۱۱۲

~: وَذَٰلِكَ جَزَٰٓؤُا۟ ٱلظَّٰلِمِينَ (۵:۲۹)
پاداش ۱۰ مکرّر، سزا- پاداش ۳۷، پادشت ۱۰۲

---

۱. کریشک: آبکند، آب برین.
۲. لوره: زمینی که سیلاب آنرا کنده باشد.
۳. پارگین: مرداب، منجلاب، خندق.
۴. این معنی هرچند با اصل کلمه بی مناسبت نیست، امّا در این جا ظاهراً با معنای جمله سازگاری ندارد.

~: جَزَآءَۢ بِمَا كَسَبَا نَكَٰلٗا (۵:۳۸)
پای داش ۵۷ پاداش دادن ۶۱

~: وَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ (۵:۸۵)
پاداشن ۲، مزد ـ پاداش ۳۷

~: فَجَزَآءٞ مِّثۡلُ مَا قَتَلَ مِنَ ٱلنَّعَمِ (۵:۹۵)
پاداش ۱، پاداش کردن ۴۵

~: وَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡكَٰفِرِينَ (۹:۲۶)
پاداش ۵۵

~: ذَٰلِكَ جَزَآءُ مَن تَزَكَّىٰ (۲۰:۷۶)
پاداش و مزد ۵۸

~: كَانَتۡ لَهُمۡ جَزَآءٗ وَمَصِيرًا (۲۵:۱۵)
سزا و پاداش ۵۸

~: لَا نُرِيدُ مِنكُمۡ جَزَآءٗ وَلَا شُكُورًا (۷۶:۹)
داداش ۱۱۳، مزد ۱۱۴

جَزَاؤُكُمْ: فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَآؤُكُمۡ جَزَآءٗ مَّوۡفُورٗا (۱۷:۶۳)
پاداشت ۵۷، پاداش ۱۱۴

جَزَاؤُهُ: فَجَزَآؤُهُۥ جَهَنَّمُ خَٰلِدٗا (۴:۹۳)
پاداش ۱، پاداشن ۲، پاداشت ۱۰، پاداشت ۴۲

~: قَالُواْ جَزَٰٓؤُهُۥ مَن وُجِدَ فِي رَحۡلِهِۦ (۱۲:۷۵)
پاداشت ۵۷

جَزَاؤُهُمْ: أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُمۡ (۳:۸۷)
پاداش ۱

~: أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُم مَّغۡفِرَةٞ (۳:۱۳۶)
پاداش ۳، پاداشت ۱۰، پای داشت ۵۷

~: ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُمۡ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُواْ (۱۸:۱۰۶)
پاداشن ۲، پاداش ۶۲

جَزَاهُمْ: وَجَزَىٰهُم بِمَا صَبَرُواْ جَنَّةٗ وَحَرِيرٗا (۷۶:۱۲)
پاداش داد ۳، مزدداد ۱۳۶

جُزْءًا: ثُمَّ ٱجۡعَلۡ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٖ مِّنۡهُنَّ جُزۡءٗا (۲:۲۶۰)
پاره ۱، بَهری ۲، بهرهٔ ۳، برخ ۲۵، بَرْخِی ۲۷، بَهر ۴۲، بَهْرَه ۵۵، برخی ۵۷، پارهٔ ۱۰۳، خرد ۱۳۵

~: وَجَعَلُواْ لَهُۥ مِنۡ عِبَادِهِۦ جُزۡءًا (۴۳:۱۵)
نیاوه[1] ۱، لَختی ۲، بهرَه ۳۲، بَهر ۵۳، فرزندان ۵۶، پار ۹۰

جُزْءٌ: لِكُلِّ بَابٖ مِّنۡهُمۡ جُزۡءٞ مَّقۡسُومٌ (۱۵:۴۴)
بهر ۲، بهره ۳، گروه ۲۴، لخت ۲۹، بَهره ۵۵، بخش ۵۸، بَرْخی ۶۲

جَزِعْنَا: سَوَآءٌ عَلَيۡنَآ أَجَزِعۡنَآ أَمۡ صَبَرۡنَا (۱۴:۲۱)
زاری کنیم ۱، بنالیم ۲، ناشکیبایی کردیم ۳، فریاد کنیم ۳۶، ناشکیبایی کردیم ۵۵، بزاری کردیم ما ۶۱، زاری کنیم ما ۶۹، دلتنگی کنیم ۱۰۹، بخروشیم ۱۱۱، بخروشیم ما ۱۲۳، بنالیم ما ۱۲۸، بخوروشیم ۱۳۰

جَزُوعًا: إِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ جَزُوعٗا (۷۰:۲۰)
زاری کنار ۱، نالنده ۲، نیک ناشکیبا ۳، ناشکیبا ۲۴، فریاد زننده ۱۲۰، زاری کننده ۱۳۱

ٱلْجِزْيَةَ: حَتَّىٰ يُعۡطُواْ ٱلۡجِزۡيَةَ عَن يَدٖ (۹:۲۹)
گَزیتْ ۲، گزید ۳ و ۶۷، گزیت ۱۰، سر گزیت ۲۴، گَزید ۵۵، گزیت بپای ایستاده ۱۲۴، سر گزید ۱۲۷

جَزَيْتُهُمْ: إِنِّي جَزَيۡتُهُمُ ٱلۡيَوۡمَ بِمَا صَبَرُوٓاْ (۲۳:۱۱۱)
پاداش دادم ۱، پاداشن دادم ۲، پاداش کنم ۲۴، پاداش کردم ۲۹، پاداش دهم ۳۹، پاداش کردم ۵۳، پاداشت دهم ۱۰۰، سزادهم ۱۳۲، پاداش کردیم ۱۳۹

[1] نیاوه: بهره، نصیب.

جزَیْناهُمْ: ذَٰلِكَ جَزَيْنَٰهُم بِبَغْيِهِمْ (۶:۱۴۶)
پاداشن کردیم ۲، پاداش کردیم ۵۸ و ۹۴ و ۱۲۷، پاداشت دادیم ما ۶۳، پاداش کنیم ۱۰۷

~: ذَٰلِكَ جَزَيْنَٰهُم بِمَا كَفَرُواْ (۳۴:۱۷)
پاداش دادیم ۱ و ۱۱۴، پاداشت دادیم ۴۲، پاداش کردیم ما ۵۶، پای داشت دادیم ۱۱۹

جَسَداً: عِجْلًا جَسَدًا لَّهُۥ خُوَارٌ (۷:۱۴۸)
تن ۵۵، کالبد ۵۸، تن بیجان ۱۲۰

~: فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُۥ خُوَارٌ (۲۰:۸۸)
تن ۱، تن بی جان ۲۴، تناور ۳۶، تنمند ۴۲، سورة کرده ۶۷، خداوند گوشت و پوست ۱۱۳

~: جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ ٱلطَّعَامَ (۲۱:۸)
کالبدها ۲۴، تنمند ۴۲، تن‌مند ۹۶، تن و کالبد ۱۰۹، بدن ۱۱۱، خداوند تن ۱۱۳، تن‌ها ۱۲۱

~: وَأَلْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِۦ جَسَدًا (۳۸:۳۴)
اندام ۵۳، تن کالبد ۹۲

اَلْجِسْم: زَادَهُۥ بَسْطَةً فِى ٱلْعِلْمِ وَٱلْجِسْمِ (۲:۲۴۷)
تن ۲، تن آوری ۲۷، توانایی ۴۱، تن ۴۲، تن و کالبد ۱۰۲، بدن ۱۲۴

جَعَلَ: ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ فِرَٰشًا (۲:۲۲)
بکرد ۲، وی بیافریدست ۱۰، ساخت ۴۸، گسترانید ۱۰۴

~: ٱلَّتِى جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمْ قِيَٰمًا (۴:۵)
کرده است ۲، بگردانید ۶۱، گردانیده است ۶۴

~: فَمَا جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا (۴:۹۰)
کردست ۲۴، گرد ۴۵

~: إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنۢبِيَآءَ (۵:۲۰)
آمد ۶۲، پیدا آورد ۶۴، گردانید ۷۰

~: وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ ٱلْقِرَدَةَ (۵:۶۰)
کرده باشد ۱۰۳

~: جَعَلَ ٱللَّهُ ٱلْكَعْبَةَ ٱلْبَيْتَ ٱلْحَرَامَ (۵:۹۷)
کرده است ۲۹، بکَرد ۹۴

~: وَجَعَلَ ٱلظُّلُمَٰتِ وَٱلنُّورَ (۶:۱)
آفرید ۵۵، افرد[1] ۷۶

~: وَجَعَلَ ٱلَّيْلَ سَكَنًا (۶:۹۶)
کننده ۵۳، گرد آنید ۱۰۰، گردانیده ۱۱۰، گرداننده است ۱۲۱

~: جَعَلَ لَكُمُ ٱلنُّجُومَ لِتَهْتَدُواْ (۶:۹۷)
آفریده است ۲۹، آفریدهٔ است ۶۲

~: جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ لِتَسْكُنُواْ فِيهِ (۱۰:۶۷)
ساخته است ۱۲۰

~: لَجَعَلَ ٱلنَّاسَ أُمَّةً وَٰحِدَةً (۱۱:۱۱۸)
کردی ۱، بکردی ۶۱، گرد آنیدی ۱۰۰

~: جَعَلَ ٱلسِّقَايَةَ فِى رَحْلِ أَخِيهِ (۱۲:۷۰)
پنهان گرد ۷۶، بنهاد ۱۰۰

~: وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِىَ (۱۳:۳)
بیافرید ۲۴

~: وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَٰجًا (۱۶:۷۲)
آفرید ۳۰

~: وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمْعَ وَٱلْأَبْصَٰرَ (۱۶:۷۸)
بداد ۵۸

~: وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ ٱلْأَنْعَٰمِ بُيُوتًا (۱۶:۸۰)
بساخت ۲۹، بیافریدهٔ است ۶۲

---

۱. افرد / آفرید.

~: وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَٰبِيلَ تَقِيكُمُ ٱلْحَرَّ (١٦:٨١)
بَساخت ٦٢

~: قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا (١٩:٢٤)
پدید کرد ٨٦

~: إِن شَآءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا (٢٥:١٠)
بکند ٢، بدهد ٢٤، کردی و دادی ٤٧، دهد ٥٤، پدید آورد ٨٦، پدید آورَد ١٠٠، بسازد ١١١، بوکند[1] ١١٣

~: أَمَّن جَعَلَ ٱلْأَرْضَ قَرَارًا (٢٧:٦١)
گردَد ٧٦، پیدا کرد ١١٦

~: إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيْكُمُ ٱلَّيْلَ سَرْمَدًا (٢٨:٧١)
بکند ٥٣، بکردی ٦١، بگرداند ٦٤، بگذارد ٧٦

~: إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيْكُمُ ٱلنَّهَارَ سَرْمَدًا (٢٨:٧٢)
گرداند ٧٦

~: جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا۟ فِيهِ (٢٨:٧٣)
بکرده است ٦٤

~: جَعَلَ فِتْنَةَ ٱلنَّاسِ كَعَذَابِ ٱللَّهِ (٢٩:١٠)
کرد و گرفت ٥٨

~: أَجَعَلَ ٱلْءَالِهَةَ إِلَٰهًا وَٰحِدًا (٣٨:٥)
همی کردست ٢٢، همی کرد ١٣٩

~: ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا (٣٩:٦)
بکرد و بیافرید ٤١

~: وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَادًا (٣٩:٨)
گوید ١٢٤

~: وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِىَ (٤١:١٠)
کِرْد ٢٢

~: جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَٰجًا (٤٢:١١)
کَرْد ٣٢

~: ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ مَهْدًا (٤٣:١٠)
فرو نهاد ٣٤

~: وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِۦ غِشَٰوَةً (٤٥:٢٣)
نهاد ٣٤، فرو گذاشت ٦٤

~: فَجَعَلَ مِن دُونِ ذَٰلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا (٤٨:٢٧)
کند ١، کردندی ٦

~: قَدْ جَعَلَ ٱللَّهُ لِكُلِّ شَىْءٍ قَدْرًا (٦٥:٣)
پیدا کردست ٦٤

~: جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ ذَلُولًا (٦٧:١٥)
گردانیدست ٦٤

★ مَاجَعَلَ: فَمَا جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا (٤:٩٠)
نکردست ٢٧

~: مَا جَعَلَ ٱللَّهُ مِنۢ بَحِيرَةٍ وَلَا سَآئِبَةٍ (٥:١٠٣)
نکردْ ٢، نفرمود ٥٨، نگرد آید ١٠٠، مگردانید ١١١

~: وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِى ٱلدِّينِ مِنْ حَرَجٍ (٢٢:٧٨)
نکرد ١، نگردانید ٨٦، ننهاد ١٠٣

~: مَّا جَعَلَ ٱللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِى جَوْفِهِۦ (٣٣:٤)
نه کرد ٤٧، نگردد ٦١، نیافریده است ٧٦، پدید نکرد ٨٦، نساخته است ١٠٣

جُعِلَ: إِنَّمَا جُعِلَ ٱلسَّبْتُ (١٦:١٢٤)
کرده شد ١، نهاده شُد ٢، گردانیده شد ٣، گردَه شُد ٥٥، نهاده شد ٨٣، بکرده شد ٨٩، کرده شده است ٩٣

جَعَلَا: فَلَمَّآ ءَاتَىٰهُمَا صَٰلِحًا جَعَلَا لَهُۥ شُرَكَآءَ (٧:١٩٠)

---

١. بوکند / بکند.

کردند ۱، گَرْدَند ۲۷، بکردند ۲۹، کردند ایشان هردو ۳٥، گردانیدند ٦۱، نهادند ۹۳

جَعَلْتُ: وَجَعَلْتُ لَهُۥ مَالًا مَّمْدُودًا (۱۲:۷٤)

کردم ۱، کرده‌ام ٦، بکردم ٥٦، دادیم ۸۷، پدید کردم ۱۰۰، گردانیدم ۱۳٦

جَعَلْتُمْ: أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ (۱۹:۹)

کردیت ۳، همی کردید ۳۸، گرِدید ٦۲، کردید شما ۷٦

~: فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا (٥۹:۱۰)

بکردید ۱۳، کنی شما ۲٤، بکردید شما ۲۹، گردانیدید ۱۲۲، گردید شما ۱۳٦

~: وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا (۹۱:۱٦)

کرده باشید ۲، کرده باشی ۲٤، کرده‌اید ٤۲، بگرْدَه باشید ٥۳، گرفتید ٥۸، کرده‌اید ۷٦، گردآنیده باشید شما ۱۰۰، گردانید شما را ۱۱۸

جَعَلَتْهُ: إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ (٤۲:٥۱)

کرد ۱، بکرد ٥٦، گردانید ۸٦، می کرد ۱۰۰

جَعَلَكُمْ: وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً (٤۸:٥)

بکردی ۲، کردی ۲۷، کند ٤٥، گردانیدی ۹٦، گردانیده بود ۱۳٥

~: وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ (۱٦٥:٦)

کرد ۱۱٤

~: إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ (٦۹:۷)

بکرد ۲۹، بگردانید ٦٤

~: وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً (۹۳:۱٦)

بداشتی ۷٦، می بکردید ۱۱۳، کردیتان ۱۱٤

~: هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ (۳۹:۳٥)

گردانید ۳، بیافرید و کرد ۲۲

~: وَأَنفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُم مُّسْتَخْلَفِينَ فِيهِ (۷:٥۷)

گردانیده است ۱۰۳

جَعَلْنَا: وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ (۱۲٥:۲)

ما کردیم ۱۰، کردیم ما ۲٤، بگردانیدیم ٤۱، بکردَیم ٤۲، بگردانیم ما ٦۳، باز گردانیدیم ۱۰٤

~: وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنتَ عَلَيْهَا (۱٤۳:۲)

گردانیدیم ۳، کردستیم ۱۰، ساختیم ۲۹

~: لِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ (۳۳:٤)

آفریدستیم ۱۰، پدیدار کردیم ۲٤، پیدا کرده‌ایم ۲۹، پیدا کردیم ٥۸، پدید کردیم ما ۹۰، گردانیده‌ایم ۱۱۱

~: وَأُولَٰئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا (۹۱:٤)

کردیم ٤۲

~: وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً (۱۳:٥)

بکردیم ۲، گردانیدیم ۲٤

~: لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا (٤۸:٥)

پدید کردیم ۲۷، بگردانیدیم ما ٦۳، پیدا کرده‌ایم ٦٤، ساختم ۱۲۳

~: وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمْ (٦:٦)

بنهادیم ۲۹، روان کردیم ٦٥، پدید گردانیدیم ما ۱۰٤، گردانیده بودیم ۱۳۰

~: وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً (۲٥:٦)

افکندیم ما ۱۲۳

~: وَجَعَلْنَا لَهُۥ نُورًا يَمْشِي بِهِۦ فِي النَّاسِ (۱۲۲:٦)

بدادیم ۲۹، بدادیم ما ٦٤، گردانیم ۷٦، پدید آریم ما ۱۰٤

~: وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ (۱۰:۷)

ساخته‌ایم ۱۰، بکردیم ما ۲۹، ساختیم ما ۱۲۳

~: إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۷:۷)

بکردستیم ۲۷

~: وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي ٱلسَّمَآءِ بُرُوجًا (١٦:١٥)
بساختیم ٢٩، گرذیم ٥٣، ما بیافریدیم ٦٢، بیافریدیم ما ٦٤، آفریدیم ٧١

~: فَجَعَلْنَا عَـٰلِيَهَا سَافِلَهَا (٧٤:١٥)
گردآنیدیم ما ١٠٠

~: وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَـٰفِرِينَ حَصِيرًا (٨:١٧)
بیافریدیم ٢٤، ساختیم ٦٢

~: جَعَلْنَا لَهُۥ جَهَنَّمَ يَصْلَىٰهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا (١٨:١٧)
بکُنیم ٢، گردیمْ ٥٣

~: فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِۦ سُلْطَـٰنًا (٣٣:١٧)
ما بکردیم ٢، گردانیم ما ٧٦

~: جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْـَٔاخِرَةِ (٤٥:١٧)
بکنیم ٢، بکنیم ما ٥٨، پدید آریم ١٠٣

~: وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً (٤٦:١٧)
برنهیم ٦٢

~: إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى ٱلْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا (٧:١٨)
همی بخواهیم کردن ١٠٨

~: جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَـٰبٍ (٣٢:١٨)
دادیم ما ٥٨، دادیم ٦٢، پدید کرده بودیم ١٠٠، پدید آوردیم ما ١٣٢

~: وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا (٥٢:١٨)
کنیم ما ٥٨، کردیم ما ٩٣

~: وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً (٢٠:٢٥)
کرده‌ایم ٤٧، بکرده‌ایم ما ٦٤، ما بکردیم ١٣٩

~: ثُمَّ جَعَلْنَا ٱلشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا (٤٥:٢٥)
بکردی ٤٦، گردانیدی ١١١

~: وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ ٱلنُّبُوَّةَ وَٱلْكِتَـٰبَ (٢٧:٢٩)
کردیم و بنهادیم ٤٧، بیاوردیم ٦٤

~: وَجَعَلْنَا مِنۢ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا (٩:٣٦)
پیدا آوردیم ما ٦٤

~: لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِٱلرَّحْمَـٰنِ (٣٣:٤٣)
گردیمی ٢٢، بکردیمی ما ٥٦، کردمانی ٨١، پدید کردیمی ١٠٠، میگردانیدیم ١٠٣، بکردمانیم ما ١٣٤، بکردمانی ما ١٣٨

~: لَجَعَلْنَا مِنكُم مَّلَـٰٓئِكَةً فِي ٱلْأَرْضِ يَخْلُفُونَ (٦٠:٤٣)
کنیم ١، کنیم ما ٢٢

~: وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ رَأْفَةً (٢٧:٥٧)
افکندیم ١٠٣

~: وَجَعَلْنَا ٱلنَّهَارَ مَعَاشًا (١١:٧٨)
گردیم ٥١

★ مَا جَعَلْنَا: وَمَا جَعَلْنَا ٱلْقِبْلَةَ ٱلَّتِي كُنتَ عَلَيْهَآ (١٤٣:٢)
نکردیم ٢، بنه گردانیم ٢٤، نساختیم ٢٩، نه کردیم ٤٠، نگردانیدیم ما ٩٨، نگردانیدیم ١١٨، نساختیم ما ١٢٣

~: وَمَا جَعَلْنَا ٱلرُّءْيَا ٱلَّتِي أَرَيْنَـٰكَ (٦٠:١٧)
نگردانیم ١٠٣

~: وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ ٱلْخُلْدَ (٣٤:٢١)
ندادیم ٦١، ننهادیم ١٠٦، نگردانیدیم و ندادیم ١١١

~: وَمَا جَعَلْنَآ أَصْحَـٰبَ ٱلنَّارِ إِلَّا مَلَـٰٓئِكَةً (٣١:٧٤)
ما نگردانیم ٦، نگردانیده‌ایم ١١٦

جَعَلْنَاكَ: وَمَا جَعَلْنَـٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا (١٠٧:٦)
کردستیم ١٠

~: يَـٰدَاوُۥدُ إِنَّا جَعَلْنَـٰكَ خَلِيفَةً فِي ٱلْأَرْضِ (٢٦:٣٨)
قرار دادیم ١٣٦

~: ثُمَّ جَعَلْنَـٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ (١٨:٤٥)
کردیم ٣٢

مَاجَعَلْنَاكَ: وَمَاجَعَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا (٦:١٠٧)
نکردیم ۱، نکردیم ما ۲٤، نه کردیم ٥٣

جَعَلْنَاكُمْ: ثُمَّ جَعَلْنَٰكُمْ خَلَٰٓئِفَ فِى ٱلْأَرْضِ (١٠:١٤)
گردانیم ١١٤

~: وَجَعَلْنَٰكُمْ شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْ (٤٩:١٣)
کرده‌ایم ٦

جَعَلْنَاهُ: وَلَوْ جَعَلْنَٰهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَٰهُ رَجُلًا (٦:٩)
کردی ایما ۱، بکردیم ۲، فرستادمی کردمی ۲۹، کردیمی ٤٥، گردانیم ما ٥٨، بفرستادیمی ٦٢، بکردمانیم ما ۸۹، گرد آنیدمانی ۱۰۰، ما کردیمی ۱۰۷، گردانیدئیم ۱۲۳

~: وَجَعَلْنَٰهُ هُدًى لِّبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ (١٧:٢)
بکردیم ۷۹

~: ٱلَّذِى جَعَلْنَٰهُ لِلنَّاسِ سَوَآءً (٢٢:٢٥)
بکردیم و بساختیم ۱۳۹

~: وَجَعَلْنَٰهُ هُدًى لِّبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ (٣٢:٢٣)
گرفتیم ١٤

~: وَلَوْ جَعَلْنَٰهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا (٤١:٤٤)
کردیمی ما ۲۲، بکردمانی ٥۲، بکردمی ما ٦۱، گردانیدیمی ۸۰

~: إِنَّا جَعَلْنَٰهُ قُرْءَٰنًا عَرَبِيًّا (٤٣:٣)
گردانیدیمش ۳۲

~: وَجَعَلْنَٰهُ مَثَلًا لِّبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ (٤٣:٥٩)
گردانیدیم ۳۲

~: لَوْ نَشَآءُ جَعَلْنَٰهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ (٥٦:٧٠)
بکردیمی ٦١

~: فَجَعَلْنَٰهُ فِى قَرَارٍ مَّكِينٍ (٧٧:٢١)
نگاه داشتیم ۱۰۳

★ لَجَعَلْنَاهُ: لَّجَعَلْنَٰهُ رَجُلًا (٦:٩)
هر آینه گردانیم ۱۱۱

★ لَوْ جَعَلْنَاهُ: وَلَوْ جَعَلْنَٰهُ مَلَكًا (٦:٩)
گرنه کردیمی ۲

جَعَلْنَاهَا: فَجَعَلْنَٰهَا نَكَٰلًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا (٢:٦٦)
گردیم ۱۰، کردیم ۳۰، گرد آنیدیم ٥٥

~: فَجَعَلْنَٰهَا حَصِيدًا (١٠:٢٤)
بکنیم ٥٦، بکردیم ما ٦۱، بگردانیم ۹۸

جَعَلْنَاهُمْ: وَمَا جَعَلْنَٰهُمْ جَسَدًا (٢١:٨)
کردیم ۷٦

~: وَأَرَادُواْ بِهِۦ كَيْدًا فَجَعَلْنَٰهُمُ ٱلْأَخْسَرِينَ (٢١:٧٠)
افکندیم ۱۰۳

~: فَجَعَلْنَٰهُمْ غُثَآءً (٢٣:٤١)
بکردیم ۱۰۳

~: فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُم بَعْضًا وَجَعَلْنَٰهُمْ أَحَادِيثَ (٢٣:٤٤)
گردانیدیم ۱۰۳

~: فَجَعَلْنَٰهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْءَاخِرِينَ (٤٣:٥٦)
کردیم ١١٤

★ مَاجَعَلْنَاهُمْ: وَمَا جَعَلْنَٰهُمْ جَسَدًا (٢١:٨)
نگردانیدیم ۲۹، نیافریدیم ما ٦٤، پدید نکردیم ما ۱۰۰، نکردیم ۱۰۳

فَجَعَلْنَاهُنَّ: فَجَعَلْنَٰهُنَّ أَبْكَارًا (٥٦:٣٦)
گردانیم ۹٦

جَعَلَنِی: وَجَعَلَنِى نَبِيًّا (١٩:٣٠)
گردانیده است ٦٤، بکرد ۸۷

~: وَجَعَلَنِى مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنتُ (١٩:٣١)
آفریده است ٦٤، گردانید ۸٦

~: فَوَهَبَ لِى رَبِّى حُكْمًا وَجَعَلَنِى مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ (٢٦:٢١)
کرد ۲۰

~: بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ (٣٦:٢٧)
گرد آید ١٠٠

جَعَلَهُ: وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ (٣:١٢٦)
کردْ ٢

~: فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا (٧:١٤٣)
کرد ١، گَردید ٢٤، بگردانید ٦١، گرد آنید ١٠٠، بکرد ١٢٤

~: حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا (١٨:٩٦)
بگشت ٩٢، بگرداند ١٠٨، کند ١١٤، بکند ١٢٨

~: فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ (١٨:٩٨)
بگرداند ٩٤

~: وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا (٢٥:٤٥)
کردی ١، بکردیم ٦١

~: فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا (٢٥:٥٤)
بکردم ٦١، بیافرید ٧٦

~: فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (٦٨:٥٠)
گردانید ٣٤

★ ماجَعَلَهُ: وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ (٣:١٢٦)
نکرد ١، پدید نکرد ١٠٠

~: وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ (٨:١٠)
نکرد ٤١، نگردانید ١٠٠، نکرد ١٢٧

جَعَلَهَا: قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا (١٢:١٠٠)
بگردانید ٢، کرد ٥، بکرد ٥٦

جَعَلَهُمْ: فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا (٢١:٥٨)
بکرد ٧٤، گردانید ٨٦، کرد ٨٧، گرداند ١٢١

~: وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً (٤٢:٨)
کردی ١، کندی ٢٢، گردانیدی ٥٦، کُند ٨١

جَعَلُوا: وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ (٦:١٠٠)
کردند ١، بنهادند ٤٤، گفتند و کردند ٥٨، بنهادند ٦٢، بگفتند ، گفتند ٨٨ ، پدید کردند ١٠٠، در ساخته‌اند ١٢٢

~: وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ (٦:١٣٦)
بکردند ٦١، بگفتند ٨٨، گردانیده‌اند ١٣٠

~: أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ (١٣:١٦)
گَردند ٥٣، کردند و گفتند ٥٨، ایشان نهاده‌اند ٦٢، برساخته‌اند ١٢٧

~: وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ (١٣:٣٣)
بکردند ٢، می گیرید ٧٦

~: وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِهِ (١٤:٣٠)
بکردند ٢، گردند ٥٣، نهاده‌اند ٦٢، پدید آوردند ١٠٠

~: الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ (١٥:٩١)
بگردانیدند ٩٢، گردانیدند ١٠٠، انگاشته بودند ١٢٢

~: وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً (٢٧:٣٤)
کنند ١، بکنند ٤٣، گردانند ١٠٠، بگردانند ١٣٢

~: جَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا (٣٧:١٥٨)
ساختند ١٠٣

~: وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا (٤٣:١٥)
بکردند ـ بگفتند ١٠٨، برساختند ١٣٢

~: جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ (٧١:٧)
بیفکندندی ٦٤، بنهادند ١١٦

جُفَاءً: فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً (١٣:١٧)
نابکار ١، ناچیز شده ٢، انداخته بکرانه ٣، باز انداخت ٥، ور سر آب ٢٤، خاشاک ٢٩، رود آورد ٤١، جوش دیک ٤٣، انداخته بَر کرانه ٥٥، خشک ٥٧، جوش آورد دیک ٥٨، ابر ٦٢، روداوْ ٧٦، کناره افتاده ٧٩، کرانه ٩١ ناچیز ٩٤، رود آورده

۹۹، افکنده شود ۱۰٤، افکنده پراکنده ۱۱۱، کناره ۱۱۳، انداخته ۱۱٤

جِفَانٍ: مِن مَّحَٰرِيبَ وَتَمَٰثِيلَ وَجِفَانٍ (۳٤: ۱۳)
کاسها ۱، کاسهای بزرگ ۷، کاسهای پهن ۱۱۱، کاسه های بزرگ ۱۲۰

ٱلْجَلَاءَ: وَلَوْلَآ أَن كَتَبَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمُ ٱلْجَلَآءَ (۵۹: ۳)
بیرون شدن ۱، بیرون شُدن ۲، آوارگی ۳، برون رفتن از خانه ۲۹، بیرون رفتن ۳۶، بیرون کردن ۳۸، دوری از خانمان ۳۹، بَشُدن ٤۲، بیرون آمدن از خانه ٤۳، بیرون شدن از خان و مان ٤۹، از خان و مان برون شدن ۵۲، بیرون شدن از خان ۵۶، بیرون شدند ۷۸، بیرون شدن از خان و مانها ۷۹، شهر گذاشتن ۹۶، از خان و مان بیرون شدن ۱۰۰، بیرون رفتن از خان و مان ۱۰۲، رفتن از خان و مان ۱۰۹، از خانمان بیرون شدن ۱۲۵

جَلَٰبِيبِهِنَّ: يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّ (۳۳: ۵۹)
چادرها ۱، دامنیها ۳۹، چادرها یا بالاپوش ٤۱، میان ۵۲، چادرها ۵۳، جامها و چادرها ۵۶، چادرهاء ۹۰، از میان ۱۰۵

ٱلْجَلَٰلِ: وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو ٱلْجَلَٰلِ وَٱلْإِكْرَامِ (۵۵: ۲۷)
بزرگواری ۱، بُزرگواری ۲، بزرگ ۱۱۳

~: تَبَٰرَكَ ٱسْمُ رَبِّكَ ذِى ٱلْجَلَٰلِ وَٱلْإِكْرَامِ (۵۵: ۷۸)
بزرگی ۲۹، بزرگوار ٤۸، بزرگواری ٦٤، بزرگی و بزرگوار ۹۲

جَلَّىٰهَا: وَٱلنَّهَارِ إِذَا جَلَّىٰهَا (۹۱: ۳)
روشن کند ۱، ببرد تاریکی ۲٤، روشن شود ۳٤، پیدا بکُند ۵۳، روشن گرداند ۵۶، بزداید و وابرد تاریکی ۷۹، دم زند ۱۳۶

جَلْدَةٍ: فَٱجْلِدُوا۟ كُلَّ وَٰحِدٍ مِّنْهُمَا مِا۟ئَةَ جَلْدَةٍ (۲٤: ۲)
تازیانه ۱، دره ۹۹، تازیاه ۱۱۱

جُلُودِ: وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ ٱلْأَنْعَٰمِ بُيُوتًا (۱۶: ۸۰)
بُوستها ۵۵، بوستها و بشم ۵۸، بوستهآء ٦۰، بوسها ۱۱۳، بوستا ۱۲۵، بوست ها ۱۲۸

~: يُصْهَرُ بِهِۦ مَا فِى بُطُونِهِمْ وَٱلْجُلُودُ (۲۲: ۲۰)
پوستها ۱، پوستانها ۸۷

~: تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ (۳۹: ۲۳)
پُوستها ۲، پوستها ۵۲، پوسْتَها ۵۳

جُلُودًا: بَدَّلْنَٰهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا (٤: ۵۶)
پُوستَها ۲، پُوستَاهَا ۱۰، پوست ۲٤، گوشت و پوست ۳۶، پوستان ٦۱، پوستهاء ٦٤، پوستهآ ۱۰۰

جُلُودُكُمْ: وَلَآ أَبْصَٰرُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ (٤۱: ۲۲)
پوششها ٤۳

جُلُودُهُمْ: سَمْعُهُمْ وَأَبْصَٰرُهُمْ وَجُلُودُهُم (٤۱: ۲۰)
اندامها ٦۱، مرپوستها ۸۱

~: وَقَالُوا۟ لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدتُّمْ عَلَيْنَا (٤۱: ۲۱)
تنها ٦۱، اندام ۱۰۳

جَمًّا: وَتُحِبُّونَ ٱلْمَالَ حُبًّا جَمًّا (۸۹: ۲۰)
بسیار ۲، سخت ۳۸، فراوان ٦۵، بسیار و بغایت ۷۹، همه ۹۰، بسیار و فراوان ۱۱۶

جَمَالٌ: وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ (۱۶: ۶)
نیکویی ۱، نیکوی ۲، آرایش ۳، نیکوی ۲۹، آرایش ۵۵، نیکی ٦۱، خوبی ۹۲، نشان نیکو ۹۸، زینت ۱۰۶، زیب ۱۰۹، آرایشها ۱۱۱، زیبایی ۱۱۹

جِمَٰلَتٌ: كَأَنَّهُۥ جِمَٰلَتٌ صُفْرٌ (۷۷: ۳۳)
اشتران ۲، شتران ۳، شتران رایگان ۷۸، شتران نر ۸۰، شتران بزرگ ۱۱۱، اشتر ۱۲۰، شترها ۱۳۶

جَمَعَ: فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُۥ ثُمَّ أَتَىٰ (۲۰: ۶۰)
گَرْد آورد ۲، فراهم آورد ۳٤، بهم کردش ۵۸، فراهم کرد ٦٤

~: تَدْعُوا۟ مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰٓ (۷۰: ۱۸)

گرد کرد ٣، گرد کند ٦١، گرد کرده است ١١١

~: ٱلَّذِى جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُۥ (٢:١٠٤)
گرد آورد ٢، گرد آورده است ٩٦

ٱلْجَمْعُ: يَوْمَ ٱلْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ (٧:٤٢)
بهم آمدن ١، فراهمْ آوردن ٢٢، فراهم آمدن ٣٨، گرد آوردن ٤٩، رستخیز ٥٣، بهم آوردن ٩٤

~: سَيُهْزَمُ ٱلْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ ٱلدُّبُرَ (٤٥:٥٤)
گره ١، گروُهان ٢، همه ٣٠، لشکر ٤٣، گروه ٨١

~: يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ ٱلْجَمْعِ (٩:٦٤)
گرد کردن ٣، فراهم شدن ٣٩، فراهم آوردن ٦٤، گرد آمدن ٨١

جُمِعَ: فَجُمِعَ ٱلسَّحَرَةُ لِمِيقَٰتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (٣٨:٢٦)
بهم کرده شدند ١، گرد کرده شدند ٣، گرد کردند ٢٠، گرد آورد ٣٠، گرده کرده شوند ٤٣، فراهم آوردند ٤٧، گرد آورده شدند ٥٦، گرد آوردند ٦١، گرد کرده شد ٧٢، گرد آورند ٧٦، گرد آمدند ١٠٠، گِرد گردند ١١٩، فراهم آمدند ١٢٢

~: وَجُمِعَ ٱلشَّمْسُ وَٱلْقَمَرُ (٩:٧٥)
بهم کرده شهد ١، گرد آرند ٢، گرد کرده شود ٣، فراهم آرند ٦، بهم شوند ١٩، گرد آورده شود ٣٠، بهم آرند ٣٨، فراهم آورده شود ٥٦، فراهم کرده شود ٦٤، فراهم کنند ٦٥، بهم شود ٩١، گرد آوریده گردد ١٢٢، گرد آورنده گردند ١٣٢، گرد آمد ١٣٦

جَمْعًا: وَنُفِخَ فِى ٱلصُّورِ فَجَمَعْنَٰهُمْ جَمْعًا (٩٩:١٨)
بهم کردن ١، گِرد آوردن ٢، گرد آوردن ٣، گرد کردن ٢٤، فراهم کردن ٣٩، گِردَ آوَردَن ٥٥، بهم گرد ٧٤، فراهم آوردن ١٠٢

~: مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا (٧٨:٢٨)
گره ١، گروه ٢، لشکر ٢٩، سپاه ٣٦، فراهم آوردن ٤٧، انبوه ٦١، همه ٧٦، انبوهی و فراهم آوردن ١٠٩

~: فَأَثَرْنَ بِهِۦ نَقْعًا فَوَسَطْنَ بِهِۦ جَمْعًا (٥:١٠٠)
میانه همه ٢، گرد آمدن ٣٩

ٱلْجَمْعَانِ: يَوْمَ ٱلْتَقَى ٱلْجَمْعَانِ (١٥٥:٣)
گروه گروه ٣٦، دو سپاه ٥٣، دو گروُه ٥٥، دو سپَه ٥٧، سپاه ٥٨، هر دو گروه لشکر ٦٢، دو انبوه ١٠٩

~: وَمَآ أَصَٰبَكُمْ يَوْمَ ٱلْتَقَى ٱلْجَمْعَانِ (١٦٦:٣)
هر دو گروه ٦٢، گروه ٧٦، روی بروی آوردن ١١٠، گروهان ١٢٩

~: يَوْمَ ٱلْفُرْقَانِ يَوْمَ ٱلْتَقَى ٱلْجَمْعَانِ (٤١:٨)
دوُ گروه ٢، دو لشگر، دو لشکر ١٠، بهمران دو گرو ١١، دوُ گروُه ٥٥، دو گروه ـ دو سپاه ١٢٤

~: فَلَمَّا تَرَٰٓءَا ٱلْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَٰبُ مُوسَىٰٓ (٦١:٢٦)
دو گره ١

ٱلْجُمُعَةِ: مِن يَوْمِ ٱلْجُمُعَةِ (٩:٦٢)
آدینه ٢، آدینَه ٨١

جَمْعُكُمْ: قَالُواْ مَآ أَغْنَىٰ عَنكُمْ جَمْعُكُمْ (٤٨:٧)
بهم کردن ١، گِرد کردن ٢، گرد کردن ١٠، فراهم آوردن ١٠٢

جَمَعْنَاكُمْ: هَٰذَا يَوْمُ ٱلْفَصْلِ جَمَعْنَٰكُمْ وَٱلْأَوَّلِينَ (٣٨:٧٧)
بهم کردیم ١، گِرد آوردیم ٢، گرد کنیم ٦، گرد آوردیم ٣٠، بهم کنیم ٣٨، گرد کردیم ٥٦، فراهم آوردیم ١٢٦

جَمَعْنَاهُمْ: فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَٰهُمْ (٢٥:٣)
گرد آریم ٢، گرد آوردیم ٢٥، گرد کنیم ٢٧، واهم آریم ٤٠، گرد دَآریم ٤٢، گِرد کنیم ما ٥٨، گرد آوردیم مَا ٦١، فراهم آریم ٦٤، فراهم کردیم ٧٥، گرد کردیم ٨٨

~: وَنُفِخَ فِى ٱلصُّورِ فَجَمَعْنَٰهُمْ جَمْعًا (٩٩:١٨)

بهم کنیم ۱، گرد آریم ۲، گرد کنیم شان ۲٤، گِردْ کردیم ۵۳، گِرْد آریمْ ۵۵، بهم کنیم ما ۵۸، فراهم کنیم ما ٦٤، گرد آریمشان ۸۰، گرد کردیم ما ۹۹، فراهم آوردیم ۱۰۹، گرد کنیمشان ۱۱٤، گردانیم ما ۱۲٤، گرد آوریم ۱۳۲

جَمْعَهُ: إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُۥ وَقُرْءَانَهُۥ (۷۵:۱۷)

بهم کردن ۱، گرد آوردن ۲، فراهم کردن ٦، گرد آوردن ۳۰، گرد کردن ۳۹، فراهم آوردن ۹۰

جَمَعَهُمْ: وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى ٱلْهُدَىٰ (٦: ۳۵)

بهم کردی ۱، گرد آوردی ۲، گرد آورد ۳، گرد آوردی ۹، گرد آرد ۲٤، گرداوردی ۲٦، فراهم آرد ۳۹، فراهم آوَرْدی ۵۳، فراهم آوردی ٦٤، بگرد آوردی ۹۲، گرد آوردیشان ۹٤، فراهم کردی ۹۸، فراهم آورد ۱۳۰

جَمْعِهِمْ: وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَآءُ قَدِيرٌ (٤۲: ۲۹)

بهم کردن ۱، بَهَم آوردن ۲، گرد کردن ۳، بهم آوردن ۱٦، گرد آوردن ۳۰، فراهم آوردن ۳۹، گِرد کردن ۵۳

جَمَعُوا: قَدْ جَمَعُوا۟ لَكُمْ فَٱخْشَوْهُمْ (۳: ۱۷۳)

بهم آمدند ۱، گردْ آوردنْد، گرد آوردند ۲، گرد کردند ۳، گرد آمده‌اند ۲۳، گرد آمدند ٤۱، گِرد آوُردَند ٤۲، گرد شدند ٦۱، فراهم آمدند ٦۷، درآوردند ۸٤، فراهم آوردند ۱۰۲، لشکر فراهم کردند ۱۰۹

ٱلْجَمَلُ: حَتَّىٰ يَلِجَ ٱلْجَمَلُ فِى سَمِّ ٱلْخِيَاطِ (۷: ٤۰)

وشتر ۱، اِشتُر ۲، شتُر ۱۰، اشتر ۳۱، اُشتُر ٤۲، اشتُر ٤۵، شُتُر ۵۵، شتر نر ۹۱

جُمْلَةً: لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ ٱلْقُرْءَانُ جُمْلَةً وَٰحِدَةً (۲۵: ۳۲)

همه ۲، یکباره ۵۲، هَمه ۷٦

★ جُمْلَةً واحِدَةً: جُمْلَةً وَٰحِدَةً (۲۵: ۳۲)

بیک باره ٤۲، بیکبار ۵۸، بیک بار ۱۰۵، یکبار ۱۱۳

جَمِیعًا: أَيْنَ مَا تَكُونُوا۟ يَأْتِ بِكُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًا (۲: ۱٤۸)

همگنان ۲، فراهم ٦٤، همگی ٦۵، همه با هم ۱۰۰

~: أَنَّ ٱلْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (۲: ۱٦۵)

هَمه ۲

~: وَٱعْتَصِمُوا۟ بِحَبْلِ ٱللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا۟ (۳: ۱۰۳)

همه هم خُند ۱۰، هَمهْ ۲۷، جمله ٦۹

~: فَٱنفِرُوا۟ ثُبَاتٍ أَوِ ٱنفِرُوا۟ جَمِيعًا (٤: ۷۱)

همه بیکبار ۳، با هم همه ۱۰۰

~: وَٱلْكَـٰفِرِينَ فِى جَهَنَّمَ جَمِيعًا (٤: ۱٤۰)

همه بهم ٤۵

~: فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا (٤: ۱۷۲)

همگین ۵۳

~: حَتَّىٰٓ إِذَا ٱدَّارَكُوا۟ فِيهَا جَمِيعًا (۷: ۳۸)

همه بهم ۱۰

~: مَن فِى ٱلْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا (۱۰: ۹۹)

هَمگان ۵۳، هموار ۹٦، گرد ۱۱٤

~: فَكِيدُونِى جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ (۱۱: ۵۵)

همگان ۲٤

~: قَالَ ٱهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا (۲۰: ۱۲۳)

همه ۱، با هم ۱۰۹

~: أَن تَأْكُلُوا۟ جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا (۲٤: ٦۱)

بهم ٤۷، یکجا همه ۵۸، بهَم ٦۲

~: وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ (٤۵: ۱۳)

هَمه ۳۲

~: تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ (۵۹: ۱٤)

بهم ۱، همه یکی ۵٦، همه انبوه ۸۷، همه بیکجای ۱۱٤

جَمِیعٌ: وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَـٰذِرُونَ (۲٦: ۵٦)

گروه ۱۳۲

~: وَإِن كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ (۳۶:۳۲)
همه ۳، همگان ۵۶

~: نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ (۵۴:۴٤)
گره ۱

جَمیلٌ: فَصَبْرٌ جَمِيلٌ (۱۲:۱۸)
نیکو ۲، نیکو ۶۲، نیکو بهتر ۸۰، نیکوتر ۹۰، زیبا ۱۰۹

~: فَصَبْرٌ جَمِيلٌ (۱۲:۸۳)
نیکو ۲، بهتر ۳۶، نیک ۶۱، خوب ۷۶

~: فَٱصْفَحِ ٱلصَّفْحَ ٱلْجَمِيلَ (۱۵:۸۵)
نیکوا ۱، نیکو ۲، نیکو ۵۵

جَمیلًا: وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (۳۳:۲۸)
نیکو ۲

~: وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (۳۳:٤۹)
نیکوا ۱، خوب ٤۷

~: فَٱصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا (۷۰:۵)
نیکو - زیبا ۱۰۹

~: وَٱهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (۷۳:۱۰)
خوب ۶، نیک ۹۶، خوب نیکو ۱۰۰، زیبا ۱۰۹

جَنَّ: فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ ٱلَّيْلُ رَءَا كَوْكَبًا (۶:۷۶)
درآمد ۱، تاریک شُد ۲، تاریک شد ۳، پدید آمد ۹، تاریک بُبود ۱۰، اندرآمد و تاریک شد ۲۶، درآمد و تاریک شد ۳۹، درآمد و تاریک شد ٤۲، درآمد و پوشیده و تاریک شد ٤٤، تاریک شُد ۵۵، بپوشید ۵۶، درپوشید ۵۷، برپوشید ۵۸، پوشید ۶۱، پوشیده ۶۹، راست درآمد ۷۹، اندرآمد، اندر آمد تاریک شد ۸۸، تاریکشد ۹۹، فرود آمد ۱۱۱، پوشانید ۱۲٤

* جَنَّ عَلَيْهِ ٱللَّيْلُ: فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ ٱلَّيْلُ (۶:۷۶)
آمد شب ۲٤، تاریکی شب درآید ۹۲

ٱلْجِنُّ: وَجَعَلُوا۟ لِلَّهِ شُرَكَآءَ ٱلْجِنَّ (۶:۱۰۰)
دَیوان و پریان ۱۰، بد ۷۶

~: شَيَـٰطِينَ ٱلْإِنسِ وَٱلْجِنِّ (۶:۱۱۲)
پَریانْ ۵۳، پری ۷۶

~: كَثِيرًا مِّنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ (۷:۱۷۹)
دیوان و پریان ٦٤

~: قُل لَّئِنِ ٱجْتَمَعَتِ ٱلْإِنسُ وَٱلْجِنُّ (۱۷:۸۸)
پریانْ ۵۳

~: كَانَ مِنَ ٱلْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِۦٓ (۱۸:۵۰)
پَریان ۵۵

~: وَحُشِرَ لِسُلَيْمَـٰنَ جُنُودُهُۥ مِنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ (۲۷:۱۷)
پَری ۲

~: قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ ٱلْجِنِّ أَنَا۠ ءَاتِيكَ (۲۷:۳۹)
پریان ۲، دیوآن ۱۰۰

~: وَمِنَ ٱلْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ (۳٤:۱۲)
دیوان ۳۹، پرّیان ٤۷

~: بَلْ كَانُوا۟ يَعْبُدُونَ ٱلْجِنَّ (۳٤:٤۱)
پریان و دیوان ۵۸

~: قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ (٤۶:۱۸)
دیو ۲٤

~: يَـٰمَعْشَرَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ (۵۵:۳۳)
دیو و پری ۸۱، پری ۱۳۶

جَنَّاتٍ: جَنَّـٰتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَـٰرُ (۲:۲۵)
بوُستانها ۲، بوُستانها ۵۵، بوُستانهَا ۹٤

~: جَنَّـٰتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَـٰرُ (۳:۱۵)
بِهشتهاء ۵۷، بوستانهاء ۹۰، بوستانهان ۹۲

~: جَنَّٰتٌ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ (١٣٦:٣)
بُستانها ١٠، بهشت ها ٢٩

~: جَنَّٰتٌ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ (١٩٥:٣)
بوستانها ١، بهشتا ٥٧، بُوستانهَا ٩٤

~: جَنَّٰتٌ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ (١٣:٤)
بهشتها و بوستانها ١٠، بستنها ٤٠

~: وَجَنَّٰتٍ مِّنۡ أَعۡنَابٍ وَٱلزَّيۡتُونَ (٩٩:٦)
بُوستانها ٢

~: أَنشَأَ جَنَّٰتٍ مَّعۡرُوشَٰتٍ (١٤١:٦)
رزها ٥٢، بُوستانهَا ٥٥، رزهآ ١٠٥

~: وَجَنَّٰتٍ لَّهُمۡ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ (٢١:٩)
بستانها ١، بُستانهای بهشت ١٠

~: جَنَّٰتٍ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ (٧٢:٩)
بهشتها ٦٢

~: وَجَنَّٰتٌ مِّنۡ أَعۡنَٰبٍ وَزَرۡعٌ وَنَخِيلٌ (٤:١٣)
باغها ٤٨

~: جَنَّٰتٍ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ (٢٣:١٤)
بهشتها ٥

~: إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ (٤٥:١٥)
بهشتها ٦٢

~: جَنَّٰتُ عَدۡنٍ يَدۡخُلُونَهَا (٣١:١٦)
بهشتهاء ٦٢

~: أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ جَنَّٰتُ (٣١:١٨)
بوستان ها ٤٣

~: جَنَّٰتٍ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ (١٠:٢٥)
باغها و بستانها ٧٦

~: فَأَخۡرَجۡنَٰهُم مِّن جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ (٥٧:٢٦)
باغهاء با درخت ٦٤، باغها ١١٩

~: أَمَدَّكُم بِأَنۡعَٰمٍ وَبَنِينَ وَجَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ (١٣٤:٢٦)
باغ و بستانها ٤٧

~: لَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلنَّعِيمِ (٨:٣١)
بهشتها ٧٦

~: وَجَعَلۡنَا فِيهَا جَنَّٰتٍ مِّن نَّخِيلٍ (٣٤:٣٦)
بوستنها ٩٥

~: وَهُم مُّكۡرَمُونَ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ (٤٣:٣٧)
بوستانها ٢٢

~: جَنَّٰتِ عَدۡنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ ٱلۡأَبۡوَٰبُ (٥٠:٣٨)
بُستانها ٨١

~: فِي رَوۡضَاتِ ٱلۡجَنَّاتِ (٢٢:٤٢)
بهشتها ٨١

~: كَمۡ تَرَكُواْ مِن جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ (٢٥:٤٤)
بوستانها ٢٢، بوستانهای پر درخت ١٠٣

~: فِي جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ (٥٢:٤٤)
باغها و بوستانها ١٠٩

~: فَأَنۢبَتۡنَا بِهِۦ جَنَّٰتٍ وَحَبَّ ٱلۡحَصِيدِ (٩:٥٠)
بهشتها ـ بوستانها ١٠٩

~: وَيُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٍ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ (٩:٦٤)
بستان ١١٤

~: أُوْلَٰٓئِكَ فِي جَنَّٰتٍ مُّكۡرَمُونَ (٣٥:٧٠)
بهشت ٦

~: لِّنُخۡرِجَ بِهِۦ حَبًّا وَنَبَاتًا وَجَنَّٰتٍ أَلۡفَافًا (١٦:٧٨)
باغستانها و بهشتها ١٣٦

جَنَاح: وَٱخۡفِضۡ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ (٢٤:١٧)
پَرّ ٢، پرها ٨٨، پَرّ ١٠٩، بال و پر ١١٤

جُنَاحٌ: فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا (١٥٨:٢)
بزه ٨٠

~: لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ (٢:١٩٨)
بَزه ٤٤، بزكاری ٦٤

~: فَلَاجُنَاحَ عَلَيْهِمَا (٢:٢٣٣)
ننگ و بزه ٢٩

~: فَلَاجُنَاحَ عَلَيْكُمْ (٢:٢٣٤)
گنه ٦٣

~: فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا (٢:٢٨٢)
تنگی و بزه ١٠، بژیری ٩٥

~: فَلَاجُنَاحَ عَلَيْكُمْ (٤:٢٣)
بَزه ٢، باک ٣٦، وزر و بزه ٤٠

~: وَلَاجُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُم (٤:٢٤)
ننگ ٥٣

~: فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ (٤:١٠١)
بزه ١، گناه ٣٨، تنگی ٥٣

~: فَلَاجُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَن يُصْلِحَا (٤:١٢٨)
دشواری ٤٩

~: جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا (٥:٩٣)
تنگی ٩، بزه‌ء ٢٤، بزه‌مندی ٦٤، گناه و سختی ١٢١

~: لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ (٢٤:٢٩)
تنگی و بزه ١٠٥

~: لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ (٢٤:٥٨)
پروا ٥٣

~: فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ (٢٤:٦٠)
بزومندی ٧٧، بزه سخت ١٠٥

~: لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَأْكُلُوا (٢٤:٦١)
بزه و تنگی ـ گناه ١٠٩

~: وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُم بِهِ (٣٣:٥)
بزه و تنگی ٤٧

~: مَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَاجُنَاحَ عَلَيْكَ (٣٣:٥١)
بزه و سختی ٤١

~: وَلَاجُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ (٦٠:١٠)
بزه و تنگ ٢

★ لَاجُنَاحَ: فَلَاجُنَاحَ عَلَيْهِ (٢:١٥٨)
گنه نبود ٤٠، بزه نبود ٦٣، هیچ گناه نیست ١٢١

~: فَلَاجُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ (٢:٢٢٩)
باک نبود ٤٠

~: فَلَاجُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَن يَتَرَاجَعَا (٢:٢٣٠)
هیچ بزه نبود ٤٠

~: لَاجُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ (٢:٢٣٦)
نیست بزه ٥٧

~: فَلَاجُنَاحَ عَلَيْكُمْ (٤:٢٣)
نبود بزه ٥٧، بژه نیست ٩٥

~: وَلَاجُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن كَانَ بِكُمْ (٤:١٠٢)
نیست هیچ گناه ١٣٠

~: وَلَاجُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ (٦٠:١٠)
بزه و تنگی نباشد ٨١

جَنَاحَكَ: وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ (١٥:٨٨)
پر و بال ٣، پر و بازو ٤٣، بر و بازو ٥٢، بَر وُ بال ٥٥، بر و باز ٩٦

~: وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ (٢٠:٢٢)
پهلو ٢، بغل ٢٤، بازو ٢٩، گریبان ٣٩، بازوی ٥٨، دوپهلو ٨٦، بَغَلْ ٨٧، پهلوی ١٠٣

~: وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ (٢٦:٢١٥)
پر ٢٠، سخن ٥٢

~: وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ (٢٨:٣٢)
بال ١، بغل ٢، دست ٢٤، دستها ٧٦، دل ١٠٥، آستین ١٢١

بِجَنَاحَيْهِ: وَلَا طَٰٓئِرٖ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ (۳۸:۶)
دو بال ۱، دو پر ۲، پرها ۹، پرّ ۲۴، هر دو پر ۳۴، بالها ۳۶، هر دو پرّ ۵۷، دو بازوی ۶۱، هر دوبال ۸۰، دو بازو ۹۰، دو بآل ۱۰۰، دو پر خویش ۱۰۵، دو بالش ۱۱۴، پر و بال ۱۳۸

جَنْبِ: وَٱلصَّاحِبِ بِٱلْجَنۢبِ (۳۶:۴)
پهلوا ۱، هم سَرایه هم پهلوا ۱۰، هم پهلو ۳۸، بستر ۳۹، پیوسته ۴۱، هم پَهلوُ ۴۲، بستر و پهلو ۵۸، درو پهلو ۷۵، همنشین ۱۱۵، همپهلو ۱۱۸، دور ۱۳۵

~: فَرَّطتُ فِي جَنۢبِ ٱللَّهِ (۵۶:۳۹)
فرمان ۳، بهْر ۲۲، کار ۵۳، بهر ۸۸

جُنُبِ: وَٱلْجَارِ ٱلْجُنُبِ (۳۶:۴)
بیگانه ۲، بیگانه ۳، بیگانَه ۵۵، پهلوا ۵۷، دور ۷۶، بیگانه ناهمراه ۸۴، پهلو ۸۸، همراه ۱۰۷، هم پهلو ۱۳۵

~: فَبَصُرَتْ بِهِۦ عَن جُنُبٍ (۱۱:۲۸)
دور ۱، دورْ ۲، گوشه ۴۱، یک سو ۵۳، دور شده ۶۱

جُنُبًا: وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ (۴۳:۴)
بی نماز ۳، بَیگانَه ۱۰، دور ماند گان ۱۰۹، پلید ۱۱۴

~: وَإِن كُنتُمْ جُنُبًا فَٱطَّهَّرُوا۟ (۶:۵)
ناپاک ۵۸، ناپاکان ۱۰۹

لِجَنۢبِهِ: دَعَانَا لِجَنۢبِهِۦٓ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَآئِمًا (۱۲:۱۰)
پهلوی ۱، پهلو ۱۳، خفته ۴۱، پَهلو ۷۴، پهلوها ۱۰۶

جَنَّةٌ: يَٰٓـَٔادَمُ ٱسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ ٱلْجَنَّةَ (۳۵:۲)
بِهِشْت ۲

~: أُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ (۸۲:۲)
بِهِشْت ۵۵

~: أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا۟ ٱلْجَنَّةَ (۲۱۴:۲)
بهشْت ۲

~: كَمَثَلِ جَنَّةٍۭ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ (۲۶۵:۲)
بستان ۱، بوستان ۴۲

~: أَن تَكُونَ لَهُۥ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ (۲۶۶:۲)
بوُستان ۲

~: وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلْأَرْضُ (۱۳۳:۳)
بوستان ـ بهشت ۳۰

~: أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا۟ ٱلْجَنَّةَ (۱۴۲:۳)
گهیشت[1] ۱

~: وَأُدْخِلَ ٱلْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ (۱۸۵:۳)
گهیشت[1] ۱

~: فَقَدْ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيْهِ ٱلْجَنَّةَ (۷۲:۵)
گهیشت[1] ۱

~: وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ ٱلْجَنَّةِ (۲۲:۷)
بهشت ۷۶، درخت ۹۰

~: أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ (۹۱:۱۷)
بوُسْتان ۲، بوُسْتان ۵۳، بوُستَان ۵۵، بستان ۷۶

~: أَوْ تَكُونُ لَهُۥ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا (۸:۲۵)
باغ ۳۹، بر دِرخت و میوَه ۷۶، باغ ۱۱۹

~: كَمَا بَلَوْنَآ أَصْحَٰبَ ٱلْجَنَّةِ (۱۷:۶۸)
بوستان ۱، بستآن ۱۰۰، بستانها ۱۱۳

جِنَّةٌ: مَا بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍ (۱۸۴:۷)
دیوانه ۱، دیوانگی ۲، دَیو و پری ۱۰، دیوانگان ۲۴، پوشش ـ دیوانگی ۴۱، دِیوَانِگی ۵۵، پری و دیوانگی ۱۰۵

---

۱. گهیشت: بهشت.

~: لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ (۱۱:۱۱۹)
پریان ۳، دیو ۲۴، پَریان ۵۵، پری ۵۹

~: إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ (۲۳:۲۵)
دیوانه‌یی ۱، دیوانی ۷۶، دنوایگی ۱۱۳

~: أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ (۲۳:۷۰)
دیوانگی ۷۶

~: مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۳۲:۱۳)
پَریان ۲، پری ۷۶، پریان ۸۶

~: أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ (۳۴:۸)
دیوانگی ۲، دیو ۷

~: مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ (۳۴:۴۶)
دیوانگی ۲، دیوانه گی ۲۲

~: وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا (۳۷:۱۵۸)
فریشتگان ۲۴، فرشتگان ۱۳۶

~: مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۱۱۴:۶)
دیوان ۲۴

جُنَّةً: اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً (۵۸:۱۶)
سپَر ۵۶، بهانه - سپر ۱۰۹، سپری ۱۱۶

~: اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً (۶۳:۲)
سپر ۱، اسپر ۳۴، سپَر ۸۱

جَنَّتَانِ: جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ (۳۴:۱۵)
دوبستان ۱، دوبوسْتان ۲، دو بوستان ۷، دو با غ ۳۹، بوستانها ۸۷

~: وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ (۵۵:۴۶)
دو بوستان ۱، دو بُستان ۱۳۸

~: وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ (۵۵:۶۲)
دو بهشت ۲۴

جَنَّتَكَ: وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ (۱۸:۳۹)
بُستان ۱، بوسْتان ۲، بستانت ۱۱۴

~: فَعَسَىٰ رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ (۱۸:۴۰)
با غ و بُستان ۵۷

جَنَّتَيْنِ: جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ (۱۸:۳۲)
دو بُستان ۲، دوُ با غ ۵۷، دو بوُستان ۶۱، دو بوستَان ۶۲، دو فوستان ۶۳، دو بوستان ۷۶

~: كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا (۱۸:۳۳)
بوستان ۱، بستان ۲، پوستان ۴۲، دوُ بُسْتَان ۵۵، دو بستان ۷۶

~: وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ (۳۴:۱۶)
دو بستان ۱، دو با غ ۳۹، بوستانها ۴۱، دو بوستانها ۶۱، دو با غ ۱۱۹

~: وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ (۵۵:۵۴)
دو بوستان ۱، دو بهشت ۳۹

* كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ: كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا (۱۸:۳۳)
هر دو بوستان ۴۱، هر یَکی از آن دوُ بُسْتان ۵۵، آن دو بستان ۱۰۵، آن دو با غ ۱۲۳

بِجَنَّتَيْهِمْ: وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ (۳۴:۱۶)
بستان ۱۱۴

جَنَحُوا: وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا (۸:۶۱)
بگردند ۱ و ۴۱، بگرایند ۲، گرائید ۳، خُواهَند ۱۰، فرون گیرید سر ۱۱، خواهند ۲۴، بخسبند ۲۹، سر فرو گیرند ۳۸، گرایَنْد ۵۵، فرو گیرند ۸۴، بچسبند ۱۰۲، گرایند، بچسبند ۱۰۹، میل کنند ۱۱۳، بگروند ۱۲۹

جُنْدًا: وَأَضْعَفُ جُنْدًا (۱۹:۷۵)
سپه ۱، گروه ۳۹، سپاه و لشکر ۶۴، لشکر سپاه ۹۲

جُنْدٌ: مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ (۳۶:۲۸)
سپاه ۲

~: جُندٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ ٱلْأَحْزَابِ (۳۸:۱۱)
سپاهها ۲، سُپاه ۲۲، لشکرها ۸۷

~: إِنَّهُمْ جُندٌ مُّغْرَقُونَ (٤٤:٢٤)
لشکر ۲

~: أَمَّنْ هَٰذَا ٱلَّذِى هُوَ جُندٌ لَّكُمْ (۲۰:٦۷)
لشگر ۱۳۸

جَنَفًا: فَمَنْ خَافَ مِن مُّوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا (۲:۱۸۲)
بَزَه ۵۷، بزه ٦۳، گشتن ۷۵، میل از راستی ۷٦، گرایستن ۹۱، چسپیدن ۱۰۲، چسبیدن ۱۰۹

جُنُوبِكُمْ: وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ (٤:١٠٣)
پهلوها ٤٥، پهلونها ۱۳۰

جُنُوبُهَا: فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا۟ مِنْهَا (۲۲:۳٦)
پَهْلُوَها ۵۳، پهلوهاء ۹٦، پهلوبها ۹۹، پهلوها ۱۱٤

جُنُوبِهِمْ: وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ (۳:۱۹۱)
پهلوها ۳، پهلو ۲٤، پهلو خفتگان ۳۹، پَهلوُ خُفته ٤۲، پَهلو ۵۵

~: فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ (۹:۳۵)
پهلوها ۱، پهلُوها ۲، پَهلُوها ۱۰، پَهْلُوها ۵۳، پهلوهاء ٦٤

~: تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ ٱلْمَضَاجِعِ (۳۲:۱٦)
پهلوهان ٤٦، پهلوهاء ۹۰، پهلوهاَ ۱۰۵

جُنُودٌ: فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِٱلْجُنُودِ (۲:۲٤۹)
سپاهها ۲، هَمه سپاه ۱۰، لشکرها ٤۱، سپاهَها ٤۲، سِپاهْهَا ۵۵، سپاهان ۵۷، سپاه ها ۸۰، سِپاهِهَا ۹٤، سپاهیها ۱۲۵

~: وَأَيَّدَهُۥ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا (۹:٤۰)
سپهها ۱، بنبانها[1] ۹۲

~: إِذْ جَآءَتْكُمْ جُنُودٌ (۳۳:۹)
سپاهها‌ء ۹۰

~: وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (٤۸:٤)
لشکرهَا ۵۱، سپَاهها ۸۱

~: وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ (۷٤:۳۱)
لشکر ٦

جُنُودًا: وَأَنزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا (۹:۲٦)
لشگرها ۱۰، لَشکر ٦۲

~: رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا (۳۳:۹)
لشکر ۷٦

جُنُودِهِۦ: بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦ (۲:۲٤۹)
سپاه ۲، سپاهها ۷٦

~: وَلَمَّا بَرَزُوا۟ لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦ (۲:۲۵۰)
لشکرها ۲۷

~: فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُۥ (۱۰:۹۰)
لَشکرهَا ۵۵، سپآهها ۱۰۵، لشگریان ۱۲۷

~: فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِۦ (۲۰:۷۸)
لشکران ۹٦، سپها ۱۰۸، لشکر ۱۱٤

~: وَحُشِرَ لِسُلَيْمَٰنَ جُنُودُهُۥ (۲۷:۱۷)
سپاها[2] ۳۰، لشکرهاء ٦۲، سپاهاها ۹۵

~: وَٱسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُۥ (۲۸:۳۹)
سپَاه ۵۳، گروه ۱۱٤

جُنُودَهُمَا: فِرْعَوْنَ وَهَٰمَٰنَ وَجُنُودَهُمَا (۲۸:٦)
لشکریان ۱۱۱

---

۱. بنبانها: شاید نگاهدارنده بنا و اساس باشد.
۲. سپاها / سپاهها.

~: وَجُنُودَهُمَا كَانُوا۟ خَاطِـِٔينَ (٢٨:٨)
گروه ـ گروهان ١١٤

وَجَنی: وَجَنَى ٱلْجَنَّتَيْنِ دَانٍ (٥٥:٥٤)
چیدن ١، باز کردن ٢ و ٩٤، چیدن میوه ٣، میوه چیدن ٢٤، میوه ٣٩، چیدَن ٤٢، میوه چیده ٦٦، چیدن میوها ٧٩، بار چیدن ٨١، میوه باز کردن ٨٧، چیدن میوه ها ١١٣

جَنِیًّا: تُسَٰقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا (١٩:٢٥)
چید تازه ٢، چیده ٣، تازه ٢٤، چیده شده ٣٦، رسیده ٤١، رسیده چیده ٤٢، بچیدن آمده ٤٤، تر ٥٣، باز کرده ٥٦، بار چیده باز کرده ٥٩، تازه چیده ٦٧، برچیده ٧٤، پاکیزه ٨٤، پخته ٩٠، از درخت باز کرده ٩٤، چیده بدست ٩٨، تازهٔ چیده ١٠٠، نوتازه ١٠٤، تر و تازه ١٠٦، ترچیده ١١٤، از بار چیده ١١٦، تَرجیده ١١٩

جِهادًا: وَجَٰهِدْهُم بِهِۦ جِهَادًا كَبِيرًا (٢٥:٥٢)
وا کوشیدن ٢٠، کارزار کردن ٣٩، باز کوشیدن ٤٧، کارزار کَرْدَن ٥٣

~: إِن كُنتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَٰدًا فِى سَبِيلِى (٦٠:١)
کوُشیدن ٢، کارزار کننده ٣٩، جوشیدن ١٠٨

جِهادٍ: وَجِهَادٍ فِى سَبِيلِهِۦ (٩:٢٤)
کارزار ٣، کارزار کردن ٥٢، کارزارِ ٥٥، کوشش ٥٦، کوشیدن ٩٤

جِهادِهِ: وَجَٰهِدُوا۟ فِى ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦ (٢٢:٧٨)
کوشش ٢، کارزار ٣، کوشیدن ٢٤

جِهارًا: ثُمَّ إِنِّى دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا (٧١:٨)
آشکارا ٢، رویاروی ٦، آشکار ٣٨، اشکارا ٤٩، آواز بلند ٨٩، خواندن بلند ١٠٠، آشکارا ـ آواز بلند ١٠٩، آشکاران ١١٠، بلند ١١٣، بآواز بلند ١١٦

بِجَهازِهِمْ: وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ (١٢:٥٩)
بار ١، بارها ٢، ساختگی ٣٦، برگ ٤٣، خواربار ٥٦، ساختن ٦١، بارهاء ٦٤، بار ٧٦، ساز ١٠٠، کار ١١١، ساز ١١٤، یکشتر بار ١٢٠، سازش ١٢٢

~: فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ (١٢:٧٠)
ساز ٣، سازبرگ ٤٢، برگ راه ٤٣، خروار بار ٤٩، سَازها ٥٧، ساخت ٧٢، ساز و برگ ١٠٣، آراستن ١١٢، ساز راه ١١٦، کارسازی ١٢٠، کارساز ١٣١، شتران ١٣٦

بِجَهالَةٍ: مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوٓءًۢا بِجَهَٰلَةٍ (٦:٥٤)
نادانی ٥٣، نادانستگی ٦١، نادَانی ٨٨، ناد آنی ٩٤، نادانستن ١٠٧

~: لِلَّذِينَ عَمِلُوا۟ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٍ (١٦:١١٩)
نادَانی ٥٥

~: أَن تُصِيبُوا۟ قَوْمًۢا بِجَهَٰلَةٍ (٤٩:٦)
نادانی ١

جَهْدَ: أَقْسَمُوا۟ بِٱللَّهِ جَهْدَ أَيْمَٰنِهِمْ (٥:٥٣)
سختر ١، کوشش ٣٦، استوارترین ٤٢، استوارترین ٨٣

~: وَأَقْسَمُوا۟ بِٱللَّهِ جَهْدَ أَيْمَٰنِهِمْ (٦:١٠٩)
سَخترین ٢، سخترین و بزرگترین ١٠، سخترین ٢٤، کوُشیدَن ٥٥، کوشیدن ٨٠

~: وَأَقْسَمُوا۟ بِٱللَّهِ جَهْدَ أَيْمَٰنِهِمْ (١٦:٣٨)
سختی ١، بزرگترین ٢٤، سخت تر ٣٠، سخْتَرْ ٥٣، سَخْت تَر ٥٥

~: وَأَقْسَمُوا۟ بِٱللَّهِ جَهْدَ أَيْمَٰنِهِمْ (٣٥:٤٢)
سخت ترین ٢، کوشیدن ٣، سختَرْ ٢٢، سخت ٣٩

جُهْدَهُمْ: وَٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ (٩:٧٩)
توانایی ٢، دشواری ٣٦، رنج تن ٣٨، رنج ٤١، کوشش ١١٤

جَهْرَ: وَمَن جَهَرَ بِهِۦ (١٣:١٠)

اشکرا کند ۱، آشکارا کند ۳، آشکارا کرد ۵، بانگ بردارید ۷ مکرر، بلند گوید ۲۴، بلند گفت ۲۹، بانگ کند ۳۸، آشگار کُند ۵۵، اوشکارا کند ۸۰، آشکارا کرد ۱۰۰، آشکارا گوید ۱۱۸، بلند کرد ۱۲۶، آشکار کند ۱۲۹

جَهْرَ: لَّا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوٓءِ (۱۴۸:۴)
آشکرای ۱، آشکارا کردن ۲، آشکارا گفتن ۱۰، آواز ورداشتن ۲۴، گشادن زبان ۳۶، آواز بُلَند بَرداشتن ۴۲، بانگ بُلند ۴۵، آواز بلند برداشتن ۵۲، بانگ بُلَند ۵۳، آواز بَرداشتن ۵۵، آشکارا کند ۵۸، آواز بلند کردن ۶٤، اشکارا ۶۹، آواز برداشتن بگفتار ۷۰، آشکارا کند آواز ۹۰، آوآز بلند ۹٤، آواز بلند داشتن ۱۲۵

~: وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ (۲۰۵:۷)
آواز بَرداشتن ۲، بانگ بلند ۱۰، آواز ۲٤، آواز بَرداشتن ۵۵، بلندی ۷۹، بلند آوازی ـ آواز برداشتن ۱۰۹، بانگ سخت ۱۱۲، بلند آشکارا ۱۲۳، آواز برداشتند ۱۲۷

~: إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ (۱۱۰:۲۱)
آواز بلَند ۲، بلند ۲۹، آواز بلند ۶۱، گفتار بلند ۹۰

~: وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ (۲:۴۹)
اشکرا کردن ۱، بُلند گفتن ۲، آواز برداشتن ۳، بلند خواندن ۱۷، بلند گفتن ۲۹، پاسخ ۳۰، بانگ زدن ۴۳، آشکار کردن ۵۲، بلند اوازی کنند ۵۳، خواندن ۵۶، آواز دادن ۶۱، بانگ ۶۵، بلند گردانیدن ۱۱٤، آشکارا خواندن ۱۱۶، آواز برآوردن ۱۲۱، بلند کردن ۱۳۰

~: إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ (۷:۸۷)
آواز بُلند ۲، برداشتن آوازها ۹۱، هویدا ۱۱۵

جَهْرًا: فَهُوَ يُنفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا (۷۵:۱۶)
اشکرا ۱، آشکارا ۵۵

جَهْرَةً: حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً (۵۵:۲)
آشکاره ۲، آشکارا ۳، آشا کارا ٤، روُیاروُی بچشم سَر ۱۰، آشگارَا ۵۵، هویدا ۱۱۵

~: فَقَالُوٓا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً (۱۵۳:۴)
آشکرا ۱، روُیاروُی ۲، آشکار ۳۱، گشاده ۳۶، روباروی ۴۲، بآشکارا ۷۵، آشکارا و هویدا ۱۰٤

~: إِنْ أَتَىٰكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً (۴۷:۶)
اشکرا ۱، روباروی ۲۷، پیدا ۲۹، اشکارا ۵۳، پَیْدا ۶۲، آشکارا ۷۶، روی با روی ۸۸، روبارو ۱۲۷

جَهْرَكُمْ: يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ (۳:۶)
اشکرای ۱، آشکارا ۲، آشکار ۳، آشگار ۵۵، آشکارآ ۹٤، آشکارای ۱۱۸

جَهَّزَهُمْ: وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ (۵۹:۱۲)
بار ساخت ۱، گسي کرد[1] ۲، بپیمود ۲٤، بساخت ۲۹، بیجارد ۴۲، بپیمود ۴۹، گسی کرد[1] ۵۲، سَاز گرْد ۵۵، راست کرد ۵۸، ساخت ۶۱، بَساخت ۷۶، گسیل کرد ۷۸، گسل کرد ۹٤، ساز دآد ۱۰۰، بساخت برگ ۱۰۲، ساز داد ۱۰٤، گسِیل گرد ۱۰۵، بداد ۱۱۳، بشناخت ۱۲۰، ساز فرمود ۱۲۶، کشید کرد ۱۲۸، فرستاد ۱۲۹، کارسازی کرد ۱۳۳

~: فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ (۷۰:۱۲)
گسي کرد[1] ۲، ساز کرد ۳، ساخته کرد ۴۲، سَاز گرد ۵۵، گسی کرد[1] ۸۳، بار کرد ۸۸، گسیل کرد ۹٤، بسپرد ۹۶، ساز دآد ۱۰۰، ساخته کرد ۱۰۳، ساز فرمود ۱۰٤، در جای کرد ۱۰۹، بیاراست ۱۱۲، بدادند ۱۱۳، روانه کرد ۱۲۹، کارسازی کرد ۱۳۱، بارگیری کرد ۱۳۶

جَهَنَّمَ: فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ (۲۰۶:۲)

---

۱. گسی کرد: گسیل کرد.

دوزخ ۱۰

~: وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ (۳:۱۲)
دوزخ ۲، دوزخ ۲۷

~: وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا (۴:۵۵)
آتش بر کرده ۵۸

~: وَٱلْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَا (۹:۶۸)
دوزخ ۶۲

~: فَٱدْخُلُوٓا۟ أَبْوَٰبَ جَهَنَّمَ (۱۶:۲۹)
دوزخ سوزان ۱۰۳

~: لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ ٱلْجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ (۳۲:۱۳)
دوزخ ۷۶

~: لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ (۳۸:۸۵)
دزخ ۲۲

~: أَلْقِيَا فِى جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ (۵۰:۲۴)
دوزخ ۶۱

جَهُولًا: إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (۳۳:۷۲)
نادان ۱، نیک نادان ۳، ناشناسنده ۳۶، سخت نادان ۴۱ ، نادانْ ، نادانا ۵۳ ، نادان در فرمان برداری ۵۸

جَوّ: مُسَخَّرَٰتٍ فِى جَوِّ ٱلسَّمَآءِ (۱۶:۷۹)
تهی ۱، گشادگی ۲، میان ۲۹، هوا ۳۰، گشادگی ۴۲، هَوا ۵۵، فراخی ۵۸، آسمان ۸۸

★ جَوِّ السَّماء: مُسَخَّرَٰتٍ فِى جَوِّ ٱلسَّمَآءِ (۱۶:۷۹)
میان آسمان ۱۱۱

جَوَاب: وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ (۷:۸۲)
پاسخ دادن ۵۵

~: فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ (۲۷:۵۶)
پاسخ ۲

~: فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ (۲۹:۲۴)
پاسخ ۲، پاسخ کننده ۴۱

ٱلْجَوَابِ: وَتَمَٰثِيلَ وَجِفَانٍ كَٱلْجَوَابِ (۳۴:۱۳)
بن کوه ۳۹، کوهها ۵۲، حَوضَها ۵۳، حوضها ۶۹

ٱلْجَوَارِ: وَمِنْ ءَايَٰتِهِ ٱلْجَوَارِ فِى ٱلْبَحْرِ كَٱلْأَعْلَٰمِ (۴۲:۳۲)
کشتیها ۱، کشتیها ۲، کشتیها ۲۲، کشتیهای رونده ۳۰، کشتیها ۳۲، کشتیها ۴۳، کشتیهاء روان ۶۴، کشتیها روان ۸۱، کشتیها رونده ۱۰۸، کشتی ها ۱۳۰، کشتیهای خورد ۱۳۹

~: وَلَهُ ٱلْجَوَارِ ٱلْمُنشَـَٔاتُ (۵۵:۲۴)
روان ۳۶، کشتیهای روان ۸۹، کشتیهاء ۹۰

~: فَلَآ أُقْسِمُ بِٱلْخُنَّسِ ٱلْجَوَارِ ٱلْكُنَّسِ (۸۱:۱۶)
روندگان ۲۹، سپس رونده وروندگان ۳۰، پس رونده ۳۶، راندگان ۳۹، با پس مانده ۵۲، رونده ۹۰، رونده خیزنده ۹۴، رفتار ۱۰۶، زود روندگان ۱۱۵

ٱلْجَوَارِحِ: وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ ٱلْجَوَارِحِ (۵:۴)
شکار کنندگان ۲، مرغان شکاری ۳ و ۵۷، شکار کنندگان ۱۰ مکرّر، شکاریان ۴۳، مرغان ۵۲، شکَردَگانْ ۵۳، مُرغان ۵۵، شکاریها ۵۶، شکاریان آموخته ۵۸، سگان شکاری ۷۶، شکارکنان ۱۲۴

★ ٱلْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ: مِّنَ ٱلْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ (۵:۴)
یَوزان و سَگان و مُرغان شکاری ۱۰، شکار کنندگان ۱۰ مکرّر، سگان شکاری ۳۰، مرغان و سگان شکاری ۴۲، مرغان و سگانِ شکاری ۹۷، سگان و مرغان شکاری ۱۱۶، سگان شکاری ۱۱۸، شکارگیرندگان بسگ ۱۳۵، شکارگیرندگان در وقتی که بسگ اشکار کنید ۱۳۵

ٱلْجُودِيِّ: وَٱسْتَوَتْ عَلَى ٱلْجُودِىِّ (۱۱:۴۴)
کوه خرد ۷۶، کوه ۱۰۳

جُوع: مِّنَ ٱلْخَوْفِ وَٱلْجُوعِ (۲: ۱۵۵)
گُرُسنگی ۲، گُرسنگی ۱۰، تنگی ۴۰، گُرُسَنگی ۵۵، گرسنگی روز ۱۰۵

~: لِبَاسَ ٱلْجُوعِ وَٱلْخَوْفِ (۱۶: ۱۱۲)
گرسه یی[1] ۱، گرسنگی ۲، گُرسَنگی ۵۵

~: وَلَا يُغْنِي مِن جُوعٍ (۸۸: ۷)
گرسنگی ۲، گشنگی ۱۰۴

جَوْفِه: لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِۦ (۳۳: ۴)
اندرُون ۲، اندرون ۳، شکم ۱۴، میان ۴۷، سینه ۵۶، درون ۶۶

ٱلْجِيَادُ: بِٱلْعَشِيِّ ٱلصَّٰفِنَٰتُ ٱلْجِيَادُ (۳۸: ۳۱)
نیک ۱، نیکو ـ دونده ۲، نیک روان ۳، نیک رو ۲۹، نیکان ۳۰، گران مایه ۳۸، دَست بر گرفته ۵۳، نیکان تازیان ۵۸، نیکو ۶۱، اسبان نیکو ۷۹، نیک دو ۸۹، نیکوان ۹۵، تیزرو ۱۰۳، اسبان ۱۰۶، نیکو ـ اسبان دونده ۱۰۸، نیک دوان ۱۱۴، ایستاده ۱۱۵، اسبان نیک دو ۱۱۶، سم از زمین برداشتند نکو ۱۱۹، تندرو ۱۲۲، رونده ۱۲۹، پردو ۱۳۰، همه تندرو ۱۳۲، نجیب ۱۳۶

جِی ءَ: وَجِاْیٓءَ بِٱلنَّبِيِّـۧنَ وَٱلشُّهَدَآءِ (۳۹: ۶۹)
آورده شند ۱، آورده شوند ۳، بیارند ۳۰، آورده باشند ۵۶، آورده شود ۶۱، آورده باشد ۸۱، بیاورند ۱۱۱، آورده شدند ۱۲۱

~: وَجِاْیٓءَ يَوْمَئِذِۭ بِجَهَنَّمَ (۸۹: ۲۳)
آرند ۲۹

جَيْبِكَ: وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ (۲۷: ۱۲)
گریوان ۱، گریبان ۲، گریبان خویش ۴۶، گریبان ۱۰۰، گریبان پیراهن ۱۰۳

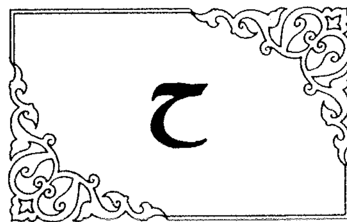
~: ٱسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ (۲۸: ۳۲)
گروبان ۲۱، باذوان ۴۷، آستین ۷۹، گریبان ۱۱۴

جِيدِهَا: فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍۭ (۱۱۱: ۵)
گردن ۲

جُیُوبِهِنَّ: وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ (۲۴: ۳۱)
گروانها ۱، گریبانها ۲، گریبانها ۳، سینها ۲۴، برهنا ۴۷، گرَیبَان ۵۳، روز جامها ۵۴، زبرجامها ۶۲، گریبانها ـ سینها ۶۷، پیراهنها ۶۹، سر و سینها ۷۶، رویهاء ۹۰، گریبان ۹۶، گریبها ۱۰۰، پیشانیها ۱۱۷، سرها ۱۳۸

---

[1] گرسه یی: گرسنگی.



حاجّ: أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِى حَآجَّ إِبْرَٰهِـۧمَ فِى رَبِّهِۦٓ (۲: ۲۵۸)
پیکار کرد ۱

حاجَةً: إِلَّا حَاجَةً فِى نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَىٰهَا (۱۲: ٦۸)
آرزو ۲، نیاز ۵۵، آرزو نیاز ۱۰۹

~: وَلِتَبْلُغُوا۟ عَلَيْهَا حَاجَةً فِى صُدُورِكُمْ (۴۰: ۸۰)
نیاز ۳، دربایست ۸۷

~: حَاجَةً مِّمَّآ أُوتُوا۟ (۵۹: ۹)
نیکی ۲، تنگی ۳۰، بایست ٤۱، کینه ۷۹

حاجَجْتُمْ: حَٰجَجْتُمْ فِيمَا لَكُم بِهِۦ عِلْمٌ (۳: ٦٦)
همال کشیدی ۲۵، پیکار کردید ۳۹، آویزگنی کردید ٤۰، پیکار گردید ٤۲، داوری می کنید ٦٤، داوری کردید ۹۰، پیکار کردند ۱۰۷، پیکار کنید ۱۲۷

حاجِزًا: وَجَعَلَ بَيْنَ ٱلْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا (۲۷: ٦۱)
بشرست[1] ۱، بازداشت ۲، بازدارنده ۳، دیوال ۲۱، میانه ۲٤، پرده ۳٦، دیوار ٤٦، بند بازدارنده ٤۷، پرده ٦۱، بازدارندهٔ ٦٤، بند ۹٤

حاجِزِينَ: فَمَا مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَٰجِزِينَ (٦۹: ٤۷)
بشرداران[2] ۱، بازدارند گان ۲، بازداشتگان ۱۹، بازدارنده ۲۹، بازداشته ۳۹، آزردگان ٦۱، بازدارنده گان ۹۵

حاجَّكَ: فَمَنْ حَآجَّكَ فِيهِ (۳: ٦۱)
پیکار کُند ۲، پیکار کند ۱۰، درآویزد ٤۰، پیکار کُند ٤۲، داوری کند ۹۰

حاجَّهُ: وَحَآجَّهُۥ قَوْمُهُۥ قَالَ أَتُحَٰٓجُّوٓنِّى فِى ٱللَّهِ (٦: ۸۰)
پیکار کرد ۱، پیکار کردند ۵۷

حاجُّوكَ: فَإِنْ حَآجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِىَ لِلَّهِ (۳: ۲۰)
پیکار کنند ۱، جنگ و پرخاش کنند ۱۰، پیکار کُنُد ٦۲، داوری کنند ٦٤، داوری کند ۹۰

حادَّ: يُوَآدُّونَ مَنْ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ (۵۸: ۲۲)
دشمن شد ۵٦، دشمنی کرده ۱۳۲

---

۱. بشرست: بازدارنده، بند.
۲. بشرداران: بازدارندگان.

حَاذِرُونَ: وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ (۲٦:۵٦)
ترسیداران ۱، آماد گان ۳، پرهیز گیرند گان ۲۰، پرهیز کننده ۲۹، ساخته‌ایم ٤٦، بزدلان کار گیرند گان ۵۸، بیداران دشمن خویش ٦۲، بیدار از دشمن ۸۸، ترسند گان ۱۰۰، هوشیاران ۱۳۵

★ إِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ: وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ (۲٦:۵٦)
ما همه ساز کرده‌ایم ۱۰۸

حَارَبَ: وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ (۹:۱۰۷)
جنگ کرد ۳، کارزار کرد ۲۹، جنگ کند ٤۱، جَنگ کَرْد ۵۵، کارزار کنند ۷٦، در جنگ بود ۱۲۲

فَحَاسَبْنَاهَا: فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا (٦۵:۸)
شمار کردیم ۲، شمار کردیم ما ۵٦، شمار کنیم ۹۲، تنگ باز گرفتیم ما ۱۱۷، ما شمار کردیم ۱۲۵، تنگ باز گرفتیم ۱۳٤

حَاسِبِينَ: أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ (٦:٦۲)
شمار کُنند گان ۲، شمار کنند گان ۳، شمار کنان ۹، شمار کننده ۲٤، شمارند گان ٤۱، شمار گیران ۵۳، شُمَار گیران ۵۵، شماره کنند گان ۷٤، شمار کنند گان ۱۰۰، شمارنده ۱۲۱

~: وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ (۲۱:٤۷)
شمار کردن ۱۲، نگاه داران ۲٤، شُمار کُنانْ ۵۳

حَاسِدٍ: وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۱۱۳:۵)
بد خُواه ۲، بد خواه ۲٤، بد خواه و بد اندیش ۱۳۹

حَاشَ: وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ (۱۲:۳۱)
جدای[1] ۱، دوُری باد ۲، پناه می گیریم ۳، پاکا ۳۰، بازداشت خواهم ٤۳، دور داراد ٤۸، دوری بادا ۵۲، فریاد خواهیم ۵۸، پاکی ٦۱، دوُر داراد ۷٦، پناه می گیرم ۸۰، واداراد ۸۵، دوری باد ۹٤، وادار آد ۱۰۰، پاک ۱۰۹، پاکست ۱۱۱، سوگند ۱۲۱، بازداشت ۱۲٤، پناه گیریم ۱۳٦

~: قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِن سُوءٍ (۱۲:۵۱)
جدای[1] ۱، زینهار ۷ مکرر، مکناد ۲٤، بر گشت ٤۲، بازداشت خواهیم ۵۲، پَناه مِی گیرَم ۵۵، بازداشت میخواهم ۵۸، دوُر داراد ۷٦، پناه می بریم ۷۹، پناه می کند ۹۱، بازداراد ۹۵، بر گشت بادا ۱۰۳، پناه میگیرم ۱۲۱، پناه میبریم ۱۳٦

★ حَاشَ لِلَّهِ: قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ (۱۲:۵۱)
خدا وادارد ٦۳

★ حَاشِرِينَ: وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (۷:۱۱۱)
گردْ کُنند گان ۲، گرد آورند گان ۵۲، گِردْ کُنَندَ گان ۵۵، گرد کنند گان ـ سرهنگان ٦۲، گرد کننده ٦۹، مردم انگیزان ۹٤، جویند گان ۱۲۱، فراهم آرند گان ۱۲۳، گرد کننده گان ۱۳٦

~: قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (۲٦:۳٦)
گرد کناران ۱، گردند گان ۲۰، کار گزارند گان ٤۱، مرما گرد کنند ٤٦، انگیزند گان ٤۷، گرد کنند گان و برانگیزند گان ۵٦، گرد کنند ۵۸، گرداینند گان ۱۱٤

~: فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (۲٦:۵۳)
گرد کنند گان ۳، انگیزنده گان ۲۰، گرد آرند گان ۳۰، برانگیزند گان ۵٦

حَاصِبًا: أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا (۱۷:٦۸)
بَاد با سَنگ ریزه ۲، بادی با سنگ ریزه ۳، بادی سخت با سنگ ۸، بَادِ با سَنْگ رِیزَه ۵۵، سَنْگ ٦۲، سنگان ٦۵، بادی سخت ۷٦، باد سنگ ریزه ۸۰، سنگها ۸۸، بادی که سنگ ریزه بود ۹۰، سنگ ریزها ۹٤، سنگبار آن ۱۰۰، بادی که سنگ

---

۱. جدای: دوُی، دوری باد.

ریزه اندازد ١١١، باد سنگبار ١١٥، بادی که سنگ باراند ١١٦، باد تند سنگ انداز ١٢٢، بادی سنگ ریزنده ١٢٤، سنگ باد ١٢٦، بار سنگ ١٢٨، درهم شکننده ١٣٥، سنگ باران کند ١٣٧

~: فَمِنْهُم مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا (٢٩:٤٠)
سنگ باران ١، سنگ ریزه ٢، سنگ ٢١، سنگ باران ٢٩، سنگ باد ٣٩، سنگ و آتش ٤١، باد با سنگ ٤٣، سنگ ریز ٤٦، باد سنگریزه ٤٧، باد با سنگریزه ٨٠، باد با سنگ ریزهٔ گرم ٨٦، بارسنگ ٨٧، باد سخت که درو سنگ ریزه بود ١١١، باد سخت که در او سنگ بود ١١٦، باد سنگ بار ١٢٢، سنگریزها ١٣٦

~: إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا (٥٤:٣٤)
آواز ٢، باد ٣، باد سنگ آمیز ٣٤، پسنگ بارانی ٣٥، باد سخت سنگ ریزه ٥١، باد سنگ ٥٦، باران سنگ ٩٢، سنگباران ١٠٠، سنگ ریز ١٠٢، سنگ باران باران سنگ ریزه ١٠٩، بادی سنگ بارنده ١١٦، سنگ بارنده ١٢٠، سنگبارنده ١٣١، سنگ ریزه ها ١٣٦

~: أَن يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا (١٧:٦٧)
سَنگ ریزه ٢، باد با سنگ ریزه ٣، سنگها ١٩، باد سخت ٢٩، سنگ باران خون کرده ٤١، بادی با سنگ ٩١، سنگریزه ٩٩، سنگ بارانی ١٠٢، باد با سنگ ریز ١١٣

حَاضِرًا: وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا (١٨:٤٩)
بجا آمده ٢، فراز آمده ٣، بجای آمده ٥٢، بهم آمده پیش دیده ٥٨، پیدا ٦١، بجای ماند ١٠٨، پیش آمده ١٢٣، پیدا آمده ١٣٩

حَاضِرَةً: إِلَّا أَن تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً (٢:٢٨٢)
دست بدست ٢، دستادست ٣، دَست بدَست ٤٢، دَستادَست ٥٥، پیدا ٦١، پدید ١٠٤، آماده ١٠٩، بجای مانده ١٣٨

~: الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ (٧:١٦٣)
نزدیک ٣، بنزدیک ١٠، کناره و نزدیک ٣٥، کرانه ٣٦، کنار ٤٥، نزدِیک ٥٥، کناره ٥٧، بهلو ٧٢، بر کنار ٧٩، در کرانه ٩٠، نزدیک و کنار ٩٢، نزدیک کناره ٩٩، نزدیک ـ کناره ١٠٩

حَاضِرِي: أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (٢:١٩٦)
باشند گان ٢، نزدیکان ٧٤، جای دارنده ٧٦، فراز آیند گان ١٠٩، بجای آمده ١٢٤، آمده ١٢٧

الْحَافِرَة: يَقُولُونَ أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ (٧٩:١٠)
سپس ٢، گور ٢٤، گورَها ٧٨، کندهاء ٩٠، حالت نخستین ١٠٤، پی ١٠٩

حَافِظًا: فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا (١٢:٦٤)
نگه داشت ١، نگاه دارند گان ٢، از روی نگاه داشتن ٣، نگه دار ٧ مکرر، نگاه دار ٢٤، نگاه دارنده ٣٨، نگاهبان ٤٩، بَنگاه دَاشتَن ٥٥، نگاه دَار ٥٧، نگاهبَان ٦١، نگهبان ٦٣، نِگاه دار ٧٦، نگاه داشتن ٩٤، نگهبانآن ١٠٠، نگه داشتن ١١١، نگهدارنده ١١٦، از روی نگاهبانی ١٢٠، نگهبانان ١٣٦

حَافِظٌ: إِن كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (٨٦:٤)
نگه وان ١، نگاه بان ٢، نگه بان ٢٤، گواه ١٠٥

حَافِظَاتٌ: قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ (٤:٣٤)
نگه داشتاران[1] ١، نگاه دارند گان ٢، نِگه دار ١٠، نگه دار ٢٤، نگاه داران ٢٩، نگاه دارنده ٣٦، نگاهبانان ٦١، نگه دارند گان ٦٣، نگاهدارند گان ٦٧، بشویان خود نگاه دارند گان ٧٢، نبي خوانان ٧٨، نگهد آرنده ١٠٠، نگهدارند گان ١٠٦،

١. نگه داشتاران: نگه دارند گان.

نگهداران ١١٤

~: ٱلْحَٰفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَٱلْحَٰفِظَٰتِ (٣٣: ٣٥)
زنان نگه داشتار[1] ١، زنان نگاه دارنده ٣، زنان نگه دارنده ٢٩، زنانی که خویشتن را نگاه دارند ٣٤، نگاه دارند گان از زنان ٥٦، زنان نگاه دارند گان ٦١، نگاه دارند گان زنان ٩٩، زنان نگه دارنده گان ١١٣

حَافِظُوا: حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ (٢: ٢٣٨)
نگه‌وان بید[2] ١، نگاه دار باشید ٢، پیوسته باشیت ٣، برایستید و نگه‌دار باشید ١٠، نگاه بان باشی ٢٤، نگاه دارید ٣٨، نگاه داریت ٤١، نگاه دار باشید ٤٢، نگاهبانی کنید ٤٩، پیوسته باشیت ٥٥، نگا دارید ٦٩، نگاه دار باشیت ٨٣، نگاه بانی کنید ٨٨، پیوسته باشیت ـ برپای داریت ٩١، نگاهدارید ٩٢، بپای میدارید ١٠٣، نگاه دارید شما ١٠٤، بپای دارید ١١٦، نگه‌دار باشید ١٢٧، نگهبانی کنید ١٣٦

حَافِظُونَ: وَٱلْحَٰفِظُونَ لِحُدُودِ ٱللَّهِ (٩: ١١٢)
نگاه دارند گان ٢، نگاه دارند گان ٥٥، نگاهدارند گان ٦١، نگه د آرند گان ١٠٠، تنگ دارند گان ١٠٦، نگه داران ١٠٧، نگاهداران ١١٤

~: وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ (١٢: ١٢)
نگاه بانان ٣، نگه‌دارنده ٢٩، نگاه داران ٥٣، نگاه دارند گان ٥٥، نگه‌بانان ٨٩، نگهداران ١١٤، نگاه بان ١٢٨

~: وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ (١٢: ٦٣)
نگاه داران باشیم ٥٢، نگاه دارنده ٥٨، نگاه‌دار ٦١، نگاه‌دار ٧٦، نگاه داریم ١٢٤

~: إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا ٱلذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ (١٥: ٩)
نگاه داران ٢، نگاه بان ٢٩، نگاه بانان ٥٣، نگاهبانان ٦١، نگاه دارنده‌ایم ٦٢، دارنده ٧١، نگهبانان ٩٣، نگهدارند گان ١٠٠

~: وَٱلَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَٰفِظُونَ (٢٣: ٥)
نگه داشتاران ١، نگه‌دارند گان ٢٤، نگاه بان باشد ٥٣، دارند گان ١٣٥

~: وَٱلَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَٰفِظُونَ (٧٠: ٢٩)
نگاه دارند ٦

حَافِظِينَ: وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَٰفِظِينَ (١٢: ٨١)
نگه داشتاران ١، یاددارند گان ٣، نگه دارند گان ٢٩، بازدارند گان ٥٥، نگاه بان ٧٦، دانایان ٩٣، نگهدارند گان ١٠٦، نگهداران ١١٦

~: وَكُنَّا لَهُمْ حَٰفِظِينَ (٢١: ٨٢)
نگاه داران ٢، نگاه دار ٣٤، نگاه بان ٥٣، نگاهداراند گان ٨٧، نگاه دارنده گان ١١٣

~: وَٱلْحَٰفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَٱلْحَٰفِظَٰتِ (٣٣: ٣٥)
مردان نگه‌داشتاران ١، نگاه دارند گان ٢، مردان نگاه دارنده ٣، نگاه دارند گان از مردان ٧، مردان که نگاه دارند ١٨، مردان نگه دارنده ٢٩، مردانی که خویش را نگاه دارند ٣٤، مردان نگاه دارند گان ٤٩، مردان نگاه‌دار ٩٠، نگاه‌دارنده گان مردان ٩٦، نگاه‌دارند گان مردان ٩٩، مردان نگهدارنده ١٠٠، مردان بازدارنده ١١١، مردان نگه دارنده گان ١١٣، نگاه‌داران از مردان ١٢٤، مردان نگاهدارنده ١٣٢

~: وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَٰفِظِينَ (٨٢: ١٠)
نگه‌وانان ١، نگاه‌بانان ٢، نگاهبانان ٤١، نگه‌بانان ٦٤، نگهبانان ١٣٨

حَافِّينَ: وَتَرَى ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ حَآفِّينَ (٣٩: ٧٥)

---

١. نگه داشتار: نگه دارنده.
٢. نگه وان بید: نگه بان باشید.

در گرفتاران ۱، گرد اندر گرفته ۲، گرد در گرد گیرند گان ۳، گرداندر آمده ۱۵، گرد درآینده ۲۹، گرد درآمدَه ۴۲، گردنند گان ۴۳، گرد درآمده ۵۲، گِرْد اَنْدَر اَمَدَه ۵۳، گرد درگیرند گان ۵۶، گرداگرد درگیرند گان ۶۱، گرد بر گرد ۶۷، درگیرند گان ۶۹، گرد درآمد گان ۷۹، درگیرند ۹۰، ایستاده ۹۴، درآیند گان ۱۰۶، گرد درآیند گان ۱۰۹، فروگرفتِگان ۱۱۱، فروگرفتگان ۱۱۵، گرد فراگرفتگان ۱۱۹، گرد بر گرد گیرند گان ۱۲۱، گرد درگرفته ۱۲۴، گرد شده ۱۲۹، گرد درگردید گان ۱۳۹

حاقَ: فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ سَخِرُواْ مِنْهُم (۶:۱۰)
فُرود آمد و اندر رسید ۲، اندر رسید ۹، فروآمد ۲۴، گرد درگرفت ۲۷، فروآمَد ۴۲، باز آمَدْ ۵۳، فرُود آمَد ۵۵، دریافت ۶۴، دررسند ۷۶، فراو آمد ۹۱، فروگرفت ۹۶، گِرد درآمد ۱۰۹، درآمد ۱۱۲، فرود آمده ۱۲۳، بیرون آمد ۱۳۶

~: وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (۸:۱۱)
فرود آید ۲، درگیرد ۲۷، گرد درآمد ۲۹، اندر رسد ۵۳، فُرُود آمَد و گرد بَر گِرْد گرفت ۵۵، درگرفت و فرود آمد ۵۶، دررسد ۵۸، فُرو آید ۶۲، برسد و درگیرد ۶۴، فرارسد ۷۹، گرد درگرفت و فرود آمد ۸۰، فراگرفته ۱۱۱، رسد ۱۱۴، فراگیرد ۱۲۲، زدست شد ۱۲۴

~: وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (۳۴:۱۶)
رسید ۴۸، فُرُود آمد ۵۵، فرا گرفت ۱۳۳

~: فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ سَخِرُواْ مِنْهُم (۴۱:۲۱)
فُرود آمد ۲، برسید ۴۱، برسد ۴۸، اندر رَسید ۵۳، فرود امد ۶۹، فرود آمدند ۱۰۳، گرد درآمد ۱۰۹

~: وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (۴۸:۳۹)
درسد ۲۴، اندر اَمَدْ ۵۳، بگرد درآید ۱۲۳

~: وَحَاقَ بِـَٔالِ فِرْعَوْنَ سُوٓءُ ٱلْعَذَابِ (۴۵:۴۰)
در گرفت ۱، فروآورد ۳۴، رسیده است ۶۴، درمیان گرفت ۱۲۰

~: وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (۸۳:۴۰)
درگرفت ۱

~: وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (۳۳:۴۵)
فروآید ۲۴، دررسید ۲۹، برَسیدْ ۵۳، فرود آید و دررسد ۶۶، رسید ۱۱۴، فراگرفت ۱۲۲

~: وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (۲۶:۴۶)
دررسیدْ ۶۱، فرارسید ۷۹، بگرد درآمد ۱۱۱، گرد فروگرفت ۱۱۶، بگرد درآمد ۱۲۳

ٱلْحَاقَّةُ: ٱلْحَآقَّةُ مَا ٱلْحَآقَّةُ (۱:۶۹)
رستاخیز ۱، رستخیز ۱۹، فرود آینده ۳۰، فروآینده ۴۹، راست خیز ۹۱، سزامند ۱۰۲

~: وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلْحَآقَّةُ (۳:۶۹)
فُرود آینده ۲

ٱلْحاكِمِينَ: وَهُوَ خَيْرُ ٱلْحَٰكِمِينَ (۸۷:۷)
دَاوَران ۲، داوری کنند گان ۸۰، داورآن ۹۴، داور ۱۲۷

~: وَٱصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ ٱللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ ٱلْحَٰكِمِينَ (۱۰۹:۱۰)
دَاوَران ۵۵، ورگذارند گان ۵۹

~: وَأَنتَ أَحْكَمُ ٱلْحَٰكِمِينَ (۴۵:۱۱)
داوران ۱، کارگزاران ۲، درستکاران ۵۹، کارگذاران ۹۶، راست داوران ۱۱۲

~: وَهُوَ خَيْرُ ٱلْحَٰكِمِينَ (۸۰:۱۲)
فرمایند گان ۵۸، فرمان دهان ۱۰۴

~: أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِأَحْكَمِ ٱلْحَٰكِمِينَ (۸:۹۵)
داد گران ۲، داورکنند گان ۲۴، داد دهند گان ۷۹، راست دارند گان ۸۷، داددهان ۱۱۳

حَالَ: وَحَالَ بَيْنَهُمَا ٱلْمَوْجُ (۴۳:۱۱)
ببشرد[۱] ۱، جُدا کرد ۲، جدایی افکند ۳، داشت ۲۴، بازداشت ۲۷، بازداشت ۴۲، بگردانید ۴۹، جدا کرد ۵۳، جُدایی افکند ۵۵، گشت ۶۱، جدا افکند ۶۲، بگشت ۶۷، بگردید ۱۰۲، فرود آمد ۱۲۱، جدایی افکنند ۱۳۶

حَام: وَلَا سَآئِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ (۱۰۳:۵)
پُشْت نگاه داشته ۲، پشت نگاه داشته ۲۶، اشتر گشن که ده شکم زاده باشد ۲۷، نگاه دارندهٔ پشت ۳۰، بشب نگاه داشته ۴۲، اشتری بود چون فرزند فرزند او بار برنهادندی نیارا یله کردندی ۴۹، از گُشتَن نِگاه دارَنده پشت خَود ۵۵، نگاه دارنده ۵۶، گشنی که ازو ده بچه گرفتندی ۵۷، اشتر نر که از پشت او ده بچه بزادی ۵۸، گشن ۶۳، اشتر نری که چون نواسه او در بار کشییدن آمدی او را آزاد کردندی ۶۴، بازدارنده ۷۶، اشتر نگاه دارنده ۷۸، شتر نگاه دارنده پشت خود ۸۰، گُشن ۸۹، چون ماده ده بچه ۹۲، گردنده ـ نگاه داشته ۹۵، آنکه نگه دارنده پشت خود باشد از بار کردن ۱۱۱، ارکش بکار دارنده ۱۱۴، شتری که از وی بچه گرفتندی ۱۲۱

ٱلْحَامِدُونَ: ٱلْعَٰبِدُونَ ٱلْحَٰمِدُونَ (۱۱۲:۹)
سپاس داری کناران ۱، ستاینگان ۲، سپاس داران ۲۹، سپاس داری کنند گان ۴۹، ستایَنْد گان ۵۵، سپاس دارند گان ۵۸، ستایَند گان ۶۲، ستایش کنند گان ۷۹، ستایش گویان ۱۰۴، سپاس گذاران ۱۲۷

فَٱلْحَامِلَات: وَٱلذَّٰرِيَٰتِ ذَرْوًا فَٱلْحَٰمِلَٰتِ وِقْرًا (۲:۵۱)
ورداشتاران[۲] ۱، بردارند گان ۳، وردارند گان ۶، ورگیرنده ۲۹، ابرهای بردارنده ۳۰، فریشتگان بردارنده ۳۹، بادهای بردارنده میغ پاره ۴۸، ابرهَاء بَرگیرندَه ۵۱، بردَارَنْده ۵۳، ابرها باران بردارنده ۶۷، بردارند گان بار ۸۱، ابرهای بردارنده باران ۱۰۴، بردارنده ۱۰۸، آبستن کنند گان ۱۱۱، ببردارند گان ۱۱۵، باربردارنده ۱۲۴، ابرها ۱۳۹

★ حَامِلَاتِ وِقْرًا: فَٱلْحَٰمِلَٰتِ وِقْرًا (۲:۵۱)
میغها که بار گران برگیرد ۳۴

بِحَامِلِينَ: وَمَا هُم بِحَٰمِلِينَ مِنْ خَطَٰيَٰهُم (۱۲:۲۹)
ورداشتاران[۳] ۱، بردارند گان ۲، بردارنده ۲۴، ورگیرند گان ۲۹، برگیرند گان ۳۴، برگیرنده ۷۶، برد آرنده ۱۰۰، گیرنده ۱۰۵

حَامِيَةً: تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً (۴:۸۸)
تَفْسان ۲، گرم ۲۴، تفسان ۳۰، تفشان ۳۴، گرم تفسیده ۴۲، گرم سوزان ۶۵، تفسیده شده ۸۰، جوشیده ۸۷، گرم کننده ۱۰۰، سوزنده ۱۰۲

~: وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا هِيَهْ نَارٌ حَامِيَةٌ (۱۱:۱۰۱)
تفسیده ۲، گرم و سوزان ۲۴، تافته ۲۹، افروخته ۳۶، سوزان ۸۷، تفسنده ۸۸، سخت گرم ۹۶، تفنده ۱۲۲

حَبّ: إِنَّ ٱللَّهَ فَالِقُ ٱلْحَبِّ وَٱلنَّوَىٰ (۹۵:۶)
دانها ۹، دانهای جو و گندم ۴۱، دانَهْ ۵۳، تخم ۱۲۳

حُبّ: يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ ٱللَّهِ (۱۶۵:۲)
دَوشت دَاشتَن ۲، دوست داشتن ۳، دوست ۵۳، دُوستی ۵۵

~: زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ ٱلشَّهَوَٰتِ مِنَ ٱلنِّسَآءِ (۱۴:۳)

---

۱. ببشرد: جدا کرد، بازداشت.
۲. ورداشتاران: بردارند گان.
۳. ورداشتاران: برگیرند گان.

دَوست داشتن ١٠

~: وَإِنَّهُۥ لِحُبِّ ٱلْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (١٠٠:٨)

دوست دارد ٢٤

حَبًّا: فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا (٦:٩٩)

دَانه ٢، دانه ١٠٩

~: لِّنُخْرِجَ بِهِۦ حَبًّا وَنَبَاتًا (٧٨:١٥)

دانه ١

حُبًّا: قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا (١٢:٣٠)

دوستی ١، دُوستی ٢، دوُستِی ٧٦

حِبَالُهُمْ: فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ (٢٠:٦٦)

رسنهاء ٩٠، ریسمانهآ ١٠٠، ریسمان ١٠٦، رسن ١٠٨، رشتها ١١٤، رسن ها ١٢٦، رسمانها ١٣٠

~: فَأَلْقَوْا۟ حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ (٢٦:٤٤)

رسنها ٢٠، ریسمانها ٤١، رشتها ٤٦، رَسَنْهَا ٥٣، ریسمآنها ١٠٠، ریسمان ها ١٠٦

حَبَّبَ: وَلَـٰكِنَّ ٱللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ ٱلْإِيمَـٰنَ (٤٩:٧)

دوست کرد ١، دوست گردانید ٢، دوست گردانیده است ٦، دوست بکرد ٢٤، دوست گرداند ٤١، دوستی گرفت ٤٣، دوست گَرْدَانَدْ ٥٣، دوست گردانید ست ٦٤، دوست دارد ٩٢، دوست گردانیده ١٣٢، دوست داشت ١٣٤

حَبَّةٍ: كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنۢبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ (٢:٢٦١)

دانه ١، دانگو ٣٠، دانها ٨٢

~: وَلَا حَبَّةٍ فِى ظُلُمَـٰتِ ٱلْأَرْضِ (٦:٥٩)

دَانه ٢، دَانَه ١٠، د آنه ٩٤

حَبِطَ: وَمَن يَكْفُرْ بِٱلْإِيمَـٰنِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُۥ (٥:٥)

توه شد[1] ١، تباه شود ٢، نیست شد ١٠، بباد شود ٢٩، تباه شد ٣١، بَبَادْ شُدْ ٥٣، ناچیز گردد ٦٩، نیست شود ١٠٩

~: وَلَوْ أَشْرَكُوا۟ لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ (٦:٨٨)

توه شدی[1] ١، نیست گردد ٢، نیست گردد و تباه گردد ١٠ مکرّر، نیست [گشت] ٢٦، ناچیز شود ٤١، نیست گَردَد ٤٢، بباد شَوَدْ ٥٣، تباه شدی ٥٧، ناچیز شدی ٦١، نابود گردد ١١١، نیست کرد ١٢٥

~: وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا۟ فِيهَا (١١:١٦)

نیشت گشت ٢، ناچیز شد ٣، بباد شد ٣٩، پایمال شود ٤٢، باد شد ٥٨، نیست گشت ٩٦، تباه گشت ١١١، هیچ شد ١١٤، نابود شود ١١٦، نابود شده ١٢٢

حَبِطَتْ: فَأُو۟لَـٰٓئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَـٰلُهُمْ (٢:٢١٧)

نیست شود ٣٩، نیست شد ٤٨، ناچیز شُدْ ٥٥، ناچیز باشد ٧٤، تباه کرد ٩٢، تبه و ناچیز شد ١٠٢، ناچیز شده است ١٢٧، تباه گردد ١٣٠

~: أُو۟لَـٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَـٰلُهُمْ (٣:٢٢)

بی بر شود ٢٥، بباد شد ٣٦، ناچیز گردند ٤١، تباه گشت ٤٢، تباه گشت ٥٢، نیست کرد ٧٢، بباد شدند ٩٢، تباه گشته ١٢٠، تباه گردید ١٣٥، بازداشته شده ١٣٦

~: حَبِطَتْ أَعْمَـٰلُهُمْ فَأَصْبَحُوا۟ خَـٰسِرِينَ (٥:٥٣)

نیشت گشتْ ٢، ناچیز شد ٣، تباه گشت و نیست گشت ١٠ مکرّر، نیست گشت ٢٧، تباه شُد ٤٥، ناچیز شدند ٦١، نیست ١٠٥، دریده شده ١٢٠، تباه شده ١٢٧

~: وَلِقَآءِ ٱلْـَٔاخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَـٰلُهُمْ (٧:١٤٧)

نیشت گَشت ٢، ناچیز بود ١٠، نیست گشت ٤٢، ناچیز گشت ٦٤، ناچیز کرد ٦٩، تباه ببود ٨٤،

---

١. توه شد/ تباه شد.

بی بهره شد ۹۱، تباه شد نیست و ناچیز گشت ۱۰۹، نابود شد ۱۱۱، بیهوده شد ۱۲۱، نابودست ۱۲۲

~: أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ (۹:۱۷)
تباه گشت ۲، تباه شد ۳۸، نابود شده است ٦٤، نیست گشته است ۹٤، نیست گشته‌اند ۱۲۷

~: أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ فِي ٱلدُّنْيَا (۹:٦۹)
تباه ۱۱، نابود است ۱۲۲

~: فَحَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ (۱۸:۱۰۵)
توه شد ۱، تباه گشت و نیست گشت ۲، تباه ـ نیست گشت ۵۲، بَباذْ شُذْ ۵۳، ناچیز شُد ۵۵، باد شد ۵۸، تباه و نیست گشت ۱۰۵، برباد شد ۱۲۹

ٱلْحُبُكِ: وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلْحُبُكِ إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ (٥۱:۷)
رهها ۱، راهها ۲، روشها ٦۱، افراشته ۷۸، آفرینش نیکو ۷۹، راهها ۱۰۰، استواری ۱۰۲، راههای ستارگان ۱۳۲

حَبْلٌ: وَٱعْتَصِمُوا۟ بِحَبْلِ ٱللَّهِ جَمِيعًا (۳:۱۰۳)
پیونّد ۲، پَیْوَند ٤۲، پیمان ۷٦

~: إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ ٱللَّهِ (۳:۱۱۲)
زینهار ٤۰، کار داشتن ۵۳، گوشه ۷۲، زنهار ۷٦

~: وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ ٱلْوَرِيدِ (٥۰:۱٦)
رَگ ۲، رگ ٦، ریسمان ۲۹، رگه ۱۱۰

~: فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍۭ (۱۱۱:٥)
رسن ۵۱، بند ۱۱٤، فالین ۱۲۹

* حَبْل ٱلْوَرِيد: مِنْ حَبْلِ ٱلْوَرِيدِ (٥۰:۱٦)
رگ جَان ۲، رگ گردن ۳، ریسمان گردن ۲۹، رگ گردن و رگ جان ۸۷

حَتْمًا: كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا (۱۹:۷۱)
کار استوار ٤۱، آوردن ٤۲، آوردنی ۵۲، سوگند ۸۸، کار ۹٤

حَتَّى: حَتَّىٰ نَرَى ٱللَّهَ جَهْرَةً (۲:٥٥)
تا اینکه ۱۳۵

~: حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (۲:۱۲۰)
تا آنکه ۲۹

~: وَلَا تَحْلِقُوا۟ رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ ٱلْهَدْىُ مَحِلَّهُۥ (۲:۱۹٦)
تا آنکه ۱۰

~: وَلَا تَنكِحُوا۟ ٱلْمُشْرِكَٰتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَّ (۲:۲۲۱)
تا آنگاه که ۲۷

~: حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلْتُمْ (۳:۱٥۲)
تا که ۲٤

~: حَتَّىٰ تَعْلَمُوا۟ مَا تَقُولُونَ (٤:٤۳)
تا آنگاه ۲٤

~: حَتَّىٰ يَخُوضُوا۟ فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِۦٓ (٤:۱٤۰)
تا آنگاه که ۲۷

~: حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوكَ يُجَٰدِلُونَكَ (٦:۲٥)
تا ۱

~: حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ (۷:۳۷)
آنگاه که ۲۷

~: حَتَّىٰ يَرَوُا۟ ٱلْعَذَابَ ٱلْأَلِيمَ (۱۰:۹۷)
آنگاه ۳٤

~: لَمْ يَذْهَبُوا۟ حَتَّىٰ يَسْتَـْٔذِنُوهُ (۲٤:٦۲)
تا کهٔ ۵۱

~: سَلَٰمٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ ٱلْفَجْرِ (۹۷:٥)
هنگام ۸۷

* حَتَّى تَتَّبِعَ: حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (۲:۱۲۰)
تا پی روی نکنی ۷٦

* حَتَّى نَرَى: حَتَّىٰ نَرَى ٱللَّهَ جَهْرَةً (۲:٥٥)
تا نه بینیم ۱۰۲

★ حَتّى يُغَيِّروا: حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا۟ مَا بِأَنفُسِهِمْ (۱۱:۱۳)
تا دیگر نکنند ۵۵، تا بگردانند ۵۷

حَثِيثًا: يُغْشِي ٱلَّيْلَ ٱلنَّهَارَ يَطْلُبُهُۥ حَثِيثًا (۵٤:۷)
زود ۱، شتاب ۲، شتابان ۳، زود بشتاب ۱۰، زود ۲۷، زود پیوسته ۳۹، بشتاب ۵۲، شتابان ۵۵، زود و بشتاب ۸۳، زود پیوسته ۹۲، بشتابد ۱۱۳، شتابنده ۱۲۳

حَجَّ: فَمَنْ حَجَّ ٱلْبَيْتَ أَوِ ٱعْتَمَرَ (۱۵۸:۲)
آهنگ کند ۲، آهنگ کند ۵۲، آهنگ کرد ٦٤، آهنگ ۱۰۷

حِجُّ: وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلْبَيْتِ (۹۷:۳)
آهنگ ۱۰۹

حِجَابًا: حِجَابًا مَّسْتُورًا (٤۵:۱۷)
بشرست[1] ۱، پرده ۵۳

~: فَٱتَّخَذَتْ مِن دُونِهِمْ حِجَابًا (۱۷:۱۹)
پرده ۲، پرده و پناه ٤٤

حِجَابٌ: وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى ٱلْأَعْرَافِ رِجَالٌ (٤٦:۷)
پرده ۳، دیوار ۱۰، باره ۳۹ و ۹۲، پرده ۵۵

~: فَسْـَٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٍ (۵۳:۳۳)
پردها ٤۳، پرده ۵۳

~: حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِٱلْحِجَابِ (۳۲:۳۸)
پردها ۳۳، کوه ۵۸، خورشید ۸۸، ناپیدا شدن ۹۸

~: وَمِنۢ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ (۵:٤۱)
بازدارنده ۵٦، پوشش ۱۱۹، پس ۱۲٦

حِجَارَةُ: ٱلَّتِي وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلْحِجَارَةُ (۲٤:۲)
سنگ گوگرد ٤، سنگهای کبریت ٤۰، سنگها ۵۵، سنگها ٦۳، سنگهاء ۹۰

~: وَإِنَّ مِنَ ٱلْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ ٱلْأَنْهَٰرُ (۷٤:۲)
سنگها ۵۵، سنگها ۹٤، سنگ ها ۱۲۳

~: فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ ٱلسَّمَآءِ (۳۲:۸)
سنگها ۵۵، سنگ هاء ۹۰

~: حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنضُودٍ (۸۲:۱۱)
سنگ ۲، سنگهای بزرگ ٤۸، سنگها ۷٦، سنگباران ۱۰۰، سنگ ریزه ۱۳٦

~: وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ (۷٤:۱۵)
سنگ و گل ۵۳

~: قُلْ كُونُوا۟ حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا (۵۰:۱۷)
سنگ ۱، سنگ ۵۳

~: لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ (۳۳:۵۱)
سنگها ۲، سنگپاره ۱۳۱

~: وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلْحِجَارَةُ (٦:٦٦)
سنگهای گوگرد ۸۹، سنگ کبریت ۱۰۹، سنگریزها ۱۳٦

حُجَّةٌ: لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ (۱۵۰:۲)
پوزش ۳۰، درستی ٤۲، پوزش ۵۵، هویدا ٦۱، بهانه ٦٤، درست ۱۰۷

~: لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةٌ (۱٦۵:٤)
سخن درست ۳، دست آویز و بهانه ۵۸

~: قُلْ فَلِلَّهِ ٱلْحُجَّةُ ٱلْبَٰلِغَةُ (۱٤۹:٦)
درستی ۲۷، سخن دل پذیر ۳۰، سخن درست ۵۵

~: وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ (۱۵:٤۲)
پیکار ۲، پوزش ۳

حُجَّتُنَا: تِلْكَ حُجَّتُنَآ ءَاتَيْنَٰهَآ إِبْرَٰهِيمَ (۸۳:٦)

۱. بشرست: پرده، حجاب.

درُشتی ۲، دوستی ۲۹، سَخُن دُرست ۵۵، درُستی ۸۸، درستی ۱۰۵

حُجَّتَهُمْ: مَّاكَانَ حُجَّتَهُمْ (۲۵:۴۵)
پوُزش ۳۲

حِجَجٍ: عَلَىٰٓ أَن تَأْجُرَنِى ثَمَٰنِىَ حِجَجٍ (۲۷:۲۸)
سال ۱

ٱلْحَجَرَ: فَقُلْنَا ٱضْرِب بِّعَصَاكَ ٱلْحَجَرَ (۶۰:۲)
سنگ ۲، سَنگ ۵۳، سَنْگ ۵۵

~: أَنِ ٱضْرِب بِّعَصَاكَ ٱلْحَجَرَ (۱۶۰:۷)
سنگ ۱

حِجْرٌ: وَقَالُوا۟ هَٰذِهِۦٓ أَنْعَٰمٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ (۱۳۸:۶)
بازدأشته ۲۷، بازدأشته ۴۲، ناروا ۵۸، بازداشته شده ۹۹، بسته کرده ۱۰۲، بازداشته شد ۱۲۷

~: وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَٰبُ ٱلْحِجْرِ ٱلْمُرْسَلِينَ (۸۰:۱۵)
سرایها «ثمود» ۲۹، کوه ۹۰، شبانگاه ۱۰۲

~: هَلْ فِى ذَٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِى حِجْرٍ (۵:۸۹)
خرد ۱، خردها ۸۸، خردمندی ۹۲، پسندیده ۱۳۰، اندازه ۱۳۹

حِجْرًا: وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا (۲۲:۲۵)
بازداشته بادا ۲، ناشایسته ۳، بسته ۲۰، ناشایسته بازداشته ۸۰

~: وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا (۵۳:۲۵)
بشرست[1] ۱، بازداشته ۲، پرده ۳، بند ۲۴، وادارنده ۲۹، دیوار ۴۶، بازداشتن ۴۹، بازداشت ۵۳، پوشش ۶۴

ٱلْحُجُرَاتِ: يُنَادُونَكَ مِن وَرَآءِ ٱلْحُجُرَٰتِ (۴:۴۹)
پردها (یعنی) خانها و سرایها نهان ۳، پَردها ۳۰، پرده ها ۴۳، پردها ۸۹، سرایها ۹۱، خانهای خُرد ۱۰۹، خانها ۱۱۳

حُجُورِكُمْ: فِى حُجُورِكُم مِّن نِّسَآئِكُمُ (۲۳:۴)
کنارها ۱، خانها ۱۰، خانه ۲۹، کنار ۳۶، کنارَهَا ۵۵، کنارهاء ۶۵، در کنار ۷۶، کناره ها ۱۰۴، دامنها ۱۱۱، پرورش یافته اندر دامنها ۱۲۲

حَدَائِقَ: فَأَنۢبَتْنَا بِهِۦ حَدَآئِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ (۶۰:۲۷)
بوُستانها ۲، بستانها ۲۹، باغها ۳۶، بوستانها در هم بافته از انبوهی ۶۵، بوستان و باغها ۷۶، بوستانهای دیوار بست ۸۰، بوستانها دیوار پست ۹۱، باغهاْ ۱۰۰، باغهای پر درخت ۱۱۶، خرما بنان ۱۱۷، چشمها ۱۳۰، خرما بنانها ۱۳۴

~: إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا حَدَآئِقَ وَأَعْنَٰبًا (۳۲:۷۸)
بوستانها ۱، بوستانها پر درخت ۲۴، درختستانها ۲۹، خرماستانها ۴۲، بوستانهای دیوار درکشیده ۸۰، خرما استانها ۸۹، بوستآنها ۱۰۰، رستن جای خرما استان ۱۳۴

~: وَحَدَآئِقَ غُلْبًا وَفَٰكِهَةً وَأَبًّا (۳۰:۸۰)
بوستانهاء ۹۰، خرما آستانها ۱۳۸

حِدَادٍ: سَلَقُوكُم بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ (۱۹:۳۳)
تیز ۱، تیزها ۱۰۹

حَدَبٍ: وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٍ يَنسِلُونَ (۹۶:۲۱)
بالا ۱، بالایی ۲، گوشه ۱۲، بلندی ۲۴، پشته ۲۹، پشته و تل ۶۷، بالای ۸۰، گروه ۸۸، بُلندی ۹۵، سربالائی ۱۰۰، بالای و پشته ۱۰۹، جای بلند ۱۲۲

فَحَدِّثْ: وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (۱۱:۹۳)
سخن گو ۲، سخن گوی ۳۴، باز گوی ۴۸، بسخن باز گوی ۷۹، سخن باز گو ۱۱۳، سخُن کُن ۱۲۴، خبر ده ۱۳۶، بیازمای ۱۳۹

---

۱. بشرست: پرده، حجاب.

حُدُودَ: تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا (٢:١٨٧)
بازداشتها ٢، راهها ١٠٧، اندازه ها ١٠٩

~: تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا (٢:٢٢٩)
فرمانها ٤١، اَندازها ٥٥، پیدا کردها ١٠٢، اندازه ١١٩

~: وَتِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (٢:٢٣٠)
فرمان ٢٩

~: تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ (٤:١٣)
بازداشتها ٢، فرمانها ١٠٩

~: أَلَّا يَعْلَمُوا۟ حُدُودَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ (٩:٩٧)
اندازها ٣

~: وَٱلْحَٰفِظُونَ لِحُدُودِ ٱللَّهِ (٩:١١٢)
اَندازها ٥٥

★ حُدُودِ ٱللَّهِ: وَٱلْحَٰفِظُونَ لِحُدُودِ ٱللَّهِ (٩:١١٢)
فرمانهاء خدای ٣

حَدِيثٌ: إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا۟ بِهَٰذَا ٱلْحَدِيثِ أَسَفًا (١٨:٦)
سخنٌ ٢، سخونان ٩٨

~: فَٱنتَشِرُوا۟ وَلَا مُسْتَـْٔنِسِينَ لِحَدِيثٍ (٣٣:٥٣)
سخون گفتن ٣٩، سخن گفتن ٤١، سخن دراز ٥٦، سخن کردن ٨٧، گفتگو ١١٥

~: ٱللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ ٱلْحَدِيثِ (٣٩:٢٣)
سخنان ٢٢، سخون ٣٣، سخنها ١٣٠

~: فَبِأَيِّ حَدِيثٍۭ بَعْدَ ٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ يُؤْمِنُونَ (٤٥:٦)
سخُنْ ٣٢

~: هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَٰهِيمَ ٱلْمُكْرَمِينَ (٥١:٢٤)
داستان ٩٠

~: فَذَرْنِى وَمَن يُكَذِّبُ بِهَٰذَا ٱلْحَدِيثِ (٦٨:٤٤)
سخُن ٢

~: هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ (٧٩:١٥)
سخن ٢

حَدِيثًا: وَلَا يَكْتُمُونَ ٱللَّهَ حَدِيثًا (٤:٤٢)
گفتن ٤٠، سَخن ٥٥

~: وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ ٱللَّهِ حَدِيثًا (٤:٨٧)
بگفتن ٢٧، گفتار ٢٩، گفت ٣٩، سخن و گفتار ٥٦، گفتن سخن ٥٨

~: مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ (١٢:١١١)
سَخُن ٥٥

حَدِيدَ: ءَاتُونِى زُبَرَ ٱلْحَدِيدِ (١٨:٩٦)
آهَنْ ٥٣

~: وَلَهُم مَّقَٰمِعُ مِنْ حَدِيدٍ (٢٢:٢١)
آتش ٣٤، آهنين ١٠٣، آهن آتش ١٠٥، آتش آتشين ١٠٨

~: وَأَلَنَّا لَهُ ٱلْحَدِيدَ (٣٤:١٠)
آهن ١

~: فَكَشَفْنَا عَنكَ غِطَآءَكَ فَبَصَرُكَ ٱلْيَوْمَ حَدِيدٌ (٥٠:٢٢)
تیز ١، روشن ٥٢، تیزتر ٦١، تیزبین ٧٩، تیز بود ١٣٨

حَدِيدًا: قُلْ كُونُوا۟ حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا (١٧:٥٠)
آهَن ٥٥

حَذَرَ: مِّنَ ٱلصَّوَٰعِقِ حَذَرَ ٱلْمَوْتِ (٢:١٩)
بیم ٢، ترسْ ٥٥، پرهیز ١٠٢، بیم مرگ ١١٢، ترسیدن ١٢٩

~: وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ ٱلْمَوْتِ (٢:٢٤٣)
ترس ١، بیم ٤٢، گریختن ٥٧، گریختند ٦١، پرهیزیدن ٩٠، برهیز کردند ٩٨

حِذْرَكُمْ: خُذُوا۟ حِذْرَكُمْ (٤:٧١)
سازش ٢، ساز جنگ ٣، پرهیزیدن ٢٧، ساز ٤٢، سَاز جَنگ ٥٥، برهیز ٥٦، اندیشهٔ کار ٥٨، سپرها

٦١، بیم ٧٥

حِذْرَهُمْ: وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ (٤:١٠٢)
ساز ٢، پرهیز ٣، پرهیزیدن ٢٧، ساز ٤٢، پرهیز ٥٣، پَرهیز ٥٥، نگاه داشت ٥٨، سازها ٨٢، ترس ١٠٣، نگاه داشتن ١١١، راه گریز ١٢١، نگاهداشت ١٢٣، زین افزارها ١٢٧، پاس ١٣٥

اَلْحَرِّ: وَقَالُوا لَا تَنفِرُوا فِي الْحَرِّ (٩:٨١)
گرمی ١، گرما ٣، گرمَا ٥٣، گرمَا ٥٥، گرماه ٥٧، تبش ٧٩

~: وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ (١٦:٨١)
گرمی ١، گرما ٣٤، گرمَا ٥٥

اَلْحُرُّ: الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ (٢:١٧٨)
آزادَ ٢، آزاد ٤٢، آزادْ ٥٥، آزاد مـرد ١١٤، آزادی ١١٦

حَرَامًا: فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا (١٠:٥٩)
ناشایسته ٣، ناشَایِسْته ٥٥

حَرَامٌ: فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (٢:١٤٤)
شکوهمند ٤٨

~: فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (٢:١٥٠)
شکوه مند ٢٤

~: وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (٨:٣٤)
باشکوه ١٢٠

~: هَٰذَا حَلَالٌ وَهَٰذَا حَرَامٌ (١٦:١١٦)
ناشَایِسْته ٥٥، بازداشته ١٠٩

~: وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا (٢١:٩٥)
بازداشتن ٩٥، بازداشت ١٢٨

~: يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (٢٢:٢٥)
شکهمند ٨٨

حَرْبٌ: فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ (٢:٢٧٩)
کارزار ٢، جَنگ ٤٢، پیکار و جنگ ١٠٤

~: كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ (٥:٦٤)
جنگ ٢، جنگ ٧٠، کارزار ٩٤

~: فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ (٨:٥٧)
کارزار ٢، جَنگ ٥٥، جنگ کردن ٥٦، کارزآر ٩٤

~: فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا (٤٧:٤)
جنگ ٣

حَرْثٌ: لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ (٢:٧١)
کشتْ ٢، کشتْ و برز ١٠، کِشت ٥٥، زمین ٨٢

~: وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ (٢:٢٠٥)
کشت ٣، خرمن ٢٤

~: وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ (٣:١٤)
کِشتْ ٢، کشت زار ٣، کشتُ بَرز ١٠، کشاورزی ٢٥، کشت و بَرْز ٢٧، کِشت زار ٢٨، کشت زاران ٣٨، کشت کردن ٥٦، کشت و ورز ٥٧، کشتهاء کـاشـتـه ٩٠، کـشـتـاورزی ١٢٦، کـشـتـه‌زار ١٣٨

~: فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ (٣:١١٧)
کشته ١، کِشت ٢، کشت‌ورز ٦٧، کشت ١١٩

~: وَقَالُوا هَٰذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ (٦:١٣٨)
کشت و برز ١٠، کشت ٢٤، کشتن ١٢٧

~: دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ (٢١:٧٨)
کشت ٢

حَرْثَكُمْ: نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ (٢:٢٢٣)
کشتْ زار ٢، کشت زار ٣، کشت زأر ٤٢، کشتزار ٤٨، کِشت زار ٥٥، کشت زآر ١٠٠، کشته زار ١١٢

~: أَنِ اغْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ صَارِمِينَ (٦٨:٢٢)
کشته ١، کِشت ٢، کشتها ١٠٠، درویدن کشت ١٢٠

حَرْثِهِ: نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ (٤٢:٢٠)

کشته ۱، کِشت ۲، کشت ۱۶، کشت ۲۲، کشت ۳۲، کشت زار ۳۹، کشاورزی ۹۲، کشت زآر ۱۰۰

حَرَجًا: ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا (٤: ٦٥)
تنگی ۱، تنگ ۳۶، سختی ۴۱، تنگی ۵۵، تنگی و گرانی ۱۱۶، رنج ۱۲۱، دلتنگی ۱۲۷، ناخشنودی ۱۳۵

~: أَن يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا (٦: ١٢٥)
تنگ ۱، یک لخت ۱۰، سخت تنگ فراز آمده ۱۰ مکرّر، سخت ۲۹، نیک تنگ ۳۰، تنگ تنگ ۳۹، اندوهگین ۴۱، فراهم آمده ۴۲، سخت تنگ ۴۴، فراهم آمده ۵۲، نیک تنگ ۵۵، گناه ۷۶، فراز رفته ۸۲، دشخوار فراز آمده ۸۸، گرفته ۱۰۲، فراز گرفته ۱۲۴، دشواری ۱۳۰، تاریک ۱۳۶

حَرَجٌ: لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ (٥: ٦)
تنگی و دشخواری ۱۰، تنگی و دشواری ۵۸، گران ۱۰۹

~: لَا يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ (٩: ٩١)
نیکی ۳، بزه‌مندی ۳۴، سختی ۴۱، تنگ و بزه ۹۸، تنگی ۱۱۴، رنج ۱۲۱

~: وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ (٢٢: ٧٨)
دشخواری ۲۴، سختی و تنگی ۴۱، تنگ ۴۳، تنگی و بند ۱۰۲، تنگی، دشواری، گرانی ۱۰۳

~: لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ (٢٤: ٦١)
تنگی ۱، تنگ و بندی ۶۴، تنگی بزه ۹۲

~: لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ (٣٣: ٣٧)
تنگی و بزه ۴۷، بزه و تنگی ۸۶، بزه ـ گناه ۱۲۰

~: مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ (٣٣: ٣٨)
تنگی ۲

~: لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ (٣٣: ٥٠)
بزه تنگی ۷

~: لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ (٤٨: ١٧)
تنگی، بزه ۲، گناه، گرفت ۱۱۱

حَرْدٍ: وَغَدَوْا عَلَىٰ حَرْدٍ قَادِرِينَ (٦٨: ٢٥)
آهنگ ۳، کینه و خشم ۲۹، آهنگ کردن ۵۶، پاسنگ ۱۲۰، بیچارگان ۱۲۲

حَرَسًا: فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا (٧٢: ٨)
پاس وانان[1] ۱، نگاه بانان ۲، پاسوان[2] ۶، پاسبانان ۱۹، نگاه بان ۳۹، پاسبان ۴۱، نگاه بانان ۴۲، نگاهبانان ۸۷، نگاهبان ۹۲، پاسبانان ۹۶، نگه داران ۱۰۴، نگهبانان ۱۲۲

حَرَصْتَ: وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ (١٢: ١٠٣)
آزنمایی ۳، آزنَمائی ۵۵، آرزوبری ۱۰۹، خواهش بسیار داشته باشی ۱۲۲

حَرَصْتُمْ: وَلَوْ حَرَصْتُمْ (٤: ١٢٩)
آزنماییت ۳، سخت بگوشید ۱۰، بکوشیت ۳۰، آزنُمائیت ۵۵، آرزو کنید ۵۸، آزنمایید ۱۱۴

حَرِّضِ: لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ (٤: ٨٤)
براُوزَول[3] ۱۰، بینگیزید ۳۹، بفرمای ۴۱، بَرانگیز ۴۲، بَرآنگیز ۵۵، برآغالان[4] ۵۶، برغلان[4] ۶۱، بغژول[5] ۸۴، بغرول ۱۰۷، بگیر ۱۱۲، درغلان[4] ۱۳۳

---

۱. پاس وانان / پاسبانان.
۲. پاسوان / پاسبان.
۳. براُوزَول: برانگیز.
۴. آغالیدن: انگیختن.
۵. بغژولیدن: برانگیختن.

~: حَرِّضِ ٱلْمُؤْمِنِينَ عَلَى ٱلْقِتَالِ (٨: ٦٥)
ورانگیز[1] ٢، برانگیز ٣، بروزول[2] ١٠، بینگیز ١١، برانگیز و گرم کن ٣٠، برافزول[3] ٣٤، بیدار و بفرمای ٤١، برآغال[4] ٥٦، برنگیز ٥٧، بیفزول[3] ٦٢، گرم کن ٧٦، برنگیز و گرم کن ٨٠، برانگیزان ١٠٢، گرمساز ١٣١، گرم ساز ١٣٣

حَرَضاً: حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا (١٢: ٨٥)
توه جوف[5] ١، بیمار گران ٢، ناتوان ٥، تنگ دل ٢٨، بگداخته ٢٩، گداخته ٣٠، از کار بشده ٣٩، بیمار ٤٢، نزار ٤٣، بیماری گران ٥٢، اندوه خورده ٥٣، بی دانش ٥٧، فرتوت ٥٨، بیمارزار ٦٤، لاغر ٧٢، عقل گم شُدَه ٧٦، پیر ٩٣، گداخته و از کار شده ١٠٢، بیمار گران، از کار شده نزار ١٠٩، گداخته از اندوه ١٢٢، اندوهگن ١٢٤

حَرْفٍ: وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَعْبُدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ (٢٢: ١١)
گمامندی[6] ١، کناره ٢، گمان ٣، یک گونه ١٢، آزمایش ٢٤، گردش ٤١، گوشه ٤٨، روی و جای ٥٨، کرانه ٦١، کنار ٦٢، گوشهٔ ٦٤، روی ٧٤، سنگ ٧٨، بر کنارهٔ ایستاده ١١١

حَرِّقُوهُ: قَالُوا۟ حَرِّقُوهُ وَٱنصُرُوٓا۟ ءَالِهَتَكُمْ (٢١: ٦٨)
بسوزید ١، بسوزیت ٣٠، بآتش بسوزید ٦٤

~: إِلَّآ أَن قَالُوا۟ ٱقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ (٢٩: ٢٤)
بُسُوزی ٢، سوزیت ٣، بسوزند ٢١، بسوزانید ٢٤، بسوزانیت ٣٠

حَرَّمَ: إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ ٱلْمَيْتَةَ وَٱلدَّمَ (٢: ١٧٣)
ناشایِسْت کرد ٥٥

~: وَأَحَلَّ ٱللَّهُ ٱلْبَيْعَ وَحَرَّمَ ٱلرِّبَوٰا۟ (٢: ٢٧٥)
ناشایسته کرد ٣، ناشایِسْتَه گرد ٥٥، بسته کرد ١٠٩

~: وَقَدْ فَصَّلَ لَكُم مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ (٦: ١١٩)
ناشایسته کرده شد ٩١، بسته کرده شد ١٠٩

~: قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ ٱللَّهِ (٧: ٣٢)
باداشت ٩٤

حُرِّمَ: لِأُحِلَّ لَكُم بَعْضَ ٱلَّذِى حُرِّمَ عَلَيْكُمْ (٣: ٥٠)
ناشایسته گردانید ٥٥، باز بسته شد ١٠٩

~: وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ ٱلْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا (٥: ٩٦)
ناشایسته کرده شد ٣، بسته شد ١٠٩

~: وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ (٢٤: ٣)
ناشایست کرده شد ٨٠

حَرَمًا: أَوَلَمْ نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا (٢٨: ٥٧)
شهر شکهمند ٤٧

حُرُمٌ: مِنْهَآ أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ (٩: ٣٦)
شکوهمند ٩٤، شکوهمندان ١٠٩

حُرُمَاتٌ: وَٱلْحُرُمَٰتُ قِصَاصٌ (٢: ١٩٤)
ناشایستها ٣، بازداشتها ٧٤

~: وَمَن يُعَظِّمْ حُرُمَٰتِ ٱللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُۥ (٢٢: ٣٠)
بازد آشتها ٩٤

حُرِّمَتْ: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَٰتُكُمْ (٤: ٢٣)
ناشایسته گردانید ٣٠، ناروا کرد ٥٨، ناروا کرده

---

١. ورانگیز / برانگیز.
٢. براُوزَول: برانگیز.
٣. افزولیدن: برانگیختن.
٤. آغالیدن: انگیختن.
٥. توه جوف: تباه شده و بگداخته.
٦. گمامندی / گمان مندی.

شد ٧٤، ناشایست کرده شد ٨٠، باز بسته شد ١٠٩، ناشایسته کرده‌اند ١١٤

~: وَأَنْعَٰمٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا (٦:١٣٨)

بازداشته شد ٢٧

حَرَّمْنَا: حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَٰتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ (٤:١٦٠)

ناشایسته کردیم ٣

~: وَلَا حَرَّمْنَا مِن دُونِهِۦ مِن شَيْءٍ (١٦:٣٥)

ناشایسته کردمانی ١١٤

~: وَعَلَى ٱلَّذِينَ هَادُوا۟ حَرَّمْنَا (١٦:١١٨)

ناشایسته کردیم ٥٥

~: وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ ٱلْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ (٢٨:١٢)

بازداشتیم ٣٦، بسته کردیم ٤٧

حَرَّمَهَا: ٱلَّذِى حَرَّمَهَا (٢٧:٩١)

بازداشت ٤٢، شکوهمند کرد ٤٧، فراکرد ١١٣

ٱلْحَرُورُ: وَلَا ٱلظِّلُّ وَلَا ٱلْحَرُورُ (٣٥:٢١)

آفتاب ١، گرما ٢، باد گرم کشنده ٣، آفتاب گاه ١٨، باد گرم ٢٩، گرماء سخت ٤٩، گرمی ٥٣، گرما ـ دوزخ ٥٦، گرما گرم ٧٢، تبش ٧٩، آفتابگاه ٨٨، تفت باد ١٠٩، تبش آتش ١١٣، گرمی آفتاب ١٢٤، گرماء دوزخ ١٢٥، گرمای ١٢٦، گرم ١٣٢، گرمی دوزخ ١٣٦، دوزخ گرم گرم ١٣٩

حَرِيرًا: وَجَزَىٰهُم بِمَا صَبَرُوا۟ جَنَّةً وَحَرِيرًا (٧٦:١٢)

پرنیان ٢، جامه ابریشمین ٥٦، دیبای تنک ٧٩، جامه پرنیا ٩٢، درینان ١٠٨، دیبهای نیک ١١٣، جامه نرم ١١٤، جامهٔ ابریشم ١١٦، جامه ابریشم ١٢٠، جامهٔ نرم ١٢١

حَرِيرٌ: وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (٢٢:٢٣)

دیبا نرم ٢، دیبا ٣٠، دیباء تنک ٥٢، جامهٔ ابریشمین ٨٦، دیباء نیک ٩٦، دیبای نیک ١٠٥، دیبای نرم ١٠٨، دیبا نیک ١٢٥

~: وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (٣٥:٣٣)

دیبا نرم ٢، ابریشمین ٣٠، ابریشم ٣٦، افریشم ٥٦، ابریشمینه ٨٦، جامه پرنیان ٨٧، دیبهای تنک ١١٣، جامه ابرشمین ١٢٥

حَرِيصٌ: عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم (٩:١٢٨)

نیک خواهان ٣، نیک خواهان ٥٥، با آز ٥٦، آزور ٩١، آرزومند ١٠٢، آز آور ١٠٩، نیکخواه ١١٤

ٱلْحَرِيقِ: وَنَقُولُ ذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ (٣:١٨١)

سوزان ١، آتش سوزان ٢، آتش سوزان ٣، سوزان و سخت ١٠، سوزان ٤٠، سوختن ٤١، سوزان ٤٢، سوزنده ١٠٩، بسیار سوزنده ١٣٦

~: وَذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ (٨:٥٠)

سخت و سوزان ١٠، آتش سوزان ٥٥، سخت سوزان ٦٥، سوز آن ٩٤

~: وَنُذِيقُهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ (٢٢:٩)

سوزنده ٢٤، گرم سوزان ١١٤، دوزخ ١٣٦

~: وَذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ (٢٢:٢٢)

سوزناک ٥٤

~: فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ ٱلْحَرِيقِ (٨٥:١٠)

سوختن ٢، اتش سوزان ٥٣، آتش سوزنده ١٢٣

حِزْبَ: فَإِنَّ حِزْبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلْغَٰلِبُونَ (٥:٥٦)

گره ١، لشکر ٣، سپاه ٤٥

~: كُلُّ حِزْبٍۭ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (٢٣:٥٣)

گروه ٢

~: إِنَّ حِزْبَ ٱلشَّيْطَٰنِ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ (٥٨:١٩)

گروه ٢، سپاه ٣، گروهه ٧٩، سپاه ٨١، یار و گروه ٩٥، گروه ـ لشکر ١٠٩

حِزْبَهُ: إِنَّمَا يَدْعُوا۟ حِزْبَهُۥ (٣٥:٦)

گره ۱، گروه ۳، سپاه ۲۴، لشکر ۵۸، یاران ۹۶

اَلْحِزْبَيْنِ: لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ (۱۲:۱۸)
دو گره ۱، دو گروه ۲، گروه ۲۴

اَلْحَزَنَ: الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ (۳۴:۳۵)
تیمار ۲۲

اَلْحُزْنِ: وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ (۸۴:۱۲)
انده ۱، اندوه ۳، اَنْدُوه ۵۵، اندوه و گریستن ۵۸، اَنْدُوه ۷۶

حَزَناً: تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَناً (۹۲:۹)
انده ۱، اندوه ۳، اَنده ۲۷، اندُوه ۶۲، اندوهگین ۹۲، اندوه کنان ۱۲۴، غم ۱۳۵

حُزْنِي: إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ (۸۶:۱۲)
انْدُه ۲، انْدُوه ۵۷، دل تنگی ۶۵، اندوه، غم گذاری ۱۰۹

حِسابِ: وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۲۰۲:۲)
شمار ۲، شُمار ۵۵

~: وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲۱۲:۲)
شمار و اندازه ۶۳

~: فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۹:۳)
شمار کننده ۱۱۹

~: وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲۷:۳)
اندازه و شمار ۱۰

~: إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۷:۳)
شمارُ و اندازه ۱۰

~: وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۴:۵)
شمارنده ۱۰

~: لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ (۵:۱۰)
شمردن ۳، شمارها ۲۴، شُمُردن ۵۵

~: أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ (۱۸:۱۳)
شُمار ۵۵

~: وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (۲۱:۱۳)
شماره ۲

~: فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ (۴۰:۱۳)
شمار کردن ۵

~: وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۴۱:۱۳)
شمار ۱۰۰

~: وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ (۱۲:۱۷)
شُمُردن ۵۵، سالها ۱۲۸

~: رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ (۱۶:۳۸)
شمار ۲۲

~: أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۹:۳۸)
بازخواست شمار ۴۱

~: إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۱۰:۳۹)
اندازه ۳۹

~: يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ (۴۰:۴۰)
شماره ۱۰۴

★ بِغَيْرِ حِسَابٍ: وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲۱۲:۲)
بی شمار و بی اندازه ۱۰، بی شمار، بی اندازه ۳۶

~: وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲۷:۳)
بی شمار ۳، بسیار بی شمار و اندازه ۵۸

~: إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۷:۳)
بی شمار و اندازه ۲۵

حِساباً: فَحَاسَبْنَاهَا حِسَاباً شَدِيداً (۸:۶۵)
تنگ بازگرفتن ۱۱۷، بازگرفتن ۱۳۴

~: جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَاباً (۳۶:۷۸)
فراوان ۱، بَسنده - بسیار ۲، شمار کرده ۳۸،

شمرده ٣٩، بسنده کار ٤٣، بسنده بسیار ٥٦، بسنده ٦٥، بسزا ١٠٢، پسنده بسیار ١٠٨، پسنده ١٠٩، پسندیده ١١٤، بسیار ١٣٩

~: فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (٨٤:٨)
شمار ٢، شمار کردن ٢٤

حِسَابِكَ: وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَيْءٍ (٦:٥٢)
شِمار ٢، شمار ٩

حِسَابَهُ: وَوَجَدَ اللَّهَ عِندَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ (٢٤:٣٩)
شمار ٢، پاداش ٤٧، پاداشت شمار ١٠٩، شُمار ١١٩، پاداشت ١٣٨

حِسَابِهِمْ: مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ (٦:٥٢)
شمار کار ٤١، شُمار ٥٥، شمار ١١٤، کردار ١٢٢

~: اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ (٢١:١)
شمارگاه ١٢، شمار کردن ٥٦، ساز کردن ٦٥

~: إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ (٢٦:١١٣)
پاداش ٦٤

~: ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُم (٨٨:٢٦)
پُرسش ١٣٢

حِسَابِيَهْ: إِنِّي ظَنَنتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهْ (٦٩:٢٠)
شمار ٣، شمارگاه ١٩

حِسَانٌ: فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ (٥٥:٧٠)
نیکوا ١، نیکو ٢، خوب رویان ٣، نیکو رویان ٣٠، نیکو دیدار ٣٤، نیکو روی ٦١، نیکویان ٨١، گزیده ی نیکو ٨٨، نیکو رویان نیکویان ٩١، نیکوان ٩٦، برگزیده ١٢٣، پرهیزکار ١٣٦، گزیده نیکو ١٣٩

~: مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ (٥٥:٧٦)
نیکوها ٣، نیک ٣٠، خوب ١٠٠، پاکیزه ١٢٢، بسیار خوب ١٣٦، نیکوئیها ١٣٩

حَسِبَ: أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا (١٨:١٠٢)
گمان بردند ١٠٣

~: أَحَسِبَ النَّاسُ أَن يُتْرَكُوا (٢٩:٢)
پینداشتند[1] ١، پنداشتند ٣، همی پندارند ٣٠، گمان بردند ٥٦

~: أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ (٤٥:٢١)
گمان بردند ٣٠، پندارند ٣٩، همی گمان برند ١٠٨، می پنداشتند ١٣٨

~: أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ (٤٧:٢٩)
می پندارند ٦، پندارَند ٢٢، پنداری ١٠٨

حُسْبَانًا: وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا (٦:٩٦)
شمار ٢، شمارَ[ه] ١٠، بشمار ٤١، شمار کردَن ٥٣، شُمار ٥٥، شمارگاه ٨٤، رونده برشمار ٩٠، شمار گرفتن ٩٨، شمار کردن ١٢١، نشانهای شمار ١٢٢، شمارگران ١٢٦

~: وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا (١٨:٤٠)
آتش ٢، آفت ٣٠، آتش ٥٥، آتش و یا سنگ و مانند آن ٥٨، آتش سنگ ٧٤، سنگ باران ١٠٦، آتش باران ١٠٩، تک رگ ١١٣

حَسِبْتَ: أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ (١٨:٩)
پینداشتی ١، همی پنداری ٢، پنداشتی ٣، می پنداری ٢٤، پنداری ٣٨، اَندیشی ٥٥، پنداشتی تو ٥٨، گمان بردهٔ ١٠٣، می پنداری تو ١٢٤

حَسِبْتُمْ: أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ (٢:٢١٤)
پنداشتید ٢، گمان بردیت ٣، می پنداری شما ٢٤،

١. پینداشتند / پنداشتند.

پنداريد ۳۶، پنداشتی ۳۸، پنداشتيد ۴۲، می پنداشتيد ۵۶، می پنداريد شما ۱۲۳، پنداريد شما ۱۳۸

~: أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ (۳: ۱۴۲)
پنداشتيد ۱، پنداشتيد ۲، شما پنداشتيد ۱۰، پندارند ۵۳، پنداريد شما ۵۸، همی پنداريد ۶۲، گمان برديت ۶۳، گمان بريد ۶۷، همی پنداريد شما ۷۶

~: أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تُتْرَكُوا (۹: ۱۶)
بپنداشتيد ۱، پنداشتيت ۳، پنداشتيد ۱۰، پنداشتيد شما ۲۹، می پنداريت ۴۱، پنداشتيت ۵۵، همی پنداريد شما ۹۳، همی پندارند ۱۰۷، می پنداريد ۱۱۱، گمان برديد شما ۱۲۴، گمان کنيد ۱۳۶

~: أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا (۲۳: ۱۱۵)
پنداشتيد ۲، همی پنداشتيد ۲۴، همی پنداريت ۳۰، پنداشته بوديد ۶۴، گمان برديد ۱۰۳

حَسِبَتْهُ: فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً (۲۷: ۴۴)
پنداشت ۱، پنداشتش ۱۱۴

حَسِبْتَهُمْ: إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنثُورًا (۷۶: ۱۹)
پپنداری ۱، پنداری ۳، پند آری ۱۰۰، گمان بری ۱۰۴، برداری تو ۱۱۳، می پنداری ۱۳۵، پنداری تو ۱۳۸

حَسْبُكَ: فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ (۸: ۶۲)
گوس[1] ۱، بسنده ۳، بسنده ست ۱۰، بسند ست ۲۴، بسنده است ۲۷، بسنده آست ۴۲، بَسَندَه اَست ۵۵، نگاه دار ۵۸، بس بود ۹۳، پسند باشدت ۹۴، بس ۱۱۴، بسنده باشد ۱۲۷

~: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ (۸: ۶۴)
بَس اَشت ۵۵، بسند کرد ۶۱، بس است ۱۰۳

حَسْبُنَا: وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (۳: ۱۷۳)
گوس بهد[2] ۱، بَسنده ۲، بسنده ۳، بَسند ست ۱۰، پناه ۲۴، بسنده است ۲۷، بس ۴۰، بَسَندَه اَست ۵۵، بس است ۷۶، بس است و پسنده است ۹۴، بسند است ۱۳۶

~: قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا (۵: ۱۰۴)
گوس بهد[2] ۱، بس است ۳، بسند است ۳۶، بَسَشت ۵۵، بسنده است ۵۷، بسست ۶۴، بس بود ۸۴، پسنده است ۹۴

~: وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ (۹: ۵۹)
گوس بهد[2] ۱، بسند ست ۱۰، بَس اشت ۵۵، بسنده ست ۱۱۳

حَسْبُهُ: فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ (۲: ۲۰۶)
بَسَنْد ستْ ۲، بسنده ۳، بسنده بُود ۱۰، بسند ست ۲۴، بسنده است ۳۶، بسَنده آست ۴۲، بس باشد ۹۰، بس ۱۲۱

~: وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ (۶۵: ۳)
گوس[1] ۱، بَسند ست ۲، بس است ۲۹، بسنديده باشد ۴۹، بسنده باشد ۶۴

حَسْبُهُمْ: هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ (۹: ۶۸)
گوس[1] ۱، بس بود ۱۱، بسنده است ۲۹، پسنده ۵۷، بسنده بود ۹۲، پسنده است ۹۴، بس است ۱۱۴

~: حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۵۸: ۸)
گوس بهد[2] ۱، بسنده ۲، بسند است ۶۱، بس ۸۰، بَس بود ۸۱، بس است ۹۶، بسنده است ۱۱۳

حَسِبُوا: وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ (۵: ۷۱)

---

۱. گوس: بسنده، بس.
۲. گوس بهد: بسنده است.

پینداشتند ۱، پنداشتنْد ۲، می پنداشتند ۲٤، گمان برند ۷٦، گمان بردند ۹٦، می پندارند ۱۲۳، پندارند ایشان ۱۲٤

حَسْبِيَ: فَقُلْ حَسْبِيَ ٱللَّهُ (۹: ۱۲۹)
گوس ۱، بس بود ۱۳، پشت[1] ۲٤، بَس اسْت ۵۵، بس است ۵۸، بسند است ۱۳٦

~: قُلْ حَسْبِيَ ٱللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ ٱلْمُتَوَكِّلُونَ (۳۹: ۳۸)
بسنده ۳، بسندست ۲٤، بسنده است ۳۸، پسنده است ۹٤

حَسَدَ: وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۱۱۳: ۵)
بد خواهد ۲، بدخواهی کند ۱۰۲، بد خواهند ۱۱٤، بدی خواهد ۱۲۹، بد اندیشد ۱۳۹

حَسَدًا: كُفَّارًا حَسَدًا (۲: ۱۰۹)
بد خُواسْتن ۲، بدخواستن ۳، بد خُواستن ۱۰، بدخواهی ٤۰، بَد خُواستَن ٤۲، بدخواستی ۵۳، بَد خَواسْتَن ۵۵، بدخواست ۸۰، ببدخواستن ۸۲، کینه ۱۳٦

حَسَرَاتٍ: أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ (۲: ۱٦۷)
پَشَیمانیها ۱۰، پشیمانی ٤۰، دریغها ٤۳، پشَیمانیهَا ۵۵، پشیمانها ۵۷، پشیمانی ها ۷۵، اندوهها ۱۰۰، آرمانها ۱۰۹

~: فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرَاتٍ (۳۵: ۸)
پشیمانیها ۱، اندوهان ۱۸، تیمارها ٤۹، تیمارَها ۵۳، اندهان ۸۸، اندوه ۱۱٤

حَسْرَةً: لِيَجْعَلَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ (۳: ۱۵٦)
پشیمانی ۱، پشیمَاني ۲، اندَوه و پشیمانی ۱۰، پَشیمانی ٤۲، آرمان ٤۹، پَشیمَانی ۵۵، اندوه خوردن ۱۰٤

~: ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً (۸: ۳٦)
دریغ خوردن ٤۹، پشیمَانی ۵۵، پشیمانی و تیماری ۵۸، دریغ، آرمان پشیمانی ۱۰۹

~: وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ ٱلْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ ٱلْأَمْرُ (۱۹: ۳۹)
پشیمانی ۲، اندوه ۲۹، تیمارْ ۵۳، تیمار بردن ۵۸، هویدا ۸٤، ارمان خوردن ۹۵

~: يَا حَسْرَةً عَلَى ٱلْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ (۳٦: ۳۰)
پشیمانیا ۲۲، دریغ ۲۹، دریغ و پشیمانی ٦۷، ارمان ۱۰۲

~: وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى ٱلْكَافِرِينَ (٦۹: ۵۰)
تیمار ۱۹، پشمانی ۵۲، بیماری ۵٤

حَسْرَتَنَا: قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا (٦: ۳۱)
پشیمانی ۳، دریغا ٤۱، اندوها و پشیمانیا ٤٤، وای ٦۳، پشیمانیا ۸۲، ارمانا ۱۰۹، پشیمانیم ما ۱۲٤، پشیمانیها ۱۳٦

حَسْرَتَى: يَا حَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ (۳۹: ۵٦)
پشیمانی ۱، پشیمانیا و تیمار ۱۵، پشیمانَیا ۲۲

حَسُنَ: وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا (٤: ٦۹)
نیکو شد ۳، نِیکوا اُو بُزرگوار باشند ۱۰، نیکو بود ۲٤، نیکا ۲۷، نیکو کاران ۳۱، نیکو باشد ۵۳، نِیکوُ شُد ۵۵، نیکواند ۵٦، نیک اند ٦۱

حُسْنُ: وَٱللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ ٱلْمَآبِ (۳: ۱٤)
نیکوی ۱، نیکُو ۲، نِیکوا ۱۰، نیکو ۲۷، نیکُو ٤۲، بهترین ٦۷، نیکوتر ۹۲، نیکوترین ۱۲٤

~: ثَوَابَ ٱلدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ ٱلْآخِرَةِ (۳: ۱٤۸)
نکوی ۲۳، نیکوئي ۳۹

~: وَٱللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ ٱلثَّوَابِ (۳: ۱۹۵)
نیکویی ۱

~: طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ (۱۳: ۲۹)

---

۱. آیا «پشت» به معنی تکیه گاه و پشتوانه به کار رفته است یا صورتی مصحّفی است از کلمهٔ «بس»؟

نیکی ۵۸، نیکو ۷۶، نیکا ۱۱۴

~: وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَـَٔابٍ (۳۸: ۲۵)
نیکو ۲

حَسَنًا: مَّن ذَا ٱلَّذِى يُقْرِضُ ٱللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا (۲: ۲۴۵)
نیکو ۲، نکو ۸۸

~: وَأَنۢبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا (۳: ۳۷)
نیکو ۲، نیکوا ۱۰، نیک ۲۷

~: وَرَزَقَنِى مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا (۱۱: ۸۸)
نیکوا ۱، نیکوی ۲۴

~: تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا (۱۶: ۶۷)
نیکو ۶۲

~: وَمَن رَّزَقْنَٰهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا (۱۶: ۷۵)
فراخ نیک ۱۲۷

~: أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا (۱۸: ۲)
نیکو ۲

~: أَفَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ فَرَءَاهُ حَسَنًا (۳۵: ۸)
خوب ۱۳۶

~: يُؤْتِكُمُ ٱللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا (۴۸: ۱۶)
خوب و نیکوا ۴۴

حُسْنًا: وَقُولُوا۟ لِلنَّاسِ حُسْنًا (۲: ۸۳)
نیکویی ۲، نیکوی ۱۰، نیکو ۳۶، نیکوئی ۵۵، نیکویی ۷۶، نیکوئی ۹۲، خوب ۱۰۹، سخن نکو ۱۳۳، خوبی ۱۳۵

~: وَإِمَّآ أَن تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا (۱۸: ۸۶)
نیکوی ۱، نیکوی ۲، نیکو کاری ۵۸

~: إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًۢا بَعْدَ سُوٓءٍ (۲۷: ۱۱)
نیکی ۵۸

~: وَوَصَّيْنَا ٱلْإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيْهِ حُسْنًا (۲۹: ۸)
نیکویی ۱، نیکویی کردن ۲، نیکوی کردن ۲۴، نیکی کردن ۸۷، نیکوئی کردن ۱۰۰، نیکو کردن ۱۱۱

~: وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُۥ فِيهَا حُسْنًا (۴۲: ۲۳)
نیکویی ۳۲

حَسَنَات: وَبَلَوْنَٰهُم بِٱلْحَسَنَٰتِ وَٱلسَّيِّـَٔاتِ (۷: ۱۶۸)
نیکویی ۹۲، نیکیها ۱۰۰، خوبیها ۱۳۵

~: إِنَّ ٱلْحَسَنَٰتِ يُذْهِبْنَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ (۱۱: ۱۱۴)
نیکوییها ۶۲، نیکوئیها ۹۳

~: يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِهِمْ حَسَنَٰتٍ (۲۵: ۷۰)
نیکوییها ۱، نیکیها ۲، نیکویها ۳۴، نیکها ۳۶، بنیکویها ۴۷، نیکی ها ۹۲، نیکوی ها ۱۳۰

حَسُنَتْ: نِعْمَ ٱلثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا (۱۸: ۳۱)
نیکوا ۱، نیک أستْ ۲، نیک است ۲۴، نیکا ۲۹، نیکوشت ۵۳، نیکو است ۵۷، نیکو است ۵۸، نیکست ۹۲، نیک ۹۳

~: خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا (۲۵: ۷۶)
نیکوست ۱، نیکو شد ۲، نیکو بود ۲۴، نیکوئی است ۳۹، نیکو باشد ۴۲، نیکو ۴۳، نیکوتر است ۵۶، نیکو باشند ۱۳۸

★ حَسُنَتْ مُرْتَفَقاً: وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا (۱۸: ۳۱)
نیکو آرام گاهیست ۱۲۸

حَسَنَةٌ: رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِى ٱلدُّنْيَا حَسَنَةً (۲: ۲۰۱)
نیکویی ۲، نیکی ۴۲

~: إِن تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ (۳: ۱۲۰)
نیکویی ۲، خوبی ۱۳۵

~: وَإِن تَكُ حَسَنَةً يُضَٰعِفْهَا (۴: ۴۰)
نیک ۳۶

~: وَإِن تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ (۴: ۷۸)

نیکی - فراخی ٢، نیکُوی ٤٥

~: مَآ أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ ٱللَّهِ (٤:٧٩)

نیکوی ٢

~: مَّن يَشْفَعْ شَفَٰعَةً حَسَنَةً (٤:٨٥)

نیکو ٢٤

~: مَن جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ فَلَهُۥ عَشْرُ أَمْثَالِهَا (٦:١٦٠)

کار نیکو ٦٤، کار نیک ١٢٧

~: ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ ٱلسَّيِّئَةِ ٱلْحَسَنَةَ (٧:٩٥)

نیکی - فراخی ٢، نیکی و فراخی ٤٩، نیکو - فراخی ٩٤

~: فَإِذَا جَآءَتْهُمُ ٱلْحَسَنَةُ قَالُوا۟ لَنَا هَٰذِهِۦ (٧:١٣١)

نیکوای ٣٥، نیکویی - فراخی ١٢٤، نیکویی و فراخی ١٢٧

~: إِن تُصِبْكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ (٩:٥٠)

نیکوی ١٠، نیکوئی ٥٣، نیکی ٥٥

~: فِى هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ ٱلْءَاخِرَةِ خَيْرٌ (١٦:٣٠)

نیکی ٢، نیکوی کردن ٢٤

~: وَءَاتَيْنَٰهُ فِى ٱلدُّنْيَا حَسَنَةً (١٦:١٢٢)

نیکویی ١

~: بِٱلْحِكْمَةِ وَٱلْمَوْعِظَةِ ٱلْحَسَنَةِ (١٦:١٢٥)

نیکوا ١

~: مَن جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيْرٌ مِّنْهَا (٢٧:٨٩)

نیکی ٢

~: وَيَدْرَءُونَ بِٱلْحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ (٢٨:٥٤)

سخون نیک ٢٨، نکوئی ١١٥

~: لَّقَدْ كَانَ لَكُمْ فِى رَسُولِ ٱللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (٣٣:٢١)

پسندیده ١٠٣

~: لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا۟ فِى هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا حَسَنَةٌ (٣٩:١٠)

نیکُویی ٨١

~: قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِىٓ إِبْرَٰهِيمَ (٦٠:٤)

نیکُو ٢، نیکو، پسندیده ٦٤

حُسْنُهُنَّ: وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ (٣٣:٥٢)

خوبی ٢٤، نیکیها ١١٤

اَلْحُسْنَى: وَكُلًّا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْحُسْنَىٰ (٤:٩٥)

نیکویی - بهشت ٢، بهشت ٣، نیکوُتر ٤٢، بهشت ٥٥

~: وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ ٱلْحُسْنَىٰ (٧:١٣٧)

نیکو ٣، نیکوا داشت این جهانی و بهشت آن جهانی ١٠

~: وَلِلَّهِ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ فَٱدْعُوهُ بِهَا (٧:١٨٠)

بهترین ١٠٥، نیکوتر ١٠٩

~: إِنْ أَرَدْنَآ إِلَّا ٱلْحُسْنَىٰ (٩:١٠٧)

نیکی ٢٩، نیکویی کردن ٦٧

~: لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا۟ ٱلْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ (١٠:٢٦)

نیکوی پاداش ١٣

~: لِلَّذِينَ ٱسْتَجَابُوا۟ لِرَبِّهِمُ ٱلْحُسْنَىٰ (١٣:١٨)

نیکویی ١، پاداش نیکو ١١١

~: أَنَّ لَهُمُ ٱلْحُسْنَىٰ (١٦:٦٢)

نیکوی ٢، بهشت ٦٢

~: أَيًّا مَّا تَدْعُوا۟ فَلَهُ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ (١٧:١١٠)

نیکوترین ٢، بزرگ ١٢١

~: فَلَهُۥ جَزَآءً ٱلْحُسْنَىٰ (١٨:٨٨)

نیکوی ١، نیکوترین ٢

~: ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ لَهُ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ (٢٠:٨)

نیکوترین ٢، نیکوتر ٣

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا ٱلْحُسْنَىٰ (٢١:١٠١)

بهست ۱۱۳، نیکبختی ۱۳۲

~: إِنَّ لِي عِندَهُۥ لَلْحُسْنَىٰ (۴۱:۵۰)

نیکوئی ۲، نیکویی ۳۲، بهتر ٦۱، نیکویها ۸۱، نیکی ها ۱۳٦

~: وَيَجْزِيَ ٱلَّذِينَ أَحْسَنُوا۟ بِٱلْحُسْنَى (۵۳:۳۱)

نیکوبی یا نیکوتر ۳، نیکوئی یا نیکوتر ۸۷، خوبی ۱۳٦

~: وَكُلًّا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْحُسْنَىٰ (۵۷:۱۰)

نیکوئی ۳۸

~: لَهُ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ (۵۹:۲٤)

نیکوا ۱، نیک ۳٦، نیک و خوب ۹٦

~: وَصَدَّقَ بِٱلْحُسْنَىٰ فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلْيُسْرَىٰ (۹۲:٦)

سخت نیکوترین ۳٤، نیکها ۸۷

~: وَأَمَّا مَنۢ بَخِلَ وَٱسْتَغْنَىٰ وَكَذَّبَ بِٱلْحُسْنَىٰ (۹۲:۹)

گهیشت[1] ۱

ٱلْحُسْنَيَيْنِ: إِلَّآ إِحْدَى ٱلْحُسْنَيَيْنِ (۹:۵۲)

دو نیکویی ۱، دو نکویی ۲، دو نیکوتر ۳، دوُ نیکوترین ۱۰، دو نیکوء ۲٤، دو نیکوی ۲۷، دو نیکی ۲۹، دو کار نیک ۳٦، دو نیکوئي ۳۹، دوُ نیکی ۵۵، نیکوای ۵۷، دو خوب ۱۳۵

حُسُومًا: وَثَمَٰنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا (٦۹:۷)

یک پس دیگر ۱، پیوسته ۲، پیاپی ۳، بدیده ۳۹، پیاپی پیوسته ٤۱، پَیاپی ٤۲، پس یکدیگر ٤۳، پس یک دیگر ٦۵، پیوسته پس یکدیگر ٦۷، یکدیگر ۹۰، برّندگان پیاپی و پر کنندگان ۱۰۹، پی درپی ۱۱۵

حَسِيبًا: فَأَشْهِدُوا۟ عَلَيْهِمْ ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبًا (٤:٦)

شماردان، نگاه‌دار ۲، شمار کننده ۳، شمار کردَن ٤۲، بسنده کار ٤۳، شُمَار کُننده ۵۵، نگاه دار و شماردار ۸۳، پاداشت دهنده ۱۰۲، شمار کن ۱۰۹، نگاه داشتن ۱۲۱، نگه‌دار ۱۲۷

~: إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ حَسِيبًا (٤:۸٦)

نگاه دارْ ۲، بسنده ۳، شمار نگه دار ۲۹، توانا و نگهبان ٤۱، شماردار ٤۲، شمار دارنده ۵۳، شُمَارْکُنَنده ۵۵، دانا ۵۷، زود شمار ٦٤، نگا دارنده ۷۵، شمار کنند ۷٦، شمار کننده و بسنده کار ۹۵، شمار دار ۹۸، شماره نگاه‌دار ۱۲۹، بسند [ه] ۱۳٦

~: كَفَىٰ بِنَفْسِكَ ٱلْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (۱۷:۱٤)

شمارگیر ۲، گواه ۳، گُواه ۵۵، شمار کن ۵۷، گواه و شمار گیرنده ۵۸، شمار ٦۱، گواه و بسنده و شمار کن ۸۰، شمارکین ۹٦، گواه شمارنده ۱۱٤، شمارنده ۱۲۷

~: وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا ٱللَّهَ ۗ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبًا (۳۳:۳۹)

نگه‌وان ۱، شمار کردن ۷، نگاه‌بان ۱۸، پاداش دهنده ٤۷، پاداش کننده ٤۹، شمارگیرْ ۵۳، نگاهدارنده ٦۷، نگاهبان ۸۷، نگه‌بان و پاداشت ده ۱۰۹، بشماره ۱۳٦

حَسِيرٌ: يَنقَلِبْ إِلَيْكَ ٱلْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ (٦۷:٤)

رنجه ۱، فرود مانده ۲، مانده و ریخته شده ۳، مانده شده ٦، بازمانده ۱۹، کند باشد ۲۹، خیره ۳۰، فرمانده که هیچ درنیابد[2] ٤۱، کُند شدَه ٤۲، کند ۵۲، مانده ۷۲، مانده و ریخته شد [ه] ۸۰، کنده شده ۸۷، کُند ۹۸، فرومانده ۹٤، کنده ۱۰٦، رنجور و رنجه شده ۱۱۳، کُند و مانده شده ۱۱۹، مانده گشته از اندر یافتن ۱۲٤، کند شده ۱۲٦

حَسِيسَهَا: لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا (۲۱:۱۰۲)

---

۱. گهیشت: بهشت.

۲. کذا در اصل: فرمانده/ فرومانده.

شرفاک[1] - آواز ۲، آواز آتش ۳، آواز ۱۲، بانگ دوزخ ٤١، اواز ٥٣، آواز دمیدن ٥٦، بانگ دمیدن ٥٨، بانگ ٦٢، دمیدن ٦٩، بانگ دمیدن آتش ٧٤، آواز نرم ٨٩، آوازها ٩٤، شوفارک ویرا ٩٥، سرفاک[2] ١٠٨، آواز و ترست ١٠٩، ازان اتش ١١٩، آواز زبانه آتش ١٢٢، ناله ١٣٨

فَحَشَرَ: ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ (٢٣:٧٩)
سپاه گرد آورد ٢، گرد کرد ٢٤، گرد آورد ٣٠، گرد گرد ٣٩، گرد کرد ٩٤، فراهم آورد ١٠٢، سپاه گرد گرد ١٢٤، گرْد گرْد ١٣٦

حُشِرَ: وَحُشِرَ لِسُلَيْمَٰنَ جُنُودُهُۥ (١٧:٢٧)
گرد کردند ٢٠، گرد آوردند ٢٩، گرد کرده شد ٤٣، بینگیختند ٤٧، گرد کرده آمد ٥٣، گرد آورده شد ٨٠، گرد کرده شد ٩٠

~: وَإِذَا حُشِرَ ٱلنَّاسُ كَانُوا۟ لَهُمْ أَعْدَآءً (٦:٤٦)
گرد آرند ٢، برانگیزند ٢٤، برانگیخته شوند ٣٠، برانگیزاند ٦٤، گرد کرده شوند ٨٠، برانگیزد ٨١، گرد کرده شدند ١١٤

حَشْرٌ: ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ (٤٤:٥٠)
انگیختن ٦، برانگیختن ١٧، گرد آوردن ٣٠، گرد آمدن ٣٤، برانگیزاندن ٥٣، برانگیزانیدن ٦٤، برانگیزیدن ٩٨، زنده کردن ١٠٠، برنگیزیدن ١٢٤

~: مِن دِيَٰرِهِمْ لِأَوَّلِ ٱلْحَشْرِ (٢:٥٩)
انگیختن ٢، گرد آوردن ٣، فراهم شدن ٣٩، بیرون آوردن ١٠٢، راندن ١٢٣، انگیختگان ١٣٩

حُشِرَتْ: وَإِذَا ٱلْوُحُوشُ حُشِرَتْ (٥:٨١)
برانگیزند ٢، گرد آرند ٣٠، گرد کرده شوند ٨٠، فراهم آورده شود ٩٢، فراهم کرده شوند ٩٩، گرد آرند برانگیزانند ١٠٨، گرد کرده شود ١٠٩، گرد کرده شود ١١٤

حَشَرْتَنِي: قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِىٓ أَعْمَىٰ (١٢٥:٢٠)
برانگیختی ٢، برانگیختی ٣، زنده کردی ٢٩، انگیختی ٣٩، برانگیزاندی ٨٦

★ لِمَ حَشَرْتَنِي: قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِىٓ أَعْمَىٰ (١٢٥:٢٠)
چرا برانگیختی ١٠٣

حَشَرْنَا: وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَىْءٍ (١١١:٦)
گرد کردیم ٣، گرد آریم، گرد آوردیم ١٠ مکرّر، گرد کردیمی ٢٧، گرد آوردیمی ٢٩، برانگیزیم ٣٦، گرد کردیم ما ٣٩، گرد کنیم و برانگیزیم ٤٤، برانگیختیمی ٥٣، گرْد گرْدیمی ٥٥، برانگیختمانی ٥٧، گرد کردیمی ما ٥٨، گرد آورده‌ایم ما ٦٤، برانگیزانیدیم ما ٩٠، ما گرد آریم ٩٦، گرد کردمانی ١١٤، گرد کنم ١١٩، برانگیختیم ١٢١، گرداریمی ١٢٧، گرد میکردیم ١٢٩

حَشَرْنَاهُمْ: وَتَرَى ٱلْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَٰهُمْ (٤٧:١٨)
گرْد آریم ٢، برانگیزانیم ٨، گرد کنیم ٢٤، فرود آوردیم ما ٢٩، گرد آوردیم ٣٩، گرد آوریم ٤٨، گرْد کُنیم ٥٥، برانگیزیم ما ٥٦، گرد کنیم ما ٥٨، گرد آوردیم ما ٦١، برانگیزانیم ما ١٢٤، برنگیزیم ما ١٣٩

حَصَاده: وَءَاتُوا۟ حَقَّهُۥ يَوْمَ حَصَادِهِۦ (١٤١:٦)
پیمودن ١، دُرودن ٢، درودن ٣، دروکشتها وارُفتن میوها ١٠، درویدن ٢٧، دُروُدَن ٥٥، بریدن خوشه ٦٢، بریدن ٧٩، دروُدن ٨٨، میوه باز کردن ١٠٧، درو کردن و چیدن ١٢٢، درو کردن ١٢٧، چیدن ١٣٦

---

١. شرفاک: هر صدا و آواز آهسته.

٢. سرفاک / شرفاک: آواز و صدا و صوت.

حَصَبُ: مِن دُونِ ٱللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ (٢١:٩٨)
هیزم ١، هیزم ٢، هیمه ٢٤، افراز ٣٤، هیمه ٥٣، آتش افروز ٦٢، آتش افروز هیمه هیزم ١٠٩، آتش انگیز ١٢٣

حَصْحَصَ: ٱلْـَٰٔنَ حَصْحَصَ ٱلْحَقُّ (١٢:٥١)
درست شد ١، پدید آمد ٢، پدید آمد ٣، پدید شد ٣٩، آشکارا شد ٤٢، پیدا آمد ٤٣، پَدیدْ آمَدْ ٥٣، پَدید آمَد ٥٥، پدید آمد و روشن شد ٥٦، پیدا شد ٥٧، پَیْدا شد ٦٢، روشن شد ٦٣، پدید آمدن ٧٨

حَصَدْتُمْ: فَمَا حَصَدتُّمْ فَذَرُوهُ فِي سُنۢبُلِهِۦٓ (١٢:٤٧)
بدرونید[1] ١، بدروید ٢، درویت ٣، بدروی شما ٢٤، بدرویدید شما ٢٩، بدرویت ٤١، بدروید شما ٤٣، دَرَوِیْت ٥٥، بدروده باشید ٥٦، دروید تان ٦١، بدرَوید شُما ٧٦، بدرید ٩٠، بدرودی ٩٥، درویدید ١٠٩، برویید ١١١، دروید ١٢١، درو کنید ١٢٢

حَصِرَتْ: حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَن يُقَٰتِلُوكُمْ (٤:٩٠)
تنگ شهد ١، تنگ شده باشند ٢، تنگ شده ٣، تنگ دل شده ٢٤، تنگ شده باشد ٢٩، تنگ شود ٣٦، خود تنگ شد ٣٩، بازدارد ٤١، تنگ شُدَه ٤٢، تنگ گشته ٥٣، تنگ شُد ٥٥، تنگ شده و شکسته ٥٨، تنگ شوند ٦١، تنگ شد ٧٢، تنگ می شود ٩٦، تنگ شده بود ١٠٠، تنگ بوده است ١٢٠، تنگ دل باشند ١٢٢، تنگ شده باشد - کرده باشد ١٢٧، تنگ بود ١٣٠

حُصِّلَ: وَحُصِّلَ مَا فِي ٱلصُّدُورِ (١٠٠:١٠)
بیرا کند ٢٤، بجاء آمد ٣٩، برهنه کنند ٦٤، بیرون آورده شود ٩٠، پیدا کند ١٠٨، پیدا شود ١١٤، گرد کرده شود ١٢١، گِرد کرده شود ١٣٢، پیدا کرده شود ١٣٩

حَصُورًا: وَسَيِّدًا وَحَصُورًا (٣:٣٩)
بازایستاده از زنان ٢، پاک دامن ٢٧، بازداشتهٔ ٢٩، بازداشتن ٣٤، واداشته ٤٠، پاک ٤١، باز استادَه از نابایست ٤٢، بازاستاده ٥٢، نگاه دارنده ٥٦، بازدارنده از زنان تن خویش را ٥٧، بی زن ٦١، پارسا ٦٣، باز باشنده از زنان ٦٧، بازداشت از خواهش زنان ٧٦، باز ایستاده ٨٢، باز ایستاده از زنان ٨٣، بازدارنده ٨٤، نگاه داشته ٨٨، باز ایستاده از زنان نابایست ٩٤، نگاه دار ٩٩، باز دارنده خود را از زنان ١٠٤، بازاستاده از نابایست ١٠٥، خویشتن دار ١٠٩، پاک - بازایستاده ١٢١، بازایستاده از نابایست ١٢٥، بازایستاده از (زنا) و نابایست ١٢٧، پرهیزکار ١٣٦

حُصُونُهُمْ: وَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمْ حُصُونُهُم (٥٩:٢)
ستادیها[2] ١، شارستانها ٤١، دزدها[3] ٨١

حَصِيدٌ: مِنْهَا قَآئِمٌ وَحَصِيدٌ (١١:١٠٠)
دروده ١، وازمین راست بکردیم ٧ مکرّر، خُورد مُورد چُون سپارید دُرودَه ١٠، خواب کرده ٢٩، شکسته و دروده ٣٩، بیران ٤٢، درگشته ٤٣، افتاده ٥٢، درودَهْ ٥٥، خراب شده ٥٨، نیست شده ٥٩، دُرودَه ٦٢، فتاده ٩٦، نابود شده ١٠٢، کشت دروده ١١١، درویده ١٢٠، ویران شده ١٢٧، نایاب ١٣٣، درویده شده ١٣٥، ویران ١٣٦

~: فَأَنۢبَتْنَا بِهِۦ جَنَّٰتٍ وَحَبَّ ٱلْحَصِيدِ (٥٠:٩)
دُرودنی ٢، گیاه دروده ٣، بدروند ٦، درودن ١٧، درودنی ٢٤، درویدن ٣٩، درو[د]نی ٤٨، دَرودْنی ٥٣، درودنی ٨١، درود[ه] ١٠٨، درو کرده شده

---

١. بدرونید/ بدروید.
٢. ستادیها: حصارها، حصن ها.
٣. دزدها/ دزها/ دژها.

۱۱۱، درو کرده ۱۱٦، برهم نشانده ۱۱۷، درو شده ۱۲٦

حَصِيدًا: فَجَعَلْنَٰهَا حَصِيدًا (۱۰:۲٤)
دُروده - از بُن برکنده ۲، خُوردمُورد چون سَبارید دروده ۱۰، نیست ۲٤، دروده و کاه ماند و دانه رفته ۲۷، دروده نیست شده ۳۹، دروده افتاده ٤۹، دُرُوده ۵۵، خشک و نابود ٦٤، دروده انجیده[1] ۱۰۲، درویده بشمشیر انجیده[1] ۱۰۹، درو کرده و بر کنده شده ۱۱۱، درویده ۱۲۰، خشک ۱۲۱، درویده و از بیخ کنده ۱۲۲، دروده شده ۱۲۳، درویده واز بیخ برکنده ۱۲۷، از بیخ برکنده ۱۳۱، دردیده ۱۳۵، درو کرده شده ۱۳٦

~: حَتَّىٰ جَعَلْنَٰهُمْ حَصِيدًا خَٰمِدِينَ (۲۱:۱۵)
دروده ۱، دُرودگان از بُن بَرکندگان ۲، درودگان ۳۰، کشت بداس دروده ٤۱، درودَه ۵۳، دروده - بشمشیر کشته ۵٦، دروده از شمشیر ٦۷، از بن برکندگان ۹٤، درودگان ۱۰۳، درودگان از بن برکندگان ۱۰۸، درویده بشمشیر ۱۰۹، دروزده ۱۱٤، کشت دروده ۱۲۲، درو کرده ۱۲٦، برکندگان ۱۲۸، گیاه دروده ۱۳۱، درویده ۱۳۵، از بیخ برکندگان ۱۳۸

حَصِيرًا: وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَٰفِرِينَ حَصِيرًا (۱۷:۸)
بشرستی[2] ۱، جای بازگشتن ۲، زندان ۳، بازدارنده ۲۹، گرداندر آمده ۳۸، نشست گاه ٤۱، شمرده ٤۸، جای بازداشتن ۵۲، گرد اوردگان ۵۳، زنْدان ۵۵، جای بازداشتن، زندان ۵٦، بازداشتن گاه ۵۷، جای بازداشت ٦۵، زندانی ۷۹، گرد درآمده ۸۸، بازداشت ۹۰، بازداشتن جای ۱۰۲، بندیخانه ۱۳۳

حَضَرَ: إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ ٱلْمَوْتُ (۲:۱۳۳)
بیامد ۲، فراز آمد ۳، برسید ۲۹، فرا رسید ۳٤، در رسید ۳٦، بگرفت ٤۰، نزدیک آمد ۵۹، نزدیک شد ۱۰٤، آمد ۱۲۹

~: كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ (۲:۱۸۰)
فراز آید ۳، بیَابد ٤۲، فرا رسد ۷٤، نزدیک رسد ۱۲۷، نزدیک شود ۱۳٦

~: وَإِذَا حَضَرَ ٱلْقِسْمَةَ أُوْلُواْ ٱلْقُرْبَىٰ (٤:۸)
فراز آیند ۳، پیدا شود ٦۱

~: إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ ٱلْمَوْتُ (٤:۱۸)
نزدیک آید ۱۰، آید ۲۳، برسد ٤۱، بیایَد ٤۲، بیایند ۱۰۵

~: إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ (۵:۱۰٦)
بیاید ۲، بَرَسَدْ ۵۳، پیدا آید ٦۱، در رسد ۹٦، بجای آید ۹۸

حَضَرُوهُ: فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوٓاْ أَنصِتُواْ (٤٦:۲۹)
فراز آمدند ۳، بجای آمدند ۱۷

حُطَامًا: ثُمَّ يَجْعَلُهُۥ حُطَٰمًا (۳۹:۲۱)
کرکی[3] ۱، شکسْته ۲، شکسته ۳، خشک ۲٤، ریزه ریزه ۳۹، شکسته و ریزنده ٤۱، ریزه و پراکنده ۵٦، شکسته زیر پایها ٦٦، خرد. شکسته ۷٤، هیمَه ۸۱، هیزم خوشک ۹۰، کوفته ۱۲٦، شکسته و ریزه ۱۳۲، دروده ۱۳٤

~: لَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنَٰهُ حُطَٰمًا (۵٦:٦۵)
کرکی[3] ۱، خشک شده ۲، خشک ریزه ریزه ۳، پوسیده ۲۹، خرد شکسته ۳۰، شکسته و ریزیده ۳٤، خشک و ریزه ۳۵، خشک و شکسته و ریخته

---

۱. انجیدن: ریز ریز کردن.
۲. بشرست: زندان، بازداشتن گاه.
۳. کرکی: ریزه و شکسته و پاره‌ای از چیزی.

٤١، ریزیدِه ٤٢، فروشکسته ٤٨، خرد و شکسته ٥٣، هیزم خشک ٦٥، هیزم ٦٩، خشک و ریزیده شده ٨١، هیزمْ خشک ٩٢، گیاه ریزه خشک ١٠٤، خرد شکسته ١٠٨، کوفته و ریزیده ١٠٩، گیاه درهم شکسته ١١١، کاه بی‌دانه ١١٣، گیاهی درهم شکسته پیش از رسیدن ١١٦، گیاه ریزند ١١٩، گیاه درهم شکسته ١٢٠، گیاه خشک ١٢١، گیاه ریزیده ١٢٢، گیاه بی‌دانه درهم شکسته ١٣٠، ریزنده ١٣١، گیاه ریزنده ١٣٢، ریزه ریزه ١٣٩

~: ثُمَّ یَهِیجُ فَتَرَىٰهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ یَکُونُ حُطَٰمًا (٢٠:٥٧)
کرکی[1] ١، شکسته و ریزه شده ٣، پاره پاره ٢٩، ریزیده ٣٤، ریزه و خشک شده ٣٩، خشک فرو ریخته ٤١، پوسیده و ریزیده ٤٩، خشک و ریزیده ٥٢، خشک زیر پای گشته ٦٧، شکسته و ریزه ریزه ٩١، خرد گشته ١٠٨، شکسته و ریزه ریزه شده ١١١، ریز شده ١١٤، گیاه خورد و مرد و درهم شکسته ١١٦، شکسته و ریزه شده ١٢١، درهم شکسته و خرد شده ١٢٢، درهم شکسته و خُرد شده ١٣٢، خشک و ریزه ریزه ١٣٦

ٱلْحَطَبِ: وَٱمْرَأَتُهُۥ حَمَّالَةَ ٱلْحَطَبِ (٤:١١١)
هیزم یا سخن چینی ٢، خار ٩٦

حَطَبًا: فَكَانُوا۟ لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (١٥:٧٢)
هیزم ١، هیمه ٢٤، آتش گیره که آتش بدان افروخته شود ١٣٧

حِطَّةٌ: وَقُولُوا۟ حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَٰیَٰكُمْ (٥٨:٢)
بیفگنْ ٢، فرو نه از ما گناهان ٤، بیوکن ز ما گناهان ٢٤، از ما فرو نه گناهان ما ٢٩، فرونه ٤٢، فرود نه گناه ٤٣، فُروَ افگن از مَا بَارِ گناه ٥٥، بیفکن از ما گناه فرو نهادنی ٥٧، از ما درگذار گناهان ٦٢، فروافکن ٦٧، بیفکن گناه ٨٢، افکندن گناهان ٨٣، کم کن ٩٠، فرو نِه از ما گناهان ٩٤، بیامرز گناهان ١٠٢، بینداز ١٠٤، فرو نه از ما بار گناهان ١٠٦، فرو نهادن ١٠٩، درخواست ١٢٣، بیفکند ١٢٧، افکندن ١٣٠

~: وَقُولُوا۟ حِطَّةٌ (١٦١:٧)
بیوگن زیما گنهان ایما ١، بیفکن ٢، گناه از ما فَرو نِه ١٠، فرو نه گناه ٢٤، فرود نه ٢٧، فرو نهادن - فرونه از ما گناهان ما ٣٥، بردار گناهان ٤١، فرو افکنده بادا گناه ما از ما ٥٦، فرو نهادن ٥٧، کم کن و درگذار ٥٨، فرو نه گناهان ما ٦٢، بار گناه از ما بیفکن ٦٤، فرو نه از ما گناهان ما ٧٢، درگذار ٧٤، فرو افکن از ما بار گناه ٩١، بیفکند گاه ٩٢، افکندن گناه ٩٨، فرو نه از ما گناهان ما را ١٠٥، خواستن ١١٤، فرو ریختن گناه ١٢٠، درگذشتن ١٢٢، بیفکن از ما گناهان ١٢٤، فرو ریختن ١٣٠

ٱلْحُطَمَةِ: كَلَّا لَیُنۢبَذَنَّ فِی ٱلْحُطَمَةِ (٤:١٠٤)
جای شکننده ٢، دوزخ ٢٩، دوزخ ٣٩، کوبنده‌ی شکننده ٨٨، شکننده ١٢٢، نیستی ١٢٦، آتش شکننده ١٣٢، آتش درهم شکننده ١٣٤

حَظًّا: یُرِیدُ ٱللَّهُ أَلَّا یَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا (١٧٦:٣)
مزد و ثواب ٤٠، بهرَه ٤٢، بَهرَه ٥٧

~: وَنَسُوا۟ حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا۟ بِهِۦ (١٣:٥)
نیاوه[2] ١، بَهر ٢، برخی ٥٣

~: فَنَسُوا۟ حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا۟ بِهِۦ (١٤:٥)
بهره ٤٥

حَظِّ: لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَیَیْنِ (١١:٤)
برخ ١، بَهرَه ٢

~: فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَیَیْنِ (١٧٦:٤)
نیاوه[2] ١

---

١. کرکی: کوفته و ریزیده.
٢. نیاوه/ بهره، نصیب، حظّ.

~: إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۲۸:۷۹)
بهره ۳، بخشش ۱۲۶

~: وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۴۱:۳۵)
بَهر ۲، بهر ۳۹، بخش ۴۳

★ حَظِّ الأُنثَيَيْنِ: فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ (۴:۱۷۶)
دو بهره زن ۱۳۰

حَفَدَةً: مِّنْ أَزْوَاجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةً (۱۶:۷۲)
نواسگان ۱، نبیرگان ۲، نبیرگان ۳، نوادگان ۲۴، نبسگان ۳۹، نوه ۴۱، نودگان ۵۳، نَبیرَه گان یا خِذمتکاران ۵۵، فرزندان فرزندان ۵۶، نوایگان ۵۷، خدمتکاران ۶۹، نبیسگان ۷۲، نبسه ۹۰، فرزند فرزندان ۹۳، پسر زادگان ۹۵، نبیره گان ۱۰۹، فرزندزاده ۱۱۱، نواده گان ۱۱۳، دختران ۱۱۵، اولاد اولاد ۱۱۶، فرزند زادگان ۱۲۰، نه بیرگان ۱۲۴، نبیره‌ها ۱۲۹

حُفْرَةٍ: وَكُنتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ (۳:۱۰۳)
کریشک[1] ۱، کَنده ۲، کنده ۳، گو ۱۰، گور ۲۴، کوره ۲۹، مغاک ۳۹، کَنْدَه ۵۵، کندَه ۵۷، اوراه کننده ۷۵، کُنده ۸۳، ژرفی ۹۰، چاه ۹۶، گَوَی ۱۰۳، گودال ۱۱۱، کند، گوریهیده[2] ۱۳۸

حَفِظَ: بِمَا حَفِظَ اللَّهُ (۴:۳۴)
نگه داشت ۱، نگاه داشتشت - فرمودست ۲، نگاه داشت ۳، نگاه دارد ۲۴، نگاه داشتن ۲۹، نگاه داشت فرمود ۵۸، نگاه داشت خواست ۷۵، نگاهداشت ۹۲

حفْظًا: وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ (۳۷:۷)
نگاه داشت ۲، گوش همی داریم ۲۴

~: وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا (۴۱:۱۲)
نگه داشتن ۱، نگاه بانی ۹۹، نگه بداشتن ۱۳۴

حَفَظَةً: وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً (۶:۶۱)
نگه وانان ۱، نگاه بانان ۲، نگه‌دار ۹، نگاه‌بان ۲۶، نگه بانان ۲۹، نگاه بَانَان ۵۵، نگاهبانان ۶۱، نگهبانان ۶۳، نگه‌بان ۷۶، گماشتگان ۸۴، نگاهبان ۹۰، نگه دارنده ۱۱۱

حَفِظْنَاهَا: وَحَفِظْنَاهَا مِن كُلِّ شَيْطَانٍ (۱۵:۱۷)
نگه داشتیم ۱، نگاه داشتیم ۲، نگاه داشتیم ۲۴، نگه بداشتیم ۲۹، نگاه دَاشْتیم ۵۳، نگاه دَاشتیم ۵۵، نگاه داشتیم ما ۵۶، نگه داشتیم ما ۶۱، نگه بداشتیم ما ۸۹، نگاهداشتیم ۹۲، نگاه داشتیم ما ۱۰۰، نگهداشتیم ۱۱۴

حِفْظُهُمَا: وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا (۲:۲۵۵)
نگه داشت ۱، نگاه داشتن ۲، نگه داشت ۱۰، نگاداشتن ۲۷، نگاه داشت ۴۲، نگاه داشتن ۵۵، نگهداشتن ۷۴، نگاه دآشتن ۹۴، نگهداشت ۱۰۰، نگاهداشتن ۱۱۵، نگاهبانی ۱۲۷

حَفَفْنَاهُمَا: وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ (۱۸:۳۲)
در گرفتیم ۱، پیراسته کردیم ۲، گرد آوردیم ۲۹، گرد درگرفتیم ۳۰، گرد اندر آوردیم ۳۸، درگرفتیم گرداگرد ۴۳، گرد بر گرد اندر گرفتیم ۴۹، گرد آن درآوردیم ۵۲، گِردْ دَرْ گِرفتیم ۵۵، گرد در گرد گرفتیم ۵۶، گرد برآوردیم ۵۷، درگرفتیم ما گرد بر گرد ۵۸، گرد بر گرد گرفتیم ۶۳، درآوردیم ما گرد بگرد ۶۷، گرداگرد ۷۶، پیراسته کردیم ۷۸، گرد بر گرد درآوردیم ۷۹، گر درگرفتیم ۸۰، گرد درآوردیم ۸۸، در نشاندیم ما ۸۹، گرد گرفتیم

---

۱. کریشک: مغاک، کنده.
۲. ریهیده: افتاده، ویران شده، لغزیده.

۹۲، در نشانده بودیم ما ۱۰۰، گرد بر گرد در گرفتیم ۱۰۲، در نشاندیم ۱۰۶، گردانیدیم گرداگرد ۱۱۱، درآوردیم ۱۲۲، فرو گرفتیم ۱۲۹، درآوردیم در گرد آن ۱۳۲، پیچیدیم ۱۳۳، گرد کردن ۱۳۹

حَفِيًّا: إِنَّهُۥ كَانَ بِى حَفِيًّا (۱۹:٤۷)
مهروان[1] ۱، مهربان ۲، نگاه بان ۳۹، دانا ۵۳، بخشاینده و مهربان ۵۸، مهربان و نیکوکار ٦٤، بخشاینده ۹۲، نیک کار ۹٦، دانا و مهربان ۱۲٤

حَفِىٌّ: يَسْـَٔلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِىٌّ عَنْهَا (۷:۱۸۷)
دانا ۱، آگاه ۱۰، برکاونده ۱۵، می دانی ٤۱، سخت دانا ٤۲، دانا ۵۵، بر رسیده ۹۱، دانا ۹٤، آگاهی ۹٦، آگاه - دانا ۱۰۹، دانای ۱۲٦

حَفِيظًا: فَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا (٤:۸۰)
نگه‌وان[2] ۱، نگاه وان و پایندان ۱۰، گواه ۲۹، نگاهبان ٤۱، نگاه بان ٤۲، نگاه بانان ۵۳، نگهبان ٦۳، نگاه بان ۷٦، نگه بان ۸۹، دنگهبان ۹٦، نگهدارنده ۱۱٦

~: وَمَا جَعَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا (٦:۱۰۷)
نگاه بان ۲، نگاه دار ۹، نگه دار و نگه‌وان[2] ۱۰

~: فَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا (٤۲:٤۸)
نگاه دارنده ۲، نگه باش ۱۰٤

حَفِيظٌ: وَمَآ أَنَا۠ عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ (٦:۱۰٤)
نگه وان ۱، نگاه دار ۹، نگه وان و نگه‌دار ۱۰، نگاهبان ٤۱، نگاه بان ۵۵، نگهبان ٦۳، پاینده ۹٦، نگهبان ۱۰۰

~: إِنَّ رَبِّى عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ حَفِيظٌ (۱۱:۵۷)
نگاه بان ۲، نگه بان ۲۹، نگاه بان و نگاه‌دار ۵۸، نگاه دارنده ٦۲، نگاهبان ۹٦

~: وَمَآ أَنَا۠ عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ (۱۱:۸٦)
نگه وان، نگه دار ۷ مکرّر، گماشته ۵۸، نکاه دارنده ۸۹، نگاهبان ۱۱۵

~: إِنِّى حَفِيظٌ عَلِيمٌ (۱۲:۵۵)
نگاه دار - شمارگیر ۲، یاددآر ۹٤، یاددار ۹٦، بسیار نگه‌دارنده ۱۱۱

~: وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ حَفِيظٌ (۳٤:۲۱)
نگاه‌بان ۲، نگاه وان ۷

~: ٱللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ (٤۲:٦)
نگاه دارنده ۲، گواه ۲٤

~: وَعِندَنَا كِتَٰبٌ حَفِيظٌۢ (۵۰:٤)
نگاه داشته ۲، نگاه داشت ٦، نگه دارنده ۲٤، نگاه داشته ۸۱، نگاهداشت ۸۷، نگاه دارنده نگاه داشته شده ۱۰۹، نگهداشته ۱۱٤، نگاه داشته شده ۱۲۱

~: لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ (۵۰:۳۲)
نگه دار ۵۱، خویشتن دار ٦٤، نگاهدارنده ۹۲

حَقَّ: وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ (۷:۳۰)
دُرشت گشته ۲، درستُ و راست و بُودنی ۱۰، سزاوار شد ۳٦، درست گشت ٤۲، راستی ٤۵، درست بود ۷٦، سزاوار کرد ۱۲۳

~: فَحَقَّ عَلَيْهَا ٱلْقَوْلُ (۱۷:۱٦)
فرود آمد ٤۱، راست شود ۵۹

~: قَالَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ ٱلْقَوْلُ (۲۸:٦۳)
ویجب شد[3] ۱، سزا گشته بود ٤۷، درست ۹۲

---

۱. مهروان / مهربان.
۲. نگه وان / نگهبان.
۳. ویجب شد / واجب شد.

~: لَقَدْ حَقَّ ٱلْقَوْلُ عَلَىٰٓ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (٣٦:٧)
درست شد ١٠٣

~: فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَآ إِنَّا لَذَآئِقُونَ (٣٧:٣١)
فراز گرفت ٤١

~: أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ (٤٦:١٨)
راست است ٩٦، سزا گشت ١٠٢

~: كُلٌّ كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ (٥٠:١٤)
سزا شد ٣، سزا گشت ١٠٢

ٱلْحَقّ: فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ (٢:٢٦)
راسْت ٢، کار بایستی ١٠٤، دُرُست ١١٤، آنچه درست است ١٢٣

~: وَتَكْتُمُواْ ٱلْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (٢:٤٢)
رَاسْت ٢، رَاسْتِی دُرُسْت ٥٥، درست - راست ١٠٩

~: قَالُواْ ٱلْـَٰٔنَ جِئْتَ بِٱلْحَقِّ (٢:٧١)
رَاسْتی ٢، دَرُست و راست ١٠

~: مِّنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلْحَقُّ (٢:١٠٩)
راه راست ١٢٧

~: يَتْلُونَهُۥ حَقَّ تِلَاوَتِهِۦٓ (٢:١٢١)
سَزا ٢، سزای ٣، سَزَای ٥٥

~: وَإِنَّهُۥ لَلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ (٢:١٤٩)
رآست ٩٤

~: لِمَا ٱخْتَلَفُواْ فِيهِ مِنَ ٱلْحَقِّ (٢:٢١٣)
داد وُ درستی و راستی ١٠

~: فَإِن كَانَ ٱلَّذِى عَلَيْهِ ٱلْحَقُّ سَفِيهًا (٢:٢٨٢)
اوام ٢٩، وام ٤٣، فام ٥٢، خواسته ١٠٩

~: نَزَّلَ عَلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ (٣:٣)
راستی و درستی ٢٥

~: ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ (٣:٦٠)
درست او راست ١٠

~: وَتَكْتُمُونَ ٱلْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (٣:٧١)
رَاستی ٢

~: ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ (٣:١٠٢)
سَزا ٥٥، سزآی ٥٧

~: وَيَقْتُلُونَ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ (٣:١١٢)
شایست ٩٨، درستی و راستی ٢٧

~: وَقَتْلِهِمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ (٤:١٥٥)
سازوار ٩٨

~: وَلَا تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلْحَقَّ (٤:١٧١)
سخن درست ١٠٤

~: وَٱتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ٱبْنَىْ ءَادَمَ بِٱلْحَقِّ (٥:٢٧)
سزا و درست ١٠٢

~: عَمَّا جَآءَكَ مِنَ ٱلْحَقِّ (٥:٤٨)
راستی و سزای ٦٤

~: مَا يَكُونُ لِىٓ أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِى بِحَقٍّ (٥:١١٦)
سزاوار ٩، سِزاوار ٦١، سزآواری ١٠٠

~: ثُمَّ رُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوْلَىٰهُمُ ٱلْحَقِّ (٦:٦٢)
سزا بخدایی ٣، سزاوار راستی ٤٤، سزاوارتر ٥٦

~: وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦٓ (٦:٩١)
سزا ١، سزاء شناختن وی ٣، داد و درستی و راستی ١٠، سَزا ٥٥، سزآ ١٠٠، بسزا ١٢٧

~: أَنَّهُۥ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِٱلْحَقِّ (٦:١١٤)
راستی و درستی و سزا ٥٨

~: وَٱلْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ ٱلْحَقُّ (٧:٨)
درست و راست و بودنی ١٠

~: وَمَا بَطَنَ وَٱلْإِثْمَ وَٱلْبَغْىَ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ (٧:٣٣)
درست گشت ١٠٥

~: لَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلْحَقِّ (٤٣:٧)
براستی ١٣٦

~: قَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلْحَقِّ (٥٣:٧)
رآستی ٩٤

~: يَتَكَبَّرُونَ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ (١٤٦:٧)
و سزاواری ٤١، راستی ١٤٠

~: لَّا يَقُولُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلْحَقَّ (١٦٩:٧)
سخن درست و راست ١١١

~: لِيُحِقَّ ٱلْحَقَّ وَيُبْطِلَ ٱلْبَٰطِلَ (٨:٨)
درست و راست ١٠

~: أَرْسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلْهُدَىٰ وَدِينِ ٱلْحَقِّ (٣٣:٩)
بسزا ٣، بَسَزا ٥٥، پسندیده ١١٣

~: مَا خَلَقَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ إِلَّا بِٱلْحَقِّ (٥:١٠)
سزا و راستی ٤١

~: إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ (٢٣:١٠)
شایست ١٣

~: أَفَمَن يَهْدِىٓ إِلَى ٱلْحَقِّ (٣٥:١٠)
راست و سزا ٥٨

~: إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ (٥٥:١٠)
راست و بودنی ١٠

~: وَيُحِقُّ ٱللَّهُ ٱلْحَقَّ (٨٢:١٠)
رَاستی ٥٥

~: مَا لَنَا فِى بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ (٧٩:١١)
بهره ٥٢، آرزو ١٢٩

~: وَجَآءَكَ فِى هَٰذِهِ ٱلْحَقُّ (١٢٠:١١)
دُرست ٧٦

~: لَهُۥ دَعْوَةُ ٱلْحَقِّ (١٤:١٣)
راستی ٢، بسَزا ٧٦

~: وَمَا بَيْنَهُمَآ إِلَّا بِٱلْحَقِّ (٨٥:١٥)
راستی و بَهُده ٧١

~: جَآءَ ٱلْحَقُّ وَزَهَقَ ٱلْبَٰطِلُ (٨١:١٧)
راستی و بهده ٩١

~: لِيُدْحِضُوا۟ بِهِ ٱلْحَقَّ (٥٦:١٨)
راسْت کار ٢

~: فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلْمَلِكُ ٱلْحَقُّ (١١٤:٢٠)
راستی و بسزا ٥٨، سزابخدایی ١٠٩

~: بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٱلْحَقَّ (٢٤:٢١)
راسْتي ٢

~: وَٱقْتَرَبَ ٱلْوَعْدُ ٱلْحَقُّ (٩٧:٢١)
رَاسْتي ٥٣

~: مَا قَدَرُوا۟ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦٓ (٧٤:٢٢)
سزای ٤٣

~: وَيَعْلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْحَقُّ ٱلْمُبِينُ (٢٥:٢٤)
داد ٢٤، راست کار ٤١

~: وَإِن يَكُن لَّهُمُ ٱلْحَقُّ (٤٩:٢٤)
سزاواری ٣٩

~: ٱلْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ ٱلْحَقُّ (٢٦:٢٥)
بَسزا ٧٦

~: إِلَّا جِئْنَٰكَ بِٱلْحَقِّ (٣٣:٢٥)
راستر ٤٦

~: إِنَّكَ عَلَى ٱلْحَقِّ ٱلْمُبِينِ (٧٩:٢٧)
راه ٢١، دین راست ٥٨

~: نَتْلُوا۟ عَلَيْكَ مِن نَّبَإِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِٱلْحَقِّ (٣:٢٨)
سزا و درست ٤٧

~: أَنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ (١٣:٢٨)
راست و درست ٤٧

~: خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ (۲۹:۴۴)
سزاوار و درست ۴۷

~: يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِٱلْحَقِّ (۳۴:۲۶)
گفتار بایستنی ۸۶

~: بَلْ جَآءَ بِٱلْحَقِّ وَصَدَّقَ ٱلْمُرْسَلِينَ (۳۷:۳۷)
راستی ۲۲

~: وَٱلْحَقَّ أَقُولُ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ (۳۸:۸۴)
دُرُست ۵۳

~: وَمَا قَدَرُوا۟ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦ (۳۹:۶۷)
سزاآ ۲۲

~: لِيُدْحِضُوا۟ بِهِ ٱلْحَقَّ (۴۰:۵)
سخن راست ۳

~: وَخَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ (۴۵:۲۲)
استوارکاری ۱۰۹

~: أَلَيْسَ هَٰذَا بِٱلْحَقِّ (۴۶:۳۴)
درست و بودنی ۸۶

~: صَدَقَ ٱللَّهُ رَسُولَهُ ٱلرُّءْيَا بِٱلْحَقِّ (۴۸:۲۷)
پسزا ۶

~: إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ حَقُّ ٱلْيَقِينِ (۵۶:۹۵)
راست ۲، درست ۳، استوار ۱۰۹

~: فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا (۵۷:۲۷)
سَزا ۶۹، سزاآ ۱۰۰

~: وَإِنَّهُۥ لَحَقُّ ٱلْيَقِينِ (۶۹:۵۱)
راستی ۲

★ بِغَيْرِ حَقٍّ: وَيَقْتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيْرِ حَقٍّ (۳:۲۱)
بی گناه ۲۵

~: وَيَقْتُلُونَ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ (۳:۱۱۲)
بَبی داد ۲

~: لَا تَغْلُوا۟ فِى دِينِكُمْ غَيْرَ ٱلْحَقِّ (۵:۷۷)
ناشایست ۱۰ مکرّر.

~: إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ (۱۰:۲۳)
بناسزا ۳۹

حَقًّا: بِٱلْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى ٱلْمُتَّقِينَ (۲:۲۴۱)
سزاوار ۱۰، سزاوار گردانیده ۱۲۳

~: وَعْدَ ٱللَّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ ٱللَّهِ قِيلًا (۴:۱۲۲)
راسْت ۲، راست و بودنی ۱۰، راست و درست ۵۸، راست شدنی ۹۷

~: أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْكَٰفِرُونَ حَقًّا (۴:۱۵۱)
رَاسْت شُدَن ۵۵، براست ۷۵، درستی و راستی ۱۰۲

~: مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا (۷:۴۴)
درست و راست ۱۰

~: أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُؤْمِنُونَ حَقًّا (۸:۴)
راستی و سزاوار ۲۷، رَاسْتِین ۵۵

~: أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُؤْمِنُونَ حَقًّا (۸:۷۴)
راستین ۳، براستین ۱۰، درستی ۱۲۶

~: وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا (۹:۱۱۱)
درست کرده ۴۱

~: وَعْدَ ٱللَّهِ حَقًّا (۱۰:۴)
راست شدن ۳، راست ۱۳

~: كَذَٰلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنجِ ٱلْمُؤْمِنِينَ (۱۰:۱۰۳)
سزا شدن ۳، سَزَا شُدَن ۵۵، سزا ۵۹

~: قَدْ جَعَلَهَا رَبِّى حَقًّا (۱۲:۱۰۰)
راستی ۲۴

~: بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا (۱۶:۳۸)
ویجب[1] ۱

---

۱. ویجب: سزاوار.

~: كَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا (١٨:٩٨)
درست ٣٤، دُرُست ٤٢، رَاسْت ٥٥، رآست ١٠٠

~: وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ ٱلْمُؤْمِنِينَ (٣٠:٤٧)
سزا ٤٧

حُقُبًا: أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا (١٨:٦٠)
سالها ١، روزگار دراز ٣، سالهای بسیار ٥٩، هشتاد سال ٧٦، سالهاء ٩٠، هفتاد یا هشتاد سال ١٠٣، سالها بسیار ١٠٤، چندین سال - هفتاد یا هشتاد سال ١١١، روزگاری دراز ١٢١

حَقَّتْ: كَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ (١٠:٣٣)
سزاگشتْ ٢، سزاگشت ١٣، درست شد ٢٩، سزاوار شد ٣٦، سزاگشت ٤٢، دُرُست شُدْ ٥٣، بسزا گشته است ١٠٢، سزاوار شده است ١١١

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ (١٠:٩٦)
سَزَا شُدْ ٥٥، بسزا شد ١٢٧

~: وَمِنْهُم مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ ٱلضَّلَٰلَةُ (١٦:٣٦)
سزا شد ٣، سَزا شُدْ ٥٥

~: وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ ٱلْعَذَابِ (٣٩:٧١)
ویجب شد [1] ١

حُقَّتْ: وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (٨٤:٢)
سزاوارست ١، سزاوار باشد ٢٩، سزاست ٣٠، سزد ٤١، سزاوار شده ١١١، آنراست ١١٣، سزاوار گردانیده شده است ١١٦، فرمان بردار باشد ١٣٩

~: وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (٨٤:٥)
سزاوار است ٣٠، دل نشین باشد ٥٣، سزاوار شود ٨٧، سزاوار شد ٩٤، سزاوار بود ١٠٠

حَقَّهُ: وَءَاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُ (١٧:٢٦)
سزا ٣٠، سَزا ٥٥

~: فَـَٔاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُ (٣٠:٣٨)
برخ ١٤

*

حقیقٌ: حَقِيقٌ عَلَىٰٓ أَن لَّآ أَقُولَ عَلَى ٱللَّهِ (٧:١٠٥)
ویجب است [2] ١، سزاوارتر ٢، سزاوار ٣، بدرستی بسزاوار ٣١، سزد ٣٩، درست ٤٣، سَزاوَار ٥٥، سزاوارم ٧٩، سزآوار ١٠٠، سزاوارتر است ١١٣، سَزَاوَار ١٤٠

ٱلْحُكَّام: وَتُدْلُوا۟ بِهَآ إِلَى ٱلْحُكَّامِ (٢:١٨٨)
داوران ٣، دَاوَران ١٠، دَاوَرَان ٥٥

حَكَمَ: إِنَّ ٱللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ ٱلْعِبَادِ (٤٠:٤٨)
داوری کند ٣٩

حُكْمُ: أَن يُؤْتِيَهُ ٱللَّهُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحُكْمَ (٣:٧٩)
دانستن ٢٥، داوری ٢٨، دانش ٦٩، سخن درست ١٢٦

~: أَفَحُكْمَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ يَبْغُونَ (٥:٥٠)
داوری کردن ٣، دَاوَری ٥٣، فرمودن ٥٨

~: إِنِ ٱلْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ (٦:٥٧)
داوَرْ ٢٤

~: أَلَا لَهُ ٱلْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ ٱلْحَٰسِبِينَ (٦:٦٢)
داوری و خواست ٥٨، فرمانروایی ١١١، پادشاهی ١٢١، داوری ١٢٤، فرمان ١٢٧

~: أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحُكْمَ (٦:٨٩)
سخن ٢٦، داوری بریدن ٤٩، دآنش ٩٤

~: إِنِ ٱلْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ (١٢:٦٧)
فرمان دهی ١٠٤

---

١. ویجب شد: سزاوار شد.
٢. ویجب است: سزاوار است.

~: وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْحُكْمَ صَبِيًّا (١٩:١٢)
پیغامبری ٧٩، درستی گفتار ١٠٢، درستی سخن ١٠٩

~: وَلَهُ ٱلْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (٢٨:٧٠)
فرمان ٤٧، کارگزاری ١٠٣، کارگذاری ١٢٣

~: وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحُكْمَ (٤٥:١٦)
سخن درست ٣، داوری ٣٢، پادشاهی ٤١، درستکاری ١٠٢، درست کاری ١٠٩

~: فَٱصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ (٧٦:٢٤)
داوری کردن ٣

حَكَمًا: فَٱبْعَثُوا۟ حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِۦ (٤:٣٥)
داور ١، میانجی ٢، مَیانجی ٤٢، داوری ٤٣، داوَرْ ٥٣، مِیانجی ٥٥، دادی گر ٩٠، درست کار ٩٢، میآنجی ٩٤، میانجی کننده ١١١

~: أَفَغَيْرَ ٱللَّهِ أَبْتَغِى حَكَمًا (٦:١١٤)
دَاور ٢، داور و داد گر ٤٤، مِیانجی ٥٥

حُكْمًا: ءَاتَيْنَٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا (١٢:٢٢)
سخن درست ١٠٩

~: وَكَذَٰلِكَ أَنزَلْنَٰهُ حُكْمًا (١٣:٣٧)
داوری ٣، دَاوَری ٥٥، سخن نیکو ٩٤، سخن راست ١١٤

~: وَكُلًّا ءَاتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا (٢١:٧٩)
گزارش ٤١

~: فَوَهَبَ لِى رَبِّى حُكْمًا (٢٦:٢١)
درستکاری ٢٠، دانش ١٢٥

~: رَبِّ هَبْ لِى حُكْمًا (٢٦:٨٣)
پادشاهی ١٢١، داوری ١٣٩

~: ءَاتَيْنَٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا (٢٨:١٤)
درست کاری و درست گفتاری ٤٧، درست کاری ١٠٢، سخن درست ١١٤، پیغمبری ١٢١

حَكَمْتَ: إِنْ حَكَمْتَ فَٱحْكُم بَيْنَهُم بِٱلْقِسْطِ (٥:٤٢)
داوری کنی ٣، داوَری کُنی ٥٣، دَاوَرِی کُنی ٥٥، داور باشی ٨٢، دور کنی ١١٢

حِكْمَةٌ: وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ (٢:١٢٩)
سُخَن دُرُست ٥٥، سخن نیکو ٥٩، سخن استوار ٧٤، گفتار و کردار درست ١٠٩

~: وَمَآ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّنَ ٱلْكِتَٰبِ وَٱلْحِكْمَةِ (٢:٢٣١)
سَخُن دُرُست ٥٥، درستی گفتار ١٠٢

~: وَءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلْمُلْكَ وَٱلْحِكْمَةَ (٢:٢٥١)
اُسْتُوار کاری ٥٥، پیغمبری ١٠٤، درست گفتاری ١٠٩، درست کرداری ١٢٢، سخن صواب ١٣٨

~: يُؤْتِى ٱلْحِكْمَةَ مَن يَشَآءُ (٢:٢٦٩)
دانش ٢، سخن درست و پیغامبری ٢٧، خرد و دانش ٢٩، شناخت و آمرزش ٦٢، درستی در گفتار ١٠٢، خرد و دانش شناخت ١٣٨

~: وَيُعَلِّمُهُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ (٣:٤٨)
سخن دُرُست ٢٧، دانستن ٦٢

~: لَمَآ ءَاتَيْتُكُم مِّن كِتَٰبٍ وَحِكْمَةٍ (٣:٨١)
سَخُن دُرُست ٥٥

~: ءَاتَيْنَآ ءَالَ إِبْرَٰهِيمَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ (٤:٥٤)
دانش استوار ١٠٩

~: وَأَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ (٤:١١٣)
درستی سخن ٢٧، دانش بصواب و کردار درست ١٠٤

~: إِذْ عَلَّمْتُكَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ (٥:١١٠)
راستی سخن ٢٧، درستی ٩٨

~: ٱدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلْحِكْمَةِ (١٦:١٢٥)
سَخُن دُرُسْت اُسْتُوار ٥٥، درست سخن ٥٩، سخن درست استوار ٨٠

~: ذَٰلِكَ مِمَّآ أَوْحَىٰٓ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ ٱلْحِكْمَةِ (١٧:٣٩)
سخن درست ٧٦

~: وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا لُقْمَٰنَ ٱلْحِكْمَةَ (٣١:١٢)
دانش و درستی در گفتار ١٠٩

~: وَشَدَدْنَا مُلْكَهُۥ وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْحِكْمَةَ (٣٨:٢٠)
درست کاری ١٠٢، دانشمندی ١٣٦

~: قَالَ قَدْ جِئْتُكُم بِٱلْحِكْمَةِ (٤٣:٦٣)
سخن راست ٣٢، سخن دُرست ٨١، سخن درست و راست ١٠٢

~: حِكْمَةٌۢ بَٰلِغَةٌ ۖ فَمَا تُغْنِ ٱلنُّذُرُ (٥٤:٥)
سخن درست ٨١، پنداشت ١٣٩

حَكَمْتُمْ: وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ ٱلنَّاسِ (٤:٥٨)
داوری کنیت ٣، داوری کنید ١٠، میانجی کنید ٨٤

حُكْمِهِ: وَٱللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِۦ (١٣:٤١)
فرمان ٧٦

~: وَلَا يُشْرِكُ فِى حُكْمِهِۦٓ أَحَدًا (١٨:٢٦)
کار ٣٠، فرمانها ٥٨، داوری ١٢٨

~: إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِى بَيْنَهُم بِحُكْمِهِۦ (٢٧:٧٨)
درست داوری ٤٧

~: مَا ٱخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِن شَىْءٍ فَحُكْمُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ (٤٢:١٠)
داوری ٢

لِحُكْمِهِمْ: وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَٰهِدِينَ (٢١:٧٨)
داوری کردن ١٢، گزارش ٤١، داوری ٩٢

حَكِيمٌ: إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْحَكِيمُ (٢:٣٢)
درست گفتار درست کار ٤، اُستوار کار ٥٥

~: إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (٢:١٢٩)
اِسْتُوار کار ٢، اُسْتُوار کار ٥٥، بزرگ ٦١، درستکار و درستگفتار ٩٤

~: أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٢:٢٠٩)
درست کار و گفتار ١٠١، درست کار و راست داور ١٠٩

~: وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٢:٢٢٨)
اُستوار کار ٤٢

~: وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٢:٢٤٠)
راست گُفتار ١٠١

~: أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٢:٢٦٠)
دُرست گُفتار ٤٢، کارساز ١٢١

~: لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (٣:٦)
درست کار ١، بی همتا و بزرگوار ٦١

~: لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (٣:١٨)
درست کردار و گفتار ٨٨، بسیاردان ١١١

~: نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ ٱلْءَايَٰتِ وَٱلذِّكْرِ ٱلْحَكِيمِ (٣:٥٨)
اِستُوار ٢، اُستُوار ٥٥، استوآر ٩٤

~: وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (٣:٦٢)
بهرچیزی دانا ٢٩، درست سخن ٧٥، راست داور ١٠٩

~: إِلَّا مِنْ عِندِ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ (٣:١٢٦)
راست گفتار راست کردار ٢٣، استوار کار و درست گفتار ٢٧

~: وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (٤:٢٦)
راست آور ١٠٩، دانشمند درست کار ١٣٦

~: وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْخَبِيرُ (٦:١٨)
بزرگ وار ٦١

~: وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْخَبِيرُ (٦:٧٣)
اُستوار کار ٨٨

~: إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (٦:٨٣)

دانا ۹، نیکوکار ٤٤

~: إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۱۰:۸)
کامکار ۳۹، دادرست داور ۱۱۲، محکم کار و درست گفتار ۱۱۳

~: وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۵:۹)
راست فرمای ۵۸

~: إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۲۸:۹)
اُستوار کار ۵۵، اوستوار کار ٦٧، راست کردار راست گفتار ۱۰٤، درست گفتار و کردار ۱۱۲

~: وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٤۰:۹)
محکم کار و درست کردار ۱۱۳

~: إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۷۱:۹)
باریک بین ۵۸

~: تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْحَكِيمِ (۱:۱۰)
درست و راست ۱۰۹، درست استوار ۱۱٤

~: ثُمَّ فُصِّلَتْ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ (۱:۱۱)
خدای درستکار ۲۷، استوار کاران ۱۰۵

~: إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْحَكِيمُ (۸۳:۱۲)
راستکار ۵

~: إِنَّهُۥ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۲۵:۱۵)
درست کردار ۲۹، نهان دان ۵۸، راست کردار و راست گفتار ۱۰٤

~: وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (٦۰:۱٦)
اُستُوار کار ۵۵

~: وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۲:۲۲)
اِستُوار کار ۲

~: وَأَنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ (۱۰:۲٤)
دانا بهمه چیزها ٦۲

~: وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۸:۲٤)
بردبار ٦۱، راست گفتار و درست کردار ۱۰۲

~: وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۹:۲٤)
دانشمند و درست کردار ۱۳٦

~: لَتُلَقَّى ٱلْقُرْءَانَ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (٦:۲۷)
درست گفتار ۲۰، دانای درستکار و درست گفتار ۹٤، درست کار، استوار، درست گفتار ۱۰۹

~: إِنَّهُۥٓ أَنَا ٱللَّهُ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (۹:۲۷)
راست گفتار ۲۰

~: وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (٤۲:۲۹)
دانای درست کردار ۱۳٦

~: وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (۲۷:۳۰)
درست گرفتار ۳٦

~: وَلَهُ ٱلْحَمْدُ فِى ٱلْءَاخِرَةِ وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْخَبِيرُ (۱:۳٤)
استوار کار ۲، درُست گفتار ۱۰۰، کاردان ۱۰۳

~: يسٓ وَٱلْقُرْءَانِ ٱلْحَكِيمِ إِنَّكَ لَمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ (۲:۳٦)
استوار کرده ۲، استوار ۳، درست ۷، استوار درست ۵٦، استوار و راست ٦۵

~: تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ (۱:۳۹)
درست کار و درست گفتار ۳۳

~: تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (٤۲:٤۱)
خداوند ٦۱، استوار کار ۸۱، خداوند درستکار ۱۳٦

~: ٱللَّهُ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (۳:٤۲)
استُوار کار ۳۲

~: إِنَّهُۥ عَلِىٌّ حَكِيمٌ (۵۱:٤۲)
راست کار ۳۲، کارساز ۸۷

~: لَعَلِىٌّ حَكِيمٌ (٤:٤۳)
استوارتر ۳۰، دُرست کار ۸۱

~: وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْعَلِيمُ (٨٤:٤٣)
راست گفتار درست کردار ١٢٢

~: فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (٤:٤٤)
استوا کننده ٩٥

~: وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (٣٧:٤٥)
اِستُوار کار ٢

~: وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (٢٤:٥٩)
دانشمند ١٣٦

~: إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (٥:٦٠)
درستکار و راست گفتار ٦٧

~: ٱلْمَلِكِ ٱلْقُدُّوسِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ (١:٦٢)
درستکار ١

حَكِيمًا: إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (١١:٤)
راست کردار و راست گفتار ٢٣

~: وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (١٧:٤)
بزرگوار ٦١

~: إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (٢٤:٤)
اِستُوار کارْ ٢

~: إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا (٥٦:٤)
اِستُوار گیر ٢

~: وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (٩٢:٤)
استوار کار ٧٥، درست کار درست گفتار ١٠٤

~: وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (١٠٤:٤)
راست داوَر ٢٧، درست کردار ١٠٢

~: وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (١١١:٤)
درست گفتار ٦١

~: وَكَانَ ٱللَّهُ وَٰسِعًا حَكِيمًا (١٣٠:٤)
درست کار و درست بکار ٨٤، کارساز ١٢١

~: وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (١٥٨:٤)
داننده ٢، رهاننده دوستان از دست دشمنان ٨٨، رهاننده ٩٤

~: وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (١٦٥:٤)
راست داور ٢٧، راست کار ٩٧

~: وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (٤:٤٨)
درست کار ٦، درست کار درست گفتار ٨٦، درستکار ٨٧

~: وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (١٩:٤٨)
استوار ١٣٩

حِلًّا: كُلُّ ٱلطَّعَامِ كَانَ حِلًّا (٩٣:٣)
شایسته ٣، شایِستَه ٥٥، گشاده ١٠٩

حِلٌّ: وَطَعَامُ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ حِلٌّ لَّكُمْ (٥:٥)
شایْستَه ٥٥

~: لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ (١٠:٦٠)
شایسته ٣

~: وَأَنتَ حِلٌّ بِهَٰذَا ٱلْبَلَدِ (٢:٩٠)
فروآمده ٢٩، فروآمدی ٥١، فرود آمدی ٥٢، فرود آمده ٦١، فرو آینده ٧٩، فرود آینده ٩١

حَلَائِلُ: وَحَلَٰٓئِلُ أَبْنَآئِكُمُ (٢٣:٤)
زنان ١

حَلَّافٍ: وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ (١٠:٦٨)
سوگند خوردار ١، سُوگند خُواره ٢، سوگند خوار ٣، سوگند خواره ١٩، سوگندی خوار ٢٤، سوگند دروغ خوار ٤١، درُوغ زَن ٤٢، سوگند خورنده ٤٣، سوگند خورده ٤٨، سوگند خور ٥٦، بسیار سوگند خورنده بدروغ ٧٩، سوگند خواران ٨٧، دروغ زن ٩٠، سوگند خوآر ١٠٠، سوگند دروغ خورنده گان ١١٣، سوگندْ خوار ١١٤، سوگند خاره ١٣١، سوگند پیشه ١٣٨

حَلَالًا: كُلُوا۟ مِمَّا فِى ٱلْأَرْضِ حَلَٰلًا طَيِّبًا (٢:١٦٨)
خوش ٤٢، شایسته ٥٥، گشاده ١٠٩

~: وَكُلُوا۟ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلًا طَيِّبًا (٥:٨٨)
پاک ٤٥

~: فَكُلُوا۟ مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَٰلًا طَيِّبًا (٨:٦٩)
گشاده - بی بند ١٠٩

~: فَكُلُوا۟ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلًا طَيِّبًا (١٦:١١٤)
شایستهٔ پاک ٥٥

حَلَالٌ: هَٰذَا حَلَٰلٌ وَهَٰذَا حَرَامٌ (١٦:١١٦)
گشاده ١٠٩، شایسته ١٢٩

حَلَفْتُمْ: ذَٰلِكَ كَفَّٰرَةُ أَيْمَٰنِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ (٥:٨٩)
سوگند خورید ١، سوگند خوریت ٣، سوگند خوری ٢٤، سوگند خُورید ٤٢، سوگند خوردند ٤٥، سَوگندْ خوردید ٥٣، سوگند خوردید ٥٦، سَوگند خورید ٦١، سَوگند دروغ خورید ٦٩، سوگند خورید شما ٧٦، سوگند بخورید ١٢٦

ٱلْحُلْقُومَ: فَلَوْلَآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلْحُلْقُومَ (٥٦:٨٣)
نای گلو ٣، چنبر گلو ٢٤، گلوگاه ٣٨، خشکنای گلو ٤١، میان گلوها ٤٣، گلو ٤٨، بنای گلو ٤٩، چنبر گردن ٦٤، ٨٩، ١١٣، نای گلوا ٨١

حَلَلْتُمْ: وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَٱصْطَادُوا۟ (٥:٢)
بیرُون آیید ١٠، بیرون آمدید ٦٧، بگشادیت ٨٢، بگشادید ١٢٧

ٱلْحُلُمَ: وَٱلَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا۟ ٱلْحُلُمَ مِنكُمْ (٢٤:٥٨)
خواب دیدن ١، بخواب دیدن ٢، خواب ٥١، مردی ٩٢، گوشاسب[1] ١٠٨، بخواب افتادن ١١٩

~: وَإِذَا بَلَغَ ٱلْأَطْفَٰلُ مِنكُمُ ٱلْحُلُمَ (٢٤:٥٩)
بُوشاسْب[1] ٢

حُلُّوا: وَحُلُّوٓا۟ أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٍ (٧٦:٢١)
پیرایه کرده شند ١، پیرایه نهند ٢، زیور بسته شوند ٣، پیرایه کنندشان ١٩، پیرایه کرده باشند ٢٤، پیرایه نهند ایشان ٣٠، پیرایه کرده شوند ٥٦، پیرایه پوشیدن شان ٦١، پیرایه بستند ٦٥، پیرایه نهندشان ٨٨، آراسته شده باشند ١٠٤، آراسته کرده شدند ١٠٩، پرنور کرده شود ١١٣، پیرایه بسته شوند ١٢٠، زیور کرده شوند ١٢١، زیور کنند ١٣٦، پیرایه پوشدشان ١٣٩

حِلْيَةٍ: وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِى ٱلنَّارِ ٱبْتِغَآءَ حِلْيَةٍ (١٣:١٧)
زیور ٥، پیرایه ٥٥

~: وَتَسْتَخْرِجُوا۟ مِنْهُ حِلْيَةً (١٦:١٤)
پیرایه ٢، پیرایه ٥٥، پیرایه ٦٢، زیورها ٨٨، مروارید مرجان ١٢٠

~: وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً (٣٥:١٢)
پیرایه ١، پیرایه - مروارید ٢، آرایش ٧، آرایش پیرایه ٤١، پیرایها ٦١، مروارید ٩٤، پیرایه آرایش ١٣٩

~: أَوَمَن يُنَشَّؤُا۟ فِى ٱلْحِلْيَةِ (٤٣:١٨)
پیرایه ٢، پیرایه ٢٢، پیرایه بندان ٣٩، ارأیش ٥٣، زیور و پیرایه ٨١، زیور و آرایش ١٠٩

حَلِيمًا: إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (١٧:٤٤)
بُرْدبارْ ٥٣، بردبار ٦٢، پرورد گار ١٠٦، اندر گذارنده ١٢٨

~: وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا (٣٣:٥١)
بردبار ١، بُردبار ٢، استوارکار ٧، بَردبار ٤٧

~: إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (٣٥:٤١)

---

١. گوشاسب / بوشاسب: خواب دیدن، رؤیا.

~: مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ (۱۵:۲۸)
آواز دهنده، لوش ۲٤، عزیرن ۳۹، گل سیاه گنده ۵٦، خشک شده ۵۸، سیاه ٦۹، خود بگردیده ۷٦، غریزن ۹۲، گل گنده ۹٦، لای ۱۰۳، گل سیاه رنگ ۱۱٦

~: مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ (۱۵:۳۳)
سیاه بوده ۵۸، طعن ۵۹، غریژن ٦٤، غریفج - لای ۹٤، لای سیاه ۱۱۱، لیژن سیاه ۱۱۹

★ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ: مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ (۱۵:۲٦)
چنانکه انگشت بر آن زنی بانگ برآید ٦۲

حَمِئَة: تَغۡرُبُ فِي عَيۡنٍ حَمِئَةٖ (۱۸:۸٦)
خلیش ۱، گرم ۲، گل سیاه ۳، آب گرم ۲٤، گرم ۳۸، گل غریژن یا گرم - تیره ٤٤، گرم وجوشان ٤۸، حیش سیاه ۵۸، آب گرم و گل سیاه ٦٤، گلی ٦۹، لای ناک تفسیده ۱۰۳، بسیار گرم ۱۱٦، لای ۱۳۵، گلی ناخلیش ۱۳۹

ٱلۡحَمۡدُ: ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ (۱:۲)
سپاس ۵۵، ستائیش ۸۹

~: ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ (٦:۱)
سپاس و ستایش ۲٦، سپاس ٤۵، ستایش و آزادی ۵۸

~: وَٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ (٦:٤۵)
سپاس ۱

~: ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي هَدَىٰنَا لِهَٰذَا (۷:٤۳)
سپاس داری ۲۷، ستودگی ٦۱

~: أَنِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ (۱۰:۱۰)
سپاسها ۵۸

~: ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي وَهَبَ لِي (۱٤:۳۹)
ثنا ۵۳، سپاس و ستایش ۵۵

~: فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ (۱۵:۹۸)
ستایش ۵۵

~: هَلۡ يَسۡتَوُۥنَۚ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ (۱٦:۷۵)
سپاس ۲، سپاس ۵۳

~: وَقُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا (۱۷:۱۱۱)
درود ۳۰

~: ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَىٰ عَبۡدِهِ (۱۸:۱)
شکر و سپاس ٤٤

~: وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ (۲۰:۱۳۰)
ستایش ۲

~: وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ (۳۰:۱۸)
ستایش ۲

~: قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ (۳۱:۲۵)
سپاس، ستایش ۱۳۸

~: ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ (۳٤:۱)
سپاس و آزادی و ستایش ٤۷

~: ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِيٓ أَذۡهَبَ عَنَّا ٱلۡحَزَنَ (۳۵:۳٤)
سپاس و ستایش و آزادی ۱۰۹

~: وَٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ (۳۷:۱۸۲)
سپاس ۸۱، آزادی و سپاس و ستایش ۱۰۹

~: يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ (٤۰:۷)
سپاس داری ۵٦

~: وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ (٤۰:۵۵)
سپاس داری کردن ۸۱

~: يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ (٤۲:۵)
ستایش ۳۲

~: وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ (۵۰:۳۹)
ستایش و فرمان ۵٦

~: لَهُ ٱلۡمُلۡكُ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ (٦٤:۱)

ستودن ٢٤

بِحَمْدِكَ: وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ (٢:٣٠)
ستیاش ٢، سِتایش ٥٥، سپاس و ستایش ١٠٩، ستودن ١٢٧

بِحَمْدِهِ: وَيُسَبِّحُ ٱلرَّعْدُ بِحَمْدِهِ (١٣:١٣)
فرمان ١، ستایش ٢، سپاس ٥، ستایش و فرمان ٥٨، ستودگی ٦١

~: وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ (١٧:٤٤)
ستودن ٣٤، سَپاس ٥٧

~: يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ (١٧:٥٢)
سِتایش ٥٥

~: وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ (٢٥:٥٨)
سپاس ١، سپاس داری ٤٦، ثنا ٥٣، فرمان ٥٨

حُمُرٌ: كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنفِرَةٌ (٧٤:٥٠)
گوران ١، خران ٢، گورخران ٦، خران دشتی ٤١، گور ١١٠، خَران ١٣٨

حُمْرٌ: وَمِنَ ٱلْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ (٣٥:٢٧)
سرخ ١، صُرخان ٢، سرخان ٣٠، صرخ ٤١، خونی سرخ ٤٢، سُرْخ ٥٣، سرخها ٨٦، سُرخ ١٢٤

حَمَلَ: وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا (٢٠:١١١)
ورداشت ١، بیاورد ٢، بار کرد ٣، کرد ٤٢، بر گرفت ٧٦

حِمْلُ: وَلِمَن جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ (١٢:٧٢)
وار[1] ٣٠، یک خروار ٧٦

★ حِمْلُ بَعِيرٍ: وَلِمَن جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ (١٢:٧٢)
باراشترواری ٢، شتروار ٣، اشتروار ٤٣، یک اشتر از بار ٤٩، شُتروَار ٥٥، یک خروار اشتر ٥٦، یک اشتوار ٧٢، باراشتروار ٩٤، یکشتروآر ١٠٠

حُمِّلَ: فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ (٢٤:٥٤)
ورنهاده شد ١، بر روی نهاده‌اند ٢، نهاده‌اند بروی ٢٤، بر گرفت ٣٠، بروی نهاد بار ٤١، برداشت ٤٣، بَرو نهادَند ٥١، برداشته ٥٦، نهادند ٦١، برنهاده‌اند ٧٦، بار کرده شد ٩١، برداشته بود ١٠٠، برنهادند ١٠٨، برداشته شده ١١٤، برنهادندش ١١٩، نهادند برو ١٣٨

حَمْلاً: حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا (٧:١٨٩)
بار ١، بار برداشتن ٤٩، بآر ١٠٠، بارگرفتن ١٠٢

حَمْلٍ: وَإِن كُنَّ أُولَاتِ حَمْلٍ (٦٥:٦)
بارهاً ٣٠، آبِستنی ٤٢، آبستن ٨١، آبستنی ١٠٥

★ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ: وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ (٢٢:٢)
هرتنی که بار دهد ٣٤

حِمْلًا: وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَامَةِ حِمْلًا (٢٠:١٠١)
بَار ٢، بار بار گناه ٤١، بارداشتن ٤٢، بار بزه ٥٦، بار برداشتن ٥٨، بارگران ١٠٨

حَمَلَتْ: إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا (٦:١٤٦)
برْداشت ٢، برداشته بود ١٠، بردَاشت ٤٢، برداشته باشد ٤٤، برداشتند ٦١، بردارد ٧٦، برد آشت ١٠٠، بردارند ١٠٦

~: حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا (٧:١٨٩)
بار گرفت ١، بار گَرفت ١٠، بار ورگرفت ٢٩، آبستن شد و برداشت ٧٩، برداشتی ٩٠، باردار شد ١٠٤

حُمِلَتِ: حُمِلَتِ ٱلْأَرْضُ وَٱلْجِبَالُ (٦٩:١٤)
ورداشته شهد[2] ١، برداشته شود ٢، بارکرده شود ٣، بردارند ٢٤، برگیرند ٢٩، برداشته شد ٦١، برکرده

---

١. وار/ بار.
٢. ورداشته شهد/ ورداشته شد.

شود ۹۱

حُمِّلْتُمْ: وَعَلَيْكُم مَّا حُمِّلْتُمْ (۲۴:۵۴)
ورنهاده شدید ۱، بر شما نهاده‌اند ۲، بار کرده شدیت ۳، نهاده‌اند بر شما ۲۴، برگرفتید ۳۰، برداشتید ۴۲، نَهادَند بَر شما ۵۱ برداشته شدید ۵۶، برنهاده شدید ۵۸، نهادند ۶۱، نهاده‌اند شما را ۷۶، برنهاده شد بر شما ۷۷، بر شما نهاده شد ۹۴، برداشته باشید ۱۰۰، فرموده شده‌اید ۱۰۲، برشما نهادند - بر شما کار بستن است ۱۰۸، بارکرده شده‌اید ۱۱۱، بر نهادند شما را ۱۱۹

حَمَلَتْهُ: فَحَمَلَتْهُ فَانتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا (۱۹:۲۲)
بار برگفت ۲، بار برداشت ۳۴، بار بگرفت ۵۲، برگرِفت ۵۳، بابار شد ۸۰، باردار گردانید ۹۶، بارشد ۱۲۱

~: حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ (۳۱:۱۴)
ورداشت ۱، برگرفت ۱۴، بارداشت ۳۹، برگرفته ۴۷، برداشت ۶۱، برداش تش ۸۰، برداشت بار ۱۳۲

~: حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا (۴۶:۱۵)
بارْ برداشت ۲، برداشت ۳، برمی‌داشت بار ۶۴، برد ۹۲، برداشته است ۱۰۳

حَمَلْتَهُ: كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا (۲:۲۸۶)
ورنهادی ۱، بَرْنهادی ۲، نهادی ۳، برنهادی ۱۰، نهادی تو ۲۷، بارکردی ۲۸، برنهاده بودی ۲۹، بنهادی ۴۱، بارنهادی ۵۲، بَارکردِی ۵۵، برگرفتی ۶۳، نهاد ۷۵، برنهادِی ۹۴، برنهادی تو ۹۶، نهآدی ۱۰۰، نهاده ء ۱۳۸

حَمَلْنَا: ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ (۱۷:۳)
برداشتیم ۲، برنشاندیم ۳، ورداشتیم ما ۲۴، ورگرفتیم ما ۲۹، بَرنشَانیدیم ۵۵، برداشتیم ما ۵۶، ببردیم ما ۵۷، نشاندیم ۶۳، درنشآندیم ما ۱۰۰، درنشانیدیم ۱۳۴، بارگردانیدیم ۱۳۶

~: وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ (۱۹:۵۸)
ورداشتیم ۱، برداشتیم ۲، برگرفتیم ۲۴، برگرفتیم ما ۲۹، ما برگرفتیم ۴۲، بَرداشْتیم ۵۳، درنشاندیم ما ۱۰۰، برنشاندیم ما ۱۱۷، سوار کردیم ۱۳۲

~: أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (۳۶:۴۱)
بارکردیم ما ۱۳۲

حُمِّلْنَا: وَلَٰكِنَّا حُمِّلْنَا أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ (۲۰:۸۷)
فرموده شدیم به برداشتن ۳، برداشته بودیم ۲۴، ورگرفتیم ۲۹، ما برداشتیم ۳۴، بَرْداشتیم ۵۳، برنهاده شد برما ۷۹، برداشتیم ۸۶، برداشتیم ما ۱۰۰، بارکرده شده بودیم ۱۲۲

حَمَلْنَاكُمْ: إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ (۶۹:۱۱)
ورداشتیم ۱، برداشتیم ۲، برنهادیم ۵۲، برنشاندیم ۸۰، برداشتیم ما ۹۲، درنشاندیم ما ۱۰۰، بارکردیم ۱۳۶

حَمَلْنَاهُ: وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلْوَاحٍ (۵۴:۱۳)
ورداشتیم ۱، برداشتیم ۲، برنشاندیم ۳، برنهادیم ۲۹، سوارکردیم ۶۴، برنشانیدیم ۸۰، برداشتیم ما ۹۹، درنشاندیم ما ۱۰۶

حَمَلْنَاهُمْ: وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ (۱۷:۷۰)
ورداشتیم ۱، برداشتیم ۲، برنشاندیم ۳، برداشتیم ۸، برگرفتیم ۳۴، برداشتیم ما ۶۱، سوار کردیم ما ۶۴، برنشانیدیم ۹۲، درنشآندیم ۱۰۰، سوار کردیم ۱۰۲، درنشاندیم ۱۰۶، برداشتیم - سوار کردیم ۱۱۶، برداشتیم ما ۱۳۹

حَمْلُهُ: وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ (۴۶:۱۵)
ورداشت[1] ۱، برداشتن ۲، برگرفتن ۶۱، درشکم داشتن ۱۰۰

---

۱. ورداشت / برداشت.

حَمَلَهَا: وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا ٱلْإِنسَـٰنُ (۳۳:۷۲)
بَرداشت ۲، برداشت ۷، بر گرفت ۲۹، بپذیرفت ۳۹

حِمْلِهَا: وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا (۳۵:۱۸)
بار ۱، برداشتن ۴۱

حُمِّلُوا: مَثَلُ ٱلَّذِينَ حُمِّلُوا ٱلتَّوْرَىٰةَ (۶۲:۵)
ورنهاده شدند[۱] ۱، برنهادند برایشان ۲، داده شدند ۳، بر ایشان نهادند ۲۹، برگرفته شوند ۳۰، برگرفتند ۳۸، برنهادندشان ۴۱، نهادند برایشان ۵۶، فرموده شده‌اند که کار کنند ۶۷، بردارند ۸۱، بار کرده شدند ۹۱، برداشتند ۱۰۰، برنهادند ایشانرا ۱۰۸، برداشته شدند ۱۱۹، بار کرده شده‌اند ۱۳۰، باردار شده‌اند ۱۳۶

حَمُولَةً: وَمِنَ ٱلْأَنْعَـٰمِ حَمُولَةً وَفَرْشًا (۶:۱۴۲)
باربان ۱، بار برندگان ۲، شتران بارکش ۳، اشتران و گاوان بارکش ۱۰، بار بردارندگان ۲۷، آنچه باربرش نهند ۲۹، بار برندگان ۴۲، سُتوران بارکَش ۵۵، اشتران بارکش ۵۶، آنچه بار برنهند ۶۲، اشتران بارکش و خران و گاوان ۶۷، بار ۶۹، ببار آمده ۷۴، شتر بارکش ۷۶، بار را شاید ۷۹، اشتران و گاوان ۹۲، بار برداشتن ۹۹، بارکش ۱۰۲، بارکشان ۱۰۳، اشتر بارکش ۱۰۹، بردارنده بار ۱۱۶، بارکشنده ۱۲۰، بار برداران ۱۲۲، باردار ۱۳۵، بارکش شتر ۱۳۶

ٱلْحَمِيَّةَ: ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلْحَمِيَّةَ (۴۸:۲۶)
ننگ ۱، گرمی و ستیزه ۲، نام و ننگ ۳، ستیزه ۱۷، ننگ داشتن ۳۹، ننگ و خشم ۶۵، ننگ و کینه ۶۷، خشم ۸۷، رشک ۱۰۲، گرمی و تپش و ستاوه[۲] ۱۰۸، کینه ۱۲۶

حَمِيدٌ: وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ غَنِىٌّ حَمِيدٌ (۲:۲۶۷)
اندگی ۱۰، سُتوده ۵۵، ستوده کار ۹۰، ستاینده ۱۲۰

~: إِنَّهُۥ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ (۱۱:۷۳)
سُتوده ۵۵، پسندیده ۶۵

~: إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَمِيدِ (۱۴:۱)
ستوده ۲، بستود ۷ مکرّر، ارجمند و ستوده ۷۲

~: فَإِنَّ ٱللَّهَ لَغَنِىٌّ حَمِيدٌ (۱۴:۸)
سُتوده ۵۳

~: وَهُدُوٓا۟ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلْحَمِيدِ (۲۲:۲۴)
سزاوار ستودن ۶۲، پسندیده و ستوده ۹۴

~: وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلْغَنِىُّ ٱلْحَمِيدُ (۲۲:۶۴)
ستوده ۱، ستوده کردار ۱۱۱

~: وَيَهْدِىٓ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَمِيدِ (۳۴:۶)
بی همتا - ستوده ۱۰۹

~: تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (۴۱:۴۲)
سپاس دار ۵۳

~: هُوَ ٱلْوَلِىُّ ٱلْحَمِيدُ (۴۲:۲۸)
سُتوده ۳۲، ستوده - سزاور ستایش ۱۰۹

~: فَكَفَرُوا۟ وَتَوَلَّوا۟ ۚ وَّٱسْتَغْنَى ٱللَّهُ ۚ وَٱللَّهُ غَنِىٌّ حَمِيدٌ (۶۴:۶)
بسیار ستوده شده ۱۳۶

~: أَن يُؤْمِنُوا۟ بِٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَمِيدِ (۸۵:۸)
استوار کار ۸۰

حَمِيدًا: وَكَانَ ٱللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا (۴:۱۳۱)
سُتوده ۵۳، ستوده شده ۱۰۲

ٱلْحَمِيرَ: وَٱلْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً (۱۶:۸)
درازگوشان ۳۶، خَران ۶۲، خرها ۷۲، خرآن ۱۰۰، الاغ ها ۱۳۶

~: إِنَّ أَنكَرَ ٱلْأَصْوَٰتِ لَصَوْتُ ٱلْحَمِيرِ (۳۱:۱۹)

---

۱. ورنهاده شدند / برنهاده شدند.

۲. ستاوه: مکر و حیله و فریب.

خران ۱، خر ۲، دراز گوش ۱۱٦

حَمِيمًا: وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا (۴۷:۱۵)
گرم ۱، جوشان ۳۹، آب جوشیده ٦٤، نیک گرم ۹۱، نیم گرم ۹٤

~: إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا (۷۸:۲۵)
آب جوشنده ۲۹، آب جوشانیده ۴۲

حَمِيمٌ: لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ (٦:۷۰)
رویِ گداخته ۹، زرد گاب دوزخیان گرم و جوشان ۱۰، آب جوشیده و گرم ۵۳، آب گرم ۵۵، زرداب از آب گرم جوشان ۵۸، گرمای دوزخ ٦۵، آب گرم جوش ۱۱٤

~: لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ (۱۰:٤)
آب گرم ۲، چیز گرم ۳٤، سوزان آب ۳۹، آب گرم و سوزان ۵۸، آب بسیار گرم ۱۲۰

~: مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ (۲۲:۱۹)
آب جوشان آب گرم سوزان ۱۰۹، آب گرم جوشیده ۱۳۸

~: فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ (۲٦:۱۰۱)
دوست ۱، دُوست ۲، خویشاوند ۲۰، اندوه بر ۲٤، خوش ۲۹، مهربان ۳۰، دل سوز ٤۷، گرم رو ۵۸، مهربان ٦۱

~: ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ (۳۷:٦۷)
آب جوشان ۲۲، آب گرم جهنم ٤۱، آب گرم ٦۱

~: فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ (۳۸:۵۷)
آب گرم سُوزان ۲، گرمی گرم ۳٤، آب جوشان ۵۳، آب گرم وریم ۹۸

~: مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ (٤۰:۱۸)
خُویشاوند ۲، دوُستی ۵۳، دوست و خویش نزدیک ۵٦، خویش و دلسوز ۱۰۲، خویش - دلسوز ۱۰۹

~: فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ (٤۰:۷۲)
آب سوزان ۲، روی گداخته ۵۳، آب گرم جوشیده ۵۸، دوزخ ٦۱، زهراب و خوناب ٦۷، آتش سوزان ۱۰۸، دوزخ ۱۱۹

~: كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ (٤۱:۳٤)
مهربان نزدیک ۲، سخن دوُست ۲۲، خویشاوندان ۳۰، نزدیک ۳٤، دل سوز ٤۳، خویشاوند نزدیک ۵٦، سخت دوست ۸۸، خویش مهربان دلسوز ۱۰۹، یاور ۱۳۲، خویش اوند ۱۳٦

~: كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ كَغَلْيِ الْحَمِيمِ (٤٤:٤٦)
آب گرم سوزان ۳، آب جوشنده ٤٤، آبگرم ۸۱

~: صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ (٤٤:٤۸)
سوزان ۳۹، گرم و درد کننده ٤٤

~: يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ (۵۵:٤٤)
چرک بسیار گرم ۱۳٦

~: فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ (۵٦:۵٤)
آب گرم جوشان ۳۹

~: فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (٦۹:۳۵)
خویش نزدیک ۳، خویش سودمند ٤۱، خویشاوند و دوست ۵٦، خویش و دوست مشفق ۷۹، خویشی نزدیک ۸۰، دوست و خویش ۱۰۲، خویش و دوست ۱۰۹

~: وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا (۷۰:۱۰)
خویش ٦، خویشاوندی ۲٤، خویشان ۳٤، خویشی ۹٦

اَلْحَنَاجِرَ: وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ (۳۳:۱۰)
نایها گلو ۳، گلوها ۱٤، گلو ۲٤، میان گلوها ٤۳، گلوها ۵۳، سَرنای گلوها ۵٦، نزدیک گلو ٦۱، نایهای گلو ۸۰، سرهای گلو ۸٦، چنبر گردن ۱۰۰، گلوگاهها ۱۰۹

~: لَدَى ٱلْحَنَاجِرِ كَٰظِمِينَ (٤٠:١٨)
گلوُها ٢، نای گلو ٣، سَرنای گلوها ٥٦، بن گلو ٨٧، گلوگاه ٨٨، پایها گلو ٩١، چنبرهای گردن ١٠٠

حَنَانًا: وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَوٰةً (١٩:١٣)
مهروانی[1] ١، مهربانی ٢، بخشایش ٣، بخشودن ٢٩، مهربان ٦٧، خشنودی ١٠٦، ببخشودن ١٣٨

ٱلْحِنْثِ: وَكَانُوا۟ يُصِرُّونَ عَلَى ٱلْحِنثِ ٱلْعَظِيمِ (٥٦:٤٦)
گنه ١، گناه ٣، گناه و بزه ٣٠، سوگند ٣٨، دروُغ ٤٢، بزه ٥٢، سوگند شکستن ٦١، سوگند بدروغ کردن ٦٩، دروغ ٨٧، گناهان ١٠٠

حُنَفَاءَ: حُنَفَآءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِۦ (٢٢:٣١)
پاکان ١، پاک و استوار ٤١، راست ایستادگان ٤٢، پاک گشتگان ٤٣، راست شده ٧٦، گرایندگان از کیشهای بد ٨٠، گرایندگان از کیشهاء بد ٩١، راست آهنگان ١٠٢، راست باشندگان ١٠٣، راست دینان ١٠٩

~: مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ (٩٨:٥)
پاکیزگان ٢، بازگشتگان از کیشهاء بد ٩١، پاک ٩٢، بازگشتگان ١١٤، میل کنندگان ١٣٠، برگردندگان از کجیها ١٣٢، گردن نهندگان ١٣٩

حَنِيذٍ: أَن جَآءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ (١١:٦٩)
بریان ١، بریان کرده ٢، بریان کردَه ٤٢، بَریان ٥٥، نیم پخته و بریان ٥٧، بریان گرم ٦٢، نیم بریان ٦٣، بریا کرده[2] ٦٧، بریان کرد ٧٤، پخته بریان ١٠٢، بریان کرده شده ١١٦، در زیر سنگ پخته ١٣٥

حَنِيفًا: قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَٰهِۦمَ حَنِيفًا (٢:١٣٥)
پاکیزَه ١٠، گشته از کیشهای بد ٨٠، راست پاکیزه ٨٣، پاکیزه‌تر و بهتر ٨٦، راه راست ١٠٣، گشته ١٠٩

~: وَلَٰكِن كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا (٣:٦٧)
پاک ١، گرایسته از کیشها بد ٣، پاکیزه ٤٢، گرایستَه از کیشهاءِ بَد ٥٥، راست رو ٧٦، برگشته از کیشهای بد ٨٠، یکی گوینده ٩٢، گشته از همه دینهای بد ١٠٩، گرایسته از کیشهای بد ١١٩

~: فَٱتَّبِعُوا۟ مِلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا (٣:٩٥)
گرایسته از کیشهاء بد ٣، گزیده ٢٤، راست ایستاده ٤٨، چسبیده از دینها ٤٩، گرایِشْتَه از کیشَهاء بَد ٥٥، دین برور ١٠١، پاک گشته ١١٢، گرایستید از کیشهای بد ١١٩

~: وَٱتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا (٤:١٢٥)
برگزیده ٣٤، گَرایسته اَز کیشَهای بَدْ ٥٥، گشته از کیشهاء بد ٨٠، پاک و راستَ آهنگ ١٠٢، برگردنده ١٠٩، گرایسته از کیشهای بد ١١٩

~: فَطَرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ حَنِيفًا (٦:٧٩)
پاکیزه ٢، گرایسته از کیشهاء نادرست ٣٠، گَرایسته اَز کیشَهاء بد ٥٥، دین پاک ٧٨، برگردیده ١٠٩، گرایسته از کیش بد ١١٩

~: مِّلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا (٦:١٦١)
گَرایسته از کیشَهایِ بَدْ ٥٥، بگشته از همه کیشها ١٠٢، پاکیزه‌تر ١٠٧

~: وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا (١٠:١٠٥)
پاکیزَه ٢٧، پاک دین ٢٩، راست و پاکیزه ٥٧، گشته از همه دینها ٥٩، یکتا ٦٩، بگشته ١٠٢، بر یکسو از شرک ١٠٩

~: كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِّلَّهِ حَنِيفًا (١٦:١٢٠)
پاکْ ٢، پاکیزَهْ ٥٣، گرایسْته از دینَهایِ کَژ ٥٥،

---

١. مهروانی / مهربانی.
٢. بریاکرده / بریان کرده.

گرایسته از دینهاء کژ ۸۰، راست آهنگ ۱۰۲، شایسته ۱۲۱

~: أَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا (۱۶:۱۲۳)

راستان ۱۰۳، گرونده ۱۱۱

~: فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا (۳۰:۳۰)

پاک ۲، راست ۳، پاکیزه ۱٤، پاک و گشته از دینهای بد ۱۰۲

اَلْحَوَارِيُّونَ: قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ (۳:۵۲)

یاران [عیسی] ۳، گازران ۲۵، سپید جامگان ۲۷، یاری گران ۲۸، یاران عیسی ٤۳، کارران ۷۵، یاران ۸۰، یاران برگزیده ۱۰٤، برگزیدگان ۱۳۳، گازران ۱۳۸

~: إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ (۵:۱۱۲)

دوستان ۵۸

~: قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ (۶۱:۱٤)

یاران ۱۰۰، یاران گزیدگان ۱۳۹

اَلْحَوَارِيِّينَ: وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ (۵:۱۱۱)

یاران ۲، یاریگران عیسی ۳، گازران ۹، یاران عیسی ۲۷، یاری گران ۳۰، گازران ٤۵، یاری گران [عیسی] ۵۵، یاران برگزیده [عیسی] ۵۶، دوازده گازر ۷۲، یارآن ۹٤، گازر ۹۸، سپید جامه گان ۱۰۹

~: كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ (۶۱:۱٤)

یاران گزیده ۵۶، یاران برگزیده او گازران ۷۹، سپید جامگان ۹۲، گازرآن ۱۰۰، گزیدگان ۱۰۹، گرویدگان ۱۳۹

اَلْحَوَايَا: مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا (۶:۱٤۶)

چرب رودیها ۱، چَربْ رُودیها ۲، چرب رَویها ۱۰، رودگانی ۲٤، چرب رودهها ۲۷، شکنبه ۳٤، چرب روده ۳۶، رودکانیها ٤۲، چرب رودهها ٤۳، رودگانیها ۵۲، پیه رودگان ۵۳، چَربْ رودَها ۵۵، چربی رودگانیها ۵۶، گرده پیه ۵۸، بوگان[1] ۶۷، چرب رویه[2] ۷۸، چرب رودها ۷۹، چرب رودی ۸٤، بشکنبه بازگرفته ۸۸، چرب رودهاء ۹۰، میانجی بوگان ۹۲، برودودها[3] ۹۵، روده ۹۶، رودگانها ۱۰۳، رودگان ۱۰٤، چربی که برودهها چسبیده ۱۲۰، رودها ۱۲۱، آن چربی که بر دلها است ۱۲۳، روده گانیها ۱۲۵، چربی رودها ۱۳۶

حُوبًا: إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا (٤:۲)

بزه ۱، بَزه و گناه ۲، گناه ۳، گناه و بَزه ۱۰، گُناه ۵۵، بزه کاری ۶٤، بزه و گناه ۹۸، گناه ۱۰۰

اَلْحُوتَ: فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ (۱۸:۶۳)

ماهی ۱، ماهی ۲، مَاهِی ۵۵

~: وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ (۶۸:٤۸)

مَاهی ۲

حُوتَهُمَا: نَسِيَا حُوتَهُمَا (۱۸:۶۱)

ماهی ۳

حُورٍ: وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ (٤٤:۵٤)

زنان ۲٤، کنیزکان ۳۰، زنان سپیدروی ۵۶، پریان ۶۷، کنیزکان سپید پوستان ۱۰۸، کنیزکان سفید پوستان ۱۲٤

~: وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ (۵۲:۲۰)

زنان سپید ۲٤، سپیدرویان ۵۶، سیاه ۱۳۹

~: حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (۵۵:۷۲)

---

۱. بوگان: زهدان و رحم.

۲. چرب رویه / چر روده.

۳. در اصل: «برو دودها» خوانده می شود که اگر خطای کاتب نباشدمی تواند صورت دیگر باشد از پی و رودهها / پیه و رودهها.

سپیدان ۲، زنان سیاه چشم ۳، سپید روی ۲٤، سفیدی چشم سخت سفیدی و سیاهی سخت سیاه ۳۰، سپیده چشم سپید و سیاهه ء سیاه ۳۵، سیه چشمان ۵۲، سپید پوستان ۵۳، زنان سیاه چشمان ۸۰، سفیدان سیاه چشمان ۹٤، سفیدان ۹۸، فراخ چشمان ۹۹، زنان نیکو چشم ۱۰٤، سیاه سیاه چشم و سپید ۱۰۸، زنان سفید اندام سیاه چشمان ۱۱۱، سفید رویان ۱۲۰

~: وَحُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ (۲۲:۵٦)
کنیزکان سپید ۲٤، کنیزکان سفید پوست و فراخ چشم ۳۰، زنان سیاه چشم و فراخ چشم ۳۹، جفتان سپید روی ٤۱، سیاه چشمان ٤۹، زنان سیاه چشمان فراخ چشما[ن] ۸۰، سیاه چشم سپید پوست ۸۸، سیاه چشمان ۹۲، زنان سفید روی گشاده چشم ۱۰۳، کنیزکان سپید پوست فراخ چشم ۱۰۸، زنان سفید اندام فراخ چشم چشم سیاه ۱۱۱، زنان سیاه چشمان پهن چشمان ۱۱٤، زنان سفید اندام فراخ چشم ۱۱٦، سپید رویها ۱۳۹

★ حُورٌ عِين: وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ (٥٤:٤٤)
زنان سیاه چشمان ۳، زنان نیکو چشم ۲۹، زنان سیاه چشم با فراخی فراخ چشم ۳۹، سپید رویان فراخ چشم ٤۱، سیاه چشم فراخ چشم ٤٤، خوب رویان فراخ چشم ٦٤، زنان سیاه چشمان فراخ چشمان ۸۰، زنان سفید رو و فراخ چشم ۱۱۱، زنان سفید گشاده چشم ۱۳۰

~: وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ (۲۰:۵۲)
سیاه چشمان ۳، زنان نیکو چشم فراخ چشم ۲۹، سیاه چشمانی چشم آوران ۳۹، کنیزکا[ن] سیاه چشم و فراخ چشم ٤۹، خوب روی سیاه چشم ٦٤، سیاه چشمان فراخ چشمان ۸۰، زنانی که سیاهۀ چشمشان سیاه و سپیده سپید بود ۸٦، سپید پوستان سیاه چشمان ۱۰۸، زنان سفید روی گشاده چشم ۱۱۱، زنان حور نیکو چشمان و فراخ چشمان ۱۱۳، زنان سفید اندام گشاده چشم ۱۱٦، زنان گشاده چشمان ۱۲۳

★حُورٌ مَقْصُورَاتٌ: حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (٥٥: ۷۲)
سپیدان و سیاه چشمان زرد پیرایه بازداشتگان ۳۹، سیاه چشمان باشند که در هیچ کس ننگرند ٤۹، سیاه چشمان بازداشته ۹٦

حَوْلَ: مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ (۲: ۲٤۰)
سال ۱، سَال ۲، یک سَال ۲۷، سأل ۱۰۰، یکسال ۱۲۲

~: ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا (۱۹: ٦۸)
گِرد ۲، گِرْدْ بَر گِرْد ۵۳، گرداگرد ۸۰، گرد ۹٦، پیرامون ۱۰۰

~: حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ (۳۹: ۷۵)
گرداگرد ٤۲، کناره ۹٦

حِوَلاً: لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا (۱۸: ۱۰۸)
گشتن ۱، بشدن ۲۹، گردیدن ۳۸، گشتن و جدا ٤۱، برگشتن ٤۲، گردیدن و بیرون آمدن ٤٤، گشتَن ۵۵، گردش ٦۱، جای دیگر ۷٦، گردانیدن ۹۰، بیرون آمدن ۱۰۰، گشت ۱۳۹

حَوْلِكَ: لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ (۳: ۱۵۹)
گرداگرْد ۲، نزدیک ۱۰، گردامون ۳۹، گِردَاگِرْد ۵۵، گردواگرد ۷٦، گرد برگرد ۷۹، گرداگرد ۸۰، گرد ۸۲، پیرامون ۸۹، گِردواگرد ۱۰۵، پیرامن ۱۰۹، گرد گرد ۱۱۱، نزد ۱۲۳

حَوْلَكُمْ: مِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ (۹: ۱۰۱)
گرْد برگرد ۲، گردشها ٤۱، گِرد بَرگِرْد ۵۵، پیرامن ۷٦، گرداگرد ۷۹، گردبرگرد ۸۰

~: وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُم (٤٦: ۲۷)
گِرد بر گِرد ۲، گرْداگرد ۲۲، پیرَامن ۵۱، گرد ۷۸، گِرد برگرد ۱۰۲، گرداگرد ۱۱٤، دور ۱۳٦

حَوْلَهُ: فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ (۲: ۱۷)

گِرْد بر گِرْد ۲، گرد درگرد ۸۰، گرد برگرد ۸۲، پیرامُون ۸۹، گِرد بر گِرد ۹۰، گردویست ۱۲۳

~: إِلَى ٱلْمَسْجِدِ ٱلْأَقْصَا ٱلَّذِی بَٰرَكْنَا حَوْلَهُۥ (۱۷:۱)
پیرامون ۱، گرداگرد ۲، پیرامن ۴۲، گِرْد بر گِرد ۵۳، گِرْدا گِرْد ۵۵، گرد بر گرد ۷۹

~: قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُۥٓ أَلَا تَسْتَمِعُونَ (۲۶:۲۵)
بنزدیکی ۴۷، گرد ۸۸، گرد ۹۰

~: عَلِیمٌ قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُۥٓ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ (۲۶:۳٤)
پیرامن ۲، بر گرد ۷۶، گِردا گِرد ۹۰

~: ٱلَّذِینَ یَحْمِلُونَ ٱلْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُۥ (۴۰:۷)
گرداگِرْد ۲۲، گِردبر گرد ۹۰

حَوْلَهَا: وَلِتُنذِرَ أُمَّ ٱلْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا (۶:۹۲)
پیرامون ۲، گردور گرد ۱۰، گردواگرد ۲۴، گِرد ۵۳، گرداگرد ۷۹، پیرامون ۸۵، گِردبر گرد ۹۰، پیرآمون ۱۰۰، گرد گرد ۱۰۲

~: أَنۢ بُورِكَ مَن فِی ٱلنَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا (۲۷:۸)
گِردَاگِرد ۲، گردبر گرد ۳، گرد بر گرد و پیرامن ۱۰۹

~: لِّتُنذِرَ أُمَّ ٱلْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا (۴۲:۷)
گِرْداگِرد ۲۲، گِرْدبر گرد ۵۳، پیرامن ۸۱

حَوْلَهُمْ: وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ ٱلْأَعْرَابِ (۹:۱۲۰)
گرد گرد ۱۳، گرد ۲۴، گرداگِرد ۶۲، گرداگرد ۸۰، گِردبرگرد ۱۰۵، پیرامون ۱۰۶، گِرداگِرد ۱۱۲، گردواگر ۱۱۳

~: وَیُتَخَطَّفُ ٱلنَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ (۲۹:۶۷)
پس ۲۹، جایگاهها ۳٤، پیرامون ۳۸، گردبرگرد ۷۹

حَوْلَیْنِ: وَٱلْوَٰلِدَٰتُ یُرْضِعْنَ أَوْلَٰدَهُنَّ حَوْلَیْنِ (۲:۲۳۳)
دو سـال ۱، دُوسـالْ ۲، دُوسـال ۱۰، دُوسـال ٤۲، دُوسَال ۵۵

حَیٍّ: وَیَحْیَىٰ مَنْ حَیَّ عَنۢ بَیِّنَةٍ (۸:٤۲)
بزیست ۱، زنده ماند ۳، زندَه بَماند ۱۰، بزید ٤۲، زنده مانده ۵۸، زنده شود ۶۱، زنده گردد ۹۳، زنده شد ۱۰۰، بزیست ـ بماند ۱۰۹، زیست ۱۱۲، زنده مانْد ۱۱٤، زنده است ۱۲۱

حَیُّ: ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْحَیُّ ٱلْقَیُّومُ (۲:۲۵۵)
زنده ۲

~: وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱلْحَیِّ ٱلَّذِی لَا یَمُوتُ (۲۵:۵۸)
زنده ۷۶، زند گی ۱۰۸

★ حَیُّ الْقَیّومُ: إِلَّا هُوَ ٱلْحَیُّ ٱلْقَیُّومُ (۲:۲۵۵)
زنده کِش هرگز مرگ نباشد ۱۰، زندهٔ همیشه ٤۱، زنده که نمیرد ۸٤، زندهٔ که نمیرد ۱۲٤

~: إِلَّا هُوَ ٱلْحَیُّ ٱلْقَیُّومُ (۳:۲)
زنده بی مرگ ۹۲، زنده همیشه ۹۵

~: وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱلْحَیِّ ٱلَّذِی لَا یَمُوتُ (۲۵:۵۸)
زندهٔ پاینده ۱۳۲

حَیًّا: وَیَوْمَ یُبْعَثُ حَیًّا (۱۹:۱۵)
زنده ۱، زند گی ۵۸

~: لِّیُنذِرَ مَن كَانَ حَیًّا (۳۶:۷۰)
زنده دل ۱۰۶

حَیاةٌ: إِلَّا خِزْیٌ فِی ٱلْحَیَوٰةِ ٱلدُّنْیَا (۲:۸۵)
زند گانی ۱۰

~: وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ ٱلنَّاسِ عَلَىٰ حَیَوٰةٍ (۲:۹۶)
زند گانی این جهانی ٤۰

~: وَلَكُمْ فِی ٱلْقِصَاصِ حَیَوٰةٌ (۲:۱۷۹)
زند گانی کردن ۵۶، زند گی ۷۵

~: ذَٰلِكَ مَتَٰعُ ٱلْحَیَوٰةِ ٱلدُّنْیَا (۳:۱٤)
زنْد گانی ۹٤

~: مَثَلُ مَا یُنفِقُونَ فِی هَٰذِهِ ٱلْحَیَوٰةِ ٱلدُّنْیَا (۳:۱۱۷)

زنده گانی ۱۰۱

~: فَمَا مَتَاعُ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا (۹:۳۸)

زندگانی ۵۵

~: فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَوٰةً طَيِّبَةً (۱۶:۹۷)

زیستن ۹۲، زندگانی دادن ۹۳

~: لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَوٰةِ (۱۷:۷۵)

این زندگانی ۱۳۹

~: تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا (۱۸:۲۸)

زندگانی ۱

~: وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا (۲۳:۳۳)

زندگانی ۲

~: وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَوٰةً (۲۵:۳)

زنده کردن ٦۲، زندگی دادن ۹٦، زیستن ۹۸، زنده گردانیدن ۱۱۳

~: يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَوٰةِ (۳۰:۷)

زیست ٦۱

~: لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا (٤۳:۳۵)

برخورداری ۵٦

حَيَاتِكُمْ: أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا (٤٦:۲۰)

زیستن ٦۱، زندگانی ۱۲۳

حَيَاتُنَا: إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا (٦:۲۹)

زندگانی ۱

لِحَيَاتِي: يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (۸۹:۲٤)

زندگانی ۱۲٤

حَيَّةٌ: فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ (۲۰:۲۰)

مار ۱، اژدها ۱۱۵

حِيتَانُهُمْ: إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ (۷:۱٦۳)

ماهیان ۱، ماهیها ۲۷، ماهیان ۵۵، ماهیها ٦۲، ماهی

۱۳٦

حَيْثُ: وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا (۲:۳۵)

هر جا ۳، هر کجا که ۲۹، هرجا ۵۵، چنانکه ٦٤، از آنجا ۹۰، مر چونکه ۹۹

~: فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا (۲:۵۸)

آنچه ٤، هر آنجا ۲۹، هرکجا ۵۵، جایی ۹۹، هرچیز ۱۳٦

~: وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ (۲:۱٤٤)

هر کجا ۱۰، هر جا که ۲٤

~: وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ (۲:۱٤۹)

هر سو ۱۰، هر سوی ٤۰، هر کجا ۵۳، هر آن جا ۱۰۱

~: وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ (۲:۱۵۰)

هر کجا ۵۵

~: وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ (۲:۱۹۱)

هر جا ۵۷، هر آنجا که ۷۵، جایی که ۱۳۵

~: مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ (۲:۱۹۹)

آن جایگاه ۱۰، انجا که ٦۳

~: فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ (۲:۲۲۲)

آنجا که ۳، آنجا که ۲۷، چنان که ٦۳

~: وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ (٤:۸۹)

هر جای ۲۷

~: فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا (۷:۱۹)

هر چه ٦۱

~: مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ (۷:۲۷)

آنجایگاه ۵۳، آن سو که ۹٦

~: يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ (۱۲:۵٦)

کجا ۱، هر کجا ۵۵، بهر جا که ۹۲، هر کجا ۱۰۰

~: وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ (۱۲:٦۸)

آنجا ٥٥، آنجا ٧٦، آنجا که ١١١

~: وَٱمۡضُواْ حَيۡثُ تُؤۡمَرُونَ (٦٥:١٥)
هر کجا ٢، هر چونکه ٦١، آنجا ٩٤

~: أَوۡ يَأۡتِيَهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُونَ (١٦: ٤٥)
آنجا ٢، آن سوی و جایی ٥٨

~: وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ (٢٠:٦٩)
هر کجا ٢، هر کجا ٥٦

~: فَسَخَّرۡنَا لَهُ ٱلرِّيحَ تَجۡرِي بِأَمۡرِهِۦ رُخَآءً حَيۡثُ أَصَابَ (٣٨: ٣٦)
چنانچه ٩٢

~: وَيَرۡزُقۡهُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَحۡتَسِبُ (٦٥:٣)
جایگاه ٢

~: سَنَسۡتَدۡرِجُهُم مِّنۡ حَيۡثُ لَا يَعۡلَمُونَ (٦٨:٤٤)
جا ١٠٢، جای ١٣٦

حَيۡرَانَ: ٱسۡتَهۡوَتۡهُ ٱلشَّيَٰطِينُ فِي ٱلۡأَرۡضِ حَيۡرَانَ (٦: ٧١)
هکوی[1] ١، فُروماند ٢، سر گردان ٣، هَلهُوش دل شده بَی راه و گم شده ١٠، فرومانده ٢٦، سر گشته ٣٦، خیره و سر گردان ٤٤، سر بر گشته ٥٣، سَر گردَان ٥٥، درمانده ٥٧، خیره گم شده از راه ٦٧، بی هوش ٧٢، بیهوش ٨٧، سر گرد آن ٩٤، سر گردان کرده ٩٦، شوریده ١٠٢، سر گردان و گمراه ١١١، فرومانده سر گشته ١٨٣

حِيلَ: وَحِيلَ بَيۡنَهُمۡ وَبَيۡنَ مَا يَشۡتَهُونَ (٣٤:٥٤)
بشرده شهد[2] ١، جدا کننده ٢، جدا کرده شد ٣، باز داشته آمده ١٨، جدا کنند ٢٤، باز داشتند ٢٩، جدا کند ٣٠، جدایی افکنده شود ٣٦، جدا کرده شود ٣٩، درآوردند بازداشت ٤١، باز دارند ٥٦، جدایی انداخته شود ٧٩، جدایی انداختند ١١٣

حِيلَةً: لَا يَسۡتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهۡتَدُونَ سَبِيلًا (٤: ٩٨)
چاره ٢، چاره کردن ٣٩، چارَه ٤٢، چَارَه ٥٥، چآره ٩٤، چاره بیرون ١١٠، چاره سازی ١١١

حِينَ: وَلَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُسۡتَقَرّٞ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٖ (٢:٣٦)
نزدیک ١٠، هنگام ٣٦

~: وَٱلصَّٰبِرِينَ فِي ٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَحِينَ ٱلۡبَأۡسِ (٢: ١٧٧)
اندر ٢٩، گاه ٤٢، هنگامه ٨٤، گاه ١٢٥

~: وَإِن تَسۡـَٔلُواْ عَنۡهَا حِينَ يُنَزَّلُ ٱلۡقُرۡءَانُ (٥:١٠١)
هنگام ١، آنگاه که ٣، آن هنگام ٣٧

~: حِينَ ٱلۡوَصِيَّةِ ٱثۡنَانِ ذَوَا عَدۡلٖ مِّنكُمۡ (٥:١٠٦)
گاه ٢، بگاه ٤٨، انگام[3] ٥٧

~: ٱلۡأَرۡضِ مُسۡتَقَرّٞ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٖ وَلَكُمۡ فِي (٧:٢٤)
هنگآم ١٠٠

~: وَمَتَّعۡنَٰهُمۡ إِلَىٰ حِينٖ (١٠:٩٨)
گاهی ٣، گاه مرگ ٢٧، گَاه ٥٥

~: أَلَا حِينَ يَسۡتَغۡشُونَ ثِيَابَهُمۡ (١١:٥)
آنگاه ٣، آنگه ٢٩، آنگه که ٧٦

~: لَيَسۡجُنُنَّهُۥ حَتَّىٰ حِينٖ (١٢:٣٥)
یک چند ٢٤، روزگارها ١٣٦

~: تُؤۡتِيٓ أُكُلَهَا كُلَّ حِينِۭ (١٤:٢٥)
سال ٤١، گَار ٥٥

~: وَحِينَ تَسۡرَحُونَ (١٦:٦)
آنگاه که ٥٥

~: وَأَوۡبَارِهَا وَأَشۡعَارِهَآ أَثَٰثٗا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٖ (١٦: ٨٠)
دیر گاهْ ٥٣، همگام ٥٩، هنگامون ١١٣، دیر گاه

---

١. هکوی: فرومانده و حیران.
٢. بشرده شهد: جدا کرده شود؛ بازداشته شود.
٣. انگام / هنگام.

۱۲٤

~: وَمَتَـٰعٌ إِلَىٰ حِينٍ (۲۱:۱۱۱)
هنگام مرگ ٤۱، یکچندی ٤۳

~: فَتَرَبَّصُوا۟ بِهِۦ حَتَّىٰ حِينٍ (۲۳:۲۵)
زمان ۱۱۱

~: فَذَرْهُمْ فِى غَمْرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ (۲۳:٥٤)
هنگام ٥۳

~: ٱلَّذِى يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ (۲٦:۲۱۸)
آنهنگام ۱۱۱

~: وَحِينَ تُصْبِحُونَ (۳۰:۱۷)
چون ۲، هنگامی که ۱۰۳

~: وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ (۳۰:۱۸)
هنگام ۱۰۰

~: إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتَـٰعًا إِلَىٰ حِينٍ (۳٦:٤٤)
مرگ ۲٤، گه ۳۳

~: فَـَٔامَنُوا۟ فَمَتَّعْنَـٰهُمْ إِلَىٰ حِينٍ (۳۷:۱٤۸)
هنگام ۸۱

~: وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (۵۲:٤۸)
تا هنگامیکه ۱۳٦

~: هَلْ أَتَىٰ عَلَى ٱلْإِنسَـٰنِ حِينٌ مِّنَ ٱلدَّهْرِ (۷٦:۱)
روزگار ۲٤، یکچند ۳۸، گاهی چند ۸۸، روزگار-
هنگام ۱۰۹

حِينَئِذٍ: وَأَنتُمْ حِينَئِذٍ تَنظُرُونَ (۵٦:۸٤)
آن هنگام ۱، آنگه ۲، آنگاه ۳

فَحَيُّوا: فَحَيُّوا۟ بِأَحْسَنَ مِنْهَآ (٤:۸٦)
درود دهید ۱، دُرود باز دهید ۲، دُرود دَهید ٤۲، آفرین کنید ٥۷، درود باز دهید ۹۸، دُرود دهید ۱۰٥، درود کنید ۱۱٤، فروتنی کنید ۱۳۳

ٱلْحَيَوَانُ: وَإِنَّ ٱلدَّارَ ٱلْـَٔاخِرَةَ لَهِىَ ٱلْحَيَوَانُ (۲۹:٦٤)
زندگانی ۱، زندگانی جاودان ۳، خداوندان زندگانی ۱٤، زندگان ۷٦، زندگانی جاوید ۱۰٤، زندگی ۱۱۱، زندگی جاودانی ۱۱٤، جای زندگانی جاوید ۱۲۲

حَيَّوْكَ: وَإِذَا جَآءُوكَ حَيَّوْكَ (۵۸:۸)
درود دهند ۱، سَخُنی گوید ۲، سخنی گویند ۳۰، بستائید ۳۸، بستایند ٤۹، پرسش نمایند ۱۰٤، درود گویند ۱۰۹، درو[د] دهند ۱۱٤

حُيِّيتُمْ: وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٍ (٤:۸٦)
درود داده شید[1] ۱، درُود دهند شمارا ۲، درود داده شویت ۳، درود دهند شمارا ۲۹، درُود دهَند شمارا ٤۲، درود دَهَنْد شمارا ٥۳، دُرود دَاده شَویْت ٥٥، آفرین کنند شمارا ٥۷، درود داده شوید ۷۲، درود دهد ۸۲، درود دهند ۸۳، درود گفته شوید ۱۰۹، درود کنندتان ۱۱٤

---

۱. درود داده شید/ درود داده شوید.



خائبین: أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنقَلِبُوا۟ خَآئِبِينَ (۳:۱۲۷)

نومید شداران[1] ۱، نومید گشتگان ۲، نومید شد گان ۳، نومید ۱۰، نومید و زیان کار ۲۳، زیان کاران ۲۴، شادی نایافته ۲۷، نومید ۲۹، نومیدان ۳۰، نومید شده ۳۶، نومید نومید ۴۰، نومید گشتگان ۴۲، بی بهرگان ۴۹، نومید گشتگان ۵۲، نومید و زیانکار ۵۳، نومید شدگان ۵۵، زیان کاران و نومید شد گان ۶۷، نومید آن ۹۴، نا امید گشتگان ۹۶، نا امیدان ۱۰۱، تهی دستان ۱۰۲، نا امید و زیان کاران ۱۲۴، بی بهره گان ۱۲۶، نامید گشتگان ۱۲۷

ٱلْخائضین: وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ ٱلْخَآئِضِينَ (۷۴:۴۵)

درشداران[2] ۱، پیکار کنند گان یا بیهوده گویان ۲، گفت گوی کنند گان ۶، گفت و گوی کنان ۱۹، فرو شوند گان ۲۹، پیکار کنند گان ۳۰، دروغ زنان ۳۹، بیهوده گویان ۶۷، بازی کنند گان ۶۹، بیهوده گویان ۷۸، در شوند گان در باطل ۷۹، در روند گان ۸۰، درآیند گان ۸۷، درشوند گان ۹۰، گناه کنند گان ۱۱۹، روند گان ۱۲۰، فرو روند گان ۱۲۲، فرو رفته گان ۱۳۶

خائفًا: فَأَصْبَحَ فِى ٱلْمَدِينَةِ خَآئِفًا يَتَرَقَّبُ (۲۸:۱۸)

ترسیدار[3] ۱، ترسنده ۲، بیم ناک ۳۴، ترس ناک ۳۶، ترسا ۶۱، ترشان ۷۶، ترسناک ۸۸، ترسان ۱۰۰، ترسنده و بیمناک ۱۰۹

~: فَخَرَجَ مِنْهَا خَآئِفًا يَتَرَقَّبُ (۲۸:۲۱)

ترسان ۲۴، ترسیده ۸۷، ترسان و لرزان ۱۱۱

خائفین: أَن يَدْخُلُوهَآ إِلَّا خَآئِفِينَ (۲:۱۱۴)

ترسید گان ۲، ترسند گان ۳، بترس و بیم ۱۰، ترسکاران ۳۴، هراسیده ۴۰، ترسند گان ۴۲، ترسان ۴۳، ترسند گان ۵۵، ترسایان ۷۴، ترسکار آن ۹۴، ترس ناک ۱۰۱، ترسکان ۱۳۸

خائنة: وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَآئِنَةٍ مِّنْهُمْ (۵:۱۳)

---

۱. نومید شداران / نومید شد گان.

۲. درشداران: فروشوند گان؛ درآیند گان.

۳. ترسیدار: ترسنده؛ ترسان.

کژ ۲، ناراست ۳، کژی ٤۲، نآراسْتِی ۵۵

~: يَعْلَمُ خَآئِنَةَ ٱلْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِى ٱلصُّدُورُ (٤٠: ١٩)
ناراستی ۳، کاستکاری ۱۰۲، کاست کاری دزدیده نگریستن ۱۰۹

★ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ: يَعْلَمُ خَآئِنَةَ ٱلْأَعْيُنِ (٤٠: ١٩)
چشم بر هم زدن پنهان ۱۰۰

ٱلْخَائِنِينَ: وَلَا تَكُن لِّلْخَآئِنِينَ خَصِيمًا (٤: ١٠٥)
دزدان ۳٦، ناراْسْتان ۵۵، کاستکاران ۱۰۹

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْخَآئِنِينَ (٨: ٥٨)
ناراستان ۳، بی زینهاران ۱۰۹

~: وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى كَيْدَ ٱلْخَآئِنِينَ (١٢: ٥٢)
نَاراْسْتَان ۵۵

خَابَ: وَٱسْتَفْتَحُوا۟ وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (١٤: ١٥)
نومید شد ۱، نُومید گشت ۲، تهی شده است ۵، نومید گردند ۲٤، نُومِیدْ شد ۵۳، نَومِید شُد ۵۵، نومید و زیان کار شد ۵۸، نومید شدند ٦۳، نا امید گشت ۹٦، نومید و بی بهره ماند ۱۱٦

~: فَيُسْحِتَكُم بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ ٱفْتَرَىٰ (٢٠: ٦١)
نُومید گَشتْ ۲، زیان کار شود ۲٤، نومید گشت ۳۰، زیان گار شُدْ ۵۳، نومید کرد ۷٦، زنکار[1] شد ۷۸، بی بهره ماند ۸٦، نا امید شد ۹٦، تهی دست و نومید شد ۱۰۲، بیره ماند ۱۱٤، نا امید است ۱۲۲

~: وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا (٢٠: ١١١)
زیان کار شد ۲٤، نومید گردد ۳۰، نومِید شُد ٤۲، خوار شود ٦۷، پوشیده شد ۷٦، بی بهره ماند و نومید شد ۱۱۱، نومید است ۱۳۲

~: قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّىٰهَا وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّىٰهَا (٩١: ١٠)
نُومید گشت ۲، زیان کرد ۳۹، نومیدْ شد ۵۳، بی بهره شد ٦۷، تهی دست ماند ۱۰۲، بی بهره گشت ۱۲۰، زیان کند ۱۳٦

خَاتَمَ: وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّۦنَ (٣٣: ٤٠)
مهر ۱، مهر کننده ۳۹، مُهْر ۵۳، مهتر ۸۰، پسین ۸۷، مهر نهنده ۱۰۹، مُهر ۱۱٤

خَادِعُهُمْ: وَهُوَ خَٰدِعُهُمْ (٤: ١٤٢)
فریفتار[2] ۱، فریبَنده ۲، فریفنده ۳۱، فریبنده ٤۲، فریبشان کند ۵۸، فریب دهنده ۹۱، پاداش دهنده فریبشان ۱۱٤، فریب ایشان بدهد ۱۳۸

بِخَارِجٍ: لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا (٦: ١٢٢)
بیرون آمدار[3] ۱، بیرون آینده ۳، بیرون آمدن ۲۹، بیرون ٦۰، بدر آینده ۹٦، بیرون رونده ۱۱۱، بیرون آرنده ۱۲۷

★ لَيْسَ بِخَارِجٍ: لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا (٦: ١٢٢)
بیرون نخواهد آمدن ۱۰

بِخَارِجِينَ: وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنَ ٱلنَّارِ (٢: ١٦٧)
بیرُون آیند گان ۲، بیرون آیند ۲٤، بیرون آینده ٤۸، بیرون آیِندَ گانْ ۵۳، بیرون آیَند گآن ۵۵، بیرون آمده ٦۲، بیرون روند گان ۷۵، بیرون آینده گان ۱۳٦

~: وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنْهَا (٥: ٣٧)
بیرون آمداران[4] ۱، بیرُون آیند گان ۲، بیرُون آیند گان ۳، بیرُون آمده گان ٤۵، بیرُون آمَدِ گانْ ۵۳، بیرُون شُدَه گان ۵۵، بیرون رونده گان ۷۵، بیرون آمد گان ۸٤، بدر آیند گان ۹٦، بیرون

۱. زنکار / زیانکار.
۲. فریفتار: فریبنده.
۳. بیرون آمدار / بیرون آینده.
٤. بیرون آمداران / بیرون آیندگان.

اینده گان ۱۱۹، بیرون آرنده گان ۱۳۰، بیرون رونده ۱۳۵

★ مَاهُمْ بِخَارِجِینَ: مَاهُم بِخَارِجِینَ مِنَ ٱلنَّارِ (۲: ۱۶۷)
هرگز بیرون نیایند ایشان ۴۰، ایشان بیرون نشوند ۶۲

بِخَازِنِینَ: وَمَآ أَنتُمْ لَهُۥ بِخَٰزِنِینَ (۱۵: ۲۲)
نگه داشتاران[1] ۱، نگاه دارنده گان ۲، نگه بانان ۲۹، نگاه بانان ۳۰، نگاه دارنده ۳۶، نگه دارنده گان ۵۷، در گنج نهنده گان ۵۹، نگاهدارنده گان ۶۷، نگاه داران ۷۲، نگا دارنده گان ۹۱، نگاه دآرنده گان ۱۰۰، نگهدارنده گان ۱۱۱، نگاه دارنده گان ۱۱۳، نگهبانان ۱۱۴، نگاهبانان ۱۲۱

خَاسِئًا: یَنقَلِبْ إِلَیْكَ ٱلْبَصَرُ خَاسِئًا (۶۷: ٤)
دوارسته[2] ۱، دُور گشتن از دانش ۲، خوار و نژند ۶، بازمانده ۱۹، مانده شده ۲٤، زرد گشته ۳۰، رنجه شده ۳۹، بیچاره ٤۱، بی بهره ٤۲، دور کرده ٤۳، خوار ۵۶، دور شونده ۶۱، خیره ۶۷، دور و نیک سرگردان و نیک خوار ۸۰، فرو مانده ۸۷، دور شوند ۸۸، زیانکار ۱۰۰، وامانده و کند شده ۱۰۲، خار ۱۱۳، سرگردان ۱۱٤، دور فرود ۱۱۷، دور ۱۱۹، دور باشد از یافتن ۱۲۲، دور فرو شونده ۱۳٤

خَاسِئِینَ: فَقُلْنَا لَهُمْ کُونُوا قِرَدَةً خَٰسِئِینَ (۲: ۶۵)
دُورْ شُده گان ۲، دور شده گان ۳، دور کرده ٤، خواران وُ خاک ساران ۱۰، رانده ۲۹، خوار شده ۳۶، دور شده گان ۳۸، خوار وُ خاک سارُ نگونسار ٤۰، دُورْ شُدَه گانْ ۵۵، خواران ۶۷، دور کرده ۹۰، رآنده ۹٤، خواران دوران ۱۰۹، رانده شده و خوار شده ۱۱۱، خوار شده گان ۱۱۶، رانده شده گان ۱۲۰، دوران ۱۳۸

~: قُلْنَا لَهُمْ کُونُوا قِرَدَةً خَٰسِئِینَ (۷: ۱۶۶)
دوارسته[2] ۱، دورْ شُده گانْ ۲، دور شونده گان ۳، خُواران و رانده گان ۱۰، دور ۲٤، دور کرده گان ۲۷، دوران ۲۹، رانده گان ۳۵، خواران و دور کرده گان ۳۹، زیان کاران ٤۱، خوار کرده گان ٤۹، دُور شونده گان ۵۵، نومیدان خواران ۵۶، دوران و رانده گان ۵۸، نومیدان ۶۱، خوار ۶۲، زنده گانی بخواری ۷۲، دور مانده گان ۹۶، نومید آن ۱۰۰، امید بریده گان ۱۲۷، دور شده ۱۳۳، رونده ۱۳۵

خَاسِرَةٌ: قَالُوا تِلْكَ إِذًا کَرَّةٌ خَاسِرَةٌ (۷۹: ۱۲)
زیان کار ۲، زیان کاران ۳۰، زیان زده ٤۱، زیان ٦٤، زیانکار ۸۷، زیانکاران ۱۰۰، زیان کننده ۱۲٦، بازیان ۱۳۲

خَاسِرُونَ: أُولَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ (۲: ۲۷)
زیان کاران ۲، زیان کاران ۱۰، زیانکاران ۵۵

~: وَمَن یَکْفُرْ بِهِۦ فَأُولَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ (۲: ۱۲۱)
زیان کاران ۲، زیان زده گان ٦٤

~: لَئِنِ ٱتَّبَعْتُمْ شُعَیْبًا إِنَّکُمْ إِذًا لَّخَٰسِرُونَ (۷: ۹۰)
زیان کار شوید ۳۱، زیان برده گان ٤۱، زیان کار ۷٦، زیانکاران ۱۰۰

~: فَلَا یَأْمَنُ مَکْرَ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلْقَوْمُ ٱلْخَٰسِرُونَ (۷: ۹۹)
زیان گران ۱، زیان کارآن ۹٤

~: وَأُولَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ (۹: ۶۹)
زیان کرده گان ۹٤

~: أَنَّهُمْ فِی ٱلْآخِرَةِ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ (۱۶: ۱۰۹)
زیان کارانْ ۵۳

---

۱. نگه داشتاران: نگهدارنده گان.
۲. دوارسته: رانده؛ سرگردان؛ گریخته.

~: إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَٰسِرُونَ (٣٤:٢٣)
فریفتگان و زیان کاران ٥٨

~: إِنَّ حِزْبَ ٱلشَّيْطَٰنِ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ (١٩:٥٨)
زیان گران ١، زیان افتادگان ٩٦

~: فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ (٩:٦٣)
سرمایه بادادگان ٦٤

خاسِرِينَ: فَتَنقَلِبُواْ خَٰسِرِينَ (١٤٩:٣)
زیانکاران ١٠، زیان کار ٢٧، زیان کاران و خاک سار و نگوسار ٤٠، زیان افتادگان ٩٦، زیانکاران ١٠٠

~: وَهُوَ فِي ٱلْأٓخِرَةِ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ (٥:٥)
زیان کاران ٢، زیانکار آن ١٠٠

~: فَأَصْبَحَ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ (٣٠:٥)
زیان زدگان ٣٦، پشیمانان ١١٥

~: حَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ فَأَصْبَحُواْ خَٰسِرِينَ (٥٣:٥)
زیان گران ١

~: لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ (٢٣:٧)
زیان زدگان ٣٦

~: فَتَكُونَ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ (٩٥:١٠)
زیان کاران و فریفتگان ٥٨

~: أَكُن مِّنَ ٱلْخَٰسِرِينَ (٤٧:١١)
زیان گران ١

~: قُلْ إِنَّ ٱلْخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمْ (١٥:٣٩)
زیان زده شدگان ١٢١

~: لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ (٦٥:٣٩)
گناه کاران ٨١

خاشِعًا: لَّرَأَيْتَهُۥ خَٰشِعًا مُّتَصَدِّعًا (٢١:٥٩)
نرم شدار ١، فروتن ٣، ترسان ٢٤، فرود افکنده ترسنده ٣٠، فرو افتاده ٣٨، نرم شده ٣٩، ترسکار ٤١، ترسنده ٤٢، سرافکنده ٤٩، خوار گشته ٥٣، نرم ٦٤، ترس کار ٦٩، فرو اُوفتاده ٨١، ریزه ریزه ٩٠، ترسنده سرافکنده ١٠٨، ترسناک ١١٥

اَلْخاشِعات: وَٱلْخَٰشِعِينَ وَٱلْخَٰشِعَٰتِ (٣٥:٣٣)
زنان نرم شدار ١، زنان فروتن ٣، ترس کاران از زنان ٧، زنان زاری کننده ١٨، زنان ترس کار ٣٠، زنان فرمان بردار ترسان ٤١، زنان فروتنی کنندگان ٤٣، ترس کاران و فروتنان از زنان ٤٧، زنان فرودتر ٩٠، زنان فروتنی کننده ٩١، زنان فرودتن ٩٢، ترسندگان زنان ٩٩، زنان ترس کار و فروتن شوندگان ١١٣، زنان ترسنده از خدا ١١٦، ترسندگان از زنان ١٢٤، زنان ترسکاره ١٣٤

خاشِعَةً: مِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنَّكَ تَرَى ٱلْأَرْضَ خَٰشِعَةً (٣٩:٤١)
خشک شده ٣٤، فرمان بردار ٤١، پژمرده ٤٣، آرمیده ٤٨، نرم ٤٩، مرده ٦١، آرامیده ٨٠، سرافکنده ٨١، ترسنده ٩٦، فروتن ١٢١، فرسوده ١٢٣

~: خَٰشِعَةً أَبْصَٰرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ (٤٣:٦٨)
فرو خوابیده ٢، فرو خوابانیده ٣٠، خوابینده ٥٤، فرو افکنده ٨٨، فروتنی کننده ١١١، فروتن ١١٤

~: خَٰشِعَةً أَبْصَٰرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ (٤٤:٧٠)
خوار ٣٩، خوابانیده ٥٤، ترسیده ٦١، خوار و فروتن شونده ٧٩، نرم سار و فروتن ٨٠، ترسنده ٩٤، فرو خوابیده ١٠٨، فرو افتاده ١١١، خار و فروتر شونده ١١٣، فروتنی کننده ١١٩

~: قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ أَبْصَٰرُهَا خَٰشِعَةٌ (٩:٧٩)
فرو خوابانیده ٣٠، فرو شده ٣٦، فرو افتاده ٣٨، خوابانیده ٣٩، خوار ٤٨، فرو خوابانیده ٥٦، درافتاده ٩٠، گریان ١٠٦، فرو خوابیده ١٠٨، ترسان ١١١، خار و فروتن شونده ١١٣، فروتن ١١٤

~: وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَٰشِعَةٌ (٢:٨٨)

نژند ٦١، خوار و نژند ٦٤، فروتنی کننده ٦٥، خوار و فروتن شونده ٧٩، ترسنده ١٠٢، ترسان ١٠٦، فروتن ١١٤، ترسناک ١٢٠، خوار ١٢٦

خَاشِعُونَ: ٱلَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَٰشِعُونَ (٢:٢٣)

نرم شداران[1] ١، آرامیده گان یا ترسکاران ٢، فروتنان ٣، ترسکار ٢٤، زاری کننده ٢٩، ترسنده گان ٤١، فروتنی کنند ٤٣، آرمید گان ٤٨، تن در دادگان ٥٨، آرمیده گان و فروتنان ١٠٢، ترسنده گان یا فروتنی کنند گان ١٠٨، ترسان ١٢١، زاری کنند گان ١٢٦، ترس کار ١٢٨، ترسنده گان ١٣٦

خَاشِعِينَ: وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى ٱلْخَٰشِعِينَ (٢:٤٥)

فروتَنانْ و تَرسکاران ٢، فروتنی کنند گان ٣، ترسکاران ٤، فرمان برداران ٥٠، فُروتَنیِ کُنَند گانْ ٥٥، نرم گردنان ٦٤، ترس کارا ٨٨، تن درماند گان ١٢٧

~: خَٰشِعِينَ لِلَّهِ (٣:١٩٩)

نرم شداران[1] ١، فروتنانْ ترسکاران ٢، ترسکار ١٠، گردن نهادَگان ٢٣، ترسان گردن نهاده ٣٨، تن درداد گان ٣٩، ترسکار و فروتن ٤٠، ترسان فرمان بران ٤١، ترسکارأن ٤٢، گردن نهاده ٥٣، فُروتنی کَنند گآن ٥٥، فروتن ٥٧، بند گان ترسان ٥٨، نرم گردنان ٦٤، گردن نهاد گان ٨٨، نرم گردند گان ٩٠، تن داد گان ٩٢، فروتنان و ترسکاران ١١٦، فروتَنان ١٢١، فروتنی نماینده ١٢٢

~: وَكَانُوا لَنَا خَٰشِعِينَ (٢١:٩٠)

نرم شداران ١، تَرسکاران یا فرُوتنان ٢، فروتنان ٣، فرمان برداران ١٢، ترسند گان ٢٩، ترس کاران ٣٠، فرمان بران ٤١، فرمان بردار ٤٨، زارِی کُنانْ ٥٣، تن درداد گان ٥٨، بند گان نرم گردنان ٦٤، فروتنان و فرمان برد آران ٩٤، ترسکاران یا فروتنان ١٠٨، فروتنان و فرمان پذیران ١١١، فروتنان و فرمان پذیرند گان ١١٦، زاری کنند گان ١٢٤، نیازمندان ١٣١

~: وَٱلْخَٰشِعِينَ وَٱلْخَٰشِعَٰتِ (٣٣:٣٥)

مردان نرم شدار ١، ترس کاران مردان ٢، مردان فروتن ٣، مردان زاری کننده ١٨، مردان ترس کار ٣٠، ترسند گان از مردان ٣٩، مردان فرمان بردار ترسان ٤١، مردان فروتنی کننده ٤٣، ترس کاران و فروتنان از مردان ٤٧، گَرْدَنْ نِهاد گانْ ٥٣، ترس کاران از مردان ٥٦، مردان فروتنی کنند گان ٦١، مردان ترسنده ٨٨، مردان فرودتر ٩٠، فرودتنان ٩٢، فرمان بردارآن از مردآن ٩٤، ترس کار ٩٨، ترسند گان مردان ٩٩، مردان فروتن شوند گان ١١٣، مردان ترس کار و فروتن شوند گان ١١٣، مردان ترسکار ١١٦

~: وَتَرَىٰهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَٰشِعِينَ (٤٢:٤٥)

سَر فُرو اُفتاد گان ٢، فرو افتاد گان ١٦، سرْ فرو فِتاد گان ٢٢، فروتنی کننده ٢٩، سر فرو افکنده ٣٨، ترسان ٥٣، سرفرو افکند گان ٥٦، سرافکنده ٧٨، فُروتَنان ٨١، سر فرو فتاد گان ٨٨، ترسنده ٩٦، فروتنان و خواران ١٠٢، سر فرو فکنده ١٠٨، نژندان ـ فروتنان ١٠٩، فرو شوند گان ١١٣، ترسنده گان ١٣٦

خَاصَّةً: ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنكُمْ خَاصَّةً (٨:٢٥)

یگانه ٣، تنها ٢٧، جداگانه ٥٢، یَگانَه ٥٥، تنها و یکتا ٥٨، یکتا ٦١، تنها. یکتا ٧٤، ویژه ١١٣

خَاضِعِينَ: أَعْنَٰقُهُمْ لَهَا خَٰضِعِينَ (٢٦:٤)

نرم شداران ١، فروتنان ٣، فروتنی کننده ٢٩، فرو گشته ٣٠، فروتنی کنند گان ٣٩، نهاده ٤٦،

---

[1] . نرم شداران / نرم شدگان ؛ گردن نهادگان ، فروتنان .

گردن نهاد گان ۴۷، فروتن ۴۸، فرمان برداران ۵۲، نرم شد گان ۵۳، گردن نهند گان ۵۶، فرو شکسته ۶۱، فروتنی کنان ۶۹، فروماند گان ۱۱۵، لَلوِینان[1] ۱۱۹

خَاضُوا: خُضْتُمْ كَٱلَّذِي خَاضُوٓا (۶۹:۹)
درشدند ۱، بازکردند ۲۴، گفت و گوی کردند ۳۸، درآمدند ۴۱، فرو شدند ۴۲، بکاویدند ۴۹، دَرشُدَند ۵۵، فروا شدند ۵۷، ایشان اندر شدند ۸۳، ایشان پیکار کردند ۹۴، ایشان درشدند ۹۵، گفتگوی کردند ۱۰۲، فرو رفتند ۱۲۲، پیکار کردند ۱۲۷

خَاطِئَةِ: وَٱلْمُؤْتَفِكَٰتُ بِٱلْخَاطِئَةِ (۹:۶۹)
گنه کاری ۱، گناه ۲، گناه کاری ۱۹، گناه بسیار ۲۴، گناهان ۸۹، گناه کردن ۹۲، کوژ کاری ۱۰۲، گناه - کژ کاری ۱۰۹، گنا کردن ۱۱۰

~: نَاصِيَةٍ كَٰذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (۱۶:۹۶)
گنه کار ۲، گناه کار ۳۴، گناهکار ۹۲

ٱلْخَاطِئُونَ: لَا يَأْكُلُهُۥٓ إِلَّا ٱلْخَٰطِـُٔونَ (۳۷:۶۹)
گنه کاران ۱، گناه کاران ۲، گناهکاران ۹۲، گناه کاران ۱۰۰، گناه کارگان ۱۳۸

خَاطِئِينَ: إِنَّكِ كُنتِ مِنَ ٱلْخَاطِـِٔينَ (۲۹:۱۲)
گنه کاران ۱، گناه کاران ۳، گُناه کاران ۵۵، گناه کاران ۹۴، زیان کاران ۱۲۴

~: وَإِن كُنَّا لَخَٰطِـِٔينَ (۹۱:۱۲)
گناه کاران ۵۷، گناه کاران ۷۶

~: إِنَّا كُنَّا خَٰطِـِٔينَ (۹۷:۱۲)
گناه کاران ۲، تباه کاران ۵، گناه کار ۳۴، گناهکاران ۵۳، بد کرداران و گناه کاران ۶۴

~: وَجُنُودَهُمَا كَانُوا۟ خَٰطِـِٔينَ (۸:۲۸)
بد کاران ۴۱، کاست کاران ۴۷

خَاطَبَهُمُ: وَإِذَا خَاطَبَهُمُ ٱلْجَٰهِلُونَ (۶۳:۲۵)
سخن گوهند[2] ۱، سخن گویند ۲، سخن گوید ۲۴، گویند ۴۷، رویاروی سخن گوید ۵۸، سخن گوید روبارو ۱۰۹، آواز دهند ۱۲۴

خَافَ: فَمَنْ خَافَ مِن مُّوصٍ جَنَفًا (۱۸۲:۲)
بترسَد ۲، بترسد ۳، داند ۱۰

~: لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ ٱلْـَٔاخِرَةِ (۱۰۳:۱۱)
ترسد ۱، ترسَد ۷۶

~: لِمَنْ خَافَ مَقَامِى (۱۴:۱۴)
بترسید ۲۹، بتَرسَد ۵۳، بترسیدند ۵۸

~: وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ جَنَّتَانِ (۴۶:۵۵)
ترسید ۱، بترسد ۳۸، ترسیده باشد ۸۷

خَافَتْ: وَإِنِ ٱمْرَأَةٌ خَافَتْ مِنۢ بَعْلِهَا نُشُوزًا (۱۲۸:۴)
داند ۱، بترسد ۲، بداند ۱۰، بترسَد ۲۷، بَتَرسَدْ ۵۳، ترسد ۶۰

خَافِضَةٌ: لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ (۳:۵۶)
فرویدار[3] ۱، فرو برد گروهی را ۲، فرود آرنده ۳، فرو نهنده ۲۹، فرو برد ۳۶، فرود برنده ۳۹، آندازنده ۴۲، فرو برنده ۴۳، فرو نَهنک ۵۱، فرو آرنده ۸۰، پست کننده ۹۸، فرون منده ۱۱۳، فرود آینده ۱۱۵، پس کننده ۱۳۶، دراندازند ۱۳۸

خَافُوا: خَافُوا۟ عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا۟ ٱللَّهَ (۹:۴)
ترسیدندی ۱، می ترسند ۲۴، بترسند ۲۷،

---

۱. کذا با همین ضبط (؟).
۲. سخن گوهند/ سخن گویند.
۳. فرویدار: فروبرنده؛ فرو دارنده.

بترسید ند ۳۹، ترسید ند ۵۷، ترسند ۶۳

خَافُونِ: فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۳: ۱۷۵)
بترسید ۱، بترسید ۲، بترسیت ۳، ترسید ۱۰، زمن ترسید ۴۰، بترسی ۶۰

خَافِيَةٌ: يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنكُمْ خَافِيَةٌ (۶۹: ۱۸)
پنهام شدار[1] ۱، پوشیده ۲، نهانی ۳، پنهان کرده ۱۹، نهان شونده ۳۶، پنهانی ۳۹، پنهان شونده ۴۱، پنهان ۴۲، پنهان شده ۵۴، پوشیده شونده ۵۶، پوشنده ۹۱، پوشیدنی ۹۴، پوشیدن ۹۶، ترسند ۱۱۳، پنهان شدن ۱۳۴

خَالَاتِكَ: بَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ (۳۳: ۵۰)
خواهران مادر ۲، مادر خواهران ۱۱۹

خَالَاتُكُمْ: وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ (۴: ۲۳)
خُواهران مادران ۲، خواهر مادر ۵۳، خواهران مادرا۶۷، خواهران ۷۹، خواهر آن مادر ۹۴، خواهران مادرانتان ۱۱۴

~: أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ (۲۴: ۶۱)
خواهران مادران ۲، مادر خواهران ۱۱۹، مادران ۱۳۰

خَالِدًا: يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا (۴: ۱۴)
جاودانه شدار ۱، جَاوِدَانه ۵۵

~: فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا (۴: ۹۳)
جاودان ۲، جاوید ۳، جاویدانه ۲۷، همیشه ۶۰، جاویدان ۶۲

~: فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا (۹: ۶۳)
جاودانه ۱، جَاوِدَانه ۵۵

خَالِدٌ: كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا (۴۷: ۱۵)
درشدار[2] ۱، جاوید بُوَد ۵۱

خَالِدُونَ: وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲: ۲۵)
جاودان باشند ۳۶، جَاوَدَانه گانْ ۵۵، جاوِد آن ۹۴

~: أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲: ۳۹)
جَاودان ۲، جاویدان ۳، جاوید ۲۴، جَاودَانگان ۵۵

~: هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲: ۸۲)
جاوید گان ۳، جَاودَانگان ۵۵، جاوید مانند گان ۱۱۶، جاوید گان ۱۳۰

~: هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲: ۲۱۷)
جاوید ۲۴، جاویدان ماند گان ۲۷، جاوید شد گان ۴۹، جاودانه باشند گان ۱۱۰، جایدوان[3] ۱۱۱

~: هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲: ۲۷۵)
جاویدان بوند ۳، جاودان باشند گان ۲۸، جاوید باشند ۶۳، جاود آن ۹۴

~: هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۳: ۱۰۷)
جاودانه ۱۰، همیشه باشند ۵۸

~: وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۳: ۱۱۶)
جاوَید ۱۰، جاویدان مانده ۲۷، پایدار ۱۲۷

~: وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ (۵: ۸۰)
جاودانه باشند ۳۱۱

~: أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۷: ۴۲)
جاودانگان ۱، جاودانیان ۲۷

~: وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ (۹: ۱۷)
جاودان همیشه ۵۸، جاوید مند گان ۱۳۰

---

۱. پنهام شدار: پنهان شونده.
۲. درشدار: درشونده، جاوید.
۳. امکان تصحیف و یا صورتی دیگر از کلمه «جاویدان» است.

~: أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ (۱۰:۲۶)
جاودانگان ۱، همیشه ۵۸، دیرماند گان ۵۹

~: أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ (۱۰:۲۷)
جاوید همیشه ۵۸، جاودانیان ۹۴

~: أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ (۱۱:۲۳)
جاویدانگان ۶۶

~: وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ (۱۳:۵)
جاویدانان ۵، جاویدان باشند ۱۱۶

~: أَفَإِيْن مِّتَّ فَهُمُ ٱلْخَٰلِدُونَ (۲۱:۳۴)
جاودانه شداران ۱، جاوید مانـنده ۲۹، جاوید زند گان ۳۹، جاودانگی ۴۲، جاودانه گان ۶۷، جاودان زند گان ۷۲، پایند گان ۱۳۰، جاویدان وزند گان ۱۳۹

~: وَكُلٌّ فِيهَا خَٰلِدُونَ (۲۱:۹۹)
جاودان ۲

~: وَهُمْ فِي مَا ٱشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَٰلِدُونَ (۲۱:۱۰۲)
ماند گان ۱۲۳

~: هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ (۲۳:۱۱)
جاوید بمانند ۶۱

~: فِي جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ (۲۳:۱۰۳)
جاودانان ۱۰۳

~: وَأَنتُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ (۴۳:۷۱)
جاوید باشند گان ۱۰۳

~: إِنَّ ٱلْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ (۴۳:۷۴)
جاویدان ۱۱۴

~: أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ (۵۸:۱۷)
جاویدماند گان ۱۰۳

خَالِدَيْنِ: أَنَّهُمَا فِي ٱلنَّارِ خَٰلِدَيْنِ فِيهَا (۵۹:۱۷)
جاویدانه ۸۱، همیشه باشند ۲۹

خَالِدِينَ: خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ ٱلْعَذَابُ (۲:۱۶۲)
جاوید گان ۳، جاودانگان ۵۵، جاوید باشند ۶۳

~: خَٰلِدِينَ فِيهَا (۳:۱۵)
جاودانگان ۱، جاوید گان ۱۰، جاودان باشند گان ۲۷، پیوستگان ۸۰، جاود آنه ۹۴

~: خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ ٱلْعَذَابُ (۳:۸۸)
جاویدان ۳، جاویدان باشند ۲۹، جاوید باشید ۴۰، همیشگین ۹۶

~: خَٰلِدِينَ فِيهَا (۳:۱۳۶)
جاوید باشند گان ۲۷، جاودانه باشند ۵۸، جاودانان ۶۳

~: خَٰلِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ (۴:۱۳)
پیوسته ۳۸، جاودانه (باشند) ۴۰

~: خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا (۴:۱۶۹)
جاوید گان ۱۰

~: جَنَّٰتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا (۵:۸۵)
جاودان ۲، جاودانه باشد ۹

~: خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا (۵:۱۱۹)
جاود آنه ۹۴

~: خَٰلِدِينَ فِيهَآ إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُ (۶:۱۲۸)
همیشه (باشید) ۱۲۱

~: إِلَّآ أَن تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ ٱلْخَٰلِدِينَ (۷:۲۰)
جاودانه گان ۱۰ مکرّر، جاوید مانند گان ۳۶، جاویدان بمانند و نمیرند ۵۳، جاوید شوند گان ۷۶، جاوید ماند گان ۷۹، جاوید بود گان ۸۸، جاویدانیان ۱۰۵، جاوید کرد گان ۱۱۳، جاوید گردیده شده گان ۱۳۶

~: خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا (۹:۲۲)

جاودانگان ۱، جاوید ماند گان ۲۹، جاوَدانگان ۵۵، جاوید مند گان ۱۳۰

~: خَٰلِدِينَ فِيهَا (٩: ٦٨)
جاوید مانده ۲۹

~: وَأَمَّا ٱلَّذِينَ سُعِدُواْ فَفِى ٱلْجَنَّةِ خَٰلِدِينَ فِيهَا (١١: ١٠٨)
پایدار ۱۲۸

~: خَٰلِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ (١٤: ٢٣)
جاویدانان ۵، همیشه [باشند] ۵۷

~: خَٰلِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى ٱلْمُتَكَبِّرِينَ (١٦: ٢٩)
جاوید مانند‌ه ۲۹

~: وَمَا كَانُواْ خَٰلِدِينَ (٢١: ٨)
جاودانه شداران[1] ۱، جاودان مانند گان ۱۰۳

~: لَّهُمْ فِيهَا مَا يَشَآءُونَ خَٰلِدِينَ (٢٥: ١٦)
جاودانیان ۲، جَاوِدَان ۵۱

~: خَٰلِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (٢٥: ٧٦)
جاودانه ۲

~: تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا (٢٩: ٥٨)
جاودان ۲

~: خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۖ لَّا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (٣٣: ٦٥)
جاوانگان ۷، جاودنگان ٦٦، جاودان باشند ٧٤

~: ٱدْخُلُوٓاْ أَبْوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَا (٣٩: ٧٢)
جاودانَه ۲۲، جاویدان [باشید] ۱۲٤

~: طِبْتُمْ فَٱدْخُلُوهَا خَٰلِدِينَ (٣٩: ٧٣)
جاودانه شداران ۱، همیشگان ٩٦

~: خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا (٦٤: ٩)
جاویدان ماند گان ۱۰۹

~: تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا (٩٨: ٨)
همیشه ۲۹، جاویدانه ٦٥

ٱلْخَالِصُ: أَلَا لِلَّهِ ٱلدِّينُ ٱلْخَالِصُ (٣٩: ٣)
یکتا کردَه ۲۲، یکتا کرده ۳۸، یکتا ۳۹، پاک ٤٨، ویژه بی آمیزش ۸۰، پاک و ویژه ۸۱، یکتاه ۹۵، پاک و پاکیزه ۱۱۱، بی آمیزش ۱۱٤

خَالِصًا: لَّبَنًا خَالِصًا سَآئِغًا لِّلشَّٰرِبِينَ (١٦: ٦٦)
پاکیزه ۲، بی آمیز ۳، ویژه ۲۹، بی آمیغ ۳۰، بی آمِیغ ۵۵، یکتا پاکیزه ۵۸، یکتاه پاکیزه ۸۳، پاکیزه و یکتان ۹۲

خَالِصَةً: لَكُمُ ٱلدَّارُ ٱلْءَاخِرَةُ عِندَ ٱللَّهِ خَالِصَةً (٢: ٩٤)
یکتاه و یگانه ۲، یکتا ٤، یکتاگانه ٣٤، یکرو ۳۸، یَکتا ٤٢، جداگانه ٦٤، یک تاه ۸۳، یک رویه ۹۰، یکتاه کرد[ه] ۹٤، یکتا کرده ۱۰۵، بی انباز ۱۱٤

~: هَٰذِهِ ٱلْأَنْعَٰمِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا (٦: ١٣٩)
یکتاه ۲، بی آمیز ۳، پاکیزه ۲۷، بِی آمِیزش ۵۵، یکسان ٦٩، پاک ۱۰۲، یکتا و شایسته ۱۰۷، ویژه و یکتا ۱۰۹

~: خَالِصَةً يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (٧: ٣٢)
یَکتا ٤٥، یکتا و تنها ۵۸، ویژه کرده ۸۳

~: إِنْ أَرَادَ ٱلنَّبِىُّ أَن يَسْتَنكِحَهَا خَالِصَةً (٣٣: ٥٠)
جُداگانه ۲، بی آمیزش ۳، تنها ۳۹، ویژه ٤٧، یَکتا ۵۳، یَکتا ۱۱۹

~: إِنَّآ أَخْلَصْنَٰهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى ٱلدَّارِ (٣٨: ٤٦)
یَک تاه ۲، بی آمیغ ۳، برگزیدنی ۳۳، پاکیزه ۳۸، گزینش ۳۹، پاکی و یکتایی ٤١، بگزیده ۵۳، گزیدن ٥٦، برگزیدن ٦١، یکتا کردن ٦٩، وژگی ۸۱، پاکیزه کردنی ۸۸، یک تاهی ۱۰۸، پاکی کننده ۱۱٤، گزیدنی ۱۳۹

---

[1]. جاودانه شداران: جاودانان.

اَلْخَالِفِينَ: فَاقْعُدُواْ مَعَ الْخَالِفِينَ (٩:٨٣)
پس شداران ١، سپس ماند گان ٢، زنان و کود کان ٣، پس ایستاد گان ٢٧، پس ماند گان ٣٩، بازپس بود گان ٤٩، زنان و کود گان ٥٥، پس گذاشتگان ٥٦، ماند گان ٥٧، بازماند گان ٥٨، پس مانند گان ٦٧، نشستگان ٧٢، واپس ماند گان ٧٩، سپس ماند گان ٨٣، بازماند گان ١٠٠، بازپس ماند گان ١١١، زنان کود کان ١١٤، بازپس نشستگان ١١٦، نشینند گان ١٣٤

خَالِقٌ: خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ (٦:١٠٢)
آفریننده ٣

~: قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (١٣:١٦)
آفریننده ٥٣، آفریده گار ٦٢

~: إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن صَلْصَالٍ (١٥:٢٨)
آفریننده ٥٥، خواهم آفریدن ١٠٥، پدید آورنده ١٢٧

~: هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ (٣٥:٣)
آفرید گار ١، آفرید گار ٢، افریننده ٩٨

~: إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ (٣٨:٧١)
آفریدن ٢٤، آفریننده ١٣٨

~: هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ (٥٩:٢٤)
هست کننده ١٠٨، آفرید گار - اندازه کننده ١٠٩

اَلْخَالِقُونَ: أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ (٥٢:٣٥)
آفرید گاران ١، آفریننده گان ٣، آفرنده گان ٣٠، آفریننده گان ٥١، خود آفرید گان ٩٤، آفرید گار ١٠٨

~: ءَأَنتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ (٥٦:٥٩)
آفرید گاران ١، آفریننده ٣٩، آفرید گان ٥٦

اَلْخَالِقِينَ: فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (٢٣:١٤)
آفرید گاران ١، اندازه کنند گان ٣، آفریننده گان ٣٠، نگارنده گان ٤٣، افرید گاران ٥٣، آفرید گان ٨٧، آفریننده گان اندازه کننده گان ٩٤، نگارنده ١٢٣

~: أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (٣٧:١٢٥)
آفرید گاران ١، آفرنده گان ١٣٠، آفریننده گان ١٣٦

خَالٰكَ: وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ (٣٣:٥٠)
برادر مادر ٢، برادران مادر ٦١، نیا ١١٩

اَلْخَالِيَةِ: بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ (٦٩:٢٤)
گذشته ٢، گذاشته ٣٤، رفته ٤١، تنهایی ٩٢

خَامِدُونَ: فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (٣٦:٢٩)
مرد گان ١، فرومرد گان ٣، مرده ٢٩، بمردند ٣٠، فرومردند ٤١، فرو برده بودند ٤٣، برجای فسرده ٨٦، خشکه مرد گان ٩٩، بمردند بیفتادند ١٠٨، افسرد گان ١٢٠، برجای مرد گان ١٢٢، بیکبار مرد گان ١٣٦

خَامِدِينَ: جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ (٢١:١٥)
مرد گان ١، مُرد گان اُفتاد گان ٢، فرومرد گان ٣، فرو بر مرد گان ١٢، فرو مرده ٢٩، مرده گان ٣٠، آتش که فرو میرد ٣٤، فروماند گان ٣٨، مرده ٤٣، خاکستر شده ٤٨، مُرد گان ٥٣، مُرد گان ٥٦، خشک فرومرده ٥٨، مرد گان افتاده ٦١، پژمرده ٦٩، فرومرده خشک ٧٤، پژمرد گان ٨٨، فرومُرد گان ٩١، افتاد گان ٩٤، افتاد گان و مرد گان ٩٥، فرو میرند گان ١٠٣، مرد گان افتاد گان ١٠٨، مرد گان و افسرد گان ١١١، فرو مرده گان ١١٣، افسرد گان و مرد گان ١٣٠، افسرد گان - مرد گان ١٣٧

اَلْخَامِسَةُ: وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ (٢٤:٧)
پنجم ١

~: وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا (٢٤:٩)
پنجمین ٣٠

خَانَتَاهُمَا: فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا (۶۶:۱۰)
نادرستی کردند - ناراستی کردند ۲

خَانُوا: فَقَدْ خَانُوا ٱللَّهَ مِن قَبْلُ (۸:۷۱)
ناراستی کردند ۳، ناراستی کردند ۴۲، ناراستی گردند ۵۵، ناراستی کرده بودند ۹۴، ناراستی کرده‌اند ۱۱۴

خَاوِيَةٌ: وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا (۲:۲۵۹)
افتادار ۱، فرو افتاده ۲، ویران و اوفتاده ۱۰، بیران ۲۵، افتیده ۲۹، افتاده ۴۲، افتاده ۵۵، افتنده ۵۶، بیران شده بود ۶۹، فرود آمده ۷۸، وافتاده ۸۸، خاکی گشته ۹۲

~: وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا (۱۸:۴۲)
افتادار[1] ۱، ویران ۲۴، بیفتاده ۲۹، اوفتاده ۳۹، خراب شده ۴۴، لفیده ۵۹، افتاده ۶۱، افتاده برو ۹۰، افتاده بود ۱۲۳

~: فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا (۲۲:۴۵)
افتادار[1] ۱، درهم افتاده ۲۴، بیفتیده ۳۴، بزیر افتاده ۴۱، اندر افتاده ۵۳، برافتاد ۶۹، برافتاده ۹۲، افتاده بود ۹۶، فتاد ۱۰۸، افتنده ۱۲۶

~: فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا (۲۷:۵۲)
فرود آمده ۱، افتاده ۲، تهی ۳، ویران شده ۲۴، فتاده ۳۰، درافتاده ۴۱، زیر و زبر ۴۲، فرود افتاده ۴۶، تهی و افتاده ویران ۴۷، تهی ببوده ۴۹، ایستاد تهی ۵۸، بیفتاد ۶۱، بنیاد همه بیفتاد ۷۶، برهم افتاده ۹۴، افتاده ۱۰۰، تهی و ویران ۱۰۹، خالی ۱۱۶

~: كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ (۶۹:۷)
ورافتاده ۱، میانه تهی ۲، میان خمی کرده ۸، از بن برکنده ۱۹، پوسیده ۲۹، افتاده از هم گسسته ۴۱، برکنده و افتاده ۴۸، بر یک دیگر افکنده ۴۹، از بن کنده ۵٤، میان تهی ۵۶، از بیخ و بن برکنده ٦٤، خاک شده ۸۷، بی‌افتاده ۹۲، از بیخ برکنده ۱۰۰، بر زمین افتاده ۱۰۳، افتادگان ۱۰۹، بزمین افتاده ۱۲۳، بیخ برکنده ۱۳٤

ٱلْخَبَائِثَ: وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ ٱلْخَبَائِثَ (۷:۱۵۷)
پلیدیها ۱، پلیدیها ۲، پلیدها ۳، مردار و خون و گشت خوک و جز آن ۱۰، پلیدها ۵۵، چیزهاء ناپاک ٦٤، پلیدیها ۸۸، پلیدیها ۱۰۰، پلید ۱۱۱، چیزهای پلید ۱۲۲

~: ٱلَّتِي كَانَت تَّعْمَلُ ٱلْخَبَائِثَ (۲۱:۷٤)
پلیدهاء پلید ۱۲، کارها پلید ۵۶، کارهاء بد ٦٤، پلیدی ۶۹، بدیها ۷۶، کارهای پلید ۸۰، کارها[ی] ناشایست ۸۶، کارها بد ۸۷، زشتیها و پلیدیها ۱۰۰، کارهای ناشایست ۱۰٤، پلیدیها کارهاء ناشایست ۱۰۹، ناپاک ۱۱۱، کارهای زشت ۱۲۲، پلیدی‌ها ۱۲۵، پلیدیها و بدیها ۱۲۸

خَبَالًا: لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا (۳:۱۱۸)
توهی[2] ۱، بدی ۲، تباهی ۳، تباهی کردن ۲۳، تباه کردن ۲٤، بدی کردن ۲۷، تباهی ٤۲، تباهی کردن ۵۳، تباهی ۵۵، بدی ۸۲، تباه کردن کار ۹۰، زیان کردن ۹۶، تباهی و گمراهی ۱۱۱

~: لَوْ خَرَجُوا فِيكُم مَّا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا (۹:٤۷)
توهی[2] ۱، تباهی ۲، بتری وتباهی و بددلی ۱۰، تباهکاری ٦۷، فساد ۷۹، تباه کاری ۹۶، تباهی و بدی ۱۱٦، بددلی ۱۲۰

ٱلْخَبْءَ: يُخْرِجُ ٱلْخَبْءَ فِي ٱلسَّمَاوَاتِ وَٱلْأَرْضِ (۲۷:۲۵)

---

۱. افتادار / افتاده.
۲. توهی / تباهی.

پنهامی[۱] ۱، پنهانی ۲، باران و گیاه ۳، پوشیده و پنهان ۲۰، نهانی ۲۹، باران ۴۲، ناپیدا ٤٦، نهان ٤٧، نهانها ٤٨، نهانیها ۵۸، پنهان ٩٤، پوشیده ١٠٣

خَبَتْ: كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا (۹۷:۱۷)
نرم شهد ۱، فرو میرد ۳، بنشیند ۲۹، بیارامد ۳٦، فرونشیند و سست شود آتش دوزخ ٤١، بمیرد ٤٢، فرو میرد آتش ۵۲، بَمیَرد ۵۳، فُرو میرَد ۵۵، فرونشیند ۵۸، فروبرد ۷٦، فرومیرود ١١٤، بیارامد ١٢٦، خاموش شود ۱۳۷

خَبُثَ: وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا (۵۸:۷)
پلید شد ۱، ناخوش شود ۳، پَلید و شورَه ۱۰، شورستان بود ٢٤، پلید و شور شود ۲۷، پلید ۳۱، ناشایسته است ٤١، پلید آست ٤٢، پلیدست ٤٣، پلید باشد ٤٥، نَاخَوش شَوَد ۵۵، پلید شُد ۵۷، شوره ناک باشد ۵۸، شوره بود ٦٣، ناپاک است ۸۳، پلید بود ۹۰، پلید و شورست ۹۲، ناپاک و شوره ناک ۹۸، ناپاک و شوره بود ۱۰۲، بد باشد ۱۱۳، ناخوش است ١١٤، ناپاکست ١١٦، ناخوش بود ۱۱۹، پلیدی کرد ۱۲۱، ناپاک و شوره‌زار است ۱۲۷، شوره‌زار است ۱۳٦

خَبَر: لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ (۲۹:۲۸)
آگاهی ۲

خُبْراً: وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا (٦٨:١٨)
دانش ۲، آگاهی ۸، آگاهی و دانایی ٤٤، از رُوی دَانش ۵۵، از راه دانش ۷۹، از روی دانش ۸۰، آزمایش ۱۳۹

~: كَذَٰلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا (۹۱:۱۸)
دانستن ۳، آگاهی ۱۰۰، آگاهی و دانش ۱۰۲، از روی آگاهی ۱۲۳

خُبْزاً: إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا (۳٦:۱۲)
نان ۱، نانها ٢٤، نان ۵۵

اَلْخَبِيثَ: وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ (۲٦۷:۲)
بترین ۱۰، بد ۲۵، فرومایه ۳٦، بد و پلید ٦۷، ناپاک ترین ۱۰۲، پلیدترین ۱۲۱، چیزهای تباه ۱۲۳، تباه ۱۲۹، آلوده ۱۳۰

~: قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ (۱۰۰:۵)
پَلید ۲، پلیدی ٤٥، پَلید ۵۵

~: لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ (۳۷:۸)
پلید ۱، پلید ۲، بدکار ۷۹

اَلْخَبِيثَاتُ: اَلْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ (۲٦:۲٤)
زنان پَلید ۲، زنان پلید ۳، زنان پلیدکار ۳۹، زنان ناشایسته ٤١، زنان پلید و پلیدکار ٤٧، زنان ناپاک ٤٨، پلیدان ۵۳، پلیدها از کردار پلید ۷۲، زنان بدکار ۸٦، زنان پلیدان ۹۹، پلیدکاران ۱۰۹، سخنان ناشایست و ناپاک ۱۱۱، پلیدزنان ۱۲۸، پلیدها ۱۳۵، زنهای بدکار ۱۳٦

خَبِيثَةٍ: وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ (۲٦:١٤)
پلید ۱، پلید ۲، زشت، ناشایسته ٤١، پَلید ۵۵، پَلید ۹۲، پلید زشت ۱۰۰، ناخوش ۱۰۳، ناپاک ۱۱۱، بد ۱۱۳

اَلْخَبِيثُونَ: وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ (۲٦،۲٤)
مردان پلید ۱، سخن پلید یا مردان پلید ۲، مردان پلیدکار ۳۹، مردان ناپاک ۷٦، مردان بدکار ۸٦، پلید آن مرد آن ٩٤، پلیدان ۱۱۱، مردان پلید و پلیدکار ۱۱۳، پلیدمردان ۱۲۸

لِلْخَبِيثِينَ: اَلْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ (۲٦:۲٤)
مردان پلید ۱، پَلیدان ۲، مردان پلیدکار ۳۹،

---

۱. پنهامی / پنهانی.

مردان ناشایسته ٤١، فراخورد مردان پلید کار ٤٧، مردان ناپاک ٤٨، پلیدان ٥٣، ناپاکان ١١١، مردان پلید و پلید کار ١١٣، مردان پلید کار ١١٩، مردان ناپاکان ١٣٠، مردان بد کار ١٣٦

خَبِيرًا: إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا (٤:٣٥)
شناسا ٢٩

~: إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (٤:٩٤)
دانا و بینا و شنوا و آگاه ١٠

~: فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (٤:١٢٨)
دانا و آگاه ١٠

~: فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (٤:١٣٥)
آگاه ودانا ٥٧

~: وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًۢا بَصِيرًا (١٧:١٧)
آگه ١، آگاه ٢، آگاه‌مند ٣٤، دانا ٧٦

~: إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرًۢا بَصِيرًا (١٧:٣٠)
دانا ٥٧

~: إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرًۢا بَصِيرًا (١٧:٩٦)
آگاه ٥٣، بینا ٣٤

~: وَكَفَىٰ بِهِۦ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًا (٢٥:٥٨)
آگاه کننده ٢، آگاهان ٤٧

~: فَسْـَٔلْ بِهِۦ خَبِيرًا (٢٥:٥٩)
دانا ٣، آگاه‌مند ٢٤، آنچه بدانند اوُ داند ٧٦، دانایی ٩١

خَبِيرٌ: وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (٢:٢٣٤)
دانا اُو آگاه ١٠

~: وَٱللَّهُ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ (٣:١٥٣)
آگاهُ و دانا ١٠، نیک دانست ٤٠

~: وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْخَبِيرُ (٦:٧٣)
دانا و بینا و شنوا ١٠، آگاه و دانا ٢٩

~: وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلْخَبِيرُ (٦:١٠٣)
آگاه از همه چیزها ٥٧، نیک دانا ٩٦

~: ثُمَّ فُصِّلَتْ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ (١١:١)
اگه ١، آگاه‌مند ٣، آگاه بهمه چیز ٢٧، آگاهْ از همه چیزها ٥٥، دانا بآشکار و نهان ٦٤، آگاه همه کار ١١٢، آگاه بهرچیز ١٢٢

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (٢٢:٦٣)
آگاه ٢، شیرین کار ١١٩

~: إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ (٢٤:٥٣)
دانا و آگاه ٥١

~: إِنَّهُۥ خَبِيرٌۢ بِمَا تَفْعَلُونَ (٢٧:٨٨)
دانا آگاه ٩٢

~: يَأْتِ بِهَا ٱللَّهُ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (٣١:١٦)
آگاه دلها ٨٧، دانا بهمه چیز ١١١

~: وَأَنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (٣١:٢٩)
بینا و آگاه ١١٦

~: وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ (٣٥:١٤)
دانا ١، آگاهی دهنده ٢، آگاه دانا ٣، آگاهی دارنده ٢٩

~: إِنَّ ٱللَّهَ بِعِبَادِهِۦ لَخَبِيرٌۢ بَصِيرٌ (٣٥:٣١)
نیک آگاه ٢

خَتَّار: إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ (٣١:٣٢)
فریوَنده[1] ١، فریبنده ٢، فریب کار ٥٣، خرامنده

---

١. فریونده / فریبنده.

۱۰۰، نـاسـپـاس ۱۰۶، نـاسـپـاس دار ۱۱۹، بازنامه[1] کننده ۱۱۹

خِتامُهُ: خِتَٰمُهُۥ مِسْكٌ وَفِى ذَٰلِكَ (۸۳:۲۶)
مُهر ۲، مهر ۲۹، مُهر ۹۶، مهرها ۱۳۶

خَتَمَ: خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ (۲:۷)
مُهر نهاد ۲، مهر ورنهاد ۲۴، مهر برنهاده است ۹۳، نشان نهاد ۹۶، مهر نهاده ۱۰۲، مهر نهاده است ۱۲۳، مهر زده ۱۲۷

~: وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُم (۶:۴۶)
مهر کند ۱، مهر برنهد ۹، مهرنهد ۲۶، مهر زند ۱۱۲، مهر بنهد ۱۲۴

~: وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِۦ وَقَلْبِهِۦ (۴۵:۲۳)
مهر کرد ۱، مُهر نهاد ۲، مهر کرده ۳۶، مهر نهاد ۴۱، مهر نها ۶۹

خَدَّكَ: وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ (۳۱:۱۸)
روی ۱، رُخ ۲، رخ ۲۹، رخسار ۳۶، پیشانی ۴۳، رخساره ۶۱، رو ۱۱۰

خُذْ: قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ ٱلطَّيْرِ (۲:۲۶۰)
بگیرْ ۲، فا گیر ۱۰

~: فَخُذْ مَآ ءَاتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ (۷:۱۴۴)
بستان و بگیر و بپذیر ۱۰، ها گیر ۵۷

~: خُذِ ٱلْعَفْوَ وَأْمُرْ بِٱلْعُرْفِ (۷:۱۹۹)
گیر ۱۰، بگیر تو ۶۱

~: خُذْ مِنْ أَمْوَٰلِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم (۹:۱۰۳)
بستان ۱، فرا گیر ۲۹، بسَتان ۶۲، فرا گیر تو ۱۰۴

~: فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُۥٓ (۱۲:۷۸)
فَرا گیر ۷۶، بدار ۹۲

~: يَٰيَحْيَىٰ خُذِ ٱلْكِتَٰبَ بِقُوَّةٍ (۱۹:۱۲)
فرا گیر ۷۶

خُذْها: قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ (۲۰:۲۱)
بگیر ۲، بر گیر ۲۴، بگیر ۶۱

خُذُوا: خُذُوا۟ مَآ ءَاتَيْنَٰكُم بِقُوَّةٍ (۲:۶۳)
گفتم بَگیرَید ۱۰، گیرید ۲۴، بپذیرید ۲۹، ها گیرید ۵۷، فراپذیرید ۶۲

~: خُذُوا۟ مَآ ءَاتَيْنَٰكُم بِقُوَّةٍ وَٱسْمَعُوا۟ (۲:۹۳)
بگیرید ۲، بُگیرَید ۱۰، واگیری ۲۴، فراپذیری ۴۰، گفتیم بگیرید ۵۹، فرا گیری ۹۵، فروگیرید ۱۱۲

~: يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ خُذُوا۟ حِذْرَكُمْ (۴:۷۱)
فاگیرَی ۱۰، بگیرند ۴۵، بگیرید ۷۶

~: وَخُذُوا۟ حِذْرَكُمْ (۴:۱۰۲)
نگاه دارید ۲، بگیریت ۳، فا گیرید ۱۰، بر گیرید ۵۷، فرا گیرید شما ۱۰۴

~: يَٰبَنِىٓ ءَادَمَ خُذُوا۟ زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ (۷:۳۱)
فا گیرَید ۱۰، فرا گیرید ۲۹، بپوشید ۳۶، بردارید ۱۳۵، ها گیریدْ ۱۴۰

~: خُذُوا۟ مَآ ءَاتَيْنَٰكُم بِقُوَّةٍ وَٱذْكُرُوا۟ مَا فِيهِ (۷:۱۷۱)
هلابگیرَد و بُپَذیرَید ۱۰، ها گیرید ۳۵، بگیرید کار کنید ۳۹

خَذُولاً: وَكَانَ ٱلشَّيْطَٰنُ لِلْإِنسَٰنِ خَذُولًا (۲۵:۲۹)
فرود هیشتار[2] ۱، رَسوا کننده ۲، نیک فرو گذارنده ۳، خوار کننده ۲۰، گم‌راه کننده ۲۴، رها گذارنده ۲۹، رسوا کننده ۳۰، فروگذارده ۳۴،

---

۱. بازنامه: غرور و تکبر و خودبینی.

۲. فرود هیشتار: فروگذارنده؛ خوار کننده.

فرو گذارنده ۳۹، بدبخت کننده ۴۱، بی‌راه کننده ۴۳، گذارنده ۴۶، فرو گذاشته ۵۶، فروگذارنده بر بدی ۵۸، بجای ماننده ۶۱، فریبنده ۶۴، گذاشته ۹۰، فروگذارند ۱۰۴، بجای ماننده ویاری ناکننده ۱۰۸، یاری ناکننده ۱۲۴، فراگذارنده ۱۳۱

خُذوهُ: يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَٰذَا فَخُذُوهُ (۵:۴۱)
تبگیرید[1] ۱، بگیرید ۵۳، فراگیرید ۶۳

~: خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ (۴۴:۴۷)
بگیریت ۳۰

~: وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ (۵۹:۷)
بستانید ۳۹، ستانید ۶۴، گیرید ۱۱۴

خُذوهُمْ: فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ (۴:۸۹)
بگیرید ۲، بگیریت ۳، بگیری ۲۴، بگیرید ۹۴

~: وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ (۹:۵)
دست گیر کنیت ۸۰، گیرید ۱۱۴، بگیرد ۱۲۴

خَرَّ: وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا (۷:۱۴۳)
بروی اندر آوفتید ۱۰، بُفتید ۵۳، بیفتید ۵۷، فرود بیفتاد ۱۰۲، مرد و بیفتاد ۱۰۳، برو درافتاد ۱۱۴، دَرافتید ۱۴۰

~: فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ (۱۶:۲۶)
بیفتاد ۱، براُفتاد ۲، فروافتاد ۳، فروآمد ۲۴، برافتاد ۳۶، درانداخت ۴۱، بیوفتادْ ۵۳، فُروآفتاد ۵۵، درافتاد ۵۷، در رو آمد ۷۲، بروی درآمد ۸۴، فرو فرستاد ۹۲، فرو افتاد ۱۰۰، بیفتادند ۱۰۶، فرود آمد ۱۳۵

~: وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ (۲۲:۳۱)
بیفتدی ۲، بیوفتد ۱۲، بیفتد ۳۰، برروی افتاد ۳۶، فرو افتد ۴۱، بیوفتادْ ۵۳، افتادست ۵۶، بیفتادستی ۶۴، بروی افتاد ۷۴، افتاده باشد ۷۹، بر روی فتاد ۸۷، بیفتاده است ۱۰۰، فرود افتادی ۱۰۳، بفتدی ۱۰۸، افتاده باشد ۱۱۳

~: فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا (۳۴:۱۴)
افتاد ۳، بیوفتاد ۱۸، بیوفتید ۲۴، بیفتاد بروی ۱۰۴، بنشست ۱۰۶، بافتاد ۱۱۳، فرونشست ۱۳۴

~: فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ (۳۸:۲۴)
بروی درافتاد ۳، اندرافتاد ۲۴، در روی افتاد ۳۹، دَرآمد ۴۲، بیفتادْ ۵۳، بروی اندر افتاد ۶۹، بُفتاد ۸۱، بیفتاد بر روی ۱۰۳، درآمد ۱۰۵، درآمد برو ۱۲۵

خَرابِها: أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا (۲:۱۱۴)
ویرانی ۲، ویران کردن ۴، ویران کردن ۱۰، بیرانی ۲۹، ویرانی ۳۰، وَیرانی ۴۲، بیرانیها ۵۳، ویرانی ۵۵، ویران ۶۴، بیران کردن ۹۰، ویرانیها ۱۲۱

فَخَراجُ: فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۲۳:۷۲)
روزی ۱، مزد ۳، بیرون کردن ۴۲، پای مزد ۴۳، بیرون آوردن ۵۶، مژد ۹۲، مزدی ۱۱۳، بیرون کرده ۱۱۹

الْخَرّاصُونَ: قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ (۵۱:۱۰)
دروزنان[2] ۱، دروغ زنان ۲، دروغ‌گویان ۳، دروغ گویان ۲۴، دروغ بافان ۵۳، گزاف گویان ۵۶، دروغ گویندگان ۹۲

خَرَجَ: فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ (۱۹:۱۱)
بیرون آمد ۲، برون آمد ۳

---

۱. تبگیرید: بگیرید؛ پس بگیرید.

۲. دروزنان / دروغ زنان.

~: فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ (۲۸:۲۱)
بیرون شد ۱، بیرون رفت ۵۳، برون آمد ۶۲، بیران شد ۹۵

~: فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ (۲۸:۷۹)
بیرون آمد ۳

خَرْجًا: فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا (۱۸:۹٤)
بیرون شدن ۱، مزد ۳، پای مزد ٤۳، چیزی بیرُونْ گَرْدَنْ ۵۳، مُزد ۵۵، برون کرد ۶۳

~: أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ (۲۳:۷۲)
روزی ۱، چیز ۲، بیرون کردن ۵٦، مزد ۹۲، بیرون کرده ۹٦، چیزی که از خواسته بیرون کنند - مزد ۱۰۸، خواسته ۱۲٤

خَرَجْتَ: وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ (۲:۱٤۹)
بیرون روی ۲، بیرون آیی ۳، رَوی ۱۰، رُوی ٤۰، بیرُون شَوِي ٤۲، بیرُوْن رَوی ۵۳، بیرون آی تو ۵۷، بیرون آئي تو ٦۱، بیرون رفتی تو ٦۳، بیرون روی تو ۱۰۰، بیرون آئی ۱۰۱، بیرون شدی ۱۱۲، بیرون آمدی تو ۱۲۳

~: وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ (۲:۱۵۰)
بیرون شوی ۲۹، رَوِي ٤۰، بیرون شوی تو ٦۱

خَرَجْتُمْ: إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي (٦۰:۱)
بیرون شدید ۱، بیرون آمدید ۳۹، بیرون آیید ٦۱، بیرون آمدهاید ٦٤، بیرون آمدید شما ۹۲، بیرون شوید شما ۱۱۳، بیرون روید ۱۳۸

خَرَجْنَ: فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ (۲:۲٤۰)
بیرون شند ۱، بیرون روند ۲، بیرون آیند ۱۰، ببیرون کنند ۲٤، بیرون شوند زنان ۲۷، خود بیرون شوند ۲۹، بیرون شوند ۳۰، بیروُن رَوند ٤۲، بیرون ایند ٦۹

لَخَرَجْنَا: لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ (۹:٤۲)
بیرون آمدیمی ۱۱، بیرون آمدمانی ۲۹، بیرون شویم ۳۹، بیروُن آمِدَیمی ۵۵، بیرون آمدیمی ما ۵٦، بیرون شدمانی ۷۹، بیرون آمدمانیم ما ۸۹، بیرون آئیم ۱۰۰، بیرون آمدیمانی ۱۰٤، بیرون آمدیم ۱۰٦، بیرون آمدیمان ۱۰۷، بیرون می آمدیم ۱۱۱، بیرون شدهمانیم ما ۱۳٤، بیرون میرفتیم ۱۳٦

خَرَجُوا: الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ (۲:۲٤۳)
بیرون شدند ۱، بیرُونْ رفتنْد ۲، پیش راندند ۳۰، بیرُون رَفتَند ٤۲، بیرون رفتند ۵۳، بیرون شُدند ۵۷

~: وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ (۵:٦۱)
بیرون آمدند ۲، بیرُون آمدند ٤۵، بیرُوْن شدند ۵۳، بیرون آمَدند ٦۱، بیرون گرفتند ۷۲، بیرون آرند ۷۵، بدر رفتند ۹٦، بیرون آمده باشند ۱۰۳، بیرون رفتهاند ۱۱۱

~: وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ (۸:٤۷)
بَیرون آمدند ۱۰، بدر آمدند ۹٦

~: لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ (۹:٤۷)
بیرون شدندی ۱، بیرون آمدندی ۱۱، بَیامَدَندی ۵۳، بُرون آمدَندِی ۵۵، بیرون آیند ۵۸، بیرون رفتندی ٦۷

~: حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ (٤۷:۱٦)
بیرون شند ۱، بیرون شوند ۲۲، بیرون می شوند ٤۱، بیرون شوید ۸۱، بیرون روند ۱۳۲، بیرون آید ۱۳۸

خَرْدَلٍ: مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا (۲۱:٤۷)
سپندان ۱، دانه سپندان ۲٤، سِپَندان ۵۳، اسپندان ٦۲، سپندانه ٦٤، سفندان دانه ۷۲، سپندان خرد ۷۹، سپندان خورد ۸۹، سپند آن ۹٤، اسفندان خورد ۱۱۳، سپند دانه ۱۲۳، سفید خرد ۱۳۸

~: إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ (۳۱:۱٦)
سفندان ۲٤، سپندان دانه ۳۹، سپندان گرد ٤٦،

سرشف[1] سپند ٦٤، سِپَنْدان خورد ٨٩، سپند ٩٥، اسفندان ١٠٤، سپند کوچک ١٢٢

اَلْخُرْطوم: سَنَسِمُهُۥ عَلَى ٱلْخُرْطُومِ (١٦:٦٨)
کینوا[2] ١، بینی ٢، بینیها ٣٠، پیشانی ١٢٣

أَخَرَقْتَهَا: قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا (٧١:١٨)
سوراخ کردی ١، بدرانیدی ٢، بشکستی ٣٤، بدریدی ٥٢، پاره کردی ٥٣، سُوراخ کردِی ٥٥، بشکافتی ٥٦، پاره کردی ٥٨، پاره کردی تو ٦١، بدریدی ٨٢، سوراخ کنی ٩٢، سوراخ کردی تو ٩٣، بشکافت ١٣٤

خَرَقَهَا: إِذَا رَكِبَا فِى ٱلسَّفِينَةِ خَرَقَهَا (٧١:١٨)
سوراخ کرد ١، بدَرید ٢، پاره کرد ٣، بشکست ٢٤، بدرید ٥٢، سُوراخ کرد ٥٥، بُشکافت ٥٦، ویران و سوراخ کرد ٥٨، رخنه کرد ٦١، بشکَسْت ٦٢، سوراخ کردی ٦٣، همی سوراخ کرد ٩٠، سورآخ کرد ١٠٠، درّید ١٠٩

خَرَقُوا: وَخَرَقُوا۟ لَهُۥ بَنِينَ وَبَنَٰتٍۭ (١٠٠:٦)
دروغ گفتند ١، بساختند ٢، بربافتند ٣، نهادند و بساختند ٢٦، بنهادند ٢٩، فرو بافتند ٣٨، دروغ بربافتند ٣٩، بساختَند ٤٢، فرابافتند ٤٤، بدروغ ساختند ٥٣، بَربافتنْد ٥٥، دروغ گفتند و دروغزن داشتند ٥٨، فرونهادند بدُروغ ٦٢، بدروغ گفتند ٧٢، برساختند و پدید کردند ٧٩، بنهادند و بساختند ٨٣، فرو نهاده‌اند ٨٨، فرابافتند ١٠٢، بدروغ پدید کردند ١٠٤، برمی بافتند ١١١، دروغ برساختند ١١٢، بربافته‌اند ١٢٢، برمی بافند ١٢٣، پدید کردند ١٢٦، بنهادند ١٢٧، به بافتند ١٢٩، تراشیدند ١٣٥

خَرُّوا: وَخَرُّوا۟ لَهُۥ سُجَّدًا (١٠٠:١٢)
بیفتادند ١، بر روی درافتادند ٣، بیوفتادند ٥، درافتادند ٢٤، درروی افتادَند ٤٢، بیفتاد ٤٣، بُروی دَرآفتادَند ٥٥، در روی افتادند ٥٦، افتادند ٥٨، دَرُفتادند ٧٦، بروی درآمدند ١٠٤، بروی درافتادند ١١١، بیافتادند ١٢٤، بروافتادند ١٢٧، درافتادند بروی ١٣٦

~: إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُ ٱلرَّحْمَٰنِ خَرُّوا۟ (٥٨:١٩)
بیفتند ١، بروی درافتند ٣، فروشدند ٢٤، بیفتادندی ٣٠، بروانددر آیند ٣٤، برُوی درافتند ٤١، برو درآمدَند ٤٢، اندرافتادندی ٤٤، بیفتیدند ٥٣، بروی اندَر آیند ٦٢، در روی افتادندی ٦٤، بر روی فتادندی ٦٧، بروی درمی‌افتادند ٨٦، بروی درافتادندی ١٠٣، برروی افتند ١٠٩، افتادندی ١١١، افتند ١١٤، بروی افتادند ١١٦، بروافتند ١٢٢

~: إِذَا ذُكِّرُوا۟ بِهَا خَرُّوا۟ سُجَّدًا (١٥:٣٢)
بروی افتند ٣، بروی اندرافتند ١٤، درافتند ٢٤، بیوفتند ٣٤، بروی درآیند ٤٢، در روی افتند ٤٦، بیفتند ٤٧، سر بر زمین آرند گان ٥٨، در روی می‌افتد ٦١، بر روی درافتند ٦٧، برو درافتند ١١٤، بروی درفتند ١١٦

خُرُوجٌ: لَوْ أَرَادُوا۟ ٱلْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا۟ لَهُۥ عُدَّةً (٤٦:٩)
بیرُون آمَدن ٥٥، بیرون آمَدن ٦٢، بیرون شدندی ١٢٤

~: فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ (١١:٤٠)
بیرون شدن ١، بیرون رفتن ٢، برون آمدن ١٠٥

~: وَأَحْيَيْنَا بِهِۦ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَٰلِكَ ٱلْخُرُوجُ (١١:٥٠)
بیرون آمدن ١، بیرون آوردن ٣٨، بیرون آورن ١٣٨

---

١. سرشف: تخم خردل.
٢. کینوا: خرطوم.

~: ذَٰلِكَ يَوْمُ ٱلْخُرُوجِ (۵۰:۴۲)
بدر رفتن ۹۶

خَزَائِنُ: قُل لَّآ أَقُولُ لَكُمْ عِندِى خَزَآئِنُ ٱللَّهِ (۶:۵۰)
گنجها ۲، گنج خانها ۱۰ مکرّر، گنجها ۵۵، گنج خانهآ ۹۴

~: وَلَآ أَقُولُ لَكُمْ عِندِى خَزَآئِنُ ٱللَّهِ (۱۱:۳۱)
گنج خانه ها ۹۸، نگاه داشته ها ۱۰۴، نگاه داشتها ۱۲۶

~: قَالَ ٱجْعَلْنِى عَلَىٰ خَزَآئِنِ ٱلْأَرْضِ (۱۲:۵۵)
گنج جایها ۱۲۸

~: وَلِلَّهِ خَزَآئِنُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۶۳:۷)
گنج خانها ۲

خَزَائِنُهُ: وَإِن مِّن شَىْءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُۥ (۱۵:۲۱)
گنج خانها ۲، گنجها ۵۵، گنجینها ۵۶، نگاه داشته ۵۷، جای نگاه داشتن ۵۸

لِخَزَنَة: وَقَالَ ٱلَّذِينَ فِى ٱلنَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ (۴۰:۴۹)
نگاهْ بانْ ۵۳، نگهبان ۱۱۴

خَزَنَتُها: وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَآ (۳۹:۷۱)
نـگـاه بـانـان ۲، نـگـاه داران ۳۰، نـگـاه بـان ۴۳، نگاهبـانـان ۴۹، نـگـه بـا:ان ۶۵، نـگـاهـبـان ۸۷، نگاهباناآن ۱۱۴

~: سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَآ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (۶۷:۸)
نگه وانان ۱، خازنان ۱۱۳

خِزْیٌ: إِلَّا خِزْىٌ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۲:۸۵)
رَسْوایی ۲، رُسوایی ٤، کشتن و گزیت ۲۹، رسوای ٤۹، رسوَایی ۵۲، خواری و زشت نامی ٦٤، رسوائی و نفرین ٦۷، دشواری ۹۰، خوآری ۹٤، خوار ۱۰۶

~: لَهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا خِزْىٌ (۲:۱۱٤)
رَسـوَائـی ۵۵، رسـوایـی و خـواری ۵۹، زیـان ۹۱، رسوایی و خاری ۱۰٤

~: ذَٰلِكَ لَهُمْ خِزْىٌ فِى ٱلدُّنْيَا (۵:۳۳)
راسوبی[1] ۱، رُسوایی ٤۲، رَسْوَایی ۵۵، خواری و نفرین ۹۸

~: لَهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا خِزْىٌ (۵:٤۱)
رسـوائـی ۳٤، دشـمـن کـامـی ٤۱، خُـواری ٤۵، رسوآیی ٦۰

~: ذَٰلِكَ ٱلْخِزْىُ ٱلْعَظِيمُ (۹:٦۳)
رَسْوایی ۲، نَفرین ۱۰

~: كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ ٱلْخِزْىِ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۱۰:۹۸)
رَسْوایی - سختی ۲، رسوایی ۳، نفرین ۱۳، نفرین کردن و رسوای ۲۷، خواری و خشم ٦۷، رسوایی کردن ۹۲، سخت ۹٤، خاری ۱۰٤، دردناک ۱۲٤

~: وَمِنْ خِزْىِ يَوْمِئِذٍ (۱۱:٦٦)
رسواای ۵۷

~: إِنَّ ٱلْخِزْىَ ٱلْيَوْمَ وَٱلسُّوٓءَ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ (۱٦:۲۷)
سختی ۲، شرمساری ۳۸، رُسوَایی ۵۷، خواری و رسوایی ۵۸، خواری و رسوائی ۱۱٦

~: لَهُۥ فِى ٱلدُّنْيَا خِزْىٌ (۲۲:۹)
رَسْوایِ ۲، رسـوائـی ۳۹، کُـشـتـن و خـواری ٤۱، رسوائی ٦۱، شرم داشتن ٦۹، اندوه ۸۷، زیان ۱۲۱

~: فَأَذَاقَهُمُ ٱللَّهُ ٱلْخِزْىَ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۳۹:۲٦)
سختی و رسوای ۲، راسوایی[2] ۵٦

~: لِّنُذِيقَهُمْ عَذَابَ ٱلْخِزْىِ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (٤۱:۱٦)
خواری ۱، سخت رسوا کننده ۲، خوار کُنَنْدَه ۵۳،

---

۱. اگر تحریفی در کلمه صورت نگرفته باشد، گونه ای لهجه ای از کلمهٔ «رسوایی» خواهد بود.
۲. گونه ای لهجه ای از کلمه «رسوایی»

خوارتر ۸۸، خوار کننده ۹۸

خَسَارًا: وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (۱۷:۸۲)
زیان ۱، بیدادی ۲، زیان کاری ۵۳، زیان گاری ۵۵، زیانکاری ۶۲، زیان زدگی ۶۴، زیانکاری ۱۰۰، زیان کاهی ۱۳۹

~: لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُۥ وَوَلَدُهُۥٓ إِلَّا خَسَارًا (۷۱:۲۱)
زیان کاری ۲، کم و کاستی ۴۹

خَسِرَ: فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا (۴:۱۱۹)
زیان کرد ۲، زیان گرد ۲۷، زیان کرده باشد ۲۹، زیان گرد ۵۳، زیان کار آمده باشد ۶۳، زیانکار شده بود ۱۰۰، زیان کرده ۱۱۱، زیان کرده است ۱۳۰، زیان کار آمده باشد ۱۳۸

~: قَدْ خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِلِقَآءِ ٱللَّهِ (۶:۳۱)
زیان کردند ۲

~: قَدْ خَسِرَ ٱلَّذِينَ قَتَلُوٓا۟ أَوْلَٰدَهُمْ (۶:۱۴۰)
زیان کار بودند ۲۴، زیانکار آمدند ۱۰۰

~: قَدْ خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِلِقَآءِ ٱللَّهِ (۱۰:۴۵)
زیان کردند ۱، زیان کار شدند ۱۰، زیان کار کردند ۲۴، زیان کار شُدَند ۵۳، زیان گار گشتند ۶۲، زیان کار آمدند ۶۳، زیانکاران شدند ۹۲، زیان کند ۱۳۶

~: خَسِرَ ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةَ (۲۲:۱۱)
زیان کرد ۱، زیان کار بود ۲۴، زیان زده ۴۱، زیان زده شود ۶۴، زیانکار شد ۸۷، زیانکار آمد ۱۰۰، خاکسار و نگوسار شد ۱۰۳، زیانکار آید ۱۰۶، زیان کار آمد ۱۱۷، زیان کار شد ۱۳۹

~: وَخَسِرَ هُنَالِكَ ٱلْمُبْطِلُونَ (۴۰:۷۸)
زیان گر شند[1] ۱، زیان کار شوند ۲، زیان کار گردند ۵۸، زیان کار شدند ۸۱، زیانکار آیند ۱۰۰، زیان کار شود ۱۱۴، زیانکار شوند ۱۲۱، زیانکاراند ۱۳۸

~: وَخَسِرَ هُنَالِكَ ٱلْكَٰفِرُونَ (۴۰:۸۵)
زیانکار شدند ۹۲، زیان کار است ۱۳۶

خُسْرًا: وَكَانَ عَٰقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا (۶۵:۹)
زیان ۱، زیان کاری ۲، زیان زدگی ۸۷

خُسْر: وَٱلْعَصْرِ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَفِى خُسْرٍ (۱۰۳:۲)
زیانٌ کاری ۸۷، زیانکار۱۳۸

ٱلْخُسْرَانُ: ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْخُسْرَانُ ٱلْمُبِينُ (۲۲:۱۱)
زیانکاری ۳، زیان زدگی ۶۴، زیان کار آمدن ۸۹، زیانکار آمدن ۱۰۶

~: أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْخُسْرَانُ ٱلْمُبِينُ (۳۹:۱۵)
زیان ۱، زیان کاران ۸۱، زیانکاری ۱۰۰

خُسْرَانًا: فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا (۴:۱۱۹)
زیان کردن ۲، زیان کاری ۳، زیان گردن ۴۲، زیان کار شدن ۶۱، زیان شدن ۱۰۴

خَسِرُوا: ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۶:۱۲)
زیان کار کردند ۲۷، زیان کرده‌اند ۲۹، زیان گرْدَنْد ۵۳، زیان کردَند ۶۱، زیان کار آمدند ۶۳، زیان کار دیدند ۸۵، زیانکار آمدند ۸۹

~: ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۶:۲۰)
زیانکار شدند ۷۴، زیان کار آمدند ۸۵، بزیان داشتند ۱۳۶

~: فَأُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُم (۷:۹)
زیان کرده باشند ۱۰، زیان گرْدَهْ باشند ۵۳، زیانکار کردند ۵۶، زیان کردَه باشند ۱۴۰

---

۱. زیان گر شند / زیان گر شوند.

~: قَدْ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ (۷:۵۳)
زیان کار شدند ۳، زیان افتاده باشند ۹۶، بزیان افکندند ۱۳۶

~: أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ (۱۱:۲۱)
زیان کارند ۲٤

~: فَأُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ (۲۳:۱۰۳)
زیان کردند ۲، زیان کرده باشد ۳٤، زیان کنند ۵۱، زیان کار باشند ۵٤، زیان کار و فریفته شدند ۵۸

~: ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (۳۹:۱۵)
زیان کردند ۱، زیان زده کردند ٦٤

~: ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (٤۲:٤۵)
زیان کار شدند ۳۲، بزیان آوردند ٤۹، بزیان داده‌اند ۱۳۰

خَسَفَ: لَوْلَآ أَن مَّنَّ ٱللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا (۲۸:۸۲)
فرود بردی ۱، بزمین فرو بردندی ۲، بزمین فرو برد ۳، بزمین فرو بردی ۲۹، فرو برد ۳٤، پوشیده شد ٤۳، فرو بردی بزمین ٤٦، فرو بردی ٤۷، فرو بردندی ۵۲، فرو بُرْدی ۵۳، فرو بُردی ۵٦، بزمین بردی ۵۸، فرو برده شدیمی ما ٦۱، فرو شدی ٦٤، بزمین فرو رفته شدیمی ۹۱، فرود شدی ۹۲، فرو بردمانی ۱۰۰، فرو رفتی ۱۲۱

~: فَإِذَا بَرِقَ ٱلْبَصَرُ وَخَسَفَ ٱلْقَمَرُ (۷۵:۸)
بگیرد ۱، تاریک شود ۲، گیرد ۳، بشود روشنایی ٦، گرفته آید ۱۹، ناپدید شود ۲٤، گرفته شود ۲۹، تاریک گردد ۳۹، ببرد ٤۱، سیَاه شود ٤۲، سیاه کرد ٦٤، سیاه گردد ٦۷، گرفته و تاریک شود ۷۹، برود روشنائی ۸۷، بی نور شود ۱۰٤، بگیرد سیاه و تاریک گردد ۱۰۹، تیره گردد ۱۱٦، گرفته گردد ۱۲۹، سیاه شود ۱۳۹

خَسَفْنَا: فَخَسَفْنَا بِهِۦ وَبِدَارِهِ ٱلْأَرْضَ (۲۸:۸۱)
فُرود بُردیم ۲، ما بردیم بزمین ۷٦

~: وَمِنْهُم مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ ٱلْأَرْضَ (۲۹:٤۰)
فرود بردیم ۱، فرو فرستادیم ٦٤

خُشُبٌ: كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُّسَنَّدَةٌ (٦۳:٤)
چوبها ۱، چوبها خشک ٤۱، چوبَها ۸۱، چوبهای خشک شده ۱۰۳، چوبهای خشک ۱۱۱، درختان ۱۱۳

خُشَّعًا: خُشَّعًا أَبْصَٰرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ ٱلْأَجْدَاثِ (۵٤:۷)
فرو شده ۱، فرو افتاده ۲، فروتن ۳، درمانده ۲٤، خوابانیده ۳۰، ترسنده ۳۹، خیره شده ٤۲، ترسان ٦۱، نژند گشته - خزیده ٦۷، ترس کار ٦۹، فرو خوابانیده ۸۸، فرود افکنده ۹۲، خیره شد ۱۰۵، خوابنده ۱۰۸، ترسندگان - آرامندگان ۱۰۹، فراهم رفته ۱۱۱، خار و فروتن ۱۱۳، فراهم رفته از ترس ۱۲۰، فراهم آمده ۱۲۲، فرو خابانیده ۱۲٤، فروتن شده باشد ۱۳۰

خَشَعَتِ: وَخَشَعَتِ ٱلْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَٰنِ (۲۰:۱۰۸)
نرم شهد[1] ۱، نرم شود ۲، نرم گردد ۲٤، نرم شدند ۲۹، پست کرد ۳۹، نرم شوند ٤۳، نَرمْ گشت ۵۳، نرم و نهفته گردد ۵۸، نهفته گردد ۷۲، فروتن شود ۷۹، بیارامد ۸۰، آرامیده شود ۸٦، بترسید ۹۲، فرود آشته آید ۹٤، پست شود ۱۰۳ و ۱۳۳، آرامد ۱۰۹، فروطن شود ۱۱۳، پست شوند ۱۱٦، فرو رود ۱۲۱، آرمیده شود ۱۳۲، بزاری بلند شود ۱۳٦

خُشُوعًا: وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا (۱۷:۱۰۹)
نرم شدن ۱، ترسْ کاری ۲، فروتنی کردن ۳،

---

۱. نرم شهد/ نرم شود.

فروتنی ۸، فرمان برداری ۳۹، ترس کاری ۴۱، فروتنی و ترسیدن ۴۹، زاری ۵۳، فُروتَنیِ ۵۵، فِروُتنی ۵۷، ترس ۵۹، تَرس ٦۱، ترس و نرمی ٦۵، نرمی و شکستگی ٦۷، ترسکاری ۹٤

خَشِيَ: ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ ٱلْعَنَتَ مِنكُمْ (۲۵:٤)
ترسد ۱، بترسد ۲، تَرسَد ۱۰، ترسند ۲۹، بترسَد ٦۱

~: وَخَشِيَ ٱلرَّحْمَٰنَ بِٱلْغَيْبِ (۱۱:۳٦)
بترسید ۱

~: مَّنْ خَشِيَ ٱلرَّحْمَٰنَ بِٱلْغَيْبِ وَجَآءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ (۵۰:۳۳)
ترسید ۳، بشکوهد ٦٤، ترسیده ۱۳۲

~: ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُۥ (۹۸:۸)
ترسیده است ۹٦

خَشِيتُ: إِنِّى خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ (۲۰:۹٤)
ترسیدم ۱، بترسیدم ۲، می ترسیدم ۲٤، می بترسیدم ۳۰، می تُرسیدم ۵۳، ترسیدیم ۵٦، بترسیدم ٦۱، می ترسم ۸٦

خَشْيَةً: كَخَشْيَةِ ٱللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً (٤:۷۷)
ترسیدن ۱، ترسیدن ۲، رسیدن ۱۱۲

~: وَلَا تَقْتُلُوٓا۟ أَوْلَٰدَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَٰقٍ (۱۷:۳۱)
بیم ۲

~: إِذًا لَّأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ ٱلْإِنفَاقِ (۱۷:۱۰۰)
بیم ۲، بیم و ترس ٤۸، تَرس ۵۵

~: هُم مِّنْ خَشْيَةِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ (۲۳:۵۷)
ترس ۱

خَشِينَا: فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَآ (۱۸:۸۰)
ترسیدم ۱، ترسیتیم ۳۰، ترسیدیم ۳٦، ترسیم ما ۵۳، بترسیدیم ما ۵٦، دانستیم[1] ۸۰، دانستیم ما[1] ۹۳، ترسیدیم ما ۱۰۰، بدانستیم[1] ۱۰۸، بترسیم ۱۳۹

خَصَاصَةٌ: وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ (۵۹:۹)
درویشی ۱، گرسنگی ۲، تهی دستی ۳٦، تنگی و بی نوایی ٦۷، تهی شکمی ۹۹

ٱلْخِصَامِ: وَهُوَ أَلَدُّ ٱلْخِصَامِ (۲:۲۰٤)
آویژگَن[2] اوبژرجَوی ۱۰، پیکار کنند گان ۳۰، پیکار کُننده گان ۵۵، آویژگن و بژرجوی ٦۳، دشمنان ۱۱۵، دشمنی ۱۳٦

~: وَهُوَ فِى ٱلْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ (٤۳:۱۸)
پیکار کردن ۱، پیکار ۳، سخن گفتن ۱۰۹

ٱلْخَصْمِ: وَهَلْ أَتَىٰكَ نَبَؤُا۟ ٱلْخَصْمِ (۳۸:۲۱)
پیکار کَنند گان ۱۱٤

خَصْمَانِ: هَٰذَانِ خَصْمَانِ ٱخْتَصَمُوا۟ فِى رَبِّهِمْ (۲۲:۱۹)
پیکار کنند گان ۳، داوری کنند گان ۸۷، دو پیکار کننده ۱۰۲، پیکار کننده ۱۱٤، دو دشمن ۱۲۱، دشمنان ۱۲۳

خَصِمُونَ: بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ (٤۳:۵۸)
پیکار کشان ۱، پیکار کنند گان ۳، دشمنان ٤۲، پیکار کننده ۵٦

خَصِيماً: وَلَا تَكُن لِّلْخَآئِنِينَ خَصِيمًا (٤:۱۰۵)
پَیکار کش ۲، یار و پیکار کش ۱۰، پیگار کُش ۵۵، یارمند و پیکار کش ۵۸، دشمن بیگناهان ۱۲۷

خَصِيمٌ: فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (۱٦:٤)
پیکار کش ۱، پیکار گَش ۲، پیکار کننده ۳، پَیکار کُنَنده ۵۵، پیکار گر ۵۸، داوری گیر ۵۹، پیکار کن ۷٤، دشمن ۱۰٦، پی کار کن ۱۰۹

---

۱. باتوجه به آیه و مراجعه به تفسیر معنی صحیح است.
آویژگن / آویزگن: آنکه به هر کس و هر چیز درآویزد.

~: فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (۳٦:۷۷)
پیکار گش ۲، داوری کننده ۳۳

خُصْتُمْ: وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوٓا (۹:٦۹)
درشدید ۱، درشدیت ۳، گفت و گوی کردید ۱۱، بازی می کنی ۲٤، پرخاش می کردید شما ۲۷، درشدید شما ۲۹، درآمدیت در کارها ٤۱، دَرشُدِیت ۵۵، فرو شدی ۵۷، فرو شدید ٦۹، در رفتید شما در باطل گفتن ۷۹، بسخن نابکار اندر شدیت ۸۳، گفتگوی کردید شما ۱۰۲، در شوید ۱۱٤، فرو رفتید ۱۲۲، شدید در گفت و گوی ۱۲٤، کوشیدید ۱۲۷

خَضِرًا: فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا (٦:۹۹)
سوز[1] ۱، سَبْز ۲، سبز ۱۰، کشت سبز ۲۷، سبزها ۳٦، سبزه ۳۹، سَبْزی ۵۵، گیاه سبز ۱۱۱

خُضْرًا: وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا (۱۸:۳۱)
سوز[1] ۱، سبْز ۲، سبز ۳، سبزان ۱۰۹

خُضْرٌ: وَسَبْعَ سُنۢبُلَٰتٍ خُضْرٍ (۱۲:٤۳)
ترسبز ٤۱، سبز ۷۹، سبزان ۱۰۹

~: وَسَبْعَ سُنۢبُلَٰتٍ خُضْرٍ (۱۲:٤٦)
سَبْز ۵۵، تازه ۱۲٦

~: عَٰلِيَهُمْ ثِيَابُ سُندُسٍ خُضْرٌ (۷٦:۲۱)
سوز ۱، همه سبز ۱۳۲

اَلْخِطَاب: وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْحِكْمَةَ وَفَصْلَ ٱلْخِطَابِ (۳۸:۲۰)
سخن گفتن ۱، سخُن گفتار ۱۲، سخن ۲٤، سخُن ۸۱، گذارش سخن ۱۰۵، خواهش و سخن ۱۲۲

~: وَعَزَّنِي فِي ٱلْخِطَابِ (۳۸:۲۳)
سخون گفتن ۳۳، سخن گفت و شنیدن ۵۸، سخن گُفتن ۸۱، خواهش ۱۰٤، سخون ۱۳۹

خِطَابًا: لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (۷۸:۳۷)
سخن ۲، سخن گفتن ۱۱، حرف زدن ۱۳٦، فرمان ۱۳۹

خَطَايَاكُمْ: نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَٰيَٰكُمْ (۲:۵۸)
گناهان ۲، بدیها ۳، گناهَان ۵۵، گناهها ۷۹، کژ کرداریها ۱۰۲

~: اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَٰيَٰكُمْ (۲۹:۱۲)
کژ کاریها ٤۷

خَطَايَانَا: إِنَّآ ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَٰيَٰنَا (۲۰:۷۳)
گناهان ۲، گناهها ۲۹، گناهَان ٤۲، گناهآن ۱۰۰

~: إِنَّا نَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَٰيَٰنَآ (۲٦:۵۱)
گنهان ۱، گناهان ۲، ناراستیها ۱۳۹

خَطَايَاهُمْ: وَمَا هُم بِحَٰمِلِينَ مِنْ خَطَٰيَٰهُم (۲۹:۱۲)
گنهان ۱، گناهان ۲، کژ کاریها ٤۷

خَطَأً: يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَـًٔا (٤:۹۲)
ناگهان ٤۳، گناه ٦۱، بی آهنگی ۱۰۹

خِطْأً: إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْـًٔا كَبِيرًا (۱۷:۳۱)
گناه ۳، بزه ۳٤، گناه ۵۵، ناکردن ۹٦

خِطْبَة: عَرَّضْتُم بِهِۦ مِنْ خِطْبَةِ ٱلنِّسَآءِ (۲:۲۳۵)
خواستن ۱، بزنی خُواسْتَن ۲، خواست داری ۳، بزنی خواستن ۲۹، زَن خُواستَن ٤۲، زن خواستن ۵۲، خَواسْتگاری ۵۵، خواستن زنان ۵۷، خوازنده زنان شوی مرده ٦۳، خواست گاری ۷۵، بزنی خو آستن ۹٤، خواستاری ۹۸، خواسته ۱۰٤، زن گرفتن ۱۰۷، خواستکاری ۱۲۲، خاستگاری ۱۳۰، خواستگاری ۱۳۱، خواستگاری کردن ۱۳۵

خَطْبُكَ: قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَٰسَٰمِرِيُّ (۲۰:۹۵)

---

[1] سوز/ سبز.

کار ۱، کار بزرگ ۳۰، کار بودن ۵۲

★ فَمَا خَطْبُكَ: قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَـٰسَـٰمِرِيُّ (۲۰: ۹۵)
چه بود ترا ۷٦

خَطْبُكُمْ: قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا ٱلْمُرْسَلُونَ (۵۱: ۳۱)
کار ۱، کار بزرگ ۸٦

★ مَا خَطْبُكُمْ: قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا ٱلْمُرْسَلُونَ (۱۵: ۵۷)
چیست کار شما ۵۵

خَطْبُكُمَا: قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِى (۲۸: ۲۳)
کار ۱

★ مَا خَطْبُكُمَا: قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِى (۲۸: ۲۳)
چه بود ۷٦

خَطْبُكُنَّ: قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَٰوَدتُّنَّ (۱۲: ۵۱)
کار ۱، گناه ۲٤

★ مَا خَطْبُكُنَّ: قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَٰوَدتُّنَّ (۱۲: ۵۱)
چه خواستید شما ۷٦، چیست ۹۰

خَطِفَ: إِلَّا مَنْ خَطِفَ ٱلْخَطْفَةَ (۳۷: ۱۰)
بربود ۱، ربود ۳، برباید ۲۲، برباید ۲٤، در رباید ۲۹، دزدیدن ٦۹، کار زد ۸۷، فراگیرد ۱۱۹، رباید ۱۲۰، بدزدد ۱۲۳

ٱلْخَطْفَةَ: إِلَّا مَنْ خَطِفَ ٱلْخَطْفَةَ (۳۷: ۱۰)
ربودن ۱، بربودن ۳٤، رُبودن ۵۷، رَبودن ٦۵، در ربودن ۸۹

خُطُوَات: وَلَا تَتَّبِعُوا۟ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَـٰنِ (۲: ۱٦۸)
پَیها ۲، راهها ۳٦، گام گام ٤۰، راهَها ٤۲، گامَها ۵۵، پیهاَ ۵۷، راه ٦۳، راهها و فرمانها ٦۷، کارها ۷۵، بی راهی ۸۲، بن پیها ۸٦، گامهاء ۹۰، خواهشها ۱۱۵، راه ها ۱۱۸

~: وَلَا تَتَّبِعُوا۟ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَـٰنِ (۲: ۲۰۸)
گامَها ۵۵، پیهاء ۵۷، آثار گامها ۸٤

~: وَلَا تَتَّبِعُوا۟ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَـٰنِ (٦: ۱٤۲)
گامها ۱، پیها ۲۷، گامها و فرمانها ٦٤، گامها و راهها ٦۷، فرمانها ۷۲

~: وَمَن يَتَّبِعْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَـٰنِ (۲٤: ۲۱)
پَیها ۵۳، آثار گامها و راهها ٦۷، گامها آرایشها ۷۲، سخنها ۱۰۵، راه نمای ۱۱۳، رَجها ۱۱۹

خَطِيئَاتِكُمْ: نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيٓـَٔـٰتِكُمْ (۷: ۱٦۱)
گنهان ۱، گناهَان ۵۵، گناَهان ۱۰۰

خَطِيئَاتِهِمْ: مِّمَّا خَطِيٓـَٔـٰتِهِمْ أُغْرِقُوا۟ (۷۱: ۲۵)
گناهان ۱، گناهها ۲٤

خَطِيئَةً: وَمَن يَكْسِبْ خَطِيٓـَٔةً أَوْ إِثْمًا (٤: ۱۱۲)
گناه ۲، گناه اُودزدی ۱۰، بزه ۳۱، گناه خُرد ۵۳، بدی ٦۱، ناشایست ٦٤، گناَه ۱۰۰، گناه خرد ۱۲٤

خَطِيئَتُهُ: وَأَحَـٰطَتْ بِهِۦ خَطِيٓـَٔتُهُۥ (۲: ۸۱)
گناه ۲، گناهان ٤، ناراستی ٦۳، بدی و گناه ۱۰۲، بدیها ۱۲۱

خَطِيئَتِي: يَغْفِرَ لِى خَطِيٓـَٔتِى (۲٦: ۸۲)
گنه ۱

خِفَافًا: ٱنفِرُوا۟ خِفَافًا وَثِقَالًا (۹: ٤۱)
سبکان ۱، بَرنا آن و سبکان و تُوانگران ۱۰، سبک باران ۱۱، سبک ۲۹، سبک بار ۳۸، درویشان ٤۳، درویش پیر ٤۹، سُبکی ۵۳، سَبُکان ۵۵، درویش ٦۲، سوار ٦۷، جوانان توانگر ۷۹، درحال سبکی ۹۳، سبک بار آن ۹٦، سبکباران ۱۰۲، سبکساران ۱۲۳، سبکبار ۱۲۷، جوانان ۱۳٦

خِفْتُ: وَإِنِّى خِفْتُ ٱلْمَوَٰلِىَ مِن وَرَآءِى (۱۹: ۵)
ترسیدم ۱، بترسیدم ۲، می ترسم ۲٤، همی ترسم ۳۸، ترسم ۷٦، میترسم ۱۳۰

~: فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِى ٱلْيَمِّ (۲۸: ۷)
ترسی ۱، بترسید ۲۱، بترسی ۲٤، ترسی تو ۵۳،

بترسیدی تو ۵۸، بترسی تو زن ۶۱، ترسید ۷٦

خَفَّتْ: وَمَنْ خَفَّتْ مَوَٰزِينُهُۥ (۷:۹)
سبک آید ۲، سبک شد ۳، سُبُک آید ۱۰، سبک بود ۲٤، سبک باشد ۳۱، سبک گردد ۳٤، سبک آیند ٦۳، سبک آمد ٦۷

~: وَمَنْ خَفَّتْ مَوَٰزِينُهُۥ (۲۳:۱۰۳)
سبک شهد[1] ۱، سُبک شد ۳، سبک شوند ۲۹، سَبک بَاشَد ۵۱، سبک شود ۵۳، سبک است ۱۲۲

~: وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَٰزِينُهُۥ (۱۰۱:۸)
سبک آید ۲، سبک سنگ آید ٦٤، باشد سبک ۸۷، سبک شده ۱۳۲

خِفْتُكُمْ: فَفَرَرْتُ مِنكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ (۲٦:۲۱)
بترسیدم ۲، ترسیدم من ۱۲۳

خِفْتُمْ: فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ (۲:۲۲۹)
بترسید ۲، بترسیت ۳، دانَید، تَرسَید ۱۰، ترسی ۲٤، بترسید شما ٤۳، بترسند ۵۳، دانی شما ٦۰، ترسید شما ٦۳، دانستید ۱۲۳

~: وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا۟ فِى ٱلْيَتَٰمَىٰ (٤:۳)
می ترسید ۱۰، می ترسیت ٤۱، ترسید شما ۵۷، دانید و ترسید ۵۸

~: وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا (٤:۳۵)
بدانید ۱۰، دانید ۲۷

~: أَن تَقْصُرُوا۟ مِنَ ٱلصَّلَوٰةِ إِنْ خِفْتُمْ (٤:۱۰۱)
دانید او بترسَید ۱۰، ترسی شما ۲٤، ترسیت شما ۹۷

~: وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ ٱللَّهُ (۹:۲۸)
ترسید ۱، ترسیت ۳، مَی تَرسید ۱۰، بترسید ۱۱، شما ترسید ۹٦

خَفَّفَ: ٱلْـَٔـٰنَ خَفَّفَ ٱللَّهُ عَنكُمْ (۸:٦٦)
سبک کرد ۱، سُبُک گردانید ۲، سبک تر بکرد ۱۰، سبک تر گردانید ۱۱، سبک گردانید ۳٦، سُبُک گَردانید ۵۵، سبک کردند ۵۷، سبکسار کرد ٦۷، سبک گرداند ۸۰

خَفِيًّا: إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُۥ نِدَآءً خَفِيًّا (۱۹:۳)
پنهام[2] ۱، پنهان ۲، پوشیده ۳، پوشیده ٤۱، پوشیده و نهانی ٤٤، نهان ۵٦، ترسان ۸۸، راز ۹۲، سبک ۹۳، پنهان نرم ۹٤، نرم ۱۰۵، آهسته ۱۱۵، پنهان و پوشیده ۱۱۹

خَفِيٍّ: يَنظُرُونَ مِن طَرْفٍ خَفِىٍّ (٤۲:٤۵)
پنهام[2] ۱، تَرسْناک ۲، ترسناک ۲۲، نرمک ۵۲، پوشیدگی ٦۱، پنهآن ۱۰۰، پوشیده - دزدیده ۱۰۹

خُفْيَةً: تَدْعُونَهُۥ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً (٦:٦۳)
پنهام[2] ۱، نَهان ۲، پوشیده ۳، ترس ۹، نَهان ۵۵، پوشیدن ٦۰، پنهاُن ۱۰۰، ترس کاری ۱۰۷

~: ٱدْعُوا۟ رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً (۷:۵۵)
پنهان ۲، نهان ۳، لاوَه کردَن پنهان - زاری کردن پنهان ۱۰، پوشیدن ۲۹، پنهانی ۳۱، آهسته ۳٦، نیهانی[3] ٤۵، سرّ ۵۳، نَهانی ۵۵، پوشیدگی ٦۰، نهانی ۷۹، نهان کننده ۱۰٤، از روی پوشیدگی ۱۱٦

خَفِيفًا: حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِۦ (۷:۱۸۹)
سبک ۱، سُبُک ۳، سبک و آسان ۱۰، سُبُکْ ۵۵

خَلَا: وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ (۲:۷٦)
تنها شوند ۲، تنها مانند ۳، تنها باشند ۱۰، تنها شُدَند ٤۲، تنها شدند ۵۲، تَنهَا مَانَد ۵۵، تنها مانند ۱۱٤، تنها ماند ۱۲۱

~: وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (۳۵:۲٤)

---

۱. سبک شهد / سبک شود.
۲. پنهام / پنهان.
۳. نیهانی / نهانی.

بگذشت ۱، گذشت ۲

خَلائِفَ: جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ (۶: ۱۶۵)
باشندگان از پسِ دیگران ۲، از پس آیندگان ۱۰، پس دیگران ۲۴، باشندگان ۴۲، پس نشینان ۱۰۹

~: ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ (۱۰: ۱۴)
سپس آمدگان ۲، پس آمدگان ۴۲، از پس آمدگان ۵۲، پس ایستادگان ۵۸، گماشتگان ۶۳، جای نشینان ۹۵، ازپس درآیندگان ۱۰۲، پس نشینان - ازپی درآیندگان ۱۰۹، جانشینان ۱۱۱، گذاشتگان ۱۳۰، جانشین ۱۳۵

~: وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ (۱۰: ۷۳)
بجاء ماندگان ۳۹، پس آیندگان ۴۱، ازپس درآوردگان ۵۹، پس درآیندگان ۱۰۲

~: هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ (۳۵: ۳۹)
ازپی درآیندگان ۱۰۹، پس نشینان و پیشینیان ۱۱۱، جانشین گذشتگان ۱۲۲، جانشین ۱۳۲

خِلافَ: أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ مِنْ خِلَافٍ (۵: ۳۳)
ناهمواری ۲، برافرود[1] چپ و راست ۳، چپ و راست ۳۶، برافرُود[1] ۵۵، برافرود[1] یعنی دست راست و پای چپ ۸۰، ناهمواری ۸۲، پس پشت ۱۳۶

~: لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ (۷: ۱۲۴)
برافرود ۳، کوژاموز ۱۰، راست و چپ ۳۶

~: فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ (۹: ۸۱)
واپس ۲۹، پس ۵۵، از پس ۵۷، پس رفتن ۵۸، نارفتن ۹۴

~: فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ (۲۰: ۷۱)
ناهمواری ۲، دیگر سوی ۴۲، از دیگر سوی ۵۲، ناهموار ۱۰۹، یکی از راست یکی از چپ ۱۳۷

~: لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ (۲۶: ۴۹)
فاوا ۲۰، فاوا دست راست و پای چپ ۴۷، دست راست و پای چپ، بند ۷۸، ناهمواری - چپ و راست ۱۰۸

خِلافَكَ: وَإِذًا لَا يَلْبَثُونَ خِلَافَكَ (۱۷: ۷۶)
پس ۱، سپس ۲، پس شدن ۵۸، پس از ۷۹، از پس رفتن ۱۳۷

الْخَلّاقُ: إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (۱۵: ۸۶)
آفریدگار ۵۵، بسیار آفرین ۵۹، آفریدگار ۱۲۹

~: وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (۳۶: ۸۱)
آفریدگار ۱، نیک آفریننده ۳۳، آفریننده ۴۹، بسیار آفرینش ۸۶، بسیار آفریننده ۱۰۰، آفریننده بسیار ۱۱۱

خَلاقٍ: مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ (۲: ۱۰۲)
بَهره ۲، بَرخ ۱۰، دوستی ۹۰، پناوه‌ی[2] نیکو ۹۴، نکویی ۱۲۳، بهره نیکو ۱۲۵

~: وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ (۲: ۲۰۰)
بهر ۲، بهره ۳، بخش ۳۹، بَهرَه ۴۲، بهر ۱۳۸

~: لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ (۳: ۷۷)
نیاوه ۱، برخ ۱۰، بزه ۱۱۲

بِخَلاقِكُمْ: فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِكُمْ (۹: ۶۹)
نیاوه ۱، بهَرَه ۲، بر ۹۲، بهره ۱۱۴

بِخَلاقِهِمْ: فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاقِهِمْ (۹: ۶۹)
بهره ۱۱۴

خِلالٌ: يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ (۱۴: ۳۱)
دوست ۱، دوُستی ۲، دوستی ۳، دوستیها ۴۳،

---

۱. برافرود: درهم و برهم و مخلوط.
۲. پناوه: تفویض به خدای و توکل

دوستی ۵۵، دوستی با یکدیگر ۱۰۴، دوستی کردن با یکدیگر ۱۱٦

~: فَجَاسُواْ خِلَٰلَ ٱلدِّيَارِ (۵:۱۷)
میانه ۲، درمیان ۲۹، دَر مِیان ۵۵، مَیان ٦۲

خِلالَكُمْ: وَلَأَوْضَعُواْ خِلَٰلَكُمْ (۴۷:۹)
میان ۱، میان ۱۰، سختی و کاری چند ۱۲۲، شتران[1] ۱۳٦

خِلالِه: فَتَرَى ٱلْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَٰلِهِۦ (۴۳:۲۴)
شکاف ۵۸

~: فَتَرَى ٱلْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَٰلِهِۦ (۴۸:۳۰)
شکافها و میانها ۴۷، درزها ٦۵، شکافها ۱۰۲

خِلالَها: فَتُفَجِّرَ ٱلْأَنْهَٰرَ خِلَٰلَهَا تَفْجِيرًا (۹۱:۱۷)
اندرمیان ٦۲

~: وَجَعَلَ خِلَٰلَهَآ أَنْهَٰرًا (٦۱:۲۷)
گرد بر گرد و مَیان ۵۳، میان ۱۰۰

خِلالَهُما: وَفَجَّرْنَا خِلَٰلَهُمَا نَهَرًا (۳۳:۱۸)
میانشان ۱۱۴

خَلَتْ: تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ (۱۳۴:۲)
گذشته [اند] ۱۰، گذشته است ۲۹، گذشته بُد ۴۰، برفتند و بگذشتند ۴۱، گُذَشْتَنْد ۵۵، گذشتند و رفتند ۹۲، گذاشتند ۱۰۴، در گذاشت ۱۲۳

~: تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ (۱۴۱:۲)
گُذَشْتند ۲، گذشته بود ۴۰، خود گذشتند ٦۷

~: قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ (۱۳۷:۳)
بُگذشت ۱۰، گذشتست ۲۴، گُذَشت ۵۵

~: قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ ٱلرُّسُلُ (۱۴۴:۳)
بگذشتند ۱، گَذَشتَنْد ۲، بگذشتست ۱۰

~: قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ ٱلرُّسُلُ (۷۵:۵)
گذشتند ۲، درگذشت ۷۵

~: قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُم (۳۸:۷)
بگذشت ۱، گُذاشت ۲، گذشته اند ۱۰، گذشته شده ۲۷، رفتند ٦۰، گذشته بودند ٦۷، درگذشتند ۱۲۳

~: وَقَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِمُ ٱلْمَثُلَٰتُ (٦:۱۳)
گذشتْ ۲، گُذَشْت ۵۵، رفت ٦۲، برفت ۸۸

~: وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ ٱلْأَوَّلِينَ (۱۳:۱۵)
گذشته اَست ٦۲، رفتست ٦۴، بگذشته است ۷٦

~: قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ ٱلْجِنِّ (۲۵:۴۱)
گذشت ۸۰

~: وَقَدْ خَلَتِ ٱلْقُرُونُ مِن قَبْلِى (۱۷:۴٦)
رفته اند ۹٦

~: وَقَدْ خَلَتِ ٱلنُّذُرُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ (۲۱:۴٦)
بگذشته بود ۳۴

~: سُنَّةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِى قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ (۲۳:۴۸)
سپس ماند ۳۰

خُلَّةٌ: وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَٰعَةٌ (۲۵۴:۲)
دوستی ۱، دوُسْتی ۲، دَوستی ۱۰، دوستان ۳۰، دوست ۴۱، دوُست ۴۲

اَلْخُلْدِ: ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلْخُلْدِ (۵۲:۱۰)
جاودانی ۲، جاویدان ۳، جَاوَدانه ۱۰، جاویدانه ۴۹، جَاوید ۵۵، جاویدی ۸۰، جاوید ۸۹، همیشه ۹۱

~: قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ ٱلْخُلْدِ (۱۲۰:۲۰)

---

۱. این معنی با یکی از معانی کلمهٔ «اَوْضَعُوا» (دوانیدند شتران را) بی مناسبت نمی نماید.

جاودانه ۱، جاودان ۲، جاودانگی ۵۳، همیشه بودن ۱۲۱، جاوید زیستن ۱۳۹

~: وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ ٱلْخُلْدَ (۲۱:۳٤)
جاودانی ۲، جاویدانی ۲٤، جاودانهٔ ۵۳، پایندگی ۱۱۱

~: قُلْ أَذَٰلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ ٱلْخُلْدِ (۲۵:۱۵)
جاودانگی ۳، جاودانی ۷٦، جاودانه ۱۰۰

~: ذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۲:۱٤)
جاوید ۳، جاودانهٔ ۵۳

خَلَصُوا: فَلَمَّا ٱسْتَيْـَٔسُوا۟ مِنْهُ خَلَصُوا۟ نَجِيًّا (۱۲:۸۰)
ورتا شدند ۱، بیکسُو شدند ۲، بیکسو رفتند ۳، با یکسو شدند ۵، بیک سو شدند ۲۹، تنها شدند ٤۱، اندر دل گرفتند ۵۳، یکسُو رفتند ۵۵، یکتا شدند ۵٦، تنها شدند ۵۷، با یکسوی شدند ٦۳، جدا شدند ٦٤، تنها با گوشهٔ شُدند ۷٦، یکسو شدند ۹٤، بیکسو شدند ۹٦، کناره شدند ۱۱۱، جای رفتن ۱۱۳، یک کناره شدند ۱۱٦، بیک کناره شدند ۱۲۷، کناره گرفتند ۱۳۳

★ خَلَصُوا نَجِيًّا: خَلَصُوا۟ نَجِيًّا (۱۲:۸۰)
وایک دیگر راز کردند ۲٤

اَلْخُلَطاء: وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلْخُلَطَآءِ (۳۸:۲٤)
انبازان ۲، انبازان ۳، آمیختگان ۲۲، هنبازان ۲٤، هم سران ۲۹، همبازان ٤۲، انبازان ۵۳، دوستان ٦۹، دوستان ۸۱، انبازان ۱۰۰، بهم آمیختگان ۱۰۲، بهم آمیختگان - انبازان ۱۰۹

خَلَطُوا: خَلَطُوا۟ عَمَلًا صَٰلِحًا وَءَاخَرَ سَيِّئًا (۹:۱۰۲)
بیامیختند ۱، بیامیختند ۲، ورآمیختند ۲۹، آمیختند ۳۰، آمیخته اند ۳٤، بیامیخته اند ۳٦، درآمیختند ٤۲، آمیختند ۵۵، می آمیختند ٦٤، آمیخته اند بهم ۸۸، برآمیختند ۹۰، بهم آمیختند ۱۰۰، درآمیختند باهم ۱۲۷

خَلَفَ: فَخَلَفَ مِنۢ بَعْدِهِمْ (۷:۱٦۹)
ورآمد ۱، واپس ماندند ۱۰، بماند ۲٤، ایستادند ۳۰، ازپس برسید ٤۱، ایستادند ۵۵، بماندند و بجای ایستادند ٦۱، از پس اندر آمد ٦۲، بگذاشتند ٦٤، بازپس ماند ۷۹، پدید آمد ۸۸، فرا دید آمدند ۹۳، در رسید ۱۰۵، از پس درآمدند ۱۱۱، درآمد ۱۱۲، ازپی درآمدند ۱۲۰، بگذاشت ۱۳٦

~: فَخَلَفَ مِنۢ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ (۱۹:۵۹)
اندر رسید ۲، آمدند ۳، بماندند ۲٤، واپس ماند ۲۹، اندر رسید ۳۰، بیامدند ٤۳، وانشست ۵۲، بر آمد ۵۳، فراز رسید ۵٦، پس رسید ۵۸، اندر آمدند سپس بیامدند ۵۹، اندر آمد ٦۲، ازپس فراز رسید ٦۵، پس ماند ۷۲، ازپس آمد ۸۷، ازپس فراز رسید ۹۰، درپی درآمد ۹٦، بازماندند ۱۰۰، اندر رسد ۱۰۸، ازپی درآمد ۱۰۹، درآمدند ۱۲۱، جانشین شد ۱۳۲

خَلْفٌ: خَلْفٌ وَرِثُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ (۷:۱٦۹)
فرزندان ۲، گروه ۱۰، فرزندان بد ۲۹، بازمانده بُد ۳۵، گروه ۵٦، ازپی درآیندگان ۱۰۹، پس آمدگان ۱۱۱، بازماندگی ۱۰٤، جانشینان ۱۲۰، بازماندگان ۱۲٦، درآمدگان از پس ۱۲۷، گروهی بد ۱۳٦

~: فَخَلَفَ مِنۢ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ (۱۹:۵۹)
فرزندان ۲، فرزند ۳۰، ناشایستگان ٤۱، پس مانده ٤٤، پس ۵٦، پس رس ۵۸، از پس اندر آمدگان - سپس آیندگان ۵۹، پس رس بد ۷٤، اندر آمد ۷٦، پس رو ۹۲، فرزندگان ۱۰۸، پس نشین ۱۱۱

خُلَفاءَ: خُلَفَآءَ مِنۢ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ (۷:٦۹)
فروزادگان ۱۰، واماندگان ۲۹، باشندگان ٤۸، ماندگان ٦۱، پسینیان ۱۱۱، واپس گذشتگان ۱۱۳، واپس گذاشتگان ۱۱٤، جانشینان ۱۱٦، پس نشین ۱۲۳

~: خُلَفَآءَ مِنۢ بَعۡدِ عَادٖ (۷:۷٤)
سپس آمد گان ۲، پس آیند گان ۳، واپس ماند گان ۲۹، ازپس آمد گان ٤۲، پس آمد گان ۸۳، پادشاهان ۱۰٤، واپس مانده گان ۱۱۳، پس ماند گان ۱۱٤، جانشین ۱۲۳، جای نشینان ۱۳۱

~: وَيَجۡعَلُكُمۡ خُلَفَآءَ ٱلۡأَرۡضِ (۲۷:٦۲)
ازپس درآیند گان ٤۷، گماشتگان ۸۹، ازپی درآیند گان ۱۰۹

خِلۡفَةً: جَعَلَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ خِلۡفَةً (۲۵:٦۲)
یک پس دیگر ۱، پس یکدیگر آینده ۳، از پس یکدیگر در آینده ۲۹، سپس یکدیگر آینده ۳۰، ازپس یکدیگر آینده ٤۲، درپی یکدیگر ٤۳، ازپس یک دیگر ٤٦، پیاپی یک دگر ٥٦، پس دیگر ٥۸، پس یکدیگر ٦۱، از پس یکدیگر ۷٤، پی یکدیگر ۷٦، ازپی یکدیگر ۱۰۰، ازپس درآینده ۱۰۲، ازپی یکدیگر درآینده ۱۰٦، سپس یکدیگر ۱۰۸، ازپی یکدیگر و بجای یکدیگر ۱۱۳، پی هم آینده ۱۱٤

خَلَفۡتُمُونِي: قَالَ بِئۡسَمَا خَلَفۡتُمُونِي مِنۢ بَعۡدِيٓ (۷:۱٥۰)
واپس گذاشتی ۲٤، بجای من بایستادید ۲۹، ازپس من بجای باستادی ۳٥، ازپس من باستادی ٥۷، پس نشینی کردید ۱۰۹، جانشین بودید ۱۳٦

خَلۡفَكَ: لِتَكُونَ لِمَنۡ خَلۡفَكَ ءَايَةً (۱۰:۹۲)
پس ۱، پَس ٥۳، ازپس ٥۷، پی ۱۰٦، پس پشت ۱۲۱

خَلۡفَكُمۡ: ٱتَّقُواْ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيكُمۡ وَمَا خَلۡفَكُمۡ (۳٦:٤٥)
سپس ۳۳، بازپس ۸٦، پس ۸۷

خَلۡفَنَا: لَهُۥ مَا بَيۡنَ أَيۡدِينَا وَمَا خَلۡفَنَا (۱۹:٦٤)
پس ۲، واپس ۲۹، سپس ۱۰۸، درپس ۱۱۳، پس ما ۱۱٤، گذشته ۱۳۲

خَلۡفِهِ: مِّنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦ (۱۳:۱۱)
پس ۲، پشت ۲٤، پس سر ۱۲۷

~: لَّا يَأۡتِيهِ ٱلۡبَٰطِلُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَلَا مِنۡ خَلۡفِهِۦ (٤۱:٤۲)
سپس ۳۰

~: فَإِنَّهُۥ يَسۡلُكُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦ رَصَدٗا (۷۲:۲۷)
پس پشت ۱۳٦

خَلۡفَهَا: لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهَا وَمَا خَلۡفَهَا (۲:٦٦)
پس ۲، واپس ۱۰، پَس ٤۲، پی ۱۰٦، پشت سر ۱۳٥

خَلۡفَهُمۡ: يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ (۲:۲٥٥)
پَس ۲، واپس ۱۰، بازپس ٦۲، پس پشت ٦٤، پس سر ۱۲۷

~: ثُمَّ لَأٓتِيَنَّهُم مِّنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ (۷:۱۷)
پسْ ۲، فراپس ۹٥، پشتها ۱۰٦، پس پشتشان ۱۱٤

~: يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ (۲۰:۱۱۰)
پیش ۱۰٦، پی سر ۱۳۲، پشت ۱۳٥

~: يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ (۲۲:۷٦)
سپس ۲، پس شان ۱۱٤

خُلِّفُوا: وَعَلَى ٱلثَّلَٰثَةِ ٱلَّذِينَ خُلِّفُواْ (۹:۱۱۸)
ایستی کردند ۱، سپس ماندند ۲، پس گذاشته شدند ۳، پس ماندند ۱۳، سپس مانده شدند ۲۷، واپس گذاشته شدند ۲۹، گذاشته شدند ۳۰، پس مانند ۳۸، بازپس گذاشتند ٤۲، بازپس بدر رفتند ٤۹، بازپس ماندند ٥۳، پَس گُذاشْتَه شُدَند ٥٥، بازپس داشته آمدند ٥۷، پس کرده شدند ٥۸، بازماندند ٦۰، سپس ماندند ٦۲، باپس افکندند ۷٦، واپس داشته شدند ۷۹، بازپس افکنده بودند ۸۸، بازپس گذاشته شدند ۸۹، واپس کرده شدند ۹۰، بازپس افکنده شدند ۹۳، ازپس مانده شدند ۹٤، باپس ماندند ۹٦، بازایستادند ۱۰۳، بازگذاشته شدند ۱۰٦، بازپس استادند ۱۰۷، سپس کرده شدند و بازداشته ۱۰۹، بازپس گردانیده شدند ۱۱۱، واماندند ۱۱۲، واپس داشته شده‌اند ۱۱۳، واپس افتادند ۱۱٤، بازپس افکندند ۱۱۸،

بازداشته شده بودند ۱۲۲، پس مانده شدند ۱۲۷

خَلَقَ: هُوَ ٱلَّذِی خَلَقَ لَکُم (۲:۲۹)
بیافریدست ۱۰، آفرید ۵۵

~: مَا خَلَقَ ٱللَّهُ فِیٓ أَرْحَامِهِنَّ (۲:۲۲۸)
بیافریده بود ۱۰، آفریده باشد ۶۲، آفریند ۶۴، بیافریده ۷۵

~: بَلْ أَنتُم بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ (۵:۱۸)
بیافرید ۴۵، آفریده ۱۱۱

~: ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِی خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ (۶:۱)
آفرید ۱، بیافرید ۸۸، پدید آورد ۱۲۲

~: وَخَلَقَ كُلَّ شَیْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ (۶:۱۰۱)
آفریده بود ۲۴

~: خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ (۹:۳۶)
بیافرید ۱

~: خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ (۱۰:۳)
پدید آورده ۱۲۲

~: وَمَا خَلَقَ ٱللَّهُ فِی ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۱۰:۶)
آفریدست ۲۴

~: خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ (۱۴:۱۹)
آفریننده ۵۲

~: ٱللَّهُ ٱلَّذِی خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ (۱۴:۳۲)
برافراشت ۱۰۶

~: خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ (۱۶:۳)
آفریدست ۶۴

~: وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَٰلًا (۱۶:۸۱)
آفریده است ۷۶

~: فَأَرُونِی مَاذَا خَلَقَ ٱلَّذِینَ مِن دُونِهِۦ (۳۱:۱۱)
آفریدند ۱، آفریده‌اند ۴۷

★ مَا خَلَقَ: مَا خَلَقَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ إِلَّا بِٱلْحَقِّ (۱۰:۵)
نیافرید ۲۴

~: مَّا خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ (۳۰:۸)
نیافرید ۵۸

خَلْقٌ: إِنَّ فِی خَلْقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۳:۱۹۰)
آفرینش ۱۰

~: وَلَءَامُرَنَّهُمْ فَلَیُغَیِّرُنَّ خَلْقَ ٱللَّهِ (۴:۱۱۹)
آفریده ۲، آفریدهاء ۹۰

~: أَلَا لَهُ ٱلْخَلْقُ وَٱلْأَمْرُ (۷:۵۴)
آفرینشت ۱، آفریدگان ۳۹، آفریدن ۶۲، آفریدن - آفرینش ۱۰۹

~: إِنَّهُۥ یَبْدَؤُا۟ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ یُعِیدُهُۥ (۱۰:۴)
بیافریدن ۳۹، آفریدن ۵۵

~: أَءِذَا كُنَّا تُرَٰبًا أَءِنَّا لَفِی خَلْقٍ جَدِیدٍ (۱۳:۵)
آفرینش ۱، فرا آفرینند ۱۰۵

~: فَتَشَٰبَهَ ٱلْخَلْقُ عَلَیْهِمْ (۱۳:۱۶)
آفریدن ۱، آفرینش ۷۶

~: إِن یَشَأْ یُذْهِبْكُمْ وَیَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِیدٍ (۱۴:۱۹)
آفریده ۲

~: مَّآ أَشْهَدتُّهُمْ خَلْقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۱۸:۵۱)
آفریدن ۱

~: كَمَا بَدَأْنَآ أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِیدُهُۥ (۲۱:۱۰۴)
نخست باز آفریدن ۱۱۱

~: وَمَا كُنَّا عَنِ ٱلْخَلْقِ غَٰفِلِینَ (۲۳:۱۷)
آفریدن ۲

~: وَهُوَ ٱلَّذِی یَبْدَؤُا۟ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ یُعِیدُهُۥ (۳۰:۲۷)
مردم ۲۴

~: إِن یَشَأْ یُذْهِبْكُمْ وَیَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِیدٍ (۳۵:۱۶)

آفرید گان ۳، گروه ۲٤

~: وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ خَلْقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (٤٢: ٢٩)
آفریدن ۳۲

★ خَلْقٍ جَدِيدٍ: أَءِنَّا لَفِى خَلْقٍ جَدِيدٍ (١٣: ٥)
آفریدنی نو ۳

★ لَفِى خَلْقٍ جَدِيدٍ: أَءِنَّا لَفِى خَلْقٍ جَدِيدٍ (١٣: ٥)
دیگر باره بیافرینند بنو ۷٦

خُلِقَ: وَخُلِقَ ٱلْإِنسَٰنُ ضَعِيفًا (٤: ٢٨)
آفریدستند ۱۰، آفریدست ۲٤، آفریده‌اند ۲۹، آفریده شده است ٦۳، آفریده شدند ۷۵، آفریده‌اید ۷٦، بیافرید ۹٦، آفرینش شده ۱۰٤، آفریده شده ۱۱۱، آفریده ۱۲۷

~: خُلِقَ ٱلْإِنسَٰنُ مِنْ عَجَلٍ (٢١: ٣٧)
آفریده شد ۱، بیافریدند ۱۲، آفریده‌شان ۹٤، آفریده شود ۱۰۸

~: إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ خُلِقَ هَلُوعًا (٧٠: ١٩)
آفریدند ٦، آفریده شده‌ست ۱۱۳

~: فَلْيَنظُرِ ٱلْإِنسَٰنُ مِمَّ خُلِقَ (٨٦: ٥)
آفریدندش ۲، پدید آورده شده ۱۳۲

~: خُلِقَ مِن مَّآءٍ دَافِقٍ (٨٦: ٦)
بیافریدندش ۹٤، آفرید او را ۹٦

خُلُقُ: إِنْ هَٰذَآ إِلَّا خُلُقُ ٱلْأَوَّلِينَ (٢٦: ١٣٧)
دروغ ۱، دروغ گفتن ٤٦، فرابافته ٤۷، آفریده - دروغ گفته ٥٦، آفرینش ٦۱، دروغ ۷٦، فراساختن ۹٦، فرابسته ۱۰۲، کردکار[1] ۱۰٥، ساخته وفرابافته ۱۰۹، بربافته ۱۳۸، دروغ ساخته ۱۳۹

~: وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (٦٨: ٤)
خوی ۲، خویها ۲٤، خوی خوش ۱۰٥

خَلْقًا: أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (١٧: ٥١)
افرینش ٥۳، آفریده ٥٥

~: أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِى صُدُورِكُمْ (١٧: ٤٩)
آفریده ۲

~: أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (١٧: ٩٨)
آفریدگان ٥٥، آفریدگان ٥٨

~: ثُمَّ أَنشَأْنَٰهُ خَلْقًا ءَاخَرَ (٢٣: ١٤)
آفرنش ۱، آفریدن ۲٤

خَلَقْتَ: رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَٰطِلًا (٣: ١٩١)
آفریدی ۳، آفریدی تو ٦۱

~: ءَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا (١٧: ٦١)
تو بیافریدی ٦٤، آفریدهٔ ۱۱۸

~: تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَىَّ (٣٨: ٧٥)
بیافریدم ۱، بیافریده‌ام ۱۰۳

~: وَمَا خَلَقْتُ ٱلْجِنَّ وَٱلْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (٥١: ٥٦)
آفریدم ۳۸، آفریدیم ۱۰۸

~: ذَرْنِى وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا (٧٤: ١١)
آفریده‌ام ٦٤، بیافریدم من ۱۱۳، آفریدم من ۱۳٤

★ مَا خَلَقْتَ: رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَٰطِلًا (٣: ١٩١)
نیافریدی ۱، نیافریدی ۲، نیافریدستی ۱۰، نه آفریدی ٤۰، نیافریدی تو ٦۳، بنیافریدی ۱۰٦، نآفریدی تو ۱۲٤

~: وَمَا خَلَقْتُ ٱلْجِنَّ وَٱلْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (٥١: ٥٦)
نیافریدم ۱، نیافریدیم ٦۱، نیافریدم من ٦٤

خُلِقَتْ: أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى ٱلْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (٨٨: ١٧)

---

[1] ۱. کردکار: کرده کار: کارهای کرده، برساخته‌ها (؟).

آفریده شدند ۱، آفریده شد ۳۰، آفریده شده است ٦٤، آفریدش ۸۸

خَلَقْتُكَ: وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِن قَبْلُ (۹:۱۹)
بیافریدم ۱، بیافریدیم ۵۳، آفریدم ٦۱، پدید آوردم ۱۳۲

خَلَقْتَنِي: خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ (۱۲:۷)
بیافریدی ۱، بیافریدی ۱۰، آفریدی ۲٤، آفریدی تو ٦۳، بیافریدی ۱۱۲

~: خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ (۷٦:۳۸)
بیافریدی ۱، بیافریدی تو ٦۱، تو آفریدی ٦٤، پدید آوردی ۱۳۲

خَلَقْتَهُ: خَلَقْتَهُ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (۳۳:۱۵)
بیافریدی ۲، بیافریده باشی ۲٤، آفریدهٔ تو ۵۸، آفریدی تو ٦۱، آفریده باشی ٦۲، بیافریدی تو ٦٤، آفریدی ۷۱، بیافرید ۹٤، آفریدیی ۱۱۲، آفریدیش ۱۱٤

خَلَقَكَ: أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ (۳۷:۱۸)
بیافرید ۲، آفریده است ۳۷، آفرید ۱۱٤، پدید آورده ۱۳۲

خَلَقَكُمْ: اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ (۲۱:۲)
آفریدست ۱۰، آفرید ۵۵، آفرید ۸۰، پدید آورد ۱۲۲

~: الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ (۱:٤)
پیدا کرد ۱۲۳

~: هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن طِينٍ (۲:٦)
بیافرید ۲

~: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ (۲۰:۳۰)
آفریده است ٦۲

~: وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ (۹٦:۳۷)
بیافرید ۱

~: هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ (۲:٦٤)
بیافرید شما را ٦٤

خَلْقِكُمْ: وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِن دَابَّةٍ (٤:٤۵)
آفرینش تان ۱۱٤، پدید کردن ۱۲۲

* مَا خَلْقُكُمْ: مَّا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ (۲۸:۳۱)
نیافرید شما را ٦۱

خَلَقْنَا: وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ (۱۸۱:۷)
بیافریدیم ۱، بیافریدستیم - بیافریدیم ۱۰

~: وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا (۸۵:۱۵)
آفریدیم ۲

~: مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (۷۰:۱۷)
آفریده بودیم ۲٤

~: وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ (۱۲:۲۳)
ما بیافریدیم ۲، پدید آوردیم ما ۱۳۲

~: ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً (۱٤:۲۳)
بسازیدیم ۲۹، بگردانیدیم ٤۱

~: فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً (۱٤:۲۳)
کردیم ما ۵۸

~: فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا (۱٤:۲۳)
بکردیم ۵۸، گردانیدیم ۱۲۲

~: وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا (٤۹:۲۵)
آفریده ایم ٤۷

~: أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُم (۷۱:۳٦)
آفریده ایم ما ۱۰۳

~: فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَم مَّنْ خَلَقْنَا (۱۱:۳۷)
بیافریدیم ما ۵۷

~: أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا (۱۵۰:۳۷)
ما آفریده ایم ۱۰۳

~: وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَآءَ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَٰطِلًا (۳۸:۲۷)
آفریدیم ما ٦٤

~: لَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِۦ نَفْسُهُۥ (۵۰:۱٦)
بیافریدیم ما ٦

~: وَلَقَدْ خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ (۵۰:۳۸)
بیافریدهایم ٦

~: إِنَّا خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ (۷٦:۲)
ما آفریدیم ۱۳۷

~: لَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ فِىٓ أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۹۵:٤)
بیافریدم ۱۲۳، آفریدیم ۱۳۰

★ ماخَلَقْنا: وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ (۱۵:۸۵)
بنیافریدیم ۵۹، نه آفریدیم ۷۱

~: وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا (٤٤:۳۸)
نیافریدیم ۱، نه آفریدیم ٤۷

خَلَقْناكُمْ: كَمَا خَلَقْنَٰكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ (٦:۹٤)
بیافریدیم ۱، آفریدیم ما ۵۸

~: وَلَقَدْ خَلَقْنَٰكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَٰكُمْ (۷:۱۱)
ما بیافریدیم ٤۵، بیافریدیم ما ۵۸

~: مِنْهَا خَلَقْنَٰكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ (۲۰:۵۵)
آفریدیم ۱، آفریدم ۲، ما آفریدیم ٦۲، بیافریدیم ۸۷

~: فَإِنَّا خَلَقْنَٰكُم مِّن تُرَابٍ (۲۲:۵)
پدید آوردیم ۱۳۲

~: أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَٰكُمْ عَبَثًا (۲۳:۱۱۵)
آفریدهایم ۹۲

~: يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَٰكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ (٤۹:۱۳)
بیافریدهایم ٦، پدید کردیم ۱۲۲

~: وَٱلْجِبَالَ أَوْتَادًا وَخَلَقْنَٰكُمْ أَزْوَٰجًا (۷۸:۸)
بیافریدم ما ۸۷

خَلَقْناهُ: وَٱلْجَآنَّ خَلَقْنَٰهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ ٱلسَّمُومِ (۱۵:۲۷)
آفریدیم ۱۱۸

~: أَنَّا خَلَقْنَٰهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْـًٔا (۱۹:٦۷)
بیافریدم ٦۱، بیافریدیمش ۱۰۸

~: إِنَّا كُلَّ شَىْءٍ خَلَقْنَٰهُ بِقَدَرٍ (۵٤:٤۹)
آفریدهایم ۹۲

خَلَقْناهُمْ: إِنَّا خَلَقْنَٰهُم مِّن طِينٍ لَّازِبٍ (۳۷:۱۱)
آفریدیمشان ۱۱٤

~: نَّحْنُ خَلَقْنَٰهُمْ وَشَدَدْنَآ أَسْرَهُمْ (۷٦:۲۸)
بیافریدیم ۱

خَلَقْناهُما: مَا خَلَقْنَٰهُمَآ إِلَّا بِٱلْحَقِّ (٤٤:۳۹)
آفریدیم ۲، آفریدیم ٦٤

★ ماخلَقْناهُما: مَا خَلَقْنَٰهُمَآ إِلَّا بِٱلْحَقِّ (٤٤:۳۹)
نیافریدیم ٦۱، نیافریدیم ما ۱۰۰

خَلَقَني: ٱلَّذِى خَلَقَنِى فَهُوَ يَهْدِينِ (۲٦:۷۸)
بیافرید ٤۷

خَلَقَهُ: خَلَقَهُۥ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ (۳:۵۹)
بیافرید ۲، بیافرید ۲٤

~: ٱلَّذِىٓ أَحْسَنَ كُلَّ شَىْءٍ خَلَقَهُۥ (۳۲:۷)
آفرینش ٦۱

~: مِنْ أَىِّ شَىْءٍ خَلَقَهُۥ (۸۰:۱۸)
آفرید ۲، آفریده است ۱۳۹

خَلْقِهُ: أَمْ جَعَلُوا۟ لِلَّهِ شُرَكَآءَ خَلَقُوا۟ كَخَلْقِهِۦ (۱۳:۱٦)
آفرینشت ۱، آفریده ۲، آفرید ۵

~: قَالَ رَبُّنَا ٱلَّذِىٓ أَعْطَىٰ كُلَّ شَىْءٍ خَلْقَهُۥ ثُمَّ هَدَىٰ (۲۰:۵۰)
آفرینشت ۱، آفرینش ۲، بریدن ۱۱۷

خَلَقَهُمْ: وَجَعَلُوا۟ لِلَّهِ شُرَكَآءَ ٱلْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ (٦:۱۰۰)

بیافرید ۲۹، آفریده است ٦٤

~: وَلِذَٰلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ (۱۱:۱۱۹)
بیافرید ۱، آفرید ۲، آفریدست ٢٤، آفرید ۵۵

خَلْقَهُمْ: أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ (٤۳:۱۹)
آفریدن ٤۱، آفرینش ۵۲

خَلَقَهُنَّ: وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ (٤۱:۳۷)
بیافرید ٤۱، آفرید ۸۰

خَلَقُوا: أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ (۱۳:۱٦)
بیافریدند ۱، بیافریدند ۲، آفرینند ٦۰، آفریده اند ٦٤، بیافریده اند ۷٦، بیافرید ۹۲، بیافریدن ۹٤

~: أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ (۳۵:٤۰)
آفریدند ۱، آفریده اند ٢٤

~: أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ (۵۲:۳٦)
ایشان آفریدند ٦٤

خُلِقُوا: أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ (۵۲:۳۵)
آفریده شدند ۱، آفریده آمدند ۲، بیافریدند ۳۸، آفریده شده اند ٦٤، بیافریده شدند ۸۱، بیافرید ۹٤، آفریده ۹٦

خَلَوْا: وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ (۲:۱٤)
گذشتند ۲، تنها گردند ٤، گذشته بدند ۱۰، واگردند ٢٤، تنها شوند ۵۰، تنها مانند ۵۵، تنها شدندی ۵۷، درگذشتند ۷٦، گذشت ۹۱، تنها بازگردند ۱۰۲

~: وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ (۲:۲۱٤)
بگذاشتند ۱۰۲

~: وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ (۳:۱۱۹)
تنها شند ۱، تنها مانند ۲۳، تنها شوند ۲۳، تنها باشند ٤۰، تنا مانند ٤۲، تنها مانَد ۵۵، تنها شوند ۵۷، رفتند ۵۸، گذرند ٦۱، تنها باشد ۸۲، تنها مانند ۹۸

~: الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ (۱۰:۱۰۲)
بودند ۱۳، گذشتست ٢٤، گذشتند ۵۵، بگذاشتند ۹۱

~: الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ (٢٤:۳٤)
گذشتند ۱، گذشته اند ٢٤، رفته اند ٦٤، بگشتند ۸۷، گذاشته اند ۱۳۰

~: سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ (۳۳:۳۸)
گذشته اند ۵۳

~: سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ (۳۳:٦۲)
بگذشتند ۱، بگذشتند ۲، برفتند ٤۱

فَخَلُّوا: فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۹:۵)
دست بدارید ۲، رها کنیت ۳، دست وادارید ۱۰، تهی مانید ۱۱، وادهی ٢٤، دست بازدارید ۲۷، رها گذارید ۲۹، بگذارید ۳٦، بگشایید ٤۱، دست بازدارید ٤۲، رها کنید ٤۳، رها کنیت ۵۵، دست بازداریت ۸۳، راها کنیت ۹۱، بروید ۱۰۰، دست بازدارند ۱۰۵، راه بازدارید ۱۰٦، وادهید ۱۱۲، واگذارید ۱۳٦

الْخُلُودِ: ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ (۵۰:۳٤)
جاودانه ۱، جاودانی ۲، جاویدنی ٦، جاودان بودن ۱۷، جاودگانی ٢٤، جاودان ۳۸، جاودانگی ۳۹، جاویدانی ٤۹، جاودانگی ۵۳، جاوید ٦۱، جاویدانگی ۸۱، جاویدی ۱۰۰، جاویدماندگان ۱۱۱، همیشگی ۱۳٦

خَلِيفَةً: إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (۲:۳۰)
پادشاه ۹٦، بجا ایستاده ۱۰۹، کار راست دارنده ۱۲٤

~: إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ (۳۸:۲٦)
پادشاه ۵۸، گماشته ۸۱، گماشته ۱۰٦، ازپی درآینده ۱۰۹، جانشین ۱۱٦

خَلِيلًا: وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا (٤:۱۲۵)

دوست و بر گزیده ۱۱۱

~: وَإِذًا لَّاتَّخَذُوكَ خَلِيلًا (۱۷: ۷۳)
دوست ۲، دوست گزیده ۱۳۹

~: يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (۲۵: ۲۸)
دوست ۱، دوست ۲

خَمْرًا: قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا (۱۲: ۳۶)
می ۱، مَیْ ۲، انگور ۳، آنگور ۵۵، می انگور ۱۰۹

خَمْر: يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ (۲: ۲۱۹)
مَیْ ۲، مَیْ خوردن ۲۷، مَیْ خُوردَن ۴۲، میخوردن ۹۲

~: إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ وَالْأَزْلَامُ (۵: ۹۰)
می ۱، می آشامیدن ۲۶، مَی ۲۷، آشامیدن می ۵۲، شیره انگور ۱۳۰

~: فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ (۵: ۹۱)
می خوردن ۳۱، آشامیدَن می ۴۲، مَی خَورْدن ۶۲، مَیْ آشامیدن ۸۳

~: وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ (۴۷: ۱۵)
میْ ۲۲، می بامزه ۴۱

بِخُمُرِهِنَّ: وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ (۲۴: ۳۱)
گواشمها[1] ۱، سرپوشها ۳۰، دامنیها ۳۶، سرپوش ۳۹، سرپوشها - و بردامنیها ۶۷، سرپوشهاء ۹۰، باشامها[1] ۱۰۹، سردامنیها ۱۳۱

خَمْسَةِ: يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُم بِخَمْسَةِ آلَافٍ (۳: ۱۲۵)
پنج ۱، پَنج ۲

~: وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ (۵۸: ۷)
پنج ۱

★ خَمْسَةِ آلَافٍ: بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ (۳: ۱۲۵)
پنج هزار ۱

خُمُسَهُ: فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ (۸: ۴۱)
پنج یک ۱، پَنج یک ۲، پنجیک ۳۶، پَنجیک ۵۵، پنج یکسان، پنج یکان ۱۱۲

خَمْسِين: إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا (۲۹: ۱۴)
پنجاه ۱۰۰

خَمْط: أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ (۳۴: ۱۶)
اراک ۱ و۶۹، طَلخ گیا ۲، زهردار ۳، نی ۷، ازاد ۱۸، تلخ ۴۸، گیاه تلخ ۵۶، ادراک ۶۹، باخار ۸۶، گیاه شور تلخ ۸۷، طلخ گیا ۹۴، تلخ گیاه ۹۵، تیزان ۹۸، بار اراک ۱۰۲، اندرون ۱۰۵، گز ۱۰۶، طلخ ۱۰۸، درخت خار ۱۱۴، شورگز تلخ ۱۱۷، اراک ۱۱۹، درخت خرما ۱۳۶

الْخَنَازِير: وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ (۵: ۶۰)
خوکان ۱، خوک ۳۶، خوکانْ ۵۵، خوکها ۱۰۲

الْخَنَّاس: مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۱۱۴: ۴)
دیو پلید ۲۴، بازدارنده ۵۱، پنهان ۷۹، دیو ۹۰، پنهان شده ۱۰۵، بازپس شونده ۱۱۴، نهان شونده ۱۱۶، بازپس جهنده ۱۱۷، پنهان شونده ۱۲۳

خِنْزِير: الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ (۲: ۱۷۳)
خُوکَ ۲، خوک ۳

~: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ (۵: ۳)
خُوکَ ۲

~: أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ (۶: ۱۴۵)
خوا[2] ۱، خُوک ۲، خوگ[2] ۱۰

---

۱. گواشمها: مقنعه؛ واشامه؛ باشامه.

۲. خوا: خوگ (کذا در قرآن قدس) (خوگ = خوک در فرهنگ نفیسی).

اَلْخُنَّسِ: فَلَآ أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ اَلْجَوَارِ اَلْكُنَّسِ (۸۱: ۱۵)
ستارگان ۲، ستارگان بازپس مانده ۲۹، ستاره گان ۳۰، ستارگان تابان روشن ۴۱، ستارگان بازگردنده ۵۶، ستارگان رونده ۶۱، ستارگان روندگان ۷۸، بازگردندگان ۸۰، فروشوندگان ۱۰۲، پنج ستاره ۱۰۶، بازپس شوندگان ۱۰۹، پنهان شونده ۱۲۰، ستارگان نهان شدگان در روز ۱۲۲، ستارگان پنهان شونده ۱۳۰، ستارگان نهان شدگان ۱۳۲، ستارگان پنهان رونده ۱۳۶

خُوَارٌ: عِجْلًا جَسَدًا لَّهُۥ خُوَارٌ أَلَمْ يَرَوْا (۷: ۱۴۸)
بانگ گوساله‌وار ۱۰، آواز ۲۴، بانگ ۵۵، آواز گاو ۵۷، بانگ چون گاو ۶۲، آوآز ۹۴، بآنگ ۱۰۰، آوازی مانند آواز گوه ۱۱۱، آوازا ۱۱۵، آوازی بود چون آواز گوساله ۱۱۶، آوازی مانند بانگ گاو ۱۲۷

~: فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُۥ خُوَارٌ (۲۰: ۸۸)
بانگ ۱، بانگ گاو ۹۶، بانگ گوساله ۱۱۶، آواز گوساله ۱۳۰

اَلْخَوَالِفِ: رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ اَلْخَوَالِفِ (۹: ۸۷)
زنان ۱، سپس ماندگان ۲، زنان و کودکان ۲۷، پس ماندگان ۳۹، بازماندگان ۴۲، بازپس بودگان ۴۹، پس گذاشتگان ۵۶، پس ماندگان - زنان و کودکان ۶۵، زنان و فرزندان ۸۸، پس ایستادگان ۱۰۲، ماندگان ۱۰٤، پس ماندگان ۱۱۰، بازپس مانده ۱۱۱، نشینندگان ۱۱۳، زنان بازپس ماندگان ۱۲۲، کودکان ۱۳٤

~: رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ اَلْخَوَالِفِ (۹: ۹۳)
بازماندگان ۵۷، بازپس ماندگان ٦٦، نشستگان ۷۲، واپس ماندگان ۷۹، ایستادگان ۹۲، بازماندگآن ۱۰۰، پس ماندگان ۱۱۸، با زنان نشستن ۱۱۹، بازمندگان ۱۳۰

خَوَّانًا: إِنَّ اَللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا (٤: ۱۰۷)
نیک ناراست ۳ و ۱۱۹، ناراست ۳۰، نیک نارآست ۵۵، ننگ بار ۹۷، کاستکار ۱۰۹، سخت ناراست ۱۱٤

خَوَّانٍ: إِنَّ اَللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (۲۲: ۳۸)
ناراست ۳، کاستکار ۱۰۲، بی زنهار ۱۰۹

خَوْضٍ: اَلَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ (۵۲: ۱۲)
نابکاری ۱، سخن بیهوده ۳، شدن ۲۹، گفت و گوی ۳۸، درآمدن در کارها ۴۱، گفت گوی ۴۲، بیراهی ۵۲، بیهوده ۵۳، فرورفتن ۵۶، سخن نادرست ۸۰، گفتگوی ۸۷، درمی‌روند ۱۱۹، بسیار گفتن ۱۳۹

خَوْضِهِمْ: قُلِ اَللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ (٦: ۹۱)
نابکاری ۱، سخن نابکار ۲، بیهوده گفتن ۳، جنگ و پیکار ۱۰، سخنان نابکار ۲٦، فروشدن ۳۸، سوزش ۵۵، فرورفتن ۵٦، گفتار ۵۸، گفتار خویش ۵۸، گفت و گوی ٦۲، اندر سخن نابکار ۸۳، بیراهی ۸۹، شورش ۹۱، گفتگو ۱۰۲

خَوْفًا: وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا (۷: ٥٦)
از ترس ۲۷، بیم ۵۵، ترسان ۱۰۰، از راه بیم ۱۳۵

~: يُرِيكُمُ اَلْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا (۱۳: ۱۲)
بیم ۲، ترسندگان ۳، ترسندگان ۵۵، ترسان ٦۳، بیم دادن ۱۳۵

~: يُرِيكُمُ اَلْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا (۳۰: ۲٤)
ترسیدن ۳، ترس ۳٤، ترس ۵۳، بیم و ترس ۱۰۹، ترسانیدن ۱۳۰

خَوْفٌ: فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ (۲: ۳۸)
بیم ۲، ترس ۵۵

~: وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲: ۲٦۲)
ترس ۱، بیم ۲، بیم و هراس ۱۰

~: وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲: ۲۷٤)

بیم اُو هراس ۱۰، ترس و بیم ۲۵، اندوه ۱۲۳، اندوه و بیم ۱۲٤

~: وَإِذَا جَآءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ ٱلْأَمْنِ أَوِ ٱلْخَوْفِ (۸۳:٤)
هراس و بیم ٦٤

~: فَمَنِ ٱتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ (۳۵:۷)
بیم ٤۵

~: فَمَآ ءَامَنَ لِمُوسَىٰٓ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِۦ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ (۸۳:۱۰)
ترسیدن ۱۳، تَرس ۵۵

~: فَإِذَا ذَهَبَ ٱلْخَوْفُ سَلَقُوكُم بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ (۱۹:۳۳)
ترس ناک ۱۱۱

~: وَءَامَنَهُم مِّنْ خَوْفٍ (٤:۱۰٦)
بیم و ترس ۲، هراس و ترس ٦٤

★ لَا خَوْفٌ: فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ (۳۸:۲)
نباشد بیم ۲

~: وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (٦۲:۲)
هَیچ بیم نَبودشان ۱۰

~: أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۷۰:۳)
نباشد بیمی ۵۲

~: فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ (٤۸:٦)
هیچ بیم نبود ۲۹، ترسی نیست ۱۱۱

~: فَمَنِ ٱتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ (۳۵:۷)
بیم نباشد ۵۸

~: ٱدْخُلُوا۟ ٱلْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ (٤۹:۷)
نباشد ترس ۱۲٤

خَوْفِهِمْ: وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنۢ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا (۵۵:۲٤)
ترس ۱، ترسیدن ۵۸

خَوَّلْنَاكُمْ: وَتَرَكْتُم مَّا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَآءَ ظُهُورِكُمْ (۹٤:٦)
دادیم ۱، بَدادیم ۲، داده بودیم ۹، دادیم ما ۲٤، بداد ۲٦، بدادیم ۳۹، بدادیم ما ۱۲٤، بخشیدیم ۱۲۹، بنگاشتیم ۱۳٤

خَوَّلْنَاهُ: ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا (٤۹:۳۹)
دهیم ۱، بدهیم ۱۵، بدادیم ۲٤، بگردانیم ٤۱، بدهیم ما ٦٤، دهیمش ۱۱٤، دادیم ۱۲۳، بدادیم ما ۱۲٤

خَوَّلَهُ: ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُۥ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِىَ (۸:۳۹)
دهد ۱، بدَهد ۲، بدهد ۲۲، ببرود ٤۱، بدهیم ٤۳، دَهَد ۵۳، تباه کند ۸۱، بدهند ۱۰۵

ٱلْخِيَاطِ: حَتَّىٰ يَلِجَ ٱلْجَمَلُ فِى سَمِّ ٱلْخِيَاطِ (٤۰:۷)
سوزن ۱، سُوزن ۲، سوزَن ۱۰، درزن ۲٤، سوزنها ۲۷، سُوزَن ۵۵، دَرزَن ٦۲

★ سَمِّ ٱلْخِيَاطِ: حَتَّىٰ يَلِجَ ٱلْجَمَلُ فِى سَمِّ ٱلْخِيَاطِ (٤۰:۷)
سوفار سوزن ۹۹

خِيَانَةً: وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِيَانَةً (۵۸:۸)
کَژی ۲، ناراستی ۳، ازکمین ۱۱، کژی ٤۲، بی زینهاری کژی ۱۰۹

خِيَانَتَكَ: وَإِن يُرِيدُوا۟ خِيَانَتَكَ (۷۱:۸)
کَژی کردنْ ۲، ناراستی کردن ۳، نَاراسْتی کَرْدن ۵۵، کژی کردن ۸۳، ناراستی کردن ۹٤

خَيْرًا: وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ (۱۵۸:۲)
نیکوُیی ٤۰، افزونی ۹٤

~: إِن تَرَكَ خَيْرًا ٱلْوَصِيَّةُ لِلْوَٰلِدَيْنِ (۱۸۰:۲)
نیکویی - خواسته ۲، خواسته ۱۰، خُواستی ٤۰، خواستَه ۵۷، چیز نیکو ۷٦

~: فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُۥ (۱۸٤:۲)
بهتر ۲، نیکی ٤۲

~: وَمَن يُؤْتَ ٱلْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِىَ خَيْرًا كَثِيرًا (۲٦۹:۲)
نیکیها ٤۰، خوبی ۱۳۵

~: وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ ٱلْكِتَٰبِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُم (۳: ۱۱۰)
به ۱

~: وَيَجْعَلَ ٱللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (۴: ۱۹)
سود ۵۸

~: ءَامَنَتْ مِن قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِىٓ إِيمَٰنِهَا خَيْرًا (۶: ۱۵۸)
نیکوئی ۵۳، نیکوکاری ۹۲، کارنیک ۱۲۷

~: وَلَوْ عَلِمَ ٱللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ (۸: ۲۳)
نیکی ۵۵

~: إِن يَعْلَمِ ٱللَّهُ فِى قُلُوبِكُمْ خَيْرًا (۸: ۷۰)
گیه[1] ۱، نیک و راست ۴۹

~: فَإِن يَتُوبُوا۟ يَكُ خَيْرًا لَّهُمْ (۹: ۷۴)
گیه[1] ۱

~: لَمْ يَنَالُوا۟ خَيْرًا (۳۳: ۲۵)
شادی ۴۶

~: لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَآ إِلَيْهِ (۴۶: ۱۱)
نیک یا بهتر ۲، نیکی یا بهترین ۱۰۸

خَيْرٌ: ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ (۲: ۵۴)
بهتر ۵۳، بهتر ۵۵

~: وَٱتَّقَوْا۟ لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ خَيْرٌ (۲: ۱۰۳)
نیکو ۴۸

~: وَمَا تُقَدِّمُوا۟ لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ (۲: ۱۱۰)
کردار نیک ۱۰، کار نیک ۴۰

~: وَمَا تَفْعَلُوا۟ مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ ٱللَّهُ (۲: ۱۹۷)
نیکی و نیکوی ۱۰، بهترین ۴۲

~: قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ (۲: ۲۶۳)
نیکوتر ۲۷

~: وَتُؤْتُوهَا ٱلْفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ (۲: ۲۷۱)
نیکوتر و بهتر ۶۱

~: وَمَا تُنفِقُوا۟ مِنْ خَيْرٍ (۲: ۲۷۳)
خواستنی ۶۳، نیکی خواسته ۱۲۷

~: قُلْ أَؤُنَبِّئُكُم بِخَيْرٍ مِّن ذَٰلِكُمْ (۳: ۱۵)
بهتر ۵۵

~: وَتُذِلُّ مَن تَشَآءُ بِيَدِكَ ٱلْخَيْرُ (۳: ۲۶)
نیکویها ۲۴، نیکوئی ۲۸

~: يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا (۳: ۳۰)
نیک ۲۵

~: وَمَكَرُوا۟ وَمَكَرَ ٱللَّهُ وَٱللَّهُ خَيْرُ ٱلْمَٰكِرِينَ (۳: ۵۴)
بهترین ۲

~: وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى ٱلْخَيْرِ (۳: ۱۰۴)
نیکی و نیکوکاری ۴۰

~: وَمَا يَفْعَلُوا۟ مِنْ خَيْرٍ فَلَن يُكْفَرُوهُ (۳: ۱۱۵)
نیکوی ۶۳

~: بَلِ ٱللَّهُ مَوْلَىٰكُمْ وَهُوَ خَيْرُ ٱلنَّٰصِرِينَ (۳: ۱۵۰)
بهین ۱۰، بهین ۴۰

~: لَّا خَيْرَ فِى كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَىٰهُمْ (۴: ۱۱۴)
نیکویی ۲، نیکی ۵۵

~: إِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (۶: ۱۷)
نیکی ۲

~: يَقُصُّ ٱلْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ ٱلْفَٰصِلِينَ (۶: ۵۷)
نیکوترین ۵۸

~: قَالَ أَنَا۠ خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِى مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُۥ مِن طِينٍ (۷: ۱۲)
گوه[2] ۱

---

۱. گیه: به؛ بهتر؛ خوب.
۲. گوه: بهتر.

~: فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ (۷: ۱۵۵)
به ۱

~: لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ (۷: ۱۸۸)
کار نیکو ۹۳

~: فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَوَلَّيْتُمْ (۹: ۳)
بهتر - نیک نیک ۱۰۹

~: إِنِّي أَرَاكُم بِخَيْرٍ (۱۱: ۸٤)
بهی ۷۲

~: أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنزِلِينَ أَلَا تَرَوْنَ (۱۲: ۵۹)
مهتر و بهتر ۵۸

~: وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا (۱۲: ۱۰۹)
بهتر و نیکوتر ۲٤، بهتر ۵۳

~: وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً (۲۱: ۳۵)
فراخی ۲٤، خوبی ۱۲۱

~: فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ (۲۲: ۱۱)
نیکي یا فراخی ۲

~: لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ (۲۲: ۳٦)
سودمندی - نیکی ۱۰۹

~: فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ (۲۸: ۲٤)
خوردن ۵۸، خورش ۱۲۲

~: إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ (۲۸: ۲٦)
بهینه ٦۱

~: مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا (۲۸: ۸٤)
نیکی بهتر ٤٦

~: وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۳٤: ۳۹)
مهتر ۵۳

~: إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ (۳۸: ۳۲)
اسبان ۱، خواسته ۲۲، اسبا ٦۱، مال ۸۱

~: قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ (۳۸: ۷٦)
گیه[1] ۱

~: مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ (۵۰: ۲۵)
سوزیان[2] ٦

~: وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا (۷۰: ۲۱)
نیکو و فراخی ۹۲

★ لَاخَيْرَ: لَّا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ (٤: ۱۱٤)
هیچ نیکویی نیست ۱۱۱، نیست هیچ نیکوی ۱۳۰

الْخَيْرَاتُ: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ (۲: ۱٤۸)
نیکیها ۵۳، نیکیهاء ۹۰، نیکویی ها ۱۰۵

~: وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ (۳: ۱۱٤)
نیکیها ۲۷، کارهای نیک ۲۹، کارهای نیکو ٦۲، نیکیها ۱۰۰

~: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ (۵: ٤۸)
نیکوییها ۳

~: وَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ (۹: ۸۸)
نیکوئی ها ٦٤، نیکویها ۱۱۱، نکوییها ۱۱۸، خوبیها ۱۳۵، نیکی ۱۳٦

~: وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ (۲۱: ۷۳)
کارها نیکو ٦۲، کارها نیک ۸۷، کردهای نیک ۱۳۲

~: إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ (۲۱: ۹۰)
نیکیها ۵۳

---

۱. گیه: به؛ بهتر؛ خوب.
۲. سوزیان: زر ومال.

~: نُسَارِعُ لَهُمْ فِي ٱلْخَيْرَٰتِ بَل لَّا يَشْعُرُونَ (۲۳:۵٦)
نیکیها ۲، کارهاء نیک ۳۹، نیکها ٦٤

~: أُوْلَٰٓئِكَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلْخَيْرَٰتِ وَهُمْ لَهَا سَٰبِقُونَ (۲۳:٦۱)
نیکوئیها ۳۹، نیکی ها ۱۱۳

~: وَمِنْهُمْ سَابِقٌۢ بِٱلْخَيْرَٰتِ بِإِذْنِ ٱللَّهِ (۳۵:۳۲)
نیکیها ۱، نیکْها ٦۱، نکوئیها ۱۱۵

~: فِيهِنَّ خَيْرَٰتٌ حِسَانٌ (۵۵:۷۰)
کنیزکان ۱، نیک خویان ۳، زنان پرهنر ۲۹، کنیزکان گزیده ۳۰، زنان گزیده ۳٤، زنان ٤۲، زنان نیکو ٤۸، زنان بسیار هنر ۸۱، نیکو خویان ۹۱، کنیزکان نیکان ۱۰۸، نیکان و گزیدگان ۱۰۹

★ خَيْرَاتٌ حِسانٌ: فِيهِنَّ خَيْرَٰتٌ حِسَانٌ (۵۵:۷۰)
کنیزکان نیکو روی ۲٤، زنآن نیکو کآر خوبروی ۱۰۰

★ فِعْلَ ٱلْخَيْرَاتِ: فِعْلَ ٱلْخَيْرَٰتِ (۲۱:۷۳)
نیکی کردن ۱۰۵

ٱلْخِيَرَةُ: وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ ٱلْخِيَرَةُ (۲۸:٦۸)
گزیدن ۱، گزیدن ۲، گزین ۳، گزینش ۲۱

~: أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ (۳۳:۳٦)
بهتری ۲، گزیده ٤۳، برگزیدن ۵۳، به گزینی ۱۰۹

ٱلْخَيْطُ: حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلْخَيْطُ ٱلْأَبْيَضُ (۲:۱۸۷)
رشته ۳، نِشان ٤۲، رِشْته ۵۵، ریسمان ۱۰۳

★ ٱلْخَيْطُ ٱلْأَبْيَضُ: يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلْخَيْطُ ٱلْأَبْيَضُ (۲:۱۸۷)
نِشان سپیدی رُوز ۲، رَوشنی روز ۱۰، روز روشن ۲۹، روشنی روز ٤۰، روشنایی روز ۵۷، روشنای روز ٦۰، سپیدی روز ٦۳، سپیدهٔ روز ۸۸، سپیده روز ۹۰، نشان اسپیدی روز ۱۰۷

★ ٱلْخَيْطُ ٱلْأَسْوَدُ: مِنَ ٱلْخَيْطِ ٱلْأَسْوَدِ (۲:۱۸۷)
نشان سیاهیِ شبْ ۲، تاریکی شب ۱۰، شب تاریک ۲۹، سیاهی شب ٦۳، سیاههٔ شب ۸۸، نشان سیاهی شب ۱۰۷

خِيفَةً: وَٱذْكُر رَّبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً (۷:۲۰۵)
پنهامی ۱، ترسْ ۲، توسیدن[1] ۱۰، پوشیده ٤۱، ترسْ ۵۵، بیم ترس ۵٦، پوشیدگی ٦۰، ترسکاری ۹٦، پنهانی ۱۰٦، ترس کاری ۱۳۰

~: وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً (۱۱:۷۰)
ترس ۵۵، ترس و بیم ٦۲

~: فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِۦ خِيفَةً مُّوسَىٰ (۲۰:٦۷)
بیم ۲، ترسیدن ٤۲

~: فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا۟ لَا تَخَفْ (۵۱:۲۸)
ترس ۱، بیم و ترس ٦، بیم ۱۷، هراس ۵۳، پنهان ۱۳٦

خِيفَتِكُمْ: تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنفُسَكُمْ (۳۰:۲۸)
ترسیدن ۱، ترس ۳، بترسید ۳۰، باز شکوهید ٤۷، ترسید ۱۱٤

خِيفَتِهِ: وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِۦ (۱۳:۱۳)
ترس ۱، بیم ۲، ترس ۵۵، ترس و بیم ۱۰۳

ٱلْخَيْلَ: وَٱلْفِضَّةِ وَٱلْخَيْلِ ٱلْمُسَوَّمَةِ (۳:۱٤)
اسبانْ نیکو ۲۹، اَسبان ۵۵، آسبان ۸۲، اسپآن ۹٤، اسبان بچرا گذاشته ۱۱۸، اسبها ۱۲۹

~: مَّا ٱسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ ٱلْخَيْلِ (۸:٦۰)
اَسْبان ۲، اسبان تازی ۱۰، ستوران ٦۲، سواران ۸۸

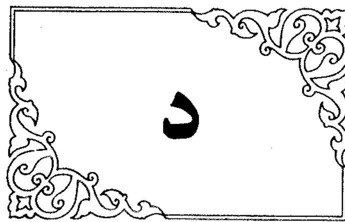
~: وَٱلْخَيْلَ وَٱلْبِغَالَ وَٱلْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا (۱٦:۸)
اسبان ۱، اسْبان ۲، اسَبان ۵۵، اسپان ۹٤، اسبان ۱۰۰،

۱. کذا، توسیدن می تواند صورتی دیگر از «تاسیدن» باشد، به معنی اندوهناک و دلگیر بودن؟

اسپها ۱۳۵، اسبان نجیب ۱۳۶

~: فَمَآ أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ (۵۹:٦)
اسب ۲٤، اسب سواران ۳۹، پیاد گان ۵۲، اسْب ٦۱، اسپ ۱۲۳

بِخَيْلِكَ: وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ (۱۷:٦٤)
اسبان ۱، سُواران ۳، سواران ۸، دیوان ستنبه ۲٤، لشکر ۳٤، سپاه - سُواران ۵۳، سُوَارَان ۵۵، لشکر سوار ٦۲، سوار ۹۳، لشکر - سواران ۹۵، سو آر ۱۰۰، سوران ۱۰۲، پیاد گان ۱۱۱



دَائِبَيْنِ: سَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ (۱٤: ۳۳)
دو دایم شدار[1] ۱، پیوشته هر دو ۲، پیوسته ۳، هر دو رونده از پس یکدیگر ۵، همیشه ۲۹، پَیْوَسْتَهْ ۵۳، پیوَسْتَه ۵۵، همیشه روان ٥٦، همیشه ایستاده ۵۷، روند گان ۵۸، همی روند ٦٢، پیاپی ٦٣، هم پشتگان ۷۲، شتاونده ۹۵، از پی یکدیگر درآیند گان ۱۰۰، دو پیوستگی کننده ۱۰۹، دو کوشنده ۱۱۲، از پی هم ۱۱٤، دو رنج کشنده در رفتار ۱۲۲، پیاپی آیند گان ۱۳۱، پیوسته در سیر ۱۳۳، پی یکدیگر ۱۳٤

دَائِرَةٌ: يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَن تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ (٥: ٥٢)
سختی ۱، گشتن ۲، گردش بد ۳، تنگ گشتن ۲۹، گردش روزگار ۳۱، تنگی سالی ٤٢، گردش بَد ٥٥، سال یا شکستگی ۸۸، تنگ گشت ۹٤، بدی ۹۸، گزند بد ۱۱٤

~: عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ (۹: ۹۸)
گشتار ۱، گردش ۲، گشت ۳، بست ۳۰، گشتن ۳۹، گرفتاری ٤۱، گشْت ٥٥، روزگار ٦۱، گردشها ۸۸، گشتنی ۱۲۹

~: عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ (٤٨: ٦)
گشتار ۱، گشتنی ۲، گردیدن ۳٤، گرداننده ۸۷، گردش ـ گردنده ۱۰۹

دَائِمٌ: أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا (۱۳: ۳٥)
پای دار ۲، پیوسته ٥، همیشه ۲۹، پای دار ٤۲، پایدار ٥۲، هَمِیشَه ٥٥، پاینده ۹٤

دَائِمُونَ: الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (۷۰: ۲۳)
پای دار ۲، پیوسته ۲۹، هموار ایستاده ۳۹، باشند گان ٥٦، پایدار ۸۸، نگاه دارند گان ۹۱، پیوسته دارند گان ۹۲، همیشه باشند گان ۹۹، پیوستگی کنند گان ۱۰۹، همیشگان ۱۱٤، پیوستگان ۱۲۰، پایدار باشند ۱۲٤

دَابَّةٍ: وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ (۲: ۱٦٤)
جانور ۱۰، جَان وَر ٤۰، جنبیده[2] ٦۷، جمنده و چهارپای ۹٥، جمنده ۱۲٥

---

۱. دایم شدار: همیشه رونده، پیوسته رو.
۲. با توجه به تکرار همین صورت در مدخلهای بعدی نمی توان آن را تصحیفی از «جمبنده» دانست.

~: مَا مِن دَآبَّةٍ فِي ٱلْأَرْضِ وَلَا طَٰٓئِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ (٦:٣٨)
موجنده[1] ١، جُنَبنده ٢، جمنده ٩، جمندهٔ ٢٩، چوب خورم ٥٢، جُمَنده ٩٤، مجنده ٩٦ و ١٢٥، جنبده ١١٨

~: وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِي ٱلْأَرْضِ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ رِزْقُهَا (١١:٦)
موجنده[1] ١، جُنبنده ٢، جنبنده ٣، جمنده ٥٧، چمنده ٧٥، جنبّده ٩٢، جُنبِده ٩٤

~: مَّا مِن دَآبَّةٍ إِلَّا هُوَ ءَاخِذٌۢ بِنَاصِيَتِهَآ (١١:٥٦)
جُنبنده ٢، دونده ٣٤، جُنبندَه ٥٥، جمبنده ٩٦

~: وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ مِن دَآبَّةٍ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ (١٦:٤٩)
جمنده گان ٢٤، حیوانی که همیرود ٩٣، جنبند گان ١٣٦

~: يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِظُلْمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيْهَا مِن دَآبَّةٍ (١٦:٦١)
جنبندَه ٦٢

~: وَٱللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٍ مِّن مَّآءٍ (٢٤:٤٥)
جانَور ٥١، جانوران ٦٤، جنبنده ـ رونده، جمندَه ١١٩

~: وَإِذَا وَقَعَ ٱلْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَآبَّةً (٢٧:٨٢)
چهارپای ٣٠، چهارپا ٤٦، رنده ١٣٠

~: وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا (٢٩:٦٠)
جُنبده ٢، ستور ٤٦، خزند گان ٦٤

~: وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٍ (٣١:١٠)
جمند گان ٢٤

~: إِلَّا دَآبَّةُ ٱلْأَرْضِ (٣٤:١٤)
خوره ١، چوب خوار ٣، چوب خوره ٤٢، رومیز[2] ٦٧، چوب خواره ٦٧، چوب خورّم ١٠٥، چوبخواره ١١٥

~: وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَآبَّةٍ (٤٢:٢٩)
جُمنَده ٢، جبند گان ٢٤

~: وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِن دَآبَّةٍ ءَايَٰتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (٤٥:٤)
جُمنده ٢، جُنبَنده ٣٢، جانوران گوناگون ٦٤، جنبد گان ١١١، روند گان ١٣٠

دَابِرٌ: فَقُطِعَ دَابِرُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ (٦:٤٥)
دُنبالْ وبُن و بیخ ٢، بیخ ٣، بشتها ٩، بون و بیخ و دنبال ١٠ مکررّ، پس رو ٤١، بن و شاخ ٤٢، بن ٤٤، بن بیخ ٥٨، بُن و بیخ و دنبال ٨٣، دنبال و بن و بیخ ٨٨، پس مانده ٩٢، پس پشت ٩٩، بن شاخ ١٠٥

~: وَقَطَعْنَا دَابِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا (٧:٧٢)
دنبال ٢، بیخ ٥٥، پسها ٥٧، پاشنه وبیخ ٥٨، دآنبال ٩٤، دنبال ـ مانده ١٠٩، بنیاد ١١١، دنبّال ١٤٠

~: وَيَقْطَعَ دَابِرَ ٱلْكَٰفِرِينَ (٨:٧)
بُن و بیخ و بُنیاد ١٠، پس ٣٥، بُن بیخ ٥٥، پاشنها و پشتها ٦١، بیخ و بن ـ پی ١٠٩، پی ١١٢

~: أَنَّ دَابِرَ هَٰٓؤُلَآءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ (١٥:٦٦)
پشت ٢، بیخ و بن ٣، بن وبیخ ٣٠، دنباله ٤٢، بن وَبیخ ٥٥، پاشنها ٦١، پس ماند ٩٠، دانبال ٩٤

دَاحِضَةٌ: حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمْ (٤٢:١٦)
شکسته بهد[3] ١، تباه ٣٠، نادرست ١١٤، ناچیز ١٢٢

دَاخِرُونَ: وَهُمْ دَٰخِرُونَ (١٦:٤٨)
خوارشداران[4] ١، فرمان بُرداران ٢، خواران ٣، خوار

---

١. موجنده/ جمبنده، جمنده.
٢. «ژ» در متن اصلی با سه نقطه است.
٣. شکسته بهد: تباه و ناچیز بود.
٤. خوارشداران/ خوارشد گان.

۲٤، خوارشد گان ۳٦، خوَاران ۵۵، خواردارند گان ۵۸، خاران ۷۹، فرمان برداران ۸۳، خوار آن ۱۰۰، خواران و نژندان ۱۰۲، گردن نهند گان ۱۰۳، در روی افتند ۱۲۱، فرمان بردار ۱۲۸

~: قُلْ نَعَمْ وَأَنتُمْ دَاخِرُونَ (۳۷: ۱۸)
خوارشداران[1] ۱، خُواران ۲، خوار گشته ۲٤، خوار کرد گان ۳۹، خوار کرده شد گان ٦۱، گردن نهاد گان ٦۵، خوار وشرمسار ۸٦، برانگیخته شد گان ۱۰۲، خار و شرمسار ۱۰٤، خوران ۱۱۳، خوار باشید ۱۱۵، خوار و شرمساران ۱۲۲، خوار کرد گان ۱۲۹

داخِرِينَ: وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ (۲۷: ۸۷)
خوارشداران[1] ۱، خوار ونژند ۲۱، خوارشده ۲٤، خواران و گردن نهاد گان ٤٦، خوار ۷٦، نژندان ۷۸، خوارشد گان ۱۰۳، خواران و گردن فروشکستگان ۱۰۸، خواران و بیچار گان ۱۰۹

~: سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (٤۰: ٦۰)
خوارشداران ۱، خُواران ۲، خواران ۳، خوارانْ ۵۳، خوار کرد گان ٦۱، گردن نهاد گان ۷۸، بیچار گان و خوارشد گان ۱۰۳، خاران ۱۱۳، بیچار گان ۱۲۰، خوار کرده شد گان ۱۲٦

داخِلُونَ: فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ (۵: ۲۲)
درشداران[2] ۱ و ۳۷، اندرشوند گان ۲، درآیند گان ۳، درشوند گان ۳۰، اندر روند گان ۵۷، درآییم ۵۸، روند گان ٦۳، درروند گان ٦٤، اندرشد گان ۸٤، اندر آیند گان ۹٤، درآینده ۱۰٤

★ إِنَّا دَاخِلُونَ: فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ (۵: ۲۲)
ما درشویم ۲۹

الدَّاخِلِينَ: وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ (٦٦: ۱۰)
اندر شوند گان ۲، درآیند گان ۳، شدند گان ۲۹، اندرآیند گان ۳۰، شوند گان ۵۲، روند گان ٦٤، درروند گان ٦۷، درشوند گان ۷۹، درشونده گان ۱۱۳، درایند گان ۱۱۵

دارُ: قُلْ إِن كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِندَ اللَّهِ (۲: ۹٤)
سرایْ ۲، سَرَای ۵۵، سر آی ۵۷، سرٰای ۱۰۰

~: لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِندَ رَبِّهِمْ (٦: ۱۲۷)
سَرای ۲

~: لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ (٦: ۱۳۵)
بهشت ۲۹، سَرَایْ ۵۵

~: سَأُورِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ (۷: ۱٤۵)
جای ۱، سرایها ۱۰، جایگاه ۱۰۲، آرامگاه ۱۲۳

~: وَالدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ (۷: ۱٦۹)
سرایها و لشگر گاه ۱۰

~: وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا (۱۲: ۱۰۹)
سِرایْ ۵۳

~: سَلَامٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (۱۳: ۲٤)
سِرای ۵۳

~: لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ (۲۸: ۳۷)
سَرا ۵۳، آن سرای ۷٦

~: تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ (۲۸: ۸۳)
خانه و سرای ۵۸

~: الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ (۳۵: ۳۵)
سرای ۲

---

[1]. خوارشداران / خوارشد گان.
[2]. درشداران / درآیند گان.

~: إِنَّآ أَخْلَصْنَٰهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى ٱلدَّارِ (۳۸:۴۶)
سرای آن جهان ۳۸

~: وَلَهُمُ ٱللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوٓءُ ٱلدَّارِ (۴۰:۵۲)
سرْ ای ۲۲

~: لَهُمْ فِيهَا دَارُ ٱلْخُلْدِ (۴۱:۲۸)
خانه ۱

★ دارُ ٱلآخِرة: وَلَلدَّارُ ٱلْأٓخِرَةُ خَيْرٌ (۶:۳۲)
آن جهان ۳

~: وَلَدَارُ ٱلْأٓخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ ٱتَّقَوْاْ (۱۲:۱۰۹)
سَرای باسْپَسینْ ۵۵

~: وَلَدَارُ ٱلْأٓخِرَةِ خَيْرٌ (۱۶:۳۰)
بهشت جاودانه ۵۸

~: وَٱبْتَغِ فِيمَآ ءَاتَىٰكَ ٱللَّهُ ٱلدَّارَ ٱلْأٓخِرَةَ (۲۸:۷۷)
سرای بازپسین ۳

~: تُرِدْنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلدَّارَ ٱلْأٓخِرَةَ (۳۳:۲۹)
سرای باسپس ۳۰

★ دارُ ٱلسَّلام: لَهُمْ دَارُ ٱلسَّلَٰمِ عِندَ رَبِّهِمْ (۶:۱۲۷)
بهشت ۳، سرای بهشت ۲۴، بِهِشْت ۵۵

~: يَدْعُوٓاْ إِلَىٰ دَارِ ٱلسَّلَٰمِ (۱۰:۲۵)
بهشت خدای ۱۰، بَهِشتْ ۵۵، سرآی رستگاری ۹۴، رستگاری ۱۰۵

★ دارُ ٱلقَرار: وَإِنَّ ٱلْأٓخِرَةَ هِىَ دَارُ ٱلْقَرَارِ (۴۰:۳۹)
سرای آرام ۱۱۱

★ دارُ ٱلمُقامَة: ٱلَّذِىٓ أَحَلَّنَا دَارَ ٱلْمُقَامَةِ (۳۵:۳۵)
سرای باشیدن ۳۰

دارِكُم: تَمَتَّعُواْ فِى دَارِكُمْ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ (۱۱:۶۵)
سرا ۳، سراهای ۱۰۳، خانتان ۱۱٤

دارِه: فَخَسَفْنَا بِهِۦ وَبِدَارِهِ ٱلْأَرْضَ (۲۸:۸۱)
خانمان ٦٤

دارِهِم: فَأَصْبَحُواْ فِى دَارِهِمْ جَٰثِمِينَ (۷:۷۸)
سراها ۲۴، سرایها ۲۷، سَرایها ۴۵، سَرای ۵۵، سراهاء ۱۰۳، سرای خانمان ۱۰۹

~: فَأَصْبَحُواْ فِى دَارِهِمْ جَٰثِمِينَ (۷:۹۱)
سَرای ها ۴۵

~: أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِىَ وَعْدُ ٱللَّهِ (۱۳:۳۱)
خان ومان ۷ مکرر

~: فَأَصْبَحُواْ فِى دَارِهِمْ جَٰثِمِينَ (۲۹:۳۷)
خانها ۳٤، خانه ها ۱۳۰

ٱلدّاع: أُجِيبُ دَعْوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِ (۲:۱۸٦)
خوانَنده ۳، خُوانَنده ٤۲، خَوانَنده ۵۵، خوآننده ۹٤، خواهنده ۹۹

~: يَوْمَ يَدْعُ ٱلدَّاعِ (۵٤:٦)
خواندار[1] ۱، خُوانَنده ۲، خوانَنده ۸۱، خاننده ۱۳۰

ٱلدّاعِیَ: يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ ٱلدَّاعِىَ (۲۰:۱۰۸)
خوانَنده ۳، جوینده ۱۰۲، آواز خواننده ۱۲۳، خوانده ۱۳۹

~: أَجِيبُواْ دَاعِىَ ٱللَّهِ (٤٦:۳۱)
خواندار[1] ۱، خواندن ۹۲

داعِیًا: وَدَاعِيًا إِلَى ٱللَّهِ بِإِذْنِهِۦ (۳۳:٤٦)
خواندار[1] ۱، خُوانَنده ۲، خواننده ۷، خوانند ٦۱، خواهنده ۱۰۰

---

۱. خواندار/ خواننده.

دافِعٌ: إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ مَّا لَهُ مِن دَافِعٍ (۸:۵۲)
وازداشتار[1] ۱، بازدارنده ۲، دور کننده ۳

~: لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲:۷۰)
وازداشتار[1] ۱، وادارنده ۶، افتاده و باز آورنده ۱۹

دافِق: فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِن مَّاءٍ دَافِقٍ (۶:۸۶)
جستار[2] ۱، جهنده ۲، سخت جهنده ۷۹، ریخته شده ۱۰۴، جنبنده ۱۳۹

★ مَادَامَت: مَادَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ (۱۱:۱۰۷)
تا پیوسته بود ۳، تا باشد ۲۹، تا بجای باشد ۵۲، هرچند مانند ۵۸، تا مانَد ۶۲، بجای ماند ۱۰۹، بجای باشد ۱۲۸، تا هنگامی که باشد ۱۳۶

~: مَادَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ (۱۱:۱۰۸)
تا پیوسته باشد ۳، تا ماند ۵۳، بپای باشد ۷۵

★ مَادَامُوا: لَن نَّدْخُلَهَا أَبَدًا مَّا دَامُوا فِيهَا (۵:۲۴)
تا باشند ایشان ۳، تا ایشان باشند ۲۹، همیشه که ایشان ۳۹، تا هستند ۵۸، ایشان باشند ۷۶، تا باشند ۸۲، چندانکه باشند ۱۰۴

دانٍ: وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ (۵۵:۵۴)
نزدیک ۱، نزدیک کرده ۱۰۰، نزدیک کرده بیکدیگر ۱۳۸

دانِيَةٌ: وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ (۶:۹۹)
نزدیک ۱، نزدیک ۲، نزدیک برسیدن ۴۱، نزدیک ۵۵، نزدیک گردانیده ۶۱، بهم نزدیک ۸۵، بزرگ ۸۸، نزدیک بهم ۱۰۶، نزدیک بیکدیگر ۱۱۶، نزدیک یکدیگر ۱۲۲، برهم چیده ۱۳۱

~: فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ (۶۹:۲۳)
نزدیک دررسیده ۴۹، نزدیک و آسان ۸۷، نزدیک گردیده ۱۳۲، نزدیک و به دسترس ۱۳۸

~: وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا (۷۶:۱۴)
نزدیک کرده ۱، نزدیک شده ۳، نزدیک باشد ۲۹، نزدیک آینده ۱۲۶، نزدیک بوده ۱۳۲

دَأْب: كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ (۳:۱۱)
خُوی ۲

~: كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ (۸:۵۲)
خُوی و نهاد ۲، نهاد ۴۲، نهاد و آئین ۸۳، خوی نهاد ۱۲۴، شیوه ۱۳۵

~: مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ (۴۰:۳۱)
خوی ۱، خو ۱۰۰

دَأَبًا: قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا (۱۲:۴۷)
پیوسته ۲، زپس یک دیگر ۲۴، پیاپی ۲۹، پس یکدیگر ۳۹، پیوسته ۵۵، پی درپی ۱۳۶

دُبُر: وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِن دُبُرٍ (۱۲:۲۵)
پسْ ۱، پسْ ۲، پس سون ۴۳، پَس ۵۵، پس پشت ۶۴، پی ۹۲، پس سر ۱۲۲، پشت سر ۱۳۶

~: وَإِن كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ فَكَذَبَتْ (۱۲:۲۷)
پُشت ۱۲۰

~: سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ (۵۴:۴۵)
پشتها ۱، بازپس ۲، پشت ۳، پسها ۵۱، پُشتها ۸۱

دُبُرَة: وَمَن يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ (۸:۱۶)
پشت ۱، پُشت ۲، پس ۳، پس پشت ۱۰، پشتها ۲۸،

---

۱. وازداشتار: بازدارنده.
۲. جستار: جهنده.

پُشت ۵۵، پُشتها ۱۰٦

دَحَاهَا: وَٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ دَحَىٰهَآ (۷۹: ۳۰)
بگسترد ۱، بگسترانید ۲، بگسترانید ۲٤، بکشید ۳۹، بگستراند ٦۱، گسترانید ۸۰، باز کشید ۱۰۲، بر کشید ۱۱۷، گسترانیده ۱۳۰

دُحُورًا: وَيُقۡذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا (۳۷: ۹)
بدور کردن ۱، انداختن ۲، راندن ۲۲، دور ۳۳، رانده ٤۱، خوار کرده ٤۲، باز زدن ٦۱، راندن و انداختن ۷۹، راندن با خواری ۸٦، راندن و انداختن ۱۱۳، راندن و دور کردن ۱۱٦، رندن ۱۳۰، تیرها ۱۳٦

دُخَانٌ: ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ وَهِيَ دُخَانٌ (٤۱: ۱۱)
دود و بخار ۱۰۲

~: يَوۡمَ تَأۡتِي ٱلسَّمَآءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ (٤٤: ۱۰)
دود ۱

دَخَلَ: كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيۡهَا زَكَرِيَّا ٱلۡمِحۡرَابَ (۳: ۳۷)
درآمدی ۲، درآمد ۳، اندرشدی ۱۰، درشدی ۲٤، دَرآمد ۲۸، در نزدیک شدی ۲۹، اندر شد ۳٤، در رفتی ٦۳، آمدی ۹٤، درمیرفت ۱۰۰، اندر آمدی ۱۲۷، درامدی ۱۳۸

~: وَدَخَلَ مَعَهُ ٱلسِّجۡنَ فَتَيَانِ (۱۲: ۳٦)
درشد ۱، درآمدند ۳، درشدند ۲۹، اندرآمَدْ ۵۳، دَر شُدَند ۷٦، در رفتند ۹۳، اندر آمدند ۹٤، اندر شدند ۹٦

~: وَدَخَلَ جَنَّتَهُۥ وَهُوَ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ (۱۸: ۳۵)
درْ شود ۲، دَررفت ۵۷، دررفت ۱۰۰

~: وَدَخَلَ ٱلۡمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفۡلَةٖ مِّنۡ أَهۡلِهَا (۲۸: ۱۵)
اندر شود ۲، اندر آمد ٤٦، دررفت ۵۳

~: وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيۡتِيَ مُؤۡمِنٗا (۷۱: ۲۸)
در شهد[1] ۱، اندر آید ۱۹، درآید ۵٤، درآمد ۱۰۰، درآمده است ۱۱۱

دَخَلًا: تَتَّخِذُونَ أَيۡمَٰنَكُمۡ دَخَلَۢا بَيۡنَكُمۡ (۱٦: ۹۲)
فریو[2] ۱، فریفتن ۲٤، تباه ۳۰، اندر آورده ۳۹، تباهی ٤۱، اندرأوُردَنْ ۵۳، تَبَاهِی ۵۵، درآمدن ٦۱، دررو ۷۲، درآمدی ۹۰، فریفت ۱۰۹، دستان، فَریب ۱۲٦

~: وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ أَيۡمَٰنَكُمۡ دَخَلَۢا بَيۡنَكُمۡ (۱٦: ۹٤)
اندر آورد ۳۹، فریب ٦۵، نهان ۷٦

دَخَلَتْ: كُلَّمَا دَخَلَتۡ أُمَّةٞ لَّعَنَتۡ أُخۡتَهَا (۷: ۳۸)
درشهد[1] ۱، درآید ۳، اندرشند ۱۰، درشود ۲٤، اندر آیند ٤۵، در شوند ۵٦، در رود ۵۸، دَررَوند ٦۰، درآیند ۹۲، اندرآید ۹٤، درروند ۱۰۰، درآمد ۱۱٤

دَخَلْتَ: وَلَوۡلَآ إِذۡ دَخَلۡتَ جَنَّتَكَ (۱۸: ۳۹)
درشدی ۱، درآمدی ۲، در رفتی ۲۹، درآمدی تو ٦۱، رفتی تو ۹۳، درشدی تو ۱۱۸

دُخِلَتْ: وَلَوۡ دُخِلَتۡ عَلَيۡهِم مِّنۡ أَقۡطَارِهَا (۳۳: ۱٤)
درآمده شدی ۱، درآمده شود ۲، درآورده شود ۳، اندر آیند ۱٤، درآمدندی ٤۷، درآیند ٦۱، درآمدند ۷٦، درآمده شد ۸٦، اندر شوند ۸۷، درآینده شود ۹۱، درآرند ۱۰۵

دَخَلْتُمْ: مِّن نِّسَآئِكُمُ ٱلَّٰتِي دَخَلۡتُم بِهِنَّ (٤: ۲۳)
درشدید ۱، فراز رفته باشید ۲، بشافته باشید ۱۰، نشست و خاست کرده باشی ۲٤، فراز رفته باشید ٤۲، اندر آمدید ۵۳، درشدی شما ۵۷، درآمدید

۱. درشهد / درشود.
۲. فریو / فریب.

۶۱، اندر شدید ۶۵، در رفته باشید ۸۸

~: فَإِذَا دَخَلْتُم بُيُوتًا فَسَلِّمُوا (۲۴:۶۱)
درشید ۱، درشوید شما ۴۲، درشوید ۴۷، اندر شوید ۵۳، اندر آیید ۵۶، در آیید ۵۸، درروید ۶۴، در روید شما ۱۳۸

★ دَخَلْتُمْ بِهِنَّ: اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ (۴:۲۳)
با ایشان بوده باشید ۶۲

★ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ: لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم (۴:۲۳)
فراز نرفته باشید ۲

دَخَلْتُمُوهُ: فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ (۵:۲۳)
درشید ۱، اندر شوید شما ۲، در آییت ۳، اندر شوید ۲۷، درشدید ۳۰، اندر روید شما ۵۳، درشوید شما ۵۷، درروید ۶۱، در رفته باشید ۶۳، در رفتید شما ۶۷، در رفتند ۷۵، درشوید ۷۶، در رفته باشید شما ۸۹، در آئید ۱۱۱، اندر آمدند ۱۲۴، اندر آورید ۱۲۷

دَخَلَهُ: وَمَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا (۳:۹۷)
درشهد ۱، درشود ۲۳، درروَد ۲۴، اندر آید ۲۷، اندر شود ۴۰، دَر شَوَد ۴۲، در آید ۴۳، دروشود ۴۸، اندررود ۵۶، شود در ۷۶، در آمد ۹۹

دَخَلُوا: وَقَد دَّخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ (۵:۶۱)
درشدند ۱، أندر آمدَند ۲، اندر آمدند ۲۹، اندَر شُدند ۴۵، اندر آمدَند ۵۳، درشده باشند ۶۰، ایشان درشده باشند ۷۶، اندر آمده باشند ۹۴، در آمده‌اند ۹۶، درشونده باشد ۱۱۸

~: وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ (۱۲:۵۸)
در آمدند ۳، اندرامدند ۵۳، دَرآمَدَند ۵۵، دَر رَفتَند ۷۶

~: وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ (۱۲:۶۸)
أندر شُدند ۲، درشُدَند ۴۲، اندرامَدنَدْ ۵۳، در آمدند ۵۶، دَرشُدَند ایشان ۷۶

~: وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ (۱۲:۶۹)
در رفتند ۴۲

~: فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ (۱۲:۸۸)
اندر آمدَند ۵۳

~: فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ (۱۲:۹۹)
أندر آمدند ۲، درشدن ۱۱۳

~: إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنكُمْ (۱۵:۵۲)
درشُدند ۲، اَندرْ شُدَند ۵۳، درْ رفتند ۶۱، درشوند ۷۶

~: قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً (۲۷:۳۴)
درشند[1] ۱، شوند ۲۴، در آیند ۴۳، اندر شوند ۴۶، درروند ۵۸

~: إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُودَ (۳۸:۲۲)
اندر شدند ۲۲، در آمد ۳۳

~: إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا (۵۱:۲۵)
در آمدَند ۶۱

دَخَلُوهُ: كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ (۱۷:۷)
در آمدند ۳، درشدند ۵۲، آمدند ۵۳، درشوند ۵۷، در آمده بود ۵۸، اندر شدَند ۶۲، اندر آمدند ۱۲۸، در رفتند ۱۳۴

دِرَاسَتِهِمْ: وَإِن كُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ (۶:۱۵۶)
خواندن ۱، خُواندن ۲، دانستن و خواندن ۴۱، خَواندَن ۵۵

---

۱. درشند / درشوند.

دَرَاهِمَ: بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ (۱۲:۲۰)
درمی چند ۳۴، درمهَا ۵۸، سیمها ۶۵، درمها ۹۶

دَرَجَاتٌ: وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَٰتٍ (۲:۲۵۳)
پَایگاهَها ۲، پایگاهها برتر ۳، پایگاهها ۲۷، پایگاهها ۴۲، پایهاء ۹۰، جایگاه‌ها ۱۲۷

~: هُمْ دَرَجَٰتٌ عِندَ ٱللَّهِ (۳:۱۶۳)
فرود وَر ۱۰، برتر و فروتر ۴۰، پیگاهها ۶۱

~: دَرَجَٰتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً (۴:۹۶)
پایگاه ۲، دست‌افزارها ۷۲، پایه ۷۵، پَایگاها ۱۲۴، پایهای بلند ۱۳۰

~: نَرْفَعُ دَرَجَٰتٍ مَّن نَّشَآءُ (۶:۸۳)
پایگاهان ۳، پاداش ۹، پایگاهَا ۵۳، پایه‌ها ۱۲۰

~: وَلِكُلٍّ دَرَجَٰتٌ مِّمَّا عَمِلُوا۟ (۶:۱۳۲)
پَایگاهَا ۵۵، جایها ۷۶، جایگاهها ۸۸

~: وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَٰتٍ (۶:۱۶۵)
پایگاهها وَ افزونیها ۱۰، پایگهَها ۵۳، پایگاهها ۹۰

~: لَّهُمْ دَرَجَٰتٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ (۸:۴)
پایگاهها ۲، بارگاهها ۳۶

~: نَرْفَعُ دَرَجَٰتٍ مَّن نَّشَآءُ (۱۲:۷۶)
پایها ۲۹، پَایگاهها ۵۵، پایگاه ۷۶، پَایگاه ۱۲۴

~: وَلَلْءَاخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَٰتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا (۱۷:۲۱)
پایگاه ها ۴۹، پایگاهَا ۵۳، پایگها ۱۱۴، پایهها[1] ۱۱۹، پایگاهَا ۱۲۴

~: فَأُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلدَّرَجَٰتُ ٱلْعُلَىٰ (۲۰:۷۵)
پایه گاهها ۱۰۹

~: رَفِيعُ ٱلدَّرَجَٰتِ ذُو ٱلْعَرْشِ (۴۰:۱۵)
پایگاها ۵۶، پایگاهها، ۸۱، پایگایها ۹۵، پایگاهها ۱۲۴

~: وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَٰتٍ (۴۳:۳۲)
پایگاهها ۲۲، پایگاهَا ۳۲، پایها ۸۱

~: وَلِكُلٍّ دَرَجَٰتٌ مِّمَّا عَمِلُوا۟ (۴۶:۱۹)
پاگاهها ۸۰

~: وَٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ دَرَجَٰتٍ (۵۸:۱۱)
پایگهاء ۹۰، پایگهها ۹۱، پَایگاهَا ۱۲۴

دَرَجَةٌ: وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ (۲:۲۲۸)
پایگاه ـ افزونی ۲، افزونی ۱۰، پایگاهها ۴۳، پایگاه افزون ۵۳، پَایگاهِ بَرتَر ۵۵، پایگاه ۶۱، پایه گاه ۸۸، پاین گاه ۱۲۷

~: بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ عَلَى ٱلْقَٰعِدِينَ دَرَجَةً (۴:۹۵)
پَایگاه ۲، پایگاه ۳، پَایگاه ۵۵، پایه بلند ۱۰۴، پایه گاه ۱۰۹، مرتبه ۱۱۶، مزد ۱۲۷

~: بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِندَ ٱللَّهِ (۹:۲۰)
پایه ۲۹، پایگاه ۵۵، پای گاه ۸۰، پَایَها ۱۲۴

~: أُو۟لَٰٓئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ ٱلَّذِينَ أَنفَقُوا۟ مِنۢ بَعْدُ (۵۷:۱۰)
پایگاه برتر ۹۱

دَرَسْتَ: وَلِيَقُولُوا۟ دَرَسْتَ (۶:۱۰۵)
بیاموختی ۱، بیامُوختی ۲، خواندی تو ۳، کهرشدست ۹، کهَرَ شدست ۱۲، تو برخوانی ۲۹، خواندی ۳۰، نگفتی و ننمودی[2] ۴۱، بخواندی ۴۴، برخواندی ۵۳، خوانْدی تُو ۵۵، تو بیاموختی ۵۶، ازکسی بیاموختی ۵۸، بخواندی تو ۶۱، تو خوانی

---

۱. پایها / پایه ها. .
۲. باتوجه به سیاق آیه وترجمهٔ آن دراین قرآن، معنی بی مناسبت نمی نماید.

۶۲، بیاموختی تو ۶۷، خوانندهٔ تو[1] ۷۶، درآموختی ۷۹، همی خوانی ۸۸، بیاموختـه انـدت ۹۴، تو درآموختی ۱۰۰، خوانندهٔ تو ۱۲۳، بیاموختهآندت ۱۲۴

دَرَسُوا: وَدَرَسُوا مَا فِيهِ (۷: ۱۶۹)
بخواندند ۱، خواندند ۳، برخُوانده‌اند ۱۰، ورخواندند ۲۴، برخوانند ۲۷، برخواندند ۳۵، می‌خوانند و کار می‌دارند ۴۱، میخواندند ۴۳، خوانَنْد ۵۵، بخوانند ۹۲، خوانند و گریند ۱۰۴، خوانده‌اند ۱۱۱، خونده‌اند ۱۳۰

ٱلدَّرْك: إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ فِى ٱلدَّرْكِ ٱلْأَسْفَلِ (۴: ۱۴۵)
پایگاه ۲، پایگاهها ۳، پایه ۳۶، پایگاهها ۵۵، نردبان ۵۸، نردبان پایه ۷۲، جایگاه ۸۲، جایگاه ۹۴ پایه گاه ۱۰۹

★ ٱلدَّرْكِ ٱلْأَسْفَلِ: فِى ٱلدَّرْكِ ٱلْأَسْفَلِ (۴: ۱۴۵)
پایه زیرترین ۱۰۳، پایه گاه ۱۰۹

دَرَكًا: لَّا تَخَٰفُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ (۲۰: ۷۷)
در رسیدن ۱، أندرْ یافتن ۲، دریافتن ۳، دریافت ۳۹، رَسیدَنْ ۵۳، اندر یافت ۶۱، رسیدن ۶۲، گرفتاری ۷۶، درهم افتیدن ۸۸

دُرِّيٌّ: كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ (۲۴: ۳۵)
دروشیدار[2] ۱، رُخشان ۲، تابان ۲۴، روشن ۲۹، درخشنده ۳۶، درخشان ۴۱، درفشان ۴۸، تابان و درفشان ۴۹، سپید و روشن ۵۴، روشن درفشان ۵۸، رخشان ۶۱، بزرگ ۶۲، دورکننده تاریکی ۸۰، رخشنده ۹۵ درخشنده و تابنده ۱۰۹

دَسَّاهَا: وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّىٰهَا (۹۱: ۱۰)
وی نام کرد[3] ۱، پنهان کرد ۲، بی‌راه کرد ۲۴، بیالود ۲۹، بدی کرد ۳۹، پنهان کرد ۵۳، گمراه کرد ۵۶، گمراه کرد ۶۱، فروگذاشت ۶۵، خوار و بی‌نام کرد ۷۹، پنهان گردانید ۸۸، گم‌نام کرد ۱۰۲، نهان کرد ۱۰۸، خاک پوش کرد ۱۰۹، گم کرد ۱۱۶، فرود گذاشت ۱۳۹

دُسُر: وَحَمَلْنَٰهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلْوَٰحٍ وَدُسُرٍ (۵۴: ۱۳)
میخها ۱، میخها ۲، ریسمانها ۲۹، میخها آهنین ۳۰، میخها و برهم دوخته ۳۵، میخ ۵۲، میخهای آهنین ۸۸

دَعْ: وَدَعْ أَذَىٰهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ (۳۳: ۴۸)
بهیل[4] ۱، بگذار ۲، بمان ۳، دست بدار ۷، رها کن ۴۲، دَسْت بَازْدارْ ۵۳، بگذار و در دل مگیر ۵۸، دست بازدار ۶۵، مگیر ۷۴، بگذار و دوست بدار ۱۰۳، واگذار ۱۳۶

دَعًّا: يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا (۵۲: ۱۳)
سپختن[5] ۱، سپوختن[5] ۳، بازگردانیدن ۳۰، باز زدن ۳۶، باززدن بخواری ۳۹، راندن ۴۲، بازداشتن ۵۶، خواندن ۸۱، گردانیدن ۸۸، کشیدن ۱۰۳، رانده شدن ۱۰۹، افکندن ۱۱۱

دَعَا: هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُۥ (۳: ۳۸)
بخُواند ۲، برخواند ۶۳، برخوآند ۱۰۰

~: وَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَٰنَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُۥ مُنِيبًا إِلَيْهِ (۳۹: ۸)
خواند ۳

---

۱. خوانندهٔ تو / خواننده‌ای تو.
۲. دروشیدار / درخشنده.
۳. وی نام کرد: گم نام کرد.
۴. بهیل: رها کن، بهل.
۵. سپختن / سپوختن.

~: وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَآ إِلَى ٱللَّهِ (۴۱:۳۳)
بخواند ۱

دُعَاءِ: رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَآءِ (۱۴:۴۰)
خُواندن ۲، خواندن و خواهش ۵۸

دُعَاءً: ٱلَّذِى يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَآءً وَنِدَآءً (۲:۱۷۱)
خُواندن ۲، خُواندن ۱۰، خواند ۲۴، خَواندن ۵۵، آواز ۶۰

~: وَمَا دُعَآءُ ٱلْكَٰفِرِينَ إِلَّا فِى ضَلَٰلٍ (۱۳:۱۴)
خواهش ۷ مکرر، خَواندَن ۵۵

~: إِنَّ رَبِّى لَسَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ (۱۴:۳۹)
خواندگان ۹۸، نماز ۱۰۲

~: أَلَّآ أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّى شَقِيًّا (۱۹:۴۸)
خواندن و پرستیدن ۵۸، پرستیدن ۸۶، خوندن ۱۱۱، پرستش ۱۱۵

~: وَلَا يَسْمَعُ ٱلصُّمُّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ (۲۱:۴۵)
خواندن ۱، آواز خواندن ۷۲، خواندان ۷۶، واز خواندن ۱۳۹

~: لَّا تَجْعَلُوا۟ دُعَآءَ ٱلرَّسُولِ (۲۴:۶۳)
خوانیدن ۱۳۸

~: لَّا يَسْـَٔمُ ٱلْإِنسَٰنُ مِن دُعَآءِ ٱلْخَيْرِ (۴۱:۴۹)
خواستن ۲۲، خواستن ۲۴

~: وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ فَذُو دُعَآءٍ عَرِيضٍ (۴۱:۵۱)
همی خواند ۵۳

دُعَائِكَ: وَلَمْ أَكُنۢ بِدُعَآئِكَ رَبِّ (۱۹:۴)
خواندن ۲

دُعَاءَكُمْ: إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا۟ دُعَآءَكُمْ (۳۵:۱۴)
خواندن ۲۴

دُعَاؤُكُمْ: قُلْ مَا يَعْبَؤُا۟ بِكُمْ رَبِّى لَوْلَا دُعَآؤُكُمْ (۲۵:۷۷)
زاری ۵۸

دُعَاءَهُ: وَيَدْعُ ٱلْإِنسَٰنُ بِٱلشَّرِّ دُعَآءَهُۥ بِٱلْخَيْرِ (۱۷:۱۱)
درخواستن ۱، خُواندن ۲، خواندن ۲۴، خوآندن ۱۰۰

دُعَائِهِمْ: وَهُمْ عَن دُعَآئِهِمْ غَٰفِلُونَ (۴۶:۵)
خواندن ۸۰

دُعَائِى: فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَآءِىٓ إِلَّا فِرَارًا (۷۱:۶)
خواندن ۱

دَعَاكُمْ: ٱسْتَجِيبُوا۟ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ (۸:۲۴)
خُواند ۱۰، خواند ۲۹

~: ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ ٱلْأَرْضِ (۳۰:۲۵)
بخواند ۱۴، بخواند ۴۷

دَعَانِ: أُجِيبُ دَعْوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِ (۲:۱۸۶)
بخُواند ۲، بخواند ۳، خواند ۲۴، خواند ۴۰، بَخُواند ۴۲، بخواند ۹۴

دَعَانَا: وَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَٰنَ ٱلضُّرُّ دَعَانَا (۱۰:۱۲)
بخواند ۱، بخُواند ۲، خَواند ۵۵، همی خواند ۸۸، برخواند ۱۰۰، برخوانند ۱۰۶

دَعَاهُ: أَمَّن يُجِيبُ ٱلْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ (۲۷:۶۲)
بخواند ۱، بخواند ۵۸، خواند ۸۶، برخوآند ۱۰۰

دَعَوَا: فَلَمَّآ أَثْقَلَت دَّعَوَا ٱللَّهَ رَبَّهُمَا (۷:۱۸۹)
بخواندند ۱، خواند ۳، بخُواندند ۱۰، برخوانند ۵۷، بخوانند هر دو ۶۱، برخواندند ۶۳

دَعَوُا: أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا۟ ٱللَّهَ (۱۰:۲۲)
خَواندَ ۵۵، میخوانند ۹۲، برخوآنند ۱۰۰

~: وَتَخِرُّ ٱلْجِبَالُ هَدًّا أَن دَعَوْا۟ لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدًا (۱۹:۹۱)
بخُواندند ۲، بخواندندی ۳۰، خواندند ۴۲، گفتند ۵۸، خوانند ۷۶، نام نهادند ۸۶، بخوانیدند ۱۳۹

~: دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا (۱۳:۲۵)
بانگ کنند ۲۴، بخواهند ۹۲

~: فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ (۶۵:۲۹)
بخوانید ۱۴

دُعُوا: وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا (۲۸۲:۲)
بخوانند ایشانرا ۲، خوانده شوند ۳، خوانند ایشانرا ۲۴، خوانند ایشانرا ۲۵، خوانندشان ۲۷، خوانندشان ۴۲، بخوانیدشان ۶۱، که شان خوانند ۶۲، شان خوانند ۶۳، بخوانند ۶۴، بخوانندشان ۸۲، خوانند ۸۹، بخوآنندشان ۹۴، خوانند ایشآنرا ۱۰۰، خوانند ایشان ۱۰۴، بخوانید ۱۲۴، بگواهی خواهند ۱۳۶، بخوانید ایشان را ۱۳۸

~: وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ (۴۸:۲۴)
خوانده شند ۱، بخوانندشان ۲، بازخوانند ایشانرا ۴۷، بخوانند ایشانرا ۵۱، بازخوانند ۷۶

~: إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ (۵۱:۲۴)
خوانده شود ۸۷

دَعْوَاهُمْ: فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا (۵:۷)
گفتار ۱۰، خواندن و سخن ۱۰۲

~: دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ (۱۰:۱۰)
خواندن ۱، سخن ۳۶، سخوردن[1] ۵۸، خوندن[2] ۱۱۱

~: فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ (۱۵:۲۱)
خُواندن ۲، خواند ۸۷

دَعَوْتُ: قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا (۵:۷۱)
بخواندم ۱، خواندم ۳، خوانده‌ام ۹۶، خواندم من ۱۱۳

دَعْوَةَ: أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ (۱۸۶:۲)
خُواندن ۲، خَوانْدَن ۵۵

~: لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ (۱۴:۱۳)
خَوانَدن ۵۵، خواندَن ۷۶، پرستیدن ۷۹، خوآندن ۹۴

~: لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا (۴۳:۴۰)
خواندن ۱، خوندن[2] ۱۳۰

دَعْوَتَكَ: نُجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرُّسُلَ (۴۴:۱۴)
خُواندن ۲، خواندن ۵

دَعَوْتُكُمْ: إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ (۲۲:۱۴)
بخواندم ۱، بخُواندم ۲، خواندم ۲۴

دَعْوَتُكُمَا: قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا (۸۹:۱۰)
خواندن ۱

أَدَعَوْتُمُوهُمْ: سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ (۱۹۳:۷)
می بخوانید ۱، خوانید ۲۷، بخوانید ۵۸، خوانید شما ۶۳، بخوآنید ۱۰۰

دَعَوْتُهُمْ: وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ (۷:۷۱)
بخواندم ۱۹

~: ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا (۸:۷۱)
خواندم ۴۱، خوندم ۱۳۶

دَعَوْهُمْ: فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ (۵۲:۱۸)
بخوانند ۱، خوانند ۳، بخوانید ۲۴، خواندن گیرند ۴۴، برخوانند ۱۰۰

~: فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ (۶۴:۲۸)
برخوانید ۵۳

---

۱. کذا در متن اصلی (؟).
۲. خوندن / خواندن.

دُعِیَ: إِذَا دُعِیَ ٱللَّهُ وَحْدَهُ (۴۰:۱۲)
خوانده شد ۱، خوانده شود ۳، بخواندندی ۲۲، خواندند ۳۰، خوانده می شد ۵۶، بخوانند ۶۱، خوانده شدی ۱۳۲

دُعِیتُمْ: وَلَٰكِنْ إِذَا دُعِیتُمْ فَٱدْخُلُوا (۳۳:۵۳)
خوانده شید ۱، خوانده شویت ۳، بخوانندتان ۷، بخوانند شما را ۱۸، خوانده شوید ۳۹، بخواندتان ۴۱، بخوانند ۹۲، بخواند شما را ۹۴، خوانند شما را ۱۰۰، خوانده شوید شما ۱۱۳، خوانده شوی ۱۱۴

دِفْءٌ: لَكُمْ فِیهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ (۱۶:۵)
گرمی ۱، تَپِش ۲، توش ۲۴، گرم ۳۸، پوست و پشم ۴۸، شیر وپشم و بچه ۵۲، گرْمی ۵۳، گرما ۵۷، پشم ۶۳، پوشیدنی و افکندنی ۶۴، جامها ۷۶، تَپِشْ ۸۳، تبش ۹۴، گرم شدن ۹۵، تف و گرمی ۱۰۲، پوشش گرم ۱۰۳، تپش و گرمی ۱۰۹، پوشش گرم کننده از پشم و موی ۱۱۱، گرم شوند بدان از پوشیدنی ۱۱۴، پوشش ۱۱۵، پوشش گرم کننده ۱۱۶، گرم کننده ۱۲۰، پوششی گرم نماینده ۱۲۷، پوشش کننده ۱۳۰، خورش ۱۳۶

دَفْعُ: وَلَوْلَا دَفْعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ (۲:۲۵۱)
بازداشت ۲، دور کردن ۳، واداشتن ۱۰، بگردانیدی ۲۴، بازداشت ۴۲، دُور کرَدَن ۵۵، واز داشت ۶۳، بازداشتی ۱۲۴

~: وَلَوْلَا دَفْعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ (۲۲:۴۰)
وازداشتن ۱، بازداشتن ۱۲، بازداشت ۲۴، بازداشت و نگاه داشت ۵۸

دَفَعْتُمْ: فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَیْهِمْ أَمْوَالَهُمْ (۴:۶)
دهید ۱، سپاریت ۳، وادهَید ۱۰، وادهی ۲۴، بدهِید ۲۷، بازدهید ۲۹، بدهیت ۳۰، بدهید ۵۳، وارسانیدی ۹۵، بازدهید ۱۰۰، بداده باشید ۱۳۸

دَكًّا: فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا (۷:۱۴۳)
شکسته ۱، پاره پاره ۲، خورد و مورد ۱۰، پاره پَارَه ۲۷، خرد ۲۹، گردراه ۳۵، پاره پاره ـ ریزه ۳۹، با زمین برابر ۵۳، پَارَه پَارَه ۵۵، خرد مرد ۶۳، پاره پاره و ریزه ریزه ۶۷، لخت لخت ۹۴، خورد و مُرد ۱۰۰، خورد ذره ذره ۱۱۵، کوفته برابر زمین ۱۲۰، خُرد مُرد ۱۲۷، درهم کوفته ۱۳۰

~: كَلَّا إِذَا دُكَّتِ ٱلْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (۸۹:۲۱)
شکستن ۱، جُنبانیدن ۲، جنبانیدن ۲۴، کوفتن ۲۹، لرزانیدن جنبیدن ۳۴، کوبیدن ۶۱، درهم کردن ۶۷، خورد ومرد کردن ۷۹، پاره پاره کردن ۸۰، جنبانیدی لرزانیدی ۸۸، خورد ومرد شدن ۱۰۰، خرد گردانیدن ۱۰۴، خورد و مرد کردنی ۱۰۶، ریزانیدن ۱۰۸، کوفته شدن ۱۰۹، خورد مورد کردن ۱۱۱، پاره کردن ۱۱۴، خرد کردن ۱۳۲، خورد کردن ۱۳۴، ریزریز شود ۱۳۶

دَكَّاءَ: فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ (۱۸:۹۸)
شکسته ۱، پَاره پاره ۲، با زمین هموار ۳، زمین هموار ۳۰، پاره پاره ۳۶، کوفته ۳۹، پاره پارَه ۴۲، ریزه ریزه ۴۴، بازمین هَمَوارا ۵۵، خرد و پاره پاره ۵۶، پاره ۵۸، هموار ۶۲، خرد ومرد ۷۹، هموار ۸۰، خورد و مرد ۱۰۰، خورد و ریزه و هموار و پست ۱۰۳، خرد ۱۰۶، فرو و هموار با زمین ۱۱۴، برابر ۱۳۷

دُكَّتْ: كَلَّا إِذَا دُكَّتِ ٱلْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (۸۹:۲۱)
شکسته شهد ۱، بجنبانید ۲، بکوبند ۲۹، برهم کوبند ۳۸، بکوبند و خرد کنند ۵۱، بجنباند ۶۱، درهم شکسته شود ۶۷، درجنبانیده و خرد و مرد کرده شود ۷۹، پاره کرده شود ۸۰، پاره پاره کرده شود ۹۱، خورد کرده شود ۱۰۰، خرد گردانند ۱۰۴، بجنبانند ۱۰۸، کوفته شود ۱۰۹، خورد و مورد کنند ۱۱۱، شکافته شود ۱۱۶، خورد گردانیده شود ۱۲۰، شکسته شود ۱۲۳، بشکنند ۱۲۶، خرد گردانیده شود ۱۳۲، ازهم پاشد ۱۳۶، خرد و مرد کنند ۱۳۸

دَكَّةً: وَحُمِلَتِ ٱلْأَرْضُ وَٱلْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَٰحِدَةً (۶۹: ۱۴)
شکستن ۱، کوُفتن ۲، کوفتن یا کوفته شدن ۳، برهم کوفتن ۱۹، کوفتن ۲۴، برخاستن ۴۱، برهم زدن ۶۴، بَرهَم زدن ۷۸، خرد و مرد کردن ۷۹، خورد و مورد کردن ۸۹، جنبانیدن ۹۴، کوفته شدن ۱۰۹، خورد ومرد کردن ۱۱۳

فَدُكَّتَا: وَحُمِلَتِ ٱلْأَرْضُ وَٱلْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَٰحِدَةً (۶۹: ۱۴)
کُوفته شود ۲، کوفته شوند ۳، برهم کوبند ۱۹، بهم بر کوبند ۲۴، بکوبند ۲۹، کوفته شود ۳۰، شکسته شوند ۳۶، سبک برخیزد زمین ۴۱، درهم شکستند ۴۹، خرد گرفته شوند ۵۶، برهم زده شود هر دو ۶۴، برهم زده شود هر دو را ۶۷، شکسته شد ۶۹، شکسته شود ۸۷، خورد ومورد کنند ۸۹، بجنبانند ۹۴، بکوبند آنرا ۹۶، خورد ومرد کرده شوند ۱۰۶، کوفته شوند درهم دیگر ۱۰۹، درهم شکسته شوند ۱۱۱، گرفته شود ۱۱۴، پاره پاره شوند ۱۳۶

فَدَلَّاهُمَا: فَدَلَّىٰهُمَا بِغُرُورٍ (۷: ۲۲)
فرود هشت ۱، فُرو آورد ۲، درافکند ۳، اندر وابَکرد ۱۰، دور کند ۲۴، اندرافکند ۲۷، بیرون کرد ۲۹، نزدیک کرد ۳۶، فرو آور ۴۲، فروهشت ۴۳، آویخته بکرد ۵۳، دَرافکند ۵۵، راه نمود ۵۶، درآویخت ۵۷، بنمود ۶۱، آویخته کرد ۶۲، ره نمودنی کرد ۶۳، فرود آورد ۶۴، فرو گذاشت ۷۶، بفریفت ۷۹، دور افکند ۸۰، رهنمونی کرد ۸۵، اندر فکند ۹۰، اندر کشید ۹۴، نزدیک گردانید ۱۰۲، راه نمونی کرد ۱۱۱، بفرمایند ۱۱۳، افکند ۱۱۴، فروانداخت ۱۲۰، بلغزانید ۱۳۴

دَلَّهُمْ: مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِۦٓ إِلَّا دَآبَّةُ ٱلْأَرْضِ (۳۴: ۱۴)
راه نمود ۱۸، ره نمود ۴۳، راهْ نمود ۵۳، کرد رهنمونی ۱۰۹

★ مَا دَلَّهُمْ: مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِۦٓ إِلَّا دَآبَّةُ ٱلْأَرْضِ (۳۴: ۱۴)
راه نمونی نکرد ۲، راه ننمودیم ۲۹، راه ننمود ۳۹، ننمود ۴۱، ره نمونی نکرد ۱۳۸

دُلُوكِ: أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِدُلُوكِ ٱلشَّمْسِ (۱۷: ۷۸)
گشتن ۱، گاه گشتن ۲، گشتی ۸، گردیدن ۲۴، بگشتن ۲۹، گشتن ۵۵، بگردد ۵۸، برامدن ۶۹، گاه فرو گشتن ۷۸، گذشتن ۸۰، فروگشتن ۹۸، برآمدن ۱۰۰، گردیدن آفتاب ۱۱۱، برگشتن ۱۲۶

دَلْوَهُۥ: فَأَرْسَلُوا۟ وَارِدَهُمْ فَأَدْلَىٰ دَلْوَهُۥ (۱۲: ۱۹)
دول ۱

دَلِيلًا: ثُمَّ جَعَلْنَا ٱلشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا (۲۵: ۴۵)
راه نما ۲، راه نمای ۳، راه بر ۳۹، راهبر ۴۱، ره نمای ۴۳، راهنمای ۴۷، نمودن ۶۱، راه نماینده ۷۲، راه نمای راه بر ۸۰، راه ۹۲، ره نمون ۹۴، راه نمون ۱۰۸، راهنما ۱۱۱

دَمٌ: وَٱلدَّمَ وَلَحْمَ ٱلْخِنزِيرِ (۲: ۱۷۳)
خوٗن روان ۱۰۲

~: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ ٱلْمَيْتَةُ وَٱلدَّمُ وَلَحْمُ ٱلْخِنزِيرِ (۵: ۳)
خُون ۲، خون ریخته ۲۹

~: وَجَآءُو عَلَىٰ قَمِيصِهِۦ بِدَمٍ كَذِبٍ (۱۲: ۱۸)
خون ۱

~: نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِى بُطُونِهِۦ مِنۢ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ (۱۶: ۶۶)
خو[1] ۵۹

ٱلدِّمَآءَ: وَيَسْفِكُ ٱلدِّمَآءَ (۲: ۳۰)
خُونَها ۲، خونها ۱۰۰

دِمَآءَكُمْ: لَا تَسْفِكُونَ دِمَآءَكُمْ (۲: ۸۴)

---

۱. کذا در متن اصلی؛ خو / خون.

خُونها ۲، خونها ۳، خون ۱۰، خونهاء ۹۰

دِمَاؤُهَا: لَن يَنَالَ ٱللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا (۲۲:۳۷)
خُونْهاَ ۴۳، خوانها[1] ۱۳۹

★ مَادُمْتَ: إِلَّا مَادُمْتَ عَلَيْهِ قَآئِمًا (۳:۷۵)
پیوسته ۲، همیشه باشی ۳، پیوسته تو باشی ۳۹، همیشه باشی ۵۷، پیوسته کنی ۵۸، همیشه ۶۷، پیوسته باشد ۶۹، پیوسته داری ۸۲، پیوسته باشی ۱۰۱، بوده باشی همیشه ۱۲۲

~: وَكُنتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّادُمْتُ فِيهِمْ (۵:۱۱۷)
بودم ۲، هرچند بودم ۵، آنگاه که بودم ۶٤، من باشم ۹۶، بودم من ۱۲٤

~: وَأَوْصَٰنِى بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ مَادُمْتُ حَيًّا (۱۹:۳۱)
تا باشم ۳، من باشم ۲٤، هستم ۳۹، چندان که ٤٤، بباشم ۶۱، باشم ۱۱٤، چندانکه باشم ۱۲٤، هستم ۱۳۵

★ مَادُمْتَ عَلَيْهِ قَآئِمًا: إِلَّا مَادُمْتَ عَلَيْهِ قَآئِمًا (۳:۷۵)
پیوسته بایستی ۲، پیوسته ایستی ٤۱، برایستی همیشه ۶۲

★ مَادُمْتُمْ: حُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ ٱلْبَرِّ مَادُمْتُمْ حُرُمًا (۵:۹۶)
باشید ۲، هستیت ۳، هستید ۹، همیشه که شما باشید ۲۷، باشید شما ۵۸، باشیت ۸۸، بباشید ۱۲۷

دَمْدَمَ: فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنۢبِهِمْ (۹۱:۱٤)
خشم گرفت ۷۹، بیاورد ۹۲، نیستی انداخت ۱۰۹، فرو پوشانید ۱۱۶، روز آورد ۱۳۹

دَمَّرَ: دَمَّرَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَٰفِرِينَ أَمْثَٰلُهَا (۴۷:۱۰)
از بیخ برکند ۱۱۶

دَمَّرْنَا: وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ (۷:۱۳۷)
نیست کردیم ۳، نیشت گردیم ۵۵، نیست گردانیدیم ۱۰۹، تباه کردیم ۱۱۲، هلاک کردیم ما ۱۱۳، ویران کردیم ۱۲۷

دَمَّرْنَاهَا: فَدَمَّرْنَٰهَا تَدْمِيرًا (۱۷:۱۶)
ویران کنیم ۶۲، از بیخ برکنیم ۱۱۱

دَمَّرْنَاهُمْ: فَدَمَّرْنَٰهُمْ تَدْمِيرًا (۲۵:۳۶)
دمار برآوردیم ۹٤

ٱلدَّمْعِ: تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا۟ مِنَ ٱلْحَقِّ (۵:۸۳)
آب چشم ۲، آب چشم ٤۲، آب چشم ۵۵، اب چشم ۶۹، آب چشمها ۸۲، اشگ ۱۰۷، سرشک ۱۱٤

~: تَوَلَّوا۟ وَّأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمْعِ حَزَنًا (۹:۹۲)
آب ۱، اشک ۲، آب دیده ۱۱۳

دَنَا: ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ (۵۳:۸)
نزدیک شد ۱، نزدیک آمد ۳، نزدیکتر آمد ۳۰، آمد ۳۹، نزدیک گشت ۵۳، فراز آمده ۵۶

ٱلدُّنْيَا: إِلَّا خِزْىٌ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۲:۸۵)
این سرا ۱۱۱

~: أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشْتَرَوُا۟ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا بِٱلْءَاخِرَةِ (۲:۸۶)
نزدیکتر ۵۵، این سرای ۱۳۰

~: مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُۥ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۲:۲۰٤)
نزدیکتر ۵۵

~: زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا (۲:۲۱۲)
نزدیکتر ۵۵

~: ذَٰلِكَ مَتَٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۳:۱٤)
این جهانی ۱۰

۱. اگر خطا نباشد، باید آن را صورتی دیگر از کلمهٔ «خونها» فرض کرد.

~: فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (٤:١٠٩)
این جها[1] ۵۷

~: وَقَالُوٓا۟ إِنْ هِىَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنْيَا (٦:٢٩)
نزدیک ترین ۲

~: قُلْ هِىَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (٧:٣٢)
فروتر ـ نزدیکتر ۱۰۹

~: وَغَرَّتْهُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا (٧:٥١)
این جها[1] ۵۷

~: وَٱكْتُبْ لَنَا فِى هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا حَسَنَةً (٧:١٥٦)
جهان ـ نزدیکتر ـ فروتر ۱۰۹، سرا ۱۱۱

~: إِذْ أَنتُم بِٱلْعُدْوَةِ ٱلدُّنْيَا (٨:٤٢)
نزدیکتر ۱، نزدیک ترین ۲، نزدیکتر ۵۵، نزدیک ۵۸، نزدیکترین ۱۰۵

~: تُرِيدُونَ عَرَضَ ٱلدُّنْيَا (٨:٦٧)
این گیتی ۱

~: وَرَضُوا۟ بِٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (١٠:٧)
نزدیکتر ۵۵

~: مَتَٰعٌ فِى ٱلدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ (١٠:٧٠)
زند گانی ۱۰۶

~: وَفَرِحُوا۟ بِٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (١٣:٢٦)
این جهان ۲

~: ٱلَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا (١٤:٣)
فروتر ۱۰٤

~: إِنَّمَا تَقْضِى هَٰذِهِ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَآ (٢٠:٧٢)
اینجهان ۸۷

~: زَهْرَةَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (٢٠:١٣١)
این جهان ٤٢

~: لِّتَبْتَغُوا۟ عَرَضَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (٢٤:٣٣)
فرودتر ـ نخستین ۱۰۹

~: وَأَتْبَعْنَٰهُمْ فِى هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا لَعْنَةً (٢٨:٤٢)
گیتی ۱

~: فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا (٣٥:٥)
فرودتر ۱۰۹

~: إِنَّا زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنْيَا بِزِينَةٍ ٱلْكَوَاكِبِ (٣٧:٦)
نخستین ۳، فرودین ۳۳

~: لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا۟ فِى هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا حَسَنَةٌ (٣٩:١٠)
جهان ۳

~: يَٰقَوْمِ إِنَّمَا هَٰذِهِ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا مَتَٰعٌ (٤٠:٣٩)
فرودتر و نزدیکتر ۱۰۹

~: وَقَالُوا۟ مَا هِىَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا (٤٥:٢٤)
نزدیکتر ۳۲

~: أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَٰتِكُمْ فِى حَيَاتِكُمُ ٱلدُّنْيَا (٤٦:٢٠)
نزدیک ترین ۲

~: وَلَقَدْ زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنْيَا بِمَصَٰبِيحَ (٦٧:٥)
نزدیک تر ۲۹

★ فِى ٱلدُّنْيَا: لَهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا خِزْىٌ (٢:١١٤)
درین جهان ۵۲

~: حَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ (٢:٢١٧)
اندرین جهان ۲۷، درین جهان ۵۵

~: حَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ (٩:٦٩)

---

۱. این جها / این جهان.

درین گیتی ۱

دِهَاقًا: وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا وَكَأْسًا دِهَاقًا (۷۸:۳٤)
پر ۱، مالا مال ۲، دمادم ۳، پر از می ۲٤، دمادم و مالامال ۳۰، پر کرده ۳۸، پر روان پیاپی ٤۱، پرپر ٤۳، لبالب - پُر ٥٦، لبالب ٦۱، پس یکدیگر ٦۷، پر و پیاپی ۸۰، پُر کرده ۸۹، پیاپی و پر ۱۰۲، پر گردانیده ۱۰٤، دمادم یا پر مالامال ۱۰۸، درهم بافته ۱۱٤، پُر ۱۲۰، پیاپی و دمادم ۱۲۱، دمادم یا مالامال ۱۲٤، پُر و پیاپی ۱۳۲، شراب بهشت ۱۳٦

كَالدِّهَانِ: فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (٥٥:۳۷)
ادیم ۱، روغن ۳٤، روغن گداخته ٤۱، روغنها ٥٦، روغن روشن ٦٤، روغن سرخ ۸۷، بزردی زند ۸۸، ادیم سرخ ۱۰٥، روغن زیت یا ادیم سرخ ۱۱۳، روغن تافته ۱۲۲

الدَّهْرُ: وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ (٤٥:٢٤)
رُوزگار ۲، روزگار ۳، گذشتن روزگار ۲٤

~: هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ (۷٦:۱)
زمانه ۲٤، روزگار ۱۰۰، گیتی - روزگار ۱۰۹

بِالدُّهْنِ: تَنبُتُ بِالدُّهْنِ (۲۳:۲۰)
روغن ۱، رُوغن ۲

الدَّوَائِرَ: وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ (۹:۹۸)
سختیها ۱، بَرگشتها ۲، گشتها ۳، گردش ۱۳، گردشها ۲۹، بستها ۳۰، گشتها ٥٥، گردش روزگار ٦٤، روزگارها ٦۱، گردشهای روزگار ۷۹، گشتنها ۸۳، گردشهاء روزگار ۱۱۳، گشتها بدی ۱۱٤، گشتن های بد ۱۲۷

الدَّوَابِّ: إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللَّهِ (۸:۲۲)
جُنبَنده گان ۲، آفریده گان ۳٦، جانوران ۳۹، روند گان بر زمین ٥۳، جُنبَنده گان ٥٥، جمندان ٥۷، روند گان ٦۰، جنبده گان ۱۱۳، جنبندها ۱۱٤، جنبده ها ۱۳٥

~: إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا (۸:٥٥)
روزی خُوارگان ۱۰، ستوران ۱۱، ستوران و جنبند گان ٥۸، جنبنده ۱۰٤، چمندگان[1] ۱۱۲، جنبید گان ۱۳۰

~: وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ (۲۲:۱۸)
موجندگان[2] ۱، جُنبندگان ۲، چهارپایان ۲٤، جمندگان ۳۸، جنبدگان ٤۳، جُمندگان ٥۱، جنبندگان زمین ۸٦، ستور آن ۹٤

~: وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ (۳٥:۲۸)
جمندگان ۲٤، خزندگان ٦٤، جنبنده گان ۱۱۹

دُولَةً: كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ (٥۹:۷)
گردانستن ۱، گَرْدش ۲، دست بدست داده ۳، گردش ۳۰، دست گردان ۳۹، بزرگی ٤۱، گردانیدن ٦۱، گردنده ٦۷، دست بدست گردنده ۷۹، گردان ۸۹، دست بدست داده گرداننده ۱۰۹، دست بدست کرده ۱۱۳، دست بدست کردن ۱۲۰، دست بدست ۱۲۱

دُونِ: وَادْعُوا شُهَدَاءَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ (۲:۲۳)
بَجز ۲، دیگر ۹٤ غیر ۱۰۷

~: خَالِصَةً مِّن دُونِ النَّاسِ (۲:۹٤)
جز دیگر ۷٦

~: مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا (۲:۱٦٥)
جُدا ۱۰

~: مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ (۳:۲۸)
بیرون ۲، بَیرُون ۱۰، جزاز ۲٥

---

۱. «چ» دراصل با سه نقطه است.

۲. موجندگان / جمندگان.

~: مِّن دُونِ ٱللَّهِ (۳:۶۴)
بیرُون ۲، بجز ۲۵، جُز ۲۸

~: وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُ (۴:۴۸)
فُرُود ۵۵، فرود و جز ۵۸

~: وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُ (۴:۱۱۶)
فروتر ۱۰

~: وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيًّا (۴:۱۷۳)
بَجُزْ ۲

~: قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (۵:۷۶)
فُرود ۲

~: وَأُمِّىَ إِلَٰهَيْنِ مِن دُونِ ٱللَّهِ (۵:۱۱۶)
جُزْ ۲

~: مِّنْهُمُ ٱلصَّٰلِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَٰلِكَ (۷:۱۶۸)
کمتر ۴۳، فرود و پست ۱۲۷

~: وَدُونَ ٱلْجَهْرِ مِنَ ٱلْقَوْلِ (۷:۲۰۵)
فرودتر ۲۷، زیر ۳۵، کم برداشتن آواز ۵۸

~: وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (۱۰:۱۸)
بیرون ۱

~: وَمَا كَانَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِنْ أَوْلِيَآءَ (۱۱:۲۰)
جذ[1] ۵۹

~: وَٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (۱۶:۲۰)
جز ۲

~: وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (۱۶:۷۳)
جذ[1] ۵۹

~: أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (۲۱:۶۶)
بجُزْ ۲

~: وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (۲۵:۱۷)
جز ۴۸

~: دُونَ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَكْبَرِ (۳۲:۲۱)
کمترین ۲

~: وَلَا مَا ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوْلِيَآءَ (۴۵:۱۰)
بیرُون ۲

~: وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ (۴۶:۵)
نزد ۸۱

~: فَجَعَلَ مِن دُونِ ذَٰلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا (۴۸:۲۷)
پس ۳۰

~: وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ عَذَابًا دُونَ ذَٰلِكَ (۵۲:۴۷)
کم ۵۱، بیش از ۱۰۲

~: وَأَنَّا مِنَّا ٱلصَّٰلِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَ (۷۲:۱۱)
فرود ۳

دُونِكَ: ٱلَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا۟ مِن دُونِكَ (۱۶:۸۶)
فرودتر ۴۲، بجز ۱۲۵

~: مَا كَانَ يَنۢبَغِى لَنَآ أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ (۲۵:۱۸)
فرود ۴۷

دُونِكُمْ: لَا تَتَّخِذُوا۟ بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ (۳:۱۱۸)
بیرون ۱، جز ۵۶

دُونِنَا: أَمْ لَهُمْ ءَالِهَةٌ تَمْنَعُهُم مِّن دُونِنَا (۲۱:۴۳)
بیرون ۱۲، جز ۷۶

دُونِهِ: لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِۦ وَلِىٌّ وَلَا شَفِيعٌ (۶:۵۱)
جُزْ ۲، هیچ ۱۱۲

~: وَٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ (۷:۱۹۷)

---

۱. کذا با همین املا.

بدون ۲۷

~: مَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِهِۦٓ إِلَّآ أَسْمَآءً (۱۲: ۴۰)
فُرود ۲

~: وَمَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَالٍ (۱۳: ۱۱)
بجُز ۲

~: ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُم بِشَىْءٍ (۱۳: ۱۴)
جُز ۵۵

~: وَلَآ ءَابَآؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن دُونِهِۦ مِن شَىْءٍ (۱۶: ۳۵)
جذاز ۵۹

~: قُلِ ٱدْعُوا۟ ٱلَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِهِۦ (۱۷: ۵۶)
برون ۱۰۷

~: وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِهِۦ (۱۷: ۹۷)
بجُز ۲

~: مَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِىٍّ (۱۸: ۲۶)
بیرون و جز ۴۴

~: وَٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً (۲۵: ۳)
جز ۲۴

~: وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ (۳۹: ۳)
بیران ۹۵

~: وَيُخَوِّفُونَكَ بِٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦ (۳۹: ۳۶)
بیرون ۱، فُرود ۵۳

دُونِهَا: لَّمْ نَجْعَل لَّهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا (۱۸: ۹۰)
پیش ۲، فرود ۴۱، گذار ۵۳، پیش ۷۶

دُونِهِمْ: وَءَاخَرِينَ مِن دُونِهِمْ (۸: ۶۰)
جز ۵۷، جز ـ فرود ـ بیرون ۱۰۹

~: فَٱتَّخَذَتْ مِن دُونِهِمْ حِجَابًا (۱۹: ۱۷)
پیش ۵۸

~: وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ ٱمْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ (۲۸: ۲۳)
فرود ۳، زیرتر ۷۶، فروتر ۱۰۹، بخود ۱۲۸

~: قَالُوا۟ سُبْحَٰنَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِم (۳۴: ۴۱)
بیرون ۲۲

دُونِهِمَا: وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوْمًا (۱۸: ۹۳)
گذر ۵۳

~: وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ (۵۵: ۶۲)
پیش ۳، فُرود ۵۱، پس ۸۰، جز ۱۱۴، برون ۱۲۴

دُونِى: أَلَّا تَتَّخِذُوا۟ مِن دُونِى وَكِيلًا (۱۷: ۲)
جُز ۲، بجز ۵۲، بیرون ۹۴

ٱلدِّيَارِ: فَجَاسُوا۟ خِلَٰلَ ٱلدِّيَارِ (۱۷: ۵)
خانها ۱، سرایها ۲، سراها ۲۴، شهر ۳۴، سَرایهَا ۵۵، سِرَاهَا ۵۷، شهرها ۶۲

دَيَّارًا: مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ دَيَّارًا (۷۱: ۲۶)
یـک ۱، گـردنـده ۳، کـس ۲۴، سـرای دار ۲۹، هیچ کس ۳۶، جنبنده ۷۲، سرادار ۸۹، هیچکس ۱۰۲، سردار ۱۰۶، باشنده سرای ۱۰۹، کسی که آید ورود ۱۱۱

دِيَٰرِكُمْ: وَلَا تُخْرِجُونَ أَنفُسَكُم مِّن دِيَٰرِكُمْ (۲: ۸۴)
سـرایـهـا ۲، خـانـهـا ٤، خـانـمـان ۴۰، سـراهـا ۶۰، خانمان ها ۶۳، سرایُها ۹۴

~: أَوِ ٱخْرُجُوا۟ مِن دِيَٰرِكُم مَّا فَعَلُوهُ (۴: ۶۶)
سرایها و خانمانها ۱۰، سراها ۲۴، خان ومان ۲۹، سَرایُها ۴۵، سَراها ۵۳، سرای ها ۶۳، خانمان ۶۶، خانهاء ۹۰

دِيَٰرِنَا: وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِن دِيَٰرِنَا (۲: ۲۴۶)
خان مان ۱۰، سرایها ۲۹، خانها ۳۰، سراها ۴۳، سرای ۷۵، سرایهاء ۹۰، سرآی ۹۴، سرائها ۹۵، سرآیها ۱۰۵، خانمان ۱۲۲، شهرها ۱۲۳

دِيَارِهِمْ: تُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنكُم مِّن دِيَٰرِهِمْ (۲: ۸۵)
خانُ مانها ۱۰، خان مان ۴۹، خانمانها ۶۳، خونها ۱۱۱، خانمان ۱۲۷

~: ٱلَّذِينَ خَرَجُوا۟ مِن دِيَٰرِهِمْ (۲: ۲۴۳)
شارستانها ۳۰، سراَهَا ۴۲، سر آها ۱۰۵

~: فَٱلَّذِينَ هَاجَرُوا۟ وَأُخْرِجُوا۟ مِن دِيَٰرِهِمْ (۳: ۱۹۵)
سرایها ۲، خان مان ها ۴۰، سرای ها ۴۳، سَرایها ۵۳، سرایهاء ۹۰

~: وَلَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ خَرَجُوا۟ مِن دِيَٰرِهِم (۸: ۴۷)
خانـها ۱، سراها ۲۴، سرأیـها ۵۳، سراهای ۶۳، خانهاء ۶۴، سراهاء ۱۰۳

~: فَأَصْبَحُوا۟ فِى دِيَٰرِهِمْ جَٰثِمِينَ (۱۱: ۶۷)
سراها ۲، شهر ۲۴، سُراها ۵۳، سراها ۷۶، خانها ۱۱۴

~: فَأَصْبَحُوا۟ فِى دِيَٰرِهِمْ جَٰثِمِينَ (۱۱: ۹۴)
سَرایها ۵۵، سراهان ۵۶، جایگاه ۸۸

~: ٱلَّذِينَ أُخْرِجُوا۟ مِن دِيَٰرِهِم بِغَيْرِ حَقٍّ (۲۲: ۴۰)
سَرایها ۴۳

~: أَخْرَجَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ مِن دِيَٰرِهِمْ (۵۹: ۲)
شهرها ۲۴، خانه ها ۱۳۶

~: ٱلَّذِينَ أُخْرِجُوا۟ مِن دِيَٰرِهِمْ وَأَمْوَٰلِهِمْ (۵۹: ۸)
خانمانها ۳۹، سرایها ۸۱ سرائها ۸۷

دِيَةٌ: فَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ (۴: ۹۲)
خون گها[1] ۱، خون بها ۳، خُون بَها ۵۵، خونبها ۹۱

دِين: لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِىَ دِينِ (۱۰۹: ۶)
کیش ۴۱، آیین ۱۲۰

ٱلدِّينُ: مَٰلِكِ يَوْمِ ٱلدِّينِ (۱: ۴)
شُمار کردن ۱۰

~: وَيَكُونَ ٱلدِّينُ لِلَّهِ (۲: ۱۹۳)
کِیش ۵۵

~: وَلَا يَدِينُونَ دِينَ ٱلْحَقِّ (۹: ۲۹)
گردن نهادن ۲۴، کِیش ۵۵، فرمان برداری کردن ۷۹

~: وَإِنَّ عَلَيْكَ ٱللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلدِّينِ (۱۵: ۳۵)
شمارْ ۲

~: أَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لِى خَطِيٓـَٔتِى يَوْمَ ٱلدِّينِ (۲۶: ۸۲)
رستخیز و شمار ۵۳

~: ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلْقَيِّمُ (۳۰: ۳۰)
کیش ۳

~: وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلدِّينِ (۳۸: ۷۸)
پاداش ۳۰، رستاخیز ۳۸

~: مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ (۴۰: ۶۵)
پاداش ۸۱

~: أَمْ لَهُمْ شُرَكَٰٓؤُا۟ شَرَعُوا۟ لَهُم مِّنَ ٱلدِّينِ (۴۲: ۲۱)
کیش ۳۲

~: وَإِنَّ ٱلدِّينَ لَوَٰقِعٌ (۵۱: ۶)
پاداشن ۲، شمار ۳، رستخیز ۱۷، شمار کردن ۲۴

~: يَسْـَٔلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ ٱلدِّينِ (۵۱: ۱۲)
پاداشت ۵۳

~: وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ ٱلدِّينِ (۷۴: ۴۶)
جزا ۷۹

~: كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِٱلدِّينِ (۸۲: ۹)
شمار و پادش ۳۰، روز شمار ۶۱

---

۱. خون گها: خون بها.

~: وَإِنَّ ٱلْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ ٱلدِّينِ (۸۲: ۱۵)
شمار و پاداشت ۲

دَيْن: إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيْنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى (۲: ۲۸۲)
قام[۱] ۳، آوام ۹٤، وآم ۱۰۰، بدیهی ۱۳۵

~: مِنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَآ أَوْ دَيْنٍ (٤: ۱۱)
اوام ۱، وام ۲، فام ۳، قام ۵۵

~: مِنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَىٰ بِهَآ أَوْ دَيْنٍ (٤: ۱۲)
وام گـزاردن ٤۲، وام گـزاردن ۵۲، وام دادن ۵۲، آقام[۲] ٦۲، اوآم دادن ۹٤، فام ۹۷

دِينًا: مَن يَبْتَغِ غَيْرَ ٱلْإِسْلَٰمِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ (۳: ۸۵)
کیش ۲

~: وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا (٤: ۱۲۵)
کیش ۳

دِينَكُمْ: إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمْ (٤۰: ۲٦)
کیش ۲

دِينِهِ: وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِۦ فَيَمُتْ (۲: ۲۱۷)
کیش ۳۰

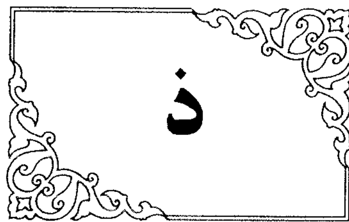
دِينِهِمْ: وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِم مَّا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ (۳: ۲٤)
کیش ٤۰

~: يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ ٱللَّهُ دِينَهُمُ ٱلْحَقَّ (۲٤: ۲۵)
پاداشن ۲، پاداش ۵٦، گفت و کرد ۵۸

دِينِي: إِن كُنتُمْ فِي شَكٍّ مِّن دِينِي (۱۰: ۱۰٤)
کیش ٤۱

---

۱. قام / وام.
۲. اقام / اوام.



ذ

ذَا: فَمَن ذَا ٱلَّذِی یَنصُرُکُم مِّنۢ بَعۡدِهِۦ (۳: ۱۶۰)
اوی ۱، آن ۲۷

~: قُلِ ٱنظُرُواْ مَاذَا فِی ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ (۱۰: ۱۰۱)
چیز ۱۰۵

★ذَا ٱلَّذِی: مَن ذَا ٱلَّذِی یَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦ (۲: ۲۵۵)
آنکه ۴۳

~: فَمَن ذَا ٱلَّذِی یَنصُرُکُم مِّنۢ بَعۡدِهِۦ (۳: ۱٦)
آنکه ۵۸

ذَا: وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبٗا (۲۱: ۸۷)
خداوند ۱

~: وَطَعَامٗا ذَا غُصَّةٖ وَعَذَابًا أَلِیمٗا (۷۳: ۱۳)
با ۲

★ ذَا ٱلۡأَیۡدِ: وَٱذۡکُرۡ عَبۡدَنَا دَاوُۥدَ ذَا ٱلۡأَیۡدِ (۳۸: ۱۷)
خداوند نیرو ۳۰

★ذَا ٱلۡقُرۡبَیٰ: وَءَاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَیٰ حَقَّهُۥ (۱۷: ۲٦)
خُویشاوندان ۲، با خویشی ۳، خویشان نزدیک ۴۱، بَاخِویشیِ ۵۵، خِویشَاوَندان ٦۲، خداوندان خویش ۱۰٦

~: فَـَٔاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَیٰ حَقَّهُۥ وَٱلۡمِسۡکِینَ (۳۰: ۳۸)
خویشاوند ۲٤، خویش ۳۹، خویشان ٤۱، خداوند خویشی ٤٦، خویشان درویش ٦٤، خد آوندان خویشی ۱۰۰

★ذَا ٱلۡقَرۡنَیۡنِ: قُلۡنَا یَٰذَا ٱلۡقَرۡنَیۡنِ إِمَّآ أَن تُعَذِّبَ (۱۸: ۸٦)
اسْکَنْدَر ۵۵، سکندر ۸۰

~: قَالُواْ یَٰذَا ٱلۡقَرۡنَیۡنِ إِنَّ یَأۡجُوجَ وَمَأۡجُوجَ مُفۡسِدُونَ (۱۸: ۹٤)
اسکندر ٦۰

★ذَا ٱلۡکِفۡلِ: إِسۡمَٰعِیلَ وَإِدۡرِیسَ وَذَا ٱلۡکِفۡلِ (۲۱: ۸۵)
خداوند پذیرفتاری ٤۳

~: وَٱذۡکُرۡ إِسۡمَٰعِیلَ وَٱلۡیَسَعَ وَذَا ٱلۡکِفۡلِ (۳۸: ٤۸)
خداوند پذرفتاری ۱۰۸، خداوند پایندانی ۱۲۳، خداوندان پزیرفتکاری ۱۲۹

★ذَا ٱلنُّونِ: وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبٗا (۲۱: ۸۷)
خداوند ماهی ٤۱، یونس ۱۲۵

★ ذَا غُصَّةٖ: وَطَعَامٗا ذَا غُصَّةٖ وَعَذَابًا أَلِیمٗا (۷۳: ۱۳)
که بگلو فرو نشود ۲٤، نا گوارنده ۲۹، بگلواندر ماند ۳۰، اندر گلو گیرد ۳٤، گلو گیر ۳٦، در گلو گیرنده ٤۲، گلو آویزنده ٤۳، نا گوارنده که در

گلو گیرنده باشد ۵۲، گلو گرفتن ۹۲، خد آوند گلو گرفتن ۱۰۰، گلو گیرنده ۱۰۵، خداوند گلو گیرنده ۱۱۷، بکلو درمانده ۱۲۴، بماند اندر گلو ۱۲۹

★ ذَاقُرْبَى: وَلَوْكَانَ ذَاقُرْبَىٰ (۵:۱۰۶)
خویشاوند نزدیک ۲، خداوند خویشی ۹، خویشاوند نزدیک ۲۶، خویش ۲۹، خویشاوُند نزدیک ۴۲، خداوند خویشی ۱۰۰

~: وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْكَانَ ذَاقُرْبَىٰ (۶:۱۵۲)
خُویشاوند ۲، با خویشی ۳، خُویش ۱۰، با خویشاوندی ۲۷، باخویشی ۵۵، خویشاوندان ۶۱، خداوندان خویشی ۷۹، خویشاوَند و پیمان ۸۲، با خویشاوند ۸۳، خویشان ۱۲۷

~: لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْكَانَ ذَاقُرْبَىٰ (۳۵:۱۸)
خویشاوندی ۷، خویشاوند ۲۴، خویش نزدیک ۳۹

★ ذَامَتْرَبَةٍ: أَوْمِسْكِينًا ذَامَتْرَبَةٍ (۹۰:۱۶)
خوار بوده ۳۹، درویش ۵۱، خداوند درویشی ۵۲، بادرویشی ۶۱، خوار ۹۲، درخاک خسبد ۱۰۸، خداوند خاک ۱۱۲، پهلو به خاک نهاده ۱۱۶، درویشی ۱۲۱، در خاک ۱۲۴، أهْل نیستی ۱۳۸

★ ذَامَقْرَبَةٍ: يَتِيمًا ذَامَقْرَبَةٍ (۹۰:۱۵)
خُویشاوند ۲، خویشان ۳۹، خداوند خویشی ۱۱۶، خداوند خویشان ۱۲۴

ذَائِقَةُ: كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (۳:۱۸۵)
چشیدار[1] ۱، چَشنده ۲، چشیدنی ۱۰، بچشد ۳۸، چشیدن ۴۰، چشیده ۵۷

~: كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (۲۱:۳۵)
چشیدار[1] ۱، چشنده ۲، بچشید ۱۲، بخواهد چشیدن ۳۴، چسنده ۱۳۶

~: كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (۲۹:۵۷)
چَشنده ۲

ذَائِقُوا: إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ (۳۷:۳۸)
بچشیْد ۲۲، بچشید ۳۸، بچشیدگان ۵۳

ذَائِقُونَ: فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ (۳۷:۳۱)
چشیداران[2] ۱، چشندگان ۳، چشیدگان ۲۲، مابخواهیم چشیدن ۳۰، چشنده [ایم] ۵۶، بخواهیم چشیدن ۵۸، بخواهید چشیدن ۸۱، چشنده ۸۶، درچشندگان ۱۰۰، چشندگانیم ۱۲۶

ذَاتُ: إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۳:۱۱۹)
راز ۱۲۱

~: وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۳:۱۵۴)
اندیشه ۵۸، هستی ۶۲، درون ۱۲۶، خداوندان ۱۳۶

~: إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۵:۷)
آنچه ۲۷، بدانچه ۳۷، رازها ۹۷

~: وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ (۸:۱)
پیوند ۶۳

~: إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۱:۵)
خداوندان ۱۳

~: تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ (۱۸:۱۷)
سو ۱۰۵

~: وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ (۱۸:۱۸)
سوی ۵۶، پهلو ۱۳۲

~: إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ (۲۳:۵۰)
خداوند ۱

---

۱. چشیدار/ چشنده.
۲. چشیداران/ چشندگان.

~: فِيهَا فَٰكِهَةٌ وَٱلنَّخْلُ ذَاتُ ٱلْأَكْمَامِ (۱۱:۵۵)
با ۲٤

~: وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلرَّجْعِ (۱۱:۸٦)
خد آوند ۱۰۰

★ ذَاتُ ٱلْأَكْمَام: وَٱلنَّخْلُ ذَاتُ ٱلْأَكْمَامِ (۱۱:۵۵)
خداوند شکوفها ۱۳٦

★ ذَاتِ ٱلْحُبُك: وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلْحُبُكِ (۷:۵۱)
تو بر تو و راه بر راه ٤۹، خداوند راهها ۵۱

★ ذَاتِ ٱلرَّجْع: وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلرَّجْعِ (۱۱:۸٦)
بارنده ۲٤، باران ٤۱، خداوند باز گردیدن ۱۱٦

★ ذَاتَ ٱلشِّمَال: تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ ٱلشِّمَالِ (۱۷:۱۸)
ورچپ دست ۱، سوء چپ ۵۷، سوی دست چپ ۵۸، بسوی چپ ۷٤

~: وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ ٱلْيَمِينِ وَذَاتَ ٱلشِّمَالِ (۱۸:۱۸)
سوی دَشت چَپ ۵۵، پهلوی چپ ۵۸، سوی چپ ۵۹، دست چپ ۱۰٦

ذَاتِ ٱلشَّوْكَة: أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ ٱلشَّوْكَةِ (۷:۸)
باتیزی ۵۵، کاروان ۹۲، رنج و دشخواری ۱۰۷

ذَاتِ ٱلصَّدْع: وَٱلْأَرْضِ ذَاتِ ٱلصَّدْعِ (۱۲:۸٦)
شکافته ۲٤، شکافش بگیا ٤۱، خداوند شکافش ۱۱٦

★ ذَاتِ ٱلصُّدُور: إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (۳: ۱۱۹)
پَنهان دلها ۲، رازها سینها ۳، اندیشهٔ دلها ۲۷، اندیشه دلها ۹۲، سرایر سینها ۱۳۸

~: وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (۳: ۱۵٤)
آنچه دردلها أست ۲، رازهاء سینها ۳۸

~: إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (۵: ۷)
در گورها ۱، آنچه دردلهاأست ۲، آنچه اندر دلهای شما است ۲۹، آنچه اندر دلها است ۸۸، رازهای سینه ها ۱۲۱

~: إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (۸: ٤۳)
آنچه در دلهاست ۲٤، رَازهَایِ سِینَهَا ۵۵، اندر دلها ۹۲، راز سینها ۱۱٤

~: إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (۱۱: ۵)
رازهَایِ سِینهَا ۵۵، بدانچه در سینها ست ۵۸، آنچه در سینهاست ۱۱۱

~: إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (۳۱: ۲۳)
رازهاء سینه ها ۳، آنچه اندر دلهاست ٦۱، رازهای سینها ۸۰

~: إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (۳۵: ۳۸)
پنهانی دلها ۹۲، نهانیهای سینه ۱۲۱، خداوندان سینها ۱۳٦

~: إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (۳۹: ۷)
آنچه اندر دلها ۵٦

~: إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (٤۲: ۲٤)
رازهَاء سینَها ۳۲، نهانی سینها ۱۲۱

~: وَهُوَ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (۵۷: ٦)
خداوند سینه ها ۱۲۰

~: إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (٦۷: ۱۳)
خداوندان راز سینها ۱۳٦

ذَاتِ أَلْوَاح: وَحَمَلْنَٰهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلْوَٰحٍ وَدُسُرٍ (۵٤: ۱۳)
کشتی ۳۰، کشتی با تختها ۳٦

★ ذَاتِ ٱلْوَقُود: ٱلنَّارِ ذَاتِ ٱلْوَقُودِ (۸۵: ۵)
برافروخته ۳۹، خداوند شبخیدن ۵۲، واهیزم ٦۵، با فروزش ۹۵، خداوندان آتش افروخته بهیزم ۱۱۱، خداوند افروخته ۱۲٤

★ ذَاتَ ٱلْيَمِين: عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ ٱلْيَمِينِ (۱۸: ۱۷)

ور راست دست ۱، سوی دست راست ۳، سوی راست ۲٤، بسوی راست ٤۳، سوی دَست رَاسْت ۵۵، سوی رَاست ۵۷، پهلوی دست راست ۵۸، دست راست ٦٤

★ ذَاتَ بَهْجَةٍ: حَدَآئِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ (۲۷: ٦۰)
بادرختان نیکو ۲، زیبا نیکو ۲٤، خورم[1] ۳٦، نیکو ٤۲، درختان نیکو ۵٦، بازیبائی ٦۱، با گیاه نیکو ۷۸، خداوند زیبائی وتازگی ۱۰۰، خداوند زیبائی ۱۰٦، خداوند خوبی و خرمی ۱۱۱،با تازگی و شادمانی ۱۲۱

★ ذَاتَ بَيْنِ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ (۸: ۱)
میان ۱، وایک دیگر ـ میان خویشتن ۲۷، میان یکدیگر ۹٤،میان شما یکدیگر ۱۰۵

★ ذَاتِ حَمْلٍ: وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ (۲۲: ۲)
بابار ۳، آبستن ۲٤، زن بابار ۳۰، تنی که بار دهد ۳٤، زنی باردار ٤۱، زن باردار ۵٦، زنی که بار دارد ۷٦، زن آبستن ۸٦، خداوند آبستنی ۸۷، خداوند بار ۹۲

★ ذَاتِ قَرَارٍ: وَءَاوَيْنَٰهُمَآ إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ (۲۳: ۵۰)
با آرام ۲، جای آرام ۳۰، آرامگاه ٤۱، باآرام ۵۸، خداوند آرامگاه ۱۰۰

★ ذَاتَ لَهَبٍ: سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۱۱۱: ۳)
زبانه زننده ۲٤، با فروغ ٤۱، خداوند زبانه ۱۱٦، زبانه می زند ۱۳۹

اَلذَّارِيَات: وَالذَّٰرِيَٰتِ ذَرْوًا (۵۱: ۱)
بادهای رفتار ۱، بادها پراکنده کننده وبردارنده ۳، دمندگان ٦، بادها که بجهد ۱۷، بادها جهنده ۲٤، بادها دامنده ۲۹، بادهای دمنده ۳۰، فریشتگان که باد بردهند ۳۹، بادهای وزنده ٤۱، بادها ٤۳، بادهای پاشنده ٤۸، بادهاء پراکنده ۵۱، برانگیزاننده ۵۳، بادها افکنده ۵٦، باد ها بردهند بزنده[2] ٦۷، بادها روان ۷۸، بادهای خاک پاشنده ۷۹، بادهای پراکنده کننده و بردارنده ۸۰، بادهای جهنده ۸۱، بادهاء پراکنده کننده و بردارنده ۹۱، برانگیزندگان بادها ۱۰۳، بادهای خاک پاشیده ۱۰٤، پاشندگان ۱۰۹، بادهای پراکنده کننده ۱۱٤، بادهای پراکنده سازنده ابر ۱۱٦، بادهای پراکنده ۱۱۹، پراکنده کنندگان ۱۲۳، بادهای پراکنده نمایندهٔ خاکها ۱۳۲، پراکندگان ۱۳٦

ذَاقَا: فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا (۷: ۲۲)
بچشیدند ۱، بَچشیدَنْد ۲، بخوردند هر دو ۲۷،چشیدند ۳۰، بچشیدند هر دو ٤۸، درچشیدند ٦۳، بخوردند ٦٤

ذَاقَتْ: فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَٰقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا (٦۵: ۹)
بچشید ۱، چشیدند ۳، بچشیدند ایشان ٦٤، بچشیدند ۸۱، درچشیدند ۱۰٦، چشید ۱۱٤، درچشید ۱۳٤

ذَاقُوا: حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا (٦: ۱٤۸)
بچشیدَنْدْ ۲، بچشیدند ٤۳، بچشیدند ۵۳، درچشیدند ٦۳

~: ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ (۵۹: ۱۵)
چشیدند ۳، بچشند ۳۰، چشیده بودند ۹٦

~: فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ (٦٤: ۵)
بچشیدند ۱، بچشید ۲٤، درچشید ۱۳٤

اَلذَّاكِرَات: وَالذَّٰكِرَٰتِ (۳۳: ۳۵)

---

۱. خورم / خرّم.
۲. بزنده / وزنده.

زنان ایاد کنار [1] ۱، زنان یاد کننده ۳، زنان که یاد کنند ۱۸، یاد کنان از زنان ۲۴، یاد کنند گان از زنان ۵۶، زنان یاد کنند گان ۶۱، یاد کنند گان زنان ۹۹

اَلذَّاكِرِينَ: ذَٰلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّاكِرِينَ (۱۱:۱۱٤)
ایاد کناران [1] ۱، یاد کنند گان ۳، یاد کنند گان از مردان ۷، پند پذیرند گان ۲٤، پند گیرند گان ۳٦، پند گیران ٤۲، پَنْد گیرَنَد گان ۵۵، یاد کنان ۵۷، پند دهند گان ۵۹، آن کسانی که یاد کنند ٦۲، پند پذیران ٦٤، یاد کُنند گان ۷٦، یاد کنند گان و پند گیرند گان ۹۱، پند کیرند گان ۱۰۰، یاد کننده ۱۱۸، پند گران ۱۲۸، یاد گیرند گان ۱۳۰

~: وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا (۳۳:۳۵)
مردان ایاد کناران ۱، یاد کُنند گان ۲، مردان یاد کننده ۳، مردان که یاد کنند ۱۸، یاد کنان از مردان ۲٤، یاد کنند گان مردان ٤۳، یاد کنند گان از مردان ٤۷، مردان یاد کنند گان ٦۱، مردان یاد آرنده ۸٦، مردان یاد کند گان ۹۰

فَذَانِكَ: فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِن رَّبِّكَ (۲۸:۳۲)
آن ۱، ایـن دو ۳، آنـت ٤۷، هـردوُ ۵۳، آن دو ۵۸، آن هر دو ۸۸، هر دو ۱۱۳، این ۱۱٤، این دو ترا ۱۲۸

ذَاهِبٌ: وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ (۳۷:۹۹)
شدار [2] ۱، همی خواهم رفتن ۲، رونده ۳، شونده ۲۲، برونده ۲۹، شونده ۳۸، روندم ٦۱، روان ٦۷

اَلذِّئْبُ: وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ (۱۲:۱۳)
گرگ ۱، گُرگ ۵۳

~: فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ (۱۲:۱۷)
گرگ ۲

اَلذُّبَابُ: وَإِن يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا (۲۲:۷۳)
مگس ۱، مَگس ۲، پشه ۱۳٦

ذُبِحَ: وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ (۵:۳)
کشته شد ۱، کُشته شود ۲، کشته باشند ۱۰، بکشند ۲٤، کشته بود ۲۷، کشته شود ۲۹، گلوبُرند ۳۱، کشته شوَد ٤۲، گلو بُرید ٤۵، بکشید ۵۳، کشته آید ۵۷، بکشته باشید ٦۲، کشته باشند ۷۰، گلو بریده شود ۹۲، گلو بریده باشید ۱۱۲، گلو بریده شد ۱۱٤، کشته شده باشد ۱۱٦

ذِبْحٍ: وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ (۳۷:۱۰۷)
کُشتنی ۱، گوسفند ۲۹، کوشید ۹۵، گوسپند ۱۰۸، کبش ۱۳۸

فَذَبَحُوهَا: الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا (۲:۷۱)
بکشتندْ ۲، بَکُشتَند ۱۰، بکشتند ۲٤، کشتند ۳۰، گلو ببریدند ٤۹، کُشتَنْد ۵۵، بکشند ٦۳، بِکُشتَند ۹٤، بسمل کردند ۹۸، گلو بریدند ۱۲٤، سربریدند ۱۲۹

وَ ذَرِ: وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا (٦:۷۰)
بُگذار ۲، دست وادار ۱۰، دست بازدار ۱۰ مکرّر، بُمان ۵۵، بگذر ۵۷، بگذ آر ۱۰۰، بگذارد ۱۱۲

ذِرَاعًا: ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا (٦۹:۳۲)
رشت [3] ۱، پیمودن ۲، گز ۳، ارش ۱۹، ارشن ۲٤، رش ۳۹، رس ٥٤، رَش ۷۸، اَرْش ۱۰٤

ذِرَاعَيْهِ: وَكَلْبُهُم بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ (۱۸:۱۸)
دو دست ۱، دُودسْت ۲، دو بازو ۳، بازوها ۳٦، دو

---

۱. ایاد کناران / یاد کنند گان.
۲. شدار / شونده و رونده.
۳. رشت / رش، ارش.

ارش ۴۲، دوُبَـازوُی ۵۵، دو آرش ۵۶، دو بـازوی ۶۱، هـر دو بـازو ۷۶، دسـتـهـاء ۹۰، دواَرِش ۱۰۴، دوارشی ۱۰۶، دوسفینج ۱۰۸، هر دو دست ۱۱۱، دو دستها ۱۱۴، دو اَرَش ۱۲۲، دستها ۱۲۳

ذَرَأَ: جَعَلُواْ لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ ٱلْحَرْثِ (۶: ۱۳۶)
بیافرید ۱، آفرید ۳، آفریدست ۱۰، آفریده بود ۲۴، آفریده است ۲۹، خود آفریده ۱۰۲، آفریده ۱۳۰

~: وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي ٱلْأَرْضِ مُخْتَلِفًا (۱۶: ۱۳)
پیدا کند ۱۱۳، رام کرد ۱۱۶، بپرا کند ۱۳۹

ذَرَأَكُمْ: وَهُوَ ٱلَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي ٱلْأَرْضِ (۲۳: ۷۹)
بیافرید ۱، آفرید ۳، بیافریده است ۳۴، بپراکند ۴۱، بیاآفرید ۴۳، بیافرید ست ۸۸، بپراکنده ۱۱۳، آفرید و پراکنده کرد ۱۲۲

~: هُوَ ٱلَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي ٱلْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۶۷: ۲۴)
آفـریـده اسـت ۶۴، پـراکـنـد ۷۹، پـیـدا کـرد ۱۰۰، پراکنده کرد ۱۰۴، آفریده ۱۳۰

ذَرَأْنَا: وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا (۷: ۱۷۹)
بیافریدیم ۱، مابیافریدیم ۲، آفریدیم ۳، بَیافریدیم ۱۰، بیافریدستیم ۲۴، بیافریدیم مَا ۲۷، آفریدیم ما ۶۱، آفریدَهْایم ۶۲، آفرید ۱۱۱

ذَرَّةٍ: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ (۴: ۴۰)
مـوری خـورد[1] ۱، مـورک خـورد[1] ۱۰، مـورچـهٔ خـورد[1] ۴۲، خـرد ۵۳، مُـورَچـه ۵۵، مـوررزد ۷۲، مورچه خرد سرخ ۱۱۱، مورجهٔ خورد ۱۱۹

~: وَمَا يَعْزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ (۱۰: ۶۱)
مُـورْچَـه ۲، مـورچـه خـرد ۳، مـورک خُـورد[1] ۱۰، خورد[1] ۴۲، مُورچَهٔ خُرد ۵۵، سپندان ۵۸، دانه ۹۴، خورد[1] ۱۱۶، سپندان دانه ۱۱۹

~: لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ (۳۴: ۳)
موری خورد[1] ۱، مورچهٔ خرد ۳، مور ۲۴، مورچه سپید ۹۸، موُر ۱۱۹

~: لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ (۳۴: ۲۲)
مورچه ی خرد ۷، مورچه ۱۸، مور ۵۸

~: مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُۥ (۹۹: ۷)
موُرچه ۲، مورچه خورد[1] سرخ ۴۱، مورچهٔ خُرد ۵۱

ذَرْعًا: وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا (۱۱: ۷۷)
توان ۱، رفتن ۴۱، درماندن ۶۳، دست ۱۲۲، ارش ۱۳۰، زاری ۱۳۶

~: وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا (۲۹: ۳۲)
دل ۲، سخـت تـنـگ ۳۹، انـدوه نـاک شـده ۷۸، زاری کردن ۱۳۶

ذَرْعُهَا: ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا (۶۹: ۳۲)
رشت[2] ۱، پیمُودن ۲، پیمودن ۳، برش کردن ۱۹، ارشـن ۲۴، گـز ۳۴، رش ۳۸، رس کـردن ۵۴، درازا ۶۷، آرش ۸۹، درازی ۹۰، رشـن کـردن ۹۱، پـهـنـا ۹۶، پهنآ ۱۰۵، ارش - گز ۱۰۹، پنها ۱۲۵

ذَرْنَا: وَقَالُواْ ذَرْنَا نَكُن مَّعَ ٱلْقَٰعِدِينَ (۹: ۸۶)
بـگـذُار ۵۳، بَـمـان ۵۵، بـگـذار ۶۱، بـمـان ۸۰، بگذارید ۱۱۳

ذَرْنِي: فَذَرْنِي وَمَن يُكَذِّبُ بِهَٰذَا ٱلْحَدِيثِ (۶۸: ۴۴)
بهیل ۱، رها کن ۲۹، گذار ۳۸

~: وَذَرْنِي وَٱلْمُكَذِّبِينَ أُوْلِي ٱلنَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا (۷۳: ۱۱)
دست بازدار ۲، بهل ۱۹، بازگذار ۴۸

---

۱. خورد / خرد.
۲. رشت / ارش، رش.

ذَرْهُمْ: ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ (۶:۹۱)
بهیل ۱، مان ۳، دست باز دارد ۹، یله کن ۱۰، بازمان ۳۰، رها شاکن ۴۸، بمان ۵۲، بمانی ۹۱

~: فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (۶:۱۱۲)
بُمانْ ۵۵، بهید ۷۲، مان ۹۱، گذار ۱۱۴، رها کردی ۱۱۸

~: فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (۶:۱۳۷)
دسْت باز دار ۲

~: ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا (۱۵:۳)
بگذار ۲، دست بازدارْ ۵۳، بمَان ۵۵، بگذار تو ۶۱

~: فَذَرْهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ (۲۳:۵۴)
دسْت بازدار ۲، دست بدار ۲۴، دست بازدارید ۵۲، دست بد آر ۹۴

~: فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا (۴۳:۸۳)
دست بدارْ ۲، بمان ۳، دسْت بدَار ۲۲، بگذار ۵۶، واگذار ۱۲۲

~: فَذَرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا (۵۲:۴۵)
بازدار ۳۸، رها کن ۵۲، بمان ۱۱۴

~: فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ (۷۰:۴۲)
دست وادار ۳۵، دست بدارید ۸۱، بگذار ۸۶، دست بردار ۹۰

ذَرُوا: وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَوٰا (۲:۲۷۸)
بهیلید ۱، بَجامانید ۲، بگذاریت ۳، دست وادارید ۱۰، دست بدارید ۲۴، بجای بگذاری ۲۵، رها کنی ۳۸، دَست بازدارید ۴۲، بمانید ۸۸، واگذارید ۱۲۲، باز دارید ۱۲۷، بگذارد ۱۳۸

~: وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ (۶:۱۲۰)
بجای مانید ۲، بگذارید ۲۹، بُمانیت ۵۵، بگزارید ۶۳، بجایْ مانیت ۸۸، بگذارید شما ۹۲، بگذارید ودست باز دارید ۱۱۶

~: وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ (۷:۱۸۰)
بهیلید ۱، دَسْت بَازدارید ۲، بمانیت ۳، دست وادارید ویله کنَید ۱۰، بگذاری ۲۴، دست واز دارید ۲۷

~: فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ (۶۲:۹)
دست باز دارید ۲، مانیت ۳، رها کنید ۸۸، بگذ آرید ۱۰۰، مانید ۱۱۴، بجای بگذارید ۱۲۹

ذَرْوًا: وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا (۵۱:۱)
رفتن ۱، بباد بردادن و برداشتن ۳، دمیدن ۶، جستن ۱۷، دامیدن ۲۹، پراکنده کردن ۳۴، بردادن ۳۹، وزیدن ۴۱، سخت بزیدن ۴۳، پراکندگی ۵۱، برانگیزاندن ۵۳، بزیدنی ۶۷، جای بجایی ۷۸، خاک پاشیدن ۷۹، جَسْتن ۸۱، پاشیدن ۸۶، بردامیدن ۸۹، باشیدن ۱۰۹، خاک پاشنده ۱۱۳، بربادادن ۱۱۴، پراکنده ساختن ۱۱۶، بردمیدن ۱۱۷، بباد بردادن ۱۲۱، پراکنده ۱۲۳، داهیدن ۱۲۵، باد بردانیدن ۱۳۸، خاک آوردن ۱۳۹

ذَرُونَا: لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ (۴۸:۱۵)
بهیلید ۱، بگذارید ۶، دست بدارید ۱۷، رها کنید ۳۰، رها کنند ۴۳، دست باز دارید ۴۴، مانیت ۸۰، بمانید دست باز دارید ۱۰۸

ذَرُونِي: ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَىٰ (۴۰:۲۶)
بهیلید ۱، بمانیت ۳، دست بدارید ۱۵، بگذارید ۲۴، بمانید ۳۰، دست بدار ۳۸، دست بازدارید ۴۲، رها کنید ۴۳، بگزارید ۱۲۴

ذَرُوهُ: فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ (۱۲:۴۷)
بهیلید ۱، دسْت بازدارید ۲، بمانیت ۳، بگیارید ۷ مکرّر، دست بداری ۲۴، بگذارید ۲۹، رها کنید ۴۲، دست بدارید ۵۳، مَانیت ۵۵، دست بازدارید ۶۱، گذارید ۱۱۴

ذَرُوهَا: فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ (۷:۷۳)
بهیلید ۱، دسْت بازدارید ۲، دست وادارید ۱۰، دست بازداریت ۱۰ مکرّر، بگذارید ۲٤، دست بدارید ٤٥، مانیتش ۹۱، بمانید ۱۱٤

~: فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ (۱۱:٦٤)
بهیلید ۱، بگیارید ۷ مکرّر، دست بداری ۲٤، بگذاریت ٤۱، رها کنید ٤۲، دست بازداری ۵۲، بُمانیت ۵۵، بگذرارید ۵۷، بگذارید ٦۲، بمانیت ۸۰، بمانی تش ۹۱، گذاریدی ۱۱٤

ذُرِّيَّاتِنَا: مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا (۲۵:۷٤)
فرزندان ۱

ذُرِّيَّاتِهِمْ: وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ (٦:۸۷)
فرزندان ۱، پسران ۱۲۳

~: وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ (۱۳:۲۳)
فرزَندان ۵۵

ذُرِّيَّةٌ: وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ (۲:۲٦٦)
فرزندان ۱، کودکان ۱۰، کودکان خرد ۳۰، زاد برزاد ۵۷، فُروزادگان ٦۳، فرزندان خرد ۱۰٤

~: ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ (۳:۳٤)
زه برزادگان ۱۰، فرزندان و فروزادگان ٦۳

~: رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً (۳:۳۸)
فرزند ۳

~: لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا (٤:۹)
فرزندگان ۲، گودکان خُورد ۱۰

~: وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ (۷:۱۷۳)
کودکان اُو فروزادگان ۱۰، خردکان ۵۸، خردگان ۷٤

~: فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ (۱۰:۸۳)
گروه ۱۳

~: ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ (۱۷:۳)
فرزندان ٤۱

~: وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ (۱۹:۵۸)
فرزند زادگان ۱۲۲

ذُرِّيَّتِنَا: وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ (۲:۱۲۸)
فرزندان ۲، زاد برزاد ۵۷

ذُرِّيَّتِهِ: وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ (٦:۸٤)
فرزندان ۱، فرزند آن ۱۰۰، فررزندان ۱۰٦

ذُرِّيَّتَهَا: وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا (۳:۳٦)
فرزندان ۱۰، فرزند ۲۹

ذُرِّيَّتَهُمْ: أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ (۳٦:٤۱)
فرزندان ۱

~: أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ (۵۲:۲۱)
فرزندان خرد ٦۷

ذُرِّيَّتِهِمَا: وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ (۳۷:۱۱۳)
نژاد ۳۳

ذُرِّيَّتِي: قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي (۲:۱۲٤)
فرزندان ٤۰، فَرزَندآن ۵۵

~: إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ (۱٤:۳۷)
فرزندان ۱

~: رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي (۱٤:٤۰)
فرزندگان ۸۲

ذُقْ: ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ (٤٤:٤۹)
بچش ۱، بَچش ۲، بچشْ ۲۲، بُچش ۳۲، درچش ۱۰۰، درچشد ۱۰٦، درچشید ۱۳۸

ذَكَرَ: وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (۳۳:۲۱)
یاد کرد ۳

ذِکرَ: فَکُلُوا۟ مِمَّا ذُکِرَ ٱسْمُ ٱللَّهِ (۶:۱۱۸)
ایاد کرده شد ۱، یاد کرده شد ۳، یاد کرده باشند ۲۴، یاد کرده باشد ۲۹، گفته باشند ۷۶

~: مِمَّا ذُکِرَ ٱسْمُ ٱللَّهِ عَلَیْهِ (۶:۱۱۹)
یاد کرده شده است ٦٤، یاد کردند ۸۸، یاد کرده شده ۱۱۱

~: إِذَا ذُکِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ (۸:۲)
خوانند ۱۰۵، یاد کرده شود ۱۲۰، یاد شود ۱۲۹

~: ٱلَّذِینَ إِذَا ذُکِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ (۲۲:۳۵)
ایاد کرده شهد ۱

~: وَإِذَا ذُکِرَ ٱللَّهُ وَحْدَهُ (۳۹:٤٥)
یاد کرده شوند ٥٦

~: وَذُکِرَ فِیهَا ٱلْقِتَالُ (٤۷:۲۰)
یاد کنند ٦، یاد کرده آید ۱۷، یاد کرده شده باشد ٦٤

ذَکِّرْ: وَذَکِّرْ بِهِۦٓ أَن تُبْسَلَ نَفْسٌۢ (۶:۷۰)
پَند دِه ۲، یاد کن ۹، پند دِه ۹٤، یاد آور ۹٦

~: فَذَکِّرْ بِٱلْقُرْءَانِ مَن یَخَافُ وَعِیدِ (٥۰:٤٥)
یاددار ۱۷، با یادده ۲۹، پند می ده ٦٤، پند گوی ۱۰۳

~: فَذَکِّرْ فَمَآ أَنتَ بِنِعْمَتِ رَبِّکَ (٥۲:۲۹)
یاد دِهْ ٥۳

~: فَذَکِّرْ إِن نَّفَعَتِ ٱلذِّکْرَىٰ (۸۷:۹)
یاد کن و پند ده ۳۹، پند گیر ٦٤

~: فَذَکِّرْ إِنَّمَآ أَنتَ مُذَکِّرٌ (۸۸:۲۱)
پند ده ۱، یاد ده ۲۹

ذُکِّرَ: مِمَّن ذُکِّرَ بِـَٔایَٰتِ رَبِّهِۦ (۱۸:٥۷)
پند داده شد ۱، پَند دهندش ۲، پند دهند ۲٤، پند دهندش ٥۲، پند دهند او را ٦۳، یاد کرده شد ۱۱٤، پند داه شده ۱۳۲

~: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُکِّرَ بِـَٔایَٰتِ رَبِّهِۦ (۳۲:۲۲)
پند داده شهد ۱، وایادش دادند ۲۹، پند داده شود ٤۳، یاد کرده شود ۱۱٤

ذَکَرٌ: وَلَیْسَ ٱلذَّکَرُ کَٱلْأُنثَىٰ (۳:۳٦)
نرینهٔ ۲٥، نرخواسته ۲۸، نَر ٥٥

~: مِّن ذَکَرٍ أَوْ أُنثَىٰ (۳:۱۹٥)
نَر ۲، مرد ۱۰، مردان ۲۹، نَره ٥٥، مردینه ۱۰۹

~: لِلذَّکَرِ مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَیَیْنِ (٤:۱۱)
نرْ ۲، پَسر ۱۰، نر- پسر ۹٤

~: مِن ذَکَرٍ أَوْ أُنثَىٰ (٤:۱۲٤)
نرْینه ٦۱

~: فَلِلذَّکَرِ مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَیَیْنِ (٤:۱۷٦)
برادران ۷٥

~: مَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا مِّن ذَکَرٍ أَوْ أُنثَىٰ (۱٦:۹۷)
نرْینه ۱۱۳

~: أَلَکُمُ ٱلذَّکَرُ وَلَهُ ٱلْأُنثَىٰ (٥۳:۲۱)
پسر نر ٤۱، فرزند نرینه ٥۱، نرینَه ۸۱، پسران ۱۳٦

~: فَجَعَلَ مِنْهُ ٱلزَّوْجَیْنِ ٱلذَّکَرَ وَٱلْأُنثَىٰ (۷٥:۳۹)
نری ٦

ذِکْرٌ: مِنَ ٱلْـَٔایَٰتِ وَٱلذِّکْرِ ٱلْحَکِیمِ (۳:٥۸)
پَند ۲، سخن ۲٥، یَاد کَرْد ٥٥، یاد آوری ۱۲۷

~: وَیَصُدَّکُمْ عَن ذِکْرِ ٱللَّهِ (٥:۹۱)
یاد کَرد ۲، یاد کرد- یاد کردن ۳۷، یاد کَرْدَن ٥۳، یاد کَردَن ٦۱، یآد کرد ۱۰۰

~: فَأَنسَىٰهُ ٱلشَّیْطَٰنُ ذِکْرَ رَبِّهِۦ (۱۲:٤۲)
یَاد گَردَن ٥٥، یاد آوردن ۱۰٤، یاد دادن ۱۱۳

~: إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۱۰٤:۱۲)

پند ۲، یادگاری ۵۳، پند و یاد ۵۸

~: أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (۲۸:۱۳)

یاد ۲، یاد ۷٦

~: إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ (۹:۱۵)

نامه ۵۵، نامه ۷۱

~: فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (٤۳:۱٦)

خرد ۹۸

~: وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ (٤٤:۱٦)

یاد کردن ۲

~: وَهُم بِذِكْرِ الرَّحْمَٰنِ هُمْ كَافِرُونَ (۳٦:۲۱)

یاد کرده ۷۸

~: وَهَٰذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَاهُ (۵۰:۲۱)

پند ۲

~: رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ (۳۷:۲٤)

یادداشت ۸٦

~: حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ (۱۸:۲۵)

فرمان ۷٦

~: صٓ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ (۱:۳۸)

پند و یاد کردن ۸۱، یاد کرد و بزرگواری ۱۰۹

~: أَءُنزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِن بَيْنِنَا (۸:۳۸)

پیغام ۲۲

~: هَٰذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ (٤۹:۳۸)

یادگار ۲۲

~: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ (٤۱:٤۱)

ایاد کرد ۱، یاد و پند ۲

~: أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ الذِّكْرَ (۵:٤۳)

پند دادن ۳۰

~: وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَٰنِ (۳٦:٤۳)

ایاد کرد ۱، یاد کردن ۲۲، یاد کرد ۸۱، یادگیری ۹۹

~: وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ (٤٤:٤۳)

یادگار ۲، یادگاری ۱٦، یادگار ۲۲، بزرگی ۳۲

~: وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ (۲۲:۵٤)

یادداشتن ۳۰، پند گرفتن ٦٤، یادگرفتن ۹۲

~: أَءُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا (۲۵:۵٤)

خواندن ۲٤، خواند و یاد کردن ۵۱

~: أَن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ (۱٦:۵۷)

فریاد کرد ٦۹

~: لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ (۵۱:٦۸)

نبی ۸۸، یاد ـ نبی ۱۰۸

~: وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۵۲:٦۸)

پند ده ۱۲۲

★ أَهْلَ الذِّكْرِ: فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ (٤۳:۱٦)

خداوندان خرد ۹٦

ذِكْرًا: أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا (۲۰۰:۲)

یاد کردن ۲، یاد کردن ۱۰، یاد کنی ۲٤، یاد کردن ٤۲، یاد کرد ۵۵

~: حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا (۷۰:۱۸)

ایاد کرد ۱، یاد کرد ۲

~: سَأَتْلُوا عَلَيْكُم مِّنْهُ ذِكْرًا (۸۳:۱۸)

یاد کرد ٦۲، یاد کرده ۱۳۹

~: وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا (۹۹:۲۰)

یاد کرد ۲، یادگاری ۵۳، یادداشت ۱۲۱

~: أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا (۱۱۳:۲۰)

پَند یا نیک نامی ۲

~: وَذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ (۲۱:۴۸)

پند ۱۲

~: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا (۳۳:۴۱)

یاد آوردن ۸۶

~: فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا إِنَّ إِلَٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ (۳۷:۳)

نامه ۳، نبی ۳۰، خواندن ۹۹

~: لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ (۳۷:۱۶۸)

یادگار ۳۸

~: قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا (۶۵:۱۰)

پند و یاد کرده ۵۶

~: فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا عُذْرًا أَوْ نُذْرًا (۷۷:۵)

یاد گرفتن ۱۹، گفتار ۲۹

اَلذُّكْرَانَ: أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ (۲۶:۱۶۵)

نرّان ۳، مردان ۲۹، نرینگان ۶۴، نریکان ۱۲۶

ذُكْرَانًا: أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا (۴۲:۵۰)

نران ۱، پسران ۶۱، نرینه ۸۷، دو پسر ۱۳۶

ذِكْرَاهَا: فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا (۷۹:۴۳)

یاد کردن ۲، گفتار ۲۴، دانستن ۹۲

ذِكْرَاهُمْ: فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ (۴۷:۱۸)

پند پذیرفتن ۲۲، پند گرفتن ۱۳۸

ذَكَرْتَ: وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ (۱۷:۴۶)

ایاد کنی ۱، یاد کنی ۳، یاد کردی ۳۹، یادْ کُنی ۵۳، یاد کُنی ۵۵، یاد کنی تو ۵۸، یاد میکنی ۱۰۳، یاد کنند ۱۱۸

ذُكِّرْتُمْ: قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ (۳۶:۱۹)

پند داده شید ۱، پند داده شویت ۳، پند دهد شما را ۲۲، پند داده شوید ۶۱، پند داده شدید ۹۲، یاد کنید ۹۶، پند داده شوید شما ۱۰۰، پند داده می شوید ۱۰۳، پند داده میشوید ۱۱۶، پند دهند شما را ۱۳۸

ذِكْرَكَ: وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (۹۴:۴)

نام ۲۹، یاد ۵۶، یاد کردن ۱۱۱، یاد کرد ۱۱۳، آوازه ۱۱۹

ذِكْرُكُمْ: لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ (۲۱:۱۰)

پند ۱۲، یاد کرد ۳۴، یاد کردَ ۴۲، شدن ۱۱۳، یاد ۱۳۹

ذِكْرِنَا: مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا (۱۸:۲۸)

یاد ۲، یاد کرد ۴۳، یاد کَرْد ۵۳، شناخت ۵۸، یاد کردن ۱۱۸

~: فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا (۵۳:۲۹)

یاد کِرد ۲، یاد آوردن ۸۶، یاد کرد و پند ۱۳۹

ذِكْرِهِمْ: فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ (۲۳:۷۱)

پند ۲، یاد کرد ۴۷

ذَكِّرْهُمْ: وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ (۱۴:۵)

یادْ آر و پَنْد دِه ۲، پند ده ۳، وایادده ۲۴، یاد آر ۵۲، پَند دِه ۵۵، یَاد ده ۵۷، پندْ ده ۹۴، بیاد آور ۱۱۶

ذَكَرُوا: أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ (۳:۱۳۵)

ایاد کنند ۱، یاد کنند ۳، یاد کُنُند ۴۲، یاد آرند ۱۰۴

~: وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا (۲۶:۲۲۷)

ایاد کردند ۱، یاد کردند ۳، یاد همی کنند ۴۶، یاد آوردند ۸۶، یَاد کردند ۱۰۰

ذُكِّرُوا: وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ (۵:۱۳)

پندا داده شدند ۱، یاد داده شد یا پند داده شد ۳، فرمُودَه بُدند شان ۱۰، ایشان را فرموده بودند ۲۹، یادداده آمد ۵۷، یاد می کردند ۸۸، اوشانرا

فرموده بودند ۹٦، پند داده شده بود ۱۱۱، پند داده بودند ۱۱۲

~: فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ (۵:۱٤)
پند داده بودند ۲٤، پند دادند ایشانرا ۲۹، یاد دارند شان ٤۱، پند دادن شان ۵۲، ایشان را یاد دادند ۵۳، یَاد دَادَه شُدَند ۵۵، فرموده شدند ۵۸، پند دادند ایشان را ٦۳، پند داده شده‌اند ٦٤، بفرموده شد ایشانرا ٦۷، یاد کرده بودند ۷۰، پند دادند ۹۱، پند دآده شدند ۹٤، یاد داده شدند ۹۷

~: فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ (٦:٤٤)
پَند دَاده شدند ۲، پند داده می‌شدند ۳، یاد کردند ۹، پند دادندشان ۲٦، یاد داده بودندشان ۲۷، پند می‌دادند ایشان ٤٤، یاد کردندشان ۵۳، یاد داده بودند ٦٤، فرمودند پند دادند ایشان ۸۸

~: فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ (۷:۱٦۵)
پندشان دادند ۱۰، فرمودندشان ۲٤، پند داده بودندشان ۲۷، وایادشان دادند ۲۹، پند دادند ۳۵، فرموده بودندشان ۳۹، یاد دادند ایشانرا ٤۲، پند داده می‌شوند ٦٤، فرموده بودند ایشانرا ٦۷، پند داده شدند ۱۲٤، پند گرفته‌اند ۱۳٦

~: وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ (۲۵:۷۳)
پند داده شند ۱، یاد کنند ۲۰، پند دهند ٤٦، ایشانرا پند دهند ٤۷، یاد کرده شدند ۵٦

~: الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا (۳۲:۱۵)
پند داده شوند ۳، یادشان دهند ۲۹، یاد کنیدشان ٤٦، پند دهند ایشانرا ٤۷، یاد می‌کنند ۷٦، یاد کنندشان ۹٤، یاد داده شوند ۱۱٦

~: وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ (۳۷:۱۳)
پنْد دهنْد ایشانرا ۲۲، پند دهندشان ۳۳، پند می‌دهندشان ٤۱، یاد کنند و پند دهند ۵۷، یاد کرده شوند ۸۷، یاد دهند ایشانرا ۱۰٤، فرایاد داده شوند ۱۰۹، با یاد دهندشان ۱۱٤

ذِكْرَى: فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى (٦:٦۸)
یاد آوْردن ۲، وایاد آید ۱۰، یاد داشتن ۲٤، یاد آوردن ۲٦، یاد آمدن ۲۷، یاد ده ۵۸، با یاد آمدن ۸۵، پند کردن ۹۹، یآد کردن ۱۰۰

~: وَلَكِنْ ذِكْرَى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (٦:٦۹)
پند و یاد کرد ۳، پند و یاد ده ۵۸، یادگار - پند ۱۰۷، یاد آوری ۱۱۲، یاد بازآمدن ۱۳۸

~: إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْعَالَمِينَ (٦:۹۰)
پندی ۳، یادگاری ۹، پند و یاد کرد ۹۰

~: لِتُنْذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۷:۲)
پند ده ۱۰۰، پند - یاد کرد ۱۰۹

~: ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ (۱۱:۱۱٤)
پندی ۱۱۳

~: وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۱۱:۱۲۰)
یاد کرد ۳، یادگری ۵۳، یَاد کَرْد ۵۵، یاد کردی ۹۰، یادداشت ۱۰٤، یادبود ۱۱۱

~: إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ ذِكْرَى (۲٦:۲۰۹)
پندست ۵۳

~: رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ (۳۸:٤۳)
یاد دادن ۲۹، یاد کرد و پند ٦۱، یادی ۱۳٦

~: إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى (۳۸:٤٦)
بیادگار ۲۲، یادگار ۳۸، پند گیرنده ۱۱٤

~: إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ (۳۹:۲۱)
آگاهانیدن ۱۳۲

~: هُدًى وَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ (٤۰:۵٤)
ایاد کرد ۱

~: أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ (٤٤:۱۳)
پَند ۲، پَنْد ۲۲، پند پذیرفتن ۱۱۳

~: تَبۡصِرَةً وَذِكۡرَىٰ لِكُلِّ عَبۡدٍ مُّنِيبٍ (۵۰: ۸)
پند دادن ۳، پند یادگاری ٦، یادآور ۱۷، پند گرفتن ۸٦

~: وَذَكِّرۡ فَإِنَّ ٱلذِّكۡرَىٰ تَنفَعُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ (۵۱: ۵۵)
یاد دادن ۵۱

~: فَذَكِّرۡ إِن نَّفَعَتِ ٱلذِّكۡرَىٰ (۸۷: ۹)
پند ۱

~: وَأَنَّىٰ لَهُ ٱلذِّكۡرَىٰ (۸۹: ۲۳)
اندیشه و یاد کردن ۵۱، با یاد آوردن ۱۳۸

ذِكۡرِي: ٱلَّذِينَ كَانَتۡ أَعۡيُنُهُمۡ فِي غِطَآءٍ عَن ذِكۡرِي (۱۸: ۱۰۱)
شناخت ٤۱، یاد کَرَدَن ۵۳، یادْ کَرْدَن ۵۵

~: وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِذِكۡرِيٓ (۲۰: ۱٤)
یاد بودن ۲٤، یاد کرده ۱۳۹

~: ٱذۡهَبۡ أَنتَ وَأَخُوكَ بِـَٔايَٰتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكۡرِي (۲۰: ٤۲)
پیغام گزاردن ۲٤، پیغام ۵۸، یادآوری ۱۳۲

~: وَمَنۡ أَعۡرَضَ عَن ذِكۡرِي (۲۰: ۱۲٤)
یاد کردن ۲

~: فَٱتَّخَذۡتُمُوهُمۡ سِخۡرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوۡكُمۡ ذِكۡرِي (۲۳: ۱۱۰)
یاد ۲، یاد کرد ٤۷، یاد آوردن ۸٦

ءَآلذَّكَرَيۡنِ: ءَآلذَّكَرَيۡنِ حَرَّمَ أَمِ ٱلۡأُنثَيَيۡنِ (٦: ۱٤۳)
دو نر ۱، دو نرینه ٦۱، دو نران ۸۸

~: قُلۡ ءَآلذَّكَرَيۡنِ حَرَّمَ أَمِ ٱلۡأُنثَيَيۡنِ (٦: ۱٤٤)
دوُ نر ۲

ٱلذُّكُورَ: وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ (٤۲: ٤۹)
نران ۱، پسران ۱٦، پسرانِ ۲۲، نرّان ۳۲، پسر ٦۱، فرزندان نرینه ٦۵، نرینه ۸۷، نر ۹٦، نران - پسران ۱۰۸

ذُكُورِنَا: خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا (٦: ۱۳۹)
نران - مردان ۲، نرینگان ۱۰۰، مردمان ۱۰۲، مرد ۱۲۱

ذَكَّيۡتُمۡ: وَمَآ أَكَلَ ٱلسَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيۡتُمۡ (۵: ۳)
کشتار کردید ۱، بسمل کنیت ۱۰ مکرّر، شما بکشید ۲۷، بکشید شما ۵۷، اندر یابید کشتن ٦۲، بکشته باشید شما ٦۳، دریابید زنده ۷۰، بکشته باشید ۷٦، سر بریده باشید ۹٦، بسمل کرده باشید ۹۸، گلوی او بریده باشید ۱۰۲، بکشید ۱۲۱، نام برده باشید ۱۲٤

ٱلذُّلِّ: وَٱخۡفِضۡ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ (۱۷: ۲٤)
نرمی ۱، فروتنی ۲، نرمساری ۳، نرم ساری ۳۰، فروتنی ۵۷، شرمساری ۱۱٤، فرمان برداری ۱۲٤

~: وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ وَلِيٌّ مِّنَ ٱلذُّلِّ (۱۷: ۱۱۱)
خُواری ۲، خوار و دون ٤۱، سستی ۹۱، خوآری ۱۰۰، خاری ۱۲٤

~: خَٰشِعِينَ مِنَ ٱلذُّلِّ (٤۲: ٤۵)
خواری ۱، خواری ۲، خواری و نرمی ۲۲

ذِلَّةٌ: وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ (۲: ٦۱)
خُواری ۲، خَواری ۵۵، خواری گزیدن دادن ٦۷، خوآری ۹٤، خواری ۱۳۸

~: ضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ أَيۡنَ مَا ثُقِفُوٓاْ (۳: ۱۱۲)
خواری ۱، خُواری ۲، خواری و ناشکوهی ٤۰، خَواری ۵۵، خاری ۱۰٤

~: وَذِلَّةٌ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا (۷: ۱۵۲)
خواری و نژندی ٦٤

~: وَتَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٌ (۱۰: ۲۷)
خواری و شکوهی و تروش روُی و سیاهی و فروضی ۱۰، ترس ۵۹

~: خَٰشِعَةً أَبْصَٰرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ (۶۸:۴۳)
خواری بیچارگی ۴۱، خواری و نگونساری ۱۱۱، نگونساری ۱۲۰، خواری سختی ۱۲۴

~: خَٰشِعَةً أَبْصَٰرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ (۷۰:۴۴)
نژندی ۶

ذَٰلِكَ: ذَٰلِكَ ٱلْكِتَٰبُ لَا رَيْبَ فِيهِ (۲:۲)
آن ۵۵، اینست ۵۷، این ۹۶

~: ثُمَّ عَفَوْنَا عَنكُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ (۲:۵۲)
اینچنین ۱۲۳

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا۟ يَكْفُرُونَ (۲:۶۱)
اِنْت آن ۵۵، انت ۶۱

~: وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌۢ بَيْنَ ذَٰلِكَ (۲:۶۸)
اِنْت ۵۵

~: فَمَا جَزَآءُ مَن يَفْعَلُ ذَٰلِكَ (۲:۸۵)
چنین ۳۶

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ نَزَّلَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ (۲:۱۷۶)
آنت ۳

~: ذَٰلِكَ مِنْ أَنۢبَآءِ ٱلْغَيْبِ (۳:۴۴)
این همه ۱۳

~: ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَلَّا تَعُولُوا۟ (۴:۳)
آنتان ۱۰۰

~: وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ ٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِ ٱللَّهِ (۴:۱۱۴)
آن ۱

~: مُّذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَٰلِكَ لَآ إِلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ (۴:۱۴۳)
این و آن ۶۳

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ (۵:۵۸)
اِین ۲

~: ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ (۱۰:۶۴)
آن ۱

~: كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُۥ (۱۷:۳۸)
آنچه ۵۸، انت ۵۹

~: إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا (۱۸:۲۳)
او ۱۰۸

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْحَقُّ (۲۲:۶)
این ۱۰۸

~: ذَٰلِكَ وَمَن يُعَظِّمْ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ (۲۲:۳۲)
این تان ۶۱

~: إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۳۱:۳۱)
اندرین ۱۱۹

~: ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَن يُعْرَفْنَ (۳۳:۵۹)
آن تان ۶۱

~: إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ (۴۲:۴۳)
همچُنانَتْ ۳۲

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱتَّبَعُوا۟ ٱلْبَٰطِلَ (۴۷:۳)
این چُنین ۸۱

★ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا۟ لَن تَمَسَّنَا (۳:۲۴)
این بآنستشان ۱۱۴

كَذَٰلِكَ: كَذَٰلِكَ يُحْىِ ٱللَّهُ ٱلْمَوْتَىٰ (۲:۷۳)
همچُنان ۱۰، همچُنانَتْ ۵۵

~: كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ (۲:۱۱۳)
همچُنین ۱۰، همچنانَتْ ۵۵

~: كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِم (۲:۱۱۸)
چنانکه ۵۹

~: كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ ٱللَّهُ أَعْمَٰلَهُمْ (۲:۱۶۷)

هم چنین ۲۴، هم همچنین ۶۱

~: کَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ (۱۸۷:۲)

همچُنین ۲، همچنین ۵۳

~: کَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلْكَٰفِرِينَ (۱۹۱:۲)

چُنان ۶۲، همچنان ۱۲۴

~: کَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَايَٰتِهِۦ (۲۴۲:۲)

هم چنانکه ۵۷

~: کَذَٰلِكَ كُنتُم مِّن قَبْلُ (۹۴:۴)

چنان ۱

~: کَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۳۲:۷)

هم چنان ۲۴، هم چُنان ۱۴۰

~: کَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلظَّٰلِمِينَ (۷۵:۱۲)

همچُنانَست ۵۵

~: کَذَٰلِكَ يَضْرِبُ ٱللَّهُ ٱلْحَقَّ وَٱلْبَٰطِلَ (۱۷:۱۳)

همچنین ۲، هم چُنین ۵۷

~: کَذَٰلِكَ نَسْلُكُهُۥ فِى قُلُوبِ ٱلْمُجْرِمِينَ (۱۲:۱۵)

هَمچُنانَت ۵۵

~: کَذَٰلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُۥ عَلَيْكُمْ (۸۱:۱۶)

همچُنین ۲

~: قَالَ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَىَّ هَيِّنٌ (۹:۱۹)

چُنینی تو ۴۱

~: قَالَ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَىَّ هَيِّنٌ (۲۱:۱۹)

تو چنینی ۴۱

~: کَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَايَٰتِهِۦ (۵۹:۲۴)

هَمچنین ۱۱۹

~: کَذَٰلِكَ كَانُوا۟ يُؤْفَكُونَ (۵۵:۳۰)

همچونین ۳۰

~: کَذَٰلِكَ يُوحِىٓ إِلَيْكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكَ (۳:۴۲)

همچنانَت ۳۲

~: کَذَٰلِكَ وَأَوْرَثْنَٰهَا قَوْمًا ءَاخَرِينَ (۲۸:۴۴)

همْچنانَتْ ۳۲

~: کَذَٰلِكَ نَجْزِى مَن شَكَرَ (۳۵:۵۴)

همچونانت ۸۰

~: کَذَٰلِكَ ٱلْعَذَابُ وَلَعَذَابُ ٱلْءَاخِرَةِ أَكْبَرُ (۳۳:۶۸)

همچنانت ۱۰۹

وَكَذَٰلِكَ: وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْءَايَٰتِ (۵۵:۶)

همچنان ۹، هَمچُنانْت ۵۵

~: وَكَذَٰلِكَ نُرِىٓ إِبْرَٰهِيمَ (۷۵:۶)

همچنان و هم چنین ۸۵، همچنانکه ۶۲

~: وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ (۸۴:۶)

هم چنین ۲۶

~: وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ ٱلْءَايَٰتِ (۱۰۵:۶)

اینچنین ۹۶

~: وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِىٍّ عَدُوًّا (۱۱۲:۶)

هم چونان ۳۹

~: وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْءَايَٰتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۱۷۴:۷)

هَمْچُنین انتْ ۵۵

~: وَكَذَٰلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَآ أَخَذَ ٱلْقُرَىٰ (۱۰۲:۱۱)

چنین ۷ مکرّر

~: وَكَذَٰلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ (۶:۱۲)

هم چون ۹۲

~: وَكَذَٰلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ (۲۱:۱۸)

همچنانست ۹۱

~: وَكَذَٰلِكَ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ (۴۷:۲۹)

همچون ۹۲

~: وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ (۱۹:۳۰)

همچنين تان ٤٦

~: وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ (٦:٤٠)

همچنانت ۳

~: وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا (۵۲:٤۲)

هَنچُنين ۸۱

وَلِذَٰلِكَ: وَلِذَٰلِكَ خَلَقَهُمْ (۱۱۹:۱۱)

هم چنين ۱۲٤

وَذَٰلِكَ: وَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلْمُحْسِنِينَ (۸۵:۵)

آنست ۳۷

~: وَذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْمُبِينُ (۱٦:٦)

اين است ۸۸

ذَٰلِكُمْ: وَفِى ذَٰلِكُم بَلَآءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ (٤۹:۲)

آنتان ۵۵

~: ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ (۵٤:۲)

اِنتان ۵۵

~: ذَٰلِكُمْ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَأَطْهَرُ (۲۳۲:۲)

اينتان ۵۷، اين كه تان ٦۳

~: ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِندَ ٱللَّهِ (۲۸۲:۲)

آنتانْ ۲

~: قُلْ أَؤُنَبِّئُكُم بِخَيْرٍ مِّن ذَٰلِكُمْ (۱۵:۳)

آنهاء ۹۰

~: وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِى (۸۱:۳)

اينان ۱۲۱

~: إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُۥ (۱۷۵:۳)

اويست ۱، آنتان ۲

~: وَأُحِلَّ لَكُم مَّا وَرَآءَ ذَٰلِكُمْ (۲٤:٤)

آنست ۱، اينست ۲۹

~: وَأَن تَسْتَقْسِمُوا۟ بِٱلْأَزْلَٰمِ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ (۳:۵)

كه آن ۷٦، آنتان ۱۰۰، انتام ۱۳۸

~: وَمُخْرِجُ ٱلْمَيِّتِ مِنَ ٱلْحَىِّ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ (۹۵:٦)

آن تان ۸۸

~: ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمْ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ (۱۰۲:٦)

آنست ۲٦

~: ذَٰلِكُمْ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۵۱:٦)

اين تان ۱۰، ان تان ۷٦

~: ذَٰلِكُمْ وَأَنَّ ٱللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ ٱلْكَٰفِرِينَ (۱۸:۸)

آن تان ۹٦

~: ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (٤۱:۹)

انتان ۲۹

~: وَفِى ذَٰلِكُم بَلَآءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ (٦:۱٤)

اين ۱۲۱

~: وَأَنَا۠ عَلَىٰ ذَٰلِكُم مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ (۵٦:۲۱)

آنتان ۲

~: ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبِّى (۱۰:٤۲)

آنتان ۳۲

★ ذَٰلِكُمْ أَزْكَىٰ: ذَٰلِكُمْ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَأَطْهَرُ (۲۳۲:۲)

اين تان نيكوترا ۱۰۵

★ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ: ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ (۹۵:٦)

آنست خدايتان ۲۷

★ مِنْ ذَٰلِكُمْ: أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكُمُ ٱلنَّارُ (۷۲:۲۲)

أزين ۲

كَذَٰلِكُمْ: كَذَٰلِكُمْ قَالَ ٱللَّهُ مِن قَبْلُ (۱۵:٤۸)

همچُنين ۲، همچنان ۸۰، همچنيتان ۱۰۰

ذَلِكُمَا: ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي (۳۷:۱۲)
آنتان ۲، اِنْتانْ ۵۵، آن ۶۱، این ۹۲، اینان ۱۲۸

فَذَلِكُنَّ: فَذَٰلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ (۳۲:۱۲)
اوی ۱، اینتانْ ۲، آنتان ۳، اینَست ۷۶، آنست تان ۹۲، این تان ۹۶، آن ۱۰۰، این تان آنست ۱۲٤

ذُلُلاً: فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا (۶۹:۱۶)
نرمان ۱، فرمان برداران ۳، رام کرده ۲۹، آسان ۳۶، آهسته ٤۱، فرمان بردار ٤۲، نرم کرده ٤۳، فَرمان بَرَداران ۵۵، نرم ایستادگان ۵۸، رام ۶۳، نرم و فرمان بردار ۶۵، نرم شده ۶۹، نرم ۷۲، بآسانی ۹۳، فرمان بران ۱۰۹

ذُلِّلَتْ: وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا (۱٤:۷۶)
نرم کرده شهد ۱، رام کرده شد ۳، سر فرو آرند ۱۹، فرو هشته بود ۲٤، فرمان بردار کرده شود ۳۰، آسان گردانیده شده ۷۹، فرمان بردار کرده شد ۸۸، نرم شود ۹۰، نزدیک کرده شود ۹۱، رام کرده شده باشد ۱۰۳، آسان گردانیده باشد ۱۰٤، رام کرده باشند ۱۰۶، فرمان بردار گردانیده شود ۱۰۸، رام کردانیده شد باشد ۱۱۱، گردانیده شده باشند ۱۱۳، آرام کرده شد ۱۱٤، رام کرده شود ۱۱۶، آسان کرده شد ۱۲۲، نرم کرده شود ۱۳۹

ذَلَّلْنَاهَا: وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ (۷۲:۳۶)
نرم کردیم ۱، نرم وارم کردیم ۳، نرمْ کردیم ۲۲، رام کردیم ۲۹، فرمان بردار کردیم ۳۰، رام کردیم - نرم کردیم ۵۶، نرم گردانیده‌ایم ۵۹، نرم گردانیدیم ما ۶۱، آرام کردیم ما ۶۷، نرم گردانیدیم ۶۹، رام و نرم کردیم ۸۰، رام گردانیدیم ۸۶، رام کردیم و نرم کردیم ۹۱، نرم کردیم ما ۹۹، رآم گردانیدیم ما ۱۰۰، فرمان بردار گردانیدیم ۱۰۸، نرم گردانیم ما ۱۲٤، خوار گردانیدیم ۱۲۹، نرم ساختیم ۱۳۱، رام کردیم ما ۱۳٤، آرام کردیم ۱۳۸

ذَلُولاً: جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا (۱۵:۶۷)
نرم ۱، فرمان بردار ۳، آرام گاه ۲٤، فرمان بردارنده ۳۰، رام ٤۱، نرم و خوار ۹۲، رام کرده ۱۰۰، رام و فرمان بردار ۱۱۶

ذَلُولٌ: إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ (۷۱:۲)
نَرم گَشْته ۲، رام ۳، فرهخته و بَکارُ و بار شکسته ۱۰، شیوایند ۲٤، آموخته ۲۹، نرم گشته ۳٤، نَرم گَشته ٤۲، در زیر بار آمده ٤۳، روان کرده ٤۸، فرهخته ٤۹، سست شده ۵۳، رَامّی ۵۵، نرم کرده نَرم ۵۷، کار کرده ۶۰، رام کرده ۶۱، فرهخته بکشت و برز ۶۳، نرم شده ۶٤، رام کرده شده ۱۰۲، رام گشته ۱۱۱، رام شده ۱۲۱

ذِمَّةً: لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً (۸:۹)
پَیمان ۲، زینهار ۱۱، زنهار ۵۷، خویشی ۶۹، گردن نهادن ۹۲، خویشی و زینهاری ۱۰۰

~: لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً (۱۰:۹)
زینهاری ۸۵، سوکند ۱۱۱

ذَنْب: غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ (۳:٤۰)
گنهٌ ۱، گناه ۳

ذَنْبِكِ: وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ (۲۹:۱۲)
گنه ۱، گناه ۵۵، گناهت ۱۱٤

~: وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ (۱۹:٤۷)
گناهان ۳۰، مرگناه ۵۶

~: مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ (۲:٤۸)
گناه ۶

ذَنْبِهِ: فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ (٤۰:۲۹)
گنه ۱، گناه ۲٤، گناهان ۵۲

ذَنْبِهِمْ: فَاعْتَرَفُوا بِذَنْبِهِمْ (۱۱:۶۷)

گناهان ۶۱

~: فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنْبِهِمْ (۱۴:۹۱)
گناه ۵۶

ذَنُوب: مِّثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَٰبِهِمْ (۵۱:۵۹)
برخها ۳۵، بهر ۵۳، بخش ۱۳۹

ذُنُوبِ: وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ (۱۷:۱۷)
گناهان ۲

~: وَكَفَىٰ بِهِۦ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ (۲۵:۵۸)
گنهان ۱، گناه ۱۰۶

~: إِنَّ ٱللَّهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا (۳۹:۵۳)
گناهان ۱، گناهها ۵۶، گناها ۶۱

ذَنُوبًا: فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ذَنُوبًا (۵۱:۵۹)
نیاوه[1] ۱، بهره ۳۰

ذُنُوبِكُمْ: وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ (۳:۳۱)
گناهانتان ۲۵

~: فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُم (۵:۱۸)
گنهان ۱

~: لِيَغْفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ (۱۴:۱۰)
گناهان ۵۵، گناهان ۱۱۲

~: يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ (۷۱:۴)
گناها ۱۱۴

ذُنُوبَنَا: ٱسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَآ (۱۲:۹۷)
گنهان ۱، گناهان ۵

~: وَأَحْيَيْتَنَا ٱثْنَتَيْنِ فَٱعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا (۴۰:۱۱)
گناهان ۵۶

ذُنُوبِهِمْ: فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ (۳:۱۱)
گنهان ۱، گناهان ۲، گناها ۱۰، گناه ۴۰

~: فَٱسْتَغْفَرُوا۟ لِذُنُوبِهِمْ (۳:۱۳۵)
گناهان ۲، گناهها ۴۲، گنان[2] ۵۷

~: أَنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُصِيبَهُم بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ (۵:۴۹)
گناهان ۵۳

~: أَن لَّوْ نَشَآءُ أَصَبْنَٰهُم بِذُنُوبِهِمْ (۷:۱۰۰)
گناهها ۲۹

~: كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَٰهُم بِذُنُوبِهِمْ (۸:۵۴)
گناهان ۵۵

~: فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ (۴۰:۲۱)
گناهان ۸۱

ذَهَاب: وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍۭ بِهِۦ لَقَٰدِرُونَ (۲۳:۱۸)
بردن ۱، بفرو بردن ۲۴، شدن ۷۷، بُردن ۸۹

★ ذَهَاب بِهِ: وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍۭ بِهِۦ لَقَٰدِرُونَ (۲۳:۱۸)
بردن آن ۹۲

ذَهَبَ: ذَهَبَ ٱللَّهُ بِنُورِهِمْ (۲:۱۷)
بُبرد ۲، ببرد و بمیراند ۶۴

~: لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَٰرِهِمْ (۲:۲۰)
بُبردی ۲، بُبردی ۱۰، ببرد ۲۴، بستدی ۱۲۷

~: لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ ٱلسَّيِّـَٔاتُ عَنِّىٓ (۱۱:۱۰)
رفت ۳، بشدند ۲۹، بَشُد ۵۳، رَفت ۵۵، بروند ۶۱، شد ۶۲

~: فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَٰهِيمَ ٱلرَّوْعُ (۱۱:۷۴)
بشد ۱، بیرون شد ۵۳، برفت ۶۱

---

۱. نیاوه: بهره، نصیب.
۲. کذا در اصل متن گنان / گناهان.

~: وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَـٰضِبًا (۲۱:۸۷)
برفتْ ۲، بیرون شد ۳٤، بیرون رفت ۱۰۰

~: إِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَـٰهِۭ بِمَا خَلَقَ (۲۳:۹۱)
ببردی ۱، بشود و ببرد ۳۰، بگرود ۱۰۵، بَبُردِی ۱۱۹، رفتی ۱۲۱

~: فَإِذَا ذَهَبَ ٱلْخَوْفُ (۳۳:۱۹)
بشهد[1] ۲، شود ۱٤، بشود ۲٤، باز شود ٤۷، بشود ۵۲، برود ٦٤

~: ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ يَتَمَطَّىٰٓ (۷۵:۳۳)
برفت ۳۰، بَشُد ٤۲

ٱلذَّهَبِ: مِنَ ٱلذَّهَبِ وَٱلْفِضَّةِ (۳:۱٤)
زرّ ۱۰، زر و سیم ۳٤، ذَرْ ۹٤، طلا ۱۱۱

~: وَٱلَّذِينَ يَكْنِزُونَ ٱلذَّهَبَ وَٱلْفِضَّةَ (۹:۳٤)
زَرْ ۲، زَر ۵۵، زر سرخ ۷۹

~: يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ (۲۲:۲۳)
زرْ ۲، ذر ۱۰٦

~: يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا (۳۵:۳۳)
زوز ۹۵

~: فَلَوْلَآ أُلْقِىَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّن ذَهَبٍ (٤۳:۵۳)
زر ۱

ذَهَبًا: مِّلْءُ ٱلْأَرْضِ ذَهَبًا (۳:۹۱)
زَرْ ۲، زر ۲٤، زَر ۲۷، زرْ ۹٤

ذَهَبَتْ: فَـَٔاتُوا۟ ٱلَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَٰجُهُم (٦۰:۱۱)
بشدند ۱، رفتند ۳، رفته باشند ۲۹، بشده باشد ۳٤، برفتند ۳۹، بشُد ٤۲

ذَهَبْنَا: إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ (۱۲:۱۷)
بشدیم ۱، برفتیم ۲٤، برفتیم ما ۲۹، بَشُدیم ۵۳، رَفتِیم ۵۵، شدَه بُودِیم ٦۲، برفته بودیم ٦۳، بَرَفته بُودیم ۷٦، برفته بودیم ما ۸۵، شده بودیم ۸۸، رها کردیم ۱۲٤

★ ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ: إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ (۱۲:۱۷)
بشدیم با یکدیگر بتیر انداختن ۵۸، بشدیم بتیر انداختن ۷۲

ذَهَبُوا: فَلَمَّا ذَهَبُوا۟ بِهِۦ وَأَجْمَعُوٓا۟ (۱۲:۱۵)
ببردند ۱، بردند ۳، بَبْرْدَنْد ۵۳، بُبُردَند ۷٦، برفتند ۱۰۰، به بردند ۱۲۸

ذُو: وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ (۲:۱۰۵)
دهنده ٤۰، خداوُند ٤۲، خوداوند ٦۷

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ (۲:۲٤۳)
خُداونْد ۲

~: وَٱللَّهُ عَزِيزٌ ذُو ٱنتِقَامٍ (۵:۹۵)
خداو ۵۷

~: وَرَبُّكَ ٱلْغَنِىُّ ذُو ٱلرَّحْمَةِ (٦:۱۳۳)
خداوند ۱

~: وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ (۸:۲۹)
بَا ۵۵

~: وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ (۱۳:٦)
خُداوند ۲

~: وَفِرْعَوْنُ ذُو ٱلْأَوْتَادِ (۳۸:۱۲)
خداوندان ۲٤، خد آوند ۱۰۰

~: وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (٤۱:۳۵)
با ۳

~: وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ فَذُو دُعَآءٍ عَرِيضٍ (٤۱:۵۱)

۱. بشهد / بشود: برود.

بَا ۳۲

★ ذُو ٱلرَّحْمَةِ: وَرَبُّكَ ٱلْغَنِيُّ ذُو ٱلرَّحْمَةِ (۶:۱۳۳)
با بخشاینده ۲۷، خداوند بخشایش ۱۲۶

~: وَرَبُّكَ ٱلْغَفُورُ ذُو ٱلرَّحْمَةِ (۱۸:۵۸)
بخشاینده ۲، بَا بَخشایش ۵۵

★ ذُو ٱلْعَصْفِ: وَٱلْحَبُّ ذُو ٱلْعَصْفِ (۵۵:۱۲)
با برگ ۳۶، خداوند برگ خشک ۱۱۶، خداوند برگ ۱۲۰

★ ذُو ٱلْفَضْلِ: وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ (۲:۱۰۵)
با افزونی ۸۰، خداوند بخشش ۱۳۰

~: وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ (۸:۲۹)
بَا اَفزُونی ۵۵، با فزونی ۹۴

★ ذُو ٱنْتِقَامٍ: وَٱللَّهُ عَزِيزٌ ذُو ٱنْتِقَامٍ (۳:۴)
کینه کشنده ۳، خداوند دادستان ۲۴، کینه کش از دشمنان ۴۱، کینه گذار ۴۲، خداوند داداستدن ۴۹، کینه خواه ۶۰، با کینه کشنده ۸۰، خداوند کینه کشیدن ۹۹، سخت گیر ۱۲۷

~: وَٱللَّهُ عَزِيزٌ ذُو ٱنْتِقَامٍ (۵:۹۵)
با کینه کشیدن ۳، خداوند کینه کش ۲۴، کینه گزار ۵۲، بَا کِینه کَشیدَن ۵۵، دادستان ۸۸، کینه خواه ۱۰۳، دادستاننده ۱۱۲، با کینه خواه ۱۱۴

~: إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ ذُو ٱنْتِقَامٍ (۱۴:۴۷)
کینه گزار ۲، کینه کش ۵، گینه گذار ۴۲، کینَه کش ۵۳، بَا کِینَه ۵۵، خداوند باز خواستن ۵۹، دَادِ بسْتَاند ۶۲، کینه آهنج ۹۴

★ ذُو حَظٍّ: إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۲۸:۷۹)
با بهره ۳، خداوند بخش ۴۳

~: وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۴۱:۳۵)
خداوند بهره ۱۲۶، خداوندان بهره ۱۳۶

★ ذُو رَحْمَةٍ: رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ (۶:۱۴۷)
با بخشایش ۲۷، خدای بخشایش ۵۸

★ ذُو سَعَةٍ: لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ (۶۵:۷)
با فراخی ـ توانگر ۲، مرد توانا ۳۶، توانگر ۳۹، خداوند دستگاه ۶۷، خداوندان توانگر ۱۱۳، خداوند فراخ دستی ۱۱۶، خداوند توانگری ۱۳۴

★ ذُو عُسْرَةٍ: وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ (۲:۲۸۰)
وام دار بـا درویـشـی ۲، وام دار و درویـش ۲۴، درویش ۲۵، وام دار ـ درویش ۳۹، درویش و مرد رانده ۴۱، وام دار یـا دَرویـش ۴۲، وام دار ۵۲، بَـا دَرویشی ۵۵، تنگ دستی ۶۳، تنگ دست ۶۷، وام دار درویش ۷۴، بـا درویشی ۸۰، اوام دار درویش و تنگ درویش ۸۳، فام دار یا درویشی ۱۰۷، وام دار یـا درویـش ۱۲۵، تـنـگـدست ۱۲۶، خداوند دشخواری ۱۲۹

★ ذُو عِلْمٍ: وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِمَا عَلَّمْنَاهُ (۱۲:۶۸)
با دانش ۲، دانا ۳۶، بَا دانِش ۵۵، خداوند دانش ۱۳۶

★ ذُو فَضْلٍ: وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ ذُو فَضْلٍ (۲:۲۵۱)
خداوند فزونی ۵۲

~: وَٱللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ (۳:۱۵۲)
خداوند نیکویی ۵۸

~: وَٱللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ (۳:۱۷۴)
خداوند افزونی ۱۰۵

★ ذُو مِرَّةٍ: ذُو مِرَّةٍ فَٱسْتَوَىٰ (۵۳:۶)
با نیرو ۳۶، خداوند نیرو ۳۹، خداوند فرمان ۱۰۰، با توانایی ۱۱۴

★ ذُو مَغْفِرَةٍ: وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ (۱۳:۶)
با آمرزیدن ۳، خداوند درگذارنده ۲۴، آمرزنده ۴۲، خداوند آمرزش ۱۳۶

ذَوَا: یَحْکُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْکُمْ (٥:٩٥)
دو خداوند ۱، دو ۳٦، دو خداوندان ٦۳

~: ٱثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْکُمْ (٥:۱۰٦)
خداوند ۱، خداوندان ۲٤

★ ذَوَا عَدْل: یَحْکُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْکُمْ (٥:٩٥)
دو دادگر ۲، دو مرد پارسایی ۳، دو مَرد بسامان ۱۰، دو گوای دادگر ۱۰ مکرّر، دُو گواه ٤٥، دو تن دادگر ٥۸، دو مرد با داد ٩۱، دو گواه راست ٩٤

~: ٱثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْکُمْ (٥:۱۰٦)
باراستی ۳، وأداد ۲۷، راست گویان ٥۸، خداوندان راستی ٦۷، باداد ۸۸، دو گواه باداد ٩٤، دو مرد راست کار ۱۰٥، خداوند راستی ۱۲۱

ذَوَاتَا: ذَوَاتَا أَفْنَانٍ (٥٥:٤۸)
دو خداوند ۱، با ۳، خداوندان ۳۰، خداوند ٦۱، دو گونه ٩۲

★ ذَوَاتَا أَفْنَان: ذَوَاتَا أَفْنَانٍ (٥٥:٤۸)
هر دو با شاخهای گشن ۱۰۸، خداوند دو بستان سبز ۱۱۷

ذَوَاتَیْ: وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَیْهِمْ جَنَّتَیْنِ ذَوَاتَیْ (۳٤:۱٦)
دو خداوند ۱، هر دو ۳۰، با ٤۳، خداوند ٩۲، خداوندان ۱۰٦

ذُوقُوا: أَکَفَرْتُمْ بَعْدَ إِیمَانِکُمْ فَذُوقُوا ٱلْعَذَابَ (۳:۱۰٦)
بچشید ۱، بچشیت ۳، درچشید ٦۳، بچشیدند ٦٩

~: قَالَ فَذُوقُوا ٱلْعَذَابَ بِمَا کُنْتُمْ تَکْفُرُونَ (٦:۳۰)
بچشید ۲، بچشید شما ۲٤

~: فَذُوقُوا ٱلْعَذَابَ بِمَا کُنْتُمْ تَکْسِبُونَ (۷:۳٩)
هلا بچشید ۱۰

~: فَذُوقُوا مَا کُنْتُمْ تَکْنِزُونَ (٩:۳٥)
بچشی ۲٤، بچشید تان ٦۱

~: ثُمَّ قِیلَ لِلَّذِینَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ ٱلْخُلْدِ (۱۰:٥۲)
بچشید ٦۲

~: وَذُوقُوا عَذَابَ ٱلْحَرِیقِ (۲۲:۲۲)
بچشانند ۲٤، نیک بچشید ٥۱

~: فَذُوقُوا ٱلْعَذَابَ بِمَا کُنْتُمْ تَکْفُرُونَ (٤٦:۳٤)
بچشید ۲

~: فَذُوقُوا عَذَابِی وَنُذُرِ (٥٤:۳۷)
بچشید ٥٦، چشیت ۸۰، چشیدند ۱۱۱

فَذُوقُوهُ: ذَٰلِکُمْ فَذُوقُوهُ (۸:۱٤)
می بچشیت ٤۱، بچشید ۱۱٤

ذَوَیْ: وَأَشْهِدُوا ذَوَیْ عَدْلٍ مِنْکُمْ (٦٥:۲)
دو خداوند ۱، دُو ۲، دو مرد باراستی ۳، دو ٤۳، دو خداوندان ٩٦، دو خدآوند ۱۰۰، خداوندان ۱۱۳

★ ذَوَیْ عَدْل: وَأَشْهِدُوا ذَوَیْ عَدْلٍ (٦٥:۲)
دو مرد راست گوی ٥۲، دو تن راست کار ٥٦، دو تن پاکیزه راست گوی ۱۲٤

ذَوِی: وَآتَی ٱلْمَالَ عَلَیٰ حُبِّهِ ذَوِی ٱلْقُرْبَیٰ (۲:۱۷۷)
خداوندان ۳، خدآوندآن ٥٥، خداوند ٦۱

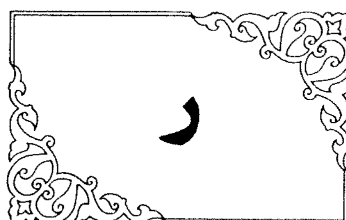
★ ذَوِی ٱلْقُرْبَی: ذَوِی ٱلْقُرْبَیٰ (۲:۱۷۷)
نزدیکانْ ـ خویشاوندان ۲، خُویشاوندان ۱۰، خویشان نزدیک ۲٤، خویشان ۲٩، خویشاوُندان ٤۲، خداوندان خویشاوندان ٤۳، خداوندانِ خویشی ٥٥، خداوندان خویشی ٦۳، نزدیکان ـ خویشان ۸٤، خدآوندان خویشی ۱۰۰، خشاوندان[1] ۱۰۲، خویشاوندان نزدیک ۱۲۳

---

۱. خشاوندان / خویشاوندان.

ذِی: وَیُؤْتِ کُلَّ ذِی فَضْلٍ فَضْلَهُ (۳:۱۱)
خداوَند ٦۲
~: وَفَوْقَ کُلِّ ذِی عِلْمٍ عَلِیمٌ (۷٦:۱۲)
خُداوُند ۷٦
~: بِوَادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ (۳۷:۱٤)
خداوند ۱، خد آوند ۱۰۰
~: إِلَیٰ ذِی الْعَرْشِ سَبِیلًا (٤۲:۱۷)
خداوند ۲
~: شَدِیدِ الْعِقَابِ ذِی الطَّوْلِ (۳:٤۰)
با ۳
~: هَلْ فِی ذَٰلِكَ قَسَمٌ لِذِی حِجْرٍ (۵:۸۹)
نزد ۱۲٤
★ ذِی الطَّوْل: شَدِیدِ الْعِقَابِ ذِی الطَّوْلِ (۳:٤۰)
بی نیاز ۱۰۹، خداوند بخشش ۱۱۱، خداوند بی نیاز ۱۲٦
★ ذِی الْعَرْش: إِذًا لَابْتَغَوْا إِلَیٰ ذِی الْعَرْشِ سَبِیلًا (٤۲:۱۷)
خداوند تخت بزر گ ۳۰
★ ذِی الْقُرْبَیٰ: وَذِی الْقُرْبَیٰ (۸۳:۲)
خُویشاوندان ۲، خویشان ٤، خُویشان ۱۰، خویشاوندان نزدیک ٤۳، خداوند خویشی ٤۹، خویش پیوند ٦٤، خویش و پیوند ٦۷، خداوندان خویش ۹۲، خداوند خویش ۱۲۹، خداوندی ۱۳۸
~: وَالْجَارِ ذِی الْقُرْبَیٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ (۳٦:٤)
خُویشاوند ۲، خویشاوند ۱۰، نزدیک ۲٤، با خویشی ۲۷، خویش نزدیک ۳۸، نزدیک ترین خویشان ٤۰، خداوندان ۵۳، خداوندان خویشی ٦۳، خویشان نزدیک ۷۲، خویش وندان ۷۵، خداوند آن خویشی ۱۰۰
~: وَلِذِی الْقُرْبَیٰ وَالْیَتَامَیٰ (٤۱:۸)
خداوندان نزدیکی ۱، با خویشی ۵۵
~: وَإِیتَاءِ ذِی الْقُرْبَیٰ (۹۰:۱٦)
خداوند خویشی ۱۱۳، خویشان وندان ۱۳۰
~: وَلِذِی الْقُرْبَیٰ وَالْیَتَامَیٰ (۷:۵۹)
نزدیکان خویش ٦۱، خداوندان نزدیک ۹۲، نزدیکان ۹٦

★ ذِی الْقَرْنَیْن: وَیَسْأَلُونَكَ عَنْ ذِی الْقَرْنَیْنِ (۸۳:۱۸)
دو گیسو ـ سِکَندَر ۵۵، با دو گیسو ـ اسکندر ۸۰، با دو گیسو ۹۱
★ ذِی انْتِقَام: أَلَیْسَ اللَّهُ بِعَزِیزٍ ذِی انْتِقَامٍ (۳۷:۳۹)
کینه گُزار ۲، کشنده کینه ٤۱، کینه آهنج ٤۳، کینه کش ۵۲، خداوند کینه کش ۹٦، کینه ستاننده ۱۱۱، با داد ستدن ۱۲۱، ستاننده کینه ۱۲۳، خدای کینه کش ۱۲٤، خداوند کینه کشنده ۱۲٦، خداوند کینه خواه ۱۳٦
★ ذِی ثَلَاث: انْطَلِقُوا إِلَیٰ ظِلٍّ ذِی ثَلَاثِ شُعَبٍ (۳۰:۷۷)
خداوند سه ۱۲۰
★ ذِی حِجْر: هَلْ فِی ذَٰلِكَ قَسَمٌ لِذِی حِجْرٍ (۵:۸۹)
خردمند ۳۹، خداوند خرد ۱۱۱، خردمندان ۱۲٤
★ ذِی زَرْع: بِوَادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ (۳۷:۱٤)
کشتمند ۲، خداوند کشت ۲۹، جای کشت ۵۸، با کشت‌زار ٦۱، کشت‌مند ۹۸، کشت ۱۰۵
★ ذِی ظُفُر: حَرَّمْنَا کُلَّ ذِی ظُفُرٍ (۱٤٦:٦)
هر جانورِی کِناخن دارد از مرغان ۱۰، چیزی که چنگال دارد ۲٤، با ناخنان ۲۷، ناخن ناشکافته ٤٤، خداوند چنگی و سکی از ددگان و مرغ ٤۹، با چنگال ـ مُرغ ۵۵، با چنگال ۸۰، ناخن‌دار ۸۸، با ناخن ۱۰٤، مرغی خداوند چنگال ۱۰٦، مرغ با چنگال و ستور با سُم ۱۱۱
★ ذِی عِلْم: وَفَوْقَ کُلِّ ذِی عِلْمٍ عَلِیمٌ (۷٦:۱۲)
دانا ۳٦
★ ذِی فَضْل: وَیُؤْتِ کُلَّ ذِی فَضْلٍ فَضْلَهُ (۳:۱۱)
با فُزونی ۵۵
★ ذِی قُوَّة: ذِی قُوَّةٍ عِنْدَ ذِی الْعَرْشِ (۲۰:۸۱)
با نیرو ۳۰
★ ذِی مَسْغَبَة: أَوْ إِطْعَامٌ فِی یَوْمٍ ذِی مَسْغَبَةٍ (۱٤:۹۰)
گرسنگی ۳٦، خداوند گرسنگی ۵۲، گرسنه ۱۰۸، خداوند گرسنه ۱۲٤



رَابِطُوا: اَصْبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ (۳: ۲۰۰)
اسبان ببندید ۱، خویشتن نگاه دارید ۲، کارزار کنیت ۳، هم خُند باشید ۱۰، ببستدید ۲۳، ستون بندی ۲٤، ببندید ۲۷، هم پشت باشید ٤۰، خود را نگاه دارید ـ بسته دارید ٤۳، کارزار کُنیت ٥٥، باز بندید ٥۷، نگاه دارید ٥۸، بربندیدتان ٦۱، همه هم پشت باشید ٦٥، نگاه دارید اسبان را ۷٤، خویشتن نگاه داریت ۸۳، خویشتن را نگاه دارید از دشمن ۹۱، بربندید ۹٦، خویش را نگاه دارید ۹۸، اسبان بندید ۱۰۹، آماده باشید ۱۱٦، کارزار کنید ۱۱۹، بییستید ۱۲٤، خویشتن نگه دارید ۱۲۷

رَابِعُهُمْ: سَيَقُولُونَ ثَلَـٰثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ (۱۸: ۲۲)
چهارمین ۷۲، جارم ۱۰۹، چهارم ۱۱٤

رَابِيًا: فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَّابِيًا (۱۳: ۱۷)
اوزودار[1] ۱، برآمده ۲، بر سر آب آینده ۳، بر زبر آینده ٥، ور سر آب ۲٤، بر سر آینده ۲۹، بر بالا استیده ۳٤، وابر ٤۱، بسر آینده ٤۳، بَر سَراب آیندَه ٥٥، ز بر آب برآمده ٥٦، بر آب ایستاده ٥۸، بلند ٦۰، بر بالا ایستاده ٦۲، بر بالای آب ایستیده ٦٥، بالا ۷٦، بر بالا آینده ۷۹، بالا استاده ۸۸، ایستاده ۹۲، بر سر آمده ۱۰۲، سر آب آینده ۱۰٦، بالا ایستاده ۱۰۹، ز بر ۱۱۱، بر روی آب ۱۲۲، بر آینده ۱۳۱، براینده ۱۳۳

رَابِيَةً: فَعَصَوْاْ رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَّابِيَةً (٦۹: ۱۰)
سخت ۱، آشکارا ۲، اوزون[2] ۸، رشت ۱۹، ناگاه سخت ٤۱، درشت ٥٤، بزرگ ٦۹، افزون و سخت ۷۲، افزون شونده ۸۰، آشکار ۸۸، افزون ۱۰۹، روز افزون ۱۱۷، افزاینده ۱۲٦، سخت افزونی ۱۳۹

رَاجِعُونَ: أَنَّهُم مُّلَـٰقُواْ رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَٰجِعُونَ (۲: ٤٦)
باز گردند ۲، باز گردندگان ۳، خواهند گردید ۲۹، بَاز گَرَدندگان ٥٥، بازخواهند گشت ٦٤، باز گردانندگان ۸۰، با او گردندگان ۸٥، باز گردیده‌اند ۱۰۰، باز گردندگان ۱۰۱، باز گردانند ۱۰٤، باز گردگان ۱۲٤، بإز گردندگان ۱۲۷

۱. اوزودار / افزاینده.
۲. اوزون / افزون.

~: قَالُوٓا۟ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيْهِ رَٰجِعُونَ (۲:۱۵۶)
باز گردیدن ۲۴، باید رفتن ۴۰، باز گردیم ۵۳، باز گردید گان ۵۷، گردند گان ۶۳، باز گردیده ۱۰۴، باز گشت کنند گان ۱۲۲

~: كُلٌّ إِلَيْنَا رَٰجِعُونَ (۲۱:۹۳)
واز آمداران[1] ۱، باز آینده ۲۹، آیند ۷۶، باز گردنده ۸۶، باز گردانیده گان ۱۱۳، باز گشت گان ۱۳۹

~: أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَٰجِعُونَ (۲۳:۶۰)
باز شوند ۲۴، واگردانده ۲۹، خواهند گشتن ۳۴، باز خواهند گشتن ۵۴، باز آیند گان ۵۶، باز گرد گان ۵۸، خواهند شدن ۷۶، باز گردانید گان ۹۲، باز گردنند گان ۱۱۵، باز گرداند گان ۱۳۹

★ اِلَيْنَا رَاجِعُونَ: كُلٌّ إِلَيْنَا رَٰجِعُونَ (۲۱:۹۳)
سوی ما باز گردند ۲

★ اِلَيْهِ رَاجِعُونَ: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيْهِ رَٰجِعُونَ (۲:۱۵۶)
وَانَزدِوَی باید رفتن ۴۰

★ أَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ: وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَٰجِعُونَ (۲:۴۶)
ایشان باز گردند ۱۰۵

اَلرَّاجِفَةُ: يَوْمَ تَرْجُفُ ٱلرَّاجِفَةُ (۷۹:۶)
لرزیدار[2] ۱، جُنبنده ۲، جنبانده ۲۹، جنبنده ـ زمین ۳۰، جُنبیدنی ۳۴، لرزیدن ۳۸، لرزنده ۶۱، درجنبنده ۸۹، لرزانیدن ۹۲، جنبیدن ۱۰۰، جنبنده ۱۰۲، جنبنده ۱۰۳، زمین لرزنده ۱۰۴، جنبنده نی ۱۰۸، دمنده ـ جنبنده ۱۲۴

اَلرَّاحِمِينَ: وَأَنتَ أَرْحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ (۷:۱۵۱)
بخشایگان ۵۲، بخشایند کان ۵۳، بخشند گان ۹۸

~: وَهُوَ أَرْحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ (۱۲:۹۲)
مهربانان ۵، بخشایش کنند گان ۲۹، بخشاینده گان ۹۲

~: أَنِّى مَسَّنِىَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرْحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ (۲۱:۸۳)
بخشایند گان ۲، بخشایشگران ۲۹

~: فَٱغْفِرْ لَنَا وَٱرْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ (۲۳:۱۰۹)
بخشاینده ۷۶

رَادَّ: إِن يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَآدَّ لِفَضْلِهِۦ (۱۰:۱۰۷)
واز گردانستار[3] ۱، بَاز زَنَنْده ۲، باز دارنده ۳، کسی که باز دارد ۲۴، وا گرداننده ۲۹، دور کننده ۳۸، باز زننده ۴۲، بَاز گَرَدَانندَه ۵۵، باذ دارنده ۵۶، باز گرداننده ۶۱، باز گرد آننده ۹۴، باز رانده ۹۶، بازپس برنده ۱۰۲

اَلرَّادِفَةُ: تَتْبَعُهَا ٱلرَّادِفَةُ (۷۹:۷)
سپس آینده ۲، از پس آینده ۲۹، بدم آینده ۳۰، ازپس اندر آمده ۳۹، پس آینده ۶۱، پس رونده ۸۰، در آینده ۹۰، ازپی در آینده ۱۰۲، ازپس درآمدن ۱۰۳، پس درآینده ۱۱۴، از پس رونده ۱۲۱، ازپی دارنده ۱۲۴

لَرَادُّكَ: لَرَآدُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ (۲۸:۸۵)
واز آوردار[4] ۱، باز گرداننده ۳، باز برد ۲۱، بازآرنده ۲۹، باز گرداند ۴۳، باز گردانیده ۴۷، بازارَدْ ۵۳، بازارنده ۶۹، گرداننده ۱۰۶، باز برد ۱۳۹

---

۱. وازآمداران / بازآیندگان.
۲. لرزیدار / لرزنده.
۳. وازگردانستار / بازگرداننده.
۴. وازآوردار / بازگرداننده.

رَادُّوهُ: إِنَّا رَآدُّوهُ إِلَیْكِ (۷:۲۸)
واز آورداران[1] ۱، باز دهیم ۳۰، باز گردانیده ۴۷، باز گرداننده ۵۳، باز گردانیم ۵۶، باز آرند گان ۵۸، باز دارند گان ۷۴، دهیم ۷٦، باز گردنیده ویم ۹۱، باز آوریم ۱۰۵، باز گرداننده ایم ۱۰٦، باز گردانیده ایم ۱۱۳، باز گرداننده ۱۲۱، بر گرداننده ۱۳۲

★ إِنَّا رَادُّوهُ إِلَیْكَ: إِنَّا رَآدُّوهُ إِلَیْكِ (۷:۲۸)
با تو آریم ۲۱

رَادِّی: فَمَا ٱلَّذِینَ فُضِّلُوا۟ بِرَآدِّی رِزْقِهِمْ (۱٦:۷۱)
واز آورداران[1] ۱، ور گرداننده ۲۹، باز گرداند گان ۳۰، باز دارنده ۳۹، بازبرنده ۴۲، باز دهند گان ۴۳، بَاز گردَانَند گان ۵۵، باز گرداننده ۵٦، باز گردانند گان ۵۷، باز آرند گان ۵۸، باز گردند گان ٦۹، باز دارند گان ۷۴، باز زنند گان ۸۳، بر گرداننده ۱۰٦، باز دهند گان ۱۰۹، باز گرداننده گان ۱۱۳

رَازِقِینَ: وَٱرْزُقْنَا وَأَنتَ خَیْرُ ٱلرَّٰزِقِینَ (۵:۱۱۴)
رُوزی دهند گان ۲، روزی دهند گآن ۹۴

~: وَمَن لَّسْتُمْ لَهُۥ بِرَٰزِقِینَ (۱۵:۲۰)
روزی دهنده ۴۱، رُوزی دَهَند گان ۵۵

~: وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ خَیْرُ ٱلرَّٰزِقِینَ (۲۲:۵۸)
روُزی دهند گان ۲

~: وَهُوَ خَیْرُ ٱلرَّٰزِقِینَ (۲۳:۷۲)
روزی داداران[2] ۱، رُوزی دَهَنْدِ گـان ۵۳، روزی رسانان ۱۱۱

~: وَٱللَّهُ خَیْرُ ٱلرَّٰزِقِینَ (٦۲:۱۱)
روزی داداران[2] ۱، روزی دهـــان ۳۹، روزی دهنده گان ۱۱۳

ٱلرَّٰسِخُونَ: إِلَّا ٱللَّهُ وَٱلرَّٰسِخُونَ فِی ٱلْعِلْمِ (۳:۷)
فرو شداران[3] ۱، اِسْتواران ۲، آن کسها کِبجا رسید گانند ۱۰، رسید گان ۲۷، روند گان ۳۹، دانایان در گاه ۴۱، استوار دینان ۴۹، استوران ۵۲، استوار شوند گان ٦۳، دانایان ٦۹، داناان ۷۲، استوار آن ۹٤، بیخاوران[4] ۱۰۹، آنانی که استوارانند ۱۲٤

~: لَّٰكِنِ ٱلرَّٰسِخُونَ فِی ٱلْعِلْمِ مِنْهُمْ (٤:۱٦۲)
فرو شداران[5] ۱، استواران ۲، استوار شد گان ۳، بجارسید گان ۱۰، بجای رسید گان ۲۷، از بر رسید گان ۳۱، پا برجایان ۳۸، بر رسید گان ۴۵، انها که بیخ فرو برده‌اند ۴۸، اندر شُدَه ۵۳، اُسْتوار شُد گان ۵۵، روند گان و دانند گان ۵۸، فراخ شد گان ٦۰، پرورند گان ۷۵، استوار شده گان ۸۰، رسته‌اند ۹۱، بیخ آوران ۱۰۲، استوار کاران ۱۲۹، استوار شدند گان ۱۳۸

رَاسِیَات: وَقُدُورٍ رَّاسِیَٰتٍ (۳٤:۱۳)
استادار[6] ۱، استوار کرده ۲، استوار نهاده ۳، سر افراشته ۷، چند کوهها ۱۸، ایستاده ۲۹، استیده بر جای خویش ۳٤، کوهها ۳۹، استوار ۴۳، ستوار ۴۷، بر افراشته ۵۲، ایستَادَهْ ۵۳، بزمین فرو برده ـ

---

۱. واز آورداران: باز رسانند گان.
۲. روزی داداران / روزی دهند گان.
۳. فروشداران / فرو شوند گان.
٤. بیخاوران / بیخ آوران: استواران.
۵. فروشداران / فروشد گان.
٦. استادار: استوار: محکم.

استوار کرده ٥٦، استوار در کوهها ٦۱، استوار بر جای ۷۲، ماند گان ۷٤، کوهها استاده ۸۸، بلند و استوار ۹۲، استاده ۹٦، ور کوه کننده ۱۰٦، استواران ۱۰۹، پایه ۱۱۱، بیخ آور ۱۱٤، بلند برافراشته ۱۱٦، برجای خود استوار ۱۱۹، استوار ایستاده ۱۲۱، کوههای ایستاده ۱۲٤، دیکپایها ۱۳۲، بلند ۱۳۳، در زمین گرفته ۱۳۸

اَلرّاشِدُونَ: أُوْلَٰئِكَ هُمُ ٱلرَّٰشِدُونَ (۷:٤۹)

ره داران[1] ۱، راه یافتگان ۲، راه راست یافتگان ۳، نیک بختان ۱۷، راه یاونده ۲۹، راه یافتد گان ۳۰، راه راست روند گان ٤۱، راه بازیافتگان ٦٥، نیک بختان ۸۱، راست کاران ۹۲، راه دانان ۹٦، راه راست روان ۱۱۱، راست براند گان ۱۳۹

رَاضِیَةٌ: فَهُوَ فِی عِیشَةٍ رَّاضِیَةٍ (۲۱:٦۹)

پسند یده ۱، باپسند ۳

~: لِّسَعْیِهَا رَاضِیَةٌ (۹:۸۸)

پسند یدار ۱، خشنود شده ۲٤، خوش ۱۰٦، پسند کننده ۱۰۹

~: ٱرْجِعِیٓ إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِیَةً مَّرْضِیَّةً (۲۸:۸۹)

پسند یدار ۱، خشنود گشته ۲، خشنود ۲۹، خشنود باشی ازو ۱۲۳، خوش نود ۱۳٦

~: فَهُوَ فِی عِیشَةٍ رَّاضِیَةٍ (۷:۱۰۱)

خوشنود ۹٦، پسند یده و خشنود ۱۰۲

رَاعِنَا: لَا تَقُولُوا رَٰعِنَا (۱۰٤:۲)

گوش بماداز ۲، نگاهدار ۳، گوش فامادار ۱۰، گوش دار ٤۲، گوش دارید بما ٥۷، دشنام ۷٤، بپای ۱۰٥، گوش فرادار ۱۱۲، نگه‌دار ۱۱۹، بگذار ۱۲۱، گوش بما دارید ۱۲٤، سخن و گوش بما دارید ۱۲۷

~: وَٱسْمَعْ غَیْرَ مُسْمَعٍ وَرَٰعِنَا لَیًّۢا بِأَلْسِنَتِهِمْ (٤٦:٤)

گوش دار ۲، گوش فادار ۱۰، گوش دار بما ۲۹، نگاه‌دار ۳۰، گوش فرامادار ٦۳، بنگر ۷٥، گوش دآر ۹٤، نگهدار ۱۱٤، گوش بمادار ۱۱۹

رَاعُونَ: وَٱلَّذِینَ هُمْ لِأَمَٰنَٰتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَٰعُونَ (۸:۲۳)

نگه داشتاران[2] ۱، نگاه داران ۲، نگاه دارند گان ۳، نگه دارند گان ۲٤، نگه دارنده ۲۹، نگاه بانْ ٥۳، نگاهدارند گان ۸۷، نگهدارند گان ۱۰٦

~: وَٱلَّذِینَ هُمْ لِأَمَٰنَٰتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَٰعُونَ (۳۲:۷۰)

نگه داشتاران[2] ۱، بجای آرند ٦، نگاه دارنده ۱۹، نگاه‌دار ۳۰، نگاه دارند ۳۹، نگاه می دار ند ٤۹، نگاه دار باشند گان ٦۱، بجای آورند گان ۱۰۰، نگه بانان ۱۰٦، نگاه دارنده گان ۱۱۳

رَاغَ: فَرَاغَ إِلَىٰٓ ءَالِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (۹۱:۳۷)

بگشت ۱، بگرایست ۲، برفت ۲۲، درآمد ٤۱، بچسبید ٤۲، بپرداخت ۸۱، خمید ۹٦، پنهان بازگشت ۱۰۳، روان شد ۱۳۲، روآورد ۱۳٦

~: فَرَاغَ عَلَیْهِمْ ضَرْبًۢا بِٱلْیَمِینِ (۹۳:۳۷)

بگشت ۱، روی نهاد اندر - ایستاد ۳۳، بچسپید ٥۲، گرایست ۸۰، بنهان درآمد ۱۱۱، نهان آمد ۱۲۱

~: فَرَاغَ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ فَجَآءَ بِعِجْلٍ سَمِینٍ (۲٦:٥۱)

پنهان رفت ۳، بشتافت ۱۷، بازگردید ۲٤، واگردید ۲۹، بازگشت ۳۰، رفت ۳٦، درشد ٤۲، نهان رفت ۸٦، بنهان رفت ۱۲۱، روی آورد ۱۳٦

رَاغِبٌ: قَالَ أَرَاغِبٌ أَنتَ عَنْ ءَالِهَتِی (٤٦:۱۹)

گشتار[3] ۱، ناخواهان ۲، دست بخواهی داشتن ۲٤،

---

۱. ره داران / راه یافتگان.
۲. نگه داشتاران / نگاه دارند گان.
۳. گشتار: روی گردان؛ ناخواهان.

روی گـردانـنـده ۳۹، بـر گـردنـده ۴۲، نـاخـواه می شوی ۴۳، نمی خواهی و رها می کنی ۵٦، باز شدی ۵۸، همی خویشتن کشیده ۸۸، روی گردانند ۱۰۹، گردانـنده ۱۱٤، برگرداننده ۱۳٦

رَاغِبُونَ: إِنَّآ إِلَى ٱللَّهِ رَٰغِبُونَ (۹: ۵۹)
امید داریم ۲، خُواهِش کُنیم بَهتَرشان بودَی ۱۰، اومـیـدوار ۱۱، اومـیـد داران ۳۸، خَـواهـانـی نَمایَند گان ۵۵، امیدواران ۹۱، امیّد داریم ۱۰۵، خواهانی نمایان ۱۱٤، خواهانیم ۱۱۹

~: إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا رَٰغِبُونَ (۶۸: ۳۲)
اُمید داریم ۲، خواهانی نمایند گان ۳، اهنگ کنند گان ۸، باز گردید گان ۹، اومید داریم ۳۰، امیدواران ۳۹، پناه بردیم ٤۱، خواهان نمایند گان ۸۰ امید دارند گان ۸۸، آهنگ کنند گان ۱۰۲، همی امیدواریم ۱۰۸

رَافِعَةٌ: لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ (۵٦: ۳)
وربـردار ۱، بـر آرد ۲، بـردارنـده ۳، بَـردَارنـده ٤۲، بَردارَنده ۵۱، بر آرنده ۸۰، برافرازنده ۸۹، برداشته ۹۰، بـرارنـده ۹۲، بـالا رونـده ۱۱۵، فـرازنـده ۱۳۱، برافرازند ۱۳۸

رَافِعُكَ: إِنِّى مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَىَّ (۳: ۵۵)
بَردَارنده ۲، بردارنده ۳، بر آرم ۲۷، بر آرنده ۲۸، بَردَارنَدَه ٤۲، بَر آرَنده ۵۵، بردارَنده ۵۷، بردارم ٦۱، برافرازنده ۸۹، برخواهم برد ۹۰، برافرازنده‌ام ۱۰٦، بلند کننده ۱۱۵، برافرازم ۱۲٤، بلند گرداننده ۱۳۵

رَاقٍ: كَلَّآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلتَّرَاقِىَ وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ (۷۵: ۲۷)
اوسُون گر[1] ۱، فُسوس کننده ۲، برنده ٦، فسون کننده ۲۹، افسوس کننده ۳۰، افسون کننده ٤۱، بردَارندَه ٤۲، دربرنده ٤۳، اَفسُونکر ۷۸، افسون گر ۸۹، برشونده ۹۰، افسونگر ۱۰۹، افسون خوانـنـده ۱۱۱، فسـونـگـر ۱۱٤، استخوانـهـای سینه ۱۳۳

رَاكِعًا: فَٱسْتَغْفَرَ رَبَّهُۥ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ (۳۸: ۲٤)
پشت خم دهنده ۳، اندر روی ۳۳، پشت خم داد ۱۰٤، پشت خم کرده ۱۲۹

رَاكِعُونَ: وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُمْ رَٰكِعُونَ (۵: ۵۵)
نماز کنند گان ۵٦، سر خم دهند گان ۸۰، فروتنی دارند ۱۲۳

~: ٱلسَّٰٓئِحُونَ ٱلرَّٰكِعُونَ (۹: ۱۱۲)
پشت خم دهند گان ۳، پُشت خَمْ دَهَندَ گان دَر نَماز ۵۵، پشت خم کنند گان ۱۰۹، پشت خم کنان ۱۱٤، پشت هم دهند گان ۱۲۹

ٱلرَّٰكِعِينَ: وَءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱرْكَعُوا۟ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ (۲: ٤۳)
پشت خم دهند گان ۳، نماز کنند گان ۲٤، نماز کنَـان ٤۲، پُـشـتْ خَـمْ دَهَـنْـد گـان ۵۵، سر خم دهند گان ۸۰، گردن نهند گان ۱۰۲، پشت خم دهند گان نماز کنند گان ۱۰۹

~: وَٱسْجُدِى وَٱرْكَعِى مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ (۳: ٤۳)
پُشت خم دهند گان ۲۸، نماز گزارند گان ۳۰، پشت خم دهند گان از مردان و زنان ٤۹، پُشت خَم دَهَندَ گان ۵۵، نماز کنان ۷۲، نماز گزاران ۱۰٤

رَانَ: كَلَّا ۖ بَلْ ۜ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ (۸۳: ۱٤)
افکند ٦۵، چیره شد ۹۱، زنگار افتاد ۹٤، زنگ نهاده ۱۱٦، زنگ فکنده ۱۲۲، زنگ ۱۲۳، زنگار نهاد ۱۳۳

رَاوَدتُّنَّ: إِذْ رَٰوَدتُّنَّ يُوسُفَ عَن نَّفْسِهِۦ (۱۲: ۵۱)
بخواستید ۱، بُخواستِید ۲، خواستیت ۳، خواستند

۱. اوسون گر / افسون گر.

۲٤، خواندید ۲۹، در خواستید ۳٦، بخواندیت بخود ٤١، خواستید ۵۳، خَواشتیت ۵۵، خواستید تان ٦١، درخواستید شما ٦۳، بخود خواندید ١۳٦

رَاوَدَتْنِی: قَالَ هِیَ رَٰوَدَتۡنِی عَن نَّفۡسِی (۱۲:۲٦)
جُشت ۲، بخویشتن خواند ۲۹، خواست و جست ۳۰، دهند ٤١، وی جست ۵۲، خواست ۵۳، خَواشت ۵۵، درخواست ۵۸

رَاوَدَتْهُ: وَرَٰوَدَتۡهُ ٱلَّتِی هُوَ فِی بَیۡتِهَا (۱۲:۲۳)
بخواست ١، بجشت ۲، جست ۳، بخواند ۲٤، درخواست ۳٦، بخود خواند ٤١، جُشت ۵۵، خواست ۵۷، بجسته ۷۸، خواند ۸۸، درخوآست ۱۰۰، آمد شد میکرد ۱۰۲، خواست بخود خواند ۱۰۹، درخواست مراورا خود ۱۱۱، آمد و رفت میکرد ۱۲۷، کامجوی شد ۱۳۵

رَاوَدتُّهُ: وَلَقَدۡ رَٰوَدتُّهُۥ عَن نَّفۡسِهِۦ فَٱسۡتَعۡصَمَ (۱۲:۳۲)
بخواستم ١، خواندم من ۲٤، واخواست کردم ۲۹، می خواهم ۳٦، بخواندم بخویشتن ۵۲، جُشتَمَش ۵۵، خود خواستم ۵۸، بخود خواندم ٦۲، درخواستم ٦۳، میخواستم ٦٤، مَن بَخُود خُواندَم ۷٦، درخواستم من ۹۳، خواستیم ۱۱۲، خواستم ۱۱٤، خواندم ۱۲۱، خواندم بخود ۱۳٦

~: أَنَا۠ رَٰوَدتُّهُۥ عَن نَّفۡسِهِۦ (۱۲:۵۱)
جستم ۳، بخود من خواندم ۷ مکرّر، خواستَمْ ۵۳، می خواستم ۵۸، درخواسته بودم ۱۰۰

رَاوَدُوهُ: وَلَقَدۡ رَٰوَدُوهُ عَن ضَیۡفِهِۦ (۵٤:۳۷)
بخواستند ١، بجستند ۲، واخواست کردند ۲۹، خواستند ۳۰، خواستار کردند ۵۳، درخواستند ۹١، جستند ۱۰۲، کاویدن خواستند ۱۰۸، فاخواستند ۱۰۹، آمد و رفت کردند ۱۳٦

رِئَاءَ: كَٱلَّذِی یُنفِقُ مَالَهُۥ رِئَآءَ ٱلنَّاسِ (۲:۲٦٤)
دیدار ۲، چشم دیدن ۳۹، دیدار ٤۲، دیدن ٦١، پدیدار ۸۸، برای نمایش ۹۰، رویاروی ۹۸، برو ۱۰۰، بروی ۱۲۱

~: وَٱلَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ رِئَآءَ ٱلنَّاسِ (٤:۳۸)
چشم دید ١، نمودن ۳، رویْ و چَشم دیدار ۱۰، پَدیدار ٤۲، از بَهر دیدَن ۵۵، بردیدار ۷۸، برای دیدن ۱۱٤، روی ۱۲۱

~: مِن دِیَٰرِهِم بَطَرًا وَرِئَآءَ ٱلنَّاسِ (۸:٤۷)
چشم دیدی ١، دیدارْ ۲، نمایش ۳، شنید و دیدار ۱۰، چشم دیدار ۲۷، فرانمودن ۲۹، رویجه ۳۹، نَمایش ۵۵، خوش آمد ۱۲۱، خودنمایی ۱۳۰

رَءَاكَ: وَإِذَا رَءَاكَ ٱلَّذِینَ كَفَرُوٓاْ (۲۱:۳٦)
گینند[1] ١، ببینند ۲، بینند ۳۰، بیند ٤۳، بینَنْد ۵۳، به بینند ۵۸، به بیند ۹۲، می بینند ۱۰۳، دیدند ۱۱٤

رَءَاهُ: أَفَمَن زُیِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ فَرَءَاهُ حَسَنًا (۳۵:۸)
گیند[2] ١، ببیند ۵٦، دید ۱۱٤

~: فَٱطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِی سَوَآءِ ٱلۡجَحِیمِ (۳۷:۵۵)
بدید ۳۳، بیند ۵٦

~: وَلَقَدۡ رَءَاهُ نَزۡلَةً أُخۡرَىٰ (۵۳:۱۳)
دیده بود ٦١، دیده است ۹٦

~: وَلَقَدۡ رَءَاهُ بِٱلۡأُفُقِ ٱلۡمُبِینِ (۸۱:۲۳)
بدید ۳۰

~: كَلَّآ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَیَطۡغَىٰٓ أَن رَّءَاهُ ٱسۡتَغۡنَىٰٓ (۹٦:۷)
بیند ٦٤، به بیند ۱۳٦

---

١. گیند / بیند.
۲. گیند / بیند.

رَءَاهَا: فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا (۲۷:۱۰)

بدید ۶۱، دید ۱۱٤

رَأَتْهُ: فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً (۲۷:٤٤)

دید ۱، بدید ۲٤

رَأَتْهُمْ: إِذَا رَأَتْهُم مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۲۵:۱۲)

گینند[1] ۱، بینند ٤۷، ببینند ۵۶، بینند ۵۸، بینی تو ۱۰۰، بیند ۱۱۹

رَأْسِ: وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ (۷:۱۵۰)

موی سر ٤۱، موی سر ۵۵

~: وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا (۱۹:٤)

سر ۱

رَأْسِهِ: فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِن رَّأْسِهِ (۱۲:٤۱)

سر ۵۳

~: صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ (٤٤:٤۸)

سر ۱

رَأْسِي: إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا (۱۲:۳۶)

سرم ۱۱٤

~: لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي (۲۰:۹٤)

سر ۲

رَأْفَةٌ: وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ (۲٤:۲)

مهروانی[2] ۱، مهربانی ۲، بخشودن ۳، بخشایش ۲٤، مهر ۵۸، بخشش ۱۲٤، مهربان ۱۳۹

~: جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً (۵۷:۲۷)

مهربانی ۲

رَأَوُا: وَرَأَوُا الْعَذَابَ (۲:۱۶۶)

ببینند ۲، ببینند ۱۰، بدیده باشند ۶۲، به بیند ۹۰، به نند[3] ۱۲۷

~: وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا (۷:۱٤۹)

بدیدند ۲، بدید ۱۰۵

~: وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ (۱۰:۵٤)

گینند[1] ۱، بدیدند ۵۳، به بینند ۵۸

~: ثُمَّ بَدَا لَهُم مِّن بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ (۱۲:۳۵)

دیدند ۵۵، بدیدند ۷۶

~: حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ (۱۹:۷۵)

بیند ۱۱٤

~: فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ (۲۸:٦٤)

گینند[1] ۱

~: فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ (٤۰:۸٤)

دیدند ۱

~: وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا (٦۲:۱۱)

بینند ۳

رُءُوسُ: فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ (۲:۲۷۹)

سرها ۱۰۰

~: طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ (۳۷:٦۵)

سرها ٤۲

★رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ: فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ (۲:۲۷۹)

سرمایها ۲، سرمایه ۲۵، سرمایهٔ خواستها ۲۷، سرمایهاء ۵۷، سرمایها ۱۰۵، سرمایه ها ۱۲۱،

---

۱. گینند / بینند.
۲. مهروانی / مهربانی.
۳. به نند / بینند.

سرمايهاء ۱۲۵، سَرمايها ۱۳۸

رُءُوسَكُمْ: وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ (۲:۱۹۶)
سَرها ۲

~: وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ (۵:۶)
سر ۲۴، سَرها ۵۳

~: آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ (۴۸:۲۷)
سرها ۱۷

رُءُوسِهِمْ: مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ (۱۴:۴۳)
سَرها ۲

~: فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ (۱۷:۵۱)
سرهَاء ۶۲

~: ثُمَّ نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ (۲۱:۶۵)
سرها ۲۴، سَرهَا ۴۲، سَرْهاَ ۵۳، سرهاء ۶۴

~: يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ (۲۲:۱۹)
سرها ۱۱۱

رَءُوفٌ: إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ (۲:۱۴۳)
مِهْربان ۲، مِهْرَبان ۴۱

~: وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (۲:۲۰۷)
مِهْربان ۲، وُشخایند [ه][1] ۱۰

~: وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (۳:۳۰)
نیک مهربان ۳، وشخایند [ه][1] ۱۰، بخشاینده ۲۵

~: إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (۹:۱۱۷)
مِهْرَبان ۵۵، مهرَبان ۶۲، بسیار مهربان ۱۲۲

~: إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ (۱۶:۷)
مهربآن ۱۰۰

~: فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ (۱۶:۴۷)
مهروان[2] ۱، مُهرَبان هَميشه ۵۵

~: إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ (۲۲:۶۵)
مهربان ۲

~: وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ (۵۷:۹)
سخت مهربان ۸۷

~: رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (۵۹:۱۰)
نیکوکار ۳۹، بخشنده ۱۲۳

رَأَوْكَ: وَإِذَا رَأَوْكَ إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا (۲۵:۴۱)
بینند ۵۳، بیند ۶۱، می بینند ۱۰۳، بوبینند ۱۱۳

رَأَوْهُ: وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا (۳۰:۵۱)
بینند ۱، بیند ۶۱، بوبینند ۱۱۳

~: فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ (۴۶:۲۴)
دیدند ۱، بدیدند ۳۰، ببینند ۳۹

رَأَوْهَا: فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ (۶۸:۲۶)
بدیدند ۳۸، بدید ۶۱، دیدند ۱۰۰

رَأَوْهُمْ: وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۸۳:۳۲)
بدیدندی ۵۶، بدیدند ۸۷، دیدند ۹۲، دیدندی ۱۰۰، میدیدند ۱۱۴

رَأَى: فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا (۶:۷۶)
دید ۱، بدید ۲

~: وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ (۱۲:۲۴)
دیدی ۶۱

~: فَلَمَّا رَأَىٰ قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ (۱۲:۲۸)

---

۱. وشخاینده / بخشاینده.

۲. مهروان / مهربان.

بدید ۲

~: وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ (۸۵:۱۶)

ببینند ۲، بینند ۲۴، ببینند ۵۶، به بینند ۵۸، به بیند ۹۲

~: وَرَءَا ٱلْمُجْرِمُونَ ٱلنَّارَ (۵۳:۱۸)

گینند[1] ۱، دیدند ۶۱

~: إِذْ رَءَا نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ (۱۰:۲۰)

بدیدی ۷۶

~: وَلَمَّا رَءَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلْأَحْزَابَ (۲۲:۳۳)

بدیدند ۵۶

~: مَا كَذَبَ ٱلْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ (۱۱:۵۳)

دانست ۱۲۵

رَأْيَ: يَرَوْنَهُم مِّثْلَيْهِمْ رَأْيَ ٱلْعَيْنِ (۱۳:۳)

دیدن ۱، دیدار ۲، بچشم دیدار ۳، دیدار بچشم - بچشم دیدار ۲۸، اندر دیدار چشم ۲۹، چشم دیدار ۳۰، دیدار چشم ۳۸، بینایی ۴۱، دیدار ۴۲، بچشم دیدار ۵۵، دیدن آشکارا ۱۳۰

~: إِلَّا ٱلَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ ٱلرَّأْيِ (۲۷:۱۱)

خرد ۲۷، کار ۵۸

رِئْيًا: مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَٰثًا وَرِءْيًا (۷۴:۱۹)

جامه تن ۲، دیدار ۳، کالاء خانه ۴۳، جامه تن ۹۴، به یحارش ۹۶، خان و مان ۱۰۲، خواسته ۱۴۲

ٱلرُّؤْيَا: يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمَلَأُ أَفْتُونِى فِى رُءْيَٰىَ (۴۳:۱۲)

خواب ۱، خواب دیدن ۲۹، خوآب ۱۰۰

~: وَمَا جَعَلْنَا ٱلرُّءْيَا ٱلَّتِىٓ أَرَيْنَٰكَ (۶۰:۱۷)

نمایش ۲، خواب بیداری ۵۶، دیدن ۶۲، خوآب ۱۰۰، نمایش خواب ۱۰۹

~: لَّقَدْ صَدَقَ ٱللَّهُ رَسُولَهُ ٱلرُّءْيَا بِٱلْحَقِّ (۲۷:۴۸)

خواب ۲

★ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ: إِن كُنتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ (۴۳:۱۲)

مرخوابرا همی بگزارید ۹۴

رُؤْيَاكَ: لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلَىٰٓ إِخْوَتِكَ (۵:۱۲)

خواب ۱، خواب دیدن ۲۹، خواب ۵۵، خوآب ۱۰۰

رُؤْيَايَ: يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمَلَأُ أَفْتُونِى فِى رُءْيَٰىَ (۴۳:۱۲)

دیدن خواب ۱۲۳

~: يَٰٓأَبَتِ هَٰذَا تَأْوِيلُ رُءْيَٰىَ مِن قَبْلُ (۱۰۰:۱۲)

خواب ۲، خواب ۵۵

رَأَيْتُ: رَأَيْتَ ٱلْمُنَٰفِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ (۶۱:۴)

بینی ۱، به بینی تو ۶۱، ببینی ۸۲

~: وَإِذَا رَأَيْتَ ٱلَّذِينَ يَخُوضُونَ فِىٓ ءَايَٰتِنَا (۶۸:۶)

به بینی ۲۶

~: يَٰٓأَبَتِ إِنِّى رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا (۴:۱۲)

دیدم ۱، بدیدم ۶۳، دیده‌ام ۹۶

~: قَالَ أَرَءَيْتَ إِذْ أَوَيْنَآ إِلَى ٱلصَّخْرَةِ (۶۳:۱۸)

دیدی ۲، دیدی تو ۶۱

~: أَفَرَءَيْتَ ٱلَّذِى كَفَرَ بِـَٔايَٰتِنَا (۷۷:۱۹)

می بینی ۵۶

~: أَرَءَيْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ (۴۳:۲۵)

همی بینی توا ۱۱۹

~: أَفَرَءَيْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ (۲۳:۴۵)

همی بینی ۲۲، دیدی ۳۲، بدیدی ۴۱، بینی یا گویی ۱۰۸

۱. گینند / بینند.

~: رَأَیْتَ الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِم مَّرَضٌ (۲۰:٤۷)
گینی[1] ۱، بینی تو ۵۱، بدیدی تو ٦۱، تو بینی ۸۱

★ أَرَأَیْتَ: أَفَرَءَیْتَ الَّذِی کَفَرَ بِـَٔایَـٰتِنَا (۷۷:۱۹)
نه بینی ۷٦

~: أَرَءَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَـٰهَهُۥ هَوَىٰهُ (٤۳:۲۵)
چی بینی ٤٦، او چه بینی و چه کنی ۵۸

★ أَفَرَأَیْتَ: أَفَرَءَیْتَ الَّذِی تَوَلَّىٰ (۳۳:۵۳)
نه بینی تو ۵٦

أَرَأَیْتَكَ: قَالَ أَرَءَیْتَكَ هَـٰذَا الَّذِی کَرَّمْتَ (٦۲:۱۷)
دیدی ۱، بینی ۲، چه گویی ۵۸، دیدی تو ٦۱، ای بینی ۹۳

أَرَأَیْتَكُمْ: قُلْ أَرَءَیْتَكُمْ إِنْ أَتَىٰکُمْ عَذَابُ اللَّهِ (٤۰:٦)
چگوهید[2] ۱، چه بینید ۲۹، می بینی ۵۳، چه بینید و گویید ۵۸، دیدید ٦۱، بینید ۸۸، دیدتان ۱۱٤، می بینید ۱۲۳

~: قُلْ أَرَءَیْتَکُمْ إِنْ أَتَىٰکُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً (٤۷:٦)
او چند بینید ۵۸

★ أَرَأَیْتَکُمْ: قُلْ أَرَءَیْتَکُمْ إِنْ أَتَىٰکُمْ عَذَابُ اللَّهِ (٤۰:٦)
نه بینی ۲٤، نه بینی شما ۲٤، ای همی نبینید ٦۲

أَرَأَیْتُمْ: قُلْ أَرَءَیْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَکُمْ (٤٦:٦)
چگوهید[2] ۱، بینیت ۱۰ مکرّر، بینید شما ۲٦، به بینید شما ۱۱۸

~: قُلْ أَرَءَیْتُمْ إِنْ أَتَىٰکُمْ عَذَابُهُۥ بَیَـٰتًا (۵۰:۱۰)
چگوهید[2] ۱، بیبی شما ۲٤، دیدیدتان ٦۱

~: قُلْ أَرَءَیْتُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ لَکُم (۵۹:۱۰)
چه گویید ۱۰ بینید و گویید ۵۸

~: قَالَ یَـٰقَوْمِ أَرَءَیْتُمْ إِن کُنتُ عَلَىٰ بَیِّنَةٍ مِّن رَّبِّی (۲۸:۱۱)
شما چه بینید ۷ مکرّر، می دیدید شما ۷٦، می دیدید ۱۱۸

~: أَرَءَیْتُمْ إِن کُنتُ عَلَىٰ بَیِّنَةٍ مِّن رَّبِّی (٦۳:۱۱)
شما چه گویید ۷ مکرّر، می بینید و گویید ۵۸

~: أَرَءَیْتُمْ إِن کُنتُ عَلَىٰ بَیِّنَةٍ مِّن رَّبِّی (۸۸:۱۱)
دیدید ۱، ببینید شما ۷٦، ای چه بینید شما ۹۳، به بینید ۱۱۸، او دیدید ۱۱۹

~: أَفَرَءَیْتُم مَّا کُنتُمْ تَعْبُدُونَ (۷۵:۲٦)
دیدید ۱، چی بینید شما ٤٦، می بینید ٦٤، دانستید ۸٦، می بینید شما ۱۰۰

~: أَرَءَیْتُمْ إِن جَعَلَ اللَّهُ عَلَیْکُمُ الَّیْلَ سَرْمَدًا (۷۱:۲۸)
چگوهید[2] ۱، دیدید شما ٤۳، چی بینید ٤٦

~: قُلْ أَرَءَیْتُمْ شُرَکَآءَکُمُ (٤۰:۳۵)
چه بینید شما ۵۸

~: قُلْ أَرَءَیْتُمْ إِن کَانَ مِنْ عِندِ اللَّهِ (۵۲:٤۱)
چگوهید[2] ۱، بینید ۲۲، دیدیت ۳۲

~: قُلْ أَرَءَیْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ (٤:٤٦)
چه بینید ۲

~: قُلْ أَرَءَیْتُمْ إِن کَانَ مِنْ عِندِ اللَّهِ (۱۰:٤٦)
همی بینید ۲۲

~: أَفَرَءَیْتُمُ اللَّـٰتَ وَالْعُزَّىٰ (۱۹:۵۳)
دیدیت ۳

~: أَفَرَءَیْتُم مَّا تُمْنُونَ (۵۸:۵٦)

---

۱. گینی / بینی.
۲. چگوهید / چه گویید.

بینید همی ٦١

~: أَفَرَءَيْتُم مَّا تَحْرُثُونَ (٥٦:٦٣)

همی بینید ٦١

~: أَفَرَءَيْتُمُ ٱلنَّارَ ٱلَّتِي تُورُونَ (٥٦:٧١)

ببینید همی ٦١

~: قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَآؤُكُمْ غَوْرًا (٦٧:٣٠)

چگویید شما ٦

★ أَرَأَيْتُمْ: قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ ٱللَّهُ سَمْعَكُمْ (٦:٤٦)

نه بینی شما ٢٤

رَأَيْتُمُوهُ: فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ (٣:١٤٣)

دیدید ١، دیدیت ٣، بدیدی ١٠، بدیدی ٢٤، بدیدید ٣٤، بدیدید شما ٥٨، شما بدیدید ٦٧

رَأَيْتَهُ: لَّرَأَيْتَهُۥ خَٰشِعًا مُّتَصَدِّعًا (٥٩:٢١)

دیدی ١، بدیدی ٦١، تو دیدی ٦٤، بینی ٩٢، دیدی تو ٩٦، میدیدی ١٠٠

رَأَيْتُهُمْ: رَأَيْتُهُمْ لِي سَٰجِدِينَ (١٢:٤)

دیدم ١١٤

~: مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوٓاْ (٢٠:٩٢)

بدیدی ٢، دیدی ٨٧

~: رَأَيْتَهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ (٣٣:١٩)

بینی تو ٥٨، بینی ٤٦

~: وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ (٦٣:٤)

گینی[1] ١، ببینی تو ٦٤، ببینی ١٠٣

~: وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ (٦٣:٥)

تو می بینی ١٠٣، وببینی تو ١١٣

رَأَيْنَهُ: فَلَمَّا رَأَيْنَهُۥٓ أَكْبَرْنَهُۥ (١٢:٣١)

دیدند ١، بدیدند ٢، بدیدند ٦٢، دیدند زنان ١٠٥، بدیدند زنان ١٢٥

رَبِّ: وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِـۧمُ رَبِّ ٱجْعَلْ هَٰذَا بَلَدًا ءَامِنًا (٢:١٢٦)

ای خدای ٦٢، ای پروردگار ٦٣

~: رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِ ٱلْمَوْتَىٰ (٢:٢٦٠)

ای خدا ١٠٥

~: رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي (٣:٣٥)

ای خدای ٢٥

~: قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ (٣:٤٧)

خدیوند[2] ٥٩

~: قَالَ رَبِّ أَرِنِيٓ أَنظُرْ إِلَيْكَ (٧:١٤٣)

ای خداوند ٢٧، خدایا ٣٥

~: فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ٱبْنِي مِنْ أَهْلِي (١١:٤٥)

پروردگار ٩٣

~: قَالَ رَبِّ ٱلسِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ (١٢:٣٣)

بار خدای ٧ مکرّر

~: رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ ٱلْمُلْكِ (١٢:١٠١)

خدای ٥

~: قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ ٱلْعَظْمُ مِنِّي (١٩:٤)

ای خداوند ١٣٩

~: وَٱجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا (١٩:٦)

ای بار خدایا ١٣٩

~: قُل رَّبِّ إِمَّا تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُونَ (٢٣:٩٣)

---

١. گینی / بینی.

٢. خدیوند / خداوند.

بارخدایا ۲٤

~: قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ (۲۸:۲۱)
بار خدای ۱۳۹

~: قَالَ رَبِّ ٱغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا (۳۸:۳۵)
خداوند ۱۳۹

~: رَّبِّ لَا تَذَرْ عَلَى ٱلْأَرْضِ مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ دَيَّارًا (۷۱:۲٦)
ای بار خدای ٦

رَبّ: ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ (۱:۲)
آفرید گار ۱۰، پرورد گار ۹۱

~: وَٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ (٦:٤٥)
پرورد گار ۲

~: وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ (٦:۷۱)
کرد گار ۵۸

~: قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ (۷:۱۲۱)
خداوند و آفرید گار ۵۸

~: أَنِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ (۱۰:۱۰)
پرورد گار ۲

~: مِن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ (۱۰:۳۷)
پرورده گار ۱۳٦

~: قُلْ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ قُلِ ٱللَّهُ (۱۳:۱٦)
آفرید گار و خدای ۵۸

~: رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا (۱۹:٦۵)
خداوند ۲

~: فَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (۲۱:۲۲)
پرورد گار و آفرید گار ٦٤

~: بَل رَّبُّكُمْ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۲۱:۵٦)
خدا ۲

~: لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْكَرِيمِ (۲۳:۱۱٦)
خداوند و پرورد گار ۵۸

~: فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ (۳۷:۸۷)
خدای پرورد گار ۸۱

~: وَٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ (۳۷:۱۸۲)
پرورش دهنده ۱۳٦

~: تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ (٦۹:٤۳)
پرورد گان ۳۹

رِبًا: وَمَآ ءَاتَيْتُم مِّن رِّبًا لِّيَرْبُوَا۟ فِىٓ أَمْوَٰلِ ٱلنَّاسِ (۳۰:۳۹)
گوش[1] ۱، افزونی ۳، سود ۲۹

رَبَائِبُكُمْ: أُمَّهَٰتُ نِسَآئِكُمْ وَرَبَٰٓئِبُكُمُ (٤:۲۳)
دختران زنان ۱، دختراندران ۱۰، دختندران[2] ۲۷، دختر زنان ٤۰، دختران ٦۹، دُختَران زَنان ۵۵، دختر اندر ۵٦، دختندران[1] ٦۷، زن دختران ۹٦، دختر آن زن ۱۰۰، دختران که پیش زاد شمااند ۱۱٤

رِباط: وَمِن رِّبَاطِ ٱلْخَيْلِ (۸:٦۰)
بستان ۱، بَستن ۲، بسته ۳، نگه داشت ۱۰، بستن ۲۷، وابستگان ۲۹، فروداشتن ۳٤، جهانیدن ۳۸، بازبستن ٦۰، فرو بستن ٦۲، بربستن ۷٤

★ رِباطِ الْخَيْل: وَمِن رِّبَاطِ ٱلْخَيْلِ (۸:٦۰)
جهانیدن اسبان ۱۱، اسْبان بَسته ۵۵، اسبان بسته ۸۰، بازبستن اسبان ۱۰۳

رُباع: مِّنَ ٱلنِّسَآءِ مَثْنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ (٤:۳)
چهار چهار ۱۰، چهار ۲۹، چهارگانه ۳٤، چَهار

۱. گوش: افزونی.
۲. دختندران / دختندران / دختر اندران.

چَهار ٤۲، چهار گان ۹۱

~: أُوْلِيٓ أَجْنِحَةٖ مَّثْنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ (۱:۳۵)
چهارگان چهارگان ۳، چِهارگانْ ۵۳، چار چار ۱۳۰

ٱلرَّبَّٰنِيُّونَ: لِلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلرَّبَّٰنِيُّونَ وَٱلْأَحْبَارُ (۵: ٤٤)
خدایـنان ۱، خُدایـیان ۲، خدای شناسان ۳، دانشمندان ۲۷، خدائیان ۲۹، دانا آن ۳۱، نیک مردان ۳۷، دَانا آن ٤۵، خداشناسان ۵۲، خُدای شِنَاسَان ۵۵، خدای پرستان ٥٦، ترسکاران ٦۱، خداء شناسان ۷۲، دانشمندان بزرگ ۷۵، خدایان[1] ۸۲، خدائیان ۸۳، داناان ۹۱

~: لَوْلَا يَنْهَىٰهُمُ ٱلرَّبَّٰنِيُّونَ وَٱلْأَحْبَارُ (۵: ٦۳)
خداپرستان ۲، خدای ترسان ۳، نیکان ٤۱، پارسایان ٤۲، مردان خدای ٤۸، پارسایان ۵۲، خداوندان ۵۸، خدای ترسَان ٦۱، مردمان خدای ٦۹، خدایـیان ـ پارسایان ۸۳، پارسا آن ۸۸، خداشناسان ۱۰۰، بزرگان ۱۲۱

رَبَّانِيِّينَ: وَلَٰكِن كُونُواْ رَبَّٰنِيِّـۧنَ (۳: ۷۹)
خُدا پرستان ۲، خدای پرستان ۳، خداییان ٤۱، خداشناسان ٤۲، خُدای پرستَان ۵۵، مردان خدای پرست ٥٦، دانایان ۵۷، مردان خدای ۵۸، خدای ترسَان ٦۱، پرستنده ٦۹، مردان خدا ۷٤، خدایان ۹۲، خداپرستان ۹٦، خدای شناسان ۱۰۱، خدائیان ۱۲۱، بسیار دانایان ۱۲۲، راستا در دین ۱۲۳

رَبَتْ: ٱهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنۢبَتَتْ (۲۲: ۵)
بیوزاید[2] ۱، بر آید ۲، افزون شود ۳، بردمد ٢٤، برآید و بالا گیرد ٤۲، برآماسد ۵۸، بیفزاید و تازه شود ٦٤، برایـد ٦۹، بیاماسد ۷۲، برافزاید ۸۷، برویید ۹۰، بر آمد ۹۲، بالا گیرد ۱۰۰، خرم شود ۱۰۲، بجنبد و بیاماسد ۱۳۹

~: فَإِذَآ أَنزَلْنَا عَلَيْهَا ٱلْمَآءَ ٱهْتَزَّتْ وَرَبَتْ (٤۱: ۳۹)
بُرویَدْ ۲۲، بدمد ٢٤، بیفزاید ۳٤، بروید ۳۸، برسر آمد ۵۲، برایَدْ ۵۳، بشکافد ٦٤، بلند شود ۷۹، افزون می شود ۸۰، افزونی شود ۸۷، برآید و بیفزاید ۹٤، برویآند ۱۰۰، افزون کرد ۱۱۱، پدید شود ۱۱۳، بسر آمد ۱۲۵، پیدا شود ۱۲٦، بردهد ۱۳۳، زنده شود ۱۳٦

رَبِحَتْ: فَمَا رَبِحَت تِّجَٰرَتُهُمْ (۲: ۱٦)
کَرْد سُود ۲، سود کرد ۵۰، سُودْ کَرْد ۵۵، کرد سود ۱۱٤، سود رسانید ۱۲۹

★ مَارَبِحَتْ: فَمَا رَبِحَت تِّجَٰرَتُهُمْ (۲: ۱٦)
نه سود کرد ۲، نکردند سود ٢٤، سُود نَکرد ٤۲، نکرد سود ٦۱، سود نکرد ۸۲، سودمند نیامد ۸۹، سودی نداشت ۱۲۲

رَبَطْنَا: وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُواْ (۱۸: ١٤)
ببستیم ۱، استوار کردیم ۲، بستیم ۳، نگاه داشتیم ٢٤، وابستیم ۲۹، بستیم و بپوشیدیم ٤۱، بَر بَسْتِیم ۵۵، استوار کرد.م ما ۵۸، مهراوکندیم[3] ۵۹، نگاهداشتیم ما ٦۷، باز بستیم ۷٦، ببستیم ما ۷۹، بربستیم ۸۸، به بستیم ۱۰۲، به بستیم ما ۱۰٦

~: لَوْلَآ أَن رَّبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا (۲۸: ۱۰)
إستُوار کردیم ۲، ببستمانی ۲۹، استوار کردیمی ۳۰، نگاه داشتیمی ۳۹، بستیم ما ٤۱، باز بستمانی ٤۲، بسته کردیمی ٤۷، بستمانی ۵۲، نگاه داشتیم ما و ببستیم ۵۸، استوار داشتیم ٦۱، نهادیم ٦۵، بربستیم ما ۷٦، فرو بستیمی ۱۰۹، به بستیمانی

۱. خدایان / خداییان، با ادغام دو «ی» در یکدیگر.
۲. بیوزاید / بیفزاید.
۳. او کندیم / افکندیم.

۱۱۳، بند نهادیم ۱۲۰، بَسْتیمی ۱۲۱، ما بند نهادیم ۱۲۳، به بستمانیم ما ۱۳٤

اَلرُّبُعُ: فَلَكُمُ ٱلرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ (۱۲:٤)
چهار یک ۱، چهارْ یک ۲، دانگینیم ۳، دنگی و نیم ۳۸، چَهار یک ۵۵، چهار دانگ ٦۲، دانگی نیم ٦۳، چهار یکی ۷٤، چهآر یک ۹٤

رَبِّكَ: وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ (۱٤۹:۲)
خداوند ٤۰

~: يَـٰمَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ (٤۳:۳)
خُداوند ۲

~: فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ (۲٤:۵)
برادر[1] ۲۷

~: وَرَبُّكَ ٱلْغَنِيُّ ذُو ٱلرَّحْمَةِ (۱۳۳:٦)
خدا ۱۱٤

~: اذْكُرْنِي عِندَ رَبِّكَ (٤۲:۱۲)
خاوندگار[2] ۳

~: وَٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ٱلْحَقُّ (۱:۱۳)
خدای ۵

~: وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي ٱلْقُرْءَانِ وَحْدَهُۥ (٤٦:۱۷)
خُداوند ۵۳، خدا ۱۱٤

~: فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَٱلشَّيَـٰطِينَ (٦۸:۱۹)
خداوند ۲

~: فَذَكِّرْ فَمَآ أَنتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ (۲۹:۵۲)
پروردگار ۸٦

~: مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ (۳:۹۳)
خدا ۸۷

رَبَّكُمْ: اعْبُدُوا رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمْ (۲۱:۲)
خُدای ۱۰، پروردگار ۹۰

~: أَن يُنَزَّلَ عَلَيْكُم مِّنْ خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ (۱۰۵:۲)
خدای ٤۰

~: فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ (۲٤۸:۲)
خداوند ۲۷

~: ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمْ لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ (۱۰۲:٦)
پروردگار ۵۸

~: إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ (۳:۱۰)
پرورنده ۳۹

~: بِلِقَآءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ (۲:۱۳)
خدای ۲٤

~: ٱسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ (٤۷:٤۲)
خداوند ۳۲، خدا ۸۱

رُبَما: رُّبَمَا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا (۲:۱۵)
چند ۱، بس گاه که ۲، بسا ۳، بسا که ۲٤، چندا ۲۹، چندا که ۳۹، بسیار گاه ۵۲، بَسا ۵۵، بسیارا ۵۹، بسا آنچه ٦۱، بس ٦۳، بساگاه ۷۲، باشد ۷٦، بسی ۸۹، بسیار ۱۰۲، ای بسا ۱۱۲، چند باشد ۱۲٤

رَبَّنا: رَبَّنَا وَٱبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ (۱۲۹:۲)
بار خدای ۸۸

~: رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنْيَا (۲۰۰:۲)
خدای ۷۵

~: رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنْيَا حَسَنَةً (۲۰۱:۲)
خُداوند ۲

---

۱. این معنی در فحوای جمله برای کلمهٔ «رب» قابل قبول است.

۲. خاوندگار/ خداوندگار.

~: رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦ (۲:۲۸۶)
بار خدای ۱۰

~: رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا (۳:۸)
خدای ۲۵

~: رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَٰطِلًا (۳:۱۹۱)
پرورد گار ۳

~: وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا ٱلْقِتَالَ (۴:۷۷)
خداوندا ۲۷

~: رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱكْتُبْنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ (۵:۸۳)
باری خدای ۲۴

~: يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ ٱلْقَوْمِ ٱلصَّٰلِحِينَ (۵:۸۴)
خدای ۱۱۴

~: رَبَّنَا ٱسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ (۶:۱۲۸)
بار خداوند ۲۷

~: رَّبَّنَآ إِنِّيٓ أَسْكَنتُ مِن ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ (۱۴:۳۷)
خدای ۵

~: قَالَا رَبَّنَآ إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفْرُطَ عَلَيْنَآ (۲۰:۴۵)
بار خداوندا ۵۶

~: رَبَّنَآ أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَٰلِحًا (۳۵:۳۷)
خدایا ۶۱

~: رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّٰتِ عَدْنٍ (۴۰:۸)
پرورد گارا ۱۳۶

~: قَالَ قَرِينُهُۥ رَبَّنَا مَآ أَطْغَيْتُهُۥ (۵۰:۲۷)
ای بار خدای ۶

رَبِّهِۦ: فَتَلَقَّىٰٓ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَٰتٍ (۲:۳۷)
پرورد گار ۹۱

~: وَلْيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ (۲:۲۸۲)
پرورْد گار ۲

~: فَيَسْقِي رَبَّهُۥ خَمْرًا (۱۲:۴۱)
خاوند گار[1] ۳، مهتر ۴۱، مهتر ۶۲، خواجه ۶۳، پادشاه ۶۴

رَبِّهِمْ: أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ (۲:۵)
خُداونْد ۲، خداوند ۱۱۲

~: أَنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ (۲:۲۶)
پروَرْدِگار ۵۵

~: أَنَّهُم مُّلَٰقُوا رَبِّهِمْ (۲:۴۶)
خداوَند ۲

~: أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ (۳:۱۳۶)
خدا ۵۸

~: ثُمَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (۶:۱)
خُداوَند ۸۸، خدای ۹۴

~: هَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ (۱۱:۱۸)
خدای ۲۴

~: يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (۱۶:۵۰)
خداوَند ۵۵

~: يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ (۴۰:۷)
پرورد گار ۳

رَبَّهُمَا: فَلَمَّآ أَثْقَلَت دَّعَوَا ٱللَّهَ رَبَّهُمَا (۷:۱۸۹)
پرورد گار ۱۱۴

اَلرِّبوا: ٱلَّذِينَ يَأْكُلُونَ ٱلرِّبَوٰا (۲:۲۷۵)
گوش[2] ۱، کم بیشی ستد و داد ۱۰، شود ـ افزونی

---

۱. خاوند گار/ خداوند گار.
۲. گوش: افزونی؛ ربا.

۶۷، افزونی ۸۰، افزونی و سود ۱۰۲

~: يَمْحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰا وَيُرْبِي ٱلصَّدَقَٰتِ (۲:۲۷۶)
زرْ سود ۳۷ و۹۶، سُود ۴۲، کلندر ۶۹، سود ۷۶

~: لَا تَأْكُلُوا ٱلرِّبَوٰٓا أَضْعَٰفًا مُّضَٰعَفَةً (۳:۱۳۰)
سود زر ۸۸، زیاده ۱۳۵

رَبْوَة: كَمَثَلِ جَنَّةٍۭ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا (۲:۲۶۵)
به بالای ۱، بُلَندی ۲، اوراز[1] ۱۰، اورازی[1] ۲۴، بالای ۲۵، سر بالایی ۲۷، جای بلند ۳۰، بلندی ۳۶، بُلَندی ۴۲، بَالای ۵۵، جای بلند ۵۷، اَبْراز[2] ۶۳، جای بلند و راست ۶۷، زمین بلند هموار ۸۳، زمین نیکو ۱۰۴، افراز[2] ۱۲۴، تل ۱۲۷

~: وَءَاوَيْنَٰهُمَآ إِلَىٰ رَبْوَةٍ (۲۳:۵۰)
بالا ۱، بالایی ۲، جایگاه بلند ۲۴، بلند ۳۶، اوراز[1] ۳۸، زمین بلند ۳۹، فَراز ۵۳، زمین بالا ۶۲، پشته بلند ۶۴، جایگاه ۶۹، پشته ۷۹، هموار ۹۲، پشته زمین بلند ۱۰۹، سربالای ۱۱۷، زمین بر آمده ۱۲۰، همواری ۱۳۹

رَبّی: قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي (۶:۵۷)
پروردگار ۶۳

~: أُبَلِّغُكُمْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي (۷:۶۸)
خداوند ۲۷

~: إِنِّيٓ أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي (۱۰:۱۵)
خدای ۱۲۱

~: وَقُلْ عَسَىٰٓ أَن يَهْدِيَنِ رَبِّي (۱۸:۲۴)
خدای ۱۱۴

~: فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا (۲۶:۲۱)
خدای و پروردگار ۹۴

رَبَّيانی: وَقُل رَّبِّ ٱرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (۱۷:۲۴)
بپروردند ۱، بپَروریدند ۲، پروردند ۳، پرورده‌اند ۳۶، بپَرورد ۵۳، پروَردِند ۵۵، بپرورانید ۶۳، بپرورانیدند ۷۹، پرورانیدند ۹۳، بپروه‌رانیدند ۱۱۳، پروریدند ۱۱۴

رِبِّيُّونَ: مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ (۳:۱۴۶)
گُروهها ۲، لشگرها ۱۰، گروهها ۲۹، گروهان ۳۰، گروُهان ۴۲، گرُوهان ۵۵، مردان خدای پرست ۵۶، دانایان ۵۷، خدای ترسان ۶۱، مردان خدای ۷۶، خدای ستایان ۸۰، خدا شناسان ۸۵، خدای شناسان ۹۱، خدا پرستان ۹۶، گواهان ۹۷، خداییان ۱۰۹، مردان خدا ۱۱۹

رَتْقًا: أَنَّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا (۲۱:۳۰)
بسته ۱، یَکْ لَختْ ـ بَرهَم بَسته ۲، برهم نهاده ۱۲، برهم دوسیده ۲۴، پیوسته یک لخت ۳۰، درهم دوسیده ۴۱، بسته و بیران ۴۲ و ۱۰۵، وابسته ۴۸، یک بر دیگر بَشْتَهْ ۵۳، لخته بر هم نشسته ۶۱، پیوسته بهم ۶۲، برهم نشسته ۶۹، برهم بسته ۹۵، یک لخت ۱۰۸، بهم پیوسته ۱۰۹، بهم بسته ۱۱۶

★ كَانَتَا رَتْقًا: وَٱلْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا (۲۱:۳۰)
هر دو باهم بسته بودند ۸۷

رَتِّل: وَرَتِّلِ ٱلْقُرْءَانَ تَرْتِيلًا (۷۳:۴)
آهسته خوان ۱، آهسته خُوان ۲، برخوان ۱۹، بآرام خوان ۲۴، هویدا بخوان ۲۹، بخوان ۳۰، نرم و آهسته و بنرمی برخوان ۴۱، بخَوان ۴۲، گشاده خوان ۴۸، پیدا خوان ۵۶، بیاد و آهسته خوان ۷۲، خوآن ۱۰۰، بآهستگی خوان ۱۰۴، شمرده بخوان

---

۱. اوراز / اورازی: بلندی.
۲. اَبْراز / افراز: زمین بلند.

۱۱۱، هویدا کن ۱۱٤، بآهستگی بخوان ۱۲۲، گشاده بخوان ۱۲٦، هویدا خوان ۱۳۸

رَتَّلْنَاهُ: وَرَتَّلْنَٰهُ تَرْتِيلًا (۳۲:۲۵)
یک پس دیگر کردیم ۱، پیدا و گشاده کردیم ۳، هویدا کردیم ۲۰، برخواندیم آنرا روشن ۲۹، همی خوانیم ۳۰، پیدا کردیم ۳۹، فرو می فرستیم و فرو می خوانیم ٤۱، گزارده کردیم ٤۲، پدید کردیم ٤٦، هویدا گفتیم و جدا جدا گفتیم ٤۷، آهسته خوانیم ٥٦، آهسته فرستادیم ٦۱، پَراکنده کردیم ۷٦، خواندیم ۸۷، آهسته فرو فرستادیم ۹٤، گذارده کردیم ۱۰٥، روشن کردیم ما ۱۰٦، گشاده کردیم ۱۱٤، آراسته فریستادیم ۱۲۸، میخوانیم شمرده ۱۳۲، هویدا خوانیم ۱۳۸، جدا کردیم ۱۳۹

رَجًّا: إِذَا رُجَّتِ ٱلْأَرْضُ رَجًّا (٤:٥٦)
لرزانیدن ۱، جنبانیدن ۳، لَرزانیدَن ٤۲، جُنبانیدَن ٥۱، لرزانیدن سخت ٦٤، لرزیدن ۸۱، درجنبانیدن ۸۹، جنبانیده شدن ۱۰۹، جنبانیدگی ۱۱۰، لرزیدن سخت ۱۳۲

ٱلرِّجَالُ: وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ (۲:۲۲۸)
مَردان ۲، شوهران ٦۳

~: لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ ٱلْوَٰلِدَانِ (۷:٤)
مَردان ٥۳

~: وَعَلَى ٱلْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَٰهُمْ (٤٦:۷)
مرد آن ۱۰۰

~: وَأَنَّهُۥ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ ٱلْإِنسِ (٦:۷۲)
مَردان ۲، مردمان ۲٤

رِجَالًا: فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا (۲:۲۳۹)
پیادگان ۱، پیاده ۱۰، پیاده در رفتن ۳٦، پیادَه گانْ ٥٥، پیایه ٦۳، پیا ایستادگان ۱۱۸

~: وَإِن كَانُوٓا۟ إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَآءً (۱۷٦:٤)
مردان ۲، نرینه گان ۱۰ مکرّر، نرینه ٥۲، نرینگان ۷۸

~: إِلَّا رِجَالًا نُّوحِىٓ إِلَيْهِم (۱۰۹:۱۲)
مَردان ٥٥

~: وَمَآ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِىٓ إِلَيْهِمْ (۷:۲۱)
مردمان ۲٤، مرد ٦۱

~: وَأَذِّن فِى ٱلنَّاسِ بِٱلْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا (۲۷:۲۲)
مردان پیاده ۲٤، پیاده گان ۳۰، پیادگان ٥۱، پیاده روان ۱۰۳

~: وَقَالُوا۟ مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا (٦۲:۳۸)
مَردان ۸۱

رِجَالِكُمْ: ٱسْتَشْهِدُوا۟ شَهِيدَيْنِ مِن رِّجَالِكُمْ (۲:۲۸۲)
مَردان ۱، مردمان ۲٤، مرد آن ۱۰۰

~: مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ (٤۰:۳۳)
مردان ۱۱٤

رُجَّتِ: إِذَا رُجَّتِ ٱلْأَرْضُ رَجًّا (٤:٥٦)
لرزانیده شهد ۱، جنباینده شود ۳، بجنبانند ۲٤، بجنبانند ۲۹، لرزانیده شود ۳٦، بلرزانند ٥۲، بلرزد ۸۱، بجنبانیده شود ۸۷، درجنبانیده شود ۸۹، بلرزانند ۹۰، درجنبانند ۱۰٦، جنبند شود ۱۲۱، بلرزیده شود ۱۲٤، جنبیده شود ۱۳٦

ٱلرُّجْزَ: وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ وَٱلرُّجْزَ فَٱهْجُرْ (٥:۷٤)
بتان ۱، پلیدی ۲، گناه ۱۹، بزه کاری ٦۸، پلیدی و ناشناخت ۷۲، نابایست ۸۸، بزه ۹۰، ناشایست ۱۲٤

رِجْزُ: وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ ٱلرِّجْزُ (۱۳٤:۷)
شکنجه ۳، شِکنجهٔ ٥٥، خواری ۱۰۰

~: وَيُذْهِبَ عَنكُمْ رِجْزَ ٱلشَّيْطَٰنِ (۱۱:۸)
پلیدی ۳٥، پلید ۸۹، ناپاکی ۱۰۹

~: أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِيمٌ (٥:۳٤)

خواری ۹۱، دوزخ ۱۰۵

~: لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ (۱۱:۴۵)
پلیدترین ۵۳، سختی ۹۸، باد فره ۱۰۲

رِجْزًا: فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا (۲:۵۹)
شکنجه ۵۵، عذاب ۵۷، خواری ۱۰۰

~: فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا (۷:۱۶۲)
پریشانی ۹۳، پاره ۱۳۶

~: عَلَى أَهْلِ هَٰذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا (۲۹:۳۴)
شکنجه ۳

رِجْسٌ: وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ (۵:۹۰)
پَلید ۲، زشت ۴۱، پَلیدْ ۵۵، پلید ۹۱

~: كَذَٰلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ (۶:۱۲۵)
پَلیدی ۲، تنگی و تاریکی اوُ مرده‌دلی ۱۰، پلید و بد ۵۸، آلودگی ۶۴

~: فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا (۶:۱۴۵)
بد ۷۶

~: قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ (۷:۷۱)
پلیدی ۱

~: فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ (۹:۹۵)
پلید کردار ۵۳، پَلیدْ ۵۵

~: وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۱۰:۱۰۰)
نفرین ۱۳، پَلیدی یا شکنجه ۵۵

~: فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ (۲۲:۳۰)
پلیدی ۲، پلیدتر ۱۲، پلیدیها ۲۴، پلیدها ۴۳، بدی ۹۲

~: لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ (۳۳:۳۳)
پَلیدی ۲، ناپاک ۳۹، بزه و بدنامی ۴۷، پَلیدی ۵۳، ناپاکی ۵۶، آلایش ۶۴، گناه ۷۹، بزه ۹۸، پلیدی گناه ۱۱۱

رِجْسًا: فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ (۹:۱۲۵)
شرک ۱، پلیدی ۲، پَلیدی ۵۵

رَجَعَ: وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ (۷:۱۵۰)
واز آمد ۱، بازگشت ۳، وازامد ۱۰، باز آمد ۲۴، بازگردید ۲۹، آمد ۵۳، باز رسید ۱۰۰، برگشت ۱۲۶، برگردید ۱۳۶

~: فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ (۲۰:۸۶)
بازگشت ۲، بازآمد ۵۳

رَجْعٌ: أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَٰلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ (۵۰:۳)
واز آوردن ۱، باز گردانیدن ۲، واگردانیدن ۶، باز آفرد ۱۷، باز آمدن ۳۴، بازگشتن ۸۱، باز گردانید ۸۶، بازگشت ۹۰، بازگردیدن ۱۰۰

~: وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (۸۶:۱۱)
باران ۱، باران یک پس دیگر آینده ۲، باران از پس یکدیگر ۳۰، باران از پس یکدیگر آینده ۳۴، بارنده ۳۹، باران باریدن ۱۰۲، باران سپس دیگر آینده ۱۰۸

رُجِعْتُ: وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَى رَبِّي (۴۱:۵۰)
واز آورده شم ۱، باز گردانیده شوم ۳، بازگردم ۲۲، باز گردانند مرا ۳۰، باز گردانیده شوَمْ ۳۲، باز گردانند ۱۰۶، باز گردیده شوم ۱۱۴، باز گردم من ۱۲۴، برگردیده شوم ۱۳۲، برگردم ۱۳۶

رَجَعْتُمْ: وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ (۲:۱۹۶)
بازگردیت ۳، بازگردید ۳۶، واخانه رفته باشید ۴۰، بازگردید ۴۲، بازگردی ۵۳، بازگردید شما ۵۷، بازگردند ۸۸، بازگشتید شما ۱۳۵، برگردید ۱۳۶

~: يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ (۹:۹۴)
واز آیید ۱، بازگردیدند ۱۳، باز شوید ۴۲، باز آیید ۵۸، باز آیی ۶۰، بازگردیدید ۶۲، باز گشتید ۱۰۴

رَجَعَكَ: فَإِن رَّجَعَكَ ٱللَّهُ إِلَىٰ طَآئِفَةٍ (۹: ۸۳)
واز آرد ۱، باز گرداند ۳، باز گردانند ۱۱، باز برد ۲۴، باز آرد ۲۷، باز آورد ۲۹، باز بَرَد ۶۲، باز رساند ۶۷، باز گردانید ۹۲

رَجَعْنَا: يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعْنَآ إِلَى ٱلْمَدِينَةِ (۶۳: ۸)
واز آییم ۱، باز گردیم ۳، باز شویم ۲۴، باز گردیم ما ۶٤، باز گردانی ما را ۸۱، باز رویم ۹۶

رَجَعْنَاكَ: فَرَجَعْنَٰكَ إِلَىٰٓ أُمِّكَ (۲۰: ٤۰)
واز آوردیم ۱، باز گردانیدیم ۲، باز رسانیدیم ۲٤، وا آوردیم ۲۹، باز اوردیم ۵۳، باز آوردیم ما ۵۶، باز گردانیدم ۶۱، باز دادیم ۶۲، باز آوریم ۷۲، باز گردانیمت ۸۷، باز گردانیدیم ما ۱۰۰، باز گردانیم ۱۰۵، باز گردانیدیمت ۱۰۸، باز گردانیم ما ۱۲٤، باز گردانم ۱۳۹

رَجْعِه: إِنَّهُۥ عَلَىٰ رَجْعِهِۦ لَقَادِرٌ (۸۶: ۸)
باز آوردن ۲۹، باز گردانیدن ۳۰، باران ۸۰، باز آمدن ۸۷، باز گرد آنیدن ۱۰۰، بر گرداندن ۱۳۰، بازگشتن ۱۳۶، باز گردیدن ۱۳۸

رَجَعُوا: وَلِيُنذِرُواْ قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوٓاْ إِلَيْهِمْ (۹: ۱۲۲)
واز آمدندی ۱، باز آیند ۳، باز گردند ۳۹، باز شوند ٤۲، باز گردند ۶۱، باز گشتندی ۶۷

~: فَلَمَّا رَجَعُوٓاْ إِلَىٰٓ أَبِيهِمْ (۱۲: ۶۳)
باز گشتَنْد ۲، واگردیدند ۲٤، باز آمدند ۲۹، باز گشتند ۳۰، باز آمدَند ٤۲، باز آمَدَند ۵۳، بیامدَند ۷۶، برفتند ۱۰۰، گشتند ۱۳۰، بر گردیدند ۱۳۶

~: فَرَجَعُوٓاْ إِلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ (۲۱: ۶٤)
واز آمدند[1] ۱، باز گشتَنْد ۲، باز گردیدند ۱۲، باز شدند ۲٤، باز شُدَند ٤۲، باز گشت کردند ۱۳۲

ٱلرُّجْعَىٰ: إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلرُّجْعَىٰٓ (۹۶: ۸)
بازگشتن ۲، باز گشت ۲۹، باز گردیدن ۱۳۸

ٱلرَّجْفَةُ: فَأَخَذَتْهُمُ ٱلرَّجْفَةُ (۷: ۷۸)
جُنبِش ۲، اَخگلا و هُرَّست و نُرَّست ۱۰، لرزیدن ۲۷، زمین لرزه ۳۶، مرگ ۷۸، زمین لرزه و آتش ۷۹، جُنبش ۸۳، جُنبِشْ ۹٤، بانگ و لرزه ۱۰۹، جنبنده ۱۱۰، لرزش ۱۲۲

~: فَأَخَذَتْهُمُ ٱلرَّجْفَةُ (۷: ۹۱)
بانگ و هرّست و نُرّست ۱۰، بانگ و نهیب ۲۷، دمیدن ۳۵، جنبش ٤۱، دمیدن سخت ۵۷، آواز ۹۱، بانگ ۱۰۲، لرزش زمین ۱۰٤، آوازی مهیب ۱۳۵

~: فَلَمَّآ أَخَذَتْهُمُ ٱلرَّجْفَةُ (۷: ۱۵۵)
اخگلا[2] و نرّست و هرّست ۱۰، زمین لرزه ۹۶

~: فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ ٱلرَّجْفَةُ (۲۹: ۳۷)
آواز زلزله ۲۱، زلزله ۳۶، لرزه ۳۹، بانگ بلند ۵۳، لرزۀ زمین ۸۶، لرزه زمین ۱۰٤، لرزه در اندامها ۱۰۹

رَجُلًا: وَلَوْ جَعَلْنَٰهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَٰهُ رَجُلًا (۶: ۹)
مرد ۱، مَرد ۲

رَجُلٌ: فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَٱمْرَأَتَانِ (۲: ۲۸۲)
مَرْدٌ ۲، مَرد ۲۷

~: أَن جَآءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ (۷: ۶۳)
مرد ۱، مَردْ ۹٤

رَجُلَانِ: قَالَ رَجُلَانِ مِنَ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ (۵: ۲۳)
دو مرد ۱، دُو مرد ۲، دُو مَرد ٤۵، مردان ۹۲، دو مردان ۱۲۳

۱. واز آمدند/ باز آمدند.
۲. کذا (؟).

رَجِلِكَ: وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ (٦٤:١٧)
پیاد گان ۱، پیاده ۸، پیاذ گانْ ۵۳، پیاده گان ۵۵، [لشکر] پیاده ٦۲، پیاد گانت ۱۱٤، پیاده گان ۱۲۹

بِرِجْلِكَ: ٱرْكُضْ بِرِجْلِكَ هَٰذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ (٤٢:٣٨)
پای ۱، پا ۳۹، پایت ۱۱٤

رَجُلَيْنِ: فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ (٢٨٢:٢)
دُو مَرْد ۲، دُو مرد ۱۰، دو مَرد ۲۷، مردان ۳٤

~: وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ (٧٦:١٦)
دو مَرْد ٦۲

~: وَٱضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ (٣٢:١٨)
دو مرد ۱، دُو مردْ ۲

رِجْلَيْنِ: وَمِنْهُم مَّن يَمْشِي عَلَىٰ رِجْلَيْنِ (٤٥:٢٤)
دو پای ۱، دو پا ۲، دو پاء ۲٤، پایهاء ٦٤، هر دو پای ۸۸، دو پی پا ۱۰٦، دو پای ۱۱۹

رَجْمًا: كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِٱلْغَيْبِ (٢٢:١٨)
ظنی ۱، سخُن انداختن ۲، گمان بردن ۳، انداختن ۸، گمان ٤۳، گُمان بُردَن ۵۵، گفتار بگمان ۵٦، راندن ۸۹، سخن انداختن ۹٤، سنگ انداخت ۹٦

★ رَجْمًا بِالْغَيْبِ: كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِٱلْغَيْبِ (٢٢:١٨)
سخن انداختنی بگُزاف ۲، سخنی از گزاف نادانسته ٤۱، گمان به پنهان ۱۲۹

لَرَجَمْنَاكَ: وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَٰكَ (٩١:١١)
به سنگ بکشتی ۱، بسنگ بکشیم ۷ مکرّر، سنگسار کردمانی ۲۹، کشتیمی بسنگ ۳۰، بسنگ بکشتمانی ۳٤، سنگسار کردمی ۳۸، سنگسار کردیمی ٤۱، سنگسار کنیم ٤۲، سنگ سار کنیم ۵۲، ما بسنگ بکشتیمی ۵۳، کُشته ایمی بَسنگ ۵۵، سنگ سار کردیمی ۵٦، سنگ سار کردیمانی ۵۷، بکشتیم ۵۸، سنگسار کردیمی ما ٦۱، ما سنگ سار کردیمی ٦۲، سنگسار کردمانی ما ٦۳، سنگ سار کنیمی ۷۵، بکشتمانی ۷۹، سنگبار کردمی ۹۰، کشته ایمی بسنگ ۹۱، ما بسنگ سار کردمانیت ۹۵، سنگسار کردیمت ۹۹، سنگسار میکردیم ۱۰۰، سنگ سار کردمانی ما ۱۰٦، می راندیم ۱۲۱، سنگ راه میکردیم ۱۲۹، سنگ می کردیم ۱۳٦

رُجُومًا: وَجَعَلْنَٰهَا رُجُومًا لِّلشَّيَٰطِينِ (٥:٦٧)
راندن ۱، انداختن و دُور کردن ۲، رانند گان ۳، انداختها ٦، دور کننده ۳۰، سنگ باران کردن ۳٦، رانده ٤۱، سنگها ٤۳، انداختن ۵٦، سنگسار ٦۵، اندازند گان ۷۹، راند گان ۸۰، سنگ باران ۸۷، سنگهاء ۹۰، زنند گان ۹٦، انداختنیها ۱۰۹، راندها ۱۲۲، انداخته شده ۱۲٦، رانده شده ۱۳٦، زخمها ۱۳۸

رَجِيمٌ: مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ (٣٦:٣)
دُورْ کرده ۲، راندهٔ سنگسار کرده ۳، رانده نفریده[1] ٦۳، سنگ سار کرده ٦۹، رانده و دور کرده ۹۱، رآنده ۹٤، سر کش ۱۲۳، رنده شده ۱۳۰

~: وَحَفِظْنَٰهَا مِن كُلِّ شَيْطَٰنٍ رَّجِيمٍ (١٧:١٥)
دُورْ کرده راندَه ۲، نفریده[1] ۲۹، دور کرده ۳٦، رانده و بنفریده[1] ۷۹، رانده ۹۱، رُنده شده ۱۳٦

~: قَالَ فَٱخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (٣٤:١٥)
رَاندَه دور کرده ۲، راند گان ۵۳، رَاندَه ۵۵، راندَه ۷۱، لغزیده ۱۱۵

~: فَٱسْتَعِذْ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ (٩٨:١٦)
رانده دور کرده ۲، رانده شده ۳۰، رانده ی نفریده ٦۳، راندهٔ نفرین کرده ۹۱، رانده و دور کرده ۹٤،

۱. نفریده: نفرین کرده و رانده.

نفریده رانده ۱۰۹

~: قَالَ فَٱخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (۳۸:۷۷)
رانده ۱، دور کرده شده ٦٤، رانده و نفریده ۷۱، انداخته و رانده شده ۹۲، رنده شدگان ۱۳۰، راندن ۱۳٤

~: وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَٰنٍ رَّجِيمٍ (۸۱:۲۵)
رَاندَه ۲، ستنبه ۲٤، سنگسار کرده ٦٥

رِحَالِهِمْ: ٱجْعَلُوا۟ بِضَٰعَتَهُمْ فِى رِحَالِهِمْ (۱۲:٦۲)
بار ۱، بارها ۲، باردانها ۳، رخت ۳٦، جوالها ٤۳، باردَانهَا ۵۵، رختها ۵٦، بارهاء ۹۰، باروبنه ۹۵، بار شتران ۱۳٦

رَحُبَتْ: ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ ٱلْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ (۹:۲۵)
فراخ شد ۱، فراخ شود ۳، فراخی ۱۰، فراخی ۱۱، فراخی آن ۳۹، بود فراخ ٤۱، فراخی وی ٤۲، فِراخي ۵۳، فَراخ شَوَد ۵۵، فراخی کردند ٦۹، با فراخی وی ۸۳، بفراخی ۱۱۳، گشادگی ۱۲۱

~: حَتَّىٰٓ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ ٱلْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ (۹:۱۱۸)
فراخ بود ۱۳، فراخی بود ۲٤، فراخ شده بود ۲۷، فراخی داشت ٤۲، فَراخ شُد ۵۵، فراخست ۵۸، خوش شد ٦۱، بفراخی که بود ٦۳، فراخ بودست ۹۰

رَحْلِ: جَعَلَ ٱلسِّقَايَةَ فِى رَحْلِ أَخِيهِ (۱۲:۷۰)
بار ۱، باردان ۳، جوال ۳۹، بَاردَان ۵۵، رخت ٦٤، بَار ۷٦، بارد آن ۱۰۰، بارشتر ۱۳٦

رِحْلَةَ: إِۦلَٰفِهِمْ رِحْلَةَ ٱلشِّتَآءِ وَٱلصَّيْفِ (۱۰٦:۲)
رَفتن ۲۹، بار برداشتن ۷۹، بگذشتن ۹۰، کوچ کردن ۹٦، بار بر نهادن ۱۱٤، کوچ ۱۳٤، سفر کردن ۱۳٦

رَحْلِهِ: قَالُوا۟ جَزَٰٓؤُهُۥ مَن وُجِدَ فِى رَحْلِهِۦ (۱۲:۷۵)
بار ۲، رخت ۳۰، کالا ۵۳، رَخْت ۵۵، جوال ۵۸، بار و رخت ۱۰۹

رَحِمَ: لَا عَاصِمَ ٱلْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ ٱللَّهِ إِلَّا مَن رَّحِمَ (۱۱:٤۳)
بخشاید ۳، بَخشَاید ۵۵، بخشید ٦۱

~: وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ (۱۱:۱۱۹)
بخشود ۹۲

~: إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّىٓ (۱۲:۵۳)
ببخشود ۲۹، ببخشود و نگه داشت ۳۹، بَخشَاید ۵۵، به بخشد ۱۲۰، به بخشاید ۱۲۸

~: إِلَّا مَن رَّحِمَ ٱللَّهُ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ (٤٤:٤۲)
ببخشاید ۲، بخشود ۳، بخشوده باشد ۱۰۳، بخشوده شوده ۱۳۲

رُحْمًا: وَأَقْرَبَ رُحْمًا (۱۸:۸۱)
خویشی ۱، مهرْبانی ۲، بخشودن ۳، پیوستن ۳۹، مهربانی ۵۲، خَوشی ۵۵، بخشایش ۵۹، مهر و خوش ٦۳، بخشودن یا خویشی ۸۰، مهر ۱۲٤، مهربان ۱۲۸، خویشاوندی ۱۳٦، خوشی ۱۳۹

رُحَمَاءُ: أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ (٤۸:۲۹)
نرم دلان ۳، مهربان ٦، بخشایندگان ۳۰، مهربانان ۳٦، بخشایشگران ٦۵، بخشاینده ۱۲٤

رَحْمَةٌ: عَلَيْهِمْ صَلَوَٰتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ (۲:۱۵۷)
درود ۵۳

~: ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ (۲:۱۷۸)
وشخایش[1] ۱۰، آمرزش ۲۹، بَخشُودَن ٤۲، مهربانی و بخشایش ۱۳۰

~: أُو۟لَٰٓئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ ٱللَّهِ (۲:۲۱۸)
خشنودی ۲

~: وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً (۳:۸)

۱. وشخایش / بخشایش.

نیکی ۲۵

~: فَفِي رَحْمَةِ ٱللَّهِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ (۳:۱۰۷)

بهشت ۲۷

~: فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمْ (۳:۱۵۹)

بخشای ۹۱

~: كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ ٱلرَّحْمَةَ (۶:۱۲)

بخشودن ۲، بَخشودَن ۴۲

~: كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ ٱلرَّحْمَةَ (۶:۵۴)

خوشنودی ۷۲

~: وَرَبُّكَ ٱلْغَنِيُّ ذُو ٱلرَّحْمَةِ (۶:۱۳۳)

بَخشودَن ۵۵

~: فَقُل رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَٰسِعَةٍ (۶:۱۴۷)

بَخشایش ۵۵

~: لَا يَنَالُهُمُ ٱللَّهُ بِرَحْمَةٍ (۷:۴۹)

بخشایش ۴۵

~: إِنَّ رَحْمَتَ ٱللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ ٱلْمُحْسِنِينَ (۷:۵۶)

بخشش ۵۸

~: هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ (۷:۱۵۴)

بخشودن ۳، بخشایش ۱۲۷

~: وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۷:۲۰۳)

بخشیدن ۹۶

~: وَإِذَآ أَذَقْنَا ٱلنَّاسَ رَحْمَةً مِّنۢ بَعْدِ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُمْ (۱۰:۲۱)

خُشنُودَن ۹۴، نیکو داشت بخشایش فراخی ۱۰۹

~: وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (۱۰:۵۷)

بخشودَن ۵۵

~: وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۱۲:۱۱۱)

بَخشودَن ۵۵

~: وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۱۶:۶۴)

بخشایش ۵۳

~: وَٱخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ مِنَ ٱلرَّحْمَةِ (۱۷:۲۴)

بخشش ۹۱

~: مَا هُوَ شِفَآءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (۱۷:۸۲)

خشنودن ۱۳۹

~: إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ (۱۷:۸۷)

بخشودن ۱۳۹

~: رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً (۱۸:۱۰)

بخشایدن ۴۴

~: وَرَبُّكَ ٱلْغَفُورُ ذُو ٱلرَّحْمَةِ (۱۸:۵۸)

بخشایش ۵۵

~: وَءَاتَيْنَٰهُ أَهْلَهُۥ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً (۲۱:۸۴)

بخشنودی ۱۳۹

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ (۲۹:۵۱)

بَخشایش ۱۴، بخوشودن ۶۵

~: وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً (۳۰:۲۱)

مهربانی ۱۴، وخشایش[1] ۴۷،

~: وَإِذَآ أَذَقْنَا ٱلنَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا۟ بِهَا (۳۰:۳۶)

نیکوداشت ۴۷، بخشایش ـ نیکوداشت ۱۰۹

~: إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوٓءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً (۳۳:۱۷)

بخشایش و یاری ۵۸

~: أَمْ عِندَهُمْ خَزَآئِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ ٱلْعَزِيزِ ٱلْوَهَّابِ (۳۸:۹)

بخشایش ۲۲

~: وَلَئِنْ أَذَقْنَٰهُ رَحْمَةً مِّنَّا (۴۱:۵۰)

---

۱. وخشایش / بخشایش.

بخشایش ۳۲

~: وَإِنَّآ إِذَآ أَذَقْنَا ٱلْإِنسَـٰنَ مِنَّا رَحْمَةً (۴۸:۴۲)
آسایش ۴۱

~: رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ (۶:۴۴)
بخشایش ۲

~: وَمِن قَبْلِهِۦ كِتَـٰبُ مُوسَىٰٓ إِمَامًا وَرَحْمَةً (۱۲:۴۶)
بخشایش ۲۲

~: بَاطِنُهُۥ فِيهِ ٱلرَّحْمَةُ (۱۳:۵۷)
بخشوده ۱۰۸

رَحْمَتِكَ: وَأَدْخِلْنِى بِرَحْمَتِكَ فِى عِبَادِكَ (۱۹:۲۷)
بخشایش ۲، بخشای ۶۱

رَحْمَتِنَا: نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَن نَّشَآءُ (۵۶:۱۲)
بخشایش ۲

~: وَأَدْخَلْنَـٰهُمْ فِى رَحْمَتِنَآ (۸۶:۲۱)
بخشش ۸۷

رَحِمَهُۥ: مَن تَقِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُۥ (۹:۴۰)
بخشوده باشی ۲، ببخشوده باشی ۲۲، بخشودی ۵۶، ببخشودی ۹۶، بخشید ۱۱۴، بخشودهٔ ۱۳۲، آمرزیدی ۱۳۶

رَحْمَتُهُۥ: فَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ (۶۴:۲)
بخشایش ۵۵

~: وَٱللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِۦ مَن يَشَآءُ (۱۰۵:۲)
بخشایش ۴۲

~: وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ (۸۳:۴)
بخشودن ۲، بخشودن ۴۲

~: وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُۥ (۱۱۳:۴)
بخشایش ۲

~: سَيُدْخِلُهُمُ ٱللَّهُ فِى رَحْمَتِهِۦٓ (۹۹:۹)
بهشت ۵۵

~: وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ (۲۱:۲۴)
مهربانی ۸۶

~: وَمِن رَّحْمَتِهِۦ جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ (۷۳:۲۸)
بخشودن ۲، وخشایش[1] ۴۷

~: هَلْ هُنَّ مُمْسِكَـٰتُ رَحْمَتِهِۦ (۳۸:۳۹)
بخشش ۷۴

~: وَلَـٰكِن يُدْخِلُ مَن يَشَآءُ فِى رَحْمَتِهِۦ (۸:۴۲)
بهشت ۱۳۹

~: يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِۦ (۲۸:۵۷)
بخشایش ۸۷

اَلرَّحْمٰنُ: بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ (۱:۱)
وشخاینده[2] بر نیک و بد بروزی دادن اندرین جهان ۱۰، روزی ده و مهربان ۲۴، بخشاینده ۹۱، بسیار بخشنده ۱۱۱

~: ٱلرَّحْمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ (۳:۱)
مهربان ۲، بزرگ بخشایش ۵۵

~: لَّآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحْمَـٰنُ ٱلرَّحِيمُ (۱۶۳:۲)
بزرگ بخشایش ۳، روزی دهنده ۲۹، بسیار بخشایش ۶۴، بخشاینده زندگان ۱۰۵

~: بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ (۱:۳)
بخشاینده روزی دهنده ۳۴

---

۱. وخشایش / بخشایش.
۲. وشخاینده / بخشاینده.

~: بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ (۱:۱۱)
روزی دادار[1] ۱

~: وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِٱلرَّحْمَٰنِ (۳۰:۱۳)
بخشاینده ۱۰۰

~: بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ (۱:۱۴)
مهروان[2] ۱

~: قُلِ ٱدْعُوا۟ ٱللَّهَ أَوِ ٱدْعُوا۟ ٱلرَّحْمَٰنَ (۱۱۰:۱۷)
مهربان روزی رسان ٤۱

~: إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُ ٱلرَّحْمَٰنِ (۵۸:۱۹)
خدآی بخشاینده ۱۰۰

~: وَمَا يَنۢبَغِى لِلرَّحْمَٰنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا (۹۲:۱۹)
خداء بخشاینده ۲

~: ٱلرَّحْمَٰنُ عَلَى ٱلْعَرْشِ ٱسْتَوَىٰ (۵:۲۰)
بسیار بخشش کننده ۱۳۱

~: وَإِنَّ رَبَّكُمُ ٱلرَّحْمَٰنُ فَٱتَّبِعُونِى (۹۰:۲۰)
خدای ۱، بخشاینده ۲، بسیار بخشش ۱۱٦

~: وَخَشَعَتِ ٱلْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَٰنِ (۱۰۸:۲۰)
خداوند ٢٤

~: إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ (۱۰۹:۲۰)
آفرید گار ۱۰۳

~: وَرَبُّنَا ٱلرَّحْمَٰنُ ٱلْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ (۱۱۲:۲۱)
روزی رسان ٤۱، مهربان و بخشاینده ۵۸

~: بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ (۱:۲۵)
نیک بخشاینده ۱۰۷

~: ٱلْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ ٱلْحَقُّ لِلرَّحْمَٰنِ (۲٦:۲۵)
خدای بخشنده ۹۲

~: وَخَشِىَ ٱلرَّحْمَٰنَ بِٱلْغَيْبِ (۱۱:۳٦)
خدای بخشاینده ۸٦

~: بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ (۱:۳۷)
بخشنده ۳۳

~: تَنزِيلٌ مِّنَ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ (۲:٤۱)
روزی دادار[1] ۱

~: بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَٰنِ مَثَلًا (۱۷:٤۳)
خدا ۱

~: بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ (۱:٤۵)
بزرگ بخشاینده ۸۰

~: بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ (۱:۵۵)
خدای بزرگ بخشایش ۳، خدای مهربان بخشاینده ۳۰، خداوند بسیار بخشایش ۱۰۳

~: هُوَ ٱلرَّحْمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ (۲۲:۵۹)
بزرگ بخشش ۱۰۳

~: مَّا تَرَىٰ فِى خَلْقِ ٱلرَّحْمَٰنِ مِن تَفَٰوُتٍ (۳:٦۷)
آفرید گار ٤۱

~: قُلْ هُوَ ٱلرَّحْمَٰنُ ءَامَنَّا بِهِۦ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا (۲۹:٦۷)
خدای روزی دهنده همه ۱۱۳

~: رَّبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ٱلرَّحْمَٰنِ (۳۷:۷۸)
خدای مهربان ۳۹

~: إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ وَقَالَ صَوَابًا (۳۸:۷۸)

---

۱. روزی دادار / روزی دهنده، بخشاینده.
۲. مهروان / مهربان.

خداوند بخشاینده ۳۰

~: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ (۱:۱۱٤)
خدای روزی دهند[1] همه خلقان در دنیا ۷۹

رَحِمَنَا: إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللّٰهُ وَمَن مَّعِيَ أَوْ رَحِمَنَا (۲۸:۶۷)
ببخشاید ۱۹

رَحِمْنَاهُمْ: وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِم (۷۵:۲۳)
ببخشاییم ما ۲٤، ما ببخشودمانی ۲۹، ببخشاییم ۳۰، ببخشائیم ۳۹، ببخشودیم ٤۳، ببخشائیم ما ٦٤، خواستیمی ما ۷۷، بخشایم ۸۷، ما ببخشاییم ۹٤، ببخشودیم ۱۰۸، ببخشیدیم ۱۱٤، بیامرزیم ۱۱۹، بخشایش نمائیم ۱۳۲

رَحِمَهُ: مَن يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ (۱٦:٦)
بَخشُوده باشدِ ۲، بخشود ۳، ببخشوده باشد ۹، ببخشود ۲۷، بخشوده باشد ٤۲، بخشُوده باشد ۸۸، ببخشد ۹۰، بخشودن ۹۱، بخشید ۹۸

رَحِيقٍ: يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ مَّخْتُومٍ (۲۵:۸۳)
می ۲، شراب ٤۲، خم ۵۳، می سپید ۹۹، می سفید ۱۰۰

اَلرَّحِيمُ: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ (۱:۱)
بسیار مهربان ۱۱۱، مهربان ۱۲۳

~: اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ (۳:۱)
همیشه بَخشَایَندَه ۵۵، بسیار آمرزنده ۱۰۵، نیک آمرزنده ۱۲۹، بخشاینده ۱۲۳

~: فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۵٤:۲)
وشخاینده[2] ۱۰، نیکْ بَخشَایَندَه ۵۵

~: وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱٦۰:۲)
همیشه آمرزنده ۳، بسیار بخشاینده ٤۱

~: إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ (۱٦۳:۲)
آمرزگار ۲۹، آمرزنده مردگان ۱۰۵، بسیار بخش ۱۰۹

~: فَإِن فَاءُو فَإِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۲٦:۲)
اندر گذارنده ۲۹، وَخشاینده[3] ۵۳

~: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ (۱:۳)
وشخاینده[2] بر نیک و بد بروزی دادن اندرین جهان ۱۰

~: وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۱:۳)
بخشَایَندَه ٤۲

~: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ (۱:٤)
بسیار آمرزش ۷٦، همیشه بخشاینده ۹۷

~: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ (۱:۵)
بخشایگر ۷٦

~: إِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۹:۵)
بخشاینده و مهربان ۵۸

~: إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱٦۵:٦)
بسیار بخشایش ٤۱، بسیار آمرزش ۷٦

~: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ (۱:۷)
روزی دادار ۱

~: إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۵۳:۷)
آمرزندۀ بندگان ۱۰۵

~: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ (۱:۸)
بسیار مهربان ۱۲٦

---

۱. کذا، دهند / دهنده.
۲. وشخاینده / بخشاینده.
۳. وَخشاینده / بخشاینده.

~: وَهُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِیمُ (۱۰:۱۰۷)
بخشایش گر ۳

~: إِنَّ رَبِّی غَفُورٌ رَّحِیمٌ (۱۲:۵۳)
هماره بخشاینده ۳

~: إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِیمُ (۱۲:۹۸)
بخشاینده ۷٦

~: إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِیمٌ (۱٦:۷)
بخشاینده ٦۲

~: إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِیمٌ (۲۲:٦۵)
با بخشایش ۸٦

~: وَأَنَّ ٱللَّهَ رَءُوفٌ رَّحِیمٌ (۲٤:۲۰)
بخشاینده ۵۱

~: بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِیمِ (۲۵:۱)
نیک مهربان ۱۰۷

~: وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِیزُ ٱلرَّحِیمُ (۲٦:۱٤۰)
بخشاینده ٦۱

~: یَنصُرُ مَن یَشَآءُ وَهُوَ ٱلْعَزِیزُ ٱلرَّحِیمُ (۳۰:۵)
بزرگ بخشاینده ۱۲۱

~: تَنزِیلٌ مِّنَ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِیمِ (٤۱:۲)
آمرزنده ۲٤

~: نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِیمٍ (٤۱:۳۲)
بخشاینده ۱۰۸

~: أَلَآ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِیمُ (٤۲:۵)
بخشاینده ۳۲

~: إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْبَرُّ ٱلرَّحِیمُ (۵۲:۲۸)
بخشنده ۱۱۵

~: فَإِن لَّمْ تَجِدُوا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ (۵۸:۱۲)
راه نمای ۱۰۵

~: هُوَ ٱلرَّحْمَٰنُ ٱلرَّحِیمُ (۵۹:۲۲)
بخشایشگر ۱۲۵

~: وَٱسْتَغْفِرُوا۟ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ (۷۳:۲۰)
وخشاینده[1] ٦

~: بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِیمِ (۱۰۸:۱)
روزی ده ۱۰۵

رَحِیمًا: إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِیمًا (٤:۲۹)
مهربانُ وُشخاینده ۱۰

~: لَوَجَدُوا۟ ٱللَّهَ تَوَّابًا رَّحِیمًا (٤:٦٤)
بخشایندَه ٤۵، بخشنده ۹۹

~: إِنَّهُۥ كَانَ بِكُمْ رَحِیمًا (۱۷:٦٦)
مهربان بخشاینده ۳، مهربان ۸، آمرزگار ۱۰۵

~: وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِیمًا (۳۳:۵۹)
بخشاینده ۷

رُخَاءً: تَجْرِی بِأَمْرِهِۦ رُخَآءً حَیْثُ أَصَابَ (۳۸:۳٦)
نرم ۱، نَرم ۲، آسان و نرْم ۲۲، باد نرم و آهسته ٤۱، نرم و خوش ٤۳، أسانْ ۵۳، باد ۸۱، آسان ۸۷، از روی نرمی و خوشی ۱۱٦، نرم و آرام ۱۲۲، نرمی ۱۲٤، نرم و بآرام ۱۳۲، خوش ۱۳۹

رَدَّ: وَرَدَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِینَ كَفَرُوا۟ بِغَیْظِهِمْ (۳۳:۲۵)
واز گردانست ۱، باز گردانید ۳، بر گردانید ۲۹، باز گرداند ۳٦، باز زند ٤٦، گردانید ٤۷، باز بَرَد ۵۳، باز زد ٦۱، باز زد کرد بگردانید ٦٤، بگرداند ۸۷، باز دارد ۹٦، باز گردانیدند ۱۲۲، باز برد ۱۲٤

---

۱. وخشاینده / بخشاینده.

رِدْءًا: فَأَرْسِلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِيٓ (۲۸:۳٤)
یاری گر ۲، یاری ۳، یاور ۲۹، پشتی وان ۳۹، یار ٤۱، هم کار ٤۲، بیاری ٤٦، یَار ۵۳، یار و مددکار ۱۰۳، هم کاری ۱۰۵، همکار ۱۲۵، یاری کننده ۱۲۹

رُدَّتْ: وَجَدُوا۟ بِضَٰعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ (۱۲:٦۵)
باز داده بُودند ۲، باز گردانیده شد ۳، باز داده بودند ۲٤، بر گردانیدند ۲۹، باز داده آمده بود ۵۳، بَاز گردَانیده شُد ۵۵، باز داده شده بود ۵٦، باز زده شد ٦۱، باز دادَه بُودَند ۷٦، باز گردانیده شده ۸۰، باز داده شد ۹۲، باز گردانیده بودند ۱۱۱، باز داده بود ۱۱۲، باز گردانیده شده بود ۱۱۳

~: هَٰذِهِۦ بِضَٰعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا (۱۲:٦۵)
باز دادهاند ۲، داد ستند ۲٤، ورگردانیدند ۲۹، باز داده بودند ۳۸، باز دادند ۵٦، بأز دادَهاند ۷٦، باز دارند ۱۰۵، باز گردانیده شده است ۱۱۳، باز داده است ۱۲٤

رُدِدْتُ: وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَىٰ رَبِّي (۱۸:۳٦)
واز آورده شم ۱، باز گردانیده شوم ۳، برند مرا ۲٤، وا گردانند مرا ۲۹، باز گردانیده شوم ۳۰، باز گردانند مرا ٤۱، مرا باز برند ٤۲، باز گردم ٤۳، بَاز گردَانیدَه شَوَمْ ۵۵، باز آرندم ۵٦، باز گردَانند مرا ۵۷، باز گردانند مرا ٦۱، باز برند مرا ٦۳، باز گردیده شوم ۱۰۰، باز برند ۱۳۹

رَدَدْنَا: ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ ٱلْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ (۱۷:٦)
واز آریم ۱، باز گردانیدیم ۳، وا دادیم ما ۲٤، ور گردانیدیم ما ۲۹، باز آوردیم ۳۹، بر گردانیم ما ٤۲، باز گردانیم ۵۲، بازأریم ۵۳، باز گردَانیدیم ۵۵، باز دادیم ۵٦، باز گرَدانیدیم ما ٦۱، بگردانیم ما ۷٦، بآز گردانیدیم ما ۱۰۰، گردانیدیم ۱۱٤، بگردانیم ۱۱۸، بر گردانیدیم ۱۳٦

رَدَدْنَاهُ: فَرَدَدْنَٰهُ إِلَىٰٓ أُمِّهِۦ كَىْ تَقَرَّ عَيْنُهَا (۲۸:۱۳)
واز آوردیم[1] ۱، باز آوردیم ۲، باز دادیم ۲٤، ور گردانیدیم ۲۹، باز گردانیدیم ما ۵۳، باز رسانیدیم ٦٤، باز دَادیم ۷٦، باز گرد آنیدیم ما ۱۰۰

~: ثُمَّ رَدَدْنَٰهُ أَسْفَلَ سَٰفِلِينَ (۹۵:۵)
گردانیدیم ۲، باز گردانیم ۳٤، باز بریم ۳۹، بگردانیدیم ٤۱، باز بردیم ۸۷، بر گردانیدیم ۱۳٦، بگردانیم ما ۱۳۸

رَدِفَ: قُلْ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُم (۲۷:۷۲)
نزدیک شد ۱، پس ازین بیاید ۲، از پس درآید ۲۹، بر پس گیرد ٤۱، نزدیک ٤۳، ازپس دارید ٤٦، آید از پس ۵۲، اندر رَسَدْ ۵۳، پس درآید - نزدیک شد ۵٦، نزدیک دررسید ۵۸، از پی اندر آمده است ٦۲، نزدیک امد ٦۹، از پی درآیند ۸۰، از پی ۸۸، از پی درآید ۹۱، از پس این بیاید ۹٤، از پی درآمد ۱۰۹، درآید ۱۲۱، در رسد ۱۲٤، اندر رسد ۱۳۹

رَدْمًا: فَأَعِينُونِى بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا (۱۸:۹۵)
بَند ۲، باز دارنده ۳، بند بسته ۲۹، دیوار ۳٤، بندی ٤۹، بند - دیوار ٦۷، رخنه ۷۲، بند و دیوار ۱۰۲، بندی و استواری ۱۰۵، دیوار استوار ۱۲۲

رَدَّهَا: فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا (۲۱:٤۰)
باز گردانیدن ۲، باز گردانیدن ۳، باز داشتن ۲٤، ور گردانیدن ۲۹، باز داشْتَن ۵۳، باز زدن ۵۸، باز بردن ۹۰، باز گردانید ۹٦

بِرَدِّهِنَّ: وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِى ذَٰلِكَ (۲:۲۲۸)
باز آوردن ۲، باز گردانیدن ۳، بَوازنی گرفتن ۱۰، بَاز آوَرْدَن ٤۲، باز گردَانیدَن ۵۵، وا زنی گرفتن

---

[1] ۱. واز آوردیم / باز آوردیم.

۶۳، باز بردن ٦٤، باز گرفتن ۹٤، باز گشتن ۹۸، بر گرداندن ۱۰٦

رَدُّوا: فَرَدُّوٓاْ أَيۡدِيَهُمۡ فِيٓ أَفۡوَٰهِهِمۡ (۹:۱٤)

باز زدنْد ۲، بردند ۳، باز بردند ۵، ور گردانیدند ۲۹، باز زدند ۳۹، باز بُرْدَنْد ۵۳، باز گردانیدند ٦۱، روی گردانیدند ٦۷، بنهادند ۷٦، باز همی بردند ۸۸، باز گردانید ۱۱۱، بر گردانیدند ۱۲۲

رُدُّوا: كُلَّ مَا رُدُّوٓاْ إِلَى ٱلۡفِتۡنَةِ أُرۡكِسُواْ فِيهَا (۹۱:٤)

واخُوانَند ۱۰، واخوانندشان ۲٤، باز گردید ۲۹، باز برند ۳۱، خوانده شوند ۳٦، رانده شوند ۳۹، باز می گردند ٤۱، خواهند که باز برند ٤۵، باز خوانده شوند ۵۸، باز خوانندشان ٦۰، ایشان را باز دهند ٦۲، باز گردند ۷۵، باز گردانید ۹۸، خواهند بازبرند ۱۱۲، برندشان ۱۲۱، بر گردانیده شوند ۱۲۲

~: وَلَوۡ رُدُّواْ لَعَادُواْ لِمَا نُهُواْ عَنۡهُ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ (۲۸:٦)

باز گردانیده شدند ۳، باز آرندشان ۹، وابرندی ایشانرا ۲٤، باز گردانندشان ۲٦، باز بردندی ۲۹، باز گردانندَ ایشانرا ٤۲، بَاز گَرَدَانِیدَه شُدندِی ۵۵، باز برده شوند ٦٤، باز هلندی ۷۲، ایشان را باز دادندی ۸۸، باز گردانیدندی ایشانرا ۸۹، باز گردانیده شدندی ۹۱، باز گردانید ایشانرا ۹۲، اوشانرا بازبرند ۹٦، باز آرند ایشانرا ۱۰۳، گردانیده شدندی ۱۱٤، باز گردیده شوند ۱۲۲، باز گردانیدندی ۱۳٦

~: ثُمَّ رُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوۡلَىٰهُمُ ٱلۡحَقِّ (٦۲:٦)

رانده شند ۱، بازْ گَرَدَانَنْدشان ۲، باز گردانیده شوند ۳، باز برندش ۹، وابرند ایشانرا ۲٤، بازبرند ایشانرا ۲۹، بازپس برند ایشان را ٤٤، باز گَرْدَانَند ۵۳، باز زده شوند ۵٦، گردیده اید ۵۷، گردانیده شود ۸۲، باز گردانیده شوید ۱۱۱، بر گردانیده میشوند ۱۳۰

~: وَرُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوۡلَىٰهُمُ ٱلۡحَقِّ (۳۰:۱۰)

واگردانندشان ۱۰، باز گردانند ایشانرا ۱۳، ور گردانیده شوند ۲۹، باز گردانیدشان ۳۸، باز گَرْدَانَندشان ۵۳، باز گَرَدَانیدَه شُد ۵۵، باز داده شوند ۵۸، بَاز دهَند ٦۲، باز گَردانند ایشان را ٦۳، باز زده شدند ۷۲، باز برید ایشانرا ۷٦، باز دهند ۸۸، بیاورده شد ۹۰، باز گردانده شدندَ ۱۰۹، باز گردانیده شود ۱۲۰، بر گردیده شوند ۱۲۲، گردانیده شوند ۱۲۳

رَدُّوهُ: وَلَوۡ رَدُّوهُ إِلَى ٱلرَّسُولِ (۸۳:٤)

باز گردانیدندشی ۳، واهِشتندی ۱۰، فرو گذاشتندی ۲٤، واگذاشتندی ۲۷، باز گذارند ۲۹، باز گرَدانیدَندی ٤۲، باز هلیدی ٤۵، باز بُرْدَنْدی ۵۳، باز بردندی ۵۷، باز گردندی ۵۸، باز گردانند ٦۱، بگذارندی ٦۷، باز گردانیدند ۷۵، باز گردانندی ۸۲، باز گردانیدندی ۸۸، باز گردانید ۹۷، افکنند ۱۰۳، بازهلندی ۱۲۷، بر گردانند ۱۳۵، باز گرداندی ۱۳۸

رُدُّوهُ: فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ (۵۹:٤)

باز گردانیت ۳، وابرید ۱۰، وازبرید ۲۷، بازدهید ۲۹، باز گردانید ۳٦، باز افکنید ۳۸، بَاز گردانید ٤۲، رها کنید ۵۳، باز گردید ۵۸، باز برید ۸٤، باز گردنیت ۹۱، بر گردانید ۱۳۵

رُدُّوهَا: فَحَيُّواْ بِأَحۡسَنَ مِنۡهَآ أَوۡ رُدُّوهَآ (۸٦:٤)

باز گردانیت ۳، باز دهید ۲۹، بأز دَهید ٤۲، باز گویید ۹۰

~: رُدُّوهَا عَلَيَّۖ فَطَفِقَ مَسۡحَۢا بِٱلسُّوقِ وَٱلۡأَعۡنَاقِ (۳۸: ۳۳)

باز آرید ۳۳، باز گردانیده ۵۳، باز دارید ٦٤، بازارید ٦۹، بازْآرید ۷٤، باز گردانید ۱۰۳، باز آورید ۱۰۵، بر گردانید ۱۳۲، باز گردانید آنرا ۱۳٦

ٱلرَّزَّاقُ: إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلرَّزَّاقُ ذُو ٱلۡقُوَّةِ ٱلۡمَتِينُ (۵۸:۵۱)

روزی دادار[1] ۱، روزی دهنده ۲، روزی ده ۳، روزی دَهَنده ۵۱، روزی بخش ۱۱۵

رِزْق: كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ (۲:۶۰)
نان او نان خُرِش ۱۰، روزی کرد ۵۳، رُوزی ۵۵

~: وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ (۷:۳۲)
گوشت و چربُش ۱۰

~: وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۸:٤)
روزی ۱۰

~: وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ (۱۶:۷۱)
خواسته ۴۹، خورش ۵۹

~: فَلْيَأْتِكُم بِرِزْقٍ مِّنْهُ (۱۸:۱۹)
خوردنی ۴۱

~: وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ (۲۰:۱۳۱)
روزی روز بروز ۱۱۱

~: فَابْتَغُوا عِندَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ (۲۹:۱۷)
روزی دادن ۳

~: كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ (۳۴:۱۵)
روزی ۱

~: وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِن رِّزْقٍ (۴۵:۵)
رُوزی ۲

رِزْقًا: فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ (۲:۲۲)
روزی خُـوردنـی ۱۰، رُوزی ۵۵، روزی ۶۳، روزی بسیار ۱۲۲

~: كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِن ثَمَرَةٍ رِّزْقًا (۲:۲۵)
روزی ۲، چیزی خوردنی ۴۰، چیز خوردنی ۶۳

~: فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ (۱۴:۳۲)
خورش ۵۹

~: تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا (۱۶:۶۷)
روزیها ۵۸

~: لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱۶:۷۳)
رُوزی ۲

~: وَمَن رَّزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا (۱۶:۷۵)
روزی دادن ۲٤

~: وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (۳۳:۳۱)
مزد ۴۷

رَزَقَكُمْ: وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا (۵:۸۸)
رُوزی کـرد ۲، روزی داد ۳، روزی [کـرد] ۴۵، روزی‌تـان کـرد ۹۴، روزی کـردتـان ۱۱۴، روزی کرده ۱۲۲

~: أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ (۷:۵۰)
روزی داد ۱، روزی کـردسـت ۱۰، رُوزی کـرد ۴۵، روزی کرده است ۶۲، روزی داده است ۹۲، روزی داده ۱۲۳

~: وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۸:۲۶)
روزی گردانید ۱۲۷

~: وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ (۱۶:۷۲)
رُوزی کردْ ۲

~: فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا (۱۶:۱۱۴)
روزی کرد ۲

~: وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ (۳۶:۴۷)
بداد ۳۳

رِزْقُكُمْ: وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ (۵۱:۲۲)
روزی ۶

---

۱. روزی دادار/ روزی دهنده.

~: وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ (۵٦:۸۲)
بهره ۱۳۲

رُزِقْنَا: قَالُوا هَٰذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِن قَبْلُ (۲:۲۵)
روزی داده بودند ما را ۲، ما را آورده بودند ٤۰، روزی داده شُدیم ۵۵، ما را دادند ٦۲، خورانیدند ما را ٦٤، روزی دادند ما را ۷٦، روزی داده شدیم ۹۱، روزی گردند ما را ۹٤، روزی داده‌اند ما را ۱۰۰، روزی داده شده بودیم ۱۱۱، دادند ما را ۱۱۲، روزی کرده شده ما را ۱۲۱، روزی ما شده بود ۱۲۲، روزی دادیم ما ۱۲٤، روزی شده بود ما را ۱۳٦

لَرِزْقُنَا: إِنَّ هَٰذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِن نَّفَادٍ (۳۸:۵٤)
روزی ۱۳٦

رَزَقْنَاكُمْ: كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ (۲:۵۷)
روزی کردیم ۲، روزي کردیم ۳، روزی کردیم ۱۰، روزی داد ٦۰، روزی کردیم ۸۲، روزي دادیم ما ۱۳۸

~: كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ (۲:۱۷۲)
روزی کردیم ۲، روزی کرده‌ایم ۲۹، دادستیم ٤۰، خورش دادیم ۸۸، روزی داده‌ایم ۱۲۲

~: أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُم (۲:۲۵٤)
روزی دادیم ۵٦، روزی داده‌ایم ٦۲، بدادیم ۹۰، روزی کردیم ما ۹۹، دادیم ما روزی ۱۰٤، روزی شما گردانیده‌ایم ۱۲۲

~: كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ (۷:۱٦۰)
روزی دادیم ۱، روزی کردستیم ۱۰، روزی کردیم ۱۱٤

~: كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ (۲۰:۸۱)
روزی دادیم ما ۵۸، روزی دادیم ۱۰۸

~: مِّن شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ (۳۰:۲۸)
روزی دادیم ٦۱، روزی کرده باشیم ٦۲

~: وَأَنفِقُوا مِن مَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ (٦۳:۱۰)
روزی کرده‌ایم ٦٤

رَزَقْنَاهُ: وَمَن رَّزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا (۱٦:۷۵)
روزی دادیم ۵۳، روزی دادیم ما ۵۸

رَزَقْنَاهُمْ: وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۲:۳)
روزی دادیم ۲، روزی کردیم ۲٤، روزي دادیم ۵۵، روزی دادیم ما ٦۰، روزی دادیم ۸۰، روزی کردیم ما ۹۳، روزی بدادیم ۹۸

~: وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۸:۳)
روزی کرده باشیم ۱۰، روزی کرده باشیم ۵۳، روزی کرده‌ایم ما ۹۳

~: وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ (۱۰:۹۳)
روزی دادیم ۲٤، روز گردانیدیم ۱۲۲

~: وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ (۱۳:۲۲)
روزی کرده بودیم ۵، بدادیم ما ۵۸، روزی کرده‌ایم ۱۰۳

~: يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ (۱٤:۳۱)
روزی دادیم ۵۳، روزی دادیم ۵۷

~: وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ (۱٦:۵٦)
روزی کردیم ۵۲، روزی کرده‌ایم ٦۲

~: وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۲۲:۳۵)
روزی می دهیم ۷٦، روزی دهیم ۸۷، روزی داده‌ایم ۱۰۳، روزی داد ۱۳۹

~: وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۲۸:۵٤)
روزی کرده ٤۷، روزی داده‌ایم ۸٦

~: وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳۲:۱٦)
روزی کردیم ۲، روزی دهیم ما ٦٤

~: مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً (۳۵:۲۹)
روزی کردیم ۲۲

~: وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ (۴۵:۱۶)
روزی گردانیدیم ۱۱۳

رَزَقَنِي: وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا (۱۱:۸۸)
روزی داد ۱، روزی داده باشد ۲، روزی کرد ۴۱، روزی داده‌ام[1] ۵۲، روزی دهد ۵۳، روزی دآد ۱۰۰

رِزْقَهُ: أَمَّنْ هَٰذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ (۶۷:۲۱)
روزی ۳۹

رِزْقُهَا: إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا (۱۱:۶)
روزی ۳۴

~: وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا (۲۹:۶۰)
روزی ۱۱۴

رَزَقَهُمُ: وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ (۴:۳۹)
روزی داد ۱، رُوزی داد ۲، روزی کردشان او دادست ۱۰، بداد ۲۷، روزی کرده بودی ۲۹، دادست ۴۰

~: وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ (۶:۱۴)
روزی کرد ۵۸، روزی داده ۱۱۱، روزی داد ۱۱۴

~: عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ (۲۲:۲۸)
روزی کرده است ۲۴، روزی کرد ۵۱

~: لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ (۲۲:۳۴)
روزی داد ۲، روزی بداد ۱۳۹

رِزْقُهُمْ: وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (۱۹:۶۲)
روزی ۴۸، روزی ۸۷

رِزْقُهُنَّ: وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ (۲:۲۳۳)
روزی دادن ۱، رُوزی ۲، نان اُونان خُرِش ۱۰، نان و نان خورش ۲۷، نان خورش ۳۰، نان ۳۶، خوردنی ۶۳، خورش ۱۰۰، خوراک ۱۳۵

رُزِقُوا: كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ (۲:۲۵)
رُوزی دَهند ایشانرا ۲، روزی کند شان ۲۴، روزی دهد شان ۳۶، روزی دهَند ایشانرا ۴۲، رُوزی دَاده شُدَند ۵۵، بدهند ایشانرا روزی ۵۷، روزی دهند ایشانرا ۶۴، روزی داده شوند ۸۸، روزی دهند ۹۱، روزی یابد شآن ۹۴، روزی کند ۱۰۲، روزی دهد ایشان را ۱۰۴، روزی دهند ایشان را ۱۰۵، روزی دهند شان ۱۱۲، روزی شود ایشانرا ۱۱۴، روزی داده شوید ۱۲۷

الرَّسِّ: وَعَادًا وَثَمُودَا وَأَصْحَابَ الرَّسِّ (۲۵:۳۸)
چه ۱، چاه ۲، چَاه ۷۶

~: كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ (۵۰:۱۲)
چه ۱، ادب دانْ بی کناره ۵۳، بیشه ۵۶، چاه ویران ۸۱، چاه کهنه ۱۰۹

رِسَالَاتِ: أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ (۷:۶۲)
پیغامها ۱، پَیغامها ۲، پیغامَها ۱۰، پیغام ۲۴، پیغامهاء ۶۴

~: أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (۷:۶۸)
پیامها ۱۲۷، پیغام‌ها ۱۳۰، پیغامَها ۱۴۰

~: لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي (۷:۹۳)
پیغامها و فرمانها ۶۴، پیغمبری ۱۳۶

~: لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ (۷۲:۲۸)
فرمانها ۶۴، فرستادها ۱۱۱

رِسَالَاتِهِ: إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ (۷۲:۲۳)
پیغامها ۳، پیغامها ـ رسانیدنیها ۱۰۹، پیغمبران ۱۳۶

رِسَالَاتِي: اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي (۷:۱۴۴)

---

۱. روزی داده‌ام / روزی داده است به من.

پیغامها ۱، پیغام ۶۱، پیغامهاَ ۱۰۵، پیامها ۱۲۲، پیغمبری ۱۳۶

رِسَالَةَ: لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي (۷۹:۷)
پیغامها ۱، پیغام ۲، پیامها ۱۲۷، پیغمبری ۱۳۶

رِسَالَتَهُ: وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ (۶۷:۵)
پیغامها ۱، پیغام ۳، پیغامبری ۳۷، پیغامَهاَ ۵۳، رسانیدن ۶۱، پیغاَمها ۱۰۵

~: اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ (۱۲۴:۶)
پیغامَها ۵۳، پَیغامَها ۵۵، پیغمبری ۶۷، پیغامش ۱۱۸

رُسُلٌ: وَقَفَّيْنَا مِن بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ (۸۷:۲)
پَیغامَبرَان ۵۵، پیمبران ۱۲۹

~: تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ (۲۵۳:۲)
فرستادگان ۳، پیغانبران ۲۵، پیامبران ۲۷، پیغامبران ۱۲۴

~: قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ (۱۴۴:۳)
فرستاده شدگان ۱۰۹

~: قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ (۷۵:۵)
پیغمبراَن ۱۰۰

~: وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ (۳۴:۶)
پیغمبران ۱۲۴

~: أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ (۱۳۰:۶)
پیغامبر ۲۷

~: قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ (۵۳:۷)
فریشتگان ۱۰۷

~: قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُوا إِلَيْكَ (۸۱:۱۱)
فِرِشتادگان ۵۵

~: وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ (۴۱:۲۱)
پیغام بر ۱۰۸

~: لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ (۳۷:۲۵)
پیغمبران فرستاده ۸۶

~: أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ (۷۱:۳۹)
پیغمبران ۵۶

~: إِذْ جَاءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ (۱۴:۴۱)
پیغامبران ۱

رُسُلاً: وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ (۱۶۴:۴)
پیامبران ۷۵

~: رُّسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ (۱۶۵:۴)
فرستادگان ۲

~: وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رُسُلًا (۷۰:۵)
پیغامبران ۱

~: وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ (۴۷:۳۰)
پیغمبران ۸۶

رُسُلِكَ: رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ (۱۹۴:۳)
پیغامبر ۷۵، پیغامبران ۹۷، پیغمبران ۱۰۴

رُسُلُكُمْ: تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُم بِالْبَيِّنَاتِ (۵۰:۴۰)
پیغامبران ۸۱، پیغمبران ۱۳۶

رُسُلُنَا: وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ (۳۲:۵)
پیغمبران ۱۲۴

~: إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ (۲۱:۱۰)
پیغامبران ۱، فرشتگان ۴۲

~: ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا (۱۰۲:۱۰)
پیغمبران ۷۶

~: وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ (۶۹:۱۱)
فرستاده ۲۹

~: ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَا (۴۴:۲۳)

پیمبران ۸٦

~: وَلَمَّآ أَن جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا (۲۹:۳۳)

فریشتگان ۲٤، پیغام آرند گان ٦۵

~: وَسْـَٔلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رُّسُلِنَآ (٤۳:٤۵)

پیغام بران ۵٦

~: بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ (٤۳:۸۰)

فرستاد گان ۳۲

رُسُلِهِۦ: مَن كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَرُسُلِهِۦ (۲:۹۸)

فرستاد گان ۳، پیغمبران ۱۰۱، پیغمبران فرستاده ۱۰٤

~: كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ (۲:۲۸۵)

پیغامبران ۱۰، پیغانبران ۲۵

~: جَحَدُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا۟ رُسُلَهُۥ (۱۱:۵۹)

پیغامبران ۱

رُسُلُهُمْ: وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ (۷:۱۰۱)

پیغامبر ۲۷

~: جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ (۱٤:۹)

فرستاد گان ۵۸، پیغمبران ۱۱٤

~: جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَبِٱلزُّبُرِ (۳۵:۲۵)

پیغام بران ۵٦

~: كَانَت تَّأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَكَفَرُوا۟ (٤۰:۲۲)

پیغامبران ۳

رُسُلِى: وَٱتَّخَذُوٓا۟ ءَايَٰتِى وَرُسُلِى هُزُوًا (۱۸:۱۰٦)

پیغامبران ۲

~: وَمَا بَلَغُوا۟ مِعْشَارَ مَآ ءَاتَيْنَٰهُمْ فَكَذَّبُوا۟ رُسُلِى (۳٤:٤۵)

پیغمبران ۵٦

~: كَتَبَ ٱللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا۠ وَرُسُلِىٓ (۵۸:۲۱)

فرستاد گان ۱۰۳

رَسُولٌ: أَفَكُلَّمَا جَآءَكُمْ رَسُولٌۢ (۲:۸۷)

پیغامبر ۱۰، پیغامبر ۵۳، پیغمبر ۹۹

~: وَلَمَّا جَآءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ (۲:۱۰۱)

پیغامبر ۹۱

~: ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِۦ (۲:۲۸۵)

فرستاده خدا ۱۰٤

~: ٱلْمَسِيحُ عِيسَى ٱبْنُ مَرْيَمَ رَسُولَ ٱللَّهِ (٤:۱۵۷)

پیغام بر ٤۵

~: يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ ٱلَّذِينَ (۵:٤۱)

پیغامبر ۱

~: مَّا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلْبَلَٰغُ (۵:۹۹)

پیغابران ۱۱۰

~: وَلَٰكِنِّى رَسُولٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ (۷:٦۱)

فرستاده شده ۱۳۰، پیغام آورده ۱۳٦

~: ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِىَّ ٱلْأُمِّىَّ (۷:۱۵۷)

پیغامبر فرستاده ٤۵

~: ٱسْتَجِيبُوا۟ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ (۸:۲٤)

پیغامبران ۲۷

~: أَن يَتَخَلَّفُوا۟ عَن رَّسُولِ ٱللَّهِ (۹:۱۲۰)

پیغامبر ۵۵

~: لَقَدْ جَآءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ (۹:۱۲۸)

پیغام بر ۲

~: فَلَمَّا جَآءَهُ ٱلرَّسُولُ قَالَ ٱرْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ (۱۲:۵۰)

پیام گذ آر ۱۰۰

~: فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ ٱلرَّسُولِ (۲۰:۹٦)

جبرئیل ۱۳۲

~: وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ (۲۲:۵۲)

پیغامبر و فرستاد[ه] ۵٦

~: لِيَكُونَ ٱلرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ (۲۲:۷۸)
پیغمبر فرستاده ۸۶

~: وَقَالَ ٱلرَّسُولُ يَـٰرَبِّ (۲۵:۳۰)
فرستاده ۲۰

~: فَقُولَآ إِنَّا رَسُولُ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ (۲۶:۱۶)
فرستادگان ۲۰، فریستاده ۱۲۸

~: أَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُوا۟ ٱلرَّسُولَ (۴۷:۳۳)
پیمبر ۸۶

رَسُولًا: إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ (۳:۱۶۴)
پیغامبر ۱

~: وَأَرْسَلْنَـٰكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًا (۴:۷۹)
پیغمابر ۷۶ [کذا در اصل متن]

~: لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَلَكًا رَّسُولًا (۱۷:۹۵)
فرستاده شده ۶۱، پیغمبر ۱۰۸

~: أَهَـٰذَا ٱلَّذِى بَعَثَ ٱللَّهُ رَسُولًا (۲۵:۴۱)
پیامبر ۴۶

~: أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِىَ بِإِذْنِهِۦ مَا يَشَآءُ (۴۲:۵۱)
فرستاده ۳، پیغام بر ۳۹، پیغام گذار ۱۳۲

رَسُولَا: فَأْتِيَاهُ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ (۲۰:۴۷)
فرستادگان ۴۱، فرستاده ۹۹، پیغامبران ۱۳۹

رَسُولَكُمْ: أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْـَٔلُوا۟ رَسُولَكُمْ (۲:۱۰۸)
پیغامبر ۶۴، پیغمبر ۱۰۵

رَسُولُنَا: قَدْ جَآءَكُمْ رَسُولُنَا (۵:۱۵)
پیغامبران ۷۵

~: يَـٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَـٰبِ قَدْ جَآءَكُمْ رَسُولُنَا (۵:۱۹)
فرستاده ۲، پیام آور ۳۷، پیغامبرْ ۵۳، فرستادگان ۱۲۳

~: فَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا ٱلْبَلَـٰغُ ٱلْمُبِينُ (۵:۹۲)
پیغامبر ۹، پیغمبر ۱۰۰، پیغابران ۱۱۰

رَسُولِهِۦ: فَأْذَنُوا۟ بِحَرْبٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ (۲:۲۷۹)
پیامبر ۲۷، فرستاده ۶۹، پیغامبران ۷۵

~: وَمَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ (۴:۱۴)
پیامبر ۴۳

~: ءَامِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ (۴:۱۳۶)
پیغامبر ۴۵

~: وَمَن يُشَاقِقِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ (۸:۱۳)
پیغمبر ۵۲، فرستاده ۵۵

~: أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُۥ (۲۴:۵۰)
پیغامبر ۴۸

~: قَالُوا۟ هَـٰذَا مَا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ (۳۳:۲۲)
پیغمبر فرستاده ۸۶

رَسُولُهَا: كُلَّ مَا جَآءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ (۲۳:۴۴)
پیغامبران ۵۸

رَسُولُهُمْ: فَإِذَا جَآءَ رَسُولُهُمْ قُضِىَ بَيْنَهُم (۱۰:۴۷)
پیغامبر ۱۳

~: وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍۭ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ (۴۰:۵)
پیغمبران ۱۱۴

رَسُولِى: أَنْ ءَامِنُوا۟ بِى وَبِرَسُولِى (۵:۱۱۱)
پیغامبر ۱

ٱلرَّشَادِ: وَمَآ أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ (۴۰:۲۹)
راست ۲، راستی ۲۹، نیکی ۵۳

~: يَـٰقَوْمِ ٱتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ (۴۰:۳۸)
راست ۱، برخورداری ۵۳

ٱلرُّشْدُ: قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشْدُ مِنَ ٱلْغَىِّ (۲:۲۵۶)

راستی ۱، راشتی ۲، راه روشن ٤١، راه راست ٤٢، راه رَاست ۵۷، ره ٦٠، راه خدا ۷۵، راست روی ۱۳۵

~: وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ ٱلرُّشْدِ (۱٤٦:۷)
راست ۱، روشن ٤١، رَاشت ۵۵، رآستی ۹٤

~: يَهْدِىٓ إِلَى ٱلرُّشْدِ (۲:۷۲)
رآه راست ۱۰۰

رَشَدًا: وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (۱۰:۱۸)
راستی ۱، راست ۲، شدن ۲٤، راه یافتن ۲۹، راستکار ٤١، آسانی ٤٣، راه راست و رستگاری ٤٤، راه ۵۷، راستی راه ۵۸، ره یافتگی ۵۹، راستی را ۷٤

~: أَن يَهْدِيَنِ رَبِّى لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا رَشَدًا (۲٤:۱۸)
راستی ۱، راهِ راشت ۲، راه نمودن ۲۹، روش نیکو ٤١، راه نماینده تر ٤٤، پیدایی و راستی ۵۸

~: أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا (۱۰:۷۲)
راه راست ۳، نیکوئي ۳۹، رَاه نمودَن ٤٢، نیکی ٤٣، راستی و نیکویی ۱۰۸

~: فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُو۟لَٰٓئِكَ تَحَرَّوْا۟ رَشَدًا (۱٤:۷۲)
رَاهِ راست ۲

~: قُلْ إِنِّى لَآ أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا (۲۱:۷۲)
فراخی و آسانی ۲، فراخی ۳۰، راه نمای ۵۲، راه راست نمودن ٦۹، راه راست دادن ۹۱

رُشْدًا: فَإِنْ ءَانَسْتُم مِّنْهُمْ رُشْدًا (٦:٤)
راستی ۱، راه راشت ۲، راه راست ۳، بسامانی و چیز نگاه داشتن ۱۰، نیکی ۲۳، امید نگاه داشتن چیز ٤٠، زند گی ٤١، راه رٰاست ٤٢، خویشتن داری ٦٤، رآه رآست ۹٤، راه یافتگی ۱۰۹، نیکویی ۱۲٤

~: أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا (٦٦:۱۸)
رَاه رَاشت ۵۵، رهنمایی ٦٢، راه راست گرفتن ۸٠

رُشْدَهُۥ: وَلَقَدْ ءَاتَيْنَآ إِبْرَٰهِيمَ رُشْدَهُۥ مِن قَبْلُ (۵۱:۲۱)
ره نمون ۱، راه راشت ۲، راه راست ۱۲، راه رَاست ۵۳، خرد ۵۸، راه یافتن ۸٦، راستی ۱۰۲، راست ۱۱٤، کاردانی ۱۲۲

رَشِيدٌ: أَلَيْسَ مِنكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ (۷۸:۱۱)
نیک ۱، راه یافته ۲، براه راست ۳، کار یافته ۵۲، رَاه یافته ۵۳، بَراه رَاشت ۵۵، نیک بخت ۹۱، بزرگ براه راست ۹۲، راه راست یافته ۱۱۲، بادانش ۱۱۵

~: إِنَّكَ لَأَنتَ ٱلْحَلِيمُ ٱلرَّشِيدُ (۸۷:۱۱)
نیکوکار ۲٤، راه نمای ۲۹، راهنمای ۳۸، نیک ۵۷، راهبر ۵۸، بر راه ۵۹، رَاه نَمای ٦٢، خردمند ٦٤، بر راه راستی ۹۱، رهنمای ۱۰۳، براستی ۱۱٤، دانا ۱۱۵، راه یافته تر ۱۲۳

~: وَمَآ أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ (۹۷:۱۱)
راه نماینده ۲، راست ۲٤، راه راست ٤١، رَاشت ۵۵، نیک و راست ۵۸، راه راست نماینده ۱۱٦، ره نماینده ۱۲۵، درست ۱۳۵، راستی ۱۳٦

رَصَداً: فَمَن يَسْتَمِعِ ٱلْـَٔانَ يَجِدْ لَهُۥ شِهَابًا رَّصَدًا (۹:۷۲)
ورکران[1] ۱، پاسبان ـ نگاه بان ۳، بر راه ۱۹، نگه بان ۲٤، بدست نهاده ۲۹، آماده کرده ۳۰، نواره[2] ۳۹، نگاهبان ٤١، پَاسبانی ٤٢، بر کمین نشسته ۵٦، در کمین ٦١، پاسبان ۸۰، ساه[2] ۹۱، پاسبانان ۹۲، نگاه داشته ۹٦، نگهبانی ۱۰۲، نگاه داشته ۱۰۵، کمین کرده ۱۰٦، نگاه دارنده و آماده کرده ۱۰۸، نگاه داشته در کمین ۱۰۹، نگاه دارند ۱۱۳، نگاهدارنده ۱۱۵، راه ۱۳۲

~: فَإِنَّهُۥ يَسْلُكُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِۦ رَصَدًا (۲۷:۷۲)

---

۱. ورکران: در کمین، در کنار.
۲. کذا در متن اصلی (؟).

نگه وانان[١] ١، نگاه بانان ٢، پاسوانان[٢] ٦، نگاه دارنده ٣٦، نگهبان ٣٨، نگاه بان ٣٩، نگه بانی ٤٢، نگه بانان ٨٩، نگاه بانی ٩١، نگهبانان ١٠٠، نگه دارنده ١١٣

ٱلرَّضَاعَةَ: لِمَنْ أَرَادَ أَن يُتِمَّ ٱلرَّضَاعَةَ (٢: ٢٣٣)
شیردادن ٢، شیر خوردن ٣، شیر دادن ٢٤، شیر دادن ٤٢، شیر خوردَن ٥٥، شیر د آدن ١٠٠

~: وَأَخَوَٰتُكُم مِّنَ ٱلرَّضَٰعَةِ (٤: ٢٣)
هم شیره ١، شیر خُوردن ٢، شیر خورد گی ٣، شِیر خوردن ٢٣، هم شیر گی ٢٤، شیر خوار گی ٢٧، شیر خوارد گی ٣٠، شیر ٤٨، شیر خوردن ٥٢، شِیر خَورَدَ گیِ ٥٥، همشیر گان شیر خواران ٥٨، شیر خوردَه ٦٢، از هم شیر خورده ٧٢، شیر باز کرده ٨٨، شیر خوری ٩٩، هم شیر ١٠٠، شیر دادند ١٢٧

رَضُوا :رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُواْ عَنْهُ ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ (٥: ١١٩)
ایشان خشنود ٩، خشنود گشتند ٢٦، خشنود شده اند ٢٧، خشنود شده ایشان ٢٩

~: فَإِنْ أُعْطُواْ مِنْهَا رَضُواْ وَإِن لَّمْ يُعْطَوْاْ مِنْهَآ (٩: ٥٨)
خشنود شند ١، خوش منش و خُنسند باشند[٣] ١٠، خشنود شوند ١١، خشنود گردند ٢٤، خُشنُود شَوَند ٥٥، بسند کار شوند ٩١، خشنودند ایشان ١٢١، خوشنود شوند ١٢٤، خوش نود شوند[٤] ١٣٦

~: وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُواْ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ (٩: ٥٩)
بپسند یدی ١، پسند یدند ٣، خشنود باشند ١٠، پسند کار شوندی ١١، خشنود شدندی ٢٧، بپسند یدندی ٤٢، بپسندندی ٥٨، پسندیده کار بودندی ٦٧، پسند یدندی ٩٦، به پسند یدی ١٠٥، بپسندند ١٢١، خشنود کنند ١٣٥

~: رَضُواْ بِأَن يَكُونُواْ مَعَ ٱلْخَوَالِفِ (٩: ٨٧)
پسند کار شدند ١١، پسند گردَندْ ٥٣، بپسندید ٥٨، پسندند ٦١، بسند کردند ٨٣، پسنده اند ٩٢، پسنده کردند ٩٦، خوشنودند ١٢٤

~: رَضُواْ بِأَن يَكُونُواْ مَعَ ٱلْخَوَالِفِ (٩: ٩٣)
پسند کار شدند ١٣، بسند گان شدند ٥٠، پسنده گَرْدَه اند ٥٣، پسنده شدند ٥٧، بسنده کرده اند ٦٢، بسند کار شدند ١٠٧، خرسند بودند ١٢٢، هم داستان شدند ١٢٤، خوشنود شدند ١٣٦

~: رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُواْ عَنْهُ (٩: ١٠٠)
خشنود گشتند ٩٤

~: وَرَضُواْ بِٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (١٠: ٧)
بپسند یدند ١، پَسنْد کردنْد ٢، بر گزیدند ٣، شادی کنند ٢٤، بسنده کردند ٢٧، پسند گَرْدَنْد ٥٣، گُزِیدَنْد ٥٥، بسنده شدند ٨٨، پسند کردند ٩٦، خشنود شده اند ١٠٢، خورسند شدند ١١٦

~: رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُواْ عَنْهُ (٥٨: ٢٢)
خشنود شدند ١، خشنودند ٣٩، خشنود کردند ٥٦، خوشنود گشتند ١٠٨

~: رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُواْ عَنْهُ (٩٨: ٨)
خشنود باشند ٣٩

رِضوَانٌ : وَرِضْوَٰنٌ مِّنَ ٱللَّهِ (٣: ١٥)
خشنُودیِ ٢، خُشْنُودِی ٥٥، خوشنودی ٦٤

~: أَفَمَنِ ٱتَّبَعَ رِضْوَٰنَ ٱللَّهِ (٣: ١٦٢)

١. نگه وانان / نگهبانان.
٢. پاسوانان / پاسبانان.
٣. خُنسند / خرسند.
٤. خوش نود / خشنود.

خشنودی ٦٩

~: وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ (۳:۱۷٤)

خشنودی ۱، خشندی[1] ۱۰

~: وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ (۹:۷۲)

خشنودی ۱، خشنودی ٦٢

~: وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ (۵۷:۲۰)

پسند ۳۰

رِضْوَانًا: يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا (۵:۲)

خشنودی ۱، خشنودی ۲، خشنُودی ۱۰، خشْنُودی ۱۱، خوشنودی ۱۲۱، خُشنودی ۱۳۸

رِضْوَانَهُ: وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ (٤٧:۲۸)

خشنودی ۱، خوشنودی ۸۱، خوش نودی ۱۳۸

رَضِيَ: رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۵: ۱۱۹)

خشنود ۹، خشنود است ٢٦، خشنود شده است ۲۷، خشنود شده ۲۹، خشنود شود ۵۷، خشنود بود ٦٧

~: رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ (۹:۱۰۰)

خشنودست ٢٤، خشنود شد ۲۹، پسندد ٦١، خشنود گشتست ٦٢، خوشنود شده ست ۱۱۳، خوشنودست ۱۲٤

~: وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا (۲۰:۱۰۹)

بپسندید ۱، بپسندد ٢٤، بپسندَدْ ۵۳، پسندند ۵۸، خشنود و پسندد ٦١، پسندیده باشد ٦٢، پسندیده ٧٦، پسنده داد ۱۱٤

~: لَّقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ (٤٨:۱۸)

بپسندید ۱، خشنود گشت ۱۲، خشنود گردد ۳۰، پسندید ٦١، خشنود شدست ٦٤، خوشنود گشت ۱۰۸، خوشنود شد ۱۱٦

~: رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ (۵۸:۲۲)

خشنود شد ۱، خشنود گشته ۲، خشنود شده باشد ۷۹، خوشنود گشته ۱۰۸، خوش نود[2] شده ست ۱۱۳

~: رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ (۹۸:۸)

خشنود باشد ۲۹، خشنود باد ۱۱٤

رَضِيًّا: وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا (۱۹:٦)

پسندیده ۱، پسندیده ۲، پارسا و نیکوکار و پرهیزکار ٤٤، خشنود ۵۲، پسنده ٧٤، شایسته و پسندیده ۱۱۱، پسندنده ۱۲۱، شایسته ۱۲۳، خوشنود ۱۲۵

رَضِيتُ: وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (۵:۳)

بپسندیدم ۱، پسندیدم ۲، برگُزیدُم ۱۰، برگزیدم ٣٦، پسندیده‌ام ۳۸، پَسَنْدِیدَم ۵۵، خشنود شدم ۵۷، پسندیده بودم ۵۸، پسند کردم ۷۲، خشنودم ٧٥، به پسندیدم ۹۰، پسند کردم من ۹۹، پسندیدم من ۱۰٤، پسندیدیم ۱۱۵

رَضِيتُمْ: أَرَضِيتُم بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا (۹:۳۸)

پَسنْد کردید ۲، پسندیدّی و خشنود بودی ۱۰، پسند کردید ۱۱، پسندیدیت ۳۰، پسنده کردید و گرفتید ٣٦، همی بسند کار شوید ۳۸، پسندیدیت و بسنده کردیت ٤١، به پسندید شما ۵۸، پسندیده کردیت ۸۰، خستون شدند ۹۰، خشنود گشتید ۹٤، پسندید شما ۹۹، پسند کار شدید ۱۰۷، پسنده کردید ۱۰۹، خوشنود میشوید ۱۲۱، خوشنود گردید شما ۱۲٤، خشنود گردید ۱۲۷

~: إِنَّكُمْ رَضِيتُم بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ (۹:۸۳)

---

۱. خشندی / خشنودی.

۲. خوش نود / خشنود.

بپسندیدید ۱، پَسَنده کار گشتید ۲، خشنود شدیت ۳، پسنده کار شدی ۱۱، پسند کار شوید ۳۸، پسندیدیت شما ۴۱، پسنده کردیْد ۵۳، بپسندید ۵۶، خشنود شدید ۶۱، پسنده کار گشتید ۹۶، خشنود شدید شما ۱۰۰، خرسند شدید ۱۱۱، خورسند[1] شدید ۱۱۶، خشنودید ۱۲۱، پسندیده بودید ۱۲۷

رَطْب: وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَٰبٍ مُّبِينٍ (۶:۵۹)
تر ۱، تَر ۲، چیز تر ۲۹، تری ۳۰، تَرِی ۵۵، تر چیز ۹۶، تر و تازه ۱۲۲

رُطَبًا: تُسَٰقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا (۱۹:۲۵)
خرماءَ تر ۲، خرما تر ۳، خرمای تر ۲۴، خرما تازه ۲۹، خرماء تر ۳۹، خرمای تازه ۴۲، خرماء پخته رسیده ۴۴، خُرمَا ۵۳، خرما تر رسیده از درخت ۵۶، خرما ۶۴، خرمای رسیده ۱۰۲، خورما ۱۲۳، خرمای تر و تازه ۱۲۶

ٱلرِّعَاءُ: حَتَّىٰ يُصْدِرَ ٱلرِّعَآءُ (۲۸:۲۳)
شوانان[2] ۱، شبانان ۲، گلها و شبانان ۴۱، چوپانان ۵۳، شبانها ۹۹، شبان ۱۱۴، شپانان ۱۱۵

رِعَايَتِهَا: فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا (۵۷:۲۷)
نگه داشتن ۱، نگاه داشتن ۲، نگاه داشت ۸۰، نگاهداشتن ۸۷، نگاهداشت ۹۲

ٱلرُّعْبَ: فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱلرُّعْبَ (۳:۱۵۱)
بیم ۲، ترس و بیم ۳، بیم و هراس ۱۰، بیم و ترس ۳۹، هراس و ترس ۶۴

~: سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱلرُّعْبَ (۸:۱۲)
ترس ۱، بیم ۲، بِیمُ و هَراس ۱۰، تَرسْ ۵۵، بِیم ۶۲

~: وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعْبَ (۳۳:۲۶)
بیمْ ۵۳

~: وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعْبَ (۵۹:۲)
بیم و ترسْ ۲، هراس ۶۴

رُعْبًا: وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا (۱۸:۱۸)
ترس ۱، بیم ۲، ترسیدن ۲۴، ترسیْدَن ۵۳، بیم ۶۴، بترس ۹۴

رَعْدٌ: فِيهِ ظُلُمَٰتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ (۲:۱۹)
تُندر ۲، تَنْدُر ۵۵، غریدن ابر ۶۰، بانگ کردن ابر ۸۳، تُنْد [ر] ۹۰، بانگ ۹۱، بانگ ابر ۹۹، خیریدن ابر ۱۰۱، پایه ۱۰۲، تُندُر آواز فرشته ابر ۱۰۹، آواز سخت از ابر ۱۱۱، بانگِ ابر ۱۲۴

~: وَيُسَبِّحُ ٱلرَّعْدُ بِحَمْدِهِۦ (۱۳:۱۳)
تُندر ۲، آواز ابر ۲۹، تندر ۳۰، تندور ۴۲، تَندُر ۱۰۹

رَعَوْهَا: فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا (۵۷:۲۷)
نگاه داشتند ۳، داشتند نگاه ۲۴، نگاه داشت ۷۸، نگه بداشتند ۱۳۸

* مَارَعَوْهَا: فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا (۵۷:۲۷)
نگاه نداشتند ۲، نکردند نگاه داشت ۴۱، نگه نداشتند ۴۹، بنگاه بنداشتند ۱۱۷

رَغَبًا: وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا (۲۱:۹۰)
امید ۲، خواهانی ۳، باومید ۱۲، خواستار ۲۹، اومید ۳۰، اُومیدْ ۵۳، امید ۵۸، امّید ۱۰۵، خواهان ۱۱۴، خواهش ۱۲۲

رَغَدًا: وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا (۲:۳۵)
فراخی ۲۹، فراخی بسیار ۳۴، فِرَاخ ۴۲، فراخ ۵۰، فرَاخ ۵۵، خوردنی خوش ۹۱، نوش و گوارنده ۱۰۰، فراخی و ناز ۱۰۱، فراخاده ۱۰۲، خوش ۱۰۴،

---

۱. خورسند / خرسند.
۲. شوانان / شبانان.

خوردن خوش ۱۱۲، پر و فراخ ۱۱۸

~: فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا (۲:۵۸)
بفراخِی بی شمار و بی رنج ۱۰، فراخی ۲۹، خورد فراخ ۶۳، فراخ و بسیار ٦٤، بسیار ۷۸، خوشگوآر ۱۰۰، گشاده ۱۰۲، خوشتر ۱۳٦

~: يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا (۱٦:۱۱۲)
خوش کام ۳۸، فراخ و خوش ۳۹، گوارنده و خوش ٤۲، فُراخْ ۵۳، فَراخْ ۵۵، گوارنده ٦۱، فراخی ٦۲، فراوان ۹۲، خوش و گوآرنده ۱۰۰، فراخ و آسان ۱۰۳، فراخ. بسیار ۱۲۰، پسندیده ۱۳٦

رُفَاتًا: وَقَالُوا أَءِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا (۱۷:٤۹)
ریزیده ۱، ریزهاءَ پراکنده ۲، پوسیده ۳، پوسیده و گردیده ٢٤، ریزندها ۳۸، پوسیده و بریده ٤۱، ریزه و یا پراکنده ۵۲، خرد گَشتَهْ ۵۳، پُوسِیدَه ۵۵، پوسیدها ٦۹، ریزها ۷۸، ریزها پراکنده ۸۳، خاک ۹۲، ریزیده و پراکنده ۹٤، ریزها و پراکنده ۱۰۵، ریزه ۱۰۹، خرد مرد ۱۱۱، ریزیده و خاک بوده ۱۱۳، خاکهای خورد و مرد شده ۱۱٦، پاشیده ۱۲٤، پراکنده ۱۲۸

~: وَقَالُوا أَءِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا (۱۷:۹۸)
ریزیده ۱، ریزه ریزه ۳، خاک شده ٢٤، پوسیده و ریزنده ٤۱، پاره پاره ٤۲، پوسیده و ریزیده ٤۹، ریزه‌ها ۵۲، خرد و پوسیده ۵۳، رِیزَه رِیزَه ۵۵، پاره پاره ریزیده ۵۸، پوسیده گشته ٦٤، ریزیده و خاک شده ۷۹، ریزیده و پوسیده ۱۰۰، پوسیده شده ۱۰۲، پارها و ریزها ۱۰۸، خاکهای ریزه ۱۱۱، ریزیده و خاک شدن ۱۱۳، خاکها ریزه شده ۱۱٦، خاک پوسیده ۱۱۹، از هم پاشیده شده ۱۲۲، از هم پاشیده ۱۲۷، پارها و ریزه‌ها ۱۲۸، ریزه شده ۱۳۰، خاکریزه ۱۳۱

رَفَثُ: أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ (۲:۱۸۷)
فراز رفتن ۲، آمدن ۳، فراز آمدن ۳۰، نزدیکی کردن ٤۱، فراز رفتن ۵۳، آمَدَن ۵۵، کشت کاشتن ٦۱، دست فراز کردن برزن ٦۷، فراز گرفتن ۹۱، گرد آمدن ۱۲۱

~: فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ (۲:۱۹۷)
برخور ۹۰، بیهوده ۱۰۹، زشتی کردن ۱۲۷

★ لارَفَثَ: فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ (۲:۱۹۷)
نباید سخن زشت گوید ٦۳

اَلرِّفْدُ: بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ (۱۱:۹۹)
یاری ٤۱، دادن ۵۷، وادنی[1] ۱۱۳

رَفرَف: مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ (۵۵:۷٦)
بالشتّها ۱، جامها ۲، شادروانها و بالشها ۳، بسترها ٢٤، شادروانها ۳۰، بالشها ۳٤، پستراهنگها ۳۵، مرغزارها ٤۹، تختها ٦۱، نیم بالشها ٦۹، بساطها ۷۸، جامها ۸۸، مرغزار ۹۰، دیباهآ ۱۰۰، بالِشتها ۱۰۹، هم پشتها ۱۱۰، بستر ۱۱۹، فرشها ۱۲۰، شادروان ۱۲۱، دیباها ـ جامها ۱۲٤، شادر ۱۳۸

رَفَعَ: وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَٰتٍ (۲:۲۵۳)
ورداشت[2] ۱، بَرداشت ۲، بلند گردانید ۲۵، برداشتَه است ٦۲، برکشید ٦٤، بدارد ۹۰، بلندی دهد ۱۳٦

~: وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَٰتٍ (٦:۱٦۵)

---

۱. کذا، شاید «وادانی» باشد (؟).
۲. ورداشت / برداشت.

بلند کرد ۳، برداشته کرد ٦۲، برد باد ۹۲

~: وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى ٱلْعَرْشِ (۱۲:۱۰۰)
بر آورْد ۲، بر آورد ۳، برنشاند ۵، ورشد[1] ۲٤، بَر آوَرْد ۵۵، برداشت ۹۱، نشاند ۱۰٤، برداش[2] ۱۱۱، بر گرفت ۱۱۵، بیاورد ۱۲۸، بالا برد ۱۳۵

~: ٱللَّهُ ٱلَّذِى رَفَعَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا (۱۳:۲)
برداشت ۲، برافراشت ۳، ورداشت ۲٤، داشت ۵۳، بَرافراشْتِ ۵۵، بیفراشت ٦٤، بلند برداشت ۱۱۱، برداشته ۱۲۰، برافراشته ۱۲۷، بلند کرده است ۱۳٦

~: رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوَّىٰهَا (۷۹:۲۸)
بردارد ۸۷

رُفِعَتْ: وَإِلَى ٱلسَّمَآءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۸۸:۱۸)
ور[3] داشته شد ۱، برداشتش ۲، برداشته شد ۳۰، برداشت ۳٤، بلند کرده شد ۳٦، برداشته آمد ۳۸، برداشتند ۵۱، برداشته شده است ٦۷، افراشته شد ۸۰، برافراشته است ۱۰۰، برافراشته شده است ۱۱۱، برداشته شده ۱۱٤، برافراشته گشته ۱۳۲، برافراشته شده ۱۳٤، بلند شده ۱۳٦، افرشته شد ۱۳۸، بلند برداشته شده است ۱۳۹

رَفَعْنَا: وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ ٱلطُّورَ (۲:٦۳)
بَرداشتیم ۲، بر آوردیم ۳، برداشتیم ۱۰، ور[3] داشتیم ۲٤، بَرآوَرْدِیم ۵۵، برافراشتیم ما ٦۳، بَرْداشتِیم ۹٤

~: وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ ٱلطُّورَ (۲:۹۳)
بردَاشتیم ٤۲، بَر آوِرْدیم ۵۵، برداشتیم ۹۱، بلند داشتیم ۱۳٦

~: وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ ٱلطُّورَ بِمِيثَٰقِهِمْ (٤:۱۵٤)
ورداشتیم ما[3] ۲٤، بلند کردیم ۳۸، برداشتیم ما ۵٦، برداریم ۷۵، بر آوردیم ما ۹۰، بر سر داشتیم ۹٦

~: وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَٰتٍ (٤۳:۳۲)
ورداشتیم ۱، برْداشتِیم ۲۲، بر آوردیم ۳۲، بر کشیده ایم ٤۸، برداشته ایم ۱۱٦

~: وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ فَإِنَّ مَعَ ٱلْعُسْرِ يُسْرًا (۹٤:٤)
بُلند گردانیدیم ۲، برداشته بکردیم ۵۳، بلند گردانیدیم ۸۸، بفراشتیم ما ۱۳۸

رَفَعْنَاهُ: وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَٰهُ بِهَا وَلَٰكِنَّهُۥٓ (۷:۱۷٦)
ورداشتی ۱، بر آوردیمی ۲، بلند کردیم ۳، بَر کشیدِمی و بَردَاشته کردیمی ۱۰، ورداشتیمی ۲٤، برداشتیمی و بر کشیدیمی ۲۷، بلند گردانیدمانی ۲۹، برداشتیمی ۳۵، بر کشیدیمی ٤۱، بلند کردمانی ٤۲، برداشتمانی ۵۷، بزرگ گردانیدیمی ۵۸، برافراشتمانی ٦۳، بزرگ گردانیدیم ۷٤، برافراشتیمی ۱۰۰، بلند گردانیدیمی ۱۰۳، بلند می گردانیدیمانی ۱۰٤، بر آوردیمی ۱۰۵، برمیداشتیم ۱۱۱، برمی داشتیم ۱۱٦، بلند میگردانیدیم ۱۲۰، برمی افراشتیم ۱۲۲، برداشتیم ۱۲٤، بلند گردانیدمی ۱۲٦، برافراشتمانیم ما ۱۳٤، بلند گردانیم ۱۳٦

~: وَرَفَعْنَٰهُ مَكَانًا عَلِيًّا (۱۹:۵۷)
ورداشتیم ۱، برداشتیم ۲٤، بر آوردیم ۳۹، برداشتیم و افراشتیم ٤٤، بَرْداشْتیمْ ۵۳، بر آوردیم ما ۵۸،

---

۱. ورشد / برشد.
۲. برداش / برداشت.
۳. ور / بر (ورداشتیم ما / برداشتیم ما)

بر آوریم ٦١، برداشتیم ما ٦٤، برافراشتیم ما ۸۹، افراشتیم ۱۰٦، بالا برديم ۱۳۲

رَفَعَهُ: بَل رَّفَعَهُ ٱللَّهُ إِلَيۡهِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (٤:١٥٨)
ورداشت ١، برداشت ٢، بر آورد ۳، بآسمان برد ٢٤، برداشته کرد ۲۹، برافراشت ٦٣، بربرد ٧٤، بالا برده بود ٩٦، برداشته بود ۱۲۱، بلند گردایند ۱۳۵، بلند کرد ١٣٦

رَفَعَهَا: وَٱلسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ ٱلۡمِيزَانَ (٥٥:٧)
ورداشت ١، بَرداشت ٢، برافراشت ٣، برداشت ٢٤، بر کشید ٤١، برافراشته ٥٠، برافراخت ٦٥، براورد ٦٩، بلند برداشت ١٠٢، بلند گردانید ١٣٦

رَفِيعُ: رَفِيعُ ٱلدَّرَجَٰتِ ذُو ٱلۡعَرۡشِ (٤٠:١٥)
ور دور[1] ١، بردارنده ٢، بلند کننده ٣، افراشته ٣٤، بر آرنده ٣٩، بردارَندَه ٥٣، برافرازنده ۸۹، بلند گرداننده ۱۳۲

رَفِيقًا: وَحَسُنَ أُوْلَٰٓئِكَ رَفِيقًا (٤:٦٩)
یار و هم پُشت ۲، یاران ۱۰، دوستان ۳۱، هم دلان ۳۹، همراهان ٤١، یار و هم نشین ٤٢، یار ٥٣، هم راه ٥٦، دوست ٦١، همراه ٦٣، هم نشین ۸۲، همنشین ۱۱۱، همنشینان ۱۲۳

رَقٍّ: فِي رَقّٖ مَّنشُورٖ (٥٢:٣)
نامه ١، کاغذ ٢، پوست ٣، ديوان ٢٤، پراكنده ٤١، پوست تنک ٤٩، پوشش ٧٨

ٱلرِّقَابِ: وَٱلسَّآئِلِينَ وَفِي ٱلرِّقَابِ (٢:١٧٧)
آزاد کردن گردنها ـ فام داران ٢، آزاد کردَن بند گان ١٠، بند گان ٢٩، گردَنها ٤٢، گردنها آزاد کردن ٥٢، آزاد کردن گردنها ٥٣، خویشتَن خَریدَ گان از بَندَ گان ٥٥، بَرد گان ٥٧، آزاد کردن بنده ٦١، خویشتن از بند گی خرید گان ۸۰، خویشتن خرید گان از بند گان ٩١، گردنهاء آزاد کردن ١٠٥، آزاد کنند گان بنده ١١٢، آزاد کردن بند گان ١٢٤، کنیز ١٣٦

~: وَفِي ٱلرِّقَابِ وَٱلۡغَٰرِمِينَ (٩:٦٠)
گورد گان[2] ١، گردَنها ٢، بند گان خويشتن خريده ٣، آزاد کَردَن بند گان ١٠، برد گان ١١، باز خرند گان ٢٧، گشادن گردنها ٤٣، خويشتن بازخرند گان ٤٩، رَهانیدَنْ ٥٣، بَند گان خویْشتَن خریده ٥٥، گرْدنها ٦٢، آزاد کرد گان ۸۸، بند گان خویشتن خرنده ٩١، آزاد گردنها ٩٦، بند گانی که خود را باخرند ١١٢، گشادن گردنها از بند بند گی ١١٦، بند گی ١٢٤، رهانیدن بند گان از بند گی ١٢٧، آزاد کردن ١٢٩

~: فَضَرۡبَ ٱلرِّقَابِ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَثۡخَنتُمُوهُمۡ (٤٧:٤)
گردنها ١، گردَنها ٥١، گردنهاء ٩٠، بالای گردنها ١٠٦، گردن ١٢٣، بند گی ١٢٤، رهانیدن بند گان از بند گی ١٢٧، آزاد کردن ١٢٩

رَقَبَة: فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖ (٤:٩٢)
گورده[3] ١، برده ٢، بنده ٣، گردن ١٠، بَرْدَه ٥٣، بَنْدَه ٥٥، برده ٥٧، تن ٧٥، گرونده ١١١، کنیز ١٣٦

~: أَوۡ كِسۡوَتُهُمۡ أَوۡ تَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ (٥:٨٩)
گورده[3] ١، بَرده ٢، بردَه ٤٢، بندَه ٥٥

~: فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مِّن قَبۡلِ أَن يَتَمَآسَّا (٥٨:٣)

---

١. وردور: برتر.
٢. گورد گان / برد گان، بند گان.
٣. گورده / برده، بنده.

گورده[1] ۱

~: وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡعَقَبَةُ فَكُّ رَقَبَةٍ (۹۰:۱۳)
گورده[1] ۱، آزاد کردن ۴۱

رُقُودٌ: وَتَحۡسَبُهُمۡ أَيۡقَاظٗا وَهُمۡ رُقُودٞ (۱۸:۱۸)
خواب کناران ۱، خفتگان ۲، خوفتگان ۸، خفته ۲۴، خفته‌اند ۴۳، خُفتَگان ۵۵، خفتگان بودند ۹۸، خفته گان ۱۳۶، خفت گان ۱۳۹

رَقیبٌ: أَنتَ ٱلرَّقِيبَ عَلَيۡهِمۡ (۵:۱۱۷)
نگه وان ۱، نگاه بان ۲، نگاه دارنده ۹، نگاه دار ۲۴، نگاه بان و گواه ۳۹، نگاه بان ۴۲، نگاه بان ۵۳، نگاه دار و گواه ۷۲، نگهبان ۱۰۰، نگهبان و گواه ۱۲۷، انگه بان[2] ۱۳۸

~: وَٱرۡتَقِبُوٓاْ إِنِّي مَعَكُمۡ رَقِيبٞ (۱۱:۹۳)
برمر گرفتار[3] ۱، چشم دارنده ۲، چشم دار ۲۴، نگه دارنده ۲۹، نگاهبان ۴۱، چَشم دَارَندَه ۵۵، نگاه بان و چشم دارنده ۵۸، چشم دارند گان ۷۵، دنه باز[4] ۹۵، نگه بانم ۱۱۳

~: مَّا يَلۡفِظُ مِن قَوۡلٍ إِلَّا لَدَيۡهِ رَقِيبٌ عَتِيدٞ (۵۰:۱۸)
نگه بان ۶، نگهبان ۵۱

رَقیبًا: إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا (۴:۱)
نگه وان[5] ۱، نگاهبان ۳، نگاه وان ۱۰، نگه دار ۲۹، نگه دان ۴۰، نگاه بَان ۴۲، نِگاه بَان ۵۵، نگادار ۶۲، نگاه بان ۹۱، نگاه بآن ۹۴، پاینده ۹۶، نگهبان ۱۰۰، دیده بان ۱۲۳، دیدبان ۱۳۱

~: وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ رَّقِيبٗا (۳۳:۵۲)
نگاه بان ۲، نگاه دار ۷، نگه بان ۲۹، نگهبان ۴۸

لِرُقِیِّكَ: وَلَن نُّؤۡمِنَ لِرُقِيِّكَ (۱۷:۹۳)
ورشدن ۱، ببالا بر شدن ۲، بر شدن ۳، بر آمدن ۳۶، افسون ۴۱، بَر شُدَن ۵۵، بر رفتن ۶۰، رفتن بر بالا ۷۶، ببالا بر رفتن ۱۰۰، بالا شدن ۱۰۶، بالا رفتن ۱۲۶، برتر شدن ۱۲۸، در شدن ۱۳۹

ٱلرَّقِیم: أَنَّ أَصۡحَٰبَ ٱلۡكَهۡفِ وَٱلرَّقِيمِ (۱۸:۹)
تخته نبشته ۲، تخته زر نبشته ۴۳، وادی ۴۸، تخته نبشته ۵۹، نبشته ۶۳، نبشته تاریخ ۷۲، تخته نوشته ۷۹، بیشه ۹۰، تختهٔ نبشته ۹۶، تختهٔ نوشته ۱۰۹، نوشته ۱۲۴

رِکَاب: أَوۡجَفۡتُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ خَيۡلٖ وَلَا رِكَابٖ (۵۹:۶)
پیادهٔ گان ۱، اشتران ۲، شتران ۳، اشتر ۲۴، شتر سواران ۳۹، اشتر سواران ۴۱، جماز گان ۷۸، سواران ۸۱، سوار گرفته بر شتران ۸۷، شتر ۸۹

رُکَامًا: ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيۡنَهُۥ ثُمَّ يَجۡعَلُهُۥ رُكَامٗا (۲۴:۴۳)
یک ور دیگر ۱، أز بر یک دگر ۲، بر هم نشته ۳، زبر یک دیگر بر کشیده ۲۴، برهم نهاده ۳۰، پیوسته بر یکدیگر ۳۶، برهم نشانده بهری بر بهری ۴۱، برهم ۴۳، هَمْوار ۵۳، بر یک دیگر نشانده ۵۴، تو بر تو ۵۸، ز بر یکدیگر ۶۴، بیرون همی آید زیر هم ۸۸، درهم رسته و برهم بسته ۱۰۳، از بر یکدیگر ۱۰۸، برهم نشسته ته بر ته ۱۰۹، درهم رسته و بر هم پیوسته ۱۱۱، بهم رسته ۱۱۵،

۱. گورده / برده، بنده.
۲. کذا در متن اصلی: انگه بان / نگهبان.
۳. بر مر گرفتار: رقیب، چشم دارنده.
۴. کذا در متن اصلی (؟).
۵. نگه وان / نگهبان.

برنشسته ۱۱۹، درهم ۱۲۳، برهم دیگر هموار ۱۲٤، برهم بسته ۱۲۹

اَلرَّكْبُ: وَٱلرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنكُمْ (۸: ٤۲)
نشستگان ۱، کاروان ۲، شتر سُواران ۳، تل ریک ۱۱، شتر سواران ۲۹، اشتر سواران ۳۰، سَوارَان ٤۱، سُوارَان ۵۵، بر نشستگان ۵۷، تل ریگ ۹۱، کاروآن ۱۰۰، سواران از کاروان ۱۱۱، سواران ۱۱٤، سور سوار ۱۲۷

رَكِبا: حَتَّىٰٓ إِذَا رَكِبَا فِى ٱلسَّفِينَةِ خَرَقَهَا (۱۸: ۷۱)
درنشستند ۱، نشستند ۲٤، برنشستند ۳۰، سوار شدند ۳۸، اندر نشستَنْد ۵۳، بَر نِشَسْتَنْد ۵۵، نشینند ۵۹، برنشیند ۱۳۹

رُكْبانًا: فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا (۲: ۲۳۹)
نشستگان ۱، برنشْستگان ۲، سواران ۳، سُواران ۱۰، برنشسته ۲۷، براستوران ۲۹، سواره ۳٦، بَر نِشستَه ٤۲، بر نشستگان ۵۳، شُتُر سُوارَان ۵۵، سوران ۵۷، سوار ٦۰، ستور نشستگان ٦۳، بر پشت ستور ۷۲، سوار شده ۷۵، بر ستور نشستگان ۸۹، سوارآن ۹٤، سوآره ۱۰۰، نشستگان بزانوها ۱۱۸، اشتر سواران ۱۱۹، بر چهارپا نشستگان ۱۲٤

رَكَّبَكَ: فِىٓ أَىِّ صُورَةٍ مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ (۸۲: ۸)
بیافرید ۲٤، برهم نشاند ۳۰، بنگاشت ۳۸، ترا نگاشته است ٦٤، انگاشت ٦۷، یکجا نشاند ۹۰، درهم نشاند ۱۰۹، سوار کرد ۱۱٤، برهم نشانده ۱۳٤، نشاند ۱۳۸

رَكِبُوا: فَإِذَا رَكِبُوا۟ فِى ٱلْفُلْكِ (۲۹: ٦۵)
درنشستند ۱، نشینند ۳، برنشیند ۱٤، اندر نشینند ۲٤، برنشینند ۳۹، درنشینند ٤۲، برنشینید ٤۳، دربشینند ٤۷، درنشینید ۵۲، نشینید ٦۱، برنشستند ۷٤، درنشینَند ۷٦، نشستند ۸۰، سوار شدند ۹۹، سوار شوند ۱۲۱

رِكْزًا: أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا (۱۹: ۹۸)
سبوز[1] ۱، آواز ۲، شرفه ۳، آواز نرم ۲٤، بانگ اندک و نرم ۳٤، آواز نرم آهسته ٤۱، نرم ٤۲، شنوایی ٤٤، بانگ نرم ۵۸، اواز ٦۹، بانگ ۷٦، آواز آهسته ۷۹، آواز پوشیده ۹٤، آوآز نرم ۱۰۰، آواز پنهان ۱۳۱

اَلرُّكَّع: وَٱلْعَٰكِفِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ (۲: ۱۲۵)
نماز کُنان ۱۰، پُشْت خم کُنند گان ۵۵، پشت خم کنند گان ۷٤

~: وَٱلْقَآئِمِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ (۲۲: ۲٦)
نماز گزاران ۷۲، پشت دوتا کنند گان ۹٤، پشت دوته کنند گان ۱۰۹

رُكَّعًا: تَرَىٰهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ ٱللَّهِ (٤۸: ۲۹)
پشت خم دهند گان ۳، پشت خم دهنده ٦، دوتا شد گان ۱۳۹

رُكْن: أَوْ ءَاوِىٓ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ (۱۱: ۸۰)
گرهٔ ۱، کرانه ۳، پناه ۲۹، جایگاه ۳٤، گوشه ۳۹، جای ٤۱، کَرانه ۵۵، گوشَه ۵۷، باره ٦۱، پشت ۸۸، استوار ۱۰۰، بنیاد ۱۰۵

بِرُكْنِه: فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِۦ وَقَالَ سَٰحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۵۱: ۳۹)
گوشه ۲، کرانه ۳، سپاه ۲٤، لشکر ۳۹، کنار ٤۲

رَكُوبُهُمْ: فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ (۳٦: ۷۲)
ورنشستن ۱، برنشستنی ۳، برنشسْتن ۲۲، بارگیر

---

[1] ۱. سبوز: آواز نرم؛ پای آواز.

۳۳، سواری ۱۰۲، برنشست ۱۰۸

رِمَاحُكُمْ: تَنَالُهُۥٓ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ (۵:۹٤)
نیزها ۹۱

كَرَمَادٍ: أَعْمَـٰلُهُمْ كَرَمَادٍ ٱشْتَدَّتْ بِهِ ٱلرِّيحُ (۱٤:۱۸)
خاکستر ۱، خاکستر ۵۳، خاکستر ۵۵

رُمَّانٌ: وَجَنَّـٰتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَٱلزَّيْتُونَ وَٱلرُّمَّانَ (٦:۹۹)
انار ۱، نارْ ۲، درختان نار ۱۰، هنار ۲٤، انا[ر] ۲٦، اَنارْ ۵۵، انارها ۵۸، درخت انار ٦۷، ناربنان ۹۱

~: وَٱلزَّيْتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُتَشَـٰبِهًا (٦:۱٤۱)
نارْ ۲، درختان نار ۱۰، درخت هنار ۲٤، نار ٤۲، ناربنان ۹۱، انار ۱۰۰

~: فِيهِمَا فَـٰكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ (۵۵:٦۸)
انگور ۱، آنار ۲، ناربنان ۳۹، انارستانها ۱۰۰، نارستانها ۱۰٦، درخت انار ۱۲۲

رَمْزًا: أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَـٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا (۳:٤۱)
نمایش بچشم و ابرو ۲، بدست و ابرو نمودن اُبشتن ٤۰، نمایش بچشم وَ اَبرُو ٤۲، نمایش ۵۲، نمودن ۷۲، اشاره ۱۲۹

رَمَضَانَ: شَهْرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِىٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلْقُرْءَانُ (۲:۱۸۵)
روزه داشتن ۳

رَمَى: وَلَـٰكِنَّ ٱللَّهَ رَمَىٰ (۸:۱۷)
بینداخت ۱، اَنداخت ۲، انداخت ۳، بَرسانی ۱۰، رسانید ۳٦، اَنداختْ ۵۵، تیر انداخت ٦۱، بینداختی ۷۹، انداخت ۹٤، افکند ۱۱٦

رَمَيْتَ: وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ (۸:۱۷)
بینداختی ۱، تُو اَنداخْتی ۲، بَینداختی ۱۰، تُه برسانیدی ۱۰، انداختی ۲۷، انداختی تو ۳٤، افکندی ۳٦، بانداختی تو ٤۱، اَنداختی ۵۵، بینداختی تو ٦۷، اند آختی ۹٤، تو انداختی ۹٦، انداختی تیر ۱۱٤، بیفکندی ۱۲۳، بینداخت ۱۲٤

★ مَا رَمَيْتَ: وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ (۸:۱۷)
بنینداختی ۱، نه انداختی تو ۲٤، نینداختی ۲۹، نینداختی تو ٤۲، نَه اَنداختی ۵۵، نه انداختی ۷٤، تو نینداختی ۹٦، نینداختی ۱۲۱، نیفکندی ۱۳۰

رَمِيمٌ: قَالَ مَن يُحْىِ ٱلْعِظَـٰمَ وَهِىَ رَمِيمٌ (۳٦:۷۸)
ریزیده ۱، پوسیده ۲۹، ریزه گشته ۳۰، خاک پوسیده ۷٤، پوسیده ریزیده ۹٦، پوسیده و ریزنده ۱۰۰، پوده و تباه گشته ۱۰۳، خرد و مرد و تباه گشته و از هم پاشیده ۱۱۱، پوسیده و ریزیده ۱۱٦، پوسیده شده ۱۱۹، ریزنده شده ۱۲۲، خاک شده ۱۳٦

~: مَا تَذَرُ مِن شَىْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَٱلرَّمِيمِ (۵۱:٤۲)
ریزیده ۱، خوردهٔ پوسیده ۲، پوسیده ۳، خاک ۲٤، استخوانهای پوسیده ۳۰، استخوان ریزیده ۳٦، استخوان پوسیده ۳۹، گیاه خشک و ناچیز شده کاه خرد شُدَهْ و استخوان ریزیده ۵۳، ریزه و پوسیده ٦۵، استخوان ریزه ٦۹، استخوان پوسیدهُ ریزیده ۸٦، خاکستر ۹۰، چیز پوسیده ۹٦، ریزیده و خورد ۱۰۰، گیاه خشک شده ۱۰۳، استخوان بریده ۱۰۸، استخوان ریزنده ۱۱۰، خشک و پوسیده ۱۱۱، استخوان کهنه و ریزه شده ۱۱٦، کشت نیم خورده ۱۱۷، گیاه خشک ۱۲۳، کوفته ۱۲٦، خاک برده ۱۳۹

رِهَانٌ: وَلَمْ تَجِدُوا۟ كَاتِبًا فَرِهَـٰنٌ مَّقْبُوضَةٌ (۲:۲۸۳)
گروگان ۱، گروگان ۲، گروهاء ۳، گَرَوگان ۱۰، گروی ۲۵، گرو ۲۷، گروها ۲۸، گروگان ٤۲، گروهان ۵۲، گروُها ۵۵، گروه ٦۷، گرو گرفتن ها ۱۱٤

★ رِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ : فَرِهَٰنٌ مَّقْبُوضَةٌ (۲:۲۸۳)
گروهاء گرفته ۳، گروی بستانی ۲۵

ٱلرَّهْبِ: جَنَاحَكَ مِنَ ٱلرَّهْبِ (۲۸:۳۲)
ترس ۱، بیم ۲، بیم ۲۱، ترسیدن ۴۲

رَهَبًا : وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا (۲۱:۹۰)
بیم ۲، ترس ۳، بیم ۲٤، ترسیدن ۹۲، ترسان ۱۰۰، خوف ۱۱۳

ٱلرُّهْبَانِ: إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلْأَحْبَارِ وَٱلرُّهْبَانِ (۹:۳٤)
ترسایان ۳، ترسا آن ٦٦، ترسا ان ۱۰۷، گوشه نشینان ۱۳۳

رُهْبَانًا : بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَرُهْبَانًا (۵:۸۲)
خُداترسان ۲، خدای ترسان ۲۹، ترسکاران ٦۱، خداترسان ۸۲، گوشه نشینان ۱۲٦، راستگویان ۱۳۱

رُهْبَانَهُمْ: ٱتَّخَذُوٓا۟ أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَٰنَهُمْ (۹:۳۱)
زاهدان ۱۱، ترسایان ۲۹، پارسایان ٤۲، ترسکاران ٦۱، گوشه نشینان ۹٦، دیرنشینان ۱۰۰، کشیشان ۱۱۲

رَهْبَانِيَّةً: وَرَهْبَانِيَّةً ٱبْتَدَعُوهَا (۵۷:۲۷)
ترس کاری ۲، ترسکاری ۲٤، خدای ترسی ۳۹، دوشیزه گوشه نشین ٤۱، ترسانیدن ٤۳، ترس ۸۱، ترسیدن ۱۰٤

رَهْبَةً: لَأَنتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِى صُدُورِهِم (۵۹:۱۳)
ترس ۱، بیم ۳۰، ترسانیدن ٤۱، بیم و ترس ٤۹، بشکوه ٦٤

رَهْطٍ: وَكَانَ فِى ٱلْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ (۲۷:٤۸)
تن ۱، مرد ۲٤، گروه ۲۹

رَهْطُكَ: وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَٰكَ (۱۱:۹۱)
گره ۱، گروه ۲۹ و۹٦، تبار ۳۰، خویشان ٤۱، کسها ۵۲، تَبار ۵۵، گروه ـ تبار ٦۷، کسان ۷۸، خویش ۹۲، خاندان ۱۰۲، کسهاَ ۱۰۵، گروهه ۱۱۳

★ لَوْ لَا رَهْطُكَ: وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَٰكَ (۱۱:۹۱)
گونه تَبارِ تُوشتی ۵۵

رَهْطِى: أَرَهْطِىٓ أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ ٱللَّهِ (۱۱:۹۲)
خویشان ۱، گروه ٤۲، خویشاوندان ۵۹، کسها ۹٦

رَهَقًا : يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ ٱلْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (۷۲:٦)
ترس ۱، آمدن بناشایستها ۳، گریختن ۱۹، گناه ۲۹، بزه ۳٤، اندر رسیدن ۳۹، گناه و پوشش ٤۱، زیان کاری ٤۳، گم بودگی ۵٦، بزه کاری ٦۵، بزرگ منشی ۷۲، از حد درگذشتن ۷۹، آمدن بناشایست ۸۰، گم بودگی ۸۸، خواری بزه ۹۲، رمیدن ۱۰۰، گردن کش ۱۰۹، سرکشی ۱۱۱، ناشایستها ۱۱٤، عصیان ۱۲٦

~: فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا (۷۲:۱۳)
تباهی ۳، وی دادی[1] ٦، ستم ۱۹، ستم کردن ٤۱، رسیدن ٦۱، شکستن ٦۹، خواری ۹۰، شتاب ۹٤

رَهْوًا : وَٱتْرُكِ ٱلْبَحْرَ رَهْوًا ۖ إِنَّهُمْ جُندٌ مُّغْرَقُونَ (٤٤:۲٤)
خشک ۱، آرامیده خشک ۳، راه فراخ خشک ۱٦، رَاه ۲۲، راه خشک ۳۰، آرمیده و خشک ۳۲، آرامیده ۳٦، راه فراخ ۳۸، گشاده ٤۳، ایستاده

۱. وی دادی / بی دادی.

۴۴، آرمیده ٦٤، آرامیده و خشک ۸۰، آرامیده و خنک ۹۱، آرامیده ـ گشاده ۱۰۹، گشوده شده ۱۲۲، ساکن ۱۳۸

رَهِینٌ: كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ (۵۲:۲۱)
گروگان ۱، گرو ۳، گرو کرده ۲۹، در گرو ۹٦، بگرو ۱۱۳، گَرو ۱۲٤

رَهِینَةٌ: كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (۷٤:۳۸)
گروگان ۱، گرو ۳، گرو نهاده ۲۹، گرو کرده شود ۳۰، گروگان ۱۰۵، باز بسته ۱۰۹، در گرو ۱۲۰

رَوَاحُهَا: غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ (۳٤:۱۲)
اویارگه[1] ۱، شبانگاه ۲، شبانگاه رفتن ۳، بشبانگاه آمدن ۲۹، شبانگاهان ٤۷، شَبانْگاهْ ۵۳، شبانگاه کردن ٦۱، از آغاز پیشین تا شب ٦۷، شبانگاه ۹۰، شبانه رفتن ۱۰۰، شبگاه ۱۰٦، شبانگاه باز آمدن ۱۱۳، شبنگاه ۱۳۳

رَوَاسِیَ: وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا (۱۳:۳)
کوههای بلند ۵، کُوههای اُسْتُوار ۵۵، کوههاء بلند ٦۰، کوههاء ٦۳، کوههاء استوار ایستاده ٦٤، کوههآ استوار ۸۸، کوهها ۹۱، کوههآی بیخ آور ۱۰۰، بیخاوران ۱۰۹، کوی های استوار ۱۲۸

~: وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ (۱۵:۱۹)
کُوهھاءِ اسْتُوار ۲، کوهَها ۵۳، کُوهھَای اُسْتُوار ۵۵، کُوهها ۵۷، کوههای بیخ آور ۵۹، کوهها[ی] بیخ آور ۵۹، کُوهھَا ٦۲، کوههای استوار گران ۸۳، کوهـهاء ثابت ۹۳، استوار کردن ۹۸، کوههای سرافراز ۱۰۲، استواران ۱۰۹، کوه ها ۱۱۸، کوههای افراشته ۱۲۲، کوههای کشیده شده ۱۳٦

~: وَأَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ (۱٦:۱۵)
کوهھاءَ گران و استوار ۲، کوههاء گران ۵۲، کُوههای استُوار ۵۵، کوهها پایدار ۵٦، کوهَها بلَند ٦۲، کوههای گران استوار ۸۳، کوهها ۱۰۰

~: وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ (۲۱:۳۱)
کوهھاءَ اِستُوار گران ۲، کوهھاء سخت ٤۱، کوهای بلند ٤۸، استوار گران ۱۰۸، کوه های استوار ۱۲۸

~: وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ (۲۷:٦۱)
کوُهھاءَ استُوار ۲، بیخاور ٤۷، کوهھای بلند بیخ آور ٤۸، کوهھاء بسیار استوار ٦٤، کوهَها بلند ۷۲، لنگرها از کوهها ۱۲۲، کوه ها استوار و گران ۱۲۸

~: وَأَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ (۳۱:۱۰)
کوههای گران ۳۰، کوهها استواران ۹۲، کوههای استوار ۱۰۰، کوههای بلند و بیخ آور ۱۰۹، لنگرها ۱۳۲، کوهھاء بیخ آور ۱۳۸

~: وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا (٤۱:۱۰)
کهها ۱، کُوهھا اسْتوار ۲، کوهھاء استوار ۳، کوهها بلند ۲٤

~: وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ (۵۰:۷)
کوهها استوار ۳، کوههای استوار ٦، کوهھاء سخت گران ٤۱، کوههای خاره و بیخ آور ٤۸، کوههای بلند استوار ۱۱٦

~: وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ (۷٦:۲۷)

---

۱. اویارگه: شبانگاه.

کوهها استوار ۲، کوهها ٦، کوههای بیخ آور بلند ۱۳٤

رَوَاکِدَ: فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهْرِهِ (۳۳:٤۲)
استاداران[1] ۱، استاده ۲، ایستادگان ۳، ایستاده ۱٦، ایستیده ۲٤، ایستاده گان ۳۰، آرام گرفته ٤۱، باز استاده ٤۹، ایستاده و پایدار ٥٦، ایستاده کشتیها ٦۱، استوار ۷۲، استادگان ۱۰۸، ایستاده بر پشت ۱۲٦

رُوحٌ: وَأَيَّدْنَٰهُ بِرُوحِ ٱلْقُدُسِ (۸۷:۲)
سخن ۹۰

~: وَأَيَّدْنَٰهُ بِرُوحِ ٱلْقُدُسِ (۲٥۳:۲)
دمیدن ٦٥

~: وَكَلِمَتُهُۥٓ أَلْقَىٰهَآ إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ (۱۷۱:٤)
جان ۳ باد ۲۹، جان ٥٥

~: نَزَّلَهُۥ رُوحُ ٱلْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِٱلْحَقِّ (۱۰۲:۱٦)
جبریل ۱

~: وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ (۲۲:٥۸)
فریشته ۲، بخشایش ۸۰

~: تَعْرُجُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ إِلَيْهِ (٤:۷۰)
جبرئیل ٥٤

~: يَوْمَ يَقُومُ ٱلرُّوحُ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ صَفًّا (۳۸:۷۸)
فریشته ۲۹، فرشته ٥۲، فرشته بزرگ ۱۳٦

★ رُوحُ الْقُدُسِ: وَأَيَّدْنَٰهُ بِرُوحِ ٱلْقُدُسِ (۸۷:۲)
جان پاک ۳، بادپای[2] یعنی جبریل ٤، جان پاکی ٥٥

~: وَأَيَّدْنَٰهُ بِرُوحِ ٱلْقُدُسِ (۲٥۳:۲)
جان پاکی ٥٥، جبرئیل ۷٦

~: قُلْ نَزَّلَهُۥ رُوحُ ٱلْقُدُسِ (۱۰۲:۱٦)
زندهٔ پاکیزه ٥۸

رَوْحٌ: إِنَّهُۥ لَا يَاْيْـَٔسُ مِن رَّوْحِ ٱللَّهِ (۸۷:۱۲)
آسایش دادن ٥، بخشش ٥۸، گشایش ۷٤، امید ۹۱

~: فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ (۸۹:٥٦)
آسایش ۳، آسانی ۳۰، بوی خوش ٤۱، شادی ۹٦، شادی ۱۰۰، راحتی ۱۳۸

رُوحًا: وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا (٥۲:٤۲)
فرمان ۸۱

رُوحَنَا: فَأَرْسَلْنَآ إِلَيْهَا رُوحَنَا (۱۷:۱۹)
فریشته ۳۰، جبریل ۷٦، فرشته ۱۰۸، پیغامبر ۱۳۹

~: فَنَفَخْنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا (۹۱:۲۱)
جان ۳، فرمان ۲٤، بادپاک ٥۳، باد فرشته ٦۱، باد ـ جان ۹٤

~: فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا (۱۲:٦٦)
باد ۲، بادها ۱۰۸

رُوحِهِ: ثُمَّ سَوَّىٰهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِۦ (۹:۳۲)
جان ۳، فرمان ٤۳، باد ٦٥

---

۱. استاداران: ایستادگان.

۲. کذا در متن اصلی بدون نقطه (؟).

رُوحِی: فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي (۱۵:۲۹)
جان ۲، فرمان ۴۳، باد ۵۳، زنده کردن ۶۹

~: فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي (۳۸:۷۲)
بادِ ۲۲، جآن ۱۰۰، باد خویش ۱۰۶

رَوْضَاتِ: فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ (۴۲:۲۲)
مرغزارها ۱، بُوستانها ۲، بوستانها ۲۲، مرغزارهَاء ۳۲، مرغزارهَا ۵۲، مَرغُزارهَا ۸۱، مرغزارهاء ۹۰، مرغزار ۱۰۶، بوستانها یا مرغزارها ۱۰۸، مرغذارها ۱۱۵، سبزه زارها ۱۲۲

رَوْضَةٍ: فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ (۳۰:۱۵)
مرغزار ۱، بستان ۳۹، مرغزار بشهت[1] ۴۶، بوستان ۶۲، مرغزارهاء بهشت ۶۴، مرغزارها ۶۵، مرغ زار ۸۰، بوستانها ۹۸، مرغزار بهشت ۱۰۵، بهشت ۱۰۶، مرغذار ۱۰۸، بستان پر درخت ۱۱۶

الرَّوْعُ: فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ (۱۱:۷۴)
تَرس ۱، بیم ۲، تَرس و بیم ۵۳، تَرس ۵۵، ترس و بیم ۶۷، بیم ۱۰۵، بیم و هراس ۱۰۹، ترسیدن ۱۱۹، ترس - بیم ۱۲۹

رُوَيْدًا: فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا (۸۶:۱۷)
حجاره[2] ۱، اَندک ۲، اندک مایه ۲۴، اندک ۳۰، آهسته ۶۵، روزی چند اندک ۶۷، یک چند ۹۲، اندک زمان ۱۲۲، اندک زمانی ۱۳۳

الرِّيَاحُ: وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ (۲:۱۶۴)
بادهاءَ ۹۰، بَادها ۹۴، بادهاَ ۱۰۰

~: وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا (۷:۵۷)
بادها ۱، بادها ۱۰، بَادهَا ۴۵

~: فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ (۱۸:۴۵)
بَاذهَا ۵۵

~: وَمَن يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا (۲۷:۶۳)
باد پراکنده ۶۵، بادهان ۱۰۰

~: وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا (۳۵:۹)
باد ۷

~: وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۴۵:۵)
بادهَا ۳۲

رَيْبَ: ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲:۲)
گُماَن ۲

~: وَإِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا (۲:۲۳)
شک ۱۳۸

~: رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ (۳:۹)
گُمانْ ۲

~: فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ (۳:۲۵)
انباز ۶۱

~: لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ (۶:۱۲)
گمامندی ۱

~: تَنزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ (۳۲:۲)
گمان ۲

~: أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ (۵۲:۳۰)

۱. مقلوب «بهشت» است.
۲. خجاره: آهسته، اندک مایه.

گردیدن ۴۹، گردش ۵۶، گشت ۸۰

★ رَیْبَ الْمَنُونِ: نَّتَرَبَّصُ بِهِۦ رَيْبَ ٱلْمَنُونِ (۵۲:۳۰)
گشت روزگار ۳، بدی گردش زمانه ۸۸، گردش روزگار ـ مرگ ۱۰۹، گشتن روزگار ۱۲۱

★ لَارَیْبَ: ذَٰلِكَ ٱلْكِتَٰبُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲:۲)
نه هیچ گمانی ۵۵

~: لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ (۶:۱۲)
نه هیچ گمانی ۳

~: وَٱلسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا (۴۵:۳۲)
نیست گمان ۸۷

رِیبَةً: بَنَوْا۟ رِيبَةً فِى قُلُوبِهِمْ (۹:۱۱۰)
گمامندی ۱، گمان ۳، برگرایی ۲۷، گمان ۵۵، پشیمانی و بیماری ۵۸، درد ۹۳، تنگی ۱۲۴

رِیحَ: إِنِّى لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ (۱۲:۹۴)
بوی ۱، بُوی ۲، بو ۴۸، بَوی ۵۵، بُو ۷۶

~: فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ ٱلرِّيحِ (۱۷:۶۹)
باد ۱

~: فَتَخْطَفُهُ ٱلطَّيْرُ أَوْ تَهْوِى بِهِ ٱلرِّيحُ (۲۲:۳۱)
بَاد ۲، باد تیز ۴۱

رِیحًا: فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا (۴۱:۱۶)
باد ۱

★ رِیحًا صَرْصَرًا: إِنَّآ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا (۵۴:۱۹)
بادی سخت سرد با بانگ ۴۱، باد سرد سخت ۱۱۱

رَیْحَانٌ: وَٱلْحَبُّ ذُو ٱلْعَصْفِ وَٱلرَّيْحَانُ (۵۵:۱۲)
سپرم ۱، شاهسْپرغم ۲، سپرغم ۳، اسپرغمها ۲۴، سُپرُغم ۳۰، مزغهای دانه ۳۵، شاهسپرم ۳۸، خوشه و میوه ۳۹، شکوفة ۴۲، خوشه روزی مردم ۵۶، اسپرغمها و قیل: روزی ۶۷، شاه سپرغم ۶۹، اسپرغم ۸۸، اسپرغم گونه گون ۹۵، شاسپرم ۹۶، سبزی ۱۰۲، استبرغمهای گونه گونه ۱۰۸، گیاه خوشبو ۱۱۹، شاسپرغم ۱۲۶، گل های خوشبوی ۱۳۰، برگ ۱۳۶

~: فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ (۵۶:۸۹)
روزی ۱، سپرغم و بوی خوش ۲، سُپرُغم ۳۰، شادی ۵۲، روزی فراخ در بهشت ۵۶، بوی خوش ۹۰، سپرغم و سبزی ۹۵

رِیحُکُمْ: وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ (۸:۴۶)
باد ۳، نیرو ۱۱، دولت ۱۳۳

رِیشًا: يُوَٰرِى سَوْءَٰتِكُمْ وَرِيشًا (۷:۲۶)
خواسته ۲، جامه نیکو ۳، خُواسته و آخریانها ۱۰، اخریانها و خواسته ۲۷، جامه ۳۱، جامَه ۴۵، جَامَه نیکوُ ۵۵، پرها ۵۶، پوشش نیکوا ۵۷، کالا ۵۸، جامهای نرم ۹۴، جامه پوشش ۱۰۲، جامه نرم نیکو و خواسته ۱۰۹، جامها ۱۱۳، جامهٔ نیکو ۱۱۹، جامهای نرم خواسته ۱۲۴، جامهای نو و خواسته ۱۲۷، پر ۱۳۰، لباس ۱۳۳، جامهٔ نیک ۱۳۴، آرایش ۱۳۶

ریع: أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةً تَعْبَثُونَ (۲۶:۱۲۸)
بالاً ۱، جای بلند ۳، راه ۲۰، بلندی ۲۹، سر راه ۳۹، جای بُلَند ۵۳، زمین بلند ۵۸، بالای راه ۸۸، پشته ۱۰۶، بالا ـ سر راه ۱۰۹، بلند ۱۱۱، سربالا ۱۱۷، گوشه ۱۱۹، سربالائی ۱۳۸



ٱلزَّاجِرَاتِ: فَٱلزَّٰجِرَٰتِ زَجۡرًا (۳۷:۲)

واز زداران[۱] ۱، رانـدَگـان ۲، رانـنـد گـان ۳، آن فریشتگان که میغ را می رانند ۲٤، باز دارند گان ۳۳، باز زنند ۳۸، باز زنند گان ٤۳، آن فرشتگان که باز زنند ۵۹، باز زننده ۹۰، فرشتگان راینده ۱۱۱، وازنند گان ۱۱۷، فرشتگان که بازدارند ۱۲٦، فرشتگان رانده ۱۲۹، بازدارنده گان ۱۳٦

ٱلزَّادِ: فَإِنَّ خَيۡرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقۡوَىٰ (۲:۱۹۷)

توشه ۳، تَوشه ۱۰، توشها ۲۵، تُوشَه ٤۲

زَادَتۡهُ: أَيُّكُمۡ زَادَتۡهُ هَٰذِهِۦٓ إِيمَٰنًا (۹:۱۲٤)

بیوزود[۲] ۱، افزون کردش ۳، بفزاید ۱۳، بیفزاید ۲٤، بیفزودست ۲۷، فزود اوَرد ۵۳، افزود ٦۱ و۱۱٤، بیفزود ۹٦، فزون گردانید ۱۰٤، بیفزودند ۱۲۱

زَادَتۡهُمۡ: وَإِذَا تُلِيَتۡ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُهُۥ زَادَتۡهُمۡ إِيمَٰنًا (۸:۲)

بیوزاید[۳] ۱، بیفزاید ۲، بفزاید ۱۰، بفزود ۱۳ و۳۸، بیفزایند ۲۹، بیفزایَد ۵۳، افزاید ٦۱، بیفزود ۹٤، افزود ۱۱٤، بیفزاد ۱۲۷

زَادَكُمۡ: وَزَادَكُمۡ فِي ٱلۡخَلۡقِ بَصۜۡطَةً (۷:٦۹)

بیوزود[۲] ۱، افزون کرد ۳، بفُزود ۱۰، بیفزود ۲۷، افزود ٦۱، بیفزود ۱۲۵

زَادَهُۥ: وَزَادَهُۥ بَسۡطَةً فِي ٱلۡعِلۡمِ (۲:۲٤۷)

بیوزود[۲] ۱، بَفزُود ۲، افزون کرد ۳، بفزُود ۱۰، بیفزودست ۲٤، دراڤزود ٤۱، بیفرود ۵۲، آفزُون کرد ۵۵، افزود ٦۱، افزوده است ٦۲، بفزودست ٦۳، بفزود ۸۳، فزون گردانید ۱۰٤، افزونی داده ۱۱٦، فزونی داده ۱۲۲، فزود ۱۲٤، افزون گردانید ۱۲٦، فزونی داد ۱۲۷، افزونی داد ۱۲۹

زَادَهُمۡ: فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ فَزَادَهُمُ ٱللَّهُ مَرَضٗا (۲:۱۰)

بیفزاید ۲، بیفزایاد ٤، افزون گردانید ۲۹، فُزُون کُند ۵۵، بیفزود ۹۰، افزود گردانید ۱۰۷، افزایاد ۱۰۹، بیفزوده ۱۳۰

~: فَٱخۡشَوۡهُمۡ فَزَادَهُمۡ إِيمَٰنٗا (۳:۱۷۳)

---

۱. واززداران / بازدارند گان.

۲. بیوزود / بیفزود.

۳. بیوزاید / بیفزاید.

بیوزود ۱، بیفزُود ۲، بفزود ۱۰، افزون کرد ۹۱، بیفزود ۹٤

~: أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا (٦٠:٢٥)
بیفزاید ۷٦، افزون کند ۹۱، افزون کنند ۱۱٤

~: فَلَمَّا جَآءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا (٤٢:٣٥)
افزود ۱۱٤، فزود ۱۳۹

~: وَٱلَّذِينَ ٱهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى (١٧:٤٧)
بیفزود ۲٤، بیفزودن ۸۱

★ مَازَادَهُمْ: وَمَا زَادَهُمْ إِلَّآ إِيمَٰنًا وَتَسْلِيمًا (٢٢:٣٣)
نفزُود ۲، نیفزود ۲٤، نه فزود ٤٧، نفزود ٥٨، نیفزاید ٦۱، نَیَفْزُود ۱۱٤

~: فَلَمَّا جَآءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا (٤٢:٣٥)
نیوزود[1] ۱

زَادُوكُمْ: مَّا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا (٤٧:٩)
افزون کردندی ۳، فزودندی ۱۰، افزودندی ۱۱، بیفزدوندی ۳٦، فزونی شود ٤۱، فزودندی ٤۲، اَفزُون بُودَندی ٥٥، افزودند ۱۳٦

★ مَازَادُوكُمْ: مَّا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا (٤٧:٩)
نیوزودندی ۱، نیفزوندی ۲٤، نیفزودندی ۲۷، نه افزُودندی ٥۳، نفزودندی ٥۷، نیفزایند ٥٨، زیادت نکردندی ۱۱۳، نیفزود ۱۲٤

زَادُوهُمْ: وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ (۱۰۱:۱۱)
اَفزُون کَردند ٥٥

~: يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ ٱلْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (٦:٧٢)
بیوزودند ۱، افزون کردند ۸۰، بیفزودند ۱۱۱، افزودند ۱۱٤

★ مَازَادُوهُمْ: وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ (۱۰۱:۱۱)
نیوزود ۱، نیفزود ۲٤، نیفزودند ٥۲، نفزُودَند ۷٦، نیفزایند ۱۳٦

ٱلزَّٰرِعُونَ: ءَأَنتُمْ تَزْرَعُونَهُۥٓ أَمْ نَحْنُ ٱلزَّٰرِعُونَ (٦٤:٥٦)
رویانیداران[2] ۱، ببر آوردگان ۲، رویانندگان ۳، کارنده ۲۹، کشت کنندگان ۳۰، می رویانیم و می آفرینیم ٤۱، کارندگان ٤۳، رویانیدگان ٦٥، ببر آورندگان کشتها ۸۱، به بَرْزانیم ۹٤، کشت کاران ۱۰٥، رویندگان ۱۳۱

زَاغَ: مَا زَاغَ ٱلْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ (١٧:٥٣)
خیره گشت ۲، گشت ۳، بگشت ٤۹، تافت ۷٨

★ مَازَاغَ: مَا زَاغَ ٱلْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ (١٧:٥٣)
بنگشت ۱، بنگردانید ۲٤، بنگردید ۲۹، نیافت ۳۹، نگردد ۸۱، برنگشت ۸۸، نه گشت ۹۱، نگشت ۹۹، بازنگشت ۱۰۲، برنگردانید ۱۲٥، نجنبید ۱۳٦

★ مَازَاغَ ٱلْبَصَرُ: مَا زَاغَ ٱلْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ (١٧:٥٣)
نگشاد چشم و ننگریست ٤۱

زَاغَتْ: وَإِذْ زَاغَتِ ٱلْأَبْصَٰرُ (١٠:٣٣)
بگَشت ۲، برگشت ۳، خیره شد ۱٤، اندر گردید ۲٤، بگردد ۳۹، بگشتند ٤۳، بچسبد ٥۲، بچسبید ۷٦، از جای شد برگردید ۱۰۹

~: أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ ٱلْأَبْصَٰرُ (٦٣:٣٨)
بگشت ۱، گشت ۳، بگردید ۲۹، بازگشت ۳۳، بگشته ۳٦، پوشیده گشت ٤۱، بگشتست ٥٦، بگرداند ۸۱، بگشته است ۹۰، می گشت ۱۳٦

زَاغُوا: فَلَمَّا زَاغُوٓا أَزَاغَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمْ (٥:٦١)

---

۱. نیوزود / نیفزود.
۲. رویانیداران / رویانندگان.

بگشتند ۱، گشتند ۳، برگشتند ۲٤، بچسبیدند ۲۹، بگشتند از فرمان ۳۰، بچسپیدند ۳٤، بچَسبیدَند ٤۲، برگردیدند ۵۲، بگردیدند ۸۱، برگردید ۱۰۵

★ مَازَالَتْ: فَمَا زَالَت تِّلْكَ دَعْوَىٰهُمْ (۱۵:۲۱)
همیشه ۱، هَمارا ـ همیشه ۲، هماره ۳، همیشه بود ۲۹، همیشه برپای بود ٤۱، هَمِیْشَهْ بود ۵۳، همیشه باشد ۵۸، همواره ٦۲، همارا ۸۷، همیشه می بود ۹۲، هموار بود ۱۲۸

زَالَتَا: وَلَئِن زَالَتَآ إِنْ أَمْسَكَهُمَا (٤۱:۳۵)
بگردند ۱، بمردند ۱۸، بیفتند ٤۳، بیفتد ٦۱، بگردد ۱۲٤

زَان: وَٱلزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَآ إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ (۳:۲٤)
مردِ بد کار ۵۸، پلید کار ۹۱، مرد پلید کار ۱۰۹

ٱلزَّانِي: ٱلزَّانِيَةُ وَٱلزَّانِي فَٱجْلِدُوا۟ (۲:۲٤)
مرد بلایه کار ۳۰، مرد بد کار ۵۸، مرد نابسامان ٦۵، مرد پلید کار ۷۲، مرد پلید ۹٤

~: ٱلزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً (۳:۲٤)
مرد پلید کار ٦۵

ٱلزَّانِيَةُ: ٱلزَّانِيَةُ وَٱلزَّانِي فَٱجْلِدُوا۟ كُلَّ (۲:۲٤)
زن بلایه کار ۳۰، زن بد کار ۵۸، زن نابسامان ٦۵، زن پلید ۹٤

~: ٱلزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً (۳:۲٤)
زن پلید کار ۳، تباه کار ۵۳، زن انباز آرنده و زن بد کار ۵۸

ٱلزَّاهِدِينَ: وَكَانُوا۟ فِيهِ مِنَ ٱلزَّٰهِدِينَ (۲۰:۱۲)
خوش کامه شداران ۱، ناخواهندگان ۳۰، ناخواهان ۳٦، پارسایان ٤۳، دل سردان ٤۸، ناخواهَنْدگانْ ۵۳، پاکان ۵۷، خواهندگان ٦۹، کاست کاران ۸٤، بی نیازان ۱۲٤

زَاهِقٌ: فَيَدْمَغُهُۥ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ (۱۸:۲۱)
شدار[1] ۱، نیست شونده ۳، شکسته شود ۱۲، نیست گردد ۳۰، نابود شونده ٤۳، بباد بردادنی ٤۸، نیست گَرْدَدْ ۵۳، نابود شده ٦٤، نیست شده ۷٦، ناچیز شونده ۷۹، شکسته ۹۰، برگشه ۹۲، نابود گشته ۱۱٦، نیست کننده ۱۱۷، نیست شود ۱۲۸

ٱلزَّبَانِيَةَ: فَلْيَدْعُ نَادِيَهُۥ ۝ سَنَدْعُ ٱلزَّبَانِيَةَ (۱۸:۹٦)
نگاه بانان دوزخ ۳٦، دوزخ بانان ۹۱

زَبَدًا: فَٱحْتَمَلَ ٱلسَّيْلُ زَبَدًا رَّابِيًا (۱۷:۱۳)
کفک ۱۰۵

زَبَدٌ: ٱبْتِغَآءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَٰعٍ زَبَدٌ مِّثْلُهُۥ (۱۷:۱۳)
کف ۱، کفک ۲، کف و خاشه ۲٤، کفک ۵۵، کف ۷٦، کفک و خاشاک ۱۰۳، کف آب ۱۱۱، کفهای سر آب ۱۳٦

زُبَرَ: ءَاتُونِى زُبَرَ ٱلْحَدِيدِ (۹٦:۱۸)
پارها ۳، پاریها ۲٤، ریزها ٤۱، پارهَا ٤۲، پَارَها ۵۳، پاره ها ۵۹، پارهاء ٦٤، تختهاَ ۹٤، پاره ۱۰۰، تخته پاره ۱۲٤، تخته پاره ها ۱۲۸، خشتها ۱۳۱، پارچها ۱۳۵

ٱلزُّبُرِ: جَآءُو بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِ (۱۸٤:۳)
نوشتیها ۱، نبشته و آراسته ۲۹

~: بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِ ۗ وَأَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلذِّكْرَ (٤٤:۱٦)
نامَها ۵۲، نبشتهاء ۹۰

~: وَإِنَّهُۥ لَفِى زُبُرِ ٱلْأَوَّلِينَ (۱۹٦:۲٦)
نویشتیها ۱، کتابها ٦۹

~: جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَبِٱلزُّبُرِ (۲۵:۳۵)

---

[1] شدار / نیست شونده؛ ازبین رونده.

بنوشتها ١٢٦، نوشته ها ١٢٩

~: وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي ٱلزُّبُرِ (٥٢:٥٤)
نامها ٢٩، نبشته ٩٤

زُبُرًا: فَتَقَطَّعُوٓاْ أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ زُبُرًا (٥٣:٢٣)
نبشتها ٢، گروه گروه ٢٤، پارها ٢٩، نوشتها ٣٠، بارَها ٥٣، گروهها ٧٩، نبشتگیها ٩٤، گروهاء ١١٣، گروهان ١٣٤

ٱلزَّبُورِ: وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي ٱلزَّبُورِ (١٠٥:٢١)
نامه ٢

زَبُورًا: وَءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ زَبُورًا (١٦٣:٤)
نوشته ٤١، نُبْشْتَهْ ٥٣، آواز خوش ٥٨، نامه ٨٣

ٱلزُّجَاجَةُ: ٱلْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ٱلزُّجَاجَةُ (٣٥:٢٤)
شیشه ١، آبگینه ٢، آب گینه ٣٩، آبگینَه ٤٢، آبگَیْنَه ٥١، ابگینه ٥٣، اب گینه ٦٩، آبگینة ١٢٨

زَجْرًا: فَٱلزَّٰجِرَٰتِ زَجْرًا فَٱلتَّٰلِيَٰتِ ذِكْرًا (٢:٣٧)
واز زدن[1] ١، راندن ٢، باز زدن ٢٢، بازداشتن ٣٣، زننده ٩٠، وازدن ١١٧

زَجْرَةٌ: فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَٰحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنظُرُونَ (١٩:٣٧)
بانگ ١، بانگ بر زدن ٣، بانگ زدنْ ٢٢، آواز ٣٦، بانگ زدن ٣٨، باز زدن ٥٦، بانگ سر زدن ٨٠، راندن ١١١، در دمیدن ١١٣، آزردن ١٢٦

~: فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَٰحِدَةٌ فَإِذَا هُم بِٱلسَّاهِرَةِ (١٣:٧٩)
جنبیدن ٢، بازدن ٦١، یک بانگ زدن ٨٠، بانگ کردن ٩٦، انگیختن ١٠٢، فریاد ١٠٣، دمیده ١١٣، دمیدن ١٢٠، فریاد زدن ١٣٦

★ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ: فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَٰحِدَةٌ (١٩:٣٧)
یکبار زدن ٥٢، یکبازدن ٦١

زُحْزِحَ: زُحْزِحَ عَنِ ٱلنَّارِ وَأُدْخِلَ ٱلْجَنَّةَ (٣: ١٨٥)
دور کرده شهد ١، دور کنند ٢، دور کرده شود ٣، دور بکردند ١٠، برهانیدند ٢٣، دور کرده شد ٢٧، دور گردد ٣٩، بیرون کنند ٤١، دور بردند او را ٥٣، دُورْ کردَه شَود ٥٥، دور کرده آید ٥٧، دور داشته شد ٦١، دور کند ٦٣، دور شود ٦٤، دور گرداند ٦٧، رهانیده شود ١٠٠، دور گردانیده شود ١٠٤، دور گرداند او را ١٢٤، دور گردانیده شده ١٢٧

زَحْفًا: ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ زَحْفًا (١٥:٨)
أنبوه ٢، هَمخُند ١٠، گرد آمده ٤١، تنگی جای ٤٣، گروه انبوه ٤٨، انبوهی ٥٢، اَنبُوه ٥٥، تنگی ٥٨، گرد آمدَه ٦٢، فراهم کرده ٨٨، جنگ ٩٢، فراهم آمده بنزد یکدیگر ٩٣، کارزار ١١٢، با نبوی ١١٩، گروه بسیار ١٣٦

زُخْرُفَ: يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ (١١٢:٦)
آرایشْت ١، آراسته ٢، آرایش ٣، فریونده ٢٤، هرزه و ناشایسته ٤١، آرایِش ٥٥، آراستگی ٦١، زراندود ٦٤، نگاشته ٧٦، اراسته ٧٨، آراستن ٩٠، دروغ ٩٥، بدروغ آراسته ١٢٧، دروغ آراسته ١٣١، ارایش ١٣٨

~: أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرُفٍ (٩٣:١٧)
زر ١، زر و زیور ٢٩، نگارها ٣٩، نِگارَها ٥٣، زَر ٥٥، زر و پیرایه ٦١، زر و آرایش ٦٣، زر سرخ ٧٩، زر و سیم ٩٤

★ زُخْرُفَ ٱلْقَوْل: زُخْرُفَ ٱلْقَوْلِ غُرُورًا (١١٢:٦)
آرایش گفتار ٣، سخنان آراسته بنگارین سُخنان بَبند و زن برخاسته ١٠، دروغ گفتار ٥٦، سخن آراسته ٩٢، سخنان بدروغ آراسته ١١١

---

١. واز زدن / باز زدن.

زُخْرُفًا: أَبْوَٰبًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِـُٔونَ وَزُخْرُفًا (۴۳: ۳۵)
آرایشت ۱، زرینها ۲، زر ۳، زرینها ۲۲، زرّ ۳۲، زینتها ۳۸، آرایش ۳۹، آرایشها از زر ۴۱، زر بسیار ۴۹، آرایشها ۵۶، ارایشها ۶۹، ورد ۹۱، پیرایها - گوهرها ۱۰۸، زر و زیور ۱۰۹، آراستها ۱۱۰، آرایش و زر ۱۱۴، پیرایها و گوهرها ۱۲۴، زرها ۱۳۶

زُخْرُفَهَا: حَتَّىٰٓ إِذَآ أَخَذَتِ ٱلْأَرْضُ زُخْرُفَهَا (۱۰: ۲۴)
آرایشت ۱، آرایش ۲، زینت ۲۴، پیرایه ۶۱، نیکویی ۶۴، آرایش و نیکویی ۶۷، آرایشها ۹۲

زِدْ: أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ ٱلْقُرْءَانَ تَرْتِيلًا (۷۳: ۴)
بیوزای[1] ۱، بیفزای ۲، بفزای ۱۹، بیفزا ۶۱، بیفزایِ ۹۶، فزون کن ۱۱۴

زِدْنَاهُمْ: زِدْنَٰهُمْ عَذَابًا فَوْقَ ٱلْعَذَابِ (۱۶: ۸۸)
بیفزاییم ۲، افزون کردیم ۳، بیفزودیم ۲۴، بیفزاییم ما ۲۹، افزون کنیم ۳۰، بفزودیم ۳۹، افزودیم ما ۶۱، افزونیم ۱۱۴، زیاده گردانیدیم ما ۱۱۸

~: كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَٰهُمْ سَعِيرًا (۱۷: ۹۷)
بیوزاییم ۱، بیفزاییم ۲۴، بفزائیم ۳۹، افزودیم ما ۶۱، افزون کنیم ۱۱۴، به یفزائیم ما ۱۲۴، بیفزاید ۱۳۹

~: ءَامَنُوا۟ بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَٰهُمْ هُدًى (۱۸: ۱۳)
بیوزودیم ۱، افزودیم ۸، افزون کردیم ۳۰، بفزودیم ۳۹، بیفزودیم ۵۲، فزودیم ۱۰۳، فزون گردانیدیم ۱۰۴، ما بیفزودیم ۱۳۹

زِدْنِی: وَقُل رَّبِّ زِدْنِى عِلْمًا (۲۰: ۱۱۴)
بیوزای[1] ۱، افزون کن ۳، بیفزا ۲۴، بیفزاء ۳۹، بیفزای ۴۲، بفزای ۵۳، فزون گردان ۱۰۳، بفزای ۱۲۵

فَزِدْهُ: فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِى ٱلنَّارِ (۳۸: ۶۱)
بیوزای[1] ۱، افزون کن ۳، بفزای ۲۲، بیفزای ۲۴، بفزای ۵۳

زَرَابِیُّ: وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ وَزَرَابِىُّ مَبْثُوثَةٌ (۸۸: ۱۶)
شادروانها ۱، شادرگانها ۲۴، زیلوها ۴۲، نهالیها ۶۴، شادروان ۸۷، نهالینها و شادروانها ۹۱، نهالینها ۱۲۱، فرشها ۱۳۰، نهالیها ۱۳۹

اَلزُّرَّاع: يُعْجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلْكُفَّارَ (۴۸: ۲۹)
برزگران ۱، کشاورزان ۲، کاریگران ۶، برزیگران ۱۷، برزگر ۲۴، کشاورز ۳۰، کشتاورز ۶۵، کارایندگان ۹۰، کشت کنندگان ۱۰۲

زُرْتُمْ: أَلْهَىٰكُمُ ٱلتَّكَاثُرُ حَتَّىٰ زُرْتُمُ ٱلْمَقَابِرَ (۱۰۲: ۲)
رسیدید ۳۶، آمدید ۱۲۰، رفتید ۱۲۲

زَرْعٌ: وَٱلنَّخْلَ وَٱلزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُۥ (۶: ۱۴۱)
کشته ۱، کِشت ۲، کشت و برز ۱۰، کشتها ۵۳، کشت و زر ۹۰

~: وَجَنَّٰتٌ مِّنْ أَعْنَٰبٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ (۱۳: ۴)
کشت زار ۲۴ و ۱۱۹، کِشتهَا ۵۳، کِشت ۵۶، کشت زارها ۵۸، کِشتها ۶۳، کشتهاء ۹۰، کشت بارها ۹۲

~: يُنۢبِتُ لَكُم بِهِ ٱلزَّرْعَ وَٱلزَّيْتُونَ (۱۶: ۱۱)
کشتْ ۲

~: وَمَثَلُهُمْ فِى ٱلْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْـَٔهُۥ (۴۸: ۲۹)
کشت ۲

زَرْعًا: وَحَفَفْنَٰهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا (۱۸: ۳۲)
کِشتْ ۲، کِشت زاران ۸، کِشت زار ۳۰، کِشت زار ۵۵، گشت ۹۶

~: فَنُخْرِجُ بِهِۦ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ (۳۲: ۲۷)

---

[1] ۱. بیوزای / بیفزای.

کشته ۱، کشت ۳

~: ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِۦ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَٰنُهُۥ (۲۱:۳۹)
کشته ۲، کِشت ۵٦، کشتها ٦۱، کشتی ۹۸

زُرْقًا: وَنَحْشُرُ ٱلْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا (۱۰۲:۲۰)
سوز چشمان ۱، کبود چشمان ۳، کبود چشم ۳٦، سبز چشمان ۳۸، نابینا آن ۳۹، گربه چشم یا نابینا ٤۱، گربه چَشم و کوُر ٤۲، سبز چشم ٤۸، گربه چشم و کور ۵۲، سبز چشمان و سیاه رویان ۵٦، گربه چشمان ۸۹، سیاه رو ازرق چشم ۹٦، نابینایان یا کبود چشمان ۱۰٤، چشمان ۱۱۷، کوران ۱۲۲، کبود ۱۲۳، تشنگان ۱۳۰، چشمان گربه ۱۳٦، سیر چشمان ۱۳۹

زُرُوع: وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ (۱٤۸:۲٦)
کِشتها ۵۳، کشتهاء ۹۰

~: وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (۲٦:٤٤)
کشتها ۱، کِشتها ۲، کشت زارها ۲٤، کِشتها ۳۲، کشت زارها ۵۰، کشتزارها ۱۱۵

زَعَمَ: زَعَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَن لَّن يُبْعَثُوا۟ (۷:٦٤)
گفتند ۱، پنداشتند ۳، گمان برد ۳۰، گفتند و پنداشتند ۳۹، می پندارند ٤۱، پندارند ٦٤، گمان بردند ۸۱، دروغ گفتند ۹٦، گمان کنند ۱۳٦

زَعَمْتَ: كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا (۹۲:۱۷)
گفتی ۱، گمان بری ۳٦، گمان می بری ٤۱، گمان بردی تو ٦۱، گمان کنی ۷٤، میگویی تو ۹۳، گمان بردی ۱۱٦

زَعَمْتُمْ: ٱلَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَٰٓؤُا۟ (۹٤:٦)
گفتید ۱، همی گفتند بنادانی و دروغ ۲۹، گمان می بردید ۳٦، گمان بردید و گفتید ۳۹، دروغ می گفتید ۵۳، گفتید شما ۵٦، بدروغ گفتی شما ۵۷، گفتید بنادانی ٦۲، کردید ۷٦، همی گفتید ۹٤، گمان می بردید شما ۱۰۲، گمان میبردید ۱۱۱، گمان می کردید ۱۳٦

~: قُلِ ٱدْعُوا۟ ٱلَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِهِۦ (۵٦:۱۷)
گمان بردیت ۳، گمان برید ۳٦، دروغ گفتید ۳۹، گمان بُردِیتْ ۵۵، دروغ گفتید شما ۵۷، می گفتید ۵۸، پنداشته‌اید ٦٤، پنداشتند و گرفتند ٦۵، پنداشتید شما ۹۹

~: بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّن نَّجْعَلَ لَكُم مَّوْعِدًا (٤۸:۱۸)
گمان بُردِیت ۵۵، دروغ گفتی شما ۵۷، بدروغ گفتید ۵۸، گمان بردید ٦۱، گمان کردید ۱۲۲

~: ٱلَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ (۵۲:۱۸)
پنداشته بودید ٦٤، گمان بردید شما ۹۲، گفتید سخن بگمان ۹٤، گمان میکردید ۱۳٦

~: قُلِ ٱدْعُوا۟ ٱلَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ (۲۲:۳٤)
همی گفتید ۱۸، بگمان گفتید ٦۱، می پنداشتید ٦٤، گمان برده‌اید ۱۰۳

~: إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَآءُ (٦:٦۲)
گوهید ۱، پنداشتیت ۳، می پندارید ۳۹، پنداشتندی ۸۰، گمان می بری ۸۱، گمان برید شما ۱۰۰، گمان می برید ۱۱۱، گمان میبرید ۱۱٦

بِزَعْمِهِمْ: فَقَالُوا۟ هَٰذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ (۱۳٦:٦)
گفتن ۱، پنداشت ۳، دروغ ۲٤، گفت ٤۱، گفتار دروغ ۵۲، پِنداشت ۵۵، دروُغ ۸۸، گمان ۱۱٤، گمان فاسد ۱۲۷

~: لَّا يَطْعَمُهَآ إِلَّا مَن نَّشَآءُ بِزَعْمِهِمْ (۱۳۸:٦)
گفتار و پنداشت ۳، گفتار ۲۷، پندار ٤۱، گمان ٦۱

زَعِيمٌ: وَأَنَا۠ بِهِۦ زَعِيمٌ (۷۲:۱۲)
پذرفتار ۲، پادان ۲٤، پذیرفتار ۳۰، پرفتار[1] ۵۳،

---

۱. پرفتار = پیرفتار = پذرفتار (؟) اگر این حدس درست باشد، باید گفت که «ذ» به «ی» تبدیل شده و «ی» مخفّف گردیده است.

پَذرفتار ۵۵، گمان برنده ۶۱، پاَیندآن ۷۶، پذرفتار ۸۰، نگاه بان ۸۴، پایند آن ۱۰۰، پابند ۱۰۱، پایندان پذرفتار ۱۰۹، پابنده ۱۱۵

~: سَلْهُمْ أَيُّهُم بِذَٰلِكَ زَعِيمٌ (۶۸:۴۰)
میانجی ۱، سخن گوی ۱۹، پایندان ۲۹، پاینده ۱۳۴

زَفِيرًا: سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا (۲۵:۱۲)
خرُوشیدن ۲، ناله و خروشیدن ۳، آواز ۲۹، بانگ ۳۴، فریاد ۳۶، جوشِش ۴۱، نُرَست ۴۷، بانگ خر ۴۸، دم زدن ۴۹، جوشش ۵۲، نالهٔ ۵۳، بانگی چون بانگ خر ۵۸، آوازی چون آواز خر ۷۸، ناله و خروش ۸۰، خشم و آواز سخت ۹۰، رمیدن ۱۰۲، بالیدن ۱۰۷، نُرَست ـ بانگ ۱۰۹، زوزُه ۱۱۹، ناله بلند ۱۲۲، غریدن ۱۲۳، غرّیدن از خشم ۱۳۳

زَفِيرٌ: لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ (۱۱:۱۰۶)
بانگ ۲، ناله ۳، ناله و بانگ ۳۰، نالهٔ اول خر ۴۲، اوّل بانگ خر ۴۹، ناله ۵۵، زوذَه[1] ۵۷، آغاز بانگ خر ۵۸، آواز خر در سینه ۵۹، اواز خر ۶۹، آوازها ۷۶، نالیدن ۹۶، بانگ نخستین خر ۹۹، فریاد سخت ۱۱۱، ناله خر و بانگ خر باول ۱۱۹، نالیدن سخت ۱۳۱، زبانها ۱۳۶

~: لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ (۲۱:۱۰۰)
نالیدن ۱، خُروش ۲، بانگ سهمگن ۲۴، نالش ۲۹، خروش ۳۰، بانگ زار ۳۴، بانگ چون بانگ خر ۳۹، گریستَنْ و ناله ۵۳، خروشیدن ۵۶، طپان دل ۵۸، نالهاء بلند ۶۴، رمیده ۶۹، بانگ وناله ۷۹، بانگ زدن ۸۷، دمیدن ۹۰، بانگ ناخوش چون بانگ خر ۱۰۳، خُرُوش ۱۰۸، نُرَست ـ چون اوّل بانگ خر ۱۰۹، نالهٔ زار ۱۱۱، نالیده ۱۱۹، ناله و زاری ۱۲۲، ناله زار ۱۲۳

اَلزَّقُّوم: أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ (۳۷:۶۲)
زهر ۲۲، رسته ۱۰۹، تلخ و گندیده ۱۱۱

~: لَآكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ (۵۶:۵۲)
تلخ ۴۲

اَلزَّكَاة: وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا الزَّكَوٰةَ (۲:۱۱۰)
پاکیْ خواسته ۱۰۹

~: فَأَرَدْنَا أَن يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَوٰةً (۱۸:۸۱)
پاکی ۱، پاکیزگی ۳۴، پَاکی ۵۵، پاکیزه ۵۶، شایستگی ۱۰۲، پاک ۱۰۶

~: وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَوٰةً وَكَانَ تَقِيًّا (۱۹:۱۳)
افزُونی ۵۶، افزونی ۱۰۵

~: وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا الزَّكَوٰةَ (۲۴:۵۶)
پاکی خواسته ۴۷

زَكَّاهَا: قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا (۹۱:۹)
پاک کرد ۱، پاک گردانید ۲، پاک بکرد ۲۴، پاکی کرد ۳۹، پاک داشت ۴۲، پاک گرْدانیْد ۵۳، پاکیزه کرد ۶۱، پاکیزه شد ۸۷، پاک گرداند ۱۲۴، پاک شد ۱۳۴، نیک کرد ۱۳۹

زَكَى: مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا (۲۴:۲۱)
پاک شد ۳، پاک شُدی ۵۳، پاک شدی ۱۲۴، پاکیزه شدی ۱۲۶

★ مَازَكَی: مَا زَكَىٰ مِنكُم (۲۴:۲۱)
پاکی نکردی ۱، نشدی پاک ۲۴، پاک نبودی ۲۹، نبودی پاک از گناه ۴۱، پاک نشدی ۵۴، پاکیزه و پارسا نشدی ۵۸، پاک نگشتی ۶۱، نکردی بساماان ۶۵، پاک نشد ۸۶، پاک نیافتی ۱۰۳، نیک نگشتی ۱۲۸

زَكِيًّا: لِأَهَبَ لَكِ غُلَٰمًا زَكِيًّا (۱۹:۱۹)
پارسا ۱، پَاکیزه ۲، نیک مرد ۲۴، پاکیزه ۳۰،

---

۱. کذا؛ زوذَه / زوزه

شایسته ۳٤، پارسَا ٤٢، پسندیده ٥٦، پاک از بزه ۷۹، پاک از بزها ۸٦، پاکیزه و شایسته ۱۰۹، پاکیزه از گناه ۱۱۱، نیکوکار ۱۱۹

زَكِيَّةً: أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ (۱۸:۷٤)
پاک ۱، پاکیزه ۲، پاک پاکیزه ٤٢، بی گناه ٤٨، پَاکِیزَه ٥٥، پَاک ٦٢، بی گناه ٦٤، پاک از گناه ٧٤

★ مَازِلْتُمْ: فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ (٤٠:٣٤)
همیشه ۱، همیشه بُودید ۲، هماره شما ۳، آنچه بودید ٢٤، بودید ٣٨، همیشه بودید ٣٩، بودیت هماره ٤١، بَرپیوستَه بُودید ٥١، همیشه شما بودید ٨١، همیشه شما ٩٢، همیشه بودید شما ١١٣، همواره شما ١١٤، همواره بودید شما ١٢٣، همیشه بودند ١٣٩

زِلْزَالًا: وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا (٣٣:١١)
جنبانیدن ۱، بهم ورآوردن ۲۹، لرزانیدن ۳۹، جنبانیدَنْ ٥٣، جنبانیده شدن ۸۰، جنبیدن ۸۷، درجنبانیدن ۸۹

زِلْزَالَهَا: إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (٩٩:١)
جُنبانیدن ۲، جنبانیدن ٢٤، جنبانیدن سخت ٦٤، درجنبانیدن ۸۹، لرزانیدن ٩٦

زَلْزَلَةَ: إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ (٢٢:١)
جنبانیدن ۲، جنبانیدن ۳، جنبش ۱۲، لرزیدن ۳٦، جنبیدن ٥٨، جنبیدن زمین ٨٧، جنبش زمین ١٢٢

زُلْزِلَتِ: إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (٩٩:١)
بجنبانند ۲، جنبانیده شود ٤١، درجنبانیده شود ٧٩، بجنبانیده شود ٨٨، درجنبانند ١٠٦، جنبیده شود ١٢٢

زُلْزِلُوا: مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا (٢:٢١٤)
جنبانیده شدند ۱، بَسی شان فاوا افگندند ۱۰، از جا برانگیخته شوند ٤٤، بجنبانید شان ٥٣، جنبَانیدَه شُدَند ٥٥، بجنبانیدند ٥٧، فاوا افکنند ٦٣، ازجای بشدند ٦٤، جنبانیده شوند ۸۰، درجنبانیدند ایشانرا ٨٥، بجنبانند ٨٨، جنبانیدند ٩٢، ازجای شدند ٩٩، از جای ببر ایشانرا ١٠١، بجنبانیدن ایشانرا ١٠٥، ازجا برانگیخته شدند ١٣١، از جای برکنده شوند ١٣٥، درجنبانیده شوند ١٣٨

~: وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا (٣٣:١١)
بجنبانید شان ۲، جنبانیده شدن ۳، بجنبانیدند ایشانرا ١٤، بجنبانیدند شان ٢٤، بهم ور آوردند شان ٢٩، لرزانیده شدند ٣٩، بجنبانند ایشانرا ٤٢، بلرزانیدند ایشانرا ٤٧، بجنبانیدَنْد شأن ٥٣، بجنبانید ایشان را ٥٦، بجنبانید ٧٦، درجنبانیده شدند ٧٩، بجنباند شان ٩٤، جنبانیده شدند و لرزنده شدند به بیم و هراس ١٠٩، درجنبانند ١٣٤، درجنبانیدند ١٣٨، جنبانیده شد ١٣٩

زُلَفًا: طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ (١١:١١٤)
پَارها ۲، پاره ٢٩، لختی ٣٨، پارها ٤٢، پارهٔ از شب ٥٧، کرانه و پاره ٥٨، گاهها ٥٩، نزدیک ٦١، بارها ٩٨، میانه ١٢١

زُلْفَةً: فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيٓـَٔتْ وُجُوهُ (٦٧:٢٧)
نزدیک ۳، نزدیکی ٤١، جای نزدیک ٤٢، پیوستگی ٩٢، نزدیک آمده ١٠٢

زُلْفَى: وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰ (٣٤:٣٧)
نزدیک ۱، پایگاه ٢٤، نزدیکی ٣٤، نزدیگی ٦٩، پیوستگی ٨٧

~: إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ (٣٩:٣)
نزدیک گردانیدن ٣٠، نزدیک کردن ١٣٩

زَلَقًا: فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا (١٨:٤٠)
رمزک[1] ۱، همواژ ۲، لغزان ۳، ساده ٢٤، شخسنده

۱. رمزک: لغزنده و نرم.

۳۶، لغزیده ۳۹، لغزناک ۴۱، نرم ۴۲، لشن ۴۳، نسو ۴۸، هموار ۵۲، لَغزان ۵۵، زمین هامون بی کشت ۵۶، ساد ۵۷، پای بخیزد ۶۲، ریزیده ۶۷، لغز هموار ۷۸، بر ره ۸۴، بوده ۸۸، هموار شده ۹۴، نَشو ۱۰۴، هواز ۱۰۸، تسو ۱۱۳، بی گیاه ۱۱۵، لغزان لغزان ۱۲۱، هموار بی گیاه ۱۳۰، بلغزد ۱۳۷، گشن ۱۳۹

زَلَلْتُمْ: فَإِن زَلَلْتُم مِّنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْكُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ (۲۰۹:۲)

بخیزید ۲، بلغزیت ۳، بچسبید ۱۰، بچسبی شما ۲۴، بلغزید ۲۵، بجنباند ۳۹، باز گردیت ۴۱، بشخشید ۴۳، بِلَغزیت ۵۵، بگردید و بلغزید ۵۶، بگردید ـ از جای بشوید ۵۷، جنبانید ۶۱، بلغزید شما ۷۶، بلغزیت ـ بگردیت ۸۳، برگردید ۸۸، بِلَغزید ۹۴، بگردید ۱۰۲، بگیرید شما ۱۲۴، لغزیدید ۱۳۵

زُمَرًا: وَسِيقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا (۷۱:۳۹)

گُرهها ۱، گروهان ۳، گروه گروه ۱۵، گُروهْ گُروهْ ۵۳، گروها ۸۰، گروه ۸۷

زَمْهَرِيرًا: لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا (۱۳:۷۶)

سرما ۲، سرماء سخت ۳، سرما سرد ۲۴، سرمای سخت ۳۴، سَرماً ۴۲، سختی سرما ۷۹، سرمای ۸۸، سرما سخت ۹۲، سردی ۱۲۰، سَرما ۱۲۴

زَنجَبِيلًا: كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا (۱۷:۷۶)

چیزیست خوش بوی و خوش مزه ۸۰

زِنُوا: وَزِنُوا۟ بِٱلْقِسْطَاسِ ٱلْمُسْتَقِيمِ (۳۵:۱۷)

بسنجید ۱، بسنجید ۲، بسنجیت ۳، ورسنجید ۲۹، بر کشیت ۴۱، بسَنْجِید ۵۳، سَنْجِیت ۵۵، برسنجی ۶۰، سنجید تان ۶۱، بر کشید ۶۳، به سنجید ۱۲۶

~: وَزِنُوا۟ بِٱلْقِسْطَاسِ ٱلْمُسْتَقِيمِ (۱۸۲:۲۶)

سنجیت ۳، بسنجی ۲۰، برسنجید ۲۹، سنجید ۴۷

ٱلزِّنَىٰٓ: وَلَا تَقْرَبُوا۟ ٱلزِّنَىٰٓ ۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةً (۳۲:۱۷)

پلید کاری ۳، بلایه کاری ۴۹، پَلید کاری ۵۵

زَنِيم: عُتُلٍّۭ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ (۱۳:۶۸)

گندادی ۱، بَپدَربَربسته ۲، خویشتن وابسته بگروه ۷۲، پدر بربشت ۱۰۸، سند ۱۰۹

زَهْرَةَ: زَهْرَةَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۱۳۱:۲۰)

آرایشت ۱، آرایش ۳، آرائش ۳۸، ارایش ۴۲، آرایش ۶۱، شکوفه ۶۴، آرائش ۸۹، شوکسه ۱۰۷، آتش ۱۱۳، نیکویی ۱۲۴، زینت ـ آرایش ۱۲۶، روشنای ۱۲۹، خوشی ۱۳۵

زَهَقَ: جَآءَ ٱلْحَقُّ وَزَهَقَ ٱلْبَٰطِلُ (۸۱:۱۷)

بشد ۱، نیشْت گشْت ۲، نیست شد ۳، رفت ۳۶، ناچیز گشت ۳۹، ناپیدا شد ۴۱، شد ۴۲، نابود گشت ۴۳، نیست شُد ۵۳، نیشْت شُد ۵۵، ناچیز شد ۵۷، نگونسار شد ۵۸، ناچیز ببود ۸۸، برفت ۱۲۸، نابود شد ۱۳۰

زَهُوقًا: إِنَّ ٱلْبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقًا (۸۱:۱۷)

شدار ۱، نیشْت گشتَه ۲، نیک نیست شونده ۳، رمیده ۲۴، شونده ۳۶، ناچیز شده ۳۸، ناچیز گشته ۳۹، ناپیدا شونده ۴۱، شدنی ۴۲، بباد شده ۴۳، تباه کرده ۵۲، نیک نیست شَونده ۵۵، نگونسار ۵۸، ناچیز ۶۱، نیست ۶۲، نیست شونده ۶۳، نیست شده ۷۶، ناپیدا شده ۹۰، نیست کننده ۹۴، شکسته و تباه کرده ۱۰۵، ناچیز شونده ۱۱۳، نابود شونده ۱۱۵، نیست گردنده ۱۲۷، دور شونده ۱۲۹

زَوَال: مَا لَكُم مِّن زَوَالٍ (۴۴:۱۴)

گشْتن ۱، گشْتَن ۵۵، رفتن ۶۱، هیچ گشتن ۷۲، گشت ۹۱، کشْتِن ۱۰۵، کشتن ۱۱۲

زَوْجًا: فَلَا تَحِلُّ لَهُۥ مِنۢ بَعْدُ حَتَّىٰ تَنكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُۥ (۲۳۰:۲)

شوهر ۱، شُوی ـ جُفت ۲، زن ۱۰، شوی ۲۷، جفت ۸۲

زَوْج: ٱسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ (۲۰:۴)

انباز ۱، زَن ۲، جفت ۳، شوهر ۲۵

~: كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (۲٦:۷)
ازن[1] ۱، گون و گونه ۵۸، جفت ۹۵

~: فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (۳۱:۱۰)
گونه ۲، جفت یا گونه ۳، جفت جفت ۱٤، جفت یا گونه ۹۱

~: وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۵۰:۷)
گونه ۱، جفت و گونه ۳۹، گون ۹۹

★ زَوْجٍ بَهِيجٍ: وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۵۰:۷)
گونه بنگر ۸٤

زَوْجَانِ: فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (۵۵:۵۲)
دوا ازن[2] ۱، دو جفت ۲، جفتان ۳۰، دو گونه ۳۹، جفت جفت ۸۱، دو رنگ دو گونه ۸۷، دوگان ۹۲، دو دو ۱۰۵، دو جفت دو گونه ۱۰۸

زُوِّجَتْ: وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۸۱:۷)
جفت کرده شهد ۱، جفت کنند ۲٤، جفت گردانند ۳۰، جفت گردانیده شود ۵٦، جفت کرده شود ۸۰، جفت کرده شوند ۱۰۰، جفت گردانیده شوند ۱۳۰، جفت کردند ۱۳٦

زَوْجُكَ: يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ (۲:۳۵)
جفت ۲، جُفت ۳، زنت ۱۰

~: إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ (۲۰:۱۱۷)
انباز ۱، زن ۲

زَوَّجْنَاكَهَا: وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا (۳۳:۳۷)
بزنی دادیم ۱، دادیم ۱۸، بتو دادیم ۵۲، بزنی دهیم ما ٦۱، زنی دادیم ۹۱، بزن تو کردیم ۱۰۰، زن دادیم ما ۱۲٤

زَوَّجْنَاهُمْ: كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ (٤٤:٥٤)
جفت کردیم ۱، بَزنی دادیم ۲، بزنی دادیم ۲۲، زنان دهیم ۲٤، جُفت کنیم ۳۲، جفت می کنیم ٤۱، جفت دهیم ٤۲، جفتان داده باشیم ٦٤، جفتان کردیم ۹٤، همجفت گردانیدیم ۱۰۰

~: وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ (۵۲:۲۰)
جفت کنیم ۱، بزنی دهیم ۲٤، جفت گردانیدیم ۳۰، جفت دادیم ٤۱، هم جفت کردیم ۵۰، جفت گردانیم ٦۱، زن دادیم ۸۱، هم جفت کنیم ما ۹۹، همجفت گردانیدیم ما ۱۰۰، جفت کردیم ما ۱۳۸

زَوْجِهِ: مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ (۲:۱۰۲)
جُفت ۲، زن - جفت ٤۱

~: وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ (۲۱:۹۰)
انباز ۱، زن ۲

زَوْجَهَا: خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا (٤:۱)
انباز ۱، جُفت ۲، جفت ۳، زن ۱۰، جفتان ٦۳

~: تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا (۵۸:۱)
شوی ۱، شُوی ۲، شوهر ۲۹

زَوْجَيْنِ: احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ (۱۱:٤۰)
دوا ازتن ۱، دُو جُفت ۲، جفتی دوگانه ۲٤، دو جُفت ۲۷، نر و ماده دوگان ۵۸

~: جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ (۱۳:۳)
دواازن ۱، دو جُفتْ ۲، دوگان ۳٦، دوجُفتْ ۵۵، دو جفت دو گونه ٦۲، دو گونه جفت ۹۲

~: فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ (۲۳:۲۷)
دواازنی ۱، دو جفت ۲، دو نر و ماده ۳٤، دوگان

---

۱. ازن: جفت، گونه.
۲. دواازن: دو جفت، دو گونه.

نر و ماده ٦٤، دو جفت ۹۵، نر و ماده ۱۳۲

~: وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ (۵۱:٤۹)
دواازن ۱، جفت جفت ۳۹، دو دو ۵۲، جُفت جُفت ۵٦، جفتان ٦٤، جفت نر و ماده ۹۲

~: خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ (۵۳:٤۵)
دو ۳، دو جفت و دو گونه ۳۹، و جفت ـ دو گونه ۱۰۹

~: فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ (۷۵:۳۹)
دو گونه ٦، دُو گونه ٦۱

الزُّورِ: وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (۲۲:۳۰)
دروغ ۱، دُروغ ۲، دور ٦۱، باد ۸۷

زُورًا: فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا (۲۵:٤)
دروغ ۱، دُروغ ۲، بـهـتـان ٤۷، دُروُغ ۵۳، دروغ بزرگ ۵٦، دروغ و بهتان ۱۱۱

زِيَادَةٌ: إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ (۹:۳۷)
افزونی ۳، فزونی ۹۱، فزون ۱۲٦، افزودن ۱۳٦

~: لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ (۱۰:۲٦)
أفزُونی ۲، افزون ۱۰، آفـزُونِی ۵۵، افزودگی ٦۱، بیشتر ۷٦، افزونی باداش ۱۱۱

زَيْتُهَا: يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ (۲٤:۳۵)
رُوغن ۲، روغن ۳

الزَّيْتُونَ: وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ (٦:۹۹)
گوزشامی[1] ۲۷، کورشامی[1] ۷۲، کورشامي[1] ۷۸

زَيْغٌ: فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ (۳:۷)
کیلی[2] ۱، کژی ۳، خولی و کژی ۲۵، گشتن ۲۷، تاریکی ٤۱، کژی ٤۲، گژِی ۵۵، رنج ۵۷، گردش ٦۱، گـرد ٦۵، گشتست ٦۹، گرایستن ۸۲، شک ۱۰٦، چسبیدن ۱۰۹، ناراستی ۱۱۱، کج ۱۱۵، کجی و تباهی ۱۱٦، تنگی ۱۲٤

فَزَيَّلْنَا: فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاؤُهُم (۱۰:۲۸)
جدا کنیم ۱، جدا کُنیم ۱۰، جدایی افکندیم ما ۲۹، جدای گردانیم ۵۳، جُدَا کُنِیم ۵۵، جدا کردیم ۵٦، جدا کنیم ما ۵۸، جدا واکنیم ۵۹، جدایی افکنیم ٦۲، جدا کردیم ما ٦٤، جدایی اندازیم ۷۹، جدا می‌افکنیم ۸۸، بیران کنیم ۹۰، جدا گردانیدیم ۹٤، جدای اندازیم ما ۱۱۳، جدائی افکنیم ۱۲۰، جدا گردانیم ما ۱۲٤، جدا بگردانیم ۱۲۷

زَيَّنَ: وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ (٦:٤۳)
آراسته گردانید ۳٤، بیاراست ٤۲، آراسته بود ٤٤، آراشت ۵۵، بیاراسته ٦٤، بیارایست ۸۸

~: وَكَذَٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ (٦:۱۳۷)
بَر آراست است ۱۰، آراسته بکردند ۲۹، آراسته کردند ٤٤، أراستَهٔ کرده آمَد ۵۳، بیاراستند ۱۰۷

~: وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ (۸:٤۸)
بیاراست ۱، آراست ۳، بر آراست و برساخت ۱۰، آراسـتـه کـرد ۳۹، آراشـت ۵۵، بـر آراسـت ۷۹، بیاراسته است ۱۳٤

~: فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ (۱٦:٦۳)
بیاراشت ۲، اَراستَهٔ گَرْدَدْ ۵۳، بیاراستست ٦٤

~: وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ (۲۷:۲٤)
آراسته کرده است ٤۷، آراسته گشته است ٤۸، براراست ۱۱۳، آراسته کرده ۱۳۰

~: وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ (۲۹:۳۸)

---

۱. در هر مورد عین ضبط متن رعایت شده است.
۲. کیلی: کژی؛ میل و گرایش.

بیآراست ۴۳، آراسته کرده بود ۴۷

زُیِّنَ: زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا (۲:۲۱۲)
آراسته کرده شد ۳، آراسته کردستند ۱۰، دوست گردانید ند ۲۴، آراسته شوَد ۴۲، آراسَته کرده شُد ۵۵، آراسته گردانیده شد ۶۴، بیاراسته ۷۶، آراسته گردند ۱۰۱، آراسته گردانیده‌اند ۱۲۳

~: زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ ٱلشَّهَوَٰتِ مِنَ ٱلنِّسَآءِ (۳:۱۴)
آراسته شُد ۲، آراسته کرده ۳، آراسته کردستند ۱۰، آراسته کرد ۲۴، آراسته و نیکو ۲۵، آراسته کرده‌اند ۲۹، آراسَته کرده شُد ۵۵، آراسته کرده شده ۱۰۲، آراسته گردانیده شده ۱۱۱، آراسته کرده است ۱۲۹

~: كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكَٰفِرِينَ (۶:۱۲۲)
بیاراسته‌اند ۲۴، آراسته بگرداند ۲۹، آراسته کرده شود ۴۲، اراسْته شُدْ ۵۳، آراسته آمد ۵۷، آراسته است ۶۴، بر آراسته شد ۷۹، آرایسته شود ۸۸، آراسته می شود ۱۱۹، آرایش کرده‌اند ۱۳۵

~: زُيِّنَ لَهُمْ سُوٓءُ أَعْمَٰلِهِمْ (۹:۳۷)
آراسته شد ۱، آراستند ۳۸، آراسْته کردَه شُد ۵۵، بَیارَاسَته‌اند ۶۲، آراسته گردانید ۶۶

~: كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ (۱۰:۱۲)
آراسْته شود ۲، آراسته کرده شده‌است ۲۷، آراسته بکرده‌اند ۳۴، اَراسَته شُدْ ۵۳، آراسته بکردَه‌اند ۶۲، بیاراسته شد ۸۹، س[1] شد ۹۱، آراسته کردیم ۱۰۷

~: بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مَكْرُهُمْ (۱۳:۳۳)
بیاراستند ۵، آراسته شده ۴۸، آراسْتهْ کرده ۵۳، آراسته کَردَه شُد ۵۵، بیاراسته است ۶۴

~: زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ (۳۵:۸)
آراسته شهد ۱، آراسته کردند ۲۴، بیاراسته باشد ۳۴، راست شد ۶۱، آراسته کرده شده باشد ۱۱۶، بیاراسته شد ۱۱۷، آرایش داده شده ۱۳۲

~: كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ (۴۰:۳۷)
آراسته شده بود ۶۴، آراست ۹۰، آرآسته شد ۱۰۰، آرایش داده شد ۱۰۳

~: زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ (۴۷:۱۴)
آراسته‌اند ۶، بیاراست ۱۷، بیاراستنْد ۲۲، آراسته بود ۱۰۰، بر آراسته ۱۱۳، زیبا داشتند ۱۳۱

~: زُيِّنَ ذَٰلِكَ فِى قُلُوبِكُمْ (۴۸:۱۲)
آراسته شود ۲، بیاراستن ۶، بَیاراسته شُد ۸۱، واراسته شده است ۱۳۶

زَیَّنّا: زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ (۶:۱۰۸)
بیاراستیم ۱، بیاراستیم ۲، آراستیم ۳، ساخته می داریم ۱۰، آراسته‌ایم ۳۶، بیاراستیم ما ۳۹، آراسْتیم ۵۵، آراستَه بُودِیم ۶۲، آراسته گردانیدیم ۶۴، پاداش دادیم ۸۸، آرآسته کردیم ۹۴، آراسته کردیم ما ۱۲۴، آراسته یم ۱۳۰، آرایش کردیم ۱۳۵

~: زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَٰلَهُمْ (۲۷:۴)
آراسته کردیم ۲۰، آراسته کرده‌ایم ۴۷، بیاراییم ۵۲، آراسته گردانیده‌ایم ۶۴، آراستیم ۱۱۴

~: إِنَّا زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنْيَا (۳۷:۶)
بیاراسته‌ایم ۴۸، آراستیم ما ۹۰

~: وَزَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنْيَا (۴۱:۱۲)
بیاراست ۶۱

~: وَلَقَدْ زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنْيَا (۶۷:۵)
ما بیاراستیم ۲، ما بیاراسته‌ایم ۶، آرایش دادیم ۵۰

زَیَّنّاها: زَيَّنَّٰهَا لِلنَّٰظِرِينَ (۱۵:۱۶)

---

۱. کذا بدون نقطه (؟).

بیاراستیم ۲، آراستیم ۳، آراستیم ۵۵، آراسته کردیم ۵۹، بیاراستیم ما ۵۸، بیاراستیم ۶۲، پیراستیم ۱۱۳

~: كَيْفَ بَنَيْنَٰهَا وَزَيَّنَّٰهَا (۶:۵۰)
بیاراستیم ۲، آراستیم ۳، بیاراسته ایم ۶، آراسته بکردیم ۳۴، آرایش دادیم ۵۰، آراستیم ما ۹۲، آراسته ایم ۱۱۱، آراسته کردیم ۱۱۴

زِينَةٌ: قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ ٱللَّهِ (۳۲:۷)
آرایشت ۱، آراستن ۱۰، پوشش ۹۶، جامها ۱۳۲

~: ءَاتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُۥ زِينَةً (۸۸:۱۰)
آرایشها ۴۸، آرایش نیکو ۵۳، آرایش ۵۵، ورایش ۶۷

~: إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى ٱلْأَرْضِ زِينَةً (۷:۱۸)
آرایش ۱، آرایش ۵۷

~: تُرِيدُ زِينَةَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۲۸:۱۸)
ارایش ۵۳، آسایش ۱۰۶

~: قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ ٱلزِّينَةِ (۵۹:۲۰)
نوروز ۵۳

~: وَلَٰكِنَّا حُمِّلْنَآ أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ ٱلْقَوْمِ (۸۷:۲۰)
پیرایه ۲، پیرایه ۲۴، ارایش ۵۳، پیرایها ۵۶، زیور ۶۴، پیرایهاء ۶۵

~: غَيْرَ مُتَبَرِّجَٰتٍۭ بِزِينَةٍ (۶۰:۲۴)
آرائش ۳۸، ارایش ۵۳، ارایش ۱۱۹

~: إِنَّا زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنْيَا بِزِينَةٍ (۶:۳۷)
آراستن ۸۶، بیاراستن ۹۲

~: أَنَّمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ (۲۰:۵۷)
نام و نورد ۱۰۹، آراستگی ۱۲۶

زِينَتَكُمْ: خُذُوا۟ زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ (۳۱:۷)
آرایشت ۱، جامه پوشیدنی ۱۰، جامهٔ پوشیدنی ۲۷، جامها ۱۲۰، آرایش ۱۴۰

زِينَتِهِ: فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِۦ فِى زِينَتِهِۦ (۷۹:۲۸)
آرایشش ۱۱۴

زِينَتَهَا: ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ (۱۵:۱۱)
آرایشت ۱، آرایش ۲

زِينَتَهُنَّ: وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ (۳۱:۲۴)
آرایشت ۱، آرایش ۲، ارایش ۵۳، ارایش ۱۱۳، پیرایه ۱۱۶

زَيَّنَهُ: حَبَّبَ إِلَيْكُمُ ٱلْإِيمَٰنَ وَزَيَّنَهُۥ (۷:۴۹)
آراست ۱۱۴، آرایش داده ۱۲۲

فَزَيَّنُوا: فَزَيَّنُوا۟ لَهُم مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ (۲۵:۴۱)
بیاراستند ۱، آراستند ۳، بیاراستند ۵۳، برآراستند ۱۰۲، بیارایند ۱۳۹



سَ: وَسَنَزِيدُ ٱلْمُحْسِنِينَ (۲:۵۸)

زود ۲

~: سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ (۲:۱۴۲)

زود باشد ۲

~: سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ (۳:۱۲)

زودا که ٤

~: وَسَيَجْزِى ٱللَّهُ ٱلشَّٰكِرِينَ (۳:۱٤٤)

زودا ٤٠

~: سَنُلْقِى فِى قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱلرُّعْبَ (۳:۱۵۱)

زود بود ٤٠

~: فَسَيَقُولُونَ ٱللَّهُ (۱۰:۳۱)

انوز[1]

~: قَالَ سَـَٔاوِىٓ إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِى مِنَ ٱلْمَآءِ (۱۱:٤۳)

هَرایته ۵۵

~: سَيَجْعَلُ لَهُمُ ٱلرَّحْمَٰنُ وُدًّا (۱۹:۹۶)

بوک ۱۰۵

~: سَأُو۟رِيكُمْ ءَايَٰتِى (۲۱:۳۷)

زود باشد که ۵۸، سرانجام ٦٤

~: سَتَجِدُنِىٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰبِرِينَ (۳۷:۱۰۲)

زود بود که ۵٦

~: كَذَٰلِكُمْ قَالَ ٱللَّهُ مِن قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ (٤۸:۱۵)

از آن زودتر ٦

~: إِنَّا سَنُلْقِى عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۷۳:۵)

هر آینه ٥٦

~: عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ (۷۳:۲۰)

هنوز ۱

سَاءَ: كَانَ فَٰحِشَةً وَمَقْتًا وَسَآءَ سَبِيلًا (٤:۲۲)

بداشت ۲، بد بود ۲۹، بَدْ بُود ٤٠، بد باشد ۵۳، بَدا ۱۱٤

~: وَمَن يَكُنِ ٱلشَّيْطَٰنُ لَهُۥ قَرِينًا فَسَآءَ قَرِينًا (٤:۳۸)

---

۱. انوز: زود بود که.

گد[1]، بدا ١٠

~: وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَآءَ مَا يَعْمَلُونَ (٦٦:٥)
بداست ١٠ مکرّر

~: أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ (٣١:٦)
بَدْ آسْت ٢، بدیا ٢٦

~: سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ (١٣٦:٦)
گداست ١، بد ١٠ مکرّر

~: سَآءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا (١٧٧:٧)
بَدا ٢٧، بَدَا ٦٢، چه بدا بد آمد و بد است ١٠٩

~: سَآءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٩:٩)
بَد بود ٦٢

~: أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ (٢٥:١٦)
بَدشت ٢، بَدست ٥٦، زشت است ١٠٦

~: أَلَا سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ (٥٩:١٦)
بدأشت ٢، بدست ٣، بَدشت ٥٥

~: إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَآءَ سَبِيلًا (٣٢:١٧)
بداه ١١٣

~: وَسَآءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا (١٠١:٢٠)
گدبهد ١، بد شود ٥٨

~: فَسَآءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ (٥٨:٢٧)
بد بود ٢٤، بد آمد واندهگن کرد ٤٧، بد کرد ١٣٩

~: سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ (٤:٢٩)
بد آمد ٤٧

~: فَسَآءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ (١٧٧:٣٧)
بد شد ٩٢

~: سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ (٢١:٤٥)
بَدست ١١٤

★ سَاءَ سَبِيلًا: وَسَآءَ سَبِيلًا (٢٢:٤)
بدراهی باشد ٥٣

~: إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَآءَ سَبِيلًا (٣٢:١٧)
بدراهیست ٣٠

★ سَاءَمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ: سَآءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٩:٩)
بدانچه بودند که بد می کردند ٥٨

سَائِبَة: مَا جَعَلَ اللَّهُ مِن بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ (١٠٣:٥)
گذاشته ٢، یله کرده ٣، گذاشته ١٠ مکرّر، فرود گذاشته ٢٧، بیرون هشته ٣٧، فرو گذاشته ٣٩، اشتر رها کرده ٤١، چیزی از خواسته واز چهار پای بنام بتان کردندی ٤٩، فرو گذاشتندی تا چنانکه خواستی چرا همی کردی ٥٧، اشتری بود که او را ببدری آزاد کنند ٦٤، افزوده ٦٩، گردنده ٩٥، جانور ٩٨، ناقه بچرا گذاشته ١٠٤، واگذاشته در چرا ١١١، آزاد کرده ١١٢، شتر فرو گذاشته ١٢١، بچرا باز گذاشته ١٢٣

سَاءَتْ: فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَآءَتْ مَصِيرًا (٩٧:٤)
گد ١، بدأست ٢، بد است ٢٩، بَدست ٤٥، بد باشد ٩٦

~: وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَآءَتْ مَصِيرًا (١١٥:٤)
بد ٣، بدا ٢٩

~: إِنَّهَا سَآءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (٦٦:٢٥)
گداست ١، بدباشد ٢، بدست ٥٨، بد بود ١١٧

★ سَاءَتْ مُرْتَفَقًا: وَسَآءَتْ مُرْتَفَقًا (٢٩:١٨)

---

١. گد: بد.

بد آرام گاهیست ۱۲۸

★ سَاءَتْ مَصِيرًا: وَسَآءَتْ مَصِيرًا (٤:١١٥)
بد باز گشتست ٥٦، بد باز گشتا ٦٢

سَائِحَاتٍ: قَٰنِتَٰتٍ تَٰٓئِبَٰتٍ عَٰبِدَٰتٍ سَٰٓئِحَٰتٍ (٦٦:٥)
روزه داشتاران[1] ۱، رُوزه داران ۲، روزه دار ۲۹، روزه دارنـــد گـــان ۸۰، روزه دار آن ۱۰۰، روان شوند گان ۱۱٦، روزه دارنده ۱۲٦، روزه گیرند گان ۱۳٦

اَلسّائِحُونَ: ٱلسَّٰٓئِحُونَ ٱلرَّٰكِعُونَ (٩:١١٢)
روزه داشتاران[1] ۱، رَونـد گـان ۲، روزه داران ۳، روزه دارنـــده گـــان ۲۷، روزه دارنـــد گـــان ۳٤، روزه دَاران ۵۳، رونـــده گـــان و روزه داران ٥٦، روند گان ٦٢، روند گان در زمین ۸۰، روزه داران در گرما ۸۸، روزه د آران ۱۰۰، روند گان ۱۲۰

سَائِغًا: وَدَمٍ لَّبَنًا خَالِصًا سَآئِغًا لِّلشَّٰرِبِينَ (١٦:٦٦)
گهارشت[2] ۱، گوارنده ۲، گوارا ۳٦، گُوارَنده ۵۵، خوش بگلوفروشونده ۷۹، گوآرنده ۱۰۰، خوش گوارنده ۱۰٤

سَائِغٌ: هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَآئِغٌ شَرَابُهُۥ (٣٥:١٢)
گهارشت[2] ۱، گُوارنده ۲، شکننده ۳، گواران ۳٦، گُهارنده[3] ۵۳، کردان ۹۱، آسان بگلوفرورونده ۱۱۱، خورده ۱۱٤، خوشگوار ۱۱٦، روان ۱۱۹

سَائِقٌ: وَجَآءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَآئِقٌ وَشَهِيدٌ (٥٠:٢١)
رانـنده ۲، فرشتهٔ که می راند ۲٤، رانده ۵۳، کشنده ۱۰۰، آینده ۱۰۲

سَائِلٌ: وَفِيٓ أَمْوَٰلِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّآئِلِ وَٱلْمَحْرُومِ (٥١:١٩)
درویـشان ۲٤، خـواهَـنْدَهْ ۵۳، خـواهـنـد گـان ٦١، خواهنده ۸۷

~: سَأَلَ سَآئِلٌۢ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (٧٠:١)
پرسیدار ۱، خُواهنده ۲، خواننده یا خواهنده ۳، پرسنده ٦، درخواهنده ۱۰۰، درخواست کننده ۱۱٦، خواننده ۱۲۱

~: لِّلسَّآئِلِ وَٱلْمَحْرُومِ (٧٠:٢٥)
خـواهـنـده ۱، خُـواهـنـده ۲، درویـش ۲٤، درویـش خواهنده ۱۱٦

اَلسّائِلِينَ: وَءَاتَى ٱلْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ... وَٱلسَّآئِلِينَ (٢:١٧٧)
خُواهند گان ۲، خواهند گان ۳، مَیهمانان او دست خُواهند گان ۱۰، خُواهَندِ گان ٤۲، خَواهَنْد گان ۵۵، روان خواهان ۷۵، خوانند گان ۹۱، خواهَندِ گان ۹٤، خو آهند گان ۱۰۰، درویشان خواهنده ۱۱۱، خواست کنند گان ۱۱۸، خواسند گان ۱۳۵

~: فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِۦٓ ءَايَٰتٌ لِّلسَّآئِلِينَ (١٢:٧)
پُرسند گان ۲، پرسند گان ۳، پرسند گان ۷ مکرّر، پرستند گان ۲٤، پُرسَند گان ۷٦، پرسنند گان ۹۱، پرسید گان ۱۱۰، پرسنده گان ۱۱۸

~: فِيٓ أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَآءً لِّلسَّآئِلِينَ (٤١:١٠)
پـرسـیـداران ۱، پُرسـنـد گـاران ۲۲، خـواهـنـده ۳۰، خواهنده گان ۱۱۳

اَلسّابِحاتِ: وَٱلسَّٰبِحَٰتِ سَبْحًا (٧٩:٣)
شتافتگان ۲، شتابند گان ۳۰، شنا کنند گان ۳۸، شناسا کننند گان ۳۹، فرشتگان شتاوبرنده ٤۲، آشنا کنند گان ۷۸، فرشتگان شتابند گان ۷۹، اشنا کنند گان ۹۸، فرشتگان شناب برنده ۱۰۰، شـنـاوری کـنـنـد گـان ۱۰۲، شـنـاه کـنـنـده ۱۰۳،

---

۱. روزه داشتاران: روزه داران.
۲. گهارشت: گوارنده؛ خوشگوار.
۳. گُهارنده: گوارنده.

شناو کنند گان ۱۰۹، شناه کنند و آمد و شد نمایند ۱۱۱، کشتیها ۱۱٤، تیزروند گان ۱۱۵، شناه کنند گان ۱۱٦، شناب برند گان دریا ۱۱۷، شنا کننده ۱۲۰، ستارگان ۱۲٦، تیز رونده ۱۳۳

سَابِغَاتٍ: أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ (۳٤:۱۱)
زرها ۱، زرهاءِ فراخ ۲، زرهها ۱۸، زرّها فراخ ۲٤، درهم بافته ٤۱، ذَرهَها ۵۳، زره ها ۸۰، زرهاء ۹۰، زرهها فراخ ۹۲، زرهای دراز بالا ۱۰۹، زرهای فراخ دامن گشاده ۱۱۱، زرها دراز و فراخ ۱۳۹

سَابِقٌ: وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ (۳۵:۳۲)
پیش رو ۲، پیشی کنند گان ۱۸، پیشی گرفته ۲٤، پیش شونده ۳۹، پیش شده ٤۲، پیشی کننده ۵۳، پیش شوند گان ٦۱، پیشی گیرنده ۸٦، پیشی گیرند گان ۱۲٦، پیش گیرنده ۱۳٦، پیش کننده ۱۳۹

~: وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ (۳٦:٤۰)
پیشی کنار ۱، پیش دستی کننده ۳، پیشی کند ۲۲، پیش رو ۲٤، پیش رود ۳۰، پیش آینده ٤۳، پیش شود ۵٦، پیش ٦۱، پیشین گیرنده ۱۰۲، پیش دستی کند ۱۲۱

اَلسّابِقَاتِ: فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۷۹:٤)
پیش روند گان ۲، فریشتگان که پیشی گیرند ۲٤، روان در فرمانها ٤۱، پیشی کنند گان ٤۳، پیشین کنند گان ٦۱، پیشی گیرند گان ۸۰، شتافند گان ۹۰، فرشتگان پیشی گیرنده ۱۱۱، پیشی گیرند گان بر یکدیگر ۱۱۳، فرشتگان پیشی گیرند گان ۱۳۲، پیش گیرنده گان ۱۳٦

سَابِقُوا: سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ (۵۷:۲۱)
پیشی کنید ۱، نیک بشتابید ۲، پیشی کنیت ۳، پیشی گیرید ۲٤، بشتابیت ۳۰، پیش دستی کنید ۳٦، پیشین کنید ۳۹، پیشی گیرید ٤۲، بشتابید ٦٤، پیشی گیریت ۸۰، پیشین گیرید ۱۰۲، پیش شوید ۱۰۸

اَلسّابِقُونَ: السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ (۹:۱۰۰)
پیشی کنان ۱۳، پیشروند گان ۲۷، بیشی کنان ۳۸، پیش شد گان ۳۹، پیش رَوان ۵۵، آنکسان که پیشی گرفتند ۵٦، پیش روند گان ۵۷، پیش کنند گان ۷۲، پیشینگان ۸۸، پیشروان ۱۱٤، پیش رونده گان ۱۱۹، پیشیکنند گان ۱۲٤

~: أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ (۲۳:٦۱)
پیشی کناران[1] ۱، پیش روان ۲، پیش دستی کنند گان ۳، پیشی گرفته ۲٤، پیشی کنند گان ۳۰، پیش شونده ۳۹، پیش شوند گان ۵٦، پیش رو ٦۱، پیش شنوند گان ۷۸، پیش گیرند گان ۱۰۲، پیشی گیرند گان ۱۱۳

~: وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (۵٦:۱۰)
پیش گرفتگان ۲٤، پیشینیان ۳۹، پیشی گیرَند گان ٤۲، پیشی گرفتگان ٤۹، پیشی گیرند گان ۵۲، پیش دستان ۵٦، پیشین کنند گان ٦۱، پیشین گیرند گان ۱۰۲، پیش روان ۱۲۹، پیشی روند گان ۱۳۰

سَابِقِينَ: وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ (۲۹:۳۹)
پیشی کناران[1] ۱، پیش روند گان ۲، پیش دستی کنند گان ۳، پیشی کنند گان ۳٤، پیش شوند گان ۳۹، پیشی کنان ٤۱، پیشین کنند گان ٤٤، پیشی گیرند گان ٤۷، پیش شوید گان ٦۹، پیش حکم ما شوند ۷٦، پیش کنند گان ۸۷، پیش شد گان ۹۰، پیشین گیرند گان ۱۰۲، پیشی گیرند گان و گذرند گان ۱۰۹، پیش گیرند گان ۱۱۵، نیک

---

۱. پیشی کناران / پیشی کند گان.

کرداران ۱۳۶، بیش کنند گان ۱۳۹

★ کانوا سابِقینَ: وَمَا كَانُواْ سَٰبِقِينَ (۲۹:۳۹)

توانستند گریختن ۲٤

ساجِدًا: هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ سَاجِدٗا (۳۹:۹)

روی بر زمین نهنده ۱۰۹

اَلسّاجِدونَ: ٱلرَّٰكِعُونَ ٱلسَّٰجِدُونَ (۹:۱۱۲)

سر بر زمین نهند گان ۳، سر بر زمین نَهَنْد گان ۵۵، روی بر زمین نهند گان ۱۰۹، سر بر زمین نهان ۱۱٤

اَلسّاجِدینَ: وَأُلۡقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ (۷:۱۲۰)

سر بر زمین نهند گان ۳، سربَر زمین نَهند گان ۵۵

~: فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ (۱۵:۹۸)

نماز کنان ۲٤

~: وَتَقَلُّبَكَ فِي ٱلسَّٰجِدِينَ (۲۶:۲۱۹)

نماز گزارند گان ۳، نماز کنند گان ۸۰، نماز گذارند گان ۱۱۱

بِساحَتِهِمْ: فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمۡ (۳۷:۱۷۷)

فراخی گاه ۲، میان سرای ۳، پیرامون ۲۲، پیرامن ۲۹، نزدیک ۳۲، فراخیگاه ۳۸، جایگاه ٤۹، میان سرا ۸۱، میان سرای یادرگاه ۹۱، دشت ۹٦، سراها ۱۰۰، خان و مان ۱۰۲، سرای ۱۰۵، پیشگاه ۱۱۱، پیش خانها ۱۱۳، فراخ گاه ۱۲۹، سرا ۱۳۲

ساحِرٌ: إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ عَلِيمٞ (۷:۱۰۹)

جادوی ٤۵، جادویی ۵۷

~: يَأۡتُوكَ بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٖ (۷:۱۱۲)

جادوگر ٦۱، جادوی ۱۲۹

~: ٱئۡتُونِي بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٖ (۱۰:۷۹)

جادو ۷ مکرّر، جادوان ۱۳، جادوء ۵۱

~: وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ (۲۰:٦۹)

جادوسار ۱، جادو ۲، جادویان ۱۱٤

~: إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ عَلِيمٞ (۲٦:۳٤)

جادوساز ۱

~: فَقَالُواْ سَٰحِرٞ كَذَّابٞ (٤۰:۲٤)

جادوی گر ٦۱، جادوئی کننده ۱۱٦

~: وَقَالُواْ يَٰٓأَيُّهَ ٱلسَّاحِرُ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ (٤۳:٤۹)

دانای استاد ۳۰، مرد جادو ٤۹، مرد دانا ۸۰، جادوی کُننده ۸۱

~: وَقَالَ سَٰحِرٌ أَوۡ مَجۡنُونٞ (۵۱:۳۹)

جادوئی ۳۸، جادوی کننده ۸۱، جادو کننده ۱۱٦

~: قَالُواْ سَاحِرٌ أَوۡ مَجۡنُونٌ (۵۱:۵۲)

جادو ۲

ساحِرانِ: قَالُوٓاْ إِنۡ هَٰذَٰنِ لَسَٰحِرَٰنِ (۲۰:٦۳)

جادوسار ۱، دوجادو ۳، جادوان ۲٤، دو جادوان ۷۲، جادو ۱۰۸، جادویان ۱۲۱، جادوگران ۱۳۲

اَلسّاحِرونَ: وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّٰحِرُونَ (۱۰:۷۷)

جادو سازان ۱، جادوان ۲، جادُوان ۵۵، جادوآن ۵۷، جادوگران ٦۱، جادوان ٦۲، جادویان ۷۲، جاوئی کنند گان ۱۲۰

بِالسّاحِلِ: فَلۡيُلۡقِهِ ٱلۡيَمُّ بِٱلسَّاحِلِ (۲۰:۳۹)

کرانه ۱، کناره دریا ۲، کنار دریا ۲٤، کناره ۲۹، کنار ٤۲، کنا[ر]ه ۵٦، کنار ۱۰۰، کرانه دریا ۱۱٤، کرانهٔ دریا ۱۲۸

اَلسّاخِرینَ: وَإِن كُنتُ لَمِنَ ٱلسَّٰخِرِينَ (۳۹:۵٦)

او سوس کناران[1] ۱، فسوس کنند گان ۲، افسوس

۱. اوسوس کناران: افسوس کنند گان؛ مسخره کنند گان.

کنان ١٥، افسوس کُنان ٢٢، فسوس کنان ٢٤، فسوس کننده گان ٣٠، افسوس داران ٤١، خنده گان ٦١، افسوس دارند گان ٧٩، افسوس کاران ٩٤، خوار دارند گان ١٠٢، افسوس کننده ١١١، افسوس کرد گان ١٢٩

سَادَتَنَا: إِنَّآ أَطَعْنَا سَادَتَنَا (٣٣:٦٧)
مهتران ما ٣٨، مهتران خود ٤٣، مِهْتران ٥٣، مهتران وبزرگان ١١١

سَادِسُهُمْ: خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ (١٨:٢٢)
ششم ١، شش ١١٨، ششمان ١٢٢

سَارَ: وَسَارَ بِأَهْلِهِۦٓ ءَانَسَ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ (٢٨:٢٩)
ببرد ١، برد ٣، برفت ٢٩، شب ببرد ٤٧، بِبُرد ٥٦، ببرد و برفت ٥٨، براند ٦١، بَبُرد ٧٦، رفت ٨٠، رواه شد ١١٠، بازگشت ١١٧، روانه شد ١٣٢

سَارِبٌ: مُسْتَخْفٍ بِٱلَّيْلِ وَسَارِبٌۢ بِٱلنَّهَارِ (١٣:١٠)
بیرون آمدار ١، رونده ٣، برود ٥، آشکار ٢٤، آشکارا می رود ٣٦، سمج و کوهل و غارپنها ٤١، بیرون ٤٢، بیرون آید ٥٢، رَوَنده ٥٥، پیدا ٥٦، روشن کننده ٦١، آشکارا رونده ٦٣، می رود ٦٩، آشکارا ٧٦، دوبده ٩٢، روان ١٠٩، آشکار کننده ١١١، پدید آینده ١١٥، آشکارا کننده ١١٦، بیرون آینده ١٣٤

سَارِعُوا: وَسَارِعُوٓاْ إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ (٣: ١٣٣)
بشناوید ١، بشتابید ٢، بشتابیت ٣، بشتاوید ١٠، بِشْتابیتْ ٥٥، پیشی کنید و شتابید ٥٨، پیش دستی کنید ٦٧، شتابید ٧٢، پیشی گیرید ٧٩، شتاب نمائید ١٠١

ٱلسَّارِقُ: ٱلسَّارِقُ وَٱلسَّارِقَةُ فَٱقْطَعُوٓاْ أَيْدِيَهُمَا (٥: ٣٨)
مرد دزد ١، مَرد دُزد ٢، مردی که دزدی کند ٢٧، دزد ٢٩، مرد دُزْد ٥٣، مَرْد دُزْد ٥٥، مردان دزد ٥٨، دزد از مردان ٧٢

ٱلسَّارِقَةُ: وَٱلسَّارِقَةُ فَٱقْطَعُوٓاْ أَيْدِيَهُمَا (٥:٣٨)
زن دزد ١، زن دُزد ٢، زنی که دزدی کند ٢٧، زن دُزْد ٥٣، زَن دُزد ٥٥، زنان دزد ٥٨، دزد از زنان ٧٢

لَسَارِقُونَ: أَيَّتُهَا ٱلْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَٰرِقُونَ (١٢:٧٠)
دزدان ١، دُزدان ٢، دُزدَان ١٠، دزدانید ٥٣، دُزدأن ٧٦، دزد آن ٩٤

سَارِقِينَ: وَمَا كُنَّا سَٰرِقِينَ (١٢:٧٣)
دزدان ١، دُزدان ٢، دزدی کننده گان ٤١، دزدی کنان ٦١، دُزدأن ٧٦، دزد آن ١٠٠

ٱلسَّاعَةُ: حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتْهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغْتَةً (٦:٣١)
راستخیزْ ٢، استخیز ٢٦، راستخیز ٨٨

~: ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ ٱلْعُسْرَةِ (٩:١١٧)
هنگام ٢٩، گاه ٥٢، روزگار ٥٨

~: إِذَا جَآءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَـْٔخِرُونَ سَاعَةً (١٠:٤٩)
زمانه ٤٢

~: أَوْ تَأْتِيَهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغْتَةً (١٢:١٠٧)
رستخیز ٥٣

~: وَإِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَءَاتِيَةٌ (١٥:٨٥)
راستخیز ٢، رَسْتخیزْ ٥٣

~: فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَـْٔخِرُونَ سَاعَةً (١٦:٦١)
زمان ٢

~: وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا (١٨:٢١)
راسْتخیزْ ٢

~: رَأَوْاْ مَا يُوعَدُونَ إِمَّا ٱلْعَذَابَ وَإِمَّا ٱلسَّاعَةَ (١٩:٧٥)
روز قیامت ٤٤

~: وَأَعْتَدْنَا لِمَن كَذَّبَ بِٱلسَّاعَةِ سَعِيرًا (٢٥:١١)
رستاخیز ١، راستخیز ٢

~: وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُبْلِسُ ٱلْمُجْرِمُونَ (۳۰: ۱۲)
رُسْتَخيزْ ۵۳

~: وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ (۳۰: ۱۴)
رَاستخیز ۲

~: إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ (۳۱: ۳۴)
رَاست خیز ۲

~: يَسْـَٔلُكَ ٱلنَّاسُ عَنِ ٱلسَّاعَةِ (۳۳: ۶۳)
رستخیز ۷

~: لَّا تَسْتَـْٔخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ (۳۴: ۳۰)
یکروز ۱۰۸

~: وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ (۴۰: ۴۶)
رِسْتخیز ۲۲

~: لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ قَرِيبٌ (۴۲: ۱۷)
راسْت خیز ۲

~: وَٱلسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا (۴۵: ۳۲)
راسْتخیز ۲

~: ٱقْتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ وَٱنشَقَّ ٱلْقَمَرُ (۵۴: ۱)
راسْتخیز ۲

~: بَلِ ٱلسَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ (۵۴: ۴۶)
روز رستخیز ۱۳۹

★ سَاعَةِ ٱلْعُسْرَةِ: ٱتَّبَعُوهُ فِى سَاعَةِ ٱلْعُسْرَةِ (۹: ۱۱۷)
روزگار سختی ۹۱

سَافِلَهَا: جَعَلْنَا عَـٰلِيَهَا سَافِلَهَا (۱۱: ۸۲)
فرودتر ۶۱، زیرین ۹۲، زیر ۹۶، زیران ۱۲۱

~: فَجَعَلْنَا عَـٰلِيَهَا سَافِلَهَا (۱۵: ۷۴)
زیر ۲، بزیر سرنگوسار ۲۴، زیر ۶۲، پست ۱۰۲

سَافِلِينَ: ثُمَّ رَدَدْنَـٰهُ أَسْفَلَ سَـٰفِلِينَ (۹۵: ۵)
فروتران ۲، آنان که فرو باشند ۲۹، فروترینان ۳۴، فرودان ۴۱، زیرینیان ۷۹، فرودتران ۹۰، کمتر ۱۱۳، فروترین ۱۱۵، فروتنان ۱۲۲، زیرترینیان ۱۳۸

ٱلسَّاقُ: يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ (۶۸: ۴۲)
کار بزرگ ۲، پوشش ۴۲، سختی کار ۴۳، کار ۱۰۲، کار دشوار ۱۰۹، سخت ۱۱۴

~: وَٱلْتَفَّتِ ٱلسَّاقُ بِٱلسَّاقِ (۷۵: ۲۹)
سَختی ۲، سختی ۶، پا ۳۸، پاها ۱۲۰

سَاقِطًا: وَإِن يَرَوْا۟ كِسْفًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ سَاقِطًا (۵۲: ۴۴)
افتادار ۱، افتاده ۲، افتاده ۳، بیفتاده ۲۹، افتنده ۴۱، فروافتیده ۴۹، افتادهْ ۵۳، اَفتاده ۶۱، فرو آینده ۶۷، بُیفتاده ۸۱، فتآده ۱۰۰، فرو افتاده ۱۰۲، فرود آینده ۱۰۳، فرو افتنده ۱۰۹، فتاده ۱۲۲، جدا شونده ۱۳۶، افکنده ۱۳۹

سَاكِنًا: وَلَوْ شَآءَ لَجَعَلَهُۥ سَاكِنًا (۲۵: ۴۵)
آرامیده ۲، آرامیده پیوسته ۳، آرمیده ۲۰، آرام گرفته ۴۱، آرام یافته ۱۰۳، ارمیدَه ۱۱۹، ایستاده ۱۲۱

سَالَتْ: فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌۢ بِقَدَرِهَا (۱۳: ۱۷)
برفتند ۱، روان گشتْ ۲، روان شد ۳، بِرفت ۵، روان شدند ۲۹، روان گشت ۴۲، رَوان شد ۵۵، روان باشد ۵۶، بَرفت ۷۶، روانه شد ۷۹، روآن شد ۹۴، برگرفت ۱۱۸!

سَالِمُونَ: وَقَدْ كَانُوا۟ يُدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ وَهُمْ سَـٰلِمُونَ (۶۸: ۴۳)
نرم شداران ۱، تن دُرستان ۲، تن درستان ۱۹، تن درست ۲۴، درستان ۳۰، دُرستَان ۴۲، تن درست بودند ۸۸، تندرستان ۹۲، بی آسیبان ۱۱۴، تندرست ۱۲۰

سَامِدُونَ: وَأَنتُمْ سَـٰمِدُونَ (۵۳: ۶۱)

بارخواران[1] ۱، باز کنند گان ۳، بازی کننده ۲۹، خیره شوند گان و بازی کنند گان ۳۰، بازی کنند گان ۳۹، بازی کنان ۵۲، ناگاهانْ ۵۳، روی گردانند گان ۵۶، باری کنند گان ۸٤، روی سیاه گردانید گان ۹۲، پشیمانان ۹٤، بر گردند گان ۱۰۹، ایستاده ۱۲٤

سَامِرًا: مُسْتَكْبِرِينَ بِهِۦ سَٰمِرًا تَهْجُرُونَ (۲۳: ٦۷)
افسانه گوینده گان ۳، افسانه گوینده ۲۹، شب فسانه گفتن و روز افسوس داشتن ٤۱، افسانه ٥٦، افسانه گویان ٦۱، فسانه گوینده ۷۹، گویند گان ۹۱، بشب راز گویان ۱۰۰، فسانه ۱۱۳، فسانه گوی ۱۱٤، بشب سخن گویان ۱۱۹، شب نشینی کنان ۱۲۲، افسان گویان ۱۲٤، شب نشینی ۱۳۲

بِالسَّاهِرَةِ: فَإِذَا هُم بِٱلسَّاهِرَةِ (۷۹: ١٤)
روی زمین ۱، دشت هامون ۳۰، زمین ۳٤، بیرون زمین ۹۱، زمین سفید و هموار ۱۰۳، بسیط زمین ۱۰٤، برروی زمین بوند ۱۱٤، زمین هموار ۱۱٦، زیر زمین ۱۳٦، برروی باشند ۱۳۸

فَسَاهَمَ: فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ ٱلْمُدْحَضِينَ (۳۷: ۱٤۱)
تیرزد ۳۳، قرعه زد ٦۹، فرشته بزد[2] ۱۰٥

سَاهُونَ: ٱلَّذِينَ هُمْ فِى غَمْرَةٍ سَاهُونَ (٥۱: ۱۱)
بارخواران[1] ۱، فرامش کاران ۳۹، بازی کنند گان ٤۱، فراموش کنند گان ٤۳، فراموش کاران ٤۸، بازی گرانندْ ٥۳، بازی کنان ۷۹، سر گشته ۱۰۰، فراموش کار ۱۰٥، بیخبران ۱۲۰، سر گردانْ ۱۲۲

~: ٱلَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۱۰۷: ٥)
دل برده ۲، بی آگاهان ۱۰۹

سَاوَى: حَتَّىٰٓ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ ٱلصَّدَفَيْنِ (۱۸: ۹٦)
برابر شد ۲، برابر گردد ۳، برابر بکرد ۳٤، برابر شود ٤۱، راست شَود ٤۲، راست شود ٤٤، راست کرد ٤۸، برابر شُدْ ٥۳، بَرابَر گَرْد ٥٥، برابَر کرد ٥٦، برابر گشت ٥۹، برابرست ٦۱، سراسر بُر آورم ٦۲، برابر کرد و برابر آمد ٦۷، یکسان شود ۷٤، راست شد ۹۰، راست گردد ۹۲، برابر کرد ۱۲۱، راست گشت ۱۲٤، برابر باشد ۱۳۷، یک سان کردند ۱۳۹

سُؤَالِ: قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ (۳۸: ۲٤)
خواستن ۱، خَواستن ۲۲، پُرسیدن ۸۱، خواهش و خواستن ۱۰٤، خواست ۱۱٤

سَأَلَ: سَأَلَ سَآئِلٌۢ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۷۰: ۱)
بخُواست ۲، خواند ـ خواست ۳، بپرسید ٦، خواست ۱۹، بخواست ۳۰، پرسید ۳۸، درخواست ٥۲، پرسید ـ خواست ۹۲، خواستید ۱۲۳

سُئِلَ: كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِن قَبْلُ (۲: ۱۰۸)
اندر خواستند ۲، خواسته شد ۳، اندر خواستَند ۱۰، بپرسیدند ۲٤، بخواستند ۲۹، درخواستند ٤۰، اندَر خواستید ٥۳، پُرسیدَه شد ٥٥، خواستند ٦۲، پرسیده شد ۸۰، درخواسته شد ۱۰۱، خواستید ۱۲۷

سُئِلَتْ: وَإِذَا ٱلْمَوْءُۥدَةُ سُئِلَتْ (۸۱: ۸)
پرسیده شهد ۱، پرسند ۳۰، پرسیده شود ۳٦، پرسیده شوند ۹۹، پرسند ۱۳٦

سَأَلْتُكَ: قَالَ إِن سَأَلْتُكَ عَن شَىْءٍۭ بَعْدَهَا (۱۸: ۷٦)
پرسم ۱، بپرسم ٥۸

سَأَلْتُكُمْ: فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ (۱۰: ۷۲)
خواسْتم ۲، خواهم ۳، خُواستُم ۱۰، خواستم من ۲٤، می خواهم ۳٦

---

۱. بارخواران: بی خبران، بی آگاهان.
۲. کذا در متن اصلی، که اگر به سادگی به غلط بودن آن حکم نکنیم، باید بگوییم گونه ای معنای تفسیری است.

~: قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ (۳٤:٤۷)

بخهستم[1] ۱، خواستم ۲۲، خواهم ٤۳، خواستیم ٥٦

★ مَا سَأَلْتُكُمْ: فَمَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ (۱۰:۷۲)

نخهستم[2] ۱، نَه خُواستُم ۱۰، نخواستم ۱۳، من نخواهم ۲۹، نَخَواهَمْ ٥٥، نخواستَم ٦۲، در نمی خواهم ۷۹

~: قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ (۳٤:٤۷)

نمی خواهم ۳۹، نخواهم ٦۱، نمیخواهم ۱۰۰

سَأَلْتُمْ: فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلْتُمْ (۲:٦۱)

خُواستید، خُواستید ۲، خواستیت ۳، خُواستَید ۱۰، خواستی ۲٤، خواستید ۲۹، می خواهید ۳٦، خواهید ٥۳، خَواشْتیتْ ٥٥، می خواهی ٦۰، خواستید شما ٦۳، می خواستید ۹۰، خوآستید ۹٤، پرسید ید شما ۹۹، خواهید شما ۱۰۰، درخواستید ۱۱٤، خواسته اید ۱۲۲

سَأَلْتُمُوهُ: وَءَاتَىٰكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ (۱٤:۳٤)

خهستید[3] ۱، خُواشْتیدْ ۲، خواستیت ازو ۳، خواستید ٥، خواستی ۲٤، خواستیت ۳۰، پرسید ید ٦۱، خواستید شما ٦۳، بخواستید ٦٤، درخواستید ۷۹، خواس تی تش[4] ۸۰

سَأَلْتُمُوهُنَّ: وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَٰعًا (۳۳:٥۳)

خواهید ۱، خواهیت ۳، بخواهید ۳۹، فراخواهید ٤۷، درخواهید ۷۹، بخوانید ۹۲

سَأَلْتَهُمْ: وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ (۹:٦٥)

پرسی ۳، بپرسی ۱۱، درپرسی ۱۱۳، بپرسند ۱۲۱

~: وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ (۲۹:٦۱)

پرسی تو ٦۱

~: وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ (۳۱:۲٥)

پُرسی ٥۳، بپرسی تو ٥٦، از تو پرسند ۸۱

سَأَلَكَ: وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِى عَنِّى (۲:۱۸٦)

پُرسَند ۲، پرسند ۳، بپرسند ۲٤، پُرسَنْد ٥۳، بپرسد ۷٥، درخوآهند ۱۰۰، خواهی ۱۳۸

سُؤْلَكَ: قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَٰمُوسَىٰ (۲۰:۳٦)

خواست ۱، خُواسْت ۲، خواسته ۳، خواستی تو ۱۱۷، خواستن ۱۲۱

سَأَلَهَا: قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ (٥:۱۰۲)

پرسید ند ۱، پُرسید ند ۲، خواستش و پرسید ۳، بپرسید ند ۲۷، پرسید ۲۹، خواست ٤٥، بپرسید ٥۸، بخواستند ۷٦، درخواستند ۱۰۰، خواستند ۱۰۳

سَأَلَهُمْ: كُلَّمَا أُلْقِىَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ (٦۷:۸)

پرسند ۱، در پرستند ۱۱۳

سَأَلُوا: فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰٓ أَكْبَرَ مِن ذَٰلِكَ (٤:۱٥۳)

بخهستند ۱، خواستِنْد ۲، خواستند ۳، پرسید ند ۲٤، خُواستَند ٤۲، خواستند ٤٥، درخواستند ٤۸، پرسید ند و درخواستند ٦۰، بپرسند ۷٥، اندرخوآستند ۹٤، خواسته اند ۹٦، درمیخواستند ۱۰۲، اندر خواستند ۱۲۹

سُئِلُوا: ثُمَّ سُئِلُوا ٱلْفِتْنَةَ لَءَاتَوْهَا (۳۳:۱٤)

خهسته شد ندی[5] ۱، خواسته شد ند ۳، خواستند ی

---

۱. بخهستم / بخواستم.
۲. نخهستم / نخواستم.
۳. خهستید / خواستید.
٤. خواس تی تش / خواستیدش.
٥. خهسته شدندی / خواسته شدندی.

۲۴، درخواهند ۲۴، پرسیده شوند ۴۳، بخواهند از ایشان ۴۶، از ایشان درخواستندی ۴۷، خواهند از ایشان ۵۶، خواسته شوند ۵۸، خواهند ۶۱، درخواستند ۷۶، خواسته شدندی ۸۰، خوانده شوند ۸۷، درخواسته شدندی ۱۱۳، خواسته شود از ایشان ۱۳۲، جستند ۱۳۸

سُبَاتًا: جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ لِبَاسًا وَٱلنَّوْمَ سُبَاتًا (۴۷:۲۵)
آرام گـاه ۲، آرامـش ۳۰، راحـت وراژیـدن ۴۷، راحتی ۱۲۰

~: وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا (۹:۷۸)
آسایش ۲، آسایش تنها ۳، راحت ۱۲۰، آرامش و آسایش ۱۲۱

سَبَبًا: وَءَاتَيْنَٰهُ مِن كُلِّ شَىْءٍ سَبَبًا (۸۴:۱۸)
راه ۱، ساز ۲، راه و پیوند ۲۹، دانستن ۳۹، پیوستگی ۵۶، کار ۵۸، ساخت ۱۰۲، راه و هنجار ۱۰۹، دست آویز ۱۱۶

~: فَأَتْبَعَ سَبَبًا حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ ٱلشَّمْسِ (۸۵:۱۸)
دانش ۳۹، چیز ۴۱

~: ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا (۸۹:۱۸)
ره ۱

بِسَبَبٍ: فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى ٱلسَّمَآءِ (۱۵:۲۲)
چنگ ۱۲، ریسمان ۴۱، رشته ۴۳، رَسَن ۵۳، رسن ۷۶، نردبان ۱۰۲

ٱلسَّبْتُ: ٱلَّذِينَ ٱعْتَدَوْا۟ مِنكُمْ فِى ٱلسَّبْتِ (۶۵:۲)
شنْبه ۲، شَنبه ۲، شنبه کردن ۳، روز شنبذ ۲۴، شَنْبهي ۵۵، شنبذ ۵۷، روز شنبه ۶۲

~: أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّآ أَصْحَٰبَ ٱلسَّبْتِ (۴۷:۴)
شنبه ۱، شَنْبذ ۲، شنبهی ۱۱۹

~: وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا۟ فِى ٱلسَّبْتِ (۱۵۴:۴)
شنبه و دوشنبه ۵۸، شَنْبهْ ۹۴

~: إِنَّمَا جُعِلَ ٱلسَّبْتُ (۱۲۴:۱۶)
شنبهی کردن ۳، شَنْبهی کَرْدَن ۵۵

سَبْتِهِمْ: حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا (۱۶۳:۷)
آسودن ۲ و ۱۰۵، شنبهی کردن ۳، روز شنبه ۱۰، شنبذ ۲۴، شنبد ۳۵، روُز شَنبهَ یا شَنْبِه کَرَدن ۵۵، شَنبذ ۵۷، شَنْبه ۶۲، شنبه کردن ۷۹، شَنْبِهْ ۹۴

سَبَّحَ: سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۱:۵۷)
پاک گفتند ۳۰، بپاکی یاد کردند ۸۷، نماز گزارد و پرستش کرد ۱۰۳، پاکی و پاکیزگی یاد کرد ۱۱۱

~: سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ (۱:۵۹)
پاک همی گوید ۳۰، نماز برد ۳۹، بپاکی یاد کرد ۴۳، پاکی گفت ۵۶، پاک گویند ۱۰۸، بپاکی یاد کرد و میکند ۱۱۳، بپاکی و پاکیزگی ستایش کرد ۱۱۶، پاکی گوید ۱۳۹

~: سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ (۱:۶۱)
پاک گوید ۳۰، بپاکی یاد میکند ۸۷

سَبِّحْ: وَسَبِّحْ بِٱلْعَشِىِّ وَٱلْإِبْكَٰرِ (۴۱:۳)
نَماز کن ۱۰، نماز گزار ۳۰، نماز می کن ۵۸

~: فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ (۹۸:۱۵)
بپاکی یاد کن ۳، نمازگذار ۳۶، بپاکي یَاد کُن ۵۵

~: وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِۦ وَكَفَىٰ بِهِۦ (۵۸:۲۵)
پاکی گو ۴۶، بپاکیزکی یاد کن ۱۱۶

~: وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِٱلْعَشِىِّ (۵۵:۴۰)
پاکی کن ۸۱

~: وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ ٱلشَّمْسِ (۳۹:۵۰)
نماز کن ۲

~: وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (۴۸:۵۲)

پاک گوی ٨٠، پاکی یاد کن ٩٠، پاک گو ٩١

~: فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (٩٦:٥٦)
نماز و پاکی گوی ٨٧

~: سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (١:٨٧)
بپاکی گوی ٨٧

سَبْحًا: إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا (٧:٧٣)
آسایش ٢، گشت ٣، اشناگردی ٦، شد آمدن ١٩، رفتن ٢٩، گردیدن ٤٢، گشتن ٤٣، آسودن ٥٦، پرداختن ٧٢، آمد و شد ٧٩، اشناگری ٩٢، شدن و آمدن ٩٤، فاواگشتن ١٠٢، آمد شد ١٣٢، آمده شده ١٣٣

~: وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا (٣:٧٩)
شتافتن ٢، شناکردن ٣٩، شنا و بردن ٤٢، شنابردن ٨٩، شناب بردن ١٠٠، شناوری کردن ١٠٢، شناه کردن ١٠٣، شناوکردن ١٠٩، شناه کردن و شتافتن ١١١، شناور کردن ١٣٠، مهربانی ١٣٢

سُبْحَانَ: وَسُبْحَانَ اللَّهِ (١٠٨:١٢)
پاکست ٢، پاک است ٣، پاکا ٢٩، پاک می گویم پاک گفتن ٥٥

~: سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا (١:١٧)
پاکست ٢، پاکا ٥٥، بپاکی یاد میکنم ١٢١

~: فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (٢٢:٢١)
پاکست ١٢، پاکیزه است و پاک ١١١

~: سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ (٩١:٢٣)
پاکیزه است ١١٦، پاک بودن ١٣٥

~: سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٨:٢٧)
پاک می گویم ٩١

~: سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (٦٨:٢٨)
پاک گفتن ٣

~: فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ (١٧:٣٠)
پاکست و نماز کنید ١٤، بستایید ـ نماز کنید ٣٠، نماز کنید ٤٧، پاکی گویند ٥٦، بپاکی یاد کن ١٠٠

~: سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (٨٢:٤٣)
پاکا ٣٢، پاک ٨١

سُبْحَانَكَ: سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا (٣٢:٢)
پاکا خدایا که توی ٢، پاکا خدایا ١٠، پاکا ٥٥، پاک است ٦٤، پاکا که تویی ١٠٥

~: سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (١٩١:٣)
پاکا ٢، پاکا خدایا ٤٠، پاکی تو ٩٤، پاکیزگی ١٢٢، پاکی است ١٢٣

~: قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي (١١٦:٥)
پاکا ٢، پاک خدایی که تویی ٢٦، پاک ٢٧، پاکست ٩٢

~: قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ (١٤٣:٧)
پاکی ١، پاکا و بزرگوارا او پادشاها خدایا ١٠، پاک و پاکیزه ٢٤، پاکی تو خدایا ٢٧، پاک می گویم پاک گفتن تو ٥٥

~: دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ (١٠:١٠)
پاکی تراست ٤١، پاکی و برتری ٥٨، پاک گویم ١١٤، بپاکی یاد میکنم ١٢٠

~: سُبْحَانَكَ هَٰذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (١٦:٢٤)
پاکی تو ٢

~: قَالُوا سُبْحَانَكَ (١٨:٢٥)
پاکی تو ٢، پاکی تو از هنباز ٢٤، پاکا ١١٩

~: قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا (٤١:٣٤)
پاکیزگی تراست ١١١

سُبْحَانَهُ: وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ (١١٦:٢)
پاکا ٣، پاکا خدای ١٠، پاکا خدایا ٤٠، پاک است

۵۲، پَاگاوی ۵۵، پاکست بی نیاز ۵۹، پاکیزه و پاکست ۱۱٦

~: سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ (٦:۱۰۰)
پاکسْت ۲، پاکا خدایا ۹

~: سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۹:۳۱)
پاک و پاکیزه ۲٤، پاک می گویم پَاگاوَی ۵۵

~: سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱۰:۱۸)
پاک وی است ۱۳، پاکا و نیکا ۳٤، پاک ۳۸، پاک و منزه است ۱۰٦

~: سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ (۱۰:٦۸)
پاکا خدایا ۱۰، پَاگاوَیْ ۵۵

~: سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱٦:۱)
پَاکست ۵۳، پاکاوی پاک می گویم پاک گفتن وی ۷۱

~: وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ (۱٦:۵۷)
پاکی ۱

~: سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا (۱۷:٤۳)
پاکیزه ۲٤، پاک و منزهست ۹۳

~: مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ (۱۹:۳۵)
پاکی مرا وراست ٦٤

~: سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۳۰:٤۰)
پاکست ١٤، پاکست و بیزار ٤۷

~: سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۳۹:٦۷)
منزه است ۱۳٦

سَبِّحْهُ: وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ (۵۰:٤۰)
بپاکی یاد کند ۱۱٤

~: وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (۷٦:۲٦)
بَستای ۲

سَبِّحُوا: وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ (۳۲:۱۵)
بپاکی یاد کردند ٤۱، نماز کنند ٤۷، بپاکی یاد کنند ۹۱

سَبِّحُوا: سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (۱۹:۱۱)
نماز کنیت ۳، نماز کنید ۲٤، نماز کنید و خدای را پاک بخوانید ٤٤، نماز کنند ۵۳، بپاکی یاد کنید ۵٦، شمار کنیت ۹۱، نماز آرید ۱۰۳، نماز کند ۱۳۹

سَبِّحُوهُ: وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۳۳:٤۲)
بپاکی یاد کنید ۷، نماز کنید ۳۹، بپاکی یاد کنیت ٤۱، پاکی گویید ۵٦، نماز گزارید ٦۱، بپاکی یاد آرید ۸٦، بپاکی یاد آورید ۱۰٤

السَّبُعُ: وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ (۵:۳)
دد ۱، دَدْ ـ نخجیرْ ۲، دَده ۳، دده ، نخجیر ۱۰ مکرّر، دَدَه ۲۷، دد و دام ۲۹، چهار پای دشتی ٤۱، دَد ٤۵، گرگ و شیر و جز آن ۵۸، درنده ٦۱، ددگان ۷۲، ددان ۷٦، نخجیر ـ دَده ۹٤، ددگآن ۱۰۰

سَبْعَ: فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ (۲:۲۹)
هفت ۲، هَفت ۱۰

~: وَسَبْعَ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ (۱۲:٤۳)
هفتْ ۲

~: تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ (۱۷:٤٤)
هفت گانه ۲٤، هفتگانه ۱۰۰

★ سَبْعَ طَرَائِقَ: خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ (۲۳:۱۷)
هفت آسمان زبر یکدیگر ۸۰

سَبْعَةٍ: ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ (۲:۱۹٦)
هَفتْ ۲، هفت ۱۰، هفت روز ۱۱۲

~: وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ (۱۸:۲۲)
هفتم ۵۹

سَبْعُونَ: ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا (۶۹: ۳۲)
هفتاد ۱

سَبْعِينَ: وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا (۷: ۱۵۵)
هفتاد ۱، هَفتاد ۱۰، هفتاد ۱۰۰

سَبَقَ: لَوْلَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ (۸: ۶۸)
پیشی کرد ۱، پیش رفستی ۳، پیشی گرفت ۱۱، گذشته بود ۲٤، از پیش رفته بود ۳٤، پیش رفته است ٤۲، پیشین ٤۳، فراپیش رفته ٤۸، پیش بود ۹۰، پیشی گرفتی ۱۱٤، پیش شده ۱۲۱، پیشی گرفته میشود ۱۳۰

~: إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ (۱۱: ٤۰)
پیش رفتست ۲، پیش رَفت ۵۵، پیشی گرفتست ۵٦، پیشین رفت ٦۵، پیشی کردی ۹۰، پیشین گرفت ۱۰٤، پیشی گرفته است ۱۱٦

~: كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ (۲۰: ۹۹)
پیش رفتست ۲، پیش رفت ۳، گذشته است ۲٤، در پیش افتاد ۲۹، رفته است ۳٤، پیش گذشته ۳٦، پیش بُشُدند ٤۲، بگذشت ٤۳، بشدند ۵۲، پیش بوده است ۵۳، پیش رفتست ۵٦، گذشت ۸٦، از پیش گذشت ۹٤، پیش بشدند ۱۰۵، از پیش بوده است ۱۲٤

~: إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ (۲۳: ۲۷)
پیش رفت ۲، پیش گرفت ۵٦، پیش شد ۵۸، پیشی گرفته ۱۱۱، پیشی گرفته باشد ۱۱۳

سَبْقًا: فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۷۹: ٤)
پیشی کردن ۱، پیش رفتن ۲، پیشین کردن ٦۱، پیش آمدن ٦۵، پیشی گرفتن ۸۰، شتافتن ۹۰، پیشین گرفتن ۱۰۲، پیشی گرفتن بر یکدیگر ۱۰۳، پیش گرفتن ۱۲۹

سَبَقَتْ: وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ (۱۰: ۱۹)
پیش رفتست ۲، پیش رفتست ۱۳، پیش بودست ۵۳، از پیش شده ۵۷، از پیش رفته است ٦۲، پیشین گرفتی ۱۰٤، از پیش رفت ۱۱٤

~: وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ (۱۱: ۱۱۰)
پیش رَفت ۵۵، پیشی گرفته ٦۳، پیشی کرده است ٦٤، پیشین گرفته بود ۱۰۲، پیشی گرفته شده ۱۱۱، پیشی گرفته ست ۱۱۳

~: وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا (۲۰: ۱۲۹)
پیش رفته ۲، در پیش افتاد ۲۹، پیش رفته است ۳۰، پیشی کردْ ۵۳، پیش شدست ۵٦، بود پیشی گرفته ۱۰۰، پیش گرفته ۱۳۸

~: إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ (۲۱: ۱۰۱)
پیش رفتْ ۲، پیش رفت ۳، پیش گرفت ۱۲، پیشی گرفته‌اند ۳٤، پیشی کردند ٤۲، پیشی گرفتند ۵٦، پیش شدند ۸۷، پیش برفتند ۹٤، پیش رفته بود ۹٦

~: وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ (۳۷: ۱۷۱)
پیشی گیرد ۱، گذشته است ۲٤، پیش کرد ۳۳، پیش برفت ٤۲، پیشی کرد ۵۳، پیش شد ۵۸، بگذشت ۹۲، پیش گرفت ۱۰٤

~: وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ (٤۱: ٤۵)
پیشی کرد ۱، پیش رفته ۳، پیشی گرفت ۱۵، پیش شده بودی ٤۲، پیش شده بودی ۹٦، پیش گرفته است ۱۰۳

~: وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ (٤۲: ۱٤)
در پیش رفت ۲۹، از پیش بشده ٤۹، پیشی گرفته بود ۵٦، رفتست ٦٤، پیش شده بود ۹٦، پیشی گرفته است ۱۰۳

سَبَقَكُمْ: أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا (۷: ۸۰)
کرده است پیش ۲۷، پیشی گیرد ٤۵، پیش دَسْتی کرد ۵۵، پیشی بگرفت ٦۳، پیش دستی کرد ۸۰، پیش دستی بکرد ۹٤

~: مَاسَبَقَکُم بِهَا (۲۸:۲۹)
کرد پیش از شما ۲٤

★ مَاسَبَقَکُمْ: مَاسَبَقَکُم بِهَا (۸۰:۷)
پیشی نکرد ۱، پیشی نگرفتْ ۲، پیشی نگرفت ۲۹، پیش دستی نکرد ۳۹، پیش از شما نکرده است ۶۲، پیشی نگرفته است ۱۰۳، پیشی نگرفتان ۱۱٤، نکردَه است پیشی ۱٤۰

~: مَاسَبَقَکُم بِهَا (۲۸:۲۹)
پیش نکرد ۲، نکرد ۳۰، نکرد پیش ٤۳، پیشین نکرد ٦٥، پیش نکرده است ۹۲، پیشین نگرفت ۱۰۲، پیش نرفت ۱۱٤

سَبَقُوا: وَلَا یَحْسَبَنَّ ٱلَّذِینَ کَفَرُوا سَبَقُوٓا (۸: ۵۹)
پیشی کردند ۱، پیش دستی کردند ۳، پیش دَسْتی کرَدَنْد ۵، پیش بودند ۱۱، پیشی گرفتند ۲۷، پیشی کنندگان ٤۳، از پیش بشدند ٦۲، بیرون شدند ٦۷، پیش بشدند ۸۸، پیش شدند ۹۲، از پیش بشده‌اند ۹۳، پیشی گرفته‌اند ۱۰۳، رستند ۱۰٤، پیشی گیرند ۱۳٦

سَبَقُونَا: لَوْکَانَ خَیْرًا مَّا سَبَقُونَآ إِلَیْهِ (٤٦:۱۱)
پیشی کَرْدندی ۲۲، پیش دستی کردندی ۸۰، پیشی کردیمی ۹۲، پیشین گرفتی ۱۲٤، پیشی گرفته‌ایم ما ۱۳٤

~: ٱلَّذِینَ سَبَقُونَا بِٱلْإِیمَٰنِ (۵۹:۱۰)
پیشی کردند ۱، پیش گرفتند ۲، پیش دستی کردند ۳، پیشی گرفتند ۲٤، پیشین کردند ۳۹، پیش کردند ٦۱، پیش رفته‌اند ۹٦، پیشین گرفتند ۱۰٤، پیش گرفتند ۱۰۸، پیشی گرفته‌اند ۱۱۱، پیشتر گرفتند ۱۱۳، پیش شدند ۱۱٤، پیشی جستند ۱۳۲

★ مَاسَبَقُونَا: لَوْکَانَ خَیْرًا مَّا سَبَقُونَآ (٤٦:۱۱)
پیشی نگرفتندی ۲، نگرفتند پیشی ۳۰، نه پیشی کردند ٤۷، پیش نشدندی ۵۲، پیش نکردند ٦۱، پیشی نگرفتند ۱۰۸، پیش دستی نکردندی ۱۱٤، پیش نگرفتند ۱۳۸

سُبُلَ: مَنِ ٱتَّبَعَ رِضْوَٰنَهُۥ سُبُلَ ٱلسَّلَٰمِ (۵:۱٦)
رَهها ۳۷، راه ۵۸، راهها ۹۰، رآهها ۹٤، راهها ۱۰۰

~: وَلَا تَتَّبِعُوا ٱلسُّبُلَ (٦:۱۵۳)
رهها ۱، راهها ۲، راههای پراکنده ۲۹، راهها ۱۰۰، راه ها ۱۰۲

~: فَٱسْلُکِی سُبُلَ رَبِّکِ (۱٦:٦۹)
رَاهها ۵۵

سُبُلًا: وَسَلَکَ لَکُمْ فِیهَا سُبُلًا (۲۰:۵۳)
راهها ۱، راها ۱۹، راهها ۱۰۰، راه‌ها ۱۰۸

~: وَجَعَلْنَا فِیهَا فِجَاجًا سُبُلًا (۲۱:۳۱)
راهها ٦٤، گذرها ۷٦

~: وَجَعَلَ لَکُمْ فِیهَا سُبُلًا (٤۳:۱۰)
رَاهها ۲۲، رَاهها ۳۲

~: لِّتَسْلُکُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا (۷۱:۲۰)
رهها ۱، رایها[1] ۲٤

★ فِجَاجًا سُبُلًا: وَجَعَلْنَا فِیهَا فِجَاجًا سُبُلًا (۲۱:۳۱)
راههای فراخ ۱، راههای فراخ کوفته ۲، راهها فراخ ۹۱، راهها فراخ کوفته ۱۰۸

سُبُلَنَا: وَقَدْ هَدَىٰنَا سُبُلَنَا (۱٤:۱۲)
راهها ۱، راهَها ۵۳، راه ۱۲٤

سَبِیلٌ: وَصَدٌّ عَن سَبِیلِ ٱللَّهِ (۲:۲۱۷)

---

۱. رایها / راهها.

رَاه ۲

~: قَالُوا۟ لَيْسَ عَلَيْنَا فِى ٱلْأُمِّيِّـۧنَ سَبِيلٌ (۷۵:۳)

راه ـ بزه ۲، راه و بزه ۲۷، وزر و بزه ۴۰

~: وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِى سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا۟ (۴۳:۴)

گذر ۳۸، دین ۷۵

~: فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ (۱۲:۵)

راه راست ۲۹

~: وَضَلُّوا۟ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ (۷۷:۵)

راه ۲

~: وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ (۸۶:۷)

دین و راه ۲۷

~: مَا عَلَى ٱلْمُحْسِنِينَ مِن سَبِيلٍ (۹۱:۹)

ره ۱

~: وَعَلَى ٱللَّهِ قَصْدُ ٱلسَّبِيلِ (۹:۱۶)

راهها ۶۱

~: فَصَدَّهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (۲۴:۲۷)

رآه ۱۰۰

~: إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى ٱلَّذِينَ يَظْلِمُونَ ٱلنَّاسَ (۴۲:۴۲)

بزه ۱

★ ٱبْنِ السَّبِيل: بِٱلْجَنۢبِ وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ (۳۶:۴)

راه گذر ۷۸

~: وَٱلْمَسَٰكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ (۳۸:۳۰)

رهگذریان ۱۳۳

★ سَبِيلَ الرُّشْد: وَإِن يَرَوْا۟ سَبِيلَ ٱلرُّشْدِ (۱۴۶:۷)

راه و دین ۲۷، راه راست ۴۳، رَاهِ رَاسْت ۵۵

★ سَبِيلَ الْغَيّ: وَإِن يَرَوْا۟ سَبِيلَ ٱلْغَىِّ (۱۴۶:۷)

بی رآهی ۴۹

★ سَبِيلٍ مُقيم: وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ (۷۶:۱۵)

شاه راه ۵۹

سَبِيلاً: مَنِ ٱسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا (۹۷:۳)

رفتن ۲۷، رسیدن ۴۰، راه بردن ۴۱

~: أَوْ يَجْعَلَ ٱللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا (۱۵:۴)

رهایش ۷۴، رها ۱۰۷

~: وَمَقْتًا وَسَآءَ سَبِيلًا (۲۲:۴)

راه ۱، راه راست ۱۰۵

~: فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا۟ عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا (۳۴:۴)

گهانه[1] ۱، راه ـ بهانه ۲، راه و بهانه ۲۷، بهانه ۴۰، دوست[2] ۱۰۷، بهانها ۱۲۷

~: لَن يَجْعَلَ ٱللَّهُ لِلْكَٰفِرِينَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (۱۴۱:۴)

راه و دَشت ۴۵، دست ۱۲۵

~: وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُوا۟ بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا (۱۵۰:۴)

راه و کیش ۳۰

~: إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةً وَسَآءَ سَبِيلًا (۳۲:۱۷)

ره ۱

~: فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۹:۲۵)

براه آمدن ۱۰۸

سَبِيلَكَ: وَٱتَّبَعُوا۟ سَبِيلَكَ (۷:۴۰)

راه ۳

---

۱. گهانه / بهانه.

۲. این معنی با توجه به فحوای عبارت است و جنبهٔ تفسیری می تواند داشته باشد.

سَبِيلَنَا: اَتَّبِعُوا سَبِيلَنَا (۱۲:۲۹)
راه ۳، راه و روش ۱۱۱

سَبِيلِهٖ: هُوَ أَعْلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِ (٦:۱۱۷)
ره ۱، رآه ۹٤

~: فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ (۹:۹)
راه ٢٤، دین و راه ۲۷

~: فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا (۱۸:٦۱)
رهش ۱۱٤

سَبِيلَهُمْ: فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ (۹:۵)
راه شان ۱۱٤

سَبِيلِي: قُلْ هَٰذِهِ سَبِيلِي (۱۲:۱۰۸)
راه ۵، راه ۵۵

سِتَّةِ: خَلَقَ السَّمَٰوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ (۷:۵٤)
شش ۱

~: خَلَقَ السَّمَٰوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ (۱۱:۷)
شَش ۵۷، شِش ۱۲۱

~: فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ (۵۰:۳۸)
شش ۳۸

سِتْرًا: لَمْ نَجْعَل لَّهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا (۱۸:۹۰)
بَرده ۲، برده ۳، بردَه ٤۲، پوشش ۵۳، پُردَه ۵۵، نهفت ـ پوشش ۱۰۹

سِتِّينَ: فَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا (۵۸:٤)
شست ۱، شصت ۲۹

سُجَّدًا: وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا (۲:۵۸)
سرفرود افکنده ٤۳، روی بر زمین نهند گان ٤۹، سَر برزَمین نَهَند گان ۵۵، سرها فرو افکنده ٦۷، سر بر زمین نهاده ۱۰۱، سر فروداشته ۱۰۲، سرفروداشته گان ۱۰۹

~: وَقُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا (٤:۱۵٤)
سرها اندر پیش او گنده ۱۰، پشت دوتا کرده ٤۹، سرها فرو گرفته ۵۸، سرفرود آرنده ۱۰۲، سرفرود آرند گان ۱۰۹

~: وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا (۷:۱٦۱)
سربرزمین نهند گان ۳، سراندر پیش او گنده او پُشت بدو اندر آورده ۱۰، دوتا اندر آمد گان ٤۹، سرفروافکنده ۵۲، سرها فرو افکنده بزمین ۵٦، سرافکنده ٦٤، دوتا پشتان ۷۲، سرفرو او گند گان ۸۳، سرفروداشتگان ۱۰۲، فرو آرند گان سرها ۱۰۹

~: سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ (۱٦:٤۸)
سَربَر زمِیْن نَهَنده گان ۵۵

~: خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا (۱۹:۵۸)
روی بر زمین نهادندی ٤٤

~: تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا (٤۸ : ۲۹)
سربرزمین نهنده ٦، نماز کنند گان ۱۳۹

سَجَدُوا: اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا (۲:۳٤)
سربرزمین نهادند ۳

~: فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِن وَرَائِكُمْ (٤:۱۰۲)
سربرزمین نهند ۲

سُجِّرَتْ: وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (۸۱:٦)
پر کنند ۲۹، بجوشانند ۲۰، در یکد یکر در آورده شود ۳٦، پر شود ۳۸، بتابانند ٤۲، پر کرده شود ۵٦، بگشایند ٦۱، برفروخته شود ٦٤، برافروخته شود و آتش گیرد ٦۷، افروخته و آتش کرده شود ۷۹، پُر کرده شود ۹۱، بجاشانند ۹۵، گرم کرده شوند ۹۹، روان کرده شوند ۱۰۰، جوشیده شوند ۱۰۲، خشک گردانیده شود ۱۰٤، بجوشانند و بیفشانند ۱۰۸، آمیخته گردانند ۱۱۱، پر کرده ۱۱٤، آمیخته کردند ۱۱۵، برگردانیده و آمیخته شوند ۱۱٦، تابانیده شوند ۱۱۷، آمیخته گردانیده شوند

۱۲۰، آمیخته گردند ۱۲۳، تافته شود ۱۲۶، باهم شوند آمیخته ۱۳۰، تافته شوند ۱۳٤، برهم ریخته شود ۱۳٦، از آتش پر کننده ۱۳۹

اَلسِّجِلّ: یَوْمَ نَطْوِی ٱلسَّمَآءَ كَطَیِّ ٱلسِّجِلِّ (۲۱:۱۰٤)
دویر[1] ۱، نامه ۲، نوشتن نامه ۱۲، دبیر ۲٤، دیفو ٤۲، کاغَذ ۵۳، نوشته ۵۸، نویسنده ٦٤، دیوان ٦۹، طومار ۷۹، نامهٔ دیوانی ۹۵، دَبیر ۹٦، در پیچیدن کاغذ ۱۰۰، دبیرنامه ۱۰٦، نبشتن ۱۰۸، در نوردیدن ۱۱۹، دبیرنامها ۱۳٦، بیرنامه ۱۳۸

اَلسِّجْنُ: ٱلسِّجْنُ أَحَبُّ إِلَیَّ مِمَّا یَدْعُونَنِیٓ إِلَیْهِ (۱۲:۳۳)
زندان ۵۵

~: یَٰصَٰحِبَیِ ٱلسِّجْنِ ءَأَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ (۱۲:۳۹)
زندانْ ۵۵، زندان ۷٦، بندی خانه ۱۱۰

~: فَلَبِثَ فِی ٱلسِّجْنِ بِضْعَ سِنِینَ (۱۲:٤۲)
بدینخانه ۱۱۰

~: وَقَدْ أَحْسَنَ بِیٓ إِذْ أَخْرَجَنِی مِنَ ٱلسِّجْنِ (۱۲:۱۰۰)
زندآن ۱۰۰

اَلسُّجُود: سِیمَاهُمْ فِی وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ ٱلسُّجُودِ (٤۸:۲۹)
نماز کردن ۲٤

~: وَمِنَ ٱلَّیْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَٰرَ ٱلسُّجُودِ (۵۰:٤۰)
نماز ۳، نماز شام ۵٦، نمازها ۱۱٤

~: كَانُوا۟ یُدْعَوْنَ إِلَی ٱلسُّجُودِ وَهُمْ سَٰلِمُونَ (٦۸:٤۲)
سربرزمین نهادن ۳

اَلسُّجُود: وَٱلْعَٰكِفِینَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ (۲:۱۲۵)
سربرزمین نهندگان ۳، نمازکنان ٤۰، سَربَر زَمین نَهَندگان ۵۵، روی بر زمین نهندگان ۱۰۹

~: وَٱلْقَآئِمِینَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ (۲۲:۲٦)
سربرزمین نهندگان ۹۰، پیشانی بزمین نهندگان ۱۰۹

سَجی: وَٱلَّیْلِ إِذَا سَجَیٰ (۹۳:۲)
تاریک گردد ۲٤، تاریک شود ۲۹، بیارامد بتاریکی ۷۹، بیارامد ۹۱، بپوشاند ۱۰۸، آرامد ۱۰۹، بیارامد بتاریکی خویش ۱۱۳، بسیار تاریک گردد ۱۳٦

سِجّیل: حِجَارَةً مِّن سِجِّیلٍ مَّنضُودٍ (۱۱:۸۲)
سَنگ گل ۱، سَنگ و گِلْ ۲، خشت ۷ مکرّر، سنگ و گل ٤۱، گل ٤۲، سنگ کلوخ ٤۹، سَنگ گل ۵۵، سنگ ۷٦، سنگ گل ۸۹، گل خشک - سنگ سخت ۹۵، گل بسیار سخت شده ۱۱۱، سنگ رسته ۱۱۸، گل خشک ۱۲۰، گل سخت بسته ۱۲۲، سنگ و گل پخته شده ۱۳۰، گل خوشیده ۱۳٦

~: وَأَمْطَرْنَا عَلَیْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّیلٍ (۱۵:۷٤)
سَنگ و گِلْ ۲، خشت پخته ۳۰، گل و سنگ ۳٤، گل پخته ۳٦، سنگ سخت ۳۸، گل سنگ ۳۹، خشت پُخته ۵۵، سنگ و گِلْ ۵۷، سفال ٦۵، نسگ و گِلْ ۹٤، گل سوخته ۹۵، گِل ۱۱۲، گل سخت ۱۲۲، گل کرده چون خشت ۱۲٦، گِل سخت ۱۲۷

~: تَرْمِیهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّیلٍ (۱۰۵:٤)
سنگ و گِلْ ۲، سنگ و گل پخته ۲٤، دوزخ ۹٦، سنگ گلین - گل سنگ شده ۱۱٦، خشت ناپخته ۱۲٦، سنگ گِل ۱۳۲

★ سِجّیلٍ مَنْضُودٍ: مِّن سِجِّیلٍ مَّنضُودٍ (۱۱:۸۲)
سنگ رَسته برسته نهاده ۷٦

سِجّین: كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلْفُجَّارِ لَفِی سِجِّینٍ (۸۳:۷)

---

۱. دویر: دبیر.

زیر هفتم زمین ۳۰، دوزخ ۳۹، زندان ۴۱، دوزخ ۸۸

سَحَابٌ: وَتَصْرِيفِ ٱلرِّيَـٰحِ وَٱلسَّحَابِ (۲:۱۶۴)
أَبْرْ ۲، اوبها[۱] ۷۵

~: يُنشِئُ ٱلسَّحَابَ ٱلثِّقَالَ (۱۳:۱۲)
اورها[۲] ۱، أبرها ۲، ابرها ۳، میغها ۵، میغ ۷ مکرر، أبْرهَا ۵۵، ابر تاریک ۸۶، آبر ۸۷

~: وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ ٱلسَّحَابِ (۲۷:۸۸)
اور[۲] ۱، أبر ۲

~: يَقُولُوا۟ سَحَابٌ مَّرْكُومٌ (۵۲:۴۴)
میغ ۲، ابر ۳، أبْر ۵۳

سَحَابًا: حَتَّىٰٓ إِذَآ أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا (۷:۵۷)
اورها[۲] ۱، ابرها ۳، میغها ۲۴، أبْرهَا ۵۵، آب ۹۰، آبر ۹۹، بادابر ۱۰۵، آبر ۱۱۵

~: فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُۥ فِى ٱلسَّمَآءِ (۳۰:۴۸)
اور[۲] ۱، میغ ۱۴

سَحّار: يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ (۲۶:۳۷)
جادوسار ۱، جادو ۳، جادوان ۲۴، جادوی ۴۳، جادوگر ۱۳۲

ٱلسُّحْت: أَكَّـٰلُونَ لِلسُّحْتِ (۵:۴۲)
رَشوَت ۵۳، رشوه ۱۱۹

~: وَأَكْلِهِمُ ٱلسُّحْتَ (۵:۶۳)
رُشْوَتْ ۵۳

سَحَر: نَّجَّيْنَـٰهُم بِسَحَرٍ (۵۴:۳۴)
سپیدهٔ دم ۳، بامداد ۵۶، شبانگاه ۱۳۹

سِحْرٌ: يُعَلِّمُونَ ٱلنَّاسَ ٱلسِّحْرَ (۲:۱۰۲)
جادُوی ۵۵، جادویی ۵۷

~: إِنْ هَـٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۵:۱۱۰)
جادُوی ۲، جادوان ۲۶

~: إِنْ هَـٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۶:۷)
جادوُ ۴۵، جادوُیی ۱۲۴

~: وَجَآءُو بِسِحْرٍ عَظِيمٍ (۷:۱۱۶)
جادوی ۱، جادوی بافسون ۱۰، جادوگری ۶۱

~: إِنَّ هَـٰذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۰:۷۶)
جادوسار ۱، جادوی ۶۲

~: وَمَآ أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ ٱلسِّحْرِ (۲۰:۷۳)
جادوی آموختن ۹۶

~: أَفَتَأْتُونَ ٱلسِّحْرَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ (۲۱:۳)
جادوی کردن ۵۶

~: قَالُوا۟ هَـٰذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِۦ كَـٰفِرُونَ (۴۳:۳۰)
جادوانه ۶۵

~: أَفَسِحْرٌ هَـٰذَآ أَمْ أَنتُمْ لَا تُبْصِرُونَ (۵۲:۱۵)
جادوئی ۳۸

~: فَقَالَ إِنْ هَـٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ (۷۴:۲۴)
جادو ۱۹

سِحْرَان: قَالُوا۟ سِحْرَانِ تَظَـٰهَرَا (۲۸:۴۸)
دوجادو ۲، دوجادوی ۳، دوجادوا ۲۱، دوجادوان ۴۸، هردو جادو ۵۸، دوجادوی گران ۶۱، جادوان ۷۶، دوجادوگر ۱۳۲

---

۱. اوبها / ابرها.
۲. اور / ابر.

ٱلسَّحَرَةُ: وَجَآءَ ٱلسَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ (۷: ۱۱۳)
جادوی ۹۲

~: وَأُلْقِیَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِینَ (۷: ۱۲۰)
جادوساران ۱، جادوان ۱۰۰

~: فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ (۱۰: ۸۰)
استادان ۷ مکرر، جادُوان ۵۵، جادو آن ۵۷، جادو گران ٦۱

~: فَأُلْقِیَ ٱلسَّحَرَةُ سُجَّدًا (۲۰: ۷۰)
جادوساران ۱، جادوان ۲، جادُوان ۵۳

~: فَجُمِعَ ٱلسَّحَرَةُ لِمِیقَٰتِ یَوْمٍ مَّعْلُومٍ (۲٦: ۳۸)
جادُوان ۵۳

~: فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ (۲٦: ٤۱)
جادویان ۱۰۰

بِسِحْرِكَ: لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ (۲۰: ۵۷)
جادوی ۱، جادوی ۲، جادو ۵۳، جادویی ۱۱٤

بِسِحْرِهِ: أَن یُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِۦ (۲٦: ۳۵)
جادوی ۲٤، جادو ٦۲، جادویی ۸٦

سِحْرِهِمْ: یُخَیَّلُ إِلَیْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ (۲۰: ٦٦)
جادوی ۲٤

بِسِحْرِهِمَا: یُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِمَا (۲۰: ٦۳)
جادو ٦۲، جادویی ۹٤، جادویها ۱۳۹

سَحَرُوا: فَلَمَّآ أَلْقَوْا سَحَرُوٓا أَعْیُنَ ٱلنَّاسِ (۷: ۱۱٦)
جادوی کردند ۱، وابستند ۱۰، بُبَستند ۲۷، بفریفتند ۲۹، بپوشیدند ۳۸، جادویکردند ٤۱، جادوی کردَند ٤۲، جادوی گرْدَنْد ۵۳، جَادُوی کردَند ۵۵، جادویی نمودند ۵۷، ببستند بجادوی ۵۸، جادو کردند ٦۱، جادوئی کردند ۱۰۰، بجادوی نمودند ۱۰۲، جادویی کردند ۱۰٤، به بستند ۱۱۲، جادو می کردند ۱۱۳

سُحْقًا: فَسُحْقًا لِّأَصْحَٰبِ ٱلسَّعِیرِ (٦۷: ۱۱)
دوری ۱، سوختن بادا ۱۹، دوری باد ۳٦، زیان و نگوساری ٤۱، دور بادا ۸۸، سوختن باد ۹٤، دوری بدا ۱۱٤، دورباد ۱۲۰

سَحِیقٍ: أَوْ تَهْوِی بِهِ ٱلرِّیحُ فِی مَكَانٍ سَحِیقٍ (۲۲: ۳۱)
دور ۱، دُورْ ۲، سوزان گاه ۱۲، دوردست ۷۲، سوزانگاه ۸٤، سوزان ۸۸، سخت ۹۱، فریادرس ۱۱۱، نیک دور ۱۱۳، دوردست ۱۳۹

سَخِرَ: سَخِرَ ٱللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ (۹: ۷۹)
اوسوس کرد ۱، پاداش کند ۲۷، افسوس کرد ۳٦، فسوس کند ٦۱، فسوس کرد ۸۰، افسوس دهد ۹۲، افسوس دارد ۱۱۳، فسوس بکند ۱۲۷

سَخَّرَ: وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ (۱۳: ۲)
نرم کرد ۱، روان کرد ٤۸، رَام گرْد ۵۵، بیافرید ۷٦، رام کردیم ۸۰

~: وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلْفُلْكَ (۱٤: ۳۲)
فرمان بُردار گردانید ۲، روان کرد ۳٦، نرم ایستاد ۵۸، رآم کرد ۱۰۰، آرام داد ۱۲۱، رام ساخته است ۱۳۰

~: وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّیْلَ وَٱلنَّهَارَ (۱٤: ۳۳)
گردان کرد ۳٦، رام گردانید ۵۲، زیردست کرد ۵٦، نرم استانید ۵۸

~: وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّیْلَ وَٱلنَّهَارَ (۱٦: ۱۲)
فرمان بُردار گردانید ۲، فرمان برداری آرد ۷۲، نرم استاند ۷٤

~: وَهُوَ ٱلَّذِی سَخَّرَ ٱلْبَحْرَ (۱٦: ۱٤)
رام گرْدانید ٦۱

~: أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِی ٱلْأَرْضِ (۲۲: ٦۵)
فرمان بُردار کرد ۲، بفرمان کرد ٤۱، رونده بکرد ٤۲، فرمان بردار گردانیده است ٦٤، رام بکرد ٦۹، رام گردانیده ۱۳۲

~: وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ (۲۹:٦۱)
رام کرد ۳، آرام کرده است ٤۷، رام کرده ۱۳۰

~: أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ (۳۱:۲۰)
نَرْمَ کرد ۵۳، نرم ایستانید ۵۸، فرمان بردار گردد ٦۱، رام ساخت ۱۱۱

~: وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ (۳۱:۲۹)
فرمان بردار گرداند ۳۰، رام کرده است ۸٦

~: وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ (۳۵:۱۳)
آرام گردانید ٦۱، فرمانبردار کرد ۹۰، بفرمان کرد ۱۰۳، رام میگرداند ۱۱۱، فرمان بردار کند ۱۲٤، نرم فرمان ۱۳۹

~: وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ (۳۹:۵)
رام گردانید ۵۸، رَام کرد ۸۱

~: سُبْحَٰنَ ٱلَّذِى سَخَّرَ لَنَا (٤۳:۱۳)
فرمانِ بُردار کِرْد ۲۲، آرام کرد ٤۱، رام و نرم کرد ۸۱، نرم کرد ۹۸

~: وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ (٤۵:۱۳)
فرمان بردار کرد ۲، فرْمان برْدار کرد ۲۲، فرمان بردار گردانید ۳۰، رَام کرد ۳۲

سَخَّرْنَا: وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُۥدَ ٱلْجِبَالَ (۲۱:۷۹)
نرم کردیم ۱، فرمان بردار کردیم ۱۲، فرمان بردار گردانیدیم ۳۰، نرم گردانیدیم ما ۵۸، رام گردانیدیم ۸٦، رام ساختیم ۱۱۱

~: إِنَّا سَخَّرْنَا ٱلْجِبَالَ مَعَهُۥ يُسَبِّحْنَ (۳۸:۱۸)
فرمان بُردار گردانیدیم ۲، فرمان بردار کِردیم ۲۲، رام کردیم ما ٦۱، رام کردیم ۸۱

~: فَسَخَّرْنَا لَهُ ٱلرِّيحَ تَجْرِى بِأَمْرِهِۦ (۳۸:۳٦)
فرمان بُردار کردیم ۲۲، فرمان بردار کردیم ما ۵٦، مارام کردیم ۸۱، رآم کردیم ۱۰۰

سَخَّرْنَاهَا: كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَٰهَا لَكُمْ (۲۲:۳٦)
نرم کردیم ۱، فرمان بُردار کردیم ۲، فرمان بردار کردیم ۳۸، نرم ایستانیدم ما ۵۸، نرم گردانیدیم ٦٤، رام کردیم ۷٦

سَخَّرَهَا: كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا۟ (۲۲:۳۷)
نرم کردیم ۱، فرمان بُردار کرد ۲، رام کرد ۱۱٤، فرمان بردار گردانید ۱۲۸

~: سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ (٦۹:۷)
نرم کرد ۱، بگماشت ۲، فرمان بردار کرد ۳، ورگماشت ۸، برگماشت ۱۹، همی راند ۳۹، برگماشت ۵٦، گماشته شد ٦۷، گماشت ۸۷، رام کرد و برگماشت ۱۰۹

سَخِرُوا: فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ سَخِرُوا۟ (٦:۱۰)
اوسوس کردند[1] ۱، فسوس کردند ۳، فسوس داشتند ۳۸، افسوس همی کردند ٤۲، فسوس کَردَنْد ۵۳، فسُوس کردند ۸۸، افسوس همیکردند ۱۰۵

~: مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِۦ سَخِرُوا۟ مِنْهُ (۱۱:۳۸)
اوسوس کردندی[1] ۱، افسوس کردند ۳، افسوس کردندی ۲۷، افسوس داشتندی ۲۹، افسوس می داشتند ٤۱، فسوس می کردند ٤۳، فسُوس کردند ۵۵، افسوس میکردند ۵۸، فسوس کردندی ٦٤، افسوس می کردند ۷۲، فسوس دارند ۷٦، افسوس داشتند ۷۹، فسوس میداشتند ۱۱٤، فسوس داشتندی ۱۲٦، ریشخند می کردند ۱۳٦

~: فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ سَخِرُوا۟ مِنْهُم (۲۱:٤۱)

---

۱. اوسوس / افسوس.

فُسوس کردند ۲، فسوس کردَند ۴۲، اَفْسُوس کَرْدَنْد ۵۳، افسوس داشته‌اند ۱۱۳

سُخْرِيًّا: لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا (۴۳:۳۲)
اوسوس[1] ۱، افسُوس ۲، مزدوری ۲۴، زبون ۳۰، بیگار ۳۲، بند گی و مزدوری ۶۷، بیکار ۸۰، افسوس کننده ۸۱، رام و فسوس و خندستانی ۱۰۹، زیر دست ۱۲۴

سِخْرِيًّا: فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا (۲۳:۱۱۰)
افسُوس ۲، فسوس ۴۳، خندستا ۴۷، بفسوس ۵۱، بند گی ۵۴، بیگار و افسوس ۹۱، خندستان ۱۰۲، فسوس کردن ۱۲۸، ریشخند ۱۳۶

~: أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ (۳۸:۶۳)
اوسوس[1] ۱، زُبون بافسُوس ۲، افسوس ۳، زبون و افسوس ۸۰، زبون ۱۱۴

سَخِطَ: أَن سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ (۵:۸۰)
بخشم شد ۱، خشم گرفتْ ۲، خشم ۲۴، خشم گرفته است ۲۷، خشم آورد ۳۰، در خشم شد ۳۹، خَشم گیرَدْ ۵۳، ناخُشنُود شُد ۵۵، خشم کند ۶۱، خشم خداباد ۶۳، ناخشنود شد و خشم گرفت ۸۰، خَشْم گرفت ۹۴، خشم کرد ۱۲۱

سَخَطٍ: كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللَّهِ (۳:۱۶۲)
خشم ۱، ناخشنودی ۳، سختی ۱۲۱، ناخُشنُودی ۱۲۵

سَدًّا: أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا (۱۸:۹۴)
بَند ۲، بند استوار ۳، بند بسته ۲۹، استوار ۵۲، بَنْدِ اُسْتُوار ۵۵، بنده میان دو کوه ۶۱، دربند ۹۰، استواری ۱۰۵، پرده ۱۳۳، بازدارنده ۱۳۹

~: وَجَعَلْنَا مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا (۳۶:۹)
بند ۱، بارُه ۲، باره ۳۰، بند دیوار ۴۲، دیوار ۵۶، کوه ۸۰، بند ـ دیوار ۹۶، بند و پرده ۱۳۹

سِدْر: ذَوَاتَيْ أُكُلٍ ... وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ (۳۴:۱۶)
کنارٌ ۳، بیر ۷، درخت کنار ۴۱، کُنار ۵۶، کناره ۶۵، کوکنار ۸۹، درخت بیر ۹۱، خاربنان ۱۰۸، کنار درخت ۱۰۹، درخت بَنه ۱۲۴

~: فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ (۵۶:۲۸)
درختان کنار ۴۱، سایه درختان ۵۶، سایه ۱۰۸

★ سِدْرٍ مَخْضُود: فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ (۵۶:۲۸)
درختان که در آن خار نباشد ۳۶، سایه درخت ۴۳، درختان بی خار ۴۹، درخت بی خوار ۱۳۰

سِدْرَة: عِندَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَىٰ (۵۳:۱۴)
آن درخت ۳، درخت ۲۹، پایگاه ۱۰۸

اَلسُّدُسُ: وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ (۴:۱۱)
شش یک ۱، دانگ ۳، شِش یَک ۱۰، شش یکی ۲۴، ششیک ۴۱، دَانگ ۵۵، شَش یک ۵۷، یکی از شش ۸۰، دانک ۹۷

~: فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ (۴:۱۲)
ششم بخش ۵۶، شَشْیَکْ ۹۴، دانگی ۱۳۸

سُدًى: أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَن يُتْرَكَ سُدًى (۷۵:۳۶)
گُذاشته ۲، گذاشته ۶، تنها ۱۹، هرزه ۲۴، فروگذاشته ۳۰، ۱۱۴، یله ۳۶، یله کرده ۸۸، بی خداوند ۱۰۹

سَدِيدًا: وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۴:۹)
راست ۱، رَاست ۲، رأست ۴۲، رَاسْت ۵۵، راست و نیکو ۵۶، راست پسندیده ۵۷، سخت ۶۱، راست و پسندیده ۷۹، خوب ۱۳۵

~: وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۳۳:۷۰)

---

۱. اوسوس / افسوس.

نیک ۱۸، درست ۳٤، نیکو ۳۸، راست و استوار ۵۸، راست و درست ۱۰۳، درست و راست ۱۰۹، پسندیده ۱۱۳

ٱلسَّدَّیْنِ: حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ بَیْنَ ٱلسَّدَّیْنِ (۱۸:۹۳)
دو که ۱، دو کوه ۲، دو بند بسته ۲۹، دو گوشه کوه ٤۳، دُودَرَه ۵۳، دُو کُوه گُروه ۵۵، دو دیوار ۶۰، دو بند ۱۰۰، دو گروه ۱۰۵، دو دره ـ دو کوه ۱۲٤

ٱلسِّرَّ: فَإِنَّهُۥ یَعْلَمُ ٱلسِّرَّ وَأَخْفَى (۲۰:۷)
پنهان ۱، راز ۲، نهان ۲٤، پنهانی ۳٤، گفتارنهانی ۱۲۲، پوشیده ۱۳۳

~: یَعْلَمُ ٱلسِّرَّ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۲۵:۶)
پنهام[1] ۱، نهانی ۲٤، نهانها ۵۸، نهانِیها ۷۶، سخن نهانی ۸۶، پوشیده ۱۱۶

سِرًّا: وَلَٰكِن لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا (۲:۲۳۵)
پَنهان ۲

~: یُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُم بِٱلَّیْلِ وَٱلنَّهَارِ سِرًّا (۲:۲۷٤)
پوشیده ٤۱

~: وَأَنفَقُوا۟ مِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ سِرًّا وَعَلَانِیَةً (۱۳:۲۲)
نَهان ۵۵، پنهانی ۱۳۵

~: وَیُنفِقُوا۟ مِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ سِرًّا وَعَلَانِیَةً (۱٤:۳۱)
پنهام[1] ۱

~: فَهُوَ یُنفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا (۱۶:۷۵)
پنهان ۲، دَرنَهان ۵۵، پَنْهان ۶۲

~: وَأَنفَقُوا۟ مِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ سِرًّا وَعَلَانِیَةً (۳۵:۲۹)
در نهان

ٱلسَّرَّآءِ: ٱلَّذِینَ یُنفِقُونَ فِى ٱلسَّرَّآءِ (۳:۱۳٤)
رامشی ۱، فراخی ۲، شادی ۳، شادی و فَراخی ۱۰، توانگری ۲۷، فَراخی ٤۲، شادیها ٤۳، شادی و آسانی و توانگری ۵۸، آسانی ۶۱، فراخی و ارزانی و توانگری ۶۳، فراخی ۷۸، فراخ دستی ۷۹، توانایی ۹۰، شادی و توانگری و تندرستی ۱۰۲، شادی و فراخ دستی ۱۰٤، گشادگی ۱۲۱، پنهانی ۱۳۶

~: قَالُوا۟ قَدْ مَسَّ ءَابَآءَنَا ٱلضَّرَّآءُ وَٱلسَّرَّآءُ (۷:۹۵)
رامشت ۱، خُرمی ۲، شادی و فراخی ۱۰، فراخیها ۲۷، خرّمی ۳۵، شَادی ۵۵، خوشی ۵۶، فراخی و آسایش ۵۸، خواری ۶۰، سختی ۶۱، خرمی و خوشی ۹۹، رنجها ۱۱۵، شادمانی ۱۲٤، ناخوشیها ۱۳۶، شَادی ۱٤۰

ٱلسَّرَآئِرُ: یَوْمَ تُبْلَى ٱلسَّرَآئِرُ (۸۶:۹)
نهانیها ۲، نهانها ۳۶، پنهانیها ۳۸، نشانها ۳۹، پوشیدگیها ۷۹، نهانها و رازها ۸۰، نهانیها و رازها ۸۸، نهانیهاء ۹۰، پنهان ۹۲، نهانهادل ۹۹، پوشیدها ۱۱٤، نهانی ها ۱۲٤، رازها ۱۲۹

سَرَابًا: وَسُیِّرَتِ ٱلْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا (۷۸:۲۰)
کورآب ۱، نمایش آب ۳، زمین آب نمای ۲۹، کوراب ٤۲، گوراب که ازدور آب نماید ۵۶، بوراب ۶۱، گرد ۷۹، گوراب ۸۷، همانای ۸۸، همچون نمایش آب ۹٤، آب بی بود ۱۲۲، نمودار آب بی بود ۱۳۲

كَسَرَابٍ: أَعْمَٰلُهُمْ كَسَرَابٍۭ بِقِیعَةٍ (۲٤:۳۹)
کور آب ۱، همانای ۲، گوراب ۳، گوره آب ۳۰، کوراب ۳۹، گوراب ـ چیزی که از دور آب نماید ۵۶، گورآب ۶۱، همانناى ۱۰۸، آب نما ۱۱۹، بهمانا ۱۲۸، گذرآب ۱۲۹

سَرَابِیلَ: وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَٰبِیلَ تَقِیكُمُ (۱۶:۸۱)

---

۱. پنهام / پنهان.

پیراهنها ۱، پیراهنها ۲، پیرهنها ٤۱، پیراهنِها ۵۳، پَیراهَنْها ۵۵، جامها ۵۷، زره ها ۵۹، پوششها ٦۱، پیَراهَنهَا ٦۲، پوشید نیها ٦٤، زره ٦۹، پیراهن ها ۸۰، پیراهن ۹۲، پیرایها ۱۱۰، جوشنها ۱۲۲، پوشش ۱۳۰

سَرَا بِیلُهُمْ: سَرَابِیلُهُم مِّن قَطِرَانٍ (۱٤:۵۰)
پیراهنها ۱، پیراهَنها ۲، پیراهن ۳٤، پیراهَنْهَا ۵۳، پَیراهَنْ هَا ۵۵، جامها ۵۷، پیرهنها ۵۸، پیراهن ها ٦۰، پیَراهَنْهاء ٦۲، پیراهنهاء ۹۰، پوشید نیها ۱۰۲، پیراهنهآ ۱۰۵

سِرَاجًا: وَجَعَلَ فِیهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُّنِیرًا (۲۵:٦۱)
چراغی چون آفتاب ٤۷، خرشید ۵۸، آفتاب ٦۱، چراغ و روشنایی ۷۲، چَراغ ۷٦، چراغ ـ آفتاب ۱۰۸، چراغها ۱۲۳

~: وَسِرَاجًا مُّنِیرًا (۳۳:٤٦)
چراغ ۱، چِراغ ۵۳

سَرَاحًا: وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِیلًا (۳۳:۲۸)
گسید[1] کردن ۱، رها کردن ۳، گسید[1] کرد ۱۷، گُسی[2] کردن گذاشتن ٤۳، یله کردن ٤۷، بازداشتن ٤۹، گُسِل کردن ۵۳، بیرون گذاشتن ۹۰، رها دادن ۱۰۰

~: فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِیلًا (۳۳:٤۹)
دست بازداشتن ۲، گسیل کردن ۷، بگذاشتن ۳٤، راندن ۳۹، گشادن ۵۸، پای گشادن ۹۸، براه کردن ۱۰۱، سردادن ۱۰۲، گسل کردن ۱۰۹، سبک کردن ۱۱۳، گُسیِ کردن[3] ۱۱۹

سُرَادِقُهَا: إِنَّا أَعْتَدْنَا نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا (۱۸:۲۹)
سراپرده ۱، سراپردها ۲، سراپره ۳، سرای پرده ۸، دود و فروغ ٤٤، سَراپَردَه ۵۳، دیوار بست ۵٦، سِرَا پردها ۵۷، سرپرده ها ۵۹، سراپَرْده ٦۲، سراپرده ها ٦۵، سرای پردها ۹۹، سرپرده ۱۰۸، سراپرده‌ان ۱۳۳

سِرَاعًا: یَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا (۵۰:٤٤)
شتافتاران[4] ۱، شتابان ۳، شتاوند گان[5] ٦، زود شتابند گان ۳۰، زود ۳۹، شتاب زدِگان ۵۳

~: یَوْمَ یَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا (۷۰:٤۳)
شتاب ۲، شتابند گان ۳، می شتاوند ٦، شتاب زده ۲۹، شتاب کنان ٤۲، بشتاب ٤۹، شتابنده ٦٤، زودازود ۷۲

سَرَبًا: فَاتَّخَذَ سَبِیلَهُ فِی الْبَحْرِ سَرَبًا (۱۸:٦۱)
گذری ۱، راه گُذر ۲، سمج[6] ۳، شدی ۸، راه ۲۹، اندر شدن ۳۹، جای رفتن ٤۲، سُوراخ ٤۳، طاق بی سولاخ ٤٤، ماهی خانه ٤۸، راه گذر ۵۲ سُمْج[6] ۵۵، راه خشک ۵٦، سوراخ ۵۸، سردابه ٦۲، درشدن ۸٤، راه گذری ۹۸، شتابآن ۱۰۰، گذارن ۱۰۸، سُنب[7] ۱۰۹، سردابه ۱۱۱، بشدشدن ۱۱۳، سمیچ[8] ۱۱٤، راه گرفتن ۱۲۲، گذراب ۱۲۸، خانه ۱۳۹

---

۱. گسید / گسیل.
۲. گُسیِ / گسیل.
۳. گُسیِ کردن / گسیل کردن.
٤. شتافتاران: شتابان؛ زودازود.
۵. شتاوندگان / شتابندگان.
٦. سمج: نقب؛ مجرای زیرزمین.
۷. سُنب: خانه زیرزمینی؛ سوراخ.
۸. سمیچ / سمج.

سَرِّحُوهُنَّ: أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ (۲:۲۳۱)
گُسید کنید[1] ۱، رها کنیت ۳، گُسید کُنید[1] - دست واداَرید ۱۰، جدا کنید ۳۸، بگذاریت ۴۱، رَها کُنید ۴۲، گُسیل کُنیت ۵۵، گُسیل کنید ۵۷، رَها کنی ۶۰، دست بدارید ۶۳، کسیل کنیت ۸۰، بگشایید ۹۲، دست بازدارند ۹۸، رها دهید ۱۰۰، سردهید ۱۰۲، رهانید ۱۰٤

~: سَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (۳۳:٤۹)
گسید کنید[1] ۱، دست باز دارید ۲، گسیل کنند ۷، گسیل کند ۱۸، رها کنید ۲۹، بگذارید ۳٦، گسی کنید[2] ۳۸، بیرون رانید ۳۹، دست بداریت ٤۱، یَله کنید ٤۷، گشاده کنید ۵۸، بیرون گذارید ۹۰، سبک کنید ۱۱۳، گُسی کنید[2] ۱۱۹، گسیلانید ۱۳۹

اَلسَّرْدِ: وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ (۳٤:۱۱)
بافتن ۱، بافتن و پیوسْتن ۲، زره بافتن ۳، بافتن و پیوستن ۳۰، زره ۳٦، حلقه ۳۸، نهادن پس یکدیگر ۳۹، نیوستن ٤۷، زر گرْدَنْ ۵۳، زره پیوستن ۵٦، زرهگری ۹٦، بافتن زره ۹۰، پیوستن - بافتن ۹۲، پیوستن ۱۰٦، زره گری ۱۳۹

سُرُرًا: وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِئُونَ (٤۳:۳٤)
تختها ۱، تَخْتها ۲، تختهَا ۲۲، تَخْتها ۳۲، تختها ۱۰۰، تخت ها ۱۰۹

سُرُرٍ: عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ (۱۵:٤۷)
تَختَهَا ۵۳، شادی ٦۹، تختهاء ۹۰، تَختها ۱۱٤

~: عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ (۳۷:٤٤)
تَختها ۷٤، تخت هاء ۹۰، تختهای آراسته ۱۰٦

سَرَقَ: إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ (۱۲:۷۷)
دزدی کرد ۱، دُزدی کرد ۲، دزدید ۳، دزدی کرده ۳٦، دزدی کُرد ٤۲، دُزدی کَردَهْ بودند ۵۳، دُزْدِید ۵۵، دُزدی کرد ۷٦، دُزدِی کرد ۹٤، دزدی کند ۱۲٤

~: إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ (۱۲:۸۱)
بدزدید ۲۹، دُزدی کَرْد ۵۵، دُزدِی کرد ۷٦، دزد کرد ۱۱٤

سِرَّكُمْ: يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ (٦:۳)
نهان ۱، راز ۲، نهانی ۸۸، پنهان ۱۰٦، پوشیده ۱۱۱

سِرَّهُمْ: أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ (۹:۷۸)
نهان ۲، نَهانَهَا ۵۵، پنهان ۱۱٤، پوشیده ۱۱۵

~: أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُم (٤۳:۸۰)
رازها ٦۱، نهانی ۱۰۳، راز ۱۰۸

سَرْمَدًا: إِن جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا (۲۸:۷۱)
پیوسته ۲، همیشه ۲۹، همیشه بهم پیوسته ۱۲۲

~: إِن جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا (۲۸:۷۲)
جاوید ۲۱، پاینده ۱۰۳، بهم پیوسته ۱۲۲، همیشگی ۱۳٦

سُرُورًا: وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا (۷٦:۱۱)
رامشت ۱، شادی ۲، رامش ۱۹، خورمی[3] ۵۲، شادیْ ٦۱، شادی دل ٦٤، شاد کردن ۸۰، شادمانی ۹۲، خرّمی ۹٤، شآدی ۱۰۰، شادی در دل ۱۰۹، گشاده روئی ۱۱٦، خوش نودی[4] ۱۳٦، شادمانگی ۱۳۹

---

۱. گسید / گسیل.
۲. گسی کنید / گسیل کنید.
۳. خورمی / خرمی.
٤. خوش نودی / خشنودی.

سَرِیًّا: أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِیًّا (۱۹: ۲٤)
جویک خورد[1] ۱، جُویک روان ۲، جوی ۳، جوی آب خوش ۲٤، جوی روان ۳۰، جُوی خورد ۳۹، جوی خرد ٤۲، جوی خرد که به جانب خرمابنان رود ٤۳، جوی آب روان ۵۳، جویک روان ٦۱، جویک آب ٦۲، جوی آب ۷٦، آب خرد ۷۹، چشمهٔ روان ۸٤، چشمه روان ۸۸، جوب ۹۱، جوی روان ۹٤، مهتر ۱۰٦، جو ۱۱۰، جوی آب خورد[2] ۱۱۳، آب روان جوی خورد[2] ۱۲٦، جوب روان ۱۲۸، چشمه آب ۱۳۳

سَرِیعُ: وَٱللَّهُ سَرِیعُ ٱلْحِسَابِ (۲: ۲۰۲)
زُود ۲، زود کننده ٤۸، شتاو[3] ۹۵، آسان ۱۳٦

~: فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِیعُ ٱلْحِسَابِ (۳: ۱۹)
سخت ۲۵، بشتاو[3] ۹۵

~: إِنَّ ٱللَّهَ سَرِیعُ ٱلْحِسَابِ (۳: ۱۹۹)
زود ۱

~: إِنَّ رَبَّكَ سَرِیعُ ٱلْعِقَابِ (٦: ۱٦۵)
زود و سخت ۱۰

~: إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِیعُ ٱلْعِقَابِ (۷: ۱٦۷)
شتاب کننده ٦۱

~: وَهُوَ سَرِیعُ ٱلْحِسَابِ (۱۳: ٤۱)
شتابنده ٦۱

سُطِحَتْ: وَإِلَى ٱلْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۸۸: ۲۰)
گسترده شد ۱، گستردن ۲، گسترانیده است ۲٤، بگستردند ۲۹، گستریدند ۳۰، گسترند ۳٤، گسترده آمد ۳۸، بگسترانیده‌اند ۵۳، گسترده شدست ٦٤، گستریده شده ٦۵، گسترانیده شد ۸۷، گسترده شده است ۱۰۰، بگسترده‌اند ۱۰٦، گستردند ۱۰۸، پهن کرده شده ۱۲۰، پهن کرده شده است ۱۲۳، باز کشیده است ۱۲٤، گسترده شده ۱۲۹، گسترده ۱۳٦

سَعَةً: وَلَمْ یُؤْتَ سَعَةً مِّنَ ٱلْمَالِ (۲: ۲٤۷)
فَراخی ۵۵، دست فراخی ٦۳، فراخی ۱۰۰، بسیاری ۱۱۱، فراخی و بسیاری ۱۳۰، فراخی و افزونی ۱۳۱

~: یَجِدْ فِي ٱلْأَرْضِ مُرَٰغَمًا كَثِیرًا وَسَعَةً (٤: ۱۰۰)
فراخی ۱، رَوزی دادَن ۱۰، فراخ ۳۸، گشایش ۵۳، فراخی رزق ۷۸

~: وَلَا یَأْتَلِ أُو۟لُوا۟ ٱلْفَضْلِ مِنكُمْ وَٱلسَّعَةِ (۲٤: ۲۲)
فراخی ۲، توانگری ۲٤، فراخ دستی ۲۹، فَراخی ۵۱، خداوند توانگری ۷۷، توانائی ۱۲۳، تونگری ۱۳۹

سَعَتِهِ: وَإِن یَتَفَرَّقَا یُغْنِ ٱللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ (٤: ۱۳۰)
فراخی ۱، روزی ۸۸، فراخ روزی ۱۲۱، فراخ رحمتی ۱۳۸

~: لِیُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ (٦۵: ۷)
توانگری ۲٤، بسیاری ۳٤، فراخ دست ٤۱، تونگری ٤۹، توانگر ۸۷، فراخ دستی ۱۰۹

سُعِدُوا: وَأَمَّا ٱلَّذِینَ سُعِدُوا۟ فَفِي ٱلْجَنَّةِ (۱۱: ۱۰۸)
نیک بخت شدند ۱، نیک بخت گردند ۲، نیک بخت کرده شدند ۳، نیک بخت باشند ۲٤، نیکبخت شدند ۳٦، نیکبَخت شدَند ۵۵، نیک بخت شده باشند ۸۹، نیکبخت گردند ۹٦، نیکبخت کردند ۹۸، نیکبخت باشند ۱۰۰،

---

۱. جویک خورد / جوی خرد.
۲. خورد / خرد.
۳. شتاو / شتاب.

نیکبخت اند ۱۰۳، نیک بختانند ۱۱۵، نیکبخت کرده شده باشند ۱۲۲

سُعُر: إِنَّآ إِذًا لَّفِى ضَلَـٰلٍ وَسُعُرٍ (٥٤:٢٤)
دوزخ ۲، دیوانگی ۳، رنج و دیوانگی ٦٦، آتش افروخته ۸۱، آتشهای افروخته ۱۲۲

~: إِنَّ ٱلْمُجْرِمِينَ فِى ضَلَـٰلٍ وَسُعُرٍ (٥٤:٤٧)
دیوانه ۱، آتش سوزان ۲، سوختن ٤١، دیوانگی ٤٢، آتش سُوزان دوزخ ٥١، آتش ۹۲، آتشها ۱۰٤، آتش دوزخ ۱۱۳، آتشهای سوزان ۱۱٦، دیوانگی و آتش ۱۲٤، رنج ۱۳۳

سُعِّرَتْ: وَإِذَا ٱلْجَحِيمُ سُعِّرَتْ (۸۱:۱۲)
بتابند ۲، بیفروزند ۲٤، بتابانند ۳۰، افروخته شود ۳٦، برافروزند ۳۸، گرم کنند ٤١، تَفْسانیده شود ٥٦، بتابانیده شود ۸۸، افروخته شوند ۹۹، تابانیده شود ۱۰۰، تافته شود ۱۰۲، بتابند و بتفسانند ۱۰۸، فروخته شود ۱۱۳، افروخته گردد ۱۱٦، اندوخته[1] شود ۱۲۰، تافته گردانند ۱۲٤، برافروخته شود ۱۲٦، برافروخته گردد ۱۳۲

سَعَوْا: وَٱلَّذِينَ سَعَوْا فِىٓ ءَايَـٰتِنَا مُعَـٰجِزِينَ (۲۲:٥۱)
برفتند ۱، بکوشیدند ۲، بکوشیدند ۳۰، بافتند ٥۲، کار کردند ٥٦، کار کردندی ٥۸، بکوشند ٦۱، بشتافتند ۸۹، شتافتند ۱۰۰، کوشش کردند ۱۰۲، میکوشند ۱۰۳، باشند ۱۰٥

~: وَٱلَّذِينَ سَعَوْ فِىٓ ءَايَـٰتِنَا مُعَـٰجِزِينَ (۳٤:٥)
بکوشیدند ۲، کوشیدند ۳، برسند ۱۸، کار می کنند ۳۹، دوند ٥۲، بَرَوَنْد ٥۳، می شتابند ۱۰۰، روند ۱۰٥، میکردند ۱۱۳، کوشش کرده‌اند ۱۳۰

سَعَىٰ: وَسَعَىٰ فِى خَرَابِهَآ (۲:۱۱٤)
بکوشند ۲، کوشد ۳، برود ٤، بُکوشید ۱۰، می کوشید ٤۰، بَکوُشَد ٤۲، بکوشند ٥۳، کوشید ٥٥، بشتافت ٦۳، برفت ۸٤، شتافت ۱۰۰، کوشش ۱۳۰

~: وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِى ٱلْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا (۲:۲۰٥)
بکوشد ۲، کوشید ۳، مَی رود ۱۰، بشتابد ۳٦، بَکوُشَد ٤۲، کُوشَد ٥٥، بستاود[2] ۹٥، بشتافت ۱۰۰، شتابد ۱۰٤

~: وَمَنْ أَرَادَ ٱلْـَٔاخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا (۱۷:۱۹)
کار کند ۱، کار کُند ٥۳، کند ٥۹، بکوشید ۹۲

~: وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَـٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ (٥۳:۳۹)
کار کرد ۱، کرده بود ۲٤، کرد ۳۰، کوشش کند ۳۹، بکند ٤٤، الفنجد[3] ٦٤، الفاخت[3] ۹۰، کوشش نماید ۱۲٤

~: يَوْمَ يَتَذَكَّرُ ٱلْإِنسَـٰنُ مَا سَعَىٰ (۷۹:۳٥)
کردست ۲، کرده است ٥٦، کرده باشد ۹٦، دویده و رفته ۱۳٦

ٱلسَّعْىَ: فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ ٱلسَّعْىَ (۳۷:۱۰۲)
کار ۱، دویدن ۲، رفتن ۳، جایگاه قربان ۲۲، دویدن ۳۰، کوشش ۳۳، کار کردن ۳۹، آمد شد کردن ۸۱

سَعْيًا: ثُمَّ ٱدْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا (۲:۲٦۰)
دوستن[4] ۱، شتافتن ۳، دُوان ۱۰، دوان ۲٥، دَوان دَوان ۲۷، دوَان ٤۲، شِتافتَن ٥٥، بتک ٥۷، پویان ٦۱، می روند ٤۰، بشتاب ٦۳، پوئیدن ٦٤،

---

۱. اگر تحریفی از افروخته نباشد، می تواند معنایی تفسیری به حساب آید.

۲. بستاود / بشتابد.

۳. الفنجیدن ـ الفختن الفاختن: اندوختن و جمع کردن.

٤. دوستن: دویدن.

دوان دوان ۷٤، شتابنده ۷۵، شتاب ۸٤، شتابان ۸۸، بپوبند ۹۰، دوآن ۹٤، پران ۹۸، شتافتگی ۱۲۳، اشتابان ۱۳۰

سَعِيد: فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ (۱۱:۱۰۵)
نیک بخت ۱، نیکبخت ۳٦، نیکَبْخْت ۵۵

السَّعِير: وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ (۲۲:٤)
سُوزان فروزان ۲، فروزان ۳۰، افروخته بر کرده ۵۸، افروخته ۷٤، آتش بر کرده ۸۷، سوزان و افروخته ۱۰۲، آتش افروخته ۱۰٦، سوزان فروزان ۱۰۸، آتشی آفروخته ۱۲۲

~: يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ (۳۱:۲۱)
آتش فُروزان ۲، آتش افروزان ۳، دوزخ ۳۹، دوزخ سوزان ٤۷، آتش برافروخته ۵۸، رخشان ٦۵، آتش فَروزان ۸۰، آتش فروزان ۹۱، آتش فروزون ۹۵، سوزناک ۱۳۰، اتش آفروخته ۱۳۸

~: نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (۳٤:۱۲)
آتش دوزخ ۲٤، سوزان ۳۰، آتش کشنده ۵۸

~: لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۳۵:٦)
آتش افروخته ۵۸

~: فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (٤۲:۷)
دوزخ ۳، آتش سوزنده ۱۱٤

~: وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (٦۷:۵)
آتش ۱، سُوزان ۲ آتش بشخان[۱] ٦، آتش دوژخ ۳۹

~: مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (٦۷:۱۰)
دُوزخ ۲، آتش سوزان ۳، سوزنده ۱۳۰

سَعِيرًا: وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا (٤:۱۰)
آتش بزرگ ۳، آتش دَوزخ ۱۰، دُوژخ[۲] ۲۷، آتش بر کرده ۳۹، آتش سُوزان ٤۲، آتش پخشنده ٤۹، آتش افروختند ۱۳۸

~: وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا (٤:۵۵)
سُوزان ۲، آتش افروزان ۳، آتش سوزان وُتافته ۱۰، سوزان و فروزان ۲۹، بر آتش کرده ۳۹، سوزاننده ٤۱، آتش تفسانیده ٤۸، سوزنیده ۵۳، آتش فُرُوخته[۳] ۵۵، آتش تیز ۵۷، پر آتش کرده ۷۲، اتش سوزان ۷۹، آتش اڤروخته[٤] ۹۱، سوزآن ۹٤، آتش افروختگی ۱۰۰

~: كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا (۱۷:۹۷)
فروغتن و سوختن ۲، آتش افروزان ۳، افروزش ۸، افروختن ۲٤، افروخته ۲۹، آتش فروزان ۳۰، ڤروز[٤] ٤۱، درخشیدن آتش ٤۲، آتش فروزان ۵۵، آتش پخسنده[۵] ۵۸، افروختن آتش ٦۲، فروختن و سوختن ۸۳، آتش افروختن ۱۰۰، زبانه ۱۲۳، برافروختن آتش ۱۳۵

~: لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا (۲۵:۱۱)
آتش ۱، آتش سُوزان فروزان ۲، آتش دوزخ ۳۰، سوزان ۳٤، آتش کرده ۸۷، آتش شوران[٦] ۹۵

~: وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا (۳۳:٦٤)
آتش سوزان ۲، دوزخ ۷، اتش دوزخ ۵۳، آتش رخشان ٦۵

~: فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا (٤۸:۱۳)

---

۱. بشخان: از بشخیدن: سوختن، افروختن.
۲. کذا در متن اصلی «ژ» با سه نقطه.
۳. فُرُوخته / افروخته.
٤. «ف» در متن اصلی با سه نقطه است.
۵. کذا در اصل متن؛ پخشنده هم می تواند بود.
٦. شوران: اگر تصحیفی از سوزان نباشد، می توان شوریده و برافروخته معنی کرد.

آتش سوزان فروزان ۲، آتش فروزنده ٤٤، فروغ ۷۲، آتش سوزان و فروزان ۱۰۸، آتش سوزناک ۱۳۰

~: سَلَٰسِلَاْ وَأَغْلَٰلًا وَسَعِيرًا (۷٦:٤)
آتش بشخان ٦، دوزخ ۳۹

~: وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا (۸٤:۱۲)
آتش سُوزان ۲، آتش افروخته ۲٤، دوزخ سوزان ۳۰، اَتش سُوزانْ ۵۳، آتش سوزنده دوزخ ۱۳۰، آتش دوزخ ۱۳۹

سَعْيُكُمْ: وَكَانَ سَعْيُكُم مَّشْكُورًا (۷٦:۲۲)
کار ۱، کوشش ۳، کردار ۱۹، کار کردن ۳۰، رنج و کار ۸۸

~: إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ (۹۲:٤)
رنج ۳۹، شتافتن ۱۰٤، کوششها ۱۲۱

سَعْيِهِۦ: فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِۦ (۲۱:۹٤)
کار ۱، کوشیدن ۲۹، کار کرد ۳۹، کرد ۵۸، رفتن ۹٦، کاروراْ ۱۰۸، شتافتن ۱۱۱، شتاب ۱۱٤

~: وَأَنَّ سَعْيَهُۥ سَوْفَ يُرَىٰ (۵۳:٤۰)
کردار ۲، کوشش ۳، پاداش و کردار ٥٦، کار کردن ٦۹

سَعْيَهَا: وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا (۱۷:۱۹)
کار ۱، کوشش ۲، کوشیدن ۳، کوشدن ۳۰، کار کَردَنْ ۵۳، کوشش کَردن ٦۱، کار کردن ٦۷، بشتافتن ۸۹، کارکرد ۹۰، شتافتن ۱۰٦

~: لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ (۸۸:۹)
کردار ۲۹، کرد ۳۹

سَعْيُهُمْ: فَأُوْلَٰٓئِكَ كَانَ سَعْيُهُم مَّشْكُورًا (۱۷:۱۹)
کوشش ۳۰، کار کردن ۳۹، کُوشِیدن ۵۵

~: ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۱۸:۱۰٤)
کار ۱، رَنْج ۲، کوشیدن ۲۹، رنج ٤۲، کُوشِش ۵۵، کردار ۵۸، شتافتن ۵۹، رنج بردن ٦۲، کردارها ٦۳، راه ۱۳۹

سَفَاهَةٍ: إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِي سَفَاهَةٍ (۷:٦٦)
وی خردی[1] ۱، نادَانی وسُبُکْ سَاری ۲، بی خردی ۳، نادانی و بی خردی ۱۰، سبک ساری ۱۰ مکرّر، نادانی ۳۱، بی خِردَی ۵۵، سبک خردی ۹٤، بیخردی ۱۰۰، سبکساری و تنک خردی ۱۰۹، زشتی ۱۲۱، سبکباری ۱۲۵، کم خردی ۱۳۵

~: يَٰقَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ (۷:٦۷)
دیوانگی ۲٤، سبکساری ۱۲۵، سُبک سَاری ۱٤۰

سَفَرًا: وَسَفَرًا قَاصِدًا لَّٱتَّبَعُوكَ (۹:٤۲)
راه ۱۰

سَفَرٍ: فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ (۲:۱۸٤)
سَرِرَّو ۵۵

~: وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ (۲:۱۸۵)
سررو ۳، سَررَوْ ۵۵، سرره ۱۱۹

~: وَإِن كُنتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ (۲:۲۸۳)
سِررو ۳، سررو ۲۸، راه گذر ٤۲، راه گذری ۸۳

سَفَرَةٍ: بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۸۰:۱۵)
دویران[2] ۱، فریشتگان نبیسند گان ۲، فریشتگان نویسند گان ۳۰، فریشتگان ۳۸، فرشتگان نویسنده ۵۱، دبیران ۵۲، نبیسند گان فریشتگان ۵٦، نویسند گان ۷۹، نویسنده گان ۱۱۳، نیک مردان ۱۲٦، نویسند گان بزر گوار ۱۳۲

---

۱. وی خردی / بی خردی.
۲. دویران / دبیران.

اَلسُّفْلَی: وَجَعَلَ كَلِمَةَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلسُّفْلَىٰ (۹: ۴۰)
فروتر ۱، فروترین ۲، فرومایه ترین و نگوهیده ترین ۱۰، فروترین ۱۱، فرومایه ترین ۲۷، نشیب ۳۹، فروتر بخواری ۴۱، فرودتر ۴۳، فُروتر ۵۵، زیرتر ۵۶، زیرترین ۵۷، نشیب و پست ۶۵، فرود ۷۲، درنشیب ۹۰، نگونسار زیرتر ۱۰۰، پست و فرود ۱۰۲، پست ۱۲۲، پایین ۱۳۵، فروتر و پست ۱۳۶

سَفِهَ: إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُۥ (۲: ۱۳۰)
زیاد کرده بُود ۱۰، نشناسد ۲۹، بی خرد شد ۳۰، نادان شد ۳۶، زیان کار بود ۴۰، بی خردست ۴۱، نشناسد ۴۲، نادان کند ۴۳، نادان ساخت ۴۸، بی خِرَدَشت ۵۵، نداند ۵۷، نادان گذاشت ۵۹، نادان باشد ۸۸، بداند نادان ۹۲، بی خِرد کند ۹۴، بیخرد گرداند ۱۰۰، بی خرد باشد ۱۰۱، نادان گرداند ۱۰۲، سبک شمرد ۱۰۴، نادان شود ۱۰۹، خوار گرداند ۱۲۳، نادان ساخته باشد ۱۳۸

سَفَهًا: ٱلَّذِينَ قَتَلُوٓاْ أَوْلَٰدَهُمْ سَفَهًۢا (۶: ۱۴۰)
بی خردی ۱، نادانی ۲، جهل و نادانی ۱۰، سبک خردی ۲۷، بی خرد و نادان ۳۹، بی خِردی ۵۵، بیخرد ۶۱، بی خرد ۷۶، نادانی و بی خردی ۱۰۴، زشت ۱۲۱، کم خردی ۱۲۷

اَلسُّفَهَاءُ: قَالُوٓاْ أَنُؤْمِنُ كَمَآ ءَامَنَ ٱلسُّفَهَآءُ (۲: ۱۳)
کم خَردانْ ۲

~: سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ (۲: ۱۴۲)
سُبک خردان ـ بی خردان ۲، بی خرَدان ۱۰، بیخردان ۳۸، سُبْک خردان ۵۳، بی خردَان ۵۵، سبک خردان ـ بی خردان ۸۴، بی خرد آن ۹۴، کمخردان ۱۲۲

~: وَلَا تُؤْتُواْ ٱلسُّفَهَآءَ أَمْوَٰلَكُمُ (۴: ۵)
نادانان ۲۳، زنان و کودکان ۴۰، بی خرد آن و نادانآن ۹۴

~: أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ ٱلسُّفَهَآءُ (۷: ۱۵۵)
بی خردان ۱، کم خَردان ۲، بَی خردان و نادانان ۱۰، سبک خردان ۹۴، زشتان ۱۲۱

اَلسَّفِینَة: إِذَا رَكِبَا فِى ٱلسَّفِينَةِ خَرَقَهَا (۱۸: ۷۱)
کشتی ۲، کشتی ۵۵

~: فَأَنجَيْنَٰهُ وَأَصْحَٰبَ ٱلسَّفِينَةِ (۲۹: ۱۵)
کشتی ۱

سَفِيهًا: فَإِن كَانَ ٱلَّذِى عَلَيْهِ ٱلْحَقُّ سَفِيهًا (۲: ۲۸۲)
بی خرد ۱، کم خرَد ۲، نادان ۱۰، بی دانش ۲۵، کم خرد ۲۹، کم خِرَد ۴۲، بی خِرَد ۵۵، دیوانه ۷۴، بی خَرد ۱۰۰، بیخرد ۱۱۴

سَفِيهُنَا: وَأَنَّهُۥ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى ٱللَّهِ شَطَطًا (۷۲: ۴)
وی خرد[1] ۱، نادانان ۱۹، نادان ۲۴، بی خردان ۳۰، بی خرد ۸۰، بیخرد ۱۱۴

سَقَاهُمْ: وَسَقَىٰهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (۷۶: ۲۱)
بخورد دهند ۲، بدهد ۲۹، بخوراند ۳۰، باخورد دهد ۷۹، و ۱۱۳، بخورانید ۸۸، بیاشامد ۱۱۱، آب دهد ۱۱۴، آشاماند ۱۲۰، بیاشامند ۱۳۲، سیراب کند ۱۳۶

سِقَایَة: أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ ٱلْحَآجِّ (۹: ۱۹)
آب دادن ۱، آبْ دَادن ۲، آبْ دَادَن ۵۵، آب دادن ۶۹، آب دآدن ۹۴، آبدان ۹۶، میراب ۱۲۷، آب دهنده ۱۲۹، آبدارخانه ۱۳۳

~: جَعَلَ ٱلسِّقَايَةَ فِى رَحْلِ أَخِيهِ (۱۲: ۷۰)
پیمانه ۱، آوند ۳۶، جام ـ پیمانه ۴۱، پیمانه ۵۵،

---

۱. وی خرد / بی خرد.

جای آب خوردن ۵٦، آب خور ٦۰، قد ح ٦۹، جام زرین ۸٤، آبخوره ۱۰۲، آب خوارهٔ ۱۱٤، جام آب خوردن ۱۲٤

سَقَرَ: ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ (٤۸:٥٤)
آتش دوزخ ۳۹، آتش ٦۱، آتش دوزخ ۱۳۲

~: سَأُصْلِيهِ سَقَرَ (۲٦:۷٤)
دوزخ ۱۹، دوزخ ۳۹

سُقِطَ: وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ (۱٤۹:۷)
پشیمان شدند ۱، افکنده شد ۲۷، افتاده شد ۳۰، افتادند ۳۸، پشیمان گشت ٤۲، بیفتاد ٤۳، نهاده شد ٥٥، بیفتادند ٥٦، پشیمان شد ـ شکست ٦۲، درافتادند ٦٤، درافتاد ۷٦، شکسته شد ۹۳، پشیمان شدند ـ درافتاده شد ۱۰۹، گزیده شد ۱۲۲، افکنده شدند ۱۲۳، پشیمان شد ۱۲۷، افتاد ۱۲۹

سَقَطُوا: أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا (٤۹:۹)
افتادند ۱، افتادند ایشان ۲، اوفتاده‌اند ۱۰، بیفتادند ۲۹، افتاده‌اند ۳٦، درافتادند ٤۲، اَفتادَند ٥٥، افتیدند ٥۷، اَفتادَه‌اند ٦۲، افکندند ٦٤، اندرافتادند ۸۳، افتیده‌اند ۸۸، افتآدند ۱۰۰

السَّقْفُ: فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ (۲٦:۱٦)
آسمانه ۲۹، بامها ۳٤، بالاهای خانه‌ها ٤۱، بام ٤۲، پوشش ٥۳، آسمُانه ٥۷، پوششها بنیادها ٥۸، کانک ٥۹، پوشها ۷٤، بام خانه ۷٦، آسمانه خانه ۹٥، بالای خانه ۱۱٤

~: وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ (٥:٥۲)
شتفت[1] ۱، آسمان ۲٤، سفد ۳۰، آسمان خانه ۹۰، ستون ۱۳۹

سَقْفًا: وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا (۳۲:۲۱)
شتفت[1] ۱، شفد ۳، آسمانه ۱۲، برداشته ۲٤، بام ٤۲، پوشش ٤۳، ستون ٥۸، سفد ۸۰، کاج ۱۰۹

سُقُفًا: لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ (۳۳:٤۳)
شتفتها[1] ۱، شفدها ۳، آسمانها ۲۲، سَفدها ۳۲، پوششها ۳۹، آسمانه ٤۹، آسمان خانها ٦٦، سفدها ۸۰، پوشش ۸۷، پوششهاء ۹۰، آسمان‌ها ۹٤، سعدها ۱۰۸، کاژها ۱۰۹، بامها ۱۲٥، ستونها ۱۳۹

سُقْنَاهُ: سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ (٥۷:۷)
برانیم ۱، آب دهیم ۲۹، رانیم ۳۰، برانم ٥۲، رَانیم ٥٥، برَآنیم ۹٤، می‌رانیم ۹٦، در خورد دهیم ۱۰۰، بیرانیم ۱۰٥، برانیم ما ۱۲۳، بارانیم ۱۳٦

~: فَسُقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَيِّتٍ (۹:۳٥)
براندیم ۲، آب دادیم ۱۸، براندیم ۲۹، سیراب کنیم ۳۹، بخورانیدیم ٤۲، آب دهیم ما ٦۱، راندیم ما ۸٦، برانیدیم ۹۲، باراندیم ۱۱٤، میرانیم ۱۲۱

سُقُوا: وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا (۱٥:٤۷)
آب داده شند ۱، آب داده شود ۳، می‌خورانند ایشانرا ٦، می‌دهند ۲٤، بخورانندشان ۳۰، در خورد دهند ۳۸، خورانیده شوند ٤۳، آشامانند ٥۲، بخورانند ٥٦، آب داده شوند ۸۰، آشامانند ایشانرا ۱۰٥، با خورد داده شود آنها را ۱۱۳، آب دهندشان ۱۱٤، آشامانیده شود ۱۲۰، چشانده میشوند ۱۲۳، دهند ایشانرا ۱۳۸، داده شدند ۱۳۹

سَقَىٰ: فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ (۲٤:۲۸)
آب داد ۱، سیر آب داد ٤۷

سُقْيَاهَا: فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (۱۳:۹۱)

---

۱. شتفت: سقف

نیاوه‌ی آب ۱، آب‌خور ۳۴، آب ۵۱، آبش‌خور ۷۹، آشامیدن ۸۰، آب‌خوار ۸۷، آب دادن ۹۰، آب خورش ۹۶، آبشخور ۱۰۰، آب خورد ۱۱۴، آبخورد ۱۲۱، آبخور ۱۲۵

سَقَیْتَ: لِیَجْزِیَکَ أَجْرَ مَا سَقَیْتَ لَنَا (۲۸:۲۵)
آب دادی ۱، آب دادی تو ۵۳، آب برکشیدی ۸۸، آب دآدی ۱۰۰، آب کشیدی ۱۰۹، آشامانیدی ۱۲۰

سَقِیمٌ: فَقَالَ إِنِّی سَقِیمٌ (۳۷:۸۹)
گیمار[1] ۱، بیمار ۲۲، بیمارشدنی ۳۳، بیمار ۴۲، رنجور ۹۲

~: فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِیمٌ (۳۷:۱۴۵)
بیمار ۱، بیمارگونه ۲۲، رنجور ۹۲

سُکَارَیٰ: لَا تَقْرَبُوا الصَّلَوٰةَ وَأَنتُمْ سُکَارَیٰ (۴:۴۳)
مستان ۱، مَستان ۲۷، مستان باشید ۵۳، مست ۵۷

~: وَتَرَی النَّاسَ سُکَارَیٰ (۲۲:۲)
مِسْتان ۲، مَسْتان ۵۳، مُستان ۵۶، مَست ۶۲، مست شده ۷۶، سست و بیهوش ۱۱۶، بیهوش و مست ۱۲۱

سَکَتَ: وَلَمَّا سَکَتَ عَن مُّوسَی الْغَضَبُ (۷:۱۵۴)
بنِشَسْت ۲، آرامید ۳، بیارامید ۱۰، فرونشست ۳۹، بنشست ۴۲، آرامید ۵۵، خاموش شد ۶۱، فروآرمید ۱۰۲، آرمید ـ فرونشست ۱۰۹، آرام گرفت ۱۱۱، آرمید ۱۲۹

سَکَرًا: تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَکَرًا (۱۶:۶۷)
نبیذ[2] ۱، نبید خرما ۳، می و دوشاب ـ دوشاو[3] ۲۴، مست کاره ۴۲، شَرابْ ۵۳، نَبِید خرمَا ۵۵، آنچه مست کند ۵۶، سیکی ۵۸، مستی ۵۹، مَسْتی ۶۲، آنچه مستی می کند ۷۹، نبیذ خرما ۸۰، نبیذ ۹۳، مست کننده ۹۴، مستگان ۹۶، شکر ۱۲۲، مستکاره ۱۲۵، شیره ۱۳۶

سَکْرَةُ: وَجَاءَتْ سَکْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ (۵۰:۱۹)
بی هُشی ۲، سختی ۳، تلخی ۶، طلخی ۱۷، بیهشی ۳۶، جان کندن ۴۱، تاسه ۴۸، سستی مرگ ۶۵، تلخی و چشیدن ۸۱، بیهوشی ۹۲، سختی جان کندن ۱۲۲

سُکِّرَتْ: إِنَّمَا سُکِّرَتْ أَبْصَارُنَا (۱۵:۱۵)
وربسته شد ۱، بسته شود ۲، بسته شد ۳، وابسته‌اند ۲۴، بستند ۲۹، مست کردند ۴۱، خیرَهْ گردانیدَه‌انْد ۵۳، مست و خیره گردند ۵۷، بربسته شد ۵۸، مستی آورده شدند ۶۱، بَستَه‌اَند ۶۲، بسته‌اند ۷۶، خیره گردانیدست ۸۸، پوشیده کردند ۹۴، بستند ۱۱۴، بربسته شده ۱۲۲، خیره گردانیده‌اند ۱۲۴، بربسته‌اند ۱۳۴

سَکْرَتِهِمْ: لَعَمْرُکَ إِنَّهُمْ لَفِی سَکْرَتِهِمْ یَعْمَهُونَ (۱۵:۷۲)
مستی ۱، بی هشی ۲، مستی و گمراهی ۳، مَسْتیِ ۵۳، مَستیْ و بی آگاهی ۵۵، مستی و گمراهی و بی آگاهی ۷۱، بیهوشی گمراهی ۱۱۱، گمراهی و بیهوشی ۱۱۶

سَکَنَ: وَلَهُ مَا سَکَنَ فِی اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ (۶:۱۳)
بیارمند ۲، آرامید ۳، بیارامید ۹، آرام و آرام گاه و آسایش ۱۰، بیارامد ۲۴، آرمید ۳۰، می آرامد ۳۶، آرام گرفت ۴۱، بیارامید ۴۲، آرَامْ گیرَدْ ۵۳، آرَامید ۵۵، بیارامند ۸۸، آرام داده است ۹۰، بیارآمید ۹۴، آرآم دارد ۱۰۰، آرام کرد ۱۰۲، آرام

---

۱. گیمار / بیمار.
۲. نبیذ: می؛ شراب.
۳. دوشاو / دوشاب: شیره انگور.

گرفته ۱۱۱، آرام گیرد ۱۲۰

سَکَنًا: وَجَعَلَ ٱلَّیۡلَ سَکَنًا (۶:۹۶)

آرام گـاه ۲، آرام و آرام گـاه ۱۰، آرام دادن ۲٤، آرام ۲۷، آرام گاه ٤۲، آرامش جای ٤۳، آرامش ٤٤، آرام جای ۵۶، آرامیدن ۵۸، آرمیدن ۷٤، جای آرام ۷۶، آرامگاه ۱۲٤

~: وَٱللَّهُ جَعَلَ لَکُم مِّنۢ بُیُوتِکُمۡ سَکَنًا (۱۶:۸۰)

آرامیده ۳٤، آرامگاه ۵۳، آرام ۵۵، جای آرامش ۵۸، آرامی ۷۶، آرام گاه ها ۱۲۸

سَکَنٌ: إِنَّ صَلَوٰتَکَ سَکَنٌ لَّهُمۡ (۹:۱۰۳)

آرامشت ۱ و ۱۳۶، آرام ۳، آرامش ۱۳، آرام دل ٤۳، آرامی گاه ۵۳، آرامی ۸۵

سَکَنتُمۡ: وَسَکَنتُمۡ فِی مَسَٰکِنِ (۱٤:٤۵)

آرامیده بُودید ۲، آرامیدیت ۳، آرام گرفتید ۵، فرو آمدی شما ۲٤، بنشستید ۲۹، آرمیدید ۳۰، می بودید ۳۹، آرام گرفتیت ٤۱، آرام گرفته بودید ٤۲، آرامیدیت ۵۵، آرام افتید ۷۶، باشیت و آرامیدیت ۸۰، آرام گرفته بودیت ۸۳، آرام گرفتید شما ۸۹، بیارامیده بودید ۹٤، آرمیده بودید ۹۶

~: أَسۡکِنُوهُنَّ مِنۡ حَیۡثُ سَکَنتُم (۶۵:۶)

باشیدیت ۳، نشسته‌اید شما ۲٤، بیارامیدید ۳۸، می آرامید ۳۹، جای دادید ٤۹، نشستید ۸۸، جای بنشانی ۱۰۵، میگیرید ۱۳۲، درنشستید شما ۱۳۸

سِکِّینًا: وَءَاتَتۡ کُلَّ وَٰحِدَةٖ مِّنۡهُنَّ سِکِّینًا (۱۲:۳۱)

کارد ۱، کارْد ۵۵، کآرد ۱۰۰، کارد و ترنج ۱۱۸

سَکِینَةٌ: فِیهِ سَکِینَةٌ مِّن رَّبِّکُمۡ (۲:۲٤۸)

آرامش ۱، آرامی ۳، آرامش ٤۲، آرایش ٤٤، ارامش ۶۹، آرامي ۱۳۸

~: هُوَ ٱلَّذِیٓ أَنزَلَ ٱلسَّکِینَةَ فِی قُلُوبِ ٱلۡمُؤۡمِنِینَ (٤۸:٤)

آرام ۳، آرام و آسایش ٤۹، ارامش ۵۳، آرام دل ۸۰

~: فَأَنزَلَ ٱلسَّکِینَةَ عَلَیۡهِمۡ (٤۸:۱۸)

آرامش و بی ترسی از دشمن ٤٤، ارامش ۶۹، آسایش ۹۶، آرام و خوشی ۱۰۶، آرامیدن ۱۱۶

سَکِینَتَهُۥ: ثُمَّ أَنزَلَ ٱللَّهُ سَکِینَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ (۹:۲۶)

آرام ۳، دِل آرمند ۱۰، آرام خویش ۹۳، آراماش ۱۱۱

~: فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَکِینَتَهُۥ عَلَیۡهِ (۹:٤۰)

آرامش ۱، دل آرمندیدن ۱۰، آرامی ٤۱، آمرزش ۱۰۷، آرامیدن ۱۱۱، آرام گاه ۱۲٤

سَلۡ: سَلۡ بَنِیٓ إِسۡرَٰٓءِیلَ کَمۡ ءَاتَیۡنَٰهُم (۲:۲۱۱)

بُپرسْ ۲، پرس ۳، پُرسْ ۵۵، به پرس ۱۲۹

ٱلسَّلَٰسِلُ: وَٱلسَّلَٰسِلُ یُسۡحَبُونَ (٤۰:۷۱)

زنجیرها ۱

سَلَٰسِلَا۟: إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا لِلۡکَٰفِرِینَ سَلَٰسِلَا۟ (۷۶:٤)

زنجیرها ۱، زنجیرهاء ۹۰، زنجیر ۱۲۶

سُلَٰلَةٖ: وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِن سُلَٰلَةٖ (۲۳:۱۲)

گل خازه ۳۹، گل خشک ۵۲، گل تر ۵۳، بیرون کشیده ـ آب پشت ۵۶، گل خاره ۶۹، نرم ۷۶، خلاش ۹۲، کشیده ۱۰۶، کشیده و بیرون آورده ۱۱۳، بیرون کشیده شده ۱۳۲، بکیشیده ۱۳۸

~: ثُمَّ جَعَلَ نَسۡلَهُۥ مِن سُلَٰلَةٖ (۳۲:۸)

بیرون آورده ۲، گل بی آمیغ ۳، گل نرم ۱٤، پاره ۲۹، خازه سرشته ۳۶، بیرون آورزده ٤۶، گلِ نرم ۵۳، بیرون کشیده ۵۶، آب منی ۷۸، گل ۸۷، بکشیده ۸۹، آب ۱۰۵، آب ریخته شده از پشت ۱۲۲، پشت ۱۳۰

سَلَٰمٌ: لِمَنۡ أَلۡقَىٰٓ إِلَیۡکُمُ ٱلسَّلَٰمَ (٤:۹٤)

آشتی ۵۸

~: مَنِ ٱتَّبَعَ رِضۡوَٰنَهُۥ سُبُلَ ٱلسَّلَٰمِ (۵:۱۶)

رستگاری ٣، رَستگاری ٥٣، رستگی ٩٦

~: فَقُلْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ (٦:٥٤)
رستگاری ١٠ مکرّر

~: أَن سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ (٧:٤٦)
دَرود خدای ١٠، درود باد ٢٩

~: وَٱللَّهُ يَدْعُوٓاْ إِلَىٰ دَارِ ٱلسَّلَٰمِ (١٠:٢٥)
رستگاری از آفتها ١٠٩، رستگاری و دوستی ١٢٧

~: قِيلَ يَٰنُوحُ ٱهْبِطْ بِسَلَٰمٍ مِّنَّا (١١:٤٨)
بی آفت ٣، رهانیدن ٥٢، بی آفتْ ٥٥، رِهانیدَن ٩٤

~: قَالُواْ سَلَٰمًا قَالَ سَلَٰمٌ (١١:٦٩)
دَرُود ٥٥

~: ٱدْخُلُوهَا بِسَلَٰمٍ ءَامِنِينَ (١٥:٤٦)
بی آسِیب ٥٥

~: وَسَلَٰمٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ (١٩:١٥)
درُود ٢

~: وَٱلسَّلَٰمُ عَلَىٰ مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلْهُدَىٰٓ (٢٠:٤٧)
آفرین و درود ١٠٢

~: وَسَلَٰمٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ ٱلَّذِينَ ٱصْطَفَىٰٓ (٢٧:٥٩)
درود ٢

~: سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِى ٱلْجَٰهِلِينَ (٢٨:٥٥)
راه نمایاد ٢٤، درود بادا ٤٦، بدرود ٤٨

~: سَلَٰمٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ (٣٦:٥٨)
آفرین ١٠٢

~: سَلَٰمٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِى ٱلْعَٰلَمِينَ (٣٧:٧٩)
درُود بادا ٢، درود و آفرین ١٠٩

~: وَقُلْ سَلَٰمٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (٤٣:٨٩)
رستند ٣٠، دُرُود ٣٢، آفرین باد ١٠٢، رستید ١٠٨، رهایی ١٠٩

~: ٱدْخُلُوهَا بِسَلَٰمٍ (٥٠:٣٤)
بی آسیب ٣

~: فَقَالُواْ سَلَٰمًا قَالَ سَلَٰمٌ (٥١:٢٥)
درود دادن ٣

~: سَلَٰمٌ هِىَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ ٱلْفَجْرِ (٩٧:٥)
رستن ١١٤

★ سَلامٌ عَلَيْكَ: قَالَ سَلَٰمٌ عَلَيْكَ (١٩:٤٧)
بدرساد ترا ١٠٨

★ سَلامٌ عَلَيْكُمْ: سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ (٢٨:٥٥)
بدرود باشید ٤٧

سَلامًا: إِذْ دَخَلُواْ عَلَيْهِ فَقَالُواْ سَلَٰمًا (١٥:٥٢)
درُود ٢، درود باد ١٠٥

~: لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَٰمًا (١٩:٦٢)
سخن نیک ٩٦، درود آفرین ١٠٩

~: يَٰنَارُ كُونِى بَرْدًا وَسَلَٰمًا (٢١:٦٩)
بی آسیب ٣

~: يُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَٰمًا (٢٥:٧٥)
آفرین ٢٠

~: إِلَّا قِيلًا سَلَٰمًا سَلَٰمًا (٥٦:٢٦)
درود ٣، رستن ٣٩، رستن باد ١٣٩

سَلْسَبِيلًا: عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلْسَبِيلًا (٧٦:١٨)
روان آسان بگلو فرو شونده ٣، گواران ٤٣، روان ١١٤، روان و آسان بگلو فروشونده ١٢١، آسان بگلو رونده ١٢٩

سِلْسِلَة: ثُمَّ فِى سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ (٦٩:٣٢)
زنجیر ١

سُلْطَانًا: جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَٰنًا مُّبِينًا (٤:٩١)
گماشته ٥٨، دست یافت ١٠٩

~: وَءَاتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَٰنًا مُّبِينًا (١٥٣:٤)
دُرستیِ ٢، درستی ٥٢

~: فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِۦ سُلْطَٰنًا (٣٣:١٧)
دست ٤٢، دست آویز ٦٢، پادشاه ٩٤

~: وَٱجْعَل لِّى مِن لَّدُنكَ سُلْطَٰنًا نَّصِيرًا (٨٠:١٧)
توانا ٢٩

سُلْطَانٌ: مَّا نَزَّلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَٰنٍ (٧١:٧)
برهان ١١٣

~: وَمَا كَانَ لِىَ عَلَيْكُم مِّن سُلْطَٰنٍ (٢٢:١٤)
پادشایِ ٢

~: إِنَّ عِبَادِى لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَٰنٌ (٤٢:١٥)
راه ١٠٢، دست برد ١٠٩

~: إِنَّهُۥ لَيْسَ لَهُۥ سُلْطَٰنٌ (٩٩:١٦)
برگماشته شدن ٨٠، دست و نیرو ١٠٩

~: إِنَّ عِبَادِى لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَٰنٌ (٦٥:١٧)
پادشا ٢، گماشتگی ٣، برگماشتگی ٣٠، دَشت ٥٣، بَرگُماشتگی ٥٥

~: وَمَا كَانَ لَهُۥ عَلَيْهِم مِّن سُلْطَٰنٍ (٢١:٣٤)
دست ١٨، توانایی ٢٩

~: وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطَٰنٍ (٣٠:٣٧)
پادشاهی ٣٠، پادشاه ٨١، برگماشت ٩١

~: فَٱنفُذُوا۟ لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَٰنٍ (٣٣:٥٥)
جوانا[١] ٣٩، فرمان ١٠٨

سُلْطَانُهُ: سُلْطَٰنُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُۥ (١٠٠:١٦)
پادشایِ ٢، برگماشتن ٣، برگماشتگی ٣٠، بَرگُماشتگی ٥٥، توانایی ٥٨، گماشتگی ٨٠، گماشتن ٩٢، دست ٩٣، پادشاهی ٩٤

سُلْطَانِيَهْ: هَلَكَ عَنِّى سُلْطَٰنِيَهْ (٢٩:٦٩)
پادشا ٢، پادشاهی ٣، فرمان گذار ١١١، پادشاه ١٢٤

لَسَلَّطَهُمْ: وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ (٩٠:٤)
ورگماشتی[٢] ١، بگماشتی ٢، برگماشتی ٣، برگماشتی و برگمارَدی ١٠، گماشتی ٢٧، برگمارد ٣٦، گماشتی ٥٥، بگماشت ٨٠، بگمارد ١٠٢، بگماشتی ١٠٥

سَلَفَ: فَٱنتَهَىٰ فَلَهُۥ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ (٢٧٥:٢)
گُذشت ٢، گذشت از پیش ١٠، درگذشت ٢٨، گذاشته است ٩٠، از پس گذشت ٩٤

~: وَلَا تَنكِحُوا۟ ... مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ (٢٢:٤)
بگذشت ١، گُذشتست ٢، گذشته ٢٤، بگذشته است ٢٧، گذشته است ٢٩، پیش رفت ٣٠، از پیش گذشت ٤٠، بگذشته باشد ٤١، پیش برفت ٥٧، گذشته‌اند ٩٠

~: إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ (٢٣:٤)
گذشت است ١٠، گذاشته باشد ٤١، گذشتست ٦٤، گذشته باشند ٦٧، مرد ٦٩، بگذاشت ٩٢، گذشته بود ٩٦، درگذشته بود ١٠٠

~: عَفَا ٱللَّهُ عَمَّا سَلَفَ (٩٥:٥)
گُذشتٌ ٢، گذشت ٣، پیش گذشت ٩، کرده بودی زِپیش ٢٤، گُذَشْت ٥٥، رفت ٦٠، کردست ٦١، گزشت ٩٢، پیش رفته باشد ٩٦، پیش کرد ١٣٦

---

١. کذا (؟).
٢. ورگماشتی / برگماشتی.

~: يُغْفَرْ لَهُم مَّاقَدْ سَلَفَ (۸:۳۸)
گُذشتَسْت ۲، درگذشته است ۲٤، رفت و گذشت ۲۷، از پیش برفت ۳۵، گذشتَه باشَدْ ۵۳، پیش رَفْت ۵۵، پیش کردند ۹۲، گذشته باشد از پیش ۹۳، از پیش گذشته ۱۲۷، پیش کرده‌اند ۱۳۶

سَلَفًا: فَجَعَلْنَـٰهُمْ سَلَفًا (۴۳:۵٦)
پیش گُذشتن ۲، گذشتگان ۳، پیش گُذشْتِ ۲۲، گذشته ۲۹، پس رفته گان ۳۰، پیش گذشت ۳۸، فروشوند گان ۹۰، پیشینه ٩٤، پیش شوند گان ۹۸، پیش رفتگان ۱۰۸، پیشرو ۱۳۰

سَلَقُوكُمْ: فَإِذَا ذَهَبَ ٱلْخَوْفُ سَلَقُوكُم (۳۳:۱۹)
بزنند ۱، دراز کنند ٤۲، در زبان گیرند ٤٦، دراز زبانی کنند ٤٧، ببرند ۵۳، بد گویند ۵۸، بگیرند ٦١، رنجه دارند ٦٤، رنجانند ۷۹، آزارند ۸۰، فرا گیرند ۸۸، زبان آوری کنند ۸۹، رنج دادند ۹۲، برنجانند ۱۰۳، دراززبانی کند ـ بیازارند ۱۰۹، رنجانید ند ۱۱۳

سَلَكَ: وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا (۲۰:۵۳)
براند ۱، براند و پدید کرد ۲، پیدا کرد ۳، کرد ۲٤، درآورد ۲۹، انـدر آورد ۳٤، روان کـرد ۳۹، براند و پیدا کرد ٤١، اندر اوُرد ۵۳، پیدا آورد ٦٤، بگشاد ٧٦، پدید کرد ۷۹، بگرفت ۹۰، درآرد ۹۲، پدید کرد و راه کرد ٩٤، بنهاد ۱۰۲، پدید کرد و براند ۱۰۸، راه نمود ۱۲۱

سَلَكَكُمْ: مَاسَلَكَكُمْ فِى سَقَرَ (۷٤:٤۲)
در کـرد ۱، درآورد ۲، انـدر آورد ۱۹، آورد ۳۹، رَاه نمُود ٤۲، درآورد ـ در کشید ۱۰۹

سَلَكْنَاهُ: كَذَٰلِكَ سَلَكْنَـٰهُ (۲٦:۲۰۰)
در کردیم ۱، أندر آوردیم ۲، درآوردیم ۳، اندر آوردیم ۳۰، در کشیدیم ٤١، اندر اوُرْدیمْ ۵۳، در آوردیم ٦٩ همی درافکنیم ٧٦، درآوریم ۸۷، درآریم ما ۹۰، درآوریم ما ۹۲، انداختیم ما ۱۰۰، درمی آریم ۱۰۳

فَسَلَكَهُ: أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَسَلَكَهُۥ يَنَـٰبِيعَ (۳۹:۲۱)
براند ۱، درآورد ۳، دربرد ۲۹، اندرآورد ۳۰، داراورد ۳۳، بگشاد ٤١، بَرانَدْ ۵۳، راه سپُرد ۸۱، در کند ۱۳٦

سَلَّمَ: وَلَـٰكِنَّ ٱللَّهَ سَلَّمَ (۸:٤۳)
سپرد ۳، آسان کرد ۱۱، نگاه داشت ۳۹، برهانید ۵۷، نگاه دارد ۱۳٦

ٱلسَّلَمَ: وَأَلْقَوْاْ إِلَيْكُمُ ٱلسَّلَمَ (٤:۹۰)
آشتی ۲، آشتی ۳، گردن نهادن ۱۰، آشْتی ۵۵

~: فَأَلْقَوُاْ ٱلسَّلَمَ (۱٦:۲۸)
دست بدادند ٧٦، گردن ۱۱٤

~: وَأَلْقَوْاْ إِلَى ٱللَّهِ يَوْمَئِذٍ ٱلسَّلَمَ (۱٦:۸۷)
آشتی و فرمان بُرداری ۲، گردن ۳، فرمان برداری ۲۹، گردن نهند گی ۹۲

ٱلسَّلْمِ: وَإِن جَنَحُواْ لِلسَّلْمِ فَٱجْنَحْ (۸:٦١)
آشتی ۲، آشتی کردن ۱۰، آشِتی ۵۵، پاسخ ۱۱۳

~: فَلَا تَهِنُواْ وَتَدْعُوٓاْ إِلَى ٱلسَّلْمِ (٤٧:۳۵)
آشتی ۲

ٱلسِّلْمِ: ٱدْخُلُواْ فِى ٱلسِّلْمِ كَآفَّةً (۲:۲۰۸)
راشْتی ۲، آشتی ۳، راستی ۹۲، پناه خدا ۱۰۰

سَلَمًا: وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا (۳۹:۲۹)
یکتا ۱، بی انباز ۳، رسته ۲۲، دوست دار ۲٤، آشتی کننده ۳۹، درست ۵۳، فرمان بردار ۹۰

سُلَّمًا: نَفَقًا فِى ٱلْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِى ٱلسَّمَآءِ (٦:۳۵)
سرد[1] ۱، نردبان ۳، نردوان ۹، نردَبان ۵۵

سُلَّمٌ: أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ (۵۲:۳۸)
سرد[1] ۱، نردبان ۲، نردوان ۳۹، سردها ۸۱

سَلَّمْتُمْ: إِذَا سَلَّمْتُم مَّآ ءَاتَيْتُم بِٱلْمَعْرُوفِ (۲:۲۳۳)

---

۱. سرد: نردبان.

بوسپارید[1] ۱، بسپارند ۲، سپاریت ۳، واسپُرده باشی ۲٤، بسپارید شما ۲۹، سپردید ۳۹، بَسپارید ٤۲، بسپارید ٤۳، بسپَاریت ۵۵، بازسپارید شما ۵۷، گزارید ٦۱، گزارده باشید ٦۳، خود بسپاریت ۸۰، بسپاریت ۸۲، فراسپرید شما ۸۹، گردن نهید شما ۹۹، سپارید ۱۰۹، فراسپرده باشید شما ۱۳۸

سَلِّمُوا: فَإِذَا دَخَلْتُم بُيُوتًا فَسَلِّمُوا (٦۱:۲٤)
درود دهیت ۳، درود گویید ۱۲۱

~: صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (٥٦:۳۳)
نرم شید ۱، آفرین کنید ٤۷، گردن نهید ۷۹

ٱلسَّلْوَى: وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ ٱلْمَنَّ وَٱلسَّلْوَىٰ (۵۷:۲)
ورْتیج ۲، ورتیج بریان ۳، سمای بریان ٤، سُمانه ۱۰، کرجفوا ٤۹، وَرْتیج ۵۵، سمانا و مرغ بریان ۵۷، ورتیج ۸۲، ترنج[2] ۹۰، سامانهٔ بریان ۹۵، ترنگبین ۹۸، مرغ بریان ۱۰۰، ورتیج مرغیست سرخ رنگ ۱۰۱، رتیج ۱۰۵، ورتیج ـ سُمانی ۱۰۹، سمانه ۱۱۲، مرغ زودرنام[3] ۱۲۷.

~: وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ ٱلْمَنَّ وَٱلسَّلْوَىٰ (۱٦۰:۷)
مرغ بریان ۱، ورْتیج ۲، مرغ برشته ۲٤، ولج بریان ۲۷، سمانه بریان ۳۱، سرده ۳۵، ولج ۳٦، سمانه ٤۲، کرجفو ٤۹، وَرْتیج برَیان ۵۵، وریج ٦۹، ورتیج ـ سُمانه ۸۳، سُمانی ۹۳، سُمانَه ـ مرغ برشته ۹٤، مرغ بریآن ۱۰۰، شمانه[3] ۱۰۵، وتیج[2] ۱۱۰، سمانا ۱۲۰، مرغ سمانی ۱۲۷، ماهی برشته ۱۳٦

~: وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ ٱلْمَنَّ وَٱلسَّلْوَىٰ (۸۰:۲۰)
ورْتیج ۲ و ۱۲۸، مرغ بریان کرده ۲٤، مرغان ٤۸، سَمانَهٔ بُرْیانْ ۵۳، ولج ۷٤، مرغ ۷٦، مرغ سمانه ۷۹، وشم ۹٦، سُمانا ۱۰۹، ورتیج مرغ بریان ۱۱۹، مرغ زردفام ۱۲٤، مرغ بریان ۱۳۳، ورتج ۱۳۹

سَلِيم: إِلَّا مَنْ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۹:۲٦)
رسته از گناه ۲٤، درست ۲۹، پاک ٤۹، رسته و پاک ۱۰۹

~: إِذْ جَآءَ رَبَّهُۥ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸٤:۳۷)
راست ۳، رسته ۳۳، نرم ۸۷، واراسته ۱۱۱، گردن نهاده ۱۲۹، آرام ۱۳٦

سَمّ: حَتَّىٰ يَلِجَ ٱلْجَمَلُ فِى سَمِّ ٱلْخِيَاطِ (٤۰:۷)
سوراخ ۱، سُولاخ ۲، سُولاخ ۱۰، سُورَاخ ۵۵، دهن ۹۰، سوفار ۹۹، سوراخ ـ سوفار ۱۰۹، سِفت ۱۲۱

ٱلسَّمَاءَ: ٱلْأَرْضَ فِرَٰشًا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءً (۲۲:۲)
آسمان ۱۰، آسْمَان ۵۵

~: وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن مَّآءٍ (۱٦٤:۲)
ابر ۳۰

~: وَأَرْسَلْنَا ٱلسَّمَآءَ عَلَيْهِم مِّدْرَارًا (٦:٦)
بَارَان ۵۵، باران ٦۳

~: قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ (۳۱:۱۰)
آسمان ۱

~: مَثَلَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا كَمَآءٍ أَنزَلْنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ (٤۵:۱۸)
آسُمان ۵۷

~: وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَآءَ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا (۱٦:۲۱)
آسمانها ۱۲

~: يَوْمَ نَطْوِى ٱلسَّمَآءَ كَطَىِّ ٱلسِّجِلِّ (۱۰٤:۲۱)

---

۱. بوسپارید / بسپارید.
۲. یا کلمهٔ تازه‌ای است، برای این لغت، یا تحریفی از همان کلمهٔ «ورتیج».
۳. کذا در اصل متن.

آسما ٦١

~: فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى ٱلسَّمَآءِ (٢٢:١٥)

سقف خانه ١، آسمان خانه ٤١، کاج خانه آسمانهٔ خانه ١٠٩

~: وَأَنزَلْنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً طَهُورًا (٢٥:٤٨)

اسما ٤٦، آسمان، میغ ٤٧

~: وَأَنزَلْنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً (٣١:١٠)

آسمان و میغ ٤٧

~: أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً (٣٥:٢٧)

آسمان ٢٢

~: ءَأَمِنتُم مَّن فِى ٱلسَّمَآءِ (٦٧:١٦)

افراشته ١١٧

~: وَٱلسَّمَآءِ وَٱلطَّارِقِ (٨٦:١)

اسمان ٩٨

سَمَّاعُونَ: هَادُوا۟ سَمَّٰعُونَ لِلْكَذِبِ (٥:٤١)

نیک شنونده ٣، شنوانند گان ٢٧، فراشنوند گان ٣٤، می شنوانند ٤١، بشنوانند ٤٨، شنوندهٔ ٥٣، نیک شُنَوَنده ٥٥، گوش دارند ٥٨، شنوید گان ٧٦، شنوا ١٠٥، نیک شنوند گان ١٠٩، شنوایان ١٢٢

~: سَمَّٰعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّٰلُونَ لِلسُّحْتِ (٥:٤٢)

گوش دارند گان ٢، بشنوند ٥٨، نیوشند گان ٨٠

~: وَفِيكُمْ سَمَّٰعُونَ لَهُمْ (٩:٤٧)

نیوشیداران[1] ١، شنوند گان ٢، آوازه در اندازه ٤١، خاموشان ٤٨، گوش د آرند گان ٩٤، جاسوسان ١١٢، سخن چینان ١١٣

سَمَّاكُمُ: هُوَ سَمَّىٰكُمُ ٱلْمُسْلِمِينَ (٢٢:٧٨)

نام کرد ١، داد نام ٢، نام کرده است ٢٤، نام نهاد ٢٩، نهاده است نام ٦٢، نام نهاده است ٦٤، خواند ١٠٨، نام نهادیم ١١٣، نامید ١٣٢

سِمَانٍ: إِنِّىٓ أَرَىٰ سَبْعَ بَقَرَٰتٍ سِمَانٍ (١٢:٤٣)

ستور[2] ١، فربه ٢، فربهان ٣، فروی[3] ٢٤، فَربه ٥٣، فَربِهان ٥٥، فَربهْ ٦٩، فَرْبهْ ٩٤، چاق ١٣٦

~: أَفْتِنَا فِى سَبْعِ بَقَرَٰتٍ سِمَانٍ (١٢:٤٦)

ستور[2] ١، فربی[3] ٤٩، فَربهان ٥٥

سَمِعَ: لَّقَدْ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوْلَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓا۟ (٣:١٨١)

اشنید ١، شنید ٢، بشنید ١٠، بَشنید ٥٢، می شنود ٥٣، شنود ٥٧، شنوید ١٠٩

~: قَدْ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوْلَ ٱلَّتِى تُجَٰدِلُكَ (٥٨:١)

شنید ١

ٱلسَّمْعَ: أَمَّن يَمْلِكُ ٱلسَّمْعَ وَٱلْأَبْصَٰرَ (١٠:٣١)

گوش شنوا ١٠، شنوایی ٣٤، شَنوایی ٦٢، اشنوا ٧٥

~: مَا كَانُوا۟ يَسْتَطِيعُونَ ٱلسَّمْعَ (١١:٢٠)

شنودن ٣، شنودن ٥٥، شنید ٥٨، شنیدند ١٢٧

~: إِلَّا مَنِ ٱسْتَرَقَ ٱلسَّمْعَ (١٥:١٨)

گوش سخنی ١١٩

~: وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمْعَ وَٱلْأَبْصَٰرَ (١٦:٧٨)

شنوایی ٢، شنوایی ها ٨٨

~: إِنَّ ٱلسَّمْعَ وَٱلْبَصَرَ ... كَانَ عَنْهُ مَسْـُٔولًا (١٧:٣٦)

گوش ١، شنوایی ٢، اشنودن ٩٤

---

١. نیوشیداران: شنوند گان؛ جاسوسان.

٢. ستور: فربه و ستبر.

٣. فروی / فربی: فربه.

~: أَنشَأَ لَكُمُ ٱلسَّمْعَ وَٱلْأَبْصَٰرَ (٧٨:٢٣)
شنوای ٢، اشنوایی ٢٤

~: إِنَّهُمْ عَنِ ٱلسَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ (٢١٢:٢٦)
اشنیدن ١، شنودن ٢، شنیدن ٢٤

~: يُلْقُونَ ٱلسَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَٰذِبُونَ (٢٢٣:٢٦)
شنیدن ٢، شنوده ٣، شنویدن ٢٤، شُنُودَن ٥٣، شنود ٩١

~: أَوْ أَلْقَى ٱلسَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ (٣٧:٥٠)
گوش شنیدن ٣٤

~: وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَٰعِدَ لِلسَّمْعِ (٩:٧٢)
نیوشیدن ١، گوش فاداشتن ٦، مرشنیدن ٦١، گوش داشتن ٩٢، گوش بازداشتن ١٠٠

سَمْعًا: وَكَانُوا۟ لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا (١٠١:١٨)
اشنیدن ١، شنودن ٢٤، شِنِیدَن ٤٢، شنیدن ٤٣، شُنُودَن ٥٥

~: وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَٰرًا (٢٦:٤٦)
شنوایی ١٧، گوش ٥١، شنواییها ٦١، شنوائی ٦٤

سَمِعَتْ: فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ (٣١:١٢)
اشنید ١، شنود ٣، بشنود ٢٤، بشنید ٣٦، شنید ٥٣، بَشنید ٧٦، شِنفت ١١٤

سَمِعْتُمْ: إِذَا سَمِعْتُمْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا (١٤٠:٤)
اشنید ١، بشنوید ٢، شَنوید ١٠، بشنوی شما ٢٤، شنوید ٢٩، گوش داشتید ٤٥، شنیدید ٥٦، گوش دادید ٦١، بشنوید شما ٧٦، بشنودیت ٨٨، شنوید شما ٨٩، شنویت ٩٧

سَمِعْتُمُوهُ: لَّوْلَآ إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ ٱلْمُؤْمِنُونَ (١٢:٢٤)
اشنیدید ١، بشنیدید ٢٤، بشنیدید ٥١، شنودید ٥٣، بشنودید ٥٨، شنودیت ٩١

سَمْعَكُمْ: قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ ٱللَّهُ سَمْعَكُمْ (٤٦:٦)
شنَوای ٢، شنوائی ٤٣، شَنوا ٥٣، اشنوای ٥٧، شنوایها ٦٣، شنوایی ٨٢، گوش ١٢١

سَمِعْنَا: قَالُوا۟ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا (٩٣:٢)
بشنیدیم ١٠، شُنُودِیم ٥٥، می شنویم ١٣٦

~: وَقَالُوا۟ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ (٢٨٥:٢)
شنیدیم ٢، شنودیم ٣، بشنیدیم ما ٢٧

~: رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِى لِلْإِيمَٰنِ (١٩٣:٣)
شنیدیم ٢، بشنیدیم ١٠، شنودیم ما ٧٩، ما شنودیم ٩٦

~: وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا (٤٦:٤)
اشنیدیم ١، شنیدیمی ما ٦١، شنودیدیم ١٠٩

~: وَلَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ قَالُوا۟ سَمِعْنَا (٢١:٨)
بشنودیم ٢٤، بشنیدیم ما ٢٧، بشنودیم ما ٢٩، ما شنیدیم ٦٤، شنید ما ١١٣، شَنودیم ١٢١

~: وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا قَالُوا۟ قَدْ سَمِعْنَا (٣١:٨)
شنوده بودیم ما ١٢٤، باشنده بودیم ١٢٧

~: قَالُوا۟ سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ (٦٠:٢١)
شنیدیم ما ٥٦

~: أَن يَقُولُوا۟ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا (٥١:٢٤)
شِنودیم ٥١

~: رَبَّنَآ أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا (١٢:٣٢)
شنیده بودیم ما ٥٨، شنیده ایم ٩٨

~: إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا يَهْدِىٓ إِلَى ٱلرُّشْدِ (١:٧٢)
گوش داشتیم ٣٠

~: وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا ٱلْهُدَىٰٓ ءَامَنَّا بِهِۦ (١٣:٧٢)
شنیدیم ٦، شنوده ایم ما ١١٣

★ مَا سَمِعْنَا: لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَٰذَا (٢٤:٢٣)
هرگز نشنیدیم ٦٤

~: وَمَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِىٓ ءَابَآئِنَا ٱلْأَوَّلِينَ (۲۸: ۳٦)
نشنید یم ما ٤۱، نشنود یم ما ٤۷، نشنیده ایم ما ٦٤، نشنید یم ما ۷٦، نشنیده ایم ۱۱۱

~: مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِى ٱلْمِلَّةِ ٱلْـَٔاخِرَةِ (۳۸: ۷)
نیشنید یم ۱، نشنود یم ۳۰، ما نشنید یم ۸۱، نشنوده ایم ما ۱۰۳

سَمِعَهُۥ: فَمَنۢ بَدَّلَهُۥ بَعْدَ مَا سَمِعَهُۥ فَإِنَّمَآ إِثْمُهُۥ (۲: ۱۸۱)
شنود ۳، فاشنیده بود ۱۰، شنوده بود ۲٤، شنیده باشد ۲۹، بشنیده بود ٤۰، شنید ٤۲، بشنود ۵۳، شنید ۵۵، بشنید ۵٦، شنید ٦۱، بشنیده باشد ٦٤، شنیده شد ۱۲۳

سَمْعِهِۦ: وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِۦ وَقَلْبِهِۦ (٤۵: ۲۳)
شنوایی ۳۹، شنوایی ٦۱، شنوائی ۱۰۰، گوش ۱۱٤

سَمْعِهِمْ: خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ (۲: ۷)
شنوایها ۲، گوش ۵۵، شنوائیها ٦۰

~: وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَٰرِهِمْ (۲: ۲۰)
شنوااى ۲، گوشها ۱۰، شنوایی ۸۸

~: طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ (۱٦: ۱۰۸)
گوشها ۱، گوش ها ۵۳

~: حَتَّىٰٓ إِذَا مَا جَآءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ (٤۱: ۲۰)
شنوای ۱۵، شنوا ٤۱

سَمِعُوا: وَإِذَا سَمِعُوا۟ مَآ أُنزِلَ إِلَى ٱلرَّسُولِ (۵: ۸۳)
بشنوند ۲، شنوند ۳، بیشنوند ۳۷، میشنوند ۱۳۰

~: سَمِعُوا۟ لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا (۲۵: ۱۲)
بشنوند ۲، بشنوید ۵٦، بشنودند ۸۷

~: وَإِذَا سَمِعُوا۟ ٱللَّغْوَ أَعْرَضُوا۟ عَنْهُ (۲۸: ۵۵)
اشنند ۱، سخنی شنید ندی ٤٦، بشنید دی ۷٦، شنودند ۸۰، می شنوند ۱۰۳

~: وَلَوْ سَمِعُوا۟ مَا ٱسْتَجَابُوا۟ لَكُمْ (۳۵: ۱٤)
بیشنند ۱، بشنید ندی ۵۸، شنید ندی ۸٦، شنوندی ۱۱٤

~: لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَٰرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا۟ (٦۸: ۵۱)
اشید ند ۱، بشنید ند ۲، شنید ند ۱۰۳، شنوید ند ۱۰۹

سَمْكَهَا: رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوَّىٰهَا (۷۹: ۲۸)
سقف ۱، اِستَروَا ۲، سفد ۳۰، بلندی ۳۸، بالا ٦۷، آسمانه ۹٤، بام ۹٦، بی ستون ۱۰۰، کاژ ۱۰۲

ٱلسَّمَٰوَٰتُ: فَسَوَّىٰهُنَّ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ (۲: ۲۹)
آسمان ۸۲

~: إِنِّىٓ أَعْلَمُ غَيْبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۲: ۳۳)
هفت آسمان ۱۰، آسمانها ۵۵، آسمانهاء ۹۰، آسماها ۱۳۳

~: مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ (۲: ۲۵۵)
همه آسمانها ۵٦

~: لَّهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ (٤: ۱۷۱)
آسمانها ۱

~: تُسَبِّحُ لَهُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ ٱلسَّبْعُ وَٱلْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ (۱۷: ٤٤)
آسمانها ۳

~: مَآ أَنزَلَ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ (۱۷: ۱۰۲)
آسمانها ۱

~: أَنَّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا (۲۱: ۳۰)
آسمنها ۱۱۳

~: ٱتَّبَعَ ٱلْحَقُّ أَهْوَآءَهُمْ لَفَسَدَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ (۲۳: ۷۱)
آسمانها ٤۷

ٱلسَّمُوم: وَٱلْجَآنَّ خَلَقْنَٰهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ ٱلسَّمُومِ (۱۵: ۲۷)
گرم ۱، سوزان ۳، سوزنده ۲٤، سوزاننده ٤۱، گرم ۵۳، گرم ۷٦، بی دود ۷۹، گرم بی دود ۹۰، گرم کرده ۹۲، زهردار ۱۲۹

~: فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَىٰنَا عَذَابَ ٱلسَّمُومِ (۵۲: ۲۷)

باد گرم کشنده ۳، آتش سوزنده ۲٤، دمهٔ آتش ۳۰، باد گرم سوزنده ٤۱، دوزخ ۵۳، آتش گرم ٦۵، آتش رونده در دماغ ۷۹، گرما ۹۰، گرم سخت ۹٤، باد آتش گرم ۹٦، بآد گرم ۱۰۰، آتش دوزخ ۱۰٤، گرم سوزان ۱۰۸، باد سوزان دوزخ ۱۰۹، کشنده ۱۲۹، بسیار گرم ۱۳٦

~: فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ وَظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ (٥٦: ٤٢)

باد گرم ۲، آتش ۲٤، سوختن ۳۹، باد سوزان ٤۱، تَپش ٤۲، بادهاء گرم و تف دوزخ ٤۹، بَاد گرم ۵۱، تبش ۵۲، آتش بی دود ٦۱، باد گرم کننده ۸۰، بادی گرم کننده ۹۱، گرمی آتش دوزخ ۱۰۹، آتش سوزان ۱۱۱، آتش دررونده ۱۱۳، بادهای کشندهٔ گرم ۱۲۱، بادی گرم ۱۳٤، باد ۱۳۸

سَمُّوهُمْ: وَجَعَلُوا۟ لِلَّهِ شُرَكَآءَ قُلْ سَمُّوهُمْ (١٣: ٣٣)

نام کنید ۱، نام کردیت ۳، نام ببرید ۷ مکرّر، نام بری ۲٤، نام نهید ۲۹، نام کنیت ۳۰، نام برید ۳٦، نام نهیت ٤۱، نام بَریْد ۵۳، نَام کُنیت ۵۵، نام برند ٦۲، نام مِی نِهید ۷٦، نآم نهادید ۱۰۰، نام برنهید ۱۱۳، بنامید ۱۲۲

سَمِيًّا: لَمْ نَجْعَل لَّهُۥ مِن قَبْلُ سَمِيًّا (١٩: ٧)

هم نام ۱، همنام ۳۸، نام برده ٦۱، هَمْنَام ٦۲

~: وَٱصْطَبِرْ لِعِبَٰدَتِهِۦ هَلْ تَعْلَمُ لَهُۥ سَمِيًّا (١٩: ٦٥)

مانستهی ۱، همتا ٤۲، مانند ۵۳، هم نامی ٦۱، همتای ۱۰۵، هم نام و هم تای ۱۰۹، همه نام ۱۳۹

سَمَّيْتُمُوهَا: أَتُجَٰدِلُونَنِى فِىٓ أَسْمَآءٍ سَمَّيْتُمُوهَآ (٧: ٧١)

نام کردید ۱، نام کردیذْ ۲، نام کردیت ۳، نام کردستی ۲٤، نام کردید شما ۲۷، نام نهادهایت ٤۱، نام کردَهاند ٤۵، نَام کَرْدیت ۵۵، نام نهادی شما ۵۷، نهادَهاید ٦۲، نام نهادهاید ٦٤، نام برید ۹٤، نام بردید ۱۲٤، نام کرده شدهاید ۱۳٦، نَام کردید ۱٤۰

~: إِلَّآ أَسْمَآءً سَمَّيْتُمُوهَآ (١٢: ٤٠)

شما نام نهادید ۲، نام کردهاید ۲٤، نام نهادید ۲۹، شما نام نهادهاید ٤۲، نام بُردید ۵۳، نَام کَردِیت ۵۵، نام نهادی ٦۰، نام بردید تان ٦۱، نام نَهادَهاید ٦۲، نام نهادید شما ٦۳، برنهادِیْد ۷٦، نآم نهادهاید شما ۱۰۰، برنهادید ۱۱۸، نامیدهاید ۱۲۲

~: إِنْ هِىَ إِلَّآ أَسْمَآءٌ سَمَّيْتُمُوهَآ أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُم (٥٣: ٢٣)

نام نهادیت ٤۱، می نامید ٤۳، نامیدهاید شما ۱۳٦

سَمَّيْتُهَا: وَإِنِّى سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ (٣: ٣٦)

نام کردم ۲، نام کردُم ۱۰، نام نهادم ۳۸، نَام کردَم ٤۲، نَام کَرْدَم ۵۵، نآم نهادم ۱۰۰، نام نهادهام ۱۰۲، نام نهادیم ۱۰٦، نامیدم ۱۲۲

سَمِيعٌ: إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ (٢: ١٢٧)

شِنوا ۲، شنوا و پذیرنده ٦۱

~: وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (٢: ٢٢٤)

شنَوا ۲، شنواست ۲۷

~: وَإِنْ عَزَمُوا۟ ٱلطَّلَٰقَ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (٢: ٢٢٧)

شِنَوا ۹٦

~: وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (٢: ٢٤٤)

اشنوای ۱، شنوآ ۹٤

~: ذُرِّيَّةًۢ بَعْضُهَا مِنۢ بَعْضٍ ۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (٣: ٣٤)

شِنَوا ٤۲

~: فَتَقَبَّلْ مِنِّىٓ ۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ (٣: ٣٥)

شنوای ۲۸

~: إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ (٣: ٣٨)

شنونده ۲۵، شنوَنده ٤۲، شنونده ـ پاسخ کننده ۱۰۷، شنوانده ۱۰۹

~: وَٱللَّهُ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ (٥: ٧٦)

شنوا ۲

~: وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ (۶:۱۳)
شنوا[ی] گفتار ۲۶

~: لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ (۶:۱۱۵)
اشنوا ۱

~: وَإِنَّ ٱللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ (۸:۴۲)
نیک شنوا ۳، شنوآ ۱۰۰

~: وَٱلْأَصَمِّ وَٱلْبَصِيرِ وَٱلسَّمِيعِ (۱۱:۲۴)
اشنوا آن ۶۲

~: إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ (۱۴:۳۹)
اشیدار ۱، شنونده ۵۷

~: لِنُرِيَهُۥ مِنْ ءَايَٰتِنَآ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْبَصِيرُ (۱۷:۱)
شنَوا ۵۵، شنوا و دانا ۵۸

~: وَأَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌۢ بَصِيرٌ (۲۲:۶۱)
شنواء ۶۴

~: فَبِمَا يُوحِىٓ إِلَىَّ رَبِّىٓ إِنَّهُۥ سَمِيعٌ قَرِيبٌ (۳۴:۵۰)
بشنوا ۶۱

~: إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْبَصِيرُ (۴۰:۵۶)
اشنَوا ۲۲

~: وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْبَصِيرُ (۴۲:۱۱)
شنوانا ۶۱، شنواء بی گوش ۶۴

سَمِيعًا: إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ سَمِيعًۢا بَصِيرًا (۴:۵۸)
شنوا ۲، شنوآ ۱۰۰، شنوای ۱۰۳

~: وَكَانَ ٱللَّهُ سَمِيعًۢا بَصِيرًا (۴:۱۳۴)
اشنوا ۱

~: وَكَانَ ٱللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا (۴:۱۴۸)
شنَوا ۴۵، شنوا گفتار گوینده را ۸۸، شنوآیی ۹۴، شنواد ۱۰۲

~: فَجَعَلْنَٰهُ سَمِيعًۢا بَصِيرًا (۷۶:۲)
شنواء ۶۴

سَمِينٍ: فَرَاغَ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ فَجَآءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ (۵۱:۲۶)
فربه ۱، فَربه ۲، فربه ـ بریان کرده ۳۰، فربه برشته ۱۰۵، فربه بریان ۱۰۸، چاق ۱۳۶

ٱلسِّنَّ: وَٱلْأُذُنَ بِٱلْأُذُنِ وَٱلسِّنَّ بِٱلسِّنِّ (۵:۴۵)
دندان ۱، دَندان ۵۵، دند آن ۹۴

سَنَا: يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِۦ يَذْهَبُ بِٱلْأَبْصَٰرِ (۲۴:۴۳)
روشنایی ۱، رُوشنایی ۲، روشنی ۲۹، درفش ۳۹، روشنائی ۶۹، رخشیدن ۷۷، روشنی درخشیدن ۷۹، روشن درخشیدن ۱۱۳، روشنای ۱۱۹، درخشیدن ۱۳۴

سَنَابِلَ: كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنۢبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ (۲:۲۶۱)
خوشه ۱، خوشَه ۵۵، خوشَه ۶۱، خوشها ۱۰۳

سُنۢبُلَٰتٍ: وَسَبْعَ سُنۢبُلَٰتٍ خُضْرٍ (۱۲:۴۳)
خوشه ۱، خوشهاء گندم ۴۳، خوشه ۵۵، خوشه گندم ۸۸، خوشهای گندم ۱۰۹

~: وَسَبْعِ سُنۢبُلَٰتٍ خُضْرٍ (۱۲:۴۶)
خوشَه ۳، خوشها ۲۹

سُنۢبُلَةٍ: فِى كُلِّ سُنۢبُلَةٍ مِّا۟ئَةُ حَبَّةٍ (۲:۲۶۱)
خوشه ۱، خوشَه ۲

سُنۢبُلِهِ: فَمَا حَصَدتُّمْ فَذَرُوهُ فِى سُنۢبُلِهِۦٓ (۱۲:۴۷)
خوشَه ۲، خوشَه ۶۲، خوشها ۷۹

سُنَّةُ: فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ ٱلْأَوَّلِينَ (۸:۳۸)
نهاده ۳۵، آیین ۷۴، راه و نهاد ۱۰۹، شیوه ۱۲۱

~: لَا يُؤْمِنُونَ بِهِۦ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ ٱلْأَوَّلِينَ (۱۵:۱۳)
راه ۲، نهاد ۳

~: إِلَّآ أَن تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ ٱلْأَوَّلِينَ (۱۸:۵۵)
نهاد ۵۹

~: سُنَّةَ ٱللَّهِ فِى ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلُ (۳۳:۳۸)

راه نهادن ۳، نهاد نیکو ۴۷، فرمان و نهاد ۵۸

~: سُنَّةَ ٱللَّهِ فِي ٱلَّذِينَ خَلَوْاْ مِن قَبْلُ (۳۳: ۶۲)
نهاد ۵۳، آئین ۹۰، سرشت ۱۱۰، نهادگان ۱۳۹

~: فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَبْدِيلًا (۳۵: ۴۳)
روش ۳۹، آئین نهاده ۹۰

~: سُنَّتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِۦ (۴۰: ۸۵)
نهاد ۲۲

سَنَةٍ: يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ (۲: ۹۶)
سال ۲، سال ۶۲

~: قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً (۵: ۲۶)
سال ۱۰۰

~: فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا (۲۹: ۱۴)
سال ۱

سِنَةٌ: لَا تَأْخُذُهُۥ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ (۲: ۲۵۵)
کسه ۱، غنو ۳، اونایيدن ۱۰، خواب سبک ۲۴، در خواب شدن ۲۵، خواب سبک و غنودن ۳۰، غنودن ۳۶، غنودن ۴۲، خواب آسایش ۴۸، غَنَوْ ۵۵، خواب خورد ۶۱، اونَايِيدَن ۶۳، غنود ۷۵، خواب سُبک ۸۹، غنودن ۹۴، خوآب اند ک ۱۰۰، غنوده ۱۰۵، غنوديه ۱۱۰، خواب اند ک ۱۱۲، غنود گی ۱۱۵، چرت ۱۲۰، تمو ۱۲۷، پینکی ۱۳۶

لِسُنَّتِنَا: وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا (۱۷: ۷۷)
راه ۲، نهاد ۸، رَاه ۵۵، نهاد و راه ۵۶، نهاده ۵۷، روش ۶۱، آیین ۱۰۲، راه و نهاد ۱۲۴، راه نهاد ۱۲۹

سُنْدُسٍ: وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُندُسٍ (۱۸: ۳۱)
دیبایٍ تنک ۲۹، دیباء تنک ۴۳، جامهاء تنک ۴۴، دیبا تنگ ۵۹، دیبا تنک ۷۶، دیباهای باریک ۹۶، دیبای تنک ۱۰۰، دیبآی تنک ۱۰۵، دیبای نازک ۱۱۱، دیباهای نازک ۱۱۶

~: يَلْبَسُونَ مِن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ (۴۴: ۵۳)
دیباه ۲، دیباه تنک ۳، دیباه ۱۶، دیبای سطبر ۲۲، دیبای باریک ۳۴، دیبا ۳۸، دیباء تنک ۳۹، دیباههاء تنک و بافته ۴۴، دیباهاء تنک ۴۹، دیباها تنک ۶۱، جامهاء تنک ۶۴، دیبای تُنک ۱۰۴، حریر نازک ۱۱۶، جامه ابریشم ۱۲۰، دیبای خوش ۱۲۲

~: عَٰلِيَهُمْ ثِيَابُ سُندُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ (۷۶: ۲۱)
دیبا باریک ۲۴، دیبا نیکو ۱۰۸، دیباء باریک ۱۰۹، دیباء ۱۲۳

سُنَنٌ: قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ (۳: ۱۳۷)
نهادها ۱، نهادها و راهها ۲۳، کارهای کرده ۴۱، راهها و نهادها ۵۳، روشها ۶۱، نهاد ۷۲، نهاد راهها ۸۸، گروهان ۸۹، روشها و آیینها ۱۰۹

~: يَهْدِيَكُمْ سُنَنَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ (۴: ۲۶)
راهها ۱، روش ۴۱، راه ۵۲، راه‌ها ۸۰، آیین ۹۰، رآهِهَا ۹۴، آئینها ۱۰۲، رفتها ۱۰۹، راها ۱۱۸، رسمها ۱۲۴

سِنِينَ: وَلَقَدْ أَخَذْنَآ ءَالَ فِرْعَوْنَ بِٱلسِّنِينَ (۷: ۱۳۰)
تنگیها ۳۵، سالهاء تنگی ۴۱، تنگ سالها ۴۲، خشک سالها ۱۰۲، تنگی ۱۰۴

~: فَلَبِثَ فِي ٱلسِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ (۱۲: ۴۲)
سال ۱

~: قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا (۱۲: ۴۷)
سالْ ۲

~: وَلِتَعْلَمُواْ عَدَدَ ٱلسِّنِينَ وَٱلْحِسَابَ (۱۷: ۱۲)
سَالَهَا ۵۳، سَالْهَا ۵۵، سالها ۱۰۰

~: عَلَىٰٓ ءَاذَانِهِمْ فِي ٱلْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا (۱۸: ۱۱)
سَالهَا ۵۵، سالهَا ۶۲

~: فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِيٓ أَهْلِ مَدْيَنَ (۲۰: ۴۰)
سالها ۱، چندین سال ۳۴، چندی سال ۱۱۱، چند سال ۱۳۲

~: قَٰلَ كَمۡ لَبِثۡتُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ عَدَدَ سِنِينَ (۲۳:۱۱۲)
سالهان ۹۲

~: وَلَبِثۡتَ فِينَا مِنۡ عُمُرِكَ سِنِينَ (۲۶:۱۸)
سالها ۴۳

~: أَفَرَءَيۡتَ إِن مَّتَّعۡنَٰهُمۡ سِنِينَ (۲۶:۲۰۵)
سالی چند ۶۲، سالها ۷۶

~: سَيَغۡلِبُونَ فِي بِضۡعِ سِنِينَ (۳۰:۴)
سالها ۵۳

سُهُولِهَا: تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورًا (۷:۷۴)
نرمان ۱، پشتها ۲، زمینها [ی] نرم ۳، نرم زمین ۱۰، نشانیها و نرمیها ۱۰ مکرّر، نرم ۲۷، نرمیها ۳۸، زمین نرم ۳۹، زمینهاء نرم ۴۲، زمینهای نرم ۴۳، هامون ۴۸، هامونیها ۵۳، زمینها ۵۷، نرمها ۵۸، هامونها ۶۲، زمین آسان ۷۶، نشیبها و نرمیها ۸۳، نرمیهای زمین ۸۴، زمین های نرم ۸۵، نشانیها ۸۸، زمین هامون ۱۰۰، زمینهای نرم ۱۰۵، همواران ۱۱۶، آسانی ۱۲۱، زمینهای هموار ۱۲۲، زمینهای همواران ۱۲۷، جاهای نرم ۱۳۵، پشتها ۱۴۰

سَوَاءٌ: إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ (۲:۶)
یکسان ۲، یکسان ۵۵

~: فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ (۲:۱۰۸)
راست ۲

~: تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ كَلِمَةٖ سَوَآءِۭ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ (۳:۶۴)
برابر ۲، راست یکسان ۲۸، راست و یکسان ۳۰، برابر ۹۴، یکسان ۱۰۰

~: لَيۡسُواْ سَوَآءٗۗ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ أُمَّةٞ قَآئِمَةٞ (۳:۱۱۳)
یکسان و برابر ۵۵، برابران ۶۱

~: فَتَكُونُونَ سَوَآءٗۖ فَلَا تَتَّخِذُواْ مِنۡهُمۡ أَوۡلِيَآءَ (۴:۸۹)
گراگر[۱] ۱، یک سان ۲، یکسان و برابر ۳، همسان ۴۵، یک سان ۹۴

~: فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ (۵:۱۲)
راست ۲، میانه ۳، راستی راه ۱۰۷، راستی ۱۲۴

~: سَوَآءٌ عَلَيۡكُمۡ أَدَعَوۡتُمُوهُمۡ (۷:۱۹۳)
یکسان او برابر ۱۰، یک بگونه ۴۹، یک ۷۴، بترین ۱۰۷

~: فَٱنۢبِذۡ إِلَيۡهِمۡ عَلَىٰ سَوَآءٍ (۸:۵۸)
راستی و همواری ۲، برابری و یکسانی ۱۰، آشکارانه ۲۴، همواری ۴۲، برابری ۵۵، همانی ۵۸، برابری ۹۰، راست تر ۱۱۲، آشکارا ۱۲۷

~: فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُلۡ ءَاذَنتُكُمۡ عَلَىٰ سَوَآءٖ (۲۱:۱۰۹)
برابر ۲، راستی و برابری ۳، یکسانی ۲۹

~: ٱلَّذِي جَعَلۡنَٰهُ لِلنَّاسِ سَوَآءً (۲۲:۲۵)
راست و یکسان ۵۱

~: وَسَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ (۳۶:۱۰)
گر گرا[۱] ۱

~: فَٱطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِي سَوَآءِ ٱلۡجَحِيمِ (۳۷:۵۵)
بن ۲۲، قعر ۵۳، بن ۹۴

~: وَٱهۡدِنَآ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلصِّرَٰطِ (۳۸:۲۲)
راستی ۱، راه ۲۴

~: أَقۡوَٰتَهَا فِيٓ أَرۡبَعَةِ أَيَّامٖ سَوَآءٗ لِّلسَّآئِلِينَ (۴۱:۱۰)
برابر و یکسان ۳، برابر شده ۱۳۰

~: خُذُوهُ فَٱعۡتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلۡجَحِيمِ (۴۴:۴۷)
میان ۱، میانهٔ ۳۲

---

۱. گراگر: برابر.

~: سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ أَسۡتَغۡفَرۡتَ لَهُمۡ أَمۡ (۶:۶۳)
برابر ـ یکسان ۱۰۹، یکسان است ۱۳۸

★ سَوَاءَ السَّبِيل: فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ (۲:۱۰۸)
راه راست ۲، میانهٔ راه ۵۵

~: قَالَ عَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يَهۡدِيَنِي سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ (۲۸:۲۲)
میانهٔ راه ۸۰

~: وَمَن يَفۡعَلۡهُ مِنكُمۡ فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ (۱:۶۰)
میانه راه ـ راه راست ۹۱

★ سَوَاءِ الصِّرَاطِ: وَٱهۡدِنَآ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلصِّرَٰطِ (۳۸:۲۲)
میانه راه ـ راه راست ۹۱

سَوّاکَ: ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ سَوَّىٰكَ رَجُلٗا (۱۸:۳۷)
راست کرد ۲، راست کرد ۳، یکسان کرد ۴۳، رَاست کرد ۵۷، همساز کرد و راست کرد ۵۸، راست بیافرید ۵۹، راست گردانید ۶۱، راست بکرد ۷۶، راست بالا کرد ۸۰، راست داشت ۹۴، هموار کرد ۱۰۸، راست پای کرد ۱۲۱، راست شد ۱۳۷

~: ٱلَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّىٰكَ فَعَدَلَكَ (۸۲:۷)
بالاَ راست کرد ۲، راست کرد آفرینش ۷۹، راست اندام کرد ۸۷، رآست اندام کرد ۱۰۰، درست کرد ۱۲۲

سَوّاهُ: ثُمَّ سَوَّىٰهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِۦ (۳۲:۹)
راست کرد ۳، راست بداشت ۲۴، تمام بیافرید ۴۷، راست اندام کرد ۶۱، رآست اندام کرد ۱۰۰، بیافرید ۱۰۵، راست اندام گردانید ۱۰۶، راست گردانید ۱۰۸، آرام اندام کرد ۱۳۸

سَوّاهَا: أَمِ ٱلسَّمَآءُ بَنَىٰهَا رَفَعَ سَمۡكَهَا فَسَوَّىٰهَا (۷۹:۲۸)
گراگر کرد[1] ۱، راست بداشت ۲۴، راست گرداند ۳۰، بر آورد ۳۴، راست گردانید ۵۶، راست و هموار کرد ۸۰، راست کرد ۹۲، راست داشته است ۹۶، راست آفرینش ۱۱۳، راست اندام کرد ۱۱۷، راست نمود ۱۳۲

~: وَنَفۡسٖ وَمَا سَوَّىٰهَا فَأَلۡهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقۡوَىٰهَا (۹۱:۷)
یکسان بکرد ۲۴، بیافرید راست ۳۹، راست گردانیدن ۴۱، راست آفرید ۵۶، راست نهاد ۶۷، راست کردند ۱۱۴، درست شدن ۱۳۶

~: فَدَمۡدَمَ عَلَيۡهِمۡ رَبُّهُم بِذَنۢبِهِمۡ فَسَوَّىٰهَا (۹۱:۱۴)
راست بکرد ۵۱، هموار کرد ۵۶، هموار گردانید ۸۸، برابر کرد ۹۹، یکسان نمود ۱۳۲، درست کرد ۱۳۶، برابر گردانید ۱۳۹

فَسَوّاهُنَّ: فَسَوَّىٰهُنَّ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖ (۲:۲۹)
راست گردانید ۲، راست کرد ۴، بیافرید ۱۰، راست گردانی ۲۴، بیافرید براستی ۲۹، رَاست کرد ۵۵، راست بیافرید ۵۷، رآست کرد ۹۴، برابر شدند ۹۹، راست بازداشت ۱۰۱، راست گرداند ۱۲۷

اَلسَّوْء: عَلَيۡهِمۡ دَآئِرَةُ ٱلسَّوۡءِ (۹:۹۸)
گدی[2] ۱، سختی ۳۹، بند و رنج ۴۱

~: لِلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ مَثَلُ ٱلسَّوۡءِ (۱۶:۶۰)
بَدی و زشتی ۲، بدی و زشتی ۹۶

~: يَٰٓأُخۡتَ هَٰرُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ ٱمۡرَأَ سَوۡءٖ (۱۹:۲۸)
بَد ۲

~: إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمَ سَوۡءٖ فَٰسِقِينَ (۲۱:۷۴)
گد[3] ۱

---

۱. گراگر کرد: برابر کرد.
۲. گدی: بدی.
۳. گد: بد.

~: إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ (۲۱:۷۷)
بد کردار ٦٤، بد کار ۱۱۱

~: اَلظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ (٤٨:٦)
بد ٦

اَلسُّوءُ: يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ (۲:٤٩)
بترین ٤، سخترین ۱۰، سخت ٣٦، بَدي ٥٥، بتر ٦٤، بدي ۱۳۸

~: إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ (۲:۱٦۹)
کارهای زشت ۱۰، کار زشت ٤۰، بدی و ناخوبی ٥٣ و ۹۹، بَدِی ٥٥، بدیها ٥٧، ناشایستها ٦٧

~: وَمَا عَمِلَتْ مِن سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا (۳:۳۰)
بدی و زشتی ۱۰، کردار بد ٢٥، بدی ازشت کاری ٤۰، بدی ۱۰۳

~: فَانقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ... لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ (۳:۱۷٤)
بَدی ۲، اَندُوه ٤۰

~: لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ (٤:۱۷)
گناه ۱۰، گنه ٤۰، کار بد ۷۲

~: لَّا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ (٤:۱٤٨)
دشنام ٣٦، بدی کردن ٤١، بد ناخوب ۸۸

~: أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَن سُوءٍ (٤:۱٤۹)
بدی و ستم ۳۰

~: الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ (٦:۱٥٧)
بدی ـ سختی ۱۰ مکرّر، بترین و سخت تر ٥٨

~: وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷:۷۳)
پی کردن اوُکشتن ۱۰

~: يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ (۷:۱٤۱)
سختی ۱

~: أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ (۷:۱٦٥)
بیفرمانی ۱۲۳

~: يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ (۷:۱٦۷)
بدترین ٤١

~: لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ (۷:۱۸۸)
سختی اُودشخواری و تنگی و نیازمندی ۱۰، بدی و نیازمندی ۲۷، بدی، رنج ۱۲۰

~: زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ (۹:۳۷)
زشت ۱۰، زشتی ٢٤

~: إِن نَّقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ (۱۱:٥٤)
دیوانه یی ۱، دیوانگی ۱۰٥، گزند ۱۱۱

~: وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ (۱۱:٦٤)
آزار ۱۲۰

~: كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ (۱۲:٢٤)
بَدی ٥٣

~: إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ (۱۲:٥٣)
بد کَرداری ٦١

~: أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ (۱۳:۱۸)
سخت تر ٢٤، بدی و رنج و دشواری ٥٨

~: وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (۱۳:۲۱)
سخت ۷ مکرّر، بدی و سختی ٤١

~: إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ (۱٦:۲۷)
بدی ۲، سختی و بدی ٤٢، زشتی و بدی ٥٣

~: يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ (۱٦:٥۹)
اَندُوه ٦٢

~: تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ (۲۰:۲۲)
پیس ۱، پیسی ٥٨

~: وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ (۲٦:۱٥٦)
بد وبدی ٥٨

~: أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ (۲۷:۵)
سختی - بدی ۱۰۹

~: تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ (۲۷:۱۲)
پستی ٦۱، پیسی و رنج ٧٦

~: إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ (۲۷:٦۲)
رنج ۳۹، اندوه ٤٧

~: تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ (۲۸:۳۲)
پیسی ۱

~: وَكَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ (٤۰:۳٧)
بد کرداری ۱۱۱

~: وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (٤۰:۵۲)
سخت ترین ۲٤

~: وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُمْ بِالسُّوءِ (٦۰:۲)
دشنام دادن ۱۳۹

سوءًا: وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا (٤:۱۱۰)
بدی و دزدی ۵۸

~: مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ (٤:۱۲۳)
گدی[1] ۱

~: أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ (٦:۵٤)
کردار زشت ٤٤، نافرمانی ۵۸، نا کردنی ٦٤ گناه ۹۲

~: قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا (۱۲:۲۵)
بدی ۲

سَوْءَاتِكُمْ: يُوَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا (٧:۲٦)
برهنگی ۳٦

سَوْءَاتِهِمَا: مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَاتِهِمَا (٧:۲۰)
بدیها ۱۳۳

~: فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا (٧:۲۲)
بدی ۵٦، پس و پیش ۱۲٤

~: فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا (۲۰:۱۲۱)
برهنگی ۳٦، پوشیدنیها ۱۰۳، شرمگاه ۱۳۱

سَوْءَةَ: لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ (۵:۳۱)
برهنگی ۳٦، پیکر ۵۳، تن ۵۸، کالبد ۸۵، شرم مردم ۹۲

اَلسُّوأَى: ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوأَىٰ (۳۰:۱۰)
بدی ۱٤، بدیها ٤۳

سُودٌ: وَغَرَابِيبُ سُودٌ (۳۵:۲٧)
سیه ۱، سخت سیاه ۲، سیاهان ۳، سیاه ۱۸، سیاه ۲۲، سخت سیاه ۳۰، سیاهها ۳٤، سیاد ۹۲، سیاه سیاه ۹۹

بِسُورٍ: فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ (۵٧:۱۳)
باروی ۱، باره ۲، باره ۳، دیوار ۳٤، باره و دیوار ٤۹، باروی ۵۲، بیاره ۹۲، دیوار، باره ۱۰۳، دیوار بلند ۱۱٦

سُورَةٌ: فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ (۲:۲۳)
پاره ۵۵

~: وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ (۹:۱۲٤)
پاره ۵۸

~: سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا (۲٤:۱)
باره ۹۰

---

۱. گدی: بدی.

سَوْطَ: فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (۸۹:۱۳)

تازیانه ۱، سختی ۱۰۰، سخت ۱۳۹

سَوْفَ: فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا (۴:۳۰)

زُود باشد ۲، زود باشد که ۲۷

~: فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۴:۷۴)

زود بود که ۲۷

~: أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ (۴:۱۵۲)

سرانجام ۲۷

~: وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ (۵:۱۴)

سرانجام ۲۷

~: فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۶:۵)

انوز ۱، زود باشد ۲

~: لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۶:۶۷)

زُود باشد ۲، زود بود ۳

~: فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي (۷:۱۴۳)

بود که ۹۴

~: فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (۹:۲۸)

زُود بُود ۵۵

~: سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ (۱۱:۹۳)

زود بوَد ۷۶

~: قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي (۱۲:۹۸)

زُودْ ۵۵

~: وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا (۱۹:۵۹)

بوک ۱۰۵

~: أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا (۱۹:۶۶)

مگر ۸۰، دیگر بار ۱۰۵

~: وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۲۹:۶۶)

زودا ۴۷

~: فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۴۳:۸۹)

زُودا ۲، زودَا ۲۲

~: فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا (۸۴:۱۱)

بزودی ۱۲۰

بِالسُّوقِ: فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ (۳۸:۳۳)

دَسْتِ و پآی ۲۲، پایها ۲۴، رانها ۳۶، دست و پایهَا ۵۳، بازار[1] ۸۱، دست وپای ۸۸

سُوقِهِ: فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ (۴۸:۲۹)

ساقها ۶، پا ۱۷، تن ۳۶، تنه ۶۱، شاخ ۶۵، پای ۸۸، ستونه ۹۶

سَوَّلَ: الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ (۴۷:۲۵)

بیاراست ۱، آراسته بود ۶، بران داشت ۱۷، برْداشت ۲۲، آراسته کرد ۲۴، بر آن داشت ۳۸، بَیارَاست ۴۲، بیاُراشت ۵۳، بیاراستست ۶۴، بیاراسته است ۷۹، آراست و آسان کرد ۸۰، آسان گردانید ۸۶، بـرداشت ۸۸، راست کرد ۹۲، بیارآست ۱۰۰، بر آراست ۱۰۲، آسان کرد و بیاراست ۱۰۳، آراسته است ۱۱۱، بیاراسته ست ۱۱۳

سَوَّلَتْ: قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا (۱۲:۱۸)

بیاراست ۱، بیاراشت ۲، بیاراستست ۲۴، آراسته کرد ۴۹، أراستهْ کرْد ۵۳، بیاراسته است ۶۳، اراسته شد ۶۹، آراسته است ۹۳، آراسته شد ۱۲۰، آسان گردانیده ۱۲۶

~: قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا (۱۲:۸۳)

---

۱. این معنی هر چند برای کلمهٔ «سوق» صحیح است، امّا این جا مناسبت ندارد.

آراسته گردانید ۲، آراستست ۲٤، بیاراستند ۲۹، بفریفت ٤۱، بیاراست ٤۲، آراسته کرده است ٤۸، آراسْت ۵۵، بیاراست است ٦٤، راست کرد ٦۹، آراسته شد ۷۲، بیاراسته است ۷٦، مرده کردست ۸۸، راسته گردانید ۹٤، راست گردانید ۹٦، آسان گردانیده است ۱۰٤، بیاراسته ست ۱۱۳، آراست ۱۱٤

~: وَكَذَٰلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي (۹٦:۲۰)

آراست ۳، برداشت ۳۸، برآراست ٤۱، اراسْتَهْ ۵۳، برآن داشت ۸۸، خوبی کرد ۹٦، آسان گردانید ۱۰٤، نیکو آورد ۱۱۱

سَوَّىٰ: ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ (۳۸:۷۵)

راست کرد ۲، رآست کرد ۱۰۰، درست کرد ۱۳۲، راست اندام ۱۳۸

~: سَبِّحِ ٱسْمَ رَبِّكَ ٱلْأَعْلَى ٱلَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ (۲:۸۷)

راست گردانید ۲، راست بداشت ۲٤، راست بکرد ۵۳، راست اندام کرد ۱۰٦، برابر کرد ۱۳۹

سُوًى: وَلَآ أَنتَ مَكَانًا سُوًى (۵۸:۲۰)

میانجی ۱، هامون ۲، میانه ۳، یکسان ۲۹، راست ۳٤، راست بنشان ٤۱، هامُون ۵٦، حز ٦۱، هموار ۱۰۲، راست و هموار ۱۰۹

سَوِيًّا: أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (۱۹: ۱۰)

درست اندام ۱، راسْت ۲، یکسان ۳، بَهم پَیوسته ٤۱، برابر ٤۳، تن درست ۷۸، پیوسته ۱۰۲، پی درپی و بهم پیوسته ۱۱۱، پی درپی ۱۱٦، پیاپی ۱۲۱

~: فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (۱۷:۱۹)

راست تن درست ۳، درست ۲٤، راست اندام ۱۰۲

~: فَٱتَّبِعْنِيٓ أَهْدِكَ صِرَٰطًا سَوِيًّا (٤۳:۱۹)

رَاسْت ۲، استاده ٤٤، پسندیده راست ۵۸، بسنده راست ۹۲، رآست ۱۰۰

~: أَمَّن يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۲۲:٦۷)

راست ۱، راست ایستاده ۳، هموار ٦۷، یکسان هموار ۱۰٤، ایستاده ۱۳۲

سَوَّيْتُهُۥ: فَإِذَا سَوَّيْتُهُۥ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي (۲۹:۱۵)

بیافریدم ۲٤، راست کردم ۳۹، رَاسْت کنم ۵۳، رَاست کُنَمش ۵۵، آفریده باشم ٦۰، راست اندام کنم ٦۳، فراهم اوردم ٦۹، راست ایستانیم ۷۲، رآست کنم ۹٤، راست کردیم ۱۱٤، درست کنم ۱۲۲، راست بکردم ۱۳٦

~: فَإِذَا سَوَّيْتُهُۥ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي (۷۲:۳۸)

رَاست کِرده باشم ۲۲، راست کنم ۲٤، یکسان کنم ٤۳، راست کرده باشم ۸۸، راست گردانم ۱۰۰، درست کردم ۱۳٦، راست اندام کنیم ۱۳۸

ٱلسَّيَّارَةِ: وَطَعَامُهُۥ مَتَٰعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ (۹٦:۵)

کاروان ۱، راه گُذریان ۲، راه گذران ۹، راه گذریان ۲۷، راه گذرند گان ٤۵، راهیان ٤۹ بر گردند گان ٦۱، راه روان ٦۷، راه روند گان ۷٦، روند گان ۹٤، ره گذریان ۱۰۹

~: يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ ٱلسَّيَّارَةِ (۱۰:۱۲)

آنکه بره بگذرد ۲٤، بازرگانان ٤۳، گذرند گان ۵۲، کاروانیان راه گُذَرانْ ۵۳، کاروَان ۵۵، روند گان ۵۷، کاروان یان ۵۹، گذریان ٦۲، کاروان و راه گذریان ٦۷، گردند گان ۸۳، کآروانیان ۱۰۰، رهگذریان ۱۲۰

~: وَجَآءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا۟ وَارِدَهُمْ (۱۹:۱۲)

کاروان ۷ مکرّر، کاروانیان ۲۹، راگذریان ۵۷، کاروانان ٦۱، گذر کنند گان ۹٦

سِيٓءَ: وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيٓءَ بِهِمْ (۷۷:۱۱)

اندهگن کرده شد ۱، أندهگن شد ۲، اندوهگین کرده شد ۳، اندوهگن گشت ۷ مکرّر، اندوهگن شد ۲٤، دشوار و سخت آمد ٤۱، دژم شد ٤۲، اندوه گن گرداند ۵۲، آندُوه گِین کردَه شد ۵۵، اندوهگن آمد ۵۷، بدی رسید ٦۱، اندُوهگِن شد ٦۲، اندوهگن کرده شد ٦۳، بد شد ۷٦، اندوه

کرده شد ۹۱، اندوهگین گشت ۹۶، اندوهگین گرداند ۱۰۵، اندوهگین ۱۱۱، غمگین شد ۱۲۲، غمناک شد ۱۲۷

~: وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيٓءَ بِهِمْ (۲۹: ۳۳)
اندوه گِن گشت، اَندُه گِن گشت ۲، اندوهگین شد ۳، اندوه گین گشت ۳۰، اندوهگن ببود ۳٤، اندوهناک شد ۳٦، اندوه ناک شد ٤۳، اندوهگن کردند ٤۷، غمگین گشت ٦۲، اندهگن شد ۷٦، اندوه گین شد ۸۰، اندهگن شد ۸٦، اندوهگن گشت ۹٤، اندوه‌مند شد ۱۰۹، اندوه گن کرده شد ۱۱۷، اندوه گن شد ۱۱۹

ٱلسَّيِّىءُ: وَمَكْرَ ٱلسَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ ٱلْمَكْرُ ٱلسَّيِّئُ (۳۵: ٤۳)
گد[1] ۱، بد ۲، بدی ۳۹

سَيِّئًا: خَلَطُوا۟ عَمَلًا صَٰلِحًا وَءَاخَرَ سَيِّئًا (۹: ۱۰۲)
گست[2] ۱، کار بد ۱۰۵

ٱلسَّيِّئَاتُ: لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ ٱلسَّيِّئَاتِ (٤: ۱۸)
گستیها[3] ۱

~: وَٱلَّذِينَ عَمِلُوا۟ ٱلسَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا۟ مِنۢ بَعْدِهَا (۷: ۱۵۳)
گستیها[3] ۱، کارهای بد ٦٤، بدیها ۱۰۰

~: وَبَلَوْنَٰهُم بِٱلْحَسَنَٰتِ وَٱلسَّيِّئَاتِ (۷: ۱٦۸)
گستیها[3] ۱، سختیها ۸۸، بدی ۹۲، بدیها و تنگی و سختی ۱۰۹، بدیها و بیماریها ۱۲۷

~: وَٱلَّذِينَ كَسَبُوا۟ ٱلسَّيِّئَاتِ (۱۰: ۲۷)
بدیها ۱۳، بَدیها ۵۳

~: لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ ٱلسَّيِّئَاتُ عَنِّىٓ (۱۱: ۱۰)
سختیها و بدیها ۳٤، بدیها و سختیها ۵۸، بدِیها و سَختِیها ٦۲، سختی ها و بدیها ۸۸

~: وَمِن قَبْلُ كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ٱلسَّيِّئَاتِ (۱۱: ۷۸)
کارهای زشت ۱۲۲

~: إِنَّ ٱلْحَسَنَٰتِ يُذْهِبْنَ ٱلسَّيِّئَاتِ (۱۱: ۱۱٤)
گناه ۷ مکرّر، گناهان ۲٤، بَدیها ۷٦

~: فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا۟ وَحَاقَ بِهِم (۱٦: ۳٤)
بدیها ۲، بَدِیهَا ۵۵، بدی ۱۲۱

~: أَفَأَمِنَ ٱلَّذِينَ مَكَرُوا۟ ٱلسَّيِّئَاتِ (۱٦: ٤۵)
کارهاء بد ٦۲

~: وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا۟ (۳۹: ٤۸)
بدیهاء ۸۷

سَيِّئَاتِكُمْ: وَيُكَفِّرُ عَنكُم مِّن سَيِّئَاتِكُمْ (۲: ۲۷۱)
گستیها ۱، بدیها ۳، گنهان ۱۰، بدیها ۱۰۰

~: نُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ (٤: ۳۱)
گستیها ۱، گناهان ۱۰، زشتیها ۲٤، بدیهاء ۹۰، بدیها ـ گناهان ۱۲۷

~: لَأُكَفِّرَنَّ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ (۵: ۱۲)
گستیها ۱، گناهها ۹٦

~: وَيُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ (۸: ۲۹)
گناهان خورد و مورد ۱۰، بَدیهَا ۵۵

~: أَن يُكَفِّرَ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ (٦٦: ۸)
کردارهای بد ٤۹

سَيِّئَاتِنَا: وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا (۳: ۱۹۳)
گستیها ۱، بدیها ۲۳، گناهان ٤۱

---

۱. گد: بد.
۲. گست: بد؛ زشت.
۳. گستیها: بدی ها؛ گناهها.

سَيِّئَاتِهِ: يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ (۹:٦٤)
گناهان ۲۹، بدی ها ۳۰، بدیها ۳٤

سَيِّئَاتِهِمْ: لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ (۳:۱۹۵)
گنها ۱۰، گناهها ۲٤، گناه ٤۰

~: لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ (۵:٦۵)
گستیها ۱، بدیها ۲، بدها ۲۷، گناهان ۵۳

~: فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ (۲۵:۷۰)
رشتیها ۵۳

~: وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ (٤۸:۵)
گناهان ٦

سِيئَتْ: فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ (٦۷:۲۷)
گست کرده بهد[۱] ۱، اندوه گن شود ۲، اندوهگین کرده شود ۳، بد گردد ۱۹، بسوزد ۲٤، دژم کنند ۲۹، اندوهگین شود ۳۰، سیاه شود ۳۹، دژم شود ۵۲، بد شود ۵٦، زشت و سیاه شود ٦٤، زشت شود ۷۲، دِژم شود ۹٦، هیچ گردانیده شد ۱۱۳، زشت گردد ۱۲۰ و ۱۳۲

السَّيِّئَةَ: بَلَىٰ مَن كَسَبَ سَيِّئَةً (۲:۸۱)
بَدی ۵۵، گناه ۱۰٦

~: وَإِن تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا (۳:۱۲۰)
بدی ۲، رنج ۲۷، زشت ۵۳

~: وَمَا أَصَابَكَ مِن سَيِّئَةٍ فَمِن نَّفْسِكَ (٤:۷۹)
بدی ۳، رنج و سختی ٤۱

~: وَمَن يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُن لَّهُ (٤:۸۵)
سختی و درد و اندوه ۱۰، بد ۲٤

~: وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا (٦:۱٦۰)
بدی و زشتی ٦۱، کردار بد ٦٤، کار بد ۱۲۷

~: ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ (۷:۹۵)
بَدی ۲، خشگوانی و سختی ۱۰، سختی ۲۷، بدی و سختی ٤۹، بَدی ۵۷

~: وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ (۷:۱۳۱)
بَدی تنگی ۵۳، بدی - تنگی ۸۳، بدی و تنگی ۹٤

~: وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ (۱۳:۲۲)
زشتی ۵۳

~: ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةَ (۲۳:۹٦)
رنجانیدن ٤۱، بدیها ۵۸

~: وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ (۲۸:۵٤)
گستی ۱، سخن زشت ۹۸

~: وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى (۲۸:۸٤)
بزه ۸٦

~: وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (۳۰:۳٦)
بدی بیماری ۱۳۷

~: مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا (٤۰:٤۰)
گدی ۱

~: وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ (٤۱:۳٤)
زشتی ۳٤

~: وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا (٤۲:٤۰)
بَدی ۳۲، بدی کردن ٤۱

سَيِّئُهُ: كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِندَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا (۱۷:۳۸)
گستی ۱، بدی ۵٦، گناه ٦۲

فَسِيحُوا: فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ (۹:۲)

---

۱. گست کرده بهد: بد کرده شود.

برويد ١، برويد ٢، برويت ٣، مَی رَويد ١٠، بروى ٢٤، بَرويد ٦٢، گو برويد ٦٧، بگرديد ١١٢، رويد ١١٤، سير كنيد ١٣٣

سَيِّدًا: مُصَدِّقًۢا بِكَلِمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا (٣: ٣٩)
مهتر ٢، مهتر ٣، بردبار ٢٧، بردبار فرزند ٤٠، مهتر ٥٥، بزرگوار ٦٧، مهتر ٦٩، بهتر ٩٠، بزرگ ١٣٦

سَيِّدَهَا: وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا ٱلْبَابِ (١٢: ٢٥)
شوى ١ و ٤٣، خداوند ـ شوى ٢، كدخدا ٧ مكرّر، شوهر ٢٩، خداوند ٣٤، مهتر ٥٣، شوى ٥٥، خداوند ٦٢، شوهر ٧٦، مهتر ٩٠، بزرگ و مهتر ١٠٠، خداوند كدخداى ١٠٩

ٱلسَّيْرَ: وَقَدَّرْنَا فِيهَا ٱلسَّيْرَ سِيرُوا۟ فِيهَا (٣٤: ١٨)
رفتن ١، راه گذر ٧، راهها ٢٤، افتار ٦١، راه رفتن ٨٧

سَيْرًا: وَتَسِيرُ ٱلْجِبَالُ سَيْرًا (٥٢: ١٠)
رفتن ١، برخاستن ٤١، روانه شدن ٧٩، روان كردن ٨٩ و ١١٧، روآن گرديدن ١٠٠، روان شدن ١١١، روان ١٣٨

سُيِّرَتْ: وَلَوْ أَنَّ قُرْءَانًا سُيِّرَتْ بِهِ ٱلْجِبَالُ (١٣: ٣١)
رانده شدى ١، روان كرده شد ٣، براندندى ٥، برانند ٧ مكرّر، برفتى ٢٤، ببردندى ٢٩، روان گردانيدى ٣٤، دور كرده شود ٣٦، روان كنند ٤١، رانده شوند ٤٣، براندنْد ٥٣، رَوان كردَه شدى ٥٥، روان كرده شدندى ٦١، روان كردندى ٦٣، روانه كرده شدى ٧٩، روان گردانيده شدى ٩٣، روآن شدى ١٠٠، روان كرده شدى ١١٤

~: وَسُيِّرَتِ ٱلْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا (٧٨: ٢٠)
رانده شند ١، بَرانند ٢، رانده شود ٣، روان كرده شود ٧٩، برانده شود ٩٤، روانه كرده شود ١١٣، روان شود ١٣٦، پراكنده شود ١٣٩

~: وَإِذَا ٱلْجِبَالُ سُيِّرَتْ (٨١: ٣)
برانند ٢٤، برفتن آيند ٣٨، رانده شود از جايخود ٨٧، روآن كرده شوند ١٠٠، روان گردانيده شوند ١١١، روان كرده شوند ١١٣، روان گردد ١٢٤، روان شوند ١٣٢، روانه شود ١٣٦

سِيرَتَهَا: سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا ٱلْأُولَىٰ (٢٠: ٢١)
نمون ١، رفتار ٣ و ٨٠، وانهاد ٢٩، سان ٣٩، نهاد ٥٦ و ٦٧، چنانكه بود ٩٤

سِيرُوا: فَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ (٣: ١٣٧)
برويد ٢، برَويد ١٠، شما برويد ٢٧، برِويد ٤٢، بروى ٦٠، رويد ١١٤

~: فَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ (١٦: ٣٦)
برويت ٣، بروَيْد ٥٣، بَرويت ٥٥

~: قُلْ سِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ (٣٠: ٤٢)
بگرديد ١٠٤

~: سِيرُوا۟ فِيهَا لَيَالِىَ وَأَيَّامًا ءَامِنِينَ (٣٤: ١٨)
برويد ١، مى رويد ٤٧

سِيقَ: وَسِيقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا (٣٩: ٧١)
رانده شند ١، رانده شود ٦١، رانده شد ١٠٩

~: وَسِيقَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ رَبَّهُمْ (٣٩: ٧٣)
رانده شوند ٣، برانند ١٥، براننْد ٥٣، ببرند ١٠٨

ٱلسَّيْلُ: فَٱحْتَمَلَ ٱلسَّيْلُ زَبَدًا رَّابِيًا (١٣: ١٧)
آب كوهها ٤١، راندن ٥٣، رود ٥٧، آب رود ١٠٤

~: فَأَعْرَضُوا۟ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ ٱلْعَرِمِ (٣٤: ١٦)
آب روان ٣، آب بسيار ١٨، نره آب ٣٩، آب ١٠٨، باران ١١٩

سَيْلَ الْعَرِمِ: فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ ٱلْعَرِمِ (٣٤: ١٦)
آب بند گاه ـ توخته ٢، باران پيوست ٤٣، باران بى اندازه ٩٦، لاى بند آب ١٠٩، آب بسيار نيرومند ١١٤، آب روان بند ١٣١

سِيمَاهُمْ: تَعْرِفُهُم بِسِيمَٰهُمْ (۲: ۲۷۳)
نشان ۱، زیفای رُویها ۲، نیشانی روی ۳، نشانی ۲۹، نِشَان و روی ۵۵، نکویی روی ۷٤، نشانی روی ۸۰، پیشانی ۸۲، برِیفایْ رویها ۹۱، رخساره ۱۳٦

~: وَعَلَى ٱلْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَٰهُمْ (۷: ٤٦)
نشان رُوی ۲، نشان روی ۳، سَپیدِی رُوی اُو دَستُ وپای ۱۰، نشانه ۲۹، نام نشان ٤۵، رویها ۵٦، پیشانیها ۱۱۲

~: رِجَالًا يَعْرِفُونَهُم بِسِيمَٰهُمْ (۷: ٤۸)
نشان رویها ۷ مکرّر، نام و نشان ۳۱، نِشَانیهَای رُوی ۵۵، نشآنها ۱۰۵، گونه روی ۱۱٤

~: وَلَوْ نَشَآءُ لَأَرَيْنَٰكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُم بِسِيمَٰهُمْ (٤۷: ۳۰)
پیشان ۱، روی ۲۲، چهره ٤۱، رنگ روی ٦٤، روی ها ۱۳۰، رُخساره ۱۳٦

~: سِيمَاهُمْ فِى وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ ٱلسُّجُودِ (٤۸: ۲۹)
نشانها ۲٤، زیبایی ٦۷، رخسار ۹٦، نشان بزرگواری ۱۰۲

~: يُعْرَفُ ٱلْمُجْرِمُونَ بِسِيمَٰهُمْ (۵۵: ٤۱)
نشانیها ۳۰

سَيْنَاءَ: وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِن طُورِ سَيْنَآءَ (۲۳: ۲۰)
نیکو ۲، نیکو ۳، با درخت ۳۹، درختستان ۵۸، آراسته ۱۰۲

سِينِينَ: وَٱلتِّينِ وَٱلزَّيْتُونِ وَطُورِ سِينِينَ (۹۵: ۲)
با درخت نیکو ۲، نیکو ۱۰۸



شاء: لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ (۲:۲۰)

خواستی ٤، خواستی ۱۰، بخواستی ۲٤، خواستی ٤۲، خواهد ٩٤، خاستی ۱۲۷

~: وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ (۲:۷۰)

بخواهد ۲، خواهد ۱۰، خواهدْ ۵۵، خواسته باشد ۱۲۱

~: وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲:۲۲۰)

خواستی ۱۰، بخواستی ٦۱

~: وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِن بَعْدِهِم (۲:۲۵۳)

خهستی ۱، بخواستی ۲، خواستستی ٦٤، می خواست ۱۳۵

~: وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ (۲:۲۵۵)

خواست ۳، خواهد ۵۷

~: وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ (٤:۹۰)

خیستی ۱، بخواستی ۲، خواهدی ۲۷، خواهدستی ۱۱٤

~: وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً (۵:٤۸)

خهستی ۱

~: وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ (٦:۳۵)

بخواست ۲

~: وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا (٦:۱۰۷)

بخوآستی ٩٤

~: خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ (٦:۱۲۸)

خواسته بود ۱۰۰

~: وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ (٦:۱۳۷)

خواهدی ۱۲۳

~: لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا (٦:۱٤۸)

بخواستی ۲

~: إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ (۷:۱۸۸)

خواست ٦۱ و ۱۱٤، خواسته باشد ۹۳

~: إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ (۱۰:٤۹)

خواستست ٦٤

~: وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً (۱۱:۱۱۸)

واخواستی ۷ مکرّر

~: وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ (۱۲:۹۹)

خواستست ۲

~: وَقَالَ ٱلَّذِينَ أَشْرَكُوا۟ لَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا عَبَدْنَا (١٦ : ٣٥)
بخواستي ۲، فرمودی ٦٣

~: وَقُلِ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَآءَ فَلْيُؤْمِن (١٨ : ٢٩)
خواهد ۱، بخواهد ۲

~: وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَٰذَا (٢٣ : ٢٤)
بخواستي ۲

~: وَلَوْ شَآءَ لَجَعَلَهُۥ سَاكِنًا (٢٥ : ٤٥)
بخواستيمی ٦١، خواستي ٧٦

~: وَقَالُوا۟ لَوْ شَآءَ ٱلرَّحْمَٰنُ مَا عَبَدْنَٰهُم (٤٣ : ٢٠)
خواهدی ۲۲

~: إِن شَآءَ ٱللَّهُ ءَامِنِينَ (٤٨ : ٢٧)
خواسته است ۱۰۳

~: فِىٓ أَىِّ صُورَةٍ مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ (٨٢ : ٨)
بخواست ۱

شَاخِصَةٌ: فَإِذَا هِىَ شَٰخِصَةٌ أَبْصَٰرُ (٢١ : ٩٧)
دربالا استادار ۱، پهن بازمانده ۳ و ۹۱، نگرنده ۲۹، بیرون آید ۳۰، بیرون جسته ۳٤، بیرون خزیده ۳۹، بیرون آمده باشد ۵۳، برون خزیده بهوا ۵٦، بیرون نشسته ۷٦، بیرون خزیده شد ۷۸، پهن باز ماند ۷۹، بیرون آمده ۸۱، گشاده مانده ۸٦، بیرون خزاند ۸۸، خیره مانده ۹٦، برون خرد ۱۰۲، خیره ماندست ۱۰۵، خیره شوند ۱۰٦، برخاسته بازمانده ۱۰۹، پهن بازمانده باشد ۱۱۳، پهن مانده ۱۱۹، بازمانده ۱۲۱، خیره ۱۲۵، بیرون آینده ۱۲٦، برنده ۱۳٦، خیره بازمانده ۱۳۷

★شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ: هِىَ شَٰخِصَةٌ أَبْصَٰرُ (٢١ : ٩٧)
ترسان باشند خداوندان بینائیها ۱۳۸

شَارِبُونَ: فَشَٰرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْحَمِيمِ (٥٦ : ٥٤)
شمیداران[1] ۱، آشامندگان ۳، بیاشامند ۳۰، خورندگان ٦۵، همی آشامند ۸۱، آشامانندگان ۱۰۳، بازخورند ۱۰۵، بیاشامید ۱۰۸، بیاشامانید ۱۲٤، آشامندهگان ۱۳٦، خوردگان ۱۳۹

لِلشَّارِبِينَ: لَّبَنًا خَالِصًا سَآئِغًا لِّلشَّٰرِبِينَ (١٦ : ٦٦)
شمیداران[1] ۱، آشامندگان ۲، اشمندگان ۵۳، آشامندگان ۵۵، خوردندگان ۵۷، آشامیدنان ۵۸، خورندگان ٦۲، آشامندهگان ۱۱۳، آشامانندگان ۱۳۰

~: بَيْضَآءَ لَذَّةٍ لِّلشَّٰرِبِينَ (٣٧ : ٤٦)
آسمندگان ۲۲، آشامیدگان ۳۰، نوشندگان ۹۲، ۱۲۳

~: وَأَنْهَٰرٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّٰرِبِينَ (٤٧ : ١٥)
شمیداران[1] خورندگان ۲، آشامیدگان ۱۷

شَارِكْهُمْ: وَشَارِكْهُمْ فِى ٱلْأَمْوَٰلِ وَٱلْأَوْلَٰدِ (١٧ : ٦٤)
انبازباش ۲ و ۱۰۵، انبازی کن ۳ و ۳۰، انبازی ساز ۸، هنبازی کن ۲٤، انباز کن ۳۸، انباز شو ٤۱، انبازی گیر ۵۳، انبازی کن ۵۷، انباز آرتو ٦۱، انباز می کن ۹۲، انباز گرد آن ۱۰۰، انبازی نمای ۱۰٤، انباز باش ۱۰۵، انبازی گری ۱۲۸

شَاطِئِ: نُودِىَ مِن شَٰطِئِ ٱلْوَادِ ٱلْأَيْمَنِ (٢٨ : ٣٠)
کرانه ۱، کناره دشت ۲، کناره ۲۱، گوشه ٤۱، کنار ٦۲، کران ۹۲، کنار ۱۰۰

شَاعِرٌ: بَلِ ٱفْتَرَىٰهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ (٢١ : ٥)
گوینده چیزه های خیالی ۱۳۲

شَافِعِينَ: فَمَا لَنَا مِن شَٰفِعِينَ (٢٦ : ١٠٠)

---

۱. شمیداران: آشامندگان.

خواهشگران ۳ و ۴۵، خواهش گر ۲۴، خواهش کنند گان ۴۳، خواهش گری ۷۸

~: فَمَا تَنفَعُهُمْ شَفَٰعَةُ ٱلشَّٰفِعِينَ (۷۴: ۴۸)
خواهش گران ۲، خواهش گران ۱۹، خواهش کنان ۳۸، درخواه کنند گان ۱۱۶، درخواست کنند گان ۱۲۹ و ۱۳۰، خواهش کاران ۱۳۹

شَاقُّوا: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَآقُّوا۟ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ (۸: ۱۳)
نافرمانی کردند ۴۲

~: وَشَآقُّوا۟ ٱلرَّسُولَ مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلْهُدَىٰ (۴۷: ۳۲)
دشمناگی کردند ۱۷، دشمناگی کردند ۲۲، رنجه داشتند ۵۲، جدا کردند ۷۲، دشمنانگی کردند ۸۸

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَآقُّوا۟ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ (۵۹: ۴)
دشمنی کردند ۱۱۱

شَاكِرًا: وَكَانَ ٱللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا (۴: ۱۴۷)
سپاس دار ۳، فراخ کار ۳۱ و ۴۵، سپاس دار ۴۲، سپاس دار ۵۵، سپاس دار فرمان بر ۵۶، پذیرنده ۵۸، باسپاس ۷۶، پذیره ۸۴، سپاس دآر ۹۴، سپاس پذیر ۱۰۹، پاداش دهنده ۱۱۰، سپاسدار ۱۱۵

~: شَاكِرًا لِّأَنْعُمِهِ ٱجْتَبَىٰهُ (۱۶: ۱۲۱)
سپاس دار ۲، سپاس دارنده ۳، سپاس دارنده ۵۵، سپاس داری کننده ۵۸، سپاسدارنده ۱۱۵، سپاس گزارنده ۱۲۲، سپاس کننده ۱۳۶

~: إِنَّا هَدَيْنَٰهُ ٱلسَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (۷۶: ۳)
سپاس دار ۲، سپاس ۱۱۰، سپاس گزار ۱۲۲

شَاكِرٌ: وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ (۲: ۱۵۸)
سپاس دار ۲، سپاس دار - پاداش دهندهٔ بسیار ۳، هوسپاس ۱۰، پاداش دهنده ۳۰، سپاس دار ۴۲، اندک پذیر و بسیارده ۴۸، پاداش دهنده ۵۵، هوشپاس ۵۵، بآزادی ۵۷، پاداش دهد ۶۴، پذیرنده ۶۷، سپاس دارنده ۷۴، پاداش دهنده سپاس ۸۰، سپاس کننده ۱۳۵

شَاكِرُونَ: فَهَلْ أَنتُمْ شَٰكِرُونَ (۲۱: ۸۰)
سپاس داران ۲، سپاس داری کنان ۱۲، سپاس داران ۲۹، سپاس دارند گان ۴۲، سپاس ارند گان ۸۷، سپاس گویند گان ۱۱۵

ٱلشَّاكِرِينَ: وَسَيَجْزِى ٱللَّهُ ٱلشَّٰكِرِينَ (۳: ۱۴۵)
سپاس داران ۲، سپاس دارند گان ۳، سپاس داران ۴۲، سپاس گویان ۱۳۶

~: أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِأَعْلَمَ بِٱلشَّٰكِرِينَ (۶: ۵۳)
فرمان برداران ۲۷، سپاس داری کنند گان ۴۹، سپاسدارند گان ۱۱۵، سپاس دارنده گان ۱۱۸

~: لَّئِنْ أَنجَىٰنَا مِنْ هَٰذِهِۦ... لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ (۶: ۶۳)
سپاس داران ۲، سپاس کنند گان ۲۶، آزادی کنند گان ۲۷

~: وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَٰكِرِينَ (۷: ۱۷)
سپاس دار ۳۶، فرمان برداران ۵۵، سپاس کنند گان ۵۸، شکر کنند گان ۱۱۳

~: فَخُذْ مَآ ءَاتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ (۷: ۱۴۴)
سپاس دارآن ۹۴، سپاس داران ۱۴۰

~: لَئِنْ ءَاتَيْتَنَا صَٰلِحًا لَّنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ (۷: ۱۸۹)
شکر گزارداران ۱، فرمان برداران و کار کنان ۵۵

~: لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ (۱۰: ۲۲)
سپاس داران ۵۵، سپاس گزاران ۱۲۲، سپاس گذاران ۱۲۷

~: بَلِ ٱللَّهَ فَٱعْبُدْ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ (۳۹: ۶۶)
سپاسداران ۹۹

شَاكِلَتِهِ: قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِۦ (۱۷: ۸۴)
خوی ۳، اندازه ۸، خوی خود ۵۵، مانند ۵۷، آنکه ازوسزد ۵۸، اندرخور ۸۴، خور ۹۴، خو ۱۰۰، مانندا

۱۰۹، آفرینش ۱۳۹

شامخات: وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ (۲۷:۷۷)
بلند شدار ۱، بلند ۳، استوار ٦، سرافراشته ۱۹، افراشته ۳٤، سخت بلند ٤۱، بلند سرافراشته ٦٤، بلند بیخ آور ۱۰۲، استوار بلند ۱۰۸، بلندان ۱۰۹، برافراشته ۱۱۱، بیخ آور بلند ۱۱٤، پابربا بلند و سرافراز ۱۱٦، بلند بالا ۱۱۷، بلند و سرافروز ۱۲۰، کشیده شده ۱۳٦

شانئک: إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳:۱۰۸)
دشمن ۲، بدخواه ۱۱٦، دشمن دارنده ۱۳۲

شاهدا: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا (۳۳:٤٥)
گوای داداری ۱، گوا ۲، گواه ۳، گوا ۳۹، گواه ۱۱۹

~: **إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا** (٤۸:۸)
گوا ۲، گواهی دهند[ه] ٦، گواهی دهنده ۳۹

شاهد: وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ (۱۱:۱۷)
گواه ۲٤، گوآهی دهنده ۱۰۰

~: **وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا** (۱۲:۲٦)
گوای داداری ۱، گوا ۲، گوای ۵۳، گواه ۵۵، گواه شونده ۱۲٤

~: **وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ** (٤٦:۱۰)
گوای داداری ۲۲، گواهی دهنده ۳٦

~: **وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ** (۸۵:۳)
آینده ۲، گوآه ۱۰۰، روز آدینه ۱۰٦، فرشته ۱۳٦

شاهدون: وَهُمْ شَاهِدُونَ (۳۷:۱۵۰)
گواهان ۸۱

شاهدین: فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (۳:۵۳)
گوایان[1] ۲، گواهان ۳، گوایی دهند گان ۱۰، گوایی دهند گان بروید گان ۵۵، پیدا شوند گان ٦۱، گواهان دهند گان ۹۲، گواهی دهان ۹۸

~: **قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ** (۳:۸۱)
گوهان[2] ۱، گوایان[1] ۲

~: **فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ** (۵:۸۳)
گوآهی دهند گان ۱۰۰

~: **وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ** (۵:۱۱۳)
گوایان[1] ۲، گواهی داداران ۳۷، گواهان ۵۸، گوایانهان ۸٤

~: **شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ** (۹:۱۷)
گوای داداران[3] ۱، گواهی دهند گان ۳، گواهان ۵۵

~: **وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ** (۲۱:۵٦)
گواهان و گواهی دهان ٤۱، گوایان[1] ۵۳، گواهید گان ٦۷، گواهی دهنده گان ۱۱۳

~: **وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ** (۲۱:۷۸)
بینند گان ۲، دانا ٤۸، بینند گان ٦۱، دانایان ۱۰٦، گواهان و دانستگان ۱۱۱، گواه ۱۳۹

~: **وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ** (۲۸:٤٤)
بجاءَ آمد گان ۲، بجای آمد گان ۱۰۸، گواهان ۱۱۱

شاورهم: وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (۳:۱۵۹)
رای زن ۲، سگالش کن ۱۰، کنکاج کن[4] ٤۱، رآی

---

۱. گوایان / گواهان.
۲. گوهان / گواهان.
۳. گوای داداران: گواهان.
٤. کنکاج: کنگاش؛ مشورت کردن و تدبیر خواستن.

زن ۴۹، کنکاج کن[1] ۱۰۹

شِئْتَ: قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ (۱۵۵:۷)
خهستی[2] ۱، خواستی ۲٤، تو خواستی ۲۹، خواهی و خواستي ٤۱، خواهی تو ٦۰، خواستی ای تو ٦۲، بخواستی ۹٤

~: قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا (۷۷:۱۸)
خواستیاتو ۵۹، می خواستی ۹۲، میخواستی ۱۳۲

~: فَأْذَن لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ (٦۲:۲٤)
خواهی ۱، بخواهی ۱۰۸، تو خواهی ۱۱۳

شِئْتُمْ: فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا (۵۸:۲)
خُواهید ۲، خواهیت ۳، خُواهَید ۱۰، خواهید ۲٤

~: نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ (۲:۲۲۳)
خُواهید ۲، خواهی ۲٤، خواهِید ۲۷، بخواهید ٦۱، هر چه گونه که خواهید ۱۰۵

~: فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُم مِّن دُونِهِ (۱۵:۳۹)
خواهیت ۳، خواستید ۱۱٤

~: اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (٤۰:٤۱)
خواهید شما ٦۱

شِئْتُمَا: وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا (۳۵:۲)
خُواهید ۲، خواهیت ۳، خُواهَید ۱۰، خواهی ۲٤، خواهید ۲۹، خَواهِیت ۵۵، میخواهید ۱۰٤، خواهید شما هردو ۱۱٤

~: فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا (۱۹:۷)
خواهَید ۱۰، شما خواهِید ۲۷، شما خواهید ۲۹، می خواهیت ٤۱، خواهید شما ۵۲

شَأْنٍ: وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ (٦۱:۱۰)
کار ۱، کار ۵۵، کآر ۱۰۰

~: كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (۲۹:۵۵)
کاردانی ۹۲، ساختن ۱۲۰، آفرینش ۱۳۸

~: لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (۳۷:۸۰)
اندوه ۱۳۹

شِئْنَا: وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَٰكِنَّهُ (۱۷٦:۷)
جهستی ایما ۱، خواستیمی ۲٤، خواستمانی ۲۹، خواستِیمی ۵۵، خواستیم ما ۵۷، بخواستیمی ما ٦۱، خواهیمی ۹۳، خواستیمانی ۱۰٤، میخواستیم ۱۱۵، بخواستمی ما ۱۲٤

~: وَلَئِن شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ (۸٦:۱۷)
بخواهیم ۲، خواهیم ما ۲۹، خواهیم ۳۰، خواستیم ۳۹، ما خواهیم ٤۲، خواستمانیم ما ۸۹

~: وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَّذِيرًا (۵۱:۲۵)
خواستیمي ما ٤٦، بخواستیمی ٦۱، ما خواستیم ۷٦، خواستمآنی ۱۰۰، میخواستیم ۱۰۳، خواستمانی ما ۱۰٦، بخواستمی ۱۰۸، خواست امانی ۱۱۳، خواستیمي ما ۱۱۹

~: وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا (۱۳:۳۲)
بخواستیمی ۳۰، بخواهیم ما ٤٦، بخواستیم ما ٦۱، خواستمانیم ۱۰٦

~: وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلًا (۲۸:۷٦)
بخواهیم ۳۹

شَأْنِهِمْ: فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ (٦۲:۲٤)
کار ۱، کارها ۵٦ و ٦۱

شُبِّهَ: وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ (۱۵۷:٤)
مانسته کرده شد ۱، مانند کرده شد ۳، مانند ۀ

---

۱. کنکاج: کنگاش: مشورت کردن و تدبیر خواستن.
۲. خهستی: خواستی.

نَمود ۲٤، مانند گرانیده شد ۲۷، مانند‌ه کردند ۳۰، مانند کردند ٤۱، مانندَه نَمود ٤٥، پوشیده است ٤۸، مانند‌ه کرد ٤۹، نموده شد ۵۳، مَانَنده گردَه شد ۵۵، مانند‌ه شد ۵٦، در پوشانیدید ۷٦، مانند‌ه گردانیدید ۸۳، مانند‌ه آمد ۸۸، مانند کرده شده ۱۰۲، مانند‌ه نمود ۱۱۲، مانند کرد ۱۱٤، مانند شد ۱۲۷، مانندا و گردانیده شد ۱۳۰

ٱلشِّتَاء: إِۦلَٰفِهِمۡ رِحۡلَةَ ٱلشِّتَآءِ وَٱلصَّيۡفِ (۱۰٦:۲)
زمستان ۲٤

شَتَّى: فَأَخۡرَجۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّن نَّبَاتٖ شَتَّىٰ (۲۰:۵۳)
پراکنده ۱، پَراکَنْده هَرْگُونَه ۵۳، گونه گونه ۵۸، گوناگون ٦۲، پراکندها ۷۲، پراکنده ۹٤

~: تَحۡسَبُهُمۡ جَمِيعٗا وَقُلُوبُهُمۡ شَتَّىٰ (۵۹:۱٤)
پراکنده ٤۹، پراکندگان ۱۰۹

شَجَرَ: حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيۡنَهُمۡ (٤:٦۵)
جنگ اوفتید ست ۱۰، جنگ افتاد ۲۷، بپیچند ۳۹، آمیخته شود ۵۷، بپیچند پیکار ۵۸، بروید ٦۲، برسیده است ۱۰۷، درآمیخت ۱۰۹

ٱلشَّجَرُ: لَّكُم مِّنۡهُ شَرَابٞ وَمِنۡهُ شَجَرٞ (۱٦:۱۰)
درختان ۱، گیاه ۷۹، درخت و گیاه ۱۱۱

~: أَنِ ٱتَّخِذِي مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتٗا وَمِنَ ٱلشَّجَرِ (۱٦:٦۸)
درختان ۵۵

~: وَٱلنَّجۡمُ وَٱلشَّجَرُ يَسۡجُدَانِ (۵۵:٦)
درخت بزرگ ۳۹، دَرخت ۵۱، گیاه با ساق ۸۰

~: لَأٓكِلُونَ مِن شَجَرٖ مِّن زَقُّومٖ (۵٦:۵۲)
درخت ۱

ٱلشَّجَرَة: فَلَمَّا ذَاقَا ٱلشَّجَرَةَ بَدَتۡ لَهُمَا سَوۡءَٰتُهُمَا (۷:۲۲)
درختستان ۲۹

~: وَٱلشَّجَرَةَ ٱلۡمَلۡعُونَةَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِ (۱۷:٦۰)
درخت ۲

~: إِذۡ يُبَايِعُونَكَ تَحۡتَ ٱلشَّجَرَةِ (٤۸:۱۸)
درختان ۱

شَجَرَتَهَا: ءَأَنتُمۡ أَنشَأۡتُمۡ شَجَرَتَهَآ (۵٦:۷۲)
درختان ۱، درخت ۸۰

شَجَرَهَا: مَّا كَانَ لَكُمۡ أَن تُنۢبِتُواْ شَجَرَهَآ (۲۷:٦۰)
درختان ۲، درخت ۹۲

ٱلشُّحّ: وَأُحۡضِرَتِ ٱلۡأَنفُسُ ٱلشُّحَّ (٤:۱۲۸)
خوردنگرشی بَبرخ خویش ۱۰، تَنگ دلی ٤۲، زُفتی ۵۵، بدی ٦۱، دل تنگی ۷۲، تنگ دلی ۷۸، ناخوشی ۹٦

~: وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ (۵۹:۹)
زفتی ۳، تنگی ۵٦، سفلگی ۹۵

شُحُومَهُمَا: حَرَّمۡنَا عَلَيۡهِمۡ شُحُومَهُمَآ (٦:۱٤٦)
پیهها ۱، پیها ۲، با شامها و گُرد پیهَا ۱۰، پیه ۲٤، پیهها ۵۳، پَیَها ۵۵، پیهَا ٦۲، پی ها ٦۳، پیه ها ۸۲، چرب رودیها و گرده پیهها ۱۰۰، چربیها ۱۰٤، پیهای اندرون ۱۲۷

شِدَادًا: وَبَنَيۡنَا فَوۡقَكُمۡ سَبۡعٗا شِدَادٗا (۷۸:۱۲)
سخت ۱، استوار ۳۰، سخت واستوار ۱۰۳، استواران سخت ۱۰۹، سطبر ۱۳۹

شِدَادٌ: ثُمَّ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ سَبۡعٞ شِدَادٞ (۱۲:٤۸)
سخت ۱، سَخت تَنْگ ۲، زفت ۲٤، سختان بنیرو ۳۰، سَخْت ۵۵، سخت تنگ ۹٦، سختان خشکان ۱۰۹، سخت و تنگ ۱۲٤، سخت ـ خشک ۱۳٦

~: عَلَيۡهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ (٦٦:٦)
سختان ۱، بنیرویان ۲، زفت ۲٤، سختان بنیرو ۳۰، سَخْتان ٦۹، بنیروان ۸۸، سخت دل ۱۰٦، سخت کاران ۱۱۱

شَدَدْنَا: وَشَدَدۡنَا مُلۡكَهُۥ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡحِكۡمَةَ (۳۸:۲۰)
سخت کردیم ۱، استوار گردانیدیم ۲، استوار

کردیم ۳، استوار کَردیم ۲۲، سخت بکردیم ۲۹

~: نَحْنُ خَلَقْنَٰهُمْ وَشَدَدْنَآ أَسْرَهُمْ (۷۶:۲۸)
استوار گردانیدیم ۳، سخت کردیم ما ۱۹، سخت گرد آنیدیم ما ۱۰۰، دوشوار کردیم ۱۱٤، سخت شدیم ۱۳٦

شُدُّوا: حَتَّىٰٓ إِذَآ أَثْخَنتُمُوهُمْ فَشُدُّوا۟ ٱلْوَثَاقَ (٤۷:٤)
سخت کنید ۱، استوار کنیت ۳، استوار کنید ۲٤، ببندید ٤۲، ببندیدْ ۵۳، سخت گیرید ٦۱، سخت بندید ٦٤، استوار گردانید ۸٦، به بندید ۹٦، سخت به بندید ۱۰۲

شَدِيدًا: فَلَنُذِيقَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ عَذَابًا شَدِيدًا (٤۱:۲۷)
سخت و دشوار ٦٤

~: أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ (٦۵:۱۰)
سخت دشوار ۸۷

~: فَوَجَدْنَٰهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا (۷۲:۸)
بنیرُو ۲، بنیروا ۹۵

شَدِيدٌ: وَأَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعَذَابِ (۲:۱٦۵)
بسیار سخت ۱۲۷

~: فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ (۲:۲۱۱)
سختْ ۲

~: فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ ۗ وَٱللَّهُ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ (۳:۱۱)
سخت ۱

~: ٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ (۵:۹۸)
سختر ۹۹

~: إِنَّ ٱللَّهَ قَوِىٌّ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ (۸:۵۲)
سخت ۵۸

~: أَوْ ءَاوِىٓ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ (۱۱:۸۰)
استوار ۳، اُستوار ۵۵، استوار سخت ۱۲۱

~: وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ ٱلْعِقَابِ (۱۳:٦)
سخت کننده ٦۱

~: وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِى لَشَدِيدٌ (۱٤:۷)
سَخت ۵۵

~: وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (٤۲:۱٦)
سخت دشخوار ۹٤

~: وَٱلْكَٰفِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (٤۲:۲٦)
سَخت ۳۲

~: سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُو۟لِى بَأْسٍ شَدِيدٍ (٤۸:۱٦)
بنیرو ۲، بنیرو و سخت ۸۱

~: وَفِى ٱلْءَاخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ ٱللَّهِ (۵۷:۲۰)
دردناک ۵۱

~: وَإِنَّهُۥ لِحُبِّ ٱلْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (۱۰۰:۸)
سخت سخت ۱۲٤

★ شَدِيدُ الْعِقَابِ: فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ (۲:۲۱۱)
سخت شکنجه ۸۰

~: وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ (۸:۲۵)
سَخت شکنجه ۵۵

شَدِيدُ الْقُوَى: عَلَّمَهُۥ شَدِيدُ ٱلْقُوَىٰ (۵۳:۵)
بسی سخت نیرو ۱۰۸

اَلشَّرُّ: وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّوا۟ شَيْـًٔا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ (۲:۲۱٦)
بَتر ۲، بد تر ۳، بتّره ٤۳

~: هُوَ خَيْرًا لَّهُم ۖ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ (۳:۱۸۰)
بتر ۲، بتّر ۲۹، بتری ۵۵

~: إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلصُّمُّ ٱلْبُكْمُ (۸:۲۲)
بترین ۱۰، بَدْترین ۵۵

~: إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ (۸:۵۵)
بَدْتر ۵۵، بترن ۱۰۷

~: وَلَوْ يُعَجِّلُ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ ٱلشَّرَّ (۱۰:۱۱)

گدی ۱، بدی خواستن ۴۱، بد کردن ۱۳۶

~: قَالَ أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا (۷۷:۱۲)

بد ۲، بدتر ۵۵، بتر ۷۶، بد کردار ۱۳۶

~: وَيَدْعُ ٱلْإِنسَـٰنُ بِٱلشَّرِّ دُعَآءَهُۥ بِٱلْخَيْرِ (۱۱:۱۷)

بدی ۲، بدی ۵۳، بدی ۵۵

~: وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ كَانَ يَـُٔوسًا (۸۳:۱۷)

ترسکاری ۱۱۱

~: قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكُمُ (۷۲:۲۲)

بتر ۲

~: أُو۟لَـٰٓئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا (۳۴:۲۵)

گتر[1] ۱

~: هَـٰذَا ۚ وَإِنَّ لِلطَّـٰغِينَ لَشَرَّ مَـَٔابٍ (۵۵:۳۸)

بدترین ۳

~: وَإِن مَّسَّهُ ٱلشَّرُّ فَيَـُٔوسٌ قَنُوطٌ (۴۹:۴۱)

بدی ۳۲، رنج ۳۹، بدی و رنج ۴۱

~: إِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ جَزُوعًا (۲۰:۷۰)

بدی ۳، بدی و تنگی ۹۲، درویشی ۱۰۱، گزند ۱۲۲

* شَرٌّ مَّكَانًا: قَالَ أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا (۷۷:۱۲)

بد جای تر ۱۰۵

شَرًّا: لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم (۱۱:۲۴)

بتر ۲، بدی ۲۴، بدتر ۸۶، قرن ۸۷

شَرَابًا: وَسَقَىٰهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (۲۱:۷۶)

آشامیدنی ۳، آشامیدن ۱۱۴

شَرَابٌ: لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۰:۶)

آشامیدنی ۲، آب ۶۱، آشامی دنی ۸۰

~: وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ (۴:۱۰)

آشامیدن ۳

~: أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً ۖ لَّكُم مِّنْهُ شَرَابٌ (۱۰:۱۶)

آشامیدنی ۲، خوردن آب ۲۴، بیاشامیدن ۲۹، آشامیدنی ۵۵، آب خورد ۶۵، نوشیدنی ۱۳۵

~: يَخْرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهُۥ (۶۹:۱۶)

آشامیدنی و خوردنی ۲، نبید ۵۸، خورش ۹۰، خوردنی ۱۰۵، عصل[2] ۱۱۳

~: بِئْسَ ٱلشَّرَابُ وَسَآءَتْ مُرْتَفَقًا (۲۹:۱۸)

آشام ۵۸

~: ٱرْكُضْ بِرِجْلِكَ ۖ هَـٰذَا مُغْتَسَلٌۢ بَارِدٌ وَشَرَابٌ (۴۲:۳۸)

آب خوردن ۳۰، آب خوش ۳۳، آب خورخوش ۳۹، خوردن ۵۳، اشامیدنی ۶۹، آب خور ۸۷، خوش گوار ۹۰

~: يَدْعُونَ فِيهَا بِفَـٰكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ (۵۱:۳۸)

آشامیدنیها ۵۶، بازخوردنی ۸۱

شَرَابِكَ: وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ (۲۵۹:۲)

آشامیدن ۳، آشامیدنی ۵۵، آشام ۷۴، آشامیدنی ۸۰، آب ۱۲۱

شَرَابُهُ: هَـٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَآئِغٌ شَرَابُهُۥ (۱۲:۳۵)

آشامیدن ۲، آب خور ۳۹، خوردن ۵۲، آشامیدنی ۸۸، نوشیدن ۹۲، آب ۱۰۹

شَرِبَ: فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّى (۲۴۹:۲)

بشمد[3] ۱، بخورد ۲، آب خورد ۲۴، بخورد بدهان ۲۷، خورد ۲۹، بیاشامد ۴۱، بخورد ۴۲، بازخورد

---

۱. گتر: بدتر.

۲. عصل / عسل.

۳. بشمد: بیاشامد.

۵۷، آب خورَد ۶۲، بیاشآمد ۱۰۰، آشامد ۱۰۹، آشامید ۱۳۵

شُرْب: فَشَٰرِبُونَ شُرْبَ ٱلْهِيمِ (۵۶: ۵۵)
شمیدن [1] ۱، آشامیدن ۳، خوردن ۲۴، بیاشامیدن ۶۱

شِرْبٌ: قَالَ هَٰذِهِۦ نَاقَةٌ لَّهَا شِرْبٌ (۲۶: ۱۵۵)
نیاوه [2] ۱، بهرهٔ آب ۳، بهرء از آب ۲۰، آبشخور ۲٤، آب خوردن ۳۰، خوردنی از آب ٤٦، آب آشام ۵۸، آبخوری ۷٤، بهرهء از آب ۸۰، از آب بهری ۸۸، خوردن ۹۰، بهره آب ۹۱، آب یکروز ۱۰۵، نوبت او خوردن ۱۰۸، آبش خور ۱۰۹، بهره از آب ۱۱٤، آبخور ۱۳۰

~: وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ ٱلْمَآءَ قِسْمَةٌۢ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ (۵٤: ۲۸)
آب خور ۲، بهره ۳، آب ۲٤، آشامیدنی ٤۹، خوردنی ۸۸، آب خورد ۹۰، آشامیدن ۹۶، آبش خور ۱۰۹، آشامنده ۱۱۷

شَرِبُوا: فَشَرِبُوا۟ مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ (۲: ۲٤۹)
شمیدند [3] ۱، بخوردند ۲٤، بیاشامند و بخورند ۲۷، بیاشامند ۳۰، بیاشامیدند ٤۱، بخورَند ٤۲، بازخوردند ۵۷، آشامیدند ۶۱، بخورید ۶۲، بیاشامد ۷٤، بخورند ۹۶، آب بیاشامیدند ۱۰۲، بازخورند ۱۰۷، بخورد ۱۳۸

شَرَحَ: وَلَٰكِن مَّن شَرَحَ بِٱلْكُفْرِ صَدْرًا (۱۶: ۱۰۶)
بگشاد ۱، گشاده کرد ۳، پیدا بکرد ۲۹، برگشود ۳۵، گشاده شود ۳۸، پیدا کرد ۳۹، گشاده دارد ٤۸، پدید کُنَدْ ۵۳، گشاده کَرْد ۵۵، درآید بخوشی ۵۸، گشاده شد ۵۹، باز گشاید ۶۲، بگشاید و فراخ گرداند ۷۹، گشاده گردد ۸۸، گشاید ۱۲۰، خوش منشی ۱۲۶

~: أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدْرَهُۥ لِلْإِسْلَٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ (۳۹: ۲۲)
بگشاید ۱، گشاده گردانید ۲، روشن بکرده است ۲٤، برگشود ۲۹، گشاد ۳۸، روشن کرد ۳۹، روشن کند ٤۲، رُوشن گرداند ۸۱، برگشاید ۱۰۰، گشاده است ۱۰۳، گشاده گرداند ۱۰۸، گشاده کرده است ۱۱۱، فراخ و روشن گرداند ۱۱۳، روشن ساخت ۱۲۵، فراخ کرد ۱۲۶، گشاده کرده ۱۳۲

شَرِّدْ: فَشَرِّدْ بِهِم مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۸: ۵۷)
برآن ۱، بَرمانْ ۲، بازده ۱۱، رسوابکن ۲۷، برمان ٤۲، ترسآن ۵۵، پراکنده کن ۶۲، جنگ کن ۶۹، برمان ۸۳، پراکنده بکن ۸۸، بازرده ۱۰۷، رمیده گردان ۱۱۱، پرکنده و رمیده کن ۱۱۲، پراکن ۱۲۱، پریشان کن ۱۳۳

شِرْذِمَةٌ: إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ (۲۶: ۵٤)
گرهک [4] ۱، گروه ۲، گروهک ۹٤، اندک مابکل ۱۰۸، گروهه ۱۱۳

بِشَرَرٍ: إِنَّهَا تَرْمِى بِشَرَرٍ كَٱلْقَصْرِ (۷۷: ۳۲)
بزدرها [5] ۱، أنگشتها ۲، خدره ۳، درفش ۲۹، آتش ریزها ۳۰، زبانه ۳۹، خردها آتش ٤۱، آتش بارها ۵۲، سرکشها ـ آثرها ۵۶، سرشکها ۶۷، پارهای آتش ۷۶، تشکها ۷۹، زبانه آتش ۱۰۲، شرارها ۱۰۳، آتش پاره ۱۰۵، آنچه بجهد از آتش ۱۱۳، برازکها ۱۱۷، زبانها ۱۲٤، برازها ۱۳۸

---

۱. شمیدن: آشامیدن.
۲. نیاوه: بهره؛ نصیب.
۳. شمیدند: آشامیدند.
٤. گرهک / گروهک.
۵. بزدر: شراره.

شَرَعَ: شَرَعَ لَكُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِۦ نُوحًا (۴۲: ۱۳)
دیدور کرد ۱، پدید کرد ۲، پدید کرد ۲۲، پیدا کرد ۴۲، بنهاد ۱۰۶، بنهاد و پدید کرد ۱۰۸، پدید آورد ۱۲۹

شُرَّعًا: يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا (۷: ۱۶۳)
اشکرا[1] ۱، انبوه ۲، برروی آب آیندگان ۳، گروه گروه ۲۷، پیدا بکنار آب ۲۹، راه برگرفتگان ۴۲، آشکارا ۴۳، بسیار ۴۵، برروی آب آیندگان ۵۵، بسیار آمدگان ۵۷، انبوه از میان دریا ۵۸، اشکارا ۶۹، آشکارا اوبانبوه ۷۹، بکنار آب آیندگان ۸۵، راهی آب بود راهی ماهی ۹۳، باانبوهی ۹۴، برروی آب ۹۶، انبوبی ۱۰۵، آشکارا و انبوه ۱۰۹، روی آب آینده ۱۱۴، روی نهاده ۱۲۱، همه پیدا ۱۲۲، انبوهی ۱۲۷، روی آب ۱۳۰

شِرْعَةً: لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا (۵: ۴۸)
نهاد ۲، راه دینی و نهادی ۳، راه ۲۴، نهاد و راه ۲۹، روش ۴۱، پدید کرده ۴۵، راه و بیابان ۷۸، راه دینی ۹۱، رچه ۹۶، گروه ۱۱۱، راه نهانی ۱۲۹، نهادن دین ۱۳۶

شَرَعُوا: شَرَعُوا لَهُم مِّنَ ٱلدِّينِ (۴۲: ۲۱)
پدید کردند ۱، پیدا کردند ۳، بنهادند ۳۰، پیدا کردند ۵۳، راهی پدید کردند ۷۲، نهاده‌اند ۱۱۱، بنهاده‌اند ۱۳۸

شَرْقِيًّا: إِذِ ٱنتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا (۱۹: ۱۶)
سوی آفتاب برآمدن ۳، آفتاب گاهی ۲۴، برآمدن آفتاب ۴۱، آفتابگاه ۴۲، روز برآمدن ۵۳، آفتاب برآمدن ۵۸، بَر آمدن آفتاب ۶۱، آفتاب گاه ۷۶، سوی آفتاب ۸۷، سو آفتاب برآمدن ۹۱، آفتاب تافتن ۱۲۸، سبزی برآمدن آفتاب ۱۳۹

شَرْقِيَّة: لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ (۲۴: ۳۵)
سوی آفتاب برآمدن ۲، همیشه با آفتاب باشد ۳۰، در آفتاب ۴۳، آفتاب ۴۷، روز برآمدن ۵۸، آفتاب برآمدن ۸۷، همیشه بآفتاب ۹۱، آفتابی ۱۰۲، آفتابی ـ خاوری ۱۰۹، سوی برآمدن آفتاب ۱۱۴

ٱلشِّرْكَ: إِنَّ ٱلشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (۳۱: ۱۳)
انباز گرفتن ۲، انباز گویی ۳، هنباز گرفتن ۱۴، انباز آوردن ۴۷، انباز گفتن ۸۰، انباز فراداشتن ۱۳۸

~: وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِن شِرْكٍ (۳۴: ۲۲)
انبازی ۲، همباز ۷، همبازی ۱۸، انباز ۳۸، انبازان ۸۷

~: أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ ٱلْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ (۳۵: ۴۰)
هنبازی ۲۴، همنبازان ۹۴

~: أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ ٱلْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ (۴۶: ۴)
انبازان ۲۲

شُرَكَاءُ: فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي ٱلثُّلُثِ (۴: ۱۲)
انباز ۵۸

~: ٱلَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَٰٓؤُا (۶: ۹۴)
برخوران و همبازان ۱۰، خواهانان انبازان ۴۹، برخوران و همبازان ۵۵

~: وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ ٱلْجِنَّ (۶: ۱۰۰)
همبازان و برخوران ۱۰، هَمبَازان و بَرخوران ۵۵

~: وَإِن يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ (۶: ۱۳۹)
بَرخور ۵۵

~: فَلَمَّا ءَاتَىٰهُمَا صَٰلِحًا جَعَلَا لَهُۥ شُرَكَاءَ (۷: ۱۹۰)

---

[1] ۱. اشکرا / آشکارا.

همبازان ۲۹

~: يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ شُرَكَآءَ (۱۰:۶۶)
هنبازان و برخوران ۱۰، هَنبازان و بَرخُوران و بُتان ۵۵، هَنبازان ۵۷

~: أَمْ جَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ خَلَقُواْ كَخَلْقِهِۦ (۱۳:۱۶)
انبازان ۲، هنباز ۲٤، آنبازان ۵۵

~: وَجَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ قُلْ سَمُّوهُمْ (۱۳:۳۳)
آنبازان ۷۶

~: رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَآءُ مُتَشَٰكِسُونَ (۳۹:۲۹)
هنبازان ۲

~: أَمْ لَهُمْ شُرَكَٰٓؤُاْ شَرَعُواْ لَهُم مِّنَ ٱلدِّينِ (۴۲:۲۱)
انبازان ۳۲

شُرَكَاءَكُمْ: قُلِ ٱدْعُواْ شُرَكَآءَكُمْ (۷:۱۹۵)
هنبازان ۲۷، انبازانتان ۱۱٤

~: فَأَجْمِعُوٓاْ أَمْرَكُمْ وَشُرَكَآءَكُمْ (۱۰:۷۱)
آنبازان ۵۵

~: وَقِيلَ ٱدْعُواْ شُرَكَآءَكُمْ (۲۸:۶٤)
انبازان ۲، خدایان ۶۱

~: قُلْ أَرَءَيْتُمْ شُرَكَآءَكُمُ (۳۵:٤۰)
همبازان ۱۸، بتان ۳۹، انباز آوردگان ۵۸

شُرَكَاؤُكُمْ: ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوٓاْ أَيْنَ شُرَكَآؤُكُمُ (۶:۲۲)
انبازان ۲، هنبازان ۹

~: لِلَّذِينَ أَشْرَكُواْ مَكَانَكُمْ أَنتُمْ وَشُرَكَآؤُكُمْ (۱۰:۲۸)
بتان ۳۸، انبازآن ۱۰۵

شُرَكَائِكُمْ: هَلْ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَبْدَؤُاْ ٱلْخَلْقَ (۱۰:۳٤)
هَمبازان ۶۲، انبازان ۱۱٤

شُرَكَاؤُنا: قَالُواْ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ شُرَكَآؤُنَا (۱۶:۸۶)
انبازان ۵۶

شُرَكَاءَهُمْ: أَشْرَكُواْ شُرَكَآءَهُمْ (۱۶:۸۶)
هنبازان ۳۹، خدا آن ۱۱۳، انبازان ۱۳۰

شُرَكَاؤُهُمْ: قَتْلَ أَوْلَٰدِهِمْ شُرَكَآؤُهُمْ (۶:۱۳۷)
خدای نام کردگان ۱۰۷، انبازان ۱۱۱

شُرَكَائِهِمْ: فَمَا كَانَ لِشُرَكَآئِهِمْ (۶:۱۳۶)
هنبازان و برخوران ۱۰، بتان ٤۱، هَنبازان ۵۳

~: وَلَمْ يَكُن لَّهُم مِّن شُرَكَآئِهِمْ شُفَعَٰٓؤُاْ (۳۰:۱۳)
انبازان ۲، انباز ۶۱، آنبازان ۷۶

~: أَمْ لَهُمْ شُرَكَآءُ فَلْيَأْتُواْ بِشُرَكَآئِهِمْ إِن كَانُواْ صَٰدِقِينَ (۶۸:٤۱)
هنبازان ۸، خدایان ۱۱۳

شُرَكَائِيَ: وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُواْ شُرَكَآءِيَ (۱۸:۵۲)
أنبازان ۲، انباز آن ۱۰۰، انباز ۱۳۹

~: فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (۲۸:۶۲)
انباران ۳، همبازان ٤۷، هَنبازان ۵۳

~: وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَآءِى (٤۱:٤۷)
هنبازان ۲، انبازان ۳۰، همتایان ۱۳۲، انباز آورندگان ۱۳۶

بِشِرْكِكُمْ: وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ (۳۵:۱٤)
هنباز گرفتن ۱۸، انباز گرفتن ۲۹، انباز کردن ۳۰، انبازی ۳۹، انباز آوردن ۵۸، انبازداشتن ۱۳۸

شَرُّهُ: يُوفُونَ بِٱلنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُۥ مُسْتَطِيرًا (۷۶:۷)
سختی ۲، بدی سختی ۱۱۱

شَرَوْا: وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمْ (۲:۱۰۲)
بَفروختند ۲، خریدند ۳، بَفروختستند ۱۰، بخریدند ۲٤، بفروختهاند ۲۹، بفروختند ۳٤، خَریدَند ۵۵، فروختند ۶٤، فروختهاند ۱۲۲

شَرَوْهُ: وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍۭ بَخْسٍ دَرَٰهِمَ مَعْدُودَةٍ (۱۲:۲۰)
بفروختند ۱، بفروختند ۲، بخریدند ٤۱، فروُختَند

۵۵، بفروُختند ۷٦، فرختند ۸۰، خریدند ۱۰٤

شَریعَة: ثُمَّ جَعَلْنَٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ (۱۸:٤۵)
راهَ و نهاد ۳، پدید کردن ۳۰، راه دین ۳۲، راه ٤۳، دین ۸۷، راه راست ۱۰۲، راه روشن ۱۰۳، هویدایی ۱۰۹

شَریکٌ: لَا شَرِيكَ لَهُۥ وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ (٦:۱٦۳)
هنباز و برخور ۱۰، همباز ۳٤، هنباز و بَرخور ۵۵

~: وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٌ (۱۷:۱۱۱)
هنباز ۲٤، اَنباز ۵۵

~: وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٌ فِى ٱلْمُلْكِ (۲۵:۲)
انباز ۲، هَنباز ۱۱۹

★ لاشریکَ: لَا شَرِيكَ لَهُۥ وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ (٦:۱٦۳)
نیست اَنبازی ٤٤

شَطْأَهُ: وَمَثَلُهُمْ فِى ٱلْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْـَٔهُۥ (٤۸:۲۹)
شاخ ۱، برگ ۳، تیغ ٦، شاخها ۳٦، برگ خردخرد ٤۳، شاخها ۵۳، خوشه ٦۹، بچه و خورد ۷۲، برگ کشت ۸۰، شکوفه و شاخ ۱۰۰، شاخک ۱۰۳، پنجه ۱۱۳، تنه ۱۲٤، سبزه نورسته ۱۲٦

شَطْرَ: فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ (۲:۱٤٤)
سوی ٦٤، جانب ۱۰۱، سو ۱۰۵، پهلو ۱۲۵

شَطْرَهُ: فَوَلُّوا۟ وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُۥ (۲:۱٤٤)
سوی ۳، سُوی ۵۵، بسوی ۱۱۹، جانب ۱۲۵

شَطَطًا: لَّقَدْ قُلْنَآ إِذًا شَطَطًا (۱۸:۱٤)
جور ۱، بیداد ۲، گفتار دور ۳، بی دادی ۸، دور ۳۰، بی دادان ۳۹، ناسزا ٤۱، دروغ و ستم ٤٤، اندرگذشته ٦۲، افزون ۸۸، افزونی ۹۱، بی داد و دروغ ۹٦، بیداد و دروغ ۱۰۵، داد دروغ ۱۲۸

~: يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى ٱللَّهِ شَطَطًا (۷۲:٤)
دُروغ ۲، دروغ ۳، بی داد ٦، گفتار زشت ٤۱، دور از راستی ٤۸، دروغ و زور ۷۲، دروغ بزرگ ۷۹، دوری ۸۰، سخن دروغ ۱۰۲، سخن دور ۱۰۹، دروغ و بزرگی ۱۱۳، سخن پریشان ۱۱۵، سخنی دور ۱۲۰

شَعائِر: إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلْمَرْوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِ (۲:۱۵۸)
نشانیها ۲، نِشانیهَا ۵۵، نیشان ۹۰، نشانی ها ۱۲۷

~: يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُحِلُّوا۟ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ (۵:۲)
نشانیها ۲، نشانَها ٤۲، نِشانِهَا ۵۳، نشانهاَ ۱۰۰

~: وَمَن يُعَظِّمْ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ (۲۲:۳۲)
نشانها ۱، نشانهاَ ۵۳، کارها ۵۸، نشانیهاء ۹۰

شُعَب: ٱنطَلِقُوٓا۟ إِلَىٰ ظِلٍّ ذِى ثَلَٰثِ شُعَبٍ (۷۷:۳۰)
شاخ ۲، شاخها ۱۰۹، شاخه ۱۲۳

اَلشِّعْری: وَأَنَّهُۥ هُوَ رَبُّ ٱلشِّعْرَىٰ (۵۳:٤۹)
این ستاره ۲، ستاره روشن ٤۱، ستاره ۸۱، ستاره پس جوزا ۱۰۹

شُعوبًا: وَجَعَلْنَٰكُمْ شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓا۟ (٤۹:۱۳)
خانه دانها ۱، گروهها ۲، بنگاههای بزرگ ٦، شاخها ۱۷، گروها ۳۰، بنه گاهها ۳۹، تبارها ٦۷، پناه گاهها ۷۲، گروهان ۹٤، خاندانها ۹۸، گروهان بزرگ ۱۰۹، شاخ و بال ۱۳٦

شَغَفَها: قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا (۱۲:۳۰)
ببرد دل ۱، دل رفتستْ یَا بُرده ۲، بردهٔ دل درآمد ۳، شیفته کرد ۲۹، ببردهٔ دل درآمد ۳۰، رسیدست ۳٦، برددل ۳۹، بمیان دل او رفته است ۵۲، بُبَرده دل دَارامَد ۵۵، بردست دل ۵٦، در پوست دل گَرفت ۵۷، در پوست دل شده است ٦۰، پوشانید ٦۱، اندرمیان دل شده است ٦۲، برسیده است بمیان دل ٦۳، دل او برده است ٦۵، دِل بُردَه اَست ۷٦، اندر دل رفتست ۷۸، مرده دل درآمد ۸۰، اندرون دل رفته است ۸۳، ببرده است دل ۹۰، ببرده دل درآمد ۹۱، اندردل رآه یافته است ۹٤، در اندرون دل او شد ۹۵، در گرفتست و دریده پرده دل ۱۰۰، شیفته کرده ۱۰۲، پاره گردانید ۱۰٤،

بمیان دل رسید ۱۰۹، شکافته است ۱۱۱، بپردهٔ دلش در آمده ۱۱۳، پرده دل ۱۱۹، شکافت ۱۲۰، در دل در آمد ۱۲۱، دردل راه یافته است ۱۲۴، بمیان دل رفته است ۱۲۵، پاره پاره گردانید پردهٔ دل آنرا ۱۲۶، راه یافته است ۱۲۸، باندرون دل رفته است ۱۲۹، در دل آورد ۱۳۱، بدرون دل در آمد است ۱۳۳، چاک کرده پرده دل ۱۳۵، بمیان دل خود گرفته ۱۳۶

شُغُل: اَلْیَوْمَ فِی شُغُلٍ فَـٰکِهُونَ (۳۶: ۵۵)
کار ۳، کارها ٤١

شَغَلَتْنَا: شَغَلَتْنَآ أَمْوَٰلُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا (٤٨: ١١)
ناپروا کرد ۱۰۹، بازداشته ۱۳۶

شَفَا: وَکُنتُمْ عَلَیٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ ٱلنَّارِ (۳: ۱۰۳)
کرانـه ۱، کناره ۲، لب ۲٤، کناره ٤۲، لب ۵۵، کنارها ۵۷، آب کند ـ کنار ٦۷، آب کنده ۸۰، کناره گوی ۱۳۱

~: بُنْیَـٰنَهُۥ عَلَیٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ (۹: ۱۰۹)
کنار ۱۳، کرانه ۵۵، راه گذر ۵٦، کرانـه ۵۸، گوشه ٦٤، لب کناره ۹۲، کرآنه ۹٤

★ شَفَا جُرُفٍ: بُنْیَـٰنَهُۥ عَلَیٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ (۹: ۱۰۹)
کنار رودخانه ریزیده و خوردشده ۷۹، کناره کوی ۹۱، کنارهٔ آب دررفته ۹۵، گوشه رودخانه ۹۸، کرانه آب ۱۱۹، کنار رود ۱۲٦، کنارهٔ رود ۱۲۹، کنار گذرگه سیل ۱۳۵، کناره آب بیابان ۱۳٦

★ شَفَا حُفْرَةٍ: وَکُنتُمْ عَلَیٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ ٱلنَّارِ (۳: ۱۰۳)
آب کنده ۸۰، لب کنده ۱۱۹، کناره گوی مغاک ۱۳۱

شِفَاءٌ: قَدْ جَآءَتْکُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّکُمْ وَشِفَآءٌ (۱۰: ۵۷)
آسانی ۲، بهتری دادن ۳، آسانی و پاکیزه کردن ۱۰، آسانی ۲۷، آسانی و پاکیزه کردن ٤۵، بهتری دادن ۵۵، آسانی از رنج وبهتری ۵۸، نیکویی ٦۱، درمان ٦۲، داروی ۸۸، بهوایی آسایش ۱۰۹، دوا ۱۱٦

~: شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهُۥ فِیهِ شِفَآءٌ لِّلنَّاسِ (۱٦: ٦۹)
بهتری ۳، بهتری ۵۵، تن درستی ۵۸، بهتر ۹۱، به شدن ۱۰٤، بهبودی ۱۱٤

~: مَا هُوَ شِفَآءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِینَ (۱۷: ۸۲)
بهتری دادن ۵۵، تن درستی از بیماری ۵۸، بهبود ۱۱٤

~: قُلْ هُوَ لِلَّذِینَ ءَامَنُوا۟ هُدًی وَشِفَآءٌ (٤۱: ٤٤)
آسانی ۲، تندرستی ۱۰۹، بهتر کن ۱۱٤

شَفَاعَةٌ: وَلَا یُقْبَلُ مِنْهَا شَفَـٰعَةٌ (۲: ٤۸)
خواهش کردن ۵۵، خواهشگر ۱۰۲

~: وَلَا یُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَـٰعَةٌ (۲: ۱۲۳)
خواهش ۲، خواهش کردن ۱۰، خواهش ٤۲

~: أَن یَأْتِیَ یَوْمٌ لَّا بَیْعٌ فِیهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَـٰعَةٌ (۲: ۲۵٤)
خواهش گری ۳، خواهش گری ٤۲، خواهشگری ۷٦

~: مَن یَشْفَعْ شَفَـٰعَةً سَیِّئَةً یَکُن لَّهُۥ کِفْلٌ مِّنْهَا (٤: ۸۵)
خواهش کردن ۲، خواهش کردن ۳، خواهش ٤۲، خواهش کردن ۵۵، خواستن ۸۳، گفتار ۱۰۵، درخواهی ۱۱۱، درخاستن ۱۳۰

~: لَّا یَمْلِکُونَ ٱلشَّفَـٰعَةَ إِلَّا مَنِ ٱتَّخَذَ (۱۹: ۸۷)
خواهش کردن ۲، خواهش گری ٤۱، خواهش کردن ۵۳

~: وَلَا تَنفَعُ ٱلشَّفَـٰعَةُ عِندَهُۥٓ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُۥ (۳٤: ۲۳)
خواهش ۲، خواهش گر ۷، درخواه ۱۱۱

~: ٱلَّذِینَ یَدْعُونَ مِن دُونِهِ ٱلشَّفَـٰعَةَ (٤۳: ۸٦)
خواهش کردن ۳۲، درخواست کردن ۱۱٦

~: فَمَا تَنفَعُهُمْ شَفَـٰعَةُ ٱلشَّـٰفِعِینَ (۷٤: ٤۸)

درخواستن ۱۲۳

شَفَاعَتُهُمْ: لَّا تُغْنِ عَنِّي شَفَٰعَتُهُمْ شَيْـًٔا (۳٦:۲۳)
خواهش ۲

~: لَا تُغْنِي شَفَٰعَتُهُمْ شَيْـًٔا (۵۳:۲٦)
خواهش ۲، خَواهش ۵۳، خواهش کردن ۸۰، درخواست ۱۰۳

شَفَتَيْنِ: وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ (۹۰:۹)
دولب ۱، دولَبْ ۲

ٱلشَّفْعِ: وَٱلشَّفْعِ وَٱلْوَتْرِ وَٱلَّيْلِ إِذَا يَسْرِ (۸۹:۳)
جفت ۱، دو ۳۹، جفت - نر و ماده ۹۱

شُفَعَاءُ: فَهَل لَّنَا مِن شُفَعَآءَ فَيَشْفَعُوا لَنَآ (۷:۵۳)
خواهش گران ۲، خواهش کنان ٤۱، خَواهِش گران ۵۵، خواهش کنند گان ۵۸، خواهش گر ۹٤، درخواه کنند گان ۱۱٤، خواهش گری ۱٤۰

~: وَلَمْ يَكُن لَّهُم مِّن شُرَكَآئِهِمْ شُفَعَٰٓؤُا (۳۰:۱۳)
خواهش گران ۲، خواهش گران ۳، خَواهَشْ گرانْ ۵۳، خواهش ٦۱، درخواست کنند گان ۱۰۳

~: أَمِ ٱتَّخَذُوا مِن دُونِ ٱللَّهِ شُفَعَآءَ (۳۹:٤۳)
خواهشگران ۷٤

شُفَعَاءَ كُمْ: وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَآءَكُمُ (٦:۹٤)
خواهش گران ۲، خواهش گران ۳، خواهش گرَان ۵۳، مهتران و بزرگواران ۵۵، خواهش کنان ۵۷، پای مردان ٦٤، خواهشگران ۱۰۲، درخواست کنند گان ۱۳۰

شُفَعَاؤُنَا: هَٰٓؤُلَآءِ شُفَعَٰٓؤُنَا عِندَ ٱللَّهِ (۱۰:۱۸)
خواهش گران ۲، خواهش گران ۳، خواهش خواهند گان ٤۹، خَواهِش گرَان ۵۵، خواهشگران ۱۰۹، خواهش کنند گان ۱۱۹

ٱلشَّفَقِ: فَلَآ أُقْسِمُ بِٱلشَّفَقِ (۸٤:۱٦)
نشانَ آفتاب فروشدن ۲، سُرخی که پس آفتاب بود ۲٤، فروشدن آفتاب ۳۰، فروشدن سرخی آفتاب ۵٦، سرخی که باقی ماند بر کناره آسمان پس از فروشدن آفتاب ۷۹، سرخي که پس از فرورفتن آفتاب بود ۸۰، نشان آفتاب فرورفتن ۱۰۸، سرخیِ اوّل شب ۱۰۹، سرخی ۱۲۰، سرخی روز ۱۲۱، سرخی آفتاب ۱۲۹، سرخی شب ۱۳۰، روشنی آفتاب ۱۳٤، سپیده دم ۱۳٦، سپیدی ۱۳۹

شَفِيعٌ: لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِۦ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ (٦:۵۱)
خواهِش گر ۲، نگاه دار ٤۲، خواهش کننده ٤۳، خواهش خواهنده ٤۹، خَواهِشْ گرَ ۵۵، خواهش گردل ۹۱، درخواه کننده ۱۱۱

~: لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ (٦:۷۰)
خواهش گری ۵۳، پای مرد ٦٤

~: مَا مِن شَفِيعٍ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ إِذْنِهِۦ (۱۰:۳)
خواهش خواه ۵۸

~: مَا لَكُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ (۳۲:٤)
خواهش گر ۲، خواهشگر ۳، پای مرد ٦٤، نیک خواهی ٦۹، خواهنده ۸۸

~: مَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ (٤۰:۱۸)
خواهش گر ۲، پای مرد ٦٤، درخواست کننده ۱۰۳، خواهش کن ۱۱۰

بِشِقِّ: إِلَّا بِشِقِّ ٱلْأَنفُسِ (۱٦:۷)
رنج ۱، رَنج ۲، دشواری ۳، سختی ۵۳، دُشوَاری ۵۵، دشخواری ٦۳، رنج و دشواری ٦۷، کاهش ۸۸، رنج و سختی ۱۱٦

شَقًّا: ثُمَّ شَقَقْنَا ٱلْأَرْضَ شَقًّا (۸۰:۲٦)
شکافتن ۱، شکافانیدن ۸۰

شِقَاقٍ: وَّإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ (۲:۱۳۷)
نَاهموارِی ۲، نَاهُمواری ٤۲، پراکندگی ٦٤، ناسازی ۱۰۹

~: ٱلَّذِينَ ٱخْتَلَفُوا۟ فِى ٱلْكِتَٰبِ لَفِى شِقَاقٍۭ بَعِيدٍ (۲: ۱۷٦)
گم راهی ۲٤، گمراهی ٤۱، کوریهآ ۵۷، سختی دوری ۷٤، گمان ۸۸، گم رآهی ۹٤

~: وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا (٤: ۳۵)
بزرجستن ۱۰، جُدایی ۲۷، ناساخت ۳۸، دوگروهی ۳۹، ستیزه و بزرجستن ٤۰، گروه ۷۵، ناسازگاری ۱۰٦، جدایی ۱۰۹، ساخت ۱۳۵

~: وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَفِى شِقَاقٍۭ بَعِيدٍ (۲۲: ۵۳)
کژی ۲٤، بد کاری ۸۷، ناهموار ۱۲۸

~: بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فِى عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ (۳۸: ۲)
ناهمواری ۲، ناهمواری ۳۰، دشمنایگی ۳۹، نافرمانی ٤۲، دشمنایگی ٦۱، ستیزه ۹۵

~: مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِى شِقَاقٍۭ بَعِيدٍ (٤۱: ۵۲)
بد بختی ۱٦، بدْبخْتی ۲۲، کوری ۲٤

شِقَاقِی: وَيَٰقَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِىٓ (۱۱: ۸۹)
دشمنادگی ۲، دشمنی ۲٤، دشمنایگی ۳۰، رنج و سختی ٤۱، دشمنادگی ٤۹، دشمنانگی ۷٤، بی فرمانی ۷٦، دشمن داشتن ۷۹، دشمناگی ۹٦، ستیزه کاری ۱۱٦

ٱلشُّقَّةُ: وَلَٰكِنۢ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ ٱلشُّقَّةُ (۹: ٤۲)
سختی و راه دراز ۲، دوری رآه ۲۷، راه ۲۹، دوری راه ۳۰، راه بافتن بیابان ۳۸، رنج و سختی ٤۱، سختی ٤۲، رنج ٤۳، دورُی رآه ۵۵، دشواری ۵۸، رنج سفر دراز ۷۸، گران باری و رآه دار آن ۹٤، دشوآر ۱۰۰، راه دور ۱۰۳، دشوار ۱۱۲، گران باری و راه دراز ۱۲٤، گران باری ۱۲۷

شَقَقْنَا: ثُمَّ شَقَقْنَا ٱلْأَرْضَ شَقًّا (۸۰: ۲٦)
بشکافتیم ۱، شکافتیم ۳٤، بشکفانید یم ٤۱، شکافانید یم ۸۰، بشکافانید یم ۸۷، شکافتیم ما ۱۰۰، بشکافتیم ما ۱۱۳، بشکافانیم ۱۳٦

شَقُوا: فَأَمَّا ٱلَّذِينَ شَقُوا۟ فَفِى ٱلنَّارِ (۱۱: ۱۰٦)
گدبخت شدند[1] ۱، بدبخت گردند ۲، بدبخت شدند ۲۹، بدبخت ٤۱، بدبخت باشد ۵۳، بَدبَخت شُدَند ۵۵، بدبخت اند ۵۸، بدبخت باشند ٦۲، بدبخت گردند ۹٤، بدبخت شده اند ۱۲۲، بدبختی کردند ۱۲۹

شِقْوَتُنَا: قَالُوا۟ رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا (۲۳: ۱۰٦)
گدبختی[2] ۱، بَدبَختی ۲، بدبختی ۱۰۲، سختی ۱۲٤، بدبختیها ۱۲۹

شَقِيًّا: وَلَمْ أَكُنۢ بِدُعَآئِكَ رَبِّ شَقِيًّا (۱۹: ٤)
بدبختْ ۲، رنج بیننده ۳، بدبخت ۲٤، نَوْمید ٤۱، بی بهره و نااومید ۱۱۱، نامید و بی بهره ۱۱٦، نامید ۱۲۳

~: وَبَرًّۢا بِوَٰلِدَتِى وَلَمْ يَجْعَلْنِى جَبَّارًا شَقِيًّا (۱۹: ۳۲)
گدبخت ۱، بدبخت و رنجور ۵۹، گردنکش ۱۱۱

~: عَسَىٰٓ أَلَّآ أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّى شَقِيًّا (۱۹: ٤۸)
برنج افتاده ۳۹، نومید ٤۱، بدبخت رنجور ۵۹، نومید و بدبخت ٦٤، رنج شده ۹۱، بی بهره ۱۰۰

شَقِىٌّ: فَمِنْهُمْ شَقِىٌّ وَسَعِيدٌ (۱۱: ۱۰۵)
گدبخت ۱، بدبخت ۲، بَدبَختْ ۵۵

شَكٍّ: إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱخْتَلَفُوا۟ فِيهِ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ (٤: ۱۵۷)
گمامندی ۱، گمان ۲

~: بَلْ هُمْ فِى شَكٍّ مِّنْهَا ۖ بَلْ هُم مِّنْهَا عَمُونَ (۲۷: ٦٦)

---

۱. گدبخت شدند: بدبخت شدند.
۲. گ.بختی: بدبختی.

گُمان ۲

~: إِنَّهُمْ كَانُوا۟ فِى شَكٍّ مُّرِيبٍۭ (۳٤:٥٤)
گمان مندی ٦٥

شَكَرَ: وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِۦ (۲۷:٤۰)
سپاس داری کند ۵۸، سپاس کرد ۸۷

~: نِّعْمَةً مِّنْ عِندِنَا كَذَٰلِكَ نَجْزِى مَن شَكَرَ (٥٤:۳٥)
سپاس داشت ۳، سپاس داری کند ۳۰، آزادی کند ۳۹، سپاس دارد ۱۰۳، سپاس ورزد ۱۲۳، سپاس گزارده ۱۳۲

شُكْرًا: ٱعْمَلُوٓا۟ ءَالَ دَاوُۥدَ شُكْرًا (۳٤:۱۳)
سپاس ۳۰، سپاس داشتن ۳۸، سپاس داری ۳۹

شَكَرْتُمْ: إِن شَكَرْتُمْ وَءَامَنتُمْ (٤:۱٤۷)
سپاس داری کنید ۲، سپاس داریت ۳، سَپاس دَاری کنید ٤۲، سپاس دارید شما ۵۸

~: لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ (۱٤:۷)
سپاس دارید ۲، سپاس داری کنیت ٤۱، سِپَاسْ دَاریتْ ۵۵، سپاس داری کنیت و آزادی کنیت ۸۰

شَكْلِهِۦ: وَءَاخَرُ مِن شَكْلِهِۦٓ أَزْوَٰجٌ (۳۸:۵۸)
مانسته ۱، مانند ۳، مانَنده ۲۲، گونه ۱۰۹

شَكُورًا: إِنَّهُۥ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا (۱۷:۳)
سپاسْ دارْ ۲، سپاس دار ۲۹، نیک آزادی کننده ۳۰، سخت سپاس دار ٤۱، آزادی کننده ٤۹، سپاس کن ۵۳، سپاس دارنده ۵٦، سپاس دَار ۵۷، سَپاس دار ٦۲، نیک آزادی کننده و سپاس دارنده ۸۰، نیک ازادی کننند ۹۱، با سپاس ۱۰۳، بسیار سپاس دار ۱۰۹، سپاس گذار ۱۲۰، بسیار سپاس گذار ۱۲۷، پسندیده ۱۳۳، سپاس کننده ۱۳٦

شَكُورٍ: لَءَايَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۱٤:۵)
سپاسْ دار ۲، آزادی کننده ٤۹، سپاس گزار ۵۳، نیک سَپاس دَارَنده ۵۵، اسپاس دار ۵۷

~: إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۳۱:۳۱)
سپاس دار ۲، نیک سپاس دارنده ۳، سَپاس دار ۱۱۹، سپاس گزار ۱۲۲، سپاس گذار ۱۳۲

~: وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِىَ ٱلشَّكُورُ (۳٤:۱۳)
سپاس داران ۳۹، شکیبایان ٤۱

~: إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۳٤:۱۹)
سپاس دار ۳۸، سپاسدار ٤۷، سپاس کننده ۸۷، سپاس گوینده ۱۱٦

~: إِنَّهُۥ غَفُورٌ شَكُورٌ (۳٥:۳۰)
پاداش بسیار دهنده ۳، سپاس دارنده ۷، نیکی پذیرنده ۵۸، پاداش سپاس دهنده ۸۰، سپاس گذارنده ۱۳۲

~: إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ (۳٥:۳٤)
سپاس دار و پاداش کننده ۷۲، سپاس پذیرنده ۸۷، سپاسداری کننده ۹۹، سپاسدارنده ۱۳۱، پاداش کننده ۱۳۹

~: إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ (٤۲:۲۳)
پاداش بسیار دهنده ۳، سپاس دارد ۲٤، سپاس دارَنْده ۳۲، سخت سپاس دار ٤۱، سِپَاس دَار ۵۳، اندک پذیر و بسیار عطا ۷۹، سپاس پذیرنده ۸۷

~: وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَٱللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ (٦٤:۱۷)
پاداش دهنده ۳، پاداش دهنده سپاس ۸۰، پاداش دهنده بسیار ۹۱، سپاس دارنده ۱۰۰، اندک پذیر ۱۱۳، سپاس ده ۱۳۲

شُكُورًا: لِّمَنْ أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا (۲٥:٦۲)
سپاس داری ۲۹، سپاس داری کردن ۳۰، آزادی کردن ٤٦، سپاس داری کند ٦۱، سپاس کننده ۸۷، سپاسدار ۱۲۳، سپاس گذاری ۱۳۲

~: إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَآءً وَلَا شُكُورًا (۷٦:۹)

سپاس داشتن ۳، ستایش ۲٤، سپاس ۳۹، سپاس داشت ۹٤، سپاس داری ۱۱۱، سپاس گزار ۱۳۲

ٱلشَّمَائِلِ: عَنِ ٱلْيَمِينِ وَٱلشَّمَآئِلِ (۱٦:٤۸)
چپ دست ۱، چپها ۲، چپ ۲٤، دستهای چپ ۲۹، دست چپ ۳٤، چپها ۵۵، چپ ۵٦، سوی چپ ۱۲۱

شَمَائِلِهِمْ: وَعَنْ أَيْمَـٰنِهِمْ وَعَن شَمَآئِلِهِمْ (۱۷:۷)
چپ دست ۱، دستها چپ ۳، چپ ۲٤، دست چپ ۲۷، دست چپ ٤۵، دستهای چپ ۵۵، دستهاء چپ ۵۷، چپها ٦۱، دستهای چپ ۱۰۲، پهلوهای چپ ۱۲۲

ٱلشِّمَالِ: ذَاتَ ٱلْيَمِينِ وَذَاتَ ٱلشِّمَالِ (۱۸:۱۸)
چپ ۲، دستِ چپ ۵۵، پهلوی چپ ۱۱۹

~: جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ (۳٤:۱۵)
چپا ۹۸

~: إِذْ يَتَلَقَّى ٱلْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ ٱلْيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ قَعِيدٌ (۵۰:۱۷)
چپ دست ۱، چپ ۲

~: وَأَصْحَـٰبُ ٱلشِّمَالِ مَآ أَصْحَـٰبُ ٱلشِّمَالِ (۵٦:٤۱)
دست چپ ۲

بِشِمَالِهِ: وَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَـٰبَهُۥ بِشِمَالِهِۦ فَيَقُولُ يَـٰلَيْتَنِى (٦۹:۲۵)
دست چپ ۳

ٱلشَّمْسَ: يَأْتِى بِٱلشَّمْسِ مِنَ ٱلْمَشْرِقِ (۲:۲۵۸)
خرشید ۱، آفتاب ۲

~: هُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ ٱلشَّمْسَ ضِيَآءً (۱۰:۵)
آفتاب ۵۵

~: وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِى سَـٰجِدِينَ (۱۲:٤)
افتاب ۵۳

~: وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ (۱۳:۲)
آفتاب ۲

~: وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ دَآئِبَيْنِ (۱٤:۳۳)
روز ۵۹

~: أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِدُلُوكِ ٱلشَّمْسِ (۱۷:۷۸)
نیم روز ٦٤

~: خَلَقَ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ (۲۱:۳۳)
خرشید ٤۳

~: وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ (۳۱:۲۹)
خورشید ١٤

شَمْسًا: لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا (۷٦:۱۳)
آفتاب ٦۱، تبش آفتاب ۷۹، گرما ۱۰٦

شَنَـَٔانُ: وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَـَٔانُ قَوْمٍ (۵:۲)
دشمنای[1] ۱، دُشمناذگی ۲، دشمن داشتن ۳، دشمنی ۱۰، دشمانگی ۵۳، دُشمن داشتن ۵۵، دشمانگی ٦۱، دشمناذگی ٦۳، دشمنایکی ٦۹، دشمن داشت ۷۲، دشمناگی ۱۲۷

~: وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَـَٔانُ قَوْمٍ (۵:۸)
دشمن داری ۱۰، دشمنایگی ۳۰، بد بحتی ۳۱، دشمنایی ۳۸، دشمنادگی ٤۲، دُشمناذگی ۵۳، دُشمن داشتن ۵۵، بریدن ۵۷، دشمنادگی ٦۳، دشمنان ۹۱، دشمن ۱۲۹

شِهَابًا: فَمَن يَسْتَمِعِ ٱلْـَٔانَ يَجِدْ لَهُۥ شِهَابًا رَّصَدًا (۷۲:۹)
ستاره ۱، آتش فروزنده سوزنده ۲، ستاره چوب آتش ۳، زفانه پر آتش ٦، ستاره سوزان ۱۹، آتش افروزنده ۳۰، ستارهٔ سوزان ۳۹، ستاره اندازنده ٤۹، زفانه آتش ۵٦، آتش ۱۰۲، آتش سوزنده و

۱. دشمنای: دشمنی.

فروزنده ۱۰۸، ستاره روشن و آتشبار ۱۱۱، ستارهٔ آتش بار ۱۱٦، ستاره آتشبار ۱۲۰، پارهٔ آتش ۱۳۸، روشن ستاره ۱۳۹

شِهَابٌ: فَأَتْبَعَهُۥ شِهَابٌ مُّبِينٌ (۱۸:۱۵)
آتش زُبانه افروغته ۲، افروخته ۳۹، ستاره روشن ٤۱، آتش با زبانه ٤۲، سِتاره ۵۵، زبانهٔ آتش ۵۸، ستارهٔ روشن ٦٤، ستاره ۷۱، ستاره سوزان ۸۸، پاره از آتش ۱۰٦، آتش پاره ۱۰۹، استاره ۱۱۱، ارُتش ۱۱۳، ستاره ها ۱۱۸، زبانه آتش ۱۲٤

~: أَوْ ءَاتِيكُم بِشِهَابٍ قَبَسٍ (۷:۲۷)
اوروخته[1] ۱، افرازه ۳، آتش ۲۰، پاره ۲۹، روشنایی ۳٤، پاره آتش ۳٦، شعله ٤۱، بفروخته ٤۹، پَاره ۷٦، افروزه ۸۰، زبانه افروخته ۹۹، افراره ۱۱٤، پارهٔ آتش ۱۲۱، آتش افروخته ۱۲۹

~: إِلَّا مَنْ خَطِفَ ٱلْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُۥ شِهَابٌ ثَاقِبٌ (۱۰:۳۷)
ستاره ۱، سِتاره ۳، زبانه ٤۹، پارهٔ از آتش ۱۰۰، آتشی ستاره مانند ۱۲۰، تیر آتش ۱۲۲

شَهادَاتٍ: فَشَهَـٰدَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَـٰدَٰتٍۭ بِٱللَّهِ (٦:۲٤)
گوایی[2] ۱، سوگند ۲٤، گواهی ٤۳، گواه ٦۱، گواهان ۱۱٤ و ۱۳٤

بِشَهَادَاتِهِمْ: وَٱلَّذِينَ هُم بِشَهَـٰدَٰتِهِمْ قَآئِمُونَ (۳۳:۷۰)
گواییها ۱، گواهی ها ۳، گواهی ٦، گواهیها ۲۹، گواهی دادن ها ۹۲

ٱلشَّهَادَةُ: مِمَّن كَتَمَ شَهَـٰدَةً عِندَهُۥ (۱٤۰:۲)
گواهی ۳، گوآیی ۹٤

~: ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِندَ ٱللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَـٰدَةِ (۲۸۲:۲)
گواهی دادن ۲۵، گوای ۱۳۸

~: وَلَا تَكْتُمُوا۟ ٱلشَّهَـٰدَةَ (۲۸۳:۲)
گوایی ۱۰، گواإی ۲، گُوَاهیِ ۹٤

~: وَلَا نَكْتُمُ شَهَـٰدَةَ ٱللَّهِ إِنَّآ إِذًا لَّمِنَ ٱلْـَٔاثِمِينَ (۱۰٦:۵)
گوایِ ۱، گُواای ۲، گوای کنید ۹، گوای دادن ۵۳، گُوایِ ۹٤، گوآهی دادن ۱۰۰

~: ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَن يَأْتُوا۟ بِٱلشَّهَـٰدَةِ (۱۰۸:۵)
گوایی دادن ۹، سوگند ۲۹، کوائِ دَاذَن ۳۱، گُواهیِ ٤۲، گویی دادن ۹۱

~: قُلْ أَىُّ شَىْءٍ أَكْبَرُ شَهَـٰدَةً ۖ قُلِ ٱللَّهُ ۖ شَهِيدٌۢ (۱۹:٦)
گوایی دادن ۹، گُوایی دادن ۲۷، گُوای ۵۳

~: عَـٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَـٰدَةِ (۷۳:٦)
آشکار ۳، پیدَا ۲۷، آشکارا و پیدا ۵۸، پیدایی ۸۸، آشکاره ۱۱٤

~: إِلَىٰ عَـٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَـٰدَةِ (۹٤:۹)
آشکارا ۳، آشکارَا ۵۵

~: وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَـٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَـٰدَةِ (۱۰۵:۹)
دانسته ٤۹، اشکارا ۵۳، اوشکارا ۸۰، پیدایی ۹۷

~: عَـٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَـٰدَةِ (۹:۱۳)
اشکارا ۵۳، آشکَارَا ۵۵، اشکار ۹۱

~: عَـٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَـٰدَةِ فَتَعَـٰلَىٰ (۹۲:۲۳)
پیدا ۲، آشکارگی ۷۷

~: وَلَا تَقْبَلُوا۟ لَهُمْ شَهَـٰدَةً أَبَدًا (٤:۲٤)
گوااِی ۲، گواه ٤۷

~: فَشَهَـٰدَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَـٰدَٰتٍۭ بِٱللَّهِ (٦:۲٤)
گواهی دهد ۱۳۸

---

۱. اوروخته / افروخته.
۲. گوایی / گواهی.

~: ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَـٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَـٰدَةِ (٨:٦٢)
پیداییها ٣٠

~: عَـٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَـٰدَةِ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (١٨:٦٤)
آشکاران ١١٠

~: وَأَقِيمُوا۟ ٱلشَّهَـٰدَةَ لِلَّهِ (٢:٦٥)
گُوای ٢، گواهی دآدن ١٠٠

شَهَادَتُنَا: لَشَهَـٰدَتُنَآ أَحَقُّ مِن شَهَـٰدَتِهِمَا (١٠٧:٥)
سوگند ما ٣، گواهی ٣٧، گوایی، گُواهی دادن ٤٥، گواهی دادن ٥٦، گوایی ٩٤

شَهَادَتُهُمْ: سَتُكْتَبُ شَهَـٰدَتُهُمْ (١٩:٤٣)
گوای ١، گواهی ٣، گوایی ٨٠، گواهی دادن ٨١، گوآهی ١٠٠

شُهُبًا: مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا (٨:٧٢)
ستارگان ١، آتش اَفروزنده ٢، ستارگان که بشب روند ٣، زفانه پر آتش ٦، ستاره سوزان ١٩، ستارگان روشن ٢٤، آتش رونده ٣٠، ستارگان سوزان ٣٩، ستارگان روشن سوزنده ٤١، آتش بارها ٤٢، ستارگان اندازنده ٤٩، زفانها آتش ٥٦، زبانها آتش ٦١، ستارگانی که بشب روند چو آتش ٧٩، ستارگان بشب رونده چون آتش ٨٠، زبانهای آتش ٩٩، ستآرها ١٠٠، آتش پارهای روشن ١٠٩، ستارهای درخشنده ١١١، ستارگان شب روندهٔ چو آتش ١١٣، دوستارگان ١١٤، ستارگان آتش افشان ١١٦، ستارگان درخشنده ١٢٠، ستارگان جهنده ١٢٢، استارگان درخشنده ١٢٣، آتش فروزنده و اندازنده ١٢٤، ستاره های درافشان ١٢٦، پارهای آتش ١٣٤

شَهِدَ: فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ (١٨٥:٢)
اندریابد ٢٩، دریابد ٤٢، دریابد ٥٢، پیدا شود ٦١، برسد ١٢٤

~: شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ (١٨:٣)
دیدور کرد ١، گُوای داد ٢، گوایی داد ١٠، روشن گردانید ٢٥، گواهی داد ٢٧، گواهی داد ٤٢، پیدا کرد ٦٣، آگاهی داد ٦٤، گواه است ٦٩، روشن کرد ١٣٨

~: وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَآ (٢٦:١٢)
گُوای داد ٢، گُواهی داد ٥٥، گوآهی داد ١٠٠

~: شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَـٰرُهُمْ (٢٠:٤١)
گوای دهد ١، گوای دهد ٢، گُواهی دَهند ٢٢، گواهی دهدا ١١٤، گواهی دهند ١٣٨

~: إِلَّا مَن شَهِدَ بِٱلْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (٨٦:٤٣)
گواهی داد ٣، گوایی داده بود ٢٤، گواهی داده است ٦٤، گوآهی دهد ١٠٠، گواهی داده باشد ١٠٣

~: وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنۢ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ (١٠:٤٦)
گوای داد ١، گواهی دهد ٣٠

شُهَدَاءَ: أَمْ كُنتُمْ شُهَدَآءَ (١٣٣:٢)
پیدا شوندگان ٦١، بجای ١٠٥

~: لِّتَكُونُوا۟ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِ (١٤٣:٢)
گُواآن ٢، گواهان ٣، گواه ٢٤، گُوایان ٥٥، گواهآن ٩٤

~: وَلَا يَأْبَ ٱلشُّهَدَآءُ إِذَا مَا دُعُوا۟ (٢٨٢:٢)
گوایان ٢، گواهآن ٥٠، گوان ١٣٨

~: لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنْ ءَامَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنتُمْ شُهَدَآءُ ۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَـٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (٩٩:٣)
کواهان ٩٦

~: وَٱلصِّدِّيقِينَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَٱلصَّـٰلِحِينَ (٦٩:٤)
کشته شدگان درراه خدای ٣، کشتگان درراه خدای ٥٢، کشتگان ٥٨، کشته شده گان درراه خدای ٩١، کشته شدگان درراه خدا ٩٧، کشته شدگان ١١٤، کشتگان درراه خدا ١٣٠

~: كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ (٤:١٣٥)
گواان ٥٣، گواهی ٥٨

~: كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ (٥:٨)
گوهان ١، گُوایان ٢، گُوایانْ ٥٣

~: وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ (٥:٤٤)
گواهان ٣٧، گُوایانْ ٥٣، گواهی دهند گان ٦١

~: وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ (٢٢:٧٨)
گوا آن ٢

~: ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً (٢٤:٤)
گوه[1] ١، گوا ٢

شُهَدَاءَ كُمْ: وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ (٢:٢٣)
گُوا آن ٢، گُوایَان ٥٥، یاران ١٠٢، خدایان ١٠٧، دَانا آن و گوا آن و سخن گویان ١٢٦، مددکاران ١٣١

~: قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ (٦:١٥٠)
گوهان ١، گوایان ٢، گوایان ١٠، گواهان ٢٩، گواان ٥٣

شَهِدْتُمْ: لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا (٤١:٢١)
گوای دادید ١، گوایِ دَادید ٢، گواهی دادیت ٣، همی گواهی دهید شما ٢٢، گواهی دهید ٢٤، گواهی دادید ٣٩، گواهی دادید شما ٤٢

شَهِدْنَا: قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا (٦:١٣٠)
گوای دادیم ١، گوایی دادیم ١٠، گواه دادیم ٢٩، گواهی همی دَهیم ٤٢، گُوایی دادیم ما ٥٥، گواهی می دهیم ما ٦٤، گوائی دهیم ٨٨، گواهی دهیم ما ٩٠، گواهی داریم ٩٤، گواهی همی دهیم ١٠٥، گوای دهیم ١٠٧، گواهی میدهیم ١١١

~: أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا (٧:١٧٢)
گواهی دادیم ٣، بدانستیم ٢٤، گواهی دادیم ما ٣٢، گواه شدیم ٤٢، گواهی می دهیم ٤٨، گواه گشتیم ٥٢، گوآهی دآدیم ما ١٠٠، گواهی دهیم ١٢١

~: ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا (٢٧:٤٩)
گواهی بدادیم ٤٣

★ مَا شَهِدْنَا: وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا (١٢:٨١)
گوای ندادیم ١، ما گوا ای ندهیم ٢، گواهی نمی دهیم ٣، گواهی ندادیم ما ٥، ما گواهی ندهیم ٤٢، گوای ندهیم ما ٥٣، ما گواهی نمی دهیم ٦٤، ما گُواهی نَدِهیم ٧٦، گواهی نمیدهیم ٩٣، گواهی نمیدهیم ما ١٠٠، گواهی ندهیم ما ١٠٣، ما گواهی نمیدهیم ١١١، گواهی ندهیم ١١٤

شَهِدُوا: وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ (٣:٨٦)
گوای دادند ١، گوایی داده باشند ١٠، گواهی داده ١٣، گواهی داده باشند ٦٢، گواه شدند ٨٨، گواهی دادن ٩٦، گوآهی دادند ١٠٠، گواهی دادهاند ١٢٧

~: فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ (٤:١٥)
گواهی دهند ٣، گواهی بدهند ٢٩، گوایی دهند ٥٣، گُوایی بَدهَند ٥٥، گوایی بدهند ٦٢، گواهی دهید ٧٦، گوآهی دهند برشما ١٠٠

~: وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ (٦:١٣٠)
گُوایِ دَادَند ٢، گواهی دادند ٣، گوای دَادَنْد ٥٣، گُوایی دَهند ٥٥، گواهی میدادند ١٣٠

~: فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ (٦:١٥٠)

---

١. گوه / گواه.

گوای دهند ۲، ایشان گوایی دهند ۱۰، گوآهی دهند ۱۰۰

~: قَالُوا۟ ضَلُّوا۟ عَنَّا وَشَهِدُوا۟ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ (۳۷:۷)
گوای دهند ۱، گواهی میدهند ۱۳۵

ٱلشَّهْرُ: شَهْرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِىٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلْقُرْءَانُ (۱۸۵:۲)
ماه ۲، ماه ۵۵

~: يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلشَّهْرِ ٱلْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ (۲۱۷:۲)
مایگان[1] ۱، ماه ۲

~: جَعَلَ ٱللَّهُ ٱلْكَعْبَةَ ... وَٱلشَّهْرَ ٱلْحَرَامَ (۹۷:۵)
مانگان[2] ۳۷، ماهها ۱۰۰، ماهها ۱۳۸

~: وَلِسُلَيْمَٰنَ ٱلرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ (۱۲:۳٤)
چند یک ماه ۱۸، یک ماهه ۲٤، یکماهه ۱۰۸

★ ٱلشَّهْرُ ٱلْحَرَامُ: ٱلشَّهْرُ ٱلْحَرَامُ بِٱلشَّهْرِ ٱلْحَرَامِ (۱۹٤:۲)
ماه شکوهمند ۱۰۹

شَهْرًا: عِندَ ٱللَّهِ ٱثْنَا عَشَرَ شَهْرًا (۳٦:۹)
ماه ۱۰

~: وَحَمْلُهُۥ وَفِصَٰلُهُۥ ثَلَٰثُونَ شَهْرًا (۱۵:٤٦)
مایگان ۱

شَهْرَيْنِ: فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ (۹۲:٤)
دومایگان ۱، دوماه ۲، دوماه ۳، دوماه ۲۷، دوماه ۱۳۸

ٱلشَّهَوَاتِ: زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ ٱلشَّهَوَٰتِ (۱٤:۳)
آرزوها ۲، آرزوها ۵۵، آرزوها و کام دل ٦۳، آرزوهاء ۹۰

~: وَيُرِيدُ ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلشَّهَوَٰتِ (۲۷:٤)
آرزوها و خوشیها ۲۷، آرزوها ۵۵، آرزوها و کام تن ها ٦۷، کامها و آرزوها ۱۰۲، خواهشها ۱۲۷

~: أَضَاعُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّبَعُوا۟ ٱلشَّهَوَٰتِ (۵۹:۱۹)
آرزوها ۲، ارزوها ۵۳، کامها ۱۲۹

شَهْوَةً: إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ ٱلرِّجَالَ شَهْوَةً (۸۱:۷)
آرزو ۲، آرزوی ۲۹، آرزوبـــردن ۳۹، آرزوی دل ٤۳، آرزو ۵۵، ارزو ٦۹

~: أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ ٱلرِّجَالَ شَهْوَةً (۵۵:۲۷)
خوشی ۳۹، خواهش ۱۳۲

شُهُودًا: إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا (٦۱:۱۰)
گواه ۱، گوایان ۲، گوایان ۱۳، گواه ۲۷، گواهان ۲۹، گواوُدانا ۵۵، گوهان ۵۷، گواهان - نگاهبانان ٦۷، گویان ۹۱، گواهان یا نگهبانان ۱۰٦

~: وَبَنِينَ شُهُودًا (۱۳:۷٤)
بجایگاه رسیده ۳۰، گواهی دهان ۳۹، گواهآن ۱۰۰، جایگاه ۱۰۸

شُهُودٌ: وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِٱلْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (۷:۸۵)
گوایان ۲، گواه ۲۹، گواهان ۳۰، گواهی دهندگان ۱۱٦

ٱلشُّهُورِ: إِنَّ عِدَّةَ ٱلشُّهُورِ عِندَ ٱللَّهِ (۳٦:۹)
مایگانها ۱، ماهها ۲، ماهها ۵۵، ماههاء ۹۰، ماها ۱۱۳، ماه ها ۱۲۷

شَهِيدًا: وَيَكُونَ ٱلرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا (۱٤۳:۲)
گوا ۲

~: ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدًا (۳۳:٤)
دانا اوُگواه ۱۰، گواه و دانا ۲۷

---

۱. مایگان: ماه.

۲. مانگ: ماه و خورشید.

~: إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا (۷۲:٤)
دستادست ۱۰۹

~: وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا (۷۹:٤)
بگواهی ۲۷، راست گوی ٦۲

~: وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا (۱٦٦:٤)
گُواه ٤٥، گواه شدن ۱۳٦

~: وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ (۱۱۷:۵)
گواه ۱، گوای ۵۳، گواهی دهنده ٦۱

~: وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا (۸٤:۱٦)
پیغامبر ۵۸

~: وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا (۸۹:۱٦)
گوه[1] ۱، گواهی ده ۲٤، پیغامبر و گواه ۵۸

~: وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا (۷۵:۲۸)
گوا ۲، گواهان ٦۱

~: إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (۵۵:۳۳)
گواه و آگاه ٦٤

~: كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ (۸:٤٦)
گوای[2] ۲۲

شَهِیدٌ: وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ (۲۸۲:۲)
گُوا ۲، گواه ۳، گواهان ٦٤، گواهی دهنده ۹۱، گوآه ۱۰۰

~: وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ (۹۸:۳)
گوه[1] ۱، گوای[2] ۹۱

~: فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ (٤۱:٤)
گواهی دهند ٤۰

~: وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ (۲۱:۵۰)
گواهی دهند ۱۳۸

~: وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (٦:۵۸)
گوا[2] ۲

~: وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۹:۸۵)
نگاهبان ۱۳۹

شَهِیدَیْن: شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ (۲۸۲:۲)
دوگوه[1] ۱، دوُ گُوا[2] ۲، دوگواه ۳، دوگوا[2] ۱۰، دوگواه نر ٤۱، دُو گُواه ۵۵، دوگُوَا[2] ٦۳، دوگواهآن ۱۰۰

شَهِیقًا: إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ (۷:٦۷)
خنک زدن[3] ۱، دمیدن ۲، بانگ همچو بانگ خر ۳، مالیدن و چنگ زدن ۱۹، بانگ سهمکن ۲٤، بانگ ۳۰، بانگ خر ۳٤، آواز ۳٦، خریشیدن ۳۹، آوازی چون آواز خر ٤۹، بانگی بیمناک همچو بانگ خر ۸۰، بانگ دوزخ ۸٤، خروشیدن ۸۸، نالیدن و چنگ زدن ۹٤، آواز بانگ خر ۱۰۲، آوازی مانند آواز درازگوش ۱۰۳، بانک ۱۰٦، نرّست ۱۰۹، بانگ بیم ناک ۱۱٤، آوازی همچو آواز دراز گوش ۱۱٦، آوازی همیشه ۱۱۹، آوازهای ناخوش ۱۲۲، آواز خر ۱۲٦، آوازی مانند آواز خر ۱۳۰، آوازهای ناخوش ۱۳۲، خربانگ ۱۳٦

شَهِیقٌ: لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ (۱۰٦:۱۱)
خنک زدن ۱، خروشْ ۲، بانگ بادم فرورفتن ۳، بانگ خر ۲٤، آواز کردن ۲۹، دم فرورفتن ۳۰،

---

۱. گوه / گواه.
۲. گوای / گوا / گواه.
۳. خنک زدن: نالش و خروش و بانگ خر.

بانگ ۳٤، نالیدن زار ٤١، بانگ باشد چنانکه بانگ آخر خَر ٤٢، آخر بانگ خر ٤٩، خروش ٥٢، بانگ با دم فرورفتن ٥٥، بانگ کردن پسین بانگ خر ٥٦، آواز خر در گلو ٥٩، بانگ بلند ٦٢، چنگ زدن ٧٢، بانگ زدن ٧٥، آوازها ٧٦، بانگی بادم فرورفتن ۸۰، بانگ بلند ۸۸، بانگی تا دم فرورفته ۹۱، نالیدن ۹٥، خَرْوَشْ ۹۸، آخرین بانگ خر ۹۹، آواز ۱۰٦، بانک بکشد بادم ۱۱۹، فریاد ۱۲۱، ناله نزار ۱۲۲، ناله زار ۱۲۳

شُوَاظٌ: يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ (٥٥:٣٥)
بژدر[1] ۱، زفانه ۲، زبانه ۳، پاره ٢٤، آتش بی دود ۳۰، زفانه ٣٤، شرربی فروغ ٤١، زفانها ٤٩، زبانهٔ بی دود ٥٦، زبانهٔ آتش ٦۹، آتش ۷۸، براز ۸۱، زنجه ۸۹، زبانه و زنجه ۱۰۰، زبانه آتش ۱۰٤، بی دود ۱۰۸، زبانه سوزان ۱۱۱، براز کها ۱۱۷، زبانه ۱۲۲، زبانها ۱۲٦

لَشَوْبًا: ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ (٣٧:٦٧)
آمیزشت ۱، آمیزش ۲، بَرآمیخته ۲۲، آمیختن ۲۹، آمیختگی ٤٢، آمیخته ٤٨، آمیزشها ٦۱، امیزش ٦٩، برآمیخته ۹٤، بیندن ۱۱۳، آشامیدن ۱۳۸

شُورَى: وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ (٤٢:٣٨)
رای زدن ۱۰۸، کنکاش ۱۰۹

ٱلشَّوْكَةِ: وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ ٱلشَّوْكَةِ (٨:٧)
تیزی ۳۰، نیرو ٤١، سختی ٤٣، دشواری ٥٦، دشخواهری ٦٥، ساز جنگ ۱۰۹، کاروان ۱۱۱، توانایی ۱۲٤

لِلشَّوَىٰ: كَلَّآ إِنَّهَا لَظَىٰ نَزَّاعَةً لِّلشَّوَىٰ (٧٠:١٦)
پوست ۱، کرانها ۳، پوستهای سر ٦، سرسوی سروریش ۱۹، اندامها ٢٤، پوست سر ۲۹، پوست روی ٤٣، اندام ۹۰، روی پوست ۱۳۸

ٱلشَّيَاطِينُ: وَٱتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا ٱلشَّيَاطِينُ (٢:١٠٢)
دیوان ۲، دَیوان ٥٥، دیو آن ۹٤

~: كَٱلَّذِى ٱسْتَهْوَتْهُ ٱلشَّيَاطِينُ (٦:٧١)
دیوان ۲، غولان ۱۲۲

~: لِكُلِّ نَبِىٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ ٱلْإِنسِ وَٱلْجِنِّ (٦:١١٢)
دیو ۲۷، دَیو ٥٥، سرکشان ۱۲۰، گردن کشان ۱۲۳

~: إِنَّا جَعَلْنَا ٱلشَّيَاطِينَ أَوْلِيَآءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (٧:٢٧)
دَیوان ۱۰

~: وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ ٱلشَّيَاطِينِ (٢٣:٩٧)
دیوها ٤٧

~: وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ ٱلشَّيَاطِينُ (٢٦:٢١٠)
دیوان ۱

~: هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ ٱلشَّيَاطِينُ (٢٦:٢٢١)
دیوان سرکش ۱۱۱

~: طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ ٱلشَّيَاطِينِ (٣٧:٦٥)
ماران ۳

شَيَاطِينِهِمْ: وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ (٢:١٤)
همسران ٤٨، دیو مردم ٥٠، دِیوان ٥٥، دیوان ٥٧، دیو مَرْدُم ٩٤، دیوان ـ سروران ۱۰۱، مهتران ۱۰٦، پیشوایان ۱۲۲

شَيْئًا: وَٱتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِى نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا (٢:٤٨)
هیچیز ٤، هَیچیز ٥٥

~: أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (٧:١٩١)

---

۱. بژدر: زبانه‌ای بی دود؛ پاره آتش.
* کذا در متن اصلی بدون نقطه.

چیز ۱، کار ۵۲

~: يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَن مَّوْلًى شَيْئًا (٤٤:٤١)

چیز ۲، هیچ چیز ۸٦

شَيْءٍ: إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٢:٢٠)

چیز ۵۵، چیزها ۱۲۳

~: إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٣:١٦٥)

چیز ۲

~: وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَيْءٍ (٨:٤١)

خواسته ۲۷

~: وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٨:٤١)

چیزها ۲۷

~: وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (٢٤:٣٥)

چه ۴۷

~: قَدْ جَعَلَ ٱللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (٦٥:٣)

چیز ۱

شَيْبًا: وَٱشْتَعَلَ ٱلرَّأْسُ شَيْبًا (١٩:٤)

پیری ۱، سپید ۲، سپیدی ۲۴، سپید مویی ۲۹، پیر شدن ۹۲، سفید ۱۰٦، سپیدی موی ۱۰۹، موی سفید ۱۳۲

شِيبًا: يَجْعَلُ ٱلْوِلْدَٰنَ شِيبًا (٧٣:١٧)

سپید سران ۳، سپید سار ٦، سرسپید ۱۹، سپید مویی ۲٤، پیر ۲۹، سفید سران ۳۰، سپید سَر ٤۲، پیران ٤۳، سپید سر ٤۸، سپیدی ۸۸، پیر سفید ۹٤، پیر سرسفید ۱۰۰، سپید پیر ۱۰۸، سپید مویان ۱۰۹، سپید سران پیر ۱۱٤، پیر سفید موی ۱۱۹، سپید سر و پیر ۱۲۱، سفید سَر ۱۲٤، سپید سر و پیر آسا ۱۳۸

وَشَيْبَةً: قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً (٣٠:٥٤)

پیری ۱، پیری ۲، پیر ٦٤

شِيَةَ: وَلَا تَسْقِى ٱلْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شِيَةَ فِيهَا (٢:٧١)

نشان ۳، رنگ ۱۰، یک رنگ و یک لخت ۱۳، چیز ۵۰، یک رنگ ۵۵، رنگ دیگر ۵۷، نشانی ۸۰، گونه ۹۰، یک رنگ دیگر ۹۸، رنگی دیگر ۱۲۱

شَيْخًا: ءَأَلِدُ وَأَنَا۠ عَجُوزٌ وَهَٰذَا بَعْلِى شَيْخًا (١١:٧٢)

پیر ۱، پیرمرد ۳٤، پیر مَرْد ۵۳، پیر مَرد ٦۲، پیر گشته ۹٤، مرد پیر ۱۱٤، بزرگ سال ۱۲۳

~: قَالُوا۟ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْعَزِيزُ إِنَّ لَهُۥٓ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا (١٢:٧٨)

پیر ۲، پیر ۵۵، بزرگ ۱۰٦

شَيْخٌ: وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ (٢٨:٢٣)

پیر ۱، پیرک ۹۰، پیر کهنسال ۱۱٦

ٱلشَّيْطَٰنُ: فَأَزَلَّهُمَا ٱلشَّيْطَٰنُ عَنْهَا (٢:٣٦)

دیو ۲، دیو ۵۵

~: وَلَا تَتَّبِعُوا۟ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَٰنِ (٢:١٦٨)

دیو ۲

~: كَمَا يَقُومُ ٱلَّذِى يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيْطَٰنُ (٢:٢٧٥)

دَیو ۱۰

~: وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ (٧:٢٠٠)

دَیوان ۵۵

~: وَيُذْهِبَ عَنكُمْ رِجْزَ ٱلشَّيْطَٰنِ (٨:١١)

دیو ۱، دیو رانده ٤۱

~: وَقَالَ ٱلشَّيْطَٰنُ لَمَّا قُضِىَ ٱلْأَمْرُ (١٤:٢٢)

ابلیس ۵۳، دیو ۵۵

~: فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ ٱلشَّيْطَٰنُ (٢٠:١٢٠)

دیورانده سرکش ۱۱۱

~: ٱلشَّيْطَٰنُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ (٣١:٢١)

دیوان ٦۱

~: ٱلشَّيْطَٰنُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ (٤٧:٢٥)

دیوسرکش ۱۱۱

شَیْطَانًا: یَدْعُونَ إِلَّا شَیْطَانًا مَرِیدًا (۴:۱۱۷)
دیو ۱، دیوان ۲۹، رَمندَه ۴۲

شِیَع: أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِی شِیَعِ الْأَوَّلِینَ (۱۵:۱۰)
گُرهها ۱، گُروهان ۲، گروهها ۳، گروهان ۳۹، گروه ۴۳، گُروهها ۵۳، گُروهَها ۵۵، گورها[1] ۱۱۳، گروه‌ها ۱۲۸

شِیَعًا: أَوْ یَلْبِسَكُمْ شِیَعًا وَیُذِیقَ بَعْضَكُم بَأْسَ بَعْضٍ (۶:۶۵)
پَراکند گی ۲، گروهان ناهم دل ۳، دو گروه ۲۷، پراکند گی ۴۲، گرُوهِهَا ۵۳، گرُوهَان نَاهَم دل ۵۵

~: إِنَّ الَّذِینَ فَرَّقُوا دِینَهُمْ وَكَانُوا شِیَعًا (۶:۱۵۹)
گرهها ۱، گُروه گرُوه ۲، گروه گروه ۱۰، پراکنده ۲۷، گروها گروه ۴۴، گروهان نه هم دل ۸۰، پی روان ۹۶، گروهآن ۱۰۰، گروها ۱۱۱، گروههای پراکنده ۱۲۷

~: وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِیَعًا (۲۸:۴)
چند گروه ۳۴، گروه ۴۳، پی گیر ۵۲، گُروهَان ۵۳

~: وَكَانُوا شِیَعًا (۳۰:۳۲)
گروهان ۳، چند ین گروه ۶۲

شِیعَةٍ: ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِیعَةٍ (۱۹:۶۹)
گره ۱، گروه ۲

شِیعَتِهِ: فَوَجَدَ فِیهَا رَجُلَیْنِ یَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِن شِیعَتِهِ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ (۲۸:۱۵)
گره ۱، دوست داران ۲، گروه ۲۱، پس روان ۲۹، یاران ۵۸، دوستداران ۹۴، گروه و هوادار ۱۰۹، دوستاران ۱۲۸

~: وَإِنَّ مِن شِیعَتِهِ لَإِبْرَاهِیمَ (۳۷:۸۳)
سپس رو ۳۳، پس رَوان ۴۲، پی گیران ۹۶، پی روان ۱۰۲، پیرویان ۱۱۱، پیروان ۱۱۶، هم دینان ۱۱۷، پس آمده ۱۲۹

شُیُوخًا: ثُمَّ لِتَكُونُوا شُیُوخًا (۴۰:۶۷)
پیران ۱، پیر ۶۱

---

۱. گورها: تصحیفی است از «گروها».